قوانین کیفری

قوانین و مقررات کشور

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان


بسم الله الرحمن الرحیم

قوانین کیفری (قوانین و مقررات کشور)

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
قوانین کیفری (قوانین و مقررات کشور) ----- ۲۵
مشخصات کتاب ----- ۲۵
قوانین کیفری ----- ۲۵
۱- مجازات و دادرسی ----- ۲۵
۱- قانون مجازات اسلامی ----- ۲۵
۱- کتاب اول کلیات ----- ۲۵
باب اول ـ مواد عمومی ----- ۲۵
باب دوم ـ مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی ----- ۲۶
فصل اول ـ مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی (ماده ۱۲ تا ۲۱) ----- ۲۶
فصل دوم ـ تخفیف مجازات (ماده ۲۲ تا ۲۴) ----- ۲۷
فصل سوم ـ تعلیق اجرای مجازات (ماده ۲۵ تا ۳۷) ----- ۲۸
فصل چهارم ـ آزادی مشروط زندانیان (ماده ۳۸ تا ۴۰) ----- ۲۹
باب سوم ـ جرایم ----- ۲۹
فصل اول ـ شروع به جرم (ماده ۴۱) ----- ۲۹
فصل دوم ـ شرکاء و معاونین جرم (ماده ۴۲ تا ۴۵) ----- ۳۰
فصل سوم ـ تعدد جرم (ماده ۴۶ و ۴۷) ----- ۳۰
فصل چهارم ـ تکرار جرم ماده ۴۸) ----- ۳۰
باب چهارم ـ حدود مسؤولیت جزایی (ماده ۴۹ تا ۶۲) ----- ۳۱
۲- کتاب دوم ـ حدود ----- ۳۲
باب اول ـ حد زنا ----- ۳۲
فصل اول ـ تعریف و موجبات حد زنا ----- ۳۲
فصل دوم ـ راههای ثبوت زنا در دادگاه ----- ۳۳

فصل سوم ـ اقسام حد زنا ---- ۳۳
فصل چهارم ـ کیفیت اجرای حد ---- ۳۴
باب دوم ـ حد لواط ---- ۳۵
فصل اول ـ تعریف و موجبات حد لواط ---- ۳۵
فصل دوم ـ راههای ثبوت لواط در دادگاه ---- ۳۵
باب سوم ـ مساحقه ---- ۳۵
باب چهارم ـ قوادی ---- ۳۶
باب پنجم ـ قذف ---- ۳۶
باب ششم ـ حد مسکر ---- ۳۷
فصل اول ـ موجبات حد مسکر ---- ۳۷
فصل دوم ـ شرایط حد مسکر ---- ۳۷
فصل سوم ـ کیفیت اجرای حد ---- ۳۸
فصل چهارم ـ شرایط سقوط حد مسکر یا عفو از آن ---- ۳۸
باب هفتم ـ محاربه و افساد فی‌الارض ---- ۳۸
فصل اول ـ تعاریف ---- ۳۸
فصل دوم ـ راههای ثبوت محاربه و افساد فی‌الارض ---- ۳۹
فصل سوم ـ حد محاربه و افساد فی‌الارض ---- ۳۹
باب هشتم ـ حد سرقت ---- ۳۹
فصل اول ـ تعریف و شرایط ---- ۳۹
فصل دوم ـ راههای ثبوت سرقت ---- ۴۰
فصل سوم ـ شرایط اجرای حد ---- ۴۰
فصل چهارم ـ حد سرقت ---- ۴۰
۳- کتاب سوم ـ قصاص ---- ۴۰
باب اول ـ قصاص نفس ---- ۴۰

فصل اول ـ قتل عمد ----- ۴۰
فصل دوم ـ اکراه در قتل ----- ۴۱
فصل سوم ـ شرکت در قتل ----- ۴۱
فصل چهارم ـ شرایط قصاص ----- ۴۱
فصل پنجم ـ شرایط دعوی قتل ----- ۴۲
فصل ششم ـ راههای ثبوت قتل ----- ۴۲
اشاره ----- ۴۲
مبحث اول ـ اقرار ----- ۴۲
مبحث دوم ـ شهادت ----- ۴۳
مبحث سوم ـ قسامه ----- ۴۳
فصل هفتم ـ کیفیت استیفای قصاص ----- ۴۴
باب دوم ـ قصاص عضو ----- ۴۵
فصل اول ـ تعاریف و موجبات قصاص عضو ----- ۴۵
فصل دوم ـ شرایط و کیفیت قصاص عضو ----- ۴۶
۴- کتاب چهارم ـ دیات ----- ۴۷
باب اول ـ تعریف دیه و موارد آن ----- ۴۷
باب دوم ـ مقدار دیه قتل نفس ----- ۴۷
باب سوم ـ مهلت پرداخت دیه ----- ۴۸
باب چهارم ـ مسؤول پرداخت دیه ----- ۴۸
باب پنجم ـ موجبات ضمان ----- ۴۹
باب ششم ـ اشتراک در جنایت ----- ۵۰
باب هفتم ـ تسبیب در جنایت ----- ۵۱
باب هشتم ـ اجتماع سبب و مباشر یا اجتماع چند سبب ----- ۵۲
باب نهم ـ دیه اعضاء ----- ۵۳

اشاره ----- ۵۳
فصل اول ـ دیه مو ----- ۵۳
فصل دوم ـ دیه چشم ----- ۵۳
فصل سوم ـ دیه بینی ----- ۵۳
فصل چهارم ـ دیه گوش ----- ۵۴
فصل پنجم ـ دیه لب ----- ۵۴
فصل ششم ـ دیه زبان ----- ۵۴
فصل هفتم ـ دیه دندان ----- ۵۵
فصل هشتم ـ دیه گردن ----- ۵۵
فصل نهم ـ دیه فک ----- ۵۵
فصل دهم ـ دیه دست و پا ----- ۵۶
فصل یازدهم ـ دیه ناخن ----- ۵۶
فصل دوازدهم ـ دیه ستون فقرات ----- ۵۶
فصل سیزدهم ـ دیه نخاع ----- ۵۶
فصل چهاردهم ـ دیه بیضه ----- ۵۶
فصل پانزدهم ـ دیه دنده ----- ۵۷
فصل شانزدهم ـ دیه استخوان زیر گردن ----- ۵۷
فصل هفدهم ـ دیه نشیمن‌گاه ----- ۵۷
فصل هجدهم ـ دیه استخوانها ----- ۵۷
فصل نوزدهم ـ دیه عقل ----- ۵۷
فصل بیستم ـ دیه حس شنوایی ----- ۵۸
فصل بیست و یکم ـ دیه بینایی ----- ۵۸
فصل بیست و دوم ـ دیه حس بویایی ----- ۵۸
فصل بیست و سوم ـ دیه چشایی ----- ۵۹

فصل بیست و چهارم ـ دیه صوت و گویایی ---------- ۵۹
فصل بیست و پنجم ـ دیه زوال منافع ---------- ۵۹
باب دهم ـ دیه جراحات ---------- ۵۹
فصل اول ـ دیه جراحت سر و صورت ---------- ۵۹
فصل دوم ـ دیه جراحتی که به درون بدن انسان وارد می‌شود ---------- ۶۰
فصل سوم ـ دیه جراحتی که در اعضای انسان فرومی‌رود ---------- ۶۰
باب یازدهم ـ دیه جنایتی که باعث تغییر رنگ پوست یا تورم می‌شود ---------- ۶۰
باب دوازدهم ـ دیه سقط جنین ---------- ۶۰
باب سیزدهم ـ دیه جنایتی که بر مرده واقع می‌شود ---------- ۶۱
۵- کتاب پنجم تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده ---------- ۶۱
فصل اول جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور ---------- ۶۱
فصل دوم ـ اهانت به مقدسات مذهبی و سوء قصد به مقامات داخلی ---------- ۶۳
فصل سوم ـ سوء قصد به مقامات سیاسی خارجی ---------- ۶۳
فصل چهارم ـ تهیه و ترویج سکه قلب ---------- ۶۳
فصل پنجم ـ جعل و تزویر ---------- ۶۴
فصل ششم ـ محو یا شکستن مهر و پلمپ و سرقت نوشته‌ها از اماکن دولتی ---------- ۶۶
فصل هفتم ـ فرار محبوسین قانونی و اخفای مقصرین ---------- ۶۶
فصل هشتم ـ غصب عناوین و مشاغل ---------- ۶۷
فصل نهم ـ تخریب اموال تاریخی فرهنگی ---------- ۶۸
فصل دهم ـ تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی ---------- ۶۹
فصل یازدهم ـ ارتشاء و ربا و کلاهبرداری ---------- ۷۰
فصل دوازدهم ـ امتناع از انجام وظایف قانونی ---------- ۷۱
فصل‌سیزدهم ـ تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت ---------- ۷۲
فصل چهاردهم ـ تمرد نسبت به مأمورین دولت ---------- ۷۳

فصل پانزدهم ـ هتک حرمت اشخاص ----- ۷۳

فصل شانزدهم ـ اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرایم ----- ۷۳

فصل هفدهم ـ جرایم علیه اشخاص و اطفال ----- ۷۳

فصل هجدهم ـ جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی ----- ۷۵

فصل نوزدهم جرایم بر ضدحقوق و تکالیف خانوادگی ----- ۷۶

فصل بیستم ـ قسم و شهادت دروغ و افشای سر ----- ۷۷

فصل بیست و یکم ـ سرقت و ربودن مال غیر ----- ۷۷

فصل بیست و دوم ـ تهدید و اکراه ----- ۷۸

فصل بیست و سوم ـ ورشکستگی ----- ۷۹

فصل بیست و چهارم ـ خیانت در امانت ----- ۷۹

فصل بیست و پنجم - احراق و تخریب و اتلاف اموال و حیوانات ----- ۷۹

فصل بیست و ششم ـ هتک حرمت منازل و املاک غیر ----- ۸۰

فصل بیست و هفتم ـ افترا و توهین و هتک حرمت ----- ۸۱

فصل بیست و هشتم ـ تجاهر به استعمال‌مشروبات‌الکلی و قماربازی و ولگردی ----- ۸۲

فصل بیست و نهم ـ جرایم ناشی از تخلفات رانندگی ----- ۸۳

۲- قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب ----- ۸۴

باب اول کشف جرم و تحقیقات مقدماتی ----- ۸۵

فصل اول ضابطین دادگستری و تکالیف آنان ----- ۸۵

فصل دوم اختیارات دادرس دادگاه و قاضی تحقیق ----- ۸۶

مبحث اول ـ شروع به رسیدگی و قرار بازداشت ----- ۸۶

مبحث دوم ـ رد دادرسان و قضات تحقیق ----- ۸۸

مبحث سوم ـ صلاحیت دادگاه ----- ۸۸

مبحث چهارم ـ احاله ----- ۸۹

مبحث پنجم ـ شروع و کیفیت تحقیقات ----- ۸۹

مبحث ششم ـ معاینه محل و تحقیقات محلی ---- ۹۰

فصل سوم تفتیش و بازرسی منازل و اماکن و کشف آلات و ادوات جرم ---- ۹۲

فصل چهارم بازجویی و اخذ تأمین ---- ۹۳

مبحث اول ـ احضار و بازجویی متهم ---- ۹۳

مبحث دوم ـ قرار تأمین ---- ۹۴

فصل پنجم شاهد، شهادت جرح و تعدیل شهود ---- ۹۶

مبحث اول ـ احضار شهود تحقیق و مطلعین ---- ۹۶

مبحث دوم ـ جرح و تعدیل شهود ---- ۹۷

فصل ششم مرور زمان در مجازاتهای بازدارنده ---- ۹۸

باب دوم کیفیت محاکمه ---- ۹۸

فصل اول اقدامات قاضی پس از ختم تحقیقات ---- ۹۸

فصل دوم وکالت در دادگاهها ---- ۹۹

فصل چهارم رأی غیابی ---- ۱۰۰

فصل پنجم ترتیب رسیدگی به جرایم اطفال ---- ۱۰۰

باب سوم تجدید نظر احکام ---- ۱۰۲

فصل اول کلیات ---- ۱۰۲

فصل دوم کیفیت رسیدگی در دادگاههای تجدیدنظر استان ---- ۱۰۳

فصل سوم دیوان‌عالی کشور و هیأت عمومی ---- ۱۰۵

باب چهارم اعاده دادرسی ---- ۱۰۶

باب پنجم اجرای احکام ---- ۱۰۷

فصل اول احکام لازم‌الاجرا ---- ۱۰۷

فصل دوم ترتیب اجرای احکام ---- ۱۰۷

باب ششم هزینه دادرسی ---- ۱۰۹

۳- قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب (مصوب تیرماه ۱۳۷۳ با اصلاحات ۲۸/۷/۱۳۸۱) ---- ۱۰۹

۴- آیین نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی وانقلاب (مصوب ۱۵/۳/۱۳۷۳ و اصلاحات بعدی) ---- ۱۱۷

۵- قوانین و مقررات چک ---- ۱۲۱

قانون چکهای تضمین شده ---- ۱۲۱

لایحه قانونی ممنوعیت خروج بدهکاران بانکها ---- ۱۲۱

قانون صدور چک (مصوب۱۱/۸/۱۳۷۲ با اصلاحات ۲/۶/۱۳۸۲) ---- ۱۲۱

آیین‌نامه تعیین ضوابط و مقررات مربوط به محرومیت اشخاص از افتتاح حساب جاری و چگونگی پاسخ استعلام بان ---- ۱۲۴

۶- قانون راجع به اشخاصی که مال غیر را انتقال می‌دهند و یا تملک می‌کنند و مجازات آنها ---- ۱۲۵

۷- قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص ---- ۱۲۵

۸- لایحه قانونی راجع به تشدید مجازات سارقین مسلح که وارد منزل یا مسکن اشخاص بشوند ---- ۱۲۶

۹- قانون مربوط به تشدید مجازات سرقت مسلحانه ---- ۱۲۶

۱۰- قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست ---- ۱۲۶

۱۱- قانون راجع به بدهی واردین به مهمانخانه‌ها و پانسیونها ---- ۱۲۸

۱۲- قانون اطلاح ماده ۱۲۸ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ ---- ۱۲۸

۱۳- قانون تعریف محکومیتهای مؤثر در قوانین جزایی ---- ۱۲۸

۱۴- قانون لغو مجازات شلاق ---- ۱۲۹

۱۵- قانون تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون مجازات اسلامی ---- ۱۲۹

۱۶- آیین نامه اجرایی قانون اصلاح تبصره الحاقی ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ---- ۱۲۹

۱۷- آیین‌نامه نحوه اجرای احکام اعدام رجم صلب قطع یا نقص عضو ---- ۱۲۹

۱- فصل اول در نحوه اجرای احکام اعدام رجم و صلب ---- ۱۲۹

۲- فصل دوم در نحوه اجرای احکام قطع یا نقص عضو ---- ۱۳۱

۱۸- قانون تشکیل دادگاههای کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۳۱/۳/۱۳۶۸ ---- ۱۳۲

۱- فصل اول ـ محاکم کیفری ---- ۱۳۲

۱- مبحث اول ـ در تشکیل دادگاهها و صلاحیت آنها ---- ۱۳۲

۲- مبحث دوم ـ در شروع رسیدگی ---- ۱۳۴

۳- مبحث سوم ـ در تجدیدنظر ---- ۱۳۵
۴- فصل دوم ـ دیوان عالی کشور ---- ۱۳۵
۱۹- قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر ---- ۱۳۶
۲۰- لایحه قانونی مربوط به مجازات پاشیدن اسید ---- ۱۳۷
۲۱- قانون مجازات اشخاصی که مال غیر را به عوض مال خود معرفی می‌نمایند ---- ۱۳۷
۲۲- لایحه قانونی حفظ امنیت اجتماعی ---- ۱۳۷
۲۳- قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی ---- ۱۳۹
۲۴- آئین نامه اجرایی قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی ---- ۱۴۰
۱- بخش اول جزای نقدی ---- ۱۴۰
۲- بخش دوم سایر محکومیتهای مالی ---- ۱۴۱
۲۵- تصویب‌نامه درخصوص تأمین خسارت‌های بدنی برای پرونده‌های واصل شده از صندوق دیه بیت‌المال در سال جاری ---- ۱۴۲
۲۶- قانون تمدید مهلت اجراء آزمایشی قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) - مصوب ۱۳۸۸ ---- ۱۴۲
۲۷- متن کامل لایحه پیشنهادی قانون اپین دادرسی کیفری ---- ۱۴۲
۲- مواد مخدر و قاچاق ---- ۱۴۳
قانون مبارزه با موادمخدر ---- ۱۴۳
قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن ---- ۱۴۷
لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی به منظور مداوا و اشتغال ---- ۱۵۳
قانون راجع به استرداد مجرمین مصوب ۱۴/۲/۱۳۳۹ ---- ۱۵۶
فصل اول ـ شرایط استرداد ---- ۱۵۶
فصل دوم ـ ترتیب استرداد ---- ۱۵۷
نحوه تنظیم اوراق لازم برای استرداد متهمین ---- ۱۵۹
نحوه تقاضای استرداد مجرمین ---- ۱۵۹
قانون مربوط به مواد روان گردان (پسیکوتروپ) ---- ۱۵۹
آیین نامه اجرایی قانون مبارزه با موادمخدر ---- ۱۶۱

آیین نامه اجرایی قانون اصلاح قانون مبارزه با موادمخدر و الحاق موادی به آن ---------- ۱۶۳
آیین نامه عفو و تخفیف مجازات محکومین مواد مخدر که در اجرای مصوبه ۳/۸/۶۷ مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام ---------- ۱۶۷
آیین نامه کمیسیون عفو و بخشودگی ---------- ۱۶۸
فصل اول : تشکیلات و روش کار ---------- ۱۶۸
فصل دوم : مناسبتهای عفو و بخشودگی ---------- ۱۶۹
فصل سوم : شرایط و سیاست های عفو و تخفیف در مجازات ---------- ۱۶۹
فصل چهارم : موارد شمول عفو و تخفیف ---------- ۱۶۹
آیین نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به موادمخدر و حمایت از افراد در معرض خطر اعتیاد ---------- ۱۷۰
آیین‌نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح ---------- ۱۷۲
۳- تخلفات صنفی و تعزیرات ---------- ۱۷۲
قانون تعزیرات حکومتی - مصوب ۲۳/۱۲/۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام ---------- ۱۷۲
فصل اول ـ تخلفات و تعزیرات مربوطه ---------- ۱۷۲
فصل دوم ـ تخلفات بخش دولتی ---------- ۱۷۵
فصل سوم ـ تشکیلات تعزیرات حکومتی بخش دولتی ---------- ۱۷۶
آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی ---------- ۱۷۶
فصل اول ـ تشکیلات ---------- ۱۷۶
فصل دوم ـ نحوه رسیدگی ---------- ۱۷۸
قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی - مصوب ۱۹/۷/۱۳۷۳ ---------- ۱۷۹
قانون نظام صنفی کشور - مصوب ۲۴/۱۲/۱۳۸۲ ---------- ۱۷۹
فصل اول ـ تعاریف ---------- ۱۷۹
فصل دوم ـ فرد صنفی ---------- ۱۸۰
فصل سوم ـ اتحادیه‌ها ---------- ۱۸۱
فصل چهارم ـ مجمع امور صنفی ---------- ۱۸۵
فصل پنجم ـ شورای اصناف کشور ---------- ۱۸۷

فصل ششم ـ کمیسیون نظارت ۱۸۸

فصل هفتم ـ هیات عالی نظارت ۱۸۹

فصل هشتم ـ تخلفات و جریمه ها ۱۹۰

فصل نهم ـ سایر مقررات ۱۹۳

قانون تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان - مصوب ۲۳/۱/۱۳۶۷ ۱۹۵

قانون مجازات نانوایان و قصابان متخلف - مصوب ۲۲/۴/۵۴ ۱۹۶

قانون شمول قانون مجازات اخلال کنندگان در عرضه دام و توزیع گوشت درباره اخلال کنندگان در عرضه و توزی ۱۹۷

قانون منع خرید و فروش کوپن های کالاهای اساسی - مصوب ۲۳/۱/۶۷ ۱۹۷

قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی - مصوب ۲۳/۱۲/۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام ۱۹۸

فصل اول ـ تعزیرات حکومتی خدمات تشخیصی و درمانی ۱۹۸

فصل دوم تعزیرات توزیع و فروش دارو و شیر خشک و ملزومات پزشکی ، دندان پزشکی و آزمایشگاهی ۱۹۹

بخش ۱ ـ دارو ۱۹۹

بخش ۲ ـ شیر خشک و غذای کودک ۲۰۱

بخش ۳ ـ لوازم و ملزومات پزشکی و دندان پزشکی و آزمایشگاهی ۲۰۱

بخش ۴ ـ شرکتهای توزیع کننده دارو ، شیر خشک و ملزومات پزشکی ، دندان پزشکی و آزمایشگاهی ۲۰۲

فصل سوم ـ تعزیرات تولید ، توزیع ، فروش مواد خوردنی ، آشامیدنی ، آرایشی و بهداشتی ۲۰۲

فصل چهارم ـ سایر مقررات ۲۰۴

آیین نامه راجع به وظایف واحد رسیدگی به شکایات و تجدیدنظر در احکام کمیسیون های تعزیرات حکومتی بخش دول ۲۰۴

آیین نامه اجرایی نحوه فروش کالاهای قاچاق مکشوفه موضوع قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچا ۲۰۶

لایحه قانونی مجازات واحدهای تولیدی داخلی و وارداتی متخلف ۲۰۷

آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز ۲۰۷

آیین نامه نحوه رسیدگی کمیسیون تعزیرات حکومتی بخش دولتی ۲۱۳

آیین نامه اجرائی سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات - مصوب ۱/۸/۷۳ هیات وزیران ۲۱۶

قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز ۲۱۸

اصلاحیه آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز - مصوب ۱۱/۴/۱۳۷۹ ---- ۲۲۰

اصلاحیه آئین نامه اجرائی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز - مصوب ۳/۴/۱۳۸۳ ---- ۲۲۰

اصلاح ماده(۳۰) اصلاحی آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز - مص ---- ۲۲۰

اصلاح تبصره (۳) ماده (۲۰) آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز ---- ۲۲۱

اصلاح ماده (۳۰) اصلاحی آییننامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز – م ---- ۲۲۱

اصلاح ماده (۳۰) اصلاحی آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز ---- ۲۲۲

۴- پزشکی و بهداشتی ---- ۲۲۳

قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی - مصوب تیرماه ۱۳۴۶ با اصلاحات بعدی (ماده ۱ تا ۱۸) ---- ۲۲۳

قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی کشور - مصوب تیرماه ۱۳۷۲ (ماده ۱ تا ۱۱) ---- ۲۲۶

قانون راجع به اطبای خارجی - مصوب شهریورماه ۱۳۱۲ (ماده ۱ تا ۶) ---- ۲۲۷

قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی ---- ۲۲۷

فصل اول ـ موسسات پزشکی (ماده ۱ تا ۵) ---- ۲۲۷

فصل دوم ـ آزمایشگاه تشخیص (ماده ۶ الی ۹) ---- ۲۲۹

فصل سوم ـ مقررات مربوط به اشتغال پزشکان بیگانه (ماده ۱۰ تا ۱۲) ---- ۲۳۰

فصل چهارم ـ شرایط ساخت و ورود دارو و فرآورده های بیولوژیک و فرآورده های آزمایشگاهی (ماده ۱۳ تا ۱۴) ---- ۲۳۰

قانون مایه کوبی عمومی و اجباری - مصوب مهرماه ۱۳۲۲ (ماده ۱ تا ۴) ---- ۲۳۴

قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران ---- ۲۳۵

فصل اول ـ تعریف ، اهداف (ماده ۱ تا ۲) ---- ۲۳۵

فصل دوم ـ وظایف و اختیارات (ماده ۳) ---- ۲۳۵

فصل سوم ـ شرایط عضویت (ماده ۴) ---- ۲۳۶

فصل چهارم ـ ارکان و واحدهای تابعه (ماده ۵ تا ۱۴) ---- ۲۳۶

فصل پنجم ـ انتخابات (ماده ۱۶ تا ۲۳) ---- ۲۳۸

فصل ششم ـ موارد متفرقه (ماده ۲۴ تا ۳۱) ---- ۲۳۹

قانون راجع به ثبت و گزارش اجباری بیماری های سرطانی - مصوب ۵/۷/۱۳۶۳ (ماده واحده ---- ۲۴۱

قانون انطباق امور اداری و فنی موسسات پزشکی با موازین شرع مقدس - مصوب ۱۰/۸/۱۳۷۷ (ماده ۱ تا ۷ ----- ۲۴۱

قانون اجازه تاسیس آزمایشگاههای تجزیه خاک و گیاه و آزمایشگاههای تشخیص آفات و بیماریهای گیاهی توسط بخش ----- ۲۴۲

قانون طرز جلوگیری از بیماریهای آمیزشی و بیماریهای واگیردار ----- ۲۴۳

فصل اول - بیماریهای آمیزشی (ماده ۱ تا ۱۵) ----- ۲۴۳

فصل دوم - بیماریهای واگیردار (ماده ۱۶ تا ۲۴) ----- ۲۴۴

قانون سازمان دامپزشکی کشور - مصوب خرداد ۱۳۵۰ (ماده ۱ تا ۲۱) ----- ۲۴۵

آیین نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه ای شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته ----- ۲۴۷

فصل اول ـ تعاریف ، شرح وظایف و تخلفات صنفی و حرفه ای (ماده ۱ تا ۲۸) ----- ۲۴۷

فصل دوم ـ مجازاتهای انتظامی (ماده ۲۹ تا ۳۱) ----- ۲۴۹

فصل سوم ـ رسیدگی به تخلفات (ماده ۳۲ تا ۵۰) ----- ۲۴۹

فصل چهارم ـ سایر مقررات (ماده ۵۱ تا ۵۶) ----- ۲۵۱

آیین نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی کشور - مصوب ۲۷/۴/۱۳۷۲ (ماده ۱ تا ۲۰) ----- ۲۵۱

آیین نامه مقررات بهداشتی مصوب ۲۰/۱۱/۱۳۴۷ ----- ۲۵۳

فصل اول - بهداشت فردی (ماده ۱ تا ۸) ----- ۲۵۳

فصل دوم ـ وضع ساختمانی اماکن عمومی و مراکز تهیه و تولید ـ توزیع ـ نگهداری و فروش مواد غذایی (ماده ----- ۲۵۴

فصل سوم ـ وسایل و لوازم کار (ماده ۳۶ تا ۴۳) ----- ۲۵۵

فصل چهارم ـ طبقه‌بندی اماکن از لحاظ شمول مواد این آیین نامه (ماده ۴۴) ----- ۲۵۶

قانون سقط درمانی – مصوب ۱۳۸۴ ----- ۲۵۶

الحاق یک تبصره به ماده (۴۰) قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران – ۱۳۸۴ ----- ۲۵۶

۵- مطبوعات و رسانه ها ----- ۲۵۷

قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان - مصوب دی ماه ۱۳۴۸ ----- ۲۵۷

فصل اول ـ تعاریف (ماده ۱ تا ۲) ----- ۲۵۷

فصل دوم ـ حقوق پدیدآورنده (ماده ۳ تا ۱۱) ----- ۲۵۷

فصل سوم ـ مدت حمایت از حق پدید آورنده و حمایتهای قانونی دیگر (ماده ۱۲ تا ۲۲) ----- ۲۵۸

فصل چهارم ـ تخلفات و مجازات ها (ماده ۲۳ تا ۳۳) ----- ۲۵۹

آیین نامه اجرایی قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان - مصوب ۱۳۵۰ هیات وزیران ----- ۲۵۹

فصل اول ـ مقررات عمومی تنظیم اظهارنامه ثبت اثر ----- ۲۵۹

فصل دوم ـ مقررات اختصاصی تقاضای ثبت اثر (ماده ۲) ----- ۲۶۰

فصل سوم ـ مرجع ثبت و اقدامات ثبتی (ماده ۳ تا ۷) ----- ۲۶۱

قانون هیات منصفه - مصوب ۲۴/۱۲/۱۳۸۲ (ماده ۱ تا ۱۵) ----- ۲۶۱

قانون مطبوعات مصوب سال ۶۴ و اصلاح آن - مصوب سال ۱۳۷۹ ----- ۲۶۳

فصل اول ـ تعریف مطبوعات (ماده ۱) ----- ۲۶۳

فصل دوم ـ رسالت مطبوعات (ماده ۲) ----- ۲۶۳

فصل سوم ـ حقوق مطبوعات (ماده ۳ تا ۵) ----- ۲۶۳

فصل چهارم ـ حدود مطبوعات (ماده ۶ تا ۷) ----- ۲۶۴

فصل پنجم ـ شرایط متقاضی و مراحل صدور پروانه (ماده ۸ تا ۲۲) ----- ۲۶۴

فصل ششم ـ جرایم (ماده ۲۳ تا ۳۵) ----- ۲۶۷

فصل هفتم ـ هیات منصفه مطبوعات (ماده ۳۶ تا ۴۴) ----- ۲۶۸

فصل هشتم ـ موارد متفرقه (ماده ۴۵ تا ۴۸) ----- ۲۷۰

قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی - مصوب دیماه ۱۳۵۲ - (ماده ۱ تا ۱۲) ----- ۲۷۰

قانون معافیت موسسات انتشاراتی و کتاب فروشان از پرداخت مالیات (ماده واحده) ----- ۲۷۱

قانون ممنوعیت وزارتخانه ها و موسسات و شرکتهای دولتی از چاپ و انتشار نشریات غیر ضرور - مصوب ۲۹/۷/۱۳ ----- ۲۷۱

قانون ممنوعیت به کارگیری اسامی ، عناوین و اصطلاحات بیگانه (ماده واحده ----- ۲۷۲

لایحه قانونی مطبوعات - مصوب ۱۱/۱۱/۱۳۳۱ ----- ۲۷۳

فصل اول تعریف و تاسیس روزنامه و مجله (ماده۱ تا ۱۲) ----- ۲۷۳

فصل دوم - حق جوابگویی آیین نامه های مطبوعاتی (ماده ۱۳ تا ۱۴) ----- ۲۷۴

فصل سوم جرایم مطبوعاتی (ماده ۱۵ تا ۲۹) ----- ۲۷۴

فصل چهارم - تخلفات (ماده ۳۰ تا ۳۳) ----- ۲۷۶

قانون محل دفاتر روزنامه و مجله (ماده واحده) ----- ۲۷۶

قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره - مصوب بهمن ماه ۱۳۷۳ (ماده ۱ تا ۱۱ ----- ۲۷۷

قانون هیات منصفه مصوبه دهم خردادماه ۱۳۱۰ (ماده ۱ تا ۱۴) ----- ۲۷۸

قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت های غیر مجاز می‌نمایند - مصوب بهمن ماه ۱۳۷۲ ----- ۲۷۹

لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۴ ----- ۲۸۰

فصل اول تعریف و تاسیس روزنامه و مجله (ماده ۱ تا ۸ ----- ۲۸۰

فصل دوم - حق جوابگویی ـ آیین نامه های مطبوعاتی (ماده ۹ تا ۱۰) ----- ۲۸۲

فصل سوم - جرایم (ماده ۱۱ تا ۲۵) ----- ۲۸۲

فصل چهارم تخلفات (ماده ۲۶ تا ۲۹) ----- ۲۸۴

فصل پنجم - دادرسی مطبوعات ـ هیات منصفه (ماده ۳۰ تا ۴۲ ----- ۲۸۴

لایحه قانونی مطبوعات - ۱۳۵۸ (ماده ۱ تا ۳۸) ----- ۲۸۷

آیین نامه محل تاسیس دفاتر مطبوعات (ماده ۱ تا ۶ ----- ۲۹۱

آیین نامه هیات منصفه - مصوب ۱۳۷۴ ----- ۲۹۱

آیین نامه اجرایی قانون (ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره) -(ماده ۱ تا ۱۴) ----- ۲۹۲

آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات - مصوب اسفندماه ۱۳۶۴ ----- ۲۹۳

فصل اول ـ تعریف و مشخصات مطبوعات - (ماده۱ تا ۱۰) ----- ۲۹۳

فصل دوم ـ شرایط صدور پروانه و مجوز انتشار نشریه (ماده ۱۱ تا ۲۱ ----- ۲۹۴

فصل سوم ـ مواردی که مطبوعات (صاحبان پروانه و مدیران مسئول) موظف به رعایت آن می‌باشند (ماده ۲۲ تا ----- ۲۹۵

فصل چهارم ـ سایر مقررات (ماده ۲۹ تا ۳۰) ----- ۲۹۵

آیین نامه نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران - مصوب ۱۳۵۴ ----- ۲۹۶

فصل اول ـ تعریف نویسنده مطبوعاتی و خبرنگار (ماده ۱ تا ۳) ----- ۲۹۶

فصل دوم ـ شرایط کار نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران (ماده ۴ تا ۶ ----- ۲۹۶

فصل سوم ـ مدت اعتبار پروانه‌های نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران (ماده ۷ تا ۱۲ ----- ۲۹۶

فصل چهارم ـ وظایف نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران (ماده ۱۳ تا ۱۶ ----- ۲۹۷

فصل پنجم ـ مقررات مختلف (ماده ۱۷ تا ۱۹) ---- ۲۹۷
اصلاح آیین نامه اجرایی قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن ---- ۲۹۸
آیین‌نامه تأسیس و نحوه فعالیت خبرگزاریهای غیردولتی – مصوب ۱۳۸۴ ---- ۲۹۸
قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیتهای غیرمجاز می‌نمایند - مصوب ۲۵/۱۰/۱۳۸۶ ---- ۳۰۰
۶- هوایی، دریایی و مرزی ---- ۳۰۲
قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون توکیو راجع به جرایم و برخی اعمال ارتکابی دیگر در هواپیما - مصوب ۲۱/۲/۱۳۵۵ ---- ۳۰۲
ماده واحده ---- ۳۰۲
کنوانسیون راجع به جرایم و برخی اعمال ارتکابی دیگر در هواپیما ---- ۳۰۲
فصل اول ـ قلمرو اجرای کنوانسیون (ماده ۱ تا ۲) ---- ۳۰۲
فصل دوم ـ صلاحیت (ماده ۳ تا ۴) ---- ۳۰۳
فصل سوم - اختیارات فرمانده هواپیما (ماده ۵ تا ۱۰) ---- ۳۰۳
فصل چهارم ـ تصرف غیر قانونی هواپیما (ماده ۱۱) ---- ۳۰۴
فصل پنجم ـ اختیارات و وظایف دول (ماده ۱۲ تا ۱۵) ---- ۳۰۴
فصل ششم ـ سایر مقررات (ماده ۱۶ تا ۱۸) ---- ۳۰۵
فصل هفتم ـ مقررات نهایی (ماده ۱۹ تا ۲۶) ---- ۳۰۶
قانون گذرنامه - مصوب اسفندماه ۱۳۵۱ با اصلاحات بعدی ---- ۳۰۶
فصل اول ـ کلیات (ماده۱ تا ۶) ---- ۳۰۷
فصل دوم ـ انواع گذرنامه (۷ تا ۹) ---- ۳۰۷
فصل سوم ـ گذرنامه‌های سیاسی و خدمت (ماده ۱۰ تا ۱۳) ---- ۳۰۷
فصل چهارم ـ گذرنامه عادی (ماده ۱۴ تا ۲۰) ---- ۳۰۹
فصل پنجم ـ همراهان (ماده ۲۱ تا ۲۳) ---- ۳۱۰
فصل ششم ـ اعتبار گذرنامه عادی (ماده ۲۴ تا ۲۷) ---- ۳۱۱
فصل هفتم ـ گذرنامه جمعی (ماده ۲۸) ---- ۳۱۱
فصل هشتم ـ پروانه گذر (ماده ۲۹ تا ۳۰) ---- ۳۱۱

فصل نهم ـ برگ گذر بیگانگان (ماده ۳۱ تا ۳۲) ---- ۳۱۲
فصل دهم ـ آیین نامه های اجرایی (ماده ۳۳) ---- ۳۱۲
فصل یازدهم ـ مجازاتها (ماده ۳۴ تا ۴۳) ---- ۳۱۲
مواد جزایی از لایحه قانونی اصلاح قانون تاسیس شرکت راه آهن شهری تهران و حومه – مصوب ۱۵/۴/۱۳۵۹ شورا ---- ۳۱۳
مواد مرتبط با امور جزایی از قانون هواپیمایی کشوری – مصوب تیرماه ۱۳۲۸ (ماده ۱ تا ۳۵) ---- ۳۱۳
قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان ---- ۳۱۵
فصل اول ـ دریای سرزمینی (ماده ۱ تا ۱۱) ---- ۳۱۵
فصل دوم ـ منطقه نظارت (ماده ۱۲ تا ۱۳) ---- ۳۱۶
فصل سوم ـ منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره (ماده ۱۴ تا ۲۱) ---- ۳۱۷
فصل چهارم ـ مواد نهایی (ماده ۲۲ تا ۲۳) ---- ۳۱۷
قانون‌الحاق دولت ایران به کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیر قانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری ---- ۳۱۸
قانون اصلاح قانون ایمنی راهها و راه آهن – مصوب تیرماه ۴۹ و اصلاحیه سال ۷۹ ---- ۳۱۸
قانون تشدید مجازات کبوترپرانی – خردادماه ۱۳۵۱ ---- ۳۱۹
قانون مجازات عبوردهندگان اشخاص غیرمجاز از مرزهای کشور – مصوب ۱۴/۷/۱۳۶۷ ---- ۳۲۰
قانون کیفر بزه های مربوط به راه آهن – مصوب فروردین ماه ۱۳۲۰ (ماده ۱ تا ۲۴) ---- ۳۲۰
آیین نامه اجرایی بند ۳ ماده ۲۹ قانون گذرنامه – مصوب ۱۸/۷/۱۳۶۳ هیات وزیران (ماده ۱ تا ۱۴ ---- ۳۲۳
۷- منابع و محیط زیست ---- ۳۲۳
قانون شکار و صید – مصوب خردادماه ۱۳۴۶ با اصلاحات بعدی (ماده ۱ تا ۳۳) ---- ۳۲۳
قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبزی جمهوری اسلامی ایران – مصوب شهریور ماه ۷۴ (ماده ۱ تا ۲۳ ---- ۳۲۷
قانون حفظ و حمایت ازمنابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور – مصوب مهرماه ۱۳۷۱ (مواد ۱ تا ۳) ---- ۳۲۹
قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست – مصوب خرداد ماه ۱۳۵۳ (ماده ۱ تا ۲۱) ---- ۳۳۰
لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها – مصوب خرداد ماه ۱۳۵۹ شورای انقلاب (ماده ۱ تا ۸) ---- ۳۳۳
قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا – مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۷۴ ---- ۳۳۴
فصل اول ـ کلیات (ماده ۱ تا ۳) ---- ۳۳۴

فصل دوم ـ وسایل نقلیه موتوری (ماده ۴ تا ۱۱) ---- ۳۳۴
فصل سوم ـ کارخانجات و کارگاهها و نیروگاهها (ماده ۱۲ تا ۲۱) ---- ۳۳۵
فصل چهارم ـ منابع تجاری ، خانگی و منابع متفرقه (ماده ۲۲ تا ۲۷ ---- ۳۳۷
فصل پنجم ـ مجازاتها (ماده ۲۸ تا ۳۲) ---- ۳۳۷
فصل ششم ـ مقررات مختلف (ماده ۳۳ تا ۳۶) ---- ۳۳۸
آیین نامه ممنوعیت استعمال و عرضه سیگار و سایر مواد دخانی در اماکن عمومی ---- ۳۳۸
قانون الحاق یک تبصره به ماده (۲) قانون حفاظت و بهرهبرداری از جنگلها و مراتع – مصوب ۱۳۸۴ ---- ۳۳۹
اصلاح تبصره ماده(۱) آیین‌نامه ممنوعیت استعمال و عرضه سیگار و سایر مواد دخانی در اماکن عمومی – مصوب ۱ ---- ۳۳۹
قانون اصلاح ماده ۳۳ اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع - مصوب ۱۳۸۶ ---- ۳۴۰
آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح ماده (۳۳) اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع کشور - مصوب ۱۳۸۷ ---- ۳۴۱
فصل اول ـ کلیات، تعاریف و اصطلاحات (ماده ۱) ---- ۳۴۱
فصل دوم ـ نحوه نظارت (ماده ۱ تا ۱۱) ---- ۳۴۲
فصل سوم ـ نحوه رسیدگی به پرونده‌های واگذاری اراضی موضوع تبصره (۲) قانون (ماده ۱۲ تا ۱۶) ---- ۳۴۴
فصل چهارم ـ سایر مقررات (ماده ۱۷ تا ۲۱) ---- ۳۴۵
پیوست ---- ۳۴۵
۸- زندان و عفو ---- ۳۴۹
آیین‌نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ---- ۳۴۹
بخش یک کلیات ---- ۳۴۹
فصل اول ـ تعاریف (ماده ۱ تا ۱۹) ---- ۳۴۹
فصل دوم - وظایف سازمان و مسوولین زندان ، بازداشتگاه و سایر مراکز وابسته به سازمان (ماده ۲۰ تا ۴۱ ---- ۳۵۱
بخش دوم ـ مقررات عمومی ---- ۳۵۵
فصل اول ـ پذیرش تشخیص و طبقه بندی (ماده ۴۲ تا ۶۵) ---- ۳۵۵
فصل دوم ـ امور داخلی ، برنامه های روزانه ، تغذیه و بهداشت (ماده ۶۶ تا ۱۱۷) ---- ۳۵۸
فصل سوم ـ اشتغال و حرفه آموزی (ماده ۱۱۸ تا ۱۳۰) ---- ۳۶۲

فصل چهارم ـ فعالیتهای آموزشی ، فرهنگی و تربیتی (ماده ۱۳۱ تا ۱۵۲ ----- ۳۶۳

فصل پنجم ـ روابط عمومی (ماده ۱۵۳ تا ۱۶۰) ----- ۳۶۵

فصل ششم ـ تخلفات و تنبیهات داخل زندان (ماده ۱۶۱ تا ۱۷۳ ----- ۳۶۶

آیین نامه مراکز مراقبت بعد از خروج – مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۷۸ ----- ۳۶۷

آیین‌نامه اجرایی کانون اصلاح و تربیت – مصوب مهرماه ۱۳۴۷ ----- ۳۶۸

فصل اول ـ سازمان کانون اصلاح و تربیت (مواد ۱ تا ۱۰) ----- ۳۶۸

فصل دوم ـ وظایف مسئولین کانون اصلاح و تربیت ----- ۳۶۹

فصل سوم ـ مقررات انضباطی ، تشویقی و پایان دوره نگاهداری اطفال (ماده ۲۵ تا ۳۱ ----- ۳۷۱

فصل چهارم ـ مقررات مربوط به مشاورین دادگاههای اطفال و مددکاران اجتماعی (ماده ۳۲ تا ۴۰) ----- ۳۷۱

آیین‌نامه انجمنهای حمایت زندانیان – مصوب اسفندماه ۱۳۶۰ ----- ۳۷۲

فصل اول ـ تشکیلات (ماده ۱ تا ۳) ----- ۳۷۲

فصل دوم ـ اختیارات و وظایف مدیر عامل ، مسئولین دفتری و متصدیان(ماده ۴ تا ۱۴ ----- ۳۷۳

موارد متفرقه (ماده ۱۵ تا ۱۹) ----- ۳۷۳

آیین‌نامه کمیسیون عفو و بخشودگی – مصوب آذرماه ۱۳۷۳ ----- ۳۷۴

فصل اول ـ تشکیلات و روش کار (ماده ۱ تا ۷) ----- ۳۷۴

فصل دوم ـ مناسبتهای عفو و بخشودگی (ماده ۸ ----- ۳۷۵

فصل سوم ـ شرایط و سیاستهای عفو و تخفیف در مجازاتها (ماده ۹ تا ۱۵) ----- ۳۷۵

قانون تبدیل شورای سرپرستی زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور به (سازمان زندانها و اقدامات تام ----- ۳۷۶

آیین نامه سجل قضایی – مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۲۱ هیات وزیران (مواد ۱ تا ۳۰) ----- ۳۷۷

اصلاحیه مواد ۲۰۶ و ۲۱۵ آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور مصوب ۲۶/۴/۱۳۸۰ ----- ۳۷۹

بخشنامه به مراجع قضائی، انتظامی، اطلاعاتی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ضابطین دادگس ----- ۳۷۹

آئیننامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور – مصوب ۱۳۸۴ ----- ۳۸۰

آیین‌نامه سجل قضایی – مصوب ۱۳۸۴ ----- ۳۹۶

اصلاحیه آئین‌نامه سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور – مصوب ۱۳۸۴ ----- ۳۹۹

بخشنامه به واحدهای قضایی و سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور - مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۱۰ ----- ۴۰۰
۹- مقررات مختلفه ----- ۴۰۰
ماده واحده مربوط به تغییر و اصلاح مجازاتهای خلافی - مصوب ۱۳۵۳ ----- ۴۰۰
قانون مبارزه با قاچاق انسان ----- ۴۰۱
قانون راجع به حفظ آثار ملی - مصوب آبان ماه ۱۳۰۹ (ماده ۱ تا ۲۰) ----- ۴۰۲
لایحه قانونی مجازات اخلال در امر کشاورزی و دامداری - مصوب آذرماه ۱۳۵۸ (ماده ۱ تا ۵ ----- ۴۰۴
قانون راجع به مجازات اخلالگران در صنایع نفت ایران - مصوب مهر ماه ۱۳۳۶ (ماده ۱ تا ۱۸ ----- ۴۰۴
قانون مجازات افشای سوالات امتحانی - مصوب خردادماه ۱۳۴۹ ----- ۴۰۶
تصویب نامه راجع به ماده (۸) قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی - مصوب ۱۳۵۳- مصوب۱ ----- ۴۰۶
قانون رسیدگی به تخلفات و جرایم در آزمونهای سراسری – مصوب ۱۳۸۴ ----- ۴۰۶
قانون مبارزه با پولشویی - مصوب ۲۴/۱۱/۱۳۸۶ ----- ۴۰۸
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ----- ۴۱۰

قوانین کیفری (قوانین و مقررات کشور)

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۹۰ عنوان و نام پدیدآور:قوانین کیفری (قوانین و مقررات کشور)/ واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان. گرد آوری مطالب از کلیه سایت های حقوقی و قضائی ایران صورت گرفته است. مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۹۰. مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه ، رایانه و کتاب موضوع:قوانین و مقررات

قوانین کیفری

۱- مجازات و دادرسی

۱- قانون مجازات اسلامی

۱- کتاب اول کلیات

باب اول ــ مواد عمومی

ماده ۱ ـ قانون مجازات اسلامی راجع است به تعیین انواع جرایم و مجازات و اقدامات تامینی و تربیتی که درباره مجرم اعمال می‌شود. ماده ۲ ـ هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود. ماده ۳ ـ قوانین جزایی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می گردد مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد. ماده ۴ ـ هرگاه قسمتی از جرم در ایران واقع و نتیجه آن در خارج از قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود و یا قسمتی از جرم در ایران و یا درخارج و نتیجه آن در ایران حاصل شود در حکم جرم واقع شده در ایران است ماده ۵ ـ هر ایرانی یا بیگانه‌ای که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرایم ذیل شود و در ایران یافت شود و یا به ایران مسترد گردد طبق قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران مجازات می‌شود: ۱ ـ اقدام علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران و امنیت داخلی و خارجی و تمامیت ارضی یا استقلال کشور جمهوری اسلامی ایران ۲ ـ جعل فرمان یا دستخط یا مهر یا امضای مقام رهبری و یا استفاده از آن ۳ ـ جعل نوشته رسمی رییس جمهور یا رییس مجلس شورای اسلامی و یا شورای نگهبان و یا رییس مجلس خبرگان یا رییس قوه‌قضاییه یا معاونان رییس جمهور یا رییس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور یا هر یک از وزیران یا استفاده از آنها. ۴ ـ جعل اسکناس رایج ایران یا اسناد بانکی ایران مانند براتهای قبول شده از طرف بانکها یا چکهای صادر شده از طرف بانکها و یا اسناد تعهدآور بانکها و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق قرضه صادره و یا تضمین شده از طرف دولت یا شبیه‌سازی و هرگونه تقلب در موردمسکوکات رایج داخل ماده ۶ ـ هر جرمی که اتباع بیگانه که در خدمت دولت جمهوری اسلامی ایران هستند و یا مستخدمان دولت به مناسبت شغل و وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب می‌شوند و همچنین هر جرمی که ماموران سیاسی و کنسولی وفرهنگی دولت ایران که از مصونیت سیاسی استفاده می کنند مرتکب گردند، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران مجازات‌می‌شوند. ماده ۷ ـ علاوه بر موارد مذکور در مواد ۵ و ۶ هر ایرانی که در خارج ایران مرتکب جرمی شود و در ایران یافت شود طبق قوانین جزایی‌جمهوری اسلامی ایران مجازات خواهد

شد. ماده ۸ ـ در مورد جرایمی که به موجب قانون خاص یا عهود بین‌المللی مرتکب در هر کشوری که بدست آید محاکمه می‌شود اگر درایران دستگیر شد طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات خواهد شد. ماده ۹ ـ مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است اگر موجود باشد عیناً و اگر موجود نباشد، مثل یا قیمت آن را به‌صاحبش رد کند و از عهده خسارات وارده نیز برآید. ماده ۱۰ ـ بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع تعقیب یا موقوف شدن تعقیب باید تکلیف اشیا و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است تعیین کند تا مسترد یا ضبط یا معدوم شود، در مورد ضبط دادگاه تکلیف اموال و اشیا را تعیین خواهد کرد. همچنین بازپرس و یا دادستان مکلف است مادام که پرونده نزد او جریان دارد به تقاضای ذینفع با رعایت شرایط زیر دستور رد اموال و اشیای مذکور در فوق را صادر نماید: ۱ ـ وجود تمام یا قسمتی از آن اشیا و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد. ۲ ـ اشیا و اموال بلامعارض باشد. ۳ ـ در شمار اشیا و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم گردد. در کلیه امور جزایی دادگاه نیز باید ضمن صدور حکم یا قرار یا پس از آن اعم از اینکه مبنی بر محکومیت یا برائت یا موقوف شدن تعقیب متهم باشد، نسبت به اشیا و اموالی که وسیله جرم بوده یا در اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال‌اختصاص داده شده حکم مخصوص صادر و تعیین نماید که آنها باید مسترد یا ضبط یا معدوم شود. تبصره ۱ ـ متضرر از قرار بازپرس یا دادستان یا قرار یا حکم دادگاه می‌تواند از تصمیم آنان راجع به اشیا و اموال مذکور در این ماده‌شکایت خود را طبق مقررات در دادگاههای جزایی تعقیب و درخواست تجدیدنظر نماید؛ هر چند قرار یا حکم دادگاه نسبت به امرجزایی قابل شکایت نباشد. تبصره ۲ ـ مالی که نگهداری آن مستلزم هزینه نامتناسب برای دولت بوده یا موجب خرابی یا کسر فاحش قیمت آن گردد و حفظ مال‌هم برای دادرسی لازم نباشد و همچنین اموال ضایع شدنی و سریع‌الفساد حسب مورد به دستور دادستان یا دادگاه به قیمت روز فروخته‌شده و وجه حاصل تا تعیین تکلیف نهایی در صندوق دادگستری به عنوان امانت نگهداری خواهد شد. ماده ۱۱ ـ در مقررات و نظامات دولتی مجازات و اقدامات تامینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده‌باشد و هیچ فعل یا ترک فعل را نمی‌توان به عنوان جرم به موجب قانون متأخر مجازات نمود لیکن اگر بعد از وقوع جرم قانونی وضع‌شود که مبنی بر تخفیف یا عدم مجازات بوده و یا از جهات دیگر مساعدتر به حال مرتکب باشد نسبت به جرایم سابق بر وضع آن قانون‌تا صدور حکم قطعی موثر خواهد بود. در صورتی که به موجب قانون سابق حکم قطعی لازم‌الاجرا صادر شده باشد به ترتیب زیر عمل‌خواهد شد: ۱ ـ اگر عملی که در گذشته جرم بوده به موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود در این صورت حکم قطعی اجرا نخواهد شد و اگر درجریان اجرا باشد موقوف الاجرا خواهد ماند و در این دو مورد و همچنین در موردی که حکم قبلاً اجرا شده باشد هیچ‌گونه اثر کیفری برآن مترتب نخواهد بود. این مقررات در مورد قوانینی که برای مدت معین و موارد خاصی وضع گردیده است اعمال نمی‌گردد. ۲ ـ اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق تخفیف یابد محکوم‌علیه می‌تواند تقاضای تخفیف مجازات تعیین شده را بنماید و در این‌صورت دادگاه صادرکننده حکم و یا دادگاه جانشین با لحاظ قانون لاحق مجازات قبلی را تخفیف خواهد داد. ۳ ـ اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق به اقدام تامینی و تربیتی تبدیل گردد فقط همین اقدامات مورد حکم قرار خواهد گرفت

باب دوم ــ مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی

فصل اول ــ مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی (ماده ۱۲ تا ۲۱)

ماده ۱۲ ـ مجازاتهای مقرر در این قانون پنج قسم است ۱ ـ حدود ۲ـ قصاص ۳ـ دیات ۴ـ تعزیرات ۵ ـ مجازاتهای بازدارنده ماده ۱۳ ـ حد، به مجازاتی گفته می‌شود که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است ماده ۱۴ ـ قصاص کیفری است که جانی به آن

محکوم می‌شود و بایـد با جنایت او برابر باشـد. ماده ۱۵ ـ دیه مـالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شـده است ماده ۱۶ ـ تعزیر، تـادیب و یـا عقوبـتی است کـه نـوع و مقـدار آن در شـرع تعییـن نشـده و به نظر حـاکم واگـذار شـده است از قبیـل حبس و جزای‌نقـدی و شـلاق که میزان شـلاق بایستی از مقـدار حد کمتر باشد. ماده ۱۷ ـ مجـازات بازدارنـده تـادیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می گردد از قبیل حبس جزای نقـدی تعطیـل محـل کسب لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن ماده ۱۸ ـ مدت کلیه حبس‌ها از روزی شروع می‌شود که محکوم‌علیه به موجب حکم قطعی قابل اجرا محبوس شده باشد. تبصره ـ چنانچه محکوم علیه قبل از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده امر مطرح بوده بازداشت شده باشد دادگاه پس از تعیین تعزیر، از مقدار تعزیر تعیین شده یا مجازات بازدارنده به میزان بازداشت قبلی وی کسر می کند. ماده ۱۹ ـ دادگـاه می‌توانـد کسـی را که به علت ارتکـاب جرم عمـدی به تعزیر یـا مجازات بازدارنـده محکوم کرده است به عنوان تتمیم حکم تعزیری یـا بازدارنـده مـدتی از حقوق اجتمـاعی محروم و نیز از اقـامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع یا به اقامت در محل معین مجبورنمایـد. تبصـره ـ نقـاط اقـامت اجبـاری محکومین بـا توجه به نوع جرایم آنان توسط دادگاهها تعیین می‌شود. آیین نامه اجرایی مربوط توسـط وزارت دادگستری بـا همـاهنگی وزارت کشور تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسـد. ماده ۲۰ ـ محرومیت از بعض یا همه حقوق اجتماعی و اقامت اجباری در نقطه معین یا ممنوعیت از اقامت در محل معین بایـد متناسب با جرم و خصوصـیات مجرم در مـدت معین باشد. در صورتی که محکوم به تبعید یا اقامت اجباری در نقطه‌ای یا ممنوعیت از اقامت درنقطه معین در اثنای اجرای حکم محل را ترک کنـد و یابه نقطه ممنوعه بازگردد، دادگاه می‌توانـد با پیشـنهاد دادسرای مجری حکم مجازات مذکور را تبـدیل به جزای نقـدی و یا زنـدان نمایـد. ماده ۲۱ ـ ترتیـب اجرای احکـام جزایی و کیفیـت زنـدانها به نحـوی است که قـانون آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین و مقررات تعیین‌می‌نماید.

فصل دوم ــ تخفیف مجازات (ماده ۲۲ تا ۲۴)

ماده ۲۲ ـ دادگاه می‌توانـد در صورت احراز جهات مخففه مجازات تعزیری و یا بازدارنـده را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نمایـد که مناسبتر به حال متهم باشـد، جهات مخففه عبارتند از: ۱ ـ گذشت شاکی یا مدعی خصوصـی ۲ ـ اظهارات و راهنمایی‌های متهم که در شـناختن شـرکا و معاونان جرم و یا کشف اشـیایی که از جرم تحصـیل شده است موثر باشد. ۳ ـ اوضاع و احـوال خاصـی که متهم تحت تـاثیر آنها مرتکب جرم شـده است از قبیـل رفتـار و گفتـار تحریـک آمیز مجنی علیه یـا وجود انگیزه شرافتمنـدانه در ارتکاب جرم ۴ ـ اعلام متهم قبـل از تعقیب و یـا اقرار او در مرحله تحقیـق که مـوثر در کشف جرم باشـد. ۵ ـ وضع خاص متهم و یا سابقهٔ او. ۶ ـ اقدام یا کوشش متهم به منظور تخفیف اثرات جرم و جبران زیان ناشی از آن تبصره ۱ ـ دادگاه مکلف است جهـات تخفیف مجازات را در حکم صـریحا قیـد کنـد. تبصـره ۲ ـ در مورد تعـدد جرم نیز دادگـاه می‌توانـد جهـات مخففه را رعایت کند. تبصـره ۳ ـ چنـانچه نظیر جهـات مخففه مـذکور در این ماده در مواد خاصـی پیش‌بینی شـده باشـد دادگاه نمی‌توانـد به موجب همان جهات‌دوباره مجازات را تخفیف دهد. ماده ۲۳ ـ در جرایمی که با گذشت متضرر از جرم تعقیب یا رسیدگی یا اجرای حکم موقوف می گردد گذشت باید منجز باشد و به‌گذشت مشـروط و معلق ترتیب اثر داده نخواهد شد، همچنین عدول از گذشـت مسـموع نخواهـد بود. هرگـاه متضـررین از جرم متعـدد باشـند تعقیب جزایی با شـکایت هر یک از آنان شـروع می‌شود ولی موقوفی تعقیب رسـیدگی و مجازات موکول به گذشت تمام کسانی که‌شـکایت کرده‌اند، است تبصره ـ حق گذشت به وراث قانونی متضرر از جرم منتقـل و در صورت گـذشت همگی وراث تعقیب رسیـدگی و اجرای مجـازات موقوف می گردد. ماده ۲۴ ـ عفو یـا تخفیف مجازات محکومان در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رییس قوه قضاییه با مقام رهبری است

فصل سوم ـ تعلیق اجرای مجازات (ماده ۲۵ تا ۳۷)

ماده ۲۵ ـ در کلیه محکومیت های تعزیری و بازدارنـده حاکم می‌توانـد اجرای تمام یا قسـمتی از مجازات را با رعایت شـرایط زیر از دو تاپنج سال معلق نماید: الف ـ محکوم‌علیه سابقه محکومیت قطعی به مجازاتهای زیر نداشته باشد: ۱ ـ محکومیت قطعی به حد. ۲ ـ محکومیت قطعی به قطع یا نقص عضو. ۳ ـ محکومیت قطعی به مجازات حبس به بیش از یک سال در جرایم عمدی ۴ ـ محکومیت قطعی به جزای نقـدی به مبلغ بیش از دو میلیون ریال ۵ ـ سابقه محکومیت قطعی دو بار یا بیشتر به علت جرمهای عمـدی با هر میزان مجـازات ب ـ دادگـاه با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق زنـدگی محکوم علیه و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیـده است اجرای تمام یا قسـمتی از مجازات را مناسب نداند. تبصـره ـ در محکومیتهای غیر تعزیری و بازدارنده تعلیق جایز نیست مگر در مواردی که شـرعا و قانونا تعیین شـده باشـد. ماده ۲۶ ـ در مواردی که جزای نقـدی بـا دیگر تعزیرات همراه باشـد جزای نقـدی قابل تعلیق نیست ماده ۲۷ ـ قرار تعلیق اجرای مجازات ضمن حکم محکومیت صادر خواهد شد و مجرمی که اجرای حکم مجازات حبس او تماما معلق‌شـده اگر بازداشت باشد به دسـتور دادگاه فورا آزاد می‌گردد. ماده ۲۸ ـ دادگاه جهات و موجبات تعلیق و دسـتورهایی که بایـد محکـوم علیه در مـدت تعلیـق از آن تبعیت نمایـد در حکم خـود تصـریح و مـدت تعلیـق را نیز برحسب نوع جرم و حالاـت شخصـی مجرم و با رعایت مـدت مـذکور در ماده ۲۵ تعیین می‌نمایـد. ماده ۲۹ ـ دادگاه بـا توجه به اوضـاع و احوال محکوم‌علیه و محتویات پرونده می‌تواند اجرای دسـتور یا دسـتورهای ذیل را در مدت تعلیق‌از محکوم علیه بخواهد و محکوم‌علیه مکلف به اجرای دسـتور دادگاه می‌باشد: ۱ ـ مراجعه به بیمارسـتان یـا درمانگـاه برای درمان بیماری یا اعتیاد خود. ۲ ـ خودداری از اشـتغال به کـار یا حرفه معین ۳ ـ اشتغال به تحصیل در یک مؤسسه فرهنگی ۴ ـ خودداری از تجاهر به ارتکاب محرمات و ترک واجبات یا معاشرت با اشخاصـی که دادگاه معاشـرت با آنها را برای محکوم‌علیه مضرتشخیص می‌دهد. ۵ ـ خودداری از رفت و آمـد به محلهـای معین ۶ ـ معرفی خود در مدتهای معین به شـخص یا مقامی که دادسـتان تعیین می‌کند. تبصره ـ اگر مجرمی که مجازات او معلق شده است در مـدت تعلیق بـدون عـذر موجه از دسـتور دادگاه موضوع این ماده تبعیت ننماید برحسب درخواست دادسـتان پس از ثبوت مورد در دادگاه صادرکننده حکم تعلیق برای بار اول به مدت تعلیق مجازات او یک سال تا دوسال افزوده می‌شود و برای بار دوم حکم تعلیق لغو و مجازات معلق به موقع اجرا گذاشته خواهد شد. ماده ۳۰ ـ اجرای احکام جزایی زیر قابل تعلیق نیست ۱ ـ مجازات کسانی که به وارد کردن و یا ساختن و یا فروش مواد مخـدر اقـدام و یا به نحوی از انحا با مرتکبین اعمال مـذکور معاونت می‌نمایند. ۲ ـ مجازات کسانی که به جرم اختلاس یا ارتشا یا کلاهبرداری یا جعل و یا اسـتفاده از سـند مجعول یا خیانت در امانت یا سـرقتی که‌موجب حد نیست یا آدم‌ربایی محکوم می‌شوند. ۳ ـ مجازات کسانی که به نحوی از انحاء با انجام اعمال مستوجب حد، معاونت می‌نمایند. ماده ۳۱ ـ تعلیق اجرای مجـازاتی که بـا حقوق النـاس همراه است تـأثیری در حقوق النـاس نخواهـد داشت و حکـم مجازات در این موارد یاپرداخت خسارت به مـدعی خصوصـی اجراء خواهد شد. ماده ۳۲ ـ هرگاه محکوم‌علیه از تاریـخ صـدور قرار تعلیق اجرای مجازات در مـدتی که از طرف دادگـاه مقرر شـده مرتکب جرایم مسـتوجب‌محکومیت مـذکور در مـاده ۲۵ نشـود، محکومیت تعلیقی بی‌اثر محسـوب و از سـجل کیفری او محـو می‌شـود. برای کلیه محکومین به‌مجازاتهـای معلق بایـد بلافاصله پس از قطعیت حکم از طرف دادسـرای مربوط برگ سجل کیفری تنظیم و به مراجع صلاحیت‌دار ارسال‌شود و در هر مورد که در مدت تعلیق تغییری داده شود یا حکم تعلیق مجازات الغاء گردد، بایـد مراتب فورا برای ثبت در سـجل کیفری‌محکوم‌علیه به مراجع صـلاحیت‌دار مربوط اعلام شود. تبصـره ـ در مـواردی که به موجب قوانین اسـتخدامی حکمی موجب انفصـال است شامـل احکـام تعلیقی نخواهـد بود مگر آنکه در قوانین‌و یا حکم دادگاه قیـد شـده باشد. ماده ۳۳ ـ اگر کسـی که اجرای حکم مجـازات او معلق شـده در مـدتی که از طرف دادگاه مقرر شـده مرتکب جرم جدیدی که مسـتوجب‌محکومیت مذکور در ماده ۲۵ است بشود به محض قطعی شـدن دادگـاهی که حکم

تعلیق مجازات سابق را صادر کرده است یا دادگاه‌جانشین باید الغای آنرا اعلام دارد تا حکم معلق نیز درباره محکوم‌علیه اجراء گردد. ماده ۳۴ ـ هرگاه بعد از صدور قرار تعلیق معلوم شود که محکوم‌علیه دارای سابقه محکومیت به جرایم مستوجب محکومیت مذکور درماده ۲۵ بوده و دادگاه بدون توجه به آن اجرای مجازات را معلق کرده است دادستان به استناد سابقه محکومیت از دادگاه تقاضای لغوتعلیق مجازات را خواهد نمود و دادگاه پس از احراز وجود سابقه قرار تعلیق را الغاء خواهد کرد. ماده ۳۵ ـ دادگاه هنگام صدور قرار تعلیق آثار عدم تبعیت از دستورهای صادره را صریحا قید و اعلام می‌کند که اگر در مدت تعلیق‌مرتکب یکی از جرایم مستوجب محکومیت مذکور در ماده ۲۵ شود علاوه بر مجازات جرم اخیر مجازات معلق نیز دربارهٔ او اجراءخواهد شد. ماده ۳۶ ـ مقررات مربوط به تعلیق مجازات دربارهٔ کسانی که به جرایم عمدی متعدد محکوم می‌شوند قابل اجراء نیست و همچنین اگردربارهٔ یک نفر احکام قطعی متعددی در مورد جرایم عمدی صادر شده باشد که در بین آنها محکومیت معلق نیز وجود داشته باشد،دادستان مجری حکم موظف است فسخ قرار یا قرارهای تعلیق را از دادگاه صادرکننده بخواهد، دادگاه نسبت به فسخ قرار یا قرارهای مزبوراقدام خواهد نمود. ماده ۳۷ ـ هرگاه محکوم به حبس که در حال تحمل کیفر است قبل از اتمام مدت حبس مبتلا به جنون شود با استعلام از پزشك قانونی‌در صورت تأیید جنون محکوم‌علیه به بیمارستان روانی منتقل می‌شود و مدت اقامت او در بیمارستان جزء مدت محکومیت اومحسوب خواهد شد. در صورت عدم دسترسی به بیمارستان روانی به تشخیص دادستان در محل مناسبی نگهداری می‌شود.

فصل چهارم ــ آزادی مشروط زندانیان (ماده ۳۸ تا ۴۰)

ماده ۳۸ ـ هر کس برای بار اول به علت ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم شده باشد و نصف مجازات را گذرانده باشد دادگاه صادرکننده دادنامه محکومیت قطعی می‌تواند در صورت وجود شرایط زیر حکم به آزادی مشروط صادر نماید: ۱ ـ هرگاه در مدت اجرای مجازات مستمرا حسن اخلاق نشان داده باشد. ۲ ـ هرگاه از اوضاع و احوال محکوم پیش بینی شود که پس از آزادی دیگر مرتکب جرمی نخواهد شد. ۳ ـ هرگاه تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیانی که در مورد حکم دادگاه یا مورد موافقت مدعی خصوصی واقع شده بپردازد یا قرار پرداخت آن را بدهد و در مجازات حبس توام با جزای نقدی مبلغ مزبور را بپردازد یا با موافقت رییس حوزه قضایی ترتیبی برای پرداخت‌داده شده باشد. تبصره ۱ ـ مراتب مذکور در بندهای ۱ و ۲ باید مورد تایید رییس زندان محل گذران محکومیت و قاضی ناظر زندان یا رییس حوزه قضایی محل قرار گیرد و مراتب مذکور در بند ۳ باید به تایید قاضی مجری حکم برسد. تبصره ۲ ـ در صورت انحلال دادگاه صادرکننده حکم صدور حکم آزادی مشروط از اختیارات دادگاه جانشین است تبصره ۳ ـ دادگاه ترتیبات و شرایطی را که فرد محکوم باید در مدت آزادی مشروط رعایت کند از قبیل سکونت در محل معین یا خودداری از سکونت در محل معین یا خودداری از اشتغال به شغل خاص یا معرفی نوبه‌ای خود به مراکز تعیین شده و امثال آن در متن‌حکم قید می‌کند که در صورت تخلف وی از شرایط مذکور یا ارتکاب جرم مجدد بقیه محکومیت وی به حکم دادگاه صادرکننده حکم به‌مرحله اجرا درمی‌آید. ماده ۳۹ ـ صدور حکم آزادی مشروط منوط به پیشنهاد سازمان زندانها و تایید دادستان یا دادیار ناظر خواهد بود. ماده ۴۰ ـ مدت آزادی مشروط بنا به تشخیص دادگاه کمتر از یک سال و زیادتر از پنج سال نخواهد بود.

باب سوم ــ جرایم

فصل اول ــ شروع به جرم (ماده ۴۱)

ماده ۴۱ ـ هر کس قصـد ارتکاب جرمی کنـد و شـروع به اجرای آن نمایـد لکن جرم منظور واقع نشود چنانچه اقدامات انجام گرفته جرم‌باشد محکوم به مجازات همان جرم می‌شود. تبصره ۱ ـ مجرد قصد ارتکاب جرم و عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم بوده و ارتبـاط مسـتقیم بـا وقوع جرم نداشـته باشـد شـروع به جرم نبوده و از این حیث قابل مجازات نیست تبصـره ۲ ـ کسـی که شروع به جرمی کرده است به میل خود آن را ترک کند و اقدام انجام شده جرم باشد از موجبات تخفیف مجازات برخوردار خواهد شد.

فصل دوم ـ شرکاء و معاونین جرم (ماده ۴۲ تا ۴۵)

ماده ۴۲ ـ هر کس عالما و عامـدا با شـخص یا اشـخاص دیگر در یکی از جرایم قابل تعزیر یا مجازاتهای بازدارنده مشارکت نماید و جرم مسـتند به عمل همه آنها باشـد خواه عمل هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشـد خواه متفـاوت شـریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مسـتقل آن جرم خواهـد بود. در مورد جرایم غیر عمـدی (خطـایی که ناشـی از خطای دو نفر یا بیشتر باشـد مجازات هر یک از آنان نیز مجازات فاعل مسـتقل خواهـد بود. تبصـره ـ اگر تاثیر مـداخله و مباشـرت شـریکی در حصول جرم ضـعیف باشـد دادگاه مجازات او را به تناسب تاثیر عمل او تخفیف می‌دهـد. ماده ۴۳ ـ اشـخاص زیر معاون جرم محسوب و با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و تادیب از وعظ و تهدید ودرجات تعزیر، تعزیر می‌شونـد: ۱ ـ هر کس دیگری را تحریـک یـا ترغیب یا تهدیـد یا تطمیع به ارتکاب جرم نمایـد و یا به وسـیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود. ۲ ـ هر کس با علم و عمـد وسایل ارتکاب جرم را تهیه کند و یا طریق ارتکاب آن را با علم به قصد مرتکب ارایه دهد. ۳ ـ هر کس عالما، عامدا وقوع جرم را تسهیل کند. تبصره ۱ ـ برای تحقق معاونت در جرم وجود وحدت قصـد و تقـدم و یا اقتران زمانی بین عمل معاون و مباشـر جرم شـرط است تبصـره ۲ ـ در صورتی که برای معـاونت جرمی مجـازات خاص در قانون یا شـرع وجود داشـته باشـد همان مجازات اجرا خواهد شد. ماده ۴۴ ـ در صورتی که فاعـل جرم به جهتی از جهـات قـانونی قابـل تعقیب و مجـازات نباشـد و یـا تعقیب و یا اجرای حکم مجازات او به جهتی از جهات قانونی موقوف گردد، تاثیری در حق معـاون جرم نخواهـد داشت ماده ۴۵ ـ سردسـتگی دو یـا چنـد نفر در ارتکـاب جرم اعم از اینکه عمـل آنـان شـرکت در جرم یا معاونت در جرم باشد از علل مشدده مجازات است

فصل سوم ـ تعدد جرم (ماده ۴۶ و ۴۷)

ماده ۴۶ ـ در جرایم قابل تعزیر هر گاه فعل واحـد دارای عناوین متعدده جرم باشد مجازات جرمی داده می‌شود که مجازات آن اشـد است ماده ۴۷ ـ در مورد تعـدد جرم هر گاه جرایم ارتکابی مختلف باشـد باید برای هر یک از جرایم مجازات جداگانه تعیین شود و اگر مختلف نباشـد فقط یک مجازات تعیین می گردد و در این قسـمت تعـدد جرم می‌توانـد از علل مشدده کیفر باشد و اگر مجموع جرایم ارتکابی در قانون عنوان جرم خاصـی داشـته باشـد مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می گردد. تبصـره ـ حکم تعـدد جرم در حدود و قصاص و دیات همان است که در ابواب مربوطه ذکر شده است

فصل چهارم ـ تکرار جرم ماده ۴۸)

ماده ۴۸ ـ هر کس به مـوجب حکم دادگـاه به مجـازات تعزیری و یـا بازدارنـده محکـوم شود، چنـانچه بعـد از اجرای حکم مجـددا مرتکب جرم قابل تعزیر گردد دادگاه می‌توانـد در صورت لزوم مجازات تعزیری یا بازدارنـده را تشدیـد نماید. تبصـره ـ هرگاه حین صـدور حکم محکومیتهای سابق مجرم معلوم نباشد و بعدا معلوم شود، دادسـتان مراتب را به دادگاه صادرکننده حکم اعلام می کند در این صورت اگر دادگاه محکومیتهای سابق را محرز دانست می‌تواند طبق مقررات این ماده اقدام نماید.

باب چهارم ـ حدود مسؤولیت جزایی (ماده ۴۹ تا ۶۲)

ماده ۴۹ ـ اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسوولیت کیفری هستند و تربیت آنان با نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالاقتضا کانون اصلاح و تربیت اطفال می‌باشد. تبصره ۱ ـ منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد. تبصره ۲ ـ هرگاه برای تربیت اطفال بزهکار تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند تنبیه بایستی به میزان و مصلحت باشد. ماده ۵۰ ـ چنانچه غیر بالغ مرتکب قتل و جرح و ضرب شود عاقله ضامن است لکن در مورد اتلاف مال اشخاص ، خود طفل ضامن است و ادای آن از مال طفل به عهده ولی طفل می‌باشد. ماده ۵۱ ـ جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه که باشد رافع مسوولیت کیفری است تبصره ۱ ـ در صورتی که تادیب مرتکب موثر باشد به حکم دادگاه تادیب می‌شود. تبصره ۲ ـ در جنون ادواری شرط رفع مسوولیت کیفری جنون در حین ارتکاب جرم است ماده ۵۲ ـ هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب مجنون بوده و یا پس از حدوث جرم مبتلا به جنون شود چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص ثابت باشد به دستور دادستان تا رفع حالت مذکور در محل مناسبی نگاهداری خواهد شد و آزادی او به دستور دادستان امکان‌پذیر است شخص نگهداری شده و یا کسانش می‌توانند به دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل جرم را دارد مراجعه و به این دستور اعتراض کنند، در این صورت دادگاه در جلسه اداری با حضور معترض و دادستان و یا نماینده او موضوع را با جلب نظر متخصص خارج از نوبت رسیدگی کرده و حکم مقتضی در مورد آزادی شخص نگهداری شده یا تایید دستور دادستان صادر می‌کند. این رای قطعی است ولی شخص نگهداری شده یا کسانش هرگاه علایم بهبودی را مشاهده کردند حق اعتراض به دستور دادستان را دارند. ماده ۵۳ ـ اگر کسی بر اثر شرب خمر، مسلوب الاراده شده لکن ثابت شود که شرب خمر به منظور ارتکاب جرم بوده است مجرم علاوه بر مجازات استعمال شرب خمر به مجازات جرمی که مرتکب شده است نیز محکوم خواهد شد. ماده ۵۴ ـ در جرایم موضوع مجازاتهای تعزیری یا بازدارنده هرگاه کسی بر اثر اجبار یا اکراه که عادتا قابل تحمل نباشد مرتکب جرمی گردد مجازات نخواهد شد. در این مورد اجبارکننده به مجازات فاعل جرم با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم ومراتب تادیب از وعظ و توبیخ و تهدید و درجات تعزیر محکوم می‌گردد. ماده ۵۵ ـ هر کس هنگام بروز خطر شدید از قبیل آتش‌سوزی سیل و توفان به منظور حفظ جان یا مال خود یا دیگری مرتکب جرمی‌شود مجازات نخواهد شد مشروط بر اینکه خطر را عمدا ایجاد نکرده و عمل ارتکابی نیز با خطر موجود متناسب بوده و برای رفع آن ضرورت داشته باشد. تبصره ـ دیه و ضمان مالی از حکم این ماده مستثنی است ماده ۵۶ ـ اعمالی که برای آنها مجازات مقرر شده است در موارد زیر جرم محسوب نمی‌شود: ۱ ـ در صورتی که ارتکاب عمل به امر آمر قانونی بوده و خلاف شرع هم نباشد. ۲ ـ در صورتی که ارتکاب عمل برای اجرای قانون اهم لازم باشد. ماده ۵۷ ـ هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی جرمی واقع شود آمر و مامور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند ولی ماموری که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است اجراء کرده باشد، فقط به پرداخت دیه یا ضمان مالی‌محکوم خواهد شد. ماده ۵۸ ـ هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد درمورد ضرر مادی در صورت تقصیر مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران‌می‌شود و در موارد ضرر معنوی چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد باید نسبت به اعاده حیثیت او اقدام‌شود. ماده ۵۹ ـ اعمال زیر جرم محسوب نمی‌شود: ۱ ـ اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و محجورین که به منظور تادیب یا حفاظت آنها انجام شود مشروط به اینکه‌اقدامات مذکور در حد متعارف تادیب و محافظت باشد. ۲ ـ هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیا یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی آنها و رعایت موازین فنی وعلمی و نظامات دولتی انجام شود.

در موارد فوری اخـذ رضایت ضـروری نخواهد بود. ۳ـ حوادث ناشـی از عملیات ورزشـی مشـروط بر اینکه سبب آن حوادث نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم باموازین شـرعی مخالفت نداشـته باشد. ماده ۶۰ ـ چنانچه طبیب قبل از شروع درمـان یـا اعمال جراحی از مریض یا ولی او برائت حاصل نموده باشـد ضامن خسارت جانی یامالی یا نقص عضو نیست و در موارد فوری که اجازه گرفتن ممکن نباشـد طبیب ضامن نمی‌باشد. ماده ۶۱ ـ هر کس در مقـام دفـاع از نفس یا عرض و یا ناموس و یا مال خود یا دیگری و یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز فعلی و یا خطر قریب‌الوقوع عملی انجام دهـد که جرم باشد در صورت اجتماع شـرایط زیر قابل تعقیب و مجازات نخواهـد بود: ۱ ـ دفاع با تجاوز و خطر متناسب باشـد. ۲ – عمـل ارتکابی بیش از حد لازم نباشد. ۳ ـ توسل به قوای دولتی بـدون فوت وقت عملا ممکن نباشـد و یا مـداخله قوای مـذکور در رفع تجاوز و خطر موثر واقع نشود. تبصـره ـ وقتی دفاع از نفس و یا ناموس و یا عرض و یا مال و یا آزادی تن دیگری جایز است که او ناتوان از دفاع بوده و نیاز به کمک‌داشـته باشد. ماده ۶۲ ـ مقـاومت در برابر قوای تـأمینی و انتظـامی در مواقعی که مشـغول انجام وظیفه خود باشـند، دفاع محسوب نمی‌شود ولی هرگاه‌قوای مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و حسب ادله و قراین موجود خوف آن باشد که عملیات آنـان موجب قتـل یـا جرح یـا تعرض‌به عرض یـا نـاموس گردد، در این صورت دفـاع جـایز است ماده ۶۲ مکرر ـ محکـومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی به شرح ذیل محکوم علیه را از حقوق اجتماعی محروم می‌نماید و پس ازانقضای مدت تعیین شده و اجرای حکم رفع اثر می‌گردد: ۱ـ محکومان به قطع عضو در جرایم مشـمول حـد، پنـج سال پس از اجرای حکم ۲ـ محکومان به شلاق در جرایم مشمول حد، یک سال پس از اجرای حکم ۳ـ محکومان به حبس تعزیری بیش از سه سال دو سال پس از اجرای حکم تبصره ۱ ـ حقوق اجتماعی عبارتست از حقوقی که قانونگذار برای اتباع کشور جمهوری اسـلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمروحاکمیت آن منظور نموده و سـلب آن به موجب قـانون یـا حکم دادگـاه صالـح می‌باشـد از قبیـل الف ـ حق انتخاب شـدن در مجالس شورای اسـلامی خبرگـان و عضـویت در شـورای نگهبـان و انتخـاب شـدن به ریـاست جمهـوری ب ـ عضویت درکلیه انجمنهـا و شوراهـا و جمعیتهایی که اعضای آن به موجب قانون انتخاب می‌شوند. ج ـ عضویت در هیاتهای منصـفه و امناء. د ـ اشتغال به مشاغل آموزشی و روزنامه نگاری ه ـ اسـتخدام در وزارتخانه‌ها، سازمانهای دولتی شـرکتها، موسـسات وابسته به دولت شهرداریها، موسسات مامور به خـدمات عمومی ادارات مجلس شورای اسـلامی و شورای نگهبـان و نهادهـای انقلابی و ـ وکالت دادگستری و تصـدی دفاتر اسـناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتریاری ز ـ انتخاب شدن به سمت داوری و کارشناسی در مراجع رسمی ح ـ استفاده از نشان و مدالهای دولتی و عناوین افتخاری تبصره ۲ ـ چنانچه اجرای مجازات اعـدام به جهتی از جهات متوقف شود در این صورت آثار تبعی آن پس از انقضای هفت سال ازتاریخ توقف اجرای حکم رفع می‌شود. تبصره ۳ ـ در مورد جرایم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصـی اجرای مجازات موقوف شود اثر محکومیت کیفری زایل می‌گردد. تبصره ۴ ـ عفو مجرم موجب زوال آثار مجازات نمی‌شود مگر اینکه تصـریح شده باشد. تبصـره ۵ ـ در مواردی که عفو مجـازات آثار کیفری را نیز شامل می‌شود، همچنین در آزادی مشروط آثار محکومیت پس از گذشت مدت مقرر از زمان آزادی محکوم علیه رفع می‌گردد.

۲– کتاب دوم ـ حدود

باب اول ـ حد زنا

فصل اول ـ تعریف و موجبات حد زنا

ماده ۶۳ ـ زنا عبارت است از جماع مرد با زنی که بر او ذاتا حرام است گرچه در دبر باشد، در غیر موارد وطی به شـبهه ماده ۶۴ ـ زنا

در صورتی موجب حد می‌شود که زانی یا زانیه بالغ و عاقل و مختار بوده و به حکم و موضوع آن نیز آگاه باشد. ماده ۶۵ ـ هرگاه زن یا مردی حرام بودن جماع با دیگری را بداند و طرف مقابل از این امر آگاه نباشد و گمان کند ارتکاب این عمل برای او جایز است فقط طرفی که آگاه بوده است محکوم به حد زنا می‌شود. ماده ۶۶ ـ هرگاه مرد یا زنی که با هم جماع نموده‌اند ادعای اشتباه و نا آگاهی کند در صورتی که احتمال صدق مدعی داده شود، ادعای مذکور بدون شاهد و سوگند پذیرفته می‌شود و حد ساقط می‌گردد. ماده ۶۷ ـ هرگاه زانی یا زانیه ادعا کند که به زنا اکراه شده است ادعای او در صورتی که یقین برخلاف آن نباشد قبول می‌شود.

فصل دوم ــ راههای ثبوت زنا در دادگاه

ماده ۶۸ ـ هرگاه مرد یا زنی در چهار بار نزد حاکم اقرار به زنا کند محکوم به حد زنا خواهد شد و اگر کمتر از چهار بار اقرار نماید تعزیر می‌شود. ماده ۶۹ ـ اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده دارای اوصاف بلوغ عقل اختیار و قصد باشد. ماده ۷۰ ـ اقرار باید صریح یا به طوری ظاهر باشد که احتمال عقلایی خلاف در آن داده نشود. ماده ۷۱ ـ هرگاه کسی اقرار به زنا کند و بعد انکار نماید در صورتی که اقرار به زنایی باشد که موجب قتل یا رجم است با انکار بعدی حد رجم و قتل ساقط می‌شود، در غیر این صورت با انکار بعد از اقرار حد ساقط نمی‌شود. ماده ۷۲ ـ هرگاه کسی به زنایی که موجب حد است اقرار کند و بعد توبه نماید، قاضی می‌تواند تقاضای عفو او را از ولی امر بنماید و یا حد را بر او جاری نماید. ماده ۷۳ ـ زنی که همسر ندارد به صرف باردار شدن مورد حد قرار نمی‌گیرد، مگر آنکه زنای او با یکی از راههای مذکور در این قانون ثابت‌شود. ماده ۷۴ ـ زنا چه موجب حد جلد باشد و چه موجب حد رجم با شهادت چهار مرد عادل یا سه مرد عادل و دو زن عادل ثابت می‌شود. ماده ۷۵ ـ در صورتی که زنا فقط موجب حد جلد باشد به شهادت دو مرد عادل همراه با چهار زن عادل نیز ثابت می‌شود. ماده ۷۶ ـ شهادت زنان به تنهایی یا به انضمام شهادت یک مرد عادل زنا را ثابت نمی‌کند بلکه در مورد شهود مذکور حد قذف طبق‌احکام قذف جاری می‌شود. ماده ۷۷ ـ شهادت شهود باید روشن و بدون ابهام و مستند به مشاهده باشد و شهادت حدسی معتبر نیست ماده ۷۸ ـ هرگاه شهود خصوصیات مورد شهادت را بیان کنند این خصوصیات باید از لحاظ زمان و مکان و مانند آنها اختلاف نداشته باشند. در صورت اختلاف بین شهود علاوه بر اینکه زنا ثابت نمی‌شود شهود نیز به حد قذف محکوم می‌گردند. ماده ۷۹ ـ شهود باید بدون فاصله زمانی یکی پس از دیگری شهادت دهند، اگر بعضی از شهود شهادت بدهند و بعضی دیگر بلافاصله‌برای ادای شهادت حضور پیدا نکنند، یا شهادت ندهند زنا ثابت نمی‌شود ، در این صورت شهادت‌دهنده مورد حد قذف قرار می‌گیرد. ماده ۸۰ ـ حد زنا جز در موارد مذکور در مواد آتی باید فورا جاری گردد. ماده ۸۱ ـ هرگاه زن یا مرد زانی قبل از اقامه شهادت توبه نماید، حد از او ساقط می‌شود و اگر بعد از اقامه شهادت توبه کند حد ساقط نمی‌شود.

فصل سوم ــ اقسام حد زنا

ماده ۸۲ ـ حد زنا در موارد زیر قتل است و فرقی بین جوان و غیر جوان و محصن و غیرمحصن نیست الف ـ زنا با محارم نسبی ب ـ زنا با زن پدر که موجب قتل زانی است ج ـ زنای غیر مسلمان با زن مسلمان که موجب قتل زانی است د ـ زنای به عنف و اکراه که موجب قتل زانی اکراه‌کننده است ماده ۸۳ ـ حد زنا در موارد زیر رجم است الف ـ زنای مرد محصن یعنی مردی که دارای همسر دایمی است و با او در حالی که عاقل بوده جماع کرده و هر وقت نیز بخواهد می‌تواند با او جماع کند. ب ـ زنای زن محصنه با مرد بالغ زن محصنه زنی است که دارای شوهر دایمی است و شوهر در حالی که زن عاقل بوده با او جماع کرده‌است و امکان جماع با شوهر را نیز داشته باشد. تبصره ـ زنای زن محصنه با نابالغ موجب حد تازیانه است ماده ۸۴ ـ بر پیرمرد یا پیرزن زانی که دارای

شرایط احصان باشند، قبل از رجم حد جلد جاری می‌شود. ماده ۸۵ ـ طلاق رجعی قبل از سپری شدن ایام عده مرد یا زن را از احصان خارج نمی‌کند ولی طلاق باین آنها را از احصان خارج می‌نماید. ماده ۸۶ ـ زنای مرد یا زنی که هر یک همسر دایمی دارد ولی به واسطه مسافرت یا حبس و مانند آنها از عذرهای موجه به همسر خود دسترسی ندارد، موجب رجم نیست ماده ۸۷ ـ مرد متاهلی که قبل از دخول مرتکب زنا شود به حد جلد و تراشیدن سر و تبعید به مدت یک سال محکوم خواهد شد. ماده ۸۸ ـ حد زنای زن یا مردی که واجد شرایط احصان نباشند صد تازیانه است ماده ۸۹ ـ تکرار زنا قبل از اجرای حد در صورتی که مجازاتها از یک نوع باشد موجب تکرار حد نمی‌شود ولی اگر مجازاتها از یک نوع نباشد مانند آنکه بعضی از آنها موجب جلد بوده و بعضی دیگر موجب رجم باشد، قبل از رجم زانی حد جلد بر او جاری می‌شود. ماده ۹۰ ـ هرگاه زن یا مردی چند بار زنا کند و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه چهارم کشته می‌شود. ماده ۹۱ ـ در ایام بارداری و نفاس زن حد قتل یا رجم بر او جاری نمی‌شود، همچنین بعد از وضع حمل در صورتی که نوزاد کفیل نداشته باشد و بیم تلف شدن نوزاد برود حد جاری نمی‌شود، ولی اگر برای نوزاد کفیل پیدا شود حد جاری می‌گردد. ماده ۹۲ ـ هرگاه در اجرای حد جلد بر زن باردار یا شیرده احتمال بیم ضرر برای حمل یا نوزاد شیرخوار باشد اجرای حد تا رفع بیم ضرر به تاخیر می‌افتد. ماده ۹۳ ـ هرگاه مریض یا زن مستحاضه محکوم به قتل یا رجم شده باشند حد بر آنها جاری می‌شود ولی اگر محکوم به جلد باشند اجرای حد تا رفع بیماری و استحاضه به تاخیر می‌افتد. تبصره ـ حیض مانع اجرای حد نیست ماده ۹۴ ـ هرگاه امید به بهبودی مریض نباشد یا حاکم شرع مصلحت بداند که در حال مرض حد جاری شود یک دسته تازیانه یا ترکه که مشتمل بر صد واحد باشد، فقط یک بار به او زده می‌شود هر چند همه آنها به بدن محکوم نرسند. ماده ۹۵ ـ هرگاه محکوم به حد دیوانه یا مرتد شود حد از او ساقط نمی‌شود. ماده ۹۶ ـ حد جلد را نباید در هوای بسیار سرد یا بسیار گرم جاری نمود. ماده ۹۷ ـ حد را نمی‌شود در سرزمین دشمنان اسلام جاری کرد.

فصل چهارم ـ کیفیت اجرای حد

ماده ۹۸ ـ هرگاه شخصی محکوم به چند حد شود اجرای آنها باید به ترتیبی باشد که هیچ‌کدام از آنها زمینه دیگری را از بین نبرد، بنابراین اگر کسی به جلد و رجم محکوم شود اول باید حد جلد و بعد حد رجم را جاری ساخت ماده ۹۹ ـ هرگاه زنای شخصی که دارای شرایط احصان است با اقرار او ثابت شده باشد هنگام رجم اول حاکم شرع سنگ می‌زند بعدا دیگران و اگر زنای او به شهادت شهود ثابت شده باشد اول شهود سنگ می‌زنند بعدا حاکم و سپس دیگران تبصره ـ عدم حضور یا اقدام حاکم و شهود برای زدن اولین سنگ مانع اجرای حد نیست و در هر صورت حد باید اجرا شود. ماده ۱۰۰ ـ حد جلد مرد زانی باید ایستاده و در حالی اجرای گردد که پوشاکی جز ساتر عورت نداشته باشد. تازیانه به شدت به تمام بدن وی غیر از سر و صورت و عورت زده می‌شود. تازیانه را به زن زانی در حالی می‌زنند که زن نشسته و لباسهای او به بدنش بسته باشد. ماده ۱۰۱ ـ مناسب است که حاکم شرع مردم را از زمان اجرای حد آگاه سازد و لازم است عده‌ای از مؤمنین که از سه نفر کمتر نباشند درحال اجرای حد حضور یابند. ماده ۱۰۲ ـ مرد را هنگام رجم تا نزدیکی کمر و زن را تا نزدیکی سینه در گودال دفن می‌کنند آنگاه رجم می‌نمایند. ماده ۱۰۳ ـ هرگاه کسی که محکوم به رجم است از گودالی که در آن قرار گرفته فرار کند در صورتی که زنای او به شهادت ثابت شده باشد برای اجرای حد برگردانده می‌شود اما اگر به اقرار خود او ثابت شده باشد برگردانده نمی‌شود. تبصره ـ اگر کسی که محکوم به جلد باشد فرار کند در هر حال برای اجرای حد جلد برگردانده می‌شود. ماده ۱۰۴ ـ بزرگی سنگ در رجم نباید به حدی باشد که با اصابت یک یا دو عدد، شخص کشته شود. همچنین کوچکی آن نباید به اندازه‌ای باشد که نام سنگ بر آن صدق نکند. ماده ۱۰۵ ـ حاکم شرع می‌تواند در حق الله و حق الناس به علم خود عمل کند و حد الهی را جاری نماید و لازم است مستند علم را ذکر کند. اجرای حد در حق الله متوقف به درخواست کسی نیست ولی در حق الناس اجرای حد موقوف به درخواست صاحب حق

می‌باشد. ماده ۱۰۶ ـ زنـا در زمانهـای متبرکه چون اعیـاد مـذهبی و رمضان و جمعه و مکانهای شـریف چون مساجـد علاوه بر حـد، موجب تعزیراست ماده ۱۰۷ ـ حضور شـهود هنگام اجرای حـد رجم لازم است ولی با غیبت آنان حـد ساقط نمی‌شود اما با فرار آنها حد ساقط می‌شود.

باب دوم ــ حد لواط

فصل اول ــ تعریف و موجبات حد لواط

ماده ۱۰۸ ـ لواط وطی انسان مـذکر است چه به صورت دخول باشد یا تفخیذ. ماده ۱۰۹ ـ فاعـل و مفعول لواط هر دو محکوم به حد خواهنـد شد. ماده ۱۱۰ ـ حـد لواط در صورت دخول قتـل است و کیفیت نوع آن در اختیـار حـاکم شـرع است ماده ۱۱۱ ـ لواط در صورتی موجب قتـل می‌شود که فاعـل و مفعول بالغ و عاقل و مختار باشـند. ماده ۱۱۲ ـ هرگـاه مرد بـالغ و عاقل با نابالغی لواط کند فاعل کشـته می‌شود و مفعول اگر مکره نباشد تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می‌شود. ماده ۱۱۳ ـ هرگاه نابالغی نابالغ دیگر را وطی کند تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می‌شوند مگر آنکه یکی از آنها اکراه شده باشد.

فصل دوم ــ راههای ثبوت لواط در دادگاه

ماده ۱۱۴ ـ حد لواط با چهار بار اقرار نزد حاکم شـرع نسبت به اقرار کننده ثابت می‌شود. ماده ۱۱۵ ـ اقرار کمتر از چهار بار موجب حـد نیست و اقرارکننده تعزیر می‌شود. ماده ۱۱۶ ـ اقرار در صورتی نافـذ است که اقرار کننـده بالغ عاقل مختار و دارای قصـد باشد. ماده ۱۱۷ ـ حـد لواط با شـهادت چهار مرد عادل که آن را مشاهـده کرده باشـند ثابت می‌شود. ماده ۱۱۸ ـ با شـهادت کمتر از چهار مرد عادل لواط ثابت نمی‌شود و شـهود به حد قذف محکوم می‌شوند. ماده ۱۱۹ ـ شـهادت زنان به تنهایی یا به ضمیمه مرد، لواط را ثابت نمی‌کند. ماده ۱۲۰ ـ حاکم شرع می‌تواند طبق علم خود که از طرق متعارف حاصل شود ، حکم کند. ماده ۱۲۱ ـ حد تفخیذ و نظایر آن بین دو مرد بدون دخول برای هر یک صد تازیانه است تبصره ـ در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول مسلمان باشد حد فاعـل قتل است ماده ۱۲۲ ـ اگر تفخیـذ و نظایر آن سه بار تکرار و بعـد از هر بار حـد جاری شود در مرتبه چهارم حـد آن قتل اسـت ماده ۱۲۳ ـ هرگاه دو مرد که با هم خویشاوندی نسبی نداشـته باشـند بدون ضرورت در زیر یک پوشش به طور برهنه قرار گیرند هر دو تا۹۹ ضربه شلاق تعزیر می‌شوند. ماده ۱۲۴ ـ هرگاه کسی دیگری را از روی شهوت ببوسد تا ۶۰ ضربه شلاق تعزیر می‌شود. ماده ۱۲۵ ـ کسـی که مرتکب لواط یا تفخیذ و نظایر آن شده باشد اگر قبل از شـهادت شهود توبه کند حد از او ساقط می‌شود و اگر بعد ازشـهادت توبه نمایـد حد از او ساقط نمی‌شود. ماده ۱۲۶ ـ اگر لواط و تفخیـذ و نظایر آن با اقرار شـخص ثابت شـده باشد و پس از اقرار توبه کند قاضی می‌تواند از ولی امر تقاضای عفو نماید.

باب سوم ــ مساحقه

ماده ۱۲۷ ـ مساحقه همجنس بازی زنان است با اندام تناسلی ماده ۱۲۸ ـ راههای ثبوت مساحقه در دادگاه همان راههای ثبوت لواط است ماده ۱۲۹ ـ حـد مسـاحقه برای هریک از طرفین صـد تازیانه است ماده ۱۳۰ ـ حـد مساحقه درباره کسـی ثابت می‌شود که بالغ عاقل مختار و دارای قصد باشد. تبصـره ـ در حد مساحقه فرقی بین فاعل و مفعول و همچنین فرقی بین مسـلمان و غیرمسـلمان نیسـت ماده ۱۳۱ ـ هرگـاه مسـاحقه سه بـار تکرار شود و بعـد از هر بار حـد جاری گردد در مرتبه چهارم حـد آن قتل است ماده ۱۳۲ ـ اگر

مساحقه‌کننده قبل از شهادت شهود توبه کند حد ساقط می‌شود اما توبه بعد از شهادت موجب سقوط حد نیست ماده ۱۳۳ ـ اگر مساحقه با اقرار شخص ثابت شود و وی پس از اقرار توبه کند قاضی می‌تواند از ولی امر تقاضای عفو نماید. ماده ۱۳۴ ـ هرگاه دو زن که با هم خویشاوندی نسبی نداشته باشند بدون ضرورت برهنه زیر یک پوشش قرار گیرند به کمتر از صد تازیانه تعزیر می‌شوند. در صورت تکرار این عمل و تکرار تعزیر در مرتبه سوم به هر یک صد تازیانه زده می‌شود.

باب چهارم ـ قوادی

ماده ۱۳۵ ـ قوادی عبارتست از جمع و مرتبط کردن دو نفر یا بیشتر برای زنا یا لواط ماده ۱۳۶ ـ قوادی با دو بار اقرار ثابت می‌شود به شرط آنکه اقرارکننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد. ماده ۱۳۷ ـ قوادی با شهادت دو مرد عادل ثابت می‌شود. ماده ۱۳۸ ـ حد قوادی برای مرد هفتاد و پنج تازیانه و تبعید از محل به مدت ۳ ماه تا یک سال است و برای زن فقط هفتاد و پنج تازیانه است

باب پنجم ـ قذف

ماده ۱۳۹ ـ قذف نسبت دادن زنا یا لواط است به شخص دیگری ماده ۱۴۰ ـ حد قذف برای قذف‌کننده مرد یا زن هشتاد تازیانه است تبصره ۱ ـ اجرای حد قذف منوط به مطالبه مقذوف است تبصره ۲ ـ هرگاه کسی امری غیر از زنا یا لواط مانند مساحقه و سایر کارهای حرام را به شخصی نسبت دهد به شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم خواهد شد. ماده ۱۴۱ ـ قذف باید روشن و بدون ابهام بوده و نسبت‌دهنده به معنای لفظ آگاه باشد، گرچه شنونده معنای آن را نداند. ماده ۱۴۲ ـ هرگاه کسی به فرزند مشروع خود بگوید تو فرزند من نیستی محکوم به حد قذف می‌شود. همچنین اگر کسی به فرزند مشروع دیگری بگوید تو فرزند او نیستی محکوم به حد قذف خواهد شد. تبصره ـ در موارد ماده فوق هرگاه قرینه‌ای در بین باشد که منظور، قذف نیست حد ثابت نمی‌شود. ماده ۱۴۳ ـ هرگاه کسی به شخصی بگوید که تو با فلان زن زنا کرده‌ای یا با فلان مرد لواط نموده‌ای نسبت به مخاطب قذف خواهد بود و گوینده محکوم به حد قذف می‌شود. ماده ۱۴۴ ـ هرگاه کسی به قصد نسبت دادن زنا به شخصی مثلا چنین گوید (زن قحبه یا خواهر قحبه یا مادر قحبه نسبت به کسی که زنا را به او نسبت داده است محکوم به حد قذف می‌شود و نسبت به مخاطب که به واسطه این دشنام اذیت شده است تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می‌شود. ماده ۱۴۵ ـ هر دشنامی که باعث اذیت شنونده شود و دلالت بر قذف نکند مانند اینکه کسی به زنش بگوید تو باکره نبودی موجب محکومیت گوینده به شلاق تا ۷۴ ضربه می‌شود. ماده ۱۴۶ ـ قذف در مواردی موجب حد می‌شود که قذف‌کننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد و قذف شونده نیز بالغ و عاقل و مسلمان و عفیف باشد. در صورتی که قذف‌کننده و یا قذف شونده فاقد یکی از اوصاف فوق باشند حد ثابت نمی‌شود. ماده ۱۴۷ ـ هرگاه نابالغ ممیز کسی را قذف کند به نظر حاکم تادیب می‌شود و هرگاه یک فرد بالغ و عاقل شخص نابالغ یا غیرمسلمان را قذف کند تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می‌شود. ماده ۱۴۸ ـ اگر قذف‌شونده به آنچه به او نسبت داده شده است تظاهر نماید قذف‌کننده حد و تعزیر ندارد. ماده ۱۴۹ ـ هرگاه خویشاوندان یکدیگر را قذف کنند محکوم به حد می‌شوند. تبصره ـ اگر پدر یا جد پدری فرزندش را قذف کند تعزیر می‌شود. ماده ۱۵۰ ـ هرگاه مردی همسر متوفی خود را قذف کند و آن زن جز فرزند همان مرد وارثی نداشته باشد حد ثابت نمی‌شود. اما اگر آن زن وارثی غیر از فرزند همان مرد داشته باشد، حد ثابت می‌شود. ماده ۱۵۱ ـ هرگاه شخصی چند نفر را به طور جداگانه قذف کند در برابر قذف هر یک جداگانه حد بر او جاری می‌شود خواه همگی با هم مطالبه حد کنند، خواه به طور جداگانه ماده ۱۵۲ ـ هرگاه شخصی چند نفر را به یک لفظ قذف نماید اگر هر کدام از آنها جداگانه خواهان حد

شوند برای قذف هر یک از آنها حد جداگانه‌ای جاری می گردد ولی اگر با هم خواهان حد شوند فقط یک حد ثابت می‌شود. ماده ۱۵۳ ـ قذف با دو بار اقرار یا با شهادت دو مرد عادل اثبات می‌شود. ماده ۱۵۴ ـ اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد. ماده ۱۵۵ ـ تازیانه بر روی لباس متعارف و به طور متوسط زده می‌شود. ماده ۱۵۶ ـ تازیانه را نباید به سر و صورت و عورت قذف‌کننده زد. ماده ۱۵۷ ـ هرگاه کسی چند بار اشخاص را قذف کند و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه چهارم کشته می‌شود. ماده ۱۵۸ ـ هرگاه قذف‌کننده بعد از اجرای حد بگوید آنچه گفتم حق بود تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می‌شود. ماده ۱۵۹ ـ هرگاه یک نفر را چند بار به یک سبب مانند زنا قذف کند فقط یک حد ثابت می‌شود. ماده ۱۶۰ ـ هرگاه یک نفر را به چند سبب مانند زنا و لواط قذف کند چند حد ثابت می‌شود. ماده ۱۶۱ ـ حد قذف در موارد زیر ساقط می‌شود: ۱ ـ هرگاه قذف شونده قذف‌کننده را تصدیق نماید. ۲ ـ هرگاه شهود با نصاب معتبر آن به چیزی که مورد قذف است شهادت دهند. ۳ ـ هرگاه قذف‌شونده یا همه ورثه او قذف‌کننده را عفو نمایند. ۴ ـ هرگاه مردی زنش را پس از قذف لعان کند. ماده ۱۶۲ ـ هرگاه دو نفر یکدیگر را قذف کنند خواه قذف آنها همانند و خواه مختلف باشد حد ساقط و هر یک تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می‌شوند. ماده ۱۶۳ ـ حد قذف اگر اجرا یا عفو نشود به وراث منتقل می گردد. ماده ۱۶۴ ـ حق مطالبه حد قذف به همه وارثان بجز زن و شوهر منتقل می‌شود و هر یک از ورثه می‌توانند آن را مطالبه کنند هر چند دیگران عفو کرده باشند.

باب ششم ـ حد مسکر

فصل اول ـ موجبات حد مسکر

ماده ۱۶۵ ـ خوردن مسکر موجب حد است اعم از آنکه کم باشد یا زیاد، مست کند یا نکند، خالص یا مخلوط باشد به حدی که آن را از مسکر بودن خارج نکند. تبصره ۱ ـ آب جو در حکم شراب است گرچه مست‌کننده نباشد و خوردن آن موجب حد است تبصره ۲ ـ خوردن آب انگوری که خود به جوش آمده یا بوسیله آتش یا آفتاب و مانند آن جوشانیده شده است حرام است اما موجب‌حد نمی‌باشد.

فصل دوم ـ شرایط حد مسکر

ماده ۱۶۶ ـ حد مسکر بر کسی ثابت می‌شود که بالغ و عاقل و مختار و آگاه به مسکر بودن و حرام بودن آن باشد. تبصره ۱ ـ در صورتی که شراب خورده مدعی جهل به حکم یا موضوع باشد و صحت دعوای وی محتمل باشد محکوم به حد نخواهد شد. تبصره ۲ ـ هرگاه کسی بداند که خوردن شراب حرام است و آن را بخورد محکوم به حد خواهد شد گرچه نداند که خوردن آن موجب‌حد می‌شود. ماده ۱۶۷ ـ هرگاه کسی مضطر شود که برای نجات از مرگ یا جهت درمان بیماری سخت به مقدار ضرورت شراب بخورد محکوم به حد نخواهد شد. ماده ۱۶۸ ـ هرگاه کسی دو بار اقرار کند که شراب خورده است محکوم به حد می‌شود. ماده ۱۶۹ ـ اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده بالغ عاقل مختار و دارای قصد باشد. ماده ۱۷۰ ـ در صورتی که طریق اثبات شرب خمر شهادت باشد، فقط با شهادت دو مرد عادل ثابت می‌شود. ماده ۱۷۱ ـ هرگاه یکی از دو مرد عادل شهادت دهد که شخصی شراب خورده و دیگری شهادت دهد که او شراب قی کرده است حدثابت می‌شود. ماده ۱۷۲ ـ در شهادت به شرب مسکر لازم است از لحاظ زمان یا مکان و مانند آن اختلافی نباشد ولی در صورتی که یکی به شرب اصل مسکر و دیگری به شرب نوعی خاص از آن شهادت دهد حد ثابت می‌شود. ماده ۱۷۳ ـ اقرار یا شهادت در صورتی موجب حد می‌شود که احتمال عقلایی بر معذور بودن خورنده مسکر در بین نباشد. ماده ۱۷۴ ـ حد شرب مسکر برای مرد و یا زن هشتاد تازیانه است تبصره ـ غیر مسلمان

فقط در صورت تظاهر به شرب مسکر به هشتاد تازیانه محکوم می‌شود. ماده ۱۷۵ ـ هر کس به ساختن تهیه خرید، فروش حمل و عرضه مشروبات الکلی مبادرت کند به ۶ ماه تا ۲ سال حبس محکوم می‌شود و یا در اثر ترغیب یا تطمیع و نیرنگ وسایل استفاده از آن را فراهم نماید در حکم معاون در شرب مسکرات محسوب می گردد و به تازیانه تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود.

فصل سوم ــ کیفیت اجرای حد

ماده ۱۷۶ ـ مرد را در حالی که ایستاده باشد و پوشاکی غیر از ساتر عورت نداشته باشد و زن را در حالی که نشسته و لباسهایش به بدن او بسته باشد تازیانه می‌زنند. تبصره ـ تازیانه را نباید به سر و صورت و عورت محکوم زد. ماده ۱۷۷ ـ حد وقتی جاری می‌شود که محکوم از حال مستی بیرون آمده باشد. ماده ۱۷۸ ـ هرگاه کسی چند بار مسکر بخورد و حد بر او جاری نشود برای همه آنها یک حد کافی است ماده ۱۷۹ ـ هرگاه کسی چند بار شرب مسکر بنماید و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه سوم کشته می‌شود. ماده ۱۸۰ ـ هرگاه محکوم به حد دیوانه یا مرتد شود حد از او ساقط نمی‌شود.

فصل چهارم ــ شرایط سقوط حد مسکر یا عفو از آن

ماده ۱۸۱ ـ هرگاه کسی که شراب خورده قبل از اقامه شهادت توبه نماید حد از او ساقط می‌شود ولی توبه بعد از اقامه شهادت موجب سقوط حد نیست ماده ۱۸۲ ـ هرگاه کسی بعد از اقرار به خوردن مسکر توبه کند قاضی می‌تواند از ولی امر تقاضای عفو نماید یا حد را بر او جاری کند.

باب هفتم ــ محاربه و افساد فی‌الارض

فصل اول ــ تعاریف

ماده ۱۸۳ ـ هر کس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد محارب و مفسد فی‌الارض می‌باشد. تبصره ۱ ـ کسی که به روی مردم سلاح بکشد ولی در اثر ناتوانی موجب هراس هیچ فردی نشود محارب نیست تبصره ۲ ـ اگر کسی سلاح خود را با انگیزه عداوت شخصی به سوی یک یا چند نفر مخصوص بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد محارب محسوب نمی‌شود. تبصره ۳ ـ میان سلاح سرد و سلاح گرم فرقی نیست ماده ۱۸۴ ـ هر فرد یا گروهی که برای مبارزه با محاربان و از بین بردن فساد در زمین دست به اسلحه برند محارب نیستند. ماده ۱۸۵ ـ سارق مسلح و قطاع الطریق هرگاه با اسلحه امنیت مردم یا جاده را بر هم بزنند و رعب و وحشت ایجاد کنند محارب است ماده ۱۸۶ ـ هر گروه یا جمعیت متشکل که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه کند مادام که مرکزیت آن باقی است تمام اعضاء و هواداران آن که موضع آن گروه یا جمعیت یا سازمان را می‌دانند و به نحوی در پیشبرد اهداف آن فعالیت و تلاش موثر دارند محاربند اگرچه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند. تبصره ـ جبهه متحدی که از گروهها و اشخاص مختلف تشکیل شود، در حکم یک واحد است ماده ۱۸۷ ـ هر فرد یا گروه که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند و نیز کسانی که با آگاهی و اختیار، امکانات مالی موثر و یا وسایل و اسباب کار و سلاح در اختیار آنها بگذارند محارب و مفسد فی‌الارض می‌باشند. ماده ۱۸۸ ـ هر کس در طرح براندازی حکومت اسلامی خود را نامزد یکی از پستهای حساس حکومت کودتا نماید و نامزدی او در تحقق کودتا به نحوی موثر باشد، «محارب و «مفسد فی الارض است

فصل دوم ـ راههای ثبوت محاربه و افساد فی‌الارض

ماده ۱۸۹ ـ محاربه و افساد فی‌الارض از راههای زیر ثابت می‌شود: الف ـ با یک بار اقرار به شرط آنکه اقرارکننده بالغ و عاقل و اقرار او با قصد و اختیار باشد. ب ـ با شهادت فقط دو مرد عادل تبصره ۱ ـ شهادت مردمی که مورد تهاجم محاربان قرار گرفته‌اند به نفع همدیگر پذیرفته نیست تبصره ۲ ـ هرگاه عده‌ای مورد تهاجم محاربان قرار گرفته باشند شهادت اشخاصی که بگویند به ما آسیبی نرسیده نسبت به دیگران پذیرفته است تبصره ۳ ـ شهادت اشخاصی که مورد تهاجم قرار گرفته‌اند اگر به منظور اثبات محارب بودن مهاجمین باشد و شکایت شخصی نباشد،پذیرفته است

فصل سوم ـ حد محاربه و افساد فی‌الارض

ماده ۱۹۰ ـ حد محاربه و افساد فی الارض یکی از چهار چیز است ۱ ـ قتل ۲ ـ آویختن به دار ۳ ـ اول قطع دست راست و سپس پای چپ ۴ ـ نفی بلد. ماده ۱۹۱ ـ انتخاب هر یک از این امور چهارگانه به اختیار قاضی است خواه محارب کسی را کشته یا مجروح کرده یا مال او را گرفته باشدو خواه هیچ یک از این کارها را انجام نداده باشد. ماده ۱۹۲ ـ حد محاربه و افساد فی‌الارض با عفو صاحب حق ساقط نمی‌شود. ماده ۱۹۳ ـ محاربی که تبعید می‌شود باید تحت مراقبت قرار گیرد و با دیگران معاشرت و مراوده نداشته باشد. ماده ۱۹۴ ـ مدت تبعید در هر حال کمتر از یک سال نیست اگرچه بعد از دستگیری توبه نماید و در صورتی که توبه ننماید همچنان در تبعید باقی خواهد ماند. ماده ۱۹۵ ـ مصلوب کردن مفسد و محارب به صورت زیر انجام می گردد: الف ـ نحوه بستن موجب مرگ او نگردد. ب ـ بیش از سه روز بر صلیب نماند ولی اگر در اثنای سه روز بمیرد می‌توان او را پایین آورد. ج ـ اگر بعد از سه روز زنده بماند نباید او را کشت ماده ۱۹۶ ـ بریدن دست راست و پای چپ مفسد و محارب به همان‌گونه‌ای است که در «حد سرقت عمل می‌شود.

باب هشتم ـ حد سرقت

فصل اول ـ تعریف و شرایط

ماده ۱۹۷ ـ سرقت عبارت است از ربودن مال دیگری به طور پنهانی ماده ۱۹۸ ـ سرقت در صورتی موجب حد می‌شود که دارای کلیه شرایط و خصوصیات زیر باشد: ۱ ـ سارق به حد بلوغ شرعی رسیده باشد. ۲ ـ سارق در حال سرقت عاقل باشد. ۳ ـ سارق با تهدید و اجبار وادار به سرقت نشده باشد. ۴ ـ سارق قاصد باشد. ۵ ـ سارق بداند و ملتفت باشد که مال غیر است ۶ ـ سارق بداند و ملتفت باشد که ربودن آن حرام است ۷ ـ صاحب مال مال را در حرز قرار داده باشد. ۸ ـ سارق به تنهایی یا با کمک دیگری هتک حرز کرده باشد. ۹ ـ به اندازه نصاب یعنی ۵/۴ نخود طلای مسکوک که به صورت پول معامله می‌شود یا ارزش آن به آن مقدار باشد در هر بار سرقت شود. ۱۰ ـ سارق مضطر نباشد. ۱۱ ـ سارق پدر صاحب مال نباشد. ۱۲ ـ سرقت در سال قحطی صورت نگرفته باشد. ۱۳ ـ حرز و محل نگهداری مال از سارق غصب نشده باشد. ۱۴ ـ سارق مال را به عنوان دزدی برداشته باشد. ۱۵ ـ مال مسروق در حرز متناسب نگهداری شده باشد. ۱۶ ـ مال مسروق از اموال دولتی و وقف و مانند آنکه مالک شخصی ندارد نباشد. تبصره ۱ ـ حرز عبارت است از محل نگهداری مال به منظور حفظ از دستبرد. تبصره ۲ ـ بیرون آوردن مال از حرز توسط دیوانه یا طفل غیرممیز و حیوانات و امثال آن در حکم مباشرت است تبصره ۳ ـ هرگاه سارق قبل از بیرون آوردن مال از حرز دستگیر شود حد بر او جاری نمی‌شود. تبصره ۴ ـ هرگاه سارق پس از سرقت مال را تحت ید مالک قرار داده باشد موجب حد نمی‌شود.

فصل دوم ـ راههای ثبوت سرقت

ماده ۱۹۹ ـ سرقتی که موجب حد است با یکی از راههای زیر ثابت می‌شود: ۱ ـ شهادت دو مرد عادل ۲ ـ دو مرتبه اقرار سارق نزد قاضی به شرط آنکه اقرارکننده بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد. ۳ ـ علم قاضی تبصره ـ اگر سارق یک مرتبه نزد قاضی اقرار به سرقت کند، باید مال را به صاحبش بدهد، اما حد بر او جاری نمی‌شود.

فصل سوم ـ شرایط اجرای حد

ماده ۲۰۰ ـ در صورتی حد سرقت جاری می‌شود که شرایط زیر موجود باشد: ۱ ـ صاحب مال از سارق نزد قاضی شکایت کند. ۲ ـ صاحب مال پیش از شکایت سارق را نبخشیده باشد. ۳ ـ صاحب مال پیش از شکایت مال را به سارق نبخشیده باشد. ۴ ـ مال مسروق قبل از ثبوت جرم نزد قاضی از راه خرید و مانند آن به ملک سارق در نیاید. ۵ ـ سارق قبل از ثبوت جرم از این گناه توبه نکرده باشد. تبصره ـ حد سرقت بعد از ثبوت جرم با توبه ساقط نمی‌شود و عفو سارق جایز نیست

فصل چهارم ـ حد سرقت

ماده ۲۰۱ ـ حد سرقت به شرح زیر است الف ـ در مرتبه اول قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن به طوری که انگشت شست و کف دست او باقی بماند. ب ـ در مرتبه دوم قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح او باقی بماند. ج ـ در مرتبه سوم حبس ابد. د ـ در مرتبه چهارم اعدام ولو سرقت در زندان باشد. تبصره ۱ ـ سرقت‌های متعدد تا هنگامی که حد جاری نشده حکم یک بار سرقت را دارد. تبصره ۲ ـ معاون در سرقت موضوع ماده ۱۹۸ این قانون به یک سال تا سه سال حبس محکوم می‌شود. ماده ۲۰۲ ـ هرگاه انگشتان دست سارق بریده شود و پس از اجرای این حد، سرقت دیگری از او ثابت گردد که سارق قبل از اجرا حد مرتکب شده است پای چپ او بریده می‌شود. ماده ۲۰۳ ـ سرقتی که فاقد شرایط اجرای حد باشد و موجب اخلال در نظم یا خوف شده یا بیم تجری مرتکب یا دیگران باشد اگرچه شاکی نداشته یا گذشت نموده باشد موجب حبس تعزیری از یک تا پنج سال خواهد بود. تبصره ـ معاونت در سرقت موجب حبس از شش ماه تا سه سال می‌باشد.

۳- کتاب سوم ـ قصاص

باب اول ـ قصاص نفس

فصل اول ـ قتل عمد

ماده ۲۰۴ ـ قتل نفس بر سه نوع است عمد، شبه عمد، خطاء. ماده ۲۰۵ ـ قتل عمد برابر مواد این فصل موجب قصاص است و اولیای دم می‌توانند با اذن ولی امر قاتل را با رعایت شرایط مذکور درفصول آتیه قصاص نمایند و ولی امر می‌تواند این امر را به رییس قوه قضاییه یا دیگری تفویض نماید. ماده ۲۰۶ ـ قتل در موارد زیر قتل عمدی است الف ـ مواردی که قاتل با انجام کاری قصد کشتن شخص معین یا فرد یا افرادی غیر معین از یک جمع را دارد خواه آن کار نوعا کشنده باشدخواه نباشد ولی در عمل سبب قتل شود. ب ـ مواردی که قاتل عمدا کاری را انجام دهد که نوعا کشنده باشد هر چند قصد کشتن شخص را نداشته باشد. ج ـ مواردی که

قاتل قصد کشتن را ندارد و کاری را که انجام می‌دهد نوعا کشنده نیست ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری و یا پیری یا ناتوانی یا کودکی و امثال آنها نوعا کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد. ماده ۲۰۷ ـ هرگاه مسلمانی کشته شود قاتل قصاص می‌شود و معاون در قتل عمد به سه سال تا ۱۵ سال حبس محکوم می‌شود. ماده ۲۰۸ ـ هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و اقدام وی موجب اخلال در نظم جامعه یا خوف شده و یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد موجب حبس تعزیری از ۳ تا ۱۰ سال خواهد بود. تبصره ـ در این مورد معاونت در قتل عمد موجب حبس از یک تا پنج سال می‌باشد. ماده ۲۰۹ ـ هرگاه مرد مسلمانی عمدا زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل نصف دیه‌مرد را به او بپردازد. ماده ۲۱۰ ـ هرگاه کافر ذمی عمدا کافر ذمی دیگر را بکشد قصاص می‌شود اگرچه پیرو دو دین مختلف باشند و اگر مقتول زن ذمی باشد باید ولی او قبل از قصاص نصف دیه مرد ذمی را به قاتل بپردازد.

فصل دوم ــ اکراه در قتل

ماده ۲۱۱ ـ اکراه در قتل و یا دستور به قتل دیگری مجوز قتل نیست بنابراین اگر کسی را وادار به قتل دیگری کنند یا دستور به قتل رساندن دیگری را بدهند مرتکب قصاص می‌شود و اکراه کننده و آمر، به حبس ابد محکوم می گردند. تبصره ۱ ـ اگر اکراه شونده طفل غیرممیز یا مجنون باشد فقط اکراه کننده محکوم به قصاص است تبصره ۲ ـ اگر اکراه شونده طفل ممیز باشد نباید قصاص شود بلکه باید عاقله او دیه را بپردازد و اکراه کننده نیز به حبس ابد محکوم است

فصل سوم ــ شرکت در قتل

ماده ۲۱۲ ـ هر گاه دو یا چند مرد مسلمان مشترکا مرد مسلمانی را بکشند ولی دم می‌تواند با اذن ولی امر همه آنها را قصاص کند و درصورتی که قاتل دو نفر باشند باید به هر کدام از آنها نصف دیه و اگر سه نفر باشند باید به هر کدام از آنها دو ثلث دیه و اگر چهار نفر باشند باید به هر کدام از آنها سه ربع دیه را بپردازد و به همین نسبت در افراد بیشتر. تبصره ۱ ـ ولی دم می‌تواند برخی از شرکای در قتل را با پرداخت دیه مذکور در این ماده قصاص نماید و از بقیه شرکا نسبت به سهم دیه اخذ نماید. تبصره ۲ ـ در صورتی که قاتلان و مقتول همگی از کفار ذمی باشند همین حکم جاری است ماده ۲۱۳ ـ در هر مورد که باید مقداری از دیه را به قاتل بدهند و قصاص کنند باید پرداخت دیه قبل از قصاص باشد. ماده ۲۱۴ ـ هرگاه دو یا چند نفر جراحتی بر کسی وارد سازند که موجب قتل او شود چه در یک زمان و چه در زمانهای متفاوت چنانچه قتل مستند به جنایت همگی باشد همه آنها قاتل محسوب می‌شوند و کیفر آنان باید طبق مواد دیگر این قانون با رعایت شرایط تعیین شود. ماده ۲۱۵ ـ شرکت در قتل زمانی تحقق پیدا می‌کند که کسی در اثر ضرب و جرح عده‌ای کشته شود و مرگ او مستند به عمل همه آنها باشد، خواه عمل هر یک به تنهایی برای قتل کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه متفاوت ماده ۲۱۶ ـ هرگاه کسی جراحتی به شخصی وارد کند و بعد از آن دیگری او را به قتل برساند قاتل همان دومی است اگر چه جراحت سابق به تنهایی موجب مرگ می‌گردید و اولی فقط محکوم به قصاص طرف یا دیه جراحتی است که وارد کرده مگر مواردی که در قصاص جراحت خطر مرگ باشد که در این صورت فقط محکوم به دیه می‌باشد. ماده ۲۱۷ ـ هرگاه جراحتی که نفر اول وارد کرده مجروح را در حکم مرده قرار داده و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این‌حال دیگری کاری را انجام دهد که به حیات او پایان بخشد اولی قصاص می‌شود و دومی تنها دیه جنایت بر مرده را می‌پردازد. ماده ۲۱۸ ـ هرگاه ایراد جرح هم موجب نقص عضو شود و هم موجب قتل چنانچه با یک ضربت باشد قصاص قتل کافی است و نسبت به نقص عضو قصاص یا دیه نیست

فصل چهارم ــ شرایط قصاص

ماده ۲۱۹ ـ کسی که محکوم به قصاص است باید با اذن ولی دم او را کشت پس اگر کسی بدون اذن ولی دم او را بکشد مرتکب قتلی شده که موجب قصاص است ماده ۲۲۰ ـ پدر یا جد پدری که فرزندخود را بکشد قصاص نمی‌شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد. ماده ۲۲۱ ـ هرگاه دیوانه یا نابالغی عمدا کسی را بکشد خطا محسوب و قصاص نمی‌شود بلکه باید عاقله آنها دیه قتل خطا را به ورثه مقتول بدهند. تبصره ـ در جرایم قتل نفس یا نقص عضو اگر جرم ارتکابی عمدی باشد و مرتکب صغیر یا مجنون باشد و پس از بلوغ یا افاقه مرتکب ، مجنی‌علیه در اثر سرایت فوت شود مستوجب قصاص نمی‌باشد. ماده ۲۲۲ ـ هرگاه عاقل دیوانه‌ای را بکشد قصاص نمی‌شود بلکه باید دیه قتل را به ورثه مقتول بدهد و در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم جامعه یا خوف شده و یا بیم تجری مرتکب و یا دیگران گردد موجب حبس تعزیری از ۳ تا ۱۰ سال خواهد بود. ماده ۲۲۳ ـ هرگاه بالغ نابالغی را بکشد قصاص می‌شود. ماده ۲۲۴ ـ قتل در حال مستی موجب قصاص است مگر اینکه ثابت شود که در اثر مستی به کلی مسلوب الاختیار بوده و قصد از او سلب شده است و قبلا برای چنین عملی خود را مست نکرده باشد و در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم جامعه و یا خوف شده و یا بیم تجری مرتکب و یا دیگران گردد موجب حبس تعزیری از ۳ تا ۱۰ سال خواهد بود. ماده ۲۲۵ ـ هرگاه کسی درحال خواب یا بی‌هوشی شخصی را بکشد قصاص نمی‌شود فقط به دیه قتل به ورثه مقتول محکوم خواهد شد. ماده ۲۲۶ ـ قتل نفس در صورتی موجب قصاص است که مقتول شرعا مستحق کشتن نباشد و اگر مستحق قتل باشد قاتل باید استحقاق قتل او را طبق موازین در دادگاه اثبات کند.

فصل پنجم ـ شرایط دعوی قتل

ماده ۲۲۷ ـ مدعی باید حین اقامه دعوی عاقل و بالغ باشد و چنانچه دعوی مستلزم امر مالی گردد رشد نیز شرط است اما نسبت به مدعی‌علیه هیچ یک از موارد مذکور شرط نمی‌باشد. ماده ۲۲۸ ـ مدعی باید نسبت به مورد دعوی جازم باشد و با احتمال و ظن نمی‌توان علیه کسی اقامه دعوی کرد لکن با وجود اماره و آثار جرم دعوی بدون جزم نیز مسموع است ماده ۲۲۹ ـ مدعی‌علیه باید معلوم و مشخص یا محصور در میان عده‌ای معین باشد. ماده ۲۳۰ ـ مورد دعوی باید معلوم باشد و مدعی قتل باید نوع آن را از لحاظ عمد یا غیرعمد بیان کند و اگر اصل قتل ثابت شود و نوع آن اثبات نشود باید با صلح میان قاتل و اولیای مقتول و عاقله دعوی را خاتمه داد.

فصل ششم ـ راههای ثبوت قتل

اشاره

ماده ۲۳۱ ـ راههای ثبوت قتل در دادگاه عبارتند از: ۱ ـ اقرار ۲ ـ شهادت ۳ ـ قسامه ۴ ـ علم قاضی

مبحث اول ـ اقرار

ماده ۲۳۲ ـ با اقرار به قتل عمد گرچه یک مرتبه هم باشد قتل عمد ثابت می‌شود. ماده ۲۳۳ ـ اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده دارای اوصاف زیر باشد: ۱ ـ عقل ۲ ـ بلوغ ۳ ـ اختیار ۴ ـ قصد. بنابراین اقرار دیوانه و مست و کودک و مجبور و اشخاصی که قصد ندارند مانند ساهی و هازل و نائم و بی‌هوش نافذ نیست ماده ۲۳۴ ـ اقرار به قتل عمد از کسی که به سبب سفاهت یا افلاس محجور باشد نافذ و موجب قصاص است ماده ۲۳۵ ـ اگر کسی به قتل عمدی شخصی اقرار نماید و دیگری به قتل عمدی یا خطایی همان مقتول اقرار کند ولی دم در مراجعه بهر یک از این دو نفر مخیر است که برابر اقرارش عمل نماید و نمی‌تواند

مجازات هر دو را مطالبه کند. ماده ۲۳۶ ـ اگر کسی به قتل عمدی شخصی اقرار کند و پس از آن دیگری به قتل عمدی همان مقتول اقرار نماید در صورتی که اولی از اقرارش برگردد قصاص یا دیه از هر دو ساقط است و دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و این در حالی است که قاضی احتمال عقلایی ندهد که قضیه توطئه‌آمیز است تبصره ـ در صورتی که قتل عمدی برحسب شهادت شهود یا قسامه یا علم قاضی قابل اثبات باشد قاتل به تقاضای ولی دم قصاص می‌شود.

مبحث دوم ـ شهادت

ماده ۲۳۷ ـ الف ـ قتل عمد با شهادت دو مرد عادل ثابت می‌شود. ب ـ قتل شبه عمد یا خطا با شهادت دو مرد عادل یا یک مرد عادل و دو زن عادل یا یک مرد عادل و قسم مدعی ثابت می‌شود. ماده ۲۳۸ ـ هرگاه یکی از دو شاهد عادل گواهی دهد که متهم اقرار به قتل عمدی نمود و دیگری گواهی دهد که متهم اقرار به قتل کرد و به قید عمد گواهی ندهد اصل قتل ثابت می‌شود و متهم مکلف است نوع قتل را بیان کند. اگر اقرار به عمد نمود قصاص می‌شود و چنانچه منکر قتل عمد باشد و قسم یاد کند قصاص از او ساقط است

مبحث سوم ـ قسامه

ماده ۲۳۹ ـ هرگاه بر اثر قراین و اماراتی و یا از هر طریق دیگری از قبیل شهادت یک شاهد یا حضور شخصی همراه با آثار جرم در محل قتل یا وجود مقتول در محل تردد یا اقامت اشخاص معین و یا شهادت طفل ممیز مورد اعتماد و یا امثال آن حاکم به ارتکاب قتل از جانب متهم ظن پیدا کند مورد از موارد لوث محسوب می‌شود و در صورت نبودن بینه از برای مدعی قتل یا جرح یا نوع آنها به وسیله قسامه و به نحو مذکور در مواد بعدی ثابت می‌شود. ماده ۲۴۰ ـ هرگاه ولی دم مدعی قتل عمد شود و یکی از دو شاهد عادل به قتل عمد و دیگری به اصل قتل شهادت دهد و متهم قتل عمد را انکار کند در صورتی که موجب ظن برای قاضی باشد این قتل از باب لوث محسوب می‌شود و مدعی باید قتل عمد را با اقامه قسامه ثابت کند. ماده ۲۴۱ ـ هرگاه یکی از دو مرد عادل شهادت به قتل بوسیله متهم دهد و دیگری به اقرار متهم به قتل شهادت دهد قتل ثابت نمی‌شود و چنانچه موجب ظن برای قاضی‌باشد، مورد از موارد لوث خواهد بود. ماده ۲۴۲ ـ در صورتی که قراین و نشانه‌های ظنی معارض یکدیگر باشند مورد از موارد لوث محسوب نمی‌گردد. ماده ۲۴۳ ـ مدعی ممکن است مرد یا زن باشد و در هر حال باید از وراث فعلی مقتول محسوب شود. ماده ۲۴۴ ـ اگر مدعی علیه حضور خود را هنگام قتل در محل واقعه منکر باشد و قراینی که موجب ظن به وقوع قتل توسط وی گردد وجود نداشته باشد لوث محسوب نمی‌شود. مگر اینکه مدعی بینه‌ای بر حضور او هنگام قتل در محل واقعه اقامه کند و موجب ظن به وقوع قتل توسط او گردد در این صورت لوث ثابت می‌شود و مدعی باید اقامه قسامه کند و در صورت امتناع از اقامه قسامه می‌تواند از مدعی علیه مطالبه قسامه کند در این صورت مدعی علیه باید به منظور برائت خود به ترتیب مذکور در ماده (۲۴۷) عمل نماید. در این‌حالت اگر مدعی علیه از اقامه قسامه ابا نماید محکوم به پرداخت دیه می‌شود. تبصره ـ در موارد قسامه چنانچه برائت مدعی علیه ثابت شود و قاتل مشخص نباشد، دیه مقتول از بیت المال پرداخت می‌شود. ماده ۲۴۵ ـ درصورت نبودن قراین موجب ظن به انتساب قتل صرف حضور مدعی علیه هنگام قتل در محل واقعه از مصادیق لوث محسوب نمی‌شود و مدعی علیه با ادای یک سوگند تبرئه می‌گردد. ماده ۲۴۶ ـ هرگاه مدعی‌علیه برای تبرئه خود بینه اقامه کند لوث محقق نمی‌شود و تبرئه می‌گردد. ماده ۲۴۷ ـ هرگاه مدعی اقامه قسامه نکند می‌تواند از مدعی علیه مطالبه قسامه نماید؛ در این صورت مدعی‌علیه باید برای برائت خود به ترتیب مذکور در ماده ۲۴۸ به قسامه عمل نماید و چنانچه ابا کند محکوم به پرداخت دیه می‌شود. ماده ۲۴۸ ـ در موارد لوث قتل عمد با قسم پنجاه نفر مرد ثابت می‌شود و قسم خورندگان باید از خویشان و بستگان نسبی مدعی باشند. تبصره ۱ ـ مدعی و مدعی‌علیه می‌توانند

حسب مورد یکی از قسم‌خورندگان باشند. تبصره ۲ ـ چنانچه تعداد قسم‌خورندگان مدعی‌علیه کمتر از پنجاه نفر باشند، هر یک از قسم خورندگان مرد می‌توانند بیش از یک قسم بخورند به نحوی که پنجاه قسم کامل شود. تبصره ۳ ـ چنانچه مدعی علیه نتواند کسی از خویشان و بستگان نسبی خود را برای قسم حاضر کند، می‌تواند پنجاه قسم بخورد و تبرئه شود. ماده ۲۴۹ ـ قاضی باید برای قبول تکرار قسم مطمئن شود که مدعی علیه پنجاه نفر خویشان و بستگان نسبی ندارد و یا خویشان وبستگان نسبی او پنجاه نفر یا بیشتر هستند ولی حاضر به قسم خوردن نمی‌باشند. همچنین قاضی باید خویشاوندی نسبی قسم‌خوردگان را با مدعی‌علیه احراز نماید. ماده ۲۵۰ ـ هر یک از قسم‌خورندگان باید قاتل و مقتول را بدون ابهام معین و انفراد یا اشتراک و یا معاونت قاتل یا قاتلان را صریحا ذکر و نوع قتل را بیان کنند. تبصره ـ در صورتی که قاضی احتمال بدهد که قسم خورنده یا قسم‌خورندگان در تشخیص نوع قتل که عمد یا شبه عمد یا خطاء است دچاراشتباه می‌باشند باید در مورد نوع قتل از آنها تحقیق نماید. ماده ۲۵۱ ـ قسم خورندگان باید علم به ارتکاب قتل داشته باشند و از روی جزم قسم بخورند و قسم از روی ظن کفایت نمی کند. تبصره ـ در صورتی که قاضی احراز نماید که تمام یا بعضی از قسم خورندگان از روی ظن قسم می‌خورند قسمهای مذکور اعتبار ندارد. ماده ۲۵۲ ـ در موارد لوث چنانچه مدعی متعدد باشد، قسم پنجاه نفر کفایت می کند ولی در صورت تعدد مدعی علیه هر یک از آنان می‌بایست برای برائت خود اجرای قسامه کند و با نداشتن عدد قسامه طبق تبصره (۳) ماده (۲۴۸) هر یک از مدعی‌علیهم پنجاه قسم‌خورده و تبرئه می‌شوند. ماده ۲۵۳ ـ نصاب قسامه در قتل شبه عمد و خطای محض بیست و پنج نفر می‌باشد و نحوه انجام آن مطابق ماده (۲۴۸) و تبصره‌های‌آن است ماده ۲۵۴ ـ در جراحات قصاص با قسامه ثابت نمی‌شود و فقط موجب پرداخت دیه می گردد و نصاب قسامه در جراحات به شرح زیراست الف ـ در جراحاتی که موجب دیه کامل است مجروح با پنج نفر دیگر قسم می‌خورند. ب ـ در جراحاتی که موجب سه چهارم دیه کامل است مجروح با چهار نفر دیگر قسم می‌خورند. ج ـ در جراحاتی که موجب دو سوم دیه کامل است مجروح با سه نفر دیگر قسم می‌خورند. د ـ در جراحاتی که موجب یک دوم دیه کامل است مجروع با دو نفر دیگر قسم می‌خورند. ه ـ در جراحاتی که موجب یک سوم دیه کامل است مجروح با یک نفر دیگر قسم می‌خورند. و ـ در جراحاتی که موجب یک ششم دیه کامل است مجروح به تنهایی قسم می‌خورد. تبصره ۱ ـ در مورد هر یک از بندهای فوق الذکر در صورت نبودن نفرات لازم مجنی‌علیه می‌تواند به همان عدد قسم را تکرار کند. تبصره ۲ ـ در مورد هر یک از بندهای یاد شده در فوق ، چنانچه مقدار دیه بیش از کسر مقرر در آن بند و کمتر از کسر مقرر در بند قبلی‌بوده باشد، در مقدار قسم نصاب بیشتر لازم است مثلاـ اگر دیه جراحت به مقدار یک چهارم و یا یک پنجم دیه کامل باشد، برای اثبات‌آن نصاب یک سوم یعنی دو قسم لازم است ماده ۲۵۵ ـ هرگاه شخصی در اثر ازدحام کشته شود و یا جسد مقتولی در شارع عام پیدا شود و قراین ظنی برای قاضی بر نسبت قتل او به‌شخص یا جماعتی نباشد، حاکم شرع باید دیه او را از بیت‌المال بدهد و اگر شواهد ظنی نزد حاکم اقامه شود که آن قتل به‌شخص‌یا اشخاص معین منسوب‌است مورد از موارد لوث خواهد بود. ماده ۲۵۶ ـ هرگاه کسی را در محلی کشته بیابند و ولی مقتول مدعی شود که شخص معینی از ساکنان آن محل وی را به قتل رسانده است مورد از موارد لوث می‌باشد در این صورت چنانچه حضور مدعی علیه هنگام قتل در محل واقعه ثابت شود دعوای ولی با قسامه پذیرفته می‌شود. تبصره ـ چنانچه مدعی‌علیه حضور خود را هنگام قتل در محل واقعه انکار نماید ادعای او با سوگند پذیرفته می‌شود.

فصل هفتم ـ کیفیت استیفای قصاص

ماده ۲۵۷ ـ قتل عمد موجب قصاص است لیکن با رضایت ولی‌دم و قاتل به مقدار دیه کامله یا به کمتر یا زیادتر از آن تبدیل می‌شود. ماده ۲۵۸ ـ هرگاه مردی زنی را به قتل رساند ولی دم حق قصاص قاتل را با پرداخت نصف دیه دارد و در صورت رضایت قاتل می‌تواند به مقدار دیه یا کمتر یا بیشتر از آن مصالحه نماید. ماده ۲۵۹ ـ هرگاه کسی که مرتکب قتل موجب قصاص شده است

بمیرد قصاص و دیه ساقط می‌شود. ماده ۲۶۰ ـ هرگاه کسی که مرتکب قتل عمد شده است فرار کند و تا هنگام مردن به او دسترسی نباشد پس از مرگ قصاص تبدیل به دیه می‌شود که باید از مال قاتل پرداخت گردد و چنانچه مالی نداشته باشد از اموال نزدیکترین خویشان او به نحو «الاقرب فالاقرب پرداخت می‌شود و چنانچه نزدیکانی نداشته باشد یا آنها تمکن نداشته باشند دیه از بیت‌المال پرداخت می گردد. ماده ۲۶۱ ـ اولیای دم که قصاص و عفو در اختیار آنهاست همان ورثه مقتولند، مگر شوهر یا زن که در قصاص و عفو و اجراء اختیاری ندارند. ماده ۲۶۲ ـ زن حامله که محکوم به قصاص است نباید قبل از وضع حمل قصاص شود و پس از وضع حمل چنانچه قصاص موجب هلاکت طفل باشد باید به تاخیر افتد تا خطر مرگ از طفل برطرف گردد. ماده ۲۶۳ ـ قصاص با آلت کند و غیربرنده که موجب آزار مجرم باشد ممنوع است و مثله او نیز جرم است ماده ۲۶۴ ـ در صورتی که ولی دم متعدد باشد موافقت همه آنها در قصاص لازم است چنانچه همگی خواهان قصاص قاتل باشند قاتل قصاص می‌شود و اگر بعضی از آنها خواهان قصاص و دیگران خواهان دیه خواهان قصاص می‌توانند قاتل را قصاص کنند لکن باید سهم دیه سایر اولیای دم را که خواهان دیه هستند بپردازند و اگر بعضی از اولیای دم بطور رایگان عفو کنند دیگران می‌توانند بعد از پرداخت سهم عفوکنندگان به قاتل او را قصاص نمایند. ماده ۲۶۵ ـ ولی دم بعد از ثبوت قصاص با اذن ولی امر می‌تواند شخصا قاتل را قصاص کند و یا وکیل بگیرد. ماده ۲۶۶ ـ اگر مجنی علیه ولی نداشته باشد و یا شناخته نشود و یا به او دسترسی نباشد ولی دم او ولی امر مسلمین است و رییس قوه قضاییه با استیذان از ولی امر و تفویض اختیار به دادستانهای مربوطه نسبت به تعقیب مجرم و تقاضای قصاص یا دیه حسب مورد اقدام‌می‌نماید. ماده ۲۶۷ ـ هرگاه شخص یا اشخاصی محکوم به قصاص را رهایی دهند موظف به تحویل دادن وی می‌باشند و هرگاه به تشخیص قاضی رسیدگی کننده در انجام وظیفه کوتاهی نماید و حبس وی موثر در الزام یا احضار باشد تا زمان معرفی محکوم به حبس می گردد. تبصره ـ چنانچه قاتل قبل از تحویل بمیرد یا به نحو دیگری تحویل وی متعذر شود فرد فراری دهنده ضامن دیه مقتول است ماده ۲۶۸ ـ چنانچه مجنی علیه قبل از مرگ جانی را از قصاص نفس عفو نماید، حق قصاص ساقط می‌شود و اولیای دم نمی‌توانند پس‌از مرگ او مطالبه قصاص نمایند.

باب دوم ـ قصاص عضو

فصل اول ـ تعاریف و موجبات قصاص عضو

ماده ۲۶۹ ـ قطع عضو و یا جرح آن اگر عمدی باشد موجب قصاص است و حسب مورد مجنی علیه می‌تواند با اذن ولی امر جانی را با شرایطی که ذکر خواهد شد قصاص نماید. تبصره ۱ ـ مجازات معاون جرم موضوع این ماده سه ماه حبس تا یک سال است تبصره ۲ ـ در مورد این جرم چنانچه شاکی نداشته و یا شاکی از شکایت خود گذشت کرده باشد یا موجب قصاص نگردیده ولیکن سبب اخلال در نظم جامعه یا خوف شده یا بیم تجری مرتکب یا دیگران باشد موجب حبس تعزیری از سه ماه تا دو سال خواهد بود و معاون جرم به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم می‌شود. ماده ۲۷۰ ـ قطع عضو یا جرح آن سه نوع است عمد، شبه عمد، خطاء که احکام دو نوع اخیر در فصل دیات خواهد آمد. ماده ۲۷۱ ـ قطع عضو یا جرح آن در موارد زیر عمدی است الف ـ وقتی که جانی با انجام کاری قصد قطع عضو یا جرح آن را دارد چه آن کار نوعا موجب قطع یا جرح باشد یا نباشد. ب ـ وقتی که جانی عمدا کاری انجام دهد که نوعا موجب قطع یا جرح عضو باشد هر چند قصد قطع یا جرح نداشته باشد. ج ـ وقتی که جانی قصد قطع عضو یا جرح را ندارد و عمل او نوعا موجب قطع یا جرح نمی‌باشد ولی نسبت به مجنی علیه بر اثر بیماری یا پیری یا ناتوانی یا کودکی و مانند اینها نوعا موجب قطع یا جرح باشد و جانی به آن آگاهی داشته باشد.

فصل دوم ـ شرایط و کیفیت قصاص عضو

ماده ۲۷۲ ـ در قصاص عضو علاوه بر شرایط قصاص نفس شرایط زیر باید رعایت شود: ۱ ـ تساوی اعضا در سالم بودن ۲ ـ تساوی در اصلی بودن اعضا. ۳ ـ تساوی در محل عضو مجروح یا مقطوع ۴ ـ قصاص موجب تلف جانی یا عضو دیگر نباشد. ۵ ـ قصاص بیشتر از اندازه جنایت نشود. ماده ۲۷۳ ـ در قصاص عضو ، زن و مرد برابرند و مرد مجرم به سبب نقص عضو یا جرمی که به زن وارد نماید به قصاص عضو مانند آن محکوم می‌شود، مگر اینکه دیه عضوی که ناقص شده ثلث یا بیش از ثلث دیه کامل باشد که در آن صورت زن هنگامی می‌تواند قصاص کند که نصف دیه آن عضو را به مرد بپردازد. ماده ۲۷۴ ـ عضو سالم در برابر عضو ناسالم قصاص نمی‌شود و فقط دیه آن عضو پرداخت می‌شود لکن عضو ناسالم در برابر عضو سالم قصاص می‌شود. ماده ۲۷۵ ـ در قصاص عضو تساوی محل معتبر است و باید در مقابل قطع عضو طرف راست عضو همان طرف و در مقابل طرف چپ عضو همان طرف جانی قصاص شود. تبصره ـ در صورتی که مجرم دست راست نداشته باشد دست چپ او و چنانچه دست‌چپ هم‌نداشته‌باشد پای او قطع خواهد شد. ماده ۲۷۶ ـ جرحی که به عنوان قصاص وارد می کنند باید از حیث طول و عرض مساوی با جنایت باشد و در صورت امکان رعایت تساوی در عمق نیز لازم است تبصره ـ در جراحت موضحه و سمحاق ، تساوی در عمق شرط نیست و مماثلت عرفی کافی است ماده ۲۷۷ ـ هرگاه در قصاص جرح رعایت تساوی ممکن نباشد مانند بعضی از جراحت‌های عمیق یا در موارد شکسته شدن استخوانها یا جابجا شدن آنها به طوری که قصاص موجب تلف جانی یا زیاده از اندازه جنایت گردد باید دیه آن داده شود چه مقدار آن دیه شرعا معین باشد یا با حکم حاکم شرع معین گردد. ماده ۲۷۸ ـ قصاص عضو را می‌شود فورا اجرا نمود و لازم نیست صبر کنند تا وضع جرح روشن شود، پس اگر قصاص اجرا شود و جرح منجر به مرگ مجنی علیه گردد در صورتی که جنایت عمدی باشد جانی به قصاص نفس محکوم می‌شود لکن قبل از اجرای قصاص نفس‌باید دیه جرحی که قبلا به عنوان قصاص عضو بر جانی وارد شده به او پرداخت شود. ماده ۲۷۹ ـ برای رعایت تساوی قصاص با جنایت باید حدود جراحت کاملا اندازه‌گیری شود و هر چیزی که مانع از استیفای قصاص یا موجب ازدیاد آن باشد باید برطرف گردد. ماده ۲۸۰ ـ اگر در اثر حرکت جانی قصاص بیش از جنایت شود قصاص کننده ضامن نیست و اگر بدون حرکت مجرم قصاص بیش از جنایت شود در صورتی که این زیاده عمدی باشد قصاص کننده نسبت به مقدار زاید قصاص می‌شود و در صورتی که عمدی نباشد دیه یا ارش مقدار زاید به عهده قصاص‌کننده می‌باشد. ماده ۲۸۱ ـ اگر گرمی یا سردی هوا موجب سرایت زخم بشود باید قصاص در هوای معتدل انجام گیرد. ماده ۲۸۲ ـ ابزار قصاص باید تیز و غیرمسموم و مناسب با اجرای قصاص و قطع و جرح مخصوص باشد و ایذای جانی بیش از مقدار جنایت او ممنوع است ماده ۲۸۳ ـ هرگاه شخصی یک چشم کسی را کور کند یا درآورد قصاص می‌شود گرچه جانی بیش از یک چشم نداشته باشد و چیزی به‌عنوان دیه به او داده نمی‌شود. ماده ۲۸۴ ـ هرگاه شخصی که دارای دو چشم است چشم کسی را که فقط دارای یک چشم است در آورد مجنی‌علیه می‌تواند یک چشم جانی را قصاص کند و نصف دیه کامل را هم دریافت نماید، یا از قصاص یک چشم جانی منصرف شود و دیه کامل بگیرد مگر درصورتی که مجنی علیه یک چشم خود را قبلا در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیه آن را داشته است از دست داده باشد که در این مورد می‌تواند یک چشم جانی را قصاص کند و یا با رضایت جانی نصف دیه کامل دریافت نماید. ماده ۲۸۵ ـ هرگاه شخصی بدون آسیب به حدقه چشم دیگری بینایی آن را از بین ببرد فقط بینایی چشم جانی مورد قصاص قرار می گیرد و اگر بدون آسیب به حدقه چشم جانی قصاص ممکن نباشد جانی باید دیه آن را بپردازد. ماده ۲۸۶ ـ چشم سالم در برابر چشم‌هایی که از لحاظ دیدن متعارف نیستند قصاص می‌شود. ماده ۲۸۷ ـ هرگاه شخصی مقداری از گوش کسی را قطع کند و مجنی‌علیه قسمت جدا شده را به گوش خود پیوند دهد قصاص ساقط نمی‌شود و اگر جانی بعد از آنکه مقداری از گوش او به عنوان قصاص بریده شد آن قسمت جدا شده را به گوش خود پیوند دهد هیچ‌کس‌نمی‌تواند آن را دوباره برای حفظ اثر قصاص قطع کند. ماده ۲۸۸ ـ قطع لاله گوش که موجب زوال شنوایی بشود دو

جنایت محسوب می‌شود. ماده ۲۸۹ ـ هرگاه شخصی بینی کسی را قطع کند مجنی علیه می‌تواند قصاص نماید گرچه بینی مجنی علیه دارای حس بویایی نباشد. ماده ۲۹۰ ـ هرگاه شخصی زبان یا لب کسی را قطع نماید با رعایت تساوی مقدار و محل مورد قصاص قرار می‌گیرد. تبصره ـ در صورتی که فرد گویا، زبان فرد لال را قطع کند قصاص جایز نیست و تبدیل به دیه می‌شود. ماده ۲۹۱ ـ هرگاه شخصی دندان کسی را بشکند یا بکند با رعایت شرایط قصاص عضو قصاص می‌شود. تبصره ـ در صورتی که مجنی‌علیه قبل از قصاص دندان درآورد اگر دندان جدید معیوب باشد جانی به پرداخت ارش محکوم می‌گردد و اگر سالم باشد تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می‌گردد. ماده ۲۹۲ ـ اگر مجنی‌علیه طفل باشد باید به مدت متعارف صدور حکم به تأخیر افتد. در صورتی که کودک دندان جدید درآورد مجرم محکوم به ارش وگرنه محکوم به قصاص است ماده ۲۹۳ ـ اگر مورد جنایت عضو زاید باشد و جانی عضو زاید مشابه نداشته باشد، محکوم به دیه است

۴– کتاب چهارم ــ دیات

باب اول ــ تعریف دیه و موارد آن

ماده ۲۹۴ ـ دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه یا به ولی یا اولیای دم او داده می‌شود. ماده ۲۹۵ ـ در موارد زیر دیه پرداخت می‌شود: الف ـ قتل یا جرح یا نقص عضو که به‌طور خطای محض واقع می‌شود و آن در صورتی است که جانی نه قصد جنایت نسبت به مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد فعل واقع شده بر او را، مانند آنکه تیری را به قصد شکاری رها کند و به شخصی برخورد نماید. ب ـ قتل یا جرح یا نقص عضو که به طور خطای شبیه عمد واقع می‌شود، و آن در صورتی است که جانی قصد فعلی را که نوعا سبب جنایت نمی‌شود داشته باشد و قصد جنایت را نسبت به مجنی علیه نداشته باشد مانند آنکه کسی را به قصد تادیب به نحوی که نوعا سبب جنایت نمی‌شود بزند و اتفاقا موجب جنایت گردد یا طبیبی مباشر تا بیماری را به طور متعارف معالجه کند و اتفاقا سبب جنایت بر او شود. ج ـ مواردی از جنایت عمدی که قصاص در آنها جایز نیست تبصره ۱ ـ جنایتهای عمدی و شبه عمدی دیوانه و نابالغ به منزله خطای محض است تبصره ۲ ـ در صورتی که شخصی کسی را به اعتقاد قصاص یا به اعتقاد مهدورالدم بودن بکشد و این امر بر دادگاه ثابت شود و بعدا معلوم گردد که مجنی علیه مورد قصاص و یا مهدورالدم نبوده است قتل به منزله خطای شبیه عمد است و اگر ادعای خود را در مورد مهدورالدم بودن مقتول به اثبات برساند قصاص و دیه از او ساقط است تبصره ۳ ـ هرگاه بر اثر بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم مهارت و عدم رعایت مقررات مربوط به امری قتل یا ضرب یا جرح واقع شود به نحوی که اگر آن مقررات رعایت می‌شد حادثه‌ای اتفاق نمی‌افتاد قتل و یا ضرب و یا جرح در حکم شبه عمد خواهد بود. ماده ۲۹۶ ـ در مواردی هم که کسی قصد تیراندازی به کسی یا شیئی یا حیوانی را داشته باشد و تیر او به انسان بی‌گناه دیگری اصابت کند عمل او خطای محض محسوب می‌شود.

باب دوم ــ مقدار دیه قتل نفس

ماده ۲۹۷ ـ دیه قتل مرد مسلمان یکی از امور ششگانه ذیل است که قاتل در انتخاب هر یک از آنها مخیر می‌باشد و تلفیق آنها جایز نیست ۱ ـ یکصد شتر سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند. ۲ ـ دویست گاو سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند. ۳ ـ یکهزار گوسفند سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند. ۴ ـ دویست دست لباس سالم از حله‌های یمن ۵ ـ یکهزار دینار مسکوک سالم و

غیرمغشوش که هر دینار یک مثقال شرعی طلا به وزن ۱۸ نخود است ۶ ـ ده هزار درهم مسکوک سالم و غیرمغشوش که هر درهم به وزن ۶/۱۲ نخود نقره می‌باشد. تبصره ـ قیمت هر یک از امور ششگانه در صورت تراضی طرفین و یا تعذر همه آنها پرداخت می‌شود. ماده ۲۹۸ ـ دیه قتل عمد در مواردی که قصاص ممکن نباشد و یا ولی مقتول به دیه راضی شود یکی از امور ششگانه فوق خواهد بودلکن در کلیه مواردی که شتر به عنوان دیه تعیین می‌شود لازم است که سن آن از پنج سال گذشته و داخل در سال ششم شده باشد. ماده ۲۹۹ ـ دیه قتل در صورتی که صدمه و فوت هر دو در یکی از چهار ماه حرام (رجب ذیقعده ذیحجه محرم و یا در حرم مکه‌معظمه واقع شود علاوه بر یکی از موارد ششگانه مذکور در ماده ۲۹۷ به عنوان تشدید مجازات باید یک سوم هر نوعی که انتخاب کرده است اضافه شود و سایر امکنه و ازمنه هر چند متبرک باشند دارای این حکم نیستند. تبصره ـ حکم فوق در مواردی که مقتول از اقارب قاتل باشد جاری نمی‌گردد. ماده ۳۰۰ ـ دیه قتل زن مسلمان خواه عمدی و خواه غیرعمدی نصف دیه مرد مسلمان است ماده ۳۰۱ ـ دیه زن و مرد یکسان است تا وقتی که مقدار دیه به ثلث دیه کامل برسد در آن صورت دیه زن نصف دیه مرد است

باب سوم ـ مهلت پرداخت دیه

ماده ۳۰۲ ـ مهلت پرداخت دیه در موارد مختلف از زمان وقوع قتل به ترتیب زیر است الف ـ دیه قتل عمد باید در ظرف یک سال پرداخت شود. ب ـ دیه قتل شبیه عمد در ظرف دو سال پرداخت می‌شود. ج ـ دیه قتل خطای محض در ظرف سه سال پرداخت می‌شود. تبصره ۱ ـ تاخیر از این مهلت‌ها بدون تراضی طرفین جایز نیست تبصره ۲ ـ دیه قتل جنین و نیز دیه نقص عضو یا جرح به ترتیب فوق پرداخت می‌شود. ماده ۳۰۳ ـ اگر قاتل در شبیه عمد در مدت معین قادر به پرداخت نباشد به او مهلت مناسب داده می‌شود.

باب چهارم ـ مسؤول پرداخت دیه

ماده ۳۰۴ ـ در قتل عمد و شبه عمد مسوول پرداخت دیه خود قاتل است ماده ۳۰۵ ـ در قتل خطای محض در صورتی که قتل با بینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود پرداخت دیه به عهده عاقله است و اگر با اقرار قاتل یا نکول او از سوگند یا قسامه ثابت شد به عهده خود اوست ماده ۳۰۶ ـ در خطای محض دیه قتل و همچنین دیه جراحت (موضحه و دیه جنایتهای زیادتر از آن به عهده عاقله می‌باشد و دیه جراحتهای کمتر از آن به عهده خود جانی است تبصره ـ جنایت عمد و شبه عمد نابالغ و دیوانه به منزله خطای محض و بر عهده عاقله می‌باشد. ماده ۳۰۷ ـ عاقله عبارت است از بستگان ذکور نسبی پدر و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث به طوری که همه کسانی که‌حین‌الفوت می‌توانند ارث ببرند به صورت مساوی عهده‌دار پرداخت دیه خواهند بود. تبصره ـ کسی که با عقد ضمان جریره دیه جنایت دیگری را به عهده گرفته است نیز عاقله محسوب می‌شود. ماده ۳۰۸ ـ نابالغ و دیوانه و معسر جزء عاقله محسوب نمی‌شود و عهده‌دار دیه قتل خطایی نخواهد بود. ماده ۳۰۹ ـ هرگاه قتل خطایی با گواهی شهود عادل ثابت شود عاقله عهده‌دار دیه خواهد بود ولی اگر با اقرار جانی ثابت شود خود جانی‌ضامن است ماده ۳۱۰ ـ هرگاه اصل قتل با شهادت شهود عادل ثابت شود و قاتل مدعی گردد که خطاء انجام شده و عاقله منکر خطایی بودن آن باشد در صورتی که عاقله سوگند یاد کند قول عاقله مقدم بر قول جانی می‌باشد. ماده ۳۱۱ ـ عاقله فقط عهده‌دار پرداخت خسارتهای حاصل از جنایتهای خطایی محض از قتل ناموضحه است و در موارد ذیل عاقله ضامن نمی‌باشد: الف ـ جنایتهای خطایی که شخص بر خودش وارد آورد. ب ـ اتلاف مالی

که به طور خطـای محض حاصل شود. ماده ۳۱۲ ـ هرگاه جانی دارای عاقله نباشـد یا عاقله او نتوانـد دیه را در مدت سه سال بپردازد دیه از بیت‌المـال پرداخت می‌شود. ماده ۳۱۳ ـ دیه عمـد و شـبه عمد بر جانی است لکن اگر فرار کند از مال او گرفته می‌شود و اگر مـال نداشـته باشـد از بسـتگان نزدیـک او بارعـایت الاقرب فالاقرب گرفته می‌شود و اگر بسـتگانی نـداشت یا تمکن نداشـتند دیه از بیت‌المـال داده می‌شود. ماده ۳۱۴ ـ در موارد قتـل خطـایی محض دادگـاه مکلف است در حین رسیدگی عاقله را دعوت کنـد تا از خود دفاع نماید ولی عدم‌دسترسی به عاقله یا عدم حضور آن پس از احضار موجب توقف رسیدگی نخواهد شد. ماده ۳۱۵ ـ اگر دو نفر متهم به قتل باشند و هر کدام ادعا کند که دیگری کشته است و علم اجمالی بر وقوع قتل توسط یکی از آن دو نفرباشد و حجت شرعی بر قاتل بودن یکی اقامه نشود و نوبت به دیه برسد با قید قرعه دیه از یکی از آن دو نفر گرفته می‌شود.

باب پنجم ـ موجبات ضمان

ماده ۳۱۶ ـ جنایت اعم از آنکه به مباشـرت انجام شود یا به تسبیب یا به اجتماع مباشـر و سبب موجب ضمان خواهد بود. ماده ۳۱۷ ـ مباشرت آنست که جنایت مستقیما توسط خود جانی واقع شده باشد. ماده ۳۱۸ ـ تسبیب در جنایت آنست که انسان سبب تلف شدن یا جنایت علیه دیگری را فراهم کنـد و خود مسـتقیما مرتکب جنایت نشود به طوری که اگر نبود جنایت حاصل نمی‌شـد مانند آنکه چاهی بکند و کسـی در آن بیفتد و آسیب ببیند. ماده ۳۱۹ ـ هرگاه طبیبی گرچه حاذق و متخصص باشد در معالجه هایی که شخصا انجام می‌دهـد یا دسـتور آن را صادر می‌کنـد، هر چند با اذن مریض یا ولی او باشد، باعث تلف جان یا نقص عضو یا خسارت مالی شود ضامن است ماده ۳۲۰ ـ هرگاه ختنه‌کننـده در اثر بریـدن بیش از مقـدار لازم موجب جنایت یا خسارت شود ضامن است گرچه ماهر بوده باشـد. ماده ۳۲۱ ـ هرگـاه بیطـار و دامپزشـک گرچه متخصـص باشـد، در معالجه حیوانی هر چنـد با اذن صاحب او باشـد موجب خسـارت شود ضـامن است ماده ۳۲۲ ـ هرگـاه طبیب یـا بیطـار و ماننـد آن قبـل از شـروع به درمـان از مریض یـا ولی او یا از صاحب حیوان برائت حاصل نماید، عهده‌دار خسارت پدید آمده نخواهد بود. ماده ۳۲۳ ـ هرگاه کسی در حال خواب بر اثر حرکت و غلطیـدن موجب تلف یا نقص عضو دیگری شود جنایت او به منزله خطای محض‌بوده و عاقله او عهـده‌دار خواهـد بود. ماده ۳۲۴ ـ هرگاه کسـی چیزی را همراه خود یا با وسیله نقلیه و مانند آن حمل کند و به شخص دیگری برخورد نموده موجب جنایت‌گردد، در صورت عمـد یا شبه عمـد ضامن می‌باشـد و در صورت خطای محض ، عاقله او عهده‌دار می‌باشد. ماده ۳۲۵ ـ هرگاه کسـی به روی شخصـی سلاح بکشد یا سگی را به سوی او برانگیزد یا هر کار دیگری که موجب هراس او گردد انجام دهد، مانند فریاد کشیدن یا انفجـار صوتی که باعث وحشت می‌شود، و بر اثر این ارعاب آن شـخص بمیرد اگر این عمل نوعا کشـنده باشـدیا با قصـد قتل انجام شود گرچه نوعا کشـنده نباشـد، قتل عمد محسوب شده و موجب قصاص است و اگر این عمل نه نوعا کشـنده و نه باقصد قتل انجام بگیرد قتل شبه عمد محسوب شده و دیه آن بر عهده قاتل است ماده ۳۲۶ ـ هرگاه کسی دیگری را بترساند و موجب فرار او گردد و آن شـخص در حال فرار خود را از جای بلنـدی پرت کند یا به درون چاهی بیفتد و بمیرد، در صورتی که آن ترساندن موجب زوال اراده و اختیـار و مـانع تصـمیم او گردد ترسانندـه ضامن است ماده ۳۲۷ ـ هرگـاه کسـی خود را از جای بلنـدی پرت کنـد و بر روی شخصـی بیفتد و سبب جنایت گردد، در صورتی که قصد انجام جنایت‌را داشته باشد قتل عمد بوده و قصاص دارد و در صورتی که قصد قتل نداشته ولی قصد پرت شدن را داشته باشد و معمولا با آن قتل انجام نمی‌شود، قتل شبه عمد بوده دیه در مال او خواهد بود و همچنین است اگر با وجود قصد پرت شدن بی‌اختیار پرت شود. ولی اگردر اثر لغزش یا علل قهری دیگر و بی‌اختیار به جایی پرت شود و موجب جنـایت گردد خودش ضامن است نه عاقله‌اش ماده ۳۲۸ ـ هرگاه کسـی به دیگری صدمه وارد کند و یا کسی را پرت کنـد و او بمیرد یا مجروح گردد، در صورتی که نه قصـد جنایت داشـته باشـد و نه کاری را که قصد نموده است نوعا سـبب جنایت

باشـد، شـبه عمد محسوب و عهده‌دار دیه آن خواهد بود. ماده ۳۲۹ ـ هرگاه کسـی دیگری را بر روی شـخص ثالث پرت کنـد و آن شخص ثالث بمیرد یا مجروح گردد، در صورتی که نه قصد جنایت‌داشته باشد و نه کاری را که قصد کرده است نوعا سبب جنایت باشد، شبه عمد محسوب و عهده‌دار دیه می‌باشد. ماده ۳۳۰ ـ هرگاه کسی در ملک خود یا در مکان و راهی که توقف در آن مجاز است توقـف کرده یـا وسـیله نقلیه خـود را متوقـف کرده باشـد و دیگری به او برخـورد نمایـد و مصـدوم گردد آن شـخص متـوقف عهده‌دار هیچ‌گونه خسارتی نخواهد بود. ماده ۳۳۱ ـ هر کس در محل‌هایی که توقف در آنجا جایز نیست متوقف شده یا شـیی و یا وسـیله‌ای را در این قبیل محل‌ها مستقر سازد وکسی اشتباها و بدون قصد، با شخص و یا شیی یا وسیله مزبور برخورد کند و بمیرد، شخص متوقف یا کسـی که شـیی یا وسیله مزبور رادر محل مستقر ساخته عهده‌دار پرداخت دیه خواهد بود، و نیز اگر توقف شخص مزبور با اسـتقرار شـیی و وسـیله مورد نظر موجب لغزش راهگـذر و آسـیب کسـی شود، مسوول پرداخت دیه صدمه یا آسـیب وارده است مگر آنکه عابر با وسـعت راه و محل عمـدا قصـد برخورد داشـته باشـد که در این صورت نه فقط خسارتی به او تعلق نمی‌گیرد بلکه عهـده‌دار خسارت وارده نیز می‌باشـد. ماده ۳۳۲ ـ هرگـاه ثـابت شود که مأمور نظـامی یا انتظامی در اجرای دسـتور آمر قانونی تیرانـدازی کرده و هیـچ‌گونه تخلـف از مقررات نکرده است ضـامن دیه مقتول نخواهـد بود و جزء مواردی که مقتول و یـا مصـدوم مهدورالـدم نبوده دیه به عهـده بیت‌المـال خواهـد بود. ماده ۳۳۳ ـ در مـواردی که عبـور عـابر پیـاده ممنـوع است اگر عبور نمایـد و راننده‌ای که با سـرعت مجاز و مطمئنه در حرکت بوده و وسیله نقلیه نیز نقص فنی نداشته است و در عین حال قادر به کنترل نباشد و با عابر برخورد نموده منجر به فوت یا مصدوم شدن وی گردد راننده ضامن دیه و خسارت وارده نیست

باب ششم ـ اشتراک در جنایت

ماده ۳۳۴ ـ هرگاه دو نفر با یکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد کشـته شوند، هر دو سوار باشـند یا پیاده یا یکی سواره و دیگری پیاده باشد، در صورت شبه عمد نصف دیه هر کدام از مال دیگری پرداخت می‌شود و در صورت خطای محض نصف دیه هر کدام بر عـاقله دیگری است ماده ۳۳۵ ـ هرگاه دو نفر با یکـدیگر برخورد کننـد و در اثر برخورد یکی از آنها کشـته شود در صورت شـبه عمد نصف دیه مقتول بر دیگری‌است و در صورت خطای محض نصف دیه مقتول بر عاقله دیگری است تبصره ـ هرگاه کسی اتفاقا و بـدون قصـد به شخصـی برخورد کند و موجب آسـیب او شود خطای محض می‌باشد. ماده ۳۳۶ ـ هرگـاه در اثر برخورد دو سوار، وسـیله نقلیه آنهـا ماننـد اتومبیـل خسـارت ببینـد، در صورتی که تصادم و برخورد به هر دو نسبت‌داده شود و هر دو مقصـر باشـند یا هیچ‌کدام مقصـر نباشـند، هر کدام نصف خسارت وسـیله نقلیه دیگری را ضامن خواهد بود خواه آن دو وسـیله از یک نوع باشـند یا نباشـند و خواه میزان تقصـیر آنها مساوی یا متفاوت باشد و اگر یکی از آنها مقصـر باشد فقط مقصـر ضامن‌است تبصره ـ تقصیر اعم است از بی‌احتیاطی بی‌مبالاتی عـدم مهارت عدم رعایت نظامات دولتی ماده ۳۳۷ ـ هرگاه دو وسـیله نقلیه در اثر برخورد با هم باعث کشـته شدن سرنشینان گردند در صورت شبه عمد، راننده هر یک از دو وسیله‌نقلیه ضامن نصف دیه تمام سرنشینان خواهد بود و در صورت خطای محض عاقله هر کـدام عهـده‌دار نصف دیه تمام سرنشـینان می‌باشدو اگر برخورد یکی از آن دو شـبه عمد و دیگری خطـای محض باشـد ضـمان برحسب مـورد پرداخت خواهـد شـد. تبصـره ـ در صورتی که برخورد دو وسـیله نقلیه خـارج از اختیـار رانندگان باشـد ماننـد آنکه در اثر ریزش کوه یا توفان و دیگر عوامل قهری‌تصادم حاصل شود هیـچ‌گونه ضـمانی در بین نیست ماده ۳۳۸ ـ هرگاه شخصـی را که شبانه از منزلش خوانده و بیرون برده‌اند مفقود شود دعوت‌کننده ضامن دیه اوست مگر اینکه ثابت کند که دیگری او را کشـته است و نیز اگر ثابت شود که به مرگ عادی یا علل قهری در گذشته چیزی بر عهده دعوت‌کننده نیست ماده ۳۳۹ ـ هرگاه کسـی در معبر عام یا هر جای دیگری که تصـرف در آن مجاز نباشـد چاهی بکند یا سـنگ یا چیز لغزنده‌ای بر سـر راه

عابران قرار دهد یا هر عملی که موجب آسیب یا خسارت عابران گردد انجام دهد عهده‌دار دیه یا خسارت خواهد بود؛ ولی اگر این اعمال‌در ملک خود یا در جایی که تصرفش در آن مجاز است واقع شود عهده‌دار دیه یا خسارت نخواهد بود.

باب هفتم ـ تسبیب در جنایت

ماده ۳۴۰ ـ هرگاه کسی در ملک دیگری با اذن او یکی از کارهای مذکور در ماده ۳۳۹ را انجام دهد و موجب آسیب یا خسارت شخص ثالث شود عهده‌دار دیه یا خسارت نمی‌باشد. ماده ۳۴۱ ـ هرگاه در معبر عام عملی به مصلحت عابران انجام شود که موجب وقوع جنایت یا خسارتی گردد، مرتکب ضامن دیه و خسارت نخواهد بود. ماده ۳۴۲ ـ هرگاه کسی یکی از کارهای مذکور ماده ۳۳۹ را در منزل خود انجام دهد و شخصی را که در اثر نابینایی یا تاریکی آگاه به آن نیست به منزل خود بخواند، عهده‌دار دیه و خسارت خواهد بود و اگر آن شخص بدون اذن صاحب منزل یا با اذنی که قبل از انجام اعمال‌مذکور از صاحب منزل گرفته است وارد شود و صاحب منزل مطلع نباشد، عهده‌دار هیچ گونه دیه یا خسارت نمی‌باشد. ماده ۳۴۳ ـ هرگاه در اثر یکی از عوامل طبیعی مانند سیل و غیره یکی از چیزهای فوق حادث شود و موجب آسیب و خسارت گردد هیچ‌کس ضامن نیست گرچه تمکن برطرف کردن آنها را داشته باشد؛ و اگر سیل یا مانند آن چیزی را به همراه آورد و کسی آن را به جایی مانند محل اول یا بدتر از آن قرار دهد، عهده‌دار دیه و خسارت‌های وارده خواهد بود و اگر آن را از وسط جاده بردارد و به گوشه‌ای برای مصلحت عابرین قرار دهد عهده‌دار چیزی نمی‌باشد. ماده ۳۴۴ ـ هرگاه کسی در ملک دیگری عدوانا یکی از کارهای مذکور در ماده ۳۳۹ را انجام دهد و شخص ثالثی که عدوانا وارد آن ملک شده آسیب ببیند عامل عدوانی عهده‌دار دیه و خسارت می‌باشد. ماده ۳۴۵ ـ هرگاه کسی کالایی را که به منظور خرید و فروش عرضه می‌شود یا وسیله نقلیه‌ای را در معبر عام قرار دهد و موجب‌خسارت گردد عهده‌دار آن خواهد بود مگر آنکه مصلحت عابران ایجاب کرده باشد که آنها را موقتا در معبر قرار دهد. ماده ۳۴۶ ـ هرگاه کسی چیز لغزنده‌ای را در معبر بریزد که موجب لغزش رهگذر گردد عهده‌دار دیه و خسارت خواهد بود مگر آنکه‌رهگذر بالغ عاقل یا ممیز عمدا با اینکه می‌تواند روی آن پا نگذارد به روی آنها پا بگذارد. ماده ۳۴۷ ـ هرگاه کسی چیزی را بر روی دیوار خود قرار دهد و در اثر حوادث پیش‌بینی نشده به معبر عام بیفتد و موجب خسارت شود عهده‌دار نخواهد بود مگر آنکه آن را طوری گذاشته باشد که عادتا ساقط می‌شود. ماده ۳۴۸ ـ هرگاه ناودان یا بالکن منزل و امثال آنکه قرار دادن آن در شارع عام مجاز نبوده و در اثر سقوط موجب آسیب یا خسارت شود مالک آن منزل عهده‌دار خواهد بود و اگر نصب و قرار دادن آن مجاز بوده و اتفاقا سقوط کند و موجب آسیب یا خسارت گردد مالک منزل عهده‌دار آن نخواهد بود. ماده ۳۴۹ ـ هرگاه کسی در ملک خود یا ملک مباح دیگری دیواری را با پایه محکم بنا کرده لکن در اثر حادثه پیش‌بینی نشده مانند زلزله سقوط کند و موجب خسارت گردد صاحب آن عهده‌دار خسارت نمی‌باشد و همچنین اگر آن دیوار را به سمت ملک خود بنا نموده که اگر سقوط کند طبعا در ملک او سقوط خواهد کرد لکن اتفاقا به سمت دیگری سقوط کند و موجب آسیب یا خسارت شود صاحب آن عهده‌دار چیزی نخواهد بود. ماده ۳۵۰ ـ هرگاه دیواری را در ملک خود به طور معتدل و بدون میل به یک طرف بنا نماید لکن تدریجا مایل به سقوط به سمت ملک دیگری شود، اگر قبل از آنکه صاحب دیوار تمکن اصلاح آن را پیدا کند ساقط شود و موجب آسیب یا خسارت گردد چیزی بر عهده صاحب دیوار نیست و اگر بعد از تمکن از اصلاح با سهل‌انگاری سقوط کند و موجب خسارت شود مالک آن ضامن می‌باشد. ماده ۳۵۱ ـ هرگاه کسی دیوار دیگری را منحرف و مایل به سقوط نماید آنگاه دیوار ساقط شود و موجب آسیب یا خسارت گردد آن شخص عهده‌دار خسارت خواهد بود. ماده ۳۵۲ ـ هرگاه کسی در ملک خود به مقدار نیاز یا زاید بر آن آتش روشن کند و بداند که به جایی سرایت نمی‌کند و عادتا نیز سرایت نکند لکن اتفاقا به جای دیگر سرایت کند و موجب تلف یا

خسارت شود ضامن نخواهد بود. ماده ۳۵۳ ـ هرگاه کسی در ملک خود آتش روشن کند که عادتا به محل دیگر سرایت می‌نماید یا بداند که به جای دیگر سرایت خواهدکرد و در اثر سرایت موجب تلف یا خسارت شود عهده‌دار آن خواهد بود گرچه به مقدار نیاز خودش روشن کرده باشد. ماده ۳۵۴ ـ هرگاه کسی در ملک خود آتشی روشن کند و آتش به جایی سرایت نماید و سرایت به او استناد داشته باشد ضامن تلف و خسارتهای وارده می‌باشد گرچه به مقدار نیاز خود روشن کرده باشد. ماده ۳۵۵ ـ هرگاه کسی در ملک دیگری بدون اذن صاحب آن یا در معبر عام بدون رعایت مصلحت رهگذر آتشی را روشن کند که موجب تلف یا خسارت گردد ضامن خواهد بود گرچه او قصد اتلاف یا اضرار را نداشته باشد. تبصره ـ در کلیه مواردی که روشن‌کننده آتش عهده‌دار تلف و آسیب اشخاص می‌باشد باید راهی برای فرار و نجات آسیب‌دیدگان نباشد وگرنه روشن‌کننده آتش عهده‌دار نخواهد بود. ماده ۳۵۶ ـ هرگاه کسی آتشی را روشن کند و دیگری مال شخصی را در آن بیندازد و بسوزاند عهده‌دار تلف یا خسارت خواهد بود و روشن‌کننده آتش ضامن نیست ماده ۳۵۷ ـ صاحب هر حیوانی که خطر حمله و آسیب رساندن آن را می‌داند باید آن را حفظ نماید و اگر در اثر اهمال و سهل‌انگاری موجب تلف یا خسارت گردد صاحب حیوان عهده‌دار می‌باشد و اگر از حال حیوان که خطر حمله و زیان رساندن به دیگران در آن هست آگاه نباشد یا آنکه آگاه باشد ولی توانایی حفظ آن را نداشته باشد و در نگهداری او کوتاهی نکند عهده‌دار خسارتش نیست ماده ۳۵۸ ـ هرگاه حیوانی به کسی حمله کند و آن شخص به عنوان دفاع از خود به مقدار لازم او را دفع نماید و همین دفاع موجب مردن یا آسیب دیدن آن حیوان شود شخص دفاع‌کننده ضامن نمی‌باشد و همچنین اگر آن حیوان را از هجوم به نفس یا مال محترم به عنوان دفاع به مقدار لازم بازدارد و همین کار موجب تلف یا آسیب او شود عهده‌دار نخواهد بود. تبصره ـ هرگاه در غیر مورد دفاع یا در مورد دفاع بیش از مقدار لازم به آن آسیب وارد شود شخص آسیب‌رساننده ضامن می‌باشد. ماده ۳۵۹ ـ هرگاه با سهل‌انگاری و کوتاهی مالک حیوانی به حیوان دیگر حمله کند و آسیب برساند مالک آن عهده‌دار خسارت خواهدبود و هر گونه خسارتی بر حیوان حمله‌کننده و مهاجم وارد شود کسی عهده‌دار آن نمی‌باشد. ماده ۳۶۰ ـ هرگاه کسی با اذن وارد خانه کسی بشود و سگ خانه به او آسیب برساند صاحب خانه ضامن می‌باشد خواه آن سگ قبلا درخانه بوده یا بعدا وارد شده باشد و خواه صاحب خانه بداند که آن حیوان او را آسیب می‌رساند و خواه نداند. ماده ۳۶۱ ـ هرگاه کسی که سوار حیوان است حیوان را در جایی متوقف نماید ضامن تمام خسارتهایی است که آن حیوان وارد می‌کند. ماده ۳۶۲ ـ هرگاه کسی حیوانی را بزند و آن حیوان در اثر زدن خسارتی وارد نماید آن شخص زننده عهده‌دار خسارتهای وارد خواهد بود.

باب هشتم ـ اجتماع سبب و مباشر یا اجتماع چند سبب

ماده ۳۶۳ ـ در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد. ماده ۳۶۴ ـ هرگاه دو نفر عدوانا در وقوع جنایتی به نحو سبب دخالت داشته باشند کسی که تاثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تاثیر سبب دیگری باشد ضامن خواهد بود مانند آنکه یکی از آن دونفر چاهی حفر نماید و دیگری سنگی را در کنار آن قرار دهد و عابر به سبب‌برخورد با سنگ به چاه افتد کسی که سنگ را گذارده ضامن است و چیزی به عهده حفرکننده نیست و اگر عمل یکی از آن دو عدوانی و دیگری غیرعدوانی باشد فقط شخص متعدی ضامن خواهد بود. ماده ۳۶۵ ـ هرگاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی شوند به طور تساوی عهده‌دار خسارت خواهند بود. ماده ۳۶۶ ـ هرگاه بر اثر ایجاد سببی دو نفر تصادم کنند و به علت تصادم کشته شوند یا آسیب ببینند سبب ضامن خواهد بود.

باب نهم ــ دیه اعضاء

اشاره

ماده ۳۶۷ ـ هر جنایتی که بر عضو کسی وارد شود و شرعا مقدار خاصی به عنوان دیه برای آن تعیین نشده باشد جانی باید ارش بپردازد.

فصل اول ــ دیه مو

ماده ۳۶۸ ـ هرگاه کسی موی سر یا صورت مردی را طوری از بین ببرد که دیگر نروید عهده‌دار دیه کامل خواهد بود و اگر دوباره بروید نسبت به موی سر ضامن ارش است و نسبت به ریش ثلث دیه کامل را عهده‌دار خواهد بود. ماده ۳۶۹ ـ هرگاه کسی موی سر زنی را طوری از بین ببرد که دیگر نروید، ضامن دیه کامل زن می‌باشد و اگر دوباره بروید عهده‌دار مهرالمثل خواهدبود و دراین‌حکم فرقی میان کوچک و بزرگ نیست تبصره ـ اگر مهرالمثل بیش از دیه کامل باشد فقط به مقدار دیه کامل پرداخت می‌شود. ماده ۳۷۰ ـ هرگاه مقداری از موهای از بین رفته دوباره بروید و مقدار دیگر نروید، نسبت مقداری که نمی‌روید با تمام سر ملاحظه می‌شود و دیه به همان نسبت دریافت می گردد. ماده ۳۷۱ ـ تشخیص روییدن مجدد مو و نروییدن آن با خبره است و اگر طبق نظر خبره دیه یا ارش پرداخت شده و بعد از آن دوباره رویید باید مقدار زاید بر ارش به جانی مسترد شود. ماده ۳۷۲ ـ دیه موهای مجموع دو ابرو در صورتی که هرگز نروید پانصد دینار است و دیه هر کدام دویست و پنجاه دینار و دیه هر مقدار از یک ابرو به همان نسبت خواهد بود و اگر دوباره روییده شود در همه موارد ارش است و اگر مقداری از آن دوباره روییده شود و مقدار دیگر هرگز نروید نسبت به آن مقدار که مجددا روییده شود ارش است و نسبت به آن مقدار که روییده نمی‌شود دیه با احتساب مقدار مساحت تعیین می‌شود. ماده ۳۷۳ ـ از بین بردن موهای پلک چشم موجب ارش است خواه دوباره بروید خواه نروید و خواه تمام آن باشد و خواه بعض آن ماده ۳۷۴ ـ از بین بردن مو در صورتی موجب دیه یا ارش می‌شود که به تنهایی باشد نه با از بین بردن عضو یا کندن پوست و مانند آن که در این موارد فقط دیه عضو قطع شده یا مانند آن پرداخت می گردد.

فصل دوم ــ دیه چشم

ماده ۳۷۵ ـ از بین بردن دو چشم سالم موجب دیه کامل است و دیه هر کدام از آنها نصف دیه کامل خواهد بود. تبصره ـ تمام چشم‌هایی که بینایی دارند در حکم فوق یکسانند گرچه از لحاظ ضعف و بیماری و شبکوری و لوچ بودن با یکدیگر فرق داشته باشند. ماده ۳۷۶ ـ چشمی که در سیاهی آن لکه سفیدی باشد اگر مانع دیدن نباشد دیه آن کامل است و اگر مانع مقداری از دیدن باشد به طوری که تشخیص ممکن باشد به همان نسبت از دیه کاهش می‌یابد و اگر به طور کلی مانع دیدن باشد در آن ارش است نه دیه ماده ۳۷۷ ـ دیه چشم کسی که دارای یک چشم سالم و بینا باشد و چشم دیگرش نابینای مادرزاد بوده یا در اثر بیماری یا علل غیرجنایی از دست رفته باشد دیه کامل است و اگر چشم دیگرش را در اثر قصاص یا جنایتی از دست داده باشد دیه آن نصف دیه است ماده ۳۷۸ ـ کسی که دارای یک چشم بینا و یک چشم نابینا است دیه چشم نابینای او ثلث دیه کامل است خواه چشم او مادرزاد نابینا بوده است یا در اثر جنایت نابینا شده باشد. ماده ۳۷۹ ـ دیه مجموع چهار پلک دو چشم دیه کامل خواهد بود و دیه پلکهای بالا ثلث دیه کامل و دیه پلکهای پایین نصف دیه کامل‌است

فصل سوم ــ دیه بینی

ماده ۳۸۰ ـ از بیـن بردن تمـام بینی دفعتـا یـا نرمـه آن کـه پـایین قصب و اسـتخوان بینی است مـوجب دیه کامـل است و از بین بردن مقـداری از نرمه بینی موجب همـان نسبت دیه می‌باشـد. ماده ۳۸۱ ـ از بیـن بردن مقـداری از اسـتخوان بینی بعـد از بریـدن نرمه آن موجب دیه کامل و ارش می‌باشد. ماده ۳۸۲ ـ اگر با شکستن یا سوزاندن یا امثال آن بینی را فاسد کنند در صورتی که اصلاح نشود موجب دیه کامل است و اگر بـدون عیب‌جبران شود موجب یکصـد دینار می‌باشـد. ماده ۳۸۳ ـ فلـج کردن بینی موجب دو ثلث دیه کامل است و از بین بردن بینی فلـج موجب ثلث دیه کامل می‌باشد. ماده ۳۸۴ ـ از بین بردن هر یـک از سوراخهای بینی موجب ثلث دیه کامـل است و سـوراخ کردن بینی به طوری که هر دو سوراخ و پرده فاصـل میـان آن پـاره شود یـا آنکه آن را سوراخ نمایـد در صورتی که بـاعث از بین رفتن آن نشود موجب ثلث دیه کامـل است و اگر جـبران واصـلاح شود موجب خمس دیه می‌باشـد. مـاده ۳۸۵ ـ دیه از بین بردن نوک بینی که محل چکیدن خون است نصف دیه کامل می‌باشد.

فصل چهارم ـ دیه گوش

ماده ۳۸۶ ـ از بیـن بردن مجمـوع دو گـوش دیه کامـل دارد و از بین بردن هر کـدام نصـف دیه کامـل و از بین بردن مقـداری از آن موجب دیه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام گوش خواهد بود. ماده ۳۸۷ ـ از بین بردن نرمه گوش ثلث دیه آن گوش را دارد و از بین بردن قسـمتی از آن موجب دیه به همان نسبت خواهد بود. ماده ۳۸۸ ـ پاره کردن گوش ثلث دیه دارد. ماده ۳۸۹ ـ فلج کردن گوش دو ثلث دیه و بریدن گوش فلج ثلث دیه را دارد. تبصـره ـ هرگاه آسـیب رساندن به گوش به حس شـنوایی سـرایت کند و به آن آسـیب رساند یا موجب سرایت به استخوان و شکستن آن‌شود برای هر کدام دیه جداگانه‌ای خواهد بود. ماده ۳۹۰ ـ گوش سالم و شنوا و گوش کر در احکام مذکور در موارد فوق یکسانند.

فصل پنجم ـ دیه لب

ماده ۳۹۱ ـ از بین بردن مجموع دو لب دیه ک امل دارد و از بین بردن هر کدام از لبها نصف دیه کامل و از بین بردن هر مقداری از لب‌موجب دیه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام لب خواهد بود. ماده ۳۹۲ ـ جنایتی که لب‌ها را جمع کنـد و در اثر آن دندان‌ها را نپوشانـد موجب مقـداری است که حاکم آن را تعیین می‌نماید. ماده ۳۹۳ ـ جنایتی که موجب سـست شـدن لب‌ها بشود به طوری که با خنـده وماننـد آن از دندانها کنار نرود موجب دو ثلث دیه کامل‌می‌باشد. ماده ۳۹۴ ـ از بین بردن لب‌های فلـج و بی‌حس ثلث دیه دارد. ماده ۳۹۵ ـ شـکافتن یک یا دو لب به طوری که دندان‌ها نمایان شوند موجب ثلث دیه کامل است و در صورت اصـلاح و خوب شدن‌خمس دیه کامل خواهد بود.

فصل ششم ـ دیه زبان

ماده ۳۹۶ ـ از بین بردن تمـام زبـان سالم یا لال کردن انسان سالم یا ضـربه مغزی و ماننـد آن دیه کامل دارد و بریـدن تمام زبان لال ثلث دیه‌کامل خواهد بود. ماده ۳۹۷ ـ از بین بردن مقداری از زبان لال موجب دیه همان مقدار با رعایت نسـبت به تمام زبان خواهد بود ولی دیه قسـمتی از زبان سالم به نسبت از دست دادن قدرت ادای حروف خواهد بود. ماده ۳۹۸ ـ تعیین مقدار دیه جنایتی که بر زبـان وارد شـده و موجب از بین رفتن حروف نشود لکن باعث عیب گردد با تعیین حاکم خواهـدبود. ماده ۳۹۹ ـ هرگاه مقداری از زبان را کسـی قطع کنـد که باعث از بین رفتن قـدرت ادای مقـداری از حروف باشـد و دیگری مقـدار دیگر را که‌باعث از بین رفتن مقـداری از باقی حروف گردد دیه به نسبت از بین رفتن قـدرت ادای حروف می‌باشـد. ماده ۴۰۰ ـ بریـدن زبـان کودک قبل از حد سخن گفتن موجب دیه کامـل است مـاده ۴۰۱ ـ بریـدن زبان کودکی که به حد سـخن گفتن رسـیده ولی سـخن نمی‌گوید ثلث دیه

دارد و اگر بعدا معلوم شود که زبان او سالم و قدرت تکلم داشته دیه کامل محسوب و بقیه از جانی گرفته می‌شود. ماده ۴۰۲ ـ هرگاه جنایتی موجب لال شدن گردد و دیه کامل از جانی گرفته شود و دوباره زبان به حال اول برگردد و سالم شود دیه مسترد خواهد شد.

فصل هفتم ــ دیه دندان

ماده ۴۰۳ ـ از بین بردن تمام دندانهای بیست و هشتگانه دیه کامل دارد و به ترتیب زیر توزیع می‌شود: ۱ ـ هر یک از دندانهای جلو که عبارتند از پیش و چهارتایی و نیش که از هر کدام دو عدد در بالا دو عدد در پایین می‌روید و جمعا دوازده تا خواهد بود پنجاه دینار و دیه مجموع آنها ششصد دینار می‌شود. ۲ ـ هر یک از دندانهای عقب که در چهار سمت پایانی از بالا و پایین در هر کدام یک ضاحک و سه ضرس قرار دارد و جمعا شانزده تاخواهد بود بیست و پنج دینار و دیه مجموع آنها چهارصد دینار می‌شود. ماده ۴۰۴ ـ دندانهای اضافی به هر نام که باشد و به هر طرز که روییده شود دیه‌ای ندارد و اگر در کندن آنها نقصی حاصل شود تعیین مقدار ارش آن با قاضی است و اگر هیچگونه نقصی حاصل نشود ارش نخواهد داشت ولی به نظر قاضی تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود. ماده ۴۰۵ ـ هرگاه دندانها از بیست و هشت تا کمتر باشد به همان نسبت از دیه کامل کاهش می‌یابد خواه خلقتا کمتر باشد یا در اثر عارضه‌ای کم شده باشد. ماده ۴۰۶ ـ فرقی میان دندانهایی که دارای رنگهای گوناگون می‌باشد نیست و اگر دندانی در اثر جنایت سیاه شود و نیفتد دیه آن دو ثلث‌دیه همان دندان است که سالم باشد و دیه دندانی که قبلا سیاه شده ثلث همان دندان سالم است ماده ۴۰۷ ـ شکاف (اشقاق) دندان که بدون کندن و از بین بردن آن باشد تعیین جریمه مالی آن با حاکم است ماده ۴۰۸ ـ شکستن آن مقدار از دندان که نمایان است با بقاء ریشه دیه کامل آن دندان را دارد و اگر بعد از شکستن مقدار مزبور کسی بقیه را از ریشه بکند جریمه آن با نظر حاکم تعیین می‌شود خواه کسی که بقیه را از ریشه کنده همان کسی باشد که مقدار نمایان دندان را شکسته یا دیگری ماده ۴۰۹ ـ کندن دندان شیری کودک که دیگر به جای آن دندان نروید دیه کامل آن را دارد و اگر به جای آن دندان بروید دیه هر دندان شیری که کنده شد یک شتر می‌باشد. ماده ۴۱۰ ـ دندانی که کنده شود دیه کامل دارد گرچه همان را در محلش قرار دهند و دوباره مانند سابق شود. ماده ۴۱۱ ـ هرگاه دندان دیگری به جای دندان اصلی کنده شده قرار گیرد و مانند دندان اصلی شود کندن آن دیه کامل دارد.

فصل هشتم ــ دیه گردن

ماده ۴۱۲ ـ شکستن گردن به طوری که گردن کج شود دیه کامل دارد. ماده ۴۱۳ ـ جنایتی که موجب کج‌شدن گردن شود و همچنین جنایتی که مانع فروبردن غذا گردد جریمه آن با نظر حاکم تعیین می‌شود. ماده ۴۱۴ ـ هرگاه جنایتی که موجب کج شدن گردن و همچنین مانع فرو بردن غذا شده اثر آن زایل گردد دیه ندارد فقط باید ارش پرداخت شود گرچه بعد از برطرف شدن اثر آن با دشواری بتواند گردن را مستقیم نگه بدارد یا غذا را فرو ببرد.

فصل نهم ــ دیه فک

ماده ۴۱۵ ـ از بین بردن مجموع دو فک دیه کامل دارد و دیه هر کدام آنها پانصد دینار می‌باشد و از بین بردن مقداری از هر یک موجب دیه مساحت همان مقدار است و دیه از بین بردن یک فک با مقداری از فک دیگر نصف دیه با احتساب دیه مساحت فک دیگر خواهدبود. ماده ۴۱۶ ـ دیه فک مستقل از دیه دندان می‌باشد و اگر فک با دندان از بین برود دیه هر یک جداگانه محسوب می‌گردد. ماده ۴۱۷ ـ جنایتی که موجب نقص فک شود یا باعث دشواری و نقص جویدن گردد تعیین جریمه مالی آن با نظر حاکم

است

فصل دهم ـ دیه دست و پا

ماده ۴۱۸ ـ از بین بردن مجموع دو دست تا مفصل مچ دیه کامل دارد و دیه هر کدام از دست‌ها نصف دیه کامل است خواه مجنی علیه دارای دو دست باشد یا یک دست و دست دیگر را خلقتا یا در اثر سانحه‌ای از دست داده باشد. ماده ۴۱۹ ـ دیه قطع انگشتان هر دست تنها یا تا مچ پانصد دینار است ماده ۴۲۰ ـ جریمه مالی بریدن کف دست که خلقتا بدون انگشت بوده و یا در اثر سانحه‌ای بدون انگشت شده است با نظر حاکم تعیین می‌شود. ماده ۴۲۱ ـ دیه قطع دست تا آرنج پانصد دینار است خواه دارای کف باشد و خواه نباشد و همچنین دیه قطع دست تا شانه پانصد دیناراست خواه آرنج داشته باشد خواه نداشته باشد. ماده ۴۲۲ ـ دیه دستی که دارای انگشت است اگر بیش از مفصل مچ قطع شود و یا بالاتر از آرنج قطع گردد پانصد دینار است به اضافه‌ارش که با در نظر گرفتن مساحت تعیین می‌شود. ماده ۴۲۳ ـ کسی که از مچ یا آرنج یا شانه‌اش دو دست داشته باشد دیه دست اصلی پانصد دینار است و نسبت به دست زاید قاضی به هرنحو که مصلحت بداند نزاع را خاتمه می‌دهد. تشخیص دست اصلی و زاید به نظر خبره خواهد بود. ماده ۴۲۴ ـ دیه ده انگشت دو دست و همچنین دیه ده انگشت دو پا دیه کامل خواهد بود، دیه هر انگشت عشر دیه کامل است ماده ۴۲۵ ـ دیه هر انگشت به عدد بندهای آن انگشت تقسیم می‌شود و بریدن هر بندی از انگشت‌های غیر شست ثلث دیه انگشت سالم و در شست نصف دیه شست سالم است ماده ۴۲۶ ـ دیه انگشت زاید ثلث دیه انگشت اصلی است و دیه بندهای زاید ثلث دیه بند اصلی است ماده ۴۲۷ ـ دیه فلج کردن هر انگشت دو ثلث دیه انگشت سالم است و دیه قطع انگشت فلج ثلث دیه انگشت سالم است ماده ۴۲۸ ـ احکام مذکور در مواد این فصل در پا نیز جاری است

فصل یازدهم ـ دیه ناخن

ماده ۴۲۹ ـ کندن ناخن به طوری که دیگر نروید یا فاسد و سیاه بروید ده دینار و اگر سالم و سفید بروید پنج دینار است

فصل دوازدهم ـ دیه ستون فقرات

ماده ۴۳۰ ـ شکستن ستون فقرات دیه کامل دارد خواه اصلا درمان نشود یا بعد از علاج به صورت کمان و خمیدگی درآید یا آنکه بدون عصا نتواند راه برود یا توانایی جنسی او از بین برود یا مبتلا به سلس و ریزش ادرار گردد و نیز دیه جنایتی که باعث خمیدگی پشت شود یا آنکه قدرت نشستن یا راه رفتن را سلب نماید دیه کامل خواهد بود. ماده ۴۳۱ ـ هرگاه بعد از شکستن یا جنایت وارد نمودن بر ستون فقرات معالجه موثر شود و اثری از جنایت نماند جانی باید یکصد دینار بپردازد. ماده ۴۳۲ ـ هرگاه شکستن ستون فقرات باعث فلج شدن هر دو پا شود برای شکستن دیه کامل و برای فلج دو پا دو ثلث دیه کامل منظور می‌گردد.

فصل سیزدهم ـ دیه نخاع

ماده ۴۳۳ ـ قطع تمام نخاع دیه کامل دارد و قطع بعضی از آن به نسبت مساحت خواهد بود. ماده ۴۳۴ ـ هرگاه قطع نخاع موجب عیب عضو دیگر شود اگر آن عضو دارای دیه معین باشد بر دیه کامل قطع نخاع افزوده می‌گردد و اگر آن عضو دارای دیه معین نباشد ارش آن بر دیه کامل قطع نخاع افزوده خواهد شد.

فصل چهاردهم ـ دیه بیضه

ماده ۴۳۵ ـ قطع دو بیضه دفعتا دیه کامل و قطع بیضه چپ دو ثلث دیه و قطع بیضه راست ثلث دیه دارد. تبصره ـ فرقی در حکم مذکور بین جوان و پیر و کودک و بزرگ و عنین و سالم و مانند آن نیست ماده ۴۳۶ ـ دیه ورم کردن دو بیضه چهارصد دینار است و اگر تورم مانع راه رفتن مفید شود دیه آن هشتصد دینار خواهد بود.

فصل پانزدهم ـ دیه دنده

ماده ۴۳۷ ـ دیه هر یک از دنده‌هایی که در پهلوی چپ واقع شده و محیط به قلب می‌باشد بیست و پنج دینار و دیه هر یک از سایر دنده‌ها ده دینار است

فصل شانزدهم ـ دیه استخوان زیر گردن

ماده ۴۳۸ ـ شکستن مجموع دو استخوان ترقوه دیه کامل دارد و شکستن هر کدام از آنها که درمان نشود یا با عیب درمان شود نصف دیه کامل است و اگر به خوبی درمان شود چهل دینار می‌باشد.

فصل هفدهم ـ دیه نشیمن‌گاه

ماده ۴۳۹ ـ شکستن استخوان نشیمن گاه (دنبالچه که موجب شود مجنی علیه قادر به ضبط مدفوع نباشد دیه کامل دارد و اگر قادر به ضبط مدفوع باشد و قادر به ضبط باد نباشد ارش پرداخت خواهد شد. ماده ۴۴۰ ـ ضربه‌ای که به حد فاصل بیضه‌ها و دبر واقع شود و موجب عدم ضبط ادرار یا مدفوع گردد دیه کامل دارد و همچنین اگرضربه‌ای به محل دیگری وارد آید که در اثر آن ضبط ادرار و مدفوع در اختیار مجنی علیه نباشد. ماده ۴۴۱ ـ از بین بردن بکارت دختر با انگشت که باعث شود او نتواند ادرار را ضبط کند علاوه بر دیه کامل زن مهرالمثل نیز دارد.

فصل هجدهم ـ دیه استخوانها

ماده ۴۴۲ ـ دیه شکستن استخوان هر عضوی که برای آن عضو دیه معینی است خمس آن می‌باشد و اگر معالجه شود و بدون عیب گردد دیه آن چهار پنجم دیه شکستن آن است و دیه کوبیدن آن ثلث دیه آن عضو و در صورت درمان بدون عیب چهار پنجم دیه خرد شدن استخوان می‌باشد. ماده ۴۴۳ ـ در جدا کردن استخوان از عضو به طوری که آن عضو بی‌فایده گردد دو ثلث دیه همان عضو است و اگر بدون عیب درمان شود، دیه آن چهار پنجم دیه اصل جدا کردن می‌باشد.

فصل نوزدهم ـ دیه عقل

ماده ۴۴۴ ـ هر جنایتی که موجب زوال عقل گردد دیه کامل دارد و اگر موجب نقصان آن شود ارش دارد. ماده ۴۴۵ ـ از بین بردن عقل یا کم کردن آن موجب قصاص نخواهد شد. ماده ۴۴۶ ـ هرگاه در اثر جنایتی مانند ضربه مغزی و شکستن سر یا بریدن دست عقل زایل شود برای هر کدام دیه جداگانه خواهد بود و تداخل نمی‌شود. ماده ۴۴۷ ـ هرگاه در اثر جنایتی عقل زایل شود و دیه کامل از جانی دریافت شود و دوباره عقل برگردد دیه مسترد می‌شود و ارش پرداخت خواهد شد. ماده ۴۴۸ ـ مرجع تشخیص زوال عقل یا نقصان آن دو نفر خبره عادل می‌باشد و اگر در اثر اختلاف رای خبرگان زوال یا نقصان عقل ثابت نشود قول جانی با سوگند مقدم است

فصل بیستم ــ دیه حس شنوایی

ماده ۴۴۹ ـ از بین بردن حس شنوایی مجموع دو گوش دیه کامل و از بین بردن حس شنوایی یک گوش نصف دیه کامل دارد گرچه شنوایی یکی از آن دو قوی‌تر از دیگری باشد. ماده ۴۵۰ ـ هرگاه کسی فاقد حس شنوایی یکی از گوش‌ها باشد کر کردن گوش سالم او نصف دیه دارد. ماده ۴۵۱ ـ هرگاه معلوم باشد که حس شنوایی بر نمی‌گردد یا دو نفر عادل اهل خبره گواهی دهند که برنمی‌گردد دیه مستقر می‌شود و اگر اهل خبره امید به برگشت آن را پس از گذشت مدت معینی داشته باشد و با گذشتن آن مدت شنوایی برنگردد دیه استقرار پیدا می‌کند و اگر شنوایی قبل از دریافت دیه برگردد ارش ثابت می‌شود و اگر بعد از دریافت آن برگردد دیه مسترد نمی‌شود و اگر مجنی علیه قبل ازدریافت دیه بمیرد دیه ثابت خواهد بود. ماده ۴۵۲ ـ هرگاه با بریدن هر دو گوش شنوایی از بین برود دو دیه کامل لازم است و هرگاه با بریدن یک گوش حس شنوایی به طور کلی‌از بین برود یک دیه کامل و نصف دیه لازم می‌شود اگر با جنایت دیگری حس شنوایی از بین برود هم دیه جنایت لازم است و هم دیه شنوایی تبصره ـ هرگاه دو نفر عادل اهل خبره گواهی دهند که شنوایی از بین نرفته ولی در مجرای آن نقصی رخ داده که مانع شنوایی است همان‌دیه شنوایی ثابت است ماده ۴۵۳ ـ هرگاه کودکی که زبان باز نکرده در اثر کر شدن نتواند سخن بگوید جانی علاوه بر دیه شنوایی به پرداخت ارش محکوم می‌شود. ماده ۴۵۴ ـ هرگاه در اثر جنایتی حس شنوایی و گویایی از بین برود دو دیه کامل دارد. ماده ۴۵۵ ـ اگر کسی سبب پاره شدن پرده گوش دیگری شود محکوم به پرداخت ارش است ماده ۴۵۶ ـ در صورت اختلاف جانی و مجنی‌علیه هرگاه با نظر خبره معتمد موضوع روشن نشود مورد از باب لوث است و مجنی‌علیه با قسامه دیه را دریافت خواهد کرد.

فصل بیست و یکم ــ دیه بینایی

ماده ۴۵۷ ـ از بین بردن بینایی هر دو چشم دیه کامل دارد و از بین بردن بینایی یک چشم نصف دیه کامل دارد. تبصره ـ فرقی در حکم مذکور بین چشم تیزبین یا لوچ یا شب‌کور و مانند آن نمی‌باشد. ماده ۴۵۸ ـ هرگاه با کندن حدقه چشم بینایی از بین برود دیه آن بیش از دیه کندن حدقه نخواهد بود و اگر در اثر جنایت دیگر مانند شکستن سر، بینایی از بین برود هم دیه جنایت یا ارش آن لازم است و هم دیه بینایی ماده ۴۵۹ ـ در صورت اختلاف بین جانی و مجنی‌علیه با گواهی دو مرد خبره عادل یا یک خبره مرد و دو زن خبره عادل به اینکه بینایی از بین رفته و دیگر بر نمی‌گردد یا اینکه بگویند امید به برگشت آن هست ولی مدت آن را تعیین نکنند دیه ثابت می‌شود و همچنین اگر برای برگشت آن مدت متعارفی تعیین نمایند و آن مدت سپری شود و بینایی برنگردد دیه ثابت خواهد بود. و هرگاه مجنی علیه قبل از سپری شدن مدت تعیین شده بمیرد دیه استقرار می‌یابد و همچنین اگر دیگری حدقه او را بکند دیه بینایی برجانی اول ثابت خواهد بود. و هرگاه بینایی برگردد و شخص دیگری آن چشم را بکند، بر جانی اول فقط ارش لازم می‌باشد. ماده ۴۶۰ ـ هرگاه مجنی‌علیه مدعی شود که بینایی هر دو چشم یا یک چشم او کم شده به ترتیب با آزمایش و سنجش با همسالان یا با مقایسه با چشم دیگرش به نسبت تفاوت دیه پرداخت می‌شود و در صورتی که از طریق آزمایش علم حاصل نشود از طریق قسامه اقدام‌می‌شود. ماده ۴۶۱ ـ هرگاه مجنی علیه ادعا کند که بینایی او زایل شده و شهادتی از متخصصان در بین نباشد حاکم او را با قسامه سوگند می‌دهد وبه نفع او حکم صادر می‌کند. تبصره ـ قسامه برای کوری دو چشم شش قسم و برای کوری یک چشم سه قسم و برای کم شدن بینایی به نسبت کم شدن آن می‌باشد اعم از اینکه مدعی به تنهایی قسم یاد کند یا با افراد دیگر.

فصل بیست و دوم ــ دیه حس بویایی

ماده ۴۶۲ ـ از بین بردن حس بویایی هر دو مجرای بینی دیه کامل دارد و در صورت از بین بردن بویایی یک مجری نصف دیه است

و قاضی در مورد اخیر قبل از صدور حکم باید به طرفین تکلیف صلح بنماید. ماده ۴۶۳ ـ در صورت اختلاف بین جانی و مجنی‌علیه هرگاه با آزمایش یا با مراجعه به دو متخصص عادل از بین رفتن حس بویایی یا کم شدن آن ثابت نشود با قسامه (طبق تبصره ماده ۴۶۱) به نفع مدعی حکم می‌شود. ماده ۴۶۴ ـ هرگاه حس بویایی قبل از پرداخت دیه برگردد ارش آن پرداخت خواهد شد و اگر بعد از آن برگردد باید مصالحه نمایند و اگر مجنی علیه قبل از سپری شدن مدت انتظار برگشت بویایی بمیرد دیه ثابت می‌شود. ماده ۴۶۵ ـ هرگاه در اثر بریدن بینی حس بویایی از بین برود دو دیه لازم می‌شود و اگر در اثر جنایت دیگر بویایی از بین رفت دیه‌جنایت بر دیه بویایی افزوده می‌شود و اگر آن جنایت دیه معین نداشته باشد ارش آن بر دیه بویایی اضافه خواهد شد.

فصل بیست و سوم ـ دیه چشایی

ماده ۴۶۶ ـ از بین بردن حس چشایی موجب ارش است ماده ۴۶۷ ـ هرگاه با بریدن زبان حس چشایی از بین برود بیش از دیه زبان نخواهد بود و اگر با جنایت دیگری حس چشایی از بین برود دیه یا ارش آن جنایت بر ارش حس چشایی افزوده می گردد. ماده ۴۶۸ ـ در صورتی که حس چشایی برگردد ارش مسترد می‌شود. ماده ۴۶۹ ـ اگر با مراجعه به دو نفر کارشناس عادل مقدار جنایت روشن شود طبق آن عمل می‌شود وگرنه در صورت لوث با قسامه مدعی حسب مورد حکم به نفع او صادر خواهد شد.

فصل بیست و چهارم ـ دیه صوت و گویایی

ماده ۴۷۰ ـ از بین بردن صوت شخص به طور کامل که نتواند صدایش را آشکار کند دیه کامل دارد گرچه بتواند با اخفات و آهسته صدایش را برساند. ماده ۴۷۱ ـ از بین بردن گویایی به طور کامل که نتواند اصلا سخن بگوید نیز دیه کامل دارد. ماده ۴۷۲ ـ در جنایتی که موجب نقصان صوت شود ارش است ماده ۴۷۳ ـ ارش جنایتی که باعث از بین رفتن صوت نسبت به بعضی از حروف شود باید با مصالحه معلوم گردد.

فصل بیست و پنجم ـ دیه زوال منافع

ماده ۴۷۴ ـ جنایتی که موجب سلس و ریزش ادرار شود به ترتیب زیر ارش دارد: الف ـ در صورت دوام آن در کلیه ایام تا پایان هر روز دیه کامل دارد. ب ـ در صورت دوام آن در کلیه روزها تا نیمی از هر روز دو ثلث دیه دارد. ج ـ در صورت دوام آن در کلیه روزها تا هنگام برآمدن روز ثلث دیه دارد. تبصره ـ هرگاه سلس و ریزش ادرار در بعضی از روزها بود و بعدا خوب شود جریمه آن با نظر حاکم تعیین می‌شود. ماده ۴۷۵ ـ اعمال ارتکابی زیر باعث ارش است الف ـ باعث از بین رفتن انزال شود. ب ـ قدرت تولید مثل و بارداری را از بین ببرد. ج ـ لذت مقاربت را از بین ببرد. ماده ۴۷۶ ـ جنایتی که باعث از بین رفتن توان مقاربت به طور کامل شود دیه کامل دارد. ماده ۴۷۷ ـ در هر جنایتی که موجب زوال یا نقص بعضی از منافع گردد مانند خواب لمس یا موجب پدید آمدن بعضی از بیماریها شود و دیه آن معین نشده باشد ارش تعیین می‌شود. ماده ۴۷۸ ـ هرگاه آلت رجولیت مرد از محل ختنه‌گاه و یا بیشتر قطع شود دیه کامل دارد و کمتر از ختنه‌گاه به نسبت مساحت‌ختنه‌گاه‌احتساب می گردد و به همان نسبت از دیه پرداخت خواهد شد. ماده ۴۷۹ ـ هرگاه آلت زنانه کلا قطع شود دیه کامل دارد و هرگاه یک طرف آن قطع شود نصف دیه دارد.

باب دهم ـ دیه جراحات

فصل اول ـ دیه جراحت سر و صورت

ماده ۴۸۰ ـ دیه جراحت سر و صورت به ترتیب زیر است ۱ ـ حارصه خراش پوست بدون آنکه خون جاری شود ـ یک شتر. ۲ ـ دامیه خراشی که از پوست بگذرد و مقدار اندکی وارد گوشت شود و همراه با جریان خون باشد کم یا زیاد ـ دو شتر. ۳ ـ متلاحمه جراحتی که موجب بریدگی عمیق گوشت شود لکن به پوست نازک روی استخوان نرسد ـ سه شتر. ۴ ـ سمحاق : جراحتی که از گوشت بگذرد و به پوست نازک روی استخوان برسد ـ چهار شتر. ۵ ـ موضحه جراحتی که از گوشت بگذرد و پوست نازک روی استخوان را کنار زده و استخوان را آشکار کرده ـ پنج شتر. ۶ ـ هاشمه عملی که استخوان را بشکند گرچه جراحتی را تولید نکرده باشد ـ ده شتر. ۷ ـ منقله جراحتی که درمان آن جز با جابجا کردن استخوان میسر نباشد ـ پانزده شتر. ۸ ـ مأمومه جراحتی که به کیسه مغز برسد ثلث دیه کامل و یا ۳۳ شتر دیه دارد. ۹ ـ دامغه جراحتی که کیسه مغز را پاره کند غیر از ثلث دیه کامل ارش بر او افزوده می‌گردد. تبصره ـ دیه جراحات گوش و بینی و لب در حکم جراحات سر و صورت می‌باشد. ماده ۴۸۱ ـ هرگاه یکی از جراحتهای مذکور در بندهای ۱ تا ۵ در غیر سر و صورت واقع شود در صورتی که آن عضو دارای دیه معین‌باشد باید نسبت دیه آن را با دیه کامل سنجید آنگاه به مقدار همان نسبت دیه جراحتهای فوق را که در غیر سر و صورت واقع می‌شود تعیین کرد و در صورتی که آن عضو دارای دیه معین نباشد دادن ارش لازم است تبصره ـ جراحات وارده به گردن در حکم جراحات بدن می‌باشد.

فصل دوم ــ دیه جراحتی که به درون بدن انسان وارد می‌شود

ماده ۴۸۲ ـ دیه جراحتی که به درون بدن انسان وارد می‌شود به ترتیب زیر است الف ـ جائفه جراحتی که با هر وسیله و از هر جهت به شکم یا سینه یا پشت و یا پهلوی انسان وارد شود ثلث دیه کامل است ب ـ هرگاه وسیله‌ای از یک طرف بدن فرورفته و از طرف دیگر بیرون آمده باشد دو ثلث دیه کامل دارد. تبصره ـ وسیله واردکننده جراحت اعم از سلاح سرد و گرم است

فصل سوم ــ دیه جراحتی که در اعضای انسان فرومی‌رود

ماده ۴۸۳ ـ هرگاه نیزه یا گلوله یا مانند آن در دست یا پا فرو رود در صورتی که مجنی‌علیه مرد باشد دیه آن یکصد دینار و در صورتی که زن باشد دادن ارش لازم است

باب یازدهم ــ دیه جنایتی که باعث تغییر رنگ پوست یا تورم می‌شود

ماده ۴۸۴ ـ دیه ضربتی که در اثر آن رنگ پوست متغیر گردد به قرار زیر است الف ـ سیاه شدن صورت بدون جراحت و شکستگی شش دینار. ب ـ کبود شدن صورت سه دینار. ج ـ سرخ شدن صورت یک دینار و نیم د ـ در سایر اعضای بدن در صورت سیاه شدن سه دینار و در صورت کبود شدن یک دینار و نیم و در صورت سرخ شدن سه ربع دیناراست تبصره ۱ ـ فرقی در حکم مذکور بین زن و مرد و کوچک و بزرگ نیست و همچنین فرقی میان تغییر رنگ تمام صورت یا قسمتی از آن و نیز فرقی بین آنکه اثر جنایت مدتی بماند یا زایل گردد نمی‌باشد. تبصره ۲ ـ جنایتی که باعث تغییر رنگ پوست سر شود دادن ارش لازم است ماده ۴۸۵ ـ جنایتی که موجب تورم شود دادن ارش لازم است و اگر موجب تورم و تغییر رنگ شود ارش آن بر دیه که قبلاً ـ بیان شد افزوده می‌شود. ماده ۴۸۶ ـ دیه فلج کردن هر عضوی که دیه معین دارد دو ثلث دیه همان عضو است و دیه قطع کردن عضو فلج ثلث دیه همان عضو است

باب دوازدهم ــ دیه سقط جنین

ماده ۴۸۷ ـ دیه سقط جنین به ترتیب زیر است ۱ ـ دیه نطفه که در رحم مستقر شده بیست دینار. ۲ ـ دیه علقه که خون بسته است چهل دینار. ۳ ـ دیه مضغه که به صورت گوشت درآمده است شصت دینار. ۴ ـ دیه جنین در مرحله‌ای که به صورت استخوان درآمده و هنوز گوشت نروییده است هشتاد دینار. ۵ ـ دیه جنین که گوشت و استخوان‌بندی آن تمام شده و هنوز روح در آن پیدا نشده یکصد دینار. تبصره ـ در مراحل فوق هیچ فرقی بین دختر و پسر نمی‌باشد. ۶ ـ دیه جنین که روح در آن پیدا شده است اگر پسر باشد دیه کامل و اگر دختر باشد نصف دیه کامل و اگر مشتبه باشد سه ربع دیه کامل‌خواهد بود. ماده ۴۸۸ ـ هرگاه در اثر کشتن مادر، جنین بمیرد و یا سقط شود دیه جنین در هر مرحله‌ای که باشد باید بر دیه مادر افزوده شود. ماده ۴۸۹ ـ هرگاه زنی جنین خود را سقط کند دیه آن را در هر مرحله‌ای که باشد باید بپردازد و خود از آن دیه سهمی نمی‌برد. ماده ۴۹۰ ـ هرگاه چند جنین در یک رحم باشند به عدد هر یک از آنها دیه جداگانه خواهد بود. ماده ۴۹۱ ـ دیه اعضای جنین و جراحات آن به نسبت دیه همان جنین است ماده ۴۹۲ ـ دیه سقط جنین در موارد عمد و شبه عمد بر عهده جانی است و در موارد خطای محض بر عاقله اوست خواه روح پیدا کرده‌باشد و خواه نکرده باشد. ماده ۴۹۳ ـ اگر در اثر جنایت چیزی از زن ساقط شود که منشا انسان بودن آن طبق نظر پزشک متخصص ثابت نباشد دیه و ارش ندارد لکن اگر در اثر آن صدمه‌ای بر مادر وارد شده باشد برحسب مورد جانی محکوم به پرداخت دیه یا ارش خواهد بود.

باب سیزدهم ــ دیه جنایتی که بر مرده واقع می‌شود

ماده ۴۹۴ ـ دیه جنایتی که بر مرده مسلمان واقع می‌شود به ترتیب زیر است الف ـ بریدن سر یکصد دینار. ب ـ بریدن هر دو دست یا هر دو پا یکصد دینار و بریدن یک دست یا یک پا پنجاه دینار و بریدن یک انگشت از دست یا یک انگشت از پا ده دینار و قطع یا نقص سایر اعضا و جوارح به همین نسبت ملحوظ می گردد. تبصره ـ دیه مذکور در این ماده به عنوان میراث به ورثه نمی‌رسد بلکه مال خود میت محسوب شده و بدهی او از آن پرداخت می گردد و در راههای خیر صرف میشود. ماده ۴۹۵ ـ در کلیه مواردی که به موجب مقررات این قانون ارش منظور گردیده با در نظر گرفتن دیه کامله انسان و نوع و کیفیت جنایت میزان خسارت وارده طبق نظر کارشناس تعیین می‌شود. ماده ۴۹۶ ـ در این قانون مواردی از دیات که دیه برحسب دینار یا شتر تعیین شده است شتر و دینار موضوعیت ندارد و منظور نسبت مشخص از دیه کامله است و جانی در انتخاب نوع آن مخیر می‌باشد. ماده ۴۹۷ ـ کلیه قوانینی که با این قانون مغایر باشند ملغی است قانون فوق مشتمل بر چهارصد و نود و هفت ماده و یکصد و سه تبصره که طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی درجلسه روز سه‌شنبه هشتم مرداد ماه یکهزار و سیصد و هفتاد کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده و در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ هجدهم دیماه یکهزار و سیصد و شصت و نه با پنج سال مدت اجرای آزمایشی آن موافقت گردیده‌و ماده ۵ آن مورد اختلاف مجلس و شورای نگهبان قرار گرفته در اجرای اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی در جلسه روز پنج‌شنبه مورخ هفتم آذرماه یکهزار و سیصد و هفتاد مجمع تشخیص مصلحت نظام بررسی و ماده پنج لایحه فوق الذکر عینا به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است

۵- کتاب پنجم تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده

فصل اول جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور

ماده ۴۹۸ ـ هرکس بـا هر مرامی دسـته جمعیت یـا شـعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخـل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشـکیل دهـد یـا اداره نمایـد که هـدف آن برهم زدن امنیت کشور باشـد و محـارب شـناخته نشود به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌شود. ماده ۴۹۹ ـ هرکس در یکی از دسته‌ها یا جمعیت‌ها یا شعب‌جمعیت‌های مذکور در ماده (۴۹۸) عضویت یابد، به سه ماه تا پنـج‌سال حبس محکوم می‌گردد مگر اینکه ثـابت شود از اهـداف آن بی‌اطلاـع بوده است مـاده ۵۰۰ ـ هرکس علیه نظام جمهوری اسـلامی ایران یـا به نفع گروههـا و سازمان‌هـای مخـالف نظـام به هر نحو فعـالیت تبلیغی نمایـد به حبس از سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد. ماده ۵۰۱ ـ هرکس نقشه‌ها یا اسـرار یا اسـناد و تصـمیمات راجع به سیاست داخلی یا خارجی کشور را عالما و عامدا در اختیار افرادی‌که صـلاحیت دسترسـی به آنها را ندارند قرار دهد یا از مفاد آن مطلع‌کند به نحوی که متضـمن نوعی جاسوسی باشد، نظر به کیفیات ومراتب جرم به یک تا ده سال حبس محکوم می‌شود. ماده ۵۰۲ ـ هرکس به نفع یک دولت بیگانه و به ضـرر دولت بیگـانه‌دیگر در قلمرو ایران مرتکب یکی از جرایم جاسوسـی شود به نحوی‌که به امنیت ملی صـدمه وارد نمایـد به یـک تا پنـج سال حبس محکوم‌خواهـد شد. ماده ۵۰۳ ـ هرکس به قصـد سـرقت یـا نقشه‌برداری یا کسب اطلاع ازاسـرار سیاسـی یا نظامی یا امنیتی به مواضع مربوطه داخـل شود و همچنین اشخاصـی که بـدون اجازه مامورین یا مقامات ذیصـلاح درحال نقشه برداری یا گرفتن فیلم یا عکسبرداری از استحکامات نظامی یا اماکن ممنوعه دستگیر شوند به شش ماه تا سه سال حبس‌محکوم می‌شوند. ماده ۵۰۴ ـ هرکس نیروهای رزمنـده یا اشخاصـی را که به نحوی درخـدمت نیروهای مسلـح هسـتند تحریک موثر به عصـیان فرار، تسـلیم یا عدم اجرای وظـایف نظـامی کنـد درصورتی که قصـد برانـدازی‌حکومت یـا شـکست نیروهـای خودی در مقابل دشـمن را داشته باشـد محارب محسوب می‌شود والا چنانچه اقدامات وی موثر واقع شود به حبس از دو تا ده سال و در غیر این صورت به شش ماه تا سه سال‌حبس محکوم می‌شود. مـاده ۵۰۵ ـ هرکس با هـدف برهم زدن امنیت کشور به هر وسـیله‌اطلاعات طبقه‌بنـدی شـده را با پوشـش مسوولین نظام یا مامورین دولت یا به نحو دیگر جمع آوری کنـد چنانچه بخواهـد آن را در اختیار دیگران قرار دهـد و موفق به انجام آن شود به حبس از دو تـا ده سال و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنـج سال محکوم می‌شود. ماده ۵۰۶ ـ چنانچه مامورین دولتی که مسوول امور حفـاظتی و اطلاعاتی طبقه‌بنـدی شـده می‌باشـند و به آنها آموزش لازم داده شـده‌است در اثر بی‌مبالاتی و عـدم رعایت اصول حفاظتی توسط دشـمنان تخلیه اطلاعاتی شوند به یک تا شش ماه حبس محکوم می‌شوند. ماده ۵۰۷ ـ هرکس داخل دستجات مفسـدین یا اشخاصـی که علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور اقدام می‌کنند بوده و ریاست یا مرکزیتی نداشـته باشد و قبل از تعقیب قصـد جنـایت و اسـامی اشخاصـی را که در فتنه و فسـاد دخیـل هسـتند، به مامورین دولتی‌اطلاع دهـد و یا پس از شـروع به تعقیب با مـامورین دولتی همکـاری موثری به عمل آورد از مجازات معاف و در صورتی که شـخصا مرتکب جرم دیگری شـده باشـد فقط به مجازات آن جرم محکوم‌خواهد شد. ماده ۵۰۸ ـ هرکس یا گروهی با دول خارجی متخاصم به هرنحو علیه جمهوری اسـلامی ایران همکاری نماید، در صورتی که محارب شـناخته نشود به یک تا ده سال حبس محکوم می‌گردد. ماده ۵۰۹ ـ هرکس در زمان جنگ مرتکب یکی از جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی موضوع این فصل شود به مجازات اشـدهمان جرم محکوم می‌گردد. ماده ۵۱۰ ـ هرکس به قصـد برهم زدن امنیت ملی یـا کمـک به دشـمن ،جاسوسـانی را که مـامور تفـتیش یـا وارد کردن هرگونه لطمه به کشور بوده‌اند شناخته و مخفی نماید یا سبب اخفای آنها بشود به حبس ازشش ماه تا سه سال محکوم می‌شود. تبصره ـ هرکس بدون آنکه جاسوسـی کنـد و یا جاسوسان را مخفی نمایـد، افرادی را به هرنحو شـناسایی و جذب نموده و جهت‌جاسوسـی علیه امنیت کشور به دولت خصم یـا کشورهای بیگانه‌معرفی نمایـد به شـش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌شود. ماده ۵۱۱ ـ هرکس به قصـد برهم زدن امنیت کشور و تشویش اذهـان عمومی تهدیـد به بمب‌گـذاری هواپیما، کشتی و وسایل نقلیه عمومی نمایـد یا ادعا نمایـد که وسایل مزبور بمب‌گـذاری شـده استعلاـوه بر جبران خسـارات وارده به دولت و اشـخاص به شـش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌گردد. ماده ۵۱۲ ـ هرکس مردم را به قصـد بر هم زدن امنیت کشور به جنـگ‌و کشـتار بـا یکـدیگر اغوا یـا تحریک کنـد صـرفنظر از اینکه

موجب قتل و غارت بشود یا نشود به یک تا پنج سال حبس محکوم می گردد. تبصره ـ در مواردی که احراز شود متهم قبل از دستیابی نظام توبه کرده باشد مشمول مواد (۵۰۸) و (۵۰۹) و (۵۱۲) نمی‌شود.

فصل دوم ــ اهانت به مقدسات مذهبی و سوء قصد به مقامات داخلی

ماده ۵۱۳ ـ هرکس به مقدسات اسلام و یا هریک از انبیای عظام یا ائمه طاهرین (ع یا حضرت صدیقه طاهره (س اهانت نماید اگر مشمول حکم ساب النبی باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد. ماده ۵۱۴ ـ هرکس به حضرت امام خمینی بنیانگذار جمهوری‌اسلامی رضوان ا... علیه و مقام معظم رهبری به نحوی از انحا اهانت نماید به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. ماده ۵۱۵ ـ هرکس به جان رهبر و هریک از روسای قوای سه گانه و مراجع بزرگ تقلید، سوء قصد نماید چنانچه محارب شناخته نشود به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد.

فصل سوم ــ سوء قصد به مقامات سیاسی خارجی

ماده ۵۱۶ ـ هرکس به جان رییس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن در قلمرو ایران سو قصد نماید به مجازات مذکور در ماده (۵۱۵) محکوم می‌شود مشروط به اینکه در آن کشور نیز نسبت به ایران معامله متقابل بشود والا اگر مجازات خفیف‌تر اعمال گردد به همان مجازات محکوم می‌شود. تبصره ـ چنانچه سو قصد منتهی به قتل یا جرح یا ضرب شود علاوه بر مجازات مزبور به قصاص یا دیه مطابق ضوابط و مقررات مربوط محکوم خواهد شد. ماده ۵۱۷ ـ هرکس علنا نسبت به رییس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن که در قلمرو خاک ایران وارد شده است توهین نماید به یک تا سه ماه حبس محکوم می‌شود مشروط به اینکه در آن کشور نیز در مورد مذکور نسبت به ایران معامله متقابل بشود. تبصره ـ اعمال مواد این فصل منوط به تقاضای دولت مربوطه یا نماینده سیاسی آن دولت یا مطالبه مجنی علیه یا ولی او است و درصورت استرداد تقاضا تعقیب جزایی نیز موقوف خواهد شد.

فصل چهارم ــ تهیه و ترویج سکه قلب

ماده ۵۱۸ ـ هرکس شبیه هرنوع مسکوک طلا یا نقره داخلی یا خارجی از قبیل سکه بهار آزادی سکه‌های حکومت‌های قبلی ایران لیره و نظایر آن را از پولها و ارزهای دیگر که مورد معامله واقع می‌شود، بسازد یا عالما داخل کشور نماید یا مورد خرید و فروش قرار دهد یا ترویج سکه قلب نماید به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شود. ماده ۵۱۹ ـ هرکس به قصد تقلب به هرنحو از قبیل تراشیدن بریدن و نظایر آن از مقدار مسکوکات طلا یا نقره ایرانی یا خارجی بکاهد یا عالما عامدا در ترویج این قبیل مسکوکات شرکت یا آن را داخل کشور نماید به حبس از یک تا سه سال محکوم می‌شود. ماده ۵۲۰ ـ هرکس شبیه مسکوکات رایج داخلی یا خارجی غیر از طلا و نقره را بسازد یا عالما عامدا آنها را داخل کشور نماید یا در ترویج آنها شرکت کند یا مورد خرید و فروش قرار دهد به حبس از یک تا سه سال محکوم می‌شود. ماده ۵۲۱ ـ هرگاه اشخاصی که مرتکب جرایم مذکور در مواد(۵۱۸) و (۵۱۹) و (۵۲۰) می‌شوند قبل از کشف قضیه مامورین‌تعقیب را از ارتکاب جرم مطلع نمایند یا در ضمن تعقیب به واسطه اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب سایرین را فراهم آورند یا مامورین دولت را به نحو موثری در کشف جرم کمک و راهنمایی کنند بنا به پیشنهاد رییس حوزه قضایی مربوط و موافقت دادگاه و یا با تشخیص دادگاه در مجازات آنان تخفیف متناسب داده می‌شود و

حسب مورد از مجازات حبس معاف می‌شوند مگر آن که احراز شود قبل از دستگیری توبه کرده‌اند که در این صورت از کلیه مجازاتهای مذکور معاف خواهند شد. ماده ۵۲۲ ـ علاوه بر مجازاتهای مقرر در مواد (۵۱۸) و (۵۱۹) و(۵۲۰) کلیه اموال تحصیلی از طریق موارد مذکور نیز به عنوان تعزیر به نفع دولت ضبط می‌شود.

فصل پنجم ــ جعل و تزویر

ماده ۵۲۳ ـ جعل و تزویر عبارتند از: ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیر رسمی خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تاخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر یا بکار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر اینها به قصد تقلب ماده ۵۲۴ ـ هرکس احکام یا امضا یا مهر یا فرمان یا دستخط مقام رهبری و یا روسای سه قوه را به اعتبار مقام آنان جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر استعمال نماید، به حبس از سه تا پانزده سال محکوم خواهد شد. ماده ۵۲۵ ـ هرکس یکی از اشیای ذیل را جعل کند یا با علم به جعل‌یا تزویر استعمال کند یا داخل کشور نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از یک تا ده سال محکوم خواهد شد: ۱. احکام یا امضا یا مهر یا دستخط معاون اول رییس جمهور یا وزرا یا مهر یا امضای اعضای شورای نگهبان یا نمایندگان مجلس‌شورای اسلامی یا مجلس خبرگان یا قضات یا یکی از روسا یا کارمندان و مسوولین دولتی از حیث مقام رسمی آنان ۲. مهر یا تمبر یا علامت یکی از شرکتها یا موسسات یا ادارات دولتی یا نهادهای انقلاب اسلامی ۳. احکام دادگاهها یا اسناد یا حواله‌های صادره از خزانه دولتی ۴. منگنه یا علامتی که برای تعیین عیار طلا یا نقره بکار می‌رود. ۵. اسکناس رایج داخلی یا خارجی یا اسناد بانکی نظیر برات‌های قبول شده از طرف بانک‌ها یا چک‌های صادره از طرف بانک‌ها و سایر اسناد تعهدآور بانکی تبصره ـ هرکس عمدا و بدون داشتن مستندات و مجوز رسمی داخلی و بین‌المللی و به منظور القای شبهه در کیفیت تولیدات و خدمات از نام و علایم استاندارد ملی یا بین‌المللی استفاده نماید به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد. ماده ۵۲۶ ـ هرکس اسکناس رایج داخلی یا خارجی یا اسناد بانکی نظیر برات‌های قبول شده از طرف بانک‌ها یا چک‌های صادره ازطرف بانک‌ها و سایر اسناد تعهدآور بانکی و نیز اسناد یا اوراق بهادار یا حواله‌های صادره از خزانه را به قصد اخلال در وضع پولی یا بانکی یا اقتصادی یا برهم زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی‌جعل یا وارد کشور نماید یا با علم به مجعول بودن استفاده کند،چنانچه مفسد و محارب شناخته نشود به حبس از پنج تا بیست‌سال محکوم می‌شود. ماده ۵۲۷ ـ هرکس مدارک اشتغال به تحصیل یا فارغ التحصیلی یا تاییدیه یا ریز نمرات تحصیلی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی و تحقیقاتی داخل یا خارج از کشور یا ارزشنامه‌های تحصیلات‌خارجی را جعل کند یا با علم به جعلی بودن آن را مورد استفاده قراردهد علاوه برجبران خسارت به حبس از یک تا سه سال محکوم‌خواهد شد. در صورتی که مرتکب یکی از کارکنان وزارتخانه‌ها یا سازمانها و موسسات وابسته به دولت یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلاب اسلامی باشد یا به نحوی از انحاء در امر جعل یا استفاده از مدارک و اوراق جعلی شرکت داشته باشد به حداکثر مجازات محکوم می‌گردد. ماده ۵۲۸ ـ هرکس مهر یا منگنه یا علامت یکی از ادارات یا موسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی مانند شهرداری‌ها را جعل‌کند یا با علم به جعل استعمال نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. ماده ۵۲۹ ـ هرکس مهر یا منگنه یا علامت یکی از شرکت‌های غیردولتی که مطابق قانون تشکیل شده است یا یکی از تجارتخانه‌ها را جعل کند یا با علم به جعل استعمال نماید علاوه برجبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. ماده ۵۳۰ ـ هرکس مهر یا تمبر یا علامت ادارات یا شرکت‌ها یا تجارتخانه‌های مذکور در مواد قبل را بدون مجوز بدست آورد و به‌طریقی که به حقوق و منافع آنها ضرر وارد آورد استعمال کند یا سبب استعمال آن گردد علاوه برجبران خسارت وارده به دو ماه تا دوسال حبس محکوم

خواهد شد. ماده ۵۳۱ـ اشخاصی که مرتکب جرایم مذکور در مواد قبل شده‌اندهرگاه قبل از تعقیب به دولت اطلاع دهند و سایر مرتکبین را درصورت بودن معرفی کنند یا بعد از تعقیب وسایل دستگیری آنها را فراهم نمایند حسب مورد در مجازات آنان تخفیف داده می‌شود و یا از مجازات معاف خواهند شد. ماده ۵۳۲ـ هریک از کارمندان و مسوولان دولتی که در اجرای‌وظیفه خود در احکام و تقریرات و نوشته ها و اسناد و سجلات ودفاتر و غیر آنها از نوشته‌ها و اوراق رسمی تزویر کند اعم از اینکه امضا یا مهری را ساخته یا امضا یا مهر یا خطوط را تحریف کرده یاکلمه‌ای الحاق کند یا اسامی اشخاص را تغییر دهد علاوه بر مجازاتهای اداری و جبران خسارت وارده به حبس از یک تا پنج سال یا به پرداخت شش تا سی میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهدشد. ماده ۵۳۳ـ اشخاصی که کارمند یا مسوول دولتی نیستند هرگاه مرتکب یکی از جرایم مذکور در ماده قبل شوند علاوه برجبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا سه سال یا سه تا هجده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. ماده ۵۳۴ـ هریک از کارکنان ادارات دولتی و مراجع قضایی و مامورین به خدمات عمومی که در تحریر نوشته‌ها و قراردادهای راجع به وظایفشان مرتکب جعل و تزویر شوند اعم از اینکه موضوع یا مضمون آن را تغییر دهند یا گفته و نوشته یکی از مقامات رسمی مهر یا تقریرات یکی از طرفین را تحریف کنند یا امر باطلی را صحیح یا صحیحی را باطل یا چیزی را که بدان اقرار نشده است اقرار شده جلوه دهند، علاوه بر مجازات‌های اداری و جبران خسارت‌وارده به حبس از یک تا پنج سال یا شش تا سی‌میلیون ریال جزای‌نقدی محکوم خواهند شد. ماده ۵۳۵ـ هرکس اوراق مجعول مذکور در مواد (۵۳۲) و (۵۳۳) و (۵۳۴) را با علم به جعل و تزویر مورد استفاده قرار دهد علاوه‌برجبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا سه سال یا به سه تاهجده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. ماده ۵۳۶ـ هرکس در اسناد یا نوشته‌های غیررسمی جعل یا تزویرکند یا با علم به جعل و تزویر آنها را مورد استفاده قرار دهد علاوه‌برجبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا دوسال یا به سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. ماده ۵۳۷ـ عکسبرداری از کارت شناسایی اوراق هویت شخصی و مدارک دولتی و عمومی و سایر مدارک مشابه در صورتی که موجب‌اشتباه با اصل شود باید ممهور به مهر یا علامتی باشد که نشان دهدآن مدارک رونوشت یا عکس می‌باشد، در غیر این صورت عمل‌فوق جعل محسوب می‌شود و تهیه‌کنندگان این گونه مدارک واستفاده کنندگان از آنها بجای اصلی عالما عامدا، علاوه برجبران‌خسارت به حبس از شش‌ماه تا دوسال و یا به سه تا دوازده میلیون‌ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. ماده ۵۳۸ـ هرکس شخصا یا توسط دیگری برای معافیت خود یاشخص دیگری از خدمت دولت یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به‌دادگاه گواهی پزشکی به اسم طبیب جعل کند به حبس از شش ماه تایکسال یا به سه تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهدشد. ماده ۵۳۹ـ هرگاه طبیب تصدیق نامه برخلاف واقع درباره شخصی برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی یا نظام وظیفه یا برای‌تقدیم به مراجع قضایی بدهد به حبس از شش ماه تا دوسال یا به‌سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. و هرگاه تصدیق نامه مزبور به واسطه اخذ مال یا وجهی انجام گرفته علاوه بر استرداد و ضبط آن به عنوان جریمه به مجازات مقرر برای‌رشوه گیرنده محکوم می‌گردد. ماده ۵۴۰ـ برای سایر تصدیق نامه‌های خلاف واقع که موجب‌ضرر شخص ثالثی باشد یا آن که خسارتی بر خزانه دولت وارد آوردمرتکب علاوه برجبران خسارت وارده به شلاق تا (۷۴) ضربه یا به‌دویست هزار تا دو میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. ماده ۵۴۱ـ هرکس به جای داوطلب اصلی هریک از آزمون‌ها اعم ازکنکور ورودی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی دانشسراها،مراکز تربیت معلم اعزام دانشجو به خارج از کشور یا امتحانات‌داخلی و نهایی واحدهای مزبور یا امتحانات دبیرستانها، مدارس راهنمایی و هنرستانها و غیرو در جلسه امتحان شرکت نماید حسب‌مورد مرتکب و داوطلب علاوه برمجازات اداری و انتظامی به دویست هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. ماده ۵۴۲ـ مجازات شروع به جعل و تزویر در این فصل حداقل‌مجازات تعیین شده همان مورد خواهد بود.

فصل ششم ـ محو یا شکستن مهر و پلمپ و سرقت نوشته‌ها از اماکن دولتی

ماده ۵۴۳ ـ هرگاه محلی یا چیزی برحسب امر مقامات صالح رسمی مهر یا پلمپ شده باشد و کسی عالما و عامدا آنها را بشکند یا محو نماید یا عملی مرتکب شود که در حکم محو یا شکستن پلمپ تلقی شود مرتکب به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. در صورتی که مستحفظ آن مرتکب شده باشد به حبس از یک تا دوسال محکوم می‌شود و اگر ارتکاب به واسطه اهمال مستحفظ واقع گردد مجازات مستحفظ یک تا شش ماه حبس یا حداکثر (۷۴) ضربه‌شلاق خواهد بود. ماده ۵۴۴ ـ هرگاه بعض یا کل نوشته‌ها یا اسناد یا اوراق یا دفاتر یامطالبی که در دفاتر ثبت و ضبط دولتی مندرج یا در اماکن دولتی محفوظ یا نزد اشخاصی که رسما مامور حفظ آنها هستند سپرده شده باشد، ربوده یا تخریب یا برخلاف مقررات معدوم شود ، دفتردار و مباشر ثبت و ضبط اسناد مذکور و سایر اشخاص که به واسطه اهمال آنها جرم مذکور وقوع یافته است به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهند شد. ماده ۵۴۵ ـ مرتکبین هریک از انواع و اقسام جرم‌های مشروح درماده فوق به حبس از سه تا شش سال محکوم خواهند گردید و اگر امانت‌دار یا مستحفظ مرتکب یکی از جرایم فوق الذکر شود به سه تاده سال حبس محکوم خواهد شد. ماده ۵۴۶ ـ در صورتی که مرتکب به عنف مهر یا پلمپ را محو نماید یا بشکند یا عملی مرتکب شود که در حکم محو یا شکستن پلمپ تلقی شود یا نوشته یا اسناد را برباید یا معدوم کند حسب‌مورد به حداکثر مجازات‌های مقرر در مواد قبل محکوم خواهد شد و این مجازات مانع از اجرای مجازات جرایمی که از قهر و تشدد حاصل شده است نخواهد بود.

فصل هفتم ـ فرار محبوسین قانونی و اخفای مقصرین

ماده ۵۴۷ ـ هر زندانی که از زندان یا بازداشتگاه فرار نماید به شلاق تا(۷۴) ضربه یا سه تا شش ماه حبس محکوم می‌شود و اگر برای فرار درب زندان را شکسته یا آن را خراب کرده باشد، علاوه بر تامین خسارت وارده به هر دو مجازات محکوم خواهد شد. تبصره ـ زندانیانی که مطابق آیین‌نامه زندانها به مرخصی رفته و خود را در موعد مقرر بدون عذر موجه معرفی ننمایند فراری محسوب و به مجازات فوق محکوم می‌گردند. ماده ۵۴۸ ـ هرگاه ماموری که موظف به حفظ یا ملازمت یا مراقبت متهم یا فرد زندانی بوده در انجام وظیفه مسامحه و اهمالی نماید که منجر به فرار وی شود به شش ماه تا سه سال حبس یا جزای نقدی ازسه تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد. ماده ۵۴۹ ـ هرکس مامور حفظ یا مراقبت یا ملازمت زندانی یا توقیف شده‌ای باشد و مساعدت در فرار نماید یا راه فرار او را تسهیل کند یا برای فرار وی تبانی و مواضعه نماید به ترتیب ذیل مجازات‌خواهد شد: الف اگر توقیف شده متهم به جرمی باشد که مجازات آن اعدام یارجم یا صلب است و یا زندانی به یکی از این مجازات‌ها محکوم شده باشد به سه تا ده سال حبس و اگر محکومیت محکوم علیه حبس از ده سال به بالا باشد و یا توقیف شده متهم به جرمی باشد که مجازات آن حبس از ده سال به بالاست به یک تا پنج سال حبس و چنانچه محکومیت زندانی و یا اتهام توقیف شده غیر از مواردفوق الذکر باشد به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد. ب اگر زندانی محکوم به قصاص یا توقیف شده متهم به قتل مستوجب قصاص باشد، عامل فرار موظف به تحویل دادن وی می‌باشد و در صورت عدم تحویل زندانی می‌شود و تا تحویل وی‌در زندان باقی می‌ماند و چنانچه متهم غیابا محاکمه و برائت حاصل کند و یا قتل شبه عمد یا خطئی تشخیص داده شود عامل فرار به‌مجازات تعیین شده در ذیل بند (الف محکوم خواهد شد و اگرفراری فوت کند و یا تحویل وی ممتنع شود چنانچه محکوم به‌قصاص باشد فراری دهنده به پرداخت دیه به اولیای دم مقتول‌محکوم خواهد شد. ج اگر متهم یا محکومی که فرار کرده محکوم به امر مالی یا دیه باشد، عامل فرار علاوه بر مجازات تعیین شده در ذیل بند الف ضامن پرداخت دیه و مال محکوم به نیز خواهد

بود. ماده ۵۵۰ ـ هر یک از مستخدمین و مامورین دولتی که طبق قانون مامور دستگیری کسی بوده و در اجرای وظیفه دستگیری مسامحه و اهمال کرده باشد به پرداخت یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد و چنانچه مسامحه و اهمال به قصد مساعدت بوده که منجر به فرار وی شده باشد علاوه بر مجازات مذکور به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود. ماده ۵۵۱ ـ اگر عامل فرار از مامورین مذکور در ماده (۵۴۹) نباشد و عامدا موجبات فرار اشخاصی که قانونا زندانی یا دستگیر شده‌اند رافراهم آورد به طریق ذیل مجازات خواهد شد. الف چنانچه زندانی محکوم به اعدام یا حبس دایم یا رجم یا صلب بوده مجازات او یک تا سه سال حبس و اگر زندانی متهم به جرمی‌بوده که مجازات آن اعدام یا رجم یا صلب است مجازات از شش ماه تا دو سال حبس و چنانچه محکومیت زندانی و یا مجازات قانونی توقیف شده غیر از موارد فوق الذکر باشد مجازات او سه ماه تا یک‌سال حبس خواهد بود: ب اگر زندانی محکوم به قصاص باشد عامل فرار موظف به تحویل دادن وی می‌باشد و در صورت عدم تحویل زندانی می‌شود و تاتحویل وی در زندان باقی می‌ماند. چنانچه فراری فوت کند و یاتحویل وی ممتنع شود فراری دهنده به پرداخت دیه به اولیای دم‌مقتول محکوم خواهد شد: ماده ۵۵۲ ـ هرکس‌به‌شخص زندانی یا توقیف شده برای مساعدت به فرار اسلحه بدهد به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شود. ماده ۵۵۳ ـ هرکس شخصی را که قانونا دستگیر شده و فرار کرده یا کسی را که متهم است به ارتکاب جرمی و قانونا امر به دستگیری اوشده است مخفی کند یا وسایل فرار او را فراهم کند به ترتیب ذیل‌مجازات خواهد شد: چنانچه کسی که فرار کرده محکوم به اعدام یا رجم یا صلب یا قصاص نفس و اطراف و یا قطع ید بوده مجازات مخفی کننده یا کمک کننده او در فرار، حبس از یک تا سه سال است و اگر محکوم به حبس دایم یا متهم به جرمی بوده که مجازات آن اعدام یا صلب‌است محکوم به شش ماه تا دو سال حبس خواهد شد و در سایرحالات مجازات مرتکب یک ماه تا یک سال حبس خواهد بود. تبصره ـ در صورتی که احراز شود فرد فراری دهنده و یا مخفی‌کننده یقین به بی‌گناهی فرد متهم یا زندانی داشته و در دادگاه نیز ثابت شود از مجازات معاف خواهد شد. ماده ۵۵۴ ـ هرکس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت مساعدت کند از قبیل اینکه برای او منزل‌تهیه کند یا ادله جرم را مخفی نماید یا برای تبرئه مجرم ادله جعلی‌ابراز کند حسب مورد به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد. تبصره ـ در موارد مذکور در ماده (۵۵۳) و این ماده در صورتی که مرتکب از اقارب درجه اول متهم باشد مقدار مجازات در هر مورد از نصف حداکثر تعیین شده بیشتر نخواهد بود.

فصل هشتم ـ غصب عناوین و مشاغل

ماده ۵۵۵ ـ هرکس بدون سمت رسمی یا اذن از طرف دولت خود را در مشاغل دولتی اعم از کشوری یا لشگری و انتظامی که از نظرقانون مربوط به او نبوده است دخالت دهد یا معرفی نماید به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد و چنانچه برای دخالت یا معرفی خود در مشاغل مزبور، سندی جعل کرده باشد مجازات جعل را نیز خواهد داشت ماده ۵۵۶ ـ هرکس بدون مجوز و به صورت علنی لباسهای رسمی ماموران نظامی یا انتظامی جمهوری اسلامی ایران یا نشان‌ها،مدال‌ها یا سایر امتیازات دولتی را بدون تغییر یا با تغییر جزئی که موجب اشتباه شود مورد استفاده قرار دهد در صورتی که عمل او به‌موجب قانون دیگری مستلزم مجازات شدیدتری نباشد به حبس ازسه ماه تا یک سال و یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال محکوم خواهد شد. و در صورتی که از این عمل خود سوء استفاده کرده باشد به هر دومجازات محکوم خواهد شد. تبصره ـ استفاده از البسه و اشیای مذکور در این ماده در اجرای‌هنرهای نمایشی مشمول مقررات این ماده نخواهد بود. ماده ۵۵۷ ـ هر کس علنی و به صورت غیر مجاز لباسهای رسمی یا متحدالشکل ماموران کشورهای بیگانه یا نشان‌ها یا مدال‌ها یا سایر امتیازات دولت‌های خارجی در ایران را مورد استفاده قرار دهد به‌شرط معامله متقابل و یا در صورتی که موجب اختلال در نظم عمومی

گردد مشمول مقررات ماده فوق است

فصل نهم ـ تخریب اموال تاریخی فرهنگی

ماده ۵۵۸ ـ هرکس به تمام یا قسمتی از ابنیه اماکن محوطه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی ـ تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است یا تزیینات ملحقات تاسیسات، اشیا و لوازم و خطوط و نقوش منصوب یا موجود در اماکن مذکور، که مستقلا نیز واجد حیثیت فرهنگی ـ تاریخی یا مذهبی باشد، خرابی وارد آورد علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس از یک الی ده‌سال محکوم می‌شود. ماده ۵۵۹ ـ هر کس اشیاء و لوازم و همچنین مصالح و قطعات آثارفرهنگی ـ تاریخی را از موزه‌ها و نمایشگاهها، اماکن تاریخی و مذهبی و سایر اماکن که تحت حفاظت یا نظارت دولت است سرقت کند یا با علم به مسروقه بودن اشیای مذکور را بخرد یا پنهان دارد در صورتی که مشمول مجازات حد سرقت نگردد علاوه بر استرداد آن به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌شود. ماده ۵۶۰ ـ هرکس بدون اجازه از سازمان میراث فرهنگی کشور، یا با تخلف از ضوابط مصوب و اعلام شده از سوی سازمان مذکور در حریم آثار فرهنگی ـ تاریخی مذکور در این ماده مبادرت به عملیاتی نماید که سبب تزلزل بنیان آنها شود، یا در نتیجه آن عملیات به آثار و بناهای مذکور خرابی یا لطمه وارد آید، علاوه بر رفع آثار تخلف و پرداخت خسارات وارده به حبس از یک تا سه سال محکوم می‌شود. ماده ۵۶۱ ـ هرگونه اقدام به خارج کردن اموال تاریخی ـ فرهنگی از کشور هرچند به خارج کردن آن نینجامد قاچاق محسوب و مرتکب علاوه براسترداد اموال به حبس از یک تا سه سال و پرداخت جریمه‌معادل دو برابر قیمت اموال موضوع قاچاق محکوم می گردد. تبصره ـ تشخیص ماهیت تاریخی ـ فرهنگی به عهده سازمان میراث فرهنگی کشور می‌باشد. ماده ۵۶۲ ـ هرگونه حفاری و کاوش به قصد بدست آوردن اموال تاریخی ـ فرهنگی ممنوع بوده و مرتکب به حبس از شش ماه تا سه‌سال و ضبط اشیای مکشوفه به نفع سازمان میراث فرهنگی کشور وآلات و ادوات حفاری به نفع دولت محکوم می‌شود. چنانچه‌حفاری در اماکن و محوطه‌های تاریخی که در فهرست آثار ملی به‌ثبت رسیده است یا در بقاع متبرکه و اماکن مذهبی صورت گیرد علاوه برضبط اشیای مکشوفه و آلات و ادوات حفاری مرتکب به‌حداکثر مجازات مقرر محکوم می‌شود. تبصره۱ ـ هرکس اموال تاریخی ـ فرهنگی موضوع این ماده راحسب تصادف بدست آورد و طبق مقررات سازمان میراث فرهنگی‌کشور نسبت به تحویل آن اقدام ننماید به ضبط اموال مکشوفه محکوم می گردد. تبصره۲ ـ خرید و فروش اموال تاریخی ـ فرهنگی حاصله ازحفاری غیرمجاز ممنوع است و خریدار و فروشنده علاوه برضبط‌اموال فرهنگی مذکور، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم‌می‌شوند. هرگاه فروش اموال مذکور تحت هرعنوان از عناوین به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم به اتباع خارجی صورت گیرد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم می‌شود. ماده ۵۶۳ ـ هرکس به اراضی و تپه‌ها و اماکن تاریخی و مذهبی که‌به ثبت آثار ملی رسیده و مالک خصوصی نداشته باشد تجاوز کند به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌شود مشروط برآن که سازمان میراث فرهنگی کشور قبلا‌ـ حدود مشخصات این قبیل اماکن و مناطق را در محل تعیین و علامتگذاری کرده باشد. ماده ۵۶۴ ـ هرکس بدون اجازه سازمان میراث فرهنگی و برخلاف‌ضوابط مصوب اعلام شده از سوی سازمان مذکور به مرمت یا تعمیر، تغییر، تجدید و توسعه ابنیه یا تزیینات اماکن فرهنگی ـتاریخی ثبت شده در فهرست آثار ملی مبادرت نماید، به حبس ازشش ماه تا دو سال و پرداخت خسارت وارده محکوم می گردد. ماده ۵۶۵ ـ هرکس برخلاف ترتیب مقرر در قانون حفظ آثار ملی‌اموال فرهنگی ـ تاریخی غیر منقول ثبت شده در فهرست آثار ملی رابا علم و اطلاع از ثبت آن به نحوی به دیگران انتقال دهد به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود. ماده ۵۶۶ ـ هرکس نسبت به تغییر نحوه استفاده از ابنیه اماکن ومحوطه‌های مذهبی ـ فرهنگی و تاریخی که در فهرست آثار ملی‌ثبت شده‌اند، برخلاف شئونات اثر و بدون مجوز از سوی سازمان‌میراث فرهنگی کشور، اقدام نماید علاوه

برورفع آثـار تخلف و جبران‌خسـارت وارده به حبس از سه مـاه تا یکسال محکوم می‌شود. ماده ۵۶۷ ـ در کلیه جرایم مـذکور در این فصـل سازمـان میراث‌فرهنگی یـا سـایر دوایر دولتی برحسب مورد شاکی یا مدعی‌خصوصـی محسوب می‌شود. ماده ۵۶۸ ـ در مـورد جرایم مـذکور در این فصل که بوسـیله اشـخاص‌حقوقی انجام شود هریک از مدیران و مسوولان که دسـتور دهنده باشـند، برحسـب مـورد به مجازات‌هـای مقرر محکـوم می‌شونـد. تبصـره ـ امـوال فرهنگی ـ تـاریخی حاصـله از جرایم مـذکور در این‌فصـل تحت نظر سازمان میراث فرهنگی کشور توقیف و در کلیه مواردی که حکم به ضبط و استرداد اموال وسایل تجهیزات و خسارات داده می‌شود به نفع سازمان میراث فرهنگی کشور موردحکم قرار خواهـد گرفت ماده ۵۶۹ ـ در کلیه موارد این فصـل در صورتی که ملك مورد تخریب ملك شخصی بوده و مالك از ثبت آن به عنوان آثار ملی بی‌اطلاع باشد از مجازاتهای مقرر در مواد فوق معاف خواهد بود.

فصل دهم ــ تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی

ماده ۵۷۰ ـ هریک از مقامات و مامورین دولتی که برخلاف قانون آزادی شخصـی افراد ملت را سـلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسـی محروم نمایـد علاوه برانفصال از خـدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی به حبس از شـش ماه تا سه سال محکوم خواهـد شـد. ماده ۵۷۱ ـ هرگاه اقـداماتی که برخلاف قانون اساسـی جمهوری اسـلامی ایران می‌باشـد برحسب امضای سـاختگی وزیر یـا مامورین‌دولتی به عمل آمـده باشـد، مرتکب و کسانی که عالما آن را به کاربرده باشـند به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهنـد شد. ماده ۵۷۲ ـ هرگاه شخصـی برخلاف قانون حبس شـده باشـد و درخصوص حبس غیر قانونی خود شـکایت به ضـابطین دادگستری یـا مـامورین انتظامی نموده و آنان شـکایت او را اسـتماع نکرده باشـند و ثابت ننماینـد که تظلم او را به مقامات ذیصـلاح اعلام و اقـدامات لازم را معمول داشـته‌اند به انفصال دایم از همان سـمت و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت سه تا پنج سال محکوم خواهند شد. ماده ۵۷۳ ـ اگر مسوولین و مامورین بازداشتگاهها و ندامتگاهها بدون اخذ برگ بازداشت صادره از طرف مراجع و مقامـات صـلاحیتدار، شخصـی را به نـام زنـدانی بپذیرنـد به دو مـاه تا دو سال‌حبس محکوم خواهنـد شـد. ماده ۵۷۴ ـ اگر مسوولین و مامورین بازداشـتگاهها و ندامتگاهها ارایه دادن یا تسلیم کردن زندانی به مقامات صالح قضایی یا از ارایه‌دادن دفاتر خود به اشـخاص مزبور امتناع کنند یا از رسانیدن تظلمات‌محبوسین به مقامات صالح ممانعت یا خودداری نمایند مشمول‌ماده قبل خواهند بـود مگر اینکه ثـابت نماینـد که به مـوجب امر کتبی‌رسـمی از طرف رییس مسـتقیم خـود، مـامور به آن بوده‌انـد که در این‌صـورت مجازات مزبور درباره آمر مقرر خواهـد شـد. ماده ۵۷۵ ـ هرگـاه مقامات قضایی یا دیگر مامورین ذیصـلاح‌برخلاف قانون توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزایی یا قرارمجرمیت کسی را صادر نمایند به انفصال دایم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد. ماده ۵۷۶ ـ چنانچه هریک از صاحب منصـبان و مستخدمین ومامورین دولتی و شهرداریها در هر رتبه و مقامی که باشد از مقام‌خود سوء اسـتفاده نموده و از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای‌قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا اوامر مقامـات قضایی یا هرگونه‌امری که از طرف مقامات قانونی صادر شـده باشـد جلوگیری نمایـد به انفصال از خـدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد. ماده ۵۷۷ ـ چنانچه مسـتخدمین و مامورین دولتی اعم از استانداران و فرمانداران و بخشداران یا معاونـان آنهـا و مـامورین انتظـامی در غیرموارد حکمیت در اموری که در صـلاحیت مراجع قضـایی اسـت‌دخـالت نماینـد و با وجود اعتراض متـداعیین یـا یکی از آنهـا یا اعتراض مقامات صـلاحیتدار قضایی رفع مـداخله ننماینـد به حبس ازدو ماه تا سه سال محکوم خواهند شد. ماده ۵۷۸ ـ هریک از مسـتخدمین و مامورین قضایی یا غیر قضایی‌دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کنـد او را اذیت و آزاربـدنی نمایـد علاـوه بر قصـاص یـا پرداخت دیه حسب مورد به حبس ازشـش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسـی در این‌خصوص دستور داده باشد فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم بواسطه اذیت و

آزار فوت کندمباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت ماده ۵۷۹ ـ چنانچه هریک از مامورین دولتی محکومی را سخت‌تر از مجازاتی که مورد حکم است مجازات کند یا مجازاتی کند که موردحکم نبوده است به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شدو چنانچه این عمل به دستور فرد دیگری انجام شود فقط آمر به مجازات مذکور محکوم می‌شود و چنانچه این عمل موجب‌قصاص یا دیه باشد مباشر به مجازات آن نیز محکوم می گردد و اگراقدام مزبور متضمن جرم دیگری نیز باشد مجازات همان جرم‌حسب مورد نسبت به مباشر یا آمر اجرا خواهد شد. ماده ۵۸۰ ـ هریک از مستخدمین و مامورین قضایی یا غیر قضایی‌یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد بدون ترتیب قانونی‌به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود به‌حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت‌نماید به امر یکی از روسای خود که صلاحیت حکم را داشته است مکره به اطاعت امر او بوده اقدام کرده است که در این صورت‌مجازات مزبور در حق آمر اجرا خواهد شد و اگر مرتکب یا سبب‌وقوع جرم دیگری نیز باشد مجازات آن را نیز خواهد دید و چنانچه این عمل در شب واقع شود مرتکب یا آمر به حداکثر مجازات مقررمحکوم خواهد شد. ماده ۵۸۱ ـ هریک از صاحب منصبان و مستخدمین و مامورین‌دولتی که با سوء استفاده از شغل خود به جبر و قهر مال یا حق کسی‌را بخرد یا بدون حق برآن مسلط شود یا مالک را اکراه به فروش به‌دیگری کند علاوه بر رد عین مال یا معادل نقدی قیمت مال یا حق به مجازات حبس از یک سال تا سه سال یا جزای نقدی از شش تاهجده میلیون ریال محکوم می گردد. ماده ۵۸۲ ـ هریک از مستخدمین و مامورین دولتی مراسلات یامخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون‌اجازه داده حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یاضبط یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنهارا افشا نماید به حبس از یک سال تا سه سال و یا جزای نقدی ازشش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد. ماده ۵۸۳ ـ هرکس از مقامات یا مامورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیتدار در غیر مواردی که درقانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفا در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد. ماده ۵۸۴ ـ کسی که با علم و اطلاع برای ارتکاب جرم مذکور در ماده فوق مکانی تهیه کرده و بدین طریق معاونت با مرتکب نموده باشد به مجازات حبس از سه ماه تا یک سال یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال محکوم خواهد شد. ماده ۵۸۵ ـ اگر مرتکب یا معاون قبل از آن که تعقیب شود شخص‌توقیف شده را رها کند یا اقدام لازم جهت رها شدن وی به عمل‌آورد در صورتی که شخص مزبور را زیاده از پنج روز توقیف نکرده‌باشد مجازات او حبس از دو تا شش ماه خواهد بود. ماده ۵۸۶ ـ هرگاه مرتکب برای ارتکاب جرایم مذکور در ماده ۵۸۳) اسم یا عنوان مجعول یا اسم و علامت مامورین دولت یا لباس منتسب به آنان را به تزویر اختیار کرده یا حکم جعلی ابراز نموده باشد علاوه بر مجازات ماده مزبور به مجازات جعل یا تزویرمحکوم خواهد شد. ماده ۵۸۷ ـ چنانچه مرتکب جرایم مواد قبل توقیف شده یامحبوس شده یا مخفی شده را تهدید به قتل نموده یا شکنجه و آزار بدنی وارد آورده باشد علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به یک تا پنج سال حبس و محرومیت از خدمات دولتی محکوم خواهد شد.

فصل یازدهم ــ ارتشاء و ربا و کلاهبرداری

ماده ۵۸۸ ـ هریک از داوران و ممیزان و کارشناسان اعم از اینکه توسط دادگاه معین شده باشد یا توسط طرفین چنانچه در مقابل‌اخذ وجه یا مال به نفع یکی از طرفین اظهار نظر یا اتخاذ تصمیم نماید به حبس از شش ماه تا دو سال یا مجازات نقدی از سه تادوازده میلیون ریال محکوم و آنچه گرفته است به عنوان مجازات مودی به نفع دولت ضبط خواهد شد. ماده ۵۸۹ ـ در صورتی که حکام محاکم به واسطه ارتشا حکم به مجازاتی اشد از مجازات مقرر در قانون داده باشند علاوه بر مجازات ارتشا حسب مورد به

مجازات مقدار زایدی که مورد حکم واقع شده محکوم خواهند شد. ماده ۵۹۰ ـ اگر رشوه به صورت وجه نقد نباشد بلکه مالی بلاعوض یا به مقدار فاحش ارزان‌تر از قیمت معمولی یا ظاهرا به قیمت‌معمولی و واقعا به مقدار فاحشی کمتر از قیمت به مستخدمین دولتی اعم از قضایی و اداری به طور مستقیم یا غیر مستقیم منتقل‌شود یا برای همان مقاصد، مالی به مقدار فاحشی گران‌تر از قیمت از مستخدمین یا مامورین مستقیم یا غیرمستقیم خریداری گردد،مستخدمین و مامورین مزبور مرتشی و طرف معامله را شی محسوب می‌شود. ماده ۵۹۱ ـ هرگاه ثابت شود که راشی برای حفظ حقوق حقه خود ناچار از دادن وجه یا مالی بوده تعقیب کیفری ندارد و وجه یا مالی که داده به او مسترد می‌گردد. ماده ۵۹۲ ـ هرکس عالما و عامدا برای اقدام به امری یا امتناع از انجام امری که از وظایف اشخاص مذکور در ماده (۳) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب۱۵/۹/۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد وجه یا مالی یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیم یا غیر مستقیم بدهد در حکم راشی است و به عنوان مجازات علاوه بر ضبط مال ناشی از ارتشا به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شود. تبصره ـ در صورتیکه رشوه دهنده برای پرداخت رشوه مضطر بوده و یا پرداخت آن را گزارش دهد یا شکایت نماید از مجازات حبس مزبور معاف خواهد بود و مال به وی مسترد می‌گردد. ماده ۵۹۳ ـ هرکس عالما و عامدا موجبات تحقق جرم ارتشااز قبیل مذاکره جلب موافقت یا وصول و ایصال وجه یا مال یا سند پرداخت وجه را فراهم نماید به مجازات راشی برحسب مورد محکوم می‌شود. ماده ۵۹۴ مجازات شروع به عمل ارتشا در هرمورد حداقل مجازات مقرر در آن مورد است ماده ۵۹۵ ـ هر نوع توافق بین دو یا چند نفر تحت هر قراردادی از قبیل بیع قرض صلح و امثال آن جنسی را با شرط اضافه با همان جنس مکیل و موزون معامله نماید و یا زاید برمبلغ پرداختی دریافت نماید ربا محسوب و جرم شناخته می‌شود. مرتکبین اعم از ربادهنده ربا گیرنده و واسطه بین آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب‌مال به شش ماه تا سه سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق و نیز معادل مال مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می‌گردند. تبصره۱ ـ در صورت معلوم نبودن صاحب مال مورد ربا ازمصادیق اموال مجهول المالك بوده و در اختیار ولی فقیه قرار خواهد گرفت تبصره۲ ـ هرگاه ثابت شود ربا دهنده در مقام پرداخت وجه یا مال اضافی مضطر بوده از مجازات مذکور در این ماده معاف‌خواهد شد. تبصره۳ ـ هرگاه قرارداد مذکور بین پدر و فرزند یا زن و شوهر منعقد شود یا مسلمان از کافر ربا دریافت کند مشمول مقررات این‌ماده نخواهد بود. ماده ۵۹۶ ـ هرکس با استفاده از ضعف نفس شخصی یا هوی و هوس او یا حوایج شخصی افراد غیر رشید به ضرر او نوشته یاسندی اعم از تجاری یا غیر تجاری از قبیل برات سفته چك حواله قبض و مفاصا حساب و یا هرگونه نوشته‌ای که موجب التزام وی یا برائت ذمه گیرنده سند یا هرشخص دیگر می‌شود به هر نحو تحصیل نماید علاوه بر جبران خسارات مالی به حبس از شش ماه تا دو سال و از یك میلیون تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود و اگر مرتکب ولایت یا وصایت یا قیمومت بر آن شخص داشته باشد مجازات وی علاوه بر جبران خسارات مالی از سه تا هفت سال حبس خواهد بود.

فصل دوازدهم ــ امتناع از انجام وظایف قانونی

ماده ۵۹۷ ـ هر یك از مقامات قضایی که شکایت و تظلمی مطابق‌شرایط قانونی نزد آنها برده شود و با وجود اینکه رسیدگی به آنها از وظایف آنان بوده به هر عذر و بهانه اگرچه به عذر سکوت یا اجمال یا تناقض قانون از قبول شکایت یا رسیدگی به آن امتناع کند یا صدور حکم را برخلاف قانون به تاخیر اندازد یا برخلاف صریح قانون رفتار کند دفعه اول از شش ماه تا یکسال و در صورت تکرار به انفصال دایم از شغل قضایی محکوم می‌شود و در هر صورت به تادیه خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد.

فصل‌سیزدهم ـ تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت

ماده ۵۹۸ ـ هریک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمانها یاشوراها و یا شهرداریها و موسسات و شرکتهای دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و بنیادها و موسساتی که زیرنظر ولی فقیه اداره می‌شوند و دیوان محاسبات و موسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضایی و به طور کلی‌اعضا و کارکنان قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مامورین به خدمات عمومی اعم از رسمی و غیر رسمی وجوه نقدی یا مطالبات یا حوالجات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمانها و موسسات فوق الذکر یا اشخاصی که برحسب وظیفه به آنها سپرده شده است را مورد استفاده غیر مجاز قرار دهد بدون آن که قصد تملک آنها را به نفع‌خود یا دیگری داشته باشد، متصرف غیر قانونی محسوب و علاوه بر جبران خسارات وارده و پرداخت اجرت المثل به شلاق تا (۷۴)ضربه محکوم می‌شود و در صورتی که منتفع شده باشد علاوه برمجازات مذکور به جزای نقدی معادل مبلغ انتفاعی محکوم خواهدشد و همچنین است در صورتی که به علت اهمال یا تفریط موجب تضییع اموال و وجوه دولتی گردد و یا آن را به مصارفی برساند که در قانون اعتباری برای آن منظور نشده یا در غیر مورد معین یا زاید بر اعتبار مصرف نموده باشد. ماده ۵۹۹ ـ هرشخصی عهده‌دار انجام معامله یا ساختن چیزی یا نظارت در ساختن یا امر به ساختن آن برای هریک از ادارات و سازمانها و موسسات مذکور در ماده (۵۹۸) بوده است به واسطه تدلیس در معامله از جهت تعیین مقدار یا صفت یا قیمت بیش از حد متعارف مورد معامله یا تقلب در ساختن آن چیز نفعی برای خود یا دیگری تحصیل کند علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس از شش ماه تا پنج سال محکوم خواهد شد. ماده ۶۰۰ ـ هریک از مسوولین دولتی و مستخدمین و مامورینی که مامور تشخیص یا تعیین یا محاسبه یا وصول وجه یا مالی به نفع دولت است برخلاف قانون یا زیاده بر مقررات قانونی اقدام و وجه یا مالی اخذ یا امر به اخذ آن نماید به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. مجازات مذکور در این ماده در مورد مسوولین و مامورین شهرداری نیز مجری است و در هر حال آنچه برخلاف قانون و مقررات اخذ نموده است به ذیحق مسترد می‌گردد. ماده ۶۰۱ ـ هریک از مستخدمین و مامورین دولتی که برحسب‌ماموریت خود اشخاص را اجیر یا استخدام کرده یا مباشرت حمل ونقل اشیایی را نموده باشد و تمام یا قسمتی از اجرت اشخاص یا اجرت حمل و نقل را که توسط آنان به عمل آمده است به حساب‌دولت آورده ولی نپرداخته باشد به انفصال موقت از سه ماه تا سه‌سال محکوم می‌شود و همین مجازات مقرر است درباره مستخدمینی که اشخاص را به بیگاری گرفته و اجرت آنها را خود برداشته و به حساب دولت منظور نموده است و در هرصورت بایداجرت ماخوذه را به ذیحق مسترد نماید. ماده ۶۰۲ ـ هریک از مستخدمین و مامورین دولتی که برحسب‌ماموریت خود حق داشته است اشخاصی را استخدام و اجیر کند و بیش از عده‌ای که اجیر یا استخدام کرده است به حساب دولت‌منظور نماید یا خدمه شخصی خود را جزء خدمه دولت محسوب‌نماید و حقوق آنها را به حساب دولت منظور بدارد به شلاق تا (۷۴)ضربه و تادیه مبلغی که به ترتیب فوق به حساب دولت منظور داشته است محکوم خواهد گردید. ماده ۶۰۳ ـ هر یک از کارمندان و کارکنان و اشخاص عهده‌دار وظیفه مدیریت و سرپرستی در وزارتخانه‌ها و ادارات و سازمانهای مذکوردر ماده (۵۹۸) که بالمباشره یا به واسطه در معاملات و مزایده‌ها و مناقصه‌ها و تشخیصات و امتیازات مربوط به دستگاه متبوع تحت‌هر عنوانی اعم از کمیسیون یا حق‌الزحمه و حق‌العمل یا پاداش برای‌خود یا دیگری نفعی در داخل یا خارج کشور از طریق توافق یا تفاهم یا ترتیبات خاص یا سایر اشخاص یا نمایندگان و شعب آنها منظوردارد یا بدون ماموریت از طرف دستگاه متبوعه برعهده آن چیزی‌بخرد یا بسازد یا در موقع پرداخت وجوهی که حسب وظیفه به‌عهده او بوده یا تفریغ حسابی که باید به عمل آورد برای خود یادیگری نفعی منظور دارد به تادیه دو برابر وجوه و منافع حاصله ازاین طریق محکوم می‌شود و در صورتی که عمل وی موجب تغییردر مقدار یا کیفیت مورد معامله یا افزایش قیمت تمام شده آن گردد به حبس از شش ماه تا پنج سال و یا مجازات نقدی از سه تا سی میلیون ریال نیز محکوم

خواهد شد. ماده ۶۰۴ ـ هریک از مستخدمین دولتی اعم از قضایی و اداری‌نوشته‌ها و اوراق و اسنادی که حسب وظیفه به آنان سپرده شده یابرای انجام وظایفشان به آنها داده شده است را معدوم یا مخفی نماید یا به کسی بدهد که به لحاظ قانون از دادن به آن کس ممنوع می‌باشد علاوه برجبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. ماده ۶۰۵ ـ هریک از مامورین ادارات و موسسات مذکور در ماده ۵۹۸) که از روی غرض و برخلاف حق درباره یکی از طرفین اظهارنظر یا اقدامی کرده باشد به حبس تا سه ماه یا مجازات نقدی تا مبلغ‌یک میلیون و پانصد هزار ریال و جبران خسارت وارده محکوم‌خواهد شد. ماده ۶۰۶ ـ هریک از رؤسا یا مدیران یا مسوولین سازمانها وموسسات مذکور در ماده (۵۹۸) که از وقوع جرم ارتشاء یا اختلاس‌یا تصرف غیر قانونی یا کلاهبرداری یا جرایم موضوع مواد (۵۹۹) و(۶۰۳) در سازمان یا موسسات تحت اداره یا نظارت خود مطلع شده و مراتب را حسب مورد به مراجع صلاحیتدار قضایی یا اداری اعلام ننماید علاوه برحبس از شش ماه تا دو سال به انفصال موقت از شش ماه تا دوسال محکوم خواهد شد.

فصل چهاردهم ــ تمرد نسبت به مأمورین دولت

ماده ۶۰۷ ـ هرگونه حمله یا مقاومتی که با علم و آگاهی نسبت به مامورین دولت در حین انجام وظیفه آنان به عمل آید تمرد محسوب می‌شود و مجازات آن به شرح ذیل است ۱. هرگاه متمرد به قصد تهدید اسلحه خود را نشان دهد، حبس ازشش ماه تا دو سال ۲. هرگاه متمرد در حین اقدام دست به اسلحه برد، حبس از یک تا سه‌سال ۳. در سایر موارد حبس از سه ماه تا یک سال تبصره ـ اگر متمرد در هنگام تمرد مرتکب جرم دیگری هم بشود به مجازات هر دو جرم محکوم خواهد شد.

فصل پانزدهم ــ هتک حرمت اشخاص

ماده ۶۰۸ ـ توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود. ماده ۶۰۹ ـ هرکس با توجه به سمت یکی از روسای سه قوه یا معاونان رییس جمهور یا وزرا یا یکی از نمایندگان مجلس شورای‌اسلامی یا نمایندگان مجلس خبرگان یا اعضای شورای نگهبان یاقضات یا اعضای دیوان محاسبات یا کارکنان وزارتخانه‌ها ومؤسسات و شرکتهای دولتی و شهرداریها در حال انجام وظیفه یا به‌سبب آن توهین نماید به سه تا شش ماه حبس و یا تا (۷۴) ضربه‌شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود.

فصل شانزدهم ــ اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرایم

ماده ۶۱۰ ـ هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی نمایند که جرایمی برضد امنیت داخلی یا خارج کشور مرتکب شوند یا وسایل ارتکاب آن را فراهم نمایند در صورتی که عنوان محارب بر آنان صادق نباشد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهند شد. ماده ۶۱۱ ـ هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی بنمایند که علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم اقدام نمایند و مقدمات اجرایی را هم تدارک دیده باشند ولی بدون اراده خود موفق به اقدام نشوند حسب مراتب به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد.

فصل هفدهم ــ جرایم علیه اشخاص و اطفال

ماده ۶۱۲ ـ هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا بهر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یابیم تجری مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تـا ده سال محکوم می‌نمایـد. تبصره ـ در این مورد معاونت در قتل عمـد موجب حبس از یک تاپنج سال خواهد بود. ماده ۶۱۳ ـ هرگاه کسی شروع به قتل عمـد نمایـد ولی نتیجه منظوربدون اراده وی محقق نگردد به شش ماه تا سه سال حبس تعزیری محکوم خواهـد شد. ماده ۶۱۴ ـ هرکس عمـدا به دیگری جرح یـا ضربی وارد آورد که‌موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضا یا منتهی به‌مرض دایمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل‌مجنی‌علیه گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه‌اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم‌تجری مرتکب یا دیگران گردد به دو تا پنج سال حبس محکوم‌خواهد شد و در صورت درخواست مجنی‌علیه مرتکب به پرداخت‌دیه نیز محکوم می‌شود. تبصره ـ در صورتی که جرح وارده منتهی به ضایعات فوق نشود و آلت جرح اسلحه یـا چاقو و امثال آن باشد مرتکب به سه ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد. ماده ۶۱۵ ـ هرگاه عده‌ای بـا یکدیگر منازعه نماینـد هر یک ازشرکت‌کنندگان‌درنزاع حسب مورد به مجازات زیر محکوم می‌شوند: ۱ ـ درصورتی که‌نزاع منتهی‌به‌قتل شود به حبس‌از یک‌تاسه سال ۲ ـ در صورتی که منتهی به نقص عضو شود به حبس از شش ماه تاسه سال ۳ ـ در صورتی که منتهی به ضرب و جرح شود به حبس از سه ماه تایک سال تبصره۱ ـ در صورتی که اقدام شخص دفاع مشروع تشخیص داده‌شود مشمول این ماده نخواهد بود. تبصره۲ ـ مجازاتهای فوق مانع اجرای مقررات قصاص یا دیه‌حسب مورد نخواهد شد. ماده ۶۱۶ ـ در صورتی که قتل غیر عمد به واسطه بی‌احتیاطی یابی‌مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یـابه سبب عـدم رعایت نظامات واقع شود مسبب به حبس از یک تاسه سال و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم‌محکوم خواهد شد مگر اینکه خطای محض باشد. تبصره ـ مقررات این ماده شامل قتل غیر عمـد در اثر تصادف‌راننـدگی نمی‌گردد. ماده ۶۱۷ ـ هرکس به وسیله چاقو و یا هرنوع اسلحه دیگر تظاهر یاقدرت نمایی کند یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص یا اخاذی یاتهدید قرار دهد یا با کسی گلاویز شود در صورتی که از مصادیق‌محارب نباشد به حبس از شش ماه تـا دو سـال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهـد شد. ماده ۶۱۸ ـ هرکس بـا هیاهو و جنجال یـا حرکات غیر متعارف یاتعرض به افراد موجب اخلال نظم و آسایش و آرامش عمومی گرددیا مردم را از کسب و کار باز دارد به حبس از سه ماه تا یک سال و تا(۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. ماده ۶۱۹ ـ هرکس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم‌اطفال یا زنان بشود یـا بـا الفاظ و حرکات مخالف شؤون و حیثیت به‌آنان توهین نمایـد به حبس از دو تا شش ماه و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. ماده ۶۲۰ ـ هرگاه جرایم مذکور در مواد (۶۱۶) و (۶۱۷) و (۶۱۸)در نتیجه توطئه قبلی و دسته جمعی واقع شود هریک از مرتکبین به‌حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد. ماده ۶۲۱ ـ هرکس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به‌هرمنظور دیگر به عنف یا تهدیـد یا حیله یا به هرنحو دیگر شخصا یاتوسط دیگری شخصی را بربایـد یا مخفی کنـد به حبس از پنج تاپانزده سال محکوم خواهـد شـد. در صورتی که سن مجنی‌علیه کمتراز پانزده سال تمام باشـد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یابه مجنی علیه آسیب جسمی یـا حیثیتی وارد شود مرتکب به حـداکثر مجازات تعیین شـده محکوم خواهـد شـد و در صورت ارتکاب جرایم‌دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد. تبصره ـ مجازات شروع به ربودن سه تا پنج سال حبس است ماده ۶۲۲ ـ هر کس عالما عامدا به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن‌حامله موجب سقط جنین وی شود علاوه بر پرداخت دیه یاقصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهـد شـد. ماده ۶۲۳ ـ هر کس به واسطه دادن ادویه یا وسایل دیگری موجب‌سقط جنین زن گردد به شش ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شودو اگر عالما و عامـدا زن حامله‌ای را دلالت به استعمال ادویه یاوسایل دیگری نماید که جنین وی سقط گردد به حبس از سه تا شش‌ماه محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت شود این اقدام برای حفظ‌حیات مادر

می‌باشـد و در هر مورد حکم به پرداخت دیه مطابق‌مقررات مربوط داده خواهـد شـد. ماده ۶۲۴ ـ اگر طبیب یـا ماما یا دارو فروش و اشخاصی که به عنوان‌طبابت یا مامایی یا جراحی یا دارو فروشی اقدام می‌کنند وسایل‌سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به اسقاط جنین نماینـد به‌حبس از دو تا پنـج سال محکوم خواهنـد شـد و حکم به پرداخت دیه‌مطابق مقررات مربوط صورت خواهـد پذیرفت ماده ۶۲۵ ـ قتل و جرح و ضرب هرگاه در مقام دفاع از نفس یا عرض‌یا مال خود مرتکب یا شخص دیگری واقع شود با رعایت مواد ذیل‌مرتکب مجازات نمی‌شود مشـروط براینکه دفاع متناسب با خطری‌باشد که مرتکب را تهدید می‌کرده است تبصره ـ مقررات این ماده در مورد دفاع از مال غیر در صورتی قابل‌اجرا است که حفاظت مال غیر به عهده دفاع کننده بوده یا صاحب‌مال استمداد نماید. ماده ۶۲۶ ـ در مورد هر فعلی که مطابق قـانون جرم برنفس یاعرض‌یامـال محسوب‌می‌شود ولواینکه از مـامورین دولتی صـادر گردد، هرگونه مقاومت برای دفاع از نفس یا عرض یا مال جایزخواهـد بود. ماده ۶۲۷ ـ دفـاع در مواقعی صادق است که الف ـ خوف برای نفس یـا عرض یـا نـاموس یا مال مستند به قراین‌معقول باشـد. ب ـ دفاع متناسب با حمله باشـد. ج ـ توسل به قوای دولتی یا هرگونه وسیله آسان‌تری برای نجات میسر نباشد. ماده ۶۲۸ ـ مقـاومت در مقابـل نیروهـای انتظامی و دیگر ضابطین‌دادگستری در موقعی که مشـغول انجام وظیفه خود باشند دفاع‌محسوب نمی‌شود ولی هرگاه اشخاص مزبور از حدود وظیفه خودخارج شوند و برحسب ادله و قراین موجود خوف آن باشـد که عملیـات آنهـا موجب قتـل یـا جرح یـا تعرض به عرض یا مال گردد در این صورت دفاع در مقابل آنها نیز جایز است ماده ۶۲۹ ـ در موارد ذیل قتل عمدی به شرط آن که دفاع متوقف به‌قتل باشد مجازات نخواهد داشت الف ـ دفاع از قتل یا ضرب و جرح شدید یا آزار شدید یا دفاع ازهتک ناموس خود و اقارب ب ـ دفاع در مقابل کسی که در صدد هتک عرض و نـاموس دیگری به‌اکراه و عنف برآیـد. ج ـ دفـاع در مقابل کسـی که در صـدد سـرقت و ربودن انسان یا مال اوبرآیـد. ماده ۶۳۰ ـ هرگاه مردی همسـر خود را در حال زنا با مرد اجنبی‌مشاهـده کنـد و علم به تمکین زن داشـته باشد می‌تواند در همان حال‌آنان را به قتل برسانـد و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد رامی‌تواند به قتل برساند. حکم ضـرب و جرح در این مورد نیز مانندقتل است ماده ۶۳۱ ـ هرکس طفلی را که تازه متولـد شـده است بـدزدد یا مخفی‌کند یا او را بجای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادرطفل قلمـداد نمایـد به شـش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهـد شـدو چنانچه احراز شود که طفل مزبور مرده بوده مرتکب به یکصـد هزار تا پانصـد هزار ریال جزای نقـدی محکوم خواهد شد. ماده ۶۳۲ ـ اگر کسـی از دادن طفلی که به او سپرده شـده است درموقع مطـالبه اشخاصـی که قانونـا حق مطـالبه دارنـد امتناع کنـد به مجازات از سه ماه تا شـش ماه حبس یا به جزای نقـدی از یک میلیون و پانصـد هزار تا سه میلیون ریال محکوم خواهـد شد. ماده ۶۳۳ ـ هرگاه کسـی شـخصا یا به دستور دیگری طفل یا شخصی‌را که قادر به محافظت خود نمی‌باشد در محلی که خالی از سـکنه‌است رها نماید به حبس از شش ماه تا دوسال و یا جزای نقدی ازسه میلیـون تـا دوازده میلیـون ریـال محکـوم خواهـد شـد و اگر در آبـادی‌و جـایی که دارای سـکنه باشـد رهـا کنـد تـا نصف مجـازات مـذکورمحکوم خواهـد شـد و چنانچه این اقـدام سـبب وارد آمـدن صـدمه یا آسـیب یا فوت شود رها کننـده علاوه بر مجازات فوق حسب مورد به‌قصاص یا دیه یا ارش نیز محکوم خواهد شد. ماده ۶۳۴ ـ هرکس بدون مجوز مشروع نبش قبر نماید به مجازات‌حبس از سـه مـاه و یـک روز تـا یکسـال محکـوم می‌شـود و هرگـاه جرم‌دیگری نیز بـا نبش قـبر مرتکـب شـده باشـد به مجـازات آن جرم هم‌محکوم خواهد شد. ماده ۶۳۵ ـ هرکس بـدون رعایت نظامات مربوط به دفن اموات‌جنازه‌ای را دفن کند یا سـبب دفن آن شود یا آن را مخفی نماید به جزای نقدی از یکصد هزار تا یک میلیون ریال محکوم خواهد شد. ماده ۶۳۶ ـ هرکس جسد مقتولی را با علم به قتل مخفی کند یا قبل‌از اینکه به اشخاصـی که قانونا مامور کشف و تعقیب جرایم هستندخبر دهد آن را دفن نماید به حبس از سه ماه و یک روز تا یک سال‌محکوم خواهد شد.

فصل هجدهم ـ جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی

ماده ۶۳۷ ـ هرگاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت نباشد،مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل‌یا مضاجعه شوند، به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عنف و اکراه باشد فقط اکراه‌کننده تعزیر می‌شود. ماده ۶۳۸ ـ هرکس علنا در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نمایـد علاوه برکیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یاتا (۷۴) ضـربه شـلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی‌شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نمایـد فقـط به حبس از ده روز تـا دو مـاه یا تا (۷۴) ضـربه شـلاق محکوم خواهد شد. تبصـره ـ زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شونـد به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصـد هزار ریال جزای نقـدی محکوم خواهند شد. ماده ۶۳۹ ـ افراد زیر به حبس از یـک تـا ده سـال محکوم می‌شونـد و در مورد بنـد «الف علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوطه به طور موقت با نظر دادگاه بسته خواهد شد: الف ـ کسـی که مرکز فساد و یا فحشا دایر یا اداره کند. ب ـ کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن‌را فراهم نماید. تبصـره ـ هرگاه بر عمل فوق عنوان قوادی صدق نماید علاوه بر مجازات مـذکور به حد قوادی نیز محکوم می‌گردد. ماده ۶۴۰ ـ اشـخاص ذیل به حبس از سه ماه تا یک سال و جزای‌نقـدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال و تا(۷۴) ضربه‌شلاق یابه یک یا دو مجازات مذکور محکوم خواهند شد: ۱ ـ هرکس نوشته یا طرح گراور، نقاشـی تصـاویر، مطبوعـات اعلانـات علا‌یم فیلـم نـوار سینما و یـا بـه طـور کلی هرچیز کـه عفت واخلاق عمـومی را جریحه‌دار نمایـد برای تجـارت یـا توزیع به نمـایش و معرض انظـار عمومی گـذارد یـا بسـازد یا برای تجارت و توزیع نگاه‌دارد. ۲ ـ هرکس اشـیای مـذکور را به منظـور اهـداف فوق شـخصا یـا به وسیله‌دیگری وارد یـا صـادر کنـد و یـا به نحوی از انحـا متصـدی یا واسـطه‌تجارت و یـا هرقسم معامله دیگر شود یا از کرایه دادن آنها تحصـیل‌مال نمایـد. ۳ ـ هرکس اشـیای فوق را به نحوی از انحـاء منتشـر نماید یا آنها را به‌معرض انظار عمومی بگذارد. ۴ ـ هرکس برای تشویق به معامله اشـیای مذکور در فوق و یا ترویج آن اشیاء به نحوی از انحاء اعلان و یا فاعل یکی از اعمال ممنوعه فوق و یا محل به دست آوردن آن را معرفی نماید. تبصـره۱ ـ مفاد این ماده شامل اشـیایی نخواهد بود که با رعایت موازین شرعی و برای مقاصد علمی یا هر مصلحت حلال عقلایی‌دیگر تهیه یا خرید و فروش و مورد اسـتفاده متعارف علمی قرارمی‌گیرد. تبصـره۲ ـ اشـیای مـذکور ضـبط و محـو آثار می‌گردد و جهت اسـتفاده لازم به دسـتگاه دولتی ذیربط تحویل خواهد شد. ماده ۶۴۱ ـ هرگاه کسی به وسیله تلفن یا دستگاههای مخابراتی‌دیگر برای اشخاص ایجاد مزاحمت نماید علاوه بر اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات مرتکب به حبس از یک تا شش ماه محکوم خواهد شد.

فصل نوزدهم جرایم بر ضدحقوق و تکالیف خانوادگی

ماده ۶۴۲ ـ هرکس بـا داشـتن اسـتطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهـد یا از تادیه نفقه سایر اشـخاص واجب النفقه دادگـاه او را از سه ماه و یک روز تا پنـج ماه حبس محکوم می‌نمایـد. ماده ۶۴۳ ـ هرگـاه کسـی عالما زن شوهردار یا زنی را که در عـده دیگری است برای مردی عقـد نمایـد، به حبس از شـش ماه تا سه سال یا از سه میلیون تا هیجـده میلیون ریال جزای نقـدی و تا (۷۴) ضـربه شـلاق محکوم می‌شود و اگر دارای دفتر ازدواج و طلاق یا اسناد رسمی باشد برای همیشه از تصدی دفتر ممنوع خواهد گردید. ماده ۶۴۴ ـ کسـانی که عالمـا مرتکب یکی از اعمـال زیر شونـد به حبس از شـش ماه تا دو سال و یا از سه تا دوازده میلیون ریال جزای‌نقدی محکوم می‌شوند: ۱ ـ هرزنی که در قیـد زوجیت یا عـده دیگری است خود را به عقـددیگری در آورد در صورتی که منجر به مـواقعه نگردد. ۲ ـ هرکسـی که زن شوهردار یا زنی را که در عـده دیگری است برای‌خود تزویـج نمایـد در صورتی که منتهی به مواقعه نگردد. مـاده ۶۴۵ ـ به منظور حفـظ کیـان خـانواده ثبت واقعه ازدواج دایم طلاق و رجوع طبق مقررات الزامی اسـت

چنانچه مردی بدون ثبت‌در دفاتر رسمی مبادرت به ازدواج دایم طلاق و رجوع نماید به‌مجازات حبس تعزیری تا یکسال محکوم می گردد. ماده ۶۴۶ ـ ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن ولی ممنوع است چنانچه مردی با دختری که به حد بلوغ نرسیده برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱) قانون مدنی و تبصره ذیل آن ازدواج نماید به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می گردد. ماده ۶۴۷ ـ چنانچه هریک از زوجین قبل از عقد ازدواج طرف خودرا به امور واهی از قبیل داشتن تحصیلات عالی تمکن مالی موقعیت اجتماعی شغل و سمت خاص تجرد و امثال آن فریب‌دهد و عقد برمبنای هریک از آنها واقع شود مرتکب به حبس‌تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می گردد.

فصل بیستم ـ قسم و شهادت دروغ و افشای سر

ماده ۶۴۸ ـ اطبا و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که‌به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند. ماده ۶۴۹ ـ هرکس در دعوای حقوقی یا جزایی که قسم متوجه اوشده باشد سوگند دروغ یاد نماید به شش ماه تا دو سال حبس محکوم خواهد شد. ماده ۶۵۰ ـ هرکس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهدبه سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. تبصره ـ مجازات مذکور در این ماده علاوه بر مجازاتی است که در باب حدود و قصاص و دیات برای شهادت دروغ ذکر گردیده است

فصل بیست و یکم ـ سرقت و ربودن مال غیر

ماده ۶۵۱ ـ هرگاه سرقت جامع شرایط حد نباشد ولی مقرون به‌تمام پنج شرط ذیل باشد مرتکب از پنج تا بیست سال حبس و تا(۷۴) ضربه شلاق محکوم می گردد: ۱ ـ سرقت در شب واقع شده باشد. ۲ ـ سارقین دو نفر یا بیشتر باشند. ۳ ـ یک یا چند نفر از آنها حامل سلاح ظاهر یا مخفی بوده باشند. ۴ ـ از دیوار بالا ـ رفته یا حرز را شکسته یا کلید ساختگی به کار برده یا اینکه عنوان یا لباس مستخدم دولت را اختیار کرده یا برخلاف‌حقیقت خود را مامور دولتی قلمداد کرده یا در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا توابع آن است سرقت کرده باشند. ۵ ـ در ضمن سرقت کسی را آزار یا تهدید کرده باشند. ماده ۶۵۲ ـ هرگاه سرقت مقرون به آزار باشد و یا سارق مسلح باشد به حبس از سه ماه تا ده سال و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود و اگر جرحی نیز واقع شده باشد علاوه بر مجازات جرح به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم می گردد. ماده ۶۵۳ ـ هرکس در راه‌ها و شوارع به نحوی از انحاء مرتکب راهزنی شود در صورتی که عنوان محارب براو صادق نباشد به سه تاپانزده سال حبس و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود. ماده ۶۵۴ ـ هرگاه سرقت در شب واقع شده باشد و سارقین دو نفر یابیشتر باشند و لااقل یک نفر از آنان حامل سلاح ظاهر یا مخفی باشددر صورتی که بر حامل اسلحه عنوان محارب صدق نکند جزای‌مرتکب یا مرتکبان حبس از پنج تا پانزده سال و شلاق تا (۷۴)ضربه می‌باشد. ماده ۶۵۵ ـ مجازات شروع به سرقت‌های مذکور در مواد قبل تا پنج‌سال حبس و شلاق تا (۷۴) ضربه می‌باشد. ماده ۶۵۶ ـ در صورتی که سرقت جامع شرایط حد نباشد و مقرون‌به یکی از شرایط زیر باشد مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شود: ۱ ـ سرقت در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا در توابع آن یا در محل‌های عمومی از قبیل مسجد و حمام و غیر اینها واقع شده باشد. ۲ ـ سرقت در جایی واقع شده باشد که به واسطه درخت و یا بوته یا پرچین یا نرده محرز بوده و سارق حرز را شکسته باشد. ۳ ـ در صورتی که سرقت در شب واقع شده باشد. ۴ ـ سارقین دو نفر

یا بیشتر باشند. ۵ ـ سارق مستخدم بوده و مال مخدوم خود را دزدیده یا مال دیگری را در منزل مخدوم خود یا منزل دیگری که به اتفاق مخدوم به آنجارفته یا شاگرد یا کارگر بوده و یا در محلی که معمولا محل کار وی بوده از قبیل خانه دکان کارگاه کارخانه و انبار سرقت نموده باشد. ۶ ـ هرگاه اداره کنندگان هتل و مسافرخانه و کاروانسرا و کاروان و به‌طور کلی کسانی که به اقتضای شغل اموالی در دسترس آنان است تمام یا قسمتی از آن را مورد دستبرد قرار دهند. ماده ۶۵۷ ـ هرکس مرتکب ربودن مال‌دیگری از طریق کیف‌زنی جیب بری و امثال آن شود به حبس از یک تا پنج سال و تا (۷۴)ضربه شلاق محکوم خواهد شد. ماده ۶۵۸ ـ هرگاه سرقت در مناطق سیل یا زلزله‌زده یا جنگی یا آتش سوزی یا در محل تصادف رانندگی صورت پذیرد و حایزشرایط حد نباشد مرتکب به مجازات حبس از یک تا پنج سال و تا(۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. ماده ۶۵۹ ـ هرکس وسایل و متعلقات مربوط به تاسیسات مورد استفاده عمومی که به هزینه دولت یا با سرمایه دولت یا سرمایه مشترک دولت و بخش غیر دولتی یا به وسیله نهادها و سازمانهای‌عمومی غیر دولتی یا موسسات خیریه ایجاد یا نصب شده مانند تاسیسات بهره‌برداری آب و برق و گاز و غیره را سرقت نماید به‌حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌شود و چنانچه مرتکب از کارکنان سازمانهای مربوطه باشد به حداکثر مجازات مقرر محکوم‌خواهد شد. ماده ۶۶۰ ـ هرکس بدون پرداخت حق انشعاب و اخذ انشعاب آب و برق و گاز و تلفن مبادرت به استفاده غیر مجاز از آب و برق و تلفن وگاز نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به تحمل تا سه سال حبس‌محکوم خواهد شد. ماده ۶۶۱ ـ در سایر موارد که سرقت مقرون به شرایط مذکور درمواد فوق نباشد مجازات مرتکب حبس از سه ماه و یک روز تا دوسال و تا (۷۴) ضربه شلاق خواهد بود. ماده ۶۶۲ ـ هر کس با علم و اطلاع یا با وجود قراین اطمینان آور به‌اینکه مال در نتیجه ارتکاب سرقت بدست آمده است آن را به نحوی از انحاء تحصیل یا مخفی یا قبول نماید یا مورد معامله قرار دهد به حبس از شش ماه تا سه سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم‌خواهد شد. در صورتیکه متهم معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار داده باشد به حداکثر مجازات در این ماده محکوم می گردد. ماده ۶۶۳ ـ هرکس عالما در اشیای و اموالی که توسط مقامات ذیصلاح توقیف شده است و بدون اجازه دخالت یا تصرفی نمایدکه منافی با توقیف باشد ولو مداخله کننده یا متصرف مالک آن‌باشد به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. ماده ۶۶۴ ـ هرکس عالما عامدا برای ارتکاب جرمی اقدام به ساخت‌کلید یا تغییر آن نماید یا هرنوع وسیله‌ای برای ارتکاب جرم بسازد،یا تهیه کند به حبس از سه ماه تا یک سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. ماده ۶۶۵ ـ هرکس مال دیگری را برباید و عمل او مشمول عنوان سرقت نباشد به حبس از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد و اگر در نتیجه این کار صدمه‌ای به مجنی‌علیه وارد شده باشد به مجازات آن نیز محکوم خواهد شد. ماده ۶۶۶ ـ در صورت تکرار جرم سرقت مجازات سارق حبس‌مورد حداکثر مجازات مقرر در قانون خواهد بود. تبصره ـ در تکرار جرم سرقت در صورتی که سارق سه فقره محکومیت قطعی به اتهام سرقت داشته باشد دادگاه نمی‌تواند از جهات مخففه در تعیین مجازات استفاده نماید. ماده ۶۶۷ ـ در کلیه موارد سرقت و ربودن اموال مذکور در این فصل‌دادگاه علاوه بر مجازات تعیین شده سارق یا ربایند‌ه را به رد عین ودر صورت فقدان عین به رد مثل یا قیمت مال مسروقه یا ربوده شدهو جبران خسارت وارده محکوم خواهد نمود.

فصل بیست و دوم ـ تهدید و اکراه

ماده ۶۶۸ ـ هرکس با جبر و قهر یا با اکراه و تهدید دیگری را ملزم به‌دادن نوشته یا سند یا امضا و یا مهر نماید و یا سند و نوشته‌ای که‌متعلق به او یا سپرده به او می‌باشد را از وی بگیرد به حبس از سه ماه تا دو سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. ماده ۶۶۹ ـ هرگاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یاضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشای سری نسبت به خودیا بستگان او نماید، اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد به مجازات شلاق

تا (۷۴) ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم‌خواهد شد.

فصل بیست و سوم ــ ورشکستگی

ماده ۶۷۰ ـ کسانی که به عنوان ورشکستگی به تقلب محکوم می شوند به مجازات حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهند شد. ماده ۶۷۱ ـ مجازات ورشکسته به تقصیر از شش ماه تا دو سال‌حبس است ماده ۶۷۲ ـ هرگاه مدیر تصفیه در امر رسیدگی به ورشکستگی بین طلبکاران و تاجر ورشکسته مستقیما یا مع‌الواسطه از طریق عقدقرارداد یا به طریق دیگر تبانی نماید به شش ماه تا سه سال حبس و یا به جزای نقدی از سه تا هجده میلیون ریال محکوم می گرد

فصل بیست و چهارم ــ خیانت در امانت

ماده ۶۷۳ ـ هرکس از سفید مهر یا سفید امضایی که به او سپرده شده‌است یا به هر طریق بدست آورده سو استفاده نماید به یک تا سه‌سال حبس محکوم خواهد شد. ماده ۶۷۴ ـ هرگاه اموال منقول یا غیر منقول یا نوشته‌هایی از قبیل‌سفته و چک و قبض و نظایر آن به عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هرکار با اجرت یابی‌اجرت به کسی داده شده و بنابراین بوده است که اشیای مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی‌برسد و شخصی که آن اشیا نزد او بوده آنها را به ضرر مالکین یا متصرفین آنها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید به حبس‌از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

فصل بیست و پنجم – احراق و تخریب و اتلاف اموال و حیوانات

ماده ۶۷۵ ـ هر کس عمدا عمارت یا بنا یا کشتی یا هواپیما یا کارخانه یا انبار و به طور کلی هر محل مسکونی یا معد برای سکنی یا جنگل یا خرمن یا هر نوع محصول زراعی یا اشجار یا مزارع یا باغهای متعلق به دیگری را آتش بزند به حبس از دو تا پنج سال‌محکوم می‌شود. تبصره۱ ـ اعمال فوق در این فصل در صورتی که به قصد مقابله با حکومت اسلامی باشد مجازات محارب را خواهد داشت تبصره۲ ـ مجازات شروع به جرایم فوق شش ماه تا دو سال حبس می‌باشد. ماده ۶۷۶ ـ هرکس سایر اشیای منقول متعلق به دیگری را آتش بزند به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. ماده ۶۷۷ ـ هرکس عمدا اشیای منقول یا غیرمنقول متعلق به‌دیگری را تخریب نماید یا به هر نحو کلاـ یا بعضا تلف نماید و یا ازکار اندازد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. ماده ۶۷۸ ـ هرگاه جرایم مذکور در مواد (۶۷۶) و (۶۷۷) به وسیله‌مواد منفجره واقع شده باشد مجازات مرتکب دو تا پنج سال حبس‌است ماده ۶۷۹ ـ هرکس به عمد و بدون ضرورت حیوان حلال گوشت متعلق به دیگری یا حیواناتی که شکار آنها توسط دولت ممنوع اعلام شده است را بکشد یا مسموم یا تلف یا ناقص کند به حبس ازنود و یک روز تا شش ماه یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد. ماده ۶۸۰ ـ هرکس برخلاف مقررات و بدون مجوز قانونی اقدام به‌شکار یا صید حیوانات و جانوران وحشی حفاظت شده نماید به حبس از سه ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از یک و نیم میلیون ریال تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد. ماده ۶۸۱ ـ هرکس عالما دفاتر و قباله‌ها و سایر اسناد دولتی را بسوزاند یا به هرنحو دیگری تلف کند به حبس از دو تا ده سال محکوم خواهد شد. ماده ۶۸۲ ـ هرکس عالما هر نوع اسناد یا اوراق تجارتی و غیرتجارتی غیر دولتی را که اتلاف آنها موجب ضرر غیر است بسوزاند یا به هرنحو دیگر تلف کند به حبس از سه ماه تا دو سال

محکوم‌خواهد شد. ماده ۶۸۳ ـ هر نوع نهب و غارت و اتلاف اموال و اجناس و امتعه یا محصولات که از طرف جماعتی بیش از سه نفر به نحو قهر و غلبه واقع شود چنانچه محارب شناخته نشوند به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد. ماده ۶۸۴ ـ هرکس محصول دیگری را بچراند یا تاکستان یا باغ میوه یا نخلستان کسی را خراب کند یا محصول دیگری را قطع و درو نماید یا به واسطه سرقت یا قطع آبی که متعلق به آن است یا با اقدامات و وسایل دیگر خشک کند یا باعث تضییع آن بشود یا آسیاب دیگری را از استفاده بیندازد به حبس از شش ماه تا سه سال وشلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود. ماده ۶۸۵ ـ هرکس اصله نخل خرما را به هرترتیب یا هر وسیله بدون مجوز قانونی از بین ببرد یا قطع نماید به سه تا شش ماه حبس یا از یک میلیون و پانصد هزار تا سه میلیون ریال جزای نقدی یا هردو مجازات محکوم خواهد شد. ماده ۶۸۶ ـ هرکس درختان موضوع ماده یک قانون گسترش فضای‌سبز را عالما عامدا و برخلاف قانون مذکور قطع یا موجبات از بین‌رفتن آنها را فراهم آورد علاوه بر جبران خسارت وارده حسب موردبه حبس تعزیری از شش ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از سه‌میلیون تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد. ماده ۶۸۷ ـ هرکس در وسایل و تاسیسات مورد استفاده عمومی ازقبیل شبکه‌های آب و فاضلاب برق ، نفت گاز، پست و تلگراف و تلفن و مراکز فرکانس و ماکروویو (مخابرات و رادیو و تلویزیون و متعلقات مربوط به آنها اعم از سد و کانال و انشعاب لوله کشی ونیروگاه‌های برق و خطوط انتقال نیرو و مخابرات (کابلهای هوایی یازمینی یا نوری و دستگاههای تولید و توزیع و انتقال آنها که به‌هزینه یا سرمایه دولت یا با سرمایه مشترک دولت و بخش غیردولتی یا توسط بخش خصوصی برای استفاده عمومی ایجاد شده و همچنین در علایم راهنمایی و رانندگی و سایر علایمی که به منظورحفظ جان اشخاص یا تامین تاسیسات فوق یا شوارع و جاده‌هانصب شده است مرتکب تخریب یا ایجاد حریق یا از کار انداختن یا هر نوع خرابکاری دیگر شود بدون آن که منظور او اخلال در نظم و امنیت عمومی باشد به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد. تبصره۱ ـ در صورتی که اعمال مذکور به منظور اخلال در نظم و امنیت جامعه و مقابله با حکومت اسلامی باشد مجازات محارب راخواهد داشت تبصره۲ ـ مجازات شروع به جرایم فوق یک تا سه سال حبس است ماده ۶۸۸ ـ هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده دفع غیر بهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان ها و کشتار غیر مجازدام استفاده غیر مجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می‌باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد. تبصره۱ ـ تشخیص اینکه اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت‌عمومی و آلودگی محیط زیست شناخته می‌شود و نیز غیر مجازبودن کشتار دام و دفع فضولات دامی و همچنین اعلام جرم مذکورحسب مورد بر عهدهٔ وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان دامپزشکی خواهد بود. تبصره۲ ـ منظور از آلودگی محیط زیست عبارتست از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که‌کیفیت فیزیکی شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشدتغییر دهد. ماده ۶۸۹ ـ در تمام موارد مذکور در این فصل هرگاه حرق و تخریب و سایر اقدامات انجام شده منتهی به قتل یا نقص عضو یا جراحت و صدمه به انسانی شود مرتکب علاوه بر مجازاتهای مذکور حسب مورد به قصاص و پرداخت دیه و در هر حال به تادیه خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد.

فصل بیست و ششم ـ هتک حرمت منازل و املاک غیر

ماده ۶۹۰ ـ هرکس به وسیله صحنه سازی از قبیل پی‌کنی دیوارکشی تغییر حد فاصل امحای مرز، کرت بندی نهرکشی حفرچاه غرس اشجار و زراعت و امثال آن به تهیه آثار تصرف در اراضی مزروعی اعم از کشت شده یا در آیش زراعی جنگل‌ها و مراتع

ملی شـده کوهسـتان‌ها، باغ‌ها، قلمسـتان‌ها، منابع آب چشـمه‌سارها، انهار طبیعی و پارک های ملی تاسیـسات کشاورزی ودامداری و دامپروری و کشـت و صـنعت و اراضـی مـوات و بـایر و سـایر اراضـی و املاـک متعلـق بـه دولـت یـا شـرکت‌های وابسته به دولت‌یا شهرداری‌ها یا اوقاف و همچنین اراضـی و املاک و موقوفات و محبوسات و اثلاث باقیه که برای مصارف عام‌المنفعه اختصاص‌یافته یا اشـخاص حقیقی یا حقوقی به منظور تصـرف یا ذیحق معرفی کردن خود یا دیگری مبادرت نمایـد یا بدون اجازه سازمان حفاظت محیـط زیست یـا مراجع ذیصـلاح دیگر مبـادرت به عملیاتی نمایـد که موجب تخریب محیط زیست و منابع طبیعی گردد یا اقـدام به هرگونه تجاوز و تصـرف عـدوانی یا ایجاد مزاحمت یا ممانعت ازحق در موارد مـذکور نماید به مجازات یک ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود. دادگاه موظف است حسب مورد رفع تصـرف عدوانی یا رفع مزاحمت یا ممانعت از حق یا اعاده وضع به حال سابق نماید. تبصره۱ ـ رسیدگی به جرایم فوق الذکر خارج از نوبت به عمل‌می‌آید و مقام قضایی با تنظیم صورت مجلس دسـتور متوقف ماندن عملیات متجاوز را تا صدور حکم قطعی خواهد داد. تبصره۲ ـ در صورتی که تعداد متهمان سه نفر یا بیشتر باشد و قراین قوی برارتکاب جرم موجود باشـد قرار بازداشت صادر خواهدشـد، مدعی می‌تواند تقاضای خلع ید و قلع بنا و اشـجار و رفع آثارتجاوز را بنماید. ماده ۶۹۱ ـ هرکس به قهر و غلبه داخـل ملکی شود که در تصـرف‌دیگری است اعم از آن که محصور باشـد یـا نباشـد یا در ابتدای ورودبه قهر و غلبه نبوده ولی بعد از اخطار متصـرف به قهر و غلبه مانده‌باشد علاوه بر رفع تجاوز حسب مورد به یک تا شـش مـاه حبس‌محکوم می‌شود. هرگـاه مرتکبین دو نفر یـا بیشتر بوده و لااقـل یکی ازآنهاحامـل سـلاح‌باشد به‌حبس از یـک تـا سه سـال محکوم خواهنـد شد. ماده ۶۹۲ ـ هرگـاه کسـی ملک دیگری را به قهر و غلبه تصـرف کنـدعلاوه بر رفع تجاوز به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهدشـد. ماده ۶۹۳ ـ اگر کسـی به مـوجب حکم قطعی محکوم به خلع یـد ازمـال غیر منقولی یـا محکوم به رفع مزاحمت یا رفع ممانعت از حق‌شـده باشـد، بعـد از اجرای حکم مجـددا مورد حکم را عـدوانا تصـرف یا مزاحمت یا ممانعت از حق نماید علاوه بر رفع تجاوز به حبس ازشـش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. ماده ۶۹۴ ـ هرکس در منزل یا مسکن دیگری به عنف یـا تهدیـد وارد شود به مجـازات از شـش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهـد شـد و در صورتی که مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لااقل یکی از آنهاحامل سلاح باشد به حبس از یک تا شش سال محکوم می‌شوند. ماده ۶۹۵ ـ چنانچه جرایم مذکور در مواد (۶۹۲) و (۶۹۳) در شب واقع شده باشد مرتکب به حداکثر مجازات محکوم می‌شود. ماده ۶۹۶ ـ در کلیه مواردی که محکوم علیه علاوه بر محکومیت‌کیفری به رد عین یـا مثـل مال یا ادای قیمت یا پرداخت دیه و ضـرر و زیان ناشـی از جرم محکوم شـده باشـد و از اجرای حکم امتنـاع نمایـددر صورت تقاضـای محکوم له دادگـاه با فروش اموال محکوم علیه‌بجز مسـتثنیات دین حکم را اجرا یا تا استیفای حقوق محکوم له محکوم علیه را بازداشت خواهـد نمود. تبصـره ـ چنانچه محکوم علیه مـدعی اعسار شود تا صدور حکم اعسار و یا پرداخت به صورت تقسیط بازداشت ادامه خواهد داشت

فصل بیست و هفتم ــ افترا و توهین و هتک حرمت

ماده ۶۹۷ ـ هرکس به وسـیله اوراق چـاپی یـا خطی یا به وسـیله درج در روزنامه و جرایـد یا نطق در مجامع یا به هر وسـیله دیگر، به کسـی امری را صـریحا نسـبت دهد یا آنها را منتشـر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثـابت نمایـد جز در مواردی که موجب حـد است به یـک مـاه تا یک سال حبس و تا(۷۴) ضـربه شـلاق یا یکی از آنها حسب مورد محکوم خواهـد شـد. تبصـره ـ در مواردی که نشـر آن امر اشـاعه فحشـا محسوب گردد هرچنـد بتوانـد صـحت اسـناد را ثـابت نماید مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد. ماده ۶۹۸ ـ هرکس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسـیله نـامه یا شـکواییه یا مراسـلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی با امضا یا بـدون امضا اکاذیبی را

اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت راسا یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحا یا تلویحا نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه براعاده حیثیت در صورت امکان باید به حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم شود. ماده ۶۹۹ ـ هرکس عالما عامدا به قصد متهم نمودن دیگری آلات و ادوات جرم یا اشیایی را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او می گردد بدون اطلاع آن شخص در منزل یا محل کسب یا جیب یا اشیایی که متعلق به اوست بگذارد یا مخفی کند یا به نحوی متعلق به او قلمداد نماید و در اثر این عمل شخص مزبور تعقیب گردد، پس از صدور قرار منع تعقیب و یا اعلام برائت قطعی آن شخص مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شود. ماده ۷۰۰ ـ هرکس با نظم یا نثر یا به صورت کتبی یا شفاهی کسی را هجو کند و یا هجویه را منتشر نماید، به حبس از یک تا شش ماه محکوم می‌شود.

فصل بیست و هشتم ــ تجاهر به استعمال‌مشروبات‌الکلی و قماربازی و ولگردی

ماده ۷۰۱ ـ هرکس متجاهرا و به نحو علن در اماکن و معابر و مجامع عمومی مشروبات الکلی استعمال نماید، علاوه بر اجرای حد شرعی شرب خمر به دو تا شش ماه حبس تعزیری محکوم می‌شود. ماده ۷۰۲ ـ هرکس مشروبات الکلی را بخرد یا حمل یا نگهداری کند به سه تا شش ماه حبس و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شود. ماده ۷۰۳ ـ هرکس مشروبات الکلی را بسازد یا بفروشد یا درمعرض فروش قرار دهد یا از خارج وارد کند یا در اختیار دیگری قراردهد به سه ماه تا یک سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق و از یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی یا یک یا دومورد از آنها محکوم می‌شود. ماده ۷۰۴ ـ هرکس محلی را برای شرب خمر دایر کرده باشد یا مردم را به آنجا دعوت کند به سه ماه تا دو سال حبس و (۷۴) ضربه شلاق و یا از یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی یا هر دو آنها محکوم خواهد شد و در صورتی که هر دو مورد را مرتکب شود به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد. ماده ۷۰۵ ـ قماربازی با هر وسیله‌ای ممنوع و مرتکبین آن به یک تاشش ماه حبس و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شوند و درصورت تجاهر به قماربازی به هر دو مجازات محکوم می گردند. ماده ۷۰۶ ـ هرکس آلات و وسایل مخصوص به قماربازی را بخرد یا حمل یا نگهداری کند به یک تا سه ماه حبس یا تا پانصد هزار تا یک میلیون و پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم می‌شود. ماده ۷۰۷ ـ هرکس آلات و وسایل مخصوص به قماربازی را بسازد یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد یا از خارج وارد کند یا در اختیار دیگری قرار دهد به سه ماه تا یک سال حبس و یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود. ماده ۷۰۸ ـ هرکس قمارخانه دایر کند یا مردم را برای قمار به آنجادعوت نماید به شش ماه تا دو سال حبس و یا از سه میلیون تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود. ماده ۷۰۹ ـ تمام اسباب و نقود متعلق به قمار حسب مورد معدوم یابه عنوان جریمه ضبط می‌شود. ماده ۷۱۰ ـ اشخاصی که در قمارخانه‌ها یا اماکن معد برای صرف مشروبات الکلی موضوع مواد (۷۰۱) و (۷۰۵) قبول خدمت کنندیا به نحوی از انحاء به دایر کننده این قبیل اماکن کمک نمایند معاون محسوب می‌شوند و مجازات مباشر در جرم را دارند ولی دادگاه می‌تواند نظر به اوضاع و احوال و میزان تاثیر عمل معاون مجازات را تخفیف دهد. ماده ۷۱۱ ـ هرگاه یکی از ضابطین دادگستری و سایر مامورین صلاحیت‌دار از وجود اماکن مذکور در مواد (۷۰۴) و (۷۰۵) و(۷۰۸) یا اشخاص مذکور در ماده (۷۱۰) مطلع بوده و مراتب را به‌مقامات ذی‌صلاح اطلاع ندهند یا برخلاف واقع گزارش نمایند درصورتی که به‌موجب قانونی دیگر مجازات شدیدتری نداشته باشند به سه تا شش ماه حبس یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شوند. ماده ۷۱۲ ـ هرکس تکدی یا کلاشی را پیشه خود قرار داده باشد و از این راه امرار معاش نماید یا ولگردی نماید به حبس از یک تا سه ماه محکوم خواهد شد و چنانچه با وجود توان مالی مرتکب عمل فوق شود علاوه بر مجازات مذکور

کلیه اموالی که از طریق تکدی وکلاشی بدست آورده است مصادره خواهد شد. ماده ۷۱۳ ـ هرکس طفل صغیر یا غیر رشیدی را وسیله تکدی قرار دهد یا افرادی را به این امر بگمارد به سه ماه تا دو سال حبس و استرداد کلیه اموالی که از طریق مذکور به دست آورده است محکوم‌خواهد شد.

فصل بیست و نهم ـ جرایم ناشی از تخلفات رانندگی

ماده ۷۱۴ ـ هرگاه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده (اعم از وسایط نقلیه زمینی یا آبی یاهوایی یا متصدی وسیله موتوری منتهی به قتل غیر عمدی شود مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم می‌شود. تبصره ـ اظهار نظر کارشناسی در خصوص تشخیص بی احتیاطی یا بی موالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت در مورد سوانح مربوط به وسایل نقلیه زمینی، آبی و هوایی حسب مورد اداره راهنمایی و رانندگی، شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران، سازمان بنادر و کشتیرانی و سازمان هواپیمایی کشوری می باشد. ماده ۷۱۵ ـ هرگاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب مرض جسمی یا دماغی که غیر قابل علاج باشد و یا از بین رفتن یکی از حواس یا از کار افتادن عضوی از اعضای بدن که یکی از وظایف ضروری زندگی انسان را انجام می‌دهد یا تغییر شکل دایمی‌عضو یا صورت شخص یا سقط جنین شود مرتکب به حبس از دوماه تا یک سال و به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم می‌شود. ماده ۷۱۶ ـ هرگاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب‌صدمه بدنی شود که باعث نقصان یا ضعف دایم یکی از منافع یایکی از اعضای بدن شود و یا باعث از بین رفتن قسمتی از عضو مصدوم گردد، بدون آن که عضو از کار بیفتد یا باعث وضع حمل زن قبل از موعد طبیعی شود مرتکب به حبس از دو ماه تا شش ماه و پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم خواهدشد. ماده ۷۱۷ ـ هرگاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب‌صدمه بدنی شود مرتکب به حبس از یک تا پنج ماه و پرداخت دیه‌در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم می‌شود. ماده ۷۱۸ ـ در مورد مواد فوق هرگاه راننده یا متصدی وسایل موتوری در موقع وقوع جرم مست بوده یا پروانه نداشته یا زیادتر ازسرعت مقرر حرکت می‌کرده است یا آن که دستگاه موتوری را باوجود نقص و عیب مکانیکی موثر در تصادف به کار انداخته یا در محل‌هایی که برای عبور پیاده‌رو علامت مخصوص گذارده شده‌است مراعات لازم ننماید و یا از محل‌هایی که عبور از آن ممنوع‌گردیده است رانندگی نموده به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد فوق محکوم خواهد شد. دادگاه می‌تواند علاوه برمجازات فوق مرتکب را برای مدت یک تا پنج سال از حق رانندگی‌یا تصدی وسایل موتوری محروم نماید. تبصره ـ اعمال مجازات موضوع مواد (۷۱۴) و (۷۱۸) این قانون‌از شمول بند (۱) ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۲۸/۱۲/۱۳۷۳ مجلس شورای‌اسلامی مستثنی می‌باشد. ماده ۷۱۹ ـ هرگاه مصدوم احتیاج به کمک فوری داشته و راننده با وجود امکان رساندن مصدوم به مراکز درمانی و یا استمداد ازمأمورین انتظامی از این کار خودداری کند و یا به منظور فرار ازتعقیب محل حادثه را ترک و مصدوم را رها کند حسب مورد به‌بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد (۷۱۴) و (۷۱۵) و(۷۱۶) محکوم خواهد شد. دادگاه نمی‌تواند در مورد این ماده اعمال‌کیفیت مخففه نماید. تبصره۱ ـ راننده در صورتی می‌تواند برای انجام تکالیف مذکور دراین ماده وسیله نقلیه را از صحنه حادثه حرکت دهد که برای کمک‌رسانیدن به مصدوم توسل به طریق دیگر ممکن نباشد. تبصره۲ ـ در تمام موارد مذکور هرگاه راننده مصدوم را به نقاطی‌برای معالجه و استراحت برساند و یا مأمورین مربوطه را از واقعه آگاه کند و یا به هرنحوی موجبات معالجه و ا ستراحت و تخفیف آلام مصدوم را فراهم کند دادگاه مقررات تخفیف را درباره او رعایت‌خواهد نمود. ماده ۷۲۰ ـ هرکس در ارقام و مشخصات پلاک وسایل نقلیه‌موتوری زمینی آبی یا کشاورزی تغییر دهد و یا پلاک وسیله

نقلیه‌موتوری دیگری را به آن الصاق نماید یا برای آن پلاک تقلبی بکار بردیا چنین وسایلی را با علم به تغییر و یا تعویض پلاک تقلبی مورداستفاده قرار دهد و همچنین هرکس به نحوی از انحاء در شماره‌شاسی موتور یا پلاک وسیله نقلیه موتوری و یا پلاکهای موتور وشاسی که از طرف کارخانه سازنده حک یا نصب شده بدون تحصیل‌مجوز از راهنمایی و رانندگی تغییر دهد و آن را از صورت اصلی‌کارخانه خارج‌کند به‌حبس ازشش‌ماه‌تا یک سال محکوم خواهد شد. ماده ۷۲۱ ـ هرکس بخواهد وسیله نقلیه موتوری را اوراق کند مکلف است مراتب را با تعیین محل توقف وسیله نقلیه به راهنمایی‌و رانندگی محل اطلاع دهد، راهنمایی و رانندگی محل باید ظرف‌مدت یک هفته اجازه اوراق کردن وسیله نقلیه را بدهد و اگر به‌دلایلی با اوراق کردن موافقت ندارد تصمیم قطعی خود را ظرف‌همان مدت با ذکر دلیل به متقاضی ابلاغ نماید، هرگاه راهنمایی ورانندگی هیچگونه اقدامی در آن مدت نکرد اوراق کردن وسیله نقلیه پس از انقضای مدت مجاز است تخلف از این ماده برای اوراق کننده‌موجب محکومیت از دو ماه تا یک سال حبس خواهد بود. ماده ۷۲۲ ـ چنانچه وسیله موتوری یا پلاک آن سرقت یا مفقودشود، شخصی که وسیله در اختیار و تصرف او بوده است اعم از آن‌که مالک بوده یا نبوده پس از اطلاع مکلف است بلافاصله مراتب رابه نزدیکترین مرکز نیروی انتظامی اعلام نماید، متخلف از این ماده‌به جزای نقدی از پانصد هزار تا یک میلیون ریال محکوم خواهدشد. ماده ۷۲۳ ـ هرکس بدون گواهینامه رسمی اقدام به رانندگی و یاتصدی وسایل موتوری که مستلزم داشتن گواهینامه مخصوص‌است بنماید و همچنین هرکس به موجب حکم دادگاه از رانندگی‌وسایل نقلیه موتوری ممنوع باشد به رانندگی وسایل مزبور مبادرت‌ورزد برای بار اول به حبس تعزیری تا دو ماه یا جزای نقدی تا یک‌میلیون ریال و یا هر دو مجازات و در صورت ارتکاب مجدد به دوماه تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد. ماده ۷۲۴ ـ هر راننده وسیله نقلیه‌ای که در دستگاه ثبت سرعت‌وسیله نقلیه عمدا تغییری دهد که دستگاه سرعتی کمتر از سرعت‌واقعی نشان دهد و یا با علم به اینکه چنین تغییری در دستگاه مزبورداده شده با آن وسیله نقلیه رانندگی کند برای بار اول به حبس از ده‌روز تا دو ماه و یا جزای نقدی از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال و یاهر دو مجازات و در صورت تکرار به دو تا شش ماه حبس محکوم‌خواهد شد. ماده ۷۲۵ ـ هریک از مأمورین دولت که متصدی تشخیص مهارت‌و دادن گواهینامه رانندگی هستند اگر به کسی که واجد شرایط‌رانندگی نبوده پروانه بدهند به حبس تعزیری از شش ماه تا یک سال‌و به پنج سال انفصال از خدمات دولتی محکوم خواهند شد وپروانه صادره نیز ابطال می‌گردد. ماده ۷۲۶ ـ هرکس در جرایم تعزیری معاونت نماید حسب مورد به‌حداقل مجازات مقرر در قانون برای همان جرم محکوم می‌شود. ماده ۷۲۷ ـ جرایم مندرج در مواد ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶ قسمت اخیر ماده ۵۹۶، ۶۰۸، ۶۲۲، ۶۳۲،۶۳۳، ۶۴۲، ۶۴۸، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۹، ۶۸۲، ۶۸۴،۶۸۵، ۶۹۰، ۶۹۲، ۶۹۴، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹ و ۷۰۰ جز با شکایت‌شاکی خصوصی تعقیب نمی‌شود و در صورتی که شاکی خصوصی‌گذشت نماید دادگاه می‌تواند در مجازات مرتکب تخفیف دهد و یابا رعایت موازین شرعی از تعقیب مجرم صرفنظر نماید. ماده ۷۲۸ ـ قاضی دادگاه می‌تواند با ملاحظه خصوصیات جرم و مجرم و دفعات ارتکاب جرم در موقع صدور حکم و در صورت‌لزوم از مقررات مربوط به تخفیف تعلیق و مجازاتهای تکمیلی وتبدیلی از قبیل قطع موقت خدمات عمومی حسب مورد استفاده‌نماید. ماده ۷۲۹ ـ کلیه قوانین مغایر با این قانون از جمله قانون مجازات‌عمومی مصوب سال ۱۳۰۴ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن ملغی‌است قانون فوق مشتمل بردویست و سی و دو ماده و چهل و چهارتبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ دوم خردادماه یکهزار و سیصد و هفتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ۶/۳/۱۳۷۵ به تایید شورای نگهبان رسیده است لازم به ذکر است که شماره مواد مصوبه مجلس تحت عنوان کتاب‌پنجم ـ تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده به دنبال مواد قانون مجازات اسلامی که قبلا به تصویب رسیده از شماره ۴۹۸ تا ۷۲۹تدوین گردیده است

۲– قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب

باب اول کشف جرم و تحقیقات مقدماتی

فصل اول ضابطین دادگستری و تکالیف آنان

ماده ۱۵ ـ ضابطین دادگستری مامورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به‌موجب قانون اقدام‌می‌نمایند و عبارتند از: ۱ ـ نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ۲ ـ رؤسا و معاونین زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان ۳ ـ مامورین نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب‌اسلامی که به موجب قوانین خاص و در محدوده وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند. ۴ ـ سایر نیروهای مسلح در مواردی که شورای عالی امنیت‌ملی تمام یا برخی از وظایف ضابط بودن نیروی انتظامی را به آنان محول کند. ۵ ـ مقامات و مامورینی که به‌موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند.[۱۹] تبصره ـ گزارش ضابطین در صورتی معتبر است که موثق و مورداعتماد قاضی باشد. ماده ۱۶ ـ ضابطین دادگستری مکلفند دستورات مقام قضایی را اجرا کنند. در صورت تخلف به سه ماه تا یک سال انفصال ازخدمت دولت و یا از یک تا شش ماه حبس محکوم خواهند شد.[۱۹] ماده ۱۷ ـ ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط به عهده دارند با رییس حوزه قضایی است ماده ۱۸ ـ ضابطین دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم درجرایم غیر مشهود مراتب را جهت کسب تکلیف و اخذ دستورلازم به مقام ذی صلاح قضایی اعلام می‌کنند و در خصوص‌جرایم مشهود تمامی اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات وادوات و آثار و علایم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی معمول و تحقیقات مقدماتی را انجام و بلافاصله به‌اطلاع مقام قضایی می‌رسانند.[۲۰، ۲۳] ماده ۱۹ ـ تحقیقات مقدماتی مجموعه اقداماتی است که برای‌کشف جرم و حفظ آثار و ادله وقوع آن و تعقیب متهم از بدوپیگرد قانونی تا تسلیم به مرجع قضایی صورت می‌گیرد.ضابطین دادگستری حق اخذ تامین از متهم را ندارند. ماده ۲۰ ـ ضابطین دادگستری مکلفند در اسرع وقت و در مدتی که مقام قضایی تعیین می‌نماید نسبت به انجام دستورات و تکمیل پرونده اقدام کنند. چنانچه به هر علت اجرای دستور و یا تکمیل میسر نگردد موظفند در پایان هر ماه گزارش آن را با ذکر علت به مقام قضایی ذی ربط ارسال نمایند. متخلف از این‌امر به مجازات مقرر در ماده (۱۶)این قانون محکوم خواهدشد. ماده ۲۱ ـ جرم در موارد زیر مشهود محسوب می‌شود: ۱ ـ جرمی که در مرئی و منظر ضابطین دادگستری واقع شده و یا بلافاصله مامورین یاد شده در محل وقوع جرم حضور یافته یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند. ۲ ـ در صورتی که دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند ویا مجنی‌علیه بلافاصله پس از وقوع جرم شخص معینی رامرتکب جرم معرفی نماید. ۳ ـ بلافاصله پس از وقوع جرم علایم و آثار واضحه یا اسباب و دلایل جرم در تصرف متهم یافت شود یا تعلق اسباب و دلایل‌یاد شده به متهم محرز شود. ۴ ـ در صورتی که متهم بلافاصله پس از وقوع جرم قصد فرارداشته یا در حال فرار یا فوری پس از آن دستگیر شود. ۵ ـ در مواردی که صاحبخانه بلافاصله پس از وقوع جرم ورود مامورین را به خانه خود تقاضا نماید. ۶ ـ وقتی که متهم ولگرد باشد.[۲۳] ماده ۲۲ ـ هرگاه علایم و امارات وقوع جرم مشکوک بوده و یا اطلاعات ضابطین دادگستری از منابع موثق نباشد قبل از اطلاع به مقامات قضایی تحقیقات لازم را بدون این‌که حق‌دستگیری یا ورود به منزل کسی را داشته باشند به عمل آورده‌و نتیجه را به مقامات یاد شده اطلاع می‌دهند.[۲۱] ماده ۲۳ ـ در مورد جرایم مشهود که رسیدگی به آنها از صلاحیت مقام قضایی محل خارج است مقام قضایی محل مکلف است‌کلیه اقدامات لازم را برای جلوگیری از امحای آثار جرم و فرارمتهم و هر تحقیقی که برای کشف جرم لازم بداند به عمل آورده و نتیجه اقدامات خود را سریعا به مقام قضایی صالح اعلام نماید.[۲۳مکرر] تبصره ـ در مورد اشخاصی که رسیدگی به جرایم آنان درصلاحیت دادگاههای مرکز می‌باشد ضمن اعلام مراتب منحصرا آثار و دلایل جرم

جمع آوری و بلافاصله به مرکزارسال خواهد گردید. ماده ۲۴ ـ ضابطین دادگستری نتیجه اقدامات خود را به اطلاع مرجع قضایی صالح می‌رسانند، در صورتی که مرجع مذکور اقدامات انجام شده را کافی نیافت می‌تواند تکمیل آن را بخواهد، در این مورد ضابطین مکلفند به دستور مقام قضایی تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم به عمل آورند،لیکن نمی‌توانند متهم را در بازداشت نگهدارند و چنانچه درجرایم مشهود بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ شود و حداکثر تا مدت ۲۴ ساعت می‌توانند متهم را تحت نظر نگهداری نموده و در اولین فرصت باید مراتب راجهت اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع مقام قضایی برسانند. مقام قضایی در خصوص ادامه بازداشت و یا آزادی متهم تعیین‌تکلیف می‌نماید. همچنین تفتیش منازل اماکن و اشیا و جلب‌اشخاص در جرایم غیرمشهود باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد هرچند اجرای تحقیقات به‌طور کلی از طرف مقام‌قضایی به ضابط ارجاع شده باشد.[۲۴] ماده ۲۵ ـ ضابطین دادگستری پس از ورود مقام قضایی تحقیقاتی‌را که انجام داده‌اند به وی تسلیم نموده و دیگر حق مداخله‌ندارند، مگر به دستور مقام قضایی و یا ماموریت جدیدی که از طرف وی به آنان ارجاع می‌شود.[۲۶]

فصل دوم اختیارات دادرس دادگاه و قاضی تحقیق

مبحث اول ــ شروع به رسیدگی و قرار بازداشت

ماده ۲۶ ـ در حوزه‌هایی که شعب متعدد دادگاه تشکیل شده باشد،پرونده‌ها و شکایات واصله توسط رییس حوزه قضایی به‌شعب ارجاع می‌شود. رییس حوزه قضایی می‌تواند این وظیفه‌را به یکی از معاونین خود تفویض نماید. در غیاب رییس حوزه قضایی یا معاون وی و فوریت امر روسای شعب دیگر به ترتیب تقدم عهده‌دار ارجاع پرونده خواهند بود. ماده ۲۷ ـ رییس یا دادرس هر شعبه مکلف است تحقیقات لازم را شخصا انجام دهد. این امر مانع از آن نیست که با لحاظ موازین شرعی و مقررات قانونی پاره‌ای از تحقیقات و تصمیمات به‌دستور و زیر نظر قاضی دادگاه وسیله قضات تحقیق یا ضابطین‌دادگستری به عمل آید. تعیین قاضی تحقیق با رییس حوزه قضایی یا معاون وی خواهدبود.[۳۳] ماده ۲۸ ـ قاضی تحقیق زیر نظر قاضی دادگاه انجام وظیفه خواهدنمود و می‌تواند پاره‌ای از اقدامات و تحقیقات را مطابق‌مقررات ماده قبل از ضابطین دادگستری بخواهد، در این‌صورت نتیجه به قاضی تحقیق اعلام می‌شود. ماده ۲۹ ـ مقامات و اشخاص رسمی موظفند به هنگام برخورد با امر جزایی در حوزه کاری خود مراتب را به رییس حوزه‌قضایی یا معاون وی اطلاع دهند.[۳۴] ماده ۳۰ ـ قاضی دادگاه می‌تواند در تحقیقات مقدماتی حضور یابدو بر نحوه تحقیقات نظارت نماید.[۳۶] ماده ۳۱ ـ قاضی تحقیق در موقع تحقیقات دستورات دادگاه را اجرا نموده و نتیجه آن را در صورت مجلس قید می‌کند و چنانچه در جریان اجرای دستور دادگاه دچار اشکالی شود به‌نحوی که انجام آن مقدور نباشد برای رفع اشکال مراتب را به‌قاضی دادگاه اعلام و طبق نظر دادگاه اقدام می‌نماید.[۳۷] ماده ۳۲ ـ در موارد زیر هرگاه قراین و امارات موجود دلالت برتوجه اتهام به متهم نماید، صدور قرار بازداشت موقت جایزاست الف ـ جرایمی که مجازات قانونی آن اعدام رجم صلب وقطع عضو باشد. ب ـ جرایم عمدی که حداقل مجازات قانونی آن سه سال‌حبس باشد. ج ـ جرایم موضوع فصل اول کتاب پنجم قانون مجازات‌اسلامی د ـ در مواردی که آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و دلایل جرم شده و یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعین واقعه گردیده و یا سبب شود که شهود از ادای شهادت‌امتناع نمایند، همچنین هنگامی که بیم فرار یا مخفی شدن‌متهم باشد و به طریق دیگری نتوان از آن جلوگیری نمود. ه ـ در قتل عمد با تقاضای اولیای دم برای اقامه بینه حداکثر به‌مدت شش روز. تبصره ۱ ـ در جرایم منافی عفت چنانچه جنبه شخصی نداشته باشد در صورتی بازداشت متهم جایز است که آزاد بودن وی‌موجب افساد شود. تبصره ۲ ـ رعایت مقررات بند (د) در بندهای (الف ، (ب و (ج نیز الزامی است ماده ۳۳ ـ قرار بازداشت موقت

توسط قاضـی دادگاه صادر و به تایید رییس حوزه قضایی محل یا معاون وی می‌رسد و قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان ظرف مدت ده‌روز می‌باشد. رسیدگی دادگاه تجدیدنظر خارج از نوبت خواهد بود. در هر صورت ظرف مدت یک ماه باید وضعیت متهم روشن شود و چنانچه قاضی مربوطه ادامه بازداشت موقت متهم را لازم بداند به ترتیب یاد شده اقدام خواهدنمود.[۳۸] تبصـره ـ در صورتی که قرار بـازداشت توسـط رییس حوزه قضایی‌صـادر شود و یـا محل فاقـد رییس حوزه قضایی و معاون باشـد با اعتراض متهم پرونـده به دادگاه تجدیـدنظر ارسال خواهد شد. در صورتی‌که دادگاه تجدیدنظر اعتراض متهم را وارد تشـخیص‌دهد قرار بازداشت متهم را فسخ و پرونـده به منظور اخـذ تامین مناسب دیگر به دادگاه صادرکننده قرار اعاده می‌گردد. ماده ۳۴ ـ قاضی تحقیق می‌توانـد در تمـام مراحـل تحقیقـات قراربـازداشت متهم و یا قرار اخـذ تامین و یا تبـدیل تامین را صادر نمایـد، در مورد قرار بازداشت و یا قرار تامینی که منتهی به‌بازداشت متهم شود مکلف است حداکثر ظرف مدت (۲۴)ساعت پرونده را برای اظهارنظر نزد قاضـی دادگاه ارسال کند.در صورت موافقت دادگاه با قرار بازداشت موقت و اعتراض متهم برابر ماده (۳۳) اقدام می‌شود. در مورد سایر قرارها در صورتی‌که قاضـی دادگاه با آن موافق‌نباشـد راسا مبادرت به صـدور قرار متناسب می‌نمایـد.[۳۸] تبصـره ـ تبدیل قرار تامین مذکور در این ماده در خصوص‌قرارهایی است که قاضی تحقیق راسا صادر کرده باشد. ماده ۳۵ ـ در موارد زیر با رعایت قیود ماده (۳۲) این قانون و تبصـره‌های آن هرگاه قراین و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم نمایـد صدور قرار بازداشت موقت الزامی است وتـا صـدور حکم بـدوی ادامه خواهـد یـافت مشروط بر این‌که مـدت آن از حـداقل مـدت مجـازات مقرر قـانونی جرم ارتکابی‌تجـاوز ننمایـد. الف ـ قتـل عمـد، آدم ربـایی اسیدپاشـی و محاربه و افسادفی‌الارض ب ـ در جرایمی که مجازات قانونی آن اعدام یا حبس دایم‌باشد. ج ـ جرایم سـرقت کلاهبرداری اختلاس ارتشا، خیانت درامانت جعل و اسـتفاده از سند مجعول در صورتی کـه متهم‌حـداقل یـک فقره سـابقه محکـومیت قطعی یـا دو فقره یـا بیشترسـابقه محکـومیت غیرقطعی بـه علـت ارتکـاب هریـک از جرایم‌مذکور را داشـته باشد. د ـ در مواردی که آزادی متهم موجب فساد باشد. ه ـ در کلیه جرایمی که به‌موجب قوانین خاص مقرر شده‌باشد.[۱۳۰ مکرر] مـاده ۳۶ ـ در حقـوق النـاس جـواز بـازداشت متهـم منـوط بـه تقاضای‌شـاکی است مـاده ۳۷ ـ کلیـه قرارهـای بـازداشت موقت بایـد مسـتدل و موجه بودهو مسـتند قـانونی و دلایـل آن و حق اعـتراض متهم در متن قرارذکر شود. همچنین قاضـی مکلف است در کلیه موارد پس از مهلت یک‌ماه در صورت ضـرورت با ذکر دلایل و مسـتندات قراربازداشت موقت را تجدید و در غیر این صورت بـا قرار تـامین منـاسب متهم را آزاد نمایـد. مـاده ۳۸ ـ دادرسـان دادگـاه و قضـات تحقیق هنگامی اقـدام به‌تحقیقات مقدماتی می‌نمایند که طبق قانون این حق را داشته‌باشند.[۴۳] ماده ۳۹ ـ دادرسان و قضات تحقیق باید در نهایت بی‌طرفی‌تحقیقات را انجـام داده و در کشف اوضـاع و احوالی که به نفع یاضـرر متهم است بی طرفی کامـل را رعایت نماینـد.[۴۴] ماده ۴۰ ـ دادرسان و قضات تحقیق مکلفند اقدامات فوری برای‌جلوگیری از امحای آثار و علایم جرم به عمل آورده و درتحصـیل و جمع‌آوری اسـباب و دلایل جرم به هیـچ وجه نبایـد تاخیر نماینـد.[۴۵] ماده ۴۱ ـ دادرسـان و قضـات تحقیق بر تحقیقـات و اقـدامات ضابطین دادگستری نظارت دارنـد و چنانچه تکمیل تحقیقات و اقدامات انجام شـده را ضـروری بداننـد تصـمیم مقتضـی اتخاذمی‌نمایند.[۴۶] ماده ۴۲ ـ مقامات رسـمی و ضابطین دادگستری موظفند دسـتورات‌دادرسان و قضات تحقیق را فوری به موقع اجرا گذارند،متخلف از این ماده به مجازات مقرر در قانون مجازات اسـلامی‌محکوم خواهـد شـد.[۴۷ و۴۸] ماده ۴۳ ـ در غیر موارد منـافی عفت دادرسـان و قضـات تحقیق‌می‌توانند اجرای تفتیش یا تحقیق از شـهود و مطلعین یا جمع‌آوری اطلاعات و دلایل و امارات جرم و یا هر اقدام‌دیگری را که برای کشف جرم لازم بدانند با تعلیمات لازم به‌ضابطین ارجاع کنند. این اقدامات ارزش اماره قضایی دارد. تبصره ـ تحقیق در جرایم منـافی عفت ممنوع است مگر درمواردی که جرم مشـهود باشـد و یـا دارای شـاکی خصوصـی بوده که در مورد اخیر توسـط قاضـی دادگـاه انجام می‌گیرد. ماده ۴۴ ـ هرگـاه در برابر دادرسـان و قضـات تحقیق هنگـام انجـام وظیفه مقـاومتی شود، دادرسـان و قضات تحقیق می‌تواننـد از قوای نظامی و انتظامی اسـتفاده کننـد. قوای یاد شـده مکلف به‌انجام آن هسـتند.[۴۹] ماده ۴۵ ـ دادرسان قضات

تحقیق و ضابطین نمی‌توانند به عذراین که متهم مخفی شده یا معین نیست و یا دسترسی به او مشکل است تحقیقات خود را متوقف سازند.[۵۲]

مبحث دوم ــ رد دادرسان و قضات تحقیق

ماده ۴۶ ـ دادرسان و قضات تحقیق در موارد زیر باید از رسیدگی و تحقیق امتناع نمایند و طرفین دعوا نیز می‌توانند آنان را رد کنند: الف ـ وجود قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرس یا قاضی تحقیق با یکی از طرفین دعوا یا اشخاصی که‌در امر جزایی دخالت دارند. ب ـ دادرس یا قاضی تحقیق قیم یا مخدوم یکی از طرفین باشد یا یکی از طرفین مباشر یا متکفل امور قاضی یا همسر او باشد. ج ـ دادرس یا قاضی تحقیق یا همسر یا فرزند آنان وارث یکی از اشخاصی باشد که در امر جزایی دخالت دارند. د ـ دادرس یا قاضی تحقیق در همان امر جزایی قبلا اظهار نظر ماهوی کرده و یا شاهد یکی از طرفین باشد. ه ـ بین دادرس یا قاضی تحقیق و یکی از طرفین یا همسر و یا فرزند او دعوای حقوقی یا جزایی مطرح باشد و یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی دو سال نگذشته‌باشد. و ـ دادرس یا قاضی تحقیق یا همسر یا فرزندان آنان نفع شخصی در موضوع مطروح داشته باشند.[۳۳۲] ماده ۴۷ ـ رد دادرس یا قاضی تحقیق در صورت وجود جهت یا جهاتی که در ماده قبل مذکور است باید قبل از صدور رای یا انجام تحقیقات باشد مگر این‌که جهت رد بعد از صدور رای کشف شود که در این صورت مورد از جهات تجدیدنظرخواهد بود.[۳۳۳] ماده ۴۸ ـ اظهار رد به دادرس دادگاه تسلیم می‌شود. هرگاه دادرس آن را بپذیرد از رسیدگی امتناع می‌کند و رسیدگی به دادرس علی‌البدل یا به شعبه دیگر ارجاع می‌شود و در صورت نبودن دادرس علی‌البدل یا شعبه دیگر، پرونده جهت رسیدگی به‌نزدیکترین دادگاه هم عرض فرستاده می‌شود.[۳۳۴] ماده ۴۹ ـ هرگاه دادرس اظهار رد را قبول ننماید مکلف است ظرف سه روز نظر خود را با صدور قرار لازم اعلام و به رسیدگی ادامه دهد، قرار مذکور ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل درخواست تجدیدنظر در دادگاه تجدید نظر استان است به این درخواست خارج از نوبت رسیدگی خواهد شد.[۳۳۴] ماده ۵۰ ـ شاکی یا مدعی خصوصی یا متهم می‌توانند به جهت یا جهاتی که موجب رد قاضی می‌باشد قاضی تحقیق را رد و موضوع را به صورت کتبی به دادرس دادگاه اعلام نمایند، درصورت قبول ایراد، دادرس دادگاه می‌تواند شخصا تحقیقات‌را انجام یا مراتب را جهت تعیین قاضی تحقیق دیگری به نظر رییس شعبه اول برساند.[۳۳۵]

مبحث سوم ــ صلاحیت دادگاه

ماده ۵۱ ـ دادگاهها فقط در حوزه قضایی محل ماموریت خود ایفای وظیفه نموده و در صورت وجود جهات قانونی در موارد زیر شروع به تحقیق و رسیدگی می‌کنند: الف ـ جرم در حوزه قضایی آن دادگاه واقع شده باشد. ب ـ جرم در حوزه قضایی دیگری واقع شده ولی در حوزه‌قضایی آن دادگاه کشف یا متهم در آن حوزه دستگیر شده باشد. ج ـ جرم در حوزه دادگاه دیگری واقع ولی متهم یا مظنون به ارتکاب جرم در حوزه آن دادگاه مقیم باشد.[۵۳، ۵۴] ماده ۵۲ ـ در مواردی که جرم خارج از حوزه قضایی دادگاه واقع شده ولی در حوزه آن کشف یا مرتکب در حوزه آن دستگیر شده باشد و همچنین در مواردی که دادگاه محل وقوع جرم‌صلاحیت محلی برای رسیدگی نداشته باشد، دادگاه تحقیقات مقتضی را به عمل آورده و پرونده را همراه با متهم (در صورت‌دستگیری نزد دادگاه صالح ارسال می‌دارد.[۵۵] ماده ۵۳ ـ چنانچه جرمی در محلی کشف شود ولی محل وقوع آن معلوم نباشد دادگاه به تحقیقاتی که شروع کرده ادامه می‌دهد تاوقتی که تحقیقات ختم و یا محل وقوع جرم معلوم شود،چنانچه محل وقوع جرم مشخص نگردد، دادگاه رسیدگی را ادامه داده و اقدام به صدور رای می‌نماید.[۵۶] ماده ۵۴ ـ متهم در دادگاهی محاکمه می‌شود که جرم در حوزه آن‌واقع شده است و اگر شخصی مرتکب چند جرم در جاهای مختلف بشود در دادگاهی رسیدگی

خواهـد شـد که مهمترین‌جرم در حوزه آن واقع شـده و چنـانچه جرایم ارتکـابی از حیث مجازات در یک درجه باشـد دادگاهی که مرتکب در حوزه آن‌دسـتگیر شـده رسیدگی می‌نمایـد و در صورتی که جرایم متهم‌در حوزه‌های قضایی مختلف واقع شـده باشد و متهم دسـتگیرنشده دادگاهی که ابتدائا شـروع به تعقیب موضوع نموده صلاحیت رسیدگی به کلیه جرایم مذکور را دارد.[۱۹۹] ماده ۵۵ ـ هر کس متهم به ارتکـاب جرایم متعـددی باشـد که‌رسیدگی به بعضـی از آنها در صـلاحیت دادگاه عمومی و بعضـی‌دیگر در صلاحیت دادگاه انقلاب یا نظامی باشد متهم ابتدا درداد‌گاهی که صـلاحیت رسیدگی به مهمترین اتهام را دارد محاکمه می‌شود و پس از آن برای رسیدگی به اتهام دیگر به‌دادگاه مربوط اعزام خواهـد شد. در صورتی که اتهامات ازحیث کیفر مساوی باشد متهم حسب مـورد به ترتیب در دادگاه‌انقلاب و نظـامی و عمومی محـاکمه می‌شود.[۱۹۷] ماده ۵۶ ـ شـرکا و معـاونین جرم در دادگاهی محاکمه می‌شوند که‌صلاحیت رسیدگی به اتهام مجرم اصلی را دارد.[۱۹۸] ماده ۵۷ ـ هرگاه یکی از اتباع ایرانی در خارج از قلمرو حاکمیت‌جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرمی شده و در ایران‌دستگیر شود در دادگاهی محاکمه می‌شود که در حوزه آن دستگیر شده است [۲۰۰] ماده ۵۸ ـ حل اختلاف در صـلاحیت در امور کیفری طبق قواعـد مـذکور در کتاب آیین‌دادرسـی در (امور مـدنی خواهد بود. ماده ۵۹ ـ چنانچه تحقیق از متهم یا استماع شـهادت شـهود و یا معاینه محل بازرسی از منزل جمع‌آوری آلات جرم و به طورکلی هر اقـدام دیگر در محلی که خارج از حوزه قضایی دادگاه‌است لازم شود، دادگاه رسـیدگی کننـده با اعطای نیابت قضایی انجـام آن را بـا ذکر صـریح موارد از دادگاه آن محل تقاضامی‌نمایـد. دادگاه اقـدامات و تحقیقات مورد تقاضا را انجام داده‌و اوراق تنظیمی را پس از امضا با سایر مدارک به دست آمده‌نزد دادگاه نیابت‌دهنده اعاده می‌کند.[۵۷] تبصره ـ در مواردی که اقرار متهم و یا شـهادت شاهد و یا شـهادت‌بر شـهادت شاهد، مستند رای دادگاه می‌باشد، استماع آن توسط قاضی صادرکننده رای الزامی است ماده ۶۰ ـ هنگامی که دادگاه درخواست تحقیق از متهمی را از دادگاه دیگری نمایـد، می‌تواند نوع تامین را معین کرده و یا آن‌را به نظر دادگاهی که تحقیق از آن درخواست شـده است واگـذار نمایـد. در مواردی که دادگاه تقاضاکننده نظری در مورد تامین اظهار نکرده باشد و یا برای دادگاهی که تحقیق از آن‌درخواست شده احراز شود که تامین اخذ نشده و یا آن را نامتناسب تشـخیص دهد، به نظر خود تـامین متناسبی اخذخواهـد کرد.[۵۷ مکرر] تبصـره ـ دادگـاه مجری نیابت می‌توانـد انجام مورد نیابت را به‌قاضـی تحقیق محول نماید. ماده ۶۱ ـ تحقیقات مقدماتی باید سریع انجام شود و تعطیلات مانع از انجام تحقیقات نمی‌شود.[۵۸]

مبحث چهارم ـ احاله

ماده ۶۲ ـ در امور کیفری احـاله پرونـده از حوزه‌ای به حوزه دیگر یک اسـتان به درخواست رییس حوزه مبـدأ و موافقت شـعبه اول دادگـاه تجدیـدنظر همان اسـتان و از حوزه یک اسـتان به اسـتان‌دیگر به درخواست رییس حوزه قضایی و موافقت دیوان‌عالی‌کشور صورت می‌گیرد.[۲۰۵] ماده ۶۳ ـ موارد احاله عبارت است از: الف ـ بیشتر متهمین در حوزه دادگاه دیگری اقامت داشته‌باشـند. ب ـ محـل وقـوع جرم از دادگـاه صالـح دور باشـد به‌نحوی که‌دادگـاه دیگر به علت نزدیـک بودن به محـل واقعه بهـتر بتوانـد رسـیدگی نماید.[۲۰۶] ماده ۶۴ ـ علاـوه بر موارد مـذکور در دو مـاده فوق ، به منظور حفظ‌ن ظم و امنیت هرگاه رییس قوه قضاییه یا دادسـتان کل کشور تشخیص دهد، پس از موافقت دیوان‌عالی کشور پرونده به‌مرجع قضایی دیگر احاله خواهد شد.[۲۰۷]

مبحث پنجم ـ شروع و کیفیت تحقیقات

ماده ۶۵ ـ جهـات قـانونی برای شـروع به تحقیقـات و رسیدگی به‌قرار زیر است الف ـ شـکایت شـاکی ب ـ اعلاـم و اخبـار ضابطین دادگستری یا اشخاصـی که ازقولشان اطمینان حاصل شود. ج ـ جرایم مشـهود در صورتی که قاضی ناظر وقوع آن باشد. د ـ اظهار و اقرار متهم [۲۰۹] تبصـره ـ شـروع به تحقیقات و رسیدگی منوط به ارجاع رییس‌حوزه قضایی می‌باشد. ماده ۶۶ ـ هرگاه کسی اعلام

نمایـد که خـود، نـاظر وقوع جرمی بوده و جرم مـذکور دارای جنبه عمومی باشـد، این اظهـار برای شـروع به رسیدگی کـافی است هرچنـد دلایل دیگری برای انجام تحقیقات نباشـد ولی اگر اعلام‌کننـده شاهد قضیه نبوده به‌صـرف اعلام نمی‌توان شـروع به تحقیق نمود مگر این‌که دلایل‌صحت ادعا موجود باشد.[۶۱] ماده ۶۷ ـ گزارشـها و نامه‌هایی را که هویت گزارش‌دهندگان و نویسندگان آنها مشخص نیست نمی‌توان مبنای شروع به‌رسیدگی قرار داد مگر آن‌که دلالت بر وقوع امر مهمی کند که‌موجب اخلال در نظم و امنیت عمومی است یا دارای قراینی‌باشد که به نظر قاضـی برای شروع به تحقیق کفایت نماید.[۶۲] ماده ۶۸ ـ شکایت برای شروع به رسیدگی کافی است قاضی‌دادگاه نمی‌تواند از انجام آن خودداری نماید.[۶۳] ماده ۶۹ ـ شاکی و مدعی خصوصی می‌تواند شخصا یا توسط وکیل شکایت کند. در شکواییه موارد زیر باید قید شود: الف ـ نام نام خانوادگی نام پدر و نشانی دقیق شاکی ب ـ موضوع شکـایت و ذکر تاریـخ و محـل وقوع جرم ج ـ ضـرر و زیان مالی که به‌مـدعی وارد شـده و مورد مطالبه‌است د ـ مشـخصات و نشانی مشـتکی‌عنه یـا مظنون در صورت امکـان ه ـ ادله و اسـامی و مشـخصات و نشـانی شـهود و مطلعین درصورت امکـان [۲۱۱،۲۱۰،۶۴] تبصره ۱ ـ در حوزه‌هـایی که شـعب دادگـاه متعـدد باشـد عرضـحال‌شاکی در دفـتر کـل ثبت و توسـط رییس حوزه قضـایی به یکی ازشـعب ارجـاع می‌شود. تبصـره ۲ ـ چنـانچه عرضـحال نـاقص یـا شـفاهی باشـد مراتب درصورت‌جلسه تنظیمی توسـط دفتر دادگـاه منعکس و به امضـا یـا اثر انگشت شاکی می‌رسـد.[۲۱۲،۶۵] ماده ۷۰ ـ هرگـاه شـاکی نتوانـد متهم را معین نمایـد یا دلایل اقامه‌دعوا کـافی نباشـد و یـا شـاکی از شـکایت خود صـرف نظر نموده ولی موضوع از جرایم غیرقابل گـذشت باشـد، دادگاه تحقیقات‌لازم را انجام می‌دهد.[۲۱۳] ماده ۷۱ ـ قضـات ذی ربـط و ضـابطین دادگستری موظفنـد شـکایت‌کتبی یا شـفاهی را همه وقت قبول نماینـد. شکایت شفاهی درصورت‌مجلس قید و به امضای شاکی می‌رسد، اگر شاکی‌نتواند امضا کند یا سواد نداشته باشد مراتب در صورت مجلس‌قید و انطباق شـکایت شـفاهی با مندرجات صورت‌مجلس‌تصدیق می‌شود.[۲۱۲] ماده ۷۲ ـ در مـواردی که تعقیب امر جزایی منوط به شـکایت شاکی‌خصوصـی است و متضرر از جرم محجور (صغیر، غیر رشید یا مجنون بوده و دسترسی به ولی یا قیم او نباشد یا مجنی علیه‌ولی یا قیم نداشته باشـد و نصب قیم موجب فوت وقت یا توجه‌ضـرر به محجور شود، تا حضور و مـداخله ولی یا قیم یا نصب‌قیم و همچنین در صـورتی که ولی یـا قیم خـود مرتکب جرم‌شـده یـا مـداخله در آن داشـته باشـد، دادگـاه شـخص دیگری را به‌عنوان قیم موقت تعیین می‌کنـد و یا خود، امر جزایی را تعقیب نموده و اقـدامات ضـروری را برای حفظ و جمع‌آوری دلایل‌جرم و جلوگیری از فرار متهم به عمـل می‌آورد.[۶۶ مکرر] تبصـره ـ در خصوص غیر رشـید فقط در دعاوی غیرمالی ترتیب مـذکور در این مـاده لازم الرعایه می‌باشـد. ماده ۷۳ ـ شـاکی حق دارد هنگـام تحقیقـات شـهود خود را معرفی ودلایـل خود را اظهـار نمایـد و نیز از صورت‌جلسه تحقیقـات مقـدماتی که منـافی با محرمانه بودن تحقیقات نباشـد پس از پرداخت هزینه رونوشت بگیرد.[۶۷] ماده ۷۴ ـ شاکی می‌تواند تامین ضرر و زیان خود را از دادگاه تقاضاکند، در صورتی که تقاضای شاکی مبتنی بر دلایل قابل قبول‌باشد دادگاه قرار تـامین خواسته را صـادر می‌نمایـد، این قرار قطعی و غیرقابل اعتراض است [۶۸] ماده ۷۵ ـ در صورتی که خواسته شـاکی عین معین نبوده و یـا عین‌معین بوده لکن توقیف آن ممکن نباشـد، دادگـاه معـادل مبلغ‌ضـرر و زیـان شـاکی از سایر اموال و دارایی متهم توقیف می‌کندو اگر تقاضای تبدیل توقیف اموال متهم به ضامن بشود، دادگاه‌طبق مقررات آیین دادرسـی مدنی عمل می‌نماید. قرار تامین به‌محض ابلاغ به موقع اجرا گذاشته می‌شود.[۶۸ مکرر] ماده ۷۶ ـ در صورتی که ثابت شود شاکی تعمدا اقدام به طرح‌شکایت خلاف واقع نموده به پرداخت خسـارات طرف‌شـکایت طبق نظر دادگـاه محکوم خواهـد شـد.[۶۹] ماده ۷۷ ـ چنانچه ضـمن تحقیق قاضـی دادگاه جرم دیگری را کشف نماید که به جرم اول مربوط نیست در صورتی که شـعبه‌دادگاه منحصر به فرد باشد به آن جرم نیز رسـیدگی می‌نمایـد و چنانچه شـعب دادگاه متعـدد باشـد اقدامات لازم را موافق‌قوانین برای حفظ آثار و امارات جرم مکشوف و جلوگیری از فرار متهم به عمل آورده و مراتب را به رییس حوزه قضایی اطلاع می‌دهد.[۷۲]

مبحث ششم ـ معاینه محل و تحقیقات محلی

ماده ۷۸ ـ معاینه محل توسط قاضی دادگاه و یا قاضی تحقیق و یا به‌دستور آنان توسط ضابطین دادگستری و یا اهل خبره مورد وثوق قاضی انجام می شود. هنگام معاینه محل اشخاصی که در امر جزایی شرکت دارند می توانند حاضر شوند لکن عدم‌حضور آنان مانع انجام معاینه نخواهد بود.[۷۳] ماده ۷۹ ـ معاینه محل در روز به عمل می آید، مگر در مواردی که‌فوریت دارد.[۷۴] ماده ۸۰ ـ هنگام تحقیق و معاینه محل تمامی آثار و علایم مشهوده و مکشوفه که به نحوی در قضیه موثر است در صورت مجلس قید میشود.[۷۵] ماده ۸۱ ـ برای حضور در معاینه و تحقیق محلی علاوه بر شهود واقعه از مطلعین نیز دعوت می شود. در موارد فوری قاضی می تواند اشخاصی را که حضور آنان ضروری است به محل احضار نماید.[۷۶] ماده ۸۲ ـ اشخاصی که برای حضور در معاینه و تحقیق محلی دعوت شده‌اند و حضور آنان ضروری باشد چنانچه در جرایم مخل امنیت و خلاف نظم عمومی بوده و بدون عذر موجه حاضر نشوند به دستور قاضی جلب خواهند شد. [۷۷] ماده ۸۳ ـ از اهل خبره هنگامی دعوت به عمل می آید که اظهار نظر آنان از جهت علمی یا فنی و یا معلومات مخصوص لازم باشد از قبیل پزشک داروساز، مهندس ارزیاب و دیگر صاحبان حرف چنانچه در جرایم مخل امنیت و یا خلاف نظم عمومیاهل خبره بدون عذر موجه حضور نیابد و من به‌الکفایه هم‌نباشد، به حکم قاضی جلب خواهد شد.[۷۸، ۲۵۷] ماده ۸۴ ـ قاضی مکلف است پرسشهای لازم را از اهل خبره به‌صورت کتبی و یا شفاهی به عمل آورده و آن را درصورت‌مجلس قید نماید. در صورتی که بعضی از آثار از نظرقاضی حایز اهمیت در کشف حقیقت باشد ولی به نظر خبره‌این اهمیت را نداشته باشد، خبره مکلف است به درخواست‌قاضی نسبت به آن اظهارنظر نماید.[۸۰] ماده ۸۵ ـ هنگام تحقیق توسط اهل خبره چنانچه قاضی لازم بداندمیتواند حضور یابد.[۷۹] ماده ۸۶ ـ اگر رسیدگی براساس شکایت شاکی باشد و شاهدی را معرفی نماید که دادگاه علم به شاهد گرفتن او در هنگام وقوع جرم داشته باشد و یا احقاق حق متوقف به شهادت شاهدباشد که دادگاه علم به شاهد بودن وی دارد و یا تحقیق به جهت‌ارتباط‌جرم‌با امنیت و نظم‌عمومی باشد،احضارشاهد جایزاست ماده ۸۷ ـ هرگاه در عقاید اهل خبره اختلافی حاصل شود یا عقیده آنان به نظر قاضی مشکوک باشد قاضی میتواند از خبرگان‌دیگری دعوت نماید و یا نظریه آنان را نزد متخصصین علم یافن مربوط ارسال و عقیده آنان را استعلام نماید.[۸۱] ماده ۸۸ ـ برای معاینه اجساد و جراحتها و آثار و علایم ضرب و صدمه‌های جسمی و آسیبهای روانی و سایر معاینه‌ها و آزمایشهای پزشکی، قاضی از پزشک قانونی معتمد دعوت می نماید و اگر پزشک قانونی نتواند حضور یابد و یا در جاییپزشک قانونی نباشد پزشک معتمد دیگری دعوت میشود. هرگاه پزشک قانونی در امری تخصص نداشته باشد قاضی می تواند از پزشک متخصص دعوت به عمل آورد.[۸۲] ماده ۸۹ ـ قاضی میتواند در صورت لزوم به یک پزشک اکتفانکرده و از چند پزشک دعوت کند. پزشک معالج مستثنا نخواهد بود.[۸۳] ماده ۹۰ ـ قاضی تا زمان حضور پزشک اقدامات لازم را برایحفظ جسد، کشف هویت متوفی و چگونگی فوت و غیره به‌عمل میآورد.[۸۴] ماده ۹۱ ـ شهود تحقیق و سایر اشخاصی که حق حضور دارند می توانند به نظریه اهل خبره اعتراض نمایند. مراتب اعتراض‌در صورت‌مجلس قید می شود.[۸۵] ماده ۹۲ ـ پزشک باید نظریه خود را حداکثر ظرف سه روز به‌قاضی اعلام نماید مگر در مواردی که اظهار نظر مستلزم مدت‌بیشتری باشد.[۸۶] ماده ۹۳ ـ در صورت اختلاف نظر پزشکان و یا تناقض نظر پزشک با اوضاع و احوال واقعه قاضی نظر پزشک را نزد پزشکانی که تخصص بیشتری دارند میفرستد، اشخاص یاد شده نظر خود را در صورت لزوم پس از اخذ توضیح از پزشکی که معاینه‌نموده و یا با معاینه مستقیم به‌طور کتبی به قاضی اعلام‌میکنند.[۸۷] ماده ۹۴ ـ هرگاه هویت متوفی معلوم نباشد قاضی علایم و مشخصات جسد و اثر انگشت او را به‌طور دقیق در صورت مجلس قید می نماید و در صورت امکان دستور عکسبرداری از آن میدهد، سپس برای تشخیص هویت‌متوفی به هر وسیله‌ای که مقتضی بداند اقدام مینماید.[۸۸] ماده ۹۵ ـ هرگاه قاضی تحقیق در جریان تحقیقات متوجه شود که متهم هنگام ارتکاب جرم مجنون بوده است تحقیقات لازم را از کسان و نزدیکان او و سایر مطلعین به عمل آورده و نظریه‌پزشک متخصص را در این مورد تحصیل مراتب را درصورت‌مجلس قید کرده

پرونده را به دادگاه ارسال می دارد.دادگاه پس از بررسی پرونده هرگاه تحقیقات قاضی تحقیق واهل خبره را کافی دید و از صحت آن مطمئن شد از نظر جزایی قرار موقوفی تعقیب صادر و در مورد دیه یا خسارات مالی درصورت مطالبه حکم مقتضی صادر مینماید، و چنانچه‌اطمینان به صحت تحقیقات حاصل نکرد، به تحقیق و جلب‌نظر اهل خبره تا حصول نتیجه ادامه میدهد. شخص مجنون با اذن ولی و یا در صورت ضرورت به مراکز مخصوص نگهداری و درمان منتقل خواهد شد.[۸۹]

فصل سوم تفتیش و بازرسی منازل و اماکن و کشف آلات و ادوات جرم

ماده ۹۶ ـ تفتیش و بازرسی منازل اماکن و اشیا در مواردی به عمل‌می‌آید که حسب دلایل ظن قوی به کشف متهم یا اسباب وآلات و دلایل جرم در آن محل وجود داشته باشد.[۹۱] ماده ۹۷ ـ چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص مزاحمت‌نماید، در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهمتر باشد. ماده ۹۸ ـ تفتیش و بازرسی در حضور متصرف قانونی و شهود تحقیق و در غیاب وی در حضور ارشد حاضرین به عمل‌می‌آید. تفتیش و بازرسی اماکن نیز حتی‌المقدور با حضورصاحبان یا متصدیان آنها انجام می‌شود.[۹۲، ۲۵۳] تبصره ـ هرگاه در محلی که از آن تفتیش و بازرسی به عمل می‌آیدکسی نباشد و تفتیش و بازرسی نیز فوریت داشته باشد، قاضی‌می‌تواند با قید مراتب در صورت‌جلسه دستور باز کردن محل‌را بدهد. ماده ۹۹ ـ اشخاصی که در امر جزایی دخیل هستند می‌توانند درموقع تفتیش و بازرسی حاضر باشند ولی سایر اشخاص‌نمی‌توانند داخل شوند مگر با اجازه متصرف قانونی [۹۳، ۲۵۳] ماده ۱۰۰ ـ تفتیش و بازرسی منازل در روز به عمل می‌آید و هنگام‌شب در صورتی انجام می‌گیرد که ضرورت اقتضا کند. جهت‌ضرورت را قاضی باید در صورت‌مجلس قید نماید.[۹۴، ۲۵۴] ماده ۱۰۱ ـ در صورت لزوم قاضی می‌تواند ورود و خروج به محل‌بازرسی را ممنوع نماید و برای اجرای این دستور از نیروی‌انتظامی و حسب ضرورت از نیروی نظامی استفاده کند.[۹۵] ماده ۱۰۲ ـ در صورتی که متصرفین قانونی اماکن یا متصدیان آنها دستور قاضی را در باز کردن محلها و اشیای بسته اجرا ننمایند، قاضی می‌تواند دستور باز کردن را بدهد ولی مکلف است‌حتی‌المقدور از اقداماتی که باعث ورود خسارت می‌شوداحتراز نماید.[۹۶] ماده ۱۰۳ ـ از اوراق و نوشته‌ها و سایر اشیای متعلق به متهم فقط‌آنچه که راجع به واقعه جرم است تحصیل و در صورت لزوم به‌شهود تحقیق ارایه می‌شود و قاضی مکلف است در مورد سایرنوشته‌ها و اشیای متعلق به متهم با کمال احتیاط رفتار نموده وموجب افشای مضمون و محتوای آنها که ارتباط به جرم نداردنشود.[۹۷] ماده ۱۰۴ ـ در مواردی که ملاحظه تفتیش و بازرسی مراسلات‌پستی مخابراتی صوتی و تصویری مربوط به متهم برای‌کشف جرم لازم باشد قاضی به مراجع ذی ربط اطلاع می‌دهدکه اشیای فوق را توقیف نموده نزد او بفرستند، بعد از وصول‌آن را در حضور متهم ارایه کرده و مراتب را در صورت‌مجلس‌قید نموده و پس از امضای متهم آن را در پرونده ضبط می‌نماید. استنکاف متهم از امضا در صورت‌مجلس قید می‌شود و چنانچه اشیای مزبور حایز اهمیت نبوده و ضبط آن‌ضرورت نداشته باشد با اخذ رسید به صاحبش مسترد می‌شود.[۹۹] تبصره ـ کنترل تلفن افراد جز در مواردی که به امنیت کشورمربوط است و یا برای احقاق حقوق اشخاص به نظر قاضی‌ضروری تشخیص داده شود، ممنوع است ماده ۱۰۵ ـ مقامات و مامورین وزارتخانه‌ها، سازمانها و موسسات دولتی و وابسته به دولت و نهادها و شهرداریها و ماموران به‌خدمات عمومی و بانکها و دفاتر اسناد رسمی و دستگاههایی که شمول قانون در مورد آنها مستلزم ذکر نام است مکلفند اسباب و دلایل جرم و اطلاعات و آن قسمت از اوراق و اسناد ودفاتری که مراجعه به آنها برای تحقیق امر جزایی لازم است به‌درخواست مرجع قضایی رسیدگی کننده ابراز نموده و دردسترس آنها بگذارند. مگر در مورد اسناد سری دولتی که دراین صورت باید با اجازه رییس قوه قضاییه باشد، متخلف ازاین ماده محکوم به انفصال موقت از خدمات دولتی از شش‌ماه تا یک‌سال خواهد شد.[۱۰۱] ماده ۱۰۶ ـ هرگاه متهم نوشته‌های خود را که مؤثر در کشف جرم‌است به وکیل خود یا شخص دیگری سپرده باشد قاضی‌می‌تواند آنها را

حسب مورد در حضور وکیل یا آن شخص‌بررسی نماید و در صورت استنکاف از ارایه آنها، مستنکف به‌مجازات مقرر برای خلاصی متهم از محاکمه محکوم خواهدشد.[۱۰۲] ماده ۱۰۷ ـ آلات و ادوات جرم از قبیل حربه اسلحه اسنادساختگی سکه تقلبی و کلیه اشیایی که در حین بازرسی به‌دست آمده و می‌تواند موجب کشف جرم یا اقرار متهم به جرم‌باشد باید ضبط شده و در صورت‌مجلس هریک از اشیای‌مزبور تعریف و توصیف شود.[۱۰۳] ماده ۱۰۸ ـ آلات و ادوات جرم را باید شماره‌گذاری و ممهور وحفظ نمود و آنچه را که قاضی تحصیل می‌کند باید با ذکرمشخصات به صاحبش رسید بدهد.[۱۰۴] ماده ۱۰۹ ـ هرگاه دلایل جرم چیزی باشد که نتوان از محل جدا وخارج نمود (مثل خونی که ریخته ، در این صورت قاضی بایدنسبت به حفظ دلایل یاد شده اقدام نماید و اگر لازم باشد محل‌را قفل و مهر و موم کرده حفاظت آن را به نیروی انتظامی یامستحفظ مخصوص بسپارد.[۱۰۵] ماده ۱۱۰ ـ از مایعاتی که قابل تجزیه است باید به قدر لزوم‌تحصیل و در ظرفی ریخته مهر و موم شود به طوری که ضایع یاتفریط نگردد. از مایعات باید حداقل سه ظرف به عنوان نمونه‌برداشته شود.[۱۰۶] ماده ۱۱۱ ـ اموال مسروقه یا اشیایی که به واسطه ارتکاب جرم‌تحصیل شده و یا هر نوع مالی که در جریان تحقیقات توقیف‌شده باید به دستور قاضی به کسی که مال از او سرقت رفته و یا اخذ شده مسترد شود. مگر این‌که وجود تمام یا قسمتی ازآنها در موقع تحقیق یا دادرسی لازم باشد که در این صورت‌پس از رفع احتیاج به دستور قاضی مسترد می‌شود. اشیایی که‌برابر قانون باید ضبط یا معدوم شود از حکم این ماده مستثنا است [۱۰۷]

فصل چهارم بازجویی و اخذ تأمین

مبحث اول ــ احضار و بازجویی متهم

ماده ۱۱۲ ـ احضار متهم به وسیله احضارنامه به عمل می‌آید.احضارنامه در دو نسخه فرستاده می‌شود، یک نسخه را متهم گرفته و نسخه دیگر را امضا کرده به مامور احضار رد می‌کند.[۱۰۸، ۲۱۸] ماده ۱۱۳ ـ در احضارنامه اسم و شهرت احضار شده و تاریخ و علت احضار و محل حضور و نتیجه عدم حضور باید قید شود. تبصره ـ در جرایمی که مصلحت اقتضا نماید، علت احضار و نتیجه عدم حضور ذکر نخواهد شد.[۱۰۹، ۲۱۹] ماده ۱۱۴ ـ هرگاه احضار شده سواد نداشته باشد، مضمون‌احضارنامه در حضور دو نفر شاهد ابلاغ می‌شود. ترتیبات ابلاغ احضارنامه به گونه مقرر در فصل مربوط به آیین دادرسی‌مدنی خواهد بود.[۱۱۰] ماده ۱۱۵ ـ هرگاه در امر جزایی ابلاغ احضاریه به واسطه معلوم نبودن محل اقامت ممکن نشود و به طریق دیگری هم ابلاغ‌احضاریه ممکن نگردد با تعیین وقت رسیدگی متهم یک نوبت‌وسیله یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار یا محلی احضار و درصورت عدم حضور، قاضی رسیدگی و با لحاظ مواد (۲۱۷) و(۲۱۸) این قانون اظهار عقیده می‌نماید. تاریخ نشر آگهی تا روز دادرسی کمتر از یک ماه نباید باشد.[۱۱۱] ماده ۱۱۶ ـ متهم موظف است در موعد مقرر حاضر شود و اگرنتواند باید عذر موجه خود را اعلام نماید. جهات زیر عذر موجه محسوب می‌شود: ۱ ـ نرسیدن احضارنامه یا دیر رسیدن به گونه‌ای که مانع از حضور در وقت مقرر شود. ۲ ـ مرضی که مانع از حرکت است ۳ ـ فوت همسر یا یکی از اقربا تا درجه سوم از طبقه دوم ۴ ـ ابتلا به حوادث مهم از قبیل حریق و امثال آن ۵ ـ عدم امکان تردد به واسطه حوادث قهری مانند طغیان‌رودخانه و امراض مسری از قبیل وبا و طاعون ۶ ـ در توقیف بودن [۱۱۲، ۱۱۳] ماده ۱۱۷ ـ اشخاصی که حضور پیدا نکرده و گواهی عدم امکان‌حضور هم نفرستاده باشند به دستور قاضی جلب می‌شوند.[۱۱۴، ۲۲۲] ماده ۱۱۸ ـ قاضی می‌تواند در موارد زیر بدون این‌که بدوا احضاریه‌فرستاده باشد، دستور جلب متهم را صادر نماید: الف ـ در جرایمی که مجازات قانونی آنها قصاص اعدام و قطع‌عضو می‌باشد. ب ـ متهمینی که محل اقامت یا شغل و کسب آنها معین نبوده واقدامات قاضی برای دستیابی به متهم به نتیجه نرسیده‌باشد.[۱۱۵] ماده ۱۱۹ ـ جلب متهم به‌موجب برگ جلب به عمل می‌آید. برگ‌جلب که مضمونش مضمون احضاریه است باید به متهم ابلاغ‌شود.[۱۱۶] ماده ۱۲۰ ـ مامور جلب پس‌از ابلاغ

برگ جلب متهم را دعوت‌می‌نماید که با او نزد قاضی حاضر شود. چنانچه متهم امتناع‌نماید او را جلب و تحت الحفظ به مرجع قضایی تسلیم خواهدنمود و در صورت نیاز می‌تواند از سایر ماموران استمدادنماید. کسانی که در امتناع متهم به او کمک نمایند تحت تعقیب‌قانونی قرار خواهند گرفت [۱۱۷] ماده ۱۲۱ ـ جلب متهم به استثنای موارد فوری باید در روز به‌عمل آید.[۱۱۸] ماده ۱۲۲ ـ در صورتی که متهم غایب باشد برگ جلب در اختیارضابطین دادگستری قرار می‌گیرد تا هر جا متهم را یافتند جلب‌و تحویل مقام قضایی نمایند.[۱۱۹] تبصره ـ در صورت ضرورت قاضی می‌تواند برگ جلب را در اختیار شاکی قرار دهد تا به معرفی او، ضابطین متهم را جلب و تحویل مرجع قضایی نمایند. ماده ۱۲۳ ـ متهم از هنگام ابلاغ برگ جلب تا حضور نزد قاضی‌تحت نظر و محافظت خواهد بود.[۱۲۰] تبصره ـ مامورین مکلفند متهم جلب شده را بلافاصله تحویل‌مقام قضایی دهند و در صورتی می‌توانند وی را بازداشت نمایند که بیم تبانی و خوف فرار و امحای آثار جرم باشد و درهر صورت حق نگهداری وی را بیش از (۲۴) ساعت بدون‌اجازه مقام قضایی ندارند. ماده ۱۲۴ ـ قاضی نباید کسی را احضار یا جلب کند، مگر این‌که‌دلایل کافی برای احضار یا جلب موجود باشد.[۱۲۱] ماده ۱۲۵ ـ هرگاه شخصی که دستور احضار یا جلب او داده شده‌به علت بیماری نتواند نزد قاضی حاضر شود در صورت اهمیت و فوری بودن امر جزایی قاضی نزد او رفته و بازجویی‌لازم را به عمل می‌آورد و یا منتظر رفع مانع می‌شود.[۱۲۲] ماده ۱۲۶ ـ در مواردی که مصلحت اقتضا نماید، قاضی می‌تواند تحقیقات را شخصا با حضور در محل افرادی که تحقیق از آنها لازم است انجام دهد. ماده ۱۲۷ ـ قاضی مکلف است بلافاصله پس از حضور یا جلب‌متهم تحقیقات را شروع و در صورت عدم امکان حداکثر ظرف ۲۴) ساعت مبادرت به تحقیق نماید. در غیر این صورت‌بازداشت غیرقانونی تلقی و مرتکب به مجازات مقرر قانونی محکوم خواهد شد.[۱۲۳، ۱۲۴] ماده ۱۲۸ ـ متهم می‌تواند یک نفر وکیل همراه خود داشته باشد.وکیل متهم می‌تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام نماید. اظهارات وکیل‌در صورت‌جلسه منعکس می‌شود.[تبصره ۱۱۲] تبصره ـ در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیرمتهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و همچنین درخصوص جرایم علیه امنیت کشور، حضور وکیل در مرحله‌تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود. ماده ۱۲۹ ـ قاضی ابتدا هویت و مشخصات متهم (اسم اسم‌پدر،شهرت فامیل سن شغل عیال اولاد و تابعیت و همچنین‌آدرس (شهر، بخش دهستان روستا، خیابان کوچه و شماره‌منزل او را دقیقا سوال نموده به نحوی که ابلاغ احضاریه وسایر اوراق به آسانی مقدور باشد و متذکر می‌شود که مواظب‌اظهارات خود باشد و سپس موضوع اتهام و دلایل آن را به‌صورت صریح به متهم تفهیم می‌کند آن گاه شروع به تحقیق‌می‌نماید. سوالات باید مفید و روشن باشد. سوالات تلقینی یا اغفال یااکراه و اجبار متهم ممنوع است چنانچه متهم از دادن پاسخ‌امتناع نماید امتناع او در صورت‌مجلس قید می‌شود.[۱۲۵] تبصره ۱ ـ قاضی در ابتدای تحقیق به متهم تفهیم می‌کند محلی راکه برای اقامت خود اعلام می‌کند، محل اقامت قانونی اوست و چنانچه محل اقامت خود را تغییر دهد باید محل اقامت جدید را به گونه‌ای که ابلاغ ممکن باشد اعلام کند، در غیر این‌صورت احضاریه‌ها به محل اقامت سابق فرستاده خواهد شد.تغییر محل اقامت به منظور تأخیر و طفره و تعلل به گونه‌ای که‌ابلاغ اوراق متعسر باشد پذیرفته نیست و کلیه اوراق به همان‌محل سابق ابلاغ خواهد شد. تشخیص این موضوع با مقامی‌است که رسیدگی می‌نماید. رعایت مقررات این ماده از نظرتعیین محل اقامت شاکی یا مدعی خصوصی لازم است تبصره ۲ ـ تخلف مامورین ابلاغ در انجام وظایف خود و یاگزارش خلاف واقع آنان در امور مربوط به وظایفشان مشمول مجازات مقرر قانونی خواهد بود. ماده ۱۳۰ ـ از متهمین جز در مورد مواجهه به صورت انفرادی‌بازجویی به عمل می‌آید و نباید با همدیگر وارد در گفتگو ومواضعه شوند. رعایت موازین شرعی در مورد متهمین زن‌ضروری می‌باشد.[۱۲۶] ماده ۱۳۱ ـ پاسخ سوالات همان طوری که بیان می‌شود باید بدون‌تغییر و تبدیل یا تحریف نوشته شود. متهمین با سواد می‌توانند شخصا پاسخ سوالات را بنویسند.[۱۲۷]

مبحث دوم ـ قرار تأمین

ماده ۱۳۲ ـ به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی درموارد لزوم و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن یا تبانی با دیگری قاضی مکلف است پس از تفهیم اتهام به وی یکی از قرارهای‌تامین کیفری زیر را صادر نماید: ۱ ـ التزام به حضور با قول شرف ۲ ـ التزام به حضور با تعیین وجه التزام تا ختم محاکمه و اجرای‌حکم و در صورت استنکاف تبدیل به وجه‌الکفاله ۳ ـ اخذ کفیل با وجه الکفاله ۴ ـ اخذ وثیقه اعم از وجه نقد یا ضمانتنامه بانکی یا مال منقول‌و غیرمنقول ۵ ـ بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر در این قانون [۱۲۹] تبصره ـ قاضی مکلف است ضمن صدور قرار قبولی کفالت یاوثیقه به کفیل یا وثیقه گذار (چنانچه وثیقه گذار غیر از متهم‌باشد) تفهیم نماید، در صورت احضار متهم و عدم حضور او بدون عذر موجه یا عدم معرفی وی از ناحیه کفیل یا وثیقه گذارنسبت به وصول وجه‌الکفاله و ضبط وثیقه طبق مقررات این‌قانون اقدام خواهد شد. ماده ۱۳۳ ـ با توجه به اهمیت و دلایل جرم دادگاه می‌تواند علاوه‌بر موارد مذکور در ماده قبل قرار عدم خروج متهم را از کشور صادر نماید. مدت اعتبار این قرار شش ماه است و چنانچه‌دادگاه لازم بداند می‌تواند هر شش ماه یک بار آن را تمدید نماید. این قرار پس از ابلاغ ظرف مدت بیست روز قابل اعتراض دردادگاه تجدید نظر استان می‌باشد. تبصره ـ در صورت فسخ قرار توسط مرجع صادرکننده یا نقض‌آن توسط مرجع تجدیدنظر و یا صدور قرار منع پیگرد یا موقوفی تعقیب یا برائت متهم دادگاه بدوی مکلف است مراتب را بلافاصله به مراجع ذی ربط اطلاع دهد. ماده ۱۳۴ ـ تامین باید با اهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل واسباب اتهام و احتمال فرار متهم و از بین رفتن آثار جرم وسابقه متهم و وضعیت مزاج و سن و حیثیت او متناسب‌باشد.[۱۳۰] ماده ۱۳۵ ـ کفالت شخصی پذیرفته می‌شود که اعتبار او به تشخیص قاضی صادرکننده قرار برای پرداخت وجه الکفاله محل تردید نباشد. در صورت فرار متهم یا عدم دسترسی به او در مواردی که حضور متهم ضروری تشخیص داده شود کفیل ملزم به پرداخت وجه‌الکفاله خواهد بود.[۱۳۱] ماده ۱۳۶ ـ مبلغ وثیقه یا وجه‌الکفاله یا وجه التزام نباید در هر حال‌کمتر از خسارتهایی باشد که مدعی خصوصی درخواست می‌کند.[۱۳۲] ماده ۱۳۷ ـ قاضی در خصوص قبول وثیقه یا کفیل قرار صادر نموده و پس از امضای کفیل یا وثیقه گذار، خود نیز امضا می‌نماید و در صورت درخواست رونوشت آن را به کفیل یا وثیقه گذار می‌دهد.[۱۳۳] ماده ۱۳۸ ـ متهمی که در مورد او قرار کفالت یا وثیقه صادر شده ،در صورت عجز از معرفی کفیل یا تودیع وثیقه بازداشت خواهد شد.[۱۳۵] ماده ۱۳۹ ـ هرگاه متهم در مواعد مقرر حاضر شده یا بعد از آن‌حاضر و عذر موجه خود را ثابت نماید و یا پرونده مختومه شده باشد، وثیقه مسترد و یا کفیل از مسوولیت مبرا می‌شود.[۱۳۶] تبصره ۱ ـ کفیل یا وثیقه گذار در هر مرحله از دادرسی با معرفی و تحویل متهم می‌توانند درخواست رفع مسوولیت و یا آزادی وثیقه خود را بنمایند. تبصره ۲ ـ هرگاه متهم یا محکوم‌علیه در مواعد مقرر حاضر شده‌باشد به محض شروع اجرای حکم جزایی و یا قطعی شدن قرار تعلیق اجرای مجازات قرار تامین ملغی‌الاثر می‌شود. ماده ۱۴۰ ـ هرگاه متهمی که التزام یا وثیقه داده در موقعی که‌حضور او لازم بوده بدون عذر موجه حاضر نشود وجه التزام به‌دستور رییس حوزه قضایی از متهم اخذ و وثیقه ضبط خواهدشد. اگر شخصی از متهم کفالت نموده یا برای او وثیقه سپرده و متهم در موقعی که حضور او لازم بوده حاضر نشده به کفیل یا وثیقه گذار اخطار می‌شود ظرف بیست روز متهم را تسلیم‌نماید. در صورت عدم تسلیم و ابلاغ واقعی اخطاریه به دستور رییس حوزه قضایی وجه‌الکفاله اخذ و وثیقه ضبط خواهدشد.[۱۳۶ مکرر] ماده ۱۴۱ ـ چنانچه ثابت شود کفیل یا وثیقه گذار به منظور عدم‌امکان ابلاغ واقعی اخطاریه نشانی حقیقی خود را به مرجع قبول‌کننده کفالت اعلام نکرده یا به این منظور از محل خارج‌شده ابلاغ قانونی اخطاریه برای وصول وجه‌الکفاله و یا ضبط وثیقه کافی است ماده ۱۴۲ ـ خواستن متهم از کفیل یا وثیقه گذار جز در موردی که حضور متهم برای تحقیقات یا محاکمه یا اجرای حکم ضرورت دارد ممنوع است [تبصره ۱۳۶ مکرر] ماده ۱۴۳ ـ متهم کفیل و وثیقه گذار می‌توانند در موارد زیر ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ دستور رییس حوزه قضایی در مورد پرداخت وجه التزام یا وجه‌الکفاله یا ضبط وثیقه به دادگاه تجدیدنظر شکایت نمایند: الف ـ در صورتی که بخواهند ثابت نمایند متهم در موعد مقررحاضر

شده یا او را حاضر نموده‌اند یا شخص ثالثی متهم را حاضر نموده است ب ـ هر گاه بخواهند ثابت نمایند به جهات یاد شده در ماده ۱۱۶) این قانون متهم نتوانسته حاضر شود و یا کفیل به یکی از آن جهات نتوانسته او را حاضر کند. ج ـ هرگاه بخواهند ثابت نمایند متهم قبل از موعد فوت کرده‌است د ـ در صورتی که بخواهند ثابت نمایند پس از صدور قرار قبول کفالت یا التزام معسر شده‌اند.[تبصره ۱۳۶ مکرر] تبصره ـ دادگاه در تمام موارد نسبت به شکایت خارج از نوبت وبدون تشریفات دادرسی رسیدگی کرده مادام که عملیات‌اجرایی را موقوف ننموده یا حکم به نفع کفیل یا وثیقه گذار یامتهم صادر نکرده عملیات یاد شده ادامه خواهد داشت و درصورت صدور حکم به نفع معترض وجوه و اموال اخذ وضبط شده بازگردانده می‌شود. ماده ۱۴۴ ـ چنانچه قرار منع پیگرد یا موقوفی تعقیب یا برائت متهم صادر شود یا پرونده به هر کیفیت مختومه شود قرارهای تامین صادره ملغی‌الاثر خواهد بود. قاضی مربوط مکلف است ازقرار تامین وثیقه رفع اثر نماید. ماده ۱۴۵ ـ در مواردی که متهم حضور نیافته و محکوم شده محکوم‌به یا ضرر و زیان مدعی خصوصی از تامین گرفته شده‌پرداخت خواهد شد و زاید بر آن به نفع دولت ضبط می‌شود. ماده ۱۴۶ ـ در صورتی که محکوم‌علیه علاوه بر حبس به جزای‌نقدی یا ضرر و زیان مدعی خصوصی محکوم شده باشد ومجموعه محکوم به کمتر از تامین گرفته شده باشد فقط تامیزان محکومیت وی از وثیقه تودیعی یا وجه‌الکفاله یا وجه التزام پرداخت خواهد شد و زاید بر آن بازگردانده می‌شود و در این صورت حکم اجرا شده تلقی می‌شود. ماده ۱۴۷ ـ قرار تامین باید به متهم ابلاغ شود. در صورتی که قرارصادره منتهی به بازداشت وی گردد نوع قرار در برگ اعزام درج می‌شود. چنانچه متهم به‌منظور جلوگیری از تبانی‌بازداشت شده باشد این جهت نیز در برگ اعزام قید می‌گردد. تبصره ـ در صورتی که قرار صادره قابل اعتراض باشدصادرکننده قرار مکلف است قابل اعتراض بودن قرار را به‌متهم تفهیم و در پرونده قید نماید.

فصل پنجم شاهد، شهادت جرح و تعدیل شهود

مبحث اول ـ احضار شهود تحقیق و مطلعین

ماده ۱۴۸ ـ قاضی اشخاصی را که به تشخیص خود یا به معرفی شاکی یا اعلام مقامات ذی ربط یا به تقاضای متهم برای روشن‌شدن اتهام لازم بداند، برابر اصول مقرر احضار می‌نماید.[۱۳۹] ماده ۱۴۹ ـ شهود تحقیق و مطلعین به دستور قاضی توسط ضابطین یا مامورین ابلاغ و یا به هر طریقی که قاضی مقتضی‌بداند با رعایت مفاد ماده (۸۶) این قانون احضارمی‌شوند.[۱۴۰] ماده ۱۵۰ ـ در صورتی که یکی از شهود تحقیق یا مطلعین از تابعین نیروهای مسلح باشد، باید حداقل ۲۴ ساعت پیش از تحقیق یاجلسه محاکمه از طریق فرمانده یا رییس او دعوت شود.فرمانده و یا رییس مربوط مکلف است پس از وصول دستورداد گاه شخص احضار شده را در موقع مقرر اعزام نماید.[۱۴۲] ماده ۱۵۱ ـ قاضی از هریک از شهود و مطلعین جداگانه و بدون حضور متهم تحقیق می‌نماید و اظهاراتشان را نوشته به امضا یا اثر انگشت آنان می‌رساند. تحقیق مجدد و مواجهه آنان درصورت ضرورت بلامانع است [۱۴۳] ماده ۱۵۲ ـ تحقیق و بازجویی از شهود و مطلعین قبل از محاکمه‌غیرعلنی است [۱۴۴] ماده ۱۵۳ ـ شهود تحقیق و مطلعین قبل از اظهار اطلاعات خود باید به شرح زیر سوگند یاد نمایند: «به خداوند متعال سوگند یاد می‌کنم که جز به راستی چیزی نگویم و تمام حقایق را بیان نمایم .[۱۴۵] تبصره ـ در مواردی که احقاق حق متوقف بر شهادت شاهد عادل‌باشد و شاهد از اتیان سوگند استنکاف نماید بدون سوگندشهادت وی استماع خواهد شد. ماده ۱۵۴ ـ قاضی قبل از شروع به تحقیق نام نام خانوادگی اسم‌پدر، شغل محل اقامت میزان سواد، درجه قرابت سببی یانسبی و خادم یا مخدوم بودن شاهد یا مطلع را نسبت به طرفین‌پرونده و سابقه کیفری او سوال کرده و در صورت‌مجلس قید می‌نماید.[۱۴۵] ماده ۱۵۵ ـ در مواردی که قاضی به شهادت شاهد به عنوان دلیل‌شرعی استناد می‌نماید لازم است شاهد دارای شرایط زیر باشد: ۱ ـ بلوغ ۲ ـ عقل ۳ ـ ایمان ۴ ـ طهارت مولد ۵ ـ عدالت ۶ ـ عدم وجود انتفاع شخصی برای شاهد

یا رفع ضرر از وی ۷ ـ عدم وجود دشمنی بین شاهد و طرفین دعوا ۸ ـ عدم اشتغال به تکدی و ولگردی تبصره ۱ ـ در مورد عداوت دنیوی چنانچه شهادت شاهد به نفع‌طرف باشد پذیرفته می‌شود. تبصره ۲ ـ در حقوق الناس شهادت در صورتی پذیرفته خواهدبود که به دستور دادگاه صورت گیرد. تبصره ۳ ـ کسی که سابقه فسق یا اشتهار به فساد دارد چنانچه به منظور ادای شهادت توبه کند تا احراز تغییر در اعمال او و اطمینان از صلاحیت و عدالت وی شهادتش پذیرفته نمی‌شود. ماده ۱۵۶ ـ در صورتی که شاهد یا مطلع واجد شرایط شهادت‌نباشند بدون یاد کردن سوگند اظهارات ایشان برای اطلاع بیشتر استماع می‌شود.[۱۴۶] ماده ۱۵۷ ـ پس از این‌که ابراز شهادت یا اظهار اطلاعات به اتمام‌رسید متن آن قرائت و به امضای شاهد یا مطلع می‌رسد. هرگاه شاهد یا مطلع فاقد امضا باشد انگشت می‌زند و اگر از امضا یا زدن انگشت امتناع ورزد یا قادر به امضا و زدن انگشت نباشدمراتب در برگ تحقیق قید می‌شود، در این صورت تمامی اوراق تحقیق باید به امضای قاضی و منشی برسد.[۱۴۷] ماده ۱۵۸ ـ در اوراق بازجویی نوشتن بین سطور و تراشیدن کلمات‌به کلی ممنوع است اگر یک یا چند کلمه اضافه شده باشد بایدبر روی آن خطی نازک کشیده و این موضوع قید شود و قاضی و شخصی که از وی تحقیق می‌شود آن را امضا نمایند، همچنین اگر یک یا چند کلمه از قلم افتاده و در حاشیه نوشته شود باید اشخاص یاد شده زیر آن را امضا نمایند و هرگاه این‌ترتیب رعایت نشود کلمات مزبور از درجه اعتبار ساقط‌است [۱۵۰] ماده ۱۵۹ ـ هریک از شهود تحقیق و مطلعین باید در موعد مقرر حاضر شوند، در صورت عدم حضور برای بار دوم احضار می‌گردند، چنانچه بدون عذر موجه حضور نیابند به دستور دادگاه جلب خواهند شد. رعایت مفاد ماده (۸۶) الزامی است [۱۵۱، ۱۵۲، ۲۲۵، ۲۲۶] ماده ۱۶۰ ـ در صورتی که شهود یا مطلعین برای حضور در دادگاه مدعی ضرر و زیانی از حیث شغل و کار خود شوند و یا درخواست هزینه ایاب و ذهاب نمایند دادگاه پس از تشخیص‌ورود ضرر، میزان آن را تعیین می‌نماید و متقاضی احضار مکلف به تودیع آن در صندوق دادگستری می‌باشد. هرگاه متقاضی احضار، توانایی پرداخت هزینه یاد شده را به‌تشخیص مرجع احضارکننده نداشته باشد و یا احضار به‌دستور مرجع رسیدگی‌کننده باشد از بیت‌المال پرداخت‌خواهد شد.[۱۵۳، ۲۲۹] تبصره ـ دادگاه می‌تواند برای تعیین میزان ضرر و زیان از نظرکارشناس استفاده نماید. ماده ۱۶۱ ـ در صورتی که شاهد یا مطلع بیمار بوده و نتواند حاضرشود و یا تعداد شهود و مطلعین زیاد بوده و در یک محل مقیم باشند مانند کارگران یک کارخانه قاضی به محل اقامت آنان‌رفته تحقیق می‌کند.[۱۵۴، ۱۵۵، ۲۲۷] ماده ۱۶۲ ـ چنانچه مطلعین خارج از حوزه ماموریت قاضی و درحوزه دادگاه دیگر ساکن باشند قاضی به دادگاه محل سکونت‌آنان نیابت می‌دهد تا اظهارات مطلعین را صورت‌جلسه نموده اوراق تحقیق را برای دادگاه ارسال کند. [۱۵۶و ۲۲۷] ماده ۱۶۳ ـ در مواردی که دادگاه از قاضی حوزه دیگری‌درخواست تحقیق و تفحص نماید در صورت تعدد قاضی با ارجاع رییس حوزه یا معاون وی هریک از آنان می‌توانند اقدام‌نموده نتیجه تحقیقات خود را به دادگاه درخواست‌کننده ارسال کنند.[۱۵۶] ماده ۱۶۴ ـ هرگاه برای کشف جرم و روشن شدن موضوع و نکات لازم در مورد شغل و خصوصیات اخلاقی متهم و سوابق زندگی او تحقیقات محلی ضرورت داشته باشد و همچنین درمواردی که متهم یا شاکی به اطلاعات اهل محل استناد نمایند و یا قاضی تحقیق از اهل محل را ضروری بداند اقدام به تحقیقات محلی می‌نماید.[۱۵۷] ماده ۱۶۵ ـ هرگاه حضور متهم در محل تحقیقات ضروری باشد یا متهم تقاضای حضور در محل را داشته و در بازداشت باشد به‌دستور قاضی تحت‌الحفظ در محل حاضر خواهد شد.[۱۵۸] ماده ۱۶۶ ـ قاضی بعد از ورود به محل برابر مقررات یاد شده درفصل مربوط به تحقیقات محلی در بخش آیین دادرسی مدنی اقدام خواهد کرد.»[۱۵۹] ماده ۱۶۷ ـ در مورد اشخاصی که تحقیقات از ایشان به عمل می‌آید رعایت مقررات ماده (۱۵۳) این قانون لازم است . [۱۶۰]

مبحث دوم ـ جرح و تعدیل شهود

ماده ۱۶۸ ـ جرح عبارت است از ادعای فقدان یکی از شرایطی که‌قانون برای شاهد مقرر کرده است و از ناحیه طرفین دعوا صورت

می گیرد. ماده ۱۶۹ ـ جرح شاهد باید قبل از ادای شهادت به عمل آید مگراین که موجبات جرح پس از شهادت معلوم شود و در هر حال‌دادگاه موظف است به موضوع جرح رسیدگی و اتخاذ تصمیم‌نماید. ماده ۱۷۰ ـ در اثبات جرح یا تعدیل شاهد، ذکر اسباب آن لازم‌نیست بلکه گواهی مطلق به تعدیل یا جرح کفایت می کند. تبصره ۱ ـ در شهادت به جرح یا تعدیل علم به عدالت یا فقدان‌آن لازم است و حسن ظاهر برای احراز کافی نیست مگر این که کاشف از عدالت باشد. تبصره ۲ ـ چنانچه گواهی شهود معرفی شده در اثبات جرح یاتعدیل شاهد با یکدیگر معارض باشد، از اعتبار ساقط است مگر این که حالت سابقه شاهد احراز شده باشد. ماده ۱۷۱ ـ چنانچه دادگاه شهود معرفی شده را واجد شرایط قانونی تشخیص دهد شهادت آنان را می‌پذیرد در غیر این‌صورت رد می کند و اگر از وضعیت آنها اطلاع نداشته باشد تا زمان احراز شرایط و کشف وضعیت که نباید بیش از ده روز طول بکشد، رسیدگی را متوقف و پس از آن دادگاه حسب مورد اتخاذ تصمیم می‌نماید. ماده ۱۷۲ ـ در صورت رد شاهد از طرف دادگاه یا ایراد جرح‌توسط مدعی علیه مدعی می‌تواند برای اثبات صلاحیت شاهد، اقامه دلیل نماید در این صورت دادگاه مکلف است به‌درخواست وی رسیدگی کند.

فصل ششم مرور زمان در مجازاتهای بازدارنده

ماده ۱۷۳ ـ در جرایمی که مجازات قانونی آن از نوع مجازات بازدارنده یا اقدامات تامینی و تربیتی باشد و از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد مشروحه ذیل تقاضای تعقیب نشده‌باشد و یا از تاریخ اولین اقدام تعقیبی تا انقضای مواعد مذکوره به صدور حکم منتهی نشده باشد تعقیب موقوف خواهد شد: الف ـ حداکثر مجازات مقرر بیش از سه سال حبس یا جزای نقدی بیش از یک میلیون ریال با انقضای مدت ده سال ب ـ حداکثر مجازات کمتر از سه سال حبس یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال با انقضای مدت پنج سال ج ـ مجازات غیراز حبس یا جزای نقدی با انقضای مدت سه سال تبصره ـ در مواردی که مجازات قانونی جرم حبس یا جزای نقدی‌یا شلاق یا هر سه باشد مدت حبس ملاک احتساب خواهدبود. ماده ۱۷۴ ـ در موارد مذکور در ماده قبل هرگاه حکم صادر گردیده‌ولی اجرا نشده باشد پس از انقضای مواعد مقرر در همان ماده‌از تاریخ قطعیت حکم اجرای آن موقوف می گردد و در هرحال آثار تبعی حکم به قوت خود باقی خواهد بود. تبصره ـ احکام دادگاههای خارج از کشور نسبت به اتباع ایرانی در حدود مقررات و موافقتنامه‌های قانونی مشمول مقررات این ماده می‌باشد. ماده ۱۷۵ ـ موقوفی تعقیب و توقف اجرای حکم مانع استیفای‌حقوق شاکی و مدعی خصوصی نخواهد بود. ماده ۱۷۶ ـ قضات ضابطین دادگستری و سایر مأمورینی که‌به‌موجب قانون موظف به تعقیب رسیدگی و اجرای حکم می‌باشند چنانچه در انجام وظیفه خود مرتکب فعل یا ترک‌فعلی شوند که نتیجه آن عدم تعقیب یا اجرای حکم صادره باشد حسب مورد تحت تعقیب کیفری انتظامی و اداری قرارخواهند گرفت

باب دوم کیفیت محاکمه

فصل اول اقدامات قاضی پس از ختم تحقیقات

ماده ۱۷۷ ـ پس از ارجاع پرونده به شعبه دادگاه و عدم نیاز به تحقیق و یا اقدام دیگر دادگاه به شرح زیر عمل می‌نماید: الف ـ چنانچه اتهامی متوجه متهم نبوده یا عمل انتسابی به وی جرم نباشد دادگاه اقدام به صدور رای برائت و یا قرار منع تعقیب می‌نماید. ب ـ در غیر موارد فوق چنانچه اصحاب دعوا حاضر باشند و درخواست مهلت نکنند و یا دادگاه استمهال ۴استمهال را موجه

تشخیص ندهد و یا در خصوص حقوق الناس مدعی درخواست ترک محاکمه را ننماید با تشکیل جلسه رسمی مبادرت به رسیدگی و صدور رای می‌نماید. ج ـ در صورت عدم حضور اصحاب دعوا یا درخواست مهلت‌برای تدارک دفاع یا تقدیم دادخواست ضرر و زیان دادگاه ضمن تعیین جلسه رسیدگی مراتب را به اصحاب دعوا اعلام‌می‌نماید. تبصره ۱ ـ در صورت درخواست مدعی مبنی بر ترک محاکمه دادگاه قرار ترک تعقیب صادر خواهد کرد. این امر مانع از طرح‌شکایت مجدد نمی‌باشد. تبصره ۲ ـ فاصله بین ابلاغ احضاریه و موعد احضار حداقل سه‌روز است و هرگاه موضوع فوریت داشته باشد می‌توان متهم را زودتر احضار کرد. ماده ۱۷۸ ـ در مواردی که فصل خصومت یا اثبات دعوا با قسم‌شرعی محقق می‌شود هریک از اصحاب دعوا می‌توانند از حق‌قسم خود استفاده کنند. ماده ۱۷۹ ـ چنانچه دادگاه در جریان رسیدگی به پرونده تشخیص‌دهد که به لحاظ گذشت شاکی خصوصی در مواردی که دعواقابل گذشت می‌باشد یا به جهت دیگری متهم قابل تعقیب‌نیست یا دادگاه صالح به رسیدگی نمی‌باشد یا ایراد رد دادرس‌شده است حسب مورد رای به موقوفی تعقیب یا عدم‌صلاحیت یا رد یا قبول ایراد، صادر می‌نماید. ماده ۱۸۰ ـ در مواردی که به متهم دسترسی نبوده و یا به علت‌شناخته نشدن در محل اقامت احضار و جلبش مقدور نباشد وقت رسیدگی با ذکر نوع اتهام (در صورت مصلحت و عدم‌وجود منع شرعی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار یامحلی برای یک نوبت درج می‌شود. تاریخ انتشار آگهی تا روز محاکمه نباید کمتر از یک ماه باشد. در صورت عدم حضورمتهم در وقت مقرر و یا عدم ارسال لایحه دفاعیه و یا عدم‌معرفی وکیل دادگاه در حقوق الناس و حقوق عمومی به‌صورت غیابی اقدام به رسیدگی نموده و رای مقتضی صادرمی‌نماید. رای صادره پس از ابلاغ ظرف ده روز قابل واخواهی‌در همان دادگاه می‌باشد. در حقوق الله رسیدگی غیابی جایزنیست دادگاه در صورت ظن قوی بر وقوع جرم تا دستیابی به‌متهم پرونده را مفتوح می‌گذارد. ماده ۱۸۱ ـ هرگاه متهم بدون عذر موجه حاضر نشود و وکیل هم نفرستد در صورتی که دادگاه حضور متهم را لازم بداند وی را جلب خواهد نمود و چنانچه حضور متهم در دادگاه لازم نباشد و موضوع جنبه حق‌اللهی نداشته باشد بدون حضور وی رسیدگی و حکم مقتضی صادر می‌نماید. ماده ۱۸۲ ـ هرگاه متهم از دادگاه بدوی یا تجدیدنظر تقاضای‌تخفیف یا تبدیل تامین کند دادگاه به درخواست وی رسیدگی و قرار مقتضی صادر می‌نماید. قرار دادگاه در این مورد قطعی‌است مطرح بودن پرونده در دیوان‌عالی کشور مانع از آن نخواهد بود که دادگاه نسبت به این تقاضا رسیدگی نماید.[۱۶۹] ماده ۱۸۳ ـ به اتهامات متعدد متهم باید توأما و یکجا رسیدگی‌شود لیکن اگر رسیدگی به تمام آنها موجب تعویق باشد دادگاه نسبت به اتهاماتی که مهیا برای صدور حکم است تصمیم می‌گیرد.[تبصره ۱۹۷] ماده ۱۸۴ ـ هرگاه پس از صدور حکم معلوم گردد محکوم‌علیه‌دارای محکومیتهای قطعی دیگری بوده که مشمول مقررات تعدد جرم می‌باشند و در میزان مجازات قابل اجرا موثر است‌به شرح زیر اقدام می‌گردد: الف ـ هرگاه احکام صادره از دادگاههای بدوی به لحاظ عدم‌تجدیدنظرخواهی قطعی شده باشد پرونده به آخرین شعبه‌دادگاه بدوی صادرکننده حکم ارسال تا پس از نقض کلیه‌احکام با رعایت مقررات مربوط به تعدد جرم حکم واحدصادر نماید. ب ـ در صورتی‌که حداقل یکی از احکام در دادگاه تجدیدنظراستان صادر شده باشد پرونده‌ها به دادگاه تجدیدنظر استان‌ارسال تا پس از نقض کلیه احکام با رعایت مقررات مربوط به‌تعدد جرم حکم واحد صادر نماید. ج ـ در صورتی که حداقل یکی از احکام در دیوان‌عالی کشورمورد تایید قرار گرفته باشد، پرونده‌ها اعم از این‌که در دادگاه بدوی یا تجدیدنظر باشد به دیوان‌عالی کشور ارسال می‌گرددتا احکام را نقض و جهت صدور حکم واحد به دادگاه بدوی صادرکننده آخرین حکم ارجاع کند.

فصل دوم وکالت در دادگاهها

ماده ۱۸۵ ـ در کلیه امور جزایی طرفین دعوا می‌توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را انتخاب و معرفی نمایند، وقت دادرسی به متهم

شاکی مدعی خصوصی و وکلای مدافع آنان ابلاغ‌خواهد شد. در صورت تعدد وکیل حضور یکی از وکلای هریک از طرفین برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است [۲۴۲] ماده ۱۸۶ ـ متهم می‌تواند از دادگاه تقاضا کند وکیلی برای او تعیین‌نماید، چنانچه دادگاه تشخیص دهد متهم توانایی انتخاب وکیل را ندارد از بین وکلای حوزه قضایی و در صورت عدم امکان از نزدیکترین حوزه مجاور وکیلی برای متهم تعیین خواهد نمود و در صورتی که وکیل درخواست حق‌الوکاله نماید دادگاه‌حق‌الزحمه را متناسب با کار تعیین خواهدکرد و در هرحال‌حق‌الوکاله تعیینی نباید از تعرفه قانونی تجاوز کند. حق‌الوکاله‌یادشده از ردیف مربوط به بودجه دادگستری پرداخت خواهدشد.[۳۰۹] تبصره ۱ ـ در جرایمی که مجازات آن به حسب قانون قصاص‌نفس اعدام رجم و حبس ابد می‌باشد چنانچه متهم شخصا وکیل معرفی ننماید تعیین وکیل تسخیری برای او الزامی است مگر در خصوص جرایم منافی عفت که متهم از حضور یامعرفی وکیل امتناع ورزد. تبصره ۲ ـ در کلیه امور جزایی به استثنای جرایم مذکور در تبصره ۱) این ماده و یا مواردی که حکم غیابی جایز نیست هرگاه متهم وکیل داشته باشد ابلاغ وقت دادرسی به وکیل کافی است مگر این‌که دادگاه حضور متهم را لازم بداند . [۳۱۳] ماده ۱۸۷ ـ تقاضای تغییر وکیل تسخیری از طرف متهم جز درموارد زیر پذیرفته نیست الف ـ قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین وکیل‌تسخیری با یکی از اصحاب دعوا وجود داشته باشد. ب ـ وکیل تسخیری قیم یا مخدوم یکی از طرفین باشد و یایکی از طرفین مباشر یا متکفل امور وی یا همسر او باشد. ج ـ وکیل تسخیری یا همسر یا فرزند او وارث یکی از اصحاب‌دعوا باشد. د ـ وکیل تسخیری سابقا در موضوع دعوای اقامه شده به‌عنوان‌دادرس یا داور یا کارشناس یا گواه اظهارنظر کرده باشد. ه ـ بین وکیل تسخیری و یکی از طرفین و یا همسر یا فرزند اودعوای حقوقی یا جزایی مطرح باشد و یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی دو سال نگذشته باشد. و ـ وکیل تسخیری یا همسر یا فرزند او دارای نفع شخصی درموضوع مطروح باشند.[۳۱۰]

فصل چهارم رأی غیابی

ماده ۲۱۷ ـ در کلیه جرایم مربوط به حقوق الناس و نظم عمومی که جنبه حق‌اللهی ندارند هرگاه متهم یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشده و یا لایحه نفرستاده باشند دادگاه رای غیابی صادر می‌نماید، این رای پس از ابلاغ واقعی ظرف‌ده روز قابل واخواهی در دادگاه صادرکننده رای می‌باشد و پس از انقضای مهلت واخواهی برابر قانون تجدید نظر احکام‌دادگاهها قابل تجدیدنظر است [۲۷۳] تبصره ۱ ـ آرای غیابی که ظرف مهلت مقرر از آن واخواهی نشده‌باشد، پس از انقضای مدت واخواهی و تجدیدنظر به اجرا گذارده خواهد شد. هرگاه رای صادره ابلاغ قانونی شده باشددر هر حال محکوم علیه می‌تواند ظرف ده روز از تاریخ اطلاع از دادگاه صادرکننده رای تقاضای واخواهی نماید. در این صورت دادگاه اجرای رای را به صورت موقت متوقف و درصورت اقتضا نسبت به اخذ تامین یا تجدیدنظر در تامین قبلی اقدام می‌نماید. تبصره ۲ ـ در جرایمی که جنبه حق‌اللهی دارد چنانچه محتویات پرونده مجرمیت متهم را ثابت ننماید و تحقیق از متهم‌ضروری نباشد دادگاه می‌تواند غیابا رای بر برائت صادرنماید. ماده ۲۱۸ ـ دادگاه پس از رسیدن تقاضای واخواهی بلافاصله وارد رسیدگی می‌شود و دلایل و مدافعات محکوم‌علیه را بررسی ،چنانچه موثر در رای نباشد رای غیابی را تایید می‌نماید و درصورتی که موثر در رای تشخیص دهد و یا بررسی مدارک و مدافعات مستلزم تحقیق بیشتر باشد با تعیین وقت رسیدگی طرفین را دعوت می‌نماید. در این صورت عدم حضور شاکی یامدعی خصوصی مانع ادامه رسیدگی نخواهد بود.

فصل پنجم ترتیب رسیدگی به جرایم اطفال

ماده ۲۱۹ ـ در هر حوزه قضايي و در صورت نياز يك يا چند شعبه‌از دادگاههاي عمومي براي رسيدگي به كليه جرايم اطفال‌اختصاص داده مي‌شود. تبصره ۱ ـ منظور از طفل كسي است كه به حد بلوغ شرعي‌نرسيده باشد. تبصره ۲ ـ در حوزه‌هايي كه چنين دادگاهي تشكيل نشده باشددادگاه عمومي برابر مقررات اين فصل به جرايم اطفال نيزرسيدگي خواهد كرد. ماده ۲۲۰ ـ در هنگام رسيدگي به جرايم اطفال دادگاه مكلف‌است به ولي يا سرپرست قانوني طفل اعلام نمايد در دادگاه شخصا حضور يابد يا براي او وكيل تعيين كند. چنانچه ولي يا سرپرست قانوني اقدام به تعيين وكيل ننمايد و خود نيز حضور نيابد دادگاه براي طفل وكيل تسخيري تعيين خواهد كرد. تبصره ـ به كليه جرايم اشخاص بالغ كمتر از ۱۸ سال تمام نيز دردادگاه اطفال طبق مقررات عمومي رسيدگي مي‌شود. ماده ۲۲۱ ـ در جرايم اطفال رسيدگي مقدماتي اعم از تعقيب و تحقيق با رعايت مفاد تبصره ماده (۴۳) توسط دادرس و يا به‌درخواست او توسط قاضي تحقيق انجام مي‌گيرد. دادگاه كليه وظايفي را كه برابر قانون بر عهده ضابطين مي‌باشد راسا به‌عمل خواهد آورد. ماده ۲۲۲ ـ چنانچه درباره وضعيت روحي و رواني طفل يا ولي يا سرپرست قانوني او يا خانوادگي و محيط معاشرت طفل تحقيقاتي لازم باشد دادگاه مي‌تواند به هر وسيله‌اي كه مقتضي‌بداند آن را انجام دهد و يا نظر اشخاص خبره را جلب نمايد. ماده ۲۲۳ ـ احضار طفل براي انجام تحقيقات مقدماتي و رسيدگي‌در هر مورد از طريق ولي يا سرپرست او به عمل مي‌آيد، درصورت عدم حضور برابر مقررات اين قانون جلب خواهندشد. اين امر مانع از احضار و جلب طفل توسط دادگاه‌نمي‌باشد. ماده ۲۲۴ ـ در جريان تحقيقات چنانچه ضرورتي به نگهداري طفل‌نباشد، براي امكان دسترسي به او و جلوگيري از فرار يا پنهان‌شدن وي با توجه به نوع و اهميت جرم و دلايل آن حسب‌مورد، با رعايت مقررات مذكور در مبحث دوم از فصل چهارم‌باب اول اين قانون يكي از تصميمات زير اتخاذ خواهد شد: الف ـ التزام ولي يا سرپرست قانوني طفل يا شخص ديگري به‌حاضر كردن طفل در موارد لزوم با تعيين وجه التزام اعتبارافراد مذكور بايد احراز گردد. ب ـ ولي يا سرپرست طفل يا شخص ديگري براي آزادي طفل وثيقه مناسب (به نظر دادگاه بسپارد. تبصره ۱ ـ در صورتي كه نگهداري طفل براي انجام تحقيقات ياجلوگيري از تباني نظر به اهميت جرم ضرورت داشته باشد ياطفل ولي يا سرپرست نداشته يا ولي و سرپرست او حاضر به‌التزام يا دادن وثيقه نباشد و شخص ديگري نيز به نحوي كه فوقا اشاره شده التزام يا وثيقه ندهد، طفل متهم تا صدور راي و اجراي آن در كانون اصلاح و تربيت به صورت موقت نگهداري خواهد شد. تبصره ۲ ـ اگر در حوزه دادگاه كانون اصلاح و تربيت وجود نداشته باشد به تشخيص دادگاه در محل مناسب ديگري نگهداري خواهد شد. ماده ۲۲۵ ـ رسيدگي به جرايم اطفال علني نخواهد بود، در دادگاه‌فقط اوليا و سرپرست قانوني طفل و وكيل مدافع و شهود و مطلعين و نماينده كانون اصلاح و تربيت كه دادگاه حضور آنان‌را لازم بداند حاضر خواهند شد. انتشار جريان دادگاه از طريق‌رسانه‌هاي گروهي و يا فيلمبرداري و تهيه عكس و افشاي‌هويت و مشخصات طفل متهم ممنوع و متخلف به مجازات‌قانوني مندرج در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامي محكوم‌خواهد شد. ماده ۲۲۶ ـ در صورتي كه مصلحت طفل اقتضا نمايد رسيدگي درقسمتي از مراحل دادرسي در غياب متهم انجام خواهد گرفت‌و در هر حال راي دادگاه حضوري محسوب مي‌شود. ماده ۲۲۷ ـ دادگاه به دادخواست مدعي خصوصي برابر مقررات رسيدگي كرده و حكم مقتضي صادر مي‌نمايد، حضور طفل دردادگاه ضروري نيست ماده ۲۲۸ ـ در صورتي كه يك يا چند طفل با مشاركت يا معاونت‌اشخاص ديگر مرتكب جرم شده باشند به جرايم اطفال دردادگاه رسيدگي‌كننده به جرايم اطفال رسيدگي خواهد شد. ماده ۲۲۹ ـ دادگاه رسيدگي‌كننده به جرايم اطفال حسب‌گزارشهايي كه از وضع اطفال و تعليم و تربيت آنان از كانون اصلاح و تربيت دريافت مي‌كند مي‌تواند در تصميمات قبلي‌خود يك بار تجديدنظر نمايد، به اين طريق كه مدت نگهداري‌را تا يك چهارم تخفيف دهد. ماده ۲۳۰ ـ آراي دادگاه رسيدگي‌كننده به جرايم اطفال برابرمقررات مربوط قابل تجديدنظر مي‌باشد. ماده ۲۳۱ ـ اختصاصي بودن بعضي از شعب دادگاههاي عمومي‌مانع از ارجاع ساير پرونده‌ها به آن شعب نمي‌باشد.

باب سوم تجدید نظر احکام

فصل اول کلیات

ماده ۲۳۲ ـ آرای دادگاههـای عمـومی و انقلاـب در امـور کیفری قطعی اسـت مگر در مـوارد ذیـل کـه قابـل درخـواست تجــدید نظرمی‌باشد: الف ـ جرایمی که مجازات قانونی آنها اعدام یا رجم است ب ـ جرایمی که به‌موجب قانون مشمول حد یا قصاص نفس و اطراف می‌باشد. ج ـ ضبط اموال بیش از یک میلیون ریال و مصادره اموال د ـ جرایمی که طبق قانون مستلزم پرداخت دیه بیش از خمس دیه کامل است ه ـ جرایمی که حداکثر مجازات قانونی آن بیش از سه ماه‌حبس یا شلاق یا جزای نقدی بیش از پانصد هزار ریال باشـد. و ـ محکومیتهای انفصال از خـدمت تبصـره ـ منظور از آرای قابل درخواست تجدیدنظر در موارد فوق اعم از محکومیت برائت منع تعقیب یـا موقوفی تعقیب است مـاده ۲۳۳ ـ مرجع تجدیـدنظر آرای دادگاههـای عمومی و انقلاب‌هر حوزه قضایی دادگاه تجدیـدنظر همان اسـتان است مگر درموارد ذیل که مرجع تجدیـدنظر آنها دیوان‌عالی کشور خواهدبود: الف ـ جرایمی که مجازات قـانونی آنهـا اعـدام یـا رجم باشـد. ب ـ جرایمی که مجـازات قـانونی آنهـا قطع عضو، قصاص نفس‌یا اطراف باشـد. ج ـ جرایمی که مجـازات قـانونی آنهـا حبس بیش از ده سال‌باشـد. د ـ مصادره اموال ماده ۲۳۴ ـ در مـواردی که رای دادگـاه راجع به جنبه کیفری ودعوای ضرر و زیان تواما صادر شده چنانچه یکی از جنبه‌های مذکور قابل درخواست تجدیدنظر باشد جنبه دیگر رای نیز به‌تبع آن قابل درخواست تجدیـدنظر بوده و صـلاحیت مرجع‌تجدیـدنظر نیز بر همین مبنا خواهـد بود. ماده ۲۳۵ ـ نسـخ شده است ماده ۲۳۶ ـ مهلـت درخـواست تجدیـدنظر برای اشـخاص مقیـم ایران‌بیست روز و برای اشـخاص مقیم خـارج از کشـور دو مـاه از تاریـخ‌ابلاغ یا انقضـای مـدت واخواهی است مگر در موارد مـذکور دربنـدهای (الف ، (ب و (ج ماده (۲۳۵) و بنـد (د) ماده (۲۴۰)این قانون ماده ۲۳۷ ـ در صـورتی کـه در مهلـت مقرر دادخـواست یـادرخواست تجدیــدنظر بـه دادگـاه صادرکننــده حکـم تقــدیم نشــده باشــد، درخواست‌کننده با ذکر دلیل و بیان عذر خود تقاضای‌تجدیدنظر را به دادگاه صادرکننده رای تقدیم می‌نماید. دادگاه مکلف است ابتدا به عذر عنوان شده که موجب عدم‌درخواست تجدیدنظر در مهلت مقرر بوده رسیدگی و درصورت موجه شناختن عذر نسبت به پـذیرش درخواست یا دادخواست تجدیـدنظر اقـدام نمایـد. ماده ۲۳۸ ـ جهـات زیر عـذر موجه محسوب می‌شود: الف ـ ابتلای به مرضـی که مـانع از حرکت است ب ـ در توقیف یا در سـفر بودن ج ـ عـدم امکان تردد و ارتباط به علت حوادث و بلایای غیرمترقبه تبصره ـ هرگاه محکوم علیه مدعی عدم اطلاع از مفاد رای شودکه نتوانسته در مهلت مقرر درخواست تجدیدنظر خود را تقدیم دارد ظرف یـک هفته از تاریـخ اطلاـع درخواست خود رابه دادگـاه صادرکننـده رای تقـدیم می‌کنـد، در صورت اثبـات ادعاعـذر موجه محسوب می‌گردد. ماده ۲۳۹ ـ اشـخاص زیر حق درخواست تجدیـدنظر دارند: الف ـ محکوم علیه یا وکیل یا نماینده قانونی او. ب ـ شاکی خصوصـی یا وکیل یا نماینده قانونی او. ج ـ رییس حوزه قضایی در خصوص جرایمی که به‌موجب‌قانون تعقیب آنها به عهده او گـذارده شده است [۳۵۱] ماده ۲۴۰ ـ جهات درخواست تجدیـدنظر به قرار زیر است الف ـ ادعای عـدم اعتبار مـدارک استنادی دادگاه یا فقدان‌شرایط قانونی شهادت در شهود و یا دروغ بودن شهادت آنها. ب ـ ادعای مخالف بودن رای با قانون ج ـ ادعای عدم توجه قاضـی به دلایل ابرازی د ـ ادعای عدم صلاحیت قاضی یا دادگاه صادرکننده رای تبصره ـ اگر درخواست تجدیدنظر به استناد یکی از جهـات مـذکور در این مـاده به عمل آمـده باشـد در صورت وجود جهات‌دیگر مرجع تجدیـدنظر می‌توانـد به آن جهت هم رسـیدگی‌نماید. ماده ۲۴۱ ـ مرجع تجدیـدنظر فقـط نسـبت بـه آنچـه موردتجدیـدنظرخواهی است و در مرحله نخسـتین مـورد حکم قرارگرفته رسیدگی می‌نماید.[۳۴۵] ماده ۲۴۲ ـ تجدیـدنظر خواهی طرفین نسبت به جنبه کیفری رای‌به‌موجب درخواست کتبی و با ابطال تمبر هزینه دادرسی مقررصورت می‌گیرد. تبصره ۱ ـ تجدیدنظرخواهی مدعی خصوصـی نسبت به رای‌صادره در مورد ضرر و

زیان ناشی از جرم مستلزم تقدیم دادخواست طبق مقررات آیین دادرسی مدنی است تبصره ۲ ـ تجدیدنظرخواهی محکوم‌علیه نسبت به محکومیت کیفری خود و ضرر و زیان ناشی از جرم مستلزم پرداخت هزینه دادرسی نسبت به امر حقوقی نمی‌باشد. ماده ۲۴۳ ـ چنانچه تجدیدنظر خواه مدعی اعسار از پرداخت‌هزینه دادرسی مرحله تجدیدنظر شود، دادگاه صادرکننده به‌این ادعا طبق مقررات رسیدگی خواهد نمود. تبصره ۱ ـ هرگاه تجدیدنظرخواه زندانی باشد از پرداخت هزینه‌دادرسی مرحله تجدیدنظر نسبت به امری که به‌موجب آن بازداشت است معاف خواهد بود. تبصره ۲ ـ رییس حوزه قضایی یا معاون او می‌تواند با توجه به‌وضعیت تجدیدنظرخواه او را از پرداخت هزینه تجدیدنظرخواهی در امر کیفری معاف نماید. ماده ۲۴۴ ـ تجدیدنظرخواه باید حسب مورد درخواست یادادخواست خود را به دفتر دادگاه صادرکننده رای یا بازداشتگاهی که در آنجا توقیف است تسلیم نماید. دفتردادگاه یا بازداشتگاه باید بلافاصله آن را ثبت و رسیدی مشتمل‌بر نام تجدیدنظر خواه و طرف دعوای او و تاریخ تسلیم وشماره ثبت به تقدیم‌کننده بدهد و همان شماره و تاریخ را در دادخواست یا درخواست تجدیدنظر درج نماید. دفتربازداشتگاه مکلف است پس از ثبت تقاضای تجدیدنظر بلافاصله آن را به دادگاه صادرکننده رای ارسال دارد. تبصره ـ چنانچه درخواست یا دادخواست تجدیدنظر مستقیما به‌دادگاه تجدیدنظر یا دیوان‌عالی کشور تقدیم گردد دفتر مرجع مذکور با قید تاریخ وصول آن را جهت اقدام لازم به دفتردادگاه صادرکننده رای ارسال می‌کند. ماده ۲۴۵ ـ هرگاه درخواست یا دادخواست تجدیدنظر فاقد یکی‌از شرایط مقرر قانونی باشد مدیر دفتر ظرف دو روز نقایص آن‌را به درخواست‌کننده یا تقدیم‌کننده دادخواست اخطارمی‌نماید تا در مدت ده روز از تاریخ ابلاغ نقایص مذکور را رفع‌نماید. در صورتی‌که در مهلت مقرر رفع نقص به عمل نیاورد ویا درخواست و دادخواست تجدیدنظر خود را خارج از مهلت‌مقرر قانونی به دفتر دادگاه یا به دفتر بازداشتگاه تسلیم نماید،دفتر موظف است آن را به نظر دادگاه برساند. دادگاه حسب‌مورد تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید. ماده ۲۴۶ ـ در صورتی که طرفین دعوا با توافق کتبی حق‌تجدیدنظرخواهی خود را ساقط کرده باشند ، تجدیدنظرخواهی آنان مسموع نخواهد بود. ماده ۲۴۷ ـ چنانچه هریک از طرفین دعوا درخواست یادادخواست تجدیدنظر خود را مسترد نمایند مرجع تجدیدنظر حسب مورد قرار رد درخواست یا ابطال دادخواست‌تجدیدنظر را صادر خواهد نمود. ماده ۲۴۸ ـ آرایی که در مرحله تجدیدنظر صادر می‌شود به‌جز درخصوص رای اصراری قابل درخواست تجدیدنظر مجدد نمی‌باشد. تبصره ـ چنانچه ادعای عدم صلاحیت قاضی صادرکننده رای‌شده باشد در این صورت این ادعا طبق مقررات مربوط قابل رسیدگی در دیوان‌عالی کشور خواهد بود. ماده ۲۴۹ ـ چنانچه رای توسط دادگاهی که صلاحیت ذاتی نداشته‌صادر شده باشد مرجع تجدیدنظر آن را نقض و به مرجع صالح ارجاع می‌نماید و در صورتی که از دادگاهی که صلاحیت محلی نداشته صادر شود و هریک از طرفین دعوادر تجدیدنظرخواهی خود به این موضوع ایراد نمایند، مرجع‌تجدیدنظر آن را نقض و به دادگاه صالح ارجاع می‌نماید. تبصره ۱ ـ در مواردی که رسیدگی به جرمی فقط در صلاحیت‌دادگاههای تهران است چنانچه در دادگاه محل دیگری‌رسیدگی و رای صادر شده باشد مرجع تجدیدنظر رای رانقض و پرونده را به دادگاه صالح ارسال خواهد نمود. تبصره ۲ ـ صلاحیت مراجع قضایی دادگستری نسبت به مراجع‌غیر دادگستری و صلاحیت دادگاههای عمومی نسبت به‌دادگاه انقلاب و دادگاههای نظامی همچنین صلاحیت دادگاه بدوی نسبت به مراجع تجدیدنظر از جمله صلاحیتهای ذاتی‌آنان است ماده ۲۵۰ ـ اگر رای تجدیدنظر خواسته از نظر احتساب محکوم به یا خسارت یا تعیین مشخصات طرفین یا تعیین نوع و میزان مجازات و تطبیق عمل با قانون یا نقایصی نظیر آنها متضمن اشتباهی باشد که به اساس رای لطمه وارد نسازد مرجع‌تجدیدنظر که در مقام تجدیدنظر رسیدگی می‌نماید ضمن‌تایید رای آن را تصحیح خواهد نمود.

فصل دوم کیفیت رسیدگی در دادگاههای تجدیدنظر استان

ماده ۲۵۱ ـ پس از وصول پرونده به دادگاه تجدیدنظر استان درصورت تعدد شعب ابتدا توسط رییس شعبه اول به یکی از شعب دادگاه تجدیدنظر ارجاع می‌شود. شعبه مرجوع‌الیه به‌نوبت رسیدگی می‌نماید مگر در مواردی که به‌موجب قانون و یا به تشخیص رییس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر رسیدگی‌خارج از نوبت ضروری باشد. ماده ۲۵۲ ـ هرگاه دادگاه تجدیدنظر تحقیقات انجام شده در مرحله‌بدوی را ناقص تشخیص دهد یا بررسی اظهارات و مدافعات و سایر دلایل ابرازی را مستلزم احضار اشخاص ذی ربط بداند باتعیین وقت آنان را احضار می‌نماید. طرفین شکایت می‌توانندشخصا حاضر شده و یا وکیل معرفی نمایند، در هر حال عدم‌حضور یا عدم معرفی وکیل مانع از رسیدگی نخواهد بود. ماده ۲۵۳ ـ احضار، جلب رسیدگی به دلایل و سایر ترتیبات درداد‌گاه تجدیدنظر، مطابق قواعد و مقررات مرحله بدوی است ماده ۲۵۴ ـ قرار تحقیق و معاینه محل در دادگاه تجدیدنظر توسطرییس دادگاه یا به دستور او توسط یکی از مستشاران شعبه‌اجرا می‌شود و چنانچه محل اجرای قرار در شهر دیگر هماناستان باشد دادگاه تجدیدنظر می‌تواند اجرای قرار را از دادگاه‌آن محل درخواست نماید و در صورتی که محل اجرای قراردر حوزه قضایی استان دیگری باشد با اعطای نیابت قضایی به‌دادگاه محل درخواست اجرای قرار را خواهد نمود. رعایت‌مفاد تبصرهٔ ماده ۵۹) این قانون لازم‌الرعایه می‌باشد. ماده ۲۵۵ ـ هرگاه دادگاه تجدیدنظر استان حضور متهمی را که در حبس است لازم بداند دستور اعزام او را به مسوول زندان یابازداشتگاه صادر می‌نماید. چنانچه زندان یا بازداشتگاه در محل دیگری باشد متهم به دستور دادگاه موقتا به نزدیکترین‌زندان تحویل داده خواهد شد. ماده ۲۵۶ ـ هرگاه از حکم صادره درخواست تجدیدنظر شود و ازمتهم تأمین اخذ نشده باشد و یا متناسب با جرم و ضرر و زیان شاکی خصوصی نباشد دادگاه تجدیدنظر با توجه به دلایل‌موجود می‌تواند تأمین متناسب اخذ نماید. ماده ۲۵۷ ـ دادگاه تجدیدنظر در مورد آرای تجدیدنظر خواسته به‌شرح زیر اتخاذ تصمیم می‌نماید: الف ـ اگر رای مطابق قانون و دلایل موجود در پرونده باشدضمن تایید آن پرونده را به دادگاه صادرکننده رای اعاده‌می‌نماید. ب ـ هرگاه رای از دادگاه فاقد صلاحیت یا بدون رعایت‌تشریفات قانونی و یا بدون توجه به دلایل و مدافعات طرفین‌صادر شده و عدم رعایت موارد مذکور به درجه‌ای از اهمیت‌بوده که موجب عدم اعتبار قانونی رای مذکور گردد و یامخالف شرع یا مغایر قانون صادر شده باشد رای صادره رانقض و به شرح زیر اقدام می‌نماید: ۱ ـ اگر عملی که محکوم علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده‌است به فرض ثبوت جرم نبوده و یا به لحاظ شمول عفوعمومی یا سایر جهات قانونی قابل تعقیب نباشد و یا دادگاه‌تجدیدنظر به هر دلیل برائت متهم را احراز نماید حکم بدوی‌نقض و رای مقتضی را صادر می‌نماید هرچند محکوم علیه‌درخواست تجدیدنظر نکرده باشد و چنانچه محکوم‌علیه درحبس باشد فورا آزاد خواهد شد. ۲ ـ اگر رای صادره به صورت قرار باشد و به هر علت نقض‌شود جهت ادامه رسیدگی به دادگاه صادرکننده قرار اعاده می‌گردد و دادگاه مکلف به رسیدگی می‌باشد. ۳ ـ اگر رای به علت عدم صلاحیت دادگاه صادرکننده آن نقض‌شود دادگاه تجدیدنظر پرونده را به مرجع صالح ارجاع‌می‌نماید. ۴ ـ اگر دادگاه تجدیدنظر حکم بدوی را مخالف موازین شرعی‌یا قانونی تشخیص دهد با ذکر مبانی استدلال و اصول قانونی‌آن را نقض و پس از رسیدگی ماهوی مبادرت به انشای رای‌می‌نماید. رای صادره جز در موارد مذکور در ماده (۲۳۵) این‌قانون قطعی می‌باشد. ماده ۲۵۸ ـ دادگاه تجدیدنظر نمی‌تواند مجازات تعزیری مقرر درحکم بدوی را تشدید نماید مگر در مواردی که مجازات مقرر در حکم بدوی کمتر از میزانی باشد که قانون مقرر داشته و این‌امر مورد اعتراض شاکی تجدیدنظر خواه و یا مقامات مذکوردر ماده (۲۳۵) این قانون قرار گیرد که در این موارد مرجع‌تجدیدنظر با تصحیح حکم بدوی نسبت به مجازاتی که قانون‌مقرر داشته اقدام خواهد نمود.[۳۴۸] ماده ۲۵۹ ـ دادگاه تجدیدنظر پس از ختم رسیدگی مکلف است مبادرت به صدور رای نماید مگر این‌که انشا متوقف بر تمهید مقدماتی باشد که در این صورت در اولین فرصت حداکثرظرف یک هفته انشای رای می‌نماید. ماده ۲۶۰ ـ در مواردی که رای دادگاه تجدیدنظر بر محکومیت‌متهم باشد و متهم یا وکیل او در هیچ یک از مراحل دادرسی‌حاضر نبوده و لایحه دفاعیه یا اعتراضیه هم نداده باشند رای‌دادگاه تجدیدنظر ظرف مدت ۲۰ روز پس از ابلاغ واقعی به‌متهم یا وکیل او، قابل واخواهی و رسیدگی در همان

دادگاه‌تجدیدنظر می‌باشد، رای صادره قطعی است

فصل سوم دیوان‌عالی کشور و هیأت عمومی

ماده ۲۶۱ ـ پس از وصول پرونـده به دیوان‌عالی کشور رییس دیوان‌یا یکی از معاونین وی پرونده را با رعایت نوبت و ترتیب وصول به یکی از شعب دیـوان ارجـاع می‌نمایـد. شعبه مرجوع‌الیه به نـوبت رسیدگی می‌کنـد مگر در مواردی که به موجب قـانون یـا به تشـخیص رییس دیوان‌عالی کشور یا رییس‌شـعبه رسیدگی خارج از نوبت ضروری باشد. ماده ۲۶۲ ـ پس از ارجاع پرونـده نمی‌توان آن را از شعبه مرجوع الیه اخذ و به شعبه دیگر ارجاع کرد مگر به تجویز قانون تبصره ـ رعایت مفاد این ماده در مورد رسیدگی سایر دادگاهها نیز الزامی است ماده ۲۶۳ ـ رییس شعبه پرونده‌های ارجاعی را شخصا بررسی و گزارش آن را تنظیم و یا به نوبت به یکی از اعضـای شـعبه ارجـاع می‌نمایـد. عضـو مـذکور گزارش پرونـده را که متضـمن جریـان آن‌و بررسـی کامـل در خصـوص تجدیـدنظرخواهی و جهات قانونی آن باشد به صورت مستدل تهیه و به رییس شعبه تسلیم می‌نماید. تبصـره ـ رییس یا عضو شـعبه مکلف است حین تنظیم گزارش‌چنانچه از هریک از قضاتی که در آن پرونده دخالت داشته‌اند تخلف از مواد قانونی یا اعمال غرض و یا بی‌اطلاعی از مبانی‌قضایی مشاهـده نمایـد آن را به‌طور مشـروح و با اسـتدلال درگزارش‌خود تذکردهد و به‌دسـتور رییس شـعبه رونوشتی از گزارش‌یـاد شـده به دادگاه عالی انتظامی قضات ارسال خواهـد شـد. ماده ۲۶۴ ـ رسیدگی در دیوان‌عالی کشور شکلی است و اطراف‌دعوا یـا وکلای آنها جهت رسیدگی احضار نمی‌شونـد مگر آن‌که شعبه رسیدگی‌کننده حضور آنها را لازم بدانـد. عدم حضوراحضارشوندگان موجب تاخیر در رسیدگی و اتخاذ تصمیم نمی‌گردد. ماده ۲۶۵ ـ در موقع رسیدگی عضو ممیز گزارش پرونـده و مفـاد اوراقی را که لازم است قرائت می‌نمایـد و طرفین یـا وکلای آنان‌در صورت احضار می‌تواننـد با اجازه رییس شـعبه مطالب خودرا اظهار نمایند. همچنین نماینده دادسـتان کل در موارد قانونی‌نظر خود را اظهار می‌نماید سپس اعضای شعبه با توجه به محتویـات پرونـده و مفاد گزارش و اظهارات اشـخاص ذی ربط و نماینـده دادسـتان کل طبق نظر اکثریت به شـرح زیر اتخاذتصـمیم می‌نمایـد: الف ـ اگر رای مطابق قانون و دلایل موجود در پرونـده باشـد ضـمن تاییـد آن پرونـده را به دادگاه صادرکننده رای اعاده می‌نماید. ب ـ هرگاه رای از دادگاه فاقد صـلاحیت یا بدون رعایت‌تشـریفات قانونی و بدون توجه به دلایل و مدافعات طرفین صادر شـده و عـدم رعـایت موارد مـذکور به درجه‌ای از اهمیت‌بوده که موجب عـدم اعتبار قانونی رای مـذکور و یا مخالف شـرع یا مغایر قانون صادر شـده باشد، رای صادره نقض و به‌شـرح زیر اقدام می‌نماید: ۱ ـ اگر عملی که محکوم‌علیه به اتهـام ارتکـاب آن محکوم شـده‌است به فرض ثبوت جرم نبوده یـا به لحـاظ شـمول عفو عمومی و یـا سـایر جهـات قانونی قابل تعقیب نباشـد رای صادره نقض بلاارجاع می‌شود. ۲ ـ اگر رای صادره به صورت قرار باشد و یا حکم به علت‌نقص تحقیقات نقض شود پس از نقض برای رسیدگی مجـدد به دادگـاه صادرکننـده رای ارجـاع می‌شود. ۳ ـ اگر رای بـه علـت عـدم صـلاحیت دادگـاه نقض شـود پرونـده به‌مرجعی که دیوان‌عالی کشور صالـح تشـخیص می‌دهـد ارسال و مرجع مـذکور مکلف به رسیدگی می‌باشـد. ۴ ـ در سـایر مـوارد پس از نقض پرونده به دادگاه هم عرض‌ارجاع می‌شود. تبصـره ـ در مواردی که دیوان‌عالی کشور حکم را به علت نقص‌تحقیقات نقض می‌نماید موظف است کلیه موارد نقص‌تحقیقات را مشروحا ذکر نماید. ماده ۲۶۶ ـ مرجع رسیدگی پس از نقض رای در دیوان‌عالی کشور به شرح زیر اقدام می‌نماید: الف ـ در صورت نقض قرار در دیوان‌عالی کشور باید از نظردیوان متابعت نموده و رسیدگی ماهوی نماید. ب ـ در صـورت نقض حکـم بـه علـت نقص تحقیقـات مواردِاعلامـی را طبـق نظر دیـوان انجـام داده سپس مبـادرت به انشـای‌حکم می‌نمایـد. ج ـ در صورت نقض حکم در غیر موارد مـذکور، دادگـاه می‌توانـد حکم اصـراری صادر نمایـد. چنانچه این حکم مورد تجدیـد نظرخواهی واقع شود و شعبه دیوان‌عالی کشور پس ازبررسـی اسـتدلال دادگاه را بپـذیرد حکم را تایید می‌کند، در غیر این

صورت پرونده در هیات عمومی شعب کیفری مطرح وچنانچه نظر شعبه دیوان‌عالی کشور مورد تایید قرار گرفت حکم صادره نقض و پرونده به شعبه دیگر دادگاه ارجاع‌خواهد شد. دادگاه مرجوع‌الیه با توجه به استدلال هیات‌عمومی دیوان‌عالی کشور حکم مقتضی صادر می‌نمایـد. این‌حکم جز در موارد مذکور در ماده (۲۳۵) این قـانون قطعی‌است ماده ۲۶۷ ـ در مواردی که دادسـتان کل کشور طبـق مقررات تقاضـای تجدیـد نظر نمایـد، می‌توانـد حضـور در شـعبه دیوان‌عـالی کشـور و اظهـار نظر نسـبت به موضوع را به یکی ازدادیاران دادسـرای دیوان‌عالی کشور به عنوان نماینده خود محول نماید. ماده ۲۶۸ ـ نسخ شده است ماده ۲۶۹ ـ دفتر دادستان کل کشور درخواست نقض را مطابق ماده‌قبل دریافت و در صورت تکمیل بودن آن از جهت ضـمایم ومسـتندات و هزینه دادرسـی برابر مقررات آن را ثبت و به نظردادسـتان کـل کشور می‌رسانـد، دادسـتان کل کشور پس از بررسـی‌چنانچه ادعای مزبور را در خصوص مخالفت بین رای باموازین شـرع یا قانون مقرون به صحت تشخیص دهد با ذکراستدلال از دیوان‌عالی کشور درخواست نقض آن را می‌نمایـددیوان‌عالی کشور در صورت نقض حکم پرونده را جهت‌رسیدگی به دادگاه هم عرض ارسال می‌دارد. تبصره ۱ ـ چنانچه درخواست تقـدیمی ناقص باشـد دفتر دادسـتان‌کل کشور به تقدیم‌کننـده ابلاغ می‌نمایـد که ظرف ده روز از آن‌رفع نقص کنـد. در صـورت عـدم اقـدام در مهلـت مـذکور ترتیـب‌اثری بـه آن داده نخواهـد شـد. تبصـره ۲ ـ درخـواست نقض حکـم دادسـتان کـل از دیوان‌عالی‌کشور موجب توقف اجرای حکم تا پایان رسیدگی دیوان‌عالی‌کشور خواهد بود. تبصره ۳ ـ آرای صادره ناشی از اعمال دو مـاده فـوق جز در مواردمـذکور در مـاده (۲۳۵) این قـانون قابـل اعـتراض و تجدیدنظرنمی‌باشـد. مـاده ۲۷۰ ـ هرگـاه در شـعب دیوان‌عـالی کشـور و یـا هریـک ازدادگاههـا نسبت به موارد مشـابه اعم از حقوقی کیفری و امورحسـبی بـا اسـتنباط از قوانین آرای مختلفی صـادر شـود، رییس‌دیوان‌عـالی کشـور یـا دادسـتان کـل کشـور بـه هر طریقی که آگـاه شونـد، مکلفنـد نظر هیـات عمـومی دیوان‌عالی کشور را به‌منظور ایجاد وحدت رویه درخواست کنند. همچنین هریک ازقضات شـعب دیوان‌عالی کشور یا دادگاهها نیز می‌توانند با ذکردلایل از طریق رییس دیوان‌عالی کشور یا دادستان کل کشورنظر هیات عمومی را در خصوص موضوع کسب کنند. هیـات‌عمومی دیوان‌عـالی کشور به ریـاست رییس دیوان‌عـالی یـا معاون‌وی و با حضور دادسـتان کل کشور یا نماینـده او و حـداقل سه‌چهـارم رؤسـا و مسـتشاران و اعضـای معاون کلیه شـعب تشـکیل‌می‌شود تا موضوع مورد اختلاف را بررسـی و نسبت به آن‌اتخاذ تصـمیم نمایـد. رای اکثریت که مطابق موازین شـرعی‌باشد ملاک عمل خواهـد بود. آرای هیات عمومی دیوان‌عالی‌کشور نسـبت به احکام قطعی شـده بی‌اثر است ولی در مواردمشابه تبعیت از آن برای شـعب دیوان‌عالی کشور و دادگاهها لازم می‌باشـد. ماده ۲۷۱ ـ آرای هیات عمومی دیوان‌عالی کشور قابل تجدیدنظرنبوده و فقط به‌موجب قانون بی‌اثر می‌شوند.

باب چهارم اعاده دادرسی

ماده ۲۷۲ ـ موارد اعاده دادرسـی از احکام قطعی دادگاهها اعم ازاین‌که حکم صادره به مرحله اجرا گذاشـته شـده یا نشـده باشـد به قرار زیر است ۱ ـ در صورتی که کسـی به اتهام قتل شخصی محکوم شده‌لیکن زنده بودن شخص در آن زمان محرز شود و یا ثابت شودکه در حـال حیات است ۲ ـ در صورتی که چنـد نفر به اتهـام ارتکاب جرمی محکوم‌شونـد و ارتکاب جرم به گونه‌ای است که نمی‌توانـد بیش از یک مرتکب داشـته باشد. ۳ ـ در صـورتی که شخصـی به علت انتسـاب جرمی محکومیت یـافته و فرد دیگری نیز به‌موجب حکمی از مرجع قضایی دیگر به علت انتساب همان جرم محکوم شـده باشـد به‌طوری که از تعارض و تضاد مفاد دو حکم صـادره بی‌گناهی یکی از آن دونفر محکوم احراز شود. ۴ ـ جعلی بودن اسـناد یا خلاف واقع بودن شـهادت گواهان که مبنای حکم صـادر شـده بوده است ثابت گردد. ۵ ـ در صـورتی که پس از صـدور حکم قطعی واقعه جدیـدی‌حادث و یـا ظـاهر شود یـا دلاـیل جدیدی ارایه شود که موجب اثبات بی‌گناهی محکوم علیه باشد. ۶ ـ در صورتی که به علت اشتباه قاضی کیفر مورد حکم‌متناسب با جرم نباشد. ۷ ـ در صورتی که قـانون لاـحق مبتنی بر تخفیف مجـازات نسبت‌به قـانون سـابق باشـد که در این صورت پس از اعاده

دادرسـی مجـازات جدیـد نبایـد از مجـازات قبلی شدیـدتر باشـد.[۴۶۶] تبصـره ـ گـذشت شـاکی یـا مـدعی خصوصـی در جرایم غیرقابل‌گذشت بعد از صدور حکم قطعی موجب اعاده دادرسی نخواهد بود. ماده ۲۷۳ ـ اشخاص زیر حق درخواست اعاده دادرسی دارند: ۱ ـ محکوم‌علیه یـا وکیل یا قائم مقام قانونی او و در صورت‌فوت یا غیبت محکوم علیه همسر و وراث قانونی و وصـی او. ۲ ـ دادستان کل کشور. ۳ ـ رییس حوزه قضایی [۴۶۷] ماده ۲۷۴ ـ تقاضای اعاده دادرسـی به دیوان‌عالی کشور تسلیم‌می‌شود، مرجع یاد شـده پس از احراز انطباق با یکی از موارد منـدرج در ماده (۲۷۲) رسـیدگی مجدد را به دادگاه هم عرض دادگاه صادرکننده حکم قطعی ارجاع می‌نماید . [۴۶۸] ماده ۲۷۵ ـ رای دیوان‌عالی کشور در خصوص پذیرش اعاده دادرسی اجرای حکم را در صورت عدم اجرا تا اعاده دادرسـی و صـدور حکم مجـدد به تعویق خواهـد انداخت لیکن به منظور جلوگیری از فرار یا مخفی شدن محکوم علیه چنانچه تامین متناسب از متهم اخذ نشده باشد یا تامین ماخوذه منتفی‌شده باشد تامین لازم اخذ می‌شود . [۴۶۹] تبصره ـ مرجع صدور قرار تامین دادگاهی است که پس از تجویزاعاده دادرسـی به موضوع رسیدگی می‌نماید. ماده ۲۷۶ ـ پس از شروع به محاکمه ثانوی هرگاه دلایلی که محکوم علیه اقامه می‌نماید قوی باشد آثار و تبعات حکم اولی فوری متوقف و تخفیف لازم نسبت به حال محکوم علیه مجرا می‌شود ولی تخفیف یـاد شـده نبایـد بـاعث فرار محکوم علیه ازمحاکمه یا مخفی شـدن او بشود.[۴۷۰] ماده ۲۷۷ ـ هرگاه شـاکی یـا مـدعی خصوصـی در جرایم غیرقابل‌گـذشت بعـد از قطعی شـدن حکم از شـکایت خـود صـرف نظر نمایـد محکـوم علیه می‌توانـد با اسـتناد به استرداد شـکایت از دادگاه صادرکننده حکم قطعی درخواست کند که در میزان مجازات تجدیدنظر نماید، در این مورد دادگـاه به درخواست محکوم علیه در وقت فوق العـاده رسیدگی نموده و مجـازات را در صورت اقتضـا در حـدود قـانون تخفیف خواهد داد. این رای‌قطعی است

باب پنجم اجرای احکام

فصل اول احکام لازم‌الاجرا

ماده ۲۷۸ ـ احکـام لازم‌الاـجرا عبارتنـد از: الف ـ حکم قطعی دادگـاه بـدوی ب ـ حکم دادگـاه بـدوی که در مهلت مقرر در قـانون نسبت به آن‌اعتراض یا درخواست تجدیدنظر نشده باشد و یا اعتراض یا درخواست تجدیدنظر نسبت به آن رد شده باشد. ج ـ حکم دادگـاه بـدوی که مورد تاییـد مرجع تجدیـدنظر قرارگرفته باشـد. د ـ حکمی که دادگـاه تجدیـدنظر پس از نقض رای بـدوی صادر می‌نماید.[۴۷۳] مـاده ۲۷۹ ـ هرگـاه حکـم صـادره راجـع بـه چنـد نفر باشـد و در موعـد مقرر بعضـی از آنـان به حکم اعـتراض و یا درخواست تجدیـدنظر کرده باشـند نسـبت به بقیه پس از انقضای مهلت‌اعتراض و یا تجدیدنظرخواهی لازم الاجرا خواهد بود.[۴۷۴] ماده ۲۸۰ ـ اعتراض یا درخواست تجدیدنظر نسبت به یک قسمت‌از حکم مانع اجرای آن نسبت به سایر موارد نمی‌باشد . [۴۷۵]

فصل دوم ترتیب اجرای احکام

فصـل دوم ترتیب اجرای احکـام فصـل دوم ترتیب اجرای احکـام ماده ۲۸۱ ـ اجرای حکم در هر حـال با دادگاه بـدوی صادرکننـده حکم یـا قـائم مقـام آن به شـرح مواد آتی می‌باشـد.[۴۷۶] مـاده ۲۸۲ ـ در مـواردی کـه اجرای حکـم می‌بـایست توسط مـاموران یا سازمانهای دولتی یا عمومی به عمل آیـد دادگاه ضـمن ارسال رونوشت حکم و صـدور دسـتور اجرا و آموزش لازم نظارت‌کامل بر چگـونگی اجرای حکـم و اقـدامات آنـان به عمـل‌می‌آورد.[۴۷۷، ۴۷۸] مـاده ۲۸۳ ـ عملیـات اجرای حکـم پس از صــدور دســتور

دادگاه‌شروع و به هیچ وجه متوقف نمی‌شود مگر در مواردی که دادگاه صادرکننده حکم در حدود مقررات دستور توقف‌اجرای حکم را صادر نماید. ماده ۲۸۴ ـ کلیه ضابطین دادگستری و نیروهای انتظامی و نظامی و روسای سازمانهای دولتی و وابسته به دولت و یا موسسات عمومی در حدود وظایف خود مکلفند دستورات مراجع‌قضایی را در مقام اجرای احکام رعایت کنند. تخلف از مقررات این ماده علاوه بر تعقیب اداری و انتظامی مستوجب‌تعقیب کیفری برابر قانون مربوط می‌باشد. ماده ۲۸۵ ـ رفع ابهام و اجمال از حکم با دادگاه صادرکننده حکم‌است لیکن رفع اشکالات مربوط به‌اجرای‌حکم‌توسط دادگاهی که حکم زیر نظر آن اجرا می‌شود به عمل خواهد آمد.[۴۷۹] ماده ۲۸۶ ـ اجرای احکام راجع به هزینه دادرسی تأدیه خساراتو ضرر و زیان مدعیان خصوصی برابر مقررات مندرج در فصل اجرای احکام مدنی به عمل می‌آید.[۴۸۰، ۴۹۰] ماده ۲۸۷ ـ هرگاه رای به برائت یا منع تعقیب یا موقوفی تعقیب‌متهم صادر شود، رای بلافاصله توسط دادگاه اجرا می‌شود و چنانچه متهم به علت دیگری بازداشت نباشد فوری از وی رفع بازداشت خواهد شد.[۴۸۳] ماده ۲۸۸ ـ مجازات شلاق تعزیری در موارد زیر تا رفع مانع اجرا نمی‌شود: الف ـ زنی که در ایام بارداری یا نفاس یا استحاضه باشد. ب ـ زن شیرده در ایامی که طفل وی شیرخوار است حداکثر به‌مدت دو سال ج ـ بیماری که به تشخیص پزشک قانونی یا پزشک معتمد دادگاه اجرای حکم موجب تشدید بیماری یا تاخیر در بهبودی او شود. در این مورد چنانچه امیدی به بهبودی بیمار نباشد یا دادگاه مصلحت بداند یک دسته تازیانه یا ترکه مشتمل بر تعداد شلاق که مورد حکم قرار گرفته است تهیه و یک بار به‌محکوم علیه زده می‌شود. د ـ در مواردی که تبدیل مجازاتی به مجازات دیگر برابر قانون‌لازم باشد مجازات اولی تا اتخاذ تصمیم از طرف دادگاه اجرا نخواهد شد.[۴۸۴] ماده ۲۸۹ ـ جنون بعد از صدور حکم و فرار محکوم علیه در حین‌اجرای حکم موجب سقوط مجازات تعزیری نمی‌باشد. ماده ۲۹۰ ـ محل و چگونگی اجرای حکم شلاق به تشخیص‌دادگاه با رعایت موازین شرعی و حفظ نظم عمومی و سایرمقررات مربوط در حکم تعیین می‌شود. ماده ۲۹۱ ـ بیماری محکوم علیه موجب توقف اجرای مجازات‌حبس نمی‌شود مگر این‌که به تشخیص دادگاه اجرای حکم موجب شدت بیماری و تاخیر در بهبودی محکوم‌علیه باشد که‌در این صورت دادگاه با تشخیص پزشک قانونی یا پزشک‌معتمد و اخذ تامین متناسب اجازه معالجه در خارج از زندان را صادر می‌نماید و اگر محکوم علیه تامین ندهد به تشخیص پزشک و دستور دادگاه در زندان یا بیمارستان تحت نظر ضابطین دادگستری معالجه می‌شود. تبصره ـ در صورت جنون محکوم‌علیه تا بهبودی در بیمارستان روانی نگهداری می‌شود. ایام توقف در بیمارستان جزو محکومیت وی محاسبه می‌شود. ماده ۲۹۲ ـ چگونگی پرداخت دیه و مهلت آن به ترتیبی است که‌در قانون مجازات اسلامی و قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی پیش‌بینی شده است ماده ۲۹۳ ـ قبل از اجرای حکم اعدام یا قصاص نفس یا رجم یاصلب مراسم مذهبی توسط اشخاصی که صلاحیت دارند نسبت به محکوم علیه انجام می‌گیرد و هنگام اجرای حکم‌اعدام باید رییس دادگاه صادرکننده حکم یا نماینده او، رییس‌نیروی انتظامی محل یا نماینده وی رییس زندان پزشک قانونی یا پزشک معتمد محل و منشی دادگاه حاضر باشند.وکیل محکوم علیه نیز می‌تواند حضور یابد. پس از حاضرکردن محکوم‌علیه در محل رییس دادگاه یا نماینده او دستور اجرای حکم را صادر و منشی دادگاه حکم را با صدای رساقرائت می‌نماید، سپس حکم اجرا و صورت مجلس تنظیمی به‌امضای حاضران می‌رسد.[۴۸۵] تبصره ـ آیین‌نامه اجرایی این ماده و همچنین چگونگی اجرای‌حکم شلاق ظرف مدت سه ماه توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید. ماده ۲۹۴ ـ اشخاصی که محکوم به حبس هستند، با اعلام نوع جرم و میزان محکومیت برای تحمل کیفر به زندان معرفی می‌شوند.[۴۸۶] ماده ۲۹۵ ـ مدت‌تمامی کیفرهای حبس از روزی شروع می‌شود که محکوم‌علیه به‌موجب حکم قطعی قابل اجرا حبس شود.[۴۸۷] تبصره ـ چنانچه محکوم‌علیه قبل از صدور حکم لازم‌الاجرا به‌علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده امر مطرح بوده بازداشت شده‌باشد مدت بازداشت قبلی از مقدار حبس او کسرخواهد شد. ماده ۲۹۶ ـ کودک شیرخوار را از مادری که محکوم به حبس یاتبعید شده نباید جدا کرد مگر این‌که مادر با رضایت او را به پدر یا نزدیکان دیگرش بسپارد.[۴۸۸] ماده ۲۹۷ ـ اشخاصی که به تبعید محکوم شده‌اند، به محل

اعزام و مراتب به دادگاه و نیروی انتظامی محل ابلاغ می‌شود.[۴۸۹] تبصره ـ آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف مدت سه ماه توسط وزارتخانه‌های دادگستری و کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۲۹۸ ـ حکم برائت متهم در صورت درخواست او و با هزینه‌خودش در جراید کثیرالانتشار اعلام می‌شود.[۴۹۱] ماده ۲۹۹ ـ در اجرای حکم به جزای نقدی میزان محکوم به بایدبه‌حساب خزانه‌دولت‌واریز و برگ رسید آن پیوست پرونده شود. ماده ۳۰۰ ـ اجرای حدود شرعی برابر مقررات مندرج در قانون مجازات اسلامی خواهد بود.

باب ششم هزینه دادرسی

ماده ۳۰۱ ـ شاکی باید هزینه شکایت کیفری را برابر مقررات‌هنگام شکایت تادیه نماید. مدعی خصوصی هم که به تبع امرکیفری مطالبه ضرر و زیان می‌نماید باید هزینه دادرسی رامطابق مقررات مربوط به امور مدنی بپردازد. هرگاه مدعی‌خصوصی متمکن نبوده و استطاعت تادیه هزینه دادرسی رانداشته باشد و از دادگاه تقاضای معافیت نماید، دادگاه‌می‌تواند پس از اظهار نظر رییس حوزه قضایی یا معاون وی دراین خصوص مدعی را از تادیه هزینه دادرسی برای همان‌موضوعی که مورد ادعاست به‌طور موقت معاف نماید. تاخیر رسیدگی به امر جزایی به علت عدم تادیه هزینه دادرسی ازسوی مدعی خصوصی جایز نیست و احراز عدم تمکن با نظردادگاه است [۴۹۲] تبصره ـ پس از صدور حکم و در هنگام اجرای آن مسوول اجرای‌احکام مکلف‌است هزینه دادرسی را از محل محکوم‌به‌استیفا نماید. ماده ۳۰۲ ـ متهم و مدعی خصوصی بابت هزینه‌های ایاب و ذهاب گواهان و حق‌الزحمه کارشناسان و مترجمان و پزشکان و غیره‌که به دستور مقامات قضایی احضار می‌شوند وجهی نمی‌پردازند ولی چنانچه درخواست احضار یا کسب نظر آنان‌به درخواست متهم یا مدعی خصوصی باشد درخواست‌کننده باید هزینه مربوط را بپردازد.[۴۹۳] تبصره ـ مقدار هزینه‌ها به‌موجب تعرفه‌ای است که توسط وزیردادگستری تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید و دادگاه برابر همان تعرفه هزینه‌ها را معین کرده و در حکم قیدمی‌کند.[۴۹۴] ماده ۳۰۳ ـ هزینه تطبیق رونوشت یا تصویر اسناد و تهیه آن برابرمقررات قانونی خواهد بود.[۴۹۶] ماده ۳۰۴ ـ در صورت تعدد محکوم علیهم هزینه‌های دادرسی‌میان آنان تقسیم می‌شود و دادگاه در این تقسیم به مقصر اصلی‌و فرعی توجه نموده و سهم هریک را با توجه به تناسب‌دخالت آنان در وقوع جرم تعیین می‌نماید.[۴۹۹] ماده ۳۰۵ ـ شاکی یا مدعی خصوصی می‌تواند در هر مرحله ازدادرسی تمامی هزینه‌های دادرسی را که پرداخت کرده ازمدعی علیه مطالبه کند. دادگاه پس از ذی حق شناختن وی‌مکلف است هنگام صدور حکم نسبت به پرداخت آن دستور لازم را صادر نماید.[۴۹۷، ۵۰۰] ماده ۳۰۶ ـ در حکم دادگاه باید مسوول پرداخت هزینه‌های‌دادرسی معین شود و همچنین صورت هزینه‌هایی که مصرف‌شده است ضمن صدور حکم به صورت تفصیلی تعیین‌شود.[۵۰۳] ماده ۳۰۷ ـ چنانچه هنگام اجرای حکم محکوم‌علیه فوت نموده باشد هزینه دادرسی از ماترک وی وصول می‌شود . [۵۰۵] ماده ۳۰۸ ـ از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون دادگاههای عمومی‌و انقلاب فقط براساس این قانون عمل نموده و قانون آیین‌دادرسی کیفری مصوب سال ۱۲۹۰ و اصلاحات بعدی آن وهمچنین کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون نسبت به‌دادگاههای عمومی و انقلاب لغو می‌گردد.

۳– قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب (مصوب تیرماه ۱۳۷۳ با اصلاحات ۲۸/۷/۱۳۸۱)

مصوب تیرماه ۱۳۷۳ با اصلاحات ۲۸/۷/۱۳۸۱ ماده ۱ ـ به منظور رسیدگی و حل و فصل کلیه دعاوی و مراجعه مستقیم به قاضی و ایجاد مرجع قضایی واحد ، دادگاههایی با صلاحیت عام به شرح مواد آتیه تشکیل‌می‌شوند. ماده ۲ ـ تاسیس دادگاههای عمومی در هر حوزه قضایی وتعیین قلمرو محلی و تعداد شعب دادگاههای مزبور به تشخیص رییس قوه قضاییه است ماده ۳ ـ در حوزه قضایی هر شهرستان یک دادسرا نیز درمعیت دادگاههای آن حوزه تشکیل می‌گردد. تشکیلات حدودصلاحیت وظایف و اختیارات

دادسرای مذکور که «دادسرای‌عمومی و انقلاب نامیده می‌شود تا زمان تصویب آیین نامه‌دادرسی مربوطه طبق قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی‌و انقلاب در امور کیفری مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی و مقررات مندرج دراین قانون به شرح ذیل می‌باشد: الف ـ دادسرا که عهده‌دار کشف جرم تعقیب متهم به‌جرم اقامه دعوی از جنبه حق اللهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی اجرای حکم و همچنین رسیدگی به امور حسبیه وفق‌ضوابط قانونی است به ریاست دادستان می‌باشد و به تعدادلازم معاون دادیار، بازپرس و تشکیلات اداری خواهد داشت اقدامات دادسرا در جرایمی که جنبه خصوصی دارد باشکایت شاکی خصوصی شروع می‌شود. در حوزه قضایی‌بخش وظیفه دادستان را دادرس علی البدل برعهده دارد. ب ـ ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری از حیث وظایفی‌که به عنوان ضابط برعهده دارند با دادستان است ج ـ مقامات و اشخاص رسمی در مواردی که باید امر جزایی راتعقیب نمود، موظفند مراتب را فورا به دادستان اطلاع دهند. د ـ بازپرس وقتی اقدام به تحقیقات مقدماتی می‌نماید که قانونا این حق را داشته باشد. جهات قانونی برای شروع به تحقیقات‌بازپرس عبارت است از: ۱ ـ ارجاع دادستان ۲ ـ شکایت یا اعلام جرم به بازپرس در مواقعی که دسترسی به‌دادستان ممکن نیست و رسیدگی به آن فوریت داشته باشد. ۳ ـ در جرایم مشهود در صورتی که بازپرس شخصا ناظر وقوع‌آن باشد. ه ـ دادستان در اموری که به بازپرس ارجاع می‌شود حق نظارت‌و دادن تعلیمات لازمه را خواهد داشت و در صورتی که‌تحقیقات بازپرس را ناقص ببیند می‌تواند تکمیل آن را بخواهدولو این که بازپرس تحقیقات خود را کامل بداند. بازپرس در جریان تحقیقات تقاضای قانونی دادستان را اجرانموده مراتب را در صورتمجلس قید می‌کند و هرگاه مواجه بااشکال شود به نحوی که انجام آن مقدور نباشد مراتب را به‌دادستان اعلام و منتظر حل مشکل می‌شود. و ـ تحقیقات مقدماتی کلیه جرایم برعهده بازپرس می‌باشد. درجرایمی که در صلاحیت رسیدگی دادگاه کیفری استان نیست‌دادستان نیز دارای کلیه وظایف و اختیاراتی است که برای‌بازپرس مقرر می‌باشد. در مورد جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه‌کیفری استان است دادستان تا قبل از حضور و مداخله‌بازپرس اقدامات لازم را برای حفظ و جمع آوری دلایل و آثارجرم به عمل می‌آورد و در مورد سایر جرایم داستان می‌تواندانجام بعضی از تحقیقات و اقدامات را از بازپرس درخواست‌نماید بدون این که رسیدگی امر را به طور کلی به آن بازپرس‌ارجاع کرده باشد. ز ـ کلیه قرارهای دادیار بایستی با موافقت دادستان باشد و درصورت اختلاف نظر بین دادستان و دادیار، نظر دادستان متبع‌خواهد بود. ح ـ بازپرس راسا و یا به تقاضای دادستان می‌تواند در تمام‌مراحل تحقیقاتی در موارد مقرر در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی قرار بازداشت موقت متهم و همچنین قرار اخذ تامین‌و تبدیل تامین را صادر نماید. در صورتی که بازپرس راسا قراربازداشت موقت صادر کرده باشد مکلف است ظرف بیست و چهار ساعت پرونده را برای اظهار نظر نزد دادستان ارسال‌نماید. هرگاه دادستان با قرار بازداشت به عمل آمده موافق‌نباشد، نظر دادستان متبع است و چنانچه علتی که موجب‌بازداشت بوده است مرتفع شده و موجب دیگری برای ادامه‌بازداشت نباشد بازداشت با موافقت دادستان رفع خواهد شدو همچنین در موردی که دادستان تقاضای بازداشت کرده وبازپرس باآن موافق نباشد حل اختلاف حسب مورد با دادگاه‌عمومی یا انقلاب محل خواهد بود. هرگاه متهم موجبات بازداشت را مرتفع ببیند می‌تواند ازبازپرس درخواست رفع بازداشت خود را بنماید که در این‌صورت بازپرس مکلف است ظرف ده روز از تاریخ تسلیم‌درخواست نظر خود را جهت اتخاذ تصمیم نزد دادستان‌ارسال نماید. به هر حال متهم نمی‌تواند در هر ماه بیش از یک‌مرتبه از این حق استفاده کند. در صورت حدوث اختلاف بین بازپرس و دادستان درخصوص صلاحیت محلی و ذاتی و همچنین نوع جرم حسب‌مورد حل اختلاف با دادگاه عمومی یا انقلاب محل خواهدبود. ط ـ هرگاه در جرایم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری استان تا چهارماه و در سایر جرایم تا دو ماه به علت صدور قرار تامین ،متهم در بازداشت به سر برد و پرونده اتهامی او منتهی به‌تصمیم نهایی در دادسرا نشده باشد، مرجع صادر کننده قرارمکلف به فک یا تخفیف قرار تامین متهم می‌باشد مگر آن که جهات قانونی یا علل موجهی برای بقا قرار تامین صادر شده‌وجود داشته

باشد که در این صورت با ذکر علل و جهات مزبور قرار ابقا می‌شود و متهم حق دارد از این تصمیم ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ به وی حسب مورد به دادگاه عمومی یاانقلاب محل شکایت نماید. فک قرار بازداشت متهم از طرف‌بازپرس با موافقت دادستان به عمل می‌آید و در صورت حدوث اختلاف بین دادستان و بازپرس حل اختلاف با دادگاه‌خواهد بود. چنانچه بازداشت متهم ادامه یابد مقررات این بندحسب مورد هر چهار ماه یا هر دو ماه اعمال می‌شود. به هرحال مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرردر قانون برای آن جرم تجاوز نماید. ی ـ درخواست دادستان و بازپرس را باید ضابطین مقامات‌رسمی و ادارات فورا اجرا نمایند. بازپرس می‌تواند به‌تحقیقات ضابطین دادگستری رسیدگی نموده و هرگاه تغییری‌در اقدامات آنان یا تکمیلی در تحقیقات لازم باشد به عمل آورد. تخلف از مقررات این بند علاوه بر تعقیب اداری و انتظامی‌برابر قانون مربوط مستوجب تعقیب کیفری نیز خواهد بود. ک ـ پس از آن تحقیقات پایان یافت بازپرس آخرین دفاع متهم‌را استماع نموده با اعلام ختم تحقیقات و اظهار عقیده خود،پرونده را نزد دادستان می‌فرستد. در صورتی که به عقیده‌بازپرس عمل متهم متضمن جرمی نبوده یا اصولا جرمی واقع‌نشده و یا دلایل کافی برای ارتکاب جرم وجود نداشته باشدقرار منع تعقیب و در صورت عقیده بازپرس بر تقصیر متهم قرار مجرمیت درباره ایشان صادر می‌نماید و چنانچه متهم درآخرین دفاع دلیل مؤثری بر کشف حقیقت ابراز نماید بازپرس‌مکلف به رسیدگی می‌باشد. دادستان نیز مکلف است ظرف پنج روز از تاریخ وصول پرونده را ملاحظه نموده و نظر خود را اعلام دارد. ل ـ هرگاه دادستان با نظر بازپرس در مورد مجرمیت متهم‌موافق باشد کیفر خواست صادر، پرونده را از طریق بازپرسی‌به دادگاه صالحه ارسال می‌نماید و در صورت توافق بازپرس و دادستان با منع یا موقوفی تعقیب متهم بازپرس دستور ابلاغ‌قرار صادره به شاکی خصوصی را می‌دهد و در مورد اخیر چنانچه متهم زندانی باشد فورا آزاد می‌شود. هرگاه بین بازپرس و دادستان توافق عقیده نباشد (یکی عقیده‌به مجرمیت یا موقوفی و یا منع تعقیب متهم و دیگری عقیده‌عکس آن را داشته باشد) رفع اختلاف حسب مورد در دادگاه‌عمومی و انقلاب محل به عمل می‌آید و موافق تصمیم دادگاه‌رفتار می‌شود. م ـ در کیفر خواست باید نکات ذیل تصریح شود: ۱ ـ نام و نام خانوادگی نام پدر، سن شغل محل اقامت متهم با سواد است یا نه مجرد است یا متاهل ۲ ـ نوع قرار تامین با قید این که متهم بازداشت است یا آزاد. ۳ ـ نوع اتهام ۴ ـ دلایل اتهام ۵ ـ مواد قانونی مورد استناد. ۶ ـ سابقه محکومیت کیفری در صورتی که متهم دارای سابقه محکومیت کیفری باشد. ۷ ـ تاریخ و محل وقوع جرم ن ـ قرارهای بازپرس که دادستان با آنها موافق باشد، در موارد ذیل قابل اعتراض در دادگاه صالحه بوده و نظر دادگاه که درجلسه اداری خارج از نوبت و بدون حضور دادستان به عمل‌می‌آید قطعی خواهد بود: ۱ ـ اعتراض به قرارهای منع تعقیب و موقوفی تعقیب به‌تقاضای شاکی خصوصی ۲ ـ اعتراض به قرارهای عدم صلاحیت بازداشت موقت تشدید تامین و تامین خواسته به تقاضای متهم ۳ ـ اعتراض به قرار اناطه به تقاضای شاکی خصوصی ودادستان اعتراض به قرارهای مذکور در بالا ـ ظرف مدت ده روز از تاریخ‌ابلاغ آن می‌باشد. اعتراض به قرارها باعث توقف جریان تحقیقات و مانع اجرای‌قرار نبوده و کلیه اقدامات بازپرسی تا اخذ تصمیم دادگاه به‌قوت خود باقی خواهد بود و چنانچه نتیجه قرار صادره آزادی‌متهم زندانی باشد فورا اجرا می‌شود. هرگاه به علت عدم کفایت دلیل قرار منع تعقیب متهم صادر وقطعی شده باشددیگر نمی‌توان به همین اتهام او را تعقیب کرد،مگر بعد از کشف دلایل جدید که در این صورت فقط برای‌یک مرتبه می‌توان به درخواست دادستان وی را تعقیب نمود.هرگاه دادگاه تعقیب مجدد متهم را تجویز کند بازپرس رسیدگی و قرار مقتضی صادر می‌نماید. این امر مانع ازرسیدگی به دادخواست ضرر و زیان مدعی خصوصی‌نمی‌باشد. تبصره ۱ ـ حوزه قضایی عبارت‌است از قلمرو یک بخش یاشهرستان و یا نقاط معینی از شهرهای بزرگ تبصره ۲ ـ رسیدگی جرایم داخل صلاحیت دادگاههای نظامی‌از شمول این قانون خارج است و در دادسرا و دادگاه نظامی انجام می‌شود. تبصره ۳ ـ پرونده‌هایی که موضوع آنها جرایم مشمول حد زناو لواط است همچنین جرایمی که مجازات قانونی آنها فقط تاسه ماه حبس و یا جزای نقدی تا یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰)ریال می‌باشد و جرایم اطفال مستقیما در دادگاههای مربوط‌مطرح می‌شود، مگر آن که به تشخیص دادستان

تحقیقات‌راجع به سایر جهات ضـرورت داشته باشد. تبصره ۴ ـ جرایمی که تا تاریـخ اجرای این قانون مستقیما دردادگاه مطرح شده است در همـان دادگـاه بـدون نیـاز به‌کیفرخواست و رسیدگی دادسرا رسـیدگی خواهـد شـد وچنـانچه نیـاز به انجام تحقیقات و یا اقداماتی جهت کشف جرم باشد دادگاه باید راسا نسبت به انجام آن اقدام کند. تبصره ۵ ـ با ارجاع دادستان یا در غیاب وی معاون دادسرا یادادیار، عهده دار انجام تمام یا برخی از وظایف و اختیارات قانونی دادستان خواهد بود. تبصره ۶ ـ در حوزه قضایی بخشها، رییس یـا دادرس علی‌البـدل دادگاه در جرایمی که رسـیدگی به آنها در صـلاحیت دادگاه کیفری اسـتان است به جانشـینی بازپرس تحت نظارت‌دادسـتان مربوطه اقـدام می‌نماید و در سایر جرایم مطابق قانون‌رسـیدگی واقدام به صدور رای خواهد نمود. ماده ۴ ـ هر حوزه قضایی که دارای بیش از یک شـعبه دادگاه عمومی باشـد آن شـعب به حقوقی و جزایی تقسیم می‌شونـد.دادگاههای حقوقی صرفـا به امور حقوقی و دادگاههـای جزایی‌فقـط به امور کیفری رسـیدگی خواهنـد نمود. تخصـیص شـعبی از دادگاههای حقوقی و کیفری برای رسـیدگی‌به دعـاوی حقوقی یـا جزایی خـاص ماننـد امور خـانوادگی و جرایم اطفـال بـا رعایت مصالـح و مقتضـیات از وظـایف واختیـارات رییس قوه قضـاییه است در صورت ضـرورت ممکن است به شـعبه جزایی پرونـده‌حقوقی و یـا به شـعبه حقوقی پرونـده جزایی ارجـاع شود. تبصـره ـ رسـیدگی به جرایمی که مجازات قانونی آنها قصاص‌نفس یا قصاص عضو یا رجم یا صـلب یا اعـدام یا حبس ابـداست و همچنین رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسـی به‌نحوی که در مواد بعـدی ذکر می‌شود در دادگاههای کیفری‌استان به عمل خواهد آمد. رسیدگی به کلیه اتهامات اعضا تشخیص مصلحت نظام شورای نگهبان نمایندگان مجلس شورای اسـلامی وزرا و معـاونین آنهـا، معاونـان و مشاوران رؤسای سه قوه سـفرا،دادسـتان ورییس دیوان محاسـبات دارنـدگان پایه قضایی ، اسـتانداران فرمانداران و جرایم عمومی افسران نظامی و انتظامی ازدرجه سرتیپ و بالاتر و مدیران کل اطلاعات استانها در صلاحیت دادگـاه کیفری اسـتان تهران می‌باشـد به اسـتثنا مـواردی که در صـلاحیت سـایر مراجع قضـایی است مـاده ۵ ـ به تعـداد مـورد نیـاز، دادگاههـای انقلاـب در مرکز هراسـتان و منـاطقی که ضـرورت تشـکیل آن را رییس قوه قضـاییه تشـخیص می‌دهـد تحت نظارت و ریـاست اداری حوزه قضایی‌تشـکیل می گردد و به جرایم ذیل رسـیدگی می‌نمایـد: ۱ ـ کلیـه جرایـم علیه امنیت داخلی و خـارجی و محاربه یا افسادفی الارض ۲ ـ توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری ۳ ـ توطیه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه و ترور و تخریب مؤسسات به منظور مقابله با نظام ۴ ـ جاسوسی به نفع اجانب ۵ ـ کلیه جرایم مربوط به قاچاق و مواد مخدر. ۶ ـ دعاوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی ماده ۶ ـ طرفین دعوا در صورت توافق می‌توانند برای احقاق حق و فصـل خصومت به قاضی تحکیم مراجعه نمایند. ماده ۷ ـ احکام دادگاههای عمومی و انقلاب قطعی است مگردر مواردی که در این قانون قابل نقض و تجدیدنظر پیش‌بینی‌شده‌است ماده ۸ ـ قضات دادگاهها و دادسـراهای عمومی و انقلاب مکلفند به دعاوی و شکایات و اعلامات موافق قوانین موضوعه و اصل یکصد وشـصت و هفتم (۱۶۷) قانون اساسی‌جمهوری اسلامی ایران رسیدگی کنند و تصمیم قضایی رااتخاذ نمایند. ماده ۹ ـ قرارها و احکام دادگاهها باید مسـتدل بوده و مسـتند به‌قانون یا شـرع و اصولی باشد که بر مبنای آن حکم صادر شده‌است تخلف از این امر و انشای رای بدون اسـتناد موجب‌محکومیت انتظامی خواهد بود. ماده ۱۰ ـ هر حوزه قضایی به تعـداد لاـزم شـعبه دادگـاه دادرس‌علی البـدل دفتـر دادگـاه واحـد ابلاـغ و اجرای احکـام و در صورت لزوم یـک واحـد ارشـاد و معاضـدت قضایی خواهـدداشت و در صورت تعـدد شـعب دارای یک دفتر کل نیزخواهد بود. تبصـره ـ ترتیب تشـکیل این واحدها، تعـداد اعضـای هرواحـد،طریقه انتخاب و شـرایط آن میزان صـلاحیت و اختیار هرواحـد یا هر یک از اعضای آن و نحوهٔ اقـدامات و تصـمیم‌گیریها به موجب آیین‌نامه‌ای است که به پیشنهاد و تهیه وزیر دادگستری به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید. ماده ۱۱ ـ رییس شعبه اول دادگاههای عمومی در هر حوزه‌قضایی رییس حوزه قضایی است و با تصویب رییس قوه قضاییه می‌تواند به تعداد لازم معاون داشته باشد. ماده ۱۲ ـ در شهرسـتان رییس دادگستری رییس حوزه قضایی‌و رییس شعبه اول دادگاه بر دادگاهها ریاست اداری دارد و در مرکز استان رییس کل دادگستری استان رییس کل دادگاههای‌تجدیدنظر و کیفری استان است و بر کلیه دادگاهها

و دادسراهاو دادگستری‌های حوزه آن استان نظارت و ریاست اداری‌خواهد داشت همچنین رییس دادگستری هر حوزه بر دادسرای آن حوزه نظارت و ریاست اداری دارد. ماده ۱۳ ـ برای تامین کادر قضایی دادسراها، رییس قوه‌قضاییه از قضات تحقیق فعلی و دادرسان علی البدل دادگاهها و سایر قضاتی که مقتضی بداند استفاده خواهد نمود و شعبی ازدادگاهها را که با تاسیس دادسرا غیرلازم تشخیص دهد منحل‌خواهد کرد و حتی الامکان حذف شعب اضافی از آخرین‌شعب دادگاهها انجام خواهد شد. تبصره ۱ ـ گروه شغلی «دادستانها» برابر گروه شغلی «رییس‌دادگستری شهرستان و گروه شغلی «دادستان تهران برابرگروه شغلی «رییس کل دادگستری استان تهران خواهد بود. تبصره ۲ ـ گروه شغلی «معاون دادستان و بازپرس برابرگروه‌شغلی «رییس شعبه دادگاه عمومی و گروه شغلی «دادیار»برابر گروه شغلی «دادرس علی البدل دادگاه خواهد بود. تبصره ۳ ـ به جز موارد ضروری به تشخیص رییس قوه‌قضاییه رییس کل دادگستری استان باید حداقل دارای ده سال‌سابقه کار قضایی رییس دادگاه تجدیدنظر حداقل هشت سال و دادستان و رییس دادگستری شهرستان حداقل شش سال‌سابقه کار قضایی داشته باشند. ماده ۱۴ ـ الف ـ دادگاههای عمومی حقوقی با حضور رییس دادگاه یادادرس علی‌البدل تشکیل می‌شود و تمام اقدامات و تحقیقات‌به وسیله رییس دادگاه یا دادرس علی البدل وفق قانون آیین‌دادرسی مربوط انجام می‌گردد و اتخاذ تصمیم قضایی و انشای‌رای با قاضی دادگاه است ب ـ دادگاههای خانواده حتی المقدور با حضور مشاور قضایی‌زن که دارای پایه قضایی است اقدام به رسیدگی نموده و نظرمشورتی آنان قبل از صدور حکم توسط رییس دادگاه اخذخواهد شد. ج ـ دادگاههای عمومی جزایی و انقلاب با حضور رییس دادگاه‌یا دادرس علی البدل و دادستان یا معاون او یا یکی ازدادیاران‌به تعیین دادستان تشکیل می‌گردد و فقط به جرایم مندرج درکیفر خواست وفق قانون آیین دادرسی مربوط رسیدگی‌می‌نماید و انشای رای پس از استماع نظریات و مدافعات‌دادستان یا نماینده او وفق قانون برعهده قاضی دادگاه است تبصره ۱ ـ هرگاه دادگاه نقصی در تحقیقات مشاهده نموده یاانجام اقدامی را لازم بداند خود تکمیل می‌نماید و نیز می‌تواندرفع نقص و تکمیل پرونده را با ذکر موارد نقص از دادسرای‌مربوط درخواست کند. تبصره ۲ ـ هرگاه تحقیق یا اقدامی در حوزهٔ دادگاه دیگری‌لازم باشد یا اطلاعاتی از حوزه قضایی آن دادگاه باید جمع آوری شود دادگاه رسیدگی‌کننده می‌تواند با اعطای نیابت‌قضایی از دادگاه آن حوزه انجام آن تحقیقات و اقدامات یا جمع‌آوری اطلاعات را بخواهد. ماده ۱۵ ـ دادرسان علی البدل عهده دار انجام کلیه اموری‌هستند که از طرف روسای دادگاهها در چارچوب قوانین به آنان ارجاع می‌شود و در غیاب رییس شعبه دادگاه حسب تعیین‌رییس کل دادگاهها شعبه بلامتصدی را تصدی و اداره می‌نمایند. ماده ۱۶ ـ ترتیب رسیدگی در دادگاهها طبق مقررات مزبور درایین دادرسی مربوط به دادگاهها خواهد بود. ماده ۱۷ ـ قاضی دادگاه پس از اعلام ختم دادرسی ظرف یک‌هفته مکلف به انشای رای می‌باشد. ماده ۱۸ ـ آرای غیر قطعی و قابل تجدیدنظر یا فرجام همان‌می‌باشد که در قوانین آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری و مدنی مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸کمیسیون قضایی و حقوقی و ۲۱/۱/۱۳۷۹ مجلس شورای‌اسلامی ذکر گردیده است در مورد آرای قابل تجدیدنظر یافرجام تجدیدنظر و فرجام خواهی برطبق مقررات آیین‌دادرسی مربوط انجام می‌شود. در مورد آرای قطعی جز از طریق اعاده دادرسی و اعتراض‌ثالث به نحوی که در قوانین مربوط مقرر است نمی‌توان‌رسیدگی مجدد نمود مگر اینکه رای خلاف بین قانون یا شرع‌باشد که در آن صورت به درخواست محکوم علیه (چه در امورمدنی و چه در امور کیفری و یا دادستان مربوط (در امورکیفری ممکن است مورد تجدیدنظر واقع شود. تبصره ۱ ـ مراد از خلاف بین این است که رای بر خلاف نص‌صریح قانون و یا در موارد سکوت قانون مخالف مسلّمات فقه‌باشد. تبصره ۲ ـ درخواست تجدیدنظر نسبت به آرا قطعی مذکوردر این ماده اعم از اینکه رای در مرحله نخستین صادر شده وبه علت انقضای مهلت تجدیدنظر خواهی قطعی شده باشد یاقانونا قطعی باشد و یا از مرجع تجدیدنظر صادر گردیده باشدباید ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رای به شعبه یا شعبی ازدیوان عالی کشور که «شعبه تشخیص نامیده می‌شود تقدیم‌گردد. شعبه تشخیص از پنج نفر از قضات دیوان مذکور به‌انتخاب رییس قوه قضاییه تشکیل می‌شود. در صورتی که شعبه تشخیص وجود خلاف بین را احراز نماید،رای را نقض و

رای مقتضی صادر می‌نماید. چنانچه وجود خلاف بین را احراز نکند، قرار رد درخواست تجدیدنظرخواهی را صادر خواهد نمود. تصمیمات یاد شده شعبه‌تشخیص در هر صورت قطعی و غیرقابل اعتراض می‌باشد،مگر آنکه رییس قوه قضاییه در هر زمانی و به هر طریقی رای‌صادره را خلاف بین شرع تشخیص دهد که در این صورت‌جهت رسیدگی به مرجع صالح ارجاع خواهد شد. تبصره ۳ ـ خواهان تجدیدنظر باید هزینه تجدیدنظرخواهی راوفق قانون پرداخت کند و چنانچه ظرف ۱۰ روز پس از اخطاردفتر شعبه تشخیص بدون عذر، هزینه را پرداخت ننماید،شعبه تشخیص قرار رد درخواست او را صادر خواهد نمود.این قرار قطعی و غیرقابل اعتراض می‌باشد. اگر تجدیدنظرخواهی از سوی دادستان مربوط باشد، دادستان از پرداخت‌هزینه دادرسی معاف است این معافیت شامل سایر مواردی‌هم که دادستان تقاضای تجدیدنظر نماید می‌باشد. تبصره ۴ ـ جز در مورد اختیار ذیل تبصره ۲ این ماده از هیچ‌حکم قطعی یا قطعیت یافته بیش از یک بار نمی‌توان به عنوان خلاف بین درخواست تجدیدنظر نمود. تبصره ۵ ـ در مواردی که برحسب قانون دیوان عالی کشورباید اعاده دادرسی را تجویز کند، این امر با شعبه تشخیص مذکور در تبصره ۲ این ماده خواهد بود. ماده ۱۹ ـ نسخ شده است ماده ۲۰ ـ به منظور تجدیدنظر در آرای دادگاههای عمومی وانقلاب در مرکز هر استان دادگاه تجدیدنظر به تعداد مورد نیازمرکب از یک نفر رییس و دو عضو مستشار تشکیل‌می‌شود.جلسه دادگاه با حضور دو نفر عضو رسمیت یافته پس از رسیدگی ماهوی رای اکثریت که به وسیلهٔ رییس یا عضومستشار انشا می‌شود قطعی و لازم‌الاجرا خواهد بود. تبصره ۱ ـ رسیدگی به جرایمی که مجازات قانونی آنهاقصاص عضو یا قصاص نفس یا اعدام یا رجم یا صلب و یا حبس ابد باشد و نیز رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی ابتدایا در دادگاه تجدیدنظر استان به عمل خواهد آمد و در این‌مورد، دادگاه مذکور «دادگاه کیفری استان نامیده می‌شود.دادگاه کیفری استان برای رسیدگی به جرایمی که مجازات قانونی آنها قصاص نفس یا اعدام یا رجم یا صلب یا حبس دایم‌باشد از پنج نفر (رییس و چهار مستشار یا دادرس علی البدل‌دادگاه تجدیدنظر استان و برای رسیدگی به جرایمی که‌مجازات قانونی آنها قصاص عضو و جرایم مطبوعاتی وسیاسی باشد از سه نفر (رییس و دو مستشار یا دادرس علی‌البدل دادگاه‌تجدیدنظراستان تشکیل‌می‌شود. تشکیلات ترتیب رسیدگی کیفیت محاکمه و صدور رای این دادگاه تاتصویب قانون آیین دادرسی مناسب مطابق مقررات این قانون و قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امورکیفری مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضایی و حقوقی‌مجلس شورای اسلامی خواهد بود. دادگاه کیفری استان در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی و با حضور هیات منصفه‌تشکیل خواهد شد. تبصره ۲ ـ در مرکز هر استان حسب نیاز، شعبه یا شعبی از دادگاه تجدیدنظر به عنوان «دادگاه کیفری استان برای رسیدگی به جرایم مربوط اختصاص می‌یابد. تعداد شعبه یاشعبی که برای این امر اختصاص می‌یابد به تشخیص رییس قوه‌قضاییه خواهد بود. دادستان شهرستان مرکز استان یا معاون او یا یکی از دادیاران‌به تعیین دادستان وظایف دادستان را در دادگاه کیفری استان انجام می دهد. قبل از استماع اظهارات شاکی و متهم اظهارات‌دادستان یا نماینده وی و شهود و اهل خبره‌ای که دادستان‌معرفی کرده بیان می‌شود. تبصره ۳ ـ برای تسهیل یا تسریع در امر دادرسی رییس قوه‌قضاییه می‌تواند موقتا امر به تشکیل دادگاه کیفری استان درشهرستان محل وقوع جرم بدهد. در این‌صورت دادستان همان‌محل یا معاون او یا یکی از دادیاران آن حوزه وظایف دادستان‌را در دادگاه مذکور به عهده خواهند داشت دادگاه کیفری‌استان با حضور رییس و تمامی مستشاران رسمیت می‌یابد. تبصره ۴ ـ دادگاه کیفری استان پس از ختم رسیدگی بااستعانت از خداوند سبحان و وجدان مشاوره نموده و با توجه‌به محتویات پرونده مبادرت به صدور رای می‌نماید و نظر اکثریت اعضای دادگاه مناط اعتبار است این رای ظرف مهلت‌مقرر قابل تجدیدنظرخواهی در دیوان عالی کشور می‌باشد.ترتیب رسیدگی همان است که در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون‌قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی مقرر شده است تبصره ۵ ـ اشخاص ذیل می‌توانند از رای دادگاه کیفری استان‌تقاضای تجدیدنظر نمایند. الف ـ محکوم علیه یا نماینده قانونی وی ب ـ دادستان ج ـ مدعی خصوصی یا نماینده قانونی وی از حیث ضرر و زیان تبصره ۶ ـ اجرای احکام کیفری «دادگاه کیفری استان

توسطدادسرای شهرستان مرکز استان وفق مقررات مربوط در قانونآیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفریمصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس‌شورای اسلامی خواهد بود. تبصره ۷ ـ در شهرستان مرکز استان رییس کل دادگستری‌استان رییس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان می‌باشد و رییس شعبه اول دادگاههای عمومی مرکز استان رییس کل‌دادگاههای آن شهرستان خواهد بود و در غیر مرکز استان‌رییس هر حوزه قضایی رییس شعبه اول دادگاه عمومی آن‌حوزه قضایی است ماده ۲۱ ـ مرجع تجدیدنظر آرا قابل تجدیدنظر دادگاههای‌عمومی حقوقی و جزایی و انقلاب دادگاه تجدیدنظر استانی است که آن دادگاهها در حوزه قضایی آن استان قرار دارند. آرادادگاههای کیفری استان و آن دسته از آرا دادگاههای‌تجدیدنظر استان که قابل فرجام باشد ظرف مهلت مقرر برای‌تجدیدنظر خواهی قابل فرجام در دیوان عالی کشور است ماده ۲۲ ـ رسیدگی دادگاه تجدیدنظر استان به درخواست‌تجدیدنظر ازاحکام قابل تجدیدنظر دادگاههای عمومی جزاییو انقلاب وفق مقررات قانونی آیین دادرسی دادگاههای‌عمومی وانقلاب در امور کیفری مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی با حضوردادستان یا یکی ازدادیاران یا معاونان وی به عمل می‌آید و درمورد آرا حقوقی وفق قانون آیین دادرسی مربوط خواهد بود. تبصره ۱ ـ اگر در دادگاه تجدیدنظر متهم بی گناه شناخته شودحکم بدوی فسخ و متهم تبریه می گردد، هر چند که درخواست‌تجدیدنظر نکرده باشد و در این صورت اگر متهم در زندان‌باشد فورا آزاد می‌شود. تبصره ۲ ـ هرگاه دادگاه تجدیدنظر پس از رسیدگی محکوم‌علیه را مستحق تخفیف مجازات بداند ضمن تایید حکم بدوی‌مستدلا می‌تواند مجازات او را تخفیف دهد، هر چند که‌محکوم علیه تقاضای تجدیدنظر نکرده باشد. تبصره ۳ ـ در امور کیفری موضوع مجازاتهای تعزیری یابازدارنده مرجع تجدیدنظر نمی‌تواند مجازات مقرر در حکم‌بدوی را تشدید کند، مگر اینکه دادستان یا شاکی خصوصی‌درخواست تجدیدنظر کرده باشد. تبصره ۴ ـ اگر حکم تجدیدنظر خواسته از نظر محاکمه‌محکوم به یا خسارات یا تعیین مشخصات طرفهای دعوا یاتعیین نوع و میزان مجازات و تطبیق عمل‌با قانون متضمن‌اشتباهی باشد که به اساس حکم لطمه‌ای وارد نسازد، مرجع‌تجدیدنظر با اصلاح حکم آن را تایید می‌نماید و تذکر لازم رابه دادگاه بدوی خواهد داد. ماده ۲۳ ـ نسخ شده است ماده ۲۴ ـ مرجع رسیدگی پس از نقض در دیوان‌عالی کشور به‌شرح ذیل اقدام می‌نماید: الف ـ در صورت نقض قرار در دیوان‌عالی کشور، باید از نظردیوان متابعت نماید و وارد رسیدگی ماهوی شود. ب ـ در صورت نقض حکم به علت نقص تحقیقات بایدتحقیقات مورد نظر دیوان را انجام دهد سپس مبادرت به‌انشای حکم نماید. ج ـ در صورت نقض حکم در غیر موارد مذکور دادگاه می‌تواندرای اصراری صادر نماید. اگر یکی از کسانی که حق‌درخواست تجدیدنظر دارد تقاضای تجدیدنظر نماید پرونده‌مجددا در دیوان‌عالی کشور مورد بررسی قرار می گیرد، هرگاه شعبه دیوان‌عالی کشور استدلال دادگاه را بپذیرد حکم را ابرام‌می‌نماید و در غیر این‌صورت پرونده در هیات عمومی شعب‌حقوقی یا کیفری دیوان‌عالی کشور حسب مورد مطرح و چنانچه نظر شعبه دیوان‌عالی کشور مورد تأیید قرار گرفت‌حکم نقض و پرونده به شعبه دیگر دادگاه ارجاع خواهد شددادگاه مرجوع الیه با توجه به استدلال هیات عمومی‌دیوان‌عالی کشور حکم مقتضی صادر و این حکم قطعی است تبصره ـ قطعیت حکم در صورتی است که از موارد سه گانه‌مذکور در ماده ۱۸ نباشد. ماده ۲۵ ـ جهات درخواست تجدیدنظر به قرار زیر است ۱ ـ ادعای عدم اعتبار مدارک استنادی دادگاه یا دروغ بودن‌شهادت شهود یا فقدان شرایط قانونی شهادت در شهود. ۲ ـ ادعای مخالف بودن رای با قانون ۳ ـ ادعای عدم صلاحیت دادگاه یا عدم صلاحیت قاضی‌صادرکننده رای ۴ ـ ادعای عدم توجه قاضی به دلایل یا مدافعات تبصره ـ اگر درخواست تجدیدنظر به استناد یکی از جهات‌مذکور در این ماده به عمل آمده باشد مرجع تجدیدنظر درصورت وجود جهتی دیگر می‌تواند به آن جهت هم رسیدگی‌نماید. ماده ۲۶ ـ در موارد مذکور در این قانون اشخاص زیر حق‌درخواست تجدیدنظر را دارند: ۱ ـ در مورد احکام حقوقی هریک از طرفین دعوا یا نماینده قانونی یا قایم‌مقام آنان مانند وراث وصی انتقال گیرنده که از رای دادگاه متضرر می‌شود. ۲ ـ در مورد احکام کیفری الف ـ محکوم علیه یا نماینده قانونی او. ب ـ شاکی خصوصی یا نماینده قانونی او. ۳ ـ در مورد قرارها: هر یک

از طرفین دعوا که قرار دادگاه به ضرر او صادر شده‌باشد یا نمایندهٔ قانونی آنان ج ـ دادستان از حکم برایت یامحکومیت غیرقانونی متهم ماده ۲۷ ـ مهلت درخواست تجدیدنظر در موارد مذکور درماده ۱۹ برای اشخاص ساکن ایران بیست روز و برای کسانی‌که خارج ازکشور می‌باشند دو ماه از تاریخ ابلاغ رای‌می‌باشد. ماده ۲۸ ـ متقاضی تجدیدنظر باید دادخواست و یا درخواست‌خود را ظرف مهلت مقرر به دفتر دادگاه صادر کننده رای و یادفتر بازداشتگاهی که در آن جا توقیف است تسلیم نماید. مدیر دفتر دادگاه یا بازداشتگاه باید بلافاصله آن را ثبت ورسیدی مشتمل بر نام متقاضی و طرف دعوا و تاریخ تسلیم و ذکر شماره ثبت به تقدیم‌کننده بدهد و در روی کلیه برگهای‌دادخواست یا درخواست تجدیدنظر همان تاریخ را قیدنماید.این تاریخ تاریخ تجدید نظرخواهی محسوب می‌گردد. دفتر بازداشتگاه مکلف است که پس ازثبت تقاضای تجدیدنظر بلافاصله آن را به دادگاه صادرکننده رای ارسال‌نماید. دفتر دادگاه صادرکننده رای در صورتی که تقاضای تجدیدنظر در مهلت قانونی باشد پس از تکمیل پرونده‌بلافاصله آن را به مرجع تجدیدنظر ارسال می‌دارد. تبصره ۱ ـ دادگاه باید در ذیل رای خود قابل تجدیدنظر بودن‌یا نبودن رای و مرجع تجدیدنظر آن را معین نماید. تبصره ۲ ـ هرگاه نزد دادگاه تجدیدنظر ثابت شود که به علت‌قوه قهریه امکان استفاده از حق تجدید نظرخواهی در مهلتهای‌مقرر نبوده است ابتدای مهلت از تاریخ رفع قوه قهریه خواهدبود. تبصره ۳ ـ متقاضی تجدیدنظر در آرای کیفری باید مبلغ ده‌هزار ریال بابت هزینه دادرسی بپردازد و در آرای حقوقی‌هزینه دادرسی برابر مقررات آیین دادرسی مدنی خواهد بود. ماده ۲۹ ـ متقاضی تجدیدنظر باید تمام علل و جهات تقاضای‌خود را در دادخواست یا درخواست تجدیدنظر تصریح نمایدمگر این که آن جهت بعدا حادث شده باشد که در صورت‌اخیر می‌تواند برابر مقررات اعاده دادرسی اقدام کند. ماده ۳۰ ـ در صورتی که تقاضای تجدیدنظر ظرف مهلت مقررداده شده باشد چنانچه بر اجرای حکم در امور کیفری فسادی مترتب باشد، تا اتخاذ تصمیم مرجع تجدیدنظر اجرای حکم‌متوقف خواهد شد. ماده ۳۱ ـ نسخ شده است ماده ۳۲ ـ تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر دادگاه‌نسبت به دعوای مطروحه با همان دادگاهی است که قانونامکلف به رسیدگی به پرونده بوده است ماده ۳۳ ـ در صورتی که دادگاه رسیدگی کننده خود را صالح به‌رسیدگی نداند با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به‌دادگاه ذی‌صلاح ارسال می‌نماید، چنانچه دادگاه مرجوع‌الیه‌ادعای عدم صلاحیت را نپذیرد پرونده جهت حل اختلاف‌توسط دادگاه مرجوع الیه به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال‌می‌شود. تبصره ـ در صورتی که اختلاف صلاحیت بین دادگاههای دوحوزه قضایی از دو استان باشد مرجع حل اختلاف دیوان‌عالی کشور خواهد بود. ماده ۳۴ ـ از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون رییس قوه‌قضاییه مکلف است حداکثر ظرف مدت پنج سال با تشکیل‌تدریجی دادگاههای عمومی و انحلال دادسراهای عمومی وانقلاب و اتخاذ تصمیمات ضروری در زمینه تعلیم و تربیت‌نیروی قضایی واجد شرایط موجبات اجرای این قانون را درسراسر کشور فراهم نماید. ماده ۳۵ ـ دادگستری مجاز است به منظور تکمیل اعضای‌دفتری دادگاههای عمومی و انقلاب نسبت به استخدام کارمندداری به تعداد لازم اقدام کند. اجازه مذکور صرفا برای‌تشکیلات مربوط به دادگاههای عمومی است ماده ۳۶ ـ دولت مکلف است در اسرع وقت امکان تهیه وسایل‌و تجهیزات لازم دادگاههای عمومی از قبیل محل استقرار ، ملزومات و وسایط نقلیه و دیگر لوازم و وسایل رافراهم کندو اعتبار لازم مربوطه برای این وسایل و تجهیزات رادر اختیار دادگستری قرار دهد. ماده ۳۷ ـ آیین‌نامه اجرایی این قانون حداکثر ظرف مدت سه‌ماه توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید. ماده ۳۸ ـ دولت مکلف است در قالب قانون بودجه سالانه اعتبارات لازم را برای تهیه وسایل و تجهیزات لازم و به‌کارگیری نیروی انسانی جهت اجرای این قانون تامین نماید. ماده ۳۹ ـ از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون مواد (۲۳۵) و(۲۶۸) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب درامور کیفری مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضایی و حقوقی‌مجلس شورای اسلامی و مواد (۳۲۶)، (۴۱۱) و (۴۱۲) قانون‌آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی‌مصوب ۲۱/۱/۱۳۷۹ نسخ می‌گردد. همچنین از تاریخ اجرای‌این قانون در هر حوزه قضایی کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون در آن قسمت که مغایرت دارد در همان حوزه ملغی‌می‌شود.

۴– آیین نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی وانقلاب (مصوب ۱۵/۳/۱۳۷۳ و اصلاحات بعدی)

مصوب ۱۵/۳/۱۳۷۳ و اصلاحات بعدی ر.ک شماره ۱۶۸۸۰ ـ ۱۵/۱۱/۸۱ روزنامه رسمی با استناد به قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قانون تشکیل‌دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۲۸/۷/۱۳۸۱ مجلس‌شورای اسلامی که از این پس به اختصار قانون نامیده می‌شود،آیین نامه قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب۲۵/۴/۷۳ به شرح زیر اصلاح می‌گردد. ماده ۱ ـ در هر حوزه قضایی که بیش از یک شعبه دادگاه‌عمومی وجود دارد، به تشخیص رئیس قوه قضائیه یا مقامات‌مجاز از طرف وی شعب دادگاه بر اساس نیاز و به نسبت تراکم‌کار به حقوقی و جزایی تقسیم می‌شوند. همچنین تعیین شعبه‌یا شعبی از دادگاههای تجدیدنظر استان به دادگاه کیفری استانو تشکیل شعبه یا شعب تشخیص دیوانعالی کشور بر اساس‌نیاز و تراکم کار با تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد بود. ماده ۲ ـ از تاریخ تخصیص شعب دادگاههای عمومی و انقلاب‌به دادگاههای حقوقی و جزایی رسیدگی به دعاوی و شکایات‌مطابق مقررات قانون خواهد بود. لکن هر شعبه به پرونده‌هایی‌که قبلاـ به آن ارجاع شده است صرفنظر از نوع آنها رسیدگی‌خواهد کرد. ماده ۳ ـ از تاریخ تخصیص شعبی از دادگاههای تجدیدنظر به‌دادگاههای کیفری استان دادگاههای تجدیدنظر استان کلیه‌پرونده‌هایی را که در مرحله تجدیدنظر مطرح بوده است کماکان مورد رسیدگی قرار داده و اتخاذ تصمیم خواهند نمودهر چند موضوع این پرونده‌ها در صلاحیت رسیدگی دادگاه‌کیفری استان باشد. ماده ۴ ـ به پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان و تصویب‌رئیس قوه قضائیه شعب دادگاههای عمومی حقوقی و عمومی‌جزایی و دادسرا در هر حوزه قضایی به تناسب امکانات وضرورت جهت انجام تحقیقات و رسیدگی به جرایم و دعاوی‌خاص تخصیص می‌یابند از قبیل الف ـ دادسراها و دادگاههای عمومی جزایی شامل ـ جرایم اطفال ـ سرقت و آدم ربایی ـ صدور چک پرداخت نشدنی ـ جرایم صنفی (خوراکی بهداشتی دارویی و سایر صنوف ـ جرایم مربوط به مفاسد اجتماعی ـ جعل و کلاهبرداری ـ جرایم کارکنان دولت ب ـ دادگاههای عمومی حقوقی شامل ـ دعاوی تجاری ـ امور حسبی ـ دعاوی ثبتی مالکیتهای معنوی و صنعتی ـ اعتراض به تصمیمات مراجع غیردادگستری ـ دعاوی خانواده ـ دعاوی موجر و مستاجر ـ دعاوی بین‌المللی ماده ۵ ـ موارد ضرورت مقید در ماده ۴ قانون عبارتند از: الف ـ دعاوی حقوقی ناشی از جرم ب ـ دعوای جزایی مرتبط با دعاوی خانوادگی ج ـ محدود بودن شعب حوزه قضایی به نحوی که به لحاظ‌جهات رد و معذوریت امکان رسیدگی نباشد. د ـ سایر موارد به تشخیص رئیس قوه قضائیه یا مقامات مجاز ازطرف ایشان ماده ۶ ـ حوزه قضایی بخش شهرستان و استان با رعایت‌ضوابط و مقررات تقسیمات کشوری خواهد بود. تبصره ـ هرگاه مرکز بخش فاقد دادگاه باشد، رسیدگی به امورقضایی آن به عهده نزدیکترین دادگاه همان استان یا حوزه‌قضایی شهرستان مربوط است همچنین چنانچه در شهرستان دادگاه یا دادسرا تشکیل نشده باشد رسیدگی به امور قضایی‌آن به عهده نزدیکترین حوزه قضایی شهرستان تابع همان‌استان خواهد بود. ماده ۷ ـ رئیس کل دادگستری استان رئیس شعبه اول دادگاه‌تجدیدنظر و رئیس دادگاههای کیفری استان است و بردادگاههای تجدیدنظر، کیفری استان و کلیه دادگستری‌ها،دادگاهها و دادسراهای حوزه آن استان نظارت و ریاست اداری‌خواهد داشت رئیس شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان مرکز استان رئیس‌کل دادگاههای آن شهرستان خواهد بود. در غیر مرکز استان رئیس شعبه اول دادگاه عمومی رئیس‌دادگستری آن شهرستان است و بر دادگاهها و دادسراهای‌مربوط و همچنین دادگاههای مستقر در بخش نظارت وریاست اداری دارد. در صورت تعدد شعب دادگاههای‌عمومی در حوزه قضایی مستقر در مرکز بخش رئیس شعبه‌اول دادگاه عمومی بر شعب دیگر نظارت و ریاست اداری‌خواهد داشت ماده ۸ ـ با تصویب رئیس قوه قضائیه رئیس کل دادگاههای‌شهرستان مرکز استان می‌تواند تمام یا بخشی از اختیارات خودرا در خصوص دادگاههای انقلاب به رئیس شعبه اول آن‌دادگاهها تفویض نماید. در این صورت رئیس شعبه اول دادگاه‌انقلاب اسلامی در سمت معاون وی انجام وظیفه خواهد کرد.در صورتی که در شهرستان غیرمرکز استان دادگاه انقلاب‌شعب متعدد داشته باشد، رئیس

دادگستری آن شهرستان نیزمی‌تواند به ترتیبی که ذکر شد اقدام نماید. تبصره ـ سرپرستان مجتمع‌های قضایی به عنوان معاون رئیس‌کل دادگاههای شهرستان مرکز استان انجام وظیفه خواهندنمود. ماده ۹ ـ روسای کل دادگستری استانها، رئیس کل دادگاههای‌شهرستان مرکز استان روسای دادگستری شهرستانها وسرپرستان حوزه قضایی نقاط معینی از شهرهای بزرگ‌می‌توانند با تصویب رئیس قوه قضائیه به تعداد لازم معاون‌داشته باشند. ماده ۱۰ ـ از تاریخ اجرای قانون در هر حوزه قضایی اختیارات‌دادستان که در اجرای قانون تشکیل دادگاههای عمومی وانقلاب مصوب ۱۳۷۳ به رئیس حوزه قضایی تفویض شده بودمجددا به دادستان محول می‌گردد. ماده ۱۱ـ در صورت ضرورت یکی از معاونان دادستان‌شهرستان مرکز استان وظایف وی را در رابطه با جرایمی که درصلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی است به عهده خواهد گرفت معاون دادستان در امور دادگاههای انقلاب به تعداد لازم‌بازپرس دادیار و کارمند اداری در اختیار خواهد داشت ماده ۱۲ ـ ارجاع شکایات درخواستها و گزارشهای ضابطین به‌شعب بازپرسی و دادیاری و سایر امور مربوط به دادسرا بادادستان است معاون دادستان یا دادیاران به ترتیب تقدم درغیاب وی عهده‌دار در انجام تمام یا برخی از وظایف و اختیارات دادستان خواهند بود. ماده ۱۳ ـ ارجاع پرونده به بازپرس و یا دادیار در حدودصلاحیت و اختیارات قانونی آنها به تناسب اهمیت موضوع تجربه تبحر و سابقه کار خواهد بود. ماده ۱۴ ـ به جز اتهام مقامات موضوع تبصره ماده ۴ قانون که‌تحقیقات مقدماتی تعقیب و اقامه دعوی نسبت به آنهامنحصرا توسط دادسرای تهران صورت خواهد گرفت تعقیب‌بقیه مقامات موضوع تبصره ۱ ماده ۸ لایحه قانونی تشکیل‌دادگاههای عمومی مصوب ۱۰/۷/۱۳۵۸ شورای انقلاب‌اسلامی و اصلاحیه‌های بعدی آن توسط دادسرای شهرستان‌مرکز استان مربوط به عمل خواهد آمد. ماده ۱۵ ـ در موارد مقرر قانونی که پرونده مستقیما در دادگاه‌کیفری استان مطرح می‌گردد، کلیه تحقیقات توسط و تحت‌الأمر دادگاه خواهد بود در این صورت کلیه ضابطین نسبت به‌انجام دستورات و تکمیل موارد خواسته شده مکلف خواهندبود. لکن در مواردی که پرونده با کیفر خواست در دادگاه‌مزبور مطرح گردیده است چنانچه دادگاه نقصی در تحقیقات‌مشاهده نماید یا انجام اقدامی را لازم بداند می‌تواند رفع نقص‌و تکمیل پرونده را با ذکر موارد نقص از دادسرای مربوط‌درخواست کند. ماده ۱۶ ـ تعقیب متهم تحقیقات مقدماتی و اقامه دعوی درخصوص جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری استان توسط‌دادسرای حوزه قضایی صلاحیت دار به عمل خواهد آمد. دادگاه عمومی جزایی دادگاه کیفری استان و دادگاه انقلاب به‌جرایم مندرج در کیفر خواست و نیز جرایمی که در اجرای‌تبصره ۳ ماده ۳ قانون مستقیما در دادگاه مطرح می‌شود،رسیدگی می‌نماید، دفاع از کیفرخواست در دادگاه کیفری‌استان و دادگاه انقلاب توسط دادستان شهرستان مرکز استان ویا معاون او و یا یکی از دادیاران به تعیین دادستان به عمل‌خواهد آمد، مگر اینکه دادگاههای مذکور در شهرستانهای‌غیرمرکز تشکیل شود که در این صورت وظیفهٔ فوق را دادستان‌همان شهرستان به عهده خواهد گرفت در دادگاه عمومی‌مستقر در شهرستان وظیفه فوق با دادستان همان شهرستان‌است ماده ۱۷ ـ تحقیقات مقدماتی جرایم مشمول صلاحیت دادگاه‌کیفری استان که محل ارتکاب آنها حوزه قضایی بخش است به عهده رئیس یا دادرس علی البدل دادگاه می‌باشد که پس ازصدور قرار نهایی پرونده را نزد دادستان شهرستان حوزه‌قضایی مربوط ارسال می‌نمایند تا عنداللزوم با تنظیم‌کیفرخواست به دادگاه کیفری استان ذیربط ارسال نماید. ماده ۱۸ ـ شروع به رسیدگی در دادگاه عمومی جزایی در مواردو جهات مقرر قانونی حسب مورد منوط به ارجاع رئیس حوزه‌قضایی و یا معاون وی می‌باشد. شروع به رسیدگی در دادگاه انقلاب با ارجاع رئیس حوزه‌قضایی و یا رئیس شعبه اول خواهد بود. ماده ۱۹ ـ امر ارجاع در دادگاههای تجدیدنظر و کیفری استان بارئیس کل دادگستری استان است رئیس کل دادگستری استان می‌تواند این وظیفه را به یکی از معاونین خود تفویض نماید. ماده ۲۰ ـ از تاریخ تشکیل دادگاه کیفری استان دادگاههای‌عمومی و انقلاب استان مربوط صلاحیت رسیدگی به جرایم‌موضوع تبصره ۴ قانون را نخواهند داشت تبصره ۱ ـ پرونده‌های موضوع تبصره فوق الذکر که تا قبل ازتشکیل دادگاه کیفری استان در دادگاههای عمومی و انقلاب‌مطرح رسیدگی بوده است مورد رسیدگی و اتخاذ تصمیم قرارمی گیرند. تبصره ۲ ـ مرجع تجدیدنظر آراء موضوع پرونده‌های

فوق ،دیوانعالی کشور است مگر در مورد جرایم مربوط به مواد مخدر که مرجع تجدیدنظر آنها مطابق مقررات قانونی دادستان کل کشور و رئیس دیوانعالی کشور می‌باشد.۰۰ ماده ۲۱ ـ با تصویب رئیس قوه قضائیه شعب تشخیص به تعدادلازم در دیوانعالی کشور تشکیل می‌شود. هر شعبه تشخیص‌مرکب از یک رئیس و چهار مستشار دیوانعالی کشور است رسمیت جلسات با حضور کلیه اعضاء و تصمیمات آن بااکثریت آراء خواهد بود. تبصره ـ شعب تشخیص به تعداد لازم عضو معاون خواهندداشت که با ابلاغ رئیس قوه قضائیه برای شعب تشخیص منصوب می گردند. عضو معاون می‌تواند وظایف هر یک ازاعضاء شعبه تشخیص را عهده دار شود. ماده ۲۲ ـ شعب تشخیص به کیفری و حقوقی تقسیم خواهندشد. ماده ۲۳ ـ هر شعبه تشخیص یک دفتر با تعداد لازم کارمنددفتری خواهد داشت در راس دفاتر شعب تشخیص یک دفترکل وجود دارد که مدیر کل این دفتر از بین قضات دیوانعالی‌کشور با ابلاغ رئیس قوه قضائیه منصوب می گردد. ماده ۲۴ ـ تجدیدنظر خواه مکلف است حسب مورد درامورکیفری و مدنی هزینه تجدیدنظر خواهی را به مأخذ تجدیدنظرخواهی در دیوان عالی کشور پرداخت نمایند. ماده ۲۵ ـ در خواست تجدیدنظر باید منضم به رای قطعی وحاوی نکات زیر باشد: ۱ ـ نام و نام خانوادگی و اقامتگاه و سایر مشخصات تجدیدنظرخواه یا وکیل یا نماینده قانونی او. ۲ ـ نام و نام خانوادگی و اقامتگاه و سایر مشخصات تجدیدنظرخوانده ۳ ـ تاریخ ابلاغ رای قطعی ۴ ـ دادگاه صادر کننده رای قطعی ۵ ـ دلایل تجدیدنظر خواهی ماده ۲۶ ـ با وصول تقاضا، دفتر کل شعب تشخیص آن را ثبت ورسیدی مشتمل بر نام متقاضی طرف او و تاریخ تقدیم تقاضابا شمار ثبت به تجدیدنظر خواه تسلیم نموده و بر روی کلیه‌اوراق ، تاریخ تقدیم درخواست را قید می‌نماید. تاریخ مزبورتاریخ تجدیدنظرخواهی محسوب می‌شود. ماده ۲۷ ـ در خواستی که برابر مقررات یاد شده تقدیم نشده ویا هزینه دادرسی آن پرداخت نگردیده باشد به جریان‌نمی‌افتد. مدیر دفتر شعبه تشخیص ظرف دو روز از تاریخ وصول‌درخواست نقایص آن را مطابق با قانون آیین دادرسی مدنی‌مصوب ۱۳۷۹ و آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ به‌درخواست دهنده اخطار می‌دهد و از روز ابلاغ ۱۰ روز به اومهلت می‌دهد که نقایص را رفع کند. در صورتی که درخواست‌خارج از مهلت داده شده باشد یا در مدت یاد شده تکمیل‌نشود به موجب قرار شعبه تشخیص رد می‌شود. این قرارقطعی و غیرقابل اعتراض می‌باشد. ماده ۲۸ ـ ارجاع پرونده‌ها به شعب تشخیص توسط رئیس‌دیوان عالی کشور و یا معاون وی در شعب تشخیص که با ابلاغ‌رئیس قوه قضائیه منصوب می گردد، صورت می‌گیرد. شعبه‌مرجوع الیه به نوبت رسیدگی می‌نماید مگر در مواردی که به‌موجب قانون یا به تشخیص رئیس دیوان عالی کشور یا رئیس‌شعبه رسیدگی خارج از نوبت ضروری باشد. رئیس شعبه پرونده‌های ارجاعی را شخصا بررسی و گزارش‌آن را تنظیم و یا به نوبت به یکی از اعضای شعبه ارجاع می‌نماید. عضو مذکور گزارشی از پرونده را که متضمن جریان‌دادرسی و نیز بررسی کامل جهات قانونی تجدیدنظر خواهی‌است به صورت مستند و مستدل تهیه می‌نماید. صرف‌درخواست تجدیدنظر در شعب تشخیص مانع از اجرای حکم‌نیست لکن چنانچه عضو مذکور در گزارش خود پیشنهادتوقف اجرای حکم را بدهد، در صورتی اجرای حکم متوقف‌خواهد شد که در جلسه فوق العاده پیشنهاد یاد شده به‌تصویب اکثریت اعضاء شعبه برسد. ماده ۲۹ ـ رسیدگی و اتخاذ تصمیم در شعب تشخیص ووظایف دفاتر شعب مزبور مطابق قواعد مقرر در قانون آیین‌دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری و مدنی‌مصوب ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹) در حدی که قابل انطباق با وظایف واختیارات این شعب باشد به عمل خواهد آمد. ماده ۳۰ ـ شعب تشخیص می‌توانند در صورت ضرورت ازاصحاب دعوی دعوت به عمل آورند. ماده ۳۱ ـ نسبت به پرونده‌های موضوع مواد ۲۳۵ و ۲۶۸ قانون‌آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری ومواد ۳۲۶ و ۳۸۷ و ۴۱۱ و ۴۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی به‌ترتیب زیر اقدام خواهد شد. الف ـ پرونده‌هایی که با اعلام اشتباه توسط مقامات مذکور درمواد یاد شده به مراجع مربوط ارسال گردیده است در همان‌مرجع مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت ب ـ پرونده‌هایی که تقاضای اعمال مواد مذکور در مورد آنهاپذیرفته شده وهنوز به مراجع مربوطه ارسال نشده است جهت‌رسیدگی و اتخاذ تصمیم عینا به مراجع قانونی مربوط حسب‌مورد دادگاه تجدیدنظر یا دیوانعالی کشور ارسال خواهد شد. ج ـ پرونده هایی که در اجرای ماده ۲۶۸ قانون آیین دادرسی‌دادگاههای

عمومی و انقلاب در امور کیفری و ماده ۳۸۷ قانون‌آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی دردادسرای دیوانعالی کشور مطرح گردیده و هنوز در خصوص‌آنها اعلام اشتباه نگردیده پس از تهیه گزارش در صورت‌تشخیص اشتباه به دیوانعالی کشور ارسال خواهد شد. د ـ پرونده هایی که در اجرای مواد ۲۳۵، ۳۲۶، ۴۱۱ و ۴۱۲قانون مارالذکر در مراجع مذکور در این مواد مطرح گردیده وهنوز در خصوص آنها اظهارنظر به عمل نیامده است پس ازتهیه گزارش و در صورت تشخیص اشتباه عینا در اجرای ماده۲ قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۷۸به قوه قضائیه ارسال خواهد شد تا پس از بررسی و اعلام نظردر صورت اقتضا به مراجع قانونی مربوط حسب مورد دادگاه‌تجدیدنظر یا دیوانعالی کشور ارسال گردد. ماده ۳۲ ـ در حوزه هایی که پس از لازم الاجرا شدن قانون دادسرا تشکیل نگردیده است چنانچه رئیس حوزه قضایی‌حکم کیفری را خلاف بین قانون یا شرع تشخیص دهد، جهت‌رسیدگی به شعب تشخیص ارسال می‌گردد. ماده ۳۳ ـ در صورتی که رئیس قوه قضائیه رای صادره از شعبه‌تشخیص را خلاف بین شرع تشخیص دهد پرونده را برای‌ارجاع به شعبه هم عرض شعبه تشخیص نزد رئیس دیوانعالی‌کشور ارسال می‌نماید. ماده ۳۴ ـ هر حوزه قضایی شهرستان دارای واحد اجرای‌احکام کیفری و مدنی است واحداجرای احکام مدنی به تعدادلازم مدیر اجراء، دادورز و متصدی دفتری و واحد احکام‌کیفری به تعداد لازم دادیار، مدیر اجراء، متصدی دفتری ومامور اجراء خواهد داشت رئیس واحد اجرای احکام مدنی رئیس حوزه قضایی یا معاون‌وی و رئیس اجرای احکام کیفری دادستان یا معاون و یا یکی‌از دادیاران می‌باشد. در حوزه‌های قضایی بخش اجرای‌احکام مدنی و کیفری توسط رئیس حوزه قضایی یا دادرس‌علی البدل خواهد بود. واحد اجرای احکام مدنی تحت نظر دادگاه صادر کننده رای‌بدوی مطابق قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ و سایرقوانین و مقررات مربوط اقدام می‌نماید. ماده ۳۵ ـ در حوزه قضایی شهرهای بزرگ با تصویب رئیس‌قوه قضائیه دارای مجتمع‌های جزایی مستقل می‌باشند. اجرای‌احکام مدنی صادره از دادگاه عمومی جزایی به عهده واحداجرای احکام مدنی مستقر در این مجتمع‌ها و تحت ریاست‌دادگاه صادرکننده حکم است ماده ۳۶ ـ اجرای احکام کیفری دادگاه کیفری استان یادادسرای شهرستان مرکز استان است اجرای احکام حقوقی‌آن در خصوص ضرر و زیان ناشی از جرم وفق قانون اجرای‌احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ و قانون آیین دادرسی دادگاههای‌عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ با واحداجرای مدنی شهرستان مرکز استان خواهد بود. اجرای احکام کیفری شعبه تشخیص دیوانعالی کشور بادادسرای عمومی و انقلاب حوزه قضایی دادگاه صادر کننده‌رای بدوی و اجرای احکام حقوقی آن با واحد اجرای احکام‌مدنی حوزه قضایی دادگاه صادر کننده رای بدوی است ماده ۳۷ ـ با اجرای قانون ادامه اجرای احکام باقیمانده‌دادگاههای عمومی و انقلاب در هر حوزه قضایی شهرستان بادادستان خواهد بود. ماده ۳۸ ـ در مواردی که اجرای حکم باید توسط ماموران یاسازمانهای دولتی به عمل آید مسئول اجرای حکم ضمن‌ارسال رونوشت حکم و صدور دستور اجراء و آموزش لازم نظارت کامل بر چگونگی اجرای حکم و اقدامات آنان به عمل‌خواهد آمد. ماده ۳۹ – کلیه ضابطین دادگستری نیروهای انتظامی و نظامی‌و روسای سازمانهای دولتی و وابسته به دولت و یا مؤسسات‌عمومی در حدود وظایف خود دستورات صادره از مراجع‌قضایی را در مقام اجرای حکم رعایت خواهند کرد. تخلف ازمقررات این ماده علاوه بر تعقیب اداری و انتظامی مستوجب‌تعقیب کیفری برابر قانون مربوط می‌باشد. ماده ۴۰ ـ صدور اجرائیه با رعایت مقررات ماده ۵ قانون‌اجرای احکام مدنی با شعبه بدوی صادر کننده رای خواهدبود هر چند حکم مورد اجراء از مرجع تجدیدنظر صادر شده‌باشد. ماده ۴۱ ـ هر حوزه قضایی دارای یک یا چند واحد ابلاغ‌خواهد بود. رئیس واحد ابلاغ توسط رئیس حوزه قضایی ازمیان قضات یا کارمندان اداری تعیین می گردند. واحد ابلاغ به‌تعداد لازم مامور ابلاغ و متصدی دفتری خواهد داشت ماده ۴۲ ـ در صورت لزوم هر حوزه قضایی واحدهای ارشاد ومعاضدت قضایی و صلح و سازش زیرنظر رئیس حوزه قضایی‌یا دادستان جهت ارشاد و راهنمایی مراجعین و انجام صلح وسازش با تعداد لازم قاضی کارشناس و کارمند تشکیل‌می‌شود. ماده ۴۳ ـ روسای کل دادگستریها در امر جابجایی نیروها،مرخصی و سایر امور اداری مربوط به دادسرا مکلفند حسب‌مورد، نظر دادستان محل را جلب نمایند. این آیین نامه

مشتمل بر ۴۳ ماده و ۵ تبصره در تاریخ ۹/۱۱/۱۳۸۱ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید و پس ازابلاغ لازم الاجراء می‌باشد.

۵– قوانین و مقررات چک

قانون چکهای تضمین شده

ماده ۱ ـ به بانک ملی ایران اجازه داده می‌شود به تقاضای‌مشتریان چکهایی به نام چکهای تضمین‌شده که پرداخت وجه آنها از طرف بانک تعهد شده باشد در دسترس‌صاحبان حساب بگذارد. ماده ۲ ـ صادرکننده و پشت‌نویسان حق ندارند پرداخت‌وجه چک تضمین شده را منع کنند یا تقاضای مسدودکردن آن را بنمایند. ماده ۳ ـ فوت و حجر و ورشکستگی صادرکننده چک‌تضمین شده خللی به حقوق دارنده چک وارد نخواهدساخت طلبکاران صادرکننده نیز حق توقیف وجه این نوع چک را در صورتی که به نفع دیگری صادر یا پشت‌نویسی‌شده باشد نخواهند داشت ماده ۴ ـ سایر بانکها حق ندارند چکهایی به ترتیب مذکور در ماده یک به جریان بگذارند. ماده ۵ ـ وزارتین دارایی و دادگستری مأمور اجرای این‌قانون می‌باشند. قانون فوق که مشتمل بر پنج ماده است در جلسه یکشنبه‌بیست و دوم تیرماه یکهزار و سیصد و سی هفت به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

لایحه قانونی ممنوعیت خروج بدهکاران بانکها

مصوب ۲۰/۲/۵۹ شورای انقلاب ماده واحده ـ به بانک مرکزی ایران اجازه داده می‌شود به‌منظور جلوگیری از خروج اشخاصی که به بانکهای کشور بدهکار بوده و اسامی آنان از طرف بانکها به بانک مرکزی‌ایران اعلام شده است و همچنین واردکنندگان و صادرکنندگانی که به تعهدات خود عمل ننموده‌اند، از طریق دادسرای عمومی تهران خواستار ممنوعیت خروج آنان از کشور گردد. خروج اشخاص مزبور از کشور منوط به‌اجازه بانک مرکزی ایران می‌باشد.

قانون صدور چک (مصوب۱۱/۸/۱۳۷۲ با اصلاحات ۲/۶/۱۳۸۲)

مصوب۱۱/۸/۱۳۷۲ با اصلاحات ۲/۶/۱۳۸۲ ماده ۱ ـ انواع چک عبارت است از: ۱ ـ چک عادی چکی است که اشخاص عهده بانکها به‌حساب جاری خود صادر و دارنده آن تضمینی جز اعتبار صادر کننده آن ندارد. ۲ ـ چک تایید شده چکی است که اشخاص عهده بانکها به حساب جاری خود صادر و توسط بانک محال علیه پرداخت وجه آن تایید می‌شود. ۳ ـ چک تضمین شده چکی است که توسط بانک به عهده همان بانک به درخواست مشتری صادر و پرداخت وجه آن توسط بانک تضمین می‌شود. ۴ ـ چک مسافرتی چکی است که توسط بانک صادر و وجه آن در هر یک از شعب آن بانک یا توسط نمایندگان وکارگزاران آن پرداخت می گردد. ماده ۲ ـ چکهای صادر عهده بانکهایی که طبق قوانین ایران در داخل کشور دایر شده و یا می‌شوند، همچنین شعب آنها در خارج از کشور، در حکم اسناد لازم‌الاجراست و دارنده چک در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت‌تمام یا قسمتی از وجه آن به علت نبودن محل و یا به هر علت دیگری که منتهی به برگشت چک و عدم پرداخت گردد، می‌تواند طبق قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به‌اجرای اسناد رسمی وجه چک یا باقیمانده آن را ازصادرکننده وصول نماید. برای صدور اجراییه دارنده چک باید عین چک وگواهینامه مذکور در ماده ۴ و یا گواهینامه مندرج در ماده ۵را به اجرای ثبت اسناد محل تسلیم نماید. اجرای ثبت در صورتی دستور اجرا صادر می کند که‌مطابقت امضای چک با نمونه امضای صادرکننده در بانک از طرف بانک گواهی شده باشد. دارنده چک اعم است ازکسی که چک در وجه او صادر گردیده یا به نام اوپشت‌نویسی شده یا حامل چک (در

مورد چکهای در وجه‌حامل یا قائم مقام قانونی آنان تبصره ـ دارنده چک می‌تواند محکومیت صادر کننده رانسبت به پرداخت کلیه خسارات و هزینه‌های وارد شده که مستقیما و به طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است اعم از آن که قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد، از دادگاه تقاضا نماید، در صورتی که دارنده چک جبران خسارت و هزینه‌های مزبور را پس‌از صدور حکم درخواست کند، باید درخواست خود را به‌همان دادگاه صادر کننده حکم تقدیم نماید. ماده ۳ ـ صادر کننده چک باید در تاریخ مندرج در آن معادل مبلغ مذکور در بانک محال علیه وجه نقد داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که‌به اعتبار آن چک صادر کرده به‌صورتی از بانک خارج‌نماید یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد و نیز نبایدچک را به صورتی تنظیم نماید که بانک به عللی از قبیل‌عدم مطابقت امضا یا قلم خوردگی در متن چک یا اختلاف‌در مندرجات چک و امثال آن از پرداخت وجه چک‌خودداری نماید. هرگاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشدبانک به آن شرط ترتیب اثر نخواهد داد. ماده ۳ مکرر ـ چک فقط در تاریخ مندرج در آن یا پس از تاریخ مذکور قابل وصول از بانک خواهد بود. ماده ۴ ـ هرگاه وجه چک به علتی از علل مندرج در ماده ۳پرداخت نگردد بانک مکلف است در برگ مخصوصی که مشخصات چک و هویت و نشانی کامل صادرکننده در آن‌ذکر شده باشد، علت یا علل عدم پرداخت را صریحا قید وآن را امضا و مهر نموده و به دارنده چک تسلیم نماید. در برگ مزبور باید مطابقت امضای صادرکننده با نمونه‌امضای موجود در بانک (در حدود عرف بانکداری و یاعدم مطابقت آن از طرف بانک تصدیق شود. بانک مکلف است به منظور اطلاع صادرکننده چک فورا نسخه دوم این برگ را به آخرین نشانی صاحب حساب که‌در بانک موجود است ارسال دارد. در برگ مزبور باید نام‌و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده چک نیز قید گردد. ماده ۵ ـ در صورتی که موجودی حساب صادر کننده چک‌نزد بانک کمتر از مبلغ چک باشد، به تقاضای دارنده چک بانک مکلف است مبلغ موجود در حساب را به‌دارنده‌چک بپردازد و دارنده چک با قید مبلغ دریافت شده درپشت چک و تسلیم آن به بانک گواهی‌نامه مشتمل برمشخصات چک و مبلغی که پرداخت شده از بانک دریافت‌می‌نماید. چک مزبور نسبت به مبلغی که پرداخت نگردیده بی‌محل محسوب و گواهینامه بانک در این مورد برای‌دارنده چک جانشین اصل چک خواهد بود. در مورد این ماده نیز بانک مکلف است اعلامیه مذکور درماده قبل را برای صاحب حساب ارسال نماید. ماده ۶ ـ بانکها مکلفند در روی هر برگ چک نام ونام‌خانوادگی صاحب حساب را قید نمایند. ماده ۷ ـ هر کس مرتکب بزه صدور چک بلامحل گردد به شرح ذیل محکوم خواهد شد: الف ـ چنانچه مبلغ مندرج در متن چک کمتر از ده (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال باشد به حبس تا حداکثر شش ماه محکوم خواهد شد. ب ـ چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰۰۰۰۰۰۰) ریال باشد از شش ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد. ج ـ چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از پنجاه میلیون (۵۰۰۰۰۰۰۰) ریال بیشتر باشد به حبس از یک سال تا دو سال و ممنوعیت از داشتن دسته چک به مدت دو سال محکوم خواهد شد و در صورتی که صادر کننده چک اقدام به اصدار چکهای بلامحل نموده باشد، مجموع مبالغ مندرج در متون چکها ملاک عمل خواهد بود. تبصره ـ این مجازاتها شامل مواردی که ثابت شود چکهای بلامحل بابت معاملات نامشروع و یا بهره‌ربوی صادر شده ، نمی‌باشد. ماده ۸ ـ چکهایی که در ایران عهده بانکهای واقع در خارج‌کشور صادر شده و منتهی به گواهی عدم پرداخت شده‌باشند، از لحاظ کیفری مشمول مقررات این قانون خواهندبود. ماده ۹ ـ در صورتی که صادرکننده چک قبل از تاریخ‌شکایت کیفری وجه چک را نقدا به دارنده آن پرداخته یابا موافقت شاکی خصوصی ترتیبی برای پرداخت آن داده‌باشد، یا موجبات پرداخت آن را در بانک محال علیه فراهم‌نماید، قابل تعقیب کیفری نیست در مورد اخیر بانک مذکور مکلف است تا میزان وجه‌چک حساب صادرکننده را مسدود نماید و به محض‌مراجعه دارنده و تسلیم چک وجه آن را بپردازد. ماده ۱۰ ـ هر کس با علم به بسته بودن حساب بانکی خودمبادرت به صدور چک نماید، عمل وی در حکم صدورچک بی‌محل خواهد بود و به حداکثر مجازات مندرج درماده ۷ محکوم خواهد شد و مجازات تعیین شده غیر قابل‌تعلیق است ماده ۱۱ ـ جرایم مذکور در این قانون بدون شکایت

دارنـده‌چک قابـل تعقیب نیست و در صورتی که دارنـده چـک تاشـش ماه از تاریـخ صـدور چک برای وصول آن به بانک‌مراجعه نکنـد، یا ظرف شـش ماه از تاریـخ صـدور گواهی‌عدم پرداخت شـکایت ننماید، دیگر حق شـکایت کیفری‌نخواهد داشت منظور از دارنده چک در این ماده شخصـی است که برای‌اولین بار چک را به بانک ارایه داده است برای تشـخیص‌این که چه کسی اولین بار برای وصول وجه چک به بانک‌مراجعه کرده است بانکها مکلفنـد به محض مراجعه‌دارنده چک هویت کامل و دقیق او را در پشـت چک با ذکرتاریـخ ذکر نماینـد. کسـی که چک پس از برگشت از بانک به وی منتقل گردیده حق شـکایت کیفری نخواهد داشـت مگر آن که انتقـال قهری باشـد. در صورتی که دارنـده چـک بخواهـد چـک را به‌وسیله‌شـخص دیگری به نماینـدگی از طرف خود وصول کند وحق شـکایت کیفری او در صورت بی‌محل بودن چک‌محفوظ باشد، باید هویت و نشانی خود را با تصـریح نمایندگی شخص مذکور در ظهر چک قید نماید، و در این‌صورت بانک اعلامیه مذکور در ماده ۴ و ۵ را به نام‌صاحب چک صادر می‌کند و حق شکایت کیفری اومحفوظ خواهد بود. تبصره ـ هرگاه بعد از شکایت کیفری شاکی چک را به‌دیگری انتقال دهد یا حقوق خود را نسبت به چک به هرنحو به دیگری واگـذار نماید، تعقیب کیفری موقوف خواهدشد. ماده ۱۲ ـ هرگاه قبل از صدور حکم قطعی شـاکی گـذشت نمایـد و یا این که متهم وجه چک و خسارت تاخیر تادیه را نقـدا به دارنـده آن پرداخت کنـد، یا موجبات پرداخت وجه‌چک و خسارات مذکور را فراهم کند یا در صندوِق دادگستری یا اجرای ثبت توديع نماید، مرجع رسیدگی‌قرار موقوفی تعقیب صـادر خواهـد کرد. صـدور قرار موقوفی تعقیب در دادگـاه کیفری مـانع از آن‌نیست که آن دادگـاه نسـبت به سـایر خسـارات مورد مطالبه‌رسیدگی و حکم صـادر کنـد. هرگـاه پس از صـدور حکم قطعی شاکی گـذشت کنـد و یااین که محکوم‌علیه به ترتیب فوق موجبـات پرداخت وجه‌چـک و خسارات تاخیر تادیه و سایر خسارات منـدرج درحکم را فراهم نمایـد، اجرای حکم موقوف می‌شود ومحکوم‌علیه فقط ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک سوم‌جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود که به دسـتور دادستان به نفع دولت وصول خواهد شد. تبصـره ـ میزان خسارت و نحوه احتساب آن بر مبنای قانون الحاق یک تبصره به ماده (۲) قانون اصلاح موادی از قانون صـدور چـک ـ مصوب ۱۰/۳/۱۳۷۶ مجمع تشـخیص مصـلحت نظام ـ خواهد بود. ماده ۱۳ ـ الـف ـ در صورتی که ثـابت شود چک سـفید امضاء داده شـده باشد. ب ـ هرگاه در متن چک، وصول وجه آن منوط به تحقق شـرطی شده باشد. ج ـ چنانچه در متن چک قیـد شـده باشـد که چک بابت تضـمین انجام معامله یا تعهـدی است. د ـ هرگاه بـدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شـرطی بوده یا چک بابت تضـمین انجام معامله یا تعهـدی است. هــ ـ در صورتی که ثابت گردد چک بدون تاریـخ صادر شده و یا تاریخ واقعی صدور چک مقدم بر تاریخ مندرج در متن چک باشد. ماده ۱۴ ـ صادرکننده چک یا ذی نفع یا قـائم مقـام قانونی‌آنهـا بـا تصـریح به این که چـک مفقود یـا سـرقت یـا جعـل شـده و یـا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرایـم‌دیگری تحصـیل گردیـده می‌توانـد کتبـا دسـتور عـدم‌پرداخت وجـه چـک را بـه بانـک بدهـد. بانـک پس از احراز هـویت دستوردهنده از پرداخت وجه آن خودداری خواهـدکرد و در صورت ارایه چـک بانـک گواهی عـدم پرداخت رابا ذکر علت اعلام شده صادر و تسلیم می‌نماید. دارنده چک می‌تواند علیه کسی که دستور عدم پرداخت‌داده شکایت کند و هرگاه خلاف ادعایی که موجب عـدم پرداخت شده ثابت گردد، دسـتوردهنده علاوه بر مجازات‌مقرر در ماده ۷ این قـانون به پرداخت کلیه خسارات وارده‌به دارنـده چک محکوم خواهد شد. تبصـره ۱ ـ ذی نفع در مورد این مـاده کسـی است که چـک به‌نـام او صادر یا ظهرنویسـی شـده یا چک به او واگذار گردیده باشد (یا چک در وجه حامل به او واگذار گردیده . در موردی که دسـتور عدم پرداخت مطابق این ماده صادر می‌شود بانک مکلف است وجه چک را تا تعیین تکلیف آن‌در مرجع رسیـدگی یا انصـراف دستوردهنده در حساب‌مسدودی نگهداری نماید. تبصـره ۲ ـ دسـتوردهنده مکلـف است پس از اعلاـم به بانک‌شـکایت خـود را به مراجـع قضـایی تسـلیم و حـداکثر ظرف‌مدت یک هفته گواهی تقدیم شـکایت خود را به بانک تسـلیم نماید در غیر این صورت پس از انقضای مدت‌مذکور بانک از محل موجودی به تقاضای دارنـده چک‌وجه آن را پرداخت کنـد. تبصـره ۳ ـ پرداخت چکهای تضـمین شـده و مسافرتی رانمی‌توان

متوقف نمود مگر آن که بانک صادر کننده نسبت‌به آن ادعای جعل نماید. در این مورد نیز حق دارنده چک‌راجع به شکایت به مراجع قضایی طبق مفاد قسمت اخیرماده (۱۴) محفوظ خواهد بود. ماده ۱۵ ـ دارنده چک می‌تواند وجه چک و ضرر و زیان‌خود را در دادگاه کیفری مرجع رسیدگی مطالبه نماید. ماده ۱۶ ـ رسیدگی به کلیه شکایات و دعاوی جزایی و حقوقی مربوط به چک در دادسرا و دادگاه تا خاتمه‌دادرسی فوری و خارج از نوبت به عمل خواهد آمد. ماده ۱۷ ـ وجود چک در دست صادرکننده دلیل پرداخت وجه آن و انصراف شاکی از شکایت است مگر این که‌خلاف این امر ثابت گردد. ماده ۱۸ ـ مرجع رسیدگی کننده جرائم مربوط به چک بلامحل، از متهمان در صورت توجه اتهام طبق ضوبط مقرر در ماده (۱۳۴) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) ـ مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی ـ حسب مورد یکی از قرارهای تأمین کفالت یا وثیقه (اعم از وجه نقد یا ضمانتنامه بانکی یا مال منقول و غیرمنقول) اخذ می‌نماید. ماده ۱۹ ـ در صورتی‌که چک به وکالت یا نمایندگی ازطرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی‌صادر شده باشد، صادرکننده چک و صاحب حساب‌متضامنا مسوول پرداخت وجه چک بوده و اجراییه و حکم ضرر و زیان بر اساس تضامن علیه هر دو صادر می‌شود.بعلاوه امضاکننده چک طبق مقررات این قانون مسوولیت کیفری خواهد داشت مگر این که ثابت نماید که عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی اوست که در این صورت کسی که موجب عدم‌پرداخت شده از نظر کیفری مسوول خواهد بود. ماده ۲۰ ـ مسوولیت مدنی پشت‌نویسان چک طبق قوانین و مقررات مربوط کماکان به قوت خود باقی است ماده ۲۱ ـ بانکها مکلفند کلیه حسابهای جاری اشخاصی را که بیش از یک بار چک بی‌محل صادر کرده و تعقیب آنهامنتهی به صدور کیفرخواست شده باشد، بسته و تا سه‌سال به‌نام آنها حساب جاری دیگر باز ننمایند. مسوولین شعب هر بانکی که به تکلیف فوق عمل ننمایندحسب مورد با توجه به شرایط و امکانات و دفعات ومراتب جرم به یکی از مجازاتهای مقرر در ماده ۹ قانون‌رسیدگی به تخلفات اداری توسط هیات رسیدگی به تخلفات اداری محکوم خواهند شد. تبصره ۱ ـ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف‌است سوابق مربوط به اشخاصی را که مبادرت به صدور چک بلامحل نموده‌اند، به‌صورت مرتب و منظم ضبط ونگهداری نماید و فهرست اسامی این اشخاص را دراجرای مقررات این قانون در اختیار کلیه بانکهای کشورقرار دهد. تبصره ۲ ـ ضوابط و مقررات مربوط به محرومیت‌اشخاص از افتتاح حساب جاری و نحوه پاسخ به‌استعلامات بانکها به‌موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که‌ظرف مدت سه ماه توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی‌ایران تنظیم و به تصویب هیات دولت می‌رسد. ماده ۲۲ ـ در صورتی‌که به متهم دسترسی حاصل نشود، آخرین نشانی متهم در بانک محال علیه اقامتگاه قانونی اومحسوب است و هرگونه ابلاغی به نشانی مزبور به عمل‌می‌آید . هرگاه متهم حسب مورد به نشانی بانکی یا نشانی تعیین‌شده شناخته نشود یا چنین محلی وجود نداشته باشد گواهی مامور به‌منزله ابلاغ اوراق تلقی می‌شود و رسیدگی بدون لزوم احضار متهم به وسیله مطبوعات ادامه خواهدیافت ماده ۲۳ ـ قانون صدور چک مصوب خرداد ۱۳۴۴نسخ می‌شود.

آیین‌نامه تعیین ضوابط و مقررات مربوط به محرومیت اشخاص از افتتاح حساب جاری و چگونگی پاسخ استعلام بان

موضوع تبصره ۲ ماده ۲۱ قانون صدور چک مصوب ۲۵/۸/۱۳۷۳ هیأت وزیران ماده ۱ ـ بانکها مکلفند هنگام افتتاح حساب جاری برای‌اشخاص مشخصات کامل شناسنامه (نام و نام خانوادگی ،شماره شناسنامه محل صدور، نام پدر، تاریخ تولد) ونشانی کامل آنان را دریافت و در کارتهای مربوط درج‌نمایند. ماده ۲ ـ بانکها مکلفند در صورت درخواست دارنده چک گواهی عدم پرداخت را براساس ماده (۴) قانون‌صدور چک با مشخصات کامل صادرکننده چک و سایرموارد مندرج در ماده یاد شده تنظیم و به دارنده چک‌تسلیم نمایند. تبصره ـ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف‌است رویه موجود بانکها در مورد واریز وجوه چک از طریق بانکی را منطبق با این ماده اصلاح نماید. ماده ۳ ـ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است‌با دریافت فهرست

مشخصات اشخاصی که تعقیب آنان دررابطه با صدور چک بلامحل منتهی به صدور کیفرخواست‌شده است فهرست اسامی و مشخصات اشخاص مشمول‌ماده (۲۱) اصلاحی قانون صدور چک را تهیه کرده و درپایان هرماه طی بخشنامه‌ای به بانک‌های کشور ابلاغ نماید. تبصره ـ وزارت دادگستری مکلف است ترتیبی اتخاذ نماید تا در اجرای این ماده مراجع قضایی اطلاعات یادشده را بلافاصله پس از صدور کیفرخواست به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ارسال نمایند. ماده ۴ ـ بانکها مکلفند حساب جاری اشخاصی را که‌اسامی آنان در فهرست اشخاص مشمول ماده (۲۱)اصلاحی قانون صدور چک درج است بسته و از افتتاح‌حساب جاری و دادن دسته چک در مدت قانونی به آنها خودداری نمایند. ماده ۵ ـ در مواردی که اشخاص مشمول ماده (۲۱)اصلاحی قانون صدور چک از ناحیه مراجع قضایی حکم برائت یا قرار منع یا موقوفی تعقیب اخذ نمایند به ترتیبی که از شمول ماده (۲۱) اصلاحی قانون صدور چک خارج‌شده باشند، مراتب از سوی بانک مرکزی جمهوری‌اسلامی ایران برای حذف نام آنان از فهرست موضوع ماده ۳) این آیین‌نامه به بانکهای کشور ابلاغ خواهد شد.

۶- قانون راجع به اشخاصی که مال غیر را انتقال می‌دهند و یا تملک می‌کنند و مجازات آنها

ماده اول ـ اگر کسی اقرار نمود یا محقق شد که مال شخص ثالثی را بدون مجوز قانونی به نحوی از انحاء عینا و یا منفعه نقل به غیر نموده و به تصرف او داده است توقیف و حبس خواهد شد تا این که‌عین و یا عوض مال و همچنین خسارات وارده بر مالک و مشتری را رد نماید. ماده دوم ـ اگر کسی اقرار نمود و یا محقق شد که مال ثالثی را با علم به مستحق للغیر بودن آن بدون مجوز قانونی به نحوی از انحا تملک کرده و به تصرف خود درآورده است توقیف و حبس خواهد شد تا عین مال یا عوض آن را با خسارات وارده بر مالک رد نماید. ماده سوم (اصلاحی ۶/۴/۱۳۴۴) ـ در مورد دو ماده فوق مزور جزاء تعقیب و به مجازاتی که کمتر از یک سال حبس نباشد محکوم خواهد شد.

۷- قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص

مصوب اسفندماه ۱۳۵۳ ماده ۱ ـ هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور سوء دیگر به عنف یاتهدید یا حیله یا به هر نحو دیگر شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس جنایی درجه دو از دو تا ده‌سال محکوم خواهد شد در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از ۱۵ سال تمام باشد مجازات مرتکب‌حبس جنایی درجه یک از سه تا پانزده سال خواهد بود. ماده ۲ ـ هر گاه سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد و به سبب ربودن یا اخفاء یا آسیب‌های‌وارده فوت کند یا ناپدید شود یا به او صدمه جسمی یا روانی برسد که منجر به مرض دائم یا زوال عقل یا فقدان یکی از حواس یا از کار افتادن یکی از اعضای اصلی بدن او گردد مجازات مرتکب اعدام‌است ماده ۳ ـ هر گاه سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد و با او لواط شده یا هتک ناموس اوشده باشد مجازات مرتکب حبس دائم است و اگر سن مجنی علیه کمتر از دوازده سال تمام باشد مجازات مرتکب اعدام است ماده ۴ ـ هر گاه سن مجنی علیه پانزده سال تمام یا بیشتر باشد و به سبب ربودن یا اخفاء یا آسیبهای‌وارده فوت کند یا ناپدید شود مجازات مرتکب اعدام است اگر به او صدمه جسمانی یا روانی واردشود که منجر به مرض دائم یا زوال عقل یافقدان یکی از حواس یا از کار افتادن یکی از اعضای اصلی‌بدن او گردد و یا با لواط شده و یا هتک ناموس او شده باشد مجازات مرتکب حبس دائم است ماده ۵ ـ هر گاه به مجنی علیه صدمه جسمی دیگر یا حیثیتی وارد شود در صورتی که سن او کمتر از پانزده سال تمام باشد مجازات مرتکب حبس دائم است و اگر سن او پانزده سال تمام یا بیشتر باشد مجازات مرتکب حبس جنایی درجه یک از سه تا ۱۵ سال است ماده ۶ ـ در مورد ناپدید شدن مجنی علیه حکم اعدام تا احراز این موضوع که مجنی علیه در اثر جرم ارتکابی فوت نموده است اجرا نخواهد شد و محکوم علیه در حبس باقی می‌ماند و هر گاه پس از صدور حکم قطعی دلیلی بر زنده بودن مجنی

علیه بـدست آید اعاده دادرسـی به عمل خواهد آمد. ماده ۷ ـ هر کس اعمـال مـذکور در ماده یک را توسط دیگری انجام دهـد به همـان مجـازات مباشـر جرم محکوم می‌شود و در این مورد ترتیب تخفیف مجازات همان است که درباره مباشـر مقرر گردیده‌است ماده ۸ ـ در صورتی که مرتکب قبل از دسـتگیری مجنی علیه را به کسان او و یا ضابطین دادگستری‌تحویل نماید و یا موجبات تسلیم او را فراهم کنـد، دادگاه می‌توانـد مجازات مرتکب را تا دو درجه تخفیف دهد و هرگاه مرتکب تا قبل از صدور حکم قطعی مجنی علیه را تحویل دهد و یا موجبات تسلیم را فراهم نماید و یا شاکی خصوصی گذشت نماید دادگاه می‌تواند فقط یک درجه مجازات را تخفیف دهد. ماده ۹ ـ در صورتی که مرتکب جرایم منـدرج در این قانون بیش از پانزده سال و کمتر از هجـده سال‌تمام داشـته و مجـازات اصـلی جرم اعـدام یا حبس ابـد باشـد دادگاه می‌توانـد او را با رعایت ماده ۳۳قـانون مجـازات عمومی تا پانزده سال حبس محکوم نماید. ماده ۱۰ ـ وزارت دادگستری مجاز است محکومین به اعـدام یـا حبس در کـانون اصـلاح و تربیت را که‌سن آنان در موقع اجرای حکم یا در حین آن از هجده سال تجاوز نماید برای اجرای تمام یا باقیمانده‌مدت محکومیت به زندانهای عمومی منتقل نماید. ماده ۱۱ ـ در صورتی که برای اعمال مذکور در ماده یک این قانون به موجب قوانین دیگری مجازات‌مقرر شده باشد مرتکب به مجازات اشد محکوم خواهد شد. ماده ۱۲ ـ مقررات مواد ۲۰۲ و ۲۰۳ قانون مجازات عمومی لغو می‌شود.

۸– لایحه قانونی راجع به تشدید مجازات سارقین مسلح که وارد منزل یا مسکن اشخاص بشوند

مصوب ۹/۴/۱۳۳۳ با اصـلاحات بعدی ماده واحده ـ هرگاه یک یا چند نفر برای سـرقت وارد منزل یا مسـکن اشـخاص شوند اگرچه یک نفر آنها حامل سـلاح باشد و یا در موقع سـرقت در مقام هتک ناموس برآیند و هیچ یک از آنها هم مسلح‌نباشد در دادگاههای نظامی محاکمه و به مجازات مقرر در بنـد الف ماده ۴۰۸ قانون دادرسی و کیفرارتش محکوم خواهند شد. تبصره ۱ ـ درصورتی که سـاکنین محـل مزبور در مقـام مـدافعه از مـال یا جان یا ناموس و یا جلوگیری از بردن مال در محل سـرقت مرتکب قتل یا جرح و یا ضرب سارقین بشونـد، از مجازات معاف خواهنـد بود و همچنین اگر متهم یا متهمین به اخطار مامورین انتظامات تسلیم نشونـد و در نتیجه‌فرار آنها و تیراندازی مامورین مجروح یا مقتول گردند مامورین انتظامی از مجازات معاف می‌باشند. تبصره ۲ ـ مامورینی که به سارقین در ارتکاب سـرقت به نحوی از انحا معاونت کرده و یا وسایل‌فرار آنها را فراهم آورنـد مشـمول مقررات این قانون بوده و به حبس جنایی درجه یک از ده الی پانزده‌سال محکوم خواهند گردید. تبصره ۳ ـ منسوخ شده است

۹– قانون مربوط به تشدید مجازات سرقت مسلحانه

مصوب ۲۷/۱۰/۱۳۳۸ ماده واحده ـ هرگاه دو یا چند نفر با اجتماع و مواضـعه قبلی به بانکها یا صـرافیها و یا جواهرفروشـیها و به طور کلی به هر محلی که در آن وجوه نقد یا اوراق بهادار یا سایر اشیای قیمتی معمولا وجود دارد به قصد سرقت و ربودن اموال مسلحانه حمله ببرنـد (هرچنـد]فقط یک نفر ازآنها مسلح باشد) هریک از مرتکبین درصورت وقوع سـرقت یا ربودن مال به حبس دایم و در صورت وقوع قتل به اعدام محکوم خواهد شد و در صورتی که سـرقت یا ربودن مال یا قتل واقع نشده باشد هرگاه اراده مرتکبین در آن تـاثیر نداشـته مجـازات هریـک از مرتکبین حبس جنـایی درجه یـک از ده تا پانزده سال و اگر اراده مرتکبین در آن تاثیر داشـته مجازات آنان حبس جنایی درجه دو از دو تا پنج‌سال خواهد بود و درصورت اجرای ماده ۴۴ قانون کیفر عمومی بیش از یک درجه تخفیف جایزنیست

۱۰– قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست

مصوب ۲۴/۸/۱۳۷۱ ماده ۱ ـ به پیروی از تعـالیم عـالیه اسـلام در جهت حفظ شوون و حقوق اجتماعی زن و کودک بی‌سـرپرست و

زدودن آثار فقر از جامعه اسلامی و به منظور اجرای قسمتی از اصل بیست و یکم‌قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران زنان و کودکان بی‌سرپرستی که تحت پوشش قوانین حمایتی‌دیگری نیستند از حمایتهای مقرر در این قانون بهره‌مند خواهند شد. ماده ۲ ـ مشمولان این قانون عبارتند از: ۱ ـ زنان بیوه ـ بیوه به زنانی اطلاق می‌شود که به عقد ازدواج (دایم یا منقطع درآمده و سپس به یکی‌از دلایل طلاق ، فوت شوهر، فسخ عقد، صدور حکم موت فرضی بذل مدت و یا انقضای مدت درنکاح منقطع شوهر خود را از دست داده باشند. ۲ ـ زنان پیر و سالخورده ـ زنان بی‌سرپرست و مسنی هستند که قادر به تامین معاش‌خود نباشند. ۳ ـ سایر زنان و دختران بی‌سرپرست ـ به زنان و دخترانی اطلاق می‌شود که بنا به عللی از قبیل مفقودالاثر شدن یا از کار افتادگی سرپرست به طور دایم یا موقت بدون سرپرست (نان‌آور)می‌مانند. ۴ ـ کودکان بی‌سرپرست ـ به کودکانی اطلاق می‌شود که بنا به هر علت و به طور دایم یا موقت سرپرست خود را از دست داده باشند. تبصره ۱ ـ پسران موضوع بند ۴ این ماده تا رسیدن به حداقل سن قانونی (مندرج در قانون کار) ودختران تا زمانی که ازدواج نمایند مشمول این قانون باقی خواهند ماند مگر این که تحت سرپرستی‌قرار گیرند یا به نحوی تمکن مالی بیابند. تبصره ۲ ـ پسرانی که ادامه تحصیل دهند به شرط وجود اعتبار تا پایان تحصیل مشمول مفاد این‌قانون می‌باشند. ماده ۳ ـ زنان و کودکان بی‌سرپرست که به هر نحو از مستمریهای بازنشستگی از کار افتادگی وبازماندگان بهره‌مند می‌شوند و یا از تمکن مالی برخوردار باشند از شمول مقررات این قانون خارج‌هستند. ماده ۴ ـ حمایتهای موضوع این قانون عبارتند از: ۱ ـ حمایت‌های مالی شامل تهیه وسایل و امکانات خودکفایی یا مقرری نقدی و غیرنقدی‌به‌صورت نوبتی یا مستمر. ۲ ـ حمایتهای فرهنگی اجتماعی شامل ارائه خدماتی نظیر خدمات آموزشی (تحصیلی ، تربیتی کاریابی آموزش حرفه و فن جهت ایجاد اشتغال خدمات مشاوره‌ای و مددکاری جهت رفع مسایل‌و مشکلات زندگی مشمولان و به وجود آوردن زمینه ازدواج و تشکیل خانواده ۳ ـ نگهداری روزانه یا شبانه‌روزی کودکان و زنان سالمند بی‌سرپرست در واحدهای بهزیستی یا واگذاری سرپرستی این گونه کودکان و زنان به افراد واجد شرایط تبصره ـ کلیه مشمولان واجد شرایط که از سلامت جسمی و روانی برخوردارند به تشخیص‌مددکاران ذی ربط جهت شرکت در دوره‌های آموزش حرفه‌ای و کاریابی معرفی می‌شوند. ماده ۵ ـ میزان و مدت پرداخت مقرری ماهیانه طبق آیین‌نامه‌ای تعیین می‌گردد که بنا به پیشنهادسازمان بهزیستی کشور به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره ـ پرداخت مقرری نقدی و غیرنقدی تا احراز موارد مندرج در ماده (۶) این قانون ادامه‌خواهد یافت ماده ۶ ـ در موارد زیر مقرری مشمولان قطع خواهد شد: ۱ ـ درصورت ازدواج رجوع یا تحت تکفل قرار گرفتن ۲ ـ یافتن تمکن مالی ۳ ـ خودداری از شرکت در دوره‌های آموزشی (تحصیلی و آموزش حرفه‌ای بدون عذر موجه ۴ ـ امتناع از قبول شغل مناسب پیشنهادی تبصره ـ در صورت محکومیت کیفری که منجر به بازداشت و زندان شود، مقرری مربوط در مدت‌محکومیت قطع خواهد شد. ماده ۷ ـ هرکس براساس اسناد و گواهیهای خلاف یا با توسل به عناوین تقلبی از مزایای مقرر در این‌قانون به نفع خود استفاده نماید به رد عین یا معادل کمکهای نقدی و غیرنقدی دریافتی و نیز تا دوبرابر آن جریمه محکوم می‌شود و چنانچه موجبات استفاده اشخاص ثالث را من غیرحق فراهم‌نماید به جزای نقدی تا سه برابر مزبور محکوم خواهد شد. تبصره ۱ ـ کلیه خسارات و وجوه حاصله از جرایم نقدی مقرر در این قانون جزء درآمد اختصاصی‌سازمان بهزیستی و در یک ردیف درآمد و هزینه مستقل همه ساله در قانون بودجه منظور و طبق‌آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیات وزیران خواهد رسید هزینه می‌گردد. تبصره ۲ ـ سازمان بهزیستی می‌تواند از هدایا و کمک‌های اشخاص حقیقی و حقوقی در جهت‌اجرای این قانون استفاده نماید. ماده ۸ ـ چنانچه مشمولان این قانون اشتغال ازدواج یا رجوع خود را مکتوم داشته و مقرری‌دریافت دارند، برابر ماده ۷ این قانون مورد پیگرد قرار خواهند گرفت ماده ۹ ـ سازمان بهزیستی کشور مجری این قانون خواهد بود و موظف است آیین‌نامه‌های اجرایی‌مربوط را ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ قانون با هماهنگی کلیه نهادها و دستگاههای ذیربط تهیه وجهت تصویب به هیات وزیران تقدیم نماید. تبصره ـ اجرای این قانون مانع از انجام وظائف قانونی و موارد پیش‌بینی شده در اساسنامه کمیته‌امداد امام خمینی (ره نمی‌باشد و کمیته مزبور در چارچوب وظائف قانونی خویش

کماکان نسبت‌به ارائه خدمات مربوط ادامه خواهد داد. ماده ۱۰ ـ کلیه وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌های دولتی و وابسته به دولت موسسات عمومی و سازمان‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام می‌باشد موظفند همکاریهای لازم را در زمینه اجرای این قانون با سازمان بهزیستی کشور معمول دارند. قانون فوق مشتمل بر ۱۰ ماده و ۸ تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و چهارم آبان ماه‌یکهزار و سیصد و هفتاد و یک مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۷/۸/۱۳۷۱ به تایید شورای نگهبان رسیده است

۱۱– قانون راجع به بدهی واردین به مهمانخانه‌ها و پانسیونها

مصوب ۱ شهریور ماه ۱۳۱۲ ماده اول ـ صاحبان مهمانخانه و پانسیون و جاهای مانند آن حق دارند مادام که وارد یا مسافر بدهی‌خود را از بابت کرایه منزل و قیمت غذا و سایر چیزهایی که مصرف کرده‌اند نپردازد از خروج اشیاء و اثاثیه متعلق به او و معادل بدهی او جلوگیری کرده و در شهرها از مامورین نظمیه و در خارج از شهرها از مامورین امنیه توقیف اشیاء مذکور را تقاضا کنند. هرگاه معلوم شود که اشخاص فوق بدون حق مانع خروج اسباب یا اثاثیه شده و یا توقیف آن راتقاضا کرده‌اند علاوه بر جبران خسارات مالی مسافر یا وارد به جزای نقدی از پنجاه تا هزار ریال‌محکوم خواهند شد. تبصره ـ حق استفاده از این ماده مخصوص کسانی است که قبلا کرایه منزل و قیمت غذا و غیره راااعلان و در محلی که هر وارد بتواند آن را ببیند الصاق کرده باشند. ماده دوم ـ هر کس در مهمانخانه یا رستوران و جاهای مانند آن وارد شده و پس از بیتوته یا صرف غذا و غیره به استناد نداشتن مالی از تادیه کرایه منزل یا قیمت چیزهایی که مصرف کرده خودداری نماید علاوه بر محکومیت حقوقی به حبس تادیبی از ۸ روز تا ۱۵ روز محکوم خواهد شد.

۱۲– قانون اطلاح ماده ۱۲۸ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸

مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۲۹/۶/۱۳۸۲ به پایان می‌رسد، لذا ماده (۱۲۸) قانون مذکور و تبصره آن به شرح ذیل ابقاء می‌شود: ماده ۱۲۸ ـ متهم می‌تواند یک نفر وکیل همراه خود داشته باشد. وکیل متهم می‌تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس ازخاتمه تحقیقات، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام نماید. اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس می‌شود. تبصره ـ در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیرمتهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و همچنین در خصوص جرایم علیه امنیت کشور حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ چهارم شهریور ماه یکهزار و سیصد و هشتاد مجلس شورای اسلامی تصویب ودر تاریخ ۱۷/۳/۱۳۸۲ با اصلاحاتی به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است. رییس مجلس شورای اسلامی ـ مهدی کروبی

۱۳– قانون تعریف محکومیتهای مؤثر در قوانین جزایی

مصوب ۲۶/۷/۱۳۶۶ ماده واحده ـ مراد از محکومیتهای موثر کیفری مذکور در قوانین جزایی مصوب مجلس شورای‌اسلامی عبارت است از: الف ـ محکومیت به حد. ب ـ محکومیت به قطع یا نقص عضو. ج ـ محکومیت لازم‌الاجرا به مجازات حبس از یک سال به بالا در جرایم عمدی د ـ محکومیت به جزای نقدی به مبلغ دو میلیون ریال و بالاتر. ه ـ سابقهٔ محکومیت لازم‌الاجرا دوبار یا بیشتر به علت جرم‌های عمدی مشابه با هر میزان مجازات جرمهای سرقت کلاهبرداری اختلاس ارتشا،خیانت در امانت جزو جرمهای مشابه محسوب‌می‌شوند.

۱۴– قانون لغو مجازات شلاق

مصوب تیرماه ۱۳۴۴ ماده واحده ـ الف (در مورد اصلاح تبصره ماده ۱۷۳ قانون مجازات عمومی می‌باشد) ب ـ مجازات تازیانه از ماده ۳ قانون راجع به اشخاصی که مال غیر را انتقال می‌دهند یا تملیک می کنند مصوب دوم جوزا ۱۳۰۲ و همچنین مجازات شلاق مذکور در ماده ۲۷۳ مکرر قانون مجازات عمومی حذف می‌شود. ج ـ درباره کسانی که به اتهام ارتکاب جرح یا قتل به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر مورد تعقیب‌قرار گیرند چنانچه دلایل و قرائن موجود دلالت بر توجه اتهام به آنان نماید قرار بازداشت صادر خواهد شد و تا صدور حکم ادامه خواهد داشت

۱۵– قانون تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون مجازات اسلامی

مصوب اسفندماه ۱۳۷۵ ماده واحده ـ اجرای آزمایشی قانون مجازات اسلامی مصوب هشتم مردادماه یکهزار و سیصد وهفتاد هجری شمسی کمیسیون امور قضایی و حقوق مجلس شورای اسلامی به مدت ده سال‌تمدید می‌شود. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یک شنبه مورخ دوازدهم اسفندماه یکهزار وسیصد وهفتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۶/۱۲/۱۳۷۵ به تایید شورای‌نگهبان رسیده است

۱۶– آیین نامه اجرایی قانون اصلاح تبصره الحاقی ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی

مصوب دی ماه سال ۱۳۷۸ مجلس شورای اسلامی ماده ۱ ـ دادگاه باتوجه به علل و جهات ارتکاب جرم و شخصیت متهم نوع جرم میزان محکومیت دوری و نزدیکی محل اقامت اجباری با محل ارتکاب جرم امکان اشتغال یا عدم امکان اشتغال‌محکوم علیه در محل و همچنین با در نظر گرفتن نقاطی که از طرف وزارت کشور برای اقامت‌اجباری مناسب تشخیص داده نشده‌اند شهری را به عنوان محل اقامت اجباری محکوم علیه معین‌می‌نمایند. ماده ۲ ـ وزارت کشور می‌تواند نقاطی را که به لحاظ شرایط سیاسی امنیتی اجتماعی و غیره برای‌اقامت اجباری مناسب نمی‌باشند هر سال یک بار تهیه و از طریق وزارت دادگستری به قوه قضاییه جهت ابلاغ دادگاهها ارسال نماید. ماده ۳ ـ چنانچه وزارت کشور تغییر محل اقامت اجباری محکومی رابه لحاظ شرایط سیاسی امنیتی اجتماعی و غیره لازم تشخیص دهد مستدلا مراتب از طریق دادگستری به قوه قضائیه جهت‌ابلاغ به دادگاه اعلام می‌شود. ماده ۴ ـ نقطه نظرات مقامات محلی در مورد آثار و تبعات حضور محکومان در محل از طرف آن‌مستقیماًبه‌وزارت‌کشورارسال‌می‌شود تا در هنگام تعیین نقاط اقامت اجباری مورد توجه قرار گیرند. ماده ۵ ـ دادگاه با بررسی مشکلات ناشی از اجرای حکم چنانچه تغییر محل اقامت اجباری را لازم بداند نسبت به تعیین محل دیگر اتخاذ تصمیم می‌نماید. ماده ۶ ـ نظارت بر اجرای صحیح حکم اقامت اجباری توسط دادگاه صادر کننده رای از طریق مرجع‌مجری حکم به عمل می‌آید. ماده ۷ ـ وزرای دادگستری و کشور به منظور رفع معضلات اجرایی ناشی از تعیین اقامت اجباری محکومان حداقل یک بار در سال جلسه‌ای تشکیل خواهند داد. ماده ۸ ـ این آیین نامه در اجرای قانون اصلاح تبصره الحاقی به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۲۷/۱۰/۱۳۷۸ در ۸ ماده توسط وزارت دادگستری با هماهنگی وزارت کشور تهیه و درتاریخ ۲۷/۳/۱۳۸۰ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسیده است

۱۷– آیین‌نامه نحوه اجرای احکام اعدام رجم صلب قطع یا نقص عضو

۱– فصل اول در نحوه اجرای احکام اعدام رجم و صلب

موضوع تبصره یک ماده ۲۸ قانون تشکیل‌دادگاههای کیفری یک و دو مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۷۰ قوه قضاییه فصل اول در نحوه اجرای احکام اعدام رجم و صلب ماده ۱ ـ در هر مورد که حکم اعدام رجم و یا صلب توسط دادگاه صادرکننده حکم قطعی‌تشخیص گردد، رییس دادگاه رونوشتی از حکم صادره را برای اجرا با تصریحات لازمه به دادستان‌حوزه مربوطه ابلاغ می کند. هرگاه اطلاعات مصرحه در حکم کافی نباشد، فتوکپی از صورت مجالس رسیدگی و محاکمه را نیز به ضمیمه آن ارسال می‌نماید. تبصره ۱ ـ چنانچه محکوم‌علیه دادستان و یا دادیار مجری حکم نسبت به حکم تقاضای تجدیدنظر نمایند، اجرای آن تا اتخاذ تصمیم قضایی مرجع بررسی و نقض متوقف می‌ماند. تبصره ۲ ـ در صورتی که رییس دیوان‌عالی کشور یا دادستان کل کشور در مقام اعمال اختیار مذکوردر ماده ۳۵ قانون تشکیل دادگاههای کیفری یک و دو، حکم صادره را ولو این که در مقام تجدیدنظرصادر شده باشد، قابل تجدیدنظر تشخیص دهند اجرای حکم تا رسیدگی بعدی متوقف می‌ماند. تبصره ۳ ـ چنانچه محکوم‌علیه در فاصله صدور حکم لازم‌الاجرا و اجرای آن درخواست عفونماید، اجرای حکم تا اعلام نتیجه از طرف کمیسیون فوق العاده عفو و بخشودگی به تاخیر خواهد افتاد. ماده ۲ ـ دادستان هر محل پس از وصول حکم قطعی و صدور دستور اجرای آن توسط دادگاه‌صادرکننده حکم با رعایت مفاد تبصره‌های فوق مکلف به اجرای حکم بوده و درباره نحوه اجرای آن‌دستورات لازم را داده و در صحت اجرا، عدم تعویق و تعطیل آن نظارت خواهد کرد. ماده ۳ ـ هرگاه محکوم زن حامله بوده یا تازه وضع حمل کرده باشد، اجرای حکم تا سه ماه بعد ازوضع حمل به تعویق می‌افتد. تبصره ـ در مورد زنانی که اطفال رضیع خود را شیر می‌دهند، چنانچه به تجویز پزشک و تایید قاضی صادرکننده حکم یا دادستان کل اجرای مجازات موجب لطمه به سلامتی طفل به سبب قطع‌شیر مادر باشد، اجرای مجازاتهای فوق تا رسیدن طفل به سن دو سالگی به تعویق خواهد افتاد. ماده ۴ ـ در مورد محکوم‌علیه مریض چنانچه طبق نظر و تجویز پزشک و تایید قاضی صادرکننده‌حکم یا دادستان کل مرض وی مانع از اجرای مجازات باشد اجرای حکم تا رفع مانع به تاخیر می‌افتد. ماده ۵ ـ دادستان مجری حکم حداقل ۴۸ ساعت قبل از زمان اجرای حکم مراتب را به مراجع و اشخاص ذیل اطلاع می‌دهد: الف ـ رییس نیروهای انتظامی محل یا نماینده وی برای برقراری و حفظ نظم در محل اجرای حکم در صورتی که محل اجرای حکم خارج از محوطه زندان باشد). ب ـ رییس اداره زندان برای تهیه مقدمات اجرای حکم و حفظ نظم در داخل محوطه زندان ج ـ پزشک قانونی یا پزشک معتمد (اگر در محل پزشک قانونی نباشد) برای معاینه محکوم و اعلام‌نظر راجع‌به وضعیت جسمانی وی د ـ یکی از روحانیون برای انجام تشریفات دینی و مذهبی اگر محکوم پیرو یکی از ادیان رسمی‌شناخته شده باشد، روحانی همان دین چنانچه در محل موجود باشد، دعوت می گردد. ه ـ منشی دادگاه برای قرائت حکم قبل از اجرا. و ـ وکیل محکوم‌علیه و اولیای دم مقتول ز ـ پلیس قضایی یا مسوول اجرای احکام دادگاه برای اعزام مامورین جهت همکاری در تهیه‌مقدمات اجرای حکم تبصره ـ در موارد مصرحه در قانون که حضور حاکم شرع الزامی است دادستان مراتب را به وی نیزاطلاع خواهد داد. ماده ۶ ـ قبل از اجرای حکم دادستان و پزشک قانونی (یا پزشک معتمد) به محبس محکوم رفته وپزشک او را معاینه و اعلام‌نظر می‌نماید. در صورتی که از نظر جسمی مانعی برای اجرای حکم‌نباشد، دادستان به محکوم اطلاع می‌دهد چنانچه تقاضای ملاقات اشخاصی را دارد، اظهار نماید ودر صورت تقاضای ملاقات دستور احضار آنان را می‌دهد مشروط بر این که قبول تقاضا موجبتاخیر اجرای حکم نشود. ماده ۷ ـ پس از حضور فرد یا افراد مورد تقاضا، رییس زندان یا نماینده وی ترتیب ملاقات محکوم با آنان را می‌دهد. محکوم حق دارد هرگونه مطلبی را در حضور دادستان یا بدون حضور وی به‌ملاقات‌کنندگان کتبا یا شفاها اظهار کند. فقط رییس زندان یا نماینده وی باید در حین بیان اظهارات‌حاضر باشد. در صورت ضرورت از یک نفر مترجم نیز استفاده خواهد شد. ماده ۸ ـ مامورین انتظامی یا زندان مکتوبات و وصایای محکوم را پس از ملاحظه دادستان و اعلام‌بلامانع بودن آن بدون تاخیر به مقصدی که محکوم تعیین کرده است می‌رسانند. ماده ۹ ـ قبل از خروج محکوم از زندان آداب مذهبی لازم بر طبق مقررات دین و مذهب محکوم به عمل خواهدآمد. ماده ۱۰ ـ اجرای حکم با حضور دادستان رییس زندان

رییس نیروهـای انتظامی یا نماینـده او و منشـی دادگاه و سایر افرادی که حق حضور دارنـد، در محل مخصوص در زنـدان و یا محل دیگری که‌در حکم معین گردیـده به عمل می‌آید. ماده ۱۱ ـ در مواردی که محکوم را برای اجرای حکم از زنـدان خارج می‌کنند، صورت مجلس تهیه وبه امضای دادسـتان رییس زندان پزشک حاضـر در محل منشی دادگاه و رییس نیروهای انتظامی یانماینده وی می‌رسـد. رییس زندان هویت زندانی را از حیث تطبیق مشـخصات وی با آنچه در حکم‌دادگاه آمده تایید و ذیل آن را امضا خواهد کرد. ماده ۱۲ ـ قبل از اجرای حکم اگر محکوم خوردنی یا آشامیـدنی تقاضا کنـد، مامورین مکلفنـد برای‌او تهیه نمایند مگر این که تقاضای مشـارالیه فقـط برای تاخیر اجرای حکم باشـد (تشـخیص این امر بادادسـتان است . ماده ۱۳ ـ موقع اجرای حکم اول طلـوع آفتاب خواهـد بود مگر این که دادگاه دسـتور خاصـی را صادرکرده باشـد. ماده ۱۴ ـ تـأمین امنیت محـل اجرای حکم در خـارج از محوطه زنـدان به عهده نیروهای انتظامی‌است ماده ۱۵ ـ قبل از اجرای حکم اعـدام یا صـلب باید چوبه دار یا صـلیب و طناب و سایر آلات و ادوات اجرا معـاینه و از صـحت اسـتحکام آنهـا اطمینـان حاصـل شـده و در مورد اجرای حکم رجم توجه شودکه مقـدمات اجرای حکم بر طبق ضوابط شـرعی و قانونی فراهم شـده باشـد. ماده ۱۶ ـ پس از انجام تشـریفات فوق ، زنـدانی تحت الحفظ به‌پای چوبه دار یـا صـلیب یـا محـل اجرای‌حـد رجم آورده می‌شود. سـپس با اجازه دادسـتان منشـی دادگاه حکم را با صـدای بلنـد قرائت می‌کند وپس از آن بلافاصـله به دستور دادستان حکم طبق مفاد رای و توسط مامورین اجرا می‌شود. ماده ۱۷ ـ کلیه عملیات اجرایی باید با کمال آرامش و بدون خشونت انجام شود. ماده ۱۸ ـ محکوم به اعدام چنانچه در حکم ترتیب خاصی مقرر نشده باشد، به دار کشـیده می‌شود وبه مـدت یـک سـاعت در بالای دار می‌مانـد مگر این که اطمینان به مرگ وی حاصل شود. سـپس از دار به پایین آورده می‌شود. ماده ۱۹ ـ پس از معاینه جسـد و اطمینان از مرگ چنانچه کسان محکوم جسد را مطالبه نمایند به‌تشـخیص و دسـتور دادسـتان تسلیم آنان می‌شود والّا بر طبق مراسم معموله دفن خواهد شد. در این‌صورت کلیه مخارج به عهده دولت خواهد بود. ماده ۲۰ ـ از اجرای حکم صورت مجلس تهیه شده و به امضای افراد مذکور در ماده ۱۰ می‌رسد ودر پرونده مربوطه ضبط می‌گردد. ماده ۲۱ ـ از مراسم اجرای حکم توسط مسوولین زندان یا مامورین انتظامی (حسب مورد)عکس‌برداری شده و عکسـها در پرونده محکوم بایگـانی می‌شود. خبر اجرای حکم بـا ذکر نوع جرم و خلاـصه رای دادگـاه در روزنامه‌ها منتشـر می‌گردد. در موارد اسـتثنایی که به تشـخیص ریاست قوه قضاییه مصالحی ایجاب کند عکس محکوم در حال اجرای حکم توسط رسانه‌های گروهی برای‌اطلاع عمومی انتشار می‌یابد. ماده ۲۲ ـ در صورتی که بنـا به جهـاتی حضور تماشـاچی یا طبقات و افراد خاصـی در محل اجرای‌حکم به مصـلحت نباشد، به دسـتور دادستان مامورین انتظامی از ورود آنان به محل جلوگیری‌می‌نمایند. ماده ۲۳ ـ قبل از اجرای حکم رجم به محکوم دسـتور داده می‌شود تـا با آب سـدر و کافور خالص به ترتیب غسل نمایـد سـپس به همان کیفیت و با رعایت سایر شـرایط شـرعی و قانونی اجرای حد می‌گردد. ماده ۲۴ ـ پس از اجرای حکم رجم و مرگ محکوم ، جسـد را از چـاله خارج نموده مراسم نماز میت‌را به‌جـا می‌آورنـد و بـدون غسـل مجـدد با همان کفن دفن می‌نماینـد و چنانچه محکوم قبل از اجرای حـد غسل نکرده باشـد، با انجام تشـریفات غسـل کفن و دفن می‌شود. تبصـره ـ در صورتی که مراسم رجم در حـالت پوشـش کفن انجـام شـده باشـد، تعویض کفن آلوده به‌خون ضـروری نیست مـاده ۲۵ ـ در اجرای حـد صـلب محکـوم را بـه چـوبه دار که شـبیه صـلیب تهیه شـده است در حـالتی که‌پشت به صـلیب و روی به قبله بوده و پاهایش مقداری از زمین فاصله داشته باشد آویزان کرده دستهای وی را به دو چوب افقی و پاهایش را عمودی می‌بندنـد و به مدت سه روز به همان حال رها می‌کنند. ماده ۲۶ ـ پس از انقضای سه روز او را از چوبه دار پایین می‌آورند و اگر فوت کرده باشد پس از انجام مراسم مذهبی دفن والا رها می‌کنند. تبصـره ـ چنانچه فوت مصـلوب زودتر از سه روز محرز گردد، پایین آوردن جسد برای انجام مراسم مذهبی و کفن و دفن قبل از انقضای سه روز بلامانع است

۲– فصل دوم در نحوه اجرای احکام قطع یا نقص عضو

ماده ۲۷ ـ در قصاص عضو علاوه بر رعایت شرایط و ضوابط مقرر در ماده ۵۸ به بعد قانون حدود و قصاص حضور پزشک به منظور تشخیص و اجرای مفاد مواد ۶۲ و ۶۳ و ۶۵ و ۶۸ قانون مذکور ، ضروری است هرگاه دادستان پس از کسب نظر پزشک اجرای حکم را به کیفیت و میزان معینه غیر مقدور یافت با خودداری از اجرای حکم پرونده را برای تعیین تکلیف به دادگاه صادرکننده حکم ارسال می‌دارد. ماده ۲۸ ـ اجرای قصاص عضو نسبت به محکومین بیمار با خوف صدمه اضافی برای بیماری وی تارفع خوف به تعویق می‌افتد. تشخیص این امر به عهده پزشک قانونی یا پزشک معتمد منتخب ازسوی دادستان خواهد بود. چنانچه به سبب مادام‌العمر تشخیص شدن این امر، امکان اجرای قصاص‌نباشد، به پیشنهاد دادستان و حکم دادگاه تبدیل به دیه خواهد شد. تبصره ـ در کلیه مواردی که مسوولیتی به عهده دادستان مقرر گردیده است در غیاب وی یکی ازداد یاران وظایف محوله را انجام خواهد داد.

۱۸– قانون تشکیل دادگاههای کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۳۱/۳/۱۳۶۸

۱– فصل اول ــ محاکم کیفری

۱– مبحث اول ــ در تشکیل دادگاهها و صلاحیت آنها

ماده ۱ ـ دادگاههای کیفری به ترتیب مقرر در این قانون تشکیل و به جرایمی که مطابق قوانین دارای مجازات زیر بوده و در صلاحیت دادگاههای دیگری نباشند رسیدگی و حکم مقتضی صادر می‌نمایند: ۱ ـ حدود ۲ ـ قصاص ۳ ـ دیات ۴ ـ تعزیرات ۵ ـ مجازات‌های بازدارنده ماده ۲ ـ دادگاههای کیفری به دادگاههای کیفری ۱ و دادگاههای کیفری ۲ تقسیم می‌شوند. در معیت دادگاههای کیفری ۱ و ۲ دادسرای عمومی انجام وظیفه می‌نماید. ماده ۳ ـ دادگاههای کیفری ۱ و ۲ تشکیل می‌شود از یک نفر رییس یا عضو علی‌البدل ماده ۴ ـ هرگاه رییس یا عضو علی‌البدل نسبت به مواردی از رییس کل دادگاهها یا رییس دادگستری‌حوزه متبوعه درخواست مشاور کند، رییس مکلف به اعزام مشاور است در این صورت قبل از اتخاذ تصمیم دادگاه مشاور مکلف است پرونده را دقیقا مطالعه و بررسی نموده نظر مشروح و مستدل خود را در اسرع وقت و کتبا اعلام نماید. تخلف مشاور از این امر موجب محکومیت‌انتظامی تا درجه ۳ خواهد بود. تبصره ۱ ـ چنانچه پس از خاتمه رسیدگی مشاور حداکثر ظرف مدت ۵ روز نظر مشورتی خود رابه دادگاه تسلیم نکند، قاضی دادگاه رأسا اتخاذ تصمیم می‌نماید. تبصره ۲ ـ چنانچه قاضی دادگاه به تشخیص شورای عالی قضایی مجتهد جامع‌الشرایط باشد پس‌از خاتمه رسیدگی بدون این که منتظر نظر مشورتی بماند می‌تواند اتخاذ تصمیم نماید. ماده ۵ ـ دادگاه کیفری ۱ در مراکز استانها و شهرهایی که شورای عالی قضایی تاسیس آن را لازم بداند تشکیل می‌شود و حسب مورد می‌تواند دارای شعب متعدد باشد، تخصیص هر شعبه به هریک از انواع خاص جرایم با شورای عالی قضایی است تبصره هرگاه در محلی دادگاه کیفری ۱ تشکیل نشده باشد، رسیدگی به جرایم آن محل که در صلاحیت دادگاه کیفری ۱ است با نزدیکترین دادگاه کیفری ۱ حوزه قضایی همان استان خواهد بود. ماده ۶ ـ دادگاه کیفری ۲ در شهرهایی که شورای عالی قضایی لازم بداند تشکیل می‌شود و حسب‌مورد می‌تواند دارای شعب متعدد باشد. تخصیص هر شعبه به هریک از انواع جرایم با شورای عالی‌قضایی است ماده ۷ ـ دادگاههای کیفری ۱ با رعایت ماده ۱ این قانون به جرایم زیر رسیدگی می‌نمایند: الف ـ جرمی که کیفر آن اعدام رجم صلب و نفی بلد به عنوان حد باشد. ب ـ جرمی که کیفر آن قطع یا نقص عضو باشد. ج ـ جرمی که کیفر آن به حسب قانون ۱۰ سال زندان و بالاتر باشد. د ـ جرمی که کیفر آن به حسب قانون بیش از دویست هزار تومان جزای نقدی باشد. ه ـ جرمی که کیفر آن نصف دیه کامل هر یک از موارد ششگانه و یا بالاتر باشد اعم از عمد یا شبیه عمد و یا خطای محض تبصره ۱ ـ

هرگاه جرمی که ادعا شده احتمال ترتب یکی از کیفرهای مذکور بر آن باشد و پس ازختم دادرسی معلوم شود که کیفر آن کمتر از امور مذکوره است دادگاه کیفری ۱ مبادرت به انشای‌حکم خواهد کرد. تبصره ۲ ـ هرگاه در محلی دادگاه کیفری ۲ تشکیل نشده و یا تشکیل شده ولی پرونده‌هایش متراکم است و یا دادگاه فاقد قاضی باشد و نیز در صورتی که قاضی دادگاه کیفری ۲ مطابق قانون صلاحیت‌رسیدگی به پرونده‌ای را ندارد، دادگاه کیفری ۱ می‌تواند بر حسب ارجاع رییس کل به پرونده‌هایی که‌در صلاحیت کیفری ۲ است نیز رسیدگی نماید. ماده ۸ ـ رسیدگی به جرمهایی که مجازاتش غیرکیفرهای مذکور در ماده قبل و تبصره‌های آن باشد،به عهده دادگاه کیفری ۲ می‌باشد. ماده ۹ ـ در نقاطی که تشکیل دو شعبه دادگاه حقوقی و کیفری میسر نباشد یک شعبه دادگاه حقوقی۱ یا کیفری ۱ به کلیه دعاوی حقوقی و جرایم رسیدگی خواهد کرد. هرگاه دادگاه واحد از نوع دادگاه‌حقوقی ۲ یا کیفری ۲ باشد به دعاوی حقوقی و جرایم در حد صلاحیت دادگاه حقوقی و کیفری ۲رسیدگی خواهد نمود. تبصره ـ در این موارد هرگاه دادسرا در محل تشکیل نشده باشد وظایف دادسرا به عهده رییس‌دادگاه یا عضو علی‌البدل می‌باشد. ماده ۱۰ ـ در جاهایی که دادگستری تشکیل نشده است یک دادگاه حقوقی ۲ می‌توانند تشکیل و به‌دعاوی و شکایاتی که در صلاحیت حقوقی ۲ و کیفری ۲ می‌باشد رسیدگی نماید و چنانچه یک‌دادگاه کافی نباشد دو دادگاه یکی حقوقی ۲ و یکی کیفری ۲ تشکیل و طبق صلاحیتهای خود عمل‌می‌کنند. ماده ۱۱ ـ هرگاه کسی مرتکب جرمی شود در دادگاهی رسیدگی می‌شود که جرم در حوزه آن وقوع‌یافته است و اگر شخصی مرتکب چندین جرم در جاهای مختلف بشود، در دادگاهی به آن جرایم‌رسیدگی می‌شود که مهمترین جرم در حوزه آن واقع شده است و هرگاه جرایم ارتکابی از یک درجه‌باشد، دادگاهی که متهم در حوزه آن دستگیر شده به آن رسیدگی می‌نماید. در این صورت دادسرای‌هر محل تحقیقات لازمه را موافق تکالیف خود به عمل آورده به دادستان دادگاهی که باید رسیدگی‌نماید نتیجه تحقیقات را ارسال می‌دارد. تبصره ـ در مواردی که قانون ترتیب دیگری را پیش‌بینی کرده است مشمول این ماده نمی‌شود. ماده ۱۲ ـ هرگاه کسی متهم به ارتکاب چندین جرم از انواع مختلف باشد با رعایت صلاحیت ذاتی‌در دادگاهی محاکمه می‌شود که صلاحیت رسیدگی به مهمترین جرم را دارد. تبصره ـ به اتهامات متعدد متهم باید تواما و یکجا رسیدگی شود لیکن اگر رسیدگی به تمام آنهاموجب تعویق باشد دادگاه می‌تواند نسبت به اتهاماتی که تحقیقات آنها کامل باشد حکم یا قرارمقتضی صادر کند. ماده ۱۳ ـ در کلیه جرایمی که متهمین متعدد باشند و یا معاون و شریک داشته باشند و در صورتی‌که به یک یا چند نفر از آنها دسترسی نباشد و تفکیک ممکن باشد دادگاه باید رسیدگی را تفکیک وتکلیف متهمین حاضر را معین نماید و پرونده نسبت به غایبین مفتوح خواهد ماند. ماده ۱۴ ـ شرکا و معاونین جرم در دادگاهی محاکمه می‌شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام مجرم‌اصلی را دارد. ماده ۱۵ ـ هرگاه یکی از اتباع ایران در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب‌جرمی شده و در ایران دستگیر شود در دادگاهی محاکمه می‌شود که در حوزه آن دستگیر شده است ماده ۱۶ ـ در مواردی که دادگاه به ضرر و زیان ناشی از جرم رسیدگی می‌کند نصاب خاصی برای‌زیان وارده نمی‌باشد و حکم صادره مشمول مقررات حاکم بر همان دادگاه است تبصره ـ در صورتی که دعوای جزایی در دادگاه کیفری منتهی به صدور حکم برائت متهم یا قرارموقوفی تعقیب شود دادگاه مزبور مکلف است به دعوای حقوقی در صورتی که در دادگاه کیفری مطرح شده باشد رسیدگی کرده و رأی صادر نماید. ماده ۱۷ ـ حل اختلاف در صلاحیت بین دادگاههای کیفری طبق قواعد دادگاههای حقوقی است تبصره ۱ ـ مرجع حل اختلاف بین دادگاههای انقلاب و نظامی و نیز بین هریک از دادگاههای مزبور با دیگر دادگاههای دادگستری دیوان عالی کشور است تبصره ۲ ـ حل اختلاف بین دادسراها تابع قواعد حل اختلاف دادگاههای همان دادسراهاست ماده ۱۸ ـ در شهرهایی که شعب متعدد کیفری و حقوقی و مدنی خاص تشکیل شده باشد رییس شعبه اول ریاست کل دادگاههای حقوقی و کیفری و مدنی خاص را دارا بوده و پرونده‌های واصله رابه شعب مربوطه ارجاع می‌کند. تبصره ـ روسای دادگستریها به تعداد مورد نیاز با تصویب شورای عالی قضایی از بین قضات می‌توانند معاون داشته باشند. ماده ۱۹ ـ رییس کل دادگاههای هر شهرستان به

عنوان رییس دادگستری آن شهرستان بر کلیه‌دادگاههای حقوقی و کیفری و مدنی خاص و دادسرای عمومی محل نظارت و ریاست اداری دارد.همچنین رییس دادگستری شهرستان مرکز استان ریاست اداری و نظارت بر امور دادگستریهای‌شهرستان حوزه آن استان را خواهد داشت تبصره ۱ ـ روسای دادگستری مکلفند در امور اداری دادسراها موافقت دادستان محل را جلب‌نمایند. تبصره ۲ ـ تصدی امور اداری در غیاب رییس دادگستری با دادستان همان شهرستان است ماده ۲۰ ـ شورای عالی قضایی می‌تواند به منظور جلوگیری از تراکم پرونده‌ها و جهت تسریع دررسیدگی و جلوگیری از تعویق پرونده‌ها قضات دادگاه حقوقی اعم از ۱ یا ۲ و یا مدنی خاص را باحفظ سمت مامور رسیدگی به پرونده‌های کیفری انقلاب و یا قضات دادگاههای کیفری را حسب ضرورت فوق با حفظ سمت مامور رسیدگی به پرونده‌های حقوقی نماید. ماده ۲۱ ـ به شورای عالی قضایی اجازه داده می‌شود افراد واجد شرایط قضا را با صدور ابلاغ قضایی برای مدت معین به هر نقطه‌ای از کشور ماموریت بدهند و میزان صلاحیت رسیدگی آنان را در ابلاغ تعیین نمایند. قضات مذکور نسبت به تصمیمات متخذه در قبال دادگاه انتظامی قضات مسوول می‌باشند و در صورتی که قاضی محل مشغول رسیدگی به پرونده‌ای شده باشد با رضایت‌وی قاضی مامور مجاز رسیدگی به پرونده مربوط خواهد بود.

۲- مبحث دوم ـ در شروع رسیدگی

ماده ۲۲ ـ دادگاههای کیفری در موارد زیر شروع به رسیدگی می‌نماید: ۱ ـ اقامه دعوی و شکایت شاکی یا مدعی خصوصی به واسطه وقوع جرم یا ضرر و زیانی که از جرم‌به آنان وارد آمده است ۲ ـ در مورد جرایم مشهودی که جنبه عمومی دارد و یا جرایمی که زمینه را به تشخیص قاضی برای‌جرایم عمومی فراهم می‌آورد. ۳ ـ اعلام و اخبار ضابطین دادگستری یا اشخاصی که از قولشان اطمینان حاصل شود (در جرایمی که‌دارای جنبه عمومی است . ۴ ـ تقاضانامه و یا کیفرخواست دادسرا. ۵ ـ حکم دادگاه کیفری ۲ در تعقیب امر جزایی در مقام حل اختلاف عقیده بین بازپرس و دادستان ۶ ـ سایر مواردی که در قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی پیش‌بینی شده باشد. ماده ۲۳ ـ مدعیان خصوصی می‌توانند شخصا یا توسط وکیل شکایت نمایند. ماده ۲۴ ـ در مواردی که شکات و مدعیان خصوصی شخصا یا توسط وکیل مستقیما به دادگاههای‌کیفری شکایت و اقامه دعوی می‌نمایند باید در عرضحال خود موارد زیر را مشروحا قید کنند: ۱ ـ نام و نام خانوادگی و نام پدر و نشانی دقیق خود. ۲ ـ موضوع شکایت و ذکر این که در چه تاریخی و در کجا واقع شده است ۳ ـ ضرر و زیانی که به مدعی وارد شده و مورد مطالبه است ۴ ـ ذکر مشخصات و نشانی مشتکی‌عنه یا مظنون ۵ ـ ذکر اسامی و مشخصات و نشانی مطلعین و سایر ادله تبصره ـ چنانچه عرضحال ناقص یا شفاهی باشد مراتب در صورت جلسه تنظیمی وسیله دفتر دادگاه منعکس و به امضا یا اثر انگشت شاکی می‌رسد و اگر نتواند امضا کند یا انگشت بزند مراتب قید می‌شود. ماده ۲۵ ـ هرگاه طرف مدعی غیرمعین بوده یا دلایل اقامه دعوی کافی نباشد و موضوع مهم وصرف نظر از شکایت مدعی خصوصی قابل تعقیب و رسیدگی باشد، دادگاه کیفری تحقیقات لازم را از ضابطین دادگستری می‌خواهد. ماده ۲۶ ـ ضابطین دادگستری هرگاه جرایمی را کشف نمایند که راجع به دادگاههای کیفری است و صرف نظر از وجود یا فقد مدعی یا شاکی قابل تعقیب باشد به محاکم کیفری با ذکر موارد زیر اطلاع می‌دهند: ۱ ـ محل و تاریخ وقوع جرم ۲ ـ مشخصات مظنون ۳ ـ دلایل جرم ۴ ـ شاکی دارد یا خیر. ۵ ـ مشخصات شهود. ۶ ـ نشانی کامل طرفین پرونده و مطلعین تبصره ـ در موارد زیر ضابطین دادگستری ضمن اعلام جرم می‌توانند متهم را به دادگاههای کیفری معرفی نمایند: ۱ ـ هرگاه مرتکب در حین ارتکاب جرم دستگیر شده و محل اقامت او معین نیست و نمی‌توان اطمینان به اظهار او در باب اسم و محل اقامت او حاصل نمود. ۲ ـ در صورتی که عمل مرتکب مستلزم مجازات حبس یا قصاص یا دیه یا حد است و احتمال می‌رود که آثار عمل ارتکاب خود را معدوم نماید یا فرار کند. ماده ۲۷ ـ قاضی دادگاه کیفری در کلیه جرایم نظر به اوضاع و احوال قضیه و موضوع می‌تواند تعقیب‌و محاکمه متهم را

بلافاصله و مستقیما در دادگاه آغاز نماید. چنانچه محاکمه نیاز به تحقیقات‌مقدماتی داشته باشد می‌تواند تحقیقات را رأسا انجام دهد یا انجام آن را از دادسرا یا ضابطین‌دادگستری بخواهد و در آن نظارت نماید. در این صورت پس از انجام تحقیقات و اقدامات مورد نظرپرونده به دادگاه ارسال می‌شود. تبصره ـ در موارد فوق اخذ تامین لازم از متهم به عهده دادگاه خواهد بود. ماده ۲۸ ـ رییس یا عضو علی‌البدل دادگاههای کیفری اعم از ۱ یا ۲ پس از رسیدگی و محاکمه ومطالعه پرونده و نظریه مشاور (در صورتی که دادگاه دارای مشاور باشد) رأسا مبادرت به انشای‌حکم می‌نماید. حکم مزبور جز در موارد تجدیدنظر مذکور در این قانون و در قانون تعیین مواردتجدیدنظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی آنها مصوب ۱۴/۷/۱۳۶۷ قطعی است تبصره ۱ ـ نحوه اجرای احکام اعدام رجم صلب قطع یا نقص عضو مطابق آیین‌نامه‌ای است که‌توسط شورای عالی قضایی تهیه و تصویب خواهد شد. تبصره ۲ ـ پرونده‌هایی که در تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون منتهی به ابراز نظر و استنباط شده‌پس از اظهارنظر دیوان عالی کشور دادگاه کیفری یک با لحاظ نظر دیوان عالی کشور به تشخیص خودمبادرت به انشای حکم خواهد نمود. ماده ۲۹ ـ احکام دادگاههای کیفری باید مستدل و موجه بوده مستند به مواد قانونی و اصولی باشدکه براساس آن حکم صادر شده است دادگاهها مکلفند حکم هر قضیه را در قوانین مدونه بیابند و اگرقانونی نباشد، با استناد به منابع فقهی معتبر یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و دادگاهها نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به شکایات و دعاوی و صدور حکم امتناع ورزند. تبصره ـ در صورتی که قاضی مجتهد جامع‌الشرایط باشد و فتوای فقهی او مخالف قانون مدون باشد پرونده جهت رسیدگی به قاضی دیگر محول می‌شود. ماده ۳۰ ـ در جرایم و اموری که جنبه حق الهی دارند محاکمه باید با حضور متهم صورت گیرد و در چنین مواردی دادگاه های کیفری مجاز به محاکمه و صدور حکم غیابی نسبت به جنبه حق الهی نمی‌باشند ولی جهت حق الناسی آنها در غیاب متهم قابل رسیدگی است

۳- مبحث سوم ـ در تجدیدنظر

ماده ۳۱ ـ موارد تجدیدنظر نسبت به احکام و قرارهای دادگاههای کیفری و چگونگی رسیدگی به آنو مرجع تجدیدنظر به استثنای مواردی که در این قانون تصریح گردیده به نحوی است که در قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی آنها پیش‌بینی شده است ماده ۳۲ ـ در مواردی که دادگاه کیفری ۱ به پرونده‌هایی که در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ است‌رسیدگی می‌نماید، رسیدگی تجدیدنظر نسبت به حکم یا قرار صادره به عهده شعبه دیگر دادگاه‌کیفری ۱ همان حوزه قضایی می‌باشد و در صورت وحدت شعبه رسیدگی مزبور با نزدیکترین دادگاه کیفری ۱ خواهد بود. ماده ۳۳ ـ هرگاه در تطبیق عمل ارتکابی با مواد قانونی و احتساب مدت مجازات و محاسبه جریمه‌و جزای نقدی و ضرر و زیان مدعی خصوصی و یا ذکر اسم و مشخصات متهم و مدعی خصوصی‌و مانند آن از طرف دادگاه صادرکننده حکم اشتباهی رخ داده باشد دادگاه صادرکننده حکم حق اصلاح اشتباه موارد فوق را دارد و هرگاه پرونده در مرجع تجدیدنظر مطرح شده باشد مرجع مزبور بدون این‌که اساس حکم را نقض نماید، اشتباه را رفع نموده و حکم را تصحیح می‌نماید. ماده ۳۴ ـ شاکی یا مدعی خصوصی نسبت به حکم برائت متهم در صورت وجود جهات تجدید نظر مذکور در قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی آنها مصوب ۱۴/۷/۱۳۶۷حق تجدیدنظر دارد. ماده ۳۵ ـ طبق ماده ۱۸ قانون تجدیدنظر آرای دادگاهها مصوب ۱۷ مرداد ۱۳۷۲ لغو شده است

۴- فصل دوم ـ دیوان عالی کشور

ماده ۳۶ ـ دیوان عالی کشور در تهران تشکیل می‌شود اگر شورای عالی قضایی مصلحت بداند می‌تواند در شهرستانهای دیگر نیز شعبی تشکیل دهد. ماده ۳۷ ـ شعب دیوان عالی کشور به حسب مقدار نیاز متعدد خواهد بود و ریاست دیوان عالی کشور به عهده رییس شعبه اول است و پرونده‌ها به دستور او به شعب دیگر ارجاع می‌شود و می‌تواند اختیارات خود را در خصوص ارجاع پرونده‌ها و ریاست جلسات هیات عمومی به رییس‌یکی از شعب دیگر و یا معاون قضایی خود محول نماید. تبصره ـ معاون قضایی باید واجد شرایط مذکور در ماده ۳۹ باشد. ماده ۳۸ ـ هریک از شعب دیوان عالی کشور از دو نفر قاضی واجد شرایط که یکی از آنها رییس ودیگری مستشار است تشکیل می‌شود. تبصره ـ دیوان عالی کشور به تعداد لازم برای شعب عضو معاون خواهد داشت و عضو معاون‌می‌تواند وظایف هریک از دو عضو شعب را عهده‌دار گردد. تعداد معاونین که نباید بیشتر از تعداد شعب باشد طبق نظر شورای عالی قضایی تعیین می‌شود. ماده ۳۹ ـ رییس مستشار و عضو معاون باید یا مجتهد باشند و یا ۱۰ سال تمام در درس خارج شرکت نموده باشند و یا دارای ۱۰ سال سابقه کار قضایی و یا وکالت بوده و آشنایی کامل به قوانین‌مدون اسلامی داشته باشند. تبصره ـ تشخیص دارا بودن شرایط فوق به عهده شورای عالی قضایی است ماده ۴۰ ـ هریک از اعضای شعب دیوان عالی کشور موظف است پرونده ارجاعی را با حفظ نوبت وکمال دقت مطالعه و بررسی نموده پس از مشاوره کافی به طور مستدل اظهارنظر نماید. تبصره ـ پرونده‌ها کلا به نوبت رسیدگی می‌شود مگر در موارد فوری که به تشخیص رییس رسیدگی خارج از نوبت به عمل خواهد آمد. ماده ۴۱ ـ در صورت اختلاف نظر بین دو عضو شعبه عضو معاون و یا یکی از قضات شعب دیگربه آنان ضمیمه و نظر اکثریت ملاک خواهد بود. ماده ۴۲ ـ متداعیین یا وکلای آنان برای رسیدگی احضار نمی‌شوند مگر آن که شعبه دیوان عالی‌کشور حضور آنان را برای ادای توضیحات لازم بداند که در این صورت کسانی که حضورشان لازم‌است احضار می‌گردند و پس از استماع توضیحات آنها و اظهار عقیده دادستان کل کشور یا نماینده‌او شعبه مبادرت به صدور رای می‌نماید ولی عدم حضور احضار شدگان بدون عذر موجه صدور رای را به تاخیر نمی‌اندازد. تبصره ـ دادستان کل کشور یا نماینده او ضمن اظهار عقیده راجع به رای دادگاه می‌تواند به یک یا چند جهت پیش‌بینی شده برای تجدیدنظر نسبت به مواردی که دارای جنبه عمومی است یا مورد اعتراض ذی حق قرار گرفته تقاضای تجدیدنظر نماید. ماده ۴۳ ـ کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون لغو می‌گردد.

۱۹– قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر

مصوب پنجم فروردین ماه ۱۳۰۸ شمسی کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی ماده ۱ ـ کسی که مال غیر را با علم به این که مال غیر است به نحوی از انحا عینا یا منفعه بدون مجوزقانونی به دیگری منتقل کند کلاهبردار محسوب و مطابق ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی محکوم‌می‌شود. و همچنین است انتقال گیرنده‌ای که در حین معامله عالم به عدم مالکیت انتقال دهنده‌باشد. اگر مالک از وقوع معامله مطلع شده و تا یک ماه پس از حصول اطلاع اظهاریه برای ابلاغ به انتقال‌گیرنده و مطلع کردن او از مالکیت خود به اداره ثبت اسناد یا دفتر بدایت یا صلحیه یا یکی از دوایر دیگر دولتی تسلیم ننماید معاون مجرم محسوب خواهد شد. هر یک از دوایر و دفاتر فوق مکلفند در مقابل اظهاریه مالک رسید داده آن را بدون فوت وقت به طرف برسانند. ماده ۲ ـ نسبت به انتقالاتی که به طریق فوق قبل از اجرای این قانون واقع شده است هر یک از انتقال‌دهنده و انتقال گیرنده یا مالک باید به ترتیب ذیل عمل نماید: انتقال‌دهنده مکلف است در ظرف سه ماه از تاریخ اجرای این قانون یا مالک را وادار به تنفیذ انتقال نموده و یا خسارات وارده بر انتقال گیرنده و مالک را جبران کند. انتقال گیرنده‌ای که در حین وقوع انتقال عالم به عدم مالکیت انتقال دهنده بوده مکلف است در ظرف سه ماه مذکور خسارات وارده بر مالک را جبران نماید. مالکی که از انتقال مال خود مطلع بوده یا بشود مکلف است در ظرف سه ماه از تاریخ اجرای این‌قانون در صورتی که قبل از این قانون مطلع شده باشد و از تاریخ حصول اطلاع در

صورتی که بعد ازاجرای این قانون مطلع شود انتقال گیرنده یا قائم مقام قانونی او را به طریق مذکور در ماده فوق از مالکیت خود مستحضر نماید. ماده ۳ ـ متخلف از مقررات ماده ۲ اگر انتقال دهنده یا انتقال گیرنده باشد کلاهبردار و اگر مالک باشد معاون مجرم محسوب و مطابق مقررات قانون مجازات عمومی محکوم خواهد شد. ماده ۴ ـ با توجه به قانون منع توقیف اشخاص در قبال تخلف از انجام تعهدات والزامات مالی منسوخ است ماده ۵ ـ قسمت اول ماده موضوعا منتفی و قسمت اخیر آن با توجه به ماده ۸ قانون‌آیین دادرسی کیفری منسوخ است ماده ۶ ـ نسبت به انتقالا‌تی که قبل از این قانون واقع شده هرگاه قبل از شروع به تعقیب جزایی حق‌دعوا حقوقی مالک یا انتقال گیرنده به واسطه مرور زمان یا صدور سند رسمی مالکیت ساقط شده‌باشد مقررات این قانون مجری نخواهد بود. ماده ۷ ـ مجازات اشخاصی که پس از تاریخ اجرای این قانون به موجب قانون سوم مردادماه ۱۳۰۷راجع به تبانی یا به موجب همین قانون در نتیجه انتقال عین یا منافع اموال غیرمنقول و یا در نتیجه‌تبانی در دعوای مربوط به عین یا منافع اموال مزبوره حکم محکومیت آنها صادر می‌شود مشمول‌ماده ۴۵ قانون مجازات عمومی نخواهند بود. ماده ۸ ـ کسانی که معاملات تقلبی مذکوره در مواد فوق را به وسیله اسناد رسمی نموده یا بنمایند جاعل در اسناد رسمی محسوب و مطابق قوانین مربوط به این موضوع مجازات خواهند شد. ماده ۹ ـ این قانون از اول اردیبهشت ماه ۱۳۰۸ به موقع اجرا گذاشته می‌شود.

۲۰– لایحه قانونی مربوط به مجازات پاشیدن اسید

مصوب ۱۶ اسفند ماه ۱۳۳۷ ماده واحده ـ هرکس عمدا با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر موجب قتل کسی بشود به مجازات اعدام و اگر موجب مرض دایمی یا فقدان علیه گردد به حبس جنایی درجه یک و اگر موجب قطع یا نقصان یا از کار افتادن عضوی از اعضا بشود به حبس جنایی درجه دو از دو سال تا ده سال و اگر موجب صدمه دیگری بشود به حبس جنایی درجه دو از دو سال تا پنج سال محکوم خواهد شد. مجازات شروع به پاشیدن اسید به اشخاص حبس جنایی درجه ۲ از دو سال تا پنج سال است در کلیه موارد مذکور در این ماده در صورت اجرای ماده ۴۴ قانون کیفر عمومی بیش از یک درجه‌تخفیف جایز نیست

۲۱– قانون مجازات اشخاصی که مال غیر را به عوض مال خود معرفی می‌نمایند

مصوب ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۰۸ شمسی کمیسیون قوانین عدلیه ماده ۱ـ هرگاه محکوم علیه یا مدیون یا کفیلی مال غیر را مال خود معرفی نماید و همچنین اگرمدعی علیه برای تامین مدعی به مال متعلق به غیر را مال خود معرفی کند و برای وصول حق محکوم‌له یا داین و یا تامین مدعی به عملیاتی نسبت به آن مال شود محکوم له یا داین و یا طرفی که مدعی به او تامین شده مسوول خسارات وارده بر صاحب مال نخواهد بود و صاحب مال می‌تواند برای جبران خسارات خود به کسی که مال او را مال خود معرفی کرده است مراجعه کند. تبصره ـ اشخاصی که از ابتدای ۱۳۰۳ تا تاریخ اجرای این قانون در موارد مذکوره در ماده فوق مال غیر را مال خود معرفی کرده‌اند نیز مشمول ماده فوق خواهند بود. ماده ۲ ـ محکوم علیه یا مدیون یا ضامن یا کفیلی که بدون مجوز قانونی و با علم به این که مال‌متعلق به او نیست مال غیر را مال خود معرفی کرده و عملیاتی نسبت به آن مال شده باشد مطابق‌قسمت اخیر ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی مجازات خواهد شد. ماده ۳ ـ این قانون از ۱۵ خرداد ۱۳۰۸ به موقع اجرا گذارده می‌شود.

۲۲– لایحه قانونی حفظ امنیت اجتماعی

مصوب ۲۲/۱۲/۱۳۳۵ با اصلاحات بعدی تذکر: با توجه به اصل سی و شش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مقرر می‌دارد: «حکم به‌مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد» کمیسیون امنیت اجتماعی منتفی است و جرایم داخل در صلاحیت آن کمیسیون که ذیلا‌ درج می‌گردد مطابق قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در دادگاه

عمومی باید رسیدگی شود و مرجع تجدیدنظر ازاحکام آن دادگاه تجدیدنظر استان می‌باشد. ماده ۱ ـ (اصلاحی ۱۳/۱۰/۱۳۴۹) برای حفظ نظم و امنیت عمومی در هر حوزه فرمانداری کمیسیونی به نام (کمیسیون امنیت اجتماعی مرکب از فرماندار ـ رییس دادگاه شهرستان و در صورت نبودن رییس دادگاه شهرستان رییس دادگاه بخش ـ دادستان ـ رییس شهربانی و رییس ژاندارمری و نماینده نخست وزیری به ریاست فرماندار تشکیل می‌شود. اگر در حوزه فرمانداری دادگاه شهرستان یا شهربانی تاسیس نشده باشد دادرس علی‌البدل دادگاه‌بخش به جای دادستان و نماینده شهربانی استان یا فرمانداری کل به جای رییس شهربانی درکمیسیون شرکت خواهند کرد. ماده ۲ ـ وظایف کمیسیون مزبور عبارت است از: الف ـ رسیدگی به عمل شخص یا اشخاصی که در شهرها و دهات مردم را به ضدیت با یکدیگرتحریک نمایند به نحوی که موجبات سلب آسایش و اخلال در نظم و آرامش را عملا فراهم سازند. ب (اصلاحی ۱۴/۱۱/۴۷ و ۱۳/۱۰/۴۹) ـ رسیدگی به عمل شخص یا اشخاصی که کشاورزان را به‌امتناع از عمل کشت یا جلوگیری از ورود مالک به ملک خود یا ممانعت از مداخلات و عملیات اودر ملک مطابق حق مالکیت یا به قسمی که مانع از انجام وظیفه مامورین دولت باشد وادار نمایند و همچنین رسیدگی به عمل کسانی که به نحوی از انحا در امر وارد کردن و خرید و فروش مواد مخدر دخالت نموده یا در پیشرفت مقاصد خلاف قانون اشخاص مذکور کمک کنند. در صورتی که عمل اشخاص مذکور مستلزم مجازات شدیدتری از اقامت اجباری باشد کماکان طبق قوانین مربوط در مراجع قضایی به اتهام آنان رسیدگی خواهد شد. کسانی که به عمل قاچاق کالاهای گمرکی و همچنین کسانی که با تهیه وسایل و ایجاد امکانات به‌همکاری با مرتکبین قاچاق این نوع کالاها شهرت و معروفیت داشته باشند در صورتی که مشمول مقررات جزایی دیگری نباشند مشمول مقررات این قانون خواهند بود. ماده ۳ ـ (اصلاحی ۱۴/۱۱/۴۷) ـ در موارد مذکور در ماده «۲» کمیسیون امنیت اجتماعی فوررسیدگی و متخلف را پس از ثبوت تقصیر طبق ماده ۱۶ قانون کیفر عمومی به اقامت اجباری درمحلی که کمیسیون تعیین کند به استثنای نقاط بدآب و هوا محکوم می‌نماید. کمیسیون می‌تواند نظر به اهمیت تقصیر و تاثیر آن در اختلال نظم عمومی محل قرار اجرای موقت‌صادر نماید. قرار اجرای موقت در حوزه فرمانداریهای کل و فرمانداریهای مستقل با تایید وزارت کشور و در حوزه فرمانداریهای تابعه استانداریها با تایید استاندار به موقع عمل گذاشته می‌شود. هرگاه در مدت اجرای مجازات اعم از این که قبل و یا بعد از اجرای این قانون مورد حکم قرار گرفته‌باشد، کمیسیون امنیت اجتماعی محل وقوع بزه تشخیص دهد که اعمال و رفتار متخلف حاکی از ادامه ارتکاب بزه پس از اتمام مجازات است کمیسیون به ترتیب مذکور در این قانون مجددا رسیدگی می‌نماید و می‌تواند و متخلف را برای دفعات بعدی تا حداکثر مدت مقرر در ماده ۱۶ قانون‌کیفر عمومی محکوم نماید. در این صورت حکم مزبور بلافاصله پس از خاتمه مجازات اولیه اجراخواهد شد در موارد فوق کمیسیون امنیت اجتماعی محل اجرای مجازات احاله نماید. تبصره ۱ ـ (الحاقی ۱۳/۱۰/۴۹) ـ کسانی که به موجب حکم مراجع قضایی یا کمیسیون مذکور درماده یک این قانون مکلف به اقامت در نقطه معین شده یا از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع‌شده‌اند هرگاه قبل از خاتمه مدت محکومیت از محل مزبور خارج یا به محل ممنوع بروند پس ازاعلام مراتب از طرف مراجع انتظامی و ثبوت تخلف به حکم مرجع صادر کننده حکم اولی تمام یاقسمتی از بقیه مدت محکومیت آنان تبدیل به بازداشت خواهد شد و در این صورت مدت بازداشت‌مزبور که برای هر بار تخلف محکوم علیه از مقررات این تبصره نباید از سه ماه تجاوز کند جزو مدت محکومیت آنان به اقامت اجباری یا ممنوعیت از اقامت در نقطه یا نقاط معین محسوب می‌شود وبه هر صورت مدت بازداشت نباید بیش از بقیه مدت توقف اجباری باشد. این قبیل بازداشتها که‌قابل تبدیل به جزای نقدی نخواهد بود آثار تبعی کیفری ندارد. رای مرجع قضایی یا تصمیم کمیسیون امنیت اجتماعی مبنی بر بازداشت متهم طبق ماده ۴، قابل‌اعتراض و رسیدگی پژوهشی در دادگاه استان است حکم دادگاه استان در این مورد قطعی خواهد بود.در صورتی که رای مرجع قضایی یا تصمیم کمیسیون امنیت اجتماعی مورد تایید دادگاه استان قرارنگیرد متهم فورا آزاد می‌شود و بقیه مدت محکومیت درباره او اجرا خواهد شد در این صورت مدتی که متهم بازداشت بوده جزو محکومیت او به اقامت اجباری یا ممنوعیت از اقامت در نقطه یا نقاط

معین احتساب می‌شود. تبصره ۲ ـ (الحاقی ۱۳/۱۰/۴۹) ـ طرز اجرای حکم و نحوه اعزام این نوع محکومین و مراقبت آنان‌در محل اجرا و تامین هزینه‌های مربوط به موجب آیین‌نامه‌ای که به تصویب وزارتین دادگستری وکشور خواهد رسید تعیین می‌شود. ماده ۴ ـ تصمیمات کمیسیون باید فورا به محکوم علیه ابلاغ شود و محکوم علیه حق دارد در ظرف‌ده روز از تاریخ ابلاغ از تصمیم کمیسیون امنیت اجتماعی به دادگاه استانی که عمل در حوزه آن واقع‌شده شکایت نماید. دادگاه استان فورا خارج از نوبت با حضور متهم به شکایت مزبور رسیدگی کرده رای مقتضی صادرخواهد نمود. طرز رسیدگی دادگاه استان در این مورد مطابق مقررات عمومی خواهد بود. رای دادگاه استان قطعی و لازم‌الاجراست تبصره ـ (الحاقی ۱۳/۱۰/۴۹) ـ در صورتی که به علت صدور دستور اجرای موقت و اعزام متهم به‌نقاط مورد حکم حضور او در دادگاه متعسر باشد دادگاه استان به وسایل مقتضی به مشارالیه اخطارمی‌کند که ظرف مدت ده روز از تاریخ رؤیت اخطاریه نسبت به تعیین و معرفی وکیل یا ارسال لایحه‌دفاعیه خود اقدام نماید و هرگاه پس از مدت سی روز از تاریخ رویت اخطاریه پاسخ متهم نسبت به‌معرفی وکیل یا لایحه دفاعیه او به دادگاه واصل نشد دادگاه با توجه به محتویات پرونده رای مقتضی‌صادر خواهد کرد. ماده ۵ ـ محکومین به حکم قطعی لازم‌الاجرا پس از انقضای ربع مدت محکومیت می‌توانند تقاضای بخشودگی نمایند. در این صورت پرونده امر به دادگاه استان که مرجع رسیدگی پژوهشی‌است ارجاع می‌شود رای دادگاه استان قطعی است ماده ۶ ـ وزارتین دادگستری و کشور مامور اجرای این قانون می‌باشند.

۲۳– قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی

مصوب آبانماه ۱۳۷۷ ماده ۱ ـ هر کس به موجب حکم دادگاه در امر جزایی به پرداخت جزای نقدی محکوم گردد و آن را نپردازد و یا مالی غیر از مستثنیات دین از او به دست نیاید به دستور قاضی صادرکننده حکم به ازای هر پنجاه هزار ریال یا کسر آن یک روز بازداشت می گردد. در صورتی که محکومیت مذکور توام با مجازات حبس باشد، بازداشت بدل از جزای نقدی از تاریخ اتمام مجازات حبس شروع می‌شود و از حداکثر مدت حبس مقرر در قانون برای آن جرم بیشتر نخواهد شد و در هر حال حداکثر مدت بدل از جزای نقدی نباید از پنج سال تجاوز نماید. تبصره ـ مبلغ مذکور در این ماده به تناسب تورم هر سه سال یک بار به پیشنهاد وزیر دادگستری وتصویب رییس قوه قضاییه تعدیل و در خصوص احکامی که در آن سال صادر می گردد لازم‌الاجراخواهد بود. ماده ۲ ـ هر کس محکوم به پرداخت مالی به دیگری شود، چه به صورت استرداد عین یا قیمت یامثل آن و یا ضرر و زیان ناشی از جرم یا دیه و آن را تادیه ننماید دادگاه او را الزام به تادیه نموده و چنانچه مالی از او در دسترس باشد آن را ضبط و به میزان محکومیت از مال ضبط شده استیفا می‌نماید و در غیر این صورت بنا به تقاضای محکوم‌له ممتنع را در صورتی که معسر نباشد تا زمان تادیه حبس خواهد کرد. تبصره ـ چنانچه موضوع این ماده صرفا دین بوده و در ذمه مدیون باشد دادگاه در حکم خود مستثنیات دین را منظور خواهد داشت و در مورد استرداد عین در صورتی مقررات فوق اعمال می‌شود که عین موجود نباشد به جز در بدل حیلوله که برابر مقررات مربوطه عمل خواهد شد. ماده ۳ ـ هرگاه محکوم علیه مدعی اعسار شود (ضمن اجرای حبس به ادعای وی خارج از نوبت‌رسیدگی و در صورت اثبات اعسار از حبس آزاد خواهد شد و چنانچه متمکن از پرداخت به نحو اقساط شناخته شود دادگاه متناسب با وضعیت مالی وی حکم بر تقسیط محکوم به را صادر خواهدکرد. تبصره ـ در صورتی که محکوم‌علیه موضوع این ماده بیمار باشد به نحوی که حبس موجب شدت‌بیماری و یا تاخیر درمان وی شود، اجرای حبس تا رفع بیماری به تاخیر خواهد افتاد. ماده ۴ ـ هرکس به قصد فرار از ادای دین و تعهدات مالی موضوع اسناد لازم‌الاجرا و کلیه‌محکومیتهای مالی مال خود را به دیگری انتقال دهد به نحوی که باقی‌مانده اموالش برای پرداخت بدهی او کافی نباشد عمل او جرم تلقی و مرتکب به چهارماه تا دو سال حبس تعزیری محکوم خواهد شد و در صورتی که انتقال گیرنده نیز با علم به موضوع اقدام کرده باشد شریک جرم محسوب می گردد و در این صورت اگر مال در ملکیت انتقال گیرنده باشد عین آن و در غیر این‌صورت قیمت یا مثل آن از

اموال انتقال گیرنده بابت تادیه دین استیفا خواهد شد. ماده ۵ ـ مفاد این قانون در خصوص محکومین سازمان تعزیرات حکومتی نیز مجری خواهد بود. ماده ۶ ـ آیین‌نامه اجرایی این قانون ظرف مدت سه‌ماه توسط وزارت دادگستری تهیه و به تصویب‌رییس قوه قضاییه خواهد رسید. ماده ۷ ـ این قانون از تاریخ تصویب لازم الاجرا بوده و حکم مندرج در ماده (۱) شامل کلیه آرای‌صادره قبل از لازم‌الاجرا شدن این قانون نیز می‌گردد و کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن از جمله قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی مصوب ۱۳۵۱ و قانون منع توقیف اشخاص در قبال تخلف از انجام تعهدات و الزامات مالی مصوب ۱۳۵۲ لغو می‌گردد.

۲۴– آئین نامه اجرایی قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی

۱– بخش اول جزای نقدی

ماده ۱ ـ چنانچه محکوم‌علیه پس از لازم الاجرا شدن حکم جزای نقدی را نپردازد و اظهار نماید مالی برای پرداخت آن ندارد و برای مرجع مجری حکم هم خلاف این اظهار مسلم نباشد، طبق‌دستور مرجع صادرکننده حکم در ازای هر پنجاه هزار ریال یا کسر آن یک روز بازداشت می‌شود. تبصره ـ منظور از مرجع صادرکننده حکم در این آیین‌نامه در هر حال مرجع بدوی است که حکم زیر نظر او اجرا می‌شود. ماده ۲ ـ هرگاه محکوم‌علیه برای پرداخت جزای نقدی مهلت بخواهد، مرجع اجراکننده حکم می‌تواند مهلت مناسبی که بیش از یک ماه نباشد به او بدهد. مرجع صادرکننده حکم می‌تواند به درخواست محکوم‌علیه و پیشنهاد مرجع مجری حکم با در نظرگرفتن شرایط و وضعیت محکوم‌علیه و میزان جزای نقدی و سایر اوضاع و احوال موثر، این مهلت را حداکثر تا دو ماه دیگر تمدید کند. ماده ۳ ـ چنانچه محکوم‌علیه جزای نقدی مقرر در حکم را نپردازد اما مالی (منقول یا غیرمنقول غیر از مستثنیات دین از او به‌دست آید که بتوان تمام یا قسمتی از جزای نقدی را استیفا نمود به دستور مرجع مجری حکم به ترتیب ذیل عمل می‌شود: الف اگر مال مورد نظر وجه نقد باشد معادل جزای نقدی از آن ضبط و به حساب مربوط واریز می‌شود. ب در مورد اموال منقول یا غیرمنقول چنانچه بدون معارض باشد معادل جزای نقدی مقرر در حکم و هزینه‌های اجرایی فورا توقیف و مطابق مقررات این آیین‌نامه به‌فروش می‌رسد و جزای نقدی و هزینه‌های مربوط استیفا می‌شود. ماده ۴ ـ پس از توقیف مال برای استیفای جزای نقدی نظریه دو نفر کارشناس به تعیین مرجع مجری حکم در مورد ارزش آن مال تحصیل می‌شود سپس روز و ساعت محل انجام مزایده تعیین و با الصاق آگهی در معابر اصلی محل انجام مزایده به اطلاع عموم می‌رسد و به بالاترین قیمت پیشنهادی که نباید کمتر از قیمت کارشناسی باشد فروخته می‌شود. تبصره ـ اگر ارزش کارشناسی مال از سی میلیون ریال بیشتر باشد آگهی مزایده یک نوبت در روزنامه محلی و در صورت نبودن آن در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار نیز درج می‌شود. ماده ۵ ـ هرگاه مال مورد نظر خریدار نداشته یا مبلغ پیشنهادی کمتر از قیمت کارشناس باشد، حسب مورد تمام یا قسمتی از آن مال مطابق ارزیابی کارشناس به‌دستور مرجع رسیدگی کننده حکم در ازای‌جزای نقدی به تملک دولت در می‌آید و در اختیار سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی قرار می‌گیرد تا براساس مقررات مربوطه عمل نمایند. ماده ۶ ـ اموال ضایع شدنی و سریع الفساد، همچنین مالی که نگهداری آن مستلزم هزینه نامتناسب یا موجب خراب یا کسر فاحش قیمت آن است و نیز مالی که ارزش آن کمتر از سی میلیون ریال است بدون انجام مزایده و با نظر کارشناس به‌فروش می‌رسد. ماده ۷ ـ چنانچه مالی از محکوم‌علیه معرفی شود یا مرجع مجری حکم با قراین قویه احتمال دهدمحکوم‌علیه مالی غیر از مستثنیات دین دارد که می‌توان با فروش آن جزای نقدی را استیفا نمود تحقیقات لازم در این خصوص به عمل می‌آید. ماده ۸ ـ اگر محکوم‌علیه در ازای جزای نقدی بازداشت شود و در جریان اجرای حکم مالی از او به‌دست آید که بتوان باقی مانده جزای نقدی را استیفا نمود مال مذکور توقیف و اقدامات اجرایی دراین خصوص معمول و از محکوم‌علیه رفع بازداشت می‌شود. ماده ۹ ـ هرگاه اموال محکوم‌علیه متناسب با میزان محکومیت او به جزای

نقدی نباشد و نتوان از این طریق جزای نقدی را استیفا نمود و تفاوت ارزش آن اموال با میزان محکومیت فاحش باشد محکوم‌علیه در ازای جزای نقدی بازداشت می‌شود و اقدامات اجرایی برای فروش و استیفای قسمتی از جزای نقدی ادامه خواهد یافت ماده ۱۰ ـ هرگاه قبل از فروش مال توقیف شده جزای نقدی مقرر در حکم و هزینه‌های اجرایی‌پرداخت شود از مال مذکور رفع توقیف به عمل می‌آید. ماده ۱۱ ـ در کلیه مواردی که برای پرداخت جزای نقدی مهلت داده می‌شود یا استیفای جزای نقدی‌از اموال محکوم‌علیه مستلزم اقداماتی است که اجرای حکم را به تاخیر می‌اندازد، چنانچه قبلا از محکوم‌علیه تامین گرفته نشده باشد، مرجع اجرای حکم متناسب با میزان محکومیت او و مطابق‌مقررات آیین دادرسی کیفری قرار تامین صادر می‌کند و هرگاه این تامین منتهی به بازداشت محکوم‌علیه شود از میزان محکومیت او کسر خواهد شد. ماده ۱۲ ـ حقوق و مزایا و عواید احتمالی و آتی محکوم‌علیه و مطالبات او از شخص ثالث در ازای‌جزای نقدی قابل توقیف نیست و مانع بازداشت او نمی‌باشد. ماده ۱۳ ـ در کلیه مواردی که صدور سند انتقال به نام خریدار ضرورت داشته باشد مرجع اجراکننده حکم پس از بررسی و احراز صحت جریان فروش و اقدامات اجرایی دستور تنظیم سند انتقال راصادر خواهد نمود. ماده ۱۴ ـ از وجوه حاصل از فروش اموال توقیف شده جهت استیفای جزای نقدی بدوا هزینه‌های ضروری اجرای حکم از قبیل هزینه کارشناسی و نگهداری مال و نظایر آن پرداخت می‌شود. ماده ۱۵ ـ فروش اموال توقیف شده جهت استیفای جزای نقدی با حضور نماینده مرجع مجری به‌عمل می‌آید. ماده ۱۶ ـ در مواردی که طبق این آیین‌نامه مقررات خاصی وضع نشده مطابق قانون اجرای احکام مدنی عمل می‌شود.

۲– بخش دوم سایر محکومیتهای مالی

ماده ۱۷ ـ الزام به تادیه محکومیتهای مالی موضوع ماده ۲ قانون مستلزم صدور اجراییه مطابق‌قانون اجرای احکام مدنی است به جز محکومیتهایی که به تبع امر کیفری بدون تقدیم دادخواست‌حاصل شده که در این صورت دستور مرجع صادرکننده حکم به منزله الزام به تادیه است ماده ۱۸ ـ هرگاه محکوم علیه محکوم به را تادیه ننماید به طریق ذیل عمل می‌شود: الف چنانچه موضوع محکومیت استرداد عین مال باشد آن مال عینا اخذ و به ذی نفع تحویل می‌شود و اگر رد آن ممکن نباشد بدل آن (مثل یا قیمت از اموال محکوم علیه بدون رعایت مستثنیات دین استیفا می‌گردد. ب در مورد سایر محکومیتهای مالی با رعایت مستثنیات دین مطابق مقررات قانون اجرای احکام‌مدنی مال وی جهت استیفای محکوم به توقیف و به فروش می‌رسد. ج چنانچه استیفای محکوم‌به به نحو مذکور ممکن نباشد محکوم‌علیه به درخواست ذی نفع و به‌دستور مرجع صادر کننده حکم تا تادیه محکوم به یا اثبات اعسار حبس می‌شود. ماده ۱۹ ـ به دعوی اعسار محکوم‌علیه مطابق مقررات اعسار در مرجع بدوی رسیدگی می‌شود. تبصره ـ چنانچه در رسیدگی به دعوی اعسار ثابت شود محکوم‌علیه قادر نیست محکوم‌به را یکجا بپردازد ولی متمکن از پرداخت به نحو اقساط می‌باشد، مرجع رسیدگی متناسب با وضعیت مالی او حکم به‌تقسیط محکوم‌به صادر می‌کند. ماده ۲۰ ـ در مواردی که محکوم‌علیه به علت محکومیتهای مالی متعدد حبس شده است دعوی‌اعسار باید علی حده مطرح شود مگر در مورد محکومیتهایی که محکوم‌له آنها یکی است که در این‌صورت حکم اعسار شامل همه آن محکومیتها می‌شود. ماده ۲۱ ـ در مواردی که حکم به تقسیط محکوم‌به صادر می‌شود چنانچه محکوم‌علیه در زمان مقرر قسط را نپردازد به درخواست ذی نفع تا پرداخت قسط معوقه و یا اثبات اعسار او از پرداخت‌باقی‌مانده محکوم به حبس می‌شود. ماده ۲۲ ـ صدور حکم اعسار یا تقسیط مانع استیفای حقوق محکوم‌له از اموالی که بعدا از محکوم‌علیه به‌دست می‌آید نخواهد بود. ماده ۲۳ ـ مرجع تشخیص بیماری موضوع تبصره ماده ۳ قانون پزشکی قانونی و در صورت نبودن آن پزشک معتمد است ماده ۲۴ ـ این آیین‌نامه در ۲۴ ماده و ۳ تبصره در اجرای ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیتهای‌مالی مصوب ۱۰/۸/۷۷ مجلس شورای اسلامی توسط وزارت دادگستری تهیه و در تاریخ‌۲۶/۲/۷۸ به‌تصویب رییس قوه قضاییه رسید.

۲۵- تصویب‌نامه درخصوص تأمین خسارت‌های بدنی برای پرونده‌های واصل شده از صندوق دیه بیت‌المال در سال جاری

وزارت امور اقتصادی و دارایی ـ وزارت دادگستری هیئت وزیران در جلسه مورخ ۷/۱۱/۱۳۸۶ به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود: ۱ـ صندوق تأمین خسارتهای بدنی مجاز است برای پرونده‌های واصل شده از صندوق دیه بیت‌المال در سال جاری، معادل سقف دوهزار نفر دیه کامل بر مبنای ارزش ریالی ارزانترین نوع دیه در سال جاری، از محل درآمد بندهای « ب» و « پ» ماده (۱) آیین‌نامه منابع درآمد صندوق تأمین خسارتهای بدنی موضوع ماده (۱۱) قانون بیمه اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث با معرفی وزارت دادگستری برای پرداخت دیه قربانیان سوانح رانندگی پرداخت نماید. ۲ـ نحوه اقدام به موجب موافقتنامه منعقدشده بین وزارت دادگستری و بیمه مرکزی ایران حداکثر ظرف ده روز پس از ابلاغ این تصویب‌نامه تعیین خواهد شد. معاون اول رئیس جمهور ـ پرویز داودی

۲۶- قانون تمدید مهلت اجراء آزمایشی قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) – مصوب ۱۳۸۸

جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران عطف به نامه شماره ۱۵۴۴۶۳/۳۸۷۹۶ مورخ ۲۴/۹/۱۳۸۶ در اجراء اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون تمدید مهلت اجراء آزمایشی قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) که با عنوان لایحه دو فوریتی به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده‌بود، با تصویب در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ ۲۷/۹/۱۳۸۶ و تأیید شورای محترم نگهبان، به پیوست ابلاغ می‌گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل شماره ۱۶۰۵۱۴ ۹/۱۰/۱۳۸۶ وزارت دادگستری قانون تمدید مهلت اجراء آزمایشی قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) که در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ بیست و هفتم آذرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۸/۹/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۱۵۳۷۱۰/۷۷۴ مورخ ۱/۱۰/۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده‌است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می‌گردد. رئیس جمهور ـ محمود احمدی‌نژاد قانون تمدید مهلت اجراء آزمایشی قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) ماده واحده ـ از تاریخ تصویب این قانون مهلت اجراء آزمایشی قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) ـ مصوب ۱۳۸۴ـ برای مدت یک سال تمدید می‌گردد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ بیست و هفتم آذرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۸/۹/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل

۲۷- متن کامل لایحه پیشنهادی قانون ایین دادرسی کیفری

ماده ۱-۱۱۱: قانون مجازات اسلامی مجموعه مقررات کیفری حاکم برجرایم و مجازات‌های شرعی است که بر جرایم خاص مقرر شده (حدود، قصاص، دیات) همچنین مجازات‌های تعزیری و بازدارنده و اقدامات تأمینی و تربیتی است که درقانون بر عموم جرایم مقرر گردیده است. ماده ۲-۱۱۱: جرم عبارت است از فعل یا ترک فعلی که قانون آن را ممنوع کرده و برای آن مجازات در نظر گرفته باشد و از طرف شخص مسئول ارتکاب یابد. شرایط و موانع مسئولیت را قانون مشخص می‌کند. ماده ۳-۱۱۱: تقصیر مبنای مسئولیت کیفری است که از فاعل مختار سر می‌زند و این مسئولیت شخصی است و مسئولیت جزایی به خاطر عمل دیگری در صورتی ثابت است که شخص مسئول اعمال دیگری باشد یا نوعی تقصیرو سهل انگاری در رابطه با عمل ارتکابی از او سر زده باشد. مبحث دوم: قلمرو اجرای قانون مجازات در مکان ماده۱-۱۱۲: قوانین جزایی درباره تمامی کسانی که درقلمرو حاکمیت

زمینی، دریایی وهوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند، اعمال می گردد؛ مگرآن‌که به موجب قانون ترتیب دیگری مقررشده باشد. ماده۲-۱۱۲: هرگاه قسمتی ازجرم درایران واقع ونتیجه آن درخارج ازقلمرو حاکمیت ایران حاصل شود یا قسمتی از جرم درخارج ونتیجه آن درایران حاصل گردد، درحکم جرم واقع شده در ایران است. ماده۳-۱۱۲: هرایرانی یا بیگانه‌ای که درخارج ازقلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی ازجرایم زیر ویا جرایمی که در قوانین خاص مقررشده است، گردد، صرف‌نظر از قوانین کشور محل ارتکاب جرم، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه ومجازات می‌شود و هرگاه رسیدگی به این جرایم درخارج ازایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منجرشده باشد، دادگاه ایران درتعیین مجازات‌های تعزیری و بازدارنده میزان محکومیت اجرا شده را به‌این طریق احتساب می کند:

۲- مواد مخدر و قاچاق

قانون مبارزه با موادمخدر

مصوب ۳/۸/۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاحیه های بعدی ماده ۱ ـ اعمال زیر جرم است و مرتکب به مجازاتهای مقرر در این قانون محکوم می شود: ۱ ـ کشت خشخاش مطلقا و کشت شاهدانه به منظور تولید موادمخدر. ۲ ـ وارد کردن ، صادر کردن و تولید انواع موادمخدر. ۳ ـ نگهداری ، حمل ، خرید، توزیع ، و فروش موادمخدر. ۴ ـ دایر کردن یا اداره کردن مکان برای استعمال موادمخدر. ۵ ـ استعمال موادمخدر به هر شکل و طرق دیگر مگر در مواردی که قانون مستثنی کرده باشد. ۶ ـ تولید آلات و ادوات و ابزار مربوط به ساخت و استعمال موادمخدر. ۷ ـ فرار دادن یا پناه دادن متهمان ، مجرمان موادمخدر که تحت تعقیب اند و یا دستگیرشده اند. ۸ ـ محو و یا اخفا ادله جرم مجرمان . ماده ۲ ـ هر کس مبادرت به کشت خشخاش کند و یا برای تولید موادمخدر به کشت شاهدانه بپردازد. علاوه بر امحای کشت ، در هر بار برحسب میزان کشت به شرح زیرمجازات خواهد شد: ۱ ـ بار اول ، یک تا ده میلیون ریال جریمه نقدی . ۲ ـ بار دوم ، پنج تا پنجاه میلیون ریال جریمه نقدی و یک تا هفتاد ضربه شلاق . ۳ ـ بار سوم ، ده تا صد میلیون ریال جریمه نقدی و یک تا هفتاد ضربه شلاق و دو تا پنج سال حبس . ۴ ـ بار چهارم ، اعدام . تبصره ـ هر گاه ثابت شود کشت خشخاش یا شاهدانه به دستور مالک یا مالکان و یامستاجر ملک و یا قائم مقام قانونی آنها صورت گرفته است ، شخص دستور دهنده که سبب بوده است به شرط آن که اقوی از مباشر باشد، به مجازاتهای مقرر در این ماده محکوم می شودو مباشر که متصدی کشت بوده است ، به یک تا سه میلیون ریال جریمه نقدی و پانزده تا چهل ضربه شلاق محکوم خواهد شد. ماده ۳ ـ هر کس بذر یا گرز خشخاش یا سر شاخه های گلدار ویا به میوه نشسته شاهدانه را نگهداری و یا مخفی و یا حمل کند به صد هزار تا سه میلیون ریال جریمه نقدی و یک تا هفتاد ضربه شلاق محکوم خواهد شد، در مورد سرشاخه های گلدار و یا به میوه نشسته شاهدانه قصد تولید مواد مخدر از آنها باید احراز شود. ماده ۴ ـ هر کس بنگ ، چرس ، گراس ، تریاک ، شیره ، و سوخته تریاک را وارد کشور یاصادر کند یا تولید یا توزیع و یا خرید و فروش کند یا در معرض فروش قرار دهد با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد مذکور به مجازاتهای زیر محکوم می شود: ۱ ـ تا پنجاه گرم ، تا پانصد هزار ریال جریمه نقدی و تا پنجاه ضربه شلاق . ۲ـ بیش از پنجاه گرم تا پانصد گرم ، از چهار میلیون تا ده میلیون ریال جریمه نقدی وبیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و یک تا پنج سال حبس ۳ ـ بیش از پانصد گرم تا پنج کیلوگرم ، از پنجاه میلیون تا دویست میلیون ریال جریمه نقدی و پنجاه تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و سه تا پانزده سال حبس . ۴ـ بیش از پنج کیلوگرم ، اعدام و مصادره اموال به استثنا هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم . ۵ ـ هرگاه محرز شود مرتکبین جرایم موضوع بند ۴ این ماده بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آنها هم نشده است . دادگاه وی را به حبس ابد و هفتاد و چهارضربه شلاق و مصادره اموال به استثنا هزینه تأمین

زندگی متعارف برای خانواده آنها محکوم می نماید. ماده ۵ ـ هر کس تریاك و دیگر مواد مذکور در ماده ۴ را خرید، نگهداری ، مخفی یا حمل کند با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد و مجازاتهای زیر محکوم می شود: ۱ ـ تا پنجاه گرم ، تا دویست هزار ریال جریمه نقدی و تا سی ضربه شلاق . ۲ ـ بیش از پنجاه گرم تا پانصد گرم ، سه تا هفت میلیون ریال جریمه نقدی و ده تا شصت ضربه شلاق و شش ماه تا سه سال زندان . ۳ ـ بیش از پانصد گرم تا پنج کیلوگرم ، هفت میلیون تا سی میلیون ریال جریمه نقدی وچهل تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و دو تا ده سال حبس . ۴ ـ بیش از پنج کیلوگرم سی تا پنجاه میلیون ریال جریمه نقدی و ده تا بیست و پنج سال حبس و در صورت تکرار اعدام و مصادره اموال به استثنا هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم . ماده ۶ ـ مجازات مرتکب به جرایم مذکور در بندهای ۱، ۲ و ۳ مواد ۴ و ۵ برای بار دوم یك برابر و نیم مجازات مذکور در هر بند و برای بار سوم به دو برابر میزان مقرر در هر بند ودر مرتبه های بعد به ترتیب دو و نیم و سه و سه ونیم برابر مجازات مذکور در هر بند خواهدبود. مجازات شلاق برای بار دوم به بعد، حداکثر هفتاد و چهار ضربه است . در موارد مذکور در فوق چنانچه در نتیجه تکرار جرم مجموع مواد مخدر به بیش از پنج کیلوگرم برسد مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می شود.حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی محکوم و در ملا عام اجرا می گردد. ماده ۷ ـ در صورتی که مرتکب جرایم مذکور در مواد ۴ و۵ از کارکنان دولت یا شرکتهای دولتی و موسسات و سازمانها و شرکتهای وابسته به دولت باشد و مطابق قوانین استخدامی مشمول انفصال از خدمات دولتی نگردد علاوه بر مجازاتهای مذکور در مواد قبل برای باراول به شش ماه انفصال و برای بار دوم به یک سال انفصال و برای بار سوم به انفصال دایم ازخدمات دولتی محکوم می شود. ماده ۸ ـ هر کس هروئین ، مرفین ، کوکائین ، متادون و دیگر مشتقات شیمیائی مرفین وکوکائین و نیز عصاره شیمیایی حشیش و روغن حشیش را وارد کشور کند یا تولید یا توزیع یاصادر کند یا خرید و یا فروش کند و یا در معرض فروش قرار دهد و یا نگهداری ، مخفی و یاحمل کند با توجه به میزان مواد به شرح زیر مجازات خواهد شد: ۱ـ تا پنج سانتی گرم ، از دویست تا پانصد هزار ریال جریمه نقدی و بیست تا پنجاه ضربه شلاق . ۲ ـ بیش از پنج سانتی گرم تا یک گرم ، از یك میلیون تا سه میلیون ریال جریمه نقدی و سه تا هفتاد ضربه شلاق . ۳ ـ بیش از یک گرم تا چهار گرم ، از چهار میلیون تا ده میلیون ریال جریمه نقدی و دو تاپنج سال حبس و سی تا هفتاد ضربه شلاق . ۴ ـ بیش از چهار گرم تا پانزده گرم ، از ده تا بیست میلیون ریال جریمه نقدی و سه تا هشت سال حبس و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق . ۵ ـ بیش از پانزده گرم تا سی گرم ، از بیست میلیون تا سی میلیون ریال جریمه نقدی و ده تا پانزده سال حبس و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق . ۶ ـ بیش از سی گرم ، اعدام و مصادره اموال به استثنا هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم . تبصره ۱ ـ هر گاه محرز شود مرتکب جرم موضوع بند (۶) این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آن هم نشده است . دادگاه وی را به حبس ابدو هفتاد و چهار ضربه شلاق و مصادره اموال به استثنا هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده اش محکوم می نماید. تبصره ۲ ـ در کلیه موارد فوق چنانچه متهم از کارکنان دولت یا شرکتهای دولتی وشرکتها و یا موسسات وابسته به دولت باشد، علاوه بر مجازاتهای مذکور در این ماده به انفصال دایم از خدمات دولتی نیز محکوم خواهد شد. ماده ۹ ـ مجازات مرتکب به جرایم مذکور در بندهای ۱ تا ۵ ماده ۸ برای بار دوم یک برابرو نیم مجازات مذکور در هر بند و برای بار سوم دو برابر میزان مقرر در هر بند خواهد بود.مجازات شلاق برای بار دوم به بعد، حداکثر هفتاد و چهار ضربه می باشد. در مرتبه چهارم چنانچه مجموع مواد مخدر در اثر تکرار به سی گرم برسد مرتکب درحکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می شود. حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی محکوم و در ملاـ عام اجرا خواهد یافت . چنانچه مجموع موادمخدر در مرتبه چهار در اثر تکرار به سی گرم نرسد مرتکب به بیست تا سی میلیون ریال جریمه نقدی ده تا پانزده سال حبس و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می شود. ماده ۱۰ ـ معتادان به مواد مخدر مذکور درماده ۸ که تا یک گرم از آنها را حمل یا نگهداری کنند به مجازاتهای مواد ۸ و ۹ محکوم نخواهند شد. ماده ۱۱ ـ مجازات اقدام به قاچاق مواد

مخدر موضوع این قانون به طور مسلحانه اعدام است و حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی مرتکب در ملا عام اجرا خواهدیافت . ماده ۱۲ ـ هر کس مواد مخدر را به داخل زندان یا بازداشتگاه یا اردوگاه بازپروری ونگهداری معتادان وارد نماید، حسب مورد به اشد مجازاتهای مذکور در مواد ۴ تا ۹ محکوم می گردد و در صورتی که مرتکب از ماموران دولت باشد به انفصال دایم از مشاغل دولتی نیزمحکوم می شود. هر گاه در اثر سهل انگاری و مسامحه ماموران مواد مخدر به داخل این مراکز وارد شود مأموران خاطی به تناسب ، به مجازات : الف : تنزل درجه ب : انفصال موقت . ج : انفصال دایم محکوم می شوند. ماده ۱۳ ـ هر گاه کسی واحد صنعتی ، تجاری ، خدماتی و یا محل مسکونی خود را برای انبار کردن ، تولید و یا توزیع مواد مخدر معد سازد و یا مورد استفاده قرار دهد و یا بدین منظور آنها را در اختیار دیگری بگذارد و نیز هر گاه نماینده مالك با اطلاع یا اجازه وی مرتکب این امور شود. موافقت اصولی و پروانه بهره برداری واحد صنعتی یا جواز کسب واحد تجاری و خدماتی مربوط لغو و واحد یا واحدهای مذکور در این ماده به نفع دولت ضبط می گردد. ماده ۱۴ ـ هر کس به منظور استعمال مواد مخدر مکانی را دایر و یا اداره کند به پانصدهزار تا یك میلیون ریال جریمه نقدی و یك تا چهار سال حبس و انفصال دایم از خدمات دولتی محکوم می شود. مجازات تکرار این جرم ، دو تا چهار برابر مجازات اول خواهد بود. تبصره ـ در صورتی که مکان مذکور در این ماده واحد تولیدی یا تجاری و یا خدماتی باشد علاوه بر مجازات مقرر در این ماده ، موافقت اصولی و پروانه بهره برداری واحدتولیدی و نیز پروانه کسب واحد تجاری و خدماتی مربوط به مدت یك سال از اعتبار می افتدو در صورت تکرار جرم ، واحد مذکور به نفع دولت ضبط می شود. ماده ۱۵ ـ از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون : الف ـ کلیه معتادان به مواد مخدر مذکور در ماده ۸ موظفند ظرف شش ماه اقدام به ترك اعتیاد نمایند و ستاد موظف است از همین تاریخ مطابق برنامه و با رعایت اولویتها معتادان مذکور را به مراکز ترك اعتیاد معرفی کند. ب ـ کلیه معتادان به مواد مذکور در ماده ۴ که سن آنها کمتر از شصت سال باشد موظفندظرف مدت شش ماه اقدام به ترك اعتیاد نمایند. چنانچه پس از انقضای مهلت مقرر ترك اعتیاد نکرده باشند دادسرا آنها را به مراکز بازپروری اعزام می کند و این افراد تا ترك کامل اعتیاد در مرکز باقی خواهند ماند. انجام این امر و برنامه ریزی مربوط بر عهده ستاد است . ماده ۱۶ ـ پس از انقضای مهلت ماده فوق معتادان به مواد مخدر در ماده ۸ به مجازاتهای زیر محکوم خواهند شد: ۱ ـ بار اول به پانصد هزار تا یك میلیون ریال جریمه نقدی و چهار تا دوازده ماه حبس . ۲ـ بار دوم به یك میلیون تا چهار میلیون ریال جریمه نقدی و یك تا سه سال حبس و درصورتی که مرتکب از کارکنان دولت باشد علاوه بر جریمه نقدی و حبس ، انفصال دایم ازخدمات دولتی . ۳ ـ بار سوم به بعد، دو تا چهار برابر مجازات بند ۲ و پنجاه ضربه شلاق ماده ۱۷ ـ مجازات معتاد به مواد مخدر مذکور در ماده ۴ موضوع بند ب ماده ۱۵ که پس ازبازپروری در مراکز مربوط مجددا معتاد گردد به شرح زیر است : ۱ ـ بار اول پانصد هزار تا یك میلیون ریال جریمه نقدی و چهار تا دوازده ماه حبس . ۲ ـ بار دوم ، یك میلیون تا چهار میلیون ریال جریمه نقدی و یك تا سه سال حبس وانفصال دایم از خدمات دولتی . ۳ ـ بار سوم به بعد، دو تا چهار برابر مجازات مقرر در بند ۲ و پنجاه ضربه شلاق . ماده ۱۸ ـ هرگاه محرزشود که شخصی با انگیزه و به قصد معتاد کردن دیگری باعث اعتیاد وی به مواد مذکور در ماده ۸ شده است برای بار اول به پنج تا ده سال حبس و برای باردوم به ده تا بیست سال حبس و در صورت تکرار به اعدام محکوم خواهد شد. تبصره ۱ ـ در صورتی که مرتکب از کارکنان دولت یا موسسات و یا شرکتهای دولتی یاوابسته به دولت باشد در همان بار اول علاوه بر مجازات حبس به انفصال دایم از خدمات دولتی نیز محکوم می شود. تبصره ۲ ـ در صورتی که مرتکب عضو خانواده خود یا دانش آموز یا دانشجو یا افراد نیروهای نظامی و انتظامی را معتاد کند بار اول به ده تا بیست سال حبس و انفصال دایم از خدمات دولتی و بار دوم به اعدام محکوم خواهد شد. ماده ۱۹ ـ افراد غیر معتادی که مواد مخدر مذکور در ماده ۴ را استعمال نمایند به تناسب به ده تا هفتاد و چهار ضربه شلاق یا پنج هزار ریال تا سی و هفت هزار ریال جریمه و افراد غیرمعتادی که مواد مذکور در ماده ۸ را استعمال کنند به بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق یا ده هزار ریال تا سی وهفت هزارریال جریمه محکوم

می شوند. ماده ۲۰ ـ هر کس آلات و ادوات مخصوص تولید یا استعمال مواد مخدر را تولید کند به پرداخت پنج برابر قیمت آلات و ادوات مزبور و یا پنج تا بیست ضربه شلاق محکوم می شود. ماده ۲۱ ـ هر کس متهم موضوع این قانون را که تحت تعقیب است پناه یا فرار دهد و یا درپناه دادن یا فرار دادن او همکاری کند به یک پنجم تا یک دوم مجازات جرمی که متهم به آن رافرار یا پناه داده است محکوم می شود. مگر آنکه در انجام این اعمال سو نیتی نداشته باشد. درمورد حبس ابد و اعدام مرتکب به ترتیب به چهار تا ده سال حبس و ده تا پانزده سال حبس محکوم می شود. تبصره ـ در صورتی که مرتکب از مأموران انتظامی و یا مأموران زندان و یا از مأموران قضایی باشد، علاوه بر مجازات مذکور، از خدمات دولتی نیز منفصل می شود. ماده ۲۲ ـ هر کس متهم موضوع این قانون را در حین دستگیری و یا پس از دستگیری ونیز محکوم موضوع این قانون را پناه یا فرار دهد و یا در فرار آنها همکاری کند به نصف مجازات متهم یا مجرم اصلی محکوم خواهد شد. در مورد حبس ابد و اعدام مرتکب به ترتیب به ده سال و بیست سال حبس محکوم می شود. تبصره ۱ ـ در صورتی که مرتکب از مأموران انتظامی و امنیتی و یا مأموران زندان و یا از ماموران قضایی باشد به مجازات متهم یا مجرم اصلی و نیز انفصال از خدمات دولتی محکوم می شود به استثنای مورد اعدام که مجازات مأمور، بیست و پنج سال حبس و انفصال دایم ازخدمات دولتی خواهد بود. تبصره ۲ ـ اگر مرتکب جرایم مذکور این قانون که هنوز تحت تعقیب قرار نگرفته است فراریا پناه داده شود پناه یا فرار دهنده به یک دهم تا یک پنجم مجازات مرتکب اصلی محکوم می شود. در مورد حبس ابد و اعدام مرتکب به ترتیب به دو تا چهار سال و چهار تا هشت سال حبس محکوم می شود. ماده ۲۳ ـ هر کس با قصد، به محو یا اخفا ادله جرم مواد مخدر اقدام کند به یک پنجم تانصف مجازات متهم اصلی محکوم می شود. در مورد حبس ابد مرتکب به چهار تا ده سال ودر مورد اعدام به هشت تا بیست سال حبس محکوم می شود. ماده ۲۴ ـ هر یک از اعضای شورای اسلامی روستا موظف است به محض آگاهی ازکشت خشخاش یا کوکا یا شاهدانه در حوزه روستا مراتب را کتبا به دهدار و نزدیکترین پاسگاه ژاندارمری یا کمیته انقلاب اسلامی اطلاع دهد. روسای پاسگاه یا کمیته موظفند فورا و همزمان با گزارش موضوع به فرمانده بالاتر در بخش یا شهرستان و استان به اتفاق دهدار یا بخشدار و نماینده شورای اسلامی روستا در محل کشت حاضر شوند و آن را امحا و صورتجلسه امر را تهیه کنند و همراه متهم یا متهمین به مراجع ذیصلاح قضایی بفرستند. تبصره ـ در صورتی که خشخاش یا شاهدانه در حوزه های شهری کشت شده باشدمأموران شهرداری و شهربانی ، کمیته و اعضا بسیج موظفند به محض آگاهی مراتب را به نزدیکترین پاسگاه انتظامی و یا کمیته انقلاب اسلامی یا پایگاه بسیج منطقه اطلاع دهند ومسوولان مربوط به اتفاق نماینده دادستان باید وفق مقررات این ماده اقدام نمایند. ماده ۲۵ ـ اشخاص مذکور در ماده ۲۴ و تبصره آن در صورتی که بدون عذر موجه ازانجام وظیفه خودداری یا کوتاهی کنند بار اول به شش ماه تا یک سال محرومیت از مشاغل دولتی و بار دوم به انفصال دایم از خدمات دولتی محکوم می شوند. اعضای شورای اسلامی نیز بار اول به شش ماه تا یک سال و بار دوم برای همیشه از عضویت شوراهای اسلامی محروم می شوند. ماده ۲۶ ـ هر کس به قصد متهم کردن دیگری ، مواد مخدر و یا آلات و ادوات استعمال آن را در محلی قرار دهد به حداکثر مجازات همان جرم محکوم خواهد شد. ماده ۲۷ ـ هر گاه شخصی ، دیگری را به منظور تعقیب در مراجع ذیصلاح ، تعمدا و به خلاف واقع متهم به یکی از جرایم موضوع این قانون نماید به بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم خواهد شد. ماده ۲۸ ـ کلیه اموالی که از راه قاچاق به دست آمده باشد به نفع دولت ضبط می شود. تفسیر ماده ۲۸ قانون مبارزه با موادمخدر مصوب ۳/۸/۶۷مجمع تشخیص مصلحت نظام موضوع (تفسیر ماده ۲۸ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۳/۸/۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام) در جلسه مورخ ۲۱/۹/۱۳۶۸ مجمع مورد بررسی قرارگرفت و ماده واحده ذیل به تصویب رسید: ماده واحده :اموال موضوع ماده ۲۸ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۳/۸/۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام جزو درآمدهای ستاد مبارزه با مواد مخدراست و مشمول اصل ۵۳ قانون اساسی در خصوص اموال دولتی نمی باشد. ماده ۲۹ ـ (اصلاحی ۱۰/۵/۶۸) جریمه ها و دیگر وجوه حاصل از اجرای این قانون به حساب متمرکزی که در وزارت امور اقتصادی

و دارائی افتتاح می شود واریز می گردد. این وجوه با تصویب ستاد مذکور در ماده ۳۳ و تأیید رییس جمهور هزینه می شود. ماده ۳۰ ـ (اصلاحی ۱۰/۵/۶۸) وسایط نقلیه حامل مواد مخدر به نفع دولت ضبط می شوند و با تصویب ستاد مذکور در ماده ۳۳ و تأیید رئیس جمهور مورد استفاده قرارمی گیرند به استثنا موردی که این امر بدون اطلاع واجازه مالك انجام یافته است . در صورتی که راننده با اطلاع و اجازه یا بدون اطلاع و اجازه مالك اجازه جاسازی و یاحمل مواد مخدر را بدهد به تناسب به یک دهم تا یک دوم مجازات مرتکب اصلی و در موردحبس ابد و اعدام به ترتیب به دو تا ده سال و چهار تا بیست سال حبس محکوم می شود و علاوه بر آن گواهینامه رانندگی او به مدت یک تا ده سال ضبط می شود و در صورتی که راننده مذکور هنگام حمل مواد فاقد گواهینامه معتبر باشد علاوه بر مجازات بالا به دو برابر مجازات رانندگی بدون گواهینامه نیز محکوم خواهد شد. رانندگان در صورت تکرار این جرم برای همیشه از داشتن گواهینامه محروم می شوند. ماده ۳۱ ـ محکومانی که قادر به پرداخت همه یا بخشی از جریمه نقدی مورد حکم نباشند، باید به ازای هر هزار تومان ده روز در زندانهای نیمه باز یا باز و یا مراکز اشتغال وحرفه آموزی اقامت نمایند. در صورتی که طرز کار و رفتار محکومان در مدت اقامت مذکور شایسته باشد بنا به تقاضا و تشخیص مسئولان اداره مراکز، این مدت تا سه روز در ازای هر هزار تومان قابل تقلیل است . ماده ۳۲ ـ احکام اعدامی که به موجب این قانون صادر می شود پس از تأیید رییس دیوانعالی کشور و یا دادستان کل کشور قطعی و لازم الاجرا است . در سایر موارد چنانچه حکم به نظر رییس دیوانعالی کشور و یا دادستان کل کشور در مظان آن باشد که بر خلاف شرع یا قانون است و یا آنکه قاضی صادر کننده حکم صالح نیست ، رییس دیوان عالی کشور ویا دادستان کل کشور حق تجدید نظر و نقض حکم را دارند لکن وجود این حق مانع قطعیت ولازم الاجرا بودن حکم نیست . ماده ۳۲ ـ مکرر (الحاقی ۱۰/۵/۶۸) آن دسته از دادیاران و دادستانها و سرپرستان دادسراهایی که رئیس قوه قضائیه آنها را اصلح بداند می توانند در خصوص اتهامات موضوع مواد ۱۶و ۱۷ رسیدگی و بر اساس مواد مذکور حکم صادر نمایند. ماده ۳۳ ـ (اصلاحی ۱۰/۵/۶۸) به منظور مبارزه با قاچاق مواد مخدر از هر قبیل ، و مبارزه با تولید و خرید و فروش و استعمال آنها و نیز موارد دیگری که در این قانون ذکر شده است ،ستادی به ریاست رییس جمهور تشکیل و کلیه عملیات اجرایی و قضایی در این ستادمتمرکز می شود. اعضای ستاد به شرح زیرند: ۱ـ رییس جمهور که رئیس ستاد خواهد بود و می تواند برای اداره جلسات ستاد مبارزه بامواد مخدر یکی از معاونان خود را به نمایندگی تعیین نماید. ۲ ـ دادستان کل کشور ۳ ـ وزیر کشور ۴ ـ وزیر اطلاعات ۵ ـ وزیر بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی ۶ ـ مدیرعامل صدا و سیما ۷ ـ فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (اصلاحی ۲/۷/۷۱) ۸ ـ دادستان انقلاب اسلامی تهران (۲/۷/۷۲) ۹ ـ سرپرست سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی ۱۰ـ وزیر آموزش و پرورش . تبصره ـ به موجب ماده واحده قانونی اصلاحی ، ماده ۲۲ قانون مبارزه با مواد مخدرمصوب ۲/۷/۶۷ حذف شده است . ماده ۳۴ ـ ستاد موظف است آیین نامه های اجرایی ، مالی ، استخدامی و تشکیلات و شرح وظایف ستاد واحدهای خود را حداکثر ظرف دو ماه از تاریخ ابلاغ به تصویب ستاد برساند وشروع به اجرای قانون نماید. ماده ۳۵ ـ (اصلاحی ۲۲/۹/۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام) با لازم الاجرا شدن این قانون اجرای کلیه قوانین مغایر متوقف می شود و امر مبارزه با مواد مخدر منحصرا با ستادخواهد بود.

قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن

مصوب ۱۷/۸/۱۳۷۶مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاحیه های بعدی ماده ۱ ـ اعمال زیر جرم است و مرتکب به مجازاتهای مقرر در این قانون محکوم می شود: ۱ ـ کشت خشخاش و کوکا مطلقا و کشت شاهدانه به منظور تولید موادمخدر. ۲ ـ وارد کردن ، ارسال ، صادر کردن و تولید و ساخت انواع موادمخدر. ۳ ـ نگهداری ، حمل ، خرید، توزیع ، اخفا، ترانزیت ، عرضه و فروش موادمخدر. ۴ ـ دایر کردن یا اداره کردن مکان برای استعمال موادمخدر. ۵ ـ استعمال موادمخدر به هر شکل و طریق مگر در

مواردی که قانون مستثنی کرده باشد. ۶ ـ تولید، ساخت ، خرید، فروش ، نگهداری آلات و ادوات و ابزار مربوط به ساخت و استعمال موادمخدر. ۷ ـ فرار دادن یا پناه دادن متهمین ، محکومین موادمخدر که تحت تعقیب اند و یا دستگیرشده اند. ۸ ـ امحا یا اخفا ادله جرم مجرمان . ۹ ـ قرار دادن مواد مخدر یا آلات و ادوات استعمال در محلی به قصد متهم کردن دیگری . تبصره ـ منظور از مواد مخدر در این قانون ، کلیه موادی است که در تصویب نامه راجع به فهرست مواد مخدر مصوب ۱۳۳۸ و اصلاحات بعدی آن احصا یا توسط وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی به عنوان مخدر شناخته و اعلام می گردد. ماده ۲ ـ هر کس مبادرت به کشت خشخاش یا کوکا کند و یا برای تولید موادمخدر به کشت شاهدانه بپردازد علاوه بر امحای کشت ، برحسب میزان کشت به شرح زیر مجازات خواهد شد: ۱ ـ بار اول ، ده تا صد میلیون ریال جریمه نقدی . ۲ ـ بار دوم ، پنجاه تا پانصد میلیون ریال جریمه نقدی و سی تا هفتاد ضربه شلاق . ۳ ـ بار سوم ، صد میلیون تا یک میلیارد ریال جریمه نقدی و یک تا هفتاد ضربه شلاق و دوتا پنج سال حبس . ۴ ـ بار چهارم ، اعدام . تبصره ـ هر گاه ثابت شود کشت خشخاش یا کوکا یا شاهدانه به دستور مالک و یا مستاجر ملک و یا قائم مقام قانونی آنها صورت گرفته است ، شخص دستور دهنده که سبب بوده است به شرط آن که اقوی از مباشر باشد، به مجازاتهای مقرر در این ماده محکوم می شودو مباشر که متصدی کشت بوده است ، به ۱۰ تا ۳۰ میلیون ریال جریمه نقدی و پانزده تا چهل ضربه شلاق محکوم خواهد شد. ماده ۳ ـ هر کس بذر یا گرز خشخاش یا بذر یا برگ کوکا و یا بذر شاهدانه را نگهداری ،مخفی و یا حمل کند به یک میلیون تا ۳۰ میلیون ریال جریمه نقدی و یک تا هفتاد ضربه شلاق محکوم خواهد شد، در مورد بذر شاهدانه قصد تولید مواد مخدر از آنها باید احراز شود. ماده ۴ ـ هر کس بنگ ، چرس ، گراس ، تریاک ، شیره ، سوخته و یا تفاله تریاک را به هرنحوی به کشور وارد یا به هر طریقی صادر و ارسال نماید یا مبادرت به تولید، ساخت ، توزیع یا فروش کند یا در معرض فروش قرار دهد با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد مذکوربه مجازاتهای زیر محکوم می شود: ۱ ـ تا پنجاه گرم ، تا چهار میلیون ریال جریمه نقدی و تا پنجاه ضربه شلاق . ۲ـ بیش از پنجاه گرم تا پانصد گرم ، از چهار میلیون تا پنجاه میلیون ریال جریمه نقدی و بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و در صورتی که دادگاه لازم بداند تا سه سال حبس . ۳ ـ بیش از پانصد گرم تا پنج کیلوگرم ، از پنجاه میلیون تا دویست میلیون ریال جریمه نقدی و پنجاه تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و سه تا پانزده سال حبس . ۴ـ بیش از پنج کیلوگرم ، اعدام و مصادره اموال به استثنا هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم . تبصره ـ هرگاه محرز شود مرتکبین جرایم موضوع بند ۴ این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آنها هم نشده و مواد، بیست کیلو یا کمتر باشد دادگاه با جمع شروط مذکور آنها را به حبس ابد و هفتاد و چهار ضربه شلاق و مصادره اموال به استثنا هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده آنها محکوم می نماید. در اوزان بالای بیست کیلوگرم مرتکبین تحت هر شرایطی اعدام می شوند. ماده ۵ ـ هر کس تریاک و دیگر مواد مذکور در ماده ۴ را خرید، نگهداری ، مخفی یا حمل کند با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد و تبصره ذیل همین ماده به مجازاتهای زیرمحکوم می شود: ۱ ـ تا پنجاه گرم ، تا سه میلیون ریال جریمه نقدی و تا پنجاه ضربه شلاق . ۲ ـ بیش از پنجاه گرم تا پانصد گرم ، پنج تا پانزده میلیون ریال جریمه نقدی و ده تا هفتاد وچهار ضربه شلاق . ۳ ـ بیش از پانصد گرم تا پنج کیلوگرم ، پانزده میلیون تا شصت میلیون ریال جریمه نقدی وچهل تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و دو تا پنج سال حبس . ۴ ـ بیش از پنج کیلوگرم تا بیست کیلوگرم ، شصت تا دویست میلیون ریال جریمه نقدی وپنجاه تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و پنج تا ده سال حبس و در صورت تکرار برای بار دوم علاوه بر مجازاتهای مذکور، به جای جریمه مصادره اموال به استثنا هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم ، و برای بار سوم اعدام و مصادره اموال به استثنا هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم . ۵ ـ بیش از بیست کیلوگرم تا یکصد کیلوگرم ، علاوه بر مجازات مقرر در بند ۴ به ازا هرکیلوگرم دو میلیون ریال به مجازات جزای نقدی مرتکب اضافه می گردد و در صورت تکراراعدام و مصادره اموال به استثنا هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم . ۶ ـ بیش از یکصد کیلوگرم ، علاوه بر مجازات جریمه نقدی و شلاق مقرر در بندهای ۴ و۵

حبس ابد و در صورت تکرار اعدام و مصادره اموال به استثنا هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم . تبصره ـ مرتکبین جرایم فوق چنانچه به صورت زنجیره ای عمل کرده باشند و مواد برای مصرف داخل باشد مشمول مجازاتهای ماده ۴ خواهند بود و چنانچه یکی از دو شرط موجود نباشد به مجازاتهای این ماده محکوم می گردند. ماده ۶ ـ مرتکبین جرایم مذکور در هر یک از بندهای ۱، ۲و۳ دو ماده ۴ و۵ در صورت تکرار جرم مذکور در همان بند یا هر یک از بندهای دیگر برای بار دوم به یک برابر و نیم ،برای بار سوم به دو برابر و در مرتبه های بعد به ترتیب دو و نیم ، سه ، سه و نیم و... برابر مجازات جرم جدید محکوم خواهند شد. مجازات شلاق برای بار دوم به بعد، حداکثر هفتاد و چهار ضربه است . چنانچه در نتیجه تکرار جرایم موضوع بندهای مذکور از ماده ۴ میزان مواد به بیش از پنج کیلوگرم برسد مرتکب به مجازات اعدام و مصادره اموال محکوم می شود و چنانچه در نتیجه تکرار جرایم مذکور از دو ماده ۴ و۵ یا بندهای مذکور در ماده ۵ مواد به بیش از پنج کیلوگرم برسد به دو برابر مجازات بند ۴ از ماده ۵ محکوم خواهد شد. ماده ۷ ـ در صورتی که مرتکب جرایم مذکور در مواد ۴ و۵ از کارکنان دولت یا شرکتهای دولتی و موسسات و سازمانها و شرکتهای وابسته به دولت باشد و مطابق قوانین استخدامی مشمول انفصال از خدمات دولتی نگردد علاوه بر مجازاتهای مذکور در مواد قبل برای باراول به شش ماه انفصال و برای بار دوم به یک سال انفصال و برای بار سوم به انفصال دایم ازخدمات دولتی محکوم می شود. ماده ۸ ـ هر کس هروئین ، مرفین ، کوکائین ، و دیگر مشتقات شیمیائی مرفین و کوکائین راوارد کشور کند، یا مبادرت به ساخت ، تولید، توزیع ، صدور، ارسال ، خرید و فروش نماید و یا در معرض فروش قرار دهد و یا نگهداری ، مخفی یا حمل کند با رعایت تناسب و با توجه به میزان مواد به شرح زیر مجازات خواهد شد: ۱ـ تا پنج سانتی گرم ،از پانصدهزار ریال تایک میلیون ریال جریمه نقدی و بیست تا پنجاه ضربه شلاق . ۲ ـ بیش از پنج سانتی گرم تا یک گرم ، از دو میلیون تا شش میلیون ریال جریمه نقدی وسی تا هفتاد ضربه شلاق . ۳ ـ بیش از یک گرم تا چهار گرم ، از هشت میلیون تا بیست میلیون ریال جریمه نقدی و دوتا پنج سال حبس و سی تا هفتاد ضربه شلاق . ۴ ـ بیش از چهار گرم تا پانزده گرم ، از بیست میلیون تا چهل میلیون ریال جریمه نقدی و پنج تا هشت سال حبس و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق . ۵ ـ بیش از پانزده گرم تا سی گرم ، از چهل میلیون تا شصت میلیون ریال جریمه نقدی و ده تا پانزده سال حبس و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق . ۶ ـ بیش از سی گرم ، اعدام و مصادره اموال به استثنا هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم . تبصره ۱ ـ هر گاه محرز شود مرتکب جرم موضوع بند (۶) این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آن هم نشده در صورتی که میزان مواد بیش از یکصد گرم نباشد با جمع شروط مذکور یا عدم احراز قصد توزیع یا فروش در داخل کشوربا توجه به کیفیت و مسیر حمل ، دادگاه به حبس ابد و مصادره اموال به استثنا هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم ، حکم خواهد داد. تبصره ۲ ـ در کلیه موارد فوق چنانچه متهم از کارکنان دولت یا شرکتهای دولتی وشرکتها و یا موسسات وابسته به دولت باشد، علاوه بر مجازاتهای مذکور در این ماده به انفصال دایم از خدمات دولتی نیز محکوم خواهد شد. ماده ۹ ـ مجازاتهای مرتکبین جرایم مذکور در بندهای ۱ تا ۵ ماده ۸ برای بار دوم یک برابر و نیم مجازات مذکور در هر بند و برای بار سوم دو برابر میزان مقرر در هر بند خواهدبود. مجازات شلاق برای بار دوم به بعد، حداکثر هفتاد و چهار ضربه می باشد. چنانچه در مرتبه چهارم مجموع مواد مخدر در اثر تکرار به سی گرم برسد مرتکب درحکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می شود. حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی محکوم و در ملا عام اجرا خواهد شد. چنانچه مجموع مواد مخدردر مرتبه چهارم در اثر تکرار به سی گرم نرسد مرتکب به چهل تا شصت میلیون ریال جریمه نقدی ده تا پانزده سال حبس و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می شود. ماده ۱۰ ـ حذف شد. ماده ۱۱ ـ مجازات اقدام به قاچاق مواد مخدر موضوع این قانون به طور مسلحانه اعدام است و حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی مرتکب در ملا عام اجرا خواهدشد. ماده ۱۲ ـ هر کس مواد مخدر را به داخل زندان یا بازداشتگاه یا اردوگاه بازپروری ونگهداری معتادان وارد نماید، حسب مورد به اشد مجازاتهای مذکور در مواد ۴ تا ۹ محکوم می

گردد و در صورتی که مرتکب از مأموران دولت باشد به انفصال دایم از مشاغل دولتی نیزمحکوم می شود. هر گاه در اثر سهل انگاری و مسامحه مأموران ، مواد مخدر به داخل این مراکز وارد شود ماموران خاطی به تناسب ، به مجازات : الف : تنزل درجه . ب : انفصال موقت . ج : انفصال دایم محکوم می شوند. ماده ۱۳ ـ هر گاه کسی واحد صنعتی ، تجاری ، خدماتی و یا محل مسکونی خود را برای انبار کردن ، تولید و یا توزیع مواد مخدر معد سازد و یا مورد استفاده قرار دهد و یا بدین منظور آنها را در اختیار دیگری بگذارد و نیز هر گاه نماینده مالک بااطلاع یا اجازه وی مرتکب این امور شود. موافقت اصولی و پروانه بهره برداری واحد صنعتی یا جواز کسب واحد تجاری و خدماتی مربوط لغو و واحد یا واحدهای مذکور در این ماده به نفع دولت ضبط می گردد. ماده ۱۴ ـ هر کس به منظور استعمال مواد مخدر مکانی را دایر و یا اداره کند به پنج میلیون تا ده میلیون ریال جریمه نقدی و بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و یک تا دو سال حبس وانفصال دایم از خدمات دولتی محکوم می شود. مجازات تکرار این جرم ، دو تا چهار برابرمجازات بار اول خواهد بود. تبصره ـ در صورتی که مکان مذکور در این ماده واحد تولیدی یا تجاری و یا خدماتی باشد علاوه بر مجازات مقرر در این ماده ، موافقت اصولی و پروانه بهره برداری واحدتولیدی و نیز پروانه کسب واحد تجاری و خدماتی مربوط به مدت یک سال از اعتبار می افتد و در صورت تکرار جرم ، واحد مذکور به نفع دولت ضبط می شود. ماده ۱۵ ـ اعتیاد جرم است . ولی به کلیه معتادان اجازه داده می شود، به مراکز مجازی که ازطرف وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی مشخص می گردد مراجعه و نسبت به درمان و بازپروری خود اقدام نمایند. تبصره ۱ ـ معتادان مذکور در طول مدت درمان و بازپروری از تعقیب کیفری جرم اعتیاد معاف می باشند. تبصره ۲ ـ هزینه های تشخیص ، درمان ، دارو و بازپروری توسط شخص معتاد بر اساس تعرفه های مصوب به واحدهای ذیربط پرداخت می شود و هزینه های مربوط به معتادان بی بضاعت هر ساله توسط دولت تأمین خواهد شد. تبصره ۳ ـ دولت مکلف است برای احیا و ایجاد اردوگاه های باز پروری معتادین به مواد مخدر اقدام لازم را به عمل آورد. ماده ۱۶ ـ معتادان به مواد مخدر مذکور در دو ماده ۴ و ۸ به یک میلیون تا پنج میلیون ریال جزای نقدی و تا سی ضربه شلاق محکوم ، در صورت تکرار برای هر مرتبه هر بار تا ۷۴ضربه شلاق محکوم خواهند شد. در صورتی که مرتکب از کارکنان دولت یا موسسات و یاارگانهای دولتی یا وابسته به دولت باشد علاوه بر مجازات جریمه نقدی و شلاق ، به انفصال دایم از خدمات دولتی محکوم می شود. ولی چنانچه ثابت شد که محکوم ترک اعتیاد کرده است مجددا می تواند مراحل استخدام را طی کرده و مشغول خدمت در دستگاههای دولتی شود. ماده ۱۷ ـ حذف شد. ماده ۱۸ ـ حذف شد. ماده ۱۹ ـ افراد غیر معتادی که مواد مخدر استعمال نمایند، بر حسب نوع مواد به شرح ذیل مجازات می شوند: ۱ـ استعمال مواد مذکور در ماده ۴ به بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و یک میلیون تاپنج میلیون ریال جزای نقدی . ۲ ـ استعمال مواد مذکور در ماده ۸ به پنجاه تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و دو تا ده میلیون ریال جزای نقدی . ماده ۲۰ ـ هر کس آلات و ادوات مخصوص تولید یا استعمال مواد مخدر را وارد کند،بسازد، خرید یا فروش کند علاوه بر ضبط آنها به یک میلیون تا پنج میلیون ریال جزای نقدی و ده تا پنجاه ضربه شلاق محکوم می شود. مرتکبین نگهداری ، اخفا یا حمل آلات و ادوات استعمال مواد مخدر، علاوه بر ضبط آنها به ازای هر عدد صد تا پانصد هزار ریال جزای نقدی یا پنج تا بیست ضربه شلاق محکوم می شوند. عتایق از شمول این ماده مستثنی می باشند. ماده ۲۱ ـ هر کس متهم موضوع این قانون را که تحت تعقیب یا در حین دستگیری است عالما و عامدا پناه یا فرار دهد و یا در پناه دادن یا فرار دادن او همکاری کند در هر مورد، به یک پنجم تا یک دوم مجازات جرمی که متهم به آن را فرار یا پناه داده است محکوم می شود. در مورد حبس ابد و اعدام مرتکب به ترتیب به چهار تا ده سال حبس و ده تا پانزده سال حبس و از سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می شود. تبصره ۱ ـ مجازات اقربای درجه یک متهم در هر حال بیش از یک دهم مجازات متهم اصلی نخواهد بود. تبصره ۲ ـ در صورتی که مرتکب از مأموران انتظامی و یا مأموران زندان و یا از ماموران قضایی باشد، علاوه بر مجازات مذکور، از خدمات دولتی نیز منفصل می شود. ماده ۲۲ ـ هر کس متهم موضوع این قانون را پس از دستگیری و نیز محکوم موضوع این قانون

را پناه یا فرار دهد و یا در فرار آنها همکاری و مشارکت نماید، به نصف مجازات متهم یا مجرم اصلی محکوم خواهد شد. در مورد حبس ابد و اعدام مرتکب به ترتیب به ده سال و بیست سال حبس و از سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می شود. تبصره ۱ ـ در صورتی که مرتکب از مأموران انتظامی و امنیتی و یا مأموران زندان و یا ازمأموران قضایی باشد به مجازات متهم یا مجرم اصلی و نیز انفصال از خدمات دولتی محکوم می شود به استثنای مورد اعدام که مجازات مأمور، بیست و پنج سال حبس و انفصال دایم ازخدمات دولتی خواهد بود. تبصره ۲ ـ در موارد مشمول دو ماده ۲۱ و ۲۲ در صورتی که متهم اصلی پس ازدستگیری تبرئه شود اجرای احکام بلافاصله نسبت به ترخیص او اقدام و همچنین چنانچه متهم اصلی به جرم خفیف تری محکوم گردد در هر صورت محکومیت فرار یا پناه دهنده وفق ماده ۳۲ این قانون قابل تجدیدنظر می باشد. ماده ۲۳ ـ هر کس عالما و عامدا به امحا یا اخفا ادله جرم مواد مخدر اقدام کند به یک پنجم تا نصف مجازات متهم اصلی محکوم می شود. در مورد حبس ابد مرتکب به چهار تا ده سال و در مورد اعدام به هشت تا بیست سال حبس محکوم می شود. ماده ۲۴ ـ هر یک از اعضای شورای اسلامی روستا موظف است به محض آگاهی ازکشت خشخاش یا کوکا یا شاهدانه در حوزه روستا مراتب را کتبا به دهدار و نزدیکترین پاسگاه یا حوزه انتظامی اطلاع دهد. فرماندهان پاسگاهها و حوزه های انتظامی موظفند فورا و همزمان با گزارش موضوع به فرمانده بالاتر خود، به اتفاق دهدار و یا بخشدار و نماینده شورای اسلامی روستا در محل کشت حاضر شوند و آن را امحا و صورتجلسه امر را تهیه کنند و همراه متهم یا متهمین به مراجع ذیصلاح قضایی تحویل نمایند. تبصره ـ در صورتی که خشخاش یا کوکا یا شاهدانه در حوزه های شهری کشت یاروئیده شده باشد مأمورین (نیروی انتظامی ، شهرداری ، نیروی مقاومت بسیج منطقه) حسب مورد موظفند به محض آگاهی مراتب را به نزدیکترین پاسگاه انتظامی و یا پایگاه نیروی مقاومت بسیج منطقه اطلاع دهند و مسوولان مربوطه به اتفاق نماینده مرجع قضایی ذیصلاح وفق مقررات این ماده اقدام نمایند. ماده ۲۵ ـ اشخاص مذکور در ماده ۲۴ و تبصره آن در صورتی که بدون عذر موجه ازانجام وظیفه خودداری یا کوتاهی کنند بار اول به شش ماه تا یک سال محرومیت از مشاغل دولتی و بار دوم به انفصال دایم از خدمات دولتی محکوم می شوند. اعضای شورای اسلامی نیز بار اول به شش ماه تا یک سال و بار دوم برای همیشه از عضویت شوراهای اسلامی محروم می شوند. ماده ۲۶ ـ هر کس به قصد متهم کردن دیگری ، مواد مخدر و یا آلات و ادوات استعمال آن را در محلی قرار دهد به حداکثر مجازات همان جرم محکوم خواهد شد. ماده ۲۷ ـ هر گاه شخصی ، دیگری را به منظور تعقیب در مراجع ذیصلاح ، تعمدا و به خلاف واقع متهم به یکی از جرایم موضوع این قانون نماید به بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم خواهد شد. ماده ۲۸ ـ کلیه اموالی که از راه قاچاق موادمخدر تحصیل شده و نیز اموال متهمان فراری موضوع این قانون در صورت وجود ادله کافی برای مصادره ، به نفع دولت ضبط و مشمول اصل ۵۳ قانون اساسی در خصوص اموال دولتی نمی باشد. تبصره ـ وسایل نقلیه ای که در درگیری مسلحانه از قاچاقچیان مواد مخدر به دست می آید دادگاه آن را به نفع سازمان عمل کننده ضبط می کند. ماده ۲۹ ـ (اصلاحی ۲۶/۸/۱۳۸۰ روزنامه رسمی شماره ۱۶۶۸۹ مورخ ۲۹/۳/۱۳۸۱)دستگاههای ذیربط مکلفند جریمه ها و دیگر وجوه حاصل از اجرای این قانون را به حساب درآمد عمومی واریز نمایند، به منظور تأمین اهداف طرح ملی مبارزه با مواد مخدر، دولت اعتبار مورد نیاز برای اجرای برنامه های مصوب ستاد مبارزه با مواد مخدر را تحت همین عنوان ، سالانه در لایحه بودجه کل کشور منظور می نماید. تبصره ـ (الحاقی ۲۶/۸/۱۳۸۰) اعتبارات مصوب هر یک از دستگاههای موضوع این ماده ، پس از تنظیم به شرح طرحها و فعالیتهای اجرایی و تصویب ستاد، توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور اختصاص و مبادله موافقتنامه صورت خواهد پذیرفت . ماده ۳۰ ـ وسائط نقلیه ای که حامل مواد مخدر شناخته می شوند به نفع دولت ضبط و باتصویب ستاد مبارزه با مواد مخدر در اختیار سازمان کاشف قرار می گیرد. چنانچه حمل موادمخدر بدون اذن و اطلاع مالک وسیله نقلیه صورت گرفته باشد وسیله نقلیه به مالك آن مسترد می شود. تبصره ـ کلیه افرادی که به هر نحو اقدام به ساخت یا تعبیه جاسازی جهت حمل موادمخدر در وسائل نقلیه می نمایند، در صورت وقوع جرم به عنوان معاون در جرم ارتکابی و درغیر آن از

سه ماه تا شش ماه حبس و حسب مورد از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال جریمه نقدی محکوم می شوند. ماده ۳۱ ـ محکومانی که قادر به پرداخت تمام یا بخشی از جریمه نقدی مورد حکم نباشند باید به ازای روزی ده هزار ریال در زندانهای نیمه باز و باز و یا مراکز اشتغال و حرفه آموزی اقامت نمایند، در صورتی که طرز کار و رفتار محکومان در مدت اقامت مذکور شایسته باشد بنا به تقاضا و تشخیص مسئولان اداره مراکز و موافقت اجرای احکام ، مبلغ فوق به ازای روزی بیست تا پنجاه هزار ریال محاسبه می شود. تبصره ۱ ـ تقسیط جزای نقدی مورد حکم پس از اجرای مدت حبس توسط اجرای احکام ، منوط است به اخذ وثیقه ای معادل آن و تضمین معتبر از طرف شخص ثالث که مدت آن بیش از سه سال نباشد. تبصره ۲ ـ طول مدت حبس بدل از جزای نقدی به هر حال بیشتر از ده سال نخواهد بود. ماده ۳۲ ـ احکام اعدامی که به موجب این قانون صادر می شود پس از تأیید رییس دیوانعالی کشور و یا دادستان کل کشور قطعی و لازم الاجراست . در سایر موارد چنانچه حکم به نظر رییس دیوانعالی کشور و یا دادستان کل کشور در مظان آن باشد که بر خلاف شرع یا قانون است و یا آن که قاضی صادر کننده حکم صالح نیست ، رییس دیوان عالی کشورو یا دادستان کل کشور حق تجدید نظر و نقض حکم را دارند لکن وجود این حق مانع قطعیت و لازم الاجرا بودن حکم نیست . ماده ۳۳ ـ به منظور پیشگیری از اعتیاد و مبارزه با قاچاق مواد مخدر از هر قبیل ، اعم ازتولید، توزیع ،خرید، فروش و استعمال آنها و نیز موارد دیگری که در این قانون ذکر شده است ، ستادی به ریاست رئیس جمهور تشکیل و کلیه عملیات اجرایی و قضایی و برنامه های پیشگیری و آموزش عمومی و تبلیغ علیه مواد مخدر در این ستاد متمرکز خواهد بود،اعضای ستاد به شرح زیر می باشند: ۱ـ رییس جمهور ۲ـ دادستان کل کشور ۳ـ وزیر کشور ۴ـ وزیر اطلاعات ۵ـ وزیر بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی ۶ ـ وزیر آموزش و پرورش ۷ ـ رییس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران ۸ ـ فرمانده نیروی انتظامی ۹ ـ سرپرست دادگاه انقلاب اسلامی تهران ۱۰ ـ سرپرست سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی ۱۱ـ فرمانده نیروی مقاومت بسیج ۱۲ـ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تبصره ۱ ـ رییس جمهور می تواند برای اداره جلسات ستاد مبارزه با مواد مخدر یک نفر نماینده از جانب خود تعیین نماید. تبصره ۲ ـ برای پیشگیری از ارتکاب جرایم مواد مخدر، دولت موظف است هر سال بودجه ای برای این امر اختصاص و به دستگاههای ذیربط موضوع همین ماده ابلاغ نماید. ماده ۳۴ ـ به ستاد مبارزه با مواد مخدر اجازه داده می شود که بر اساس ضرورت به تهیه وتدوین آیین نامه های اجرایی مورد نیاز اقدام نماید. ماده ۳۵ ـ حذف شد. ماده ۳۶ ـ در کلیه مواردی که در این قانون ، مرتکبین ، علاوه بر مجازاتهای مقرره به مصادره کلیه اموال به استثنای هزینه تأمین متعارف برای خانواده محکوم می شوند، دادگاه مکلف است مشخصات دقیق اموال مصادره شده را به انضمام ریز اموالی که حسب نظرکارشناس یا خبره جز مستثنیات محسوب شده دقیقا در حکم یا در حکم اصلاحی قیدنماید. تخلف از مقررات مذکور موجب تعقیب انتظامی و محکومیت از درجه ۴ به بالامی باشد. تبصره ـ محاکم موظفند، رونوشت کلیه احکام صادر شده را پس از قطعیت به ستاد مبارزه با مواد مخدر ارسال دارند. ماده ۳۷ ـ طول مدت بازداشت موقت به هر حال بیش از ۴ ماه نخواهد بود، چنانچه درمدت مذکور پرونده اتهامی منتهی به صدور حکم نشده باشد مرجع صادر کننده قرار، مکلف به فک و تخفیف قرار تأمین فوق می باشد مگر آنکه جهات قانونی یا علل موجهی برای ابقا قرار بازداشت وجود داشته باشد که در این صورت با ذکر علل و جهات مزبور قرار ابقامی شود. ماده ۳۸ ـ دادگاه می تواند در صورت وجود جهات مخففه مجازاتهای تعزیری مقرره دراین قانون را تا نصف حداقل مجازات آن جرم تخفیف دهد در صورتی که مجازاتی فاقدحداقل باشد همان مجازات تا نصف تخفیف می یابد. میزان تخفیف در احکام حبس ابد ۱۵سال خواهد بود و در مورد مجازات اعدام تقاضای عفو و تخفیف مجازات به کمیسیون عفوارسال خواهد شد. تبصره ـ کلیه محکومینی که پس از صدور حکم به نحوی با نیروی انتظامی یا سازمان عمل کننده همکاری نمایند و اقدام آنها منجر به کشف شبکه ها گردد دادگاه صادر کننده رأی می تواند با تقاضای نیروی انتظامی و یا سازمان عمل کننده بر اساس اسناد مربوطه ، مجازات وی را ضمن اصلاح حکم سابق الصدور تا نصف تخفیف دهد. ماده ۳۹ (الحاقی) ـ در تشدید مجازات بر اثر تکرار جرم در کلیه موارد مصرح در این قانون

محکومیت ها یا سوابق بعد ازاجرای قانون مبارزه با موادمخدر سال ۱۳۶۷مناط اعتبار است . ماده ۴۰ (الحاقی) ـ هر کس عالما عامدا به قصد تبدیل یا تولید مواد مخدر، مبادرت به ساخت ، خرید، فروش ، نگهداری ، حمل ، ورود، صدور و عرضه مواد صنعتی و شیمیائی ازقبیل انیدریداستیک ، اسید انتراتیلیک ، اسید فنیل استیک ، کلرور استیل و سایر مواد مندرج درجداول یک و دو ضمیمه به ماده ۱۲ کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان گردان مصوب ۱۹۸۸ میلادی و اصلاحات و الحاقات بعدی آن بنماید، همچنین نسبت به ورود، خرید، فروش ، ساخت ، مصرف و نگهداری یا صدور کدئین و متادون اقدام نماید بارعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد حسب مورد به مجازاتهای مقرر در ماده ۵ قانون مبارزه با مواد مخدر محکوم خواهد شد. ماده ۴۱ ـ ساخت ، تولید، خرید، فروش ، ارسال ، نگهداری ، ورود، صدور، مصرف وحمل مواد ممنوع حسب مورد برای مصارف پزشکی ، تحقیقاتی و صنعتی با مجوز وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی از شمول این قانون مستثنی است . ماده ۴۲ ـ به قوه قضاییه اجازه داده می شود که بخشی از محکومان مواد مخدر را به جای زندان در اردوگاههای خاص (با شرایط سخت و عادی) نگهداری نماید. دولت موظف است اعتبارات و تسهیلات و مقررات لازم را برای تهیه و اداره این اردوگاه ها در ظرف مدت یک سال تأمین کند. تبصره ۱ ـ اداره این اردوگاهها به عهده قوه قضاییه است . تبصره ۲ ـ دادگاهها می توانند به جای کیفر حبس کیفر توقف در اردوگاهها را برای محکومین معین نمایند. قانون فوق مشتمل بر ۴۲ ماده و ۲۵ تبصره در اجرای بند هشتم اصل یکصد و دهم قانون اساسی در جلسات متعدد مجمع مطرح و در تاریخ ۱۷/۸/۱۳۷۶ به تصویب نهایی مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است .

لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی به منظور مداوا و اشتغال

مصوب ۱۹/۳/۱۳۵۹ ماده ۱ ـ مواد مخدر که فهرست کامل آن به موجب تصویب نامه مورخ دوم مرداد ماه ۱۳۳۸ به تفکیک تعیین شده است دو دسته تقسیم می شود: ۱ ـ مواد افیونی که شامل تریاک و سوخته تریاک و شیره و سایر ترکیباتی می شود که دارای مواد مذکور می باشد. ۲ ـ سایر ادویه مخدر (اعم از مشتقات تریاک) مانند مرفین و هروئین و کوکائین و موادمخدر صنعتی و شیمیایی که در فهرست مواد مخدر سازمان ملل تعیین شده و سازمان بهداشت جهانی مراقبت در مصرف آن را ضروری می شناسد. تبصره ـ حشیش و ترکیبات دیگر از قبیل بنگ و بنگاب و چرس و مشابه آنها از نظر مقررات این قانون در ردیف مواد افیونی محسوب می شود. ماده ۲ ـ هرکس مبادرت به کشت خشخاش نماید علاوه بر امحای کشت برای بار اول به مجازات حبس جنائی درجه یک از سه تا پانزده سال و در صورت تکرار به مجازات اعدام محکوم خواهد شد. تبصره ـ هرگاه ثابت شود که کشت خشخاش به دستور مالک یا مستاجر و یا قائم مقام قانونی آنها به عمل آمده باشد در این صورت اشخاص مذکور به حداکثر مجازات مقرر درماده فوق و زارع به حبس جنائی درجه دو از دو الی پنج سال محکوم خواهد شد. ماده ۳ ـ در هر محلی که کشت خشخاش به عمل آید کدخدا مکلف است فورا مراتب رابه نزدیکترین پاسگاه ژاندارمری اطلاع دهد، رییس پاسگاه ژاندارمری محل یا جانشین او موظف است بلافاصله پس از اعلام کدخدا به محل عزیمت و با حضور کدخدا و روحانی و دو نفر معتمد محل و شخصی که متهم به کشت خشخاش می باشد کشت را محو نموده و صورت مجلسی که متضمن مراتب فوق باشد تنظیم و پس از انجام تحقیقات مقدماتی پرونده امر را همراه متهم و یا متهمان قضیه به نزدیکترین دادگاه صلح و یا دادسرا یا مراجع صالحه دیگر ارسال دارد. عدم حضور متهم موجب تاخیر یا مانع اجرای این امر نخواهد بود. ماده ۴ ـ در هر محل که خشخاش کشت شود اعم از آن که قبل و یا بعد و یا در موقع برداشت محصول کشف گردد کدخدای محل در صورتی که با وجود علم به کشت خشخاش مراتب را به پاسگاه ژاندارمری اطلاع نداده باشد و رییس پاسگاه ژاندارمری در صورتی که پس از اعلام کدخدا نسبت به امحای کشت خشخاش و تشکیل پرونده مقدماتی و ارسال آن به مراجع قضایی اقدام ننموده باشد هر یک به دو الی پنج سال حبس جنایی

درجه دو محکوم خواهند شد. به علاوه رییس پاسگاه به انفصال ابد از خدمت دولتی محکوم می گردد. تبصره ـ کدخدایان و بخشداران و رؤسای پاسگاههای ژاندارمری مکلفند مستمرابرای کشف کشت خشخاش مراقبتهای لازمه را معمول دارند. در صورت مسامحه و کشف مزرعه خشخاش در حوزه خدمت آنان ، کدخدا برای همیشه از سمت کدخدایی محروم وبخشدار و رییس پاسگاه ژاندارمری نیز از سمت خود برکنار و به علت مسامحه در انجام وظیفه در دادگاه اداری و یا انتظامی تحت تعقیب واقع و به مجازات های مقرر محکوم خواهند شد. ماده ۵ ـ هرکس بذر و یا گرز خشخاش را نگاهداری یا مخفی یا حمل کند به حبس تادیبی از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. ماده ۶ ـ هرکس تریاک و سایر مواد افیونی مندرج در شق یکم از ماده اول این قانون را وارد کرده یا بسازد و یا بفروشد و یا در معرض فروش بگذارد و یا بیش از یک کیلوگرم ازمواد مذکور نگهداری و یا مخفی و یا حمل کند در صورتی که ثابت شود عالما و عامدامرتکب شده به مجازات اعدام محکوم خواهد شد. هرگاه مقدار مواد افیونی مکشوفه از یك کیلوگرم کمتر و از پنجاه گرم بیشتر باشد مجازات مرتکب حبس جنایی درجه یك از دو الی ده سال خواهد بود و اگر مقادیر مکشوفه کمتر از پنجاه گرم باشد مرتکب به حبس جنحه ای ازیك تا سه سال محکوم می گردد، ولی دادگاه می تواند به جای مجازات حبس ، حکم به جزای نقدی متناسب با میزان مجازات مقرر یا تنبیه بدنی (هر کدام در ترك فعل متهم مؤثر باشد)بدهد. ماده ۷ ـ هرکس سایر مواد مخدر مندرج در شق دوم از ماده اول این قانون اعم از مرفین و هروئین و کوکائین و مواد مخدر صنعتی و شیمیایی و انیدرید استیك و کلرور استیل واردکرده و یا بسازد و یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد و یا بیش از پنج گرم از مواد مذکوررا به طور غیرمجاز نگاهداری و یا مخفی و یا حمل کند در صورتی که ثابت شود عالما و عامدا مرتکب شده به مجازات اعدام محکوم خواهد شد. هرگاه میزان مواد مکشوفه از پنج گرم کمتر و از یك گرم بیشتر باشد مجازات مرتکب حبس جنایی درجه یك از سه تا پانزده سال خواهد بود. اگر مقدار مواد مکشوفه کمتر از یك گرم باشد مرتکب به حبس جنایی درجه دو از دو تاپنج سال محکوم خواهد شد، ولی دادگاه می تواند به جای مجازات حبس ، حکم به جزای نقدی متناسب با میزان مجازات مقرر یا تنبیه بدنی (هر کدام در ترك فعل متهم مؤثر باشد)بدهد. تبصره ۱ ـ مصارف پزشکی و صنعتی مواد مذکور در این ماده از شمول این قانون مستثنی است . تبصره ۲ ـ در هر مورد اگر ثابت شود که حامل مواد مندرج در مواد ۶ و ۷ این قانون صاحب آن نبوده و متصدی حمل از طرف دیگری است در صورت احراز علم وی به مخدربودن محموله معاون جرم محسوب و مباشر جرم صاحب مال می باشد که به مجازات مجرم اصلی محکوم خواهد شد. ماده ۸ ـ هرکس مواد مخدر مذکور در این قانون را بدون مجوز طبی استعمال نماید و یامعتاد ولگرد بوده ، توسط ماموران دستگیر شود، و یا به وسیله خویشاوندان و همسایگان معرفی شده باشد و ابتلای به استعمال مواد مخدر مورد تأیید پزشکی قانونی قرار گیرد، تحت تعقیب واقع و به شش ماه تا سه سال حبس جنحه ای و در صورتی که هروئین و مرفین و امثال آن (مواد مخدر مندرج دربند دوم ماده اول) استعمال نموده باشد به یك تا سه سال حبس جنحه ای محکوم خواهد شد، ولی دادگاه می تواند به جای مجازات حبس حکم به جزای نقدی متناسب با میزان مقرر یا تنبیه بدنی (هر کدام در ترك فعل متهم مؤثر باشد) بدهد. تبصره ـ مجازات اشخاص فوق را با توجه به این که در مدت حبس برای رفع اعتیادکامل تحت مداوا قرار خواهند گرفت نمی توان از حداقل مجازات مندرج در ماده فوق تقلیل داد. ماده ۹ ـ هرکس یکی از مواد مخدر را بدون لزوم و مجوز طبی به دیگری تزریق کند به حبس جنایی درجه دو از سه تا پنج سال محکوم خواهد شد. ماده ۱۰ ـ ساختن و وارد کردن و نگهداری و اختفا و خرید و فروش آلات و ادوات مربوط به استعمال مواد افیونی به کلی ممنوع است . متخلف به دو الی سه سال حبس جنحه ای محکوم می گردد. ضمنا آلات و ادوات مذکور پس از کشف به وسیله مأمورین انتظامی معدوم خواهد شد. ماده ۱۱ ـ هرکس محلی را برای استعمال مواد مخدر دایر کند یا به نحوی از انحا سهیم در منافع محل باشد و یا با مرتکب اصلی شرکت نماید برای بار اول به حبس جنایی درجه یك از سه تا پانزده سال و در صورت تکرار به اعدام محکوم خواهد شد. هرکس به نحوی از انحا معاونت در جرم مذکور نماید به دو سال تا ده سال حبس جنایی درجه دوم محکوم خواهد

شد. مجازات کسانی که در محل مذکور قبول خدمت نمایند شش ماه تا سه سال حبس جنحه ای می باشد. ماده ۱۲ ـ محل استعمال مواد مخدر پس از کشف بلافاصله به دستور دادستان شهرستان یا امین صلح بسته خواهد شد. چنانچه محل مذکور یک قسمت از خانه مسکونی باشد که اشخاص دیگر در آن سکونت داشته باشند فقط قسمتی که محل استعمال مواد مخدر بوده بسته خواهد شد در صورتی که دایرکننده ، مالک محل استعمال باشد ملک مذکور به نفع دولت ضبط و مصادره خواهد شد و چنانچه محل مذکور اجاره ای باشد اجاره منفسخ و باحضور نماینده دادستان ، ملک تحویل موجر خواهد شد و در صورتی که موجر با علم و اطلاع محل مذکور را بعدا برای استعمال مواد مخدر اجاره دهد و یا واگذار نماید به مجازات معاون جرم محکوم خواهد شد. تبصره ـ در مورد محل فروش مواد مخدر پروانه کسب مزبور بلافاصله توقیف و درصورت محکومیت متهم اموال و سرقفلی آن به نفع دولت مصادره خواهد شد. ماده ۱۳ ـ هرکس اماکن عمومی از قبیل مهمانخانه و قهوه خانه و امثال آن را برای استعمال مواد افیونی در معرض استفاده قرار دهد به حبس جنایی درجه یک از سه تا ۱۵ سال و در صورت تکرار به مجازات اعدام محکوم خواهد شد. ماده ۱۴ ـ کلیه اموال منقول و غیرمنقول اشخاصی که به علت ارتکاب جرایم مندرج درمواد ۲ و ۶ و ۷ و ۱۱ و ۱۳ این قانون تحت تعقیب قرار گیرند به دستور دادستان ضبط و پس ازصدور حکم قطعی به نفع دولت مصادره خواهد شد و وسائط نقلیه حامل مواد مخدر نیز پس از صدور حکم قطعی در اختیار سازمان کاشف جرم به منظور استفاده در امر مبارزه با قاچاق مواد مخدر قرار خواهد گرفت . تبصره ۱ ـ در صورتی که اشخاص فوق الذکر عایله تحت تکفل داشته باشند دادگاه صادرکننده حکم پس از وضع قسمتی از اموال محکوم اعم از محل سکنی و غیره به منظورتأمین مسکن و معیشت متعارف عایله تحت تکفل وی حکم به مصادره بقیه اموال به نفع دولت خواهد نمود. تبصره ۲ ـ اشخاصی که معتاد به استعمال مواد مخدر بوده و بیش از پنجاه گرم تریاک ومواد افیونی دیگر و یا یک گرم هروئین و مشابه آن از آنان کشف نشده باشد همچنین متهمان به ارتکاب جرایم مندرج در ماده ۱۵ از مصادره اموال مصون خواهند بود. ماده ۱۵ ـ هرکس به قصد متهم کردن غیر و یا رهایی خود از مجازات شخصا یا به هروسیله مواد مخدر مذکور در این قانون را در محلی قرار دهد که موجب شود دیگری تحت تعقیب واقع شود و در جریان تحقیقات و رسیدگی بی گناهی وی احراز شود توطئه کننده به حداکثر مجازات جرم موضوع توطئه محکوم خواهد شد و همچنین اگر یکی از جرایم مندرج در این قانون را برخلاف واقع و یا سونیت به دیگری نسبت دهد مفتری به سه ماه تاسه سال حبس جنحه ای محکوم خواهد شد. ماده ۱۶ ـ کسانی که مأمور تعقیب جرایم مذکور در این قانون می باشند با علم به اینکه جرایم مندرج در این قانون از طرف اشخاص ارتکاب یافته است از انجام وظیفه ای که برای تعقیب و کشف دارند خودداری نمایند به مجازاتی که برای مرتکبین معین شده محکوم خواهند شد. ماده ۱۷ ـ برای کلیه کسانی که به اتهام ارتکاب جرایم مذکور در مواد دو، شش ، هفت ،هشت ، نه و یازده ، سیزده و پانزده و شانزده این قانون تحت تعقیب قرار می گیرند چنانچه دلایل و قرائن موجود دلالت کافی به توجه اتهام به آنان نماید قرار بازداشت صادر خواهدشد و در صورت ادامه بازداشت متهم تا تاریخ شروع دادرسی با صدور حکم برائت ازدادگاه جزائی آزاد خواهد شد و رسیدگی به جرایم مندرج در این قانون خارج از نوبت به عمل می آید. ماده ۱۸ ـ کلیه کسانی که به اتهام استعمال و اعتیاد به مواد مخدر و همچنین اختفا ونگهداری و حمل مواد مذکور تحت تعقیب قرار گرفته و بازداشت گردیده اند مشروط به اینکه میزان مواد مکشوفه بیش از پنجاه گرم مواد افیونی و یک گرم هروئین و مواد مخدرمشابه آن نبوده و این اشخاص نیز معتاد به استعمال مواد مخدر باشند پس از صدور قراربازداشت به جای زندان به منظور معالجه و رفع کامل اعتیاد و اشتغال آنان به کار در حین مداواو پیدا کردن تخصص حرفه ای در صورت لزوم به مراکزی که به وسیله دولت ایجاد خواهدشد اعزام و از آنان نگهداری خواهد شد. مدت معالجه جز مدت مجازات آنان محسوب خواهد شد. چنانچه مدت معالجه بیش از مدت محکومیت به حبس باشد مادام که نسبت به مجرم رفع اعتیاد به عمل نیامده باشد در مرکز مذکور از متهم معتاد نگاهداری شده و در حکم دادگاه نیز این معنی ذکر خواهد گردید. ماده ۱۹ ـ دولت مکلف است مراکز مجهزی برای نگهداری و مداوای مجرمین معتاد به وجود آورده و در

مراكز مذكور كارگاههای صنعتی و مزارع كشاورزی و غيره به منظوراشتغال معتادان به كار و آشنايی آنان به حرفه تخصصی و امكان اشتغال و تحصيل درآمد پس از خروج از زندان ايجاد نمايد. اداره اين مراكز به موجب آيين نامه ای خواهد بود كه به تصويب وزارتخانه های : دادگستری و بهداری و بهزيستی خواهد رسيد. ماده ۲۰ ـ به كليه اشخاص معتاد به استعمال مواد مخدر از تاريخ تصويب اين قانون شش ماه مهلت داده می شود كه به منظور معالجه خود به درمانگاه يا بيمارستانهايی كه وزارت بهداری تعيين خواهد كرد مراجعه نمايند والا پس از انقضای مدت مذكور تعقيب و مجازات خواهند شد. ماده ۲۱ ـ از تاريخ تصويب اين قانون مقررات راجع به پرداخت سهميه ترياك به معتادان ملغی و كارتهای سهميه باطل خواهد بود. وزارت بهداری مكلف است وسائل و امكانات كافی برای ترك اعتياد و معالجه معتادان مجاز فراهم نمايد. ماده ۲۲ ـ دادگاه می تواند حكم نگاهداری اشخاصی را كه به موجب مواد دوم و ششم وهفتم و يازدهم و سيزدهم اين قانون به حبسهای جنايی محكوم شده اند (به استثنای اشخاص مندرج در ماده هيجده اين قانون) در تبعيدگاه صادر كند. نگاهداری در تبعيدگاه جانشين مجازات حبس خواهد بود. محكومين به تبعيد در كارگاههای صنعتی و مزارع كشاورزی و یااردوگاههای كار و غيره اشتغال خواهند داشت . دولت مكلف است ظرف سه سال در نقاط مختلف كشور تبعيدگاه های مذكور را برای مجرمين مواد مخدر و ساير مجرمين بعادت و خطرناك برای جامعه تأسيس نمايد. آيين نامه تبعيدگاههای مذكور به وسيله وزارت دادگستری تهيه و تصويب خواهد شد. تبصره ـ چون در بسياری از زندانهای موجود من جمله زندان قزل حصار كه اختصاص به محكومين به حبسهای طولانی دارد امكان اشتغال به كار زندانيان در كارگاه های صنعتی ومزارع كشاورزی موجود می باشد لذا دادگاهها ضمن صدور حكم مجازات ، اشتغال به كار محكومين به زندان را طبق مقررات بنگاه تعاون زندان تصريح خواهند نمود. ماده ۲۳ ـ ازدواج ، مسافرت به خارج از كشور، استخدام دولتی و غيردولتی ، اشتغال كارگران در كارخانجات ، اخذ پروانه شغل ، كارت بازرگانی ، گواهی نامه رانندگی وسائط نقليه موتوری ، منوط به ارائه گواهی عدم اعتياد به مواد مخدر می باشد. وزارت بهداری مكلف است ظرف شش ماه مراكزی برای صدور گواهی مذكور تعيين و اعلام دارد. ماده ۲۴ ـ رسيدگی به جرايم مندرج در اين قانون به عهده مراجع دادگستری و يا مراجع صالح ديگر ـ طبق قوانين موضوعه ـ می باشد. ماده ۲۵ ـ كليه قوانين و مقررات مربوط به منع كشت خشخاش و استعمال مواد مخدر ومجازات مرتكبين جرايم راجع به مواد مذكور به استثنای تصويب نامه مورخ مرداد ماه ۱۳۳۸راجع به فهرست مواد مخدر از تاريخ اجرای اين قانون ملغی می باشد.

قانون راجع به استرداد مجرمين مصوب ۱۴/۲/۱۳۳۹

فصل اول ــ شرايط استرداد

ماده ۱ ـ در مواردی كه بين دولت ايران و دول خارجه قرارداد استرداد منعقد شده استرداد طبق شرايط مذكور در قرارداد به عمل خواهد آمد و چنانچه قراردادی منعقد نشده ويا اگر منعقد گرديده حاوی تمام نكات لازم نباشد استرداد طبق مقررات اين قانون به شرط معامله متقابل به عمل خواهد آمد. ماده ۲ ـ استرداد وقتی مورد قبول دولت ايران واقع خواهد گرديد كه شخص مورد تقاضابه اتهام يكی از جرايم مذكور در اين قانون مورد تعقيب كيفری قرار گرفته يا محكوم شده باشد. ماده ۳ ـ دولت ايران می تواند بنا بر درخواست دول خارجه افراد غير ايرانی را كه درقلمرو دولت ايران اقامت دارند در صورت وجود شرايط زير به دولت تقاضاكننده تسليم نمايد: ۱ ـ جرم ارتكابی در قلمرو دولت تقاضاكننده به وسيله اتباع آن دولت واقع شده باشد. ۲ ـ جرم ارتكابی در خارج از قلمرو دولت تقاضاكننده به وسيله اتباع آن دولت واقع شده باشد. ۳ ـ جرم ارتكابی در خارج از قلمرو دولت تقاضاكننده به وسيله شخصی غير از اتباع آن دولت واقع شده باشد. مشروط بر اينكه جرم ارتكابی مضر به مصالح عمومی كشور تقاضاكننده باشد. ماده

۴ ـ درخواست رد یا قبول استرداد با رعایت مقررات مذکور در مادتین دوم و سوم این قانون فقط در مورد جرایم زیر ممکن است : ۱ ـ در مورد هر عملی که طبق قوانین دولت تقاضاکننده مستلزم مجازات جنایی باشد. ۲ ـ در مورد هر عملی که طبق قوانین دولت تقاضاکننده مستلزم مجازات جنحه باشدمشروط بر اینکه حداکثر مجازات مقرر در قانون کمتر از یک سال حبس نباشد. در موردکسانی که محکومیت یافته اند استرداد در صورتی ممکن است که مدت محکومیت بیشتر از ۲ ماه حبس باشد. در تمام موارد مذکور در این ماده استرداد وقتی مورد قبول دولت ایران واقع می شود که عمل ارتکابی طبق قوانین ایران نیز مستلزم مجازاتهای جنایی و یا جنحه ای باشد. ماده ۵ ـ در مواردی که شخص مورد تقاضا مرتکب چند جرم شده هرگاه حداکثرمجازاتی که طبق قانون دولت تقاضاکننده برای مجموع جرایم ارتکابی پیش بینی شده کمتر از یک سال حبس نباشد استرداد امکان پذیر خواهد بود. ماده ۶ ـ هرگاه شخص مورد تقاضا قبلا به علت ارتکاب یکی از جرایم عمومی به بیش از۲ ماه حبس محکوم شده و بعدا مرتکب جنحه یا جنایتی شود استرداد امکان پذیر است هرچند مجازاتی که به موجب قانون برای جرم بعدی مقرر گردیده کمتر از یک سال حبس باشد و یا محکومیتی که به سبب ارتکاب جرم بعدی یافته کمتر از ۲ ماه حبس باشد. ماده ۷ ـ شروع به ارتکاب جرم از لحاظ استرداد، مشمول مقررات مذکور در این قانون خواهد بود. ماده ۸ ـ در موارد زیر استرداد مورد قبول واقع نخواهد شد: ۱ ـ هرگاه شخص مورد تقاضا ایرانی باشد. ۲ ـ هرگاه جرم ارتکابی از جرایم سیاسی بوده و یا از اوضاع و احوال قضیه معلوم شود که استرداد به منظورهای سیاسی به عمل آمده است . در مورد اختلافات و جنگهای داخلی استرداد مورد قبول واقع نخواهد شد مگر آنکه اعمالی که ارتکاب یافته وحشیانه و یا مخالف مقررات جنگ باشد که در این صورت استرداد پس از خاتمه جنگهای داخلی قابل قبول خواهد بود. سو قصد به حیات افراد در هیچ مورد جرم سیاسی محسوب نخواهد شد. ۳ ـ هرگاه جرم ارتکابی در داخل قلمرو دولت ایران ارتکاب یافته و یا اگر در خارج آن واقع شده مرتکب در ایران مورد تعقیب و یا محکوم گردیده باشد. ۴ ـ هرگاه جرم ارتکابی از جرایم نظامی باشد. ۵ ـ هرگاه طبق قانون دولت ایران یا قانون دولت تقاضاکننده تعقیب یا مجازات مشمول مرور زمان شده و یا به جهتی از جهات قانونی شخص مورد تقاضا طبق قانون دولت تقاضاکننده قابل تعقیب یا مجازات نباشد. ماده ۹ ـ هرگاه چند دولت تقاضای رد مجرمی را به علت ارتکاب عمل واحدی بنمایند شخص مورد تقاضا به دولتی تسلیم می شود که جرم در قلمرو آن دولت یا علیه مصالح عمومی آن کشور ارتکاب یافته است . ماده ۱۰ ـ هرگاه تقاضای رد از طرف چند دولت و به سبب ارتکاب جرایم متعددی شده باشد شخص مورد تقاضا به دولتی که حق تقدم خواهد داشت تسلیم می شود. تبصره ـ حق تقدم در ماده ۹ و ۱۰ با توجه به اهمیت جرم و محل وقوع آن و تاریخ تقاضای رد و تعهدی که دول تقاضاکننده نسبت به رد مجدد مجرم می نمایند معین خواهدشد. ماده ۱۱ ـ هرگاه شخص مورد تقاضا در ایران مورد تعقیب قرار گرفته و یا محکوم شده باشد استرداد وقتی به عمل می آید که تعقیب کیفری یا اجرا مجازات خاتمه یافته باشد معهذادولت ایران می تواند شخص مورد تقاضا را موقتا به دولت تقاضاکننده تسلیم نماید مشروط بر اینکه دولت تقاضاکننده متعهد شود پس از خاتمه رسیدگی او را به دولت ایران تسلیم نماید. احکام مذکور در این ماده در موردی نیز جاری است که شخص مورد تقاضا به علت امتناع از تادیه دین توقیف شده است .

فصل دوم ــ ترتیب استرداد

ماده ۱۲ ـ تقاضای رد باید از طریق سیاسی از دولت ایران به عمل آید. تقاضانامه مزبور باید متضمن حکم محکومیت یا قرار جلب به محاکمه یا توقیف یا دستور جلب یا هرگونه اسناد دیگری که دارای اعتبار مدارک مذکور است باشد و جریان اتهام و تاریخ وقوع جرم و کیفیات قضیه در آن قید گردد به علاوه دولت تقاضاکننده باید رونوشت مواد مورد استناد را ضمیمه تقاضانامه استرداد نماید. ماده ۱۳ ـ تقاضانامه استرداد از طریق وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری ارسال خواهد شد در صورتی که وزارت دادگستری استرداد را منطبق با مقررات این قانون تشخیص دهد پرونده امر را به دادسرای شهرستان محلی که شخص مورد تقاضا در

آن محل سکونت دارد و یا اگر شخص مورد تقاضا محل سکونت معلومی نداشته باشد به دادسرای شهرستان تهران ارجاع خواهد نمود که در جلب و بازداشت او اقدام نمایند. ماده ۱۴ ـ دادستان ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ بازداشت ، تحقیقات لازمه را از شخص مورد تقاضا به عمل آورده ، پس از تعیین هویت او و اعلام علت بازداشت ، پرونده را برای رسیدگی به دادگاه جنحه ارسال می نماید. ماده ۱۵ ـ دادگاه در جلسه ای خارج از نوبت موضوع را مورد رسیدگی قرار داده و پس ازاستماع اظهارات دادستان و مدافعات شخص مورد تقاضا رای خود را مبنی بر قبول و یا عدم قبول استرداد صادر و مراتب را به وزارت دادگستری و دادستان اعلام خواهد نمود. چنانچه رای دادگاه بر رد استرداد باشد شخص بازداشت شده فورا آزاد خواهد شد. شخص بازداشت شده می تواند در موقع طرح پرونده در دادگاه وکیل یا مترجم برای خودانتخاب کرده و یا از دادگاه بخواهد که برای او وکیل یا مترجمی انتخاب نماید. ماده ۱۶ ـرای دادگاه ازطرف دادستان وشخص مورد تقاضا ظرف ده روزقابل پژوهش است . ماده ۱۷ ـ رسیدگی پژوهشی در دادگاه استان در جلسه اداری و خارج از نوبت به عمل می آید مگر آنکه دادگاه حضور دادستان و یا شخص مورد تقاضا را برای ادا توضیحات لازم بداند. رای دادگاه استان بر تایید و یا فسخ رای دادگاه جنحه قطعی و غیر قابل فرجام است و پس از صدور به وزارت دادگستری اعلام خواهد شد تا طبق مفاد آن اقدام شود. ماده ۱۸ ـ چنانچه رای قطعی مبنی بر قبول استرداد صادر شود وزارت دادگستری دستور اجرا آن را به دادستان صادر نموده و مراتب را به اطلاع وزارت امور خارجه خواهد رساند تابه دولت تقاضاکننده اعلام گردد. چنانچه ظرف یک ماه از تاریخ اعلام وزارت امور خارجه از طرف مقامات دولت تقاضاکننده اقدامی در تحویل گرفتن شخص مورد تقاضا به عمل نیاید نامبرده فورا آزاد شده و دیگر استرداد او به جهاتی که قبلا تقاضا شده قبول نخواهد شد. ماده ۱۹ ـ هرگاه شخص مورد تقاضا انصراف خود را از استفاده از مقررات این قانون اعلام نموده و رضایت دهد که به دولت تقاضاکننده تسلیم شود مراتب در پرونده امر قید ووزارت دادگستری نسبت به استرداد اقدام مقتضی به عمل خواهد آورد. ماده ۲۰ ـ در موارد فوری دادستان شهرستان می تواند بنابر درخواست مستقیم مراجع قضائی دولت تقاضاکننده ، شخص مورد تقاضا را بازداشت نماید مشروط بر اینکه ضمن تقاضای مزبور قید شده باشد که اوراق استرداد طبق ماده ۱۲ این قانون تنظیم و ارسال خواهدگردید. تقاضای استرداد و ارسال اوراق باید از طریق سیاسی و در همان موقعی که درخواست بازداشت می شود به عمل آید. ماده ۲۱ ـ در مواردی که دادستان طبق مقررات ماده ۲۰ اقدام به بازداشت شخص مورد تقاضا می نماید باید مراتب را فورا به وزارت دادگستری اطلاع دهد. ماده ۲۲ ـ چنانچه از تاریخ بازداشت شخص مورد تقاضا ظرف مدتهای مذکور در این ماده اوراق استرداد واصل نشود شخص بازداشت شده طبق دستور دادستان آزاد خواهد شدو چنانچه بعدا اوراق استرداد واصل شود مطابق مقررات این قانون عمل خواهد شد. مدتهای مذکور برای ممالک همجوار ایران یک ماه و برای سایر ممالک دو ماه خواهد بود. ماده ۲۳ ـ شخصی را که استرداد او مورد قبول واقع شده نمی توان به اتهام جرم دیگری که قبل از تاریخ استرداد مرتکب گردیده مورد تعقیب قرارداد یا مجازات نمود مگر با جلب رضایت دولت مسترد کننده . دولت ایران می تواند بنا به درخواست دولت تقاضاکننده رضایت خود را نسبت به تعقیب و یا اجرا مجازات اعلام نماید هرچند جرم ارتکابی ازجرایم مذکور در ماده ۴ این قانون نباشد. ماده ۲۴ ـ در موارد مذکور در ماده قبل درخواست اعلام رضایت باید به ترتیب مذکوردر ماده ۱۲ این قانون به عمل آید. رسیدگی به درخواست در دادگاهی که نسبت به استرداداظهار نظر نموده به عمل خواهد آمد. دادگاه پس از رسیدگی به مدارک رای خود را مبنی برموافقت یا عدم موافقت با درخواست اعلام می نماید رای دادگاه در این مورد قطعی بوده و به ترتیب مذکور در این قانون به دولت درخواست کننده اعلام خواهد شد. ماده ۲۵ ـ چنانچه دولتی بخواهد شخصی را که از دولت دیگر استرداد نموده به طور ترانزیت از کشور ایران عبور دهد باید بدوا از طریق سیاسی از دولت ایران تحصیل اجازه نماید. اجازه عبور از طرف وزارت امور خارجه به شرط معامله متقابله داده خواهد شد. ماده ۲۶ ـ هزینه استرداد و عبور به طور ترانزیت با دولت تقاضاکننده است . ماده ۲۷ ـ وزارت دادگستری مأمور اجرا این قانون است .

نحوه تنظیم اوراق لازم برای استرداد متهمین

بخشنامه شماره ۵۲۹/ح /۳۲۹۸ـ۴/۲/۱۳۳۵ وزیر دادگستری در مواردی که استرداد متهمین ضرورت دارد در نحوه تهیه و تنظیم اوراق و اسناد راجع به استرداد از طرف دادسراها نواقصی مشاهده می شود که موجب تاخیر در امر استرداد و باعث آن می گردد که توقیف متهمین بیش از مدت مقرر در قراردادهای استرداد در خارج کشور متعاهد ادامه یابد که در نتیجه منجر به رفع توقیف از آنان می گردد. لزوما متذکرمی گردد که شعب بازپرسی با دخالت دادستان باید اوراقی که حاوی مشخصات هر متهم (نام و نام خانوادگی نام پدر، سن ، مشخصات و علائم از هیکل و چهره لدی الاقتضا ، ضمیمه نمودن عکس و اثر انگشت متهم) شغل ، اقامتگاه متهم در ایران سکونت فعلی در کشور بیگانه (در حدود امکان مشخصات کامل محل از قبیل شهر و خیابان و غیره)، بیان نوع جرم و تاریخ و محل وقوع آن ذکر ماده قانونی که در کشور ایران جرم منطبق با آن است متن قرار توقیف با ذکر موافقت دادستان که به امضا و مهر بازپرس و دادستان مربوطه رسیده باشد به انضمام رونوشت مصدق هرگونه اسناد و مدارکی که وقوع جرم و یا انتساب آن را به متهم محرزمی دارد از قبیل صورت جلسات معاینه اجساد و گزارش ضابطین عدلیه و گواهی گواهان و نحوه آن را هر یک در سه نسخه تهیه نموده و به اداره حقوقی وزارت دادگستری ارسال گرددتا از طریق وزارت امور خارجه اقدام لازم به عمل آید. عدم رعایت مراتب فوق موجب تخلف است .

نحوه تقاضای استرداد مجرمین

بخشنامه شماره ۲۶۸۹/۷ ـ ۱۷/۴/۱۳۴۸ وزیر دادگستری پیرو بخشنامه شماره ۵۲۹/ح ۳۲۹۸ مورخه ۴/۲/۱۳۳۵ درباره نحوه تقاضای استرداد مجرمین ملاحظه می شود که بعضی از مراجع قضایی برای استرداد متهمین مستقیما به پلیس بین المللی مراجعه می نمایند با توجه به قانون استرداد مجرمین مصوب سال ۱۳۳۹ مراجعه به پلیس بین المللی جز برای کشف هویت و محل سکونت متهم یا مجرمین در خارج از کشوروجهه قانونی ندارد. تقاضای استرداد با کشورهایی که قراردادی منعقد شده در حدود آن قرارداد و الا بر اساس اقدام متقابل به شرح قانون استرداد مجرمین مصوب سال ۱۳۳۹ به عمل خواهد آمد. در صورت اخیر باید طبق ماده ۱۲ قانون مذکور مدارك زیر ماشین شده و در سه نسخه به اداره حقوقی ارسال گردد. ۱ ـ حکم محکومیت (در مود محکومان) یا قرار جلب به محاکمه یا قرار بازداشت متهم که به موافقت دادستان رسیده باشد. ۲ ـ خلاصه جامع و کاملی که از جریان اتهام و دلایل موجود به امضای دادرس مربوط شامل تاریخ وقوع جرم و کیفیات قضیه و نشانی و مشخصات کامل متهم یا محکوم در کشورخارجی و در صورت امکان عکس او. ۳ ـ رونوشت مواد استنادی از روی قانون مجازات عمومی یا قوانین دیگر. مدارك بالا ـ پس از ترجمه رسمی از طریق وزارت امور خارجه تسلیم کشور محل اقامت متهم یا محکوم خواهد شد.

قانون مربوط به مواد روان گردان (پسیکوتروپ)

مصوب ۸/۲/۱۳۵۴ ماده ۱ ـ مواد روان گردان به موادی گفته می شود که در فهرستهای چهارگانه ضمیمه این قانون مندرج است . وزارت بهداری در صورت توصیه کمیسیون مواد مخدر سازمان ملل متحد می تواند در فهرستهای چهارگانه مذکور با تصویب هیأت وزیران تجدیدنظر نموده و مراتب را وسیله روزنامه رسمی کشور و جراید کثیرالانتشار اعلام نماید این تغییرات پس از انقضای پانزده روز از تاریخ انتشار لازم الرعایه خواهد بود. ماده ۲ ـ وزارت بهداری مجاز است مواد مندرج در فهرست شماره یک ضمیمه این قانون را منحصرا برای تحقیقات علمی و یا مصارف پزشکی تهیه و یا وارد نموده و طبق آیین نامه ای که به تصویب کمیسیونهای بهداری مجلسین خواهد رسید به مقادیر محدود فقط در اختیار سازمان های تحقیقی و پزشکی دولتی و یا وابسته به

دولت و یا سازمانهای تحقیقی و پزشکی دیگری که صلاحیت آنها از طرف دولت تایید شده باشد قرار دهد. ماده ۳ ـ هرکس مواد مندرج در فهرست شماره یک را بسازد یا بفروشد یا برای فروش عرضه کند و یا بدون اجازه وزارت بهداری عالما وارد یا نگاهداری یا حمل نماید حسب مورد به مجازاتهای زیر محکوم خواهد شد: الف ـ برای ساختن ، حبس دایم . ب ـ برای فروختن یا به معرض فروش گذاردن ، حبس جنائی درجه یک از سه تا پانزده سال . ج ـ برای وارد کردن بیش از ده (۱۰) گرم ، حبس دایم و برای ده (۱۰) گرم یا کمتر حبس جنایی درجه دو از دو تا ده سال . د ـ برای نگاهداری و یا حمل غیرمجاز بیش از مقدار ده (۱۰) گرم حبس جنایی درجه یک از سه تا پانزده سال و برای ده (۱۰) گرم یا کمتر حبس جنایی درجه دو از دو تا ده سال . تبصره ـ مواد مذکور ولو این که با مواد دیگری مخلوط یا محلول باشد از نظر مجازات خالص محسوب می شود مشروط به این که به همان صورت قابل مصرف باشد. ماده ۴ ـ هرکس مواد مندرج در فهرست های شماره ۲ و ۳ و ۴ ضمیمه این قانون را بدون اجازه وزارت بهداری بسازد یا وارد یا صادر نماید علاوه بر ضبط مواد مزبور به حبس جنحه ای از ۶۱ روز تا سه سال محکوم خواهد شد. ماده ۵ ـ سازنده یا واردکننده مجاز مواد مذکور در ماده ۴ این قانون مکلف است قبل از فروش برچسبی روی بسته بندی هایی که به دست مصرف کننده می رسد (شیشه ، لوله ، جعبه و نظایر آن) الصاق نماید که به فارسی نوشته شده باشد (فروش بدون نسخه پزشک ممنوع است). عمده فروشان دارو و داروخانه ها مجاز به عرضه بسته بندیهای مذکور بدون داشتن برچسب نمی باشند و در صورتی که بسته بندیهای فوق بدون برچسب مذکور خارج از محوطه انبار دیده شود وسیله وزارت بهداری ضبط خواهد شد. ماده ۶ ـ فروش مواد مذکور در ماده ۴ این قانون جز به موسسات درمانی و عمده فروشی دارو و داروخانه و لابراتوار یا موسسه داروسازی ممنوع است در صورت تخلف علاوه برضبط مواد مزبور مرتکب به حبس جنحه ای از ۶۱ روز تا سه سال محکوم خواهد شد. ماده ۷ ـ فروش مواد مذکور در ماده ۴ این قانون به مصرف کننده فقط باید از طریق داروخانه انجام گیرد و داروخانه منحصرا در مقابل نسخه پزشک می تواند مواد مزبور را به مصرف کننده بفروشد متخلف به حبس جنحه ای از ۶۱ روز تا شش ماه محکوم خواهد شد. ماده ۸ ـ نگاهداری مواد مذکور در ماده ۴ این قانون وسیله افراد غیرمجاز ممنوع است ودر صورت تخلف علاوه بر ضبط مواد مذکور مرتکب به حبس جنحه ای تا شش ماه محکوم خواهد شد. ماده ۹ ـ فرآورده های دارویی که ماده اصلی آنها محتوی یک یا چند ماده مندرج درفهرست های شماره ۲ و ۳ و ۴ ضمیمه این قانون باشند مشمول کلیه مقررات ناظر بر ماده مزبور خواهد بود. تبصره ـ وارد یا خارج کردن از کشور یا نگاهداری یا حمل مواد مذکور در ماده ۴ این قانون در صورتی که به مقادیر متناسب یا مصارف درمانی شخصی باشد از شمول کلیه مقررات این قانون معاف خواهد بود. ماده ۱۰ ـ انتشار آگهی تبلیغاتی در مورد مواد روان گردان جز در نشریات پزشکی و دارویی بدون اجازه وزارت بهداری ممنوع است مرتکب به جزای نقدی از پنج هزار و یک ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد. ماده ۱۱ ـ موادی که به موجب این قانون ضبط می شود در اختیار وزارت بهداری قرارخواهد گرفت تا در صورت قابل مصرف بودن به مصرف رایگان بیماران برساند و در غیراین صورت معدوم نماید. ماده ۱۲ ـ آیین نامه اجرایی این قانون وسیله وزارت بهداری تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. فهرست شماره ۱ دی .آی .تی D.E.T. N, N-diethyltryptamine Hydroxy-l (dimethyl-۱,۲,hepthyl)-۳ دی .ام .اچ .پی D.M.H.P. tetrahydro ۷,۸,۹,۱۰ trimethyl-۶,۶,۹ ۶H-dibenzo (b,d) pyranne دی .ام .تی - D.M.T. N, N, dimethyltryptamine. (+)-N, N-diethyllysergamide +)-LYSERGIDE LSD, (diethyl-amide de l'acide LSD-۲۵ dextro-lysergique. ۲۵ ال .اس .دی وال .اس دی Trimethoxy-۳,۴,۵, phenethyl-amine. مسکالین Mescaline Hydroxy-ln-hexyl-۳tetrahydro-۷,۸,۹,۱۰ trimethyl-۶,۶,۹ پاراهکسیل Parahexyl ۶H-dibenzo (b,d) pyranne. پسیلوسین .پسیلوتسین (dimethylamino-۲ ethyl)-۳ hydroxyl-۴ indol) Psilocine, Psilotsin (dimethyl-amino-۲ dihydrogenophosphatede پسیلوسی بین Psilocybine

Amino-۲ (dimethony-۲,۵,methy ۱-۴ phenyl-۴ . اس .تی .پی و دی .او.ام ethyl(-۳ indolyle-۴ Amino-۲ Hydroxyl-۱ pentyl-۳ tetrahydro ۶,۷,۱۰,۱۰atrio a تترائیدرو کانابینول ها .D.O.M و ۱propane. S.T.P dibenzo (b,d,) Pyranne. Tetrahydro - cannabinols Istous les و تمام ایزومرها trimethyl- ۶,۶,۹۶H isomeres فهرست شماره ۲ Amphetamine آمفتامین Dexamphetamine دکس آمفتامین Methamphetamine مت آمفتامین Methylphenidate متیل فنیدات Phencyclidine فن سیکلیدین Phenmetrazine فن مترازین فهرست شماره ۳ Amobarbital آموباربی تال Cyclobarbital سیکلوباربی تال Glutethimide گلوته تی مید Pentobarbital پنتوباربی تال Secobarbital سکوباربی تال فهرست شماره ۴ Amfepramone آمفپرامون barbital باربی تال Ethychlorvynol ات کلروینول Ethinamate اتی نامات Meprobamate میروبامات Methaqualone متاکالون Methylphenobarbital متیل فنوباربی تال Methyprylone متی پریلون Phenolbarbital فنول باربی تال Pipradol پی پرادول فهرست های فوق منضم به قانون مواد روان گردان (پسیکوتروپ) می باشد

آیین نامه اجرایی قانون مبارزه با موادمخدر

مصوب ۲/۱۱/۱۳۶۷ نخست وزیری ماده ۱ ـ نسبت به مرتکبین جرایم مواد مخدر که قبل از تاریخ اول بهمن ماه ۱۳۶۷مرتکب جرم شده اند چنانچه قبل از اول بهمن ماه بازداشت شده باشند یا بعد از آن تاریخ ، درصورتی به استناد این قانون محکوم می شوند که مجازات پیش بینی شده در این قانون اخف از مجازاتهای سابق باشد، در غیر این صورت به همان مجازات قبل محکوم می شوند. تبصره ـ در موارد مذکور در بخشنامه شماره ۴۳۳۸۲/۱ مورخ ۱۶/۹/۶۱ شورای عالی قضایی چنانچه حکم به مجازات طبق این قانون اخف از مجازات تعیین شده در بخشنامه باشد به این قانون عمل می شود. ماده ۲ ـ با استفاده از ماده ۳۵ فقط اجرای قوانین مغایر متوقف می شود. بنابراین آن قسمت از قانون (تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر و اقدامات ...) مصوب ۱۹/۳/۵۹ شورای انقلاب که با این قانون مغایرتی ندارد به قوت خود باقی است . ماده ۳ ـ هرگونه اقدام در رابطه با مواد مندرج در مصوبه ۱۳۳۸ شامل فهرست انواع موادمخدر جرم تلقی شده و قابل تعقیب و پیگیری است . ماده ۴ ـ در مواردی که جرم ارتکابی منتهی به مصادره یا ضبط اموال یا جریمه سنگین می گردد دادستان یا جانشین وی مکلف است نسبت به توقیف اموال منقول و غیر منقول حسب ضوابط جاریه اقدام و لیست آنها را ضمیمه پرونده نماید. تبصره ـ چنانچه متهم به منظور فرار از اجرای قانون و پرداخت جرایم متعلقه ، اموال منقول یا غیرمنقول خویش را به هر نحوی به دیگران منجمله وراث صغیر خود به شکل صوری منتقل نموده یا بنماید در صورت محکومیت در دادگاه به مصادره یا ضبط قسمتی ازاموال و جریمه نقدی ، دادگاه با احراز موضوع حکم به ابطال نقل و انتقال صوری خواهدنمود. ماده ۵ ـ در مورد متهمینی که جرایم انتسابی به ایشان معادل موارد مطروحه در ماده ۱۷ قانون مصوب شورای انقلاب است با عنایت به ماده مزبور صدور قرار بازداشت موقت وهمچنین رسیدگی به پرونده خارج از نوبت الزامی است . ماده ۶ ـ دادستان یا جانشین وی موظف است نسبت به تعطیل موقت اماکنی که جهت استعمال مواد مخدر به کار گرفته شده (مطابق ماده ۱۲ قانون مصوب شورای انقلاب) اقدام نمایند. ماده ۷ ـ مقصود از ذیل ماده ۶ قانون (مواد مذکور فوق چنانچه در نتیجه تکرار جرم مجموع مواد مخدر) آن است که در اثر تکرار جرایم مذکوردر هر یک از بندهای ماده های ۴و۵ میزان مواد به بیش از ۵ کیلوگرم برسد خواه از یک نوع یا انواع مختلف جرایم مذکور درماده های مزبور باشد نظیر ارتکاب بعضی از بندهای ۱ـ ۲ و ۳ از مواد ۴ و۵ به حدی که از ۵کیلوگرم بیشتر شود و یا ارتکاب بعضی از بندهای ۱ ـ ۲ و۳ ماده ۴ و بندهای ۱ ـ ۲ و ۳ ماده ۵ به طوری که مجموع مواد بیشتر از ۵ کیلوگرم باشد. ماده ۸ ـ ماده ۱۰ منحصر به موردی است که حمل و نگهداری جهت مصرف

شخص معتاد باشد که در این صورت مواد مکشوفه ضبط و متهم در اجرای ماده ۱۵ به مراکز ترک اعتیاد اعزام می شود. لکن اگر ثابت شود که حمل و نگهداری به منظور مصرف شخص نیست به مجازاتهای مقرر در موارد ۸ ـ ۹ محکوم خواهد شد. ماده ۹ ـ در اجرای ذیل ماده ۱۳ و تبصره ماده ۱۴ طبق تبصره ۳۵ قانون بودجه سال ۱۳۶۷عمل شود دادسراها یک نسخه از تصویر حکم دادگاه را جهت اطلاع و انجام اقدامات لازم به ستاد ارسال خواهند نمود. ماده ۱۰ ـ چون کشت شاهدانه به طور کلی ممنوع نیست مامورین در صورتی مجاز به امحا آن می باشند که قصد از آن تولید مواد مخدر باشد و این قصد به دلایل و شواهد و یااظهارات متهم احراز شود. ماده ۱۱ ـ کلیه اموال مجرمینی که باید به نفع دولت ضبط شود و نیز مستثنیات آنها برای تامین زندگی متعارف و لوازم و وسایل زندگی خانواده آنان که با نظر کارشناس یا خبره محلی تعیین می شود باید با ذکر مشخصات در کیفرخواست و حکم دادگاه قید شود و یک نسخه ازحکم نیز برای ستاد جهت اطلاع و اقدام لازم ارسال گردد. ماده ۱۲ ـ در خصوص کلیه وجوه ریالی ـ ارزی همچنین مسکوکات شمش طلاـ وجواهرات وجوه حاصله از جرایم و دیگر اجناس و اموالی که در اجرای این قانون توقیف یاضبط می گردد دادسرا موظف است در اجرای ماده ۲۹ قانون و با رعایت تبصره ۳۵ بودجه سال ۱۳۶۷ کشور، اقداماتی را معمول دارند تا جریمه ها و دیگر وجوه حاصله به حساب متمرکزی که در وزارت امور اقتصادی ودارایی و به نام ستاد مبارزه با مواد مخدر افتتاح می شود واریز نمایند. ماده ۱۳ ـ در کلیه مواردی که آرا صادره منجر به ضبط یا مصادره اموال می گردد چنانچه پس از صدور حکم قطعی نیز، اموالی از محکوم علیه شناسایی شود مجددا از طریق دادسرا به موضوع رسیدگی و مراتب جهت صدور رای تکمیلی به دادگاه ارجاع خواهد شد. ماده ۱۴ ـ کلیه پرونده هایی که به صدور حکم اعدام منتهی می گردد. پس از یک برگ شماری و لاک و مهر به قید فوریت به دستور دادستان یا جانشین وی به انضمام فرم تکمیل مشخصات محکوم جهت اجرای صدر ماده ۳۲ قانون به دفتر دادستان کل کشور ارسال می شود. ماده ۱۵ ـ چنانچه حکم اعدام صادره ، مورد تأیید ریاست دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور قرار گیرد پرونده جهت اجرا به دادسرا اعاده خواهد شد. ماده ۱۶ ـ در صورت عدم تایید حکم اعدام ، رای صادره نقض و پرونده جهت رسیدگی مجدد نزد دادگاه صادر کننده حکم اعاده می شود. دادگاه مجددا به پرونده رسیدگی و حکم مقتضی به جز اعدام صادر می نماید. ماده ۱۷ ـ چنانچه دادگاه صادر کننده حکم به رای قبلی خود باقی باشد پرونده را با ذکرمستندات نظریه خود به شعبه دیگری ارجاع می نماید و اگر شعبه دیگری در آن شهرستان دائر نباشد پرونده را به نزدیکترین دادگاه انقلاب اسلامی ارسال می نماید. دادگاه اخیرالذکر می تواند حکم مقتضی به جز اعدام صادر نماید و چنانچه نظر وی بر اعدام باشد پرونده را باذکر دلیل و بدون انشا رای به دادستانی کل می فرستد. تبصره ـ هرگاه در حوزه قضایی مربوطه چند شعبه دادگاه انقلاب دائر باشد پرونده توسط ریاست شعبه اول دادگاهها به یکی از شعب ارجاع خواهد شد. ماده ۱۸ ـ چنانچه دادستان یا جانشین وی به رای صادره معترض باشند و یا اعتراض محکوم علیه را موجه تشخیص دهند مستندا و مستدلا موارد ایراد را به قاضی صادر کننده رای تذکر می دهند در صورت قبول اشتباه و نیز مواردی که قاضی رأسا به اشتباه قانونی یاشرعی خود واقف شود ضمن صدور دستور توقف اجرای حکم پرونده به انضمام نظریه مزبور جهت اقدام مقتضی به دفتر دادستان کل کشور ارسال می شود. چنانچه ریاست دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور ایرادات وارده را تایید وتجدیدنظر در حکم صادره را تجویز نمایند پرونده مربوطه به دادگاه صادر کننده اعاده تااقدامات لازم به عمل آورند. تبصره ـ در صورتی که قاضی صادر کننده رای ایرادات را وارد ندانسته و همچنان حکم صادره را تایید و بر آن باقی باشد دادسرا جهت اجرا ذیل ماده ۳۲ موظف به اجرای حکم صادره بوده و پرونده را جهت ملاحظه و اقدام لازم به دفتر دادستان کل کشور ارسال خواهدنمود. ماده ۱۹ ـ در صورتی که احکام صادره به جز اعدام توسط ریاست دیوان عالی کشور یادادستان کل کشور بنا به دلایل مندرج در ماده ۳۲ قانون نقض شود پرونده جهت اقدام لازم به دادسرای محل اعاده خواهد شدو و دادسرا ضمن توقف اجرا حکم پرونده را دراسرع وقت به دادگاه صادر کننده رای ارجاع خواهد نمود تا به ترتیب مقرر در مواد ۱۶ و ۱۷ این آیین نامه عمل نمایند. ماده ۲۰ ـ با توجه به نظر حضرت امام مدظله العالی

در پاسخ به مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای نگهبان که قوانین مصوبه مجمع مادام المصلحهٔ به قوت خود باقی است ،مصوبات مجمع حاکم بر قوانین مغایر است ، علیهذا قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاهها... مصوب مجلس شورای اسلامی ناظر بر احکام دادگاههای انقلاب اسلامی دررابطه با مواد مخدر نخواهد بود. ماده ۲۱ ـ رسیدگی به جرایم ارتکابی مندرج در این قانون از سوی نیروهای نظامی وانتظامی برعهده دادسراها و دادگاههای انقلاب اسلامی است و در سایر مراجع قابل رسیدگی نیست .

آیین نامه اجرایی قانون اصلاح قانون مبارزه با موادمخدر و الحاق موادی به آن

مصوب ۲۲/۱۰/۱۳۷۷ ستاد مبارزه با مواد مخدر این آیین نامه در اجرای ماده ۳۴ قانون اصلاح قانون مبارزه با موادمخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۷/۸/۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام تهیه و ابلاغ می گردد: ماده ۱ ـ تعاریف و اصطلاحات : الف ـ قانون : منظور از کلمه (قانون) در این آیین نامه قانون اصلاح قانون مبارزه باموادمخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۷/۸/۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام می باشد. ب ـ ستاد مبارزه با موادمخدر که از این پس ستاد نامیده می شود: منظور (ستاد مبارزه باموادمخدر) است که در اجرای ماده ۳۳ قانون فوق الذکر کلیه عملیات اجرایی و قضایی وبرنامه های پیشگیری و آموزش عمومی و تبلیغ علیه موادمخدر در آن متمرکز گردیده است . ج ـ شورای هماهنگی مبارزه با موادمخدر که از این پس شورای هماهنگی نامیده می شود: شوراهای استانی موضوع ماده هشت تشکیلات و شرح وظایف ستاد که به موجب مصوبه یازدهمین جلسه ستاد مورخ ۹/۱۲/۶۷ که مستقیما زیر نظر مرکز فعالیت می کنند تاسیس شده است . د ـ سازمان کاشف : سازمانی است که مامورین آن مستقیما در اولین عملیات کشف جرم و توقیف متهمین شرکت داشته و در صورتجلسه بدوی نام آنها ذکر شده باشد. ه ـ کمیسیون فروش : منظور کمیسیونهای موضوع ماده (۱) کلیات آیین نامه اجرایی فروش اموال منقول و غیرمنقول موضوع قانون مبارزه با موادمخدر مصوب سی امین جلسه ستاد مورخ ۲۳/۹/۶۸ می باشد. و ـ کمیته شناسایی اموال : کمیته ای است که به موجب مصوبه پنجاه ودومین جلسه ستاد مورخ ۴/۴/۷۵ متشکل از نمایندگان دادگاه انقلاب اسلامی ، نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات به منظور شناسایی اموال منقول و غیرمنقول قاچاقچیان موادمخدر تاسیس و زیرنظر شورای هماهنگی فعالیت می نماید. ز ـ مامورین تعقیب : کلیه ضابطین قانونی که به موجب مقررات در کشف جرایم موادمخدر و شناسایی و دستگیری متهمین اقدام می نمایند. ماده ۲ ـ مرتکبین جرایم موادمخدر که قبل از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون (۳۱/۶/۷۷) مرتکب جرم شده اند با لحاظ ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی ، در صورتی به استناد این قانون محکوم می شوند که مجازات پیش بینی شده در این قانون ، اخف از مجازات سابق باشد. در غیر این صورت ، به مجازات مقرر در قانون سابق محکوم خواهند شد. ماده ۳ ـ در مواد ۶ و ۹ قانون ، که تکرار جرم مبنای تشدید مجازات قرار می گیرد، رعایت تناسب و توجه به مقدار موادمخدر الزامی است . ماده ۴ ـ در اجرای ماده ۱۵ قانون : الف : زمانی قرار موقوفی تعقیب صادر می شود، که متهم قبلا خود را به مراکز درمانی مقرره در این قانون معرفی کرده باشد. ب : کلیه مراکز درمانی ، پزشکان و کلینیکهای خصوصی که دارای اجازه ترک اعتیاد معتادین از سوی وزارت بهداشت و درمان می باشند می توانند نسبت به درمان معتادین اقدام نمایند. ج : دستورالعمل اجرایی این ماده ، ظرف یک ماه توسط وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی تهیه و پس از تصویب ستاد جهت اجرا ابلاغ می گردد. ماده ۵ ـ در مورد معتادان مشمول ماده ۱۶ قانون ، چنانچه اجرای مجازات منجر به بازداشت نگردد، دادگاه می تواند برای جلوگیری از تکرار جرم ، مفاد ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی و قانون اقدامات تامینی را اعمال نماید. ماده ۶ ـ اقربای درجه یک متهم ، مذکور در تبصره ۱ ماده ۲۱ قانون ، همان است که در مواد۱۰۳۱ تا ۱۰۳۳ قانون مدنی آمده و شامل اقربای درجه یک سببی و نسبی خواهد بود. ماده ۷ ـ در اجرای ماده ۲۴ قانون ، با توجه به مفاد ماده ۲ این قانون ، احراز قصد تولیدموادمخدر برای امحای کشت شاهدانه ضروری است . ماده ۸ ـ دادگاه در

صورت لزوم قبل از صدور حکم ، نظر آزمایشگاه را در خصوص نوع موادمخدر اخذ می نماید. تبصره ـ مجازات مقرر در حکم ، برمبنای میزان دقیق موادمخدر مکشوفه (بدون لفاف وپوشش) تعیین خواهد شد. ماده ۹ ـ در مواردی که مجازات جرم انتسابی مصادره اموال است دادگاه می تواند باعنایت به ماده ۲۷ آیین نامه دادگاهها و دادسراهای انقلاب ضمن صدور قرار توقیف اموال ،در اسرع وقت از طریق مامورین تعقیب «کاشف »، کمیته های شناسایی اموال یا به هر نحو مقتضی ، نسبت به شناسایی و توقیف کلیه اموال غیرمنقول ، منقول (وجوه ریالی و ارز،حسابهای بانکی داخلی و خارجی ، اشیای قیمتی ، طلاجات و جواهرات ، سهام و اسناداعتباری ، چکها و غیره) با اعلام ممنوعیت معامله به اداره ثبت و انسداد حسابهای بانکی به اداره نظارت بر امور بانکها اقدام و ضمن دستور به تهیه لیست دقیق آنها و بررسی اسناد،ترتیب سپردن به امین یا توقیف یا لاک و مهر آنها را حسب مورد فراهم نماید. مفاد این ماده شامل متهمین متواری نیز خواهد بود. تبصره ۱ ـ در مورد جرایم سنگین ، دادگاه معادل جریمه را پس از شناسایی اموال توقیف می نماید. تبصره ۲ ـ دادگاه ظرف مدت حداکثر یک هفته لیست اموال توقیف شده را در اختیارشورای هماهنگی قرار خواهد داد. ماده ۱۰ ـ در مورد متهمین دستگیر شده یا متهمین متواری در صورتی که دادگاه احراز نماید متهم به منظور فرار از اجرای قانون و پرداخت جرایم متعلقه ، اموال منقول و غیرمنقول خود را به هر نحوی به دیگران من جمله همسر و فرزندان خود منتقل نموده است در اجرای ماده ۲۸ آیین نامه دادگاهها و دادسراهای انقلاب ، دستور توقیف اموال مذکور را صادر و عندالاقتضا براساس ماده ۴ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی ، حکم به ابطال نقل وانتقالات صوری صادر خواهد نمود. ماده ۱۱ ـ در صورت امتناع محکوم علیه از تادیه جزای نقدی ، در حالی که به تشخیص دادگاه صادر کننده حکم قادر به پرداخت آن باشد دادگاه مزبور حکم به فروش اموال مازاد برمستثنیات و وصول عایدات دولت به میزان جزای نقدی مقرر صادر خواهد نمود. ماده ۱۲ ـ دادگاه موظف است قبل از اتخاذ تصمیم و صدور حکم به ضبط و مصادره اموال ، اسناد و مدارک مربوط به مالکیت اموال مزبور اعم از عادی یا رسمی ، همچنین ادعای مالکیت شخص ثالث را نسبت به اموال فوق الاشعار، مورد بررسی قرار داده و آنگاه اتخاذ تصمیم نماید. اعتراض اشخاص ثالث نسبت به ضبط و مصادره ، با رعایت مفاد قانون آیین دادرسی مدنی با تقدیم دادخواست ، در دادگاه صادر کننده حکم قابل پذیرش است . درخصوص وسائط نقلیه که مالکیت غیر نسبت به آن ثابت شده صرفا در صورت علم و اطلاع مالک از حمل موادمخدر با وسیله مزبور قابل ضبط است . تبصره ۱ ـ دیون و تعهدات مالی محکوم علیه که صحت آن به تایید دادگاه برسد ازشمول حکم مصادره خارج بوده و پس از کسر دیون ، حکم به مرحله اجرا در می آید. تبصره ۲ ـ اجرای مفاد ماده فوق ، مانع وصول جزای نقدی از محل وجوه نقدی موجود نخواهد بود. ماده ۱۳ ـ تعیین مستثنیات اموال مصادره شده به منظور تامین هزینه متعارف زندگی برای خانواده محکوم علیه ، عرفا باید به گونه ای باشد که خانواده محکوم علیه در عسر و حرج قرار نگیرد و مشتمل بر توجه لازم به مسکن و امرار معاش ، تعداد فرزندان ، هزینه های زندگی ، درمانی و تحصیلی آنها باشد. ماده ۱۴ ـ در کلیه مواردی که آرای صادره منجر به ضبط یا مصادره اموال می گردد،چنانچه پس از صدور حکم قطعی نیز اموالی از محکوم علیه شناسایی شود که منشأ مالکیت آن قبل از محکومیت باشد، دادگاه صادر کننده رای بدوی مجددا به موضوع رسیدگی و رای اصلاحی صادر خواهد نمود. ماده ۱۵ ـ هرگونه بهره برداری و استفاده از اموال منقول و غیرمنقول به ویژه خودروهای توقیفی ، اعم از حامل مواد یا غیر آن ، برای کلیه اشخاص حقیقی یا حقوقی تا قبل از صدورحکم قطعی ممنوع است . مرتکب حسب مورد طبق موازین قانونی تحت تعقیب قرارخواهد گرفت . ستاد یا شورای هماهنگی یا ذینفع وظیفه تعقیب را برمبنای حقوق خود به عهده دارند. تبصره ۱ ـ اموال توقیف شده تحت نظارت دادگاه مربوطه جهت حفظ و نگهداری دراختیار ستاد یا شورای هماهنگی قرار خواهد گرفت . دبیرخانه ستاد مکلف است ، ظرف مدت یک ماه دستورالعمل نگهداری و سرپرستی اموال را تدوین و پس از تصویب ستاد، امکانات لازم رابرای نگهداری اموال مزبورفراهم نماید. تبصره ۲ ـ چنانچه حکم مصادره اموال غیرمنقول ، مبتنی بر تخلیه ملک به غیر ازمستثنیات و حقوق افراد ثالث باشد، اجرای احکام دادگاه ملزم به تخلیه آن می باشد. تبصره ۳ ـ پس از تعیین

تکلیف قطعی اموال ، ستاد موظف است حداکثر ظرف مدت ده روز نسبت به تصرف اموال اقدام نماید. ماده ۱۶ ـ فروش اموال قبل از صدور حکم قطعی یا تنفیذ احکام مشمول صدر ماده ۳۲ (اعدام و مصادره اموال) ممنوع است . مگر آن که اموال یاد شده مشمول تبصره ۲ ماده ۱۰قانون مجازات اسلامی باشد. در این صورت اموال توسط کمیسیون فروش اموال پس از هماهنگی با دادگاه صادرکننده حکم از طریق مزایده عمومی به فروش رسیده و وجه حاصل از فروش تا تعیین تکلیف قطعی و صدور حکم توسط دادگاه به حساب امانی دادگاه انقلاب اسلامی واریز می گردد. ماده ۱۷ ـ وسایل نقلیه ای که در اجرای ماده ۳۰ قانون به نفع دولت (ستاد) ضبط و باتصویب ستاد در اختیار سازمان کاشف قرار داده می شود، بایستی براساس شرایطی که ستادتعیین نموده مورد استفاده قرار گیرد. تبصره ۱ ـ در صورتی که بنابه تشخیص بالاترین مسوول سازمان کاشف استان وموافقت دبیرخانه ستاد خودرو مزبور واجد کارایی لازم در امر مبارزه نباشد، از طریق کمیسیون فروش با حضور نماینده سازمان کاشف و با رعایت مقررات مربوطه ، از طریق مزایده به فروش رسیده و وجوه حاصله صرفا جهت تجهیز و تقویت دوایر و واحدهای سازمان کاشف و حمایت از خانواده معزز شهدا و جانبازان امر مبارزه در آن استان هزینه خواهد شد. تبصره ۲ ـ دستورالعمل نحوه فروش خودروهای موضوع ماده ۳۰ قانون و چگونگی هزینه کردن وجوه حاصله ، با رعایت قوانین و مقررات مربوطه ظرف مدت یک ماه توسط دبیرخانه ستاد و با همکاری سازمانهای کاشف تنظیم و به تصویب ستاد خواهد رسید. ماده ۱۸ ـ در صورت برائت متهم یا نقض حکم مصادره یا ضبط ، عین مال و در صورت موجود نبودن ، قیمت کارشناسی رسمی زمان اجرای حکم (یوم الادا) از محل اعتبارات ستادتادیه می گردد. تبصره ـ در موارد فوق چنانچه مورد مصادره ، وسیله نقلیه موضوع ماده ۳۰ بوده و به فروش رسیده باشد. قیمت کارشناسی روز توسط ستاد از محل بیست درصد حق السهم سازمان کاشف محل پرداخت می گردد. ماده ۱۹ ـ به منظور تسهیل و تسریع در پرداخت حق الکشف مامورین کاشف وحق السهم قوه قضاییه ، دادگاه مکلف است لیست وصول فیشهای جرایم دریافتی ازمحکومین را به ضمیمه رونوشت آنها، در پایان هر ماه به دبیرخانه ستاد و سازمان کاشف ارسال نماید. دبیرخانه ستاد نیز مکلف است ، گزارش سه ماهه مالی مربوط به پرداخت حق الکشف را در اسرع وقت به سازمان ذیربط ارسال دارد. ماده ۲۰ ـ در اجرای آیین نامه کمیسیون عفو و بخشودگی مصوب ۱۹/۹/۱۳۷۳ برای محکومین موادمخدر، اخذ نظریه دبیر ستاد یا نماینده تام الاختیار وی ضروری است . دبیرستاد مکلف است در هر شهرستان نماینده تام الاختیار خود را به دادگاه انقلاب اسلامی مربوطه معرفی نماید. ماده ۲۱ ـ دراجرای تبصره ۱ ماده ۳۱ قانون و به منظور حصول اطمینان از پرداخت به موقع اقساط جریمه ، اجرای احکام ملزم است با اخذ وثیقه معادل مبلغ جریمه با تضمین شخص معتبر که ملائت وی محرز گردیده ، نسبت به ترخیص زندانی اقدام کند. مفاد وثیقه نامه یا قراردادهای تنظیمی ، باید به نحوی باشد که در صورت تخلف ، ضبط مورد وثیقه یا اخذ وجه الضمان و اعتبارنامه بانکی توسط اجرای احکام سریعا انجام و وجه حاصله به حساب ستاد واریز و اموال ضبط شده به کمیسیون فروش اموال تحویل گردد. تبصره ـ عدم پرداخت سه قسط متوالی یا غیرمتوالی ، کلیه اقساط باقیمانده را تبدیل به حال کرده و از موارد رجوع به وثیقه گذار یا تضمین کنندگان فوق است . مفاد این تبصره درقرارداد مربوط به اخذ وثیقه درج می گردد. ماده ۲۲ ـ در اجرای اصل ۳۵ قانون اساسی ، و رای وحدت رویه شماره ۱۵ ـ ۲۸/۶/۶۳ هیات عمومی دیوان عالی کشور و نیز ماده واحده مصوب ۱۱/۷/۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام ، دادگاه مکلف است ، در کلیه جرایم مقیده در قانون که مجازات آنها حبس ابدیا اعدام است : الف) بدوا به متهم ابلاغ تا نسبت به تعیین وکیل برای دفاع از خود اقدام نماید. ب) در صورت عجز متهم از تعیین وکیل نسبت به تعیین وکیل تسخیری اقدام گردد. تبصره ۱ ـ حضور وکلای تعیینی یا تسخیری ، حداقل در یک جلسه دادرسی الزامی است . بعلاوه باید قبل از محاکمه ، فرصت لازم جهت مطالعه پرونده و تهیه لایحه دفاعیه دراختیار وکیل مدافع قرار گیرد. تبصره ۲ ـ در سایر موارد، در صورت درخواست متهم ، دادگاه مکلف به تعیین وکیل تسخیری است . تبصره ۳ ـ تعیین یک وکیل تسخیری ، برای دو یا چند متهم در یک پرونده ، به لحاظ تعارض دفاع از موکلین ممنوع است . تبصره ۴ ـ به منظور حفظ امنیت منابع و مخبرین ، هویت آنان

صرفا در اختیار قاضی رسیدگی کننده به پرونده قرار خواهد گرفت . تبصره ۵ ـ متخلّف از موارد فوق ، تحت تعقیب انتظامی قرار می گیرد. ماده ۲۳ ـ کلیه پرونده هایی که منتهی به صدور حکم اعدام می گردد، پس از تکمیل فرمهای رایانه ای ، برگ شماری و لاک و مهر شده ، توسط دادگاه صادر کننده رای در اجرای ماده ۳۲ قانون به دبیرخانه دادستانی کل کشور ارسال می شود. ماده ۲۴ ـ هرگاه حکم اعدام ، مورد تایید ریاست دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشورقرار گیرد، پرونده جهت اجرا، به دادگاه صادر کننده رای اعاده می گردد. تبصره ـ اجرای احکام دادگاه ، مکلف است ، پس از اجرای حکم اعدام ، بلافاصله مراتب را به انضمام فرم تکمیل شده مشخصات محکوم علیه به دادستانی کل کشور و ستاد ارسال واعلام نماید. ماده ۲۵ ـ در فرض عدم تایید حکم اعدام و نقض رای صادره ، پرونده به دادگاه صادرکننده حکم اعاده تا در صورت تبعیت از رای مرجع عالی ، با تجدید دادرسی و رسیدگی مجدد، حکم مقتضی به جز اعدام صادر نماید. تبصره ۱ ـ چنانچه دادگاه صادر کننده حکم ، به عقیده خود باقی باشد پرونده را با نظرمستدل جهت ارجاع به شعبه دیگر، نزد ریاست شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی ارسال می نماید (در صورت عدم استقرار شعبه هم عرض در حوزه قضایی ، پرونده به نزدیکترین دادگاه محل ارجاع می شود) دادگاه مرجوع الیه می تواند حکم مقتضی غیراعدام صادر نماید وچنانچه به رای منقوض اصرار ورزد و عقیده بر اعدام داشته باشد، پرونده را بدون انشای رای مستدلا به دادستانی کل کشور عودت می دهد. هر یک از دو مقام مندرج در ماده ۳۲ قانون در صورت قبول استدلال دادگاه ثانوی ، ضمن تایید نظر، پرونده را جهت انشای رای به دادگاه عودت می دهند. در غیر این صورت رأسا نسبت به انشای حکم اقدام یا به شعبه خاص جهت رسیدگی و صدور حکم ارسال می نمایند. تبصره ۲ ـ نسبت به احکام غیراعدام نیز به ترتیب تبصره یک عمل می شود. تبصره ۳ ـ در صورتی که هر یک از دو مقام مذکور در ماده ۳۲ قانون ، عقیده به رفع نقص از پرونده داشته باشند، موارد نقص را صریحا اعلام و دادگاه مکلف است در وقت فوق العاده نسبت به رفع نقص اقدام و پرونده را عودت دهد. ماده ۲۶ ـ قاضی اجرای احکام دادگاه در صورتی که حکم صادره را خلاف موازین شرعی یا قانونی یا فاقد دلائل کافی تشخیص دهد، یا اعتراض محکوم علیه یا وکیل مدافع وی ، همچنین اعتراض شخص ثالث نسبت به مصادره یا ضبط مال را وارد بداند، موظف است در هر مورد، اعتراض خود را مستندا و مستدلا به قاضی صادرکننده رای اعلام و متذکر گردد. در این صورت ، چنانچه پاسخ دادگاه قانع کننده باشد، حکم به مرحله اجرا درخواهد آمد. در غیر این صورت یا در مواردی که دادگاه شخصا پی به اشتباه خود ببرد، پرونده را دراجرای قسمت اخیر ماده ۳۲ قانون به دبیرخانه دادستانی کل کشور ارسال می دارد. تبصره ۱ ـ اقدامات قاضی اجرای احکام ، نافی اختیارات رییس دادگستری یا رییس شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی نخواهد بود. تبصره ۲ ـ در چنین مواردی که پرونده به دادستانی کل کشور ارسال می شود، اجرای حکم شلاق تا تعیین تکلیف نهایی متوقف خواهد شد. ماده ۲۷ ـ چنانچه بر اثر سهو قلم از قبیل ذکر مشخصات دقیق محکوم علیه ، دادگاه مرتکب اشتباهی گردد که به اساس حکم خللی وارد نسازد می تواند مبادرت به تصحیح حکم نماید. حکم تصحیح شده در دادنامه اصلاحی به محکوم علیه ابلاغ خواهد شد. ماده ۲۸ ـ چنانچه فعل ارتکابی از ناحیه محکوم علیه بر فرض ثبوت ، جرم نباشد و یامشمول عفو عمومی شده باشد یا به جهتی دیگر از جهات قانونی ، قابل تعقیب نبوده و یا فاقددلیل باشد، رای صادره ، توسط مرجع عالی ، نقض بلاارجاع می گردد. در این صورت ، به طرق مقتضی ، مراتب فورا به دادگاه اعلام ، تا نسبت به آزادی بلاقید محکوم اقدام نماید. ماده ۲۹ ـ در اجرای ماده ۳۳ قانون ، کمیته های تخصصی تحت عناوین آموزش عمومی ،پیشگیری و درمان و بازپروری ، تبلیغات و مقابله با عرضه و ... توسط دبیرخانه ستاد ایجادخواهد گردید. ترکیب اعضا و شرح وظایف کمیته ها، با توجه به اختیارات قانونی آن ، توسط دبیر ستاد مشخص و به تصویب ستاد می رسد. ماده ۳۰ ـ با توجه به مفاد ماده ۳۷ قانون ، اگر مجازات جرمی متضمن حبس یا اعدام باشدبا رعایت مواد ۱۳۰ و ۱۳۰ مکرر قانون آیین دادرسی کیفری قرار بازداشت موقت صادرمی گردد. ماده ۳۱ ـ در اجرای قسمت ذیل ماده ۳۸ قانون ، چنانچه رییس دیوان عالی کشور یادادستان کل کشور، شخصا یا برحسب تقاضای محکمه ، محکوم علیه را مستحق عفو تشخیص دهند، اجرای حکم تا

اظهارنظر کمیسیون عفو قوه قضاییه و قبول یا رد پیشنهاد عفواز طرف مقام معظم رهبری ، متوقف خواهد شد. در این موارد، دادگاه پرونده را از طریق هیات عفو سریعا به کمیسیون عفو قوه قضاییه ارسال می نماید. تبصره ـ نحوه اجرای تبصره ماده ۳۸ قانون ، نسبت به محکومین اعدام و حبس ابد همان است که در صدر ماده فوق آمده است . ماده ۳۲ ـ نظر به ذکر اسامی تعداد ۲۲ قلم مواد صنعتی و شیمیایی ، در جداول شماره ۱ و ۲ماده ۱۲ کنوانسیون ۱۹۸۸، در ماده ۴۰ قانون ، اسامی دقیق این مواد به ترتیب عبارتند از: ۱ ـ انیدریداستیک ، ۲ ـ استون ، ۳ ـ اسیدان ، ۴ ـ استیل انتراتیلیک ، ۵ ـ اتیل اتو، ۶ ـهیدروکلریک اسید، ۷ ـ ایزوسافرول ، ۸ ـ اسید لیسرژیک ، ۹ ـ متیل دی اکی ـ فنیل ۳ و ۴ پروپال ۲، ۱۰ ـ متیل اتیل کتون ، ۱۱ ـ اسید فنیل استیک ، ۱۲ ـ(۱ فنیل ۲ پروپان)، ۱۳ ـ پیپرونال ، ۱۴ ـپرمنگنات پتاسیم ، ۱۵ ـ سافرول ، ۱۶ ـ اسید سولفوریک ، ۱۷ ـ تولوئن ، ۱۸ ـ افدرین ،۱۹ـارگومترین ، ۲۰ ـ ارگوتامین ، ۲۱ ـ پیپریدین ، ۲۲ ـ سودافدرین . تبصره ۱ ـ چون تعدادی از مواد مذکور، به جهات مصارف خاص ، در دسترس عموم است ، در کلیه موارد کشف مواد مذکور، سونیت مرتکب با توجه به میزان مواد و سایرعوامل ملاک احراز جرم توسط دادگاه است . تبصره ۲ ـ ذکر داروهای روان گردان در ماده ۴۰ قانون متاثر از عنوان کنوانسیون ۱۹۸۸ بوده و منصرف از قانون مربوط به مواد روان گردان (پسیکوتروپ) مصوب ۱۳۵۴ می باشدکه در کنوانسیون ۱۹۷۱ تصویب شده است . تبصره ۳ ـ وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی مکلف است آیین نامه اجرایی مربوط به مواد روان گردان را حداکثر ظرف مدت دو ماه تهیه و پس از تصویب ستاد به اجرابگذارد. ماده ۳۳ ـ شوراهای هماهنگی موظفند بالحاظ تقسیمات کشوری (شهرستان ـ شهر ـبخش) نسبت به تاسیس شوراهای فرعی مبارزه با موادمخدر اقدام نمایند. تبصره ـ کمیسیونهای فروش اموال مصادره ای ، صرفا در مراکز استانها و تهران تشکیل می گردد. ماده ۳۴ ـ این آیین نامه در ۳۴ ماده و ۲۸ تبصره در تاریخ ۲۲/۱۰/۷۷ به تصویب ستادمبارزه با موادمخدر رسید و آیین نامه های مغایر با این آیین نامه از درجه اعتبار ساقط است .

آیین نامه عفو و تخفیف مجازات محکومین مواد مخدر که در اجرای مصوبه ۳/۸/۶۷ مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام

مصوب ۲/۱۲/۱۳۶۹ ستاد مبارزه با مواد مخدر ماده ۱ ـ ستاد پیشنهاد عفو تخفیف مجازات محکومینی که مجازات در روحیه آنان موثر واقع و موجب تنبه ایشان شده و به راه صلاح بازگشت باشند را با رعایت بندها و موارد ذیل پذیرفته و مشمول عفو تخفیف قرار خواهند داد به استثنا کسانی که : الف) سابقه محکومیت موثر در زمینه مواد مخدر داشته باشند. ب) اشتهار به فعالیت در جهت تهیه و توزیع و مصرف مواد مخدر داشته باشند. ج) درگیری مسلحانه با نیروی نظامی و انتظامی د) از اعضا شبکه های تهیه و توزیع مواد مخدر باشند. ه) از عناصر اصلی شبکه های تهیه و توزیع مواد مخدر باشند. و) سابقه فرار داشته و یا اقدام به تشکیل شبکه های مخفی به منظور اجرای طرح فرار و ورود مواد مخدر به داخل زندان نموده باشند. ز) زندانیان را تحریک به اغتشاش نموده و یا اشتهار به فساد و شرارت داشته باشند. بند ۱ ـ محکومینی که حکم محکومیت آنان اعدام باشد قبل از اجرای حکم با درخواست مقام قضایی مربوطه و پیشنهاد قوه قضائیه پس از موافقت ستاد با یک درجه تخفیف از اعدام به حبس ابد تقلیل می یابد در این صورت اجرای حکم تا اعلام نتیجه متوقف خواهند ماند. بند ۲ ـ محکومینی که حکم محکومیت آنان حبس ابد یا بیش از ۱۵ سال باشد با یک درجه تخفیف به ۱۵ سال حبس تقلیل می یابد مشروط بر اینکه محکومین حبس ابد حداقل ۱۵ سال و در سایر موارد تا ۱۰ سال از محکومیت اولیه خود را گذرانده باشند. بند ۳ ـ محکومینی که حبس آنان بیش از ۱۰ الی ۱۵ سال باشد محکومیت آنان به نصف تقلیل می یابد مشروط بر اینکه ۵ سال از مدت محکومیت خود را سپری کرده باشند. بند ۴ ـ محکومینی که حبس آنان بیش از ۵ الی ۱۰ سال باشد محکومیت آنان به نصف تقلیل می یابد مشروط بر اینکه حداقل ۲ سال از مدت محکومیت مقرر در حکم اولیه راسپری کرده باشند. بند ۵ ـ محکومینی که حبس آنان ۵ سال و کمتر باشد پس از تحمل نصف مدت محکومیت مقرر در حکم اولیه مشمول عفو خواهند شد. بند ۶ ـ محکومینی که در اجرای ماده ۳۱ قانون مبارزه با مواد مخدر

به جای پرداخت جریمه تحمل حبس می نمایند با احتساب بندهای فوق جریمه آنها مشمول عفو تخفیف خواهد شد. بند ۷ ـ محکومینی که حبس و جزای نقدی داشته باشند پس از اتمام مدت محکومیت حبس از طریق تحمل حبس یا با استفاده از عفو در خصوص جزای نقدی مشمول بند ۶خواهند شد. ماده ۲ ـ ستاد لیست پیشنهادی عفو یا تخفیف مجازات را جهت بررسی و اعلام نظر ازقوه قضائیه دریافت خواهد کرد. ماده ۳ ـ درخواست عفو مجدد در مورد محکومین ماده ۱ منوط به سپری کردن ثلث محکومیت باقی مانده پس از عفو می باشد. ماده ۴ ـ در موارد خاص با صلاحدید ستاد عفو یا تخفیف مجازات مشمول شرایط وبندهای فوق نخواهد شد. ماده ۵ ـ دفتر هماهنگی ، بازرسی و پیگیری امور قضایی ستاد موظف است پس از احرازشرایط مندرج در ماده یک بر اساس این آیین نامه نظر ستاد را در خصوص عفو یا تخفیف به قوه قضائیه منعکس نمایند. تبصره ـ در صورت وجود اختلاف نظر بین مقام قضایی پیشنهاد دهنده عفو یا تخفیف ونیروی انتظامی عمل کننده ، دفتر قضایی ستاد از طریق دعوت به تشکیل کمیسیونی مرکب از:معاون قضایی دادستان کل کشور، مسئول امور قوه قضائیه ، مسئول دفتر قضایی ستاد، کمیته انقلاب اسلامی و نماینده سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی حل اختلاف خواهدنمود. این کمیسیون زیر نظر ستاد خواهد بود. ماده ۶ ـ این آیین نامه مشتمل بر ۶ ماده ۷ بند و ۱ تبصره در جلسه مورخ ۲/۱۲/۶۹ ستاد به تصویب رسید.

آیین نامه کمیسیون عفو و بخشودگی

فصل اول : تشکیلات و روش کار

ماده ۱ ـ کمیسیون عفو و بخشودگی از پنج نفر اشخاص آشنا به احکام شرع انور و قانون و تشکیلات قوه قضائیه تشکیل می گردد که توسط رئیس محترم قوه قضائیه به محضر مقام معظم رهبری مدظله العالی پیشنهاد شده و پس از تأیید معظم له از سوی رئیس محترم قوه قضائیه برای سه سال انتخاب می شوند. تبصره ۱ ـ اعضا از بین خود یک نفر را به عنوان رئیس و یک نفر را به عنوان دبیرانتخاب می نمایند. تبصره ۲ ـ جلسات کمیسیون با حضور حداقل سه نفر از اعضا رسمیت خواهد یافت واتخاذ تصمیم با اکثریت اعضا حاضر در جلسه خواهد بود. ماده ۲ ـ کمیسیون عفو و بخشودگی در حد نیاز و تشخیص در مراکزاستانها و شهرستانها هیاتی مرکب از رئیس دادگستری ، قاضی تحقیق زندان و رئیس زندان را برای بررسی وضعیت متقاضیان عفو اعلام نظر به کمیسیون تشکیل خواهد داد ریاست هیات با رئیس دادگستری خواهد بود. تقاضاهای رسیدگی به کمیسیون عفو از ناحیه محکومین و خانواده آنان جهت بررسی واعلام نظر به کمیسیون عفو به روسای هیات های مذکور در این ماده ارسال خواهد شد. ماده ۳ ـ هیات های مذکور پس از انجام تحقیقات لازم و اخذ نظریه اداره اطلاعات در رابطه با گروهک ها و محکومین امنیتی و نظریه ستاد مواد مخدر در رابطه با محکومین موادمخدر و نظر سازمان قضایی نیروهای مسلح در رابطه با محکومین نظامی گزارش کاملی ازوضعیت محکومین استان را به طور مستدل و مستند همراه با جمع بندی و پیشنهاد به کمیسیون عفو و بخشودگی ارسال می نمایند. ماده ۴ ـ کمیسیون عفو به طور مرتب تشکیل جلسه داده و پیشنهادات واصله از هیاتها را بررسی و در صورت تصویب فهرست اسامی این قبیل محکومین توسط رئیس کمیسیون عفو تقدیم ریاست محترم قوه قضائیه خواهد شد. ماده ۵ ـ ریاست قوه قضائیه در صورت تایید مصوبات کمیسیون عفو فهرست اسامی مورد تصویب کمیسیون را حداقل ۱۵ روز قبل از یکی از مناسبتهای مقرره به محضر مقام معظم رهبری پیشنهاد و نتیجه را جهت اجرا به ریاست کمیسیون عفو اعلام می نماید. ماده ۶ ـ ریاست کمیسیون عفو بلافاصله پس از دریافت فرمان عفو فهرست اسامی عفوشدگان را به اداره عفو و بخشودگی جهت ابلاغ به دادسراهای مجری حکم ارسال می دارد. ماده ۷ ـ کمیسیون عفو در اجرای منویات مقام معظم رهبری و رسیدگی دقیق و تامین مصالح فردی و اجتماعی محکومین و جلوگیری از سو استفاده احتمالی و اینکه اعمال عفو،اجرای کیفر را بی هدف جلوه ندهد و درک واقعی و عمیق مسائل مبتلی به

محکومین و خانواده آنان و اطلاع از موقعیتهای اجتماعی و سیاسی و بافت مناطق و احرازضرورت یا عدم ضرورت اعمال عفو در نقاط مختلف کشور، موظف است در موارد لازم به شهرستانها واستانها عزیمت و با همکاری هیاتهای مذکور در ماده ۲ وضعیت محکومیتن را بررسی واعلام نظر نماید. تبصره ـ هزینه های کمیسیون و فوق العاده اعضا و کارکنان و هیاتها و تهیه امکانات ازقبیل اتومبیل و... از محل بودجه خارج از شمول محاسبات عمومی که ریاست محترم قوه قضائیه در اختیار ریاست کمیسیون عفو قرار خواهند داد تأمین خواهد شد، ترتیب و نحوه پرداخت طبق دستورالعملی خواهد بود که به تصویب ریاست محترم قوه قضائیه می رسد.

فصل دوم : مناسبتهای عفو و بخشودگی

ماده ۸ ـ مناسبت های عفو و بخشودگی به شرح زیر می باشد: ۱ ـ مبعث حضرت رسول اکرم (ص)۲۷ رجب ۲ ـ ولادت حضرت رسول اکرم (ص)۱۷ ربیع الاول ۳ ـ ولادت حضرت امیرالمؤمنین (ع)۱۳ رجب ۴ ـ ولادت امام حسین (ع)۳ شعبان ۵ ـ ولادت حضرت قائم (عج)۱۵ شعبان ۶ ـ عید سعید فطراول شوال ۷ ـ عید سعید قربان ۱۰ ذی الحجه ۸ ـ عید سعید غدیر۱۸ ذی الحجه ۹ ـ سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ۲۲ بهمن ۱۰ ـ سالروز جمهوری اسلامی ۱۲ فروردین ۱۱ ـ عید نوروز اول فروردین تبصره ـ در صورت لزوم ریاست قوه قضائیه با کسب نظر از مقام معظم رهبری می توانند دستور تشکیل کمیسیون را به مناسبتهای دیگر به رئیس کمیسیون بدهند.

فصل سوم : شرایط و سیاست های عفو و تخفیف در مجازات

ماده ۹ ـ در پیشنهادات عفو و تخفیف مجازاتها، رعایت شرایط و نکات زیر برای کمیسیون عفو و بخشودگی ضروری و لازم الاتباع می باشد: ۱ ـ اصلاح مجرم و توجه به شخصیت محکوم و خانواده وی . ۲ ـ توجه به ضرورتها و مصالح اجتماعی ، سیاسی ، جغرافیایی . ۳ ـ مستثنی نمودن حق الناس از شمول عفو، خصوصاًقتل های عمد. ۴ ـ شمول عفو نسبت به محکومینی که به علت عجز از پرداخت جزای نقدی در زندان بسر می برند خصوصاً برای محکومینی که تا سقف یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم شده و به لحاظ ناتوانی از پرداخت آن زندانی هستند. ۵ ـ توجه به سوابق اجتماعی محکوم و لحاظ نمودن سوابق کیفری وی از جهت تکرارجرم و همچنین تعدد جرم . ۶ ـ اخذ نظر صریح مسئولین و مراجع ذیربط در خصوص محکومین از قبیل وزارت اطلاعات ، سازمان قضایی و.... ۷ ـ مستثنی نمودن جرایم خاص از قبیل جاسوسی ، ارتشا، زنای به عنف ، آدم ربایی ،سرقت مسلحانه از شمول عفو و بخشودگی . ۸ ـ تنافی نداشتن عفو اعطایی با امر قضا با کیفیتی که احکام صادره بی مفهوم و بی معنا جلوه ننماید. ۹ ـ سری بودن تمام مراحل عفو. ۱۰ـ توجه به رهنمودها و تدابیر و منویات رهبرمعظم انقلاب اسلامی درمقاطع اعطای عفو

فصل چهارم : موارد شمول عفو و تخفیف

ماده ۱۰ ـ تقاضا و پیشنهاد عفو و تخفیف برای محکومیتهای ذیل پذیرفته می شود: ۱ ـ کلیه محکومیتهای اعدام (به استثنا قصاص نفس) حبس و جزای نقدی و شلاق که ازناحیه مراجع قضایی (دادگاههای عمومی ـ انقلاب ـ نظامی ـ ویژه روحانیت) و قانونی صادرشده است . ۲ ـ کلیه محکومیتهای محرومیت از حقوق اجتماعی یا اقامت و یا ممنوعیت از اقامت درمحل معین . ۳ ـ کلیه محکومیتهای تکمیلی و تبعی صادره از مراجع قضایی و قانونی . ۴ ـ کلیه محکومیتهای اضافه خدمت سربازی و یا تنزیل درجه پرسنل نیروهای مسلح . تبصره ۱ ـ در مورد احکام اعدام (به استثنای قصاص نفس) چنانچه پس از صدور حکم قطعی محکوم به

اعـدام و یـا خانواده وی درخواست عفو نمایـد حسب مورد رئیس هیات یادادسـتان موظف به ارسال تقاضای محکوم علیه و پرونـده مربوطه با اظهارنظر صـریح به ریاست کمیسـیون عفو می باشـند، کمیسـیون عفو فورا در وقت فوق العاده و حداکثر تا دو ماه ازتاریخ دریـافت تقاضا در خصوص مورد رسـیدگی نموده و اعلام نظر می نمایـد اجرای حکم تااعلام نتیجه وسـیله رئیس کمیسـیون عفو به تاخیر خواهد افتاد. تبصـره ۲ ـ در صـورت موافقت بـا عفو محکوم به اعـدام کمیسـیون حق نـدارد بیش از دودرجه تخفیف برای وی منظور و مجازات را کمتر از ۱۵ سال حبس تعیین نماید مگر بنا به فرمان مقام معظم رهبری . تبصره ۳ ـ برای محکومانی که تقاضای عفو آنان از طرف کمیسیون عفو رد شده است ،پیشنهاد مجدد عفو در صورتی بلامانع است که علت رد منتفی شده باشد. ماده ۱۱ ـ اداره عفو و بخشودگی موظف است کلیه پیشـنهادات و تقاضاها را به ترتیب تاریخ وصول ثبت و به کمیسـیون ارسال دارد. تبصـره ـ ریاست کمیسـیون می توانند در صورت تشـخیص ضـرورت پرونده هایی راخارج از نوبت در کمیسـیون مطرح نمایند. ماده ۱۲ ـ در خصوص دسـتورات ریـاست کمیسیون جهت تکمیـل تقاضـا و پیشـنهادات ویـا هرگونه اطلاعاتی که برای اتخاذ تصـمیم کمیسـیون ضرورت دارد کلیه مراجع قانونی موظف به ارسال پاسخ به کمیسـیون عفو می باشـند. ماده ۱۳ ـ در پیشـنهاد عفو یا تخفیف مجازات امور زیر درج می شود. ۱ ـ مشخصات محکوم علیه شامل : نام و نام خانوادگی ، شهرت ، نام پدر، سن ، تاهل ، سواد،اولاد و تابعیت ۲ ـ تاریخ شـروع به اجرا مجازات و مدتی که محکوم علیه قبل از شـروع به اجرا در زندان بوده است . ۳ ـ تعداد عائله محکوم علیه و وضع معیشت آنهـا ۴ ـ میزان تـاثیر مجـازات در روحیـه محکـوم علیه ۵ ـ رونـوشت کیفر خـواست ، دادنـامه قطعی مـورد اجرا سوابق کیفری ۶ ـ مدارک لازم مبنی بر رضایت شاکی و یا مدعی خصوصی . ۷ ـ موجبات پیشنهاد عفو به شرح ماده ۱۰ ماده ۱۴ ـ مقررات این آیین نـامه نـافی اختیـارات قـانونی ریـاست قوه قضـائیه نخواهـد بود. ماده ۱۵ ـ ایـن آییـن نـامه در ۱۵ مـاده و ۸ تبصـره درتاریخ ۱۹/۹/۱۳۷۳ توسط ریاست قوه قضائیه به محضر مقام معظم رهبری پیشنهاد و مورد تصویب معظم له قرار گرفت .

آیین نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به موادمخدر و حمایت از افراد در معرض خطر اعتیاد

ماده ۱ ـ در اجرای مـواد ۳۳ و ۳۴ قانون اصـلاح قانون مبارزه با مواد مخـدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۸/۷/۷۶ مجمع تشخیص مصـلحت نظـام و به منظور: ۱ ـ پیشـگیری از اعتیـاد به مـواد مخـدر و داروهـای روان گردان ، ۲ ـ درمـان و بـازپروری معتادان ، ۳ ـ تمهیـدات لازم پس از آزادی ، ۴ ـ اتخـاذ تـدابیر منـاسب به منظور مصون سـازی افراد در معرض خطر و انجـام اقـدامات فرهنگی ، ارشـادی ، تبلیغی و معاضـدتی جهت کاهش تقاضای مواد مخـدر، اعضای سـتاد مبارزه با مواد مخـدر و سایر وازرتخانه ها، سازمانها وموسسات دولتی و غیر دولتی ضمن جلب حمایت مردمی موظفند به شرح مواد آتی اقدام نمایند. ماده ۲ ـ وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشـکی موظف است با هماهنگی دبیرخانه سـتاد مبارزه با مواد مخـدر نسـبت به انجام موارد ذیل الـذکر اقـدام نماید: ۱ ـ توسـعه و تجهیز مراکز تخصصـی برای درمان معتادان خود معرف و ارایه تسهیلات ویژه درمانی به منظور ترغیب بخش خصوصی به ایجاد مراکز ترک اعتیاد ۲ ـ فراهم آوردن تسـهیلات و امکانات لازم (از جمله داروهای مورد نیاز) برای فعال کردن شـبکه بهداشتی و درمـانی کشور به منظور ترک اعتیـاد معتـادین . ۳ ـ تـامین و تربیت کـادر تخصصـی مراکز درمانی و بازپروری و ایجاد واحـدهای درسی وتخصصی ویژه در چارچوب آموزشهای دانشگاهی برای پزشکان ، روانپزشکان ،روانشناسان و مددکاران اجتماعی در زمینه آسیب شناسی روانی و بهبود وضعیت معتادان ؛ ۴ ـ ادغام برنامه های پیشگیری و درمان اعتیاد در نظام بهداشتی و درمانی کشور؛ ۵ ـ طراحی و اجرای منطقه ای برنـامه هـای جـامع پیشـگیری از اعتیاد؛ ۶ ـ انجـام تمهیـدات لازم برای نهادینه کردن آموزش دانشـجویان رشـته های پزشـکی وپیراپزشـکی و بازآموزی مداوم روانپزشـکان ، پزشـکان و کادر پیراپزشـکی ؛ ۷ ـ برقراری دوره هـای آمـوزش تکمیلی و روانپزشکی اعتیاد و رشته های تخصصی باگرایش اعتیاد برای رشته های مربوطه پیراپزشکی ، روانشناسی و جامعه شناسی ؛ ۸ ـ تولیـد مجموعه هـای آموزشـی و برگزاری دوره هـای آموزشـی برای گروههـای مختلف هـدف شامل : کودکان و نوجوانان ،

کادر آموزش و پرورش ، والدین ، مربیان و رابطین بهداشت ؛ ۱۰ ـ گسترش کمی و کیفی مراکز مشاوره ای و حمایتی برای گروههای در معرض خطر وخطوط تلفنی مداخله در بحران برای اعتیاد؛ ۱۱ ـ طراحی برنامه های آزمایش تصادفی اعتیاد برای مراکز دولتی و کارگاههای تابع قانون کار؛ ۱۲ ـ تمهید اقدامات لازم برای گسترش مشارکتهای مردمی در امر پیشگیری و درمان اعتیاد بویژه گروههای خودیاری معتادان با هماهنگی وزارت کشور؛ ۱۳ ـ انجام اقدامات لازم برای اجرای کنوانسیون ۱۹۶۱، ۱۹۷۱ و ۱۹۸۸ در خصوص نظارت بر مواد و داروهای اعتیادآور؛ ۱۴ ـ فراهم نمودن امکان درمان معتادان در کلیه درمانگاههای عمومی و امکان بستری معتادان نیازمند به درمان به شیوه بستری ، گسترش مراکز خاص درمان و بازتوانی معتادان وتمهید تسهیلات لازم برای راه اندازی کلینیک های خصوصی ترک اعتیاد، تامین داروها وکیت های تشخیصی مورد نیاز؛ ۱۵ ـ فراهم نمودن امکانات لازم برای کاهش آسیبهای بهداشتی ناشی از اعتیاد؛ ۱۶ ـ ایجاد بانک اطلاعات اعتیاد واجرای برنامه های سالانه همه گیرشناسی اعتیاد؛ ۱۷ ـ ارتباط با سازمانهای بین المللی مرتبط با کاهش تقاضای مواد مخدر و تمهیددریافت امکانات و کمکهای مربوطه از آنان با هماهنگی ستاد؛ تبصره ۱ ـ وزارت بهداشت موظف است در فاصله زمانی یکسال با هماهنگی سازمان امور استخدامی نسبت به ایجاد تشکیلات مناسب به نحوی که بتواند مرجعیت و تمرکزاقدامات کاهش تقاضا در کشور و اهداف پیش بینی شده در این آیین نامه را تامین نماید، اقدام و به تصویب هیأت وزیران برساند. تبصره ۲ ـ دستورالعمل اجرایی ماده ۲و تبصره های مربوطه طبق جدول زمان بندی توسط وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی تدوین و پس از تصویب وزیر متبوع جهت اجراء ابلاغ خواهد شد. ماده ۳ ـ کمیته امداد امام خمینی (ره) در بودجه سالانه خود اعتبار لازم جهت اعطای پوشش مناسب مالی و حمایتی ، برای خانواده های معدومین (کودکان ، همسران و افراد تحت تکفل) با کمک موسسات خیریه ، عام المنفعه و افراد نیکوکار پیش بینی می نماید. تبصره ـ آیین نامه مربوط به طرز تامین بودجه و نحوه اختصاص آن به خانواده های تحت پوشش و نیز افراد مشمول این ماده توسط کمیته امداد امام خمینی (ره) با هماهنگی دبیرخانه ستاد تدوین و به تصویب ستاد مبارزه با مواد مخدر خواهد رسید. ماده ۴ ـ دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر موظف است با کمک وزارت امور خارجه نسبت به جذب کمکهای آموزشی و مالی از سازمانهای بین المللی ، منطقه ای و سایر کشورهاجهت پیشگیری ، درمان و آموزش عمومی اقدام نماید. ماده ۵ ـ وزارت آموزش و پرورش موظف است با اتخاذ تدابیر لازم نسبت به اجرای موارد ذیل در وزارتخانه و ادارات تابعه اقدام نماید. ۱) ارائه و اجرای طرحهایی به منظور پیشگیری از اعتیاد و آلودگی به مواد مخدروافزایش آگاهیهای پرسنل (اداری و آموزشی)، دانش آموزان و انجمن اولیاء و مربیان . ۲) شناسایی دانش آموزان در معرض آسیب (دانش آموزانی که سرپرست یا والدین آنهاقاچچی ، معتاد، زندانی یا فراری هستند) و اتخاذ تدابیر مقتضی نسبت به معرفی آنان به مراجع پیشگیری و حمایتی و در صورت لزوم انجام مشاوره و آموزشهای لازم برای این نوع دانش آموزان . ۳) شناسایی دانش آموزان معتاد، مصرف کننده یا توزیع کننده مواد مخدر و اتخاذ تدابیر لازم جهت اقدامات درمانی ، حمایتی ، تامینی و قانونی برای آنها. تبصره ـ انجام موارد مذکور باید به نحوی صورت پذیرد تا آسیب روانی و اجتماعی به اینگونه دانش آموزان وارد نیاورد. ۴) فراهم آوردن زمینه اجرای برنامه های آموزشی ، فرهنگی ، تبلیغاتی از طریق مقتضی . ۵) اجرای برنامه های فرهنگی و تجهیز کتابخانه های مدارس و نیز گسترش مراکزمشاوره برای اوقات فراغت دانش آموزان . ۶) تهیه و انتشار بروشورهای تبلیغی به منظور آگاهی دانش آموزان و خانواده آنها ازاثرات و مضرات اعتیاد. ماده ۶ ـ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است نسبت به موارد ذیل اقدام نماید: ۱) اتخاذ تدابیر لازم برای آموزش عمومی (از جمله درج آگهی های آموزشی باتخفیف ویژه) از طریق رسانه های نوشتاری (مجلات / روزنامه ها/ کتب و...) و ایجاد زمینه مناسب جهت تسهیل انتشار کتب آموزشی مربوطه . ۲) فراهم آوردن زمینه مناسب جهت ساخت فیلمهای کوتاه و بلند مدت سینمایی ،آموزشی یا هشدار دهنده و کمک به اجرای تئاترهای مختلف و انجام برنامه های هنری وتشویق هنرمندان متعهد و مجرب کشور جهت شرکت در برنامه های پیشگیری ۳) تخصیص بخشی از اقلام فرهنگی با یارانه به متقاضیان بخش خصوصی و دولتی

فعال در امر پیشگیری با هماهنگی دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر. ماده ۷ ـ سازمان صدا و سیما مکلف است با هماهنگی ستاد مبارزه با مواد مخدر درصدی از برنامه های خود را در قالب فیلم ، سریال ، پیامهای آموزشی و هشدار دهنده و آموزشهای تخصصی از شبکه سراسری و شبکه های استانی در زمینه پیشگیری و درمان اعتیاداختصاص دهد. ماده ۸ ـ سازمان تبلیغات اسلامی موظف است با توجه مبلغین اعزامی به اقصی نقاط کشور تمهیدات لازم را برای فراگیر کردن امر پیشگیری از اعتیاد و... فراهم آورد. ماده ۹ ـ بکارگیری و استخدام معتادین اصلاح شده در صورتی که منع قانونی دیگری برای اشتغال نداشته باشند بلامانع است . وزارت کار و امور اجتماعی ، سازمان امور اداری واستخدامی ، هیأتهای گزینش و هیأتهای رسیدگی به تخلفات اداری مکلف است تدابیر لازم را در این خصوص اتخاذ نماید. ماده ۱۰ ـ از آنجا که عمده فعالیتهای عمرانی شهرداریها تاثیر مستقیمی در پیشگیری ازوقوع بزه و بویژه اعتیاد دارد، لذا به منظور جهت دهی این اقدامات برای پیشبرد امرپیشگیری از اعتیاد، شهرداران سراسر کشور به عنوان اعضای شوراهای هماهنگی استانها وشهرستانها در جلسات مذکور شرکت خواهند نمود. ماده ۱۱ ـ ستاد کل نیروهای مسلح و کلیه وزارتخانه ها، ارگانها، نهادها، موسسات وشرکتهای دولتی موظفند باهماهنگی ستادمبارزه با مواد مخدر ضمن تخصیص و بخشی ازفعالیتهای تبلغی و فرهنگی خود با برگزاری جلسات آموشی درون سازمانی ،پرسنل ذیربط وخانواده آنها را از لحاظ اقدامات کاهش تقاضا تحت پوشش قرار داده و تسهیلات لازم را نیزجهت ترک اعتیادپرسنل معتادفراهم نمایند. ماده ۱۲ ـ سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی با هماهنگی و همکاری وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی و سازمان تربیت بدنی موظف است با انجام فعالیتهای فرهنگی ، تبلیغی ، آموزشی و ورزشی و ارایه خدمات مشاروه ای درمانی و مددکاری درزندانها و سایر مراکز مربوط نسبت به بهبود وضعیت جسمی و روحی معتادان زندانی اقدامات لازم را به عمل آورد. ماده ۱۳ ـ وزارتخانه های کار و امور اجتماعی ، کشاورزی ، جهاد سازندگی و نیرو مکلفندبا همکاری سازمان زندانها نسبت به گسترش امکانات لازم جهت کارآموزی در داخل وخارج از زندان برای معتادان فاقد تخصص یا شغل معین اقدام نمایند. ماده ۱۴ ـ این آیین نامه در ۱۴ ماده و چهار تبصره در جلسه مورخ ۲۰/۱۱/۷۷ به تصویب ستاد مبارزه با مواد مخدر رسیده و کلیه آیین نامه ها مغایر با آن ملغی اعلام می گردد.

آیین‌نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح

مصوب ۱۰/۱۱/۱۳۵۳ وزارت جنگ در اجرای تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح بدین‌وسیله انواع اسلحه سرد جنگی و شکاری را به شرح زیر اعلام می‌دارد: الف ـ انواع اسلحه سرد جنگی ۱ ـ انواع سرنیزه‌های قابل نصب به تفنگ ۲ ـ انواع کاردهای سنگری متداول در نیروهای مسلح یا مشابه آنها. ب ـ انواع اسلحه شکاری ۱ ـ انواع تفنگهای ساچمه‌زنی ۲ ـ انواع تفنگهای مخصوص بیهوش کردن جانداران ۳ ـ انواع تفنگهای مخصوص شکار حیوانات آبزی

۳– تخلفات صنفی و تعزیرات

قانون تعزیرات حکومتی – مصوب ۲۳/۱۲/۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام

فصل اول ـ تخلفات و تعزیرات مربوطه

مصوب ۲۳/۱۲/۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام ماده ۱ ـ با توجه به ضرورت نظارت و کنترل دولت بر فعالیتهای اقتصادی و لزوم اجرای مقررات قیمت گذاری و ضوابط توزیع متخلفین از اجرای مقررات براساس مواد این قانون تعزیر می‌شوند. فصل اول ـ تخلفات و تعزیرات مربوطه ماده ۲ـ گرانفروشی عبارت است از عرضه کالاـ یا خدمات به بهای بیش از نرخهای تعیین شده‌توسط مراجع

رسمی به طور علیالحساب یا قطعی و عدم اجرای مقررات و ضوابط قیمت‌گذاری و انجام هر نوع اقدامات دیگر که منجر به افزایش بهای کالا یا خدمات برای خریدار گردد. تعزیرات گرانفروشی براساس میزان و مراتب تخلف واحدها به شرح زیر می‌باشد: الف گرانفروشی تا مبلغ بیست هزار ریال مرتبه اول ـ تذکر کتبی تشکیل پرونده مرتبه دوم ـ اخطار شدید، اخذ تعهد کتبی مبنی بر عدم تخلف و ممهور نمودن پروانه واحد به مهر(تخلف اول . مرتبه سوم ـ جریمه از پنج هزار ریال تا پنج برابر میزان گرانفروشی و ممهور نمودن پروانه واحد به‌مهر (تخلف دوم . مرتبه چهارم ـ جریمه از ده هزار ریال تا ده برابر میزان گرانفروشی قطع تمام یا برخی خدمات‌دولتی از یک تا شش ماه و ممهور نمودن پروانه واحد به مهر (تخلف سوم . مرتبه پنجم ـ علاوه بر اخذ جریمه طبق مرتبه چهارم تعطیل موقت از یک تا شش ماه و نصب‌پارچه به عنوان گرانفروش مرتبه ششم ـ تعطیل و لغو پروانه واحد. ب گرانفروشی از مبلغ بیش از بیست هزار ریال تا مبلغ دویست هزار ریال مرتبه اول ـ جریمه معادل مبلغ گرانفروشی و اخطار کتبی مرتبه دوم ـ جریمه از یک تا دو برابر میزان گرانفروشی و ممهور نمودن پروانه واحد به مهر (تخلف‌اول) مرتبه سوم ـ جریمه از یک تا پنج برابر میزان گرانفروشی اخطار قطع خدمات دولتی و ممهورنمودن پروانه واحد به مهر (تخلف دوم . مرتبه چهارم ـ علاوه بر اخذ جریمه طبق مرتبه سوم قطع تمام یا برخی خدمات دولتی از یک تا شش ماه و ممهور نمودن پروانه واحد به مهر (تخلف سوم) مرتبه پنجم ـ علاوه بر اخذ جریمه طبق مرتبه سوم تعطیل موقت واحد از یک تا شش ماه و نصب پارچه به عنوان گرانفروش مرتبه ششم ـ تعطیل و لغو پروانه واحد. ج گرانفروشی از مبلغ بیش از دویست هزار ریال تا مبلغ یک میلیون ریال مرتبه اول ـ جریمه از یک تا دو برابر میزان گرانفروشی اخذ تعهد کتبی مبنی بر عدم تخلف وممهور نمودن پروانه واحد به مهر (تخلف اول . مرتبه دوم ـ جریمه از دو تا پنج برابر میزان گرانفروشی قطع تمام یا برخی خدمات دولتی از یک تاشش ماه و ممهور نمودن پروانه واحد به مهر (تخلف دوم) مرتبه سوم ـ علاوه بر اخذ جریمه طبق مرتبه دوم تعطیل موقت واحد از یک تا شش ماه نصب‌پارچه به عنوان گرانفروش و ممهور نمودن پروانه واحد به مهر (تخلف سوم . مرتبه چهارم ـ علاوه بر اخذ جریمه طبق مرتبه دوم تعطیل و لغو پروانه واحد و لغو کارت بازرگانی د) گرانفروشی بیش از یک میلیون ریال مرتبه اول ـ جریمه از دو تا پنج برابر میزان گرانفروشی اخطار کتبی و ممهور نمودن پروانه واحد به‌مهر (تخلف اول . مرتبه دوم ـ جریمه از پنج تا هشت برابر میزان گرانفروشی قطع تمام یا برخی خدمات دولتی از یک تا شش ماه و ممهور نمودن پروانه واحد به مهر (تخلف دوم) مرتبه سوم ـ علاوه بر اخذ جریمه طبق مرتبه دوم تعطیل موقت واحد از یک تا شش ماه نصب پارچه به عنوان گرانفروش و ممهور نمودن پروانه واحد به مهر (تخلف سوم . مرتبه چهارم ـ علاوه بر اخذ جریمه طبق مرتبه دوم تعطیل و لغو پروانه واحد و لغو کارت بازرگانی تبصره ـ در صورت تکرار تخلف اعمال تعزیرات متناسب با مبلغ و مراتب تخلف خواهد بود. ماده ۳ ـ کم‌فروشی و تقلب عبارت است از عرضه کالا یا خدمات کمتر از میزان و مقادیر خریداری‌شده از نظر کمی یا کیفی که مبنای تعیین نرخ مراجع رسمی قرار گرفته است تعزیرات کم‌فروشی و تقلب به میزان و مراتب آن عینا مطابق تعزیرات گرانفروشی می‌باشد. ماده ۴ ـ احتکار: عبارت است از نگهداری کالا به‌صورت عمده با تشخیص مرجع ذی‌صلاح و امتناع‌از عرضه آن به قصد گرانفروشی یا اضرار به جامعه پس از اعلام ضرورت عرضه توسط دولت تعزیرات احتکار به شرح زیر می‌باشد: مرتبه اول ـ الزام به فروش کالا و اخذ جریمه معادل ده درصد ارزش کالا. مرتبه دوم ـ فروش کالا توسط دولت و اخذ جریمه از بیست تا صد در صد ارزش کالا. مرتبه سوم ـ فروش کالا توسط دولت اخذ جریمه از یک تا سه برابر ارزش کالا، قطع تمام یا قسمتیاز سهمیه و خدمات دولتی تا شش ماه و نصب پارچه در محل واحد به‌عنوان محتکر. مرتبه چهارم ـ علاوه بر مجازات مرتبه سوم لغو پروانه واحد و معرفی از طریق رسانه‌های گروهی به عنوان محتکر. تبصره ـ در صورتی که نگهداری کالا با اطلاع مراجع ذی‌صلاح باشد مشمول احتکار نیست ماده ۵ ـ عرضه خارج از شبکه عبارت است از عرضه کالا برخلاف ضوابط توزیع و شبکه‌های‌تعیین شده وزارت بازرگانی و سایر وزارتخانه‌های ذی ربط تعزیرات عرضه خارج از شبکه نسبت به مقدار کالای به فروش رفته به شرح زیر می‌باشد: مرتبه اول ـ تذکر کتبی و قطع سهمیه به مدت سه ماه مرتبه دوم ـ اخذ

جریمه تا دو برابر مبلغ فروش خارج از شبکه مرتبه سوم ـ اخذ جریمه از سه تا پنج برابر مبلغ فروش خارج از شبکه تبصره ـ چنانچه کالا به فروش نرفته باشد، علاوه بر الزام به عرضه کالا در شبکه اخذ جریمه‌معادل ده درصد ارزش رسمی کالا. ماده ۶ ـ عدم درج قیمت عبارت است از عدم درج قیمت کالاها یا خدمات مشمول به نحوی که‌برای مراجعین قابل رویت باشد به‌صورت نصب برچسب یا اتیکت یا به‌صورت نصب تابلوی نرخ‌در محل واحد. تعزیرات عدم درج قیمت به شرح زیر می‌باشد: مرتبه اول ـ تذکر کتبی درج در پرونده واحد. مرتبه دوم ـ اخذ جریمه از پنج هزار ریال تا پنجاه هزار ریال مرتبه سوم ـ اخذ جریمه از پنجاه هزار ریال تا صد هزار ریال قطع تمام یا برخی خدمات دولتی ازسه تا شش ماه و در صورت مصلحت نصب پارچه به‌عنوان متخلف تبصره ـ در مواردی که قیمت رسمی برای کالا و خدمات تعیین شده باشد درج قیمت براساس‌قیمت رسمی خواهد بود. ماده ۷ ـ اخفا و امتناع از عرضه کالا: عبارت است از خودداری از عرضه کالای دارای نرخ رسمی به‌قصد گران‌فروشی یا تبعیض در فروش تعزیرات اخفا و امتناع از عرضه کالا به شرح زیر می‌باشد: مرتبه اول ـ تذکر کتبی درج در پرونده واحد و عرضه کالا به نرخ رسمی مرتبه دوم ـ عرضه کالا به نرخ رسمی و اخذ جریمه از دو تا پنج برابر ارزش رسمی کالا. مرتبه سوم ـ علاوه بر مجازات‌های مرتبه دوم قطع تمام یا برخی خدمات دولتی از سه تا شش ماه ماده ۸ ـ عدم صدور فاکتور: عبارت است از خودداری از صدور فاکتور مطابق فرمها و ضوابط تعیین‌شده وزارت امور اقتصادی و دارایی و صدور فاکتور خلاف واقع در مورد اقلام مشمول تعزیرات عدم صدور فاکتور به شرح زیر می‌باشد: مرتبه اول ـ تذکر کتبی درج در پرونده واحد. مرتبه دوم ـ اخذ جریمه از پنج هزار ریال تا پنجاه هزار ریال مرتبه سوم ـ اخذ جریمه از پنجاه هزار ریال تا صد هزار ریال قطع تمام یا برخی خدمات دولتی ازسه تا شش ماه و در صورت مصلحت نصب پارچه به‌عنوان متخلف ماده ۹ ـ عدم اجرای ضوابط قیمت گذاری و توزیع عبارت است از عدم مراجعه و ارایه مدارک لازم‌جهت اجرای ضوابط قیمت گذاری و توزیع به مراجع قانونی بدون عذر موجه و بیش از مدت سه ماه‌از تاریخ ترخیص کالای وارداتی یا تولید محصولات داخلی اقلام مشمول تعزیرات عدم اجرای ضوابط قیمت گذاری و توزیع به شرح زیر می‌باشد: مرحله اول ـ اخطار کتبی و تمدید مهلت حداکثر یک هفته مرحله دوم ـ جریمه از یک تا پنج برابر ارزش رسمی کالا و تمدید مهلت حداکثر یک هفته مرحله سوم ـ علاوه بر مجازات طبق مرحله دوم قطع سهمیه یا خدمات دولتی به مدت سه ماه و لغو کارت بازرگانی به مدت یک سال تبصره ـ مراحل فوق در مورد هر کالا ـ مستقلا اعمال خواهد شد. ماده ۱۰ ـ عدم اجرای تعهدات واردکنندگان در قبال دریافت ارز و خدمات دولتی عبارت است ازتخلف از ضوابط و مقررات تعیین شده دولت در مورد واردات که منجر به عدم اجرای تعهدات و یاکاهش کمی یا کیفی کالا ـ و یا خروج ارز از کشور گردد. تعزیرات عدم اجرای تعهدات واردکنندگان در قبال دریافت ارز و خدمات دولتی به شرح زیرمی‌باشد: جریمه معادل تفاوت نرخ ارز با نرخ رایج در بازار و یا اعاده عین ارز نسبت به مقدار کسری یا عدم‌انجام تعهدات تعلیق کارت بازرگانی از شش ماه تا یک سال و در صورت تکرار از یک سال تا ابطال‌و در صورت وقوع سواستفاده علاوه بر مجازات های فوق جریمه تا پنج برابر مبلغ سواستفاده تبصره ـ در صورتی که کالای وارده از نوع مجاز باشد پس از اعمال مجازاتهای فوق به صاحب آن مسترد می گردد. ماده ۱۱ ـ عدم اجرای تعهدات تولیدکنندگان در قبال دریافت ارز و خدمات دولتی عبارت است ازعدم تولید و عرضه محصول طبق قرارداد و برنامه تعیین شده دولت از قبیل نوع مقدار، قیمت ،استاندارد ، شرایط تحویل و ... بدون عذر موجه تعزیرات عدم اجرای تعهدات تولیدکنندگان در قبال دریافت ارز و خدمات دولتی به شرح زیرمی‌باشد: تذکر کتبی ضمن درج در پرونده واحد، اعلام مراتب به وزارتخانه یا موسسه ذی ربط جریمه معادل تفاوت نرخ ارز با نرخ رایج در بازار یا اعاده عین ارز نسبت به مقدار کسری یا عدم انجام تعهدات و درصورت تکرار علاوه بر مجازات فوق جریمه از یک تا سه برابر مبلغ سواستفاده تبصره ـ در صورتی که واحدهای تولیدی مبادرت به واردات مواد اولیه و یا کالای تجاری نمایندمشمول ماده ۱۰ خواهند بود. ماده ۱۲ ـ نداشتن پروانه کسب واحدهای صنفی عبارت است از عدم اخذ پروانه بدون عذر موجه‌ظرف مهلت و ضوابط و مقرراتی که توسط هیات عالی نظارت بر شورای مرکزی اصناف

تعیین واعلام می گردد. تعزیرات نداشتن پروانه کسب واحدهای صنفی متناسب با نوع واحدها به شرح زیر می‌باشد: الف در مورد واحدهای صنفی تولیدی مرحله اول ـ اخطار کتبی و تمدید مهلت تا مدت شش ماه مرحله دوم ـ قطع تمام یا برخی خدمات دولتی تا مدت سه ماه اخذ جریمه تا صد هزار ریال و تمدید مهلت تا سه ماه مرحله سوم ـ تعطیل واحد تا زمان اخذ پروانه کسب ب در مورد واحدهای صنفی خدماتی مرحله اول ـ اخطار کتبی و تمدید مهلت تا سه ماه مرحله دوم ـ قطع سهمیه یا برخی خدمات دولتی تا مدت سه ماه اخذ جریمه تا دویست هزار ریال و تمدید مهلت تا مدت سه ماه مرحله سوم ـ تعطیل واحد تا زمان اخذ پروانه کسب ج در مورد واحدهای صنفی خدماتی توزیعی مرحله اول ـ اخطار کتبی و تمدید مهلت تا مدت دو ماه مرحله دوم ـ قطع سهمیه یا برخی خدمات دولتی تا مدت سه ماه اخذجریمه تا پانصد هزار ریال وتمدید مهلت تا مدت یک ماه مرحله سوم ـ تعطیل واحد تا زمان اخذ پروانه کسب ماده ۱۳ ـ نداشتن پروانه بهره‌برداری واحدهای تولیدی عبارت است از عدم اخذ پروانه بهره‌برداری‌بدون عذر موجه ظرف مهلت و ضوابط و مقرراتی که توسط وزارتخانه‌های تولیدی (حسب مورد)تعیین و اعلام می گردد. تعزیرات نداشتن پروانه بهره‌برداری واحدهای تولیدی به شرح زیر می‌باشد: مرحله اول ـ اخطار کتبی و تمدید مهلت تا مدت شش ماه مرحله دوم ـ قطع سهمیه یا برخی خدمات دولتی تا مدت سه ماه اخذ جریمه تا مبلغ دویست‌هزارریال وتمدید مهلت تامدت سه ماه مرحله سوم ـ تعطیل واحد تا زمان اخذ پروانه بهره‌برداری تبصره ـ در مورد واحدهای فاقد گواهی از موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی (در مورد اقلام‌مشمول استاندارد اجباری که تولیدات آنها از نظر ایمنی مضر باشد بلافاصله نسبت به تعطیل واحدتا زمان اخذ پروانه اقدام می گردد. ماده ۱۴ ـ فروش ارزی ریالی عبارت است از فروش کالا یا خدمات در مقابل دریافت ارز یاواریزنامه ارز صادراتی بابت تمام یا قسمتی از بهای کالا یا خدمات در داخل کشور برخلاف مقررات‌قانون و مصوبات دولت تعزیرات فروش ارزی ریالی به شرح زیر می‌باشد: اخذ کلیه ارز یا واریزنامه‌های دریافتی یا معادل ریالی آنها به نرخ بازار و در صورت تکرار علاوه برمجازات فوق ، حسب مورد قطع سهمیه و خدمات دولتی یا لغو کارت بازرگانی از سه تا شش ماه ماده ۱۵ ـ فروش اجباری عبارت است از فروش اجباری کالا به همراه کالای دیگر در سطح‌عمده‌فروشی یا خرده‌فروشی تعزیرات فروش اجباری به شرح زیر می‌باشد: جریمه از یک تا دو برابر ارزش کالای تحمیلی ماده ۱۶ ـ عدم اعلام موجودی کالا: عبارت است از عدم اظهار صحیح واحدهای عمده‌فروشی نسبت به مقدار موجودی کالاهای دارای نرخ رسمی که ضرورت اعلام آن توسط دولت تعیین‌می‌شود. تعزیرات عدم اعلام موجودی کالا ـ عینا مطابق تعزیرات اخفا و امتناع از عرضه کالا می‌باشد. ماده ۱۷ ـ در مواردی که کالا ـ برخلاف ضوابط و مقررات توزیع یا قیمت به صورت عمده در اختیاراشخاص غیرواجد شرایط جهت فروش قرار گیرد، علاوه بر مجازات فروشنده اشخاص حقیقی یاحقوقی خریدار کالا نیز به پرداخت جریمه معادل یک تا سه برابر درآمد من غیر حق محکوم‌می گردند. تبصره ـ در صورتی که کالا توسط خریدار به فروش نرفته باشد ضمن استرداد عین کالا، کلیه هزینه‌های جنبی به عهده خریدار می‌باشد.

فصل دوم ـ تخلفات بخش دولتی

ماده ۱۸ ـ در صورتی که تخلفات فصل اول در وزارتخانه‌ها و شرکتها و موسسات دولتی و تحت پوشش دولت و نهادهای انقلاب اسلامی و ملی شده واقع شود تعزیرات مربوطه به شرح زیر خواهدبود: الف در صورتی که درآمد حاصل از تخلفات در جهت منافع و مصالح شرکت یا دستگاه ذی ربط منظور شده باشد: مرتبه اول ـ اخذ درآمد حاصل از تخلفات و واریز آن به حساب خزانه مرتبه دوم ـ اخذ درآمد حاصل از تخلفات و واریز آن به حساب خزانه برکناری متخلف از سمت‌خود به‌طور دائم و انفصال از خدمات دولتی به مدت شش ماه مرتبه سوم ـ اخذدرآمد حاصل از تخلفات و واریز آن به حساب خزانه و انفصال دائم از خدمات دولتی ب در صورتی که در نتیجه تخلفات ارتکابی درآمد من غیر حق عاید فرد یا افراد در داخل یا خارج‌شرکت یا دستگاه شده باشد، انفصال دائم از خدمات دولتی اخذ درآمد حاصل از تخلفات و واریز آن به حساب خزانه و در صورتی که میزان اختلاس تا پنجاه

هزار ریال باشد، شش ماه تا سه سال حبس و هر گاه بیش از این مبلغ باشد، دو تا ده سال حبس و در هر مورد جریمه معادل دو برابر مبلغ اختلاس ج در صورتی که درنتیجه تخلفات هیچ‌گونه درآمدی عاید نشده باشد: مرتبه اول ـ برکناری متخلف از سمت خود از یک تا شش ماه مرتبه دوم ـ انفصال موقت از خدمات دولتی از سه ماه تا یک سال مرتبه سوم ـ انفصال دائم از خدمات دولتی تبصره ـ در صورتی که تخلفات در شرکتها و دستگاه‌های موضوع ماده ۱۷ توسط فرد یا افراد به صورت مستمر یا مکرر و به‌صورت تشکیل شبکه انجام گرفته باشد مشمول تعزیرات حکومتی شبکه خواهد بود و متخلفین از انجام خدمات دولتی محروم خواهند شد.

فصل سوم ـ تشکیلات تعزیرات حکومتی بخش دولتی

مواد ۱۹ تا ۳۷ ـ منسوخ گردیده است ماده ۳۸ ـ برای تخفیف و تعلیق مجازات های مقرر در این قانون علاوه بر شرایط لازم طبق قوانین جاری ، موافقت دادگاه صادرکننده حکم و دادستان مربوطه نیز ضروری می‌باشد. مواد ۳۹ تا ۴۷ ـ منسوخ گردیده است ماده ۴۸ ـ در صورتی که تخلفات مشمول تعزیرات حکومتی به صورت مستمر و یا مکرر و یا تشکیل شبکه انجام شده باشد متخلفان به اشد تعزیرات تعیین شده در هریک از جرایم ارتکابی و درمرتبه مربوطه محکوم می گردند. تبصره ـ در صورتی که تشکیل شبکه به قصد اخلال در نظام اقتصادی صورت گرفته باشد علاوه برمحکومیت به تعزیرات فوق توسط مراجع صدور احکام تعزیرات حکومتی ، موضوع توسط دادگاه انقلاب پیگیری می‌شود. ماده ۴۹ ـ در مواردی که در این قانون مراتب متعدد برای مجازات تعیین شده است چنانچه تکرارجرم با فاصله بیش از مدت دو سال از تاریخ قطعیت اولین حکم صورت گیرد، مرتبه اول تلقی می‌شود. ماده ۵۰ ـ در مواردی که در این قانون لغو پروانه و تعطیل واحد پیش‌بینی شده است اشتغال مجدد متخلفان در همان واحد پس از گذشت یک سال از تاریخ لغو پروانه موکول به تحصیل پروانه جدیدبا رعایت مقررات قانون مربوطه خواهد بود. ماده ۵۱ ـ در مواردی که تخلفاتی از انواع مختلف توسط متخلف صورت گیرد برای هریک از جرایم مجازات جداگانه تعیین می‌شود. ماده ۵۲ ـ تخلفاتی که در این قانون پیش‌بینی نشده‌اند تابع قوانین و مقررات جاری کشور می‌باشند و هر گاه برای تخلفات مذکور در این قانون در سایر قوانین کیفر شدیدتری مقرر شده باشد مرتکب به‌کیفر اشد محکوم خواهد شد. ماده ۵۳ ـ در مواردی که به‌علت وقوع تخلفات مشمول تعزیرات حکومتی خسارتی متوجه شرکتها و دستگاه‌های موضوع ماده ۱۹ این قانون شده باشد مراجع صدور احکام تعزیرات حکومتی ضمن صدور احکام تعزیرات عامل ورود خسارت را مکلف به جبران خسارت می‌نماید. ماده ۵۴ ـ در کلیه مواردی که به‌علت وقوع تخلفات مشمول تعزیرات حکومتی خسارتی متوجه اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی شده باشد حق شکایت برای آنها محفوظ خواهد بود. ماده ۵۵ ـ چنانچه محکوم از پرداخت جریمه تعیین شده خودداری کند مبلغ جریمه از اموال وی تأمین می‌شود لکن مستثنیات دین و وسایل تأمین حداقل معیشت متعارف مستثنی خواهدبود. ماده ۵۶ ـ کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون با رعایت ماده ۵۲ از تاریخ اجرا متوقف می گردد.

آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی

فصل اول ـ تشکیلات

ماده ۱ ـ در اجرای تبصره ۲ ماده واحده لایحه اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۲۳/۱۲/۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب ۱۹/۷/۷۳ و ماده ۳ آیین‌نامه شماره ۵۲۰۲ ـ ۷۳ م مصوب ۲۰/۷/۷۳ هیأت دولت سازمان (تعزیرات حکومتی) که در آیین‌نامه به اختصار سازمان نامیده می‌شود زیر نظر وزیر دادگستری تشکیل و براساس مقررات مندرج در این آیین‌نامه انجام وظیفه می‌نماید. ماده ۲ ـ رییس سازمان معاون وزیر دادگستری می‌باشدو توسط وزیر دادگستری منصوب خواهدشد و به تعداد مورد نیاز

معاون خواهد داشت ماده ۳ ـ امور اجرایی سازمان به‌عهده رییس آن بوده و کلیه وظایف قانونی را که در این آیین‌نامه و مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام مشخص شده ایفا خواهد کرد. ماده ۴ ـ در مراکز استانها اداره کل و در شهرستانها اداره تعزیرات حکومتی تشکیل می گردد. تبصره ـ تشکیل دفتر تعزیرات حکومتی در سایر شهرها به پیشنهاد رییس سازمان و تصویب وزیردادگستری خواهد بود. ماده ۵ ـ رییس شعبه اول تعزیرات حکومتی در تهران معاون رییس سازمان و رییس شعبه اول مراکز استانها مدیرکل استان و رییس شعبه اول شهرستان و سایر شهرها رییس اداره و دفتر مذکور خواهد بود. ماده ۶ ـ انجام کلیه امور اداری و مالی و خدماتی و پشتیبانی سازمان در تهران و مراکز استانها و شهرستان‌ها و سایر شهرها با معاونت اداری و مالی می‌باشد. ماده ۷ ـ معاونین سازمان به پیشنهاد رییس سازمان و ابلاغ وزیر دادگستری و مدیران کل روسای ادارات پس از تایید وزیر دادگستری و با ابلاغ رییس سازمان منصوب می گردند. ماده ۸ ـ به منظور رسیدگی و صدور رای راجع به تخلفات موضوع قانون تعزیرات حکومتی درمراکز استانها و شهرستان ها شعبی تحت عنوان شعب رسیدگی به تعزیرات حکومتی تشکیل خواهدشد. شعب مزبور شامل شعب بدوی و تجدیدنظر می‌باشد. تبصره ۱ ـ شعب بدوی با حضور یک نفر رییس تشکیل می گردد. تبصره ۲ ـ شعب تجدیدنظر با حضور یک نفر رییس و دو نفر عضو تشکیل می گردد، جلسه شعبه با حضور دو نفر رسمیت یافته و آرای صادره با دو رای موافق معتبر و لازمالاجرا خواهد بود. ماده ۹ ـ روسا و اعضای شعبه بدوی و تجدیدنظر به پیشنهاد مدیرکل استان و ابلاغ رییس سازمان‌منصوب می‌شوند. ماده ۱۰ ـ روسا و اعضای شعبه بدوی و تجدیدنظر می‌توانند از بین قضات کارمندان شاغل یا بازنشسته روحانیون و نیروهای مسلح بوده یا از بین فارغ‌التحصیلان رشته‌های حقوق ، الهیات ، علوم سیاسی و علوم اداری و بازرگانی و علوم اجتماعی که دارای حسن شهرت و عامل به احکام اسلام باشند، انتخاب شوند. ماده ۱۱ ـ پرسنل موردنیاز سازمان از بین کارکنان شاغل و بازنشسته دولت و نهادهای عمومی که به‌صورت مامور به خدمت یا خارج از وقت اداری در اختیار سازمان قرار خواهند گرفت تامین می‌شود و در صورت نیاز می‌تواند نیروهای لازم را استخدام نماید. مسوولین نهادهای دولتی و شرکتهای وابسته به دولت ، و شهرداری ها موظف به همکاری و مساعدت می‌باشند. ماده ۱۲ ـ تعداد شعب بدوی و تجدیدنظر و تشکیلات تفصیلی سازمان و شرح وظایف آنها به‌تصویب وزیر دادگستری که به تایید رییس‌جمهور می‌رسد خواهد بود. ماده ۱۳ ـ به‌منظور رسیدگی به تخلفات مامورین سازمانهای تعزیرات حکومتی و بازرسی و نظارت شعب ویژه‌ای در مراکز استانها اختصاص خواهد یافت روسای این شعب بنا به پیشنهاد وزیر دادگستری و تایید رییس‌جمهور توسط وزیر دادگستری منصوب خواهد شد. تبصره ۱ ـ مجازات متخلفین موضوع این ماده طبق قوانین موضوعه خواهد بود. تبصره ۲ ـ چنانچه اخبار و اطلاعات پرونده‌ها و موارد اتهامی اشخاص قبل از صدور حکم قطعی توسط مامورین سازمانهای بازرسی و نظارت یا تعزیرات حکومتی از رسانه‌های گروهی منعکس‌شود مامورین سازمانهای تعزیرات حکومتی و بازرسی متخلف محسوب و مشمول مجازاتهای مقرر در قوانین موضوعه خواهند شد. ماده ۱۴ ـ اعتبارات مورد نیاز سازمان از طرف دولت در اختیار سازمان قرار می گیرد تا طبق تشخیص وزیر دادگستری و افراد مجاز از طرف ایشان هزینه شود و در سنوات آتی در بودجه کل کشور ذیل ردیف جداگانه پیش‌بینی خواهد شد. ماده ۱۵ ـ امور مالی معاملاتی استخدامی و نظام پرداخت و تشکیلات سازمان منحصرا تابع این آیین‌نامه و آیین‌نامه‌هایی است که به پیشنهاد وزیر دادگستری به تصویب هیأت دولت می‌رسد و ازشمول قوانین محاسبات عمومی و استخدام کشوری مستثنی می‌باشد و تابع قانون نحوه هزینه کردن اعتبارات خارج از شمول قانون محاسبات عمومی و سایر مقررات عمومی خواهد بود. ماده ۱۶ ـ محل استقرار واحدهای سازمان و لوازم مورد نیاز آنها از محل امکانات دولتی با همکاری کمیسیون هماهنگی امور تعزیرات استانها تامین می گردد و در صورت ضرورت از محل بودجه سازمان تهیه و تامین خواهد شد. تبصره ـ مسیولین سازمانهای دولتی و وابسته به دولت در صورت اعلام نیاز سازمان موظف به‌همکاری می‌باشند. ماده ۱۷ ـ کلیه ضابطین دستگاه قضایی و مامورین سازمان بازرسی و نظارت ضابط سازمان تعزیرات حکومتی می‌باشند و سازمان نسبت به اجرای دستورات مسیولین تعزیرات حکومتی اقدام‌می‌نماید.

فصل دوم ـ نحوه رسیدگی

ماده ۱۸ ـ شعب بدوی تعزیرات حکومتی در موارد ذیل شروع به رسیدگی می‌نمایند: الف گزارش مامورین سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات ب گزارش سازمان بازرسی کل کشور و سایر مراجع قضایی و دولتی و انتظامی ج شکایت اشخاص حقیقی و حقوقی د) اعلام اطلاعات ، اخبار، گزارشهای مردمی و اشخاص تبصره ـ همزمان با شروع رسیدگی در شعب بدوی یک نسخه از گزارشات بند ب و ج به سازمان نظارت و بازرسی ارجاع سازمان اخیرالذکر حداکثر ظرف مدت پانزده روز نظرات کارشناسی خود راجهت ملاحظه در صدور رای به شعبه مربوطه تسلیم می‌نماید. ماده ۱۹ ـ مدیران کل استانها و روسای ادارات شهرستانها می‌توانند تعدادی از شعب را به صورت‌سیار اختصاص دهند و در صورت لزوم در معیت این شعب بازرسان و مامورین سازمان بازرسی ونظارت انجام وظیفه خواهند نمود. همچنین افراد واجد شرایط مذکور در ماده ۱۰ این آیین‌نامه با ابلاغ از سوی مسوولین سازمانهای تعزیرات حکومتی و نظارت و بازرسی می‌توانند مسوولیت هردو سازمان را به صورت سیار انجام دهند. ماده ۲۰ ـ آرای شعب بدوی و تجدیدنظر باید مستند به مواد قانون و مقررات مربوطه باشد و موادامستنادی ذکر گردد. مقدمه آرا نیز باید حاوی گزارش کار و شرح تفصیلی تخلفات باشد. ماده ۲۱ ـ هیچ یک از اعضای شعب رسیدگی را نمی‌توان در رابطه با آرای صادره از سوی آنان تحت‌تعقیب قضایی قرار داد مگر در صورت اثبات غرض مجرمانه ماده ۲۲ ـ آرای شعب بدوی در مواردی که مجازات پیش‌بینی شده در قانون برای هر بار تا یک‌میلیون ریال جریمه باشد قطعی و از ناحیه محکوم‌علیه نسبت به مازاد آن قابل تجدیدنظرخواهی‌است ماده ۲۳ ـ اشخاص ذیل نیز حق تجدیدنظرخواهی از کلیه آرای شعب بدوی را دارند: الف شاکی خصوصی پرونده درصورت برایت متهم ب اعضای کمیسیون هماهنگی امور تعزیرات در استان و شهرستان مربوطه ج روسای سازمانهای تعزیرات حکومتی و بازرسی و نظارت تبصره ـ هرگاه محکوم‌علیه و یا روسای سازمانهای تعزیرات حکومتی و بازرسی و نظارت آرای قطعی شعب تعزیرات را خلاف قانون بدانند می‌توانند با ذکر دلیل از وزیر دادگستری تقاضای‌رسیدگی مجدد نمایند. چنانچه وزیر دادگستری تقاضا را وارد تشخیص دهد و یا راسا رای را غیرقانونی بداند پرونده را جهت رسیدگی به شعبه عالی تجدیدنظر که به همین منظور در مرکزتشکیل می‌گردد ارجاع خواهد داد. رای این شعبه قطعی است و اقدامات موضوع این تبصره مانع اجرای حکم تجدیدنظر خواسته نخواهد بود. ماده ۲۴ ـ مهلت تجدیدنظرخواهی برای محکوم‌علیه و شاکی ده روز از تاریخ ابلاغ و نسبت به سایر اشخاص تا سه ماه پس از تاریخ صدور حکم خواهد بود. ماده ۲۵ ـ شعب تجدیدنظر در صورتی که آرای شعب بدوی را کمتر از مجازات مقرر قانونی بدانندمی‌توانند آن را تشدید نمایند. ماده۲۶ ـ هرگاه تخلف اشخاص عنوان یکی از جرایم مندرج در قوانین جزایی را نیز داشته باشد شعب تعزیرات حکومتی مکلفند به تخلف رسیدگی و رای قانونی صادر نمایند و مراتب را برای‌رسیدگی به آن جرم به دادگاه صالح اعلام دارند، هرگونه تصمیم مراجع قضایی مانع اجرای مجازاتهای تعزیرات حکومتی نخواهد بود. ماده ۲۷ ـ رسیدگی و صدور رای در شعب بدوی پس از استماع دفاعیات متهم صورت خواهد گرفت دفاع ممکن‌است ضمن حضور در جلسه رسیدگی بوده و یا طی ارسال لایحه دفاعیه صورت گیرد. ماده ۲۸ ـ چنانچه متهم پس از اخطار از ناحیه شعبه رسیدگی کننده ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه در وقت مقرر حضور نیابد یا لایحه‌ای ارسال ندارد غیابا درباره وی رسیدگی خواهد شد. ماده ۲۹ ـ به تخلفات شرکا و معاونین در شعبه‌ای رسیدگی می‌شود که صلاحیت رسیدگی به پرونده متخلف اصلی را دارد. ماده ۳۰ ـ به تخلفات متعدد متخلف توأما و یکجا رسیدگی شده و چنانچه در چند حوزه مرتکب‌تخلف گردد در حوزه‌ای رسیدگی می‌شود که تخلف اشد در آن حوزه انجام شده است ، و چنانچه تخلفات از یک درجه باشد در محل اقامت متخلف یا محل اشتغال وی به پرونده رسیدگی خواهدشد. ماده ۳۱ ـ چنانچه یک نفر مرتکب چند تخلف گردد به مجازات همه آنها محکوم خواهد گردید. ماده ۳۲ ـ محکوم‌علیه موظف است پس از قطعیت رای و ابلاغ به وی حداکثر تا ده روز از تاریخ ابلاغ نسبت به پرداخت جریمه متعلقه و

اجرای رای اقدام نماید، در غیر این صورت جریمه از محل فروش اموال وی به نرخ رسمی اعلام شده (غیر از مستثنیات دین وصول خواهد شد. ماده ۳۳ ـ محل کسب یا فعالیت مستنکف از پرداخت جریمه تا وصول آن به رای شعبه رسیدگی‌کننده تعطیل و در موارد لزوم مستنکف بازداشت خواهد شد. ماده ۳۴ ـ کلیه جرایم به حساب خاصی که به همین منظور نزد خزانه‌داری کل افتتاح می‌شود واریزخواهد شد. ماده ۳۵ ـ کلیه سازمانهای دولتی از قبیل سازمان ثبت اسناد و سازمان زندانها، نیروی انتظامی ، واحدهای ابلاغ و اجرای دادگستری و بانکها موظف به همکاری بوده و همانند آرای قطعی محاکم عمومی و انقلاب موجبات اجرای آرای شعب تعزیرات حکومتی را فراهم خواهند آورد. ماده ۳۶ ـ این آیین‌نامه در ۳۶ ماده و ۶ تبصره در تاریخ ۱/۸/۷۳ به پیشنهاد وزیر دادگستری به‌تصویب رسیده و لازمالاجرا می‌باشد.

قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی – مصوب ۱۹/۷/۱۳۷۳

مصوب ۲۳/۱۲/۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب ۱۹/۷/۱۳۷۳ ماده واحده ـ با توجه به ضرورت نظارت و کنترل دولت بر امور اقتصادی و لزوم هماهنگی مراجع قیمت‌گذاری و توزیع کالاـ و اجرای مقررات و ضوابط مربوط به آن کلیه امور تعزیرات حکومتی بخش دولتی و غیردولتی اعم از امور بازرسی و نظارت رسیدگی و صدور حکم قطعی و اجرای آن‌به دولت (قوه مجریه محول می‌گردد تا براساس جرایم و مجازات های مقرر در قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۲۳/۱۲/۶۷ اقدام نماید. تبصره ۱ ـ مراتب تعزیری تذکر، اخطار و اخذ تعهد کتبی حذف می‌گردد. تبصره ۲ ـ سازمان تشکیلات و عوامل نظارت و بازرسی رسیدگی صدور حکم و اجرای آن تجدیدنظر و رسیدگی به شکایات و شرح وظایف آنها، نحوه رسیدگی و ضوابط اجرایی ، مالی واستخدامی به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب هیات دولت می‌رسد و آن قسمت از فصلهای سوم و چهارم قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۲۳/۱۲/۶۷ که مغایر این قانون است و تشکیلات موضوع آن لغو و وظایف و اختیارات تشکیلات و مراجع مقرر در آنها برعهده عوامل و سازمانها و مراجعی است که در آیین‌نامه مصوب هیات وزیران معین می‌شود. تبصره ۳ ـ برای وصول به اهداف مقرر در این قانون دولت می‌تواند در موارد لزوم تصمیمات مراجع قیمت‌گذاری و تعیین شبکه‌های توزیع را هماهنگ و اصلاح نماید. تبصره ۴ ـ دادگستری و نیروی انتظامی و کلیه دستگاههای اجرایی و شرکتهای تحت پوشش دولت و ملی شده و نهادهای انقلابی و موسسات عمومی غیردولتی و شرکتها و سازمانهای تابعه وسازمان ثبت اسناد و املاک کشور و زندانها موظف هستند نسبت به اجرای احکام تعزیراتی موضوع این قانون اقدام نمایند. تبصره ۵ ـ کلیه درآمدهای ناشی از جریمه‌های دریافتی به حساب ویژه‌ای واریز می‌شود تا باتصویب هیات وزیران برای اجرای قانون و ساماندهی امر توزیع به مصرف برسد. تبصره ۶ ـ از تاریخ ابلاغ این قانون مصوبه مورخ ۲۷/۹/۱۳۶۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام درخصوص تعزیرات حکومتی بخش دولتی و سایر قوانین و مقررات مغایر لغو می‌گردد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و شش تبصره در اجرای بند هشتم اصل یکصدودهم قانون اساسی‌در جلسه فوق العاده روز سه‌شنبه مورخ نوزدهم مهرماه یکهزار و سیصد و هفتاد وسه مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح و به تصویب رسیده است

قانون نظام صنفی کشور – مصوب ۲۴/۱۲/۱۳۸۲

فصل اول ـ تعاریف

ماده ۱ ـ نظام صنفی قواعد و مقرراتی است که امور مربوط به سازمان ، وظایف ، اختیارات ، حدود و حقوق افراد و واحدهای صنفی را طبق این قانون تعیین می‌کند. ماده ۲ ـ فرد صنفی : هر شخص حقیقی یا حقوقی که در یکی از فعالیت‌های صنفی اعم از

تولید، تبدیل خرید، فروش توزیع خدمات و خدمات فنی سرمایه‌گذاری کند و به عنوان پیشه‌ور و صاحب حرفه و شغل آزاد، خواه به شخصه یا با مباشرت دیگران محل کسبی دایر یا وسیله کسبی فراهم آورد و تمام یا قسمتی از کالا، محصول یا خدمات خود را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم و به‌صورت کلی یا جزیی به مصرف‌کننده عرضه دارد، فرد صنفی شناخته‌می‌شود. تبصره ـ صنوفی که قانون خاص دارند، از شمول این قانون مستثنی هستند. ماده ۳ ـ واحد صنفی : هر واحد اقتصادی که فعالیت آن در محل ثابت یا وسیله سیار باشد و توسط فرد یا افراد صنفی با اخذ پروانه کسب دایر شده باشد، واحد صنفی شناخته می‌شود. تبصره ۱ ـ فعالیت واحدهای صنفی سیار در محل ثابت با اخذ پروانه کسب برای همان محل بلامانع است تبصره ۲ ـ اماکنی که طبق ضوابط مصوب کمیسیونهای نظارت واجد شروط لازم جهت استقرار چند واحد صنفی باشند، می‌توانند به عنوان محل ثابت کسب به وسیله یک یا چند فرد صنفی ، پس از اخذ پروانه کسب از اتحادیه یا اتحادیه‌های ذی‌ربط ، مورداستفاده قرارگیرند. تبصره ۳ ـ دفاتری که خدماتی به واحدهای صنفی سیار می‌دهند، واحد صنفی محسوب می‌شوند. ماده ۴ ـ صنف : آن گروه از افراد صنفی که طبیعت فعالیت آنان از یک نوع باشد، تشکیل یک صنف را می‌دهند. صنوف مشمول این قانون با توجه به نوع فعالیت آنها به چهار گروه تولیدی ، خدمات فنی ، توزیعی یا خدماتی تقسیم می‌شوند. ماده ۵ ـ پروانه کسب : مجوزی است که طبق مقررات این قانون به منظور شروع و ادامه کسب و کار یا حرفه به فرد یا افراد صنفی برای محل مشخص یا وسیله کسب معین داده می‌شود. ماده ۶ ـ پروانه تخصصی و فنی گواهینامه‌ای است که بر داشتن مهارت انجام دادن کارهای تخصصی یا فنی دلالت دارد و به وسیله مراجع ذی‌صلاح صادر می‌شود. ماده ۷ ـ اتحادیه : شخصیتی حقوقی است که از افراد یک یا چند صنف که دارای فعالیت یکسان یا مشابهاند، برای انجام دادن وظایف و مسوولیت‌های مقرر در این قانون تشکیل می‌گردد. ماده ۸ ـ مجمع امور صنفی : مجمعی است که از نمایندگان منتخب اعضای هیات مدیره اتحادیه‌های صنفی هر شهرستان برای انجام دادن وظایف و مسوولیت‌های مقرر در این قانون تشکیل می‌شود. ماده ۹ ـ شورای اصناف کشور : شورایی است که از نمایندگان هیات رییسه مجامع امورصنفی شهرستانهای کشور با هدف تقویت مبانی نظام صنفی در تهران تشکیل می‌گردد. ماده ۱۰ ـ کمیسیون نظارت : کمیسیونی است که به‌منظور برقراری ارتباط و ایجاد هماهنگی بین اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی با سازمانها و دستگاههای دولتی در راستای وظایف و اختیارات آنها و همچنین نظارت بر اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی هر شهرستان تشکیل می‌شود. ماده ۱۱ ـ هیات عالی نظارت : هیاتی است که به منظور تعیین برنامه‌ریزی هدایت ایجاد هماهنگی و نظارت بر کلیه اتحادیه‌ها، مجامع امور صنفی شورای اصناف کشور و کمیسیونهای نظارت تشکیل می‌گردد و بالاترین مرجع نظارت بر امور اصناف کشور است

فصل دوم ــ فرد صنفی

ماده ۱۲ ـ افراد صنفی موظفند قبل از تاسیس هر نوع واحد صنفی یا اشتغال به کسب و حرفه نسبت به اخذ پروانه کسب اقدام کنند. تبصره ۱ ـ آیین‌نامه صدور پروانه کسب طبق مفاد این قانون ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت با کسب نظر وزارتخانه‌های کشور، بهداشت درمان و آموزش پزشکی و اداره کل نظارت بر اماکن عمومی ناجا و مجامع امور صنفی مراکز استانها تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. تبصره ۲ ـ کلیه دستگاههایی که اتحادیه‌ها برای صدور پروانه کسب از آنها استعلام میکنند، موظفند ظرف مدت پانزده روز از تاریخ دریافت استعلام نظر قطعی و نهایی خود را اعلام دارند. عدم اعلام نظر در مهلت مقرر به منزله نظر مثبت است تبصره ۳ ـ صدور بیش از یک پروانه کسب برای هر فرد صنفی واجد شروط قانونی برای یک یا چند محل کسب بلامانع است تبصره ۴ ـ درصورتیکه چندنفر، یک واحدصنفی را به صورت مشترک اداره کنند، به‌طور مشترک مسوولیت امور واحد را عهده‌دار خواهند بود. تبصره ۵ ـ تمدید اعتبار پروانه کسب هر ده سال یکبار الزامی است ماده ۱۳ ـ صدور پروانه کسب برای مشاغل تخصصی و فنی مستلزم اخذ پروانه تخصصی و فنی از مراجع ذیربط به وسیله

متقاضی است اگر متقاضی واجد شروط لازم برای اخذ پروانه تخصصی و فنی نباشد، حضور یک نفر شاغل دارنده پروانه تخصصی و فنی در واحد صنفی برای صدور پروانه کسب مشروط ، به‌نام متقاضی کافی است تبصره ـ انواع مشاغل تخصصی و فنی به شرح آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت و با هماهنگی وزارتخانه‌ها و سازمانهای ذیربط و نظرخواهی از مجامع امور صنفی مراکز استانها تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهدرسید. ماده ۱۴ ـ افراد صنفی مکلفند در هر سال عوارض کسب و پیشه حق عضویت اتحادیه (درصورت عضویت و مالیات خود را بپردازند. ماده ۱۵ ـ افراد صنفی عرضه کننده کالاها و خدمات مکلفند بـا الصاق برچسب روی کالا، یا نصب تابلو در محل کسب یا حرفه قیمت واحد کالا یا دستمزد خدمت را به‌طور روشن و مکتوب و به‌گونه‌ای که برای همگان قابل رویت باشد، اعلام کنند. تبصره ۱ ـ هر فرد صنفی در مقابل دریافت بها، اجرت یا دستمزد باید صورتحسابی شامل نام و نشانی واحد صنفی ، تاریخ ، مبلغ دریافتی و نوع و مشخصات کالاهای فروخته شده یا خدمات انجام شده را به مشتری تسلیم دارد. تبصره ۲ ـ مجمع امور صنفی میتواند با تصویب کمیسیون نظارت مرکز استان بعضی از صنوف یا مشاغل را تا مبلغی معین یا برخی دیگر را که دادن صورتحساب برای آنها مشکل است از دادن صورتحساب معاف کند. تبصره ۳ ـ افراد صنفی که کالاهای خود را به صورت کلی عرضه میدارند باید از صورتحسابهای چاپ شده استفاده کنند و مشخصات خریدار را نیز در آن بنویسند. تبصره ۴ ـ فرد صنفی ، مسوول انطباق کیفیت و کمیت هر نوع کالای عرضه‌شده یا خدمت ارایه گردیده با وجه یـا اجرت دریافتی مندرج در صورتحساب است ماده ۱۶ ـ صاحبان اماکن عمومی به تشخیص مجمع امور صنفی و تصویب کمیسیون نظارت مکلفند : الف ـ فهرست قیمت غذا و مواد غذایی را که برای مصرف مشتریان ارایه میشود در برگه‌های مخصوص تهیه و در دسترس مشتریان قراردهند و برمبنای آن صورتحساب به‌مشتری تسلیم دارند. ب ـ نرخ اغذیه و مواد غذایی خود را در تابلو مخصوص در محل کسب به قسمی که در معرض دید همگان باشد نصب کنند. ماده ۱۷ ـ افراد صنفی مکلفند قوانین و مقررات جاری کشور، از جمله قوانین و مقررات صنفی ، انتظامی ، بهداشتی ، ایمنی ، حفاظت فنی و زیباسازی محیط کار و دستورالعمل‌های مربوط به نرخ‌گذاری کالاها و خدمات را که از سوی مراجع قانونی ذیربط ابلاغ میگردد، رعایت و اجرا کنند. تبصره ۱ ـ افراد صنفی مکلفند پیش از به‌کارگیری کسانی که برای انجام دادن خدمات به منازل و اماکن مراجعه میکنند، مراتب را به اتحادیه اطلاع دهند تا اتحادیه پس از اخذ نظر نیروی انتظامی ، نسبت به صدور کارت شناسایی عکس‌دار با درج تخصص اقدام لازم را به عمل آورد. تبصره ۲ ـ افراد صنفی مجاز نیستند برای جلب مشتری درباره محصولات کالاها یا خدمات برخلاف واقع تبلیغ کنند. درغیر این صورت طبق ماده ۶۸) این قانون با آنها رفتار خواهدشد. ماده ۱۸ ـ درصورتیکه دارنده پروانه کسب بخواهد پروانه خود را به دیگری واگذارکند، باید درخواست کتبی خود را به اتحادیه تسلیم دارد. اتحادیه درصورت واجد شروط قانونی بودن فرد معرفی شده و با رعایت سایر مقررات پروانه کسب متقاضی را باطل و پروانه جدیدی به نام فرد معرفی شده صادر میکند. ماده ۱۹ ـ درصورتیکه دارنده پروانه کسب محجور شود، قیم میتواند با رعایت غبطه محجور و طبق مقررات این قانون نسبت به اداره یا انتقال واحد صنفی اقدام‌کند. ماده ۲۰ ـ درصورت فوت صاحب پروانه کسب حقوق متعارف ناشی از واحد صنفی متعلق به ورثه است چنانچه ورثه یا نماینده قانونی آنها مایل باشند، درصورت دارا بودن شروط فردی، میتوانند ظرف مدت دو سال نسبت به اخذ پروانه کسب با رعایت مقررات اقدام کنند. پس از انقضای مهلت مقرر پروانه متوفی از درجه اعتبار ساقط است

فصل سوم ـ اتحادیه‌ها

ماده ۲۱ ـ در هر شهرستان که واحدهای صنفی با فعالیت‌های شغلی مشابه یا همگن وجود داشته باشد، افراد صنفی با رعایت این قانون مبادرت به تشکیل اتحادیه می‌کنند. تبصره ۱ ـ اتحادیه دارای شخصیت حقوقی و غیرانتفاعی است و پس از ثبت در وزارت بازرگانی رسمیت می‌یابد. تبصره ۲ ـ حدنصاب تعداد واحدهای صنفی برای تشکیل یک اتحادیه در کشور به‌شرح زیر است الف ـ

در تهران ۳۰۰ واحد ب ـ در شهرستانهای با بیش از دو میلیون نفر جمعیت ۲۰۰ واحد ج ـ در شهرستانهای دارای بیش از یک میلیون نفر و کمتر از دو میلیون نفر جمعیت ۱۵۰ واحد د ـ در شهرستانهای دارای بیش از پانصد هزار نفر و کمتر از یک میلیون نفر جمعیت ۱۰۰ واحد هـ ـ در شهرستانهای با کمتر از پانصد هزار نفر جمعیت ۵۰ واحد تبصره ۳ ـ کمیسیون نظارت هر شهرستان موظف است ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون نسبت به ادغام اتحادیه‌هایی که تعداد واحدهای صنفی تحت پوشش آنها کمتر از نصابهای تعیین شده است اقدام کند. تبصره ۴ ـ اگر تشکیل اتحادیه واحد برای تمامی شهرها یا بخشهای هر شهرستان به تشخیص کمیسیون نظارت مرکز استان ممکن نباشد، شیوه اداره امور واحدهای صنفی آن شهرها یا بخشها تابع آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به وسیله دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. تبصره ۵ ـ اگر تشکیل اتحادیه‌ای از واحدهای صنفی یک شهرستان که تعدادشان به نصاب مقرر جهت تشکیل اتحادیه نرسیده است به تشخیص کمیسیون نظارت مرکز استان لازم باشد، درصورت تصویب هیات عالی نظارت اتحادیه‌ای با همان تعداد واحدهای موجود تشکیل خواهد شد. تبصره ۶ ـ اگر تشکیل اتحادیه‌ای در مرکز استان از واحدهای صنفی موجود در شهرستانهای همان استان به تشخیص کمیسیون نظارت مرکز استان لازم باشد، درصورت تصویب هیات عالی نظارت اتحادیه‌ای در مرکز استان تشکیل خواهد شد. این اتحادیه مانند سایر اتحادیه‌های موضوع این ماده تلقی خواهد شد. تبصره ۷ ـ اگر تشکیل اتحادیه‌ای از واحدهای صنفی سراسر کشور لازم باشد، با تایید وزیربازرگانی اتحادیه کشوری تشکیل خواهد شد. این اتحادیه نیز مانند دیگر اتحادیه‌های موضوع این ماده خواهد بود. ماده ۲۲ ـ اتحادیه‌ها توسط هیات مدیره منتخب اعضای اتحادیه اداره می‌شوند. تعداد اعضای این هیات پنج نفر اصلی و دو نفر علی البدل برای اتحادیه‌های دارای کمتر از هزار واحد صنفی عضو و هفت نفر اصلی و سه نفر علی البدل برای اتحادیه‌های دارای بیش از هزار واحد صنفی عضو خواهد بود. تبصره ۱ ـ مدت خدمت و مسوولیت اعضای هیات مدیره اتحادیه‌ها از تاریخ انتخاب چهار سال تمام خواهد بود. اعضای هیات مدیره با رای مخفی و مستقیم اعضای اتحادیه انتخاب می‌شوند. انتخاب مجدد افراد عضو هیات مدیره در ادوار بعد بلامانع است تبصره ۲ ـ کمیسیون نظارت هر شهرستان موظف است شش ماه قبل از پایان هر دوره هیات مدیره مقدمات برگزاری انتخابات را فراهم آورد. تبصره ۳ ـ انتخابات اتحادیه‌ها در دور اول با حضور حداقل یک سوم اعضا و در دور دوم با حضور حداقل یک چهارم اعضا رسمیت می‌یابد. درصورت برگزار نشدن انتخابات در دور دوم تا انتخاب هیات مدیره جدید، کمیسیون نظارت مکلف است با تشکیل هیات سرپرستی از بین اعضای همان صنف که توسط مجمع امور صنفی معرفی می‌گردند، افراد واجد شروط قانونی را برای اداره امور اتحادیه به طور موقت منصوب کند. آیین‌نامه انتخابات اتحادیه‌ها توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت با نظرخواهی از مجامع امور صنفی مراکز استانها ظرف دو ماه از تاریخ تصویب این قانون تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. تبصره ۴ ـ درصورتی که بر اثر استعفا، عزل فوت بیماری حجر یا محرومیت از حقوق اجتماعی عضو یا اعضایی از هیات مدیره با وجود جایگزینی اعضای علی البدل آن هیات از نصاب این ماده خارج شود، کمیسیون نظارت مکلف است ظرف شش ماه نسبت به برگزاری انتخابات برای تعیین اعضای جایگزین اقدام کند. تا انجام انتخابات افرادی از اعضای همان صنف که واجد شروط قانونی برای اداره امور اتحادیه باشند، توسط مجمع امور صنفی معرفی می‌گردند تا پس از تصویب کمیسیون نظارت به‌عنوان اعضای جایگزین به عضویت اصلی یا علی البدل هیات مدیره منصوب شوند. اگر کمتر از دو سال از مدت ماموریت هیات مدیره مانده باشد، مدت ماموریت اعضای جایگزین تا پایان مدت ماموریت هیات مدیره ادامه خواهد یافت تبصره ۵ ـ افراد منصوب شده موضوع تبصره‌های ۳) و (۴) این ماده دارای کلیه اختیارات حقوق و تکالیف هیات مدیره به استثنای عضویت در هیات رییسه مجمع امور صنفی خواهند بود. ماده ۲۳ ـ هیات مدیره اتحادیه‌ها از میان خود یک نفر را به عنوان رییس یک نفر را به عنوان نایب رییس یک نفر را به عنوان بازرس یک نفر را به عنوان خزانه‌دار و یک نفر را به عنوان دبیر انتخاب می‌کند. انتخاب مجدد این افراد بلامانع خواهد بود. رییس هیات‌مدیره علاوه بر دعوت از اعضا، اداره جلسات و ابلاغ مصوبات به‌عنوان نماینده اتحادیه در

مجمع امور صنفی شهرستان نیز شناخته می‌شود. رییس هیات مدیره بالاـترین مقام اجرایی اتحادیه محسوب می گردد. در غیاب رییس نایب رییس وظایف و اختیارات وی را برعهده می گیرد. تبصره ـ در اتحادیه‌هایی که تعداد اعضای هیات مدیره آن هفت نفر است دو نفر نایب رییس و دو نفر بازرس خواهند بود. ماده ۲۴ ـ هیات مدیره هر اتحادیه مکلف است از خدمات یک نفر، که دارای حداقل مدرک کارشناسی باشد، به صورت تمام وقت به عنوان مدیر اجرایی استفاده کند. در شهرستانهای دارای کمتر از یک میلیون نفر جمعیت به کارگیری افراد دیپلمه به‌عنوان مدیر اجرایی بلامانع است مدیر اجرایی مجری مصوبات هیات مدیره و منتخب آن است و با جایگزین شدن هیات مدیره جدید مستعفی تلقی می گردد. استفاده از خدمات همان مدیر در ادوار بعد بلامانع است ماده ۲۵ ـ درصورت نیاز، کمیسیون نظارت مرکز استان بنا به درخواست اکثریت نسبی اتحادیه‌های صنفی شهرستانهای همان استان با نظرخواهی از مجمع امور صنفی مرکز استان نسبت به تشکیل مجمع استانی برای اتحادیه‌های آن استان اقدام خواهد کرد. این مجمع متشکل از نمایندگان هیات مدیره اتحادیه‌های شهرستانها خواهدبود و به‌منظور تبادل نظر درخصوص مشکلات و امور صنفی ارایه پیشنهاد و برقراری ارتباط و هماهنگی‌های لازم با مراجع و مراکز ذی‌ربط تشکیل می‌شود. تبصره ـ تعداد نمایندگان هر شهرستان به ازای هر پنج اتحادیه یک نفر خواهد بود که با رای روسای اتحادیه‌ها انتخاب خواهند شد. مدت ماموریت اعضای هیات مدیره مجمع استانی دو سال است ماده ۲۶ ـ هرگاه شخصی بخواهد فعالیتی صنفی را آغاز کند، ابتدا باید به اتحادیه ذی‌ربط مراجعه و تقاضای کتبی خود را تسلیم و رسید دریافت دارد. اتحادیه مکلف است در چارچوب مقررات نظر خود را مبنی بر رد یا قبول تقاضا حداکثر ظرف پانزده روز با احتساب ایام غیرتعطیل رسمی به صورت کتبی به متقاضی اعلام کند. عدم اعلام نظر درمدت یاد شده به منزله پذیرش تقاضا محسوب می گردد. درصورت قبول تقاضا توسط اتحادیه متقاضی باید از آن تاریخ ظرف حداکثر سه ماه مدارک مورد نیاز اتحادیه را تکمیل کند و به اتحادیه تسلیم دارد. در غیر این صورت متقاضی جدید محسوب خواهد گردید. اتحادیه موظف است پس از دریافت تمام مدارک لازم و با رعایت ضوابط ظرف پانزده روز نسبت به صدور پروانه کسب و تسلیم آن به متقاضی اقدام کند. همچنین متقاضی پروانه کسب موظف است از تاریخ دریافت پروانه کسب ظرف شش ماه نسبت به افتتاح محل کسب اقدام کند. تبصره ۱ ـ چنانچه اتحادیه درخواست متقاضی پروانه کسب را رد کند یا از صدور پروانه کسب استنکاف ورزد، باید مراتب را با ذکر دلایل مستند به‌طور کتبی به متقاضی اعلام کند. درصورتی‌که متقاضی به آن معترض باشد، می‌تواند اعتراض کتبی خود را ظرف بیست روز از تاریخ دریافت پاسخ به مجمع امور صنفی ذی‌ربط تسلیم دارد. مجمع امور صنفی مکلف است طی پانزده روز به اعتراض متقاضی رسیدگی و نظرنهایی خود را برای اجرا به اتحادیه مربوط اعلام کند. تبصره ۲ ـ درصورتی‌که اتحادیه یا متقاضی به نظر مجمع امور صنفی معترض باشند می‌توانند ظرف بیست روز از زمان ابلاغ نظر مجمع امور صنفی اعتراض خود را نسبت به نظر مجمع مذکور به کمیسیون نظارت منعکس کنند. کمیسیون نظارت مکلف است ظرف یک ماه نظر خود را اعلام دارد. نظر کمیسیون نظارت در این مورد معتبر و قابل اجرا است مگر آن که هیات عالی نظارت نظر کمیسیون نظارت را ظرف یک ماه پس از دریافت اعتراض نقض کند. دراین صورت نظر هیات عالی نظارت قطعی و لازم‌الاجرا است درصورت اعتراض هر یک از طرفین می‌توانند به مراجع ذی صلاح قضایی مراجعه‌کنند. تبصره ۳ ـ برای صنوفی که تعداد آنها به حد نصاب نرسیده است یا فاقد اتحادیه هستند، پروانه کسب ازطریق اتحادیه همگن بنا به تشخیص کمیسیون نظارت صادر خواهد شد. تبصره ۴ ـ واحدهای صنفی که به‌عنوان آلاینده یا مزاحم نقل مکان داده می‌شوند، همچنان عضو اتحادیه‌ای که بوده‌اند خواهندماند، حتی اگر در محدوده جغرافیایی جدیدی قرار گیرند. ماده ۲۷ ـ محل دایر شده به‌وسیله هر شخص حقیقی یا حقوقی که پروانه کسب دایم یا موقت برای آن صادر نشده باشد، با اعلام اتحادیه راسا ازطریق نیروی انتظامی پلمب می گردد. تبصره ۱ ـ قبل از پلمب محل دایر شده از ده تا بیست روز به دایرکننده مهلت داده می‌شود تا کالاهای موجود در محل را تخلیه کند. تبصره ۲ ـ کسانی که پلمب یا لاک و مهر محل‌های تعطیل شده در اجرای این قانون را بشکنند و محل‌های مزبور را به نحوی از انحا برای

کسب مورد استفاده قرار دهند، به مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد. تبصره ۳ ـ پرداخت عوارض توسط اشخاص موضوع این ماده موجب احراز هیچ یک از حقوق صنفی نخواهد شد. ماده ۲۸ ـ واحد صنفی تنها درموارد زیر پس از گذرانیدن مراحل مندرج در آیین‌نامه‌ای که به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید، به‌طور موقت از یک هفته تا شش‌ماه تعطیل می‌گردد: الف ـ اشتغال به شغل یا مشاغل دیگر در محل کسب غیر از آنچه در پروانه کسب قید گردیده یا کمیسیون نظارت مجاز شمرده است ب ـ تعطیل محل کسب بدون دلیل موجه حداقل به مدت پانزده روز برای آن دسته از صنوفی که به تشخیص هیات عالی نظارت موجب عسر و حرج برای مصرف‌کننده می‌شود. تبصره ـ تشخیص موجه بودن دلیل با مجمع امور صنفی است ج ـ عدم پرداخت حق عضویت به اتحادیه براساس ضوابطی که در آیین‌نامه مصوب کمیسیون نظارت تعیین شده است د ـ عدم اجرای مصوبات و دستورات قانونی هیات عالی و کمیسیون نظارت که به‌وسیله اتحادیه‌ها به واحدهای صنفی ابلاغ شده است تبصره ـ تشخیص عدم اجرا بر عهده مجمع امور صنفی است هـ ـ عدم اجرای تکالیف واحدهای صنفی به موجب این قانون تبصره ۱ ـ تعطیل موقت واحد صنفی با اعلام اتحادیه راسا از طریق نیروی انتظامی به عمل میاید. تبصره ۲ ـ هر فرد صنفی که واحد کسب وی تعطیل می‌شود می‌تواند به کمیسیون نظارت شکایت کند. نظر کمیسیون نظارت که حداکثر ظرف دو هفته اعلام خواهد شد، لازم‌الاجرا است درصورت اعتراض فرد صنفی می‌تواند به مراجع ذی صلاح قضایی مراجعه کند. تبصره ۳ ـ جبران خسارات وارد شده به واحد صنفی دراثر تعطیل غیرموجه با مجوز اتحادیه یا مراجع دیگر، به‌استناد نظر کمیسیون نظارت برعهده دستوردهنده است ماده ۲۹ ـ اتحادیه‌ها می‌توانند وصول مالیات ، عوارض و هزینه خدمات وزارتخانه‌ها ، شهرداریها و سازمانهای وابسته به دولت را طبق مقررات و قوانین جاری عهده‌دار شوند و مبالغ وصول شده بابت مالیات عوارض یا هزینه خدمات را ظرف یک هفته به حساب قانونی دستگاه مربوطه واریز کنند. مبلغ کارمزد توافق شده ازسوی طرف توافق به حساب اتحادیه‌ها واریز می‌گردد. ماده ۳۰ ـ وظایف و اختیارات اتحادیه‌ها عبارت است از: الف ـ ارایه پیشنهاد برای تهیه تنظیم یا تغییر ضوابط صدور پروانه کسب و انواع پروانه‌های لازم برای مشاغل به مجمع امور صنفی ب ـ اجرای مصوبات و بخشنامه‌های هیات عالی نظارت و کمیسیون نظارت که درچارچوب این قانون به اتحادیه‌ها ابلاغ می‌گردد. تبصره ـ مجمع امور صنفی موظف است مصوبات و بخشنامه‌های هیات‌عالی نظارت و کمیسیون نظارت را ظرف پنج روز از تاریخ دریافت به اتحادیه‌ها ابلاغ کند. پس از انقضای این مهلت دبیرخانه هیات‌عالی نظارت و کمیسیون نظارت می‌توانند بی‌واسطه مصوبات و بخشنامه‌های خود را به اتحادیه‌ها برای اجرا ابلاغ کنند. ج ـ ارایه پیشنهاد درباره امور اصناف به مجمع امور صنفی د ـ صدور پروانه کسب با دریافت تقاضا و مدارک متقاضیان با رعایت قوانین و مقررات مربوط هـ ـ ابطال پروانه کسب و تعطیل محل کسب طبق مقررات این قانون و اعلام آن به کمیسیون نظارت و جلوگیری از ادامه فعالیت واحدهای صنفی که بدون پروانه کسب دایر می‌شوند یا پروانه آنها به عللی باطل می‌گردد. و ـ تنظیم بودجه سال بعد و تسلیم آن تا آخر دی‌ماه هر سال به مجمع امور صنفی جهت رسیدگی و تصویب ز ـ تنظیم ترازنامه سالانه و تسلیم آن تا پایان خردادماه هر سال به مجمع امور صنفی برای رسیدگی و تصویب ح ـ ایجاد تسهیلات لازم برای آموزشهای مورد نیاز افراد صنفی به طور مستقل یا با کمک سازمانهای دولتی یا غیردولتی ط ـ تشکیل کمیسیونهای رسیدگی به شکایات ، حل اختلاف ، بازرسی واحدهای صنفی ، فنی و آموزشی و کمیسیونهای دیگر مصوب هیات عالی نظارت تبصره ۱ ـ اعضای کمیسیونهای مذکور بین سه تا پنج نفرند که از میان اعضای دارای پروانه کسب به پیشنهاد اتحادیه و تصویب مجمع امورصنفی ذی‌ربط تعیین می‌شوند. تبصره ۲ ـ آیین‌نامه اجرایی این بند توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت و مجامع امور صنفی مراکز استانها تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. تبصره ۳ ـ درصورت بروز اختلاف صنفی بین افراد صنفی و اتحادیه مراتب به مجمع امورصنفی جهت رسیدگی و صدور رای ارجاع می‌شود. طرف معترض نسبت به رای صادرشده می‌تواند ظرف بیست روز اعتراض خود را به کمیسیون نظارت تسلیم دارد. نظر کمیسیون نظارت قطعی و لازم‌الاجرا خواهد بود. درصورت اعتراض هر یک از طرفین می‌توانند به مراجع ذی‌صلاح قضایی مراجعه

کنند. ی ـ وصول مالیات عوارض و هزینه خدمات به نمایندگی از طرف وزارتخانه‌ها، شهرداریها و سازمانهای وابسته به دولت ک ـ هماهنگی با شهرداری و شورای شهر به‌منظور ایجاد شهرکهای صنفی و تمرکز تدریجی کالاها و معاملات عمده‌فروشی در میادین و مراکز معین شهری متناسب با احتیاجات شهر طبق مقررات و ضوابطی که به‌تصویب کمیسیون نظارت برسد. ل ـ ارایه پیشنهاد به‌منظور تعیین نرخ کالا و خدمات حدود صنفی تعداد واحدهای صنفی موردنیاز در هر سال جهت صدور پروانه‌کسب به مجمع امور صنفی جهت رسیدگی و تصویب کمیسیون نظارت م ـ سایر مواردی که در این قانون پیش‌بینی شده است تبصره ـ در بخشها و شهرهای تابعه مرکز شهرستان که بنا به اعلام اتحادیه‌ها و تصویب هیات‌عالی نظارت انجام خدمات صنفی ازطریق اتحادیه مقدور نمی‌باشد. ادارات دولتی شهرداریها، سازمانهای وابسته حسب مورد مجاز به انجام خدمات مذکور می‌باشند. ماده ۳۱ ـ منابع مالی هر اتحادیه عبارتند از: الف ـ حق عضویت افراد صنفی در اتحادیه ب ـ وجوه دریافتی در ازای ارایه خدمات اعم از فنی و آموزشی به اعضای صنف ج ـ کمکهای دریافتی از اشخاص حقیقی یا حقوقی د ـ کارمزد وصول مالیات عوارض و هزینه خدمات وزارتخانه‌ها، شهرداریها و سازمانهای وابسته به دولت تبصره ۱ ـ میزان و نحوه وصول وجوه موضوع این ماده متناسب با وضعیت اتحادیه نوع شغل و شهر، صرفا و انحصارا در چارچوب آیین‌نامه‌ای مجاز خواهد بود که به پیشنهاد مجامع امور صنفی مراکز استانها به تصویب وزیر بازرگانی خواهدرسید. تبصره ۲ ـ اتحادیه‌ها موظفند بیست درصد (۲۰٪) مبالغ دریافتی به‌موجب این ماده را به حساب مجمع امور صنفی واریز کنند.

فصل چهارم ــ مجمع امور صنفی

ماده ۳۲ ـ مجامع امورصنفی از نمایندگان اتحادیه‌ها با ترکیب زیر تشکیل می‌گردد: الف ـ مجمع امور صنفی صنوف تولیدی ـ خدمات فنی ب ـ مجمع امور صنفی صنوف توزیعی ـ خدماتی ج ـ مجمع امورصنفی مشترک صنوف تولیدی ـ خدمات فنی و توزیعی ـ خدماتی تبصره ۱ ـ مجمع امور صنفی دارای شخصیت حقوقی و غیرانتفاعی است و پس از ثبت در وزارت بازرگانی رسمیت می‌یابد. تبصره ۲ ـ حداقل تعداد واحدهای صنفی دارای پروانه کسب در هر شهرستان برای تشکیل دو مجمع جداگانه بیست هزار واحد صنفی است هیات عالی نظارت می‌تواند بنابه پیشنهاد کمیسیون نظارت مراکز استانها نصاب مذکور را جهت شهرستان های تابعه آن استان تغییر دهد و نسبت به تشکیل ادغام یا تفکیک مجمع یا مجامع امور صنفی اتخاذ تصمیم کند. تبصره ۳ ـ درصورت ادغام مجامع امور صنفی کلیه اموال دارایی‌ها، حقوق و تعهدات مجامع قبلی بانظارت کمیسیون نظارت به مجمع امور صنفی مشترک منتقل می‌گردد. تبصره ۴ ـ درصورت تفکیک مجمع امور صنفی مشترک کلیه اموال دارایی ها، حقوق و تعهدات آن به‌نسبت تعداد اعضا با نظارت کمیسیون نظارت به مجامع جدید منتقل می‌گردد. ماده ۳۳ ـ تعداد اعضای هیات رییسه مجمع امور صنفی مشترک پنج نفر به‌شرح زیر است : الف ـ یک نفر رییس ب ـ دو نفر نایب رییس ج ـ یک نفر دبیر. د ـ یک نفر خزانه‌دار. تعداد اعضای هیات رییسه به نسبت تعداد اتحادیه‌های مربوط به صنوف تولیدی ـ خدمات فنی و توزیعی ـ خدماتی تعیین خواهد شد. تبصره ـ تعداد اعضای هیات رییسه مجامع امور صنفی تولیدی ـ خدمات فنی یا توزیعی ـ خدماتی هر کدام سه نفر مشتمل بر رییس نایب رییس و دبیر است ماده ۳۴ ـ جلسات مجامع امور صنفی با حضور حداقل دو سوم اعضا تشکیل می‌شود و رسمیت می‌یابد و تصمیمات متخذه با اکثریت نصف به علاوه یک آرا حاضران در جلسه معتبر خواهد بود. تبصره ـ مدت ماموریت نماینده هر اتحادیه در مجمع امورصنفی ذی‌ربط تا پایان مدت ماموریت او در هیات‌مدیره اتحادیه است درصورت فوت بیماری محرومیت از حقوق اجتماعی ، استعفا ، حجر یا عزل هر نماینده اتحادیه وفق مواد (۲۲) و (۲۳) این قانون نسبت به معرفی نماینده دیگری برای مدت باقیمانده به مجمع امورصنفی اقدام می‌کند. ماده ۳۵ ـ مجمع امورصنفی در اولین جلسه هر دوره هیات رییسه مجمع را برای مدت دو سال انتخاب می‌کند. انتخاب مجدد اعضای مذکور در ادوار بعدی بلامانع است ماده ۳۶ ـ ترتیب انتخاب هیات رییسه

مجامع امور صنفی وظایف هیات رییسه ، طرز تشکیل جلسات و تعداد کمیسیون های آن و سایر مقررات مربوط به اداره مجامع و حق‌الزحمه خدمات آنها طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات‌عالی نظارت با کسب نظر از مجامع امورصنفی مراکز استانها تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۳۷ ـ وظایف و اختیارات مجامع امور صنفی به شرح زیر است الف ـ ایجاد هماهنگی بین اتحادیه‌ها، نظارت بر عملکرد آنها و راهنمایی صنوف ب ـ تنظیم و تصویب آیین‌نامه‌های مالی استخدامی اداری آموزشی و تشکیلاتی اتحادیه‌ها و تغییرات آنها. ج ـ اظهارنظر درمورد ضوابط خاص داخلی اتحادیه‌های تحت پوشش برای صدور پروانه کسب جهت بررسی و تصویب کمیسیون نظارت د ـ نظارت بر حسن اجرای اقدامات اتحادیه‌ها درخصوص صدور پروانه کسب از جهت تطبیق با مقررات این قانون و آیین‌نامه‌های آن هـ ـ تایید، انتخاب و معرفی نمایندگان اتحادیه‌ها به اداره‌های امور مالیاتی هیاتهای حل اختلاف مالیاتی و سایر مراجعی که به‌موجب قانون معرفی نماینده ازطرف صنوف به‌عمل میاید. و ـ اجرای مصوبات هیات عالی نظارت و کمیسیون نظارت ز ـ نظارت بر اجرای مقررات فنی بهداشتی ایمنی انتظامی حفاظتی بیمه گزاری زیباسازی و سایر مقررات مربوط به واحدهای صنفی که ازطرف مراجع ذی‌ربط وضع می‌شود. همچنین همکاری با ماموران انتظامی در اجرای مقررات تبصره ـ چنانچه افراد صنفی در انجام دادن ضوابط انتظامی که در موارد خاص تعیین و ازطریق مجمع امور صنفی ابلاغ می گردد ، و نیز دراجرای مقررات بهداشتی ، ایمنی یا زیباسازی با مخالفت مالك ملك مواجه شوند، می‌توانند با جلب موافقت مجمع امور صنفی و با هزینه خود اقدام مقتضی را به عمل آورند. ح ـ رسیدگی به اعتراض افراد صنفی نسبت به تصمیمات اتحادیه ها. ط ـ انتخاب و معرفی یك نفر نماینده از بین اعضا هیات رییسه به کمیسیون نظارت برای نظارت بر حسن اجرای انتخابات هیات مدیره اتحادیه‌ها. ی ـ پیشنهاد تشکیل اتحادیه جدید یا ادغام اتحادیه‌ها یا تقسیم یك اتحادیه به دو یا چند اتحادیه برای اتخاذ تصمیم به کمیسیون نظارت ك ـ تعیین نوع و نرخ کالاها و خدماتی که افراد هر صنف می‌توانند برای فروش عرضه یا ارایه کنند و پیشنهاد آن برای اتخاذ تصمیم به کمیسیون نظارت و اعلام مصوبه کمیسیون به اتحادیه‌ها برای ابلاغ به افراد صنفی با هدف جلوگیری از تداخل صنفی ل ـ جمع آوری اطلاعات و آمار لازم با وسایل مقتضی برای تعیین حدود و تعداد واحدهای صنفی متناسب با جمعیت و نیازها و ارایه آن به کمیسیون نظارت جهت تصمیم گیری م ـ تنظیم ساعات کار و ایام تعطیل واحدهای صنفی با توجه به طبیعت و نوع کار آنان و ارایه برنامه برای اتخاذ تصمیم به وسیله کمیسیون نظارت ن ـ همکاری و معاضدت با سایر مجامع امور صنفی و اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و اتاق تعاون س ـ تصویب بودجه ترازنامه و صورتهای مالی اتحادیه‌ها پس از رسیدگی به آنها و نظارت بر عملیات مالی اتحادیه‌ها. ع ـ درجه‌بندی واحدهای صنفی در موارد لزوم طبق ضوابط و مقرراتی که توسط وزارت بازرگانی و با کسب نظر نیروی انتظامی و اتحادیه‌های ذی ربط تهیه می‌شود و به تصویب کمیسیون نظارت می‌رسد. ف ـ اجرای برنامه‌های علمی آموزشی و پژوهشی مورد نیاز برای ارتقا سطح آگاهی های هیات مدیره اتحادیه‌ها با همکاری دستگاههای دولتی ذی‌ربط درچارچوب مقررات ص ـ تنظیم ترازنامه و صورتهای مالی سالانه و تسلیم آن ظرف دو ماه بعد از پایان هر سال مالی به کمیسیون نظارت برای رسیدگی و تصویب تبصره ـ کمیسیون نظارت مکلف است ترازنامه و صورتهای مالی را ظرف یك ماه رسیدگی کند و نتیجه را به مجمع امور صنفی اعلام دارد. تایید ترازنامه به منزله مفاصا حساب دوره عملکرد مجمع امور صنفی خواهد بود. ق ـ تنظیم بودجه سال بعد و تسلیم آن تا اول بهمن ماه هر سال به کمیسیون نظارت برای تصویب و نظارت بر اجرای آن ر ـ سایر مواردی که در این قانون پیش‌بینی شده است تبصره ۱ ـ اداره امور مجامع امور صنفی و همچنین پیگیری و اجرای مصوبات اجلاس مجامع امور صنفی و نیز مسوولیت پیگیری و اجرای بندهای (الف ، (د)، (هـ)، (ز)، (ح ، (ط ، (ل ، (ن ، (ع و (ف این ماده به هیات رییسه مجامع امور صنفی و سایر وظایف و اختیارات محوله به اجلاس عمومی اعضای مجامع امور صنفی واگذار می گردد. تبصره ۲ ـ مجامع امورصنفی با وزارت آموزش و پرورش درمورد آموزش مهارت های شاخه کار دانش همکاری لازم را به عمل خواهند آورد. تبصره ۳ ـ مجامع امورصنفی مجازند برای تشکیل بانك اصناف موسسه اعتباری ، صندوق

قرض الحسنه ، شرکت تعاونی اعتبار و دیگر موسسات پولی ، بانکی ، مالی و اعتباری ، طبق قوانین و مقررات جاری کشور اقدام کنند. ماده ۳۸ ـ در شهرستانهایی که برخی از اتحادیه‌ها به‌علت نداشتن امکانات و توانایی های لازم نتوانند صدور پروانه کسب را عهده‌دار شوند، به پیشنهاد آن اتحادیه و تصویب کمیسیون نظارت مسوولیت صدور پروانه کسب به طور موقت به مجمع امورصنفی واگذار می گردد. درصورت رفع مشکل بنابه پیشنهاد همان اتحادیه و تصویب کمیسیون نظارت مسوولیت صدور پروانه کسب برعهده اتحادیه قرار خواهدگرفت ماده ۳۹ ـ وظایف کمیسیون بازرسی مجامع امور صنفی به قرار زیر است الف ـ بازرسی امور مربوط به اتحادیه‌ها به منظور حصول اطمینان از رعایت ضوابط و مقررات صنفی و تنظیم گزارش های لازم تبصره ـ کمیسیون موظف است نتیجه بررسی و گزارشهای خود را ازطریق هیات رییسه مجمع امور صنفی جهت بررسی کمیسیون نظارت تسلیم دارد. ب ـ بازرسی و رسیدگی به شکایات و اعتراضاتی که به مجمع امورصنفی می‌رسد و ارایه گزارش لازم به مجمع ماده ۴۰ ـ مسوولان مجامع امور صنفی و اتحادیه‌ها مکلفند تسهیلات لازم را برای انجام دادن وظایفی که طبق این قانون به کمیسیون بازرسی محول شده است فراهم کنند.

فصل پنجم ـ شورای اصناف کشور

ماده ۴۱ ـ به منظور تقویت مبانی نظام صنفی ، شورایی به نام شورای اصناف کشور با هماهنگی دبیرخانه هیات عالی نظارت در تهران تشکیل می گردد. ماده ۴۲ ـ شورای اصناف کشور متشکل از نمایندگان هیات رییسه مجامع امور صنفی شهرستانهای کشور است نمایندگان به ترتیب زیر، با نظارت کمیسیون نظارت مرکز استان و رای مخفی اعضای هیات رییسه مجامع امور صنفی آن استان انتخاب و به دبیرخانه هیات عالی نظارت معرفی می گردند : الف ـ استانهایی که جمعیت آنها تا یک میلیون نفر باشد، تعداد دو نفر. ب ـ استانهایی که جمعیت آنها بیش از یک میلیون نفر و کمتر از دو میلیون نفر باشد، تعداد چهار نفر. ج ـ استانهایی که جمعیت آنها بیش از دو میلیون نفر و کمتر از سه میلیون نفر باشد، تعداد شش نفر. د ـ استانهایی که جمعیت آنها بیش از سه میلیون نفر باشد، تعداد هشت نفر. هـ ـ استان تهران دوازده نفر. تبصره ۱ ـ نیمی از نمایندگان در هر مورد همواره از صنوف تولیدی ـ خدمات فنی و نیم دیگر از صنوف توزیعی ـ خدماتی خواهند بود. تبصره ۲ ـ اعضای شورای اصناف کشور به غیر از مبالغ دریافتی به‌شرح مندرج در آیین‌نامه موضوع ماده (۴۶) این قانون ، دریافتی دیگری نخواهند داشت ماده ۴۳ ـ هیات رییسه شورای اصناف کشور مرکب از هفت نفر است که سه نفر از صنوف تولیدی ـ خدمات فنی و سه نفر از صنوف توزیعی ـ خدماتی هستند و با رای مخفی اعضای شورای اصناف کشور انتخاب می‌شوند. یک نفر دیگر به پیشنهاد وزارت بازرگانی و با تصویب هیات عالی نظارت از بین افراد صنفی متعهد و آگاه به مسایل صنفی حداکثر برای مدت دو سال تعیین می گردد. تبصره ۱ ـ مدت مسوولیت هیات رییسه شورای اصناف کشور نمی‌تواند بیش از مدت باقیمانده از عضویت آنها در هیات رییسه مجامع امور صنفی باشد. با پایان یافتن مدت مسوولیت هر عضو، عضو دیگری با رعایت مفاد همین ماده جایگزین خواهد شد. تبصره ۲ ـ نحوه بررسی صلاحیت و برگزاری انتخابات هیات رییسه شورای اصناف کشور به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد مجامع امور صنفی مراکز استانها تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۴۴ ـ پس از تعیین هیات رییسه شورای اصناف کشور، دبیرخانه هیات عالی نظارت موظف است ظرف پانزده روز از هیات رییسه منتخب دعوت به‌عمل آورد تا در جلسه‌ای نسبت به انتخاب یک نفر رییس ، دو نفر نایب رییس ، یک نفر دبیر و یک نفر خزانه‌دار از بین خود اقدام کنند. تشکیل جلسه‌های ادواری شورای اصناف کشور در محل دبیرخانه هیات‌عالی نظارت یا هر مکان دیگری خواهد بود که به وسیله دبیرخانه تعیین می‌شود. ماده ۴۵ ـ وظایف و اختیارات شورای اصناف کشور، در محدوده این قانون ، طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که حداکثر ظرف شش‌ماه پس از تصویب این قانون به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۴۶ ـ شیوه اداره مصارف وجوه شورای اصناف کشور و بازپرداخت هزینه‌های

قابل قبول ناشی از عضویت اعضا در شورا، به‌موجب آیین‌نامه‌ای خواهدبود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت و با نظرخواهی از مجامع امور صنفی مراکز استانها تهیه و به‌تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۴۷ ـ منابع مالی شورای اصناف کشور شامل حق عضویت و کمکهای دریافتی از مجامع امور صنفی کشور و حق ارایه خدمات فنی و آموزشی حسب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت و با نظرخواهی از مجامع امورصنفی مراکز استانها تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید.

فصل ششم ــ کمیسیون نظارت

ماده ۴۸ ـ کمیسیون نظارت در شهرستانهای مراکز استانها و در سایر شهرستانهای هر استان با ترتیب زیر تشکیل میگردد : الف ـ در شهرستانهای مراکز استانها ـ مدیران کل یا روسای سازمانهای زیر : بازرگانی (رییس کمیسیون امور اقتصادی و دارایی. بهداشت درمان و آموزش پزشکی. دادگستری. نیروی انتظامی. ـ رییس شورای شهر. ـ شهردار. ـ روسای مجامع امور صنفی. ـ نماینده مطلع و تام الاختیار استانداری. ب ـ در سایر شهرستان های هر استان ـ روسای ادارات : بازرگانی (رییس کمیسیون امور اقتصادی و دارایی. بهداشت درمان و آموزش پزشکی. دادگستری. نیروی انتظامی. ـ رییس شورای شهر. ـ شهردار. ـ روسای مجامع امور صنفی. ـ نماینده مطلع و تام الاختیار فرمانداری یا بخشداری. تبصره ۱ ـ جلسات کمیسیون های یادشده با حضور حداقل هفت نفر از اعضا رسمیت میابد و تصمیمات با اکثریت مطلق آرای حاضران معتبر خواهد بود. تبصره ۲ ـ کمیسیون نظارت میتواند از افراد ذیصلاح و صاحب‌نظر و نیز نماینده دستگاههای دولتی یا عمومی ذی مدخل بدون داشتن حق رای برای حضور در جلسات دعوت به‌عمل آورد. تبصره ۳ ـ در تهران ، هیات عالی نظارت وظایف کمیسیون نظارت را انجام خواهد داد و میتواند تمام یا قسمتی از وظایف مزبور را به کمیسیون یا کمیسیون هایی مرکب از نمایندگان خود اعم از اعضا هیات یا افراد دیگر واگذار کند. ماده ۴۹ ـ وظایف و اختیارات کمیسیون نظارت به شرح زیر است : الف ـ ادغام اتحادیه‌ها یا تقسیم یک اتحادیه به دو یا چند اتحادیه و موافقت با تشکیل اتحادیه جدید. تبصره ـ وضعیت اموال دارایی ها، حقوق و تعهدات اتحادیه ای که به دو یا چند اتحادیه تقسیم میگردد به موجب آیین‌نامه‌ای تعیین میشود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ب ـ نظارت بر انتخابات اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی. ج ـ رسیدگی و بازرسی عملکرد اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی و تطبیق دادن اقدامات انجام شده آنها با قوانین و مقررات د ـ رسیدگی به بودجه ترازنامه و صورتهای مالی مجامع امورصنفی و تصویب آنها. هـ ـ سایر مواردی که در این قانون پیش‌بینی شده است تبصره ۱ ـ کمیسیون نظارت موظف به اجرای تصمیمات هیات عالی نظارت درحدود

وظایف و اختیارات قانونی است تبصره ۲ ـ کمیسیون نظارت هر شهرستان موظف است براساس امکانات و به‌منظور رعایت مصالح عمومی و حفظ حقوق دیگران در ابتدای هر سال براساس دستورالعمل تعیین شده از سوی هیات عالی نظارت تعداد واحدهای مورد نیاز هر صنف را در هر شهرستان مشخص و جهت صدور پروانه کسب به اتحادیه‌های صنفی مربوط ابلاغ کند. ماده ۵۰ ـ مسوولیت ایجاد هماهنگی و همکاریهای لازم بین کمیسیونهای نظارت اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی استان برعهده رییس کمیسیون نظارت شهرستان مرکز استان است رییس کمیسیون نظارت شهرستان مرکز استان موظف است با تشکیل جلسات و گردهمایی ها و اتخاذ تدابیر لازم ، زمینه انجام دادن امور را فراهم آورد. ماده ۵۱ ـ کمیسیون نظارت مکلف است انواع کالاها و خدمات واحدهای صنفی را که تعیین نرخ برای آنها از نظر کمیسیون ضرورت دارد ، مشخص و نرخ آنها را برای مدت معین تعیین کند و به مجمع امور صنفی ذیربط اعلام دارد. نرخ کالاها و خدماتی که از طرف مجلس شورای اسلامی ، دولت یا شورای اقتصاد تعیین میشود، برای کمیسیون لازم الرعایه است مجمع امور صنفی مکلف است مراتب را ازطریق رسانه های گروهی برای اطلاع عموم آگهی و ازطریق اتحادیه‌ها به افراد و واحدهای صنفی اعلام کند. کلیه افراد و واحدهای صنفی ملزم به رعایت نرخهای تعیین شده ازطرف کمیسیون نظارت هستند. ماده ۵۲ ـ کمیسیون نظارت برای نظارت بر نرخ‌گذاری کالاها و خدمات موظف است ناظرانی از بین معتمدان خود و مصرف کنندگان انتخاب و معرفی کند. گزارش ناظران برای مراجع قانونی ذیصلاح موضوع ماده ۷۲) قابل پیگیری است برای ناظران از سوی کمیسیون نظارت کارت شناسایی صادر میگردد. تبصره ـ کلیه امور ناظران اعم از عزل و نصب آنها برعهده وزارت بازرگانی است

فصل هفتم ـ هیات عالی نظارت

ماده ۵۳ ـ هیات عالی نظارت با ترکیب زیر تشکیل می‌شود: الف ـ وزیر بازرگانی (رییس هیات ب ـ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ج ـ وزیر کشور د ـ وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی هـ ـ وزیر دادگستری و ـ وزیر امور اقتصادی و دارایی ز ـ وزیر صنایع و معادن ح ـ فرماندهی نیروی انتظامی کشور. ط ـ شهردار تهران ی ـ رییس شورای اصناف کشور ک ـ رؤسای مجامع امور صنفی شهرستان تهران تبصره ۱ ـ جلسات هیات عالی نظارت با حضور اکثریت نسبی اعضا رسمیت می‌یابد. تبصره ۲ ـ وزیران دیگر ، براساس دستور جلسه ، با داشتن حق رای در جلسات حضور خواهند یافت تبصره ۳ ـ هیات عالی نظارت می‌تواند از افراد ذی صلاح و صاحب نظر برای حضور بدون داشتن حق رای در جلسات خود دعوت به عمل آورد. ماده ۵۴ ـ هیات عالی نظارت دارای دبیرخانه ای است که در وزارت بازرگانی مستقر است دبیرخانه بازوی اجرایی هیات عالی نظارت به شمار میاید و علاوه بر هماهنگ کردن امور ، وظایف تهیه و تدوین مکتوبات مورد نیاز جهت تصویب هیات و ارایه پیشنهاد را برعهده دارد. تشکیلات اداری و امور مالی و نحوه اداره دبیرخانه به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۵۵ ـ وظایف و اختیارات هیات عالی نظارت به شرح زیر است الف ـ تشخیص ضرورت برقراری حدود صنفی و تعیین سقف تعدادی برای صنوف و صدور دستورالعمل در این زمینه‌ها. ب ـ ابطال انتخابات یا عزل هیات‌رییسه اتحادیه‌ها یا مجامع امور صنفی شهرستانها به پیشنهاد کمیسیون نظارت ج ـ ابطال انتخابات یا عزل هیات رییسه شورای اصناف کشور. د ـ رسیدگی به اختلاف بین کمیسیون نظارت و مجامع امور صنفی یا شورای اصناف کشور. هـ ـ تعیین دستورالعمل نظارت بر چگونگی صدور پروانه کسب در سطح کشور. و ـ تعیین دستورالعمل نظارت بر حسن انجام وظایف قانونی و ایجاد هماهنگی بین کمیسیون های نظارت اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی کشور و شورای اصناف کشور و نظارت بر فعالیت آنها درحدود مفاد این قانون ز ـ ارایه راهکارهای اجرایی مناسب برای صدور کالاها و خدمات واحدهای‌صنفی با رعایت قوانین و مقررات جاری کشور. ح ـ سایر مواردی که به موجب این قانون به هیات عالی نظارت محول گردیده است ماده ۵۶ ـ هیات عالی نظارت می‌تواند قسمتی از وظایف خود را به کمیسیون یا

کمیسیونهایی مرکب از نمایندگان خود تفویض کند

فصل هشتم ــ تخلفات و جریمه ها

ماده ۵۷ ـ گران فروشی : عبارت است از عرضه یا فروش کالا یا ارایه خدمت به بهایی بیش از نرخ های تعیین‌شده به وسیله مراجع قانونی ذی ربط ، عدم اجرای مقررات و ضوابط قیمت گذاری و انجام دادن هر نوع عملی که منجر به افزایش بهای کالا یا خدمت به زیان خریدار گردد. جریمه گران فروشی ، با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به‌شرح زیر است الف ـ جبران خسارت وارد شده به خریدار و جریمه نقدی معادل مبلغ گران فروشی ، درصورتی که جریمه نقدی کمتر از پنجاه هزار ریال باشد، جریمه نقدی معادل پنجاه هزار (۵۰۰۰۰) ریال خواهد بود. ب ـ چنانچه کل مبلغ جریمه های نقدی پس از سومین مرتبه تخلف به بیش از دومیلیون ریال برسد، پارچه یا تابلو بر سر در محل کسب به عنوان متخلف صنفی به مدت ده روز نصب خواهد شد. ج ـ درصورتی که کل مبلغ جریمه‌های نقدی پس از چهارمین مرتبه تخلف به بیش از بیست میلیون ریال برسد، پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی نصب و محل کسب به مدت سه ماه تعطیل خواهد شد. ماده ۵۸ ـ کم فروشی عبارت است از عرضه یا فروش کالا یا ارایه خدمت کمتر از میزان یا معیار مقرر شده جریمه کم فروشی با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر است الف ـ جبران خسارت وارد شده به خریدار و جریمه نقدی معادل دو برابر مبلغ کم فروشی درصورتی که جریمه نقدی کمتر از مبلغ یکصدهزار ریال باشد، جریمه نقدی معادل یکصد هزار ریال خواهد بود. ب ـ چنانچه کل مبلغ جریمه‌های نقدی پس از سومین مرتبه تخلف به بیش از دومیلیون ریال برسد، پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی به مدت ده روز نصب خواهد شد. ج ـ درصورتی که کل مبلغ جریمه‌های نقدی پس از چهارمین مرتبه تخلف به بیش از بیست میلیون ریال برسد، پارچه یا تابلو برسردر محل کسب به‌عنوان متخلف صنفی نصب و محل کسب به مدت چهار ماه تعطیل خواهد شد. ماده ۵۹ ـ تقلب عبارت است از عرضه یا فروش کالاـ یا ارایه خدمتی که از لحاظ کیفیت یا کمیت منطبق با مشخصات کالا یا خدمت ابرازی یا درخواستی نباشد. جریمه تقلب با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر است الف ـ مرتبه اول ـ جبران خسارت وارد شده به خریدار و جریمه نقدی معادل چهار برابر مابه التفاوت ارزش کالا یا خدمت ابرازی یا درخواستی و کالای عرضه یا فروخته شده یا خدمت ارایه داده شده ، درصورتی که جریمه نقدی از مبلغ یکصدهزار ریال کمتر باشد، جریمه نقدی معادل یکصدهزار ریال خواهدبود. ب ـ مرتبه دوم ـ جبران خسارت وارد شده به خریدار و جریمه نقدی به میزان هشت برابر مابه التفاوت ارزش کالا یا خدمت ابرازی یا درخواستی و کالای عرضه یا فروخته شده یا خدمت ارایه داده شده ، در صورتی که جریمه نقدی از مبلغ دویست‌هزار ریال کمتر باشد، جریمه نقدی معادل دویست‌هزار ریال خواهدبود. ج ـ مرتبه سوم ـ جبران خسارت وارد شده به خریدار، جریمه نقدی معادل دوازده برابر مابه‌التفاوت ارزش کالا یا خدمت ابرازی یا درخواستی و کالای عرضه یا فروخته شده یا خدمت ارایه داده شده و نصب پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به‌عنوان متخلف صنفی و تعطیل محل کسب به مدت شش ماه درصورتی که جریمه نقدی از مبلغ یک میلیون ریال کمتر باشد، جریمه نقدی معادل یک میلیون ریال خواهد بود. تبصره ۱ ـ درصورت تقاضای خریدار مبنی بر استرداد کالای مورد تقلب فروشنده علاوه بر تحمل مجازاتهای مقرر، مکلف به قبول کالا و استرداد وجه دریافتی به خریدار خواهد بود. تبصره ۲ ـ درصورتی که در قوانین دیگر برای عمل متقلبانه مجازات شدیدتری پیش‌بینی شده باشد، فرد متقلب به مجازات مزبور محکوم خواهد شد. ماده ۶۰ ـ احتکار : عبارت است از نگهداری کالا به صورت عمده با تشخیص مراجع ذی صلاح و امتناع از عرضه آن به قصد گران فروشی یا اضرار به جامعه پس از اعلام ضرورت عرضه ازطرف وزارت بازرگانی یا سایر مراجع قانونی ذی ربط . جریمه احتکار، با عنایت به دفعات تکرار درطول هر سال به شرح زیر است الف ـ مرتبه اول ـ الزام محتکر به عرضه و فروش کل کالاهای احتکارشده و جریمه نقدی معادل پنجاه درصد (۵۰٪) قیمت

روز کالاهای احتکار شـده ب ـ مرتبه دوم ـ الزام محتکر به عرضه و فروش کل کالاهای احتکارشـده و جریمه نقـدی معادل دو برابر قیمت روز کالاهای احتکارشده و نصب پارچه یا تابلو بر سـردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی به مدت یک ماه ج ـ مرتبه سوم ـ الزام محتکر به عرضه و فروش کل کالاهای احتکارشـده و جریمه نقدی معادل پنج برابر قیمت روز کالاهای احتکار شده و نصـب پارچه یا تابلو بر سـردر محل کسب به عنوان متخلف صـنفی و تعطیل محل کسب به مـدت یک ماه ماده ۶۱ ـ عرضه خارج از شبکه عبارت است از عرضه کالا یا ارایه خدمت برخلاف ضوابط و شـبکه‌های تعیین‌شده از طرف وزارت بازرگانی یا دستگاه اجرایی ذی ربط جریمه عرضه خارج از شـبکه با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به‌شـرح زیر است الف ـ مرتبه اول ـ الزام به عرضه کالا یا ارایه خـدمت ، در شـبکه و جریمه نقدی معادل دو برابر ارزش روز کالا یا خدمت خارج شده از شـبکه در زمان تخلف ب ـ مرتبه دوم ـ الزام به عرضه کالا یا ارایه خـدمت در شـبکه و جریمه نقدی معادل چهار برابر ارزش روز کالا یا خدمت خارج شده از شبکه در زمـان تخلف ج ـ مرتبه سوم ـ الزام به عرضه کالاـ یا ارایه خـدمت در شـبکه و جریمه نقـدی معادل شـش برابر ارزش روز کالا یا خـدمت خارج شده از شبکه در زمان تخلف و نصب پارچه یا تابلو بر سـردر محل کسب به عنوان متخلف صـنفی به مدت یک ماه ماده ۶۲ ـ عرضه و فروش کالای قاچاق حمل و نقل نگهـداری عرضه و فروش کالای قاچاق توسط واحـدهای صـنفی ممنوع است و متخلف باعنایت به دفعات تکرار درطول هر سال به شـرح زیر جریمه می‌گردد: الف ـ مرتبه اول ـ جریمه نقدی معادل دو برابر قیمت روز کالای قاچاق و ضبط کالای قاچاق موجود به نفع دولت ب ـ مرتبه دوم ـ جریمه نقدی معادل پنج برابر قیمت روز کالای قاچاق ، ضـبط کالای قاچاق موجود به نفع دولت و نصب پارچه یا تابلو بر سـردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی به مدت یک ماه ج ـ مرتبه سوم ـ جریمه نقدی معادل ده‌برابر قیمت روز کالای قاچاق ، ضـبط کالای قاچاق موجود به نفع دولت و نصب پارچه یا تابلو بر سردر محـل کسب به‌عنوان متخلف صـنفی و تعطیل محل کسب به مـدت شـش ماه د ـ چنانچه در قوانین دیگر برای عرضه و فروش کالای قاچاق مجازات شدیـدتری پیش بینی شـده باشد متخلف به مجازات مزبور محکوم خواهد شد. ماده ۶۳ ـ عدم اجرای ضوابط قیمت‌گـذاری و توزیع عبـارت است از عـدم ارایه مـدارک لازم جهت اجرای ضوابط قیمت‌گـذاری و توزیع به مراجع قانونی بـدون عـذر موجه ظرف سه مـاه از تاریـخ ترخیص کالاـ یـا خـدمت وارداتی یـا دراختیـار گرفتن تولیـد داخلی برای آن دسته از کالاهـا و خـدماتی که توسط مراجع قانونی ذی ربط مشـمول قیمت‌گذاری می‌گردند. تبصـره ـ تشـخیص موجه بودن عذر با وزارت بازرگانی است جریمه عـدم اجرای ضوابط قیمت‌گذاری و توزیع ، با عنایت به دفعات تکرار درطول هر سال تخلف ، به شـرح زیر است الف ـ مرتبه اول ـ جریمه نقدی معادل نصف قیمت رسـمی کالا یا خدمت ب ـ مرتبه دوم ـ جریمه نقدی معادل دو برابر قیمت رسـمی کالا یا خدمت ج ـ مرتبه سوم ـ جریمه نقدی معادل چهار برابر قیمت رسمی کالا یا خدمت و نصب پارچه یا تابلو برسر در محل کسب به عنوان متخلف صنفی و تعطیل محل کسب به مدت یک ماه ماده ۶۴ ـ فروش اجباری عبارت است از فروش اجباری یک یا چند نوع کالا یا خدمت به همراه کالا یا خدمت دیگر. جریمه فروش اجباری به شرح زیر است الف ـ برای فروش اجباری کالا، الزام فروشنده به پس‌گرفتن کالا و جریمه نقدی معادل پنج برابر قیمت فروش کالای تحمیلی ب ـ برای فروش اجباری خدمت جبران خسارت وارد شـده به خریـدار و جریمه نقـدی معـادل پنـج برابر مبلغ خـدمت اجبـاری ماده ۶۵ ـ عـدم درج قیمـت عبـارت اسـت از نصب نکردن برچسب قیمت بر کالا، استفاده نکردن از تابلو نرخ دستمزد خدمت در محل کسب یا حرفه یا درج قیمت به نحوی که برای مراجعه کننـدگان قابل رویت نباشـد. جریمه عـدم درج قیمت در هر بار تخلف دویست هزار ریال است ماده ۶۶ ـ عدم صدور صورتحساب عبارت است از خودداری از صـدور صورتحسابی که با ویژگی های منـدرج در ماده ۱۵) این قانون منطبق باشد. جریمه عدم صدور صورتحسـاب در هر بـار تخلف دویست هزار ریال است ماده ۶۷ ـ چنـانچه براثر وقوع تخلف‌های منـدرج در این قانون ، خسارتی به اشخاص ثالث واردشود ، به‌درخواست شخص خسارت دیده ، فرد صنفی متخلف علاوه بر جریمه‌های مقرر در این قانون ، به جبران زیانهای واردشـده به خسارت دیـده نیز محکوم خواهد شد. ماده ۶۸ ـ عـدم رعایت مفاد ماده (۱۶)، تبصره (۴) ماده (۱۷) و بندهای

(ک و (م ماده (۳۷) و همچنین دستورالعمل های بهداشتی موضوع ماده (۱۷) این قانون ازسوی فرد صنفی تخلف محسوب می‌شود و متخلف باید جریمه نقدی از دویست هزار ریال تا پانصد هزار ریال را در هر بار تخلف بپردازد. ماده ۶۹ ـ فروش کالاـ ازطریق قرعه‌کشی ممنوع است مرتکبین علاوه‌بر جبران خسارت وارده به جریمه‌ای معادل سه برابر مبالغ دریافتی محکوم خواهند شد. ماده ۷۰ ـ اگر اشخاص حقیقی یا حقوقی با فروش فوق العاده یا فروش اقساطی به‌اشخاص خسارت وارد آورند، علاوه بر جبران خسارت واردشده به خریدار، به پرداخت جریمه نقدی معادل مبلغ دریافتی یا قیمت روز کالا یا خدمت عرضه‌شده ملزم خواهندشد. تبصره ـ آیین‌نامه اجرایی موضوع این ماده ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون به وسیله دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۷۱ ـ به منظور تسهیل داد و ستد و ثبت و مستندسازی فعالیت های اقتصادی افراد صنفی عرضه کننده کالاـ و یا ارایه دهنده خدمت مکلفند حداکثر ظرف مدت سه سال از تصویب این قانون در شهرستان های بیش از سیصد هزار نفر جمعیت و ظرف مدت پنج سال در سایر شهرستانها به تناسب از صندوق مکانیزه فروش (Posse) و یا دستگاه توزین دیجیتالی و یا هر دو برای فروش کالا یا ارایه خدمت خود با رعایت شرایط مندرج در تبصره (۱) ماده (۱۵) استفاده نمایند. تبصره ۱ ـ تعیین صنوف مشمول این ماده و ضوابط نحوه استفاده و پلمب دستگاه توسط مراجع ذی ربط تابع آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت ظرف مدت شش ماه تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. تبصره ۲ ـ از تاریخ اتمام مهلت مقرر، در صورت عدم استفاده از صندوق مکانیزه فروش و یا دستگاه توزین دیجیتالی واحد صنفی مشمول این ماده برای هرماه تاخیر معادل یک میلیون ریال جریمه خواهد شد. ماده ۷۲ ـ خریداران و مصرف کنندگان می‌توانند شکایت خود را درمورد تخلف های موضوع این قانون به اتحادیه‌های ذی ربط و یا ناظران و بازرسان موضوع ماده (۵۲) این قانون تسلیم ارسال یا اعلام دارند. همچنین بازرسان و ناظران موضوع این قانون نیز گزارش تخلفات موضوع این قانون یا شکایت دریافتی را حداکثر ظرف ده روز به هیات رسیدگی بدوی و یا اتحادیه‌های ذی ربط ، تسلیم می‌دارند. اتحادیه‌ها موظفند حداکثر ظرف مدت ده روز شکایت یا گزارش تخلف دریافتی را مورد بررسی قرار دهند و درصورت احراز عدم تخلف فرد صنفی ، یا انصراف شاکی ، با اعلام مراتب ، پرونده را مختومه نمایند. در غیر این صورت و یا اعتراض شاکی ، بازرس یا ناظر ظرف مدت ده روز از تاریخ اعلام مختومه شدن ، پرونده برای بررسی به هیات رسیدگی بدوی ارسال خواهد گردید. هیات یا هیاتهای رسیدگی بدوی در هر شهرستان مرکب از سه نفر نمایندگان اداره یا سازمان بازرگانی ، دادگستری با حکم رییس قوه قضاییه و مجمع امورصنفی ذی‌ربط است که ظرف دو هفته در جلسه‌ای با دعوت از طرفین یا نمایندگان آنها به پرونده رسیدگی و طبق مفاد این قانون رای صادر می‌کنند. عدم‌حضور هر یک از طرفین مانع از رسیدگی و اتخاذ تصمیم نخواهد بود. هر یک از طرفین می‌تواند درصورت معترض بودن به رای صادره اعتراض کتبی خود را ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ رای به هیات تجدید نظر تسلیم دارد. هیات یا هیاتهای تجدیدنظر در هر شهرستان مرکب از سه نفر، رییس اداره یا سازمان بازرگانی یا یکی از معاونان وی رییس دادگستری یا نماینده معرفی شده وی و رییس یا یکی از اعضا هیات رییسه مجمع امور صنفی ذی‌ربط است که ظرف یک ماه به درخواست طرف معترض می‌تواند با دعوت از طرفین یا نمایندگان آنها رسیدگی و رای صادر کند. این رای قطعی و لازم‌الاجرا است عدم‌حضور هر یک از طرفین مانع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نخواهد بود. جلسه‌های هیاتهای رسیدگی بدوی و تجدیدنظر با حضور هر سه نفر اعضا رسمی است و آرا صادره با دو رای موافق معتبر و لازم الاجرا خواهد بود. تبصره ۱ ـ درصورت عدم امکان تشکیل هیات رسیدگی در هر شهرستان ، یکی از هیاتهای رسیدگی شهرستان همجوار استان یا مرکز استان وظایف مقرر شده را عهده‌دار خواهد شد. تبصره ۲ ـ اداره امور مراجع رسیدگی بدوی و تجدیدنظر و مسوولیت تشکیل جلسه های رسیدگی بر عهده اداره یا سازمان بازرگانی شهرستان یا استان است همچنین مسوولیت هماهنگی و رسیدگی به تخلفات هیاتها ، صدور رای و ابلاغ آن و آموزش بازرسان و ناظران به عهده وزارت بازرگانی می‌باشد نحوه نظارت و بازرسی ، تهیه گزارش واجرای رای تجدیدنظر و رسیدگی به شکایات و

تخلفات موضوع این قانون و دستورالعمل اجرایی و مالی آن به موجب این قانون خواهد بود. تبصره ۳ ـ درآمدهای ناشی از جریمه‌های دریافتی به حساب خزانه واریز خواهد گردید. معادل این مبلغ در بودجه های سنواتی منظور خواهدشد تا توسط وزارت بازرگانی برای اجرای این قانون به مصرف برسد. تبصره ۴ ـ دادگستری و نیروی انتظامی کلیه وزارتخانه‌ها و دستگاههای اجرایی ، موسسات ، سازمانها ، شرکتهای دولتی ، سایر دستگاههای دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است موسسات عمومی غیردولتی و سازمان‌های تابعه سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و بانکها موظفند نسبت به امور مربوط به رسیدگی و اجرای احکام تخلفات موضوع این قانون همکاری نمایند. ماده ۷۳ ـ از زمان لازم‌الاجرا شدن این قانون ، رسیدگی به تخلفات افراد صنفی و تعیین جریمه‌های آنها تنها به موجب احکام این قانون صورت خواهد پذیرفت قوانین ومقررات مغایر با این قانون ازجمله مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام درخصوص تعزیرات حکومتی مربوط به اصناف و واحدهای صنفی موضوع این قانون لغو می‌گردد. ماده ۷۴ ـ میزان جریمه‌های نقدی تعیین شده در این فصل هر سه سال یک بار و براساس نرخ تورم سالانه بنا به پیشنهاد وزارت بازرگانی و تایید هیات وزیران قابل تعدیل است

فصل نهم ـ سایر مقررات

ماده ۷۵ ـ اتحادیه ها و مجامع امور صنفی می‌توانند برای خدمات اعضای هیات مدیره یا هیات رییسه خود، برحسب آیین نامه‌ای که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهدرسید، مبالغی را از محل درآمدهای خود در بودجه سالانه خود پیش بینی و پرداخت کنند. تبصره ـ اعضای موضوع این ماده با توجه به ماهیت کار خود، بابت دریافتی های یاد شده مشمول قوانین و مقررات کار و تامین اجتماعی نخواهند بود. ماده ۷۶ ـ هر یک از اعضای هیات مدیره اتحادیه‌ها و هیات رییسه مجامع امور صنفی و شورای اصناف کشور نسبت به وجوه و اموال اتحادیه ، مجمع امور صنفی و شورای اصناف کشور و وجوهی که دراجرای این قانون و سایر قوانین و مقررات در اختیار آنان قرار می‌گیرد ، امین محسوب می‌شوند. ماده ۷۷ ـ به منظور حمایت از بافندگان فرش دستباف به کمیسیونهای نظارت مراکز استانها اجازه داده می‌شود، به تشخیص خود، در هر استان نسبت به تشکیل اتحادیه استانی بدون رعایت مفاد ماده (۲۱) این قانون جهت بافندگان مزبور اقدام کنند. این اتحادیه ها تحت نظارت کمیسیون نظارت مرکز استان خود خواهند بود. ماده ۷۸ ـ به منظور تقویت صنوف تولیدی و توسعه صادرات غیرنفتی کشور، به پیشنهاد کمیسیون نظارت و تصویب هیات عالی نظارت اتحادیه‌های صادراتی در شهرهای مرکز استان یا تهران به صورت استانی یا کشوری تشکیل خواهد شد. فعالیت این اتحادیه‌ها تابع آیین‌نامه‌ای خواهدبود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۷۹ ـ وزارت بازرگانی مکلف است بارعایت بند (هـ) ماده (۵۵) این قانون نسبت به صدور پروانه کسب برای افرادی که نام برده می‌شوند، درصورتی که دارای محل کسب ملکی یا اجاره‌ای باشند، اقدام کند: الف ـ جانباز، همسر جانباز، یکی از فرزندان جانباز متوفی و یکی از فرزندان جانباز از کارافتاده ب ـ آزاده همسر آزاده یکی از فرزندان آزاده متوفی و یکی از فرزندان آزاده از کار افتاده ج ـ کلیه اعضای خانواده شهدا اعم از همسر، فرزند، والدین خواهر و برادر. آیین نامه اجرایی این ماده به وسیله دبیرخانه هیات عالی نظارت با همکاری بنیاد شهید، بنیاد جانبازان انقلاب اسلامی و ستاد آزادگان تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. تبصره ۱ ـ صدور پروانه کسب پس از دریافت معرفی نامه از نهاد ذی ربط و احراز شروط لازم تنها برای یک بار خواهد بود. تبصره ۲ ـ اتحادیه ها موظفند دارنده پروانه کسب را به‌عنوان فرد صنفی بپذیرند. همچنین کلیه سازمانهای ذی ربط موظفند نسبت به اعطای تسهیلات و امکانات همسان با سایر افراد صنفی عضو آن اتحادیه برای دارنده پروانه کسب اقدام‌کنند. تبصره ۳ ـ افراد صنفی موضوع این ماده نمی‌توانند شغل دیگری داشته باشند، یا از وزارتخانه های دیگر موافقت اصولی یا پروانه تاسیس دریافت کرده باشند، مگر آن که موضوع موافقت اصولی یا پروانه تاسیس مرتبط با موضوع فعالیتی باشد که برای آن

درخواست پروانه کسب کرده‌انـد. تبصره ۴ ـ افراد صـنفی موضوع این ماده می‌تواننـد درصورت منتقل شـدن به شهرسـتان یا اسـتان دیگر، به شرط ابطال پروانه کسب قبلی در محل جدید با رعایت مفاد این ماده پروانه کسب معوض دریافت دارند. ماده ۸۰ ـ صدور پروانه کسب برای امـاکن بـا کـاربری اداری یـا کارگاهی بلامانع است ماده ۸۱ ـ نیروی انتظـامی کشـور موظـف است دراجرای این قانون همکاری لازم را با اتحادیه ها، مجامع امور صنفی و شورای اصناف کشور معمول دارد. نحوه همکاری به موجب آیین نامه‌ای خواهـدبود که توسـط دبیرخـانه هیـات عـالی نظـارت بـا همکـاری وزارت کشور و نیروی انتظـامی تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۸۲ ـ اگر یک فرد صنفی به‌سبب تغییر الگوی مصرف یا نیازها، یا رویدادهای پیش‌بینی نشده تحمیلی امکان ادامه فعالیت صـنفی خود را از دست بدهد، می‌تواند باکسب نظر مالک و تایید کمیسیون نظارت و با حفظ کاربری محل‌کسب به فعالیت صنفی دیگری در همـان محل بپردازد. ماده ۸۳ ـ شـهرداریها موظفند درصورت تخریب محلهای کسب دراجرای طرحهای مصوب ، از دریافت هزینه‌های مترتب بر صـدور پروانه ساخت محل جدید خودداری ورزند. اگر معوضـی از طرف شـهرداریها پیشـنهاد شود، ارزش روز آن نبایـد از ارزش روز محـل کسب تخریب شـده کمتر باشـد. مـاده ۸۴ ـ حراج‌های فردی یا جمعی فصلی یا غیرفصـلی واحدها یا افراد صنفی طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی می‌رسد. برگزاری حراج بـدون رعـایت ضوابط منـدرج در آن آیین‌نامه ، واحـد صـنفی را مشـمول مجازات منـدرج در ماده (۶۸) این قانون خواهـد کرد. ماده ۸۵ ـ برگزاری روز بازارهـای جمعی واحـدها یـا افراد صـنفی براساس آیین‌نامه‌ای خواهـد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۸۶ ـ فعالیت فروشگاههای بزرگ چندمنظوره یا زنجیره‌ای و نحوه نظـارت برآنهـا، طبق آیین‌نـامه‌ای خواهـد بود که توسـط دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسـید. تبصـره ـ مرجع صـدور مجوز فعـالیت فروشـگاههای موضوع این مـاده وزارت بازرگـانی است ماده ۸۷ ـ افراد صـنفی کـه در بازارهای مجازی فعالیت می‌کنند، ملزم به ارایه مدارک مورد اسـتفاده در آن بازارها هسـتند. ماده ۸۸ ـ دبیرخانه هیات عالی نظارت مکلف است با همکاری دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری صـنعتی نسبت به تهیه آیین‌نامه اجرایی حاکم بر تشکیل و فعالیت تشـکلهای صنفی در مناطق آزاد کشور اقدام کند تا پس از تصویب وزیر بازرگانی به‌اجرا درآید. ماده ۸۹ ـ کلیه واردکنندگان کالا که به صورت تجاری به واردات کالا اقدام می‌کنند و قصد توزیع یا فروش کالاهای وارداتی خود را دارند، درصورتی که به عرضـه مسـتقیم کالا به مصرف کننده مبادرت ورزند، ملزم به اخذ پروانه کسب طبق مقررات این قانون خواهند بود. ماده ۹۰ ـ وزارتخانه‌ها، موسـسات سازمانها یا شـرکتهای دولتی سایر دسـتگاههای دولتی که شـمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است و نهادهای عمومی غیردولتی ، که طبق قوانین جاری ملزم یا مجاز به عرضه مستقیم کالاها یا خدمات به مصرف کنندگان هستند، اعم از این که ازطریق اماکن و تاسیسات متعلق به خود یا دیگر اشـخاص به این کار مبادرت ورزند، از شمول این قانون مستثنی هستند. اما رعایت سایر قوانین و مقررات جاری و نرخهای تعیین شده برای کالاها و خدمات توسط مراجع قانونی ذی‌ربط ، الزامی است دسـتگاه دولتی یـا نهـاد عمومی غیردولتی متبوع در حیطه وظـایف و اختیـارات قـانونی خود، مسوولیت نظـارت و کنترل و سایر امور مربوط به اداره اماکن را برعهـده دارد. درصورتی که این قبیل فعالیت ها به اشـخاص حقیقی یا حقوقی واگذار گردد یاانجام دادن آنها با مشارکت بخش خصوصـی صورت پذیرد، مشـمول قانون نظام صنفی و مقررات آن خواهد بود. ماده ۹۱ ـ اشـخاص حقیقی یا حقوقی که طبق قـوانین جـاری موظف به اخـذ مجوز فعـالیت یـا پروانه تاسیس بهره‌برداری یـا اشـتغال از وزارتخـانه هـا ، موسـسات ، سازمـان هـا یا شرکتهـای دولتی ، سـایر دسـتگاههای دولتی که شـمول قانون بر آنها مسـتلزم ذکر یا تصـریح نام است یا نهادهای عمومی غیردولتی هسـتند، چنانچه به عرضه مسـتقیم کالاها یا خـدمات به مصـرف‌کنندگان مبادرت ورزنـد، مکلفنـد علاوه بر دریافت مجوز فعالیت یا پروانه ، نسبت به اخذ پروانه کسب از اتحادیه مربوط اقدام کنند. اشـخاص مذکور مشـمول قانون نظام صنفی و مقررات آن خواهند بود. تبصره ـ اخذ پروانه کسب از اتحادیه مانع اعمال نظارت مقرر در قوانین جاری ازسوی هر یک از دستگاههای دولتی یا نهادهای

عمومی غیردولتی یاد شده بر آنها نخواهد بود. ماده ۹۲ ـ سازمان تامین اجتماعی فقط درصورت شکایت هر یک از کارکنان واحدهای صنفی مبنی بر عدم پرداخت حق بیمه در مدت همکاری توسط افراد صنفی می‌تواند به نظر بازرس یا مندرجات دفاتر قانونی فرد صنفی استناد و حق بیمه را دریافت کند. این مبلغ درصورت احراز تخلف فرد صنفی ، معادل حق بیمه پرداخت نشده شاکی شاغل و جریمه ای به مبلغ دو برابر آن خواهد بود. چنانچه مبلغ جریمه کمتر از یکصدهزار ریال باشد جریمه نقدی معادل یکصدهزار ریال خواهد بود. ماده ۹۳ ـ مجمع امورصنفی منحل نمی‌شود مگر در مواردی که در انجام وظایف محوله تسامح ورزد، یا برخلاف مصالح عمومی و وظایف مقرر رفتار کند. در این صورت کمیسیون نظارت مراتب را با ذکر دلایل کافی به هیات عالی نظارت اعلام می‌دارد. اگر هیات عالی نظارت پس از رسیدگی به دلایل طرفین ، انحلال را لازم بداند مراتب را جهت تصویب به وزیر بازرگانی اعلام می‌دارد. اتحادیه‌ها موظفند ظرف یک‌ماه از تاریخ انحلال مجمع ، نمایندگان خود را جهت تشکیل مجدد مجمع امور صنفی معرفی کنند. انحلال شورای اصناف کشور نیز به پیشنهاد هیات‌عالی نظارت و تصویب وزیربازرگانی خواهد بود. مجامع امور صنفی موظفند ظرف یک‌ماه از تاریخ انحلال شورای اصناف ، نمایندگان خود را جهت تشکیل مجدد شورای اصناف کشور معرفی کنند. درصورت اعتراض هر یک از طرفین می‌توانند به مراجع ذی‌صلاح قضایی مراجعه کنند. ماده ۹۴ ـ آیین نامه اجرایی موضوع ماده ۲۹)، بند(ی ماده ۳۰) و تبصره ۳) ماده ۳۷) این قانون به‌پیشنهاد وزارتخانه های امور اقتصادی و دارایی و بازرگانی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۹۵ ـ وزارت بازرگانی موظف است گزارش عملکرد این قانون را سالیانه به کمیسیونهای اقتصادی و برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی ارسال نماید. ماده ۹۶ ـ از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون قانون نظام صنفی مصوب ۱۳/۴/۱۳۵۹ شورای انقلاب و کلیه اصلاحات و الحاقات بعدی آن و قانون ایجاد تسهیلات لازم جهت صدور پروانه کسب برای جانبازان ، اسرای آزاد شده و خانواده محترم شهدا مصوب ۱۳/۱۲/۱۳۶۸ و نیز سایر قوانین مغایر لغو و بلااثر می گردد. قانون فوق مشتمل بر نود و شش ماده و نود و دو تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و چهارم اسفند ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۸/۱۲/۱۳۸۲ به تایید شورای نگهبان رسید .

قانون تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان – مصوب ۲۳/۱/۱۳۶۷

مصوب ۲۳/۱/۱۳۶۷ ماده ۱ ـ تعاریف الف ـ احتکار ـ عبارت است از جمع و نگهداری ارزاق مورد نیاز و ضروری عامه مردم (گندم ، جو ،کشمش ، خرما ، روغن حیوانی و نباتی) به قصد افزایش قیمت ب ـ گرانفروشی ـ عبارت است از عرضه کالا به بیش از نرخ متعارف ، و در مورد کالاهایی که به دست دولت توزیع می‌شود به بیش از نرخ تعیین شده توسط دولت ماده ۲ ـ هرکس مواد غذایی موضوع بند الف ماده ۱ را احتکار نماید محتکر محسوب شده و با رعایت امکانات و شرایط خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب به مجازاتی از دو برابر تا ده برابر قیمت کالای احتکار شده و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می گردد. ماده ۳ ـ هرکس کالاهای زیاده بر مصرف سالانه خود را که مورد احتیاج ضروری عامه است به قصد افزایش قیمت یا امتناع از فروش به مردم و یا خودداری از فروش به دولت پس از اعلام نیاز دولت حبس و امساک نماید در حکم محتکر است و مجازات محتکر را خواهد داشت مدت اجرای این ماده از تاریخ لازم الاجرا بودن پنج سال است تبصره ۱ ـ علاوه بر مجازاتهای مندرج در مواد ۲ و ۳ دادگاه صاحب کالاهای موضوع این مواد را الزام به فروش به قیمت عادله می‌نماید و در صورت امتناع محکمه قیمت کالا را معین نموده و دراختیار مصرف کنندگان قرار می‌دهد. تبصره ۲ ـ تولیدکنندگان محصولات کشاورزی که طبق سنت و روال محلی بخشی از تولیدات خود را به منظور عرضه تدریجی یا تامین بذور سال بعد نگهداری می‌نمایند مشمول این ماده نمی‌باشند. ماده ۴ ـ معاون و شریک در جرایم فوق مجازات محتکر را خواهد داشت و در صورتی که اشخاص کارمند دولت و یا شرکتهای دولتی باشند به انفصال دایم از خدمات دولتی محکوم خواهند شد. ماده ۵ ـ هرکسی که مرتکب هریک از اعمال مشروحه زیر شود با رعایت

امکانات و شرایط خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب برای مرتبه اول به جزای نقدی از دو تا پنج برابر و برای‌مرتبه دوم از پنج تا ده برابر قیمت کالا و خدمات مورد تخلف در این ماده و برای مرتبه سوم برای افراد غیر صنفی از ده تا بیست برابر قیمت کالا و خدمات مورد تخلف در ماده و در مورد افراد صنفی علاوه بر مجازات مرتبه دوم به لغو پروانه محکوم خواهند شد. ۱ ـ فروش مصنوعات یا فرآورده های گرانتر از نرخ مقرر. ۲ ـ دریافت اجرت یا دستمزد خدمات ، زاید بر میزان مقرر. ۳ ـ معامله صوری به نرخ مقرر و به کار بردن تمهیداتی که عملاـ موجب دریافت وجه بیشتر از نرخ مقرر بشود. ۴ ـ استفاده از مواد نامرغوب که در نتیجه کیفیت کالاـ یا مصنوعات یا فرآورده‌ها یا ارزش خدمات را بدون تنزل قیمت پایین می‌آورد. ۵ ـ عرضه نان معمولی با پخت نامرغوب ۶ ـ تحویل کالا کمتر از وزن یا مقدار به مشتری ۷ ـ انتقال غیر مجاز کالاهایی که از طرف دولت به یک شهر یا منطقه یا جمعیت معینی اختصاص یافته است به شهر و منطقه دیگر و فروش آن به اشخاص دیگر. ۸ ـ خودداری فرد صنفی از عرضه و فروش کالاـ یا مصنوعات و یا فرآورده‌ها یا خدمات برخلاف مقررات صنفی ۹ ـ امتناع فرد صنفی از دادن فاکتور به قیمت رسمی و یا صدور فاکتور خلاف واقع ماده ۶ ـ چنانچه اعمال فوق به عنوان مقابله با حکومت صورت گیرد و مرتکب مصداق محارب باشد به مجازات آن محکوم می‌شود. ماده ۷ ـ چنانچه متهم برای اولین بار مرتکب یکی از اعمال مذکور در مواد فوق شده باشد و دادستان در موارد غیر مهم تشخیص دهد با وعظ یا توبیخ یا تهدید یا اخذ تعهد تادیب خواهد شد با اعمال یکی از موارد تادیب فوق پرونده را بایگانی می‌نماید. دادگاه نیز در صورت طرح پرونده در دادگاه حق اعمال مراتب بالا را به تشخیص خود دارد.

قانون مجازات نانوایان و قصابان متخلف – مصوب ۲۲/۴/۵۴

مصوب ۲۲/۴/۵۴ ماده واحده ـ در هریک از دکانهای نانوایی و یا قصابی که نان و گوشت گرانتر از نرخی که دولت تعیین نموده به فروش برسد و یا ظاهرا به نرخ مقرر ولی عملا گرانتر از آن به فروش برسد و یا از حیث وزن و مقدار کمتر تحویل مشتری بشود و یا با به کار بردن مواد دیگر یا آرد پست تر از آرد سهمیه نانوایی نوع نان از لحاظ کیفیت پایین آورده شود و یا مقدار نان و گوشت که برای فروش عرضه می گردد کمتر از میزان متناسب سهمیه ای باشد که با نرخ دولتی در اختیار نانوایی و یا قصابی قرار گرفته است متخلف به حبس جنحه ای از سه ماه تا یک سال یا به پرداخت جزای نقدی از ۵۰۰۱ ریال تا دویست هزار ریال و یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد و در صورت تکرار جرم درهمان دکان دادگاه علاوه بر کیفر مقرر حکم به ابطال پروانه نانوایی یا قصابی نیز خواهد داد. تبصره ۱ ـ رسیدگی به جرم فوق خارج از نوبت در دادگاه جنحه انجام و احکام صادره از حیث پژوهش و فرجام تابع مقررات عمومی است تبصره ۲ ـ برای هر دکان نانوایی یک نفر مسوول که ممکن است سرمایه گذار یا مالک نانوایی نیزباشد، به اتحادیه نانوایان محل معرفی می‌شود که در مورد تخلفات مذکور در فوق چنانچه مالک و مسوول یک نفر باشد به تنهایی و در صورتی که دو نفر باشند متخلف مسوول تخلفات مذکور در فوق را به عهده خواهد داشت شرایط احراز صلاحیت و مراحل صدور پروانه مسوولیت نانوایی به موجب آیین نامه مذکور در تبصره ۴ تعیین می‌شود. تبصره ۳ ـ در صورتی که از دادگاه جنحه حکم ابطال پروانه نانوایی صادر شده باشد دکان نانوایی در تهران وسیله شرکت تعاونی نانوایان تهران و حومه در شهرستانها و بخشها تا تشکیل شرکت تعاونی نانوایان مربوط تحت نظر فرمانداری یا بخشداری آن محل اداره خواهد شد. تبصره ۴ ـ در صورت صدور حکم ابطال پروانه قصابی از طرف دادگاه جنحه طبق نظر وزارت کشاورزی و منابع طبیعی حسب مورد اداره قصابی به وسیله سازمان گوشت کشور یا شرکت تعاونی فروشندگان گوشت و یا تحت نظر فرمانداری و بخشداری صورت خواهد گرفت نحوه نظارت به کار و اداره دکان نانوایی و یا قصابی و تعیین مسوول نانوایی موضوع این قانون به موجب آیین نامه ای خواهد بود که به پیشنهاد وزارتخانه های دادگستری و کار و امور اجتماعی و بازرگانی و کشاورزی و منابع طبیعی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره ۵ ـ دارندگان پروانه‌های نانوایی که از اجرای مقررات قانون کار درباره کارگران خودداری نمایند چنانچه

حداکثر ظرف یک ماه پس از ابلاغ رای هیات حل اختلاف وزارت کار و امور اجتماعی نسبت به پرداخت مزایای قانونی کارگران اقدام ننمایند علاوه بر مجازاتهای مقرر در قانون کار پروانه نانوایی آنان طبق مقررات این قانون ابطال خواهد گردید و به ترتیب مقرر در تبصره ۳ این قانون عمل خواهد شد.

قانون شمول قانون مجازات اخلال کنندگان در عرضه دام و توزیع گوشت درباره اخلال کنندگان در عرضه و توزی

مصوب اردیبهشت ۱۳۵۴ ماده واحده ـ از تاریخ تصویب این قانون مقررات قانون مجازات اخلال کنندگان در عرضه دام و توزیع گوشت مصوب اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۳ شامل افرادی که به نحوی از انحا از راه ایجاد مضیقه و موانع موجبات اخلال در عرضه و توزیع گندم و آرد و قند و شکر و برنج و روغن و سایر مواد ارزاق عمومی را که دولت تعیین و اعلام خواهد نمود فراهم نمایند و یا با اقدام خود موجب کمیابی و گرانی مواد مزبور شوند نیز خواهد بود.

قانون منع خرید و فروش کوپن های کالاهای اساسی – مصوب ۲۳/۱/۶۷

مصوب ۲۳/۱/۶۷ ماده ۱ ـ کلیه کوپنهای کالاهای اساسی و سوخت و دیگر کوپنهایی که مایحتاج مردم به وسیله آن تامین می‌شود، در حکم اوراق بهادار است و جعل و دخل و تصرف و دزدی و خرید و فروش و سواستفاده کوپنهای مربوط به وزارتخانه ها ، سازمان ها و نهادهای انقلابی و شهرداری ها و شرکت ها و کلیه موسسات دولتی یا غیر دولتی که از سهمیه استفاده می کنند و نیز کوپنهای مربوط به وسایط نقلیه عمومی که از سهمیه استفاده می کنند، تخلف محسوب می‌شود و متخلف به مجازاتهای مذکور در مواد آتی محکوم می گردد. ماده ۲ ـ هرکس به جعل و یا چاپ غیر قانونی کوپن اقدام کند و یا در مدارك و صورت جلسات امحا و تحویل و تحول ، دخل و تصرف نماید علاوه بر استرداد وجوه حاصله از این اعمال به زندان از یک تا پنج سال و به شلاق از ده تا هفتاد و چهار ضربه محکوم می‌شود. تبصره ـ در صورتی که مجرم کارمند یکی از عناوین مذکور در ماده ۱ باشد، علاوه بر مجازاتهای فوق به انفصال از یک سال تا ده سال محکوم خواهد شد. ماده ۳ ـ هرکس خرید و فروش کوپن را حرفه خود قرار دهد و یا به عمده فروشی بپردازد و یا این عمل را تکرار کند، علاوه بر استرداد وجوه حاصل از فروش به مجازات زندان از یک تا پنج سال محکوم می‌شود و کلیه کوپنها به وسیله دولت ضبط خواهد شد. تبصره ۱ ـ در صورتی که مجرم فرد صنفی باشد، علاوه بر مجازاتهای فوق از دریافت کلیه سهمیه های دولتی از یک تا ده سال محروم خواهد شد. تبصره ۲ ـ چنانچه مجرم کارمند یکی از عناوین مذکور در ماده ۱ باشد، علاوه بر مجازاتهای فوق به انفصال از یک ماه تا پنج سال محکوم خواهد شد. ماده ۴ ـ کسانی که اقدام به سرقت کوپنهای مذکور در ماده ۱ می‌نمایند، علاوه بر تحویل کلیه کوپنهای مسروقه موجود به دولت به مجازاتهای زیر محکوم می‌شوند: الف ـ پرداخت دو تا ده برابر معادل قیمت فروش غیر قانونی کوپنهایی که مسترد نشده است ب ـ یک تا ده سال زندان . ج ـ در صورتی که مرتکب کارمند یکی از عناوین مذکور در ماده ۱ بوده و از موقعیت شغلی خود سواستفاده کرده باشد، علاوه بر مجازاتهای مذکور به انفصال از ۱ تا ۱۰ سال محکوم می‌شود. تبصره ـ چنانچه سرقت واجد شرایط اجرای حد سرقت باشد به جای مجازاتهای فوق حد سرقت جاری خواهد شد. ماده ۵ ـ چنانچه متقاضیان کوپن با ارایه اسناد غیرواقعی به بانکها اقدام به دریافت کوپن نمایند به‌مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم خواهند شد. ماده ۶ ـ حواله هایی که به واحدهای دولتی یا سازمانها و موسسات دولتی و غیر دولتی داده می‌شود در حکم اوراق بهادار است و مشمول عناوین مواد این قانون خواهد بود. ماده ۷ ـ اشخاصی که از سهمیه اختصاصی کالاهای مشمول این قانون سو استفاده کنند و یا آنها رادر غیر موارد تعیین شده مصرف کنند، مجرم بوده و به مجازاتهای ذیل محکوم می‌شوند: الف ـ پرداخت دو تا ده برابر معادل قیمت فروش غیر قانونی کالاهای مذکور مسترد نشده ب ـ شلاق تا ۷۴ ضربه تبصره ـ سهمیه اختصاصی خانوارها از شمول این ماده مستثنی است ماده ۸ ـ رعایت شرایط و

امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب در مجازاتهای مواد فوق الزامی است ماده ۹ ـ اجرای این مجازاتها نسبت به کلیه کارمندان یکی از عناوین مذکور در ماده ۱ مانع از اجرای قانون تخلفات اداری نخواهد بود. ماده ۱۰ ـ چنانچه متهم برای اولین‌بار مرتکب یکی از اعمال مذکور در مواد فوق شده باشد و دادستان در موارد غیر مهم تشخیص دهد با وعظ یا توبیخ یا تهدید، یا اخذ تعهد تادیب خواهد شد،با اعمال یکی از موارد تادیب فوق پرونده را بایگانی می‌نماید. دادگاه نیز در صورت طرح پرونده در دادگاه حق اعمال مراتب بالا را به تشخیص خود دارد.

قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی – مصوب ۲۳/۱۲/۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام

فصل اول ــ تعزیرات حکومتی خدمات تشخیصی و درمانی

ماده ۱ ـ ایجاد موسسات پزشکی غیر مجاز توسط اشخاص فاقد صلاحیت از نظر تخصصی جرم بوده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می گردد: مرتبه اول ـ تعطیل موسسه و ضبط کلیه ملزومات موسسه به نفع دولت مرتبه دوم ـ علاوه بر مجازاتهای مرتبه اول ، جریمه نقدی به میزان یک میلیون تا ده میلیون ریال واعلام نام در جراید. مرتبه سوم ـ علاوه بر مجازاتهای مرتبه دوم زندان از شش ماه تا یک سال ماده ۲ ـ ایجاد موسسه پزشکی توسط افراد متخصص بدون پروانه کار جرم بوده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می گردد: مرتبه اول ـ تعطیل موسسه توبیخ کتبی و درج در پرونده پزشکی مرتبه دوم ـ علاوه بر مجازاتهای مرتبه اول ، جریمه نقدی به میزان یکصد هزار تا یک میلیون ریال مرتبه سوم ـ علاوه بر مجازاتهای مرتبه اول ، جریمه نقدی به میزان یک میلیون تا ده میلیون ریال و ضبط اموال موسسه به نفع دولت ماده ۳ ـ خودداری بیمارستانها از پذیرش و ارایه خدمات اولیه لازم به بیماران اورژانس جرم محسوب شده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می گردد: مرتبه اول ـ جریمه نقدی از یکصد هزار تا پانصد هزار ریال توبیخ کتبی و درج در پرونده پزشکی مرتبه دوم ـ جریمه نقدی پانصد هزار تا یک میلیون ریال ، لغو پروانه مسوول فنی موسسه ،توبیخ کتبی و درج در پرونده پزشکی مرتبه سوم ـ جریمه نقدی از مبلغ یک میلیون تا پنج میلیون ریال لغو پروانه مسوول فنی موسسه لغو پروانه تاسیس توبیخ کتبی و درج در پرونده پزشکی ماده ۴ ـ ایجاد و یا ارایه خدمات مازاد بر احتیاج به منظور سودجویی یا دخل و تصرف در صورتحساب و دریافت اضافه از نرخهای اعلام شده از ناحیه وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی جرم محسوب شده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می گردد: مرتبه اول ـ جریمه نقدی به میزان دو برابر اضافه دریافتی از بیماران ، توبیخ کتبی و درج درپرونده پزشکی مرتبه دوم ـ جریمه نقدی به میزان پنج برابر اضافه دریافتی از بیماران ، لغو پروانه مسوول فنی ، توبیخ کتبی و درج در پرونده پزشکی مرتبه سوم ـ جریمه نقدی به میزان ده برابر اضافه دریافتی از بیماران ، لغو پروانه مسوول فنی ،لغو پروانه تاسیس ، توبیخ کتبی و درج در پرونده پزشکی تبصره ـ میزان حق‌العلاج بیماران از طریق وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی اعلام خواهدشد. ماده ۵ ـ به کارگیری کلیه متخصصین و صاحبان حرفه‌های پزشکی و پیراپزشکی که فاقد مجوز قانونی کار، صادره از وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی باشند، در موسسات پزشکی جرم محسوب شده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: مرتبه اول ـ جریمه نقدی به میزان یکصد هزار ریال تا پانصد هزار ریال توبیخ کتبی و درج درپرونده پزشکی مرتبه دوم ـ علاوه بر مجازاتهای مرتبه اول ، لغو پروانه مسوول فنی مرتبه سوم ـ علاوه بر مجازاتهای مرتبه دوم ، لغو پروانه تاسیس ماده ۶ ـ صاحبان حرفه‌های پزشکی و پیراپزشکی فاقد مجوزهای قانونی کار مندرج در ماده ۵ که درمحل غیر مجاز به کار مشغول شده‌اند به مجازاتهای زیر محکوم خواهند شد: مرتبه اول ـ درج تخلف در پرونده پزشکی و اعزام به محل کار قانونی مرتبه دوم ـ علاوه بر مجازاتهای مرتبه اول ، جریمه نقدی به میزان پانصد هزار تا پنج میلیون ریال به تناسب مرتبه سوم ـ علاوه بر مجازاتهای مرتبه دوم ، محکومیت به اضافه خدمت در محل کار قانونی حداکثر تا دو برابر مدت قانونی ماده ۷ ـ به کارگیری افراد فاقد صلاحیت حرفه‌ای

در موسسات پزشکی جرم محسوب شده ومتخلف به مجازاتهای زیر محکوم خواهد شد: مرتبه اول ـ جریمه نقدی به میزان پانصد هزار تا یک میلیون ریال ، توبیخ کتبی و درج درپرونده پزشکی مرتبه دوم ـ علاوه بر مجازاتهای مرتبه اول لغو پروانه مسوول فنی مرتبه سوم ـ علاوه بر مجازاتهای مرتبه دوم لغو پروانه تاسیس تبصره ـ افراد فاقد صلاحیت شاغل نیز به مراجع ذی صلاح قضایی جهت برخورد قانونی معرفی‌خواهند گردید. ماده ۸ ـ ترک موسسه‌ی پزشکی توسط مسوول فنی و پزشک کشیک و سایر کادرهای تخصصی در ساعت مقرر، تعطیل غیر موجه مطب و یا موسسه پزشکی بدون اطلاع سازمان نظام پزشکی و نپذیرفتن درصدی از بیماران بیمه که وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی تعیین می‌نماید ، جرم محسوب شده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می گردد: مرتبه اول ـ توبیخ کتبی و درج در پرونده پزشکی مرتبه دوم ـ علاوه بر مجازات مرتبه اول جریمه نقدی به میزان یکصد هزار تا پانصد هزار ریال مرتبه سوم ـ علاوه بر مجازاتهای مرتبه دوم لغو پروانه مسوول فنی تبصره ـ در صورت لغو پروانه مسوول فنی و یا لغو پروانه تاسیس در مورد موسسات پزشکی مشمولین مواد ۳ و ۴ و ۵ و ۷ و ۸) جهت تعیین تکلیف قانونی برای انتخاب مسوول فنی جدید وهیات موسس جدید مراتب به کمیسیون قانونی تشخیص امور پزشکی ارجاع می گردد و ضمنا تاتعیین تکلیف نهایی از طریق کمیسیون فوق از طرف وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی مسوول فنی موقت برای اداره‌ی موسسه منصوب و به کار گماشته خواهد شد. ماده ۹ ـ چنانچه اعمال خلاف مندرج در مواد ۱ و ۳ و ۴ و ۷ سبب ورود خسارت جانی و مالی به افراد شود، مجازاتهای مندرج مانع رسیدگی و پیگرد قانونی موسسه و یا افراد متخلف و اعمال مجازاتهای مربوط توسط مراجع ذی صلاح قضایی نخواهد گردید. ماده ۱۰ ـ چنانچه تخلفات متعددی در واحدهای موضوع این قانون صورت پذیرد، در هر مورد مجازاتهای مربوط اعمال خواهد شد. ماده ۱۱ ـ در مورد جرایم موضوع این قانون کمیسیونی مرکب از سرپرست نظام پزشکی و مرکز و یا استان برحسب مورد و مدیرعامل سازمان منطقه‌ای بهداشت و درمان استان و نماینده وزیربهداشت درمان و آموزش پزشکی موضوع را بدوا رسیدگی نموده و در صورت تشخیص وقوع جرم در مورد موسسات دولتی به کمیسیون تعزیرات حکومتی بخش دولتی و در موارد غیر دولتی به دادسرای انقلاب اسلامی جهت تعیین مجازات معرفی می‌نماید. ماده ۱۲ ـ کلیه درآمدهای حاصل از مجازاتهای این قانون به خزانه واریز می‌شود و وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است اعتبارات مورد نیاز جهت اجرای این قانون را مطابق تشخیص وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی از محل وجوه جرایم در اختیار وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی قرار دهد.

فصل دوم تعزیرات توزیع و فروش دارو و شیر خشک و ملزومات پزشکی ، دندان پزشکی و آزمایشگاهی

بخش ۱ ـ دارو

ماده ۱۳ ـ دارو باید دارای پروانه ساخت یا مجوز ورود از طرف وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی باشد و عرضه و فروش داروی فاقد پروانه ساخت یا مجوز ورود از طرف داروخانه جرم محسوب شده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می گردد: مرتبه اول ـ اخطار کتبی و جمع آوری داروهای غیر مجاز. مرتبه دوم ـ جریمه نقدی تا مبلغ یکصد هزار ریال و انعکاس مراتب در پرونده مرتبه سوم ـ قطع سهمیه دارویی تا مدت سه ماه مرتبه چهارم ـ تعطیل داروخانه تا مدت یک سال ماده ۱۴ ـ داروخانه باید دارای پروانه تاسیس از طرف وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی باشد و تخلف از آن جرم محسوب شده و محل مذکور بلافاصله تعطیل می گردد. ماده ۱۵ ـ عرضه و فروش دارو باید با حضور مسوول فنی انجام گیرد و تخلف از آن جرم محسوب شده و محل مذکور بلافاصله تعطیل می گردد. ماده ۱۶ ـ مسوول فنی باید در ساعات مقرر در داروخانه حضور داشته باشد و تخلف از آن جرم

محسوب شده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می گردد: مرتبه اول ـ اخطار کتبی با درج در پرونده مرتبه دوم ـ جریمه نقدی تا مبلغ یکصد هزار ریال مرتبه سوم ـ جریمه نقدی تا مبلغ دویست هزار ریال مرتبه چهارم ـ لغو موقت پروانه مسوولیت فنی تا مدت سه ماه ماده ۱۷ ـ داروخانه باید دارو را از شبکه‌های توزیع تعیین شده از سوی وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی (شرکتهای توزیع کننده دارو) تهیه و تدارک نماید. عدم رعایت ضوابط این ماده جرم محسوب شده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می گردد: مرتبه اول ـ اخطار کتبی با درج در پرونده مرتبه دوم ـ جریمه نقدی تا مبلغ پانصد هزار ریال مرتبه سوم ـ جریمه نقدی تا مبلغ پانصد هزار ریال و قطع سهمیه دارویی تا مدت سه ماه مرتبه چهارم ـ تعطیل موقت داروخانه تا مدت یک سال تبصره ـ مبادله دارو در حد متعارف مصرف یک روز بین داروخانه‌های یک شهر مشمول ضوابط فوق نخواهد بود. ماده ۱۸ ـ دارو باید در مقابل نسخه پزشک ارایه شود و ارایه آن بدون نسخه پزشک جرم محسوب شده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: مرتبه اول ـ تذکر کتبی مرتبه دوم ـ اخطار کتبی با درج در پرونده مرتبه سوم ـ جریمه نقدی تا مبلغ پنجاه هزار ریال مرتبه چهارم ـ جریمه نقدی تا مبلغ یکصد هزار ریال مرتبه پنجم ـ قطع سهمیه دارویی تا مدت یک ماه تبصره ـ لیست اقلامی که ارایه آنها بدون نسخه پزشک مجاز می‌باشد از سوی وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی اعلام می گردد. ماده ۱۹ ـ دارو باید طبق قیمت رسمی برای مصرف کننده به متقاضی ارایه شود و قیمت هر قلم از داروهای ارایه شده در نسخه درج شود و نسخه نیز به مهر داروخانه ممهور گردد و در مورد نسخ بیمه خدمات درمانی کپی نسخه (نسخه دوم پس از درج قیمت مهر گردد. تخلف از این ماده جرم محسوب شده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می گردد: الف ـ گرانفروشی مرتبه اول ـ جریمه نقدی تا مبلغ پنجاه هزار ریال مرتبه دوم ـ جریمه نقدی تا مبلغ پانصد هزار ریال و نصب پارچه به عنوان گرانفروش مرتبه سوم ـ جریمه نقدی تا مبلغ یک میلیون ریال و قطع سهیمه دارویی به مدت یک ماه مرتبه چهارم ـ تعطیل داروخانه تا مدت یک سال ب ـ عدم درج قیمت در نسخ بیماران و ممهور ننمودن آنها: مرتبه اول ـ تذکر کتبی مرتبه دوم ـ اخطار کتبی مرتبه سوم ـ جریمه نقدی تا مبلغ پنجاه هزار ریال مرتبه چهارم ـ جریمه نقدی تا مبلغ یکصد هزار ریال ماده ۲۰ ـ نگهداری و یا عرضه و یا فروش داروهای فاسد و یا تاریخ گذشته که بایستی معدوم شوند، جرم بوده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: الف ـ عرضه و نگهداری مرتبه اول ـ تذکر کتبی و جمع آوری داروهای فاسد و یا تاریخ گذشته مرتبه دوم ـ جریمه نقدی تا مبلغ یکصد هزار ریال و جمع آوری داروهای فاسد و یا تاریخ گذشته مرتبه سوم ـ قطع سهمیه دارویی تا مدت سه ماه مرتبه چهارم ـ تعطیل موقت تا شش ماه ب ـ فروش چنانچه در سایر قوانین مجازاتهای شدیدتری پیش‌بینی نشده باشد، علاوه بر جبران خسارت وارده به بیمار: مرتبه اول ـ جریمه نقدی تا مبلغ یکصد هزار ریال و جمع آوری داروهای فاسد و یا تاریخ گذشته مرتبه دوم ـ جریمه نقدی تا مبلغ پانصد هزار ریال و قطع سهمیه دارویی تا مدت یک ماه مرتبه سوم ـ تعطیل داروخانه تا مدت یک سال ماده ۲۱ ـ در داروخانه نباید غیر از دارو ، لوازم بهداشتی و آرایشی ، شیر خشک ، غذای کودک و لوازم مصرفی پزشکی مجاز ، کالای دیگری به فروش برسد. تخلف از ضوابط این ماده جرم بوده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: مرتبه اول ـ تذکر کتبی مرتبه دوم ـ اخطار کتبی و درج در پرونده مرتبه سوم ـ جمع آوری کالاهای غیر مجاز. مرتبه چهارم ـ جریمه نقدی تا مبلغ یکصد هزار ریال و ضبط کالاهای غیر مجاز به نفع دولت ماده ۲۲ ـ چنانچه داروخانه لوازم بهداشتی و آرایشی ، شیر خشک ، غذای کودک و لوازم مصرفی پزشکی مجاز را بیش از قیمت های تعیین شده عرضه نماید گرانفروشی محسوب شده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: الف ـ گرانفروشی تا مبلغ دو هزار ریال مرتبه اول ـ جریمه نقدی معادل مبلغ ده هزار ریال مرتبه دوم ـ جریمه نقدی معادل مبلغ ده هزار ریال و نصب پارچه در محل واحد به عنوان گرانفروش مرتبه سوم ـ جریمه نقدی معادل مبلغ ده هزار ریال نصب پارچه در محل واحد و معرفی از رسانه‌های گروهی به عنوان گرانفروش ب ـ گرانفروشی از مبلغ بیش از دو هزار ریال تا مبلغ پانصد هزار ریال مرتبه اول ـ جریمه نقدی از مبلغ ده هزار ریال تا پنج برابر میزان گرانفروشی مرتبه دوم ـ جریمه نقدی از مبلغ ده هزار ریال تا پنج برابر میزان گرانفروشی و نصب پارچه درمحل واحد به

عنوان گرانفروش مرتبه سوم ـ جریمه نقدی از مبلغ ده هزار ریال تا پنج برابر میزان گرانفروشی نصب پارچه در محل واحد و معرفی از رسانه‌های گروهی به عنوان گرانفروش ج ـ گرانفروشی از مبلغ بیش از پانصد هزار ریال تا مبلغ پنج میلیون ریال مرتبه اول ـ جریمه نقدی از پنج تا هشت برابر میزان گرانفروشی مرتبه دوم ـ جریمه نقدی از پنج تا هشت برابر میزان گرانفروشی و نصب پارچه در محل واحد به‌عنوان گرانفروش مرتبه سوم ـ جریمه نقدی از پنج تا هشت برابر میزان گرانفروشی نصب پارچه در محل واحد ومعرفی از رسانه‌های گروهی به عنوان گرانفروش د ـ گرانفروشی بیش از پنج میلیون ریال مرتبه اول ـ جریمه نقدی از هشت تا ده برابر میزان گرانفروشی مرتبه دوم ـ جریمه نقدی از هشت تا ده برابر میزان گرانفروشی و نصب پارچه در محل واحد به‌عنوان گرانفروش مرتبه سوم ـ جریمه نقدی از هشت تا ده برابر میزان گرانفروشی نصب پارچه در محل واحد ومعرفی از رسانه‌های گروهی به عنوان گرانفروش ماده ۲۳ ـ داروخانه موظف است کلیه‌ی کالاهای خریداری شده را مستمرا تا اتمام موجودی عرضه نماید و در صورت خودداری از عرضه به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: مرتبه اول ـ اخطار کتبی با درج در پرونده و الزام به عرضه کالاها با قیمت تعیین شده مرتبه دوم ـ جریمه نقدی تا مبلغ پانصد هزار ریال مرتبه سوم ـ قطع سهمیه تا مدت سه ماه مرتبه چهارم ـ تعطیل موقت تا یک سال ماده ۲۴ ـ داروخانه موظف است طبق ساعات تعیین شده خدمات مربوطه را ارایه نماید مگر به دلیل موجه و یا با اطلاع کتبی و نظر سازمان منطقه‌ای بهداشت و درمان محل و در غیر این صورت متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: مرتبه اول ـ تذکر. مرتبه دوم ـ اخطار کتبی با درج در پرونده مرتبه سوم ـ جریمه نقدی تا بیست هزار ریال مرتبه چهارم ـ جریمه نقدی تا پنجاه هزار ریال تبصره ۱ ـ در صورتی که داروخانه قبل از پایان ساعات تعیین شده از ارایه خدمات دارویی خودداری نماید، مرتبه اول تذکر، مرتبه دوم اخطار کتبی و درج در پرونده مرتبه سوم جریمه نقدی تا پنجاه هزار ریال و مرتبه چهارم جریمه نقدی تا یکصد هزار ریال تبصره ۲ ـ داروخانه‌های شبانه‌روزی در صورت عدم رعایت مفاد این ماده علاوه بر تعزیرات ذکرشده در مرتبه پنجم تا یک سال تعطیل خواهند شد. ماده ۲۵ ـ در مناطقی که داروخانه منحصر به فرد باشد و داروخانه برطبق مواد این قانون تا یک سال‌به تعطیل موقت تعزیر شود، پروانه تاسیس از متخلف سلب و به فرد واجد شرایط دیگری واگذار می‌گردد و متخلف تا پنج سال حق گرفتن مجدد پروانه تاسیس داروخانه را نخواهد داشت و به هرحال داروخانه نباید تعطیل گردد.

بخش ۲ ــ شیر خشک و غذای کودک

ماده ۲۶ ـ شیر خشک شیرخواران باید دارای مجوز ورود از وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی بوده و از طریق شبکه‌های توزیع‌کننده مورد تایید این وزارت در اختیار داروخانه ها قرارگیرد و داروخانه نیز بایستی آن را در ازا دریافت کوپن معتبر و با قیمت رسمی به متقاضی ارایه نماید (شیر خشک‌های رژیمی صرفاً بایستی با نسخه پزشک و با قیمت رسمی به مصرف کننده عرضه شود.) تخلف از این امور جرم بوده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: الف ـ در صورت عدم عرضه شیر خشک مجازاتهای مذکور در ماده ۲۳ این قانون ب ـ در صورت گرانفروشی ، مجازاتهای مذکور در بند الف ماده ۱۹ این قانون ج ـ در صورت عرضه شیر خشکهای رژیمی بدون نسخه پزشک مجازاتهای مذکور در ماده ۱۸ این قانون د ـ در صورت تهیه و عرضه و فروش شیر خشک شیرخواران بدون مجوز ، مجازاتهای مذکور در ماده ۱۳ این قانون

بخش ۳ ــ لوازم و ملزومات پزشکی و دندان پزشکی و آزمایشگاهی

ماده ۲۷ ـ لوازم و ملزومات پزشکی و دندانپزشکی و آزمایشگاهی که برای تولید و یا وارد کردن آنها از ارز دولتی استفاده شده

باشد باید براساس ضوابطی که وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی تعیین می‌نماید، در مقابل ارایه فاکتور و با قیمت رسمی در اختیار متقاضی قرار گیرد و تخلف ازاین امور جرم بوده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: مرتبه اول ـ اخطار کتبی و یا جریمه نقدی تا یکصد هزار ریال و یا هردو مجازات مرتبه دوم ـ جریمه نقدی تا یک میلیون ریال مرتبه سوم ـ جریمه‌ی نقدی تا پنج میلیون ریال در صورت گرانفروشی متخلف به ترتیب مذکور در ماده ۲۲ این قانون مجازات می‌شود. تبصره ـ شرکتهای توزیع کننده اقلام مذکور در صورتی که در تخلف از ضوابط فوق با تولیدکننده و یا واردکننده مشارکت و یا معاونت داشته باشند متخلف محسوب و به مجازاتهای زیر محکوم خواهند شد: مرتبه اول ـ اخطار کتبی و ضبط کالا به نفع دولت و پرداخت بهای آن به قیمت رسمی به شرکت مذکور مرتبه دوم ـ ضبط کالا به نفع دولت مرتبه سوم ـ جریمه نقدی تا یک میلیون ریال و ضبط کالا به نفع دولت

بخش ۴ ـ شرکتهای توزیع کننده دارو ، شیر خشک و ملزومات پزشکی ، دندان پزشکی و آزمایشگاهی

ماده ۲۸ ـ این‌گونه شرکتها موظفند کالاهای موضوع این قانون را در صورتی که با ارز دولتی تولید و یا وارد شده باشند، منحصرا از شرکتهای تولیدی و یا وارداتی مجاز دریافت نمایند، تخلف از این امر جرم بوده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: مرتبه اول ـ اخطار کتبی و ضبط کالاـ به نفع دولت و پرداخت بهای آن به قیمت رسمی مرتبه دوم ـ ضبط کالا به نفع دولت مرتبه سوم ـ جریمه‌ی نقدی تا یک میلیون ریال و ضبط کالا به نفع دولت ماده ۲۹ ـ شرکتهای توزیعی موظفند اقلام توزیعی خود را برطبق ضوابط اعلام شده در اختیار واحدهای مجاز و یا متقاضیان قرار دهند. تخلف از ضوابط این ماده جرم بوده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: مرتبه اول ـ اخطار کتبی مرتبه دوم ـ جریمه‌ی نقدی تا مبلغ یک میلیون ریال مرتبه سوم ـ جریمه نقدی تا مبلغ پنج میلیون ریال ماده ۳۰ ـ شرکتهای توزیعی موظفند با ارایه فاکتور و به قیمت رسمی کالا را تحویل نمایند.تخلف از این ماده جرم بوده و در صورت گرانفروشی ، متخلف به ترتیب مذکور در ماده ۲۲ این قانون مجازات می‌شود و در غیر این صورت مرتبه اول ـ اخطار کتبی مرتبه دوم ـ جریمه نقدی تا مبلغ یکصد هزار ریال مرتبه سوم ـ جریمه‌ی نقدی تا مبلغ سیصد هزار ریال

فصل سوم ـ تعزیرات تولید ، توزیع ، فروش مواد خوردنی ، آشامیدنی ، آرایشی و بهداشتی

ماده ۳۱ ـ تولید مواد خوردنی ، آشامیدنی ، آرایشی و بهداشتی که با علامت و بسته بندی مشخص به صورت بازرگانی عرضه می‌گردد طبق فهرست ماده ۱ آیین نامه اجرایی ماده ۸ و ۹ قانون مواد خوردنی ، آشامیدنی ، آرایشی و بهداشتی منوط به اخذ پروانه ساخت از وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد و تخلف از آن جرم بوده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: مرتبه اول ـ تعطیل واحد تولیدی غیر مجاز بلافاصله و ضبط کالای تولیدی به نفع دولت مرتبه دوم ـ علاوه بر مجازات های مرتبه اول ، جریمه نقدی تا مبلغ ده میلیون ریال با توجه به حجم تولید غیر مجاز مرتبه سوم ـ علاوه بر مجازاتهای مرتبه دوم ، ضبط لوازم تولیدی به نفع دولت چنانچه واحد تولیدی مجاز بدون کسب پروانه ساخت اقدام به تولید کالایی نماید: مرتبه اول ـ تعطیل خط تولید و ضبط کالای تولیدی به نفع دولت مرتبه دوم ـ علاوه بر مجازاتهای مرتبه اول ، جریمه نقدی تا مبلغ یک میلیون ریال با توجه به حجم تولید مرتبه سوم ـ علاوه بر مجازاتهای مرتبه دوم تعطیل واحد تولیدی تا مدت شش ماه ماده ۳۲ ـ تولید مواد غذایی ، آرایشی و بهداشتی باید با حضور مسوول فنی انجام گیرد، در صورت تخلف مرتبه اول ـ تعطیل تولید تا حضور مسوول فنی و اخطار کتبی با درج در پرونده مرتبه دوم ـ علاوه بر مجازاتهای مرتبه اول ضبط کالای تولیدی به نفع دولت مرتبه سوم ـ علاوه بر مجازاتهای مرتبه دوم ، جریمه نقدی تا مبلغ یک میلیون ریال مرتبه چهارم ـ تعطیل واحد تولیدی تا یک سال ماده ۳۳ ـ حضور

مسوول فنی در کلیه مراحل تولیـد الزامی بوده و مسوول فنی باید نظارت دائم در امر تولید داشته باشد تخلف از این امر جرم بوده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: مرتبه اول ـ اخطار کتبی و درج در پرونـده‌ی مسوول فنی مرتبه دوم ـ علاوه بر مجازاتهای مرتبه اول ، جریمه نقـدی تـا مبلغ یکصـد هزار ریـال مرتبه سوم ـ جریمه نقـدی تـا مبلغ پانصـد هزار ریـال مرتبه چهارم ـ تعلیق پروانه مسوول فنی تـا شـش ماه ماده ۳۴ ـ کلیه تولیدکننـدگان موظفنـد برچسب اطلاعاتی بر روی کلیه محصولات و فرآورده‌های تولیـدی خود الصاق نمایند و شـماره پروانه ساخت و مهلت اعتبار مصرف (تاریخ مصرف را نیز روی محصولات ، حسب مورد ، درج نمایند تخلف از این امر جرم بوده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: مرتبه اول ـ اخطار و جریمه نقدی تا مبلغ دویست هزار ریال مرتبه دوم ـ جریمه نقـدی تا مبلغ پانصـد هزار ریال مرتبه سوم ـ جریمه نقـدی تا مبلغ یک میلیون ریال ماده ۳۵ ـ تولیدکنندگان مواد خوردنی ، آشامیـدنی ، آرایشـی و بهـداشتی ملزم به رعایت فرمول تایید شده در پروانه ساخت می‌باشـند تخلف از مفاد این ماده در صورتی که عـدم رعـایت فرمول ساخت براساس کاهش مصـرف مواد متشـکله آن باشـد ، از مصادیق کم فروشـی و یا گرانفروشـی محسوب گردیـده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: الف ـ گرانفروشـی تا مبلغ دو هزار ریال مرتبه اول ـ جریمه نقـدی تا مبلغ ده هزار ریـال مرتبه دوم ـ جریمه نقـدی تـا مبلغ ده هزار ریـال و نصب پـارچه در محـل واحـد به عنوان گرانفروش مرتبه سوم ـ جریمه نقـدی تا مبلغ ده هزار ریال نصب پارچه در محل واحـد و معرفی از رسانه‌های گروهی به عنوان گرانفروش ب ـ گرانفروشـی از مبلغ بیش از دو هزار ریال تا مبلغ پانصـد هزار ریال مرتبه اول ـ جریمه نقـدی از مبلغ ده هزار ریال تا پنـج برابر میزان گرانفروشـی مرتبه دوم ـ جریمه نقدی از مبلغ ده هزار ریال تا پنج برابر میزان گرانفروشـی و نصب پارچه درمحل واحد به عنوان گرانفروش مرتبه سوم ـ جریمه نقدی از مبلغ ده هزار ریال تا پنج برابر میزان گرانفروشـی نصب پارچه درمحل واحد و معرفی از رسانه‌های گروهی به عنوان گرانفروش ج ـ گرانفروشـی از مبلغ بیش از پانصد هزار ریال تا مبلغ پنج میلیون ریال مرتبه اول ـ جریمه نقدی از پنج تا هشت برابر میزان گرانفروشـی مرتبه دوم ـ جریمه نقـدی از پنـج تـا هشت برابر میزان گرانفروشـی و نصب پـارچه در محـل واحـد به عنوان گرانفروش مرتبه سوم ـ جریمه نقـدی از پنـج تـا هشت برابر میزان گرانفروشـی ، نصب پـارچه در محل واحـد و معرفی از رسانه‌های گروهی به عنوان گرانفروش د ـ گرانفروشی بیش از پنج میلیون ریال مرتبه اول ـ جریمه نقدی از هشت تا ده برابر میزان گرانفروشی مرتبه دوم ـ جریمه نقدی از هشت تا ده برابر میزان گرانفروشی و نصب پارچه در محل واحد به‌عنوان گرانفروش مرتبه سوم ـ جریمه نقـدی از هشت تـا ده برابر میزان گرانفروشـی ، نصب پـارچه در محـل واحـد ومعرفی از رسانه‌هـای گروهی به عنوان گرانفروش در صورتی که مواد اولیه به کـار رفته در فرمول سـاخت از مواد غیر مجـاز و یا سـمی باشـد، متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: مرتبه اول ـ ضـبط کالای تولیدی و در صورت سـمی و یا زیان آور بودن ، معدوم نمودن کالا مرتبه دوم ـ علاوه بر مجازاتهای مرتبه اول ، جریمه نقـدی تـا پنـج میلیون ریـال مرتبه سوم ـ علاـوه بر مجازاتهـای مرتبه دوم ، تعطیـل واحـد تولیـدی تا یک سال ماده ۳۶ ـ شرکتهـای پخش ، فروشـگاه هـا ، سوپرمـارکت هـا ، تعاونی ها و سایر اماکن که حق فروش یا توزیع کالای خوردنی ، آشامیـدنی ، آرایشـی و بهـداشتی را دارنـد مجـاز به عرضه و فروش آن دسـته از کالاهای مشـمول قانون مواد خوردنی ، آشامیـدنی ، آرایشـی و بهداشتی می‌باشند که دارای پروانه ساخت معتبر و یا مجوز ورود از وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی باشند تخلف از این امر جرم بوده و متخلف به مجازاتهـای زیر محکوم می‌شود: الف ـ شـرکتهای پخش و تعاونی های بزرگ مرتبه اول ـ اخطار و ضـبط کالا به نفع دولت مرتبه دوم ـ علاوه بر مجازاتهای مرتبه اول ، جریمه نقـدی تا مبلغ یک میلیون ریال با توجه به‌حجم کالا مرتبه سوم ـ علاوه بر مجازاتهای مرتبه دوم ، محکومیت مدیر عامل شـرکت به زندان از یک تاشـش ماه ب ـ فروشگاهها و سوپرمارکتها و سایر اماکن مرتبه اول ـ اخطار و ضـبط کالا به نفع دولت مرتبه دوم ـ علاوه بر مجازات های مرتبه اول ، جریمه نقـدی تا یکصد هزار ریال مرتبه سوم ـ علاوه بر مجازات‌های مرتبه اول جریمه نقـدی تا پانصـد هزار ریال در صورت تکرار ـ تعطیل واحـد از یک تا شـش ماه ماده ۳۷ ـ فروشـگاهها ، سوپرمارکتها ، تعاونیها و سایر اماکن بایـد از عرضه و تحویل کالای غیربهـداشتی خودداری نماینـد عرضه و

تحویل کالا با علم به غیر بهداشتی بودن آن تخلف محسوب‌شده و متخلف به مجازات‌های زیر محکوم می‌شود: مرتبه اول ـ اخطار کتبی و ضبط کالا ـ به نفع دولت مرتبه دوم ـ علاوه بر مجازاتهای مرتبه اول جریمه نقدی تا مبلغ یک میلیون ریال به تناسب حجم کالا ـ مرتبه سوم ـ علاوه بر مجازاتهای مرتبه دوم تعطیل واحد از یک تا شش ماه ماده ۳۸ ـ سازمانها و شرکتهای واردکننده و تولیدکننده مواد اولیه غذایی ، آرایشی و بهداشتی درصورتی می‌توانند کالای خود را به تولیدکنندگان موضوع ماده ۳۱ این قانون عرضه نمایند که واحدهای مذکور دارای مجوز و یا پروانه ساخت معتبر از وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی باشند و متخلفین از مفاد این ماده به مجازات‌های زیر محکوم می‌شوند: الف ـ واردکنندگان مرتبه اول ـ اخطار و جریمه نقدی تا مبلغ یک میلیون ریال مرتبه دوم ـ جریمه نقدی از یک میلیون تا ده میلیون ریال مرتبه سوم ـ جریمه نقدی تا مبلغ ده میلیون ریال و لغو کارت بازرگانی به مدت یک سال ب ـ تولیدکنندگان مرتبه اول ـ اخطار و جریمه نقدی تا مبلغ یک میلیون ریال مرتبه دوم ـ جریمه نقدی از یک میلیون تا پنج میلیون ریال مرتبه سوم ـ جریمه نقدی تا ده میلیون ریال ماده ۳۹ ـ متصدیان و مسوولین کارخانجات و کارگاهها و مراکز تهیه و توزیع مواد خوردنی ، آشامیدنی ، آرایشی ، بهداشتی ، اماکن عمومی ، مراکز بهداشتی درمانی ، مراکز آموزشی و پرورشی ، محلهای نگهداری و پرورش دام و طیور و کشتارگاه ها ملزم به رعایت ضوابط و مقررات بهداشت محیطی در محل فعالیت خود می‌باشند متخلفین از مفاد این ماده به ازای هر مورد نقص بهداشتی ، به مجازاتهای زیر محکوم می‌شوند: مرتبه اول ـ جریمه نقدی از مبلغ یک هزار ریال تا پنجاه هزار ریال مرتبه دوم ـ جریمه نقدی از مبلغ دو هزار ریال تا یکصد هزار ریال مرتبه سوم ـ جریمه نقدی از مبلغ چهار هزار تا دویست هزار ریال مرتبه چهارم ـ علاوه بر مجازات مرتبه سوم ، زندان از یک تا شش ماه تبصره ـ در صورت عدم رفع نقایص بهداشتی در پایان مهلت مقرر ، با لغو پروانه کسب متصدی‌و یا مسوولین ، محل تعطیل خواهد شد و ادامه کار منوط به اخذ پروانه جدید و رفع نقص می‌باشد ماده ۴۰ ـ در کلیه مراحل مربوط به مواد این قانون در صورتی که تخلف در بخش غیر خصوصی انجام گرفته باشد، حسب مورد مقام مجاز دستور دهنده و یا مباشر و یا هردو متخلف محسوب و به‌مجازاتهای زیر محکوم می گردند: مرتبه اول ـ اخطار کتبی و جریمه نقدی تا مبلغ یک میلیون ریال مرتبه دوم ـ جریمه نقدی تا مبلغ پنج میلیون ریال مرتبه سوم ـ تعلیق از خدمت به مدت سه تا شش ماه مرتبه چهارم ـ زندان از یک تا شش ماه

فصل چهارم ــ سایر مقررات

ماده ۴۱ ـ گزارش تخلفات مندرج در این قانون به وسیله ناظرین و بازرسین ویژه ای که توسط وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی و یا مدیران عامل سازمانهای منطقه‌ای بهداشت ، درمان تعیین می‌شوند ، تهیه می گردد. ماده ۴۲ ـ کلیه گزارشات تخلفات مندرج در این قانون باید به تایید ناظرین و بازرسین ویژه برسد. ماده ۴۳ ـ وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی موظف است به طور منظم اسامی کالاهای مجاز و غیر مجاز (خوردنی ، آشامیدنی ، آرایشی و بهداشتی) را جهت اطلاع عموم به نحو مقتضی اعلام نماید. ماده ۴۴ ـ اعمال تعزیرات حکومتی موضوع این قانون مانع اجرای مجازاتهای قانونی دیگر نخواهدبود.

آیین نامه راجع به وظایف واحد رسیدگی به شکایات و تجدیدنظر در احکام کمیسیون های تعزیرات حکومتی بخش دول

منظور از (واحد رسیدگی به شکایات) در این آیین نامه واحد موضوع ماده ۲۳ قانون تعزیرات حکومتی است که عهده دار وظایف زیر می‌باشد: ۱ ـ رسیدگی به شکایات از احکام و قرارهای بازداشت صادره از کمیسیون مرکزی و تجدیدنظر در آنها. ۲ ـ رسیدگی به شکایات از احکام و قرارهای بازداشت صادره از کمیسیونهای استانها و تجدیدنظر درآنها. ۳ـ رسیدگی به تخلفات مجریان تعزیرات حکومتی بخش دولتی به کمیسیون مرکزی تعزیرات حکومتی بخش دولتی و هر یک از کمیسیونهای استانها در این آیین نامه به اختصار (کمیسیون) اطلاق می‌شود. ماده ۱ ـ واحد بررسی شکایات در تهران تشکیل می‌شود و چنانچه رییس جمهور و

رییس دیوانعالی کشور مصلحت بدانند می‌توانند در شهرستان دیگری نیز شعبه تشکیل دهد. ماده ۲ ـ هر یک از احکام و قرارهای صادره از سوی کمیسیون که در موعد مقرر مورد اعتراض محکوم علیه یا متهم و یا نماینده قانونی آنان قرار گرفته باشد برابر آیین نامه قابل تجدیدنظر است تبصره ـ وزرا یا بالاترین مقام مسوول که موسسه ذی ربط تحت پوشش وی اداره می‌شود در صورتی که حکم صادره را موجب خسارت و ضرر و زیان دستگاه خود بدانند می‌توانند با دلایل کافی به حکم صادره اعتراض و درخواست تجدیدنظر نمایند. ماده ۳ ـ واحد رسیدگی به شکایات موظف است اعتراضات محکوم علیهم و پرونده‌های محوله را با حفظ نوبت و کمال دقت مطالعه و بررسی نموده و پس از مشاوره کامل به طور مستدل اظهار نظرنماید. تبصره ـ پرونده‌ها کلا به نوبت رسیدگی می‌شود مگر در موارد فوری که به تشخیص رییس واحد ، رسیدگی خارج از نوبت به عمل خواهد آمد و رسیدگی به شکایات از قرار بازداشت در خارج از نوبت انجام می‌شود. ماده ۴ ـ متقاضی تجدیدنظر باید درخواست خود را حداقل در دو نسخه تنظیم و نسخه‌ای را به واحد رسیدگی به شکایات و یا به کمیسیون صادر کننده حکم تسلیم نماید. کمیسیون موظف است نسخه دریافتی را در اسرع وقت به واحد رسیدگی به شکایات ارسال دارد. ماده ۵ ـ چنانچه واحد رسیدگی به شکایات ضمن بررسی به اعتراض محکوم علیه یا نماینده قانونی وی تشخیص دهد که دلایل استنادی کمیسیون در اثبات ادعا موثر نمی‌باشد و یا حکم برخلاف قانون صادر شده حکم را نقض و حکم مقتضی را انشا و صادر خواهد نمود و چنانچه اعتراض را وارد نداند حکم کمیسیون را تایید می‌نماید. در هر صورت پس از خاتمه رسیدگی پرونده را جهت اجرا به کمیسیون ذی ربط ارجاع خواهد نمود، حکم واحد رسیدگی به شکایات قطعی و لازم الاجرا است ماده ۶ ـ هر گاه واحد رسیدگی در حین بررسی به پرونده‌ای متوجه اشتباه کمیسیون در استناد به ماده قانونی بشود لکن این اشتباه تغییری در نوع تخلف و میزان مجازات حاصل ننماید در این صورت واحد رسیدگی اشتباه را رفع نموده و حکم را تصحیح و تایید می کند. ماده ۷ ـ تجدیدنظر در احکام صادره کمیسیون از سوی واحد رسیدگی به شکایات فقط یکبار بعمل می‌آید مگر این که جهت آن غیر از جهت تقاضای تجدید نظر اول باشد. ماده ۸ ـ واحد رسیدگی به شکایات در صورت لزوم می‌تواند محکوم علیه ، شهود و یا کسانی را که حضورشان برای ادای توضیحات لازم است احضار نماید لکن عدم حضور احضار شدگان مانع رسیدگی نمی‌باشد. تبصره ـ احضار اشخاص برابر مقررات قانونی انجام خواهد شد. ماده ۹ ـ هر گاه واحد رسیدگی به شکایات در رسیدگی به آرا صادره از سوی کمیسیون‌ها اختلاف رویه‌ای را در موارد مشابه مشاهده نماید می‌تواند نسبت به آن در جهت همسانی اتخاذ نظر کند، نظر و رای مذکور برای کلیه کمیسیونها در موارد مشابه لازم الاتباع است ماده ۱۰ ـ هر گاه متهمی که به سبب بیم فرار و یا تبانی از سوی کمیسیون بازداشت شده است بیش از ۲۴ ساعت در توقیفگاه بماند و از وی تحقیق نشود ، متهم حق شکایت خواهد داشت و واحد رسیدگی به شکایات موظف است به تخلفات اجرایی مامورین تعزیرات در این خصوص رسیدگی و تکلیف متهم را معین نماید. ماده ۱۱ ـ چنانچه هر یک از مجریان تعزیرات و ماموریین انتظامی ، ماموریین باز داشتگاهها و مستخدمین دولتی در خصوص بازداشت غیر قانونی ، عدم استماع تظلمات و ارجاع آن را به مقامات ذی صلاح عدول از اجرای قانون و آیین نامه تعزیرات حکومتی بخش دولتی و یا جلوگیری از اجرای حکم و اوامر کتبی مقامات صالحه و آزار و اذیت متهم و یا ورود به مراکز و کارگاهها و منازل اشخاص بدون ترتیبات قانونی و دیگر تقصیرات ، مرتکب تخلفاتی شوند ، واحد رسیدگی به شکایات موظف است به تخلفات آنان رسیدگی نماید و در صورتیکه موضوع تخلف از جرایم عمومی و یا سواستفاده مالی باشد پرونده آنان را نظیر موارد مندرج در ماده ۳۵ قانون تعزیرات حکومتی به دادگاههای انقلاب ارجاع خواهد نمود. ماده ۱۲ ـ وزارتخانه‌ها ، سازمانها و موسسات دولتی و وابسته به دولت ، مسوولین نهادها ، بانکها ، شرکتهای موضوع ماده ۱۹ قانون تعزیرات حکومتی ، و نیز کلیه واحدهای انتظامی مسوولین ژاندارمری‌ها و دیگر ضابطین موضوع ماده ۲۶ قانون تعزیرات حکومتی موظف به همکاری دراجرای اوامر صادره واحد رسیدگی به شکایات خواهند بود. ماده ۱۳ ـ واحد رسیدگی به شکایات ضمن هماهنگی با دادستانی کل کشور می‌تواند بر حسن اجرای آیین نامه و مقررات زندانها مصوب

۲۹/۳/۱۳۶۸ دیوان عالی کشور در قبال متهمین و محکومین تعزیرات حکومتی بخش دولتی که در زندان بسر می‌برند نظارت نماید. ماده ۱۴ ـ واحد رسیدگی به شکایات می‌تواند در حدود موازین اسلامی و در چارچوب ضوابط آیین نامه کمیسیون عفو و بخشودگی پیشنهاد خود را برای بخشودگی محکومین تعزیرات حکومتی بخش دولتی تنظیم واز طریق قوه قضاییه به مقام معظم رهبری تسلیم نماید. این آیین نامه مشتمل بر ۱۵ ماده و ۳ تبصره در اجرای تبصره ماده ۲۳ قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۲۳/۱۲/۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی در ۲۶/۶/۶۹ به تصویب رسید.

آیین نامه اجرایی نحوه فروش کالاهای قاچاق مکشوفه موضوع قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچا

مصوب آبان ماه ۱۳۷۴ ماده ۱ ـ در این آیین نامه واژه های زیر بجای عبارتهای مشروح مربوط به کار می‌رود: الف ـ قانون قانون (نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۲/۲/۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام . ب ـ اداره های مامور وصول درآمدهای دولت هر اداره یا سازمان یا موسسه دولتی که به موجب قوانین با شرح وظایف مصوب سازمانی خود موظف به وصول درآمدهای دولت باشند ، مانندگمرک ، دخانیات و شیلات . ج ـ سازمان کاشف سازمانی است که وظیفه مبارزه با قاچاق و کشف کالای قاچاق را به عهده دارد. د ـ کمیسیون مرکزی کمیسیون مرکزی قیمت گذاری و نظارت بر فروش متشکل از نمایندگان وزارتین بازرگانی و کشور ، سازمان تعزیرات حکومتی ، گمرک جمهوری اسلامی ایران ، نیروی‌انتظامی جمهوری اسلامی ایران و سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی که با مسوولیت ریاست سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی در مرکز تشکیل خواهد شد. ه ـ کمیسیون استان کمیسیون قیمت گذاری و نظارت بر فروش که در هر استان تشکیل می‌گردد و متشکل از نمایندگان وزارت بازرگانی ، سازمان تعزیرات حکومتی ، گمرک جمهوری اسلامی ایران ، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی و با مسئولیت سازمان مذکور می‌باشد. و ـ خریداران سازمانها و فروشگاه های زنجیره ای و اتحادیه های تعاونی مصرف که می‌توانند در خرید کالا شرکت نمایند، از جمله فروشگاههای زنجیره‌ای رفاه ، شهر و روستا ، سازمان اتکا ، فروشگاههای سپه ، اتحادیه های امکان ، فرهنگیان ، کارکنان دولت . ز ـ پایه بهای کالا: مبنای محاسبه بهای کالاهای قاچاق وارداتی عبارت اند از ارزش سیف بر اساس قیمت ارز صادراتی (بر مبنای اعلام بانک مرکزی و مبالغ سود بازرگانی مندرج در ماده ۱۵ مقررات صادرات و واردات و عوارض مربوط به همان کالاست و مبنای محاسبه بهای کالاهای قاچاق خروجی عبارت از قیمت صادراتی همین کالاست ح ـ قیمت کارشناسی کالا : قیمتی است که کمیسیونهای استانها با استفاده از کارشناسان خبره و باتوجه به پایه بهای کالاها تعیین می‌نمایند. ماده ۲ ـ دبیرخانه کمیسیون مرکزی قیمت گذاری و نظارت بر فروش موظف است حداقل در هر ماه یک بار جلسه کمیسیون مرکزی را تشکیل و عملکرد کمیسیونهای استانها را مورد ارزیابی قرار دهد. کمیسیون مذکور قیمت پایه کالاها را بر اساس بند (ز) ماده ۱ هر سه ماه یک بار تعیین و به کمیسیونهای استانها ابلاغ خواهد نمود. ضمنا این کمیسیون موظف است دستورالعمل های اجرایی این آیین نامه را تهیه و ابلاغ نماید و نظرات کمیسیون مرکزی برای کمیسیون های استانها لازم الاجرامی‌باشد. ماده ۳ ـ اداره‌های مامور وصول درآمدهای دولت موظفند طبق قوانین مربوطه بلافاصله پس از ضبط کالا ـ نسبت به اعلام مشخصات کامل کالاهای مکشوفه به دبیرخانه کمیسیون استان اقدام‌نمایند. ماد ۴ ـ دبیرخانه کمیسیون قیمت گذاری و نظارت بر فروش استانها موظفند هفته ای یک بار (حداکثر دو هفته‌ای یک بار) نسبت به تشکیل جلسات کمیسیون در محل سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی استان اقدام و در خصوص تمام گزارشات واصله برابر مواد آتی تصمیم نماید. کمیسیون با حضور نصف به علاوه یک نفر اعضا رسمیت می‌یابد. تبصره ۱ ـ در استانهایی که سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی نماینده مقیم نداشته باشدجلسات در محل اداره‌های کل امور اقتصادی و دارایی تشکیل می‌شوند. تبصره ۲ ـ تصمیم‌گیری در مورد قیمت گذاری و فروش کالاهای دخانی و شیلاتی با دعوت ازنمایندگان ذی ربط در کمیسیون صورت

خواهد گرفت و در صورت عدم حضور نمایندگان مذکور درجلسه تصمیم گیری لازم انجام خواهد شد. ماده ۵ ـ کمیسیون‌های استانها با توجه به نرخهای ابلاغی از سوی کمیسیون مرکزی موضوع (ماده ۳) نسبت به تعیین بهای کارشناسی کالاهای هر پرونده بـا استفاده از کارشناسان خبره و بر حسب نوع و کیفیت کالاـ اقدام و صورتجلسه ای مشتمل بر تعداد پرونده‌های مطروحه و تصمیمات متخذه در آن جلسه جهت اجرا تنظیم می‌نمایند. ماده ۶ ـ دبیرخانه کمیسیون‌های استانها موظفند حداکثر ظرف مدت دو روز از تاریخ تنظیم صورتجلسه نسبت به دعوت خریداران برای شرکت در جلسه فروش اقدام و تاریخ برگزاری جلسات فروش حداکثر سه روز از تاریخ دعوت نامه می‌باشد. ماده ۷ ـ کمیسیونهای استانها کالاهای سریع الفساد از جمله مواد غذایی و نوشیدنی فاسد شدنی راحداکثر ظرف مدت سه روز تعیین تکلیف و نسبت به فروش به خریداران (بند (و) ماده ۱) اقدام و گزارش آن را به کمیسیون مرکزی ارسال دارند. تبصره ـ کمیسیون مرکزی دستورالعمل اجرایی برای فروش سایر کالاهایی را که سریعا ضایع می‌گردد از جمله احشام و میوه جات را به کمیسیون استانها ابلاغ خواهد کرد. ماده ۸ ـ جلسات فروش با حضور حداقل سه خریدار رسمی خواهد شد و در صورتی که تعدادخریداران به حد نصاب نرسد جلسه بعدی بدون رعایت حد نصاب فوق الذکر حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت تجدید خواهد شد. ماده ۹ ـ دبیرخانه کمیسیون استانها اطلاعات مربوط به زمان و مکان فروش را به اطلاع خریداران خواهند رساند. ماده ۱۰ ـ در هر مورد از فروش کالا، متناسب با ارزش کالای موجود و تعداد خریداران شرکت کننده ، سهمیه ای (از انواع کالاهای موجود) برای هر یک از خریداران (با اولویت در پیشنهاد قیمت ونحوه پرداخت از سوی کمیسیون استان تعیین می گردد

لایحه قانونی مجازات واحدهای تولیدی داخلی و وارداتی متخلف

مصوب دی ماه ۱۳۵۸ ماده ۱ ـ مرکز بررسی قیمتها مکلف است جداولی جهت تعیین قیمت تمام شده کالاهای تولیدی داخلی و وارداتی در اختیار واحدهای تولیدی و وارداتی کالاها قرار دهد. مدیران عامل و مالی یا مسوولان ذی صلاح واحدهای مذکور که دارای امضای مجاز هستند مکلفند ظرف مهلت تعیین شده از طرف مرکز بررسی قیمتها نسبت به تکمیل و اعلام پاسخ صحیح و مدلل به پرسشهای مندرج در این جدول اقدام نمایند. ماده ۲ ـ هرگاه مدیران عامل و مالی و یا مسوولان ذیصلاح واحدهای وارداتی و تولیدی ظرف مهلت تعیین شده نسبت به تکمیل جداول و ارسال آن به مرکز بررسی قیمتها اقدام ننمایند متخلف محسوب و به حبس جنحه ای از شش ماه تا دو سال محکوم می گردند. ماده ۳ ـ هرگاه در اثر بررسی و رسیدگی مرکز بررسی قیمتها مشخص گردد اشخاص مذکور در ماده ۲برخلاف واقع نسبت به تکمیل جداول اقدام نموده و اطلاعات نادرست و غیر واقعی اعلام کرده باشند متخلف محسوب و با توجه به نوع و اهمیت و ارزش کالاـ و مابه التفاوت قیمت اعلام شده از طرف واحدهای تولیدی و وارداتی با قیمت محاسبه شده توسط مرکز بررسی قیمتها که مبتنی بر ارقام واقعی بوده و به تصویب شورای عالی قیمتها رسیده باشد براساس حجم تولید یا فروش سالانه به شرح زیر محکوم می گردند: الف ـ هرگاه مابه التفاوت تا مبلغ ۰۰۰/۵۰۰ ریال باشد متخلف به حبس جنحه‌ای از دو ماه تا یک‌سال محکوم می گردد. ب ـ هرگاه مابه‌التفاوت از مبلغ ۰۰۱/۵۰۰ ریال به بالا باشد متخلف به حبس جنحه‌ای از شش ماه تادو سال محکوم می گردد. تبصره ۱ ـ متخلف علاوه بر مجازاتهای مقرر در این ماده به پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر مابه‌التفاوت قیمت محاسبه شده توسط مرکز بررسی قیمتها با قیمت اعلام شده محکوم می گردد. تبصره ۲ ـ در صورتی که متخلف ظرف یک سال از تاریخ قطعیت حکم مجددا مرتکب یکی از تخلفات مذکور در مواد ۲ و ۳ گردد به اشد مجازات محکوم خواهد شد. تبصره ۳ ـ نحوه محاسبه قیمت اعلام شده توسط آیین‌نامه اجرایی که به وسیله وزارت بازرگانی تهیه و به تصویب شورای عالی قیمتها خواهد رسید تعیین می گردد.

آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز

ماده ۱ ـ در این آیین نامه اصطلاحات و واژه های اختصاری زیر به جای عبارتهای مشروح مربوط به‌کار می‌رود: الف ـ قانون قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا وارز ـ مصوب ۱۲/۲/۱۳۷۴ـ مجمع تشخیص مصلحت نظام ب ـ اداره های مامور وصول درآمدهای دولت هر اداره یا سازمان یا شرکت دولتی که به موجب قوانین یا شرح وظایف مصوب سازمانی موظف به وصول درآمدهای دولت می‌باشد مانند گمرک جمهوری اسلامی ایران ، بانک مرکزی ، شرکت دخانیات ایران ، شرکت سهامی شیلات ایران و وزارت امور اقتصادی و دارایی پ ـ سازمانهای شاکی سازمانهایی هستند که به موجب قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالاـ و ارز ـ مصوب ۱۲/۲/۱۳۷۴ ـ موظف به وصول جریمه و اعلام شکایت و طرح دعوی علیه مرتکبان قاچاق کالاـ و ارز می‌باشند. ت ـ سازمان کاشف سازمانی است که به موجب قوانین و مقررات جاری کشور وظیفه مبارزه باقاچاق کالا و ارز را به عهده دارد. تبصره ـ گمرک جمهوری اسلامی ایران حسب مورد کاشف تلقی می گردد. ث ـ مخبر: شخصی است که محل اختفا یا نگهداری کالا و ارز قاچاق یا ارتکاب عمل قاچاق یاشروع به آن را به سازمان کاشف با شرایط زیر گزارش نماید: ۱ ـ گزارش به نحوی باشد که ماموران کشف بتوانند با پیگیری مفاد گزارش اطلاعات لازم را برای شروع عملیات تحصیل نمایند. ۲ ـ گزارش پیش از کشف و یا شروع عملیات به سازمان کاشف واصل و ثبت دفتر مربوط شده باشد. ۳ ـ پیگیری موضوع گزارش منتج به نتایج مثبتی در جهت کشف قاچاق گردیده باشد. ۴ ـ هویت مخبر خواه به صورت ذکر نام و مشخصات و خواه به صورت علایم قراردادی محرمانه (مانند کد عملیاتی ، شماره رمز ، نام مستعار و...) برای سازمان کاشف با درج در صورتجلسه بدوی کشف مشخص باشد. ۵ ـ در صورت درخواست مخبر یا اقتضای شرایط عملیاتی سازمان کاشف مکلف است هویت مخبر را مکتوم نگاه دارد. ج ـ کاشف مامور سازمان کاشف است که راسا یا بر اثر دریافت خبر کالا یا ارز قاچاق یا وقوع و ارتکاب عمل قاچاق را کشف نموده و نام و مشخصات آنان در صورتجلسه بدوی کشف قید شده باشد. چ ـ مامور انتظامی مامور نیروی انتظامی و مامور سایر نیروهای مسلح (تحت امر ناجا) و ماموران وزارت اطلاعات (در ارتباط با کشف ارز قاچاق) ح ـ بازجو: فرد یا افرادی می‌باشند که بعد از کشف کالا یا ارز قاچاق مبادرت به جمع آوری اطلاعات لازم و تکمیل پرونده ارتکاب عمل قاچاق ، شناسایی هویت متهمان و میزان دخالت هر یک از آنان در ارتکاب جرم می‌نمایند. تبصره ـ در صورتی که ادامه بازجویی منجر به کشفیات جدید شود صورتجلسه ثانوی تنظیم وشخص بازجو در این مرحله به عنوان کاشف محسوب می‌شود. خ ـ عوامل ستادی نیروهایی که در تهیه طرحها ، برنامه‌ریزی ، هدایت و نظارت امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سازمان کاشف موثر بوده و توسط سازمان ذی ربط معرفی می‌شوند. د ـ عوامل اطلاعاتی فرد یا افرادی از سازمان کاشف که پس از کسب خبر از عوامل ذی ربط مبادرت به جمع آوری و پرورش اطلاعات در زمینه کشف کالا یا ارز قاچاق نموده و نسبت به شناسایی متهم و محل نگهداری و اختفای کالا یا ارز اقدام می‌نمایند. ذ ـ صورتجلسه کشف صورتجلسه‌ای است که حین الکشف و یا در اولین فرصت ممکن پس ازکشف تنظیم و به امضای کاشف یا کاشفان و نیز صاحبان کالا و ارز قاچاق و یا عاملان حمل می‌رسد و شامل نوع و مقدار کالا یا مبلغ ارز قاچاق ، زمان و چگونگی کشف یا عملیات منتهی به کشف و مشخصات وسیله حمل می‌باشد. تبصره ـ در مواردی که صاحبان کالا و ارز و یا عاملان حمل از امضای صورتجلسه خودداری نمایند مراتب استنکاف آنان در صورتجلسه قید و به گواهی حداقل دو نفر از کاشفان می‌رسد. ماده ۲ ـ نحوه تعیین بهای کالاـ و ارز قاچاق : الف – کالای قاچاق ورودی مبنای محاسبه بهای کالاهای قاچاق ورودی عبارت است از: ارزش‌سیف بر اساس قیمت ارز واریزنامه ای صادراتی در بورس ، حقوق گمرکی به علاوه سود بازرگانی و عوارض موضوع ماده (۱۵) قانون مقررات صادرات و واردات آن کالاها در زمان کشف که توسط گمرک محاسبه می‌شود. ب ـ کالای قاچاق خروجی مبنای محاسبه بهای کالاهای قاچاق خروجی ، قیمت عمده فروشی کالا در نزدیکترین بازار داخلی در زمان کشف می‌باشد. پ ـ ارز قاچاق : مبنای محاسبه معادل ریالی قاچاق ، قیمت ارز واریزنامه‌ای صادراتی در بورس درزمان کشف ارز

قاچاق می‌باشد. ماده ۳ ـ در مواردی که بهای کالا یا ارز قاچاق در زمان کشف معادل ده میلیون ریال یا کمتر باشد سازمان کاشف فقط به ضبط کالاـ و ارز به نفع دولت اکتفا می‌کند و عین کالا و ارز مکشوفه را با تنظیم صورتجلسه کشف به اداره مربوط مامور وصول درآمدهای دولت تحویل می‌دهد. بدیهی است درصورتی که اعمال ارتکابی واجد سایر عناوین جزایی باشد سازمان کاشف اقدامات قانونی را اعمال‌خواهد نمود. تبصره ـ اختیار یاد شده در مواردی است که اسناد مثبته دال بر واردات یا صادرات قانونی کالا و ارز از سوی مالک یا حامل ارایه نگردد. ماده ۴ ـ چنانچه سازمان کاشف بهای کالاـ و ارز قاچاق را بیش از ده میلیون ریال تشخیص دهد عین کالا و ارز مکشوفه را ظرف حداکثر ۲۴ ساعت پس از کشف به همراه مالک یا حامل آن ، حسب مورد ، به اداره مربوط مامور وصول درآمدهای دولت تحویل می‌دهد. تبصره ـ اداره‌های مامور وصول درآمدهای دولت موظفند ظرف حداکثر ۵ روز اداری از تاریخی کشف یک نسخه از پرونده کالاهای قاچاق مکشوفه را جهت سیر مراحل فروش به سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی تحویل نمایند. ماده ۵ ـ در مناطقی که گمرک وجود ندارد انجام کلیه امور مربوط به قاچاق کالا (رسیدگی ، ارزیابی و قیمت گذاری ،اعلام جرم ، تحویل و نگهداری کالا و...) برعهده نزدیکترین گمرک محل می‌باشد. تبصره ـ در مناطقی که اداره‌های مامور وصول در آمدهای دولت تشکیل نشده باشد، اداره های یادشده می‌توانند به سازمان کاشف تفویض اختیار نمایند تا نسبت به تشکیل پرونده و اعلام جرم علیه متهمان اقدام کند. ماده ۶ ـ در موارد موضوع بند ب ماده۲ قانون ، در صورتی که متهم حاضر به پرداخت جریمه تعیین شده باشد جریمه دریافت و در صورتی که در بازداشت باشد بلافاصله آزاد می‌شود و در مواردی که متهم حاضر به پرداخت جریمه تعیین شده باشد ولی امکان پرداخت فوری آن را نداشته باشد سازمان شاکی می‌تواند از مرجع رسیدگی کننده درخواست اخذ تامین مناسب بنماید. ماده ۷ ـ در صورت استنکاف متهم یا متهمان از پرداخت جریمه سازمان شاکی مکلف است ظرف حداکثر ۵ روز اداری از تاریخ کشف کالاـ و ارز قاچاق ، پرونده متشکله را تکمیل و حسب مورد به‌مراجع قضایی یا محاکم تعزیرات حکومتی اعزام نماید. ماده ۸ ـ در مناطقی که محاکم قضایی (شامل دادگاه انقلاب و عمومی) برای رسیدگی به پرونده‌های قاچاق وجود ندارد تا ایجاد تشکیلات قضایی سازمان تعزیرات حکومتی مکلف است بنا به درخواست سازمانهای شاکی و ابلاغ ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق نسبت به تشکیل محاکم تعزیرات حکومتی ، اقدام و طبق قوانین و مقررات رسیدگی نماید. ماده ۹ ـ در مورد پرونده هایی که از سوی سازمانهای شاکی به مراجع قضایی ارجاع می‌شود مراجع یاد شده مکلفند ظرف یک ماه نسبت به صدور حکم اقدام و مراتب را به سازمان شاکی مربوط اعلام‌کنند. تبصره ـ سازمان شاکی هنگام ارجاع پرونده قاچاق کالا برای رسیدگی قضایی در صورتی که حقوق و عوارض گمرکی کالا نیز پرداخت نشده باشد موظف است با توجه به ماده ۲۹ قانون امور گمرکی ، موضوع عدم پرداخت حقوق و عوارض گمرکی را به عنوان یکی از جهات تلقی قاچاق در پرونده‌درج نماید. ماده ۱۰ ـ در صورتی که مراجع قضایی ، ظرف مهلت مقرر در قانون (یک ماه از تاریخ وصول پرونده ، مبادرت به صدور حکم ننمایند و سازمان شاکی از سازمان تعزیرات حکومتی درخواست رسیدگی نماید در این صورت سازمان تعزیرات حکومتی پرونده را از شعبه رسیدگی کننده یا سازمان شاکی مطالبه می‌نماید و شعبه و سازمان شاکی نیز موظف به تحویل آن به سازمان مذکور می‌باشد و در هر حال مرجع قضایی مجاز به ادامه رسیدگی و صدور حکم نخواهد بود. تبصره ـ در صورت اخذ پرونده از مرجع قضایی سازمان تعزیرات حکومتی می‌تواند پرونده را از ابتدا یا در هر مرحله که باشد رسیدگی نماید. ماده ۱۱ ـ در کلیه مواردی که سازمان تعزیرات حکومتی صالح به رسیدگی می‌باشد شعب تعزیرات حکومتی دارای همان اختیاری خواهند بود که مراجع قضایی در رسیدگی به پرونده‌های مزبور دارند. ماده ۱۲ ـ متهمان به قاچاق کالا و ارز در موارد بند الف و قسمت اول بند ب ماده ۲ قانون درصورت اعتراض می‌توانند ظرف حداکثر دوماه از تاریخ ضبط کالا و ارز حسب مورد به مراجع قضایی صالح یا محاکم تعزیرات حکومتی که در محل صلاحیت رسیدگی به جرم قاچاق را دارن دشکایت نمایند در صورت برائت ، عین کالاـ و در صورت موجود نبودن کالاـ ، قیمت آن (به نرخ روزصدور حکم و معادل ریالی ارز (بر

اساس نرخ واریزنامه ای صادراتی در بورس به علاوه عین مبلغ‌جریمه پرداختی طبق حکم محکمه ، از محل موجودی حساب (۷۱۲) یا (۸۱۵) خزانه و به نسبتهای مقرر در ماده ۲۵ این آیین نامه از سهمیه های ذی ربط تامین و از طریق دستگاه اجرایی مربوط به ذی نفع حسب مورد مسترد و یا پرداخت می گردد. تبصره ۱ ـ مراجع یا محاکم یاد شده به شکایات و اعتراضاتی که بعد از مهلت مقرر در صدر این ماده واصل می‌شود ترتیب اثر نخواهند داد. تبصره ۲ ـ در صورتی که مبالغ قابل استرداد ـ با محاسبه قیمت کالا به نرخ روز صدور حکم (موضوع این ماده بیش از حاصل فروش کالا ـ باشد مابه التفاوت از محل بند الف ماده ۲۵ این آیین نامه تامین خواهد شد. تبصره ۳ ـ چنانچه قیمت کالای قابل استرداد (به نحو مقرر در این ماده از قیمت فروش کالا کمتر باشد، تفاوت آن از محل مقرر شده در تبصره ماده ۲۵ این آیین نامه به صاحب کالا پرداخت خواهد گردید. ماده ۱۳ ـ کلیه جریمه های دریافتی مربوط به قاچاق کالا منحصرا به حساب ویژه ۷۱۲ خزانه و جریمه‌های ریالی دریافتی مربوط به قاچاق ارز به حساب ویژه ۸۱۵ خزانه واریز می گردد. تبصره ـ خزانه مکلف است بر اساس درخواست وزارت دادگستری (سازمان تعزیرات حکومتی)به منظور نگهداری وجوه امانی و استرداد سپرده‌های نقدی موضوع آرای صادره از محاکم قضایی وشعب تعزیرات حکومتی ، حسابهای سپرده و رد سپرده در سازمان یاد شده و ادارات کل تابعه درمراکز استانها افتتاح نماید. استرداد وجوه مذکور به اشخاص ذی نفع با امضای بالاترین مقام مسوول یا مقام مجاز از طرف وی در مرکز و استانها ضمن رعایت موازین قانونی صورت خواهد پذیرفت ماده ۱۴ ـ ضبط کالا و ارز قاچاق در مرحله اداری بر اساس بندهای الف و ب ماده ۲ قانون صورت می گیرد و اعتراض متهم یا متهمان مانع اجرای عملیات ضبط ، دریافت جریمه ، فروش کالا و واریز وجوه و سایر اقداماتی که در این مرحله به موجب قانون صورت می گیرد نخواهد بود. ماده ۱۵ ـ آرای صادره از شعب تعزیرات حکومتی در خصوص پرونده‌های کالا ـ و ارز قطعی است و محکوم علیه می‌تواند در صورت وجود هر یک از جهات ذیل ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ ابلاغ رای از رییس سازمان تعزیرات حکومتی درخواست رسیدگی مجدد نماید. ۱ ـ ادعای مخالف بودن رای با قانون ۲ ـ ادعای عدم توجه شعبه رسیدگی کننده به دلایل یا مدافعات ۳ ـ ادعای عدم صلاحیت شعبه ۴ ـ ادعای عدم توجه اتهام به محکوم علیه رییس سازمان در صورتی که دلیل را موجه تشخیص دهد رای صادره را نقض و پرونده را جهت رسیدگی مجدد به یکی از شعب تجدیدنظر ارسال خواهد نمود. رایی که شعبه تجدید نظر صادر می‌نماید قطعی و لازم الاجرا است تبصره ۱ ـ رییس سازمان تعزیرات حکومتی در صورت وقوع یکی از موارد ذیل راسا رای را نقض و پرونده را برای رسیدگی مجدد به یکی از شعب تجدیدنظر ارجاع می‌نماید. رای شعبه مزبور قطعی و لازم الاجرا است ۱ ـ رییس شعبه صادر کننده رای متوجه اشتباه رای خود شود. ۲ ـ رییس شعبه دیگری پی به اشتباه رای صادره ببرد به نحوی که اگر به رییس شعبه صادر کننده رای تذکر دهد متنبه گردد. ۳ ـ ثابت شود رییس شعبه صادر کننده رای صلاحیت رسیدگی و انشای رای را نداشته است تبصره ۲ ـ رای صادره از شعب بدوی تعزیرات حکومتی در صورتی که مبنی بر برائت متهم باشدبا درخواست سازمان شاکی پرونده از سوی رییس سازمان تعزیرات حکومتی برای رسیدگی مجددبه یکی از شعب تجدیدنظر تعزیرات حکومتی ارسال خواهد شد. رای شعبه تجدیدنظر قطعی و لازم الاجرا است ماده ۱۶ ـ صدور قرار بازداشت و سایر قرارهای تامینی در مواردی که برای امکان وصول جریمه ضرورت دارد با پیشنهاد سازمان شاکی برعهده محکمه صالحه می‌باشد. ماده ۱۷ ـ سیستم بانکی کشور موظف است با هماهنگی بانک مرکزی معادل ریالی ارزهای مکشوفه را ـ پس از ضبط قطعی ـ به قیمت ارز صادراتی واریزنامه‌ای در بورس به حساب ویژه مربوط به خزانه واریز نماید. ماده ۱۸ ـ حمل کالای قاچاق جرم تلقی شده و حامل (چنانچه قراینی نظیر جاسازی کالا ـ در وسیله حمل حکایت از آگاهی حامل از حمل کالای قاچاق یا شرکت وی در این امر داشته باشد) مستقل از مجازات مقرر برای مالک یا دارنده کالای قاچاق به جزای نقدی تا معادل دو برابر بهای کالای قاچاق محکوم خواهد گردید. تبصره ۱ ـ وسیله حمل کالای قاچاق به عنوان وسیله ارتکاب جرم توقیف و در صورت عدم پرداخت جریمه ظرف مدت دو ماه به حکم مرجع رسیدگی کننده به فروش رفته و از محل فروش جریمه تعیین شده پرداخت خواهد شد. تبصره ۲ ـ در صورت

وحدت حامل و مالك كالای قاچاق مجازات متهم منحصر به حکم صادره برای مالك كالای قاچاق خواهد بود. ماده ۱۹ ـ محکوم علیه موظف است از تاریخ ابلاغ رای ظرف مدت ۲۰ روز نسبت به پرداخت جریمه اقدام نماید، در غیر این صورت از محل وثیقه های سپرده شده یا فروش اموال وی با رعایت مقررات قانون اجرای احکام نسبت به وصول جریمه مقرره اقدام خواهد شد. تبصره ۱ ـ فروش کالاهای قاچاق مکشوفه خروجی ، کالاهای سریع الفساد ، کالاهای انهدامی (دارای مصرف ثانویه ، کالاهای سریع الاشتعال ، احشام و طیور و کالاهایی که در آنها تغییر کمی و کیفی ایجاد شده باشد و همچنین کالاهایی که در مزایده به فروش نرسیده است به قیمت پایه کارشناسی بر اساس ضوابط جاری سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی خواهد بود. تبصره ۲ ـ گمرك جمهوری اسلامی ایران موظف است برای تعیین قیمت كالای قاچاق مکشوفه میانگین نرخ ارز واریزنامه صادراتی مورد معامله در بازار بورس را در پایان هر فصل شمسی از بانك مركزی اخذ و ملاك محاسبه در فصل بعدی سال قرار دهد. تبصره ۳ ـ کالاهای قاچاق مکشوفه دخانی و شیلاتی تحویل شرکتهای دخانیات و شیلات می‌شوند و شرکتهای یاد شده مکلفند بلافاصله پس از ضبط کالاهای قاچاق تحویلی را وفق مقررات به فروش رسانیده و وجوه حاصل از فروش را به حساب ویژه خزانه ۷۱۲ موضوع تبصره ۵ ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی واریز و مراتب را به سازمانهای کاشف شاکی ذی ربط اعلام نمایند. تبصره ۴ ـ آن دسته از اموال و اشیایی که دارای ارزش فرهنگی ، تاریخی و ملی هستند به سازمان میراث فرهنگی تحویل می‌شوند. تبصره ۵ ـ فرآورده‌های نفتی و جنگلی به ترتیب تحویل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران و وزارت جهاد سازندگی می‌شود. شرکت و وزارتخانه یاد شده موظفند ضمن تحویل‌گرفتن كالای مکشوفه وفق مقررات و بر اساس قیمتهای داخلی به فروش رسانده و وجوه حاصل از فروش را به حساب ویژه خزانه ۷۱۲ واریز و مراتب را به سازمان کاشف اعلام نمایند. ماده ۲۰ ـ اداره‌های مامور وصول درآمدهای دولت مکلفند بلافاصله پس از ضبط کالاهای قاچاق ، بدل پرونده را به سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی تحویل دهند. سازمان یاد شده کالاهای مکشوفه را بر مبنای پایه قیمت تعیین شده توسط گمرك جمهوری اسلامی ایران بر اساس ارز واریزنامه ای در بورس از طریق مزایده به فروش رسانده و وجوه حاصل از فروش را به حساب ویژه‌خزانه (۷۱۲) موضوع تبصره (۵) ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی واریز و مراتب را به ادارات ذی ربط مامور وصول درآمدهای دولت و به سازمان شاکی مربوط اعلام می‌نماید. ماده ۲۱ ـ سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی مکلف است تمامی وجوه حاصل از فروش‌کالاهای موضوع قاچاق را پس ازکسر میزان مقرر در ماده ۹ قانون تاسیس سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی بابت کارمزد فروش به حساب خزانه موضوع ماده (۷) قانون واریز نماید.میزان مبالغ واریز شده به حساب تمرکز درآمد سازمان درخزانه منظور خواهد شد. ماده ۲۲ ـ خلاصه صورتمجلس فروش کالاهای قاچاق مکشوفه در هر ماه توسط نمایندگیهای سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی تهیه و به کمیسیون مبارزه با قاچاق استان و نیز توسطسازمان مذکور به ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق به شرح ذیل ارسال می‌گردد: الف ـ نسخه ای برای احتساب حق الکشف پرونده های ذی ربط به اداره‌های مامور وصول درآمدهای‌دولت در استان ب ـ نسخه‌ای جهت پرداخت سهم کاشفان هر پرونده به سازمان کاشف ذی ربط پ ـ نسخه‌ای به منظور بهره برداری در دبیرخانه ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق . ماده ۲۳ ـ اداره‌های مربوط مامور وصول درآمدهای دولت و سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی مکلفند بلافاصله پس از فروش کالاـ و یا اخذ جریمه و واریز وجوه به حساب ویژه خزانه ۷۱۲ (بدون تنظیم فهرست تقسیم حق السهم) نسبت به درخواست واریز ۵۰ درصد حق السهم کاشفان و سازمانهای کاشف به حسابهای مربوط به انضمام مشخصات پیکره وجوه واریزی به‌حساب ویژه خزانه حساب ۷۱۲ اقدام و یک رونوشت تقاضای مذکور را به سازمان کاشف ذی ربط ارسال نمایند. ماده ۲۴ ـ خزانه مکلف است در هر استان یک حساب بانکی با درخواست اداره های مامور وصول درآمدهای دولت افتتاح نماید. هر یك از اداره های یاد شده و نیز هر یك از محاکم و شعب قضایی و تعزیرات حکومتی ، سازمانهای کاشف و شاکی و سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی مکلفند تمامی وجوه حاصل

از فروش و جریمه کالاهای قاچاق را به حساب مذکور واریز نمایند.این حسابها غیر قابل برداشت بوده و موجودی آنها توسط بانک در پانزدهم و پایان هر ماه باید به‌حساب ویژه ۷۱۲ موضوع تبصره ۵ ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی ـ مصوب۲۰/۷/۱۳۷۳ ـ نزد خزانه واریز و رونوشت اعلامیه واریز وجوه به سازمانهای کاشف ذی ربط ارسال گردد. ماده ۲۵ ـ خزانه موظف است بر اساس فرم درخواست وجوه درخواست کننده ظرف حداکثر یک‌هفته نسبت به واریز وجوه درخواستی به حساب مربوط به شرح زیر اقدام نماید: الف ـ ۴۰ درصد به حساب درآمد های عمومی کشور. ب ـ ۳۰ درصد به حساب حق الکشف ماموران کاشف نزد سازمان ذی ربط پ ـ ۲۰ درصد به حساب سازمان کاشف ت ـ ۱۰ درصد به حساب اختصاصی ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق . تبصره ـ ۱۰ درصد از مبلغ حق الکشف موضوع بند ب فوق برای تامین موارد یاد شده در تبصره ۳ماد ۱۲ این آیین نامه اختصاص می‌یابد. ماده ۲۶ ـ کلیه صورتهای تقسیم حق الکشف قاچاق طبق صورتجلسات بدوی کشف توسط سازمانهای کشف تنظیم و بر اساس اسامی مقید در فهرست تقسیم نسبت به پرداخت حق الکشف اقدام می‌شود و در مورد هر پرونده به شرح زیر خواهد بود : الف ـ سهم عوامل اطلاعات مخبران و کاشفان ۲۰۳۰ ب ـ سهم ماموران انتظامی و بازجو ۷۳۰ پ ـ سهم عوامل ستادی ۳۳۰ تبصره ۱ ـ در صورتی که کشف و ضبط کالا و ارز قاچاق بدون دخالت ماموران انتظامی صورت پذیرد سهم ماموران یاد شده بین عوامل اطلاعاتی ، مخبر و کاشف تقسیم و چنانچه در کشف کالای مزبور مخبر و عوامل اطلاعاتی شرکت نداشته باشند سهم آنان به کاشف پرداخت خواهد شد. تبصره ۲ ـ در صورت وحدت عوامل اطلاعاتی ، مخبر ، کاشف ، ماموران انتظامی و بازجو ، حق السهم عوامل یاد شده به عامل واحد تعلق خواهد گرفت تبصره ۳ ـ چنانچه افراد ذی نفع چند نفر باشند، حق السهم مربوط به نسبت مساوی بین آنان تقسیم‌خواهد شد. ماده ۲۷ ـ سهم حق الکشف کاشفان مخبران و عوامل اطلاعاتی از مبلغ ده میلیون ریال و سهم‌بازجو و ماموران انتظامی از مبلغ ۷ هفت میلیون ریال و سهم نیروهای وظیفه از مبلغ پنج میلیون ۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال در هر پرونده نباید تجاوز نماید. تبصره ۱ـ سهم نیروها اعم از کادر و وظیفه ، که در عملیات منجر به درگیری موفق به کشف کالای قاچاق می‌شوند تا سقف پنجاه میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال قابل پرداخت خواهد بود. تبصره ۲ ـ چنانچه هر یک از نیروها در حین عملیات منجر به درگیری به افتخار شهادت نایل شود از محل ۲۰ درصد سهم سازمان کاشف با نظر فرماندهی سازمان کاشف مبلغ پنجاه میلیون ۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال به وراث شرعی و قانونی وی طبق مقررات قانونی پرداخت خواهد شد و درصورت جانبازی افراد با توجه به تعیین درصد جانبازی پاداشی را به نسبت حداکثر سقف مبلغ مذکور برای یک بار قابل پرداخت خواهد بود. تبصره ۳ ـ سازمان کاشف رقم ریالی مازاد از پرداخت حق الکشف کاشفان و محل هزینه آن را هر شش ماه یک بار به دبیرخانه سازمان مرکزی مبارزه با قاچاق گزارش می‌نماید. ماده ۲۸ ـ وجوه مربوط به ۲۰ درصد سهم سازمان کاشف (به استثنای موارد مندرج در تبصره ۲ ماده۲۷ این آیین نامه صرفا برای تهیه تجهیزات و امکانات به منظور تقویت امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز هزینه خواهد شد. خزانه مکلف است وجوه مربوط به هر سازمان را به حساب سازمان ذی ربط واریز نماید و سازمان کاشف نیز موظف است گزارش ادواری شش ماهه این وجوه را به دبیرخانه ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق ارایه نماید. ماده ۲۹ ـ ازمحل ۱۰ درصد وجوه واریزی به حساب ویژه (موضوع تبصره ۵ ماده واحده قانون‌اصلاح قانون تعزیرات حکومتی ـ مصوب ۲۰/۷/۱۳۷۳ برای اجرای طرحها و برنامه های تقویت امر مبارزه با قاچاق کالاـ و ارز، اداره دبیرخانه ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق و نیز تشویق مامورانی که‌در امر مبارزه با قاچاق و وصول و واریز وجوه دخالت داشته‌اند و از مصادیق سازمانهای کاشف وکاشفان نمی‌باشند مبالغی به شرح زیر تخصیص و پرداخت خواهد شد: الف ـ ۵۰ درصد از وجوه موضوع این ماده به طرحها و پیشنهادهایی که از سوی دستگاههای ذی ربط به دبیرخانه ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق ارایه می گردد و با پیشنهاد دبیرخانه یادشده به تایید وزیرکشور می‌رسد اختصاص خواهد یافت ب ـ ۵۰ درصد از وجوه موضوع این ماده برای تشویق نیروهایی که به نحوی در امر مبارزه و اثبات بزه قاچاق و واریز وجوه مربوط دخالت داشته‌اند و کارکنان سازمانهای کاشف نمی‌باشند تخصیص می‌یابد. روسای دستگاههای ذی ربط فهرست افراد

مشمول استفاده از مزیت یاد شده نوع خدمت و میزان پاداش پیشنهادی را هر شش ماه یک بار برای دبیرخانه ستاد مذکور ارایه م نمایند. حداکثر پاداش متعلق به هر یک از نیروها مبلغ پانزده میلیون (۱/۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال در سال تعیین می‌شود. مبالغ یاد شده در این بند بنا به پیشنهاد ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق و تایید وزیر کشور اختصاص‌می‌یابد. تبصره ـ وزیر کشور به عنوان مسوول ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق مسوول مجاز تخصیص وجوه پیشنهاد شده می‌باشد. خزانه کلیه وجوه موضوع این ماده را با موافقت وی و درخواست ذی حساب مربوط به حساب ذی ربط واریز می‌نماید. ماده ۳۰ ـ به منظور برنامه ریزی ، هدایت ، سیاستگذاری هماهنگی و نظارت در حوزه امور اجرایی مبارزه با قاچاق کالا و ارز ستادی تحت عنوان ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق متشکل از وزیر کشور (رییس ستاد)، وزیر اطلاعات ، وزیر امور اقتصادی و دارایی ، وزیر بازرگانی ، وزیر راه و ترابری ، رییس کل بانک مرکزی ، فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران رییس کل گمرک ، مدیرعامل شرکت دخانیات ایران ، رییس سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی ، رییس سازمان تعزیرات حکومتی ، یا نمایندگان تام الاختیار هر یک از آنها و نماینده تام الاختیار قوه قضاییه تشکیل می گردد. تبصره ۱ ـ در صورت لزوم از سایر دستگاهها و کارشناسان امر حسب مورد دعوت خواهد شد. تبصره ۲ ـ دبیرخانه ستاد در وزارت کشور مستقر خواهد بود و تشکیلات سازمانی آن توسط وزیرکشور به تصویب خواهد رسید. تبصره ۳ ـ کمیسیون مبارزه با قاچاق در استانها به ریاست استاندار یا معاون سیاسی و امنیتی وی و با عضویت فرمانده ناحیه انتظامی ، رییس کل دادگستری ، مدیران کل اطلاعات ، امور اقتصادی ودارایی ، گمرک ، دخانیات و سازمان تعزیرات حکومتی هر ماهه تشکیل می گردد. ماده ۳۱ ـ وزارت کشور مسوول امور مبارزه با قاچاق کالا می‌باشد. ماده ۳۲ ـ وزارت اطلاعات مسوول امر مبارزه با قاچاق ارز بوده و با همکاری سازمانهای ذی ربط اقدام های لازم را به عمل خواهد آورد. ماده ۳۳ ـ وزیر کشور گزارشهای ادواری ششماهه در خصوص امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز را حداکثر چهار ماه بعداز انقضای هر دوره در چارچوب شاخصهای ذیل به رییس جمهور ارایه خواهدداد: ۱ ـ مطابقت اقدامات و عملیات با قوانین ، مقررات و ضوابط مربوط (حاوی اجرا ، عدم اجرا ، و یانقض آنها) ۲ ـ بررسی و تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از امر مبارزه با قاچاق کالا ـ و ارز ۳ ـ استخراج نقایص ، مشکلات و ضرورتهای جدید ۴ ـ پیشنهاد راهکارهای مناسب برای رفع مسایل و یا بهینه سازی موارد مذکور در بند ۳ بالا ماده ۳۴ ـ دبیرخانه ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق موظف است گزارشهای ادواری ششماهه مورد نیاز وزیر کشور را ظرف حداکثر دو ماه بعد از انقضای هر دوره ارایه دهد. ماده ۳۵ ـ این آیین نامه جانشین آیین نامه ها و دستورالعمل هایی می‌باشد که تا کنون در اجرای قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا ـ و ارز به تصویب هیأت وزیران و نمایندگان ویژه رییس جمهور رسیده است با لازم الاجرا شدن این آیین نامه سایر مقررات مربوط نیز در قسمتهای مغایر ملغی می‌شوند.

آیین نامه نحوه رسیدگی کمیسیون تعزیرات حکومتی بخش دولتی

ماده ۱ ـ در این آیین نامه کمیسیون مرکزی تعزیرات حکومتی و یا کمیسیون تعزیرات حکومتی استانها در بخش دولتی به اختصار (کمیسیون) نامیده می‌شوند و منظور از واحد رسیدگی به شکایات ، واحد موضوع ماده ۲۳ قانون تعزیرات حکومتی است که عهده دار رسیدگی به شکایات از احکام صادره کمیسیون مرکزی و کمیسیونهای استانها و تجدیدنظر در آنها و نیز رسیدگی به تخلفات مجریان تعزیرات حکومتی بخش دولتی است ماده ۲ ـ در هر مورد که کمیسیون بنا به شکایات اشخاص و یا گزارش کتبی بازرسین خود و یا ضابطین موضوع ماده ۲۶ قانون تعزیرات حکومتی از وقوع یکی از تخلفات موضوع فصل اول قانون تعزیرات حکومتی مطلع شود و یا بنا به تشخیص خود کنترل و رسیدگی به عملکرد مدیر یامدیران هر یک از واحدهای اقتصادی بخش دولتی موضوع ماده ۱۹ قانون تعزیرات حکومتی را لازم بداند ضمن تشکیل جلسه امر به تحقیقات مقدماتی و شروع به رسیدگی می‌دهد. ماده ۳ ـ منظور از تحقیقات مقدماتی اخذ و جمع آوری اطلاعات و اسناد و دلایل از طریق درخواست نماینده و یا اعزام بازرس به مرکز

تولید و فروش و انبارها و اماکن اداری و اجرایی و بررسی اسناد و دفاتر و مذاکره با مطلعین است تبصره ـ تحقیقات و رسیدگی‌ها نباید به هیچ وجه موجب بروز وقفه و یا کندی در فعالیت جاری موسسه گردد. ماده ۴ ـ کمیسیون در تمام مراحل تحقیقاتی می‌تواند با توجه به دلایل کافی قرار توقیف متهم و نیز قرار اخذ تامین و یا تبدیل تامین را صادر نماید، لکن مراتب باید قبلا به وزیر و یا بالاترین رده سازمانی که شرکت و یا موسسه مزبور تحت پوشش وی قرار دارد اطلاع داده شود. تبصره ـ کمیسیون موظف است نتایج تصمیمات هر یک از جلسات خود را در این موارد بلافاصله به واحد رسیدگی به شکایات گزارش نماید. ماده ۵ ـ کمیسیون مکلف است قرار توقیف اشخاص را در همان ساعات اولیه توقیف با قید حق شکایت ده روز به وی ابلاغ و رونوشتی از آن را به توقیفگاه ارسال کند و در صورت شکایت متخلف از قرار فوق الذکر شکایت وی را حداکثر ظرف مدت سه روز از تاریخ اعلام با رعایت بعد مسافت (بهازا هر ۲۰۰ کیلومتر یک روز) به واحد رسیدگی به شکایات ارسال نماید. ماده ۶ ـ وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی و موسسات و شرکتهای موضوع ماده ۱۹ قانون تعزیرات حکومتی موظف به همکاری لازم با کمیسیون تعزیرات حکومتی و ارائه کالاها و اشیا و اطلاعات و اسناد اعم از عادی و محرمانه بوده و متخلف از این ماده محکوم به انفصال موقت از خدمات دولتی از ۳ تا ۶ ماه خواهد بود. ماده ۷ ـ کمیسیون می‌تواند با توجه به دلایل کافی اجازه ورود و تفحص در وزارتخانه‌ها و مراکز موضوع ماده ۱۹ قانون تعزیرات حکومتی و منازل متهمین را صادر نماید. ماده ۸ ـ تفحص در مواردی به عمل می‌آید که به موجب دلایل کافی بتوان تصور نمود که شخص متخلف و یا اسناد و کالاها و اشیا موضوع تخلف را می‌توان در محلی کشف نمود. ماده ۹ ـ تفحص در حضور بالاترین مقام یا مقامات مربوطه و صاحبان منازل و شهود تحقیق به‌عمل می‌آید. ماده ۱۰ ـ کمیسیون در صورت ضرورت می‌تواند با دلایل کافی دخول و خروج به محل تفحص را ممنوع نماید و برای اجرای این حکم از ضابطین یا اشخاص دیگر محافظ بگمارد. ماده ۱۱ ـ کمیسیون در صورت ضرورت می‌تواند با دلایل کافی حکم باز کردن محل ها و اشیا بسته را بدهد. ماده ۱۲ ـ تجسس در منازل اشخاص در روز به عمل می‌آید و در شب فقط در موردی که ضرورت اقتضا کند. جهت ضرورت را کمیسیون باید در صورت مجلس قید کند. ماده ۱۳ ـ کلیه اشیا و کالاهایی که در حین تجسس بدست آمده و موجب کشف تخلفات و یاموجب اقرار متخلف به تخلف خود خواهد بود باید ضبط و در صورت مجلس تعریف و توصیف شود. ماده ۱۴ ـ هر گاه دلایل تخلف چیزی باشد که نمی‌توان آن را از محل خارج نمود باید اقدامات لازم را جهت حفظ و نگهداری دلایل مزبور به عمل آورده و در صورت ضرورت محل را قفل و مهر و موم کرده و نظارت آن را به ضابطین مربوطه سپرد. ماده ۱۵ ـ کمیسیون موظف است در مقابل کالاها و اشیا و اسناد و دفاتری که در جریان تجسس و تحقیق تحصیل و یا ضبط می‌شود به مسوولین واحد ذی ربط رسید دهد. بدیهی است کالاها و اشیا و اسناد مذکور پس از رفع احتیاج به مسوولین و مقامات ذی ربط و یا افراد ذی نفع مسترد می‌گردد. ماده ۱۶ ـ احضار اشخاص متهم در بخش دولتی در غیر مواردی که بیم فرار آنان می‌رود و نیز شهود با ارسال احضار نامه به عمل می‌آید و احضار نامه در دو نسخه فرستاده شده یک نسخه را متخلف و یا شاهد گرفته و نسخه دیگر را امضا کرده به مامور احضار رد می‌کند. ماده ۱۷ ـ در احضار نامه اسم و شهرت احضار شده علت احضار و تاریخ و محل حضور و نتیجه عدم حضور باید قید شود. ماده ۱۸ ـ هر گاه احضار شده بیسواد باشد مضمون احضار نامه در حضور دو نفر شاهد تحقیق ابلاغ می‌شود. ماده ۱۹ ـ جهات ذیل عذر موجه محسوب می‌شود: ۱ـ نرسیدن احضار نامه یا دیر رسیدن به صورتی که مانع از حضور در وقت مقرر شود. ۲ـ مرضی که مانع از حرکت است ۳ـ فوت یکی از والدین یا زوج یا زوجه یا اولاد. ۴ـ ابتلای بزرگی از قبیل حریق و امثال آن ۵ ـ در توقیف یا حبس بودن ماده ۲۰ ـ در صورت عدم حضور و یا بیم فرار متهم کمیسیون می‌تواند حکم به جلب وی بدهد. ماده ۲۱ ـ جلب متهم به موجب ورقه جلب به عمل می‌آید ورقه جلب که مضمونش مضمون ورقه احضار است باید به متخلف ابلاغ شود. ماده ۲۲ ـ جلب متهم به استثنای موارد فوری که کمیسیون تعیین می‌کند در روز به عمل می‌آید. ماده ۲۳ ـ کمیسیون موظف است بعد از توقیف متخلف حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت نسبت به انجام تحقیقات اقدام نماید در غیر این

صورت متخلف حق شکایت به واحد رسیدگی به شکایات موضوع ماده ۲۳ قانون تعزیرات حکومتی را خواهد داشت ماده ۲۴ ـ کسانی که تحت تعقیب هستند نباید از حوزه قضایی که کمیسیون معین می‌کند بدون اجازه خارج شوند. ماده ۲۵ ـ برای جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متخلف کمیسیون می‌تواند یکی از قرارهای تامین راصادر نماید: ۱ ـ التزام عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف ۲ ـ التزام عدم خروج با تعیین وجه التزام تا ختم رسیدگی و اجرای حکم ۳ ـ اخذ کفیل در صورتی که متخلف تقاضا نماید به جای کفیل وجه نقد بدهد کمیسیون مکلف به قبول آن است ۴ ـ اخذ وثیقه (وثیقه اعم است از وجه نقد یا مال غیر منقول ۵ ـ توقیف احتیاطی با رعایت شرایط مقرر در ماده شش ماده ۲۶ ـ تامین باید با اهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و امحا آثار جرم و همچنین سابقه متهم و چگونگی مزاج و سن و حیثیت او متناسب باشد و با تحصیل دلایل جدید قرار ماخوذه قابل تخفیف یا تشدید است ماده ۲۷ ـ در مواردی که خروج متهم از حوزه قضایی منوط به اجازه کمیسیون است کمیسیون موظف است به درخواست متهم و یا بالاترین رده سازمانی ذی ربط مبنی بر خروج ضروری ظرف مدت یک هفته اثباتا یا نفیا پاسخ دهد و در صورت عدم موافقت کمیسیون با درخواست مذکور وزیر یا بالاترین مقام سازمان و یا موسسه ذی ربط می‌تواند تقاضای توجیهی خود را برای واحد رسیدگی به شکایات تکرار نماید و نظر این واحد برای کمیسیون قطعی و لازم الاجرا است ماده ۲۸ ـ ضمانت و کفالت وزیر یا بالاترین مقام اجرایی سازمان و نهادهایی که شرکت و یا مرکز مورد بررسی تحت پوشش وی قرار دارد معتبر و قابل قبول است لکن تشخیص اعتبار کفالت سایر اشخاص با کمیسیون است ماده ۲۹ ـ مبلغ وجه الضمانه یا ضمانت کفیل نباید کمتر از میزان تخلفات متهم باشد و در صورت‌عدم حضور و یا فرار متهم مبلغ مذکور از کفیل اخذ و بدوا خسارت اشخاص تادیه می‌شود. ماده ۳۰ ـ پس از صدور قرار کفالت و قبول آن از سوی متهم برگه کفالت نامه توسط کمیسیون و کفیل و یا دهنده وجه الضمان امضا می‌شود و نسخه‌ای از آن به کفیل و یا دهنده وجه الضمان داده‌می‌شود. ماده ۳۱ ـ اقامه دعوی و تعقیب متخلف از حیث حقوق عمومی به عهده کمیسیون و از حیث ضرر و زیان اشخاص مطابق ماده ۵۴ قانون تعزیرات حکومتی در مراجع ذی صلاح بر عهده مدعی خصوصی است ماده ۳۲ ـ هر گاه کمیسیون ضمن رسیدگی به یکی از جرایم عمومی برخورد نماید، مکلف است موضوع را برای تعقیب به مراجع قضایی اعلام نماید. در هر صورت این امر و یا اتهامات متعدد مانع از رسیدگی به تخلفات در کمیسیون نخواهد بود. ماده ۳۳ ـ رسیدگی به تخلفاتی که محل وقوع آن در دو یا چند استان باشد در صلاحیت کمیسیون تعزیرات استان محل کار مختلف است در صورتی که متخلف پرونده‌های متعددی در استانهای مختلف داشته باشد رسیدگی در کمیسیون استانی به عمل می‌آید که مهمترین تخلف در حوزه آن‌واقع شده است ماده ۳۴ ـ کمیسیون موظف به رسیدگی به تخلفات متهمین متعدد و شرکا و معاونین مرتکبین به‌تخلفات تعزیرات حکومتی بخش دولتی است و عدم دسترسی به هر یک از آنان مانع از تعیین تکلیف و رسیدگی به تخلفات نمی‌باشد در این مورد پرونده باید تفکیک و تکلیف حاضرین روشن شود مگر اینکه امکان تفکیک پرونده‌ها و رسیدگی به تخلفات به هیچ وجه میسر نباشد. ماده ۳۵ ـ در صورت لزوم کمیسیون می‌تواند نسبت به احضار و تحقیق از شهود مطلعین به ویژه اشخاصی که در ضمن شکایت نامه نام برده می‌شوند و یا متخلف آنان را معرفی می‌نماید با رعایت ماده شانزده این آیین نامه و صفات شرعی شهود اقدام و دلیل کسب نماید. ماده ۳۶ ـ با ختم مراحل تحقیق و استماع اظهارات متهم و گزارش بازرسان و انجام سایر مراحل قانونی و احراز صحت شکلی و ماهوی رسیدگی در چارچوب ضوابط این آیین نامه پرونده جهت رسیدگی نهایی و صدور رای مقتضی از سوی رییس کمیسیون در دستور کار قرار می‌گیرد و حداقل یک هفته قبل نسخه‌ای از خلاصه پرونده جهت مطالعه کافی و مراجعه به پرونده در اختیار هر یک از اعضا کمیسیون قرار می‌گیرد. ماده ۳۷ ـ کمیسیون با اتمام مراحل رسیدگی و رعایت ماده سی و شش با استعانت از خداوند تبارک و تعالی و با توجه به محتویات پرونده مبادرت به صدور رای می‌نماید و مفاد رای باید توسط منشی عضو کمیسیون قرائت و ابتدا در دفتری ثبت و سپس به محکوم علیه تفهیم شود و نسخه ای نیز به وی ابلاغ و ارائه گردد. ماده ۳۸ ـ کمیسیون موظف است در

صورت رای بر محکومیت متهم خساراتی را که متوجه مراکز و دستگاههای موضوع ماده ۱۹ قانون تعزیرات حکومتی شده باشد تعیین و حکم لازم صادر کند و عامل را مکلف به جبران خسارت نماید. ماده ۳۹ ـ در صورتی که رای بر برائت متهم باشد و چنانچه محدودیت و یا ممنوعیتی برای متهم به وجود آمده باشد کمیسیون موظف است بلافاصله آن را رفع نماید. ماده ۴۰ ـ در صورت محکومیت متهم و بنا به درخواست مدعی خصوصی موضوع ماده ۵۴ قانون تعزیرات حکومتی ، کمیسیون موظف است آن قسمت از پرونده را که مربوط به ضرر و زیان مدعی خصوصی است جهت اقدام به مرجع ذی صلاح ارسال دارد. ماده ۴۱ ـ چنانچه متهم به مجازات مالی و پرداخت جریمه محکوم شود به تشخیص کمیسیون قادر به تادیه آن کلا یا جزئا به صورت دفعتا واحده نباشد کمیسیون می‌تواند جریمه مذکور را با اخذ تضمین معتبر به اقساط دریافت نماید و چنانچه از پرداخت جریمه خودداری نماید برابر مفاد ماده ۵۵ قانون تعزیرات حکومتی مبلغ جریمه از اموال وی تامین خواهد شد. تبصره ـ مفاد این ماده در مورد خسارات موضوع ماده ۵۳ قانون تعزیرات حکومتی نیز جاری می گردد. ماده ۴۲ ـ اجرای احکام کمیسیون بر عهده رییس کمیسیون است که در چارچوب قانون تعزیرات حکومتی بخش دولتی و مفاد این آیین نامه و دیگر مقررات موضوعه انجام می‌شود. ماده ۴۳ ـ احکام و قرارهای صادره کمیسیون مرکزی و هر یک از کمیسیون استانها قابل تجدیدنظر است و محکوم علیه و یا قائم مقام قانونی وی در صورت اعتراض به احکام و قرارهای صادره می‌توانند ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ آنها از واحد رسیدگی به شکایات درخواست تجدید نظرنمایند. تبصره ۱ ـ کمیسیون موظف است مفاد این ماده را ذیل احکام و قرارهای صادره به روشنی درج و به محکوم علیه ابلاغ نماید. تبصره ۲ ـ هر یک از دستگاهها و مراکز موضوع ماده ۱۹ قانون تعزیرات حکومتی که در صدور حکم خسارتی متوجه آنان شده باشد حق اعتراض و درخواست تجدید نظر در موعد تعیین شده راخواهند داشت ماده ۴۴ ـ پس از صدور حکم یا قرار ، کمیسیون حق تغییر آن را ندارد مگر آنکه اشتباهی در حساب یا سهو قلم و از قلم افتادن نام یکی از اصحاب دعوی یا زیاد شدن نام رخ داده باشد، در این صورت مادامی که قرار یا حکم اجرا نشده است می‌توانند به درخواست متهم یا سازمان ذی ربط حکم یا قرار را اصلاح کند، تصحیح حکم و قرار پس از ابلاغ در مهلت مقرر قابل تجدید نظر خواهد بود. ماده ۴۵ ـ کمیسیون مرکزی و هر یک از کمیسیونهای استانها موظفند بلافاصله پس از صدور حکم نسخه‌ای از آن را برای واحد رسیدگی به شکایات موضوع ماده ۲۳ قانون تعزیرات حکومتی ارسال و در صورت شکایت و درخواست تجدید نظر از سوی محکوم علیه و یا قائم مقام قانونی وی و یامراکز و دستگاههای موضوع ماده ۱۹ قانون تعزیرات حکومتی پرونده امر را همراه با خلاصه مفید و خوانا در اسرع وقت برای رسیدگی به واحد رسیدگی به شکایات موضوع ماده ۲۳ قانون تعزیرات حکومتی بخش دولتی ارسال دارند. ماده ۴۶ ـ چنانچه کمیسیون در بررسی‌های خود به نکات و مواردی بر خورد نماید که در این آیین نامه پیش بینی نشده باشد موظف است مراتب را به واحد رسیدگی به شکایات اعلام و تا صدور نظر واحد در این گونه موارد برابر مفاد قانون آیین دادرسی کیفری عمل نماید. ماده ۴۷ ـ کلیه واحدهای انتظامی و مسئولین بانکها و زندانها و ادارات ثبت اسناد سراسر کشور و سازمانها و موسسات و شرکتهای دولتی که به موجب مفاد ماده ۲۶ قانون تعزیرات حکومتی موظف به اجرای احکام صادره از سوی کمیسیون مرکزی و یا کمیسیون تعزیرات استانها و واحد رسیدگی به شکایات گردیده‌اند وظایف قانونی خود را به موجب این آیین نامه انجام خواهند داد. ماده ۴۸ ـ این آیین نامه بر اساس ماده ۲۴ قانون تعزیرات حکومتی مشتمل بر چهل و هشت ماده و پنج تبصره در تاریخ ۱۵/۲/۱۳۶۹ به تصویب هیات موضوع تبصره ماده ۲۳ قانون تعزیرات حکومتی رسید.

آیین نامه اجرائی سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات – مصوب ۱/۸/۷۳ هیات وزیران

مصوب ۱/۸/۷۳ هیات وزیران ماده ۱ ـ کلیات در اجرای مصوبه شماره ۳۸۹۰ / ق مورخ ۲۰/۷/۱۳۷۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام و تصویب‌نامه شماره ۵۲۰۲ ـ ۷۳/م مورخ ۲۰/۷/۱۳۷۳ هیات وزیران ، سازمان (بازرسی و نظارت برقیمت و توزیع کالا و خدمات) که

من بعد در این آیین نامه به اختصار سازمان نامیده می‌شود، زیرنظر وزیر بازرگانی تشکیل و اداره می گردد. سازمان دارای شخصیت حقوقی مستقل می‌باشد. رییس سازمان توسط وزیر بازرگانی تعیین و به این سمت منصوب می گردد. رییس سازمان ، معاون وزیر بازرگانی می‌باشد. مرکز سازمان در تهران بوده و در مراکز استانها اداره کل و در شهرستانها اداره خواهد داشت تبصره ـ سازمان از نظر مالی ، معاملاتی ، استخدامی و تشکیلاتی منحصرا تابع این آیین‌نامه بوده وبه استناد تبصره ۶ مصوبه مذکور مجمع تشخیص مصلحت نظام از شمول قوانین و مقررات مربوط به دستگاههای دولتی و وابسته به دولت قانون استخدام کشوری و قانون محاسبات عمومی مستثنی بوده و تابع قانون (نحوه هزینه کردن اعتبارات خارج از شمول قانون محاسبات عمومی وسایر مقررات مالی دولتی) می‌باشد. ماده ۲ ـ هدف بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات ماده ۳ ـ وظایف و اختیارات ۳ ـ ۱) بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات مشمول در کلیه بخشها (دولتی ، تعاونی و خصوصی و نیز نهادها) اعم از تولیدات و واردات آنها. ۳ ـ ۲) اعمال نظارت بر اجرای قیمتها در کلیه موارد از قبیل اعلام قیمتهای مصوب ، صدور فاکتور ، نصب برچسب و فروش ۳ ـ ۳) تدوین و اجرای روشهای کارآمد بازرسی و نظارت متناسب با نوع کالا و خدمات ۳ ـ ۴) نظارت بر برنامه تولید و شبکه توزیع کالا و خدمات مشمول واحدهای تولیدی ۳ ـ ۵) نظارت بر حسن اجرای ضوابط و مقررات توزیع کالا و خدمات ۳ ـ ۶) اخذ اطلاعات و آمار از کلیه واحدهای تولیدی توزیعی و واردکنندگان کالا و خدمات مشمول اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی ۳ ـ ۷) دریافت شکایات و بازرسی تخلفات مربوط به قیمت و توزیع کالاهای تولیدی و وارداتی و نیز خدمات ۳ ـ ۸) تعیین اولویت نظارت و بازرسی به ویژه در برخورد با متخلفان ۳ ـ ۹) تنظیم گزارش تخلفات و اعلام آن به سازمان تعزیرات جهت اقدامات بعدی و پیگیری اخذ نتیجه اقدام طبق برنامه زمانی مصوب ۳ ـ ۱۰) آموزش ماموران بازرسی و نظارت ۳ ـ ۱۱) پیشنهاد اقلام کالا و خدمات جهت قیمت گذاری و نظارت ۳ ـ ۱۲) بازرسی و نظارت بر تخلفات مذکور در قانون تعزیرات حکومتی در موارد ذیل ۳ ـ ۱۲ ـ ۱) گرانفروشی ۳ ـ ۱۲ ـ ۲) کم فروشی و تقلب ۳ ـ ۱۲ ـ ۳) احتکار ۳ ـ ۱۲ ـ ۴) عرضه کالا خارج از شبکه توزیع تعیین شده ۳ ـ ۱۲ ـ ۵) اختفا و امتناع از عرضه کالا ۳ ـ ۱۲ ـ ۶) عدم اجرای ضوابط قیمت‌گذاری و توزیع ۳ ـ ۱۲ ـ ۷) عدم اجرای تعهدات واردکنندگان و تولیدکنندگان ۳ ـ ۱۲ ـ ۸) نداشتن پروانه کسب ۳ ـ ۱۲ ـ ۹) نداشتن پروانه بهره برداری واحدهای تولیدی ۳ ـ ۱۲ ـ ۱۰) فروش ارزی ـ ریالی ۳ ـ ۱۲ ـ ۱۱) فروش اجباری کالا همراه کالای دیگر ۳ ـ ۱۲ ـ ۱۲) عدم اعلام موجودی کالا ۳ ـ ۱۲ ـ ۱۳) سهل‌انگاری و عدم همکاری با ناظران و بازرسین ۳ ـ ۱۳) نظارت بر امور مربوط به تخصیص ارز و گشایش اعتبار کالاهای مشمول و زمان بندی گشایش اعتبارات ۳ ـ ۱۴) نظارت بر عملکرد کلیه مامورین و بازرسین سازمان و سازمان تعزیرات حکومتی و نیز دریافت شکایات مربوط به تخلفات آنان و اعلام به شعب ویژه رسیدگی به تخلفات ۳ ـ ۱۵) پیشنهاد اصلاح و تکمیل آیین نامه اجرائی سازمان تبصره ـ سازمان می‌تواند در جهت اجرای وظایف خود با انعقاد قرارداد از خدمات افراد و دستگاههای مورد نظر استفاده نماید. ماده ۴ ـ تشکیلات تشکیلات سازمان تفصیلی شرح وظایف معاونت ها ، دفاتر و ادارات تحت پوشش آنها و پستهای مورد نیاز سازمان و ادارات کل و ادارات مربوطه با تصویب وزیر بازرگانی و تایید رییس‌جمهورخواهد بود. ماده ۵ ـ امور استخدامی ۵ ـ ۱) سازمان می تواند از کارکنان واجد صلاحیت کلیه وزارتخانه‌ها و دستگاههای اجرائی ، شرکتهای دولتی و وابسته به دولت ، نهادهای انقلاب اسلامی و موسسات عمومی غیر دولتی و شهرداریها به صورت مامور استفاده نماید. تبصره ـ کلیه دستگاههای فوق الذکر مکلفند حسب درخواست سازمان در جهت مامور نمودن کارکنان ، با این سازمان نهایت همکاری را به عمل آورند. ۵ ـ ۲) بازرسین سازمان ، علاوه بر افراد مذکور در بند ۵ ـ ۱، از بین افراد ذیل نیز انتخاب می گردند: ۵ ـ ۲ ـ ۱) نیروهای بسیج مردمی ۵ ـ ۲ ـ ۲) حراستها ۵ ـ ۲ ـ ۳) انجمنها و شورای اسلامی ۵ ـ ۲ ـ ۴) جامعه اصناف ۵ ـ ۲ ـ ۵) معتمدین محلات ۵ ـ ۲ ـ ۶) کارکنان دولت و نهادهای انقلاب اسلامی (خارج از وقت اداری ۵ ـ ۲ ـ ۷) دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ۵ ـ ۳) ضوابط استخدامی و نظام پرداختهای سازمان با پیشنهاد سازمان و تصویب وزیر بازرگانی و تایید رییس‌جمهور خواهد بود. ماده ۶ ـ چگونگی تشخیص

صلاحیت ۶ ـ ۱) بازرسین بایستی واجد شرایط مذکور در ذیل باشند: الف حداقل سن ۲۳ سال ب متدین به دین مبین اسلام عامل به احکام آن و معتقـد و متعهـد به نظام جمهوری اسـلامی ایران واصل ولایت فقیه ج دارای حداقل مدرک تحصیلی دیپلم متوسـطه د: نداشتن سوء پیشینه ۶ ـ ۲) تشـخیص صـلاحیت بازرسـین سازمان با وزیر بازرگانی و یا نمایندگان مجاز از طرف ایشان می‌باشد. ۶ ـ ۳) تشـخیص صـلاحیت بازرسـین دسـتگاههایی که بـا سازمـان همکاری می‌نماینـد، توسط همان دسـتگاه ، صورت می‌گیرد. ۶ ـ ۴) دسـتورالعمل اجرایی این مـاده بـا پیشـنهاد سازمـان و تصویب وزیر بازرگـانی می‌باشـد. ماده ۷ ـ بودجه سازمـان بـا پیشـنهاد وزارت بازرگـانی و تصویب هیـات وزیران ، از محل اعتبارات مربوطه خواهـد بود. ماده ۸ ـ تخلفـات و مجازاتها: ۸ ـ ۱) گزارش بازرسین و مـامورین سازمان به منزله گزارش ضابطین سازمان تعزیرات می‌باشـد. ۸ ـ ۲) تمرد، مقاومت و اهانت نسبت به بازرسـین و مامورین سازمان از مصادیق جرایم علیه مامورین دولتی محسوب گردیده و مشـمول مقررات قانون مجازات اسلامی می‌باشد. ۸ ـ ۳) بازرسین و مامورین واجد شـرایط سازمان و سازمان تعزیرات حکومتی با ابلاغ از سوی مسوولین مربوطه می‌توانند مسوولیت هر دو سازمان را انجام دهند. ۸ ـ ۴) سازمـان نظرات کارشناسـی خود را پیرامون تخلفاتی که توسط سایر مراجع مـذکور درآیین نامه اجرایی سازمان تعزیرات حکومتی به آن سازمـان اعلاـم گردیـده ، جهت ملاحظه در صـدوررأی ظرف مـدت پانزده روز از تاریـخ دریافت پرونـده تنظیم و ارسال می‌دارد. ماده ۹ ـ سایر: ۹ ـ ۱) بازرسین بایستی دارای کارت شناسایی معتبر که قبلا توسط سازمان از طریق رسانه‌های همگانی به رویت عموم رسـیده ، باشـند. ۹ ـ ۲) کلیه واحـدهای تولیـدی ، توزیعی و خـدماتی و نیز واردکننـدگان اعم از اشـخاص حقیقی و یـا حقـوقی موظفنـد حسب درخـواست سازمـان آمـار و اطلاعـات مربـوط به تولیـد ، توزیع ، واردات وموجودی کالاهـای مشمول طرح را تهیه و ارسال دارند. ۹ ـ ۳) کلیه دسـتگاههای ذی ربط در تنظیم برنامه ، تهیه گزارش و نیز آمار و اطلاعات موضوع بندهای مختلف ماده ۳ مکلفند بلافاصـله پس از تهیه این قبیل موارد ، یک نسـخه از آن را جهت اسـتفاده ومقتضـی به سازمان ارسال دارند. ۹ ـ ۴) هیـچ یـک از مامورین و بازرسـین سازمان را نمی‌توان در رابطه با اجرای وظایف محوله تحت تعقیب قضایی قرار داد، مگر در صورت اثبـات غرض مجرمانه ۹ ـ ۵) تا قبل از تشـکیل ادارات کل سازمان ، وزیر بازرگانی می‌توانـد انجام وظایف موضوع ایـن آییـن نـامه را به ادارات و ادارات کـل بازرگـانی ، ارجـاع نمایـد. مـاده ۱۰ ـ ایـن آییـن نـامه در ۱۰ مـاده و ۳ تبصـره در تاریخ ۱/۸/۱۳۷۳ به پیشنهاد وزیر بازرگانی به تصویب رسیده و لازم الاجرا می‌باشد

قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز

ماده ۱ ـ از تاریـخ تصویب این قـانون در مورد کلیه امور مربوط به مبـارزه با قاچاق کالا و ارز موضوع قانون مجازات اخلالگران در نظـام اقتصـادی کشور مصوب ۱۹/۹/۱۳۶۹ ، قـانون مجـازات مرتکبین قاچـاق مصوب ۲۹/۱۲/۱۳۱۲ ، و اصـلاحیه بعـدی آن مصوب ۲۹/۱۲/۱۳۵۳ ، و اصـلاح ماده ۱ قانون مزبور مصوب ۱۲/۱۱/۷۳ و این قانون به شـرح مواد آتی عمل خواهـد شد. ماده ۲ ـ به منظور تسـریع در رسـیدگی و تعییـن تکلیـف قطعی پرونـده‌های مربـوط به کشـفیات قاچـاق اعم از کالاـ و ارز ، اداره هـای مـامور وصـول درآمـدهای دولت یـا سازمانهـایی که به موجب قـانون مبـارزه بـا قاچـاق ، شاکی محسوب می‌شونـد، در صورت احراز کالا و یا ارز قاچاق مکلفنـد ، حـداکثر ظرف پنـج روز نسـبت به تکمیل پرونده اقدام و بر اساس جرایم و مجازاتهای مقرر در قوانین مربوط و این قانون به ترتیب ذیل عمل نماینـد: الف ـ در مواردی که بهای کالا و ارز موضوع قاچاق معادل ده میلیون ریال یا کمتر باشـد، ادارات و سازمانهـای ذی ربـط به ترتیبی که در آیین نـامه اجرایی این قـانون تعیین خواهـد شـد فقـط به ضـبط کالا وارز به نفع دولت اکتفا می‌کننـد. ب ـ در مواردی که بهای کالا و ارز قاچاق از ده میلیون ریال تجاوز کنـد چنانچه متهم در مرحله اداری حاضـر به پرداخت جریمه باشد با احتساب دو برابر بهای آن به عنوان جزای نقدی نسبت به وصول جریمه و ضبط کالا و ارز به ترتیبی که در آیین نامه اجرایی این قانون خواهد آمد اقدام و از تعقیب کیفری متهم از حیث عمل قاچاق و شکایت علیه وی صرفنظر می‌شود. کلیه متخلفین

مذکور در بندهای الف و ب در صورت اعتراض می‌توانند حداکثر ظرف مدت دو ماه به مراجع صالح قضایی شکایت نمایند در صورت برائت ، اصل کالا یا قیمت آن به نرخ روز صدور حکم و معادل ریالی ارز به نرخ رسمی و جزای پرداختی مسترد می گردد. در هر حال اعتراض صاحبان کالا و ارز قاچاق مانع از عملیات اجرایی نسبت به ضبط و اخذ جریمه و فروش و واریز وجوه و سایر اقدامات نخواهد بود. در صورتی که متهم حاضر به پرداخت جریمه در مرحله بند ب نباشد پرونده متهم جهت تعقیب کیفری و وصول جریمه حداکثر ظرف پنج روز از تاریخ کشف به مرجع قضایی ارسال می گردد. درصورت اثبات جرم علاوه بر حبس متهم و ضبط کالاـ یا ارز ، جریمه متعلقه که به هر حال از دو برابر بهای کالای قاچاق یا ارز کمتر نخواهد بود، دریافت می گردد. ماده ۳ ـ حمل کالای قاچاق جرم محسوب شده و مرتکب به شرح ذیل مجازات می‌شود: ـ هر گاه اموالی که به موجب قانون قاچاق تلقی می‌شود، با هر نوع وسیله نقلیه‌ای حمل شود چنانچه قرائنی از قبیل (جاسازی یا مقدار کالای قاچاق) حاکی از اطلاع حامل کالای قاچاق وجود داشته‌باشد وسیله نقلیه توقیف و با حکم مراجع قضایی ، حامل به پرداخت جریمه‌ای تا معادل دو برابر قیمت کالا محکوم خواهد شد. چنانچه ظرف مدت دو ماه از تاریخ صدور حکم جریمه پرداخت نشود از محل فروش وسیله نقلیه برداشت خواهد شد. ماده ۴ ـ مراجع قضایی مکلفند پس از دریافت شکایت حداکثر ظرف مدت یک ماه نسبت به صدور حکم اقدام و مراتب را به گمرک یا سایر اداره های ذی ربط اعلام نمایند. تبصره ۱ ـ رسیدگی به پرونده‌های موضوع این قانون تابع تشریفات آیین دادرسی و تجدید نظرنبوده واز جهت ایجاد وحدت رویه در نحوه رسیدگی محاکم قضایی دستورالعمل مربوطه به وسیله قوه‌قضاییه ظرف مدت دو هفته پس از تصویب این قانون تهیه و به مراجع ذی ربط ابلاغ خواهد شد. تبصره ۲ ـ در صورت عدم رسیدگی یا تطویل دادرسی و عدم تعیین تکلیف قطعی پرونده در مدت فوق الذکر ، سازمان تعزیرات حکومتی موضوع ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۲۰/۷/۱۳۷۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام یا سازمان جداگانه ای که دولت تعیین خواهدکرد با درخواست سازمان شاکی می‌تواند همان پرونده را از محاکم قضایی یا سازمان شاکی مطالبه و طبق جرایم و مجازاتهای مقرر در قوانین مربوط و این قانون اقدام نماید. در مناطقی که محاکم قضایی (شامل دادگاههای انقلاب و یا دادگاههای عمومی برای رسیدگی به پرونده‌های قاچاق وجود ندارند تا ایجاد تشکیلات قضایی ، سازمان تعزیرات حکومتی بر اساس جرایم و مجازاتهای مقرر در قوانین مربوط و مفاد این قانون مجاز به رسیدگی به پرونده‌های فوق الذکر می‌باشند. ماده ۵ ـ سازمان فروش اموال تملیکی مکلف است با دریافت اعلام و قطعیت و قابلیت فروش کالا از طرف اداره‌های اجرایی ذی ربط حداکثر ظرف مدت دو ماه نسبت به فروش و یا تحویل کالا حسب مورد طبق ضوابط اجرایی مصوب اقدام نماید. ماده ۶ ـ حدود و مقررات استفاده از ارز را دولت تعیین می کند، خرید و فروش ، حمل یا حواله ارز غیر مجاز برای خروج از کشور ممنوع و در حکم قاچاق می‌باشد. عین ارز مکشوفه از متخلف یا متخلفین اخذ و به بانک مرکزی یا شعباتی که آن بانک تعیین خواهد کرد به نرخ مصوب دولت فروخته شده و وجوه ریالی به حساب موضوع ماده ۷ همین قانون واریز می‌شود و با متخلف یا متخلفین بر اساس مفاد این قانون و قوانین موضوعه رفتار خواهد شد. ماده ۷ ـ کلیه اموال و وجوه موضوع قاچاق و کلیه اموالی که از طریق تخلفات مزبور به دست آمده و یا برای ارتکاب آن تخلفات مورد استفاده باشد (اعم از منقول و غیر منقول پس از تعیین تکلیف قطعی مطابق آیین نامه‌ای که به تصویب هیات وزیران می‌رسد فروخته و ۵۰٪ از وجوه حاصل از اجرای قانون مزبور برای کاشفین و سازمانهای کاشف (بر طبق قانون و ۴۰٪ به حساب خزانه دولتو ۱۰٪ نیز به امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز اختصاص خواهد یافت وجوه حاصل از فروش اموال مزبور و نیز جریمه‌های نقدی که محکومین تخلفات اقتصادی پرداخت می‌نمایند به حساب ویژه موضوع تبصره (۵) ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی واریز می‌شود. نحوه و موارد مصرف وجوه فوق از جمله هزینه‌های جاری عملیاتی مبارزه با قاچاق ارز و کالا و تامین هزینه‌های جاری برای فروش کالاهای مکشوفه و نیز حق الکشف مامورین و سازمانهای کاشف و رد قیمت یا اموالی که به حکم محکمه برائت گرفته‌اند توسط هیات وزیران تعیین می گردد. ماده ۸ ـ اجرای این قانون شامل کلیه

مبادی ورودی و خروجی کشور ، اعم از عادی و ویژه (نیروهای مسلح) خواهد بود. ماده ۹ ـ مفاد این قانون شامل کلیه پرونده‌های موجود نیز می‌باشد. ماده ۱۰ ـ از تاریخ لازم الاجرا شدن قانون فوق ، کلیه قوانین مغایر این قانون لغو می‌شود. قانون فوق مشتمل بر ده ماده و دو تبصره در اجرای بند هشتم اصل یکصد و دهم قانون اساسی درجلسه فوق العاده روز سه شنبه مورخ دوازدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و چهار مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح و به تصویب نهایی رسیده است

اصلاحیه آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز – مصوب ۱۱/۴/۱۳۷۹

۱ ـ تبصره زیر به ماده (۱۴) اضافه می گردد: تبصره ـ تحویل کالاهای موضوع این ماده به جز کالاهای سریع الفساد ، کالاهای انهدامی دارای مصرف ثانویه ، کالاهای سریع الاشتعال احشام و طیور به سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی و فروش آنها موکول به قطعیت ضبط و اعلام این امر از طرف اداره‌های اجرایی ذی ربط خواهد بود. ۲ ـ در ماده ۲۰ بعد از عبارت سازمان یاد شده عبارت (مکلف است با دریافت اعلام قطعیت و قابلیت فروش کالا از طرف اداره های اجرایی ذی ربط) اضافه می‌شود. معاون اول رئیس جمهور ـ محمدرضا عارف

اصلاحیه آئین نامه اجرائی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز – مصوب ۳/۴/۱۳۸۳

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۳/۴/۱۳۸۳ بنا به پیشنهاد شماره ۱۰۱۸۵۲ مورخ۱۶/۲/۱۳۸۲ وزارت صنایع و معادن و به استناد ماده (۷) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز ـ مصوب ۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام ـ تصویب نمود: متن ذیل به انتهای تبصره (۳) ماده(۲۰) آئین نامه اجرائی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالاـ و ارز، موضوع تصویب نامه شماره۱۳۸۹۹/ت۲۰۷۰۸هـ مورخ۱۱/۴/۱۳۷۹ و اصلاحات بعدی آن اضافه می گردد: (وجوه حاصل از فروش کالاهای قاچاق مکشوفه دخانی توسط شرکت دخانیات ایران طبق روال قبلی بعد از کسر ۱۰درصد حق العمل به حساب مربوط واریز خواهد شد.) معاون اول رییس جمهور ـ محمدرضا عارف

اصلاح ماده(۳۰) اصلاحی آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز – مص

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۷/۳/۱۳۸۳ به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده(۷) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز ـ مصوب ۱۳۷۴ـ مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب نمود: ۱ـ ماده(۳۰) اصلاحی آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالاـ و ارز ، موضوع تصویب نامه شماره ۳۳۵۷۸/ت۲۶۵۰۴هـ مورخ ۱۵/۷/۱۳۸۱ به شرح زیر اصلاح می شود: ماده۳۰ـ به منظور سیاستگذاری، برنامه ریزی، هماهنگی و نظارت در حوزه امور اجرایی مبارزه با قاچاق کالا و ارز ، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز با مسئولیت نماینده ویژه رئیس جمهور و متشکل از معاونان (نمایندگان تام الاختیار) وزرای کشور ، اطلاعات ، امور اقتصادی و دارایی ، بازرگانی ، راه و ترابری ، صنایع و معادن ، جهاد کشاورزی ، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح ، نماینده یا نمایندگان تام الاختیار رئیس قوه قضاییه و فرمانده نیروی انتظامی ، رییس سازمان تعزیرات حکومتی ، رییس کل گمرک جمهوری اسلامی ایران ، قائم مقام رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و معاون ذی ربط سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تشکیل می گردد. در صورت لزوم از سایر دستگاهها و کارشناسان امر حسب مورد دعوت خواهدشد. تبصره ۱ـ اختیارات و وظایفی که در امر قاچاق در قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز و سایر قوانین بر عهده هیئت وزیران محول شده (از جمله ساماندهی مبادلات تجاری ، تنظیم بازار کالا و ساماندهی شبکه های توزیع در حدودی که مربوط به مبارزه با قاچاق می گردد) در آن قسمت که مستلزم صدور

تصویب نامه یا وضع آیین نامه و اساسنامه باشد براساس اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی به کمیسیونی مرکب از وزرای وزارتخانه های مندرج در این ماده تفویض می گردد تا نسبت به پیشنهادهای ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق که به تایید نماینده ویژه رئیس جمهور در مبارزه با قاچاق رسیده است، تصمیم گیری نمایند. وزیر کشور و نماینده ویژه رئیس جمهور به ترتیب، ریاست کمیسیون یادشده و دبیری آن را به عهده خواهند داشت. ملاک تصویب کمیسیون یادشده موافقت اکثریت وزرای عضو می باشد ومصوبات آن پس از تایید رییس جمهور با رعایت ماده (۱۹) آیین نامه داخلی هیئت دولت قابل صدور خواهد بود. اتخاذ سایر تصمیمات در موضوعات یاد شده، با استفاده از اختیارات رییس جمهور و هیئت وزیران برعهده نماینده ویژه رییس جمهور در مبارزه با قاچاق خواهد بود. تبصره۲ـ نماینده ویژه رییس جمهور در امر مبارزه با قاچاق برای اتخاذ تصمیمات اجرایی موضوع ماده(۳۰) این آیین نامه و قسمت اخیر تبصره (۱) آن مراتب را در ستاد موضوع ماده (۳۰) مطرح می نماید و در نهایت جمع بندی نماینده ویژه ملاک تنظیم متن تصمیمات مزبور خواهد بود. تبصره۳ـ ستاد وکمیسیون موضوع تبصره (۱)، دارای دبیرخانه واحدی خواهند بود که در نهاد ریاست جمهوری مستقر است. تبصره۴ـ کمیسیون مبارزه با قاچاق در استانها به ریاست استاندار یا معاون سیاسی و امنیتی وی و با عضویت فرمانده ناحیه انتظامی، رییس کل دادگستری، مدیرکل اطلاعات و مدیران کل یا روسای سازمانهای بازرگانی، صنایع و معادن، جهادکشاورزی، حمل و نقل و پایانه ها و تعزیرات حکومتی و ناظر گمرکات استان تشکیل می گردد. ۲ـ ماده(۳۱) آیین نامه اجرایی قانون یادشده، موضوع تصویب نامه شماره ۱۳۸۹۹/ت۲۰۷۰۸هـ مورخ ۱۱/۴/۱۳۷۹ به شرح زیر اصلاح می شود: ماده۳۱ـ نماینده ویژه رییس جمهور مسئول امر مبارزه با قاچاق کالاـ و ارز می باشد. ۳ـ عبارت (وزیرکشور) در آیین نامه یاد شده و اصلاحات بعدی آن به (نماینده ویژه رییس جمهور در مبارزه با قاچاق) اصلاح می شود. معاون اول رئیس جمهور ـ محمدرضا عارف

اصلاح تبصره (۳) ماده (۲۰) آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۹/۳/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۱۰۱۶۴۱۸ مورخ ۱۲/۱۲/۱۳۸۳ وزارت صنایع و معادن و به استناد ماده (۷) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز ـ مصوب ۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام ـ تصویب نمود: ۱ـ متن زیر به انتهای تبصره (۳) ماده (۲۰) آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز، موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۳۸۹۹/ت۲۰۷۰۸هـ مورخ ۱۱/۴/۱۳۷۹ و اصلاحات بعدی آن اضافه می‌شود: « ده درصد (۱۰٪) از وجوه حاصل از فروش کالاهای قاچاق مکشوفه دخانی جهت مبارزه با قاچاق کالاهای یادشده به شرکت دخانیات ایران اختصاص یافته و بقیه به حساب مربوط و در جهت اجرای مفاد ماده ۷) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز واریز خواهد شد.» ۲ـ تصویب‌نامه شماره ۶۵۸۴۸ /ت۳۲۱۹۰هـ مورخ ۱۲/۱۱/۱۳۸۳ لغو می گردد. معاون اول رئیسجمهور ـ محمدرضا عارف

اصلاح ماده (۳۰) اصلاحی آیینامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز – م

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۵/۵/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۴۵۶۰/۸۳/۱۱۰ مورخ ۹/۱۲/۱۳۸۳ اتاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده (۷) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز ـ مصوب ۱۳۷۴ـ مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب نمود: در ماده (۳۰) اصلاحی آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالاـ و ارز ـ مصوب ۱۳۷۹ـ موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۳۹۴۰/ت۳۰۸۲۷هـ مورخ ۲۰/۳/۱۳۸۳، رییس اتاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران به ترکیب اعضای ستاد مرکزی مبارزه با

قاچاق کالاـ و ارز و رؤسای اتاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران در استانها به ترکیب کمیسیون مبارزه با قاچاق در استانها اضافه می‌شوند. معاون اول رئیسجمهور ـ محمدرضا عارف

اصلاح ماده (۳۰) اصلاحی آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز

وزرای عضو کمیسیون لوایح هیئت‌دولت، در جلسه مورخ۱۳۸۶/۱۰/۳۰ بنا به پیشنهاد شماره ۵۴۱۶/۲۹/س مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۶ ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و به‌استناد اصل یکصدوسی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده (۷) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع‌به قاچـاق کالاـ و ارز ـ مصوب ۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام ـ و با رعایت تصویب‌نامه شماره ۱۶۴۰۸۲/ت۳۷۳هـ مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۰ تصویب نمودند: وزارت دادگستری ـ وزارت کشور ۱ـ ماده (۳۰) اصلاحی آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالاـ و ارز، موضـوع تصـویب‌نامه شماره ۱۳۹۴۰/ت۳۰۸۲۷هـ مورخ ۱۳۸۳/۳/۲۰ به‌شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده۳۰ـ به منظور سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، هماهنگی و نظارت در حوزه امور اجرایی مبارزه با قاچاق کالاـ و ارز، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز با مسئولیت نماینده ویژه رییس‌جمهور و متشکل از معاونان وزارت دادگستری، کشور، اطلاعات، امور اقتصادی و دارایی، بازرگانی، راه و ترابری، صنایع و معادن، جهاد کشاورزی، نفت، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح (به عنوان نمایندگان تام‌الاختیار وزیر مربوط)، نماینده تام‌الاختیار رییس قوه قضاییه، معاون سازمان بازرس کل کشور، فرمانده نیروی انتظامی، رییس سازمان تعزیرات حکومتی، رییس کل گمرک جمهوری اسلامی ایران، قائم‌مقام رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نماینده معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس‌جمهور، رییس مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، معاون ذی‌ربط سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و رؤسای اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و اتاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می گردد. در صورت لزوم از سایر دستگاه‌ها و کارشناسان امر حسب مورد دعوت خواهد شد. تبصره۱ـ اختیارات و وظایفی که در امر مبارزه با قاچاق در قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع‌به قاچاق کالاـ و ارز و سایر قوانین مربوط بر عهده هیئت‌وزیران محول شده (از جمله ساماندهی مبادلات تجاری، تنظیم و انضباط بازار کالاـ و ساماندهی شبکه‌های توزیع در حدودی که مربوط به مبارزه با قاچاق می گردد) در آن قسمت که مستلزم صدور تصویب‌نامه یا وضع آیین‌نامه و اساسنامه باشد، براساس اصل یکصدو سی و هشتم قانون اساسی به کمیسیون مرکب از وزرای وزارتخانه‌های مندرج در این ماده تفویض می گردد تا نسبت به پیشنهادهای ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز که به‌تأیید نماینده ویژه رییس جمهور در ستاد یادشده رسیده‌است، تصمیم گیری نمایند. آقای غلامحسین الهام (وزیر دادگستری و نماینده ویژه رییس‌جمهور) ریاست کمیسیون یادشده را به عهده خواهدداشت. ملاک تصویب مصوبات کمیسیون یادشده موافقت اکثریت وزرای عضو می‌باشد و مصوبات آن پس از تأیید رییس‌جمهور با رعایت ماده (۱۹) آیین‌نامه داخلی هیئت دولت قابل صدور خواهدبود. اتخاذ سایر تصمیمات در موضوعات یادشده، با استفاده از اختیارات رییس‌جمهور و هیئت وزیران بر عهده نماینده ویژه رییس‌جمهور در ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز خواهدبود. تبصره۲ـ نماینده ویژه رییس‌جمهور در ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، برای اتخاذ تصمیمات اجرایی موضوع ماده (۳۰) این آیین‌نامه و قسمت اخیر تبصره (۱) آن مراتب را در ستاد موضوع ماده (۳۰) مطرح می‌نماید و در نهایت جمع‌بندی نماینده ویژه ملاک تنظیم متن تصمیمات مزبور خواهدبود. تبصره۳ـ ستاد و کمیسیون موضوع تبصره (۱) این ماده، دارای دبیرخانه واحدی خواهندبود که در نهاد ریاست جمهوری مستقر است. دبیر ستاد که توسط رییس ستاد از میان افراد واجد صلاحیت انتخاب خواهد شد، دبیر کمیسیون مذکور نیز خواهدبود. تبصره۴ـ کمیسیون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در استان‌ها به ریاست استاندار یا معاون سیاسی و امنیتی وی و با عضویت فرمانده ناحیه انتظامی، رییس کل دادگستری، مدیرکل اطلاعات و مدیران کل یا رؤسای سازمان‌های بازرگانی، صنایع و معادن، جهاد

کشاورزی، مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، صدا و سیما، راهداری و حمل و نقل جاده‌ای، تعزیرات حکومتی، ناظر گمرکات استان، یکی از روسای دانشگاه‌های علوم پزشکی در استان‌ها به انتخاب وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و نماینده یکی از سازمان‌های وابسته به وزارت نفت در استان به انتخاب وزیر نفت تشکیل می گردد. ۲ـ از نماینده ویژه رییس‌جمهور در ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز در موضوعات مرتبط در کمیسیون اقتصاد دولت و کمیسیون‌های تخصصی آن دعوت به عمل آید. ۳ـ ماده (۳۱) آیین‌نامه اجرایی قانون یادشده، موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۳۹۴۰/ت۳۰۸۲۷هـ مورخ ۲۰/۳/۱۳۸۳ به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده۳۱ـ نماینده ویژه رییس‌جمهور در ستاد، مسئول امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز می‌باشد. ۴ـ عبارت « وزیر کشور» در آیین‌نامه یاد شده و اصلاحات بعدی آن به « نماینده ویژه رییس‌جمهور در ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز» اصلاح می‌شود. این تصویب‌نامه در تاریخ ۵/۱/۱۳۸۷ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده‌است.

۴- پزشکی و بهداشتی

قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی – مصوب تیرماه ۱۳۴۶ با اصلاحات بعدی (ماده ۱ تا ۱۸)

مصوب تیرماه ۱۳۴۶ با اصلاحات بعدی ماده ۱ ـ مرتکب هریک از اعمال زیر در مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی به مجازاتهای مقرر در این قانون محکوم خواهد شد: ۱ ـ عرضه یا فروش جنسی به جای جنس دیگر. ۲ ـ مخلوط کردن مواد خارجی به جنس به منظور سو استفاده ۳ ـ عدم رعایت استاندارد یا فرمول ثبت شده در مواردی که تعیین فرمول و رعایت آن و همچنین تعیین استاندارد و رعایت آن الزامی باشد. ۴ ـ فروش و عرضه جنس فاسد و یا فروش و عرضه جنسی که موعد مصرف آن گذشته باشد. ۵ ـ به کار بردن رنگها و اسانسها و سایر مواد اضافی غیر مجاز در مواد خوردنی یا آشامیدنی یا آرایشی یا بهداشتی و یا لوازم بازی کودکان ۶ ـ (الحاقی ـ ساختن مواد تقلبی خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی ماده ۲ ـ (اصلاحی ـ ارتکاب هریک از اعمال مذکور در ماده یک حسب مورد مستوجب یکی ازمجازاتهای زیر خواهد بود: ۱ ـ در مواردی که مواد مذکور در ماده یک به دست مصرف‌کننده نرسیده یا اینکه مصرف آن موجب بیماری یا آسیبی نگردد مجازات مرتکب سه ماه تا یک سال حبس جنحه‌ای خواهد بود ولی در هرحال سازنده یا تهیه‌کننده یا مخلوط کننده مواد تقلبی به حبس جنایی درجه ۲ از دو تا پنج سال محکوم خواهد شد. ۲ ـ در صورتی که مصرف مواد مذکور موجب بیماری مصرف‌کننده یا آسیبی گردد که معالجه آن‌کمتر از یک ماه باشد مجازات مرتکب شش ماه تا دو سال حبس جنحه ای خواهد بود و هرگاه مدت معالجه بیشتر از یک ماه باشد مجازات مرتکب یک سال تا سه سال حبس جنحه‌ای است و در هردو مورد سازنده یا تهیه‌کننده یا مخلوط کننده مواد تقلبی به حبس جنایی درجه یک از سه سال تا ده سال محکوم خواهد شد. ۳ ـ در صورتی که مصرف مواد مذکور موجب نقص یکی از اعضای مصرف کننده گردد مجازات مرتکب با توجه به میزان نقص سه تا ده سال حبس جنایی درجه یک است و در این موارد سازنده یا تهیه کننده یا مخلوط کننده مواد تقلبی به حبس جنایی درجه یک از پنج سال تا پانزده سال محکوم می‌شود. ۴ ـ در صورتی که مصرف مواد بهداشتی یا آرایشی موجب نقص زیبایی یا کراهت منظر شودمجازات مرتکب با توجه به میزان نقص یا کراهت یک تا سه سال حبس جنحه‌ای خواهد بود و دراین مورد سازنده یا تهیه‌کننده یا مخلوط کننده آن با مواد خارجی به حبس جنایی درجه دو از دو سال تا ده سال محکوم خواهد شد. ماده ۳ ـ (اصلاحی ـ در صورتی که مصرف مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی منجربه فوت مصرف کننده گردد مجازات سازنده یا تهیه کننده یا مخلوط کننده اعدام است و در سایر مواردمذکور در ماده یک در صورتی که منجر به فوت شود مجازات مرتکب سه سال تا پانزده سال حبس‌جنایی درجه یک است تبصره ۱ ـ (الحاقی ـ مرتکب هریک از جرایم مذکور در این ماده و ماده ۲ این قانون علاوه بر کیفر مقرر جز در مورد اعدام به پرداخت جزای نقدی از بیست

هزار ریال تا پانصد هزار ریال و محرومیت از اشتغال به کسب یا کار مربوط به مواد خوردنی یا آشامیدنی یا آرایشی یا بهداشتی از یک تا سه سال محکوم خواهد شد. تبصره ۲ ـ (الحاقی ـ در تمام موارد مذکور در این قانون هرگاه معلوم شود که مواد تقلبی با علم و اطلاع مدیر یا صاحب موسسه یا کارگاه ساخته یا تهیه یا با مواد خارجی مخلوط شده است اشخاص مذکور به همان مجازاتی که برای مباشر عمل مقرر است محکوم خواهند شد. ماده ۴ ـ در هر مورد که در مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی مواد سمی به حد غیرمجاز باشد دادگاه مرتکب را برحسب مورد به حداکثر مجازاتهای مذکور در ماده ۲ محکوم خواهدنمود. ماده ۵ ـ رقابت مکارانه در مورد مواد موضوع این قانون از طرف هرکس مشمول بند الف ماده ۲۴۴ قانون کیفر عمومی خواهد بود. ماده ۶ ـ هرگاه در نتیجه بی‌احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم مهارت تهیه کننده یا سازنده یا فروشنده یاعرضه کننده یا هریک از عاملین آنها مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی به صورتی درآید که مصرف آن موجب بیماری یا آسیبی گردد که معالجه آن کمتر از یک ماه باشد مجازات اشخاص مذکور برحسب مورد دو ماه تا شش ماه حبس جنحه‌ای خواهد بود و در صورتی که مدت معالجه زاید بر یک ماه باشد مرتکب به حداکثر مجازات حبس مذکور در این ماده و تادیه غرامت از پنج هزار تا پنجاه هزار ریال محکوم می‌شود. ماده ۷ ـ از تاریخ تصویب این قانون تاسیس هرگونه کارخانه یا کارگاه تهیه مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی منوط به تحصیل پروانه از وزارت بهداری در مورد کارخانه ها پروانه تاسیس نیز از وزارت اقتصاد است شرایط صدور پروانه و طرز کار و تولید و بهره برداری و اداره موسسات مزبور در آیین نامه‌ای که به وسیله وزارت بهداری تهیه می‌شود تعیین خواهد گردید. تبصره ـ مسوولیت فنی کارخانه‌های مواد خوردنی ـ آشامیدنی ـ آرایشی و بهداشتی به عهده افرادی خواهد بود که در فنون پزشکی ـ داروسازی ـ دام پزشکی ـ رشته های تغذیه ـ شیمی و علوم تجربی دارای درجه تحصیلی دانشگاهی از لیسانس به بالا باشند و باتوجه به رشته‌های مربوط (موادخوردنی ـ آشامیدنی ـ آرایشی و بهداشتی درجه تحصیلی رشته تخصصی و میزان تجربه لازم برای مسوولیت فنی موسسات فوق الذکر که به موجب آیین نامه ای که به وسیله وزارت بهداری تهیه می‌شود تعیین خواهد شد. ماده ۸ ـ وزارت بهداری جهت صدور پروانه ساخت هرنوع فرآورده که در کارخانجات تهیه می‌شودمبلغ پنج هزار ریال و جهت صدور پروانه ساخت هرنوع فرآورده هایی که در کارگاه های مشمول این قانون تهیه می‌شود مبلغ پانصد ریال دریافت خواهد داشت که منحصرا به مصرف تاسیس و توسعه و تکمیل آزمایشگاه های مواد غذایی خواهد رسید. تبصره ۱ ـ کارگاههایی که فرآورده‌های خود را با علامت و بسته بندی مشخص به صورت بازرگانی عرضه می‌کنند مشمول این قانون خواهند بود. تبصره ۲ ـ هریک از آزمایشگاههای ذی صلاحیت وابسته به وزارت بهداری مجازند از اشخاص حقیقی یا حقوقی که تقاضای آزمایش مواد یا محصولات خود را می‌نماید به موجب تعرفه‌ای که از طرف وزارت بهداری پیشنهاد و به تصویب کمیسیون های دارایی مجلسین خواهد رسید حق آزمایش دریافت نمایند. درآمدهای حاصل از اجرای این ماده در حسابی در خزانه کل متمرکز شده و در هریک از موسسات به‌مصرف توسعه و تکمیل همان موسسه خواهد رسید. تبصره ۳ ـ فهرست کارخانجات و کارگاههای مشمول این قانون از طرف وزارت بهداری تهیه و پس از تصویب کمیسیونهای بهداری مجلسین آگهی خواهد شد. ماده ۹ ـ تهیه‌کنندگان و سازندگان و واردکنندگان مواد خوردنی و آشامیدنی و بهداشتی و آرایشی که‌نوع موسسات آنها در آگهی وزارت بهداری قید خواهد شد و در تاریخ تصویب این قانون و آیین نامه های اجرایی آن مشغول به کار هستند مکلفند ظرف شش ماه از تاریخ انتشار آگهی تقاضای پروانه بهداشتی از وزارت بهداری بنمایند به تقاضاهای رسیده در کمیسیون فنی مرکب از سه نفر ازاشخاص صلاحیتدار به تعیین وزارت بهداری رسیدگی و ظرف شش ماه تصمیم کمیسیون بر رد یا قبول تقاضاها صادر خواهد شد. هرگاه در موعد مقرر تقاضای صدور پروانه نشود و یا کمیسیون تقاضای صاحب موسسه را رد نماید به دستور دادستان موسسه موقتا تعطیل خواهد گردید. از دستور مزبور تا ده روز پس از ابلاغ می‌توان به دادگاه شهرستان شکایت نمود و دادگاه خارج ازنوبت به شکایت رسیدگی کرده و رای می‌دهد رای مزبور قطعی است تبصره ـ آیین نامه های اجرایی مواد ۸ و ۹ به وسیله وزارت بهداری تهیه و پس

از تصویب کمیسیونهای بهداری مجلسین به مورد اجرا گذارده خواهد شد. ماده ۱۰ ـ رد تقاضای صدور پروانه مانع از آن نیست که صاحب موسسه با رعایت مقررات ماده ۷مجددا تقاضای صدور پروانه بهداشتی و ساختن بنماید. ماده ۱۱ ـ در موسسات داخلی که نوع آنها از طرف وزارت بهداری معین و صورت آن منتشر می گردد صاحبان آنها مکلفند طبق دستور وزارت بهداری مشخصات لازم را در مورد هرنوع فرآورده به خط فارسی خوانا روی بسته بندی یا ظرف محتوی جنس قید نمایند در مواردی که فرمول محصول با مواد ترکیبی طبق تقاضای سازنده فرمول بایستی محفوظ بماند باید فرمول محصول را قبلا به وزارت بهداری تسلیم و شماره پروانه آن را روی بسته‌بندی ذکر نماید. متخلفین از مقررات این ماده به پرداخت غرامت از پنج هزار تا بیست هزار ریال محکوم خواهد شد. ماده ۱۲ ـ وزارت بهداری مکلف است فهرست رنگها و اسانسها و سایر مواد مجاز قابل افزودن به مواد خوردنی یا آشامیدنی یا آرایشی یا بهداشتی و همچنین نوع جنس ظرف مورد استفاده در صنایع مواد خوردنی یا آشامیدنی و یا رنگهای مورد مصرف در اسباب بازی را آگهی نماید. افزودن موادی که در آگهی ذکر نشده باشد به مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی واسباب بازی بدون اجازه وزارت بهداری و همچنین به کار بردن مواد سمی به صورت و میزان غیرمجاز در سفید کردن و پاك کردن و شفاف کردن یا رنگ آمیزی ظروف غذایی یا پوشش و بسته بندی‌مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی ممنوع است و مجازات سازندگان یا تهیه کنندگان مواد موضوع این ماده در صورتی که مستلزم مجازات شدیدتری نباشد حبس جنحه‌ای از سه ماه تا یک سال خواهد بود. ماده ۱۳ ـ مقررات بهداشتی طبق آیین نامه‌ای از طرف وزارت بهداری تعیین و برای اطلاع عموم به وسایل مقتضی آگهی می‌شود. تخلف از مقررات بهداشتی مذکور مستوجب مجازات خلافی است که برطبق آیین‌نامه مصوب وزارت دادگستری و وزارت بهداری تعیین خواهد شد. مامورینی که از طرف وزارت بهداری یا موسسات مسوول دیگر برای نظارت در مواد خوردنی و آشامیدنی و بهداشتی تعیین می‌شوند مکلفند متخلفین از مقررات بهداشتی را با ذکر مورد تخلف با تنظیم گزارش به مسوول بهداشت محل معرفی نمایند. مسوول بهداشت محل در صورت تایید گزارش مامور نظارت متخلف را به دادگاه خلاف معرفی نموده و به مدیر موسسه نیز کتبا اخطار می‌نماید که در موعد مقرر که مدت آن در آیین‌نامه تعیین خواهد شد به رفع نواقص بهداشتی اقدام نماید. در صورتی که پس از انقضای مهلت مقرر نقایص مذکور رفع نشده باشد مامور نظارت مکلف است مراتب را به مسوول بهداشت محل مجددا گزارش دهد و مسوول مزبور پس از رسیدگی و تایید گزارش مامور نظارت ، محل تعیین شده را با دستور کتبی موقتا تعطیل می کند. ادامه کار در صورتی اجازه داده خواهد شد که صاحب یا مدیرمسوول موسسه مسوول بهداشت محل را از اجرای مقررات مطمین سازد. ماده ۱۴ ـ کلیه مواد تقلبی یا فاسد یا موادی که مدت مصرف آنها منقضی شده باشد بلافاصله پس از کشف ، توقیف می‌شود. هرگاه وزارت بهداری یا موسسات مسوول دیگر گواهی نمایند که مواد مکشوفه برای برخی از مصارف انسانی یا حیوانی یا صنعتی قابل استفاده است ولی نگاهداری آنها امکان ندارد مواد مکشوفه به دستور دادستان شهرستان به اطلاع صاحب کالا و با حضور نماینده دادستان شهرستان به فروش می‌رسد و وجوه حاصل تا ختم دادرسی و صدور حکم قطعی در صندوق دادگستری تودیع خواهد شد و هرگاه گواهی شود که مواد مکشوفه قابلیت مصرف انسانی یا حیوانی یا صنعتی ندارد فورا به دستور دادستان معدوم می‌شود. در کلیه موارد فوق و همچنین در مورد اسباب و ابزار و آلات جرم دادگاه طبق ماده ۵ قانون مجازات عمومی تعیین تکلیف می‌نماید و اگر قبلا به فروش رسیده باشد در مورد وجوه حاصل از فروش نیز تعیین تکلیف خواهد کرد. درآمد حاصل از اجرای این ماده به مصرف تاسیس و توسعه و تکمیل آزمایشگاههای تحقیق وکنترل مواد غذایی خواهد رسید. ماده ۱۵ ـ کسانی که مواد مذکور در ماده ۱۴ را خریداری می‌نمایند باید منحصرا برای مصارفی که ازطرف وزارت بهداری یا موسسات مسوول دیگر تعیین گردیده معامله نمایند یا بکار برند والا برحسب مورد به مجازاتهای مذکور در این قانون محکوم خواهند شد. ماده ۱۶ ـ از تاریخ تصویب این قانون ترخیص مواد غذایی یا بهداشتی یا آرایشی از گمرك به هرشکل و کیفیت به منظور بازرگانی یا تبلیغاتی با رعایت مقررات عمومی علاوه بر دارا بودن گواهی

بهداشتی و قابلیت مصرف از کشور مبدا مستلزم تحصیل پروانه ورود از وزارت بهداری است و واردکننده نیز مکلف است برای تحصیل پروانه مزبور فرمول مواد و همچنین موادی که برای نگاهداری به آنها اضافه شده به وزارت بهداری تسلیم نماید. ماده ۱۷ ـ کلیه جرایم مندرج در این قانون از جرایم عمومی محسوب است ماده ۱۸ ـ دولت مامور اجرای این قانون است

قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی کشور – مصوب تیرماه ۱۳۷۲ (ماده ۱ تا ۱۱)

مصوب تیرماه ۱۳۷۲ ماده ۱ ـ به منظور انجام وظایف مشروح زیر سازمان پزشکی قانونی کشور که در این قانون به اختصار سازمان نامیده می‌شود زیر نظر رییس قوه قضاییه تشکیل می گردد. ۱ ـ اظهار نظر در امور پزشکی قانونی و کارشناسی آن کالبد شکافی و انجام امور آزمایشگاهی و پاراکلینیکی به دستور مراجع ذی صلاح قضایی ۲ ـ پاسخ به استعلامات ادارات و سازمانهای وابسته به قوه قضاییه و سایر دستگاههای دولتی ۳ ـ اجرای برنامه‌های کارآموزی پزشکی قانونی و بررسی صلاحیت علمی داوطلبان خدمت پزشکی قانونی در سازمان ۴ ـ همکاری علمی و انجام امور آموزشی و پژوهشی مورد نیاز دانشگاهها که برای پیشبرد اهداف سازمان و دانشگاهها مفید می‌باشد. ۵ ـ تبادل اطلاعات علمی مورد نیاز با مراکز آموزشی و پژوهشی داخل و خارج کشور. تبصره ۱ ـ اظهار نظر پزشکی قانونی باید مستدل روشن و متضمن شرح مشهودات و معاینات مبتنی بر مدارک و ملاحظات علمی و آزمایشگاهی و با استفاده از روشهای جدید و نتیجه گیری کافی باشد. تبصره ۲ ـ متخلفین از انجام دستورهای مقامات ذیصلاح قضایی مشمول حکم مندرج در قسمتاخیر ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری خواهند بود. ماده ۲ ـ سازمان دارای استقلال مالی و اداری می‌باشد و بودجه سالانه آن ضمن بودجه کل کشور در ردیف جداگانه منظور می‌شود و طبق مقررات ، زیر نظر رییس سازمان به مصرف خواهد رسید. ماده ۳ ـ سازمان موظف است هزینه‌های خدمات پزشکی قانونی را بر اساس تعرفه هایی که به‌پیشنهاد سازمان به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد اخذ و به حساب در آمد عمومی کشور واریز نماید. همه ساله معادل درآمد واریزی مزبور از محل اعتباری که به همین منظور در قانون بودجه سال مربوط پیش بینی می‌شود در اختیار سازمان قرار خواهد گرفت تا جهت تجهیز مراکز پزشکی قانونی و امور تحقیقاتی و مطالعات پزشکی قانونی و انتشار مجله پزشکی به مصرف برسد. ماده ۴ ـ حقوق و مزایای پزشکان و کادر فنی سازمان حسب مورد معادل حقوق پزشکان و کادر فنی وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی خواهد بود. تبصره ۱ ـ کادر علمی و تحقیقاتی سازمان با تایید وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی مشمول مقررات استخدامی اعضای هیات علمی دانشگاه ها خواهند بود. تبصره ۲ ـ سایر کارکنان سازمان مشمول مقررات قانون استخدام کشوری می‌باشند. ماده ۵ ـ وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و دانشگاههای علوم پزشکی مکلفند با اعلام ضرورت سازمان به استفاده از خدمات پزشکی و پیراپزشکی افراد تابعه آنان فورا فرد مورد نیاز راپس از جلب رضایت او در مدت اعلامی سازمان به پزشکی قانونی مأمور نمایند. حق الزحمه فرد مورد نیاز در خارج از وقت اداری بر اساس تعرفه سازمان پرداخت می‌شود. تبصره ـ تعرفه پرداخت حق الزحمه پزشکان و پیراپزشکان مورد نیاز توسط رییس سازمان تهیه وبه تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد. ماده ۶ ـ رییس سازمان توسط رییس قوه قضاییه از میان پزشکان واجد صلاحیت تعیین و منصوب می گردد. ماده ۷ ـ تشکیلات سازمان توسط رییس سازمان پزشکی قانونی کشور تهیه می گردد و پس از تایید سازمان امور اداری و استخدامی کشور به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد. ماده ۸ ـ مشمولین قانون مربوط به خدمت پزشکان و پیراپزشکان مصوب ۳۰/۱/۱۳۶۷ که به خدمت سازمان در میایند در صورتی که حداقل مدت ده سال در مناطق غیر مجاز مذکور درقانون اصلاح موادی از قانون خدمت پزشکان و پیراپزشکان مصوب ۳۰/۱/۱۳۶۷ و حسب مورد مدت ۳تا ۵ سال در مناطق مجاز در سازمان خدمت نمایند از انجام خدمت موضوع قانون مزبور معاف خواهند بود. آیین نامه اجرایی این ماده توسط سازمان با همکاری وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی تدوین و به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید. ماده ۹ ـ به پزشکان ، دندان پزشکان ، داروسازان و متخصصان

علوم آزمایشگاهی (دارای دکترای حرفه ای) که به استخدام سازمان در میایند اجازه تاسیس مطب ، داروخانه و آزمایشگاه در شهر محل خدمت آنان داده خواهد شد و در صورت قطع رابطه استخدامی آنان با سازمان مشمول قانون اجازه تاسیس مطب مصوب ۱۳۶۲ و آیین نامه اجرایی آن خواهند بود. ماده ۱۰ ـ از تاریخ تصویب این قانون اموال غیر منقول متعلق به قوه قضاییه که مستقلا در اختیار پزشکی قانونی می‌باشد و کلیه اموال منقول مورد استفاده و کارکنان پزشکی قانونی و اداری شاغل در آن به سازمان منتقل می گردد. تبصره ـ اماکنی که مشترکا با دادگستری جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار گرفته تا تهیه مکان مستقل همچنان در اختیار آن سازمان خواهد بود. ماده ۱۱ ـ آیین نامه اجرایی این قانون ظرف ۶ ماه با هماهنگی سازمان ودادگستری جمهوری اسلامی ایران و وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید. قانون فوق مشتمل بر یازده ماده و شش تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و هفتم تیرماه یکهزار و سیصد و هفتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۳/۵/۱۳۷۲ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون راجع به اطبای خارجی – مصوب شهریورماه ۱۳۱۲ (ماده ۱ تا ۶)

مصوب شهریورماه ۱۳۱۲ ماده اول ـ دولت می‌تواند به اطبا و دواسازان و دندان سازان و قابله های اتباع خارجه اجازه بدهد که به شغل خود در ایران اشتغال ورزند مشروط بر اینکه علاوه بر دیپلم فراغ تحصیل از مدارسی که به موجب نظامنامه از طرف وزارت معارف معین خواهد شد مدارکی ارایه دهند که لااقل پنج سال اشتغال آنها را مستقلا به شغل طبابت مدلل دارد. ماده دوم ـ اداره کل صحیه برطبق نظامنامه ای که به تصویب وزارت داخله خواهد رسید جواز ومحل اشتغال داوطلب را در هر نقطه که صلاح باشد صادر و معین خواهد کرد. ماده سوم ـ اطبا و دواسازان و دندان سازان و قابله های اتباع خارجه که قبل از این تاریخ در ایران اشتغال به مشاغل خود داشته‌اند نیز مشمول این قانون و دو نظامنامه مزبور خواهند بود ولی مدت مذکور در ماده یک در مورد آنها لازم الرعایه نخواهد بود. ماده چهارم ـ هروقت هیات وزرا عده اطبا و دواسازان و دندان سازان و قابله های اتباع خارجه را در ایران کافی بداند وزارت معارف از رسیدگی به دیپلم یا شهادتنامه آنان خودداری کرده و وزارت داخله جواز اشتغال نخواهد داد. ماده پنجم ـ علاوه بر مالیات جواز طبابت که کلیه اطبا و دندان سازها و قابله ها می‌دهند از اطبا وجراحان خارجی مبلغ دو هزار ریال و از دواسازها و دندان‌سازها و قابله‌های خارجی مبلغ یک هزار ریال در موقع صدور مجوز مذکور در ماده دوم اخذ خواهد شد. ماده ششم ـ وزارت معارف و وزارت داخله مامور اجرای این قانون می‌باشند.

قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی

فصل اول ــ موسسات پزشکی (ماده ۱ تا ۵)

ماده ۱ ـ ایجاد هرنوع موسسه پزشکی نظیر بیمارستان ـ زایشگاه ـ تیمارستان ـ آسایشگاه ـ آزمایشگاه ـ پلی کلینیک ـ موسسات فیزیوتراپی و الکتروفیزیوتراپی ـ هیدروتراپی ـ لابراتوار ـ کارخانه‌های داروسازی ـ داروخانه ـ درمانگاه ـ بخش تزریقات و پانسمان ، به هر نام و عنوان باید با اجازه وزارت بهداری و اخذ پروانه مخصوص باشد. متصدیان موسسات مزبور ملزم به رعایت مقررات مذکور در آیین نامه های مربوط می‌باشند. تبصره ۱ ـ (الحاقی ـ برای هریک از وزارتخانه ها و موسسات و شرکتهای دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی به شرط داشتن مجوزهای قانونی توسط وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی با رعایت مقررات پروانه صادر خواهد شد. تبصره ۲ ـ (الحاقی ـ برای درمانگاهها و بیمارستانهای موضوع ماده ۱۰ قانون تشکیل وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی که به صورت خیریه درخواست تاسیس می‌شوند و به تشخیص و تایید وزارت بهداشت ، درمان و آموزش

پزشکی و پس از سپردن تعهد مبنی بر اینکه صرفا غیرانتفاعی بوده و ملتزم به رعایت تعرفه‌های خاص بر مبنای ضوابط مالی اداری و فنی مذکور در آیین نامه مصوب وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی گردند پروانه مخصوص صادر خواهدشد. پروانه موسسات مذکور در صورت تخلف از تعهد راسا توسط وزارت بهداشت ، درمان وآموزش پزشکی لغو خواهد شد. ماده ۲ ـ امور فنی موسسات مصرح در ماده فوق باید به وسیله کسانی که به نام مسوول فنی معرفی شده‌اند انجام گیرد و همچنین کسانی که زیر نظر مسوولین مزبور خدمت می‌نمایند باید واجد صلاحیت فنی و پروانه رسمی بوده و قبلا به وزارت بهداری معرفی شده باشند. تعویض و تغییرمسوولین فنی نیز باید با اطلاع وزارت بهداری باشد. ماده ۳ ـ هرکس بدون داشتن پروانه رسمی به امور پزشکی ، داروسازی ، دندان پزشکی ، آزمایشگاهی ، فیزیوتراپی و مامایی اشتغال ورزد یا بدون پروانه از وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی اقدام به تاسیس یکی از موسسات پزشکی مصرح در ماده (۱) نماید یا پروانه خود را به دیگری واگذار یا پروانه دیگری را مورد استفاده قرار دهد بلافاصله محل کار آنها توسط وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی تعطیل و به حبس تعزیری از شش ماه تا سه سال و پرداخت جریمه نقدی از پنج میلیون تا پنجاه میلیون ریال محکوم خواهد شد و در صورت تکرار به حبس ازدو تا ده سال و پرداخت جریمه از پنج میلیون تا صد میلیون ریال یا دو برابر قیمت داروهای مکشوفه (هرکدام که بیشتر باشد) محکوم خواهد شد. تبصره ۱ ـ واردات و صادرات و خرید و فروش دارو بدون اخذ مجوز از وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی جرم محسوب شده و مرتکب به مجازات مقرر در ماده (۳) محکوم و داروهای مکشوفه به نفع دولت ضبط خواهد شد. تبصره ۲ ـ در صورتی که هریک از مسوولین موضوع ماده (۳) و یا مسوولین مراکز ساخت تهیه ، توزیع و فروش دارو ، تجهیزات و ملزومات پزشکی مبادرت به خرید و فروش غیر قانونی مواردفوق نماید و یا از توزیع و ارایه خدمات خودداری و یا موجب اخلال در نظام توزیعی دارویی کشور شوند علاوه بر مجازات مقرر در ماده (۳) به محرومیت از اشتغال در امور دارویی محکوم خواهندشد. تبصره ۳ ـ کلیه فرآورده‌های تقویتی ، تحریک کننده ، ویتامین ها و غیره که فهرست آنها توسط وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی اعلام و منتشر می‌گردد جز اقلام دارویی است تبصره ۴ ـ در مواردی که موسس مرکز و موسسه پزشکی یک نفر باشد و شخص مزبور فوت نماید وراث او می‌توانند با ارایه گواهی تسلیم دادخواست حصر وراثت و معرفی یک نفر به عنوان مسوول فنی واجد شرایط دریافت پروانه به وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی درخواست صدور پروانه مسوولیت فنی موقت نمایند اعتبار این پروانه به مدت دو سال خواهد بود. وراث مکلفند ظرف مهلت یاد شده با ارایه دادنامه حصر وراثت نسبت به معرفی شخص واجد شرایط قانونی دریافت پروانه به عنوان موسس جدید اقدام کنند. در غیر این صورت موسسه توسط وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی تعطیل خواهد شد. تبصره ۵ ـ مجازات‌های مربوط به جرایم مرتبط با داروهای انسانی در این ماده در مورد داروهای دامی هم مجری خواهد بود. تبصره ۶ ـ به جرایم موضوع این قانون در دادگاه انقلاب اسلامی رسیدگی خواهد شد. ماده ۴ ـ هر موسسه پزشکی و دارویی که امور فنی آن به اتکای پروانه اشخاص ذی صلاحیت توسط افراد فاقد صلاحیت اداره شود از طرف وزارت بهداری تعطیل و صاحب پروانه برای بار اول‌تا یک سال و برای دفعات بعد هر دفعه تا دو سال حق افتتاح مجدد آن موسسه را حتی به نام دیگری نخواهد داشت و شخص یا اشخاص فاقد صلاحیت به مجازات مذکور در ماده ۳ محکوم خواهندشد. ماده ۵ ـ هیچ یک از موسسات پزشکی و دارویی و صاحبان فنون پزشکی و داروسازی و سایر موسسات مصرح در ماده اول این قانون حق انتشار آگهی تبلیغاتی که موجب گمراهی بیماران یامراجعین به آنها باشد و یا به تشخیص وزارت بهداری برخلاف اصول فنی و شئون پزشکی یا عفت عمومی باشد ندارند و استفاده از عناوین مجعول و خلاف حقیقت روی تابلو و سرنسخه و یا طرق دیگر و دادن وعده های فریبنده ندارند و همچنین دخل و تصرف و یا تغییر در نسخه پزشکی به هرصورت که باشد بدون اجازه خود پزشک از طرف داروساز ممنوع می‌باشد. متخلفین برای بار اول به پرداخت پنج هزار ریال تا بیست هزار ریال دفعات بعد هر دفعه از بیست هزار ریال تا ۵۰ هزار ریال‌جزای نقدی و یا به حبس جنحه‌ای از یک ماه تا چهار ماه و یا به هر دو مجازات محکوم

خواهندشد. تبصره ۱ ـ دخالت داروسازان در امور مختص به طبابت جز در مورد کمکهای نخستین قبل از رسیدن پزشک مشمول ماده ۳ این قانون خواهد شد. تبصره ۲ ـ هریک از متصدیان امور دارویی و یا داروخانه‌ها که مبادرت به تبدیل تاریخ مصرف دارو یا افزایش قیمت رسمی و یا تخلف در نرخ گذاری نسخه برآیند با رعایت شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب به پرداخت جزای نقدی از ده هزار ریال تا یک میلیون ریال و یا به سه ماه تا شش ماه حبس محکوم خواهند شد. چنانچه سو استفاده بیش از یک میلیون ریال باشد جزای نقدی مرتکب دو برابر میزان سو استفاده خواهد بود. تبصره ۳ ـ ارایه داروی هم فرمول از نظر مواد موثره به جای داروی تجویز شده در نسخه پزشک دخل و تصرف یا تغییر در نسخه پزشکی محسوب نمی‌شود لکن ارایه داروی غیر هم فرمول از نظر مواد موثره به جای داروی تجویز شده در نسخه پزشک دخل و تصرف یا تغییر در نسخه پزشکی محسوب و قابل تعقیب است مرجع تشخیص مواد موثره داروهای فوق الذکر وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد.

فصل دوم ـ آزمایشگاه تشخیص (ماده ۶ الی ۹)

ماده ۶ ـ کسانی می‌توانند متصدی آزمایشگاه تشخیص طبی برای یک یا چند رشته گردند که دکتر در پزشکی یا داروسازی یا دامپزشکی و یا علوم شیمی و یا بیولوژی بوده و به علاوه دارای گواهینامه دوره تکمیلی آزمایشگاهی از دانشکده‌های پزشکی یا گواهینامه رسمی تخصصی در امور آزمایشگاهی از کشورهای خارجه که به تصدیق مراجع صلاحیتدار رسیده باشد. تبصره ۱ ـ حداقل دو نفر از دارندگان مدارک علوم آزمایشگاهی بالینی با درجه دکترا یا پی ـ اچ ـ دی (در علوم آزمایشگاهی) یا تخصصی در رشته‌های ۱ ـ بیوشیمی ۲ ـ پاتوبیولوژی (قارچ شناسی یا میکرب شناسی یا انگل شناسی ۳ ـ ایمنولوژی (ایمن شناسی یا سرم‌شناسی ۴ ـ خون‌شناسی (هماتولوژی می‌توانند اقدام به تصدی فنی آزمایشگاه گروهی در رشته مربوط به خود نمایند بدیهی است برای تصدی فنی آزمایشگاه تشخیص طبی عمومی مشارکت هر چهار رشته فوق ضروری می‌باشد. تبصره ۲ ـ (اصلاحی ۲۳/۱/۶۷) ـ افرادی که دارای دکترای گروه پزشکی در رشته‌های پزشکی ، داروسازی ، دامپزشکی بوده و مدرک آنها مورد تایید وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد و دارای تخصص در یک رشته آزمایشگاهی یا افرادی که دارای پی اچ دی در یکی از رشته‌های علوم آزمایشگاهی بالینی بوده و فاقد تخصص در بقیه رشته های آزمایشگاهی بالینی هستند رشته‌های کمبود را در کلاسهایی که در دانشگاه علوم پزشکی تهران یا سایر دانشگاههای علوم پزشکی که امکان دارند می‌گذرانند و پس از انجام کارآموزی بیمارستانی و قبول شدن در آزمون تخصصی مجاز به تصدی فنی آزمایشگاه تشخیص طبی خواهند بود. آیین نامه کلاسها و کارآموزی و نحوه تامین بودجه آن را وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی معین می‌کند. تبصره ۳ ـ دارندگان مدارک تحصیلی ذکر شده در تبصره یک در مورد رشته‌های محدود نظیر ویروس شناسی یا هورمون شناسی با تصویب کمیسیون قانونی آزمایشگاهها می‌توانند اقدام به تصدی فنی آزمایشگاه تک رشته‌ای مربوط نمایند. تبصره ۴ ـ در شهرستانهایی که متصدی فنی آزمایشگاه گروهی به علت عدم حضور افراد ذکر شده در این قانون موجود نباشد طبق مقررات می‌توانند (فقط برای همان رشته مورد درخواست اجازه تصدی فنی آزمایشگاه تک رشته‌ای دریافت نمایند. تبصره ۵ ـ برای تصدی فنی آزمایشگاه آسیب‌شناسی تشریحی متقاضی باید علاوه بر داشتن دکترا در پزشکی دارای دیپلم تخصصی در رشته مزبور باشد ضمنا کسانی که دارای مدارک تحصیلی مشترک رشته علوم آزمایشگاهی بالینی و آسیب شناسی می‌باشند می‌توانند مستقلا برای تصدی فنی آزمایشگاه در رشته های تخصصی اقدام نمایند. تبصره ۶ ـ وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی موظف است لیست آزمایشاتی که هریک از متخصصین شاغل در آزمایشگاه تشخیص طبی صلاحیت انجام آن را دارند به تفکیک مشخص نموده و متخصصین مذکور در صورتی که مبادرت به انجام آزمایشاتی نمایند که در صلاحیت آنها نباشد متخلف محسوب می‌شوند و دادگاه به مجازات مذکور در تبصره ۲ ماده ۵ علیه آنها رای‌می‌دهد. ماده ۷ ـ دارندگان آزمایشگاه نمی‌توانند غیر از رشته ای که

پروانه برای آن صادر گردیده به انجام آزمایشهای دیگری مبادرت ورزند مگر اینکه برای رشته‌های دیگر نیز تحصیل پروانه نموده باشند به هر حال یک نفر نمی‌تواند مسولیت بیش از یک آزمایشگاه را عهده‌دار باشد. ماده ۸ ـ دارندگان آزمایشگاهها نمی‌توانند اقدام به خرید و فروش خون نموده و یا محصولاتی که عناصر اصلی آن از میکرب یا سرم یا خون است ساخته و به فروش رسانند مگر با اجازه مخصوص وزارت بهداری ماده ۹ ـ متخلفین از مواد ۶ ـ ۷ ـ ۸ برای بار اول به پنج هزار ریال تا پنجاه هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد و برای دفعه دوم علاوه بر پرداخت جریمه نقدی موسسه مربوط نیز تعطیل‌خواهد شد.

فصل سوم ــ مقررات مربوط به اشتغال پزشکان بیگانه (ماده ۱۰ تا ۱۲)

ماده ۱۰ ـ اشتغال پزشکان بیگانه به هر نام و هر نوع کار فنی از هر حیث تابع مقررات قانون طبابت اتباع بیگانه مصوب شهریورماه ۱۳۱۲ و مستلزم داشتن پروانه از وزارت بهداری می‌باشد و درصورت تخلف مشمول مجازات مصرح در ماده سه خواهد بود به علاوه از تاریخ تصویب این قانون کلیه موسسات اعم از دولتی و ملی باید وزارت بهداری را قبلا از استخدام پزشکان خارجی و شرایط استخدام آنها مطلع سازند. ماده ۱۱ ـ از تاریخ تصویب این لایحه صدور پروانه برای طبابت آزاد به نام پزشکان خارجی برای تهران و مراکز استانها ممنوع است ماده ۱۲ ـ پروانه های اشتغال به طبابت که برای پزشکان خارجی صادر شده و یا خواهد شد نهایت برای مدت پنج سال از تاریخ صدور معتبر بوده و پس از انقضای مدت مزبور صاحب پروانه باید تقاضای تجدید آن را بنماید. قبول این تقاضا در مورد طبابت آزاد برای وزارت بهداری الزامی نیست و متخلف از ادامه طبابت ممنوع خواهد شد. تبصره ـ پزشکان بیگانه به هیچ وجه حق دخالت در امور سیاسی ندارند و در صورت تخلف پروانه طبابت آنها فورا لغو و مطابق مقررات مربوطه تحت تعقیب قرار خواهند گرفت

فصل چهارم ــ شرایط ساخت و ورود دارو و فرآورده های بیولوژیک و فرآورده های آزمایشگاهی (ماده ۱۳ تا ۱۴)

ماده ۱۳ ـ عنوان داروی اختصاصی شامل داروهایی می‌شود که به طور ساده و یا از اختلاط یا ترکیب چند دارو در نتیجه ابداع شخص یا شخصیت حقوقی معینی به دست آمده و با فرمول و اسم ثابت و علامت صنعتی مخصوصی مشخص به نام ابداع کننده در کشور ایران و یا کشورهای خارجی به ثبت رسیده باشد. تبصره ۱ ـ برای ثبت اسامی و علایم تجارتی و صنعتی هرنوع دارو یا موسسات پزشکی و داروسازی و داروفروشی علاوه بر رعایت مقررات مربوط به ثبت علایم موافقت قبلی وزارت بهداری نیز برابر آیین نامه مخصوص ضروری است تبصره ۲ ـ عنوان داروهای ژنتیک به داروهایی اطلاق می‌شود که با نام شیمیایی یا عمومی (غیراختصاصی) که توسط وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی تایید می گردد نامیده شوند. تبصره ۳ ـ داروهای گیاهی به فرآورده هایی اطلاق می‌شود که در تهیه و ترکیب آنها کلا ـ یا اکثر آن ، از اجزا و یا عصاره های گیاهی استفاده شده باشد، تشخیص داروی گیاهی تایید اثر درمانی و تعیین یا تایید نام آن با وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی است تبصره ۴ ـ فرآورده‌های بیولوژیک به موادی اطلاق می‌شود که دارای منشا انسانی یا حیوانی بوده که برای تشخیص و پیشگیری و یا درمان بیماریها به کار می‌رود، تعیین نوع فرآورده های مذکور به عهده وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد. تبصره ۵ ـ فعالیت افراد موسسات و نمایندگی های شرکتهای دارویی و تجهیزات و ملزومات پزشکی ، دندان پزشکی مشمول آیین نامه ای خواهد بود که حداکثر ظرف مدت سه ماه تهیه و به تصویب وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی برسد. ماده ۱۴ ـ ورود هرنوع فرآورده بیولوژیک (نظیر سرم و واکسن و فرآورده های آزمایشگاهی و موادغذایی اطفال و هرنوع دارو و مواد اولیه دارویی و بسته بندی دارویی و قطعات و ماشین آلات مربوط به هر شکل و عنوان از خارج از کشور توسط بخش خصوصی و یا دولتی و نیز

ترخیص آنها از گمرک و همچنین ساخت هرنوع دارو یا فرآورده بیولوژیک و عرضه و فروش آنها در داخل کشور و یا صـدور آن به خارج از کشور مستلزم اجازه قبلی از وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و اخذ پروانه و یا مجوز لازم می‌باشد. تبصره ۱ ـ اعتبار پروانه ورود یا ساخت اقلام مذکور در این ماده ۴ سال است تقاضای تجدید پروانه باید شش ماه قبل از انقضای مدت به عمل آید چنانچه در طول مدت اعتبار پروانه ورود یا ساخت ، وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی ورود و یا تولید دارویی را غیر لازم و یا مضر به سلامت جامعه تشخیص دهد موظف است پروانه مربوط را با رای کمیسیون مذکور در ماده ۲۰ این قانون لغو نماید و میزان ورود و یا ساخت هریک از فرآورده‌های مذکور نیز منوط به موافقت قبلی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی است تبصره ۲ ـ ساخت و یا ورود هرنوع مواد و ملزومات مصرفی و تجهیزات پزشکی و دندانپزشکی و یا مواد اولیه و بسته بندی آنها که لیست آن از طرف وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی اعلام می‌گردد باید با اجازه قبلی و موافقت وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی انجام گیرد، ترخیص اقلام مذکور از گمرک نیز باید با کسب اجازه و از وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی باشد. تبصره ۳ ـ شرکتهای توزیع‌کننده انواع دارو و مواد بیولوژیک اعم از دولتی و غیر دولتی وخصوصی باید از وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی پروانه تاسیس اخذ نموده و با معرفی‌مسوول فنی واجد شرایط که صلاحیت آنها به تصویب کمیسیون قانونی مربوط در ماده ۲۰ این‌قانون خواهد رسید براساس آیین‌نامه مصوب وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی اقدام به‌توزیع دارو و مواد بیولوژیک در سطح کشور بنمایند. شرایط صلاحیت مسوول فنی مذکور در این تبصره عبارتند از: ۱ ـ داشتن دانشنامه دکترای داروسازی ۲ ـ نداشتن سو پیشینه کیفری موثر. ۳ ـ عدم اشتهار به فساد در حرفه مربوطه تبصره ۴ ـ چنانچه شرکتهای توزیع‌کننده داروهای فاسد یا داروهای با تاریخ مصرف کوتاه و یامنقضی شده که مخالف آیین‌نامه مصوب وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی باشد توزیع‌نمایند و یا دارویی را بیش از قیمت رسمی به فروش برسانند با رعایت شرایط و امکانات خاطی ودفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب شرکت مربوطه علاوه بر جبران خسارات وارده به پرداخت‌جریمه نقدی از یکصد هزار ریال تا یک میلیون ریال محکوم و پروانه مسوول فنی با توجه به رأی‌کمیسیون قانونی مربوطه از یک تا شش ماه به حالت تعلیق درخواهد آمد. تبصره ۵ ـ معرفی و ارایه اطلاعات علمی داروها و مواد بیولوژیک در سطح کشور با اجازه وزارت‌بهداشت درمان و آموزش پزشکی خواهد بود. آیین‌نامه اجرایی مربوط به تصویب وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی خواهد رسید. متخلف با رعایت شرایط و امکانات خاطی و دفعات ومراتب جرم و مراتب تادیب به پرداخت جزای نقدی از یکصد هزار تا ده میلیون ریال محکوم خواهدگردید. تبصره ۶ ـ وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی مکلف است تقاضای افراد یا موسساتی که‌داروی جدیدی را کشف یا ابداع می‌نمایند از طریق کمیسیون ساخت و ورود موضوع ماده ۲۰ این‌قانون رسیدگی و در صورت تایید و ضرورت تولید و ارایه آن با رعایت سایر مقررات پروانه لازم راصادر نماید کمیسیون مذکور و وزارت مزبور موظف به حفظ فرمول و اطلاعات داروی کشف شده‌از طرف متقاضی می‌باشد و اطلاعات مزبور فقط با اجازه کتبی متقاضی قابل انتقال به غیر می‌باشد. تبصره ۷ ـ داروساز مسوول فنی داروخانه می‌تواند داروهای دستوری تجویز شده در نسخه پزشک‌را بسازد و نیز داروی جالینوسی را با توجه به امکانات و شرایط لازم در داروخانه برای فرآورده‌هایی‌که ساخت آنها از طرف وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی در داروخانه مجاز است بسازدفهرست داروهای جالینوسی باید از طرف وزارت مذکور اعلام گردد. ماده ۱۵ ـ کسانی که بدون اجازه وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی مواد دارویی و یافرآورده‌های بیولوژیک مندرج در ماده ۱۴ را وارد نمایند و یا در داخل کشور بسازند با رعایت شرایطو امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب به حکم دادگاه مواد مذکور به نفع وزارت‌بهداشت درمان و آموزش پزشکی ضبط و در صورت لزوم معدوم و مرتکبین در مرحله اول به‌جزای نقدی از ۵۰۰ هزار تا ۵ میلیون ریال و در مرحله دوم از ۵ میلیون ریال تا ۱۰ میلیون ریال و درصورت تکرار علاوه بر لغو پروانه به حداکثر مجازات نقدی در مرحله دوم محکوم خواهند شد.(چنانچه واردکننده یا تولیدکننده غیر مجاز موسسه یا شرکت باشد) با

رعایت شرایط و امکانات‌خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب علاوه بر ضبط مواد به حکم دادگاه و در صورت لزوم‌معدوم نمودن آنها مدیرعامل موسسه یا شرکت در مرحلهٔ اول به جزای نقدی از ۵ میلیون تا ۱۰میلیون ریال و در مرحله دوم از ۱۰ تا ۱۵ میلیون ریال و در صورت تکرار علاوه بر حداکثر مجازات‌نقدی مرحله دوم به حبس از سه ماه تا شش ماه محکوم خواهد شد. ماده ۱۶ ـ سازندگان داروها و مواد بیولوژیک موضوع این فصل پس از تحصیل پروانه حق ندارندفرمول و ترکیب و شکل و یا بسته‌بندی دارو یا فرآورده بیولوژیک خود را قبل از کسب اجازه مجدداز وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی تغییر داده و یا دخل و تصرف در آن نمایند. در صورتارتکاب به حسب مورد به مجازات مذکور در ماده ۱۵ محکوم خواهند شد. ماده ۱۷ ـ کسانی که متقاضی تاسیس واحدهای تولید دارو و مواد بیولوژیک هستند باید شرایط زیررا دارا باشند: ۱ ـ داشتن مجوز از وزارتخانه‌های صنایع و بهداشت درمان و آموزش پزشکی ۲ ـ نداشتن سو پیشینه کیفری موثر. ۳ ـ معرفی متصدی فنی واجد شرایط زیر هنگام بهره‌برداری الف ـ داشتن دانشنامه دکترا یا دیپلم عالی داروسازی ب ـ داشتن پروانه داروسازی برای کشور جمهوری اسلامی ایران ج ـ نداشتن سو پیشینه کیفری موثر. د ـ اخذ تایید صلاحیت از کمیسیون قانونی ساخت و ورود ماده ۲۰ این قانون ماده ۱۸ ـ اشخاصی که در تهیه مواد دارویی به هر کیفیتی مرتکب تقلب شوند از قبیل آنکه جنسی رابه جای جنس دیگر قلمداد نمایند و یا آن را با مواد خارجی مخلوط سازند و همچنین با علم به فسادو تقلبی بودن آن مواد برای فروش آماده و یا عرضه بدارند و یا به فروش برسانند و یا دارویی را به‌جای داروی دیگر بدهند به مجازاتهای ذیل محکوم خواهند شد: الف ـ در صورتی که استعمال مواد دارویی منحصراً علت فوت باشد مجازات تهیه‌کننده اعدام استو در صورتی که یکی از علل فوت باشد مجازات تهیه‌کننده حبس دایم خواهد بود. ب ـ در صورتی که مواد مذکور منتهی به مرض دایم و یا فقدان و یا نقص یکی از حواس و یا اعضای‌مصرف‌کننده گردد مجازات تهیه‌کننده حبس دایم خواهد بود. ج ـ هرگاه استعمال مواد مزبور منتهی به صدمه‌ای گردد که معالجه آن کمتر از یک ماه باشد مجازات‌تهیه‌کننده یک سال تا سه سال حبس جنحه‌ای و هرگاه مدت معالجه بیشتر از یک ماه باشد دو سال‌تا ده سال حبس جنایی درجه دو خواهد بود. د ـ هرگاه مصرف مواد مزبور منتهی به صدمه‌ای نگردد مجازات تهیه‌کننده یک سال تا سه سال حبس‌جنحه‌ای خواهد بود. تبصره ـ در مورد بندهای الف ب ج د هریک از آماده‌کننده و عرضه‌دارنده و فروشنده به مجازات‌معادل همان جرم محکوم خواهد شد. ه ـ هرگاه داروی تقلبی آماده و عرضه شده و یا به فروش رسیده ولی مصرف نشده باشد مجازات‌هریک از تهیه‌کننده و عرضه‌دارنده و فروشنده از شش ماه تا دو سال حبس جنحه‌ای خواهد بود. و ـ هرکس داروی فاسد یا دارویی که مدت استعمال آن گذشته و یا دارویی را به جای داروی دیگر به‌فروش برساند و این عمل موجب بازماندن مصرف‌کننده از استعمال داروی اصلی باشد و در نتیجه‌معالجه نشدن منتهی به فوت گردد مجازات فروشنده حبس جنایی درجه دو از دو سال تا ده سال‌است و در صورتی که منتهی به فوت نگردد ولی منجر به مرض دایم یا فقدان و یا نقص یکی ازحواس و یا اعضای مصرف‌کننده گردد مجازات فروشنده یک سال تا سه سال حبس جنحه‌ای‌خواهد بود. ز ـ در صورتی که داروی تقلبی «سرم یا «واکسن یا «آنتی‌بیوتیک و یا مواد غذایی مخصوص‌کودکان باشد مرتکب به حداکثر مجازات‌های فوق محکوم خواهد شد. ح ـ در موارد فوق مرتکبین علاوه بر کیفرهای مذکور به جریمه نقدی از پنج هزار ریال تا یکصد وپنجاه هزار ریال و همچنین پرداخت کلیه خسارات وارده به مدعی خصوصی و محرومیت از اشتغال‌به کسب مواد دارویی محکوم خواهند شد. تبصره ۱ ـ تهیه‌کننده کسی است که خود تهیه و یا به دستور او داروی تقلبی ساخته می‌شود ومقصود از فروشنده متصدی مسوول است تبصره ۲ ـ کلیه کالاهای تقلبی پس از صدور حکم قطعی معدوم و کارگاهها و ابزار و اسباب و آلات‌تهیه مواد مزبور به نفع دولت ضبط خواهد شد. تبصره ۳ ـ تحقیقات متهمین مزبور به فوریت و محاکمه آنها خارج از نوبت به عمل می‌آید وبازپرس در صورت کشف داروی تقلبی مکلف است قرار توقیف متهم را صادر نماید و در موردمتهمین مشمول بندهای الف و ب متهم تا خاتمه بازپرسی در توقیف باقی خواهد ماند. حق‌اعتراض متهم به قرار توقیف خود طبق مقررات قانون آیین دادرسی کیفری محفوظ

می‌باشد. تبصره ۴ ـ هریک از مأمورین دولتی و یا شـهرداری و یا کسانی که برحسب وظیفه متصـدی مراقبت‌در مواد دارویی هسـتند در صورتی که از انجام وظیفه خودداری نماینـد و یا سـهل‌انگاری در انجام‌وظیفه نماینـد به انفصال موقت از یک ماه تا شـش ماه از خدمات محکوم خواهند شد در صورتی که‌ثابت شود اشـخاص فوق گزارشـی به قصد اضـرار بدهند که منتهی به بازداشت اشخاص شود درصورت برایت متهم و اثبات قصد اضرار علاوه بر جبران خسارات وارده به مدعی خصوصی به‌مجازات یک تا سه سال حبس جنحه‌ای محکوم خواهند شد. تبصـره ۵ ـ در صورتی که دادگـاه موجبـاتی برای تخفیف مجازات ملاحظه نموده در موردمجازاتهای جنـایی یک درجه و در سایر موارد فقط تا نصف مجازات می‌توانـد تخفیف دهـد. تبصـره ۶ ـ کلیه جرایم منـدرج در فـوق از جرایم عمومی محسوب و بدون شکایت مدعی‌خصوصی قابل تعقیب خواهد بود. ماده ۱۹ ـ مقررات ماده ۱۸ و تبصره‌های آن در مورد تهیه و فروش مواد خوردنی و آشامیـدنی تقلبی‌یا فاسـد بـا یـک درجه تخفیف در اصـل مجازاتهـا و با رعایت مقررات عمومی مربوط به بازداشت متهم‌جاری است تبصـره ۱ ـ رنگهایی که در مواد خوردنی و آشامیـدنی مصـرف می‌شود باید از نوع مخصوص مجازباشـد کـه فهرسـت آن از طرف وزارت بهـداری آگهی خواهـد شـد همچنین مـوادی که برای سـفیدگری ورنـگ‌آمیزی ظروف غـذایی و دارویی به کـار برده می‌شود بایـد از نوع خـالص و بـدون سـمّیت باشـدمتخلفین به حبس جنحه‌ای از شـش مـاه تا یک سال محکوم می‌شوند. تبصره ۲ ـ وزارت بهـداری و بهداری شـهرداریها مکلفند مراکزی که مواد دارویی و یا غذایی و یاآشامیدنی می‌سازند و یا می‌فروشند معاینه و در صورتی که مواد مزبور یا ظروف آنها موافق اصول‌بهداشتی نباشد به سازنده یا فروشنده اخطار نمایند که طبق اصول بهداشتی اقدام کنند. در صورت‌تخلف از دستور بهداری متخلف به حبس جنحه‌ای از یک ماه تا شش ماه محکوم خواهد شد ودادگاه ضـمن حکم خود طبق تقاضای بهداری یا بهداری شـهرداری دسـتور خواهد داد آنچه را که‌مخالف با دسـتورهای بهداشتی ساخته شده معدوم و یا ضبط نموده یا به مصرف معینی برسانند. ماده ۲۰ ـ به منظور رسیدگی به صلاحیت کسانی که می‌خواهند در موسـسات پزشـکی و داروسازی‌مصـرح در ماده یکم عهـده‌دار مسوولیت فنی گردنـد و یا تقاضای صدور یکی از پروانه‌های مربوط به‌این قـانون را بنماینـد و رسیـدگی به صـلاحیت ورود و سـاخت هرنوع دارو و مواد بیولوژیـک کمیسـیونهایی به نـام کمیسـیونهای تشـخیص مرکب از اعضـا زیر در وزارت بهـداشت درمـان و آموزش‌پزشـکی به ریـاست معـاون ذی ربط وزارت بهـداشت درمان و آموزش پزشـکی برحسب رشـته تشـکیل‌می‌گردد و رأی اکثریت قطعی خواهـد بود. بند ۱ ـ برای کلیه امور پزشکی از اعضـا هیأت علمی دانشـکده‌های پزشـکی یک نفر متخصـص داخلی‌و یکنفر متخصـص جراحی و یک نفر متخصـص رشته‌ای که موضوع آن در کمیسیون مطرح است به‌انتخاب و معرفی وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی و یک نفر پزشک به انتخاب رییس نظام‌پزشکی و یـک نفر از پزشـکان آزاد به دعوت وزارت بهـداشت درمـان و آموزش پزشـکی بنـد ۲ ـ برای سـاخت و ورود هرنـوع دارو و مـواد بیولوژیک ـ یک نفر داروشـناس (فارماکولوژیست از یکی از مراکز علمی به دعوت وزیر بهداشت درمان وآموزش پزشکی ـ دو نفر از اعضـای هیأت علمی دانشـکده‌های داروسازی به انتخاب اعضای هیأت علمی‌دانشـکده‌های داروسازی در صورت انتخاب اعضای هیأت علمی از شهرسـتانها به جای هریک یک‌نفر علی‌البدل از دانشـگاههای علوم پزشـکی مرکز انتخاب می‌شود که در غیاب عضو اصـلی حق رأی‌خواهـد داشت ـ یـک نفر دکتر داروسـاز شاغـل در صـنعت داروسازی یا یک نفر متخصـص در مواد بیولوژیک و یا یـک‌نفر گیاه‌شــناس برحسـب مـورد بـه دعـوت وزارت بهــداشت درمــان و آمـوزش پزشــکی ـ یـک نفر از اعضـای هیأت علمی دانشـکده‌های پزشـکی برحسـب مـورد به انتخـاب هیأت علمی‌دانشـکده‌های پزشـکی در صـورت انتخـاب اعضـای هیأت علمی از شهرسـتانها به جـای هریـک یـک نفرعلی‌البـدل از دانشـگاههای علوم پزشـکی مرکز انتخـاب می‌شود که در غیاب عضو اصـلی حق رأی‌خواهـد داشت ـ مدیرعامل شـرکت سـهامی دارویی کشور. ـ مدیرکل آزمایشـگاههای کنترل وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشـکی ـ مـدیرکل امور دارویی وزارت بهـداشت درمان و آموزش پزشـکی بنـد ۳ ـ برای امـور مربوط به داروخانه‌هـا و شـرکتهای توزیع‌کننـده دارو: ـ مـدیرکل امور دارویی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشـکی ـ مدیرعامل شـرکت سـهامی دارویی کشور. ـ

یک نفر داروساز ذی صلاح از شرکتهای توزیع‌کننده دارو به دعوت وزارت بهداشت درمان وآموزش پزشکی ـ یک نفر داروساز آزاد برحسب مورد به دعوت وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی ۴ ـ برای امور آزمایشگاهی رییس یا معاون بنگاه پاستور ـ رییس یا معاون بنگاه رازی ـ استادان‌کرسیهای میکرب‌شناسی ـ انگل‌شناسی ـ سرم‌شناسی ـ آسیب‌شناسی و شیمی بیولوژی دانشکده‌پزشکی تهران هریک از استادان برای رشته مخصوص به خود (یک نفر از مدیران آزمایشگاههای آزادبه دعوت وزارت بهداری . تبصره ۱ ـ در مواردی که یکی از استادان دانشگاه نتواند در کمیسیونهای فوق حضور یابد دانشیارمربوط به جای او انجام وظیفه خواهد نمود. تبصره ۲ ـ وزارت بهداری برای پاداش استادان و پزشکان و داروسازان آزاد و مشاورینی که به‌کمیسیونهای مربوط دعوت می‌نماید اعتبار لازم در بودجه خود منظور خواهد نمود. تبصره ۳ ـ قیمت‌گذاری هرنوع دارو و مواد بیولوژیک ساخت داخل کشور یا وارداتی توسط‌کمیسیونی مرکب از اعضای زیر تعیین می‌گردد: ـ معاونت امور دارویی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی ـ مدیرعامل شرکت سهامی دارویی کشور. ـ یک نفر داروساز در صنعت داروسازی یا یک نفر متخصص در مواد بیولوژیک و یا یک نفرگیاه‌شناس برحسب مورد به دعوت وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی ـ یک نفر نماینده وزارت بازرگانی به معرفی وزارت مذکور. ـ مدیرکل امور دارویی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی تبصره ۴ ـ در صورتی که موسسات مذکور در این قانون و همچنین موسسین آنها از ضوابط ومقررات و نرخهای مصوب وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی مذکور در آیین‌نامه‌های‌مربوط تخطی نمایند و یا فاقد صلاحیتهای مربوط تشخیص داده شوند وزارت بهداشت درمان وآموزش پزشکی مکلف است موضوع را در محاکم قضایی مطرح نماید. دادگاه پس از بررسی درصورت ثبوت تخلف با رعایت شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب‌پروانه تاسیس یا پروانه مسوولان فنی را موقتا یا به طور دایم لغو می‌نماید. «چنانچه متهم برای اولین‌بار مرتکب یکی از اعمال مذکور در مواد فوق شده باشد و دادستان درموارد غیر مهم تشخیص دهد با وعظ یا توبیخ یا تهدید یا اخذ تعهد، تادیب خواهد شد، با اعمال‌یکی از موارد تادیب فوق ، پرونده را بایگانی می‌نماید دادگاه نیز در صورت طرح پرونده در دادگاه‌حق اعمال مراتب بالا را به تشخیص خود دارد.» ماده ۲۱ ـ الف ـ وزارت بهداری موظف است برای هر پروانه که به موجب این قانون صادر می‌شوداز مبلغ ده هزار ریال تا پنجاه هزار ریال دریافت و به حساب خزانه‌داری کل نزد بانک مرکزی ایران‌واریز نماید. ب ـ سازمان برنامه و بودجه موظف است هرسال معادل مبلغ دریافتی سال قبل را در لایحه بودجه‌کل کشور ضمن ردیف خاص در وجه وزارت بهداری منظور نماید. پ ـ وزارت بهداری مکلف است مبلغ یاد شده را منحصراً به مصرف تشکیل تکمیل آزمایشگاههای‌کنترل دارو و مواد خوردنی و آشامیدنی برساند. ت ـ آیین‌نامه مربوط به دریافت وجه بابت هر پروانه مذکور در بند الف و همچنین نحوه اجرای این‌ماده بنا به پیشنهاد وزارت بهداری و تایید سازمان برنامه و بودجه وزارت امور اقتصادی و دارایی به‌تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. ماده ۲۲ ـ کسانی که تا قبل از تاریخ تصویب این قانون پروانه افتتاح یکی از موسسات پزشکی‌مصرح در ماده یک و یا پروانه ورود یا ساخت داروی اختصاصی از وزارت بهداری دریافت نموده‌اندمکلفند در ظرف مهلتی که بیشتر از سه ماه برای تهران و شش ماه برای شهرستانها نباشد و وزارت‌بهداری تعیین و اعلان خواهد کرد با رعایت مقررات این قانون تقاضای تجدید پروانه مزبور بنمایندبرای تجدید پروانه وجهی دریافت نخواهد شد. تبصره ـ اشخاصی که در موعد مقرر درخواست تجدید پروانه نموده‌اند مادام که از طرف وزارت‌بهداری تکلیف نهایی تعیین نشده می‌توانند از پروانه قبلی خود استفاده نمایند. ماده ۲۳ ـ از تاریخ تصویب این قانون ماده ۱۰ قانون طبابت مصوب ۱۲۹۰ و همچنین سایر قوانینی‌که با مواد این قانون مغایرت داشته باشد ملغی خواهد شد. ماده ۲۴ ـ وزارت بهداری مکلف است بلافاصله پس از تصویب این قانون آیین‌نامه‌های مربوطه راتهیه و به مورد اجرا بگذارد.

قانون مایه کوبی عمومی و اجباری – مصوب مهرماه ۱۳۲۲ (ماده ۱ تا ۴)

مصوب مهرماه ۱۳۲۲ ماده ۱ ـ وزارت بهداری مجاز است برای پیشگیری و مبارزه بر ضد امراض همه گیر در مواقع لازمه در نقاطی که مقتضی بداند مایه کوبی عمومی و اجباری را اعلان نماید. و همچنین وزارت بهداری مجاز است در مواقع شیوع بیماریهای واگیر و همه‌گیر مبتلایان را اجبارا منفرد و در بیمارستانهای مربوطه بستری و تحت معالجه قرار دهد و نیز وزارت بهداری مجاز است منازل بیماران فوق را مطابق اصول فنی ضدعفونی نموده و صاحبان منازل باید با مامورین بهداری در این باب مساعدت و همکاری نمایند. ماده ۲ ـ در نقاطی که به موجب ماده یکم مایه‌کوبی عمومی و اجباری از طرف وزارت بهداری اعلام می‌شود عموم ساکنین مکلف هستند مایه کوبی نمایند. تبصره ـ مایه کوبی عمومی و اجباری مجانی است و هیچ گونه تحمیلی نخواهد گردید. ماده ۳ ـ متخلفین از این قانون طبق ماده ۲۲ قانون طرز جلوگیری از بیماریهای آمیزشی و واگیردار مصوب خرداد ۱۳۲۰ مورد تعقیب و مجازات خواهند شد. ماده ۴ ـ آیین‌نامه اجرای این قانون از طرف وزارت بهداری تدوین و پس از تصویب هیات وزیران به موقع اجرا گذارده می‌شود.

قانون تشكيل سازمان نظام پزشكى جمهورى اسلامى ايران

فصل اول ــ تعريف ، اهداف (ماده ۱ تا ۲)

مصوب دی ماه ۱۳۷۴ فصل اول ـ تعریف ، اهداف : ماده ۱ ـ سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران که در این قانون سازمان نامیده می‌شود سازمانی است مستقل دارای شخصیت حقوقی که به منظور تحقق بخشیدن به اهداف و انجام وظایف مقرر در این قانون تشکیل می گردد. ماده ۲ ـ اهداف سازمان عبارتند از: ۱ ـ تلاش در جهت تحقق بخشیدن به ارزشهای عالیه اسلام در کلیه امور پزشکی ۲ ـ تلاش در جهت ارتقا سطح دانش پزشکی ۳ ـ تلاش در جهت حفظ و حمایت از حقوق بیماران در برابر شاغلان حرف پزشکی ۴ ـ حفظ و حمایت از حقوق صنفی شاغلان حرف پزشکی . ۵ ـ تلاش در جهت پیشبرد و اصلاح امور پزشکی ۶ ـ تلاش در جهت همکاری هر چه بیشتر شاغلین حرف پزشکی با دستگاههای اجرایی دولتی در رفع محرومیت های بهداشتی درمانی ۷ ـ تلاش در جهت حسن اجری موازین و مقررات و قوانین مربوط به امور پزشکی

فصل دوم ــ وظايف و اختيارات (ماده ۳)

ماده ۳ ـ وظایف و اختیارات سازمان با توجه به اهداف فوق به شرح زیر می‌باشد: ۱ ـ اظهار نظر مشورتی در تهیه و تدوین پیش نویس لوایح غیر فوری یا تصویبنامه ها، آیین نامه های مرتبط با امور پزشکی و پیراپزشکی و امور صنفی مربوط به مراجع ذی ربط ۲ ـ تنظیم دستورالعمل های تبلیغاتی و آگهی های دارویی و مواد خوراکی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی و امور پزشکی و اعلام به مراجع ذی ربط تبصره ـ سازمان نظام پزشکی موظف است حداکثر ظرف مدت پانزده روز از تاریخ وصول استعلامیه نظر خود را به مراجع ذی ربط اعلام نماید. ۳ ـ تدوین مقررات و ضوابط خاص صنفی مربوط به استاندارد کردن تابلوها و سرنسخه های موسسات پزشکی و پزشکان و شاغلان حرف پزشکی و وابسته پزشکی ۴ ـ همکاری در اجرای برنامه‌های بازآموزی و نوآموزی مستمر پزشکان ، دندان پزشکان ، داروسازان و متخصصین و دکترهای حرفه‌ای علوم آزمایشگاهی در جهت رشد و ارتقا دانش پزشکی منطبق با پیشرفتهای علمی روز به درخواست مراجع ذی ربط ۵ ـ صادر نمودن کارت عضویت برای اعضا سازمان موضوع این قانون ۶ ـ رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرف پزشکی که عنوان جرایم عمومی را نداشته باشد از طریق هیاتهای ذی ربط سازمان طبق مقررات مربوطه ۷ ـ همکاری با مراجع ذی صلاح در جهت رسیدگی به تخلفات غیر صنفی و جرایم شاغلین به حرف پزشکی و وابسته به پزشکی و اظهارنظر های کارشناسی مشورتی در این رابطه به مراجع ذی ربط ۸ ـ همکاری با مراجع

ذی صلاح در جهت حفظ احترام و شوون پزشکی در جامعه ۹ ـ همکاری با مراجع ذی ربط در جهت گسترش فعالیتهای علمی و تحقیقاتی و تتبعات پزشکی ۱۰ ـ اظهار نظر و مشارکت فعال به هنگام تعیین یا تجدیدنظر در تعرفه‌های خدمات بهداشتی و درمانی و همکاری با مراجع ذی صلاح در اجرای آن ۱۱ـ اظهار نظر و مشارکت فعال به هنگام تعیین و یا تجدید نظر در میزان مالیات و عوارض مشاغل موسسات و شاغلان حرف پزشکی و همکاری با مراجع ذی صلاح در وصول آنها. ۱۲ ـ انجام کلیه مسوولیتها ، وظایف و اختیاراتی که تا کنون در قوانین مختلف از سوی مجلس شورای اسلامی به سازمان نظام پزشکی محول گردیده است ۱۳ ـ همکاری با مراجع ذی ربط در ارائه خدمات امدادی ، بهداشتی ، درمانی به هنگام بروز حوادث و سوانح غیر مترقبه از طریق تشویق و بسیج اعضا سازمان ۱۴ ـ کمک به رفع مشکلات رفاهی و مالی شاغلان حرف پزشکی کم درآمد و خسارت دیده ازطریق صندوق تعاون و رفاه سازمان با پرداخت وام طبق آیین نامه ای که توسط سازمان تهیه می گردد. تبصره ـ اساسنامه‌های صندوق موضوع بند فوق توسط شورای عالی نظام پزشکی تهیه و اجرا خواهد شد.

فصل سوم ــ شرایط عضویت (ماده ۴)

ماده ۴ ـ کلیه اتباع ایرانی پزشک ، دندان پزشک دکتر داروساز و متخصصین و دکترای علوم آزمایشگاهی (حرفه ای و متخصص) تشخیص طبی و لیسانسیه های پروانه دار گروه پزشکی می‌توانند عضو سازمان باشند. تبصره ۱ ـ اعضا سازمان همه ساله مبلغی را به عنوان حق عضویت به سازمان پرداخت خواهند نمود. میزان و نحوه وصول حق عضویت اعضا مطابق دستورالعملی خواهد بود که توسط شورای عالی نظام پزشکی تهیه می گردد. تبصره ۲ ـ برای پرداختن به حرفه پزشکی پس از اخذ پروانه اشتغال ، عضویت در سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران الزامی است

فصل چهارم ــ ارکان و واحدهای تابعه (ماده ۵ تا ۱۴)

ماده ۵ ـ ارکان و واحدهای تابعه سازمان به شرح زیر می‌باشد: الف ـ ارکان ۱ ـ شورای عالی نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران که در این قانون شورای عالی خوانده می‌شود و دبیرخانه آن در سازمان مرکزی نظام پزشکی که در تهران است مستقر می‌باشد. ۲ ـ هیات های انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرف پزشکی و وابسته پزشکی ۳ ـ نظام پزشکی شهرستانها. ب ـ واحدهای تابعه ۱ ـ کمیسیونهای مشورتی ۲ ـ صندوق تعاون و رفاه ماده ۶ ـ اعضا شورای عالی عبارتند از: الف ـ بیست و دو نفر از کادر پزشکی به ترتیب ۱۲ نفر پزشک ۳ نفر دندان پزشک ۲ نفر از دکترای علوم آزمایشگاهی تشخیص طبی (حرفه‌ای و متخصص ، ۳ نفر دکتر داروساز و ۲ نفر ازلیسانسیه های پروانه دار گروه پزشکی به انتخاب مجمع نمایندگان هیات مدیره نظام پزشکی شهرستانها با رای اکثریت نسبی آنها. ب ـ دو نفر از کادر پزشکی به معرفی کمیسیون بهداری و بهزیستی و انتخاب مجلس شورای اسلامی (به عنوان ناظر) و یک نفر از کادر پزشکی به انتخاب وزیر بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی یک نفر از کادر پزشکی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به انتخاب ستاد فرماندهی کل قوا و رییس سازمان پزشکی قانونی کشور. تبصره ۱ ـ هیات مدیره نظام پزشکی هر یک از شهرستانها یک نفر را به عنوان نماینده خود برای انتخاب ۲۲ نفر مذکور در بند الف معرفی می‌نماید. تبصره ۲ ـ جلسات شورای عالی نظام پزشکی که حداقل هر سه ماه یکبار تشکیل می‌شود با حضور دو سوم اعضای شورا رسمی است و تصمیمات متخذه با اکثریت آرا معتبر و برای واحدهای تابعه ذی ربط لازم الاجرا است تبصره ۳ ـ وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی و معاونین ایشان و نیز افرادی که از طرف وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی تعیین می‌شوند می‌توانند در تمام جلسات شورای عالی و هیات مدیره نظام پزشکی ها با حق اظهارنظر و بدون حق رای شرکت نمایند. تبصره ۴ ـ شورای عالی نظام

پزشکی دارای یک رییس ، دو نایب رییس و یک دبیر خواهد بود که ازبین اعضا شورا با رای اکثریت نسبی اعضا رسمی شورا برای مدت ۲ سال انتخاب می گردد. ماده ۷ ـ رییس کل سازمان که مسوولیت اجرای مصوبات شورای عالی و اداره کلیه امور سازمان و واحدهای تابعه آن را به عهده دارد یک نفر پزشک خواهد بود که از بین افراد پیشنهادی (حداقل ۳نفر) از طرف شورای عالی به رییس جمهور برای مدت ۴ سال انتخاب و با حکم ریاست جمهوری منصوب می گردد. عزل وی به عهده ریاست جمهوری است تبصره ـ در صورتی که رییس جمهور در بین افراد پیشنهادی شورای عالی فردی را برای ریاست سازمان مناسب تشخیص نداد شورای عالی موظف است حداکثر ظرف مدت یک هفته افراد دیگری را به رییس جمهور پیشنهاد نماید. ماده ۸ ـ در هر شهرستان که تعداد مشمولان ماده ۴ این قانون در آن حداقل پنجاه نفر باشد نظام پزشکی شهرستان تشکیل خواهد شد. ماده ۹ ـ هیات مدیره نظام پزشکی شهرستان مرکب از ۹ نفر به شرح زیر می‌باشد: ۱ـ پنج نفر از پزشکان به انتخاب پزشکان شهرستان ۲ ـ یک نفر دندان پزشک به انتخاب دندان پزشکان شهرستان ۳ ـ یک نفر دکتر داروساز به انتخاب دکترهای داروساز شهرستان ۴ ـ یک نفر دکترای علوم آزمایشگاهی (حرفه‌ای و متخصص ۵ - یک نفر لیسانسیه پروانه دار گروه پزشکی تبصره ـ مادامی که انتخاب افراد موضوع بندهای ۲،۳،۴ و ۵ ماده فوق صورت نپذیرد ، به جای آنها پزشک انتخاب می گردد. ماده ۱۰ ـ هیات مدیره نظام پزشکی شهرستانهایی که بیش از پانصد نفر پزشک دندان پزشک و داروساز و متخصص و دکتر حرفه‌ای علوم آزمایشگاهی داشته باشند مرکب از هفده نفر به شرح زیرمی‌باشد: ۱ ـ یازده نفر پزشک به انتخاب پزشکان شهرستان مربوطه ۲ ـ دو نفر دندان پزشک به انتخاب دندان پزشکان شهرستان مربوطه ۳ ـ دو نفر داروساز به انتخاب دکترهای داروساز شهرستان مربوطه ۴ ـ یک نفر از متخصصین و دکترهای علوم آزمایشگاهی تشخیص طبی (حرفه‌ای و متخصص) به انتخاب دکترهای علوم آزمایشگاهی تشخیص طبی آن شهرستان ۵ ـ یک نفر لیسانسیه پروانه دار گروه پزشکی به انتخاب فارغ التحصیلان کارشناسی و بالاتر مامایی تبصره ۱ ـ نظام پزشکی شهرستان مرکز استان عهده دار وظایف نظام پزشکی شهرستانهای تابعه استان که در آن نظام پزشکی تشکیل نشده است نیز می‌باشد. تبصره ۲ ـ چنانچه مرکز استان و شهرستانهای تابعه فاقد نظام پزشکی باشد، مرجع رسیدگی به‌مسایل مربوط به آنها نظام پزشکی شهرستان یا مرکز استانی خواهد بود که از سوی شورای عالی نظام پزشکی مشخص می گردد. ماده ۱۱ ـ دبیر شورای عالی مسوول تشکیل جلسات و اداره دبیرخانه شورا خواهد بود. اداره جلسات شورا به عهده رییس یا نواب رییس شورا خواهد بود. ماده ۱۲ ـ رییس سازمان نظام پزشکی هر یک از شهرستانها که یکی از اعضا هیات مدیره خواهدبود با پیشنهاد هیات مدیره سازمان مربوطه و تایید و حکم رییس کل سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران منصوب می گردد. عزل آنها نیز به عهده رییس کل سازمان خواهد بود. تبصره ـ روسای سازمانهای نظام پزشکی شهرستانها همان وظایف و اختیارات رییس کل سازمان نظام پزشکی را در محدوده سازمان نظام پزشکی شهرستان مربوطه بر عهده خواهند داشت ماده ۱۳ ـ بودجه سازمانهای نظام پزشکی از محل حق عضویت اعضا و هدایا و کمکهای اشخاص حقیقی و حقوقی تامین می گردد. تبصره ۱ ـ بودجه سالیانه نظام پزشکی هر شهرستان توسط هیات مدیره همان شهرستان تهیه و تصویب شده و طبق آیین نامه مصوب شورای عالی هزینه خواهد شد. تبصره ۲ ـ میزان و طرز وصول حق ثبت نام سالانه اعضا و دیگر مقررات اداری و مالی سازمان و نحوه خرج بودجه پس از تصویب شورای عالی به مرحله اجرا در خواهد آمد. ماده ۱۴ ـ وظایف شورای عالی نظام پزشکی به شرح زیر می‌باشد: ۱ ـ اجرای دقیق وظایف مقرر در ماده ۳ این قانون و نظارت مستمر بر حسن اجرای آنها از طریق رییس کل سازمان ۲ ـ نظارت بر عملکرد نظام پزشکی شهرستانها. ۳ ـ نظارت بر عملکرد صندوق تعاون و رفاه وابسته به نظام پزشکی ۴ ـ رسیدگی به تخلفات انضباطی هیات مدیره نظام پزشکی شهرستانها و برقراری هماهنگی لازم بین نظام پزشکی شهرستانها و رسیدگی به اختلافات داخلی آنها. ۵ ـ تهیه و تصویب دستورالعمل های اجرایی لازم در چهارچوب مواد این قانون ۶ ـ انحلال هیات مدیره نظام پزشکی شهرستانها در چهارچوب مواد این قانون تبصره ـ هیات مدیره نظام پزشکی شهرستانها در موارد زیر منحل می گردند: ۱ـ عدول و تخطی از وظایف مقرر در

این قانون با تشخیص شورای عالی نظام پزشکی ۲ـ فوت یا استعفا و یا عدم شرکت غیر مجاز بیش از یک دوم اعضا هیات مدیره برای چهار جلسه متوالی ماده ۱۵ ـ وظایف نظام پزشکی شهرستانها به شرح زیر است ۱ـ نظام پزشکی شهرستان کلیه اختیارات و وظایف سازمان نظام پزشکی را در محدوده شهرستان مربوطه دارا خواهد بود. ۲ ـ اجرای مصوبات شورای عالی در سطح شهرستان

فصل پنجم ــ انتخابات (ماده ۱۶ تا ۲۳)

ماده ۱۶ ـ مدت عملکرد هر دوره هیات مدیره نظام پزشکی شهرستانها و شورای عالی نظام پزشکی چهار سال تمام می‌باشد. تبصره ۱ ـ شروع اولین دوره فعالیت هیاتهای مدیره مذکور حداکثر ده روز پس از اعلام قطعیت یافتن نتیجه انتخابات خواهد بود. تبصره ۲ ـ شروع فعالیت دوره‌های بعد نظام پزشکی بلافاصله پس از پایان دوره قبلی می‌باشد وچنانچه در پایان دوره تشریفات انتخابات دوره بعد به نحوی از انحا پایان نیافته باشد، ارکان دوره قبلی تا قطعیت نتیجه انتخابات جدید به فعالیت خود ادامه خواهند داد و مبدا شروع کار دوره‌جدید از تاریخ قطعیت انتخابات خواهد بود. ماده ۱۷ ـ انتخابات برای اولین دوره حداکثر سه ماه پس از تصویب این قانون و تجدید آن برای دوره‌های بعد سه ماه قبل از اتمام هر دوره با اعلام وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی و تشکیل هیات مرکزی نظارت بر انتخابات انجام خواهد شد. تبصره ـ انتخابات هیات مدیره نظام پزشکی شهرستانهایی که منحل گردیده و یا توسط هیات مرکزی نظارت انتخابات آنها ابطال گردیده است حداکثر ظرف مدت سه ماه با هماهنگی هیات نظارت و با رعایت سایر مواد قانونی انجام می‌پذیرد. ماده ۱۸ ـ ترکیب هیات مرکزی نظارت بر انتخابات که برای مدت ۴ سال انتخاب می گردند به شرح‌زیر خواهد بود: ۱ ـ یک نفر نماینده دادستان کل کشور. ۲ ـ یک نفر نماینده وزارت کشور. ۳ ـ دو نفر از کادر پزشکی به انتخاب و معرفی وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی ۴ ـ سه نفر کادر پزشکی به معرفی کمیسیون بهداری و بهزیستی با انتخاب مجلس شورای اسلامی تبصره ۱ ـ هیات مرکزی نظارت می‌تواند برای هر شهرستان سه تا پنج نفر را جهت نظارت برحسن اجرای انتخابات نظام پزشکی آن شهرستان تعیین نماید. تبصره ۲ ـ تجدید انتخاب اعضا هیات مرکزی نظارت بر انتخابات برای دوره‌های بعدی بلااشکال است ماده ۱۹ ـ هیات مرکزی نظارت وظایف زیر را دارا می‌باشد: ۱ ـ عزل و نصب اعضا هیاتهای نظارت بر انتخابات نظام پزشکی شهرستانها و شورای عالی نظام پزشکی ۲ ـ نظارت بر حسن انجام انتخابات در حوزه‌های انتخاباتی ۳ ـ بررسی نهایی صلاحیت نامزدهای عضویت در هیات مدیره نظام پزشکی شهرستانها و شورای عالی نظام پزشکی و ابلاغ نظر هیات مرکزی به هیاتهای اجرایی انتخابات مربوطه جهت اعلام عمومی ۴ ـ رسیدگی به شکایات نامزدهایی که صلاحیت آنها به تایید هیاتهای نظارت نرسیده باشد و تجدیدنظر در آنها. ۵ ـ رسیدگی به شکایات انتخاباتی در چهارچوب مواد قانونی و آیین نامه‌های مربوط ۶ ـ توقف یا ابطال تمام و یا قسمتی از مراحل انجام انتخابات در چهارچوب مواد قانونی و دستورالعملهای مربوطه این قانون راسا و یا با پیشنهاد هیاتهای اجرایی یا هیاتهای نظارت حوزه های انتخاباتی ۷ ـ تایید نهایی حسن انجام انتخابات هیات مدیره نظام پزشکی شهرستانها و اعضا شورای عالی نظام پزشکی و امضا اعتبار نامه منتخبین ۸ ـ رسیدگی به شکایت و اعتراضات کتبی افراد در مورد تایید صلاحیت نامزدهای عضویت در هیات مدیره نظام پزشکی‌ها و تجدیدنظر در آنها. تبصره ـ هیات مرکزی نظارت می‌تواند طبق دستورالعملی که تهیه می‌نماید تمام یا قسمتی از وظایف مقرر در این ماده را به هر یک از هیاتهای نظارت بر انتخابات هیات مدیره نظام پزشکی شهرستانها تفویض نماید. ماده ۲۰ ـ برگزاری انتخابات هیات مدیره نظام پزشکی و اعضا شورای عالی نظام پزشکی به عهده هیاتهای اجرایی انتخابات مربوطه بوده که ترکیب و نحوه تشکیل و نحوه کار آنها و کیفیت و نحوه برگزاری انتخابات مربوطه طبق آیین نامه ای خواهد بود که توسط شورای عالی نظام پزشکی تهیه وبه تصویب وزیر بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی خواهد رسید. ماده ۲۱ ـ شرایط انتخاب کنندگان عبارت است از: ۱ ـ تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران ۲ ـ داشتن کارت عضویت در سازمان نظام پزشکی ۳ ـ شاغل بودن در شهرستان منطقه انتخاباتی در زمان انتخابات به تایید نظام پزشکی آن شهرستان

یا شبکه بهداشت درمان شهرستان ماده ۲۲ ـ شرایط انتخاب شوندگان هیاتهای مدیره سازمانهای نظام پزشکی و شورای عالی نظام پزشکی به شرح زیر می‌باشد: ۱ ـ تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران ۲ ـ نداشتن فساد اخلاقی و مالی ۳ ـ داشتن حسن شهرت اجتماعی و شغلی و عمل به اجرای اصول پزشکی و رعایت اخلاق و شوون پزشکی ۴ ـ داشتن حسن شهرت در تعهد عملی به احکام دین مبین اسلام و وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تبصره ـ اقلیت‌های مذهبی به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تابع احکام دین اعتقادی خود می‌باشند. ۵ ـ دارا بودن حداقل سه سال عضویت در نظام پزشکی تبصره ۱ ـ پزشکان ، دندان پزشکان ، دکترهای داروساز و دکترهای علوم آزمایشگاهی تشخیص طبی (حرفه‌ای و متخصص و لیسانسیه های پروانه دار گروه پزشکی که دارای مسوولیتهای اجرایی می‌باشند و یا در نیروهای نظامی ـ انتظامی شاغلند جهت نامزدی در انتخابات و عضویت در ارکان سازمان نیازی به استعفا از سمت و شغل خود ندارند. تبصره ۲ ـ کسانی که طبق قانون از انتخاب شدن به عنوان نماینده مجلس شورای اسلامی محرومند ، حق نامزد شدن برای انتخاب در ارکان سازمان را ندارند به استثنای شرط سنی آن ماده ۲۳ ـ وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی مسوول برگزاری انتخابات هیات مدیره نظام پزشکی از طریق هیاتهای اجرایی انتخابات با رعایت مواد این قانون خواهد بود.

فصل ششم ـ موارد متفرقه (ماده ۲۴ تا ۳۱)

ماده ۲۴ ـ به منظور رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرف پزشکی و وابسته به پزشکی سازمان نظام پزشکی در مرکز و شهرستانها دارای هیات عالی انتظامی و هیاتهای بدوی انتظامی خواهد بود که مطابق مواد بعدی این قانون تشکیل می‌گردند. تبصره ـ عدم رعایت موازین شرعی و قانونی و مقررات و نظامات دولتی و صنفی و حرفه‌ای و عدم رعایت شوونات شغلی و صنفی و حرفه‌ای و سهل انگاری در انجام وظایف قانونی و اجحاف به بیماران و مراجعین به وسیله شاغلین حرف پزشکی و وابسته به پزشکی تخلف محسوب و متخلفین با توجه به شدت و ضعف عمل ارتکابی و تعدد و تکرار آن حسب مورد به مجازاتهای زیرمحکوم می‌گردند: الف ـ تذکر یا توبیخ شفاهی در حضور هیات مدیره نظام پزشکی محل ب ـ اخطار یا توبیخ کتبی با درج پرونده نظام پزشکی محل ج ـ توبیخ کتبی با درج در پرونده نظام پزشکی و نشریه نظام پزشکی محل یا الصاق رای در تابلو اعلانات نظام پزشکی محل د ـ محرومیت از اشتغال به حرفه‌های پزشکی و وابسته از سه ماه تا یک سال در محل ارتکاب ه ـ محرومیت از اشتغال به حرفه‌های پزشکی و وابسته از سه ماه تا یک سال در تمام کشور. و ـ محرومیت از اشتغال به حرفه‌های پزشکی و وابسته از بیش از یک سال تا پنج سال در تمام کشور. ز ـ محرومیت دائم از اشتغال به حرفه‌های پزشکی و وابسته در تمام کشور. مصادیق تخلفات مذکور و نوع و میزان مجازاتها در هر مورد و نحوه رسیدگی به آنها و اجرای احکام مربوطه به شرح آیین نامه ای خواهد بود که با رعایت موارد فوق ظرف مدت ۶ ماه پس از تشکیل شورای عالی نظام پزشکی توسط هیات عالی انتظامی سازمان تهیه و پس از تایید شورای عالی نظام پزشکی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. مادامی که آیین نامه جدید فوق الذکر تهیه و تصویب نگردیده است آیین‌نامه‌های ذیربط در این رابطه به قوت خود باقی است و اجرا خواهدشد. ماده ۲۵ ـ هیاتهای بدوی انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای سازمانهای نظام پزشکی که مرجعی است صلاحیتدار با مسوولیت رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای اعضا سازمان وتعیین مجازاتهای انتظامی مناسب برای آنها متشکل از ۹ نفر به شرح زیر خواهد بود: ۱ ـ یک نفر قاضی به معرفی ریاست قوه قضاییه برای تهران و با معرفی رییس دادگستری شهرستانها برای شهرستان مربوطه ۲ ـ مسوول پزشکی قانونی شهرستان مربوطه ۳ ـ سه نفر از پزشکان شهرستان مربوطه ۴ ـ یک نفر از دندان پزشکان شهرستان مربوطه ۵ ـ یک نفر از دکترهای داروساز شهرستان مربوطه ۶ ـ یک نفر از دکترای علوم آزمایشگاهی تشخیص طبی (حرفه‌ای و متخصص شهرستان مربوطه یا یک نفر لیسانسیه پروانه دار گروه پزشکی شهرستان مربوطه تبصره ۱ ـ افراد موضوع بندهای ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷ ماده فوق که از افراد مسلمان

و متـدین وخوش سابقه شهرسـتان مربوطه با تجربه حداقل ۵ سال در حرفه مربوطه خواهند بود با پیشـنهاد هیات مدیره نظام پزشـکی شهرسـتان مربوطه و تاییـد هیـات عـالی انتظـامی سازمـان نظـام پزشـکی در مرکز بـا حکم رییس هیـات عالی انتظامی مرکز منصوب می گردند و عزل آنها بر عهده هیات عالی انتظامی خواهد بود. تبصـره ۲ ـ هریک از هیاتهای بدوی انتظامی شهرسـتانها علاوه بر این که مسوولیت رسـیدگی به تخلفات صـنفی و حرفه‌ای شاغلین حرف پزشـکی و وابسته به پزشـکی را بر عهده دارند مراجعی هسـتند صلاحیتدار در امر اعلام نظر کارشناسـی و تخصصـی به مراجع ذی صـلاح قضایی در رابطه بارسـیدگی به تخلفات غیر صنفی و غیر حرفه‌ای و جرایم شاغلین به حرف پزشـکی و وابسته پزشکی تبصره ۳ ـ هریک از هیاتهای بدوی انتظامی می‌توانند در امر رسـیدگی به تخلفات صـنفی و حرفه‌ای موضوع ماده مذکور نظرات کارشناسی کمیسیونهای تخصصی مشورتی نظام پزشکی شهرستان مربوطه را درخواست نماینـد. کمیسـیونهای مـذکور موظفنـد حداکثر ظرف مدت ۱۵ روز نظرات کارشناسـی خـود را در اختیـار هیات‌هـای بـدوی انتظامی قرار دهند. ماده ۲۶ ـ به منظور رسـیدگی به اعتراضـات و شـکایات اشـخاص (حقیقی و حقوقی از طرز کـار هیاتهای بدوی انتظامی موضوع ماده (۲۵) این قانون نظارت عالیه بر کار هیاتهای بـدوی انتظامی و ایجاد هماهنگی بین آنها و تجدید نظر در احکـام صـادره از سوی هیاتهای بـدوی انتظامی مـذکور و عزل و نصب اعضای ذی ربط هیاتهای مـذکور ، هیاتی به نام هیات عالی انتظامی با ترکیب زیر در سازمان مرکزی نظام پزشـکی تشـکیل می گردد: ۱ ـ یکنفر از قضـات متـدین و با تقوی و باتجربه به معرفی رییس قوه قضـاییه ۲ ـ رییس سازمـان پزشـکی قانونی کشور. ۳ ـ پنـج نفر از پزشـکان متخصـص مسـلمان و متدین و خوش سابقه با تجربه کـاری حـداقل هفت سـال در حرفه مربوطه ۴ ـ یـک نفر از دنـدان پزشـکان مسـلمان و متـدین و خوش سـابقه با تجربه کاری حـداقل هفت سال درحرفه مربوطه ۵ ـ یـک نفر از دکترهای داروساز مسـلمان و متـدین و خوش سابقه با تجربه کاری حـداقل هفت سال درحرفه مربوطه ۶ ـ یک نفر از لیسانسیه های پروانه دار گروه پزشکی مسلمان و متدین و خوش سابقه با تجربه کاری حداقل ۷ سال در حرفه مربوطه ۷ ـ یک نفر از متخصصـین و دکترای علوم آزمایشگاهی تشخیص طبی (حرفه‌ای و متخصص مسلمان و متدین و خوش سابقه با تجربه کاری حـداقل ۷ سال در حرفه مربوطه تبصـره ۱ ـ هیات عالی انتظامی موضوع ماده فوق می‌تواننـد مسوولیت رسـیدگی به تخلفات صـنفی و حرفه‌ای شاغلین حرف پزشکی و وابسته پزشکی چند شهرستان را به یک هیات بدوی انتظامی محول و واگذار نمایند. تبصره ۲ ـ افراد مذکور در بندهای ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷ ماده فوق با پیشـنهاد رییس کل سازمان و تصویب شورای عالی نظام پزشـکی با حکم رییس کل سازمان برای مدت ۲ سال منصوب می گردنـد، عزل آنها قبل از انقضای مدت ۲ سال با رییس کل سازمان خواهد بود و تجدید انتخاب آنها برای دوره‌های بعدی بلااشـکال است تبصـره ۳ ـ در صورتی که کسـی نسبت به رای نظام پزشـکی شاکی باشـد می‌تواند به دادگاه صالح شـکایت کند. تبصـره ۴ ـ نحوه کـار هیـات عـالی انتظامی و هیاتهای بـدوی انتظامی موضوع مواد ۲۵ و ۲۶ این قانون و ترتیب تشکیل جلسات آنها طبق دستورالعملی خواهد بود که توسط هیات عالی انتظامی تهیه و به تاییـد رییس کل سازمان خواهد رسـید. ماده ۲۷ ـ هیاتهای بـدوی انتظامی نظام پزشـکی هریک از شهرسـتانها موظفنـد نظر مشورتی کارشناسی و تخصصی خود را نسبت به هریک از پرونده‌های مربوط به رسیدگی به اتهام بزه ناشی از حرفه صاحبان مشاغل پزشکی در اختیار دادگاههای شهرسـتان مربوطه قرار دهند. تبصـره ۱ ـ اعلام نظر کارشناسـی و تخصصـی و مشورتی هیاتهای بـدوی انتظامی نظام پزشـکی هریک از شهرسـتانها به دادگاههای ذیربط پیرامون پرونده‌های مربوط به رسـیدگی به اتهام بزه ناشـی ازحرفه صاحبان مشاغل پزشکی نباید بیش از ۲۰ روز از تاریخی که دادسـراها و دادگاههای شهرستان مربوطه درخواست می‌نمایند بگذرد. تبصره ۲ ـ دادگاههای جمهوری اسـلامی ایران در هریک از شهرسـتانها مجازند حداقل ۲۴ سـاعت قبـل از احضار و جلب هریک از صاحبان مشاغـل پزشـکی به دادگـاه بخاطر رسـیدگی به اتهام بزه ناشـی از حرفه صاحبان مشاغل پزشکی مراتب را به اطلاع هیاتهای بـدوی انتظامی نظام پزشکی شهرستان مربوطه برسانند. ماده ۲۸ ـ شورای عالی نظام پزشـکی به منظور اجرا هرچه بهتر وظایف سازمان مقرر در این قانون می‌تواند کمیسـیونهای تخصصـی مشورتی تشـکیل دهد که نوع کمیسیون و ترکیب و نحوه کار آنها طبق دستورالعملی

خواهد بود که توسط رییس کل سازمان تهیه و به تصویب شورای عالی نظام پزشکی خواهد رسید. ماده ۲۹ ـ تمام و یا آن قسمت از قوانین که مغایر با این قانون است ملغی الاثر می‌باشد و آیین نامه ها و ضوابط قبلی که با این قانون مغایرت نداشته باشد تا تصویب آیین‌نامه‌ها و ضوابط جدید به قوت خود باقی است ماده ۳۰ ـ اعتبار مورد نیاز برای اجرای این قانون از محل ۱ـ اعتبارات و دارایی‌های موجود سازمانهای نظام پزشکی ۲ ـ حق عضویت سالانه اعضا سازمان نظام پزشکی ۳ ـ کمکهای اختیاری دولت و موسسات و افراد داوطلب تامین می گردد. ماده ۳۱ ـ شورای عالی نظام پزشکی موظف است پس از تصویب قانون ظرف مدت سه ماه باتوجه به اهداف سازمان و لحاظ نمودن اهداف متعالی اسلام و حفظ شئونات پزشکی آرم جدید سازمان را تهیه و پس از تصویب و تایید ریاست جمهوری جایگزین آرم فعلی نماید.

قانون راجع به ثبت و گزارش اجباری بیماری های سرطانی – مصوب ۵/۷/۱۳۶۳ (ماده واحده

مصوب ۵/۷/۱۳۶۳ ماده واحده ـ به منظور بررسی و تحقیقات اپیدمیولوژیک و پیشگیری منطقه‌ای و تنظیم آمار بیماریهای سرطانی ، کلیه موسسات درمانی ، آزمایشگاه های آسیب شناسی و تشخیص طبی اعم از دولتی و غیردولتی مکلفند در مناطق معینی از کشور که امکانات لازم موجود است هر بافت و نمونه‌ای را که به هر عنوان (تشخیص ، درمان و تجسس) از بدن انسان زنده نمونه برداری می‌شود ، مورد آزمایش قرار دهند و چنانچه به موارد سرطانی و یا مشکوک به سرطان برخورد نمودند ، نتیجه آزمایش و اطلاعات مورد لزوم را طبق ضوابطی که در آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد ، محرمانه به مراکزی که وزارت بهداری تعیین خواهد کرد، ارسال دارند. تبصره ۱ ـ متخلفین از این قانون از طریق نظام پزشکی تحت تعقیب قرار خواهند گرفت تبصره ۲ ـ تشخیص و تعیین مناطقی که این قانون در آنها به مورد اجرا گذاشته خواهد شد با وزارت بهداری است تبصره ۳ ـ آیین‌نامه اجرایی این قانون حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب تهیه و پس ازتایید وزیر بهداری قابل اجرا است قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و سه تبصره در جلسه روز پنجشنبه پنجم مهرماه یکهزار و سیصد و شصت و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۷/۷/۱۳۶۳ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون انطباق امور اداری و فنی موسسات پزشکی با موازین شرع مقدس – مصوب ۱۰/۸/۱۳۷۷ (ماده ۱ تا ۷

مصوب ۱۰/۸/۱۳۷۷ ماده ۱ ـ موسسات پزشکی ، کلیه مراکز پزشکی و وابسته به پزشکی نظیر بیمارستان ، زایشگاه ، آسایشگاه ، آزمایشگاه ، پلی کلینیک ها ، مطب پزشکان و داروخانه ها و محل کار سایر اقشار پزشکی و موسسات فیزیوتراپی و الکتروفیزیوتراپی ، هیدروتراپی ، آزمایشگاههای تشخیص و پژوهشی ، درمانگاه ، رادیولوژی ، مراکز پزشکی هسته ای ، مراکز بهداشتی درمانی شهری و روستایی ، بخشهای تزریقات و پانسمان و یا هر تشکیلاتی که به هر نام و عنوان با اجازه وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی ایجاد شده یا خواهد شد (اعم از بخش دولتی ـ خصوصی و خیریه و واحدهای مشابه در دانشگاههای علوم پزشکی و کلیه کارکنان فنی و اداری و خدماتی آنها مشمول این قانون می گردند. تبصره ـ کلیه وزارتخانه‌ها و سازمانها و موسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است و به امر بهداشت و درمان می‌پردازند موظف به رعایت مقررات این قانون می‌باشند. ماده ۲ ـ در اجرای ماده (۳) قانون تشکیل وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی مصوب ۹/۷/۱۳۶۴ ، این وزارتخانه موظف است به منظور انطباق امور درمانی ، بهداشتی و آموزش پزشکی با موازین شرع مقدس اسلام ، سیاستگذاری و برنامه ریزی و تدوین آیین‌نامه اجرایی جهت عملی نمودن انطباق امور مذکور با موازین شرع مقدس را به انجام رساند. ماده ۳ ـ به منظور نیل به اهداف مندرج در مواد این قانون شورایی به نام شورای عالی انطباق در وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی به ریاست وزیر بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی تشکیل می گردد. اعضای این شورا به مدت دو سال به عضویت شورا منصوب می‌شوند عبارتند

از: ۱ ـ معاون امور فرهنگی و دانشجویی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی به عنوان قائم مقام و دبیر شورا. ۲ ـ معاون امور درمان وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی ۳ ـ معاون امور پشتیبانی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی ۴ ـ معاون امور آموزشی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی ۵ ـ معاون امور بهداشتی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی ۶ ـ رییس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها. ۷ ـ یک نفر از اعضای کمیسیون بهداری و بهزیستی مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر به پیشنهاد کمیسیون مزبور و انتخاب مجلس ۸ ـ یک نفر از اعضای کمیسیون امور زنان و جوانان و خانواده مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظربه پیشنهاد کمیسیون مزبور و انتخاب مجلس ۹ ـ رییس سازمان نظام پزشکی یا نماینده تام الاختیار وی ۱۰ ـ مشاور وزیر بهداشت در امور زنان ۱۱ ـ دو نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور به انتخاب وزیر بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی ۱۲ ـ دو نفر از روسای دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور به انتخاب وزیر بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی تبصره ۱ ـ وزیر بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی می‌تواند نسبت به تشکیل کمیته های انطباق در استانها اقدام نماید. کمیته‌های موضوع این ماده موظف خواهند بود نتایج اقدامات خود را به شورای عالی انطباق در وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی گزارش نمایند. تبصره ۲ ـ کمیته های انطباق استانی زیر نظر رییس دانشگاه علوم پزشکی تشکیل می‌شود و موظف به اجرای مصوبات شورای عالی انطباق می‌باشند. ماده ۴ ـ اعتبارات موردنیاز این قانون در سال جاری کماکان از ردیف ۴۲۲۶۰۰ (بند (و) تبصره ۱۰)) تامین می‌گردد و در سال های آتی با توجه به امکانات وزارت مربوطه عمل خواهد شد. ماده ۵ ـ وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی موظف است آیین نامه اجرایی این قانون را به گونه‌ای تنظیم نماید که با ارتقای کیفیت خدمات پزشکی همراه و بیمار در انتخاب پزشک مختار باشد و در ارائه خدمات اورژانس حفظ حیات بیمار بالاترین اولویت را داشته باشد. ماده ۶ ـ روسای دانشگاه ها و دانشکده‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ، مسوولین فنی و مدیران بیمارستانها و واحدهای بهداشتی درمانی مسوول حسن اجرای این قانون در استانها بوده و با بازرسی مستمر و نیز براساس شکایات وارده به مراجع ذی ربط به تخلفات رسیدگی می کنند. ماده ۷ ـ آیین نامه اجرای این قانون حداکثر ظرف مدت شش ماه توسط وزارت بهداشت ، درمان آموزش پزشکی تهیه و پس از تصویب هیات وزیران لازم‌الاجرا می‌باشد و تا ابلاغ آیین‌نامه جدید ، آیین‌نامه انطباق و اصلاحیه های بعدی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی کماکان به قوت خود باقی است قانون فوق مشتمل بر هفت ماده و سه تبصره در جلسه علنی روز یک شنبه مورخ دهم آبان ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۰/۸/۱۳۷۷ به تایید شورای نگهبان رسیده است > بع

قانون اجازه تاسیس آزمایشگاههای تجزیه خاک و گیاه و آزمایشگاههای تشخیص آفات و بیماریهای گیاهی توسط بخش

ماده واحده ـ به وزارت کشاورزی اجازه داده می‌شود در مواردی که تاسیس آزمایشگاه های خاک شناسی و تجزیه خاک و گیاه و آزمایشگاههای تشخیص آفات و بیماریهای گیاهی را ضروری بداند، مجوز تاسیس و فعالیت این گونه آزمایشگاهها را برای متقاضیان بخش تعاونی و خصوصی صادر نماید، نوع و مقدار نهاده های کشاورزی مربوط بر اساس نتایج این آزمایشگاهها توسط مراکز ترویج و تحقیقات وزارت کشاورزی تعیین می گردد. تبصره ۱ـ هر کس بدون داشتن مجوز نسبت به تاسیس آزمایشگاه های موضوع این قانون اقدام نماید علاوه بر تعطیل آزمایشگاه به پرداخت جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال با حکم محاکم قضایی محکوم خواهد شد. تبصره ۲ ـ آیین نامه اجرایی این قانون مشتمل بر شرایط دریافت مجوز تاسیس و یا ادامه کار و ضوابط مربوط به فعالیت و تعیین تعرفه‌ها و نحوه نظارت بر آزمایشگاه های موضوع این قانون مقررات مربوط به متخلفین و لغو مجوز فعالیت و سایر موارد ضروری توسط وزارت کشاورزی تهیه و به تصویب هیات وزیران می‌رسد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و دو تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ اول شهریور ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و یک مجلس شورای اسلامی

تصویب و در تاریخ ۸/۶/۱۳۷۱ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون طرز جلوگیری از بیماریهای آمیزشی و بیماریهای واگیردار

فصل اول – بیماریهای آمیزشی (ماده ۱ تا ۱۵)

ماده ۱ ـ در نقاطی که وزارت کشور آگهی خواهد داد از تاریخ آگهی تا یک ماه مبتلایان به بیماریهای آمیزشی مکلفند اقدام به درمان خود کنند. تبصره ـ مقصود از بیماریهای آمیزشی ـ سوزاک ـ کوفت (سفلیس) آتشک (شانکر نرم) است در هرنقطه از بدن که واقع باشد. ماده ۲ ـ درمان و مداوای بیماریهای آمیزشی در کلیه بنگاههای بهداری در دوره واگیری بیماری برای همه و در دوره‌های دیگر برای اشخاص بی بضاعت رایگان است ماده ۳ ـ درمان نزد هر پزشکی که پروانه پزشکی در ایران دارد آزاد است اما در صورتی که بیمار در دوره واگیری بیماری از موعدی که پزشک معالج برای درمان او معین نموده تا ده روز از حضور نزد پزشک یا بنگاه دولتی غیبت کرد و پزشک دیگری تحت درمان بودن بیمار را به بنگاه یا پزشک اول خبر نداد نخستین پزشک درمان کننده مکلف است مراتب را با قید محرمانه به اطلاع بهداری برساند تا بیمار را ملزم به درمان نمایند. ماده ۴ ـ پزشکان یا متصدیان سایر فنون پزشکی که به وسیله تبلیغات بی اساس باعث گمراهی بیمار آمیزشی می‌شوند یا به وعده های دروغ بیمار را از درمان صحیح بازمی‌دارند مانند اینکه معین کنند در مدت چند روز بیمار را درمان کرده و یا با بستن پیمان یا انتشار آگهی هایی که مخالف اصل پزشکی است بیمار را فریب دهند به حبس جنحه ای از دو ماه تا یکسال و یا به پرداخت کیفر نقدی از ۲۰۰ تا ۲۰۰۰ ریال محکوم می‌شوند. کسانی که بدون پروانه پزشکی اقدام به درمان بیمارها نمایند به حبس جنحه‌ای از دو ماه تا شش ماه و یا به پرداخت کیفر نقدی از پانصد تا پنج هزار ریال محکوم می‌شوند. ماده ۵ ـ در مواردی که حالت بیمار و کیفیت واگیری بیماری موجب نگرانی باشد بهداری می‌تواند بیمار را ملزم کند که تا بر طرف شدن خطر واگیری در یکی از بیمارستانها تحت درمان قرار گیرد. ماده ۶ ـ ولی یا سرپرست صغیر یا سفیه یا دیوانه مکلف است که در درمان بیماریهای آمیزشی صغیر یا سفیه یا دیوانه که تحت سرپرستی آنها می‌باشند اقدام کند چنانچه ولی یا سرپرست در فراهم نمودن وسایل درمان مسامحه نماید و بیماری صغیر یا محجور به حال سرایت باقی بماند ولی یا سرپرست به حبس از هشت روز تا یک ماه و یا به کیفر نقدی از پنجاه تا پانصد ریال محکوم می‌شود. ماده ۷ ـ بهداری موظف است اشخاصی را که به مناسبت پیشه خود ممکن است باعث انتشار بیماریهای آمیزشی شوند مکلف کند که در روزهای معین در بنگاههای مخصوص بهداری یا نزد پزشکانی که بهداری معین می‌نماید برای معاینه حاضر شوند و در صورتی که تشخیص شود بیماری آنها در مرحله واگیری است از ادامه پیشه ممنوع و تا وقتی که گواهی نشده است که بیماری آنها قابل سرایت نیست چنانچه بدون تحصیل پروانه عدم امکان سرایت به پیشه خود ادامه دهند به هشت روز تا دوماه حبس تادیبی و ۵۱ تا ۵۰۰ ریال و یا به یکی از این دو کیفر محکوم می‌شوند. ماده ۸ ـ اداره کل بهداری مکلف است برای مبارزه با انتشار بیماریهای آمیزشی بر طبق این قانون آیین نامه و مقررات لازم وضع نماید. ماده ۹ ـ هر کس بداند مبتلا به بیماری آمیزشی واگیر بوده و یا آنکه اوضاع و احوال شخصی او طوری باشد که بایستی حدس بزند که بیماری او واگیر است و به واسطه آمیزش او طرف مقابل مبتلا شود و به مراجع قضایی شکایت کند مبتلا کننده به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا یکسال محکوم می‌شود. تعقیب فقط در موقعی انجام می‌گیرد که خواهان خصوصی در بین باشد و در صورتی که خواهان خصوصی شکایت خود را مسترد دارد تعقیب و همچنین اجرای کیفر موقوف می‌شود. ماده ۱۰ ـ هر زنی که مبتلا به کوفت باشد در صورتی که بداند یا آنکه اوضاع و احوال شخصی او طوری باشد که بایستی حدس بزند که بیماری او واگیر است و کودک سالم شخص دیگری را با پستان خود شیر بدهد به حبس از دو تا هفت روز یا کیفر نقدی از پنج تا پنجاه ریال محکوم می‌شود. در صورتی که طفل بر اثر این عمل مبتلا

به کوفت شود مرتکب به یک تا سه ماه حبس جنحه ای و یا به پرداخت ۳۰۰ تا ۱۰۰۰ ریال و یا به هر دو کیفر محکوم خواهد شد همین کیفر درباره کسی نیز اجرا می‌شود که طفل مبتلا به کوفت را با علم به آن به زن سالمی بسپارد که از پستان خود او را شیر دهد و آن زن مبتلا به کوفت گردد. تعقیب بزه نامبرده در قسمت اخیر این ماده موکول به شکایت خواهان خصوصی است ماده ۱۱ ـ هر شخصی که می‌خواهد طفلی را به دایه بسپارد موظف است قبل از آنکه دایه پستان به‌دهن طفل بگذارد طفل و دایه را به وسایل مقتضی توسط پزشک امتحان نموده و گواهینامه بهداشتی بدست آورد که طفل یا دایه مبتلا به سفلیس نبوده خطری متوجه طفل یا دایه نیست در صورت تخلف به سه تا هفت روز حبس و یا ۵ تا ۵۰ ریال کیفر نقدی محکوم می‌شود و در صورت ابتلا طفل یا دایه کیفر متخلف حبس تادیبی از دو ماه تا ششماه خواهد بود. ماده ۱۲ ـ هرگاه بهداری بوجود کسی که مبتلا به بیماری آمیزشی واگیر است اطلاع یافت می‌تواند به وسایل مقتضی بازجویی کند که بیمار مشغول درمان می‌باشد یا نه و در صورت لزوم اخطار لازم بنماید تا اگر بیمار در ظرف مهلت مقرر به درمان نپرداخت او را الزام به درمان نماید. ماده ۱۳ ـ پزشکان آزاد و کلیه بنگاههای بهداری که معاینه و درمان بیماریهای آمیزشی می‌نمایند موظفند در آخر هر ماه عده بیماری های آمیزشی را دیده‌اند و قبلا به پزشک دیگری مراجعه ننموده‌اند بدون ذکر نام و مشخصات بیمار به بهداری بفرستند طریقه فرستادن شماره بیماران به موجب آیین نامه ایست که بهداری کل تعیین خواهد کرد. ماده ۱۴ ـ پزشکان آزاد و کلیه بنگاه های بهداری که معاینه و درمان بیماریهای آمیزشی را می نمایند باید حتی المقدور به وسیله پرسش از بیمار کوشش نمایند کانون سرایت بیماری را معین نموده و در موقع مقتضی بدون ذکر نام و مشخصات بیمار اطلاعات کافی برای تجسس و برطرف کردن کانون انتشار بیماری به بهداری مربوط بفرستند که اقدام به عمل آید. ماده ۱۵ ـ وزارت کشور نقاطی را که این فصل قانون در آنجا باید اجرا شود معین خواهد کرد.

فصل دوم – بیماریهای واگیردار (ماده ۱۶ تا ۲۴)

ماده ۱۶ ـ آبله کوبی در دوماهه اول ولادت و تجدید آن در ۷ سالگی ۱۳ سالگی و ۲۱ سالگی مطابق آیین نامه مخصوص اجباری است و اولیای اطفال موظفند که برای آبله کوبی کودکان خود اقدام نمایند مدیران دبستان و دبیرستان و آموزشگاهها و دانشکده‌ها در موقع ورود دانش آموزان و در نقاطی که بهداری کل اعلام می‌نماید کلیه بنگاه های ملی و دولتی و بازرگانی در موقع استخدام کارمندان و شاگرد باید گواهی آبله کوبی مطالبه نمایند. متخلفین از این ماده و همچنین اولیای اطفال که تا یک ماه پس از آگهی بهداری به آبله کوبی طفلی که زیر سرپرستی آنها است و یا به تجدید مایه‌کوبی اقدام ننمایند به سه الی هفت روز حبس و ۱۰ الی ۵۰ ریال کیفر نقدی محکوم خواهند شد. ماده ۱۷ ـ در موقع شیوع بیماری آبله بهداری کل آبله کوبی عمومی و اجباری را اعلام می‌نماید و دراین مورد کلیه پزشکان کشور موظفند اشخاصی را که برای این امر مراجعه می‌نمایند به رایگان آبله کوبی نمایند و پزشک متخلف از این ماده از یازده روز تا یک ماه حبس تادیبی محکوم خواهدشد. ماده ۱۸ ـ با مایه آبله انسانی آبله کوبی ممنوع است و متخلف به یازده روز تا یک ماه و پرداخت ۵۱تا ۵۰۰ ریال و یا به یکی از این دو کیفر محکوم می‌شود. ماده ۱۹ ـ هر پزشک معالج مکلف است در موقع مشاهده یکی از بیماریهای واگیر نامبرده در زیر فورا به بهداری محل اطلاع دهد: ۱ ـ وبا و اسهالهای وبایی شکل ۲ ـ طاعون ۳ ـ تب زرد. ۴ ـ مطبقه (تیفویید). ۵ ـ محرقه (تیفوس) اگرانتیماتیک ۶ ـ آبله ۷ ـ مخملک ۸ ـ سرخجه ۹ ـ خناق (دیفتری) ۱۰ ـ اسهال خونی ۱۱ ـ سرسام واگیر (منتژیت سربرواسپیتال). ۱۲ ـ تب عرق گز (سویت می لی بر). ۱۳ ـ بیماریهای مالاریا ، فلج اطفال ، تب مالت همین وظیفه برای ماماها در مورد تب نفاسی و ورم ملتحمه نوزادان باید رعایت شود. رییس خانواده نسبت به اهل خانه و صاحب مهمانخانه هم درباره مسافرین همین وظیفه را عهده دارند بعلاوه کدخداها موظفند چنانچه در دهی در عرض یک هفته تلفات متعدد غیرعادی مشاهده نمودند فورا بهداری را مطلع نمایند که اقدام مقتضی بنمایند. تبصره ۱ ـ علاوه بر بیماریهای نامبرده اگر بیماریهای زیر هم دراماکن پرجمعیت مانند مدارس کارخانجات و پرورشگاه کودکان و

زندان و غیره دیده شود باید متصدیان آن مراکز و پزشک مسوول آنجا بهداری محل را مطلع نمایند. سیاه سرفه ـ جذام ـ باد سرخ ـ ورم غده بناگوش ـ سل سینه ـ گریپ ـ ذات الریه (پنومونی) تراخم ـ سیاه‌زخم ـ تب راجعه (تیفوس وکورانت) بیماریهای آبله مرغان ـ هپاتیت های ویروسی ، مسمومیت‌غذایی تبصره ۲ ـ در مناطقی که وسایل و امکانات لازم برای تشخیص سرطان فراهم باشد و از طرف وزارت بهداری اعلام گردد کلیه شاغلین رشته‌های پزشکی که به امر مداوای بیماران می‌پردازند موظفند به مجرد مشاهده بیمار مبتلا به سرطان مراتب را کتبا و مشروحا به طور محرمانه به مقامات بهداشتی محل اطلاع دهند. ماده ۲۰ ـ در مواقعی که تشکیل یک منطقه استحفاظی برای رعایت پاکیزگی آب مورد احتیاج باشد مالکین آب و اراضی یا شهرداری آن منطقه موظفند که دستورهای بهداشتی را که مامورین می‌دهند رعایت نمایند. آلوده نمودن آبهایی که به مصرف شرب می‌رسد و ریختن زباله ها یا هر نوع کثافاتی درگذرهای عمومی ممنوع است متخلفین از این ماده مطابق آیین نامه ای که بهداری تنظیم می‌کند به کیفر خلافی محکوم می‌شوند. ماده ۲۱ ـ اشخاصی که برخلاف دستورهای بهداری نسبت به محافظت مواد غذایی که در معرض فروش گذارده می‌شود رفتار نموده یا اقدام بفروش مواد غذایی فاسد یا ناسالم نمایند از پانزده تا سی روز حبس جنحه‌ای و یا ۵۱ تا ۵۰۰ ریال کیفر نقدی محکوم می‌شوند. ماده ۲۲ ـ اشخاصی که مانع اجرای مقررات بهداشتی می‌شوند یا در اثر غفلت باعث انتشار یکی از بیماریهای واگیر می‌شوند به یازده روز تا دو ماه حبس جنحه‌ای و ۵۱ تا ۵۰۰ ریال و یا به یکی از این دو کیفر محکوم می‌شوند. ماده ۲۳ ـ کلیه پزشکان و ماماها و داروسازان مکلفند که دستورات بهداری کل را برای مبارزه با بیماریهای واگیر به موقع اجرا گذارند متخلفین به کیفرهای خلافی طبق آیین نامه بهداری محکوم می‌شوند. ماده ۲۴ ـ آیین نامه اجرای این قانون توسط اداره کل بهداری تهیه و پس از تصویب وزارت دادگستری و وزارت کشور به موقع اجرا گذارده خواهد شد.

قانون سازمان دامپزشکی کشور – مصوب خرداد ۱۳۵۰ (ماده ۱ تا ۲۱)

مصوب خرداد ۱۳۵۰ ماده ۱ ـ به منظور تامین بهداشت دام کشور و فرآورده های مربوط به آن و پیشگیری و مبارزه با بیماریهای دامی به موجب این قانون سازمان دام پزشکی کشور وابسته به وزارت جهاد سازندگی تاسیس و جایگزین اداره کل دامپزشکی می‌گردد. سازمان دام پزشکی کشور که در این قانون سازمان نامیده می‌شود دارای شخصیت حقوقی است و وسیله یک نفر رییس از بین دام پزشکانی که دارای درجه دکتری باشند به انتخاب وزیر کشاورزی اداره خواهد شد. تبصره ـ سازمان دارای ذی حسابی است که طبق مقررات قانون محاسبات عمومی تعیین خواهدشد. ماده ۲ ـ در این قانون کلمه دام به حیوانات اهلی ، طیور ، ماهی ، زنبور عسل ، کرم ابریشم ، حیوانات ازمایشگاهی و حیوانات باغ وحش اطلاق می‌شود و مقصود از کنترل بهداشتی ، بازرسی و اقداماتی است که از لحاظ پیشگیری و مبارزه با امراض دامی و بیماریهای مشترک بین انسان و دام لازم و ضروری می‌باشد. ماده ۳ ـ وظایف سازمان به شرح زیر است الف ـ بررسی بیماریهای دامی شناسایی مناطق و منابع آلوده و راه سرایت و طرز انتشار بیماریها. ب ـ تامین بهداشت دام کشور از طریق پیشگیری و مبارزه با بیماریهای همه گیر و قرنطینه ای دام ج ـ همکاری با وزارت بهداری در امر مبارزه با بیماریهای مشترک انسان و دام د ـ تاسیس پستهای قرنطینه در نوار مرزی و داخل کشور به منظور جلوگیری از سرایت بیماریهای دامی ، همچنین کنترل بهداشتی و ورود و خروج دام و فرآورده های خام دامی و نظارت در نقل و انتقال آنها و صدور گواهی بهداشتی دام و فرآورده‌های خام دامی که به خارج صادر می‌شود. ه ـ نظارت بهداشتی چراگاه ها ، مراتع ، آبشخوارها ، محل نگهداری دام و سایر تاسیسات مربوط به پرورش دام ، همچنین نظارت بر کارخانه‌های تولید خوراک دام از لحاظ بهداشتی و ـ نظارت بهداشتی کشتارگاهها و کارخانه‌های تولید و تهیه فرآورده‌های خام دامی ز ـ اظهار نظر و نظارت در مورد ساخت ، ورود و صدور و فروش انواع دارو ، واکسن ، سرم و مواد بیولوژیکی مخصوص دام ح ـ مشارکت در کنفرانسهای بین‌المللی دام پزشکی و اعزام نماینده به این کنفرانسها در حدود اعتبارات مصوب و پس از تایید وزیر جهاد سازندگی ، همچنین مبادله اطلاعات علمی با

مراکز و مراجع علمی دام پزشکی ط ـ تاسیس و توسعه شبکه‌های دام پزشکی همچنین تربیت کادر فنی در مناطق و مراکز دامداری کشور. ی ـ سایر اموری که در اجرای هدفهای مندرج در ماده یک از طرف وزارت جهاد سازندگی تعیین و برای اجرا به سازمان ابلاغ می‌شود. ماده ۴ ـ کلیه صاحبان و مسوولان نگاهداری دام و کارگاه ها و کارخانه‌ها و مراکز تهیه و آماده کردن فرآورده‌های خام دامی اعم از اشخاص و موسسات و شرکتهای خصوصی و یا دولتی یا وابسته به دولت و یا هرنوع شرکت و سازمانی که به نحوی از انحا به پرورش یا نگاهداری دام و تهیه و آماده کردن فرآورده های خام دامی اشتغال دارند موظف به اجرای دستورهای بهداشتی و قرنطینه ای سازمان می‌باشند. ماده ۵ ـ سازمان مکلف است به منظور مبارزه با بیماریهای دامی و جلوگیری از سرایت و انتشار آنها با موافقت وزارت جهاد کشاورزی اقدامات زیر را به عمل آورد: الف ـ در هر نقطه از کشور که لازم بداند به تلقیحات و معالجات دامی و انجام عملیات بهداشتی و قرنطینه‌ای اقدام نماید. ب ـ برای جلوگیری از سرایت و انتشار بیماریهای دامی در نقاط مورد لزوم از عبور و مرور و نقل و انتقال دام و فرآورده های خام دامی ممانعت به عمل آورد و مراتب را قبلا به نحوی که مقتضی بداند به اطلاع صاحبان دام و در صورت لزوم به اطلاع عموم برساند. ج ـ دام بیمار یا مظنون به ابتلای بیماری یا ناقل عامل بیماری را معدوم کند و اگر قابل مصرف تشخیص شد برای ذبح به کشتارگاه اعزام دارد و طبق ضوابطی که در آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد غرامت بپردازد. در صورتی که تمام یا هر قسمت از دام ذبح شده قابل مصرف تشخیص داده شود بهای آن از میزان غرامت مزبور کسر خواهد شد. د ـ اماکن و اشیا و لوازم و مواد آلوده را در صورت لزوم ضد عفونی نموده و در صورتی که غیر قابل ضد عفونی تشخیص گردید به نحوی که در آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد با تادیه غرامت خراب یا معدوم نماید. ماده ۶ ـ اشخاصی که در مواقع بروز بیماریهای واگیر دامی و اعلام لزوم رعایت مقررات قرنطینه برخلاف دستور سازمان اقدامی نمایند که موجبات سرایت بیماری را از محلی به محل دیگر فراهم کند و یا مانع اجرای وظایف مقرر در ماده ۵ این قانون شوند به تقاضای سازمان مورد تعقیب قانونی قرار گرفته و به سه تا شش ماه حبس جنحه‌ای و یا پرداخت جریمه نقدی از پنج هزار ریال تا پنجاه هزار ریال یا به هردو مجازات محکوم خواهند شد. ماده ۷ ـ ورود و صدور هرنوع دام زنده ، تخم مرغ نطفه دار ، اسپرم دام ، فرآورده های خام دامی ، داروها و واکسن ها و سرم ها و مواد بیولوژیکی و مواد ضد عفونی و سموم دامپزشکی و مواد غذایی متراکم و مکملهای غذای دام و داروهایی که برای ساختن مواد نامبرده مورد نیاز است باید با موافقت وزارت جهاد سازندگی صورت گیرد. ماده ۸ ـ هرگاه دام و فرآورده‌های خام دامی و مواد ذکر شده در ماده ۷ به علت آلودگی به بیماریها یا فساد قابل ترخیص نباشد در صورتی که به تشخیص سازمان بتوان آلودگی را از بین برد اقدامات لازم به هزینه صاحبان آنها انجام و اجازه ترخیص از طرف ماموران قرنطینه دام پزشکی داده خواهد شد و در غیر این صورت دام یا فرآورده یا مواد مورد بحث به وسیله صاحب آنها باید برگشت داده شود و الا نسبت به اعدام یا امحای آنها از طرف مامورین سازمان اقدام خواهد شد. ماده ۹ ـ اشتغال به کار تهیه و ترکیب و فروش داروهای ساده مرکب واکسنها ، سرمها ، مواد بیولوژیکی ، مواد ضد عفونی ، سموم و مواد دیگری که به اشکال مختلف مورد مصرف دام پزشکی قرار می گیرد مستلزم اخذ پروانه از سازمان است موسسات و شرکتها و کارگاهها و کارخانه هایی که قبل از تصویب این قانون برای انجام کارهای بالا تاسیس شده‌اند مکلفند ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون پروانه لازم را تحصیل نمایند. ماده ۱۰ ـ تاسیس بیمارستان ها و درمانگاه های دام پزشکی همچنین اشتغال به مایه کوبی و درمان دام مستلزم اخذ پروانه از سازمان خواهد بود. درمانگاهها و بیمارستانهای وابسته به دانشگاهها و موسسات آموزش عالی و تحقیقاتی مشمول این ماده نخواهند بود. بیمارستانها و درمانگاه های دامپزشکی که قبل از تصویب این قانون تاسیس شده‌اند و اشخاصی که اشتغال به مایه کوبی و درمان دام داشته‌اند مکلفند ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون پروانه لازم را تحصیل نمایند. ماده ۱۱ ـ در صورتی که اشخاص بدون اخذ پروانه از سازمان به مایه کوبی و درمان دام اشتغال ورزند به تقاضای سازمان مورد تعقیب قرار گرفته و به سه تا شش ماه حبس جنحه ای محکوم خواهند شد. ماده ۱۲ ـ در صورتی که اشخاصی اعم از حقیقی

یا حقوقی وظایف تعیین شده در مواد ۴ و ۶ و ۸ و۹ و ۱۰ این قانون را رعایت ننمایند ماموران انتظامی مکلفند به تقاضای سازمان به منظور اجرای مقررات مواد مذکور اقدام لازم معمول دارند و در صورت تقاضای سازمان از ادامه کار آنها جلوگیری کنند. ماده ۱۳ ـ سازمان مجاز است در صورت لزوم وسائل و لوازم فنی ، داروها ، واکسن ها ، سرم ها ، مواد بیولوژیکی ، سموم و مواد ضد عفونی مربوط به مبارزه با بیماریهای دامی را از داخل و یا راسا از خارج کشور خریداری و به قیمت تمام شده یا مجانا در اختیار متقاضیان مصرف کننده بگذارد. ماده ۱۴ ـ سازمان مجاز است در مقابل انجام خدمات دامپزشکی وجوه متناسبی با خدمات انجام شده دریافت نماید. وجوه حاصل از این بابت در حساب مخصوصی که در خزانه افتتاح خواهد شد جمع آوری و صرف هزینه های مربوط به مبارزه با بیماریهای دامی خواهد شد. تعیین خدمات و میزان وجوه طبق آیین نامه اجرایی این قانون خواهد بود. ماده ۱۵ ـ در صورت بروز بیماریهای واگیر دامی که به طور غیر مترقبه شایع شود و هزینه آن در بودجه سازمان منظور نگردیده باشد وزارت جهاد سازندگی با استفاده از اختیارات خود موظف به مبارزه فوری است و دولت نیز مکلف است اعتبار لازم را تامین و در اختیار وزارت جهاد سازندگی بگذارد. ماده ۱۶ ـ وزارت دارایی مکلف است اعتبارات هزینه‌های مربوط به پیشگیری و مبارزه با بیماریهای دامی مصوب در بودجه کل کشور را هر سال به اقساط چهارگانه در ابتدای هر فصل دراختیار سازمان بگذارد. ماده ۱۷ ـ از تاریخ تصویب این قانون کلیه اموال و کارمندان و وظایف و مسئولیت‌ها و اختیارات اداره کل دام پزشکی وزارت کشاورزی به سازمان منتقل می‌شود. ماده ۱۸ ـ بازرسی و معاینه بهداشتی گوشت در کشتارگاه های کشور از وظایف سازمان است و شهرداریها و سازمانهای ذی ربط مکلفند پرسنل ، بودجه و اعتبار لازم را طبق آیین نامه اجرایی این قانون در اختیار سازمان بگذارند. ماده ۱۹ ـ وزارت کشاورزی مکلف است ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون مقررات لازم برای برقراری نظام دامداری کشور را طی آیین نامه ای تدوین نموده و به مجلس تقدیم دارد. آیین‌نامه مزبور پس از تصویب کمیسیونهای مربوط مجلسین قابل اجرا خواهد بود. ماده ۲۰ ـ قانون تفتیش صحی حیوانات مصوب سال ۱۳۱۴ ملغی است ماده ۲۱ ـ آیین نامه های لازم برای اجرای مواد این قانون به وسیله وزارت کشاورزی تهیه و پس از تصویب هیات وزیران به موقع اجرا گذاشته می‌شود.

آیین نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه ای شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته

فصل اول ـ تعاریف ، شرح وظایف و تخلفات صنفی و حرفه ای (ماده ۱ تا ۲۸)

قسمت اول تعاریف ماده ۱ ـ حرفه های وابسته به امور پزشکی موضوع ماده (۲۴) قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران که از این پس به اختصار (قانون نامیده می‌شود عبارتند از: فارغ التحصیلان کاردانی ، کارشناسی و کارشناسی ارشد و بالاتر شاغل در رشته های علوم آزمایشگاهی ، بیوتکنولوژی ، رادیولوژی ، بیورادیولوژی ، رادیوتراپی ، پرستاری ، مامایی ، اطاق عمل ، هوشبری ، داروسازی ، تغذیه ، مبارزه با بیماریها ، بهداشت خانواده ، بهداشت کار دهان و دندان ، فارغ التحصیلان دانشکده بهداشت ، رشته‌های مختلف توانبخشی ، فیزیوتراپی ، بیوشیمی پزشکی ، خدمات اجتماعی و مددکاری و علوم پایه پزشکی ، روانپزشکی بالینی ، کایروپراکتیک و روان‌شناسی بالینی و کودکان استثنایی و ژنتیک پزشکی و سایر حرفه های وابسته به امور پزشکی که فعالیت آنان نیاز به اخذ مجوز از وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی دارد. تبصره ـ شاغلان پزشکی و حرفه های وابسته موضوع این ماده افرادی هستند که در یکی از مراکز تحقیقاتی درمانی ، آموزشی و بهداشتی اعم از خصوصی ، دولتی و تعاونی پزشکی ، وابسته به دولت یا خیریه یا حسب مورد مطب یا دفتر کار اشتغال دارند و از این پس به اختصار (شاغلان حرفه های پزشکی و وابسته) نامیده می‌شوند. قسمت دوم شرح وظایف و تخلفات صنفی و حرفه ای ماده ۲ ـ شاغلان حرفه های پزشکی و وابسته مکلفند بدون توجه به ملیت ، نژاد ، مذهب و موقعیت اجتماعی ـ سیاسی و اقتصادی بیماران حداکثر تلاش ممکن را در

حدود وظایف خود به کار ببرند. ماده ۳ ـ شاغلان حرفه های پزشکی و وابسته باید طبق موازین علمی ، شرعی و قانونی و نظامات دولتی صنفی و حرفه‌ای انجام وظیفه کرده و از هر گونه سهل انگاری در انجام وظایف قانونی بپرهیزند. ماده ۴ ـ شاغلان حرفه های پزشکی و وابسته حق افشای اسرار و نوع بیماری ، بیمار ، مگر به موجب قانون را ندارند. ماده ۵ ـ پزشکان و دندان پزشکان و متخصصان و دکترهای حرفه‌ای علوم آزمایشگاه ، ماماها و کایروپراکتورها موظف به پذیرش آن تعداد بیمار هستند که بنا به تشخیص سازمان نظام پزشکی حسب مورد معاینه دقیق و انجام آزمایشهای آنها در یک زمان مناسب میسر باشد. ماده ۶ ـ انجام امور خلاف شوون پزشکی توسط شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته ممنوع است و باید از ارتکاب کارهایی که موجب هتک حرمت جامعه پزشکی می‌شود خودداری کنند. ماده ۷ ـ تحمیل مخارج غیر ضروری به بیماران ممنوع است ماده ۸ ـ ایجاد رعب و هراس در بیمار با تشریح غیرواقعی وخامت بیماری یا وخیم جلوه دادن بیماری ممنوع است و پزشک می‌تواند به نحو مقتضی بیمار و بستگان را در جریان خطرات ، وخامت و عواقب احتمالی بیماری قرار بدهد. ماده ۹ ـ تجویز داروهای روان گردان و مخدر به گونه ای که به حالت اعتیاد در آید ممنوع است ، مگردر مواردی که بیمار از بیماری روانی یا از دردهای شدید ناشی از بیماری های غیرقابل علاج رنج ببرد یا ضرورت پزشکی مصرف آنها را ایجاب کند. ماده ۱۰ ـ شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته مکلفند تعرفه‌های خدمات درمانی مصوب ابلاغ شده از طرف وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی را رعایت کنند. ماده ۱۱ ـ شاغلان حرفه های پزشکی و وابسته مکلفند در مواقعی که به منظور پیشگیری از بیماریهای واگیر یا در هنگام بروز بحران و سوانح از سوی وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی یا مراجع تعیین شده از طرف وزارت یاد شده به آنان اعلام می‌شود ، همکاری ممکن و لازم را معمول دارند. ماده ۱۲ ـ جذب بیمار از موسسات بهداشتی ، درمانی ، دولتی و وابسته به دولت و خیریه به مطب شخصی یا بخش خصوصی ، بیمارستان و درمانگاه خصوصی و بالعکس به منظور استفاده مادی توسط شاغلان حرفه های پزشکی و وابسته ممنوع است ماده ۱۳ ـ شاغلان حرفه های پزشکی و وابسته حق دریافت هیچ گونه وجه یا مالی را از بیماران علاوه بر وجوهی که توسط مسوولان موسسه درمانی ذی ربط طبق مقررات دریافت می‌شود ندارند. ماده ۱۴ ـ جذب بیمار به صورتی که مخالف شوون حرفه پزشکی باشد و همچنین هر نوع تبلیغ گمراه کننده از طریق رسانه های گروهی و نصب آگهی در اماکن و معابر ، خارج از ضوابط نظام پزشکی ممنوع است تبلیغ تجاری کالاهای پزشکی و دارویی از سوی شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته ، همچنین نصب اعلانات تبلیغی که جنبه تجاری دارند، در محل کار آنها مجاز نیست ماده ۱۵ ـ انتشار مقالات و گزارشهای پزشکی و تشریح مطالب فنی و حرفه‌ای که جنبه تبلیغاتی گمراه کننده داشته باشند ممنوع است ماده ۱۶ ـ استفاده شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته از عناوین علمی و تخصصی غیر تایید شده توسط وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی ممنوع است ماده ۱۷ ـ تجویز داروهایی که از طرف وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی در فارماکویه (مجموعه دارویی کشور) اعلام نشده باشد توسط پزشک مگر از مجاری اعلام شده و بر اساس مقررات موجود ممنوع است ماده ۱۸ ـ پزشک معالج مسوول ادامه درمان بیمار خود در حد توانایی و تخصص به استثنای موارد ضروری است مگر این که بیمار یا بستگان او مایل نباشند. تبصره ـ موارد اورژانس از شمول این ماده مستثنی است ماده ۱۹ ـ در مواردی که مشاوره پزشکی لازم باشد انتخاب پزشک مشاور با پزشک معالج است درصورتی که بیمار یا بستگان او مشاوره پزشکی را لازم بدانند مشاوره پزشکی با نظر پزشک معالج به‌عمل می‌آید و چنانچه بیمار یا بستگان او بدون اطلاع پزشک معالج از پزشک دیگری برای درمان بیمار دعوت به عمل آورند در این صورت پزشک معالج اول می‌تواند از ادامه درمان بیمار خودداری نماید، مگر اینکه این دعوت در مواقع فوری و ضروری باشد. ماده ۲۰ ـ تجویز داروهای مازاد بر نیاز بیمار یا غیر متجانس و خارج از ضوابط علمی و فنی ممنوع است ماده ۲۱ ـ فروش دارو و ابزار پزشکی توسط پزشکان ، مگر با مجوز رسمی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی ممنوع است ماده ۲۲ ـ مشخصات و طرز استفاده داروهای تجویز شده به بیمار باید توسط پزشک با خط خوانا و انشای قابل فهم در نسخه قید شود. تبصره ۱ ـ صدور نسخه‌های همسان و

متحدالشکل ممنوع است تبصره ۲ ـ دکتر داروساز موظف به توضیح چگونگی تجویز دارو طبق نسخه پزشک است ماده ۲۳ ـ مسوولان فنی موظفند در تمام ساعات شبانه روز بر امور فنی موسسات پزشکی نظارت کنند. ماده ۲۴ ـ اندازه و سایر مشخصات سر نسخه‌ها ، تابلوها و چگونگی درج آگهی در رسانه ها باید طبق نمونه‌ای باشد که به تصویب شورای عالی نظام پزشکی می‌رسد. ماده ۲۵ ـ به کارگیری و استفاده از افراد غیر مجاز در امور پزشکی و حرفه‌های وابسته در موسسات پزشکی و مطب ممنوع است ماده ۲۶ ـ شاغلان حرفه‌های پزشکی مکلفند نشانی و تغییر نشانی مطب و موسسات پزشکی خود را به سازمان نظام پزشکی محل اطلاع دهند. ماده ۲۷ ـ شاغلان حرفه‌های پزشکی مکلفند در موارد فوریتهای پزشکی اقدامات مناسب و لازم را برای نجات بیمار بدون فوت وقت انجام دهند. ماده ۲۸ ـ مسوولان فنی موسسات پزشکی اعم از دولتی ، وابسته به دولت ، خصوصی و خیریه مکلفند علاوه بر قوانین و مقررات موجود در آیین نامه‌های مصوب وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی ، همچنین ضوابط علمی و حرفه ای ذی ربط را رعایت کنند.

فصل دوم ـ مجازاتهای انتظامی (ماده ۲۹ تا ۳۱)

ماده ۲۹ ـ مجازاتهای موضوع تبصره ماده (۲۴) قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی ـ مصوب ۱۳۷۴ـ به شرح زیر اعمال می‌شوند: الف ـ متخلفان از مواد (۲)، (۴)، (۵)، (۸)، (۱۸)، (۱۹)، (۲۲)، (۲۴) و (۲۶) این آیین نامه حسب مورد به مجازاتهای مقرر در بندهای (الف و (ب تبصره ـ متخلفان از مواد موضوع این بند به استثنای مواد (۲)، (۴)، (۸)، (۲۴) در صورت تکرار به مجازاتهای مقرر در بند (ج و در مورد مواد (۲)، (۴)، (۸) و (۲۴) به مجازاتهای بندهای (ج یا (د) ب ـ متخلفان از مواد (۹)، (۱۵)، (۱۶)، (۱۷)، (۲۰)، (۲۱)، (۲۳) حسب مورد به مجازات مقرر در بندهای (ب یا (ج یا (د) پ ـ متخلفان از مواد (۷)، (۱۰)، (۱۱)، (۱۲)، (۱۳)، (۱۴) و (۲۵) حسب مورد به مجازاتهای مقرر در بندهای (ج یا (د) یا (ه) ت ـ متخلفان از مواد (۲۷) و (۲۸) حسب مورد به مجازاتهای مقرر در بندهای (ج یا (د) یا (ه) یا(و). ث ـ متخلفان از مواد (۳) و (۶) به مجازاتهای مقرر در بندهای (ج یا (د) یا (ه) یا (و) یا (ز). ماده ۳۰ ـ مفاد آرای قطعی هیاتهای انتظامی نظام پزشکی در مورد بندهای (پ و (ث در ماده (۲۹) این آیین نامه در نشریات محلی و کثیرالانتشار کشور درج می‌شود. ماده ۳۱ ـ در مواردی که رای قطعی به محرومیت از اشتغال به امور پزشکی و حرفه های وابسته‌صادر می‌شود اشتغال محکوم علیه به حرفه های یاد شده در مدت محرومیت در بخشهای خصوصی ، عمومی ، دولتی و یا خیریه ممنوع است تبصره ۱ ـ محرومیت از اشتغال به حرفه پزشکی ، دندان پزشکی ، داروسازی و علوم آزمایشگاهی کارکنان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران محدود به حرفه‌های مربوط و خارج از خدمات سازمانی آنان است و ادامه اشتغال به کار آنان در موسسات وابسته به نیروهای مسلح ، مربوط به اختیارات و مقررات نیروهای یاد شده است تبصره ۲ ـ هیات‌های بدوی و عالی انتظامی در اسرع وقت موظف به رسیدگی به شکایات ارجاع شده از سوی مسوولان ذی ربط وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی می‌باشند.

فصل سوم ـ رسیدگی به تخلفات (ماده ۳۲ تا ۵۰)

قسمت اول مرجع رسیدگی و چگونگی شروع به امر رسیدگی ماده ۳۲ ـ مرجع رسیدگی به تخلفات انتظامی شاغلان حرفه‌های پزشکی در هر شهرستان هیات‌های بدوی انتظامی نظام پزشکی است ماده ۳۳ ـ هیات بدوی انتظامی نظام پزشکی در موارد زیر مکلف به رسیدگی است الف ـ وصول شکایت از طرف شاکی خصوصی اعم از شخص حقیقی یا حقوقی . ب ـ اعلام تخلف از طریق مراجع قضایی یا مسوولان ذی ربط وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی یا موسسات و سازمانهای دولتی پ ـ اعلام

تخلف از طرف شورای عالی یا هیات عالی انتظامی و رییس یا هیات مدیره نظام پزشکی شهرستان مربوط تبصره ۱ـ مراجع یاد شده در بندهای بالا حداکثر ظرف یک سال از تاریخ وقوع تخلف یا بروز عوارض می‌توانند به هیاتهای بدوی اعلام شکایت کنند. آغاز مرور زمان تخلفات انتظامی شاغلان حرفه‌های پزشکی تاریخ وقوع تخلف است و در مورد تخلف مستمر تاریخی است که استمرار قطع شده است تبصره ۲ ـ در صورتی که پرونده منوط به تعیین تکلیف در دادگستری باشد مرور زمان متوقف می‌شود و مدتی که تعقیب متخلف به عللی معلق می‌ماند جزو مدت مرور زمان محسوب نمی‌شود، همچنین جریان مرور زمان با هر اقدام تعقیبی قطع می‌شود و مدت قبلی مرور زمانهایی که قطع شده محاسبه نمی‌شود. ماده ۳۴ ـ شکایت باید با امضا و تاریخ و شامل نام و مشخصات و نشانی کامل شاکی و مشتکی عنه و تاریخ وقوع تخلف و محل وقوع تخلف باشد و به شکایات بدون امضا یا امضای مستعار ترتیب اثر داده نمی‌شود. ماده ۳۵ ـ شکایت و اعلام تخلف از طریق دبیرخانه نظام پزشکی هر شهرستان به هیات بدوی انتظامی مربوط ارسال می‌شود. ماده ۳۶ ـ رییس هیات بدوی انتظامی باید رسیدگی مقدماتی را به یکی از اعضای هیات به عنوان عضو محقق ارجاع کند. عضو محقق موظف است حداکثر ظرف یک ماه تحقیقات لازم را با رعایت قوانین و مقررات مربوط انجام دهد و گزارش آن را به هیات ارایه کند، دبیرخانه نظام پزشکی شهرستان موظف است رونوشت شکواییه یا اعلام تخلف و ضمایم را برای مشتکی عنه ارسال کند تا مشتکی عنه ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ ، پاسخ کتبی خود را به ضمیمه دلایل و مدارک مورد استناد به دبیرخانه نظام پزشکی شهرستان تسلیم کند. ماده ۳۷ ـ دبیرخانه پس از وصول پاسخ یا در صورتی که در مهلت مقرر پاسخی نرسد پرونده را به هیات بدوی ارسال می‌کند تا در صورت آماده بودن پرونده ، هیات رای مقتضی را صادر کند. چنانچه ارایه توضیحی از طرفها یا استماع شهادت شهود و مطلعان لازم باشد هیات باید وقت رسیدگی را معین و شخص یا اشخاص فوق را دعوت کند. ماده ۳۸ ـ هر گاه مشتکی عنه یا شهود در حوزه دیگری باشند و به طور کلی نیاز به هر اقدام دیگری در محلی که خارج از حوزه هیات بدوی انتظامی است باشد، رییس هیات بدوی انتظامی که مشغول رسیدگی است پرونده را ارسال و دستورات لازم را در این مورد به رییس هیات بدوی انتظامی محلی که باید تحقیقات در آنجا به عمل آید می‌دهد. رییس هیات بدوی انتظامی آن محل بعد از انجام تحقیقات آن را امضا نموده نزد رییس هیات بدوی انتظامی اول ارسال می‌دارد. ماده ۳۹ ـ هیات بدوی با حضور دو سوم اعضا رسمیت می‌یابد و آرای آن با اکثریت اعضای حاضر معتبر خواهد بود. ماده ۴۰ ـ رای هیات بدوی باید موجه مدلل و مستند به مقررات قانونی باشد. ماده ۴۱ ـ رای هیات بدوی توسط رییس هیات بدوی انتظامی نظام پزشکی محل باید به طرفها ابلاغ شود و رونوشت رای صادر شده برای رییس نظام پزشکی محل و هیات عالی انتظامی ارسال گردد. ماده ۴۲ ـ اعضای هیات‌های بدوی یا هیات عالی انتظامی در موارد زیر در رسیدگی و صدور رای شرکت نمی‌کنند: الف ـ عضو هیات یا زوجه وی با متهم قرابت سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم داشته باشند. ب ـ عضو هیات با متهم دعوای حقوقی یا جزایی داشته باشد. پ ـ عضو هیات یا زوجه وی در دعوای طرح شده ذی نفع باشند. ماده ۴۳ ـ موسسات درمانی و بهداشتی و سایر مراجع مربوط اعم از دولتی یا غیر دولتی ، مکلفند اصل کلیه اوراق پرونده پزشکی بیمار یا فتوکپی ممهور به مهر موسسه درمانی و بهداشتی را که به امضای رییس آن واحد رسیده است در صورت مطالبه هیات های بدوی و عالی انتظامی ظرف ده روز پس از ابلاغ درخواست در اختیار هیات‌های یاد شده قرار دهند. تبصره ـ چنانچه در پرونده پزشکی بیمار اسناد طبقه بندی شده وجود داشته باشد و رسیدگی به تخلف منوط به اطلاع هیات ها از آنها باشد دسترسی به این قبیل اسناد با رعایت قوانین و مقررات مربوط امکان پذیر است ماده ۴۴ ـ رسیدگی و اقدامات مراجع قضایی در هر حال مانع رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای متخلفان در هیات های بدوی و عالی انتظامی نیست ماد ۴۵ ـ هر گاه هیات‌های بدوی انتظامی یا هیات عالی انتظامی در جریان رسیدگی به مواردی که جنبه جزایی داشته باشد برخورد نمایند مکلفند موضوع را به مراجع قضایی اعلام کنند. قسمت دوم تجدید نظرخواهی ماده ۴۶ ـ تجدیدنظرخواهی از آرای صادر شده حداکثر ظرف (۲۰) روز از تاریخ ابلاغ رای امکان‌پذیر است تجدیدنظر خواه باید در مدت یاد شده اعتراض خود را به صورت

کتبی به دبیرخانه هیات بدوی انتظامی صادر کننده رای یا دبیرخانه هیات عالی انتظامی تسلیم و رسید دریافت کند. ماده ۴۷ ـ تجدیدنظرخواهی در زمان مقرر موضوع ماده (۴۶) این آیین نامه مانع از اجرای رای هیات بدوی می‌شود و در صورت عدم دریافت درخواست تجدیدنظر رای صادر قطعی و از تاریخ انقضای مهلت تعیین شده لازم الاجرا است ماده ۴۸ ـ هیات بدوی مکلف است در صورت تسلیم اعتراضیه ظرف یک هفته لایحه اعتراضی و پرونده مربوط را به هیات عالی انتظامی ارسال کند. ماده ۴۹ ـ رییس هیات عالی انتظامی ، پرونده های واصله از هیات های بدوی را جهت رسیدگی به یکی از اعضای هیات عالی به عنوان عضو محقق ارجاع می‌نماید. عضو محقق پس از تحقیقات لازم حداکثر ظرف یک ماه پرونده را جهت صدور رای به هیات عالی تسلیم می‌نماید و چنانچه تحقیقات کافی نباشد و یا نیاز به بررسی بیشتر باشد عضو محقق مهلت یاد شده را با تصویب هیات عالی تمدید خواهد کرد. هیات عالی در صورتی که پرونده را تکمیل دانست رای مقتضی را صادر می‌نماید ولی چنانچه هیات انجام تحقیقات بیشتر و یا اخذ توضیح دیگری را لازم بداند نسبت به ادامه رسیدگی اقدام و درصورت لزوم با تعیین وقت ، طرفها را جهت رسیدگی و اخذ توضیحات دعوت در نهایت رای صادرخواهد نمود. ماده ۵۰ ـ رای هیات عالی انتظامی قطعی و لازم الاجراست و توسط رییس هیات عالی انتظامی ابلاغ می‌شود.

فصل چهارم ـ سایر مقررات (ماده ۵۱ تا ۵۶)

ماده ۵۱ ـ در مورد تعدد تخلف هر گاه تخلفات ارتکابی مختلف باشد باید برای هر یک از تخلفات مجازات انتظامی جداگانه در نظر گرفته شود و اگر مختلف نباشد فقط یک مجازات انتظامی در نظرگرفته می‌شود و تعدد تخلف از علل تشدید مجازات خواهد بود. ماده ۵۲ ـ به تخلفات متعدد متخلف باید تواما رسیدگی شود. ماده ۵۳ ـ هر گاه کسی مرتکب تخلف حرفه‌ای شود در هیات های بدوی انتظامی سازمان نظام پزشکی رسیدگی می‌شود که تخلف در حوزه آن وقوع یافته اگر شخص مرتکب چندین تخلف در جاهای مختلف شود در هیات بدوی انتظامی سازمان نظام پزشکی که متخلف در آن به حرفه پزشکی اشتغال دارد یا داشته است رسیدگی می‌شود. ماده ۵۴ ـ ابلاغ آرا و سایر اوراق موضوع این آیین نامه از طریق پست سفارشی یا مامور ابلاغ سازمان نظام پزشکی یا حسب مورد دانشگاه یا دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی ، درمانی محل یا به وسیله مامورین ابلاغ وزارت دادگستری صورت می گیرد. تبصره ۱ ـ دانشگاه یا دانشکده های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی ، درمانی محل یا مامورین ابلاغ وزارت دادگستری حسب مورد مکلفند نتیجه ابلاغ را به هیات های رسیدگی کننده اعلام کنند تبصره ۲ ـ تشخیص صحت ابلاغ با هیات رسیدگی کننده است ماده ۵۵ ـ آرای قطعی هیات بدوی و آرای هیات عالی انتظامی ـ حسب مورد ـ توسط دانشگاه یا دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اجرا می‌شود. تبصره ـ مسؤولیت پیگیری اجرای احکام صادر شده با سازمان نظام پزشکی است ماده ۵۶ ـ آیین نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته (موضوع تصویبنامه شماره ۷۷۴۹/ ت ۲۰۰ ه مورخ ۲۶/۵/۱۳۷۳) و اصلاحیه آیین نامه یادشده (موضوع تصویبنامه شماره ۲۹۹۳/ ت ۱۴۸۷۹ ه مورخ ۱۷/۳/۱۳۷۴) لغو می‌شوند. معاون اول رییس جمهور ـ حسن حبیبی

آیین نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی کشور – مصوب ۲۷/۴/۱۳۷۲ (ماده ۱ تا ۲۰)

به استناد ماده یازده قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی کشور ، مصوب ۲۷/۴/۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی آیین نامه اجرایی قانون فوق الذکر مشتمل بر ۲۰ ماده و ۲ تبصره به شرح زیر مورد تصویب قرار گرفت و از تاریخ ابلاغ لازم الاجرا می‌باشد. ماده ۱ ـ درخواستها و دستورات مراجع ذی صلاح قضایی به سازمان پزشکی قانونی کشور (که منبعد در این آیین نامه سازمان نامیده می‌شود) و واحدهای تابعه آن بایستی در چهارچوب وظایف قانونی سازمان ، روشن ، صریح و دربرگیرنده جهات کامل خواسته

های کارشناسی و تشخیص های پزشکی قانونی نسبت به موضوع ارجاعی بوده و به امضای مقامات قضایی ذی ربط رسیده باشد. ماده ۲ ـ درخواستها و دستورات مراجع قضایی که بر اساس ماده یک این آیین نامه صادر شده باشد توسط مسوول مربوط در سازمان و واحد های تابعه آن حسب مورد به افراد یا بخشهای ذی ربط ارجاع می گردد و سایر اقدامات تشخیصی لازم اعم از معاینات بالینی افراد و کالبد گشایی اجساد و سایر اقدامات پاراکلینیکی و امور آزمایشگاهی و در صورت لزوم ارجاع موضوع به کمیسیونهای پزشکی ، نتایج حاصله در مدتی متناسب با موضوع ارجاعی طی گزارشی حاوی نکات مورد درخواست مرجع قضایی و رعایت مفاد تبصره یک ماده یک قانون با امضای مدیران مربوطه یا مقامات مجاز از طرف آنها به مقام قضایی ذی ربط منعکس می گردد. ماده ۳ ـ استعلامات ادارات و سازمانهای وابسته به قوه قضاییه و سایر دستگاههای دولتی ازسازمان و واحدهای تابعه آن بایستی در چهارچوب وظایف قانونی سازمان و دستگاههای استعلام‌کننده ، مکتوب ، روشن ، صریح و بیان کننده دقیق ابعاد خواسته‌های کارشناسی مرجع استعلام کننده از سازمان و واحدهای تابعه آن بوده و به امضای مقامات مجاز دستگاه مربوط رسیده باشد. ماده ۴ ـ برنامه ریزی ، تعیین مدت ، نحوه کارآموزی ، موضوعات مورد آموزش در مقاطع مختلف ، بررسی صلاحیت های علمی و صدور گواهینامه های مربوطه و نیز تنظیم برنامه و اجرای سایر امور آموزشی سازمان برای کلیه افرادی که لازم است دوره کارآموزی پزشکی قانونی را طی نمایند به‌موجب دستورالعمل اجرایی خواهد بود که به تصویب رییس سازمان خواهد رسید. ماده ۵ ـ همکاری علمی و انجام امور آموزشی و پژوهشی مورد نیاز سازمان و دانشگاهها ، موضوع بند ۴ ماده یک قانون بر اساس مقاوله نامه هایی که بر حسب مورد بین سازمان و دانشگاههای ذی ربط امضا و مبادله خواهد شد صورت می گیرد. ماده ۶ ـ در اجرای بند ۵ ماده یک قانون ، سازمان می‌تواند ضمن برقراری ارتباط و مبادله اطلاعات روز علوم ذی ربط با مراکز آموزشی و پژوهشی داخل و خارج از کشور نسبت به برگزاری سمینارهای علمی و تخصصی و یا اعزام مدیران و کارشناسان خود جهت شرکت در کنفرانس ها و سمینارها وسمپوزیوم های داخلی و بین المللی اقدام نماید. همچنین سازمان می‌تواند به منظور بالا بردن سطح اطلاعات علمی و تجربی نیروهای تخصصی و فنی خود افرادی را جهت طی دوره‌های مختلف تخصصی و فوق تخصصی و یا بهره گیری از فرصتهای مطالعاتی به مراکز آموزشی و پژوهشی معتبر داخل و یا خارج از کشور اعزام کند. ماده ۷ ـ مقامات قضایی ذی ربط می‌توانند به منظور اجرای صحیح تبصره ۲ ماده یک قانون از نظرات کارشناسی مقامات ذی صلاح پزشکی قانونی استفاده نمایند. ماده ۸ ـ هزینه های خدمات پزشکی قانونی و انجام امور آموزشی و پژوهشی در حدود ماده سه قانون بر اساس تعرفه مصوب م ۱۸۸۳۱/۱ مورخ ۳/۶/۱۳۷۲ و اصلاحیه های بعدی آن وصول و به حساب درآمدهای عمومی کشور واریز و سپس بر اساس قانون بودجه هر سال و مفاد ماده ۹ این آیین نامه به مصرف خواهد رسید. ماده ۹ ـ اعتباری که به موجب قسمت اخیر ماده سه قانون در بودجه هر سال در اختیار سازمان قرار می گیرد جهت تهیه و تامین ساختمان و وسایل و تجهیزات و بکارگیری نیروی انسانی مورد نیاز واحدهای تابعه سازمان ، انجام امور تحقیقاتی و مطالعات پزشکی قانونی و انتشار مجله پزشکی به مصرف خواهد رسید. ماده ۱۰ ـ پزشکان و کادر فنی سازمان (که حقوق و مزایای آنها به استناد ماده ۴ قانون معادل حقوق و مزایای پزشکان و کادر فنی وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی خواهد بود) شامل افرادی از سازمان می‌شود که مشاغل آنها در یکی از رشته‌های شغلی مربوط به رشته بهداشتی و درمانی تخصیص یابد. ماده ۱۱ ـ سازمان مکلف است به منظور حسن اجرای وظایف مندرج در ماده یک قانون به تعداد کافی پست سازمانی تحت عنوان عضو هیات علمی و محقق در مجموعه تشکیلاتی خود و واحدهای تابعه پیش بینی نموده و به تصویب مراجع ذی ربط برساند. ماده ۱۲ ـ کادر علمی و تحقیقاتی مندرج در تبصره یک ماده ۴ قانون شامل کلیه کارکنانی از سازمان می‌شود که مشاغل و پستهای سازمانی آنها در مجموعه تشکیلاتی سازمان به عنوان عضو هیات علمی یا محقق به تصویب رسیده باشد. تبصره ـ اشخاص ذی صلاح به تشخیص رییس سازمان جهت بررسی و تایید درجات علمی آنها به وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی معرفی خواهند شد. ماده ۱۳ ـ افرادی که به استناد ماده ۵ قانون با اعلام ضرورت سازمان جهت استفاده از خدمات پزشکی

و پیراپزشکی آنان از طرف وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی و یا دانشگاههای علوم پزشکی مامور خدمت در سازمان می‌شوند از نظر نوع ماموریت و همکاری با سازمان به دوگروه به شرح زیر تقسیم می‌شوند: الف ـ افرادی که برای خدمت تمام وقت به سازمان و واحدهای تابعه آن مامور می‌شوند و در طول مدت همکاری با سازمان هیچ گونه مسوولیت اجرایی در دستگاه اولیه و اصلی خود (دستگاه مامور دهنده) ندارند و در این آیین نامه به آنان مامورین تمام وقت گفته می‌شود. ب ـ افرادی که برای خدمت پاره وقت به سازمان و واحدهای تابعه آن مامور می‌شوند و منبعد در این آیین نامه به آنها مامورین پاره وقت گفته می‌شود. ماده ۱۴ ـ همکاری مامورین پاره وقت مندرج در بند ب ماده ۱۳ این آیین نامه با سازمان بر حسب ضرورت با رعایت قوانین موضوعه و مقررات استخدامی به یکی از طرق زیر انجام می‌شود: الف ـ مامورینی که همه روزه ساعاتی از اوقات اداری را با سازمان همکاری کنند و بقیه ساعات اداری روزانه را در دستگاه اولیه و محل کار سازمانی خود خدمت نمایند. ب ـ مامورینی که تعدادی از روزهای هفته یا ماه را در کل ساعات اداری با سازمان همکاری کنند و بقیه ایام کاری هفته یا ماه را در دستگاه اولیه و محل کار سازمانی خود خدمت نمایند. ج ـ مامورینی که ساعاتی از اوقات اداری تعدادی از روزهای کاری هر ماه را با سازمان همکاری نمایند و بقیه اوقات اداری را در دستگاه اولیه و محل کار سازمانی خود خدمت کنند. ماده ۱۵ ـ با توجه به مفاد قسمت اخیر ماده ۵ قانون حقوق و مزایای افرادی که به استناد ماده قانونی مذکور جهت همکاری در زمینه خدمات پزشکی و پیراپزشکی به سازمان مامور می‌شوند (اعم از اینکه ماموریت آنها در سازمان تمام وقت باشد یا پاره وقت با توافق بالاترین مقام اجرایی دستگاه مامور دهنده و رییس سازمان یا سایر مقامات مجاز از دو دستگاه پرداخت خواهد شد. ماده ۱۶ ـ مامورین تمام وقت مندرج در بند الف ماده ۵ این آیین نامه در صورتی که در طول مدت ماموریت خود در سازمان به مشاغلی منصوب شوند که قانونا مزایایی بیشتر از مزایای آخرین شغل قبل از ماموریت آنها به سازمان داشته باشد و یا در نقاط و شهرستانهایی به کار گمارده شوند که مزایای منطقه‌ای بیشتری از نقاط محل خدمت قبلی آنها داشته باشد محق به دریافت ما به التفاوت مزایای مذکور خواهند بود و اگر دستگاه مامور دهنده پرداخت ما به التفاوت مزایای چنین مامورینی‌را به عهده نگیرد سازمان مکلف است از محل اعتبارات مصوب خود این گونه مزایا و مابه التفاوتهارا به مامورین ذی نفع پرداخت کند. ماده ۱۷ ـ حق الزحمه افرادی که به استناد ماده ۵ قانون و موارد مندرج در مواد ۱۳ و ۱۴ این آیین‌نامه جهت همکاری در زمینه خدمات پزشکی و پیراپزشکی به سازمان مامور می‌شوند برای ساعات همکاری در خارج از وقت اداری بر اساس تعرفه‌ای که در اجرای تبصره ذیل ماده قانونی فوق به صورت جداگانه تهیه و به تصویب می‌رسد پرداخت خواهد شد. ماده ۱۸ ـ مدیران کل مراکز پزشکی قانونی استان ها توسط رییس سازمان و یا مقام مجاز از طرف و از میان پزشکان واجد صلاحیت انتخاب و به این سمت منصوب می گردند. ماده ۱۹ ـ روسای مراکز پزشکی قانونی شهرستانهای تابعه هر استان به پیشنهاد مدیر کل مرکزپزشکی قانونی استان مربوطه و با حکم رییس سازمان یا مقام مجاز از طرف وی از میان پزشکان واجد صلاحیت انتخاب و به این سمت منصوب می گردند. ماده ۲۰ ـ سازمان مکلف است پزشکان ، دندان پزشکان ، داروسازان و متخصصان علوم آزمایشگاهی را که به استخدام سازمان در میایند و درخواست اجازه تاسیس مطب یا داروخانه و آزمایشگاه در شهر محل خدمت خود را دارند جهت اعمال ماده ۹ قانون و صدور پروانه مربوط به وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی معرفی نماید. تبصره ـ در صورتی که رابطه استخدامی هر یک از مستخدمین مندرج در این ماده با سازمان قطع شود سازمان مکلف است در اسرع وقت مراتب را جهت لغو پروانه طبابت مشروط و یا ابطال اجازه تاسیس موسسه ، حسب قانون اجازه تاسیس مطب مصوب ۱۳۶۲ و آیین نامه اجرایی آن به وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی اعلام کند.

آیین نامه مقررات بهداشتی مصوب ۲۰/۱۱/۱۳۴۷

فصل اول – بهداشت فردی (ماده ۱ تا ۸)

مصوب ۲۰/۱۱/۱۳۴۷ در اجرای ماده ۱۳ قانون مواد خوردنی ـ آشامیدنی ـ آرایشی و بهداشتی مصوب تیرماه ۱۳۴۶ این آیین نامه شامل ۴۴ ماده و ۱۱ تبصره را تصویب می‌نماید. فصل اول بهداشت فردی ماده ۱ ـ کلیه کارگران و اشخاصی که در اماکن عمومی و مراکز تهیه ـ توزیع ـ نگهداری و فروش موادغذایی انجام وظیفه می‌نمایند موظفند که کارت معاینه پزشکی در محل کار خود داشته باشند. تبصره ۱ ـ کارفرمایان موظف هستند که قبل از استخدام اشخاص کارت معاینه پزشکی آنان را مطالبه و در محل کسب نگهداری نمایند. تبصره ۲ ـ کارت معاینه پزشکی منحصرا از طرف ادارات بهداری هر محل صادر خواهد شد. نوع و مدت اعتبار کارت فوق را که از یک سال تجاوز نخواهد کرد وزارت بهداری تعیین خواهد نمود. ماده ۲ ـ کارگران موظفند رعایت کامل بهداشت فردی مربوط به نظافت را نموده و به دستورهایی که از طرف دستگاههای مسوول وزارت بهداری داده می‌شود عمل نمایند. ماده ۳ ـ اشخاصی که در محل پخت و یا آشپزخانه کار می‌کنند باید ملبس به کلاه و روپوش سفید باشند و روپوش سایر اشخاص مصرح در ماده ۱ باید به رنگ روشن و تمیز باشد. ماده ۴ ـ صاحبان و متصدیان اماکن مشمول این آیین نامه موظفند جایگاه محفوظ مناسبی به منظور حفظ لباس کارگران خود تهیه نمایند. ماده ۵ ـ هر کارگر موظف به داشتن صابون و حوله تمیز اختصاصی می‌باشد. ماده ۶ ـ کارگرانی که به نحوی از انحا با طبخ و تهیه مواد غذایی سروکار دارند در حین کار حق دریافت بهای کالای فروخته شده را شخصا از مشتری نخواهند داشت ماده ۷ ـ در اماکن مذکور در این آیین‌نامه باید جعبه کمکهای اولیه در محل مناسبی نصب گردد. ماده ۸ ـ کارگران اماکنی که به موجب فصل دوم آیین نامه ملزم به داشتن دوش آب سرد و گرم می‌باشد و یا با پخت سروکار دارند موظفند هر روز قبل از شروع و بعد از خاتمه کار استحمام نمایند.

فصل دوم ــ وضع ساختمانی اماکن عمومی و مراکز تهیه و تولید ــ توزیع ــ نگهداری و فروش مواد غذایی (ماده

ماده ۹ ـ کف باید شامل شرایط زیر باشد: الف ـ از جنس قابل شستشو باشد. ب ـ صاف و بدون فرورفتگی و شکاف و جنس آن طوری باشد که در اثر تردد گرد و غبار ایجاد ننماید. پ ـ دارای شیب مناسب به طرف فاضلاب باشد. ت ـ مجهز به کفشوی سیفون‌دار (شتر گلو) باشد. ماده ۱۰ ـ دیوارها باید دارای شرایط ذیل باشند: الف ـ ساختمان دیوار و مصالح آن طوری باشد که از ورود جوندگان و حشرات جلوگیری به عمل آورد. ب ـ وضع دیوارها باید متناسب با احتیاجات و لوازم مربوط به نوع کار باشد. پ ـ دیوارها باید صاف و بدون فرورفتگی و شکاف و درز و طاقچه باشد. ت ـ دیوارها باید به رنگ روشن باشد. ماده ۱۱ ـ سقفها باید صاف و حتی الامکان مسطح بدون ترک خوردگی و شکاف و همیشه تمیز باشد. ماده ۱۲ ـ وضع درها و پنجره‌ها : الف ـ درها و پنجره‌ها باید بدون ترک‌خوردگی و شکستگی بوده و قابل شستشو باشد. ب ـ درها و پنجره‌ها باید طوری باشد که از ورود حشرات به داخل جلوگیری نماید. ماده ۱۳ ـ آب مصرفی باید مورد تایید مقامات بهداشتی باشد. ماده ۱۴ ـ دارای سیستم فاضلاب بهداشتی باشد. ماده ۱۵ ـ وضع و تعداد مستراح و دستشویی بهداشتی و متناسب باشد. ماده ۱۶ ـ برای کارگران باید دستشویی و مستراح مجزا در محل مناسب و شرایط لازم ساخته شود. ماده ۱۷ ـ حمام باید دارای شرایط مندرج در مواد ۹ ـ ۱۰ ـ ۱۱ ـ ۱۲ ـ ۱۳ ـ ۱۴ این آیین نامه باشد. ماده ۱۸ ـ دستگاه سوخت و نوع مواد سوختنی باید طوری باشد که حتی‌الامکان احتراق به صورت کامل انجام گیرد. ماده ۱۹ ـ محل شستشو و نگهداری ظروف باید در مجاور محل پخت و مجزا و مستقل از آن باشد. ظروف کثیف از یک در یا دریچه به این محل وارد و ظروف تمیز از دریچه‌های جداگانه وارد آشپزخانه و سالن شود. ماده ۲۰ ـ ظروف باید در ظرفشویی سه مرحله‌ای شستشو ضد عفونی آبکشی یا توسط دستگاههای اتوماتیک شسته شود. تبصره ۱ ـ تعداد و ظرفیت هر ظرفشویی باید متناسب با تعداد ظروف باشد. تبصره ۲ ـ ظروف باید با وسیله تمیز و عاری از آلودگی خشک گردد. ماده ۲۱ ـ قفسه و ویترین و گنجه ها باید تمیز و عاری از گرد و غبار و مجهز به در و شیشه باشد. تبصره ۱ ـ قفسه و ویترین و گنجه‌ها باید قابل نظافت باشد.

تبصره ۲ ـ فاصله کف آنها از زمین از بیست سانتیمتر کمتر نباشد. ماده ۲۲ ـ پیشخوان و میز کار باید سالم و روکش آن از جنس قابل شستشو باشد. ماده ۲۳ ـ سبزی و میوه که در اماکن عمومی به صورت خام در اختیار مشتریان گذارده می‌شود باید در محل مخصوص شسته و با محلول گندزدایی ضد عفونی گردد و سپس با آب سالم و تمیز آبکشی شود. ماده ۲۴ ـ انبار مواد غذایی باید قابل تمیز کردن بوده و وضع داخلی آن مطابق شرایط مواد ۹ ـ ۱۰ ـ ۱۱ ـ ۱۲ ـ ۲۱ این آیین نامه باشد. تبصره ۱ ـ انبار مواد غذایی نباید مرطوب باشد. تبصره ۲ ـ انبار آرد و شکر و سایر مواد غذایی که ایجاب می کند دارای انبار اختصاصی باشد باید مطابق نقشه تصویب شده مقامات بهداشتی احداث شود. ماده ۲۵ ـ کلیه مواد غذایی فاسد شدنی باید در یخچال و یا در سردخانه متناسب نگاهداری شود و همچنین در نگاهداری آنها در یخچال زاید بر مدتی که معمولا غذا در یخچال فاسد نمی‌شود خودداری گردد. ماده ۲۶ ـ تهویه باید به نحوی صورت گیرد که همیشه هوای داخل اماکن سالم تازه و کافی و عاری از بو باشد. ماده ۲۷ ـ در فصل گرما حداکثر درجه حرارت داخل اماکن نباید بیشتر از ۳۰ درجه سانتیگراد باشد. ماده ۲۸ ـ نور طبیعی و یا مصنوعی باید طوری باشد که باعث ناراحتی چشم نگردد. ماده ۲۹ ـ برای جلوگیری از حریق و انفجار و سایر خطرات احتمالی باید پیش‌بینی های لازم بشود. ماده ۳۰ ـ زباله دان درپوش دار زنگ‌نزن قابل حمل به تعداد کافی موجود باشد. تبصره ۱ ـ زباله‌دان بزرگ درپوش دار زنگ نزن قابل حمل متناسب با احتیاجات روزانه در محل مناسبی جهت جمع آوری و تخلیه زباله ها گذاشته شود. تبصره ۲ ـ زباله‌دانها باید بعد از تخلیه شسته شود. ماده ۳۱ ـ پشه ـ مگس ـ حشرات و جوندگان به هیچ وجه نباید در داخل اماکن دیده شوند. ماده ۳۲ ـ نقشه ساختمانهای کلیه اماکن مصرح در آیین نامه به منظور انطباق با موازین بهداشتی قبل از اجرا باید به تصویب مقامات مسوول برسد. ماده ۳۳ ـ اماکنی که اجازه قبول مسافر دارند علاوه بر رعایت کلیه موارد بهداشتی باید واجد شرایط زیر باشند: الف ـ در هر اطاق تعداد تختخوابها باید طوری باشد که برای هر تخت شش متر مربع منظور شود. ب ـ تعداد دوش هر طبقه از ساختمان باید مساوی تعداد مستراحها باشد. پ ـ پله باید دارای حفاظ بوده و لغزنده نباشد ارتفاع پله حداکثر ۱۸ سانتیمتر و عرض آن حداقل ۳۰سانتیمتر باشد. ماده ۳۴ ـ البسه (مانند حوله ، ملحفه ، پرده و امثال آنها) باید با دستگاههای اتوماتیک یا در رختشویخانه که مطابق نقشه استاندارد وزارت بهداری باشد شسته و خشک و اطو شود. ماده ۳۵ ـ ایجاد هرگونه حوض یا حوضچه یا پاشوی که در آن آب به صورت راکد باشد ممنوع است

فصل سوم ـ وسایل و لوازم کار (ماده ۳۶ تا ۴۳)

ماده ۳۶ ـ ظروف مورد استفاده باید دارای شرایط زیر باشد: ۱ ـ ظروف شکستنی باید تمیز بدون ترک خوردگی و لب پریدگی باشد. ۲ ـ وسایل و ظروف فلزی که برای تهیه و نگهداری و مصرف مواد غذایی به کار می‌رود باید سالم صاف بدون زنگ باشد. ۳ ـ استفاده از ظروفی که به وسیله وزارت بهداری غیر مجاز شناخته و آگهی می‌شود ممنوع است ۴ ـ جدار داخلی ظروف مسی باید کاملا سفیدکاری باشد. ۵ ـ ظروف لعابی نباید دارای لب‌پریدگی باشد. ۶ ـ وسایل و ظروف غذا باید پس از هربار مصرف شسته و تمیز و ضد عفونی شود. ۷ ـ استفاده از گوشت کوب و قاشق چوبی و سربی ممنوع است ۸ ـ استفاده از قندان نمکدان و مشابه آن بدون سرپوش ممنوع است ۹ ـ وسایل و ظروف غذاخوری و تهیه غذا باید در ویترین یا گنجه مخصوص که محفوظ باشد نگهداری شود. ماده ۳۷ ـ سطح میزها باید صاف ، تمیز ، سالم و بدون درز بوده و روکش آن از جنس قابل شستشو باشد. ماده ۳۸ ـ صندلیها و نیمکتها باید سالم و تمیز باشد. ماده ۳۹ ـ برای هر مسافر تازه وارد باید از ملحفه و شمد تمیز و سفید و سالم استفاده شود و تعویض آنها در هر سه روز یک بار اجباری است ماده ۴۰ ـ استفاده از لحاف ، پتو ، تشک و بالش کثیف و مندرس و بدون ملحفه ممنوع است ماده ۴۱ ـ استفاده از تختخواب هایی که دارای پارگی یا شکستگی و یا گود رفتگی فنر باشد ممنوع‌است ماده ۴۲ ـ استفاده از کاغذهایی که تمیز نباشد و همچنین روزنامه و امثال آن جهت پیچیدن موادغذایی ممنوع است ماده ۴۳ ـ ظروف خمیرگیری باید

صاف و تمیز و بـدون درز باشـد. نصب شـیر آب بالای ظرف خمیرگیری الزامی است تبصـره ۱ ـ حتی الامکان کوشـش شود که از دستگاههای خودکار برای تهیه خمیر استفاده گردد.

فصل چهارم ـ طبقه‌بندی اماکن از لحاظ شمول مواد این آیین نامه (ماده ۴۴)

ماده ۴۴ ـ طبقه‌بندی اماکن از لحاظ شمول این آیین‌نامه به شرح ذیل است ۱ ـ کلیه مواد این آیین نامه به استثنای ماده ۴۳ شامل هتل ، متل ، مهمانخانه و مسافرخانه و پانسیون و امثال آنها می‌باشد. ۲ ـ کلیه مواد این آیین نامه به استثنای مواد ۱۶ ـ ۱۹ ـ ۲۰ ـ ۲۲ لغایت ۲۵ ومواد ۳۳ و ۳۶ و ۳۹لغایت ۴۳ شامل حمامها می گردد. ۳ ـ کلیه مواد این آیین نامه به استثنای مواد ۱۵ لغایت ۱۷ ـ ۱۹ ـ ۲۰ ـ ۲۲ ـ ۲۳ لغایت ۲۵ ـ ۳۳ ـ ۳۶ ـ۳۹ لغایت ۴۳ شامل آرایشگاه ها می‌باشد. ۴ ـ کلیه مواد این آیین نامه به اسـتثنای مواد ۱۵ ـ ۲۰ ـ ۲۳ ـ ۲۵ ـ ۳۳ ـ ۳۴ ـ ۳۶ ـ ۳۹ ـ ۴۰ و ۴۱ شامل نانوایی‌ها می گردد. ۵ ـ کلیه مواد این آیین نامه به اسـتثنای مواد ۱۵ لغایت ۲۰ ـ ۲۳ ـ ۳۳ ـ ۳۴ ـ ۳۹ ـ ۴۰ ـ ۴۱ و ۴۳ شامل‌محلهـای فروش مواد غـذایی (از قبیـل گوشت فروش میوه و سبزی فروش بقـالی و عطـاری و امثـال آنها) می‌باشد. ۶ ـ کلیه مواد این آیین نامه به اسـتثنای ماد ۱۵ ـ ۱۷ ـ ۲۳ ـ ۳۳ ـ ۳۴ ـ ۳۹ ـ ۴۰ ـ ۴۱ شامل محلهای‌تهیه مواد غذایی (از قبیل ماست بندی ، کشک سابی ، قندریزی شـیرینی پزی و نظایر آنها) می‌باشد. ۷ ـ کلیه مواد این آیین نامه به استثنای مواد ۱۷ ـ ۳۳ ـ ۳۴ ـ ۳۹ ـ ۴۰ ـ ۴۱ ـ ۴۳ شامل محلهای تهیه و فروش مواد غـذایی که دارای محل پذیرایی از مشتری می‌باشد می‌شود. ۸ ـ کلیه مواد این آیین نامه به اسـتثنای مواد ۱۵ لغایت ۱۷ ـ ۳۳ ـ ۳۴ ـ ۳۹ ـ ۴۰ ـ ۴۱ ـ ۴۲ شامـل محلهـای تهیه و فروش مواد غـذایی که دارای محل پذیرایی مشتری نیستند می‌باشد.

قانون سقط درمانی – مصوب ۱۳۸۴

حضـرت حجتالاسـلام والمسـلمین جناب آقای سید محمـدخاتمی ریاست محترم جمهوری اسـلامی ایران طرح سـقط درمانی که به مجلس شـورای اسـلامی تقـدیم و در جلسه علنی روز سهشـنبه مـورخ ۱۰/۳/۱۳۸۴ مجلس بـا اصـلاحاتی تصویب و به تأییـد شورای نگهبان رسـید، در اجرای اصل یکصـدو بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسـی جمهوری اسـلامی ایران به پیوست ارسال میگردد. رئیس مجلس شورای اسـلامی ـ غلامعلی حـداد عـادل شـماره۱۹۶۵۱ ۷/۴/۱۳۸۴ وزارت بهـداشت، درمـان و آمـوزش پزشـکی ـ وزارت دادگستری قانون سقط درمانی که در جلسه علنی روز سهشنبه مورخ دهم خرداد ماه یکهزار وسیصد و هشتاد و چهار مجلس شورای اسـلامی تصویب ودر تاریـخ ۲۵/۳/۱۳۸۴ به تأییـد شـورای نگهبـان رسیده و طی نـامه شـماره ۸۵۸۷۶/۲ مـورخ ۳۱/۳/۱۳۸۴ مجلس شورای اسـلامی واصل گردیـده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ میگردد. رئیس جمهور ـ سـید محمدخاتمی قانون سـقط درمانی ماده واحده ـ سـقـط درمـانی با تشـخیص قطـعی سـه پزشک متخصص و تأییدپزشکی قانونی مبنی بر بیماری جنین که به علت عقب افتـادگی یـا ناقصـالخلقه بـودن موجب حرج مـادر است و یـا بیمـاری مـادر که بـا تهدیـد جـانی مـادر توأم باشـد قبـل از ولوج روح (چهارماه) با رضایت زن مجاز میباشد و مجازات و مسؤولیتی متوجه پزشک مباشـر نخواهد بود. متخلفین از اجرای مفاد این قانون به مجازاتهای مقرر در قانون مجازات اسـلامی محکوم خواهند شد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سهشنبه مورخ دهم خرداد ماه یکهزار و سـیصد و هشـتاد و چهار مجلس شورای اسـلامی تصویب و در تاریـخ ۲۵/۳/۱۳۸۴ به تأیید شورای نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل

الحاق یک تبصره به ماده (۴۰) قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران – ۱۳۸۴

جنـاب آقـای دکتر محمود احمـدی‌نژاد ریـاست محترم جمهوری اسـلامی ایران بـازگشت به نامه شـماره ۳۵۴۲۲ مـورخ ۱۶/۶/۱۳۸۴

معاونت محترم حقوقی و امور مجلس رئیس جمهور و پیرو نامه شماره ۹۵۴۰۰ مورخ ۱۷/۹/۱۳۸۳ در مورد قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، تبصره‌ای با متن ذیل به ماده (۴۰) مصوبه الحاق گردیده است که در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ارسال می گردد. تبصره ـ آراء قطعی هیأت‌های بدوی، تجدیدنظر و هیأت عالی انتظامی نظام پزشکی، ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ، قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان می‌باشد. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل شماره۴۰۳۷۶ ۲۵/۷/۱۳۸۴ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی پیرو ابلاغیه قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران به شماره ۵۴۵۹۴ مورخ ۲۵/۹/۱۳۸۳، به پیوست نامه شماره۱۳۹۱۹۳ مورخ ۱۳/۷/۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی درخصوص الحاق تبصره‌ای به ماده (۴۰) قانون یادشده، جهت اجرا ابلاغ می گردد. رئیس‌جمهور ـ محمود احمدی‌نژاد

۵– مطبوعات و رسانه ها

قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان – مصوب دی ماه ۱۳۴۸

فصل اول ــ تعاریف (ماده ۱ تا ۲)

مصوب دی ماه ۱۳۴۸ فصل اول ـ تعاریف ماده ۱ ـ از نظر این قانون به مولف و مصنف و هنرمند (پدیدآورنده) و به آنچه از راه دانش یا هنر و یا ابتکار آنان پدید می‌آید بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان و یا ظهور و یا ایجاد آن به‌کار رفته (اثر) اطلاق می‌شود. ماده ۲ ـ اثرهای مورد حمایت این قانون به شرح زیر است ۱ ـ کتاب و رساله و جزوه و نمایشنامه و هر نوشته دیگر علمی و فنی و ادبی و هنری ۲ ـ شعر و ترانه و سرود و تصنیف که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد. ۳ ـ اثر سمعی و بصری به منظور اجرا در صحنه‌های نمایش یا پرده سینما یا پخش از رادیو یا تلویزیون که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد. ۴ ـ اثر موسیقی که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد. ۵ ـ نقاشی و تصویر و طرح و نقش و نقشه جغرافیایی ابتکاری و نوشته ها و خطهای تزیینی و هرگونه اثر تزیینی و اثر تجسمی که به هر طریق و روش به صورت ساده یا ترکیبی بوجود آمده باشد. ۶ ـ هرگونه پیکره (مجسمه . ۷ ـ اثر معماری از قبیل طرح و نقشه ساختمان ۸ ـ اثر عکاسی که با روش ابتکاری و ابداع پدید آمده باشد. ۹ ـ اثر ابتکاری مربوط به هنرهای دستی یا صنعتی و نقشه قالی و گلیم ۱۰ ـ اثر ابتکاری که بر پایه فرهنگ عامه (فولکلور) یا میراث فرهنگی و هنر ملی پدید آمده باشد. ۱۱ ـ اثر فنی که جنبه ابداع و ابتکار داشته باشد. ۱۲ ـ هرگونه اثر مبتکرانه دیگر که از ترکیب چند اثر از اثرهای نامبرده در این فصل پدید آمده باشد.

فصل دوم ــ حقوق پدیدآورنده (ماده ۳ تا ۱۱)

ماده ۳ ـ حقوق پدیدآورنده شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حق بهره برداری مادی و معنوی از نام و اثر اوست ماده ۴ ـ حقوق معنوی پدیدآورنده محدود به زمان و مکان نیست و غیرقابل انتقال است ماده ۵ ـ پدیدآورنده اثرهای مورد حمایت این قانون می‌تواند استفاده از حقوق مادی خود را در کلیه موارد از جمله موارد زیر به غیر واگذار کند: ۱ ـ تهیه فیلمهای سینمایی و تلویزیونی و مانند آن ۲ ـ نمایش صحنه‌ای مانند تاتر و باله و نمایشهای دیگر. ۳ ـ ضبط تصویری یا صوتی اثر بر روی صفحه یا نوار یا وسیله دیگر. ۴ ـ پخش از رادیو و تلویزیون و وسایل دیگر. ۵ ـ ترجمه و نشر و تکثیر و عرضه اثر از راه چاپ و نقاشی و عکاسی و گراور و کلیشه و قالب ریزی و مانند آن ۶ ـ استفاده از اثر در کارهای علمی و ادبی و صنعتی و هنری و تبلیغاتی

۷ـ به کـار بردن اثر در فراهم کردن یـا پدیـدآوردن اثرهـای دیگری که در ماده دوم این قانون درج شـده است ماده ۶ ـ اثری که با همکاری دو یا چنـد پدیدآورنـده به وجود آمـده باشـد و کار یکایک آنان جـدا و متمایز نباشد اثر مشترک نامیده می‌شود و حقوق ناشـی از آن حق مشاع پدیدآورندگان است ماده ۷ ـ نقل از اثرهایی که انتشار یافته است و اسـتناد به آنها به مقاصـد ادبی و علمی و فنی و آموزشـی و تربیتی و به صورت انتقاد و تقریظ با ذکر ماخـذ در حـدود متعارف مجاز است تبصـره ـ ذکر ماخذ در مورد جزوه هایی که برای تدریس در موسـسات آموزشـی توسط معلمان آنها تهیه و تکثیر می‌شود الزامی نیست مشروط بر این که جنبه انتفاعی نداشته باشد. ماده ۸ ـ کتابخانه های عمومی و موسـسات جمع آوری نشریات و موسسات علمی و آموزشی که به‌صورت غیرانتفاعی اداره می‌شونـد می‌تواننـد طبـق آیین نـامه‌ای که به تصـویب هیـات وزیران خواهـد رسـید از اثرهـای مورد حمـایت این قـانون از راه عکسبرداری یـا طرق مشابه آن به میزان مورد نیاز و متناسب با فعالیت خود نسـخه برداری کننـد. ماده ۹ ـ وزارت اطلاعات می‌تواند آثـاری را که قبـل از تصویب این قـانون پخش کرده و یـا انتشار داده است پس از تصویب این قانون نیز کماکان مورد اسـتفاده قرار دهد. ماده ۱۰ ـ وزارت آموزش و پرورش می‌تواند کتابهای درسـی را که قبل از تصویب این قانون به موجب قانون کتابهای درسـی چاپ و منتشـر کرده است کماکان مورد استفاده قرار دهد. ماده ۱۱ ـ نسخه برداری از اثرهای مورد حمایت این قانون مذکور در بند ۱ از ماده ۲ و ضبط برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی فقط در صورتی که برای استفاده شخصی و غیرانتفاعی باشد مجازاست

فصل سوم ـ مدت حمایت از حق پدید آورنده و حمایتهای قانونی دیگر (ماده ۱۲ تا ۲۲)

ماده ۱۲ ـ مدت استفاده از حقوق مادی پدیدآورنده موضوع این قانون که به موجب وصایت یا وراثت منتقل می‌شود از تاریخ مرگ پدیـد آورنده سـی سال است و اگر وارثی وجود نداشـته باشد یا براثر وصایت به کسـی منتقل نشده باشد برای همان مدت به منظور اسـتفاده عمومی در اختیار وزارت فرهنگ و هنر قرار خواهد گرفت تبصره ـ مدت حمایت اثر مشترک موضوع ماده ۶ این قانون سی سال بعـد از فوت آخرین پدیدآورنده خواهد بود. ماده ۱۳ ـ حقوق مادی اثرهایی که در نتیجه سـفارش پدید می‌آید تا سـی سال از تاریـخ پدیـد آمـدن اثر متعلق به سـفارش دهنـده است مگر آنکه برای مـدت کمتر یا ترتیب محـدودتری توافق شـده باشد. تبصـره ـ پـاداش و جایزه نقـدی و امتیازاتی که در مسابقات علمی و هنری و ادبی طبق شـرایط مسابقه به آثار مورد حمایت این قانون موضوع این مـاده تعلق می‌گیرد متعلق به پدیدآورنـده خواهـدبود. مـاده ۱۴ ـ انتقـال گیرنـده حق پدیدآورنـده می‌توانـد تا سـی سال پس از واگـذاری از این حق اسـتفاده کنـدمگر این که برای مدت کمتر توافق شده باشد. ماده ۱۵ ـ در مـورد مواد ۱۳ و ۱۴ پس از انقضای مـدتهای منـدرج در آن مواد اسـتفاده از حق مذکور درصورت حیات پدیدآورنده متعلق به خود او و در غیر این صورت تابع ترتیب مقرر در ماده ۱۲خواهد بود. ماده ۱۶ ـ در موارد زیر حقوق مادی پدیدآورنده از تاریخ نشر یا عرضه به مدت سی سال مورد حمایت این قانون خواهـد بود: ۱ ـ اثرهای سـینمایی یا عکاسی ۲ ـ هرگاه اثر متعلق به شـخص حقوقی باشد یا حق اسـتفاده از آن به شـخص حقوقی واگـذار شده باشد. ماده ۱۷ ـ نـام و عنوان و نشـان ویژه‌ای که معرف اثر است از حمـایت این قانون برخوردار خواهـد بود و هیـچ کس نمی‌توانـد آنهـا را برای اثر دیگری از همـان نوع یـاماننـد آن به ترتیبی که القـای شـبهه کنـد به‌کار برد. ماده ۱۸ ـ انتقال گیرنده و ناشر و کسانی که طبق این قانون اجازه استفاده یا استناد یا اقتباس از اثری رابه منظور انتفاع دارند باید نام پدیدآورنده را با عنوان و نشانه ویژه معرف اثر همراه اثر یا روی نسـخه اصـلی یا نسخه‌های چاپی یا تکثیر شده به روش معمول و متداول اعلام و درج نماینـد مگر این که پدیدآورنـده به ترتیب دیگری موافقت کرده باشد. ماده ۱۹ ـ هرگونه تغییر یـا تحریف در اثرهـای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدیدآورنده ممنوع است ماده ۲۰ ـ چاپخانه ها و بنگاههای ضبط صوت و کارگاهها و اشخاصی که به چاپ یا نشـر یا پخش یا ضـبط و یا تکثیر اثرهای مورد حمایت این قانون می‌پردازند باید شماره دفعات چاپ و تعداد نسخه کتاب یا ضبط یا تکثیر یا پخش یا انتشار و شـماره مسلسل روی صـفحه موسـیقی و صـدا را بر تمام نسـخه هایی که پخش می‌شود با ذکر

تاریخ و نـام چاپخانه یا بنگاه و کارگاه مربوط بر حسب مورد درج نماینـد. ماده ۲۱ ـ پدیدآورنـدگان می‌توانند اثر و نام و عنوان و نشانه ویژه اثر خود را در مراکزی که وزارت فرهنگ و هنر با تعیین نوع آثار آگهی می‌نمایند به ثبت برسانند. آیین نامه چگونگی و ترتیب انجام یافتن تشـریفات ثبت و همچنین مرجع پذیرفتن درخواست ثبت به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. ماده ۲۲ ـ حقوق مادی پدیدآورنـده موقعی از حمایت این قانون برخوردار خواهـد بود که اثر برای نخستین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشـر یا اجرا شده باشد و قبلا در هیچ کشوری چاپ یا نشر یا پخش و یا اجرا نشده باشد.

فصل چهارم ــ تخلفات و مجازات ها (ماده ۲۳ تا ۳۳)

ماده ۲۳ ـ هرکس تمام یا قسـمتی از اثر دیگری را که مورد حمایت این قانون است به نام خود یا به نام پدیدآورنده بدون اجازه او و یا عالما عامدا به نام شخص دیگری غیر از پدیدآورنده نشر یا پخش یا عرضه کند به حبس جنحه ای از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. ماده ۲۴ ـ هرکس بدون اجازه ترجمه دیگری را به نام خود یا دیگری چاپ و پخش و نشـر کند به‌حبس جنحه‌ای از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. ماده ۲۵ ـ متخلفین از مواد ۱۷ ـ ۱۸ ـ ۱۹ ـ ۲۰ این قانون به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا یک سال محکوم خواهند شد. ماده ۲۶ ـ نسبت به متخلفان از مواد ۱۷ ـ ۱۸ ـ ۱۹ ـ ۲۰ این قانون در مواردی که به سبب سپری شدن مدت حق پدیدآورنـده اسـتفاده از اثر بـا رعـایت مقرّرات این قـانون برای همگـان آزاد است وزارت فرهنگ و هنر عنوان شاکی خصوصـی را خواهـد داشت ماده ۲۷ ـ شـاکی خصوصـی می‌توانـد از دادگـاه صادرکننـده حکم نهایی درخواست کنـد که مفاد حکم در یکی از روزنامه‌هـا به انتخـاب و هزینه او آگهی شود. مـاده ۲۸ ـ هرگـاه متخلف از این قـانون شـخص حقوقی باشـد علاوه بر تعقیب جزایی شخص حقیقی مسوول که جرم ناشـی از تصـمیم او باشد خسارات شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد و در صورتی که اموال شـخص حقوقی به تنهایی تکافو نکنـد مابه التفاوت از اموال مرتکب جرم جبران می‌شود. ماده ۲۹ ـ مراجع قضایی می‌توانند ضـمن رسیدگی به شـکایت شاکی خصوصـی نسبت به جلوگیری از نشر و پخش و عرضه آثار مورد شکایت و ضبط آن دسـتور لازم به ضـابطین دادگستری بدهنـد. ماده ۳۰ ـ اثرهـایی کـه پیش از تصـویب این قـانون پدیـد آمـده از حمـایت این قـانون برخوردار است اشخاصـی که بدون اجازه از اثرهای دیگران تا تاریخ تصویب این قانون اسـتفاده یا بهره برداری کرده‌اند حق نشـر یا پخش یـا تکثیر یـا ارایه مجـدد یا فروش آن آثار را ندارنـد مگر با اجازه پدیدآورنـده یا قائم مقام او با رعایت این قانون متخلّفین از حکم این ماده و همچنین کسانی که برای فرار از کیفر به تاریخ مقدم بر تصویب این قانون اثر را به چاپ رسانند یا ضـبط یا تکثیر یا از آن بهره برداری کننـد به کیفر مقرر در مـاده ۲۳ محکوم خواهنـد شد. دعاوی و شـکایاتی که قبل از تصویب این قانون در مراجع قضایی مطرح گردیده به اعتبار خود باقی است ماده ۳۱ ـ تعقیب بزههای مذکور در این قانون با شکایت شاکی خصوصی شروع و با گـذشت اوموقوف می‌شود. ماده ۳۲ ـ مـواد ۲۴۵ و ۲۴۶ و ۲۴۷ و ۲۴۸ قـانون مجـازات عمومی ملغی است ماده ۳۳ ـ آیین‌نامه‌های اجرایی این قـانون از طرف وزارت فرهنـگ و هنر و وزارت دادگسـتری و وزارت اطلاعـات تهیه و به تصویب هیـات وزیران خواهد رسید.

آیین نامه اجرایی قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان – مصوب ۱۳۵۰ هیات وزیران

فصل اول ــ مقررات عمومی تنظیم اظهارنامه ثبت اثر

ماده اول ـ ثبت اثر طبق درخواست نامه چاپی که از طرف وزارت فرهنگ و هنر تهیه و در اختیار درخواست کننـده ثبت اثر گـذارده می‌شود به عمل میایـد و باید در دو نسـخه به زبان فارسـی نوشـته و امضا شده و حاوی نکات زیر باشد: الف ـ نام و نام خانوادگی و

تابعیت و اقامتگاه و شماره و محل صدور شناسنامه و تاریخ تولد پدیدآورنده و یا شخصی که به اعتبار قانون فوق الذکر قائم مقام پدیدآورنده اصلی اثر می‌باشد و هرگاه درخواست کننده شخص حقوقی باشد نام و شماره ثبت و اقامتگاه قانونی شخص حقوقی ب ـ درصورتی که درخواست نامه از طرف وکیل یا نماینده قانونی اشخاص مذکور در بند الف داده شود علاوه بر مشخصات موکل نام و نام خانوادگی و تابعیت و اقامتگاه وکیل پ ـ تاریخ پدید آمدن اثر با قید روز و ماه و سال به نحوی که اثر برای چاپ یا نشر یا پخش و یا اجرا آماده شده باشد. ت ـ درصورتی که اثر مشترک باشد ذکر مشخصات پدیدآورندگان و کلیه اشخاص حقیقی و صاحب حقوقی مادی و معنوی به ترتیب مذکور در بند الف این ماده ث ـ در صورتی که ثبت نام یا عنوان یا علامت ویژه اثر نیز مورد تقاضا باشد در مورد نام و عنوان ذکر کلمه یا عبارت مورد تقاضا و در مورد علامت یا نشانه ویژه توصیف کامل آن به انضمام سه نسخه نمونه یا عکس در اندازه و رنگ اصلی و کلیشه آن ج ـ تعیین نوع اثر و اعلام آن که اثر مشمول کدام یک از انواع آثار مذکور در ماده ۲ قانون می‌باشد.

فصل دوم ـ مقررات اختصاصی تقاضای ثبت اثر (ماده ۲)

ماده دوم ـ درخواست کننده ثبت اثر علاوه بر تنظیم درخواست نامه به شرح مندرج در فصل اول باید اطلاعات و مدارکی را که به اعتبار نوع اثر در این فصل تعیین می‌شود همراه درخواست نامه تسلیم نماید: الف ـ در مورد کتاب و رساله و گزارش پژوهشی و جزوه و نمایشنامه و هر نوشته دیگر علمی و ادبی و هنری و همچنین در مورد شعر و ترانه و سرود و تصنیف موضوع بندهای ۱ و ۲ ماده دوم قانون دو نسخه کامل خطی یا ماشین شده یا چاپ شده یا فتوکپی اثر. ب ـ در مورد اثر سمعی و بصری به منظور اجرا در صحنه‌های نمایش یا پرده سینما یا پخش از رادیو و تلویزیون موضوع بند ۳ ماده دوم قانون دو نسخه از اثر به هر ترتیبی که برای اجرا نوشته یا ضبط یا نشر شده است پ ـ در مورد اثر موسیقی موضوع بند ۴ ماده دوم قانون دو نسخه اصل یا فتوکپی یا خطی از نت اثر درصورتی که نت داشته باشد به انضمام گفتار آن اگر باشد به علاوه دو نسخه اثر روی صفحه یا نوار. ت ـ در مورد نقاشی و تصویر و طرح و نقش و نقشه جغرافیایی ابتکاری و نوشته و خطهای تزیینی و هرگونه اثر تزیینی و اثر تجسمی موضوع بند ۵ ماده دوم قانون ۱ ـ دو نسخه عکس رنگی از اصل اثر مشروط بر این که ابعاد عکس از ۲۴ * ۱۸ سانتیمتر تجاوز نکند. ۲ ـ تعیین آن که اثر منطبق با کدام یک از آثار مذکور در بند ۵ ماده دوم قانون می‌باشد. ۳ ـ شرح و توصیف کافی برای شناسایی و تشخیص اثر. ث ـ در مورد پیکره (مجسمه موضوع بند ۶ ماده دوم قانون ـ دو نسخه عکس رنگی اثر به ابعاد ۲۴*۱۸ سانتیمتر با ذکر مواد و مصالحی که در ساختن پیکره به کار رفته و تعیین ابعاد و اندازه حقیقی و وزن آن ج ـ در مورد اثر معماری موضوع بند ۷ ماده دوم قانون دو نسخه نقشه کامل همراه نقشه های تفصیلی و اجرایی اثر مربوط به طرح اصلی بنا و تزیینات آن و جزییات اثر منحصرا در مواردی که ثبت آن مورد تقاضاست با شرح و توصیف کامل تا حدی که شناسایی اثر در کلیات و جزییات موردنظر درخواست کننده ممکن باشد در صورتی که درخواست ثبت مربوط و منحصر به قسمتی از بنا یاساختمان یا تزیینات آن باشد باید روی نقشه‌های اصلی به طور وضوح مشخص شود و در مورد تزیینات طرح آن باید رنگی باشد. چ ـ در مورد اثر عکاسی موضوع بند ۸ ماده دوم قانون دو نمونه کامل از اثر که حداکثر ابعاد آن از ۲۴*۱۸ سانتیمتر تجاوز نکند. ح ـ در مورد اثر ابتکاری مربوط به هنرهای دستی یا صنعتی و نقشه قالی و گلیم موضوع بند ۹ ماده دوم قانون دو قطعه عکس رنگی یا دو نسخه کپی از اثر به اندازه ۲۴ * ۱۸ سانتیمتر. خ ـ در مورد اثر ابتکاری که برپایه فرهنگ عامه یا میراث فرهنگی و هنری ملی پدید آمده باشد و همچنین اثر فنی که جنبه ابداع و ابتکار داشته باشد موضوع بندهای ۱۰ و ۱۱ ماده دوم قانون نظر به این که اثر پس از پدید آمدن به صورت یکی از آثار مندرج در ماده دوم یا ترکیبی از آنها خواهد بود درخواست کننده ثبت باتوجه به نوع اثر و ارتباط آن با یک یا چند نوع از آثار مذکور در ماده دوم قانون باید اطلاعات و مدارک خاص همان نوع یا انواع را تسلیم کند. د ـ در مورد آثار سینمایی یک نسخه کامل از اثر با ذکر

نام و مشخصات تبصره ـ در کلیه مواد مذکور در فصل اول و این فصل در صورتی که متقاضی توضیحات خاصی را برای معرفی اثر و چگونگی پیدایش آن لازم بداند می‌تواند در برگ جداگانه‌ای درج و همراه اظهارنامه تسلیم کند. ذ ـ در مورد نرم افزارهای چند رسانه‌ای دو نسخه کامل از نمونه نرم‌افزار تولید شده باذکر نام و مشخصات و ویژگیهای اثر.

فصل سوم ـ مرجع ثبت و اقدامات ثبتی (ماده ۳ تا ۷)

ماده سوم ـ درخواست کننده اثر باید درخواست نامه ثبت را به ترتیب مندرج در فصل اول و دوم این آیین نامه تنظیم و در مرکز به وزارت فرهنگ و هنر و در شهرستانها به ادارات فرهنگ و هنر یا نماینده تعیین شده از طرف وزارت فرهنگ و هنر تسلیم و رسید اخذ کند. تبصره ـ در خواست کننده ثبت آثار نرم افزارهای چند رسانه‌ای درخواست نامه ثبت را به ترتیب مندرج در فصل های اول و دوم این آیین نامه به همراه دو نسخه کامل از نمونه مورد نظر به دبیرخانه شورای عالی داده ورزی تحویل می‌دهد. ثبت اثر از نظر فنی توسط شورای یاد شده و از نظر محتوایی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام می‌شود. دبیرخانه شورای مزبور موظف است قبل از ثبت اثر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را دریافت نماید. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است ظرف سه ماه از دریافت استعلام دبیرخانه شورای عالی داده ورزی نظر خود رابه آن دبیرخانه اعلام نماید. ماده چهارم ـ مراجع دریافت درخواست نامه ثبت اثر کلیه درخواست نامه ها به واحد امور مولفان و مصنفان و هنرمندان در وزارت فرهنگ و هنر ارسال خواهند نمود. واحد مزبور به درخواست نامه های رسیده ظرف مدت سه ماه رسیدگی و اگر درخواست نامه مطابق مقررات فصل اول و دوم تنظیم شده باشد و اثر قبلا به ثبت نرسیده باشد آنها را در دفتر مخصوص ثبت اثرها ثبت نموده و گواهینامه ثبت اثر را با قید روز و ساعت تسلیم درخواست به نام درخواست کننده صادر و به وی تسلیم و رسید اخذ کند. درصورتی که درخواست‌نامه مطابق مقررات فصل اول و دوم بالا تنظیم نشده باشد موارد نقص یا ایراد کتبا با پست سفارشی به درخواست کننده ابلاغ و تا زمانی که درخواست کننده اقدام به رفع نقص یا ایراد نکند درخواست ثبت بلااقدام خواهد ماند. ماده پنجم ـ وزارت فرهنگ و هنر مکلف است در آخر هر ماه فهرستی از کلیه آثار ثبت شده درهمان ماه را در روزنامه رسمی کشور و یکی از روزنامه های کثیرالانتشار روزانه تهران برای اطلاع عموم آگهی کند. فهرست مزبور در هر مورد به طور اختصار شامل نام درخواست کننده و تاریخ ثبت و نوع اثر و معرفی موضوع آن خواهد بود. قبول درخواست ثبت اثر و همچنین ثبت آن مانع اعتراض و ادعای حق از ناحیه دیگر اشخاص نخواهد بود. ماده ششم ـ درخواست کننده می‌تواند قبل یا بعد از ثبت اثر تقاضای تغییر و اصلاح و تکمیل یا ابطال آن را بنماید. در این صورت وزارت فرهنگ و هنر به نحو مذکور در ماده پنجم آگهی خواهدداد. ماده هفتم ـ هزینه آگهی ثبت اثر و موارد تغییر ، اصلاح ، تکمیل و یا ابطان آن به عهده درخواست کننده و ذی نفع خواهد بود.

قانون هیات منصفه – مصوب ۲۴/۱۲/۱۳۸۲ (ماده ۱ تا ۱۵)

مصوب ۲۴/۱۲/۱۳۸۲ ماده ۱ـ رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیات منصفه در دادگاه صالحه صورت می گیرد. هیات منصفه در دادگاه های تحت نظر قوه قضاییه طبق این قانون تشکیل می گردد. ماده ۲ـ اعضای هیات منصفه از بین اصناف و گروههای مختلف اجتماعی نظیر روحانیون ، اساتید دانشگاه ، دانشجویان ، پزشکان ، مهندسان، کارگران ، کشاورزان ، نویسندگان ، روزنامه نگاران ، معلمان ، وکلای دادگستری ، کارمندان ، هنرمندان ، پیشه وران و تجار برای مدت چهار سال انتخاب می گردند. ماده ۳ـ انتخاب اعضای اصلی و علی البدل هیات منصفه هر استان از بین اقشار و صنوف مختلف از طریق اعلام عمومی و جمع آوری تقاضاهای داوطلبان عضویت در هیات منصفه به قید قرعه و به صورت علنی خواهد بود. هیات منصفه هر استان در اولین جلسه خود یکی از اعضا را برای مدت دو سال به عنوان دبیر هیات منصفه انتخاب خواهد کرد. دبیر، مسوولیت اداره دبیرخانه

را به عهده دارد. حداقل یک ماه قبل از اتمام دوره مسوولیت دبیر، دبیر جدید به وسیله هیات منصفه استان انتخاب خواهد شد. امور اجرایی این ماده در هر استان زیر نظر رییس قوه قضاییه یا فردی که ایشان تعیین می کند و با حضور رییس شورای اسلامی استان و دو نفر از نمایندگان آن استان به انتخاب مجلس به عنوان ناظر انجام می شود. قرعه کشی با حضور حداقل دو نفر از ناظرین معتبر است. ماده ۴ـ اعضا هیات منصفه باید دارای شرایط زیر باشند: ۱ـ تابعیت جمهوری اسلامی ایران. ۲ـ مسلمان بودن. ۳ـ التزام عملی به قانون اساسی. ۴ـ حداقل سی سال سن. ۵ ـ عدم محرومیت از فعالیتهای اجتماعی. ۶ ـ داشتن حداقل مدرک دیپلم متوسطه یا معادل آن در علوم حوزوی. ماده ۵ ـ تعداد اعضا هیات منصفه در استان تهران پانصد نفر و در استانهای با جمعیت بیش از یک میلیون نفر، دویست و پنجاه نفر و در استانهای با جمعیت کمتر از یک میلیون نفر، یکصد و پنجاه نفر می باشد. تبصره ۱ـ پس از تعیین دو سوم اعضا ، هیات منصفه رسمیت می یابد. تبصره ۲ـ حداقل سه ماه قبل از پایان دوره هیات منصفه برای انتخاب هیات منصفه جدید اقدام خواهد شد. ترتیب انجام امور باید به نحوی باشد که حداقل یک ماه قبل از اتمام دوره هیات منصفه ، اعضا هیات منصفه بعدی مشخص شده باشند. ماده ۶ ـ هیات منصفه هر محکمه براساس قرعه در تهران بیست و یک نفر و در سایر مراکز استانها چهارده نفر انتخاب می شوند. دبیر هیات منصفه ده روز قبل از زمان برگزاری دادگاه با دعوت از نمایندگان دادگستری و شورای شهر مرکز استان و وکیل یا نماینده متهم و شاکی قرعه کشی را انجام می دهد. حضور نمایندگان دادگستری و شورای شهر در مراسم قرعه کشی الزامی است. تبصره ۱ـ در ترکیب هیات منصفه هر محکمه از یک صنف یا گروه اجتماعی نباید بیش از دو نفر از طریق قرعه کشی انتخاب شوند. تبصره ۲ـ در صورتی که به تشخیص دادگاه رسیدگی به اتهام فوریت داشته باشد و امکان رسیدگی نیز فراهم باشد، رعایت ده روز مذکور در این ماده الزامی نیست. و دبیر هیات منصفه موظف است ضمن همکاری با قاضی مربوطه اعضا هیات منصفه دادگاه را در موعد مقرر معرفی نماید. ماده ۷ ـ در تهران دادگاه با حضور حداقل یازده نفر و در استانها با حضور نه نفر از اعضا هیات منصفه تشکیل شده و رسمیت خواهد یافت. ملاک تصمیم گیری هیات منصفه آرا اکثریت حاضران خواهد بود. اعضا هیات منصفه موظفند تا پایان جلسات دادگاهها حضور داشته باشند. ماده ۸ ـ دبیرخانه هیات منصفه زیر نظر هیات منصفه انجام وظیفه می کند و بودجه آن از محل کمکهای اهدایی تامین خواهد شد. ماده ۹ ـ چنانچه هر یک از اعضای هیات منصفه بدون عذر موجه در چهار جلسه متوالی یا شش جلسه متناوب در دادگاه حاضر نشوند و یا به همین ترتیب از شرکت در اتخاذ تصمیمات خودداری کنند با حکم همان دادگاه به دو سال محرومیت از عضویت در هیات منصفه محکوم می شوند. تبصره ـ هر یک از اعضای هیات منصفه که با عذر موجه نتواند در جلسه دادگاه حاضر شود موظف است دو روز قبل از جلسه دادرسی ، مراتب معذوریت خود را به طور کتبی و مستدل به استحضار دادگاه برساند. در صورتی که سبب عذر بعدا حادث گردد باید در اولین فرصت ممکن مراتب به اطلاع دادگاه رسانده شود. در غیراین صورت عذر وی غیرموجه محسوب می گردد. عذر موجه در قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب ـ در امور کیفری ـ مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی احصا شده است. ماده ۱۰ـ اعضای هیات منصفه بعد از انتخاب در جلسه ای در برابر قرآن کریم به خداوند متعال سوگند یاد می کنند که بدون در نظر گرفتن گرایشهای شخصی ، گروهی و با رعایت صداقت، تقوی و امانت داری در راه احقاق حق و ابطال باطل انجام وظیفه کنند. ماده ۱۱ـ رد صلاحیت اعضا هیات منصفه مطابق قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی همانند رد صلاحیت قضات خواهد بود. ماده ۱۲ـ هرگاه در حین محاکمه ، اعضای هیات منصفه سوالی داشته باشند مراتب را کتبا جهت طرح ، تسلیم رییس دادگاه می کنند. ماده ۱۳ـ پس از اعلام ختم رسیدگی بلافاصله اعضا هیات منصفه به شور پرداخته و نظر کتبی خود را در دو مورد زیر به دادگاه اعلام می دارند: الف ـ متهم بزهکار است یا خیر؟ ب ـ در صورت بزهکاری ، آیا مستحق تخفیف است یا خیر؟ تبصره ـ پس از اعلام نظر هیات منصفه ، دادگاه در خصوص مجرمیت یا برایت متهم اتخاذ تصمیم نموده و طبق قانون مبادرت به

صدور رای می نماید. ماده ۱۴ـ با تصویب این قانون کلیه قوانین مغایر ملغی می گردد. ماده ۱۵ـ آیین نامه اجرایی این قانون از زمان تصویب ظرف مدت سه ماه به وسیله وزارتخانه های دادگستری ، کشور و فرهنگ و ارشاد اسلامی تهیه و به تصویب هیات وزیران می رسد. قانون فوق مشتمل بر پانزده ماده و شش تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و چهارم اسفند ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۷/۱/۱۳۸۳ به تایید شورای نگهبان رسیده است. رییس مجلس شورای اسلامی ـ مهدی کروبی

قانون مطبوعات مصوب سال ۶۴ و اصلاح آن – مصوب سال ۱۳۷۹

فصل اول ــ تعریف مطبوعات (ماده ۱)

مصوب سال ۱۳۷۹ (ن والقلم و مایسطرون .... سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند. قرآن کریم نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می‌کند. قانون اساسی اصل ۲ فصل اول ـ تعریف مطبوعات ماده ۱ ـ مطبوعات در این قانون عبارتند از نشریاتی که به‌طور منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف در زمینه‌های گوناگون خبری ، انتقادی ، اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی ، کشاورزی ، فرهنگی ، دینی ، علمی ، فنی ، نظامی ، هنری ، ورزشی و نظایر اینها منتشر می‌شوند. تبصره ۱ ـ انتشار فوق العاده اختصاص به نشریه‌ای دارد که به طور مرتب انتشار می‌یابد. تبصره ۲ ـ نشریه ای که بدون اخذ پروانه از هیات نظارت بر مطبوعات منتشر گردد از شمول قانون مطبوعات خارج بوده و تابع قوانین عمومی است تبصره ۳ ـ کلیه نشریات الکترونیکی مشمول مواد این قانون است

فصل دوم ــ رسالت مطبوعات (ماده ۲)

ماده ۲ ـ رسالتی که مطبوعات در نظام جمهوری اسلامی بر عهده دارد عبارت است از: الف ـ روشن‌ساختن افکار عمومی و بالابردن سطح معلومات و دانش مردم در یک یا چند زمینه مورد اشاره در ماده یك ب ـ پیشبرد اهدافی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان شده است ج ـ تلاش برای نفی مرزبندی های کاذب و تفرقه انگیز و قرارندادن اقشار مختلف جامعه در مقابل یکدیگر مانند دسته بندی مردم براساس نژاد ، زبان ، رسوم ، سنن محلی و ... د ـ مبارزه با مظاهر فرهنگ استعماری (اسراف ، تبذیر ، لغو ، تجمل پرستی ، اشاعه فحشا و ...) وترویج و تبلیغ فرهنگ اصیل اسلامی و گسترش فضایل اخلاقی ه ـ حفظ و تحکیم سیاست نه شرقی ، نه غربی تبصره ـ هر یک از مطبوعات باید حداقل در تحقق یکی از موارد فوق الذکر سهیم و با موارد دیگر به هیچ وجه در تضاد نبوده و در مسیر جمهوری اسلامی باشد.

فصل سوم ــ حقوق مطبوعات (ماده ۳ تا ۵)

ماده ۳ ـ مطبوعات حق دارند نظرات ، انتقادات سازنده ، پیشنهادها ، توضیحات مردم و مسوولین رابا رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند. تبصره ـ انتقاد سازنده مشروط به دارا بودن منطق و استدلال و پرهیز از توهین ، تحقیر و تخریب می‌باشد. ماده ۴ ـ هیچ مقام دولتی و غیردولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای در صدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند. ماده ۵ ـ کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به‌منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد با رعایت این قانون حق قانونی مطبوعات است تبصره ۱ ـ متخلف از مواد (۴) و (۵) به شرط

داشتن شاکی به حکم دادگاه به انفصال خدمت از شش ماه تا دو سال و در صورت تکرار به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم خواهد شد. تبصره ۲ ـ مصوبات شورای عالی امنیت ملی برای مطبوعات لازم الاتباع است در صورت تخلف ، دادگاه می‌تواند نشریه متخلف را موقتا تـا دو مـاه توقیف و پرونـده را خارج از نوبت رسیدگی نمایـد. تبصـره ۳ ـ مطـالب اختصاصـی نشـریات اگر به نام پدیدآورنـده اثر (به نـام اصـلی یا مسـتعار) منتشـر شود به نام او و در غیر این صورت به نام نشـریه ، مشـمول قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان می‌باشد.

فصل چهارم ــ حدود مطبوعات (ماده ۶ تا ۷)

ماده ۶ ـ نشـریات جز در موارد اخلال به مبـانی و احکـام اسـلام و حقوق عمومی و خصوصـی که دراین فصل مشـخص می‌شونـد ، آزادند: ۱ ـ نشـر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند. ۲ ـ اشاعه فحشا و منکرات و انتشار عکسها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی ۳ ـ تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر. ۴ ـ ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه به ویژه از طریق طرح مسایل نژادی و قومی ۵ ـ استفاده ابزاری از افراد (اعم از زن و مرد) در تصاویر و محتوا و تحقیر و توهین به جنس زن ، تبلیغ تشـریفات و تجملات نامشـروع و غیرقانونی ۶ ـ تحریص و تشویق افراد و گروههـا به ارتکاب اعمالی علیه امنیت حیثیت و منـافع جمهوری اسـلامی ایران در داخل یا خارج ۷ ـ فاش‌نمودن و انتشار اسـناد و دسـتورها و مسایل محرمانه ، اسرار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ، نقشه و استحکامات نظامی ، انتشار مذاکرات غیر علنی مجلس شورای اسلامی و محاکم غیرعلنی دادگستری و تحقیقـات مراجع قضـایی بـدون مجوز قانونی ۸ ـ اهـانت به دین مبین اسـلام و مقـدسات آن و همچنین اهـانت به مقـام معظم رهبری و مراجع مسـلم‌تقلید. ۹ ـ افـترا به مقامـات ، نهادهـا ، ارگانهـا و هر یـک از افراد کشـور و توهین به اشـخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شـرعی دارنـد، اگر چه از طریق انتشـار عکس یا کاریکاتور باشـد. ۱۰ ـ سـرقتهای ادبی و همچنین نقـل مطالب از مطبوعـات و احزاب و گروههای منحرف و مخالف اسـلام (داخلی و خارجی به نحوی که تبلیغ از آنها باشـد. (حـدود موارد فوق را آیین نامه مشخص‌می‌کند) ۱۱ ـ پخش شایعـات و مطـالب خلاف واقع و یـا تحریف مطالب دیگران ۱۲ ـ انتشـار مطالب علیه اصول قانون اساسـی تبصره ۱ ـ سـرقت ادبی عبـارت است از نسبت‌دادن عمـدی تمام یا بخش قابل توجهی از آثار و نوشـته‌های دیگران به خود یـا غیر ولو به صورت ترجمه تبصـره ۲ ـ متخلف از موارد منـدرج در این مـاده مسـتوجب مجازات‌های مقرر در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسـلامی خواهدبود و در صورت اصـرار مسـتوجب تشدید مجازات و لغو پروانه می‌باشد. ماده ۷ ـ موارد ذیـل ممنوع و جرم محسوب می‌شود: الف ـ چـاپ و انتشـار نشـریه‌ای که پروانه برای آن صادر نشـده یا پروانه آن لغو گردیـده و یا به دسـتور دادگاه به طور موقت یـا دایم تعطیل گردیـده‌است ب ـ انتشار نشـریه به‌گونه‌ای که اکثر مطالب آن مغایر باشـد با آنچه که متقاضـی به نوع آن متعهـد شـده‌است ج ـ انتشـار نشـریه به نحوی که بـا نشـریات موجود یـا نشـریاتی که به طور موقت یا دایم تعطیل شده‌انـد از نظر نام علامت و شـکل اشـتباه شود. د ـ انتشار نشریه بدون ذکر نام صاحب امتیاز و مدیر مسوول و نشانی اداره نشریه و چاپخانه آن تبصره ـ مراکز نشـر، چاپ ، توزیع و فروش نشریات ، مجاز به چاپ و انتشار و عرضه مطبوعات و نشریاتی که از سوی دادگاه صالح یا هیات نظارت مغایر با اصول مندرج در این قانون تشخیص داده‌شود ، نمی‌باشند.

فصل پنجم ــ شرایط متقاضی و مراحل صدور پروانه (ماده ۸ تا ۲۲)

ماده ۸ ـ انتشار نشـریه توسط اشـخاص حقیقی یا حقوقی با سـرمایه ایرانی و اخذ پروانه از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آزاد است استفاده نشـریات از کمـک خـارجی مسـتقیم یـا غیرمسـتقیم ممنـوع وجرم محسـوب می‌گردد. تبصـره ۱ ـ مطبوعـاتی کـه از طرف

سازمانهای آزادی بخش اسلامی کشورهای دیگر منتشر می‌شود می‌تواند با سرمایه و مسوولیت اشخاص غیرایرانی در چهار چوب قوانین مربوطه به خارجیان مقیم ایران و موافقت وزارتین ارشاد و امور خارجه منتشر شوند. تبصره ۲ ـ کمکهای اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی غیردولتی که با نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت امور خارجه دریافت گردد مشمول این ماده نخواهد بود. تبصره ۳ ـ واگذاری امتیاز نشریه به غیر اعم از قطعی شرطی اجاره و امثال آن ممنوع است و جرم محسوب می‌شود مگر در صورت درخواست کتبی صاحب امتیاز و تصویب هیات نظارت ماده ۹ ـ الف ـ شخص حقیقی متقاضی امتیاز باید دارای شرایط زیر باشد: ۱ ـ تابعیت ایران ۲ ـ دارابودن حداقل ۲۵ سال سن ۳ ـ عدم حجر و ورشکستگی به تقلب و تقصیر. ۴ ـ عدم اشتهار به فساد اخلاق و سابقه محکومیت کیفری براساس موازین اسلامی که موجب محرومیت از حقوق اجتماعی باشد. ۵ ـ داشتن صلاحیت علمی در حد لیسانس و یا پایان سطح در علوم حوزه‌ای به تشخیص هیات نظارت موضوع ماده ۱۰ این قانون ۶ ـ پای بندی و التزام عملی به قانون اساسی ب ـ اشخاص حقوقی متقاضی امتیاز باید دارای شرایط ذیل باشند: ۱ ـ مراحل قانونی ثبت شخصیت حقوقی طی شده باشد و در ا ساسنامه و یا قانون تشکیل خود مجاز به انتشار نشریه باشد. ۲ ـ زمینه فعالیت نشریه مرتبط با زمینه فعالیت شخص حقوقی بوده و محدوده جغرافیایی انتشار آن همان محدوده جغرافیایی شخصیت حقوقی باشد. تبصره ۱ ـ متقاضی امتیاز نشریه موظف است خود یا شخص دیگری را به عنوان مدیر مسوول واجد شرایط مندرج در این ماده معرفی نماید. تبصره ۲ ـ برای نشریات داخلی یک سازمان ، موسسه و شرکت دولتی یا خصوصی که فقط برای استفاده کارکنان منتشر و رایگان در اختیار آنان قرار می‌گیرد تنها اجازه وزارت ارشاد اسلامی با رعایت ماده ۲ این قانون کافی است تبصره ۳ ـ با یک پروانه نمی‌توان بیش از یک نشریه منتشر کرد. تبصره ۴ ـ صاحب امتیاز در قبال خط مشی کلی نشریه مسوول است و مسوولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می‌رسد و دیگر امور در رابطه با نشریه به عهده مدیر مسوول خواهد بود. تبصره ۵ ـ نخست وزیران استانداران امرای ارتش و شهربانی ژاندارمری روسای سازمان‌های دولتی ، مدیران عامل و روسای هیات مدیره شرکتها و بانکهای دولتی و کلیه شرکتها و موسساتی که شمول حکم در مورد آن مستلزم ذکر نام است ، نمایندگان مجلسین ، سفرا ، فرمانداران ، شهرداران ، روسای انجمنهای شهر و شهرستان تهران و مراکز استانها، اعضای ساواک روسای دفاتر رستاخیز در تهران و مراکز استان‌ها و شهرستانها و وابستگان به رژیم سابق که در فاصله زمانی پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در مشاغل مذکور بوده و همچنین کسانی که در این مدت از طریق مطبوعات ، رادیو و تلویزیون یا سخنرانی در اجتماعات خدمتگزار تبلیغاتی رژیم گذشته بوده‌اند، ازانتشار نشریه و هرگونه فعالیت مطبوعاتی محرومند. تبصره ۶ ـ هیات نظارت موظف است جهت بررسی صلاحیت متقاضی و مدیر مسوول از مراجع ذی صلاح (وزارت اطلاعات و دادگستری و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران استعلام نماید. مراجع مذکور موظفند حداکثر تا دو ماه نظر خود را همراه مستندات و مدارک معتبر به هیات نظارت اعلام نمایند. در صورت عدم پاسخ از سوی مراجع مذکور و فقدان دلیل دیگر صلاحیت آنان تاییدشده تلقی می‌گردد. تبصره ۷ ـ مسوولیت مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر می‌شود به عهده مدیر مسوول است ولی این مسوولیت نافی مسوولیت نویسنده و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند نخواهد بود. تبصره ۸ ـ اعضا و هواداران گروههای ضد انقلاب و یا گروههای غیرقانونی و محکومین دادگاههای انقلاب اسلامی که به جرم اعمال ضدانقلابی و یا علیه امنیت داخلی و خارجی محکومیت یافته‌اند و همچنین کسانی که علیه نظام جمهوری اسلامی ایران فعالیت و یا تبلیغ می‌کنند حق هیچ گونه فعالیت مطبوعاتی و قبول سمت در نشریات را ندارند. ماده ۱۰ ـ اعضای هیات نظارت بر مطبوعات که از افراد مسلمان و صاحب صلاحیت علمی و اخلاقی لازم و مومن به انقلاب اسلامی می‌باشند، عبارتند از: الف ـ یکی از قضات به انتخاب رییس قوه قضاییه ب ـ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی یا نماینده تام الاختیار وی ج ـ یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس د ـ یکی از اساتید دانشگاه به انتخاب وزیر فرهنگ و آموزش عالی ه ـ یکی از مدیران مسوول مطبوعات به انتخاب آنان و ـ یکی از اساتید حوزه علمیه به انتخاب شورای عالی حوزه علمیه قم ز ـ یکی از اعضای

شورای عالی انقلاب فرهنگی به انتخاب آن شورا. تبصره ۱ ـ این هیات ظرف دو ماه پس از تصویب این قانون در دوره اول و دوره‌های بعد ظرف یک ماه قبل از اتمام مدت مقرر برای مدت دو سال به دعوت وزیر ارشاد اسلامی تشکیل می‌شود. تبصره ۲ ـ تصمیمات هیات نظارت قطعی است این امر مانع شکایت و اقامه دعوای افراد ذی نفع در محاکم نخواهد بود. تبصره ۳ ـ دبیرخانه هیات نظارت با امکانات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل می‌شود وزیر نظر آن هیات انجام وظیفه می‌نماید. تبصره ۴ ـ وزارت ارشاد اسلامی مسوول دعوت و برگزاری جلسه انتخابات موضوع بند (ه) این ماده است و مرجع تشخیص صلاحیت نامزدهای انتخابات مزبور براساس شرایط مندرج در صدر این ماده هیات سه نفری مرکب از افراد بندهای الف و ب و ج می‌باشند، این قانون از تاریخ تصویب لازم الاجرا خواهدبود. تبصره ۵ ـ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ریاست هیات نظارت بر مطبوعات را بر عهده خواهد داشت و پاسخگوی عملکرد هیات مذکور در مجلس و دیگر مراجع ذی صلاح خواهد بود. ماده ۱۱ ـ رسیدگی به درخواست صدور پروانه و تشخیص صلاحیت متقاضی و مدیر مسوول به عهده هیات نظارت بر مطبوعات است تبصره ـ در صورتی که صاحب پروانه یکی از شرایط مقرر در ماده (۹) این قانون را فاقد شود، به تشخیص هیات نظارت مقرر در ماده (۱۰) و با رعایت تبصره های آن پروانه نشریه لغو می‌شود. ماده ۱۲ ـ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است تخلف نشریات را راسا یا به تقاضای حداقل دو نفر از اعضای هیات نظارت ظرف مدت یک ماه مورد بررسی قرار داده و در صورت لزوم به طور مستقیم و یا از طریق هیات نظارت مراتب را جهت پیگرد قانونی به دادگاه صالح تقدیم‌نماید. تبصره ـ در مورد تخلفات موضوع ماده (۶) به جز بند (۳) و (۴) و بند (ب ، (ج و (د) ماده (۷) هیات نظارت می‌تواند نشریه را توقیف نماید و در صورت توقیف موظف است ظرف یک هفته پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه ارسال نماید. ماده ۱۳ ـ هیات نظارت مکلف است ظرف مدت سه ماه از تاریخ دریافت تقاضا جهت امتیاز یک نشریه درباره صلاحیت متقاضی و مدیر مسوول با رعایت شرایط مقرر در این قانون رسیدگی‌های لازم را انجام داده و مراتب رد یا قبول تقاضا را با ذکر دلائل و شواهد جهت اجرا به وزیر ارشاد گزارش نماید، و وزارت ارشاد اسلامی موظف است حداکثر ظرف ۲ ماه از تاریخ موافقت هیات نظارت برای متقاضی پروانه انتشار صادر کند. ماده ۱۴ ـ در صورتی‌که مدیر مسوول شرایط مندرج در ماده ۹ را فاقد گردد، یا فوت شود و یا استعفا دهد، صاحب امتیاز موظف است حداکثر ظرف ۳ ماه شخص دیگری را که واجد شرایط باشد به وزارت ارشاد اسلامی معرفی کند، در غیر این صورت از انتشار نشریه او جلوگیری می‌شود،تا زمانی که صلاحیت مدیر به تایید نرسیده است مسوولیتهای مدیر به‌عهده صاحب امتیاز است ماده ۱۵ ـ اعلام نظر هیات نظارت مبنی بر تایید یا عدم تایید مدیر مسوول جدید، حداکثر سه ماه از تاریخ معرفی توسط وزارت ارشاد اسلامی خواهد بود. ماده ۱۶ ـ صاحب امتیاز موظف است ظرف شش ماه پس از صدور پروانه نشریه مربوطه را منتشرکند و در غیر این صورت با یک بار اخطار کتبی و دادن فرصت پانزده روز دیگر در صورت عدم عذر موجه اعتبار پروانه از بین می‌رود، عدم انتشار منظم نشریه در یک سال نیز اگر بدون عذر موجه (به تشخیص هیات نظارت باشد، موجب لغو پروانه خواهد بود. تبصره ـ نشریه‌ای که سالانه منتشر می‌شود (سالنامه از ماده فوق مستثنی بوده و در صورت عدم نشر ظرف یک سال بدون عذر موجه پروانه صاحب امتیاز لغو خواهد شد. ماده ۱۷ ـ پروانهها یی که بر طبق مقررات سابق برای نشریات کنونی صادر شده است به اعتبار خود باقی است مشروط بر اینکه ظرف سه ماه از تاریخ اجرای این قانون صاحب امتیاز برای تطبیق وضع خود، با این قانون اقدام نماید. ماده ۱۸ ـ در هر شماره باید نام صاحب امتیاز ، مدیر مسوول ، نشانی اداره و چاپخانه ای که نشریه درآن به چاپ می‌رسد و نیز زمینه فعالیت و ترتیب انتشار نوع نشریه (دینی ، علمی ، سیاسی ، اقتصادی ، ادبی ، هنری و غیره) در صفحه معین و محل ثابت اعلان شود، چاپخانه ها نیز مکلف به رعایت مفاد این ماده می‌باشند. ماده ۱۹ ـ نشریات در چاپ آگهی های تجارتی که مشتمل بر تعریف و تمجید کالا یا خدماتی که ازطرف یکی از مراکز تحقیقاتی کشور که برحسب قوانین رسمیت داشته باشند، تایید گردد با رعایت‌ماده ۱۲ آیین نامه تاسیس و نظارت بر نحوه کار و فعالیت کانونهای آگهی تبلیغاتی و بندهای مربوطه مجاز می‌باشند. تبصره ـ در مواردی که طبق این ماده

مطبوعات مجاز به درج آگهی های مشتمل بر تعریف و تشویق از کالا و خدمات هستند، متن این تعریف و تشویق نمی‌تواند از متن تقدیرنامه رسمی مراکز قانونی مذکور در این ماده فراتر رود. ماده ۲۰ ـ هر روزنامه یا مجله باید دفاتر محاسباتی خود را در آن ثبت کند و بیلان سالانه درآمد و مخارج را به وزارت ارشاد اسلامی بفرستد، وزارت ارشاد اسلامی هر وقت لازم بداند، دفاتر مالی موسسات را بازرسی می‌نماید. تبصره ـ کلیه مطبوعات مکلفند همه ماهه تیراژ فروش ماهیانه خود را کتبا به وزارت ارشاد اسلامی اطلاع دهند. ماده ۲۱ ـ مدیران مسوول نشریات موظفند از هر شماره نشریه دو نسخه به هریک از مراجع زیر به‌طور مرتب و رایگان ارسال نمایند: الف ـ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ب ـ مجلس شورای اسلامی ج ـ دادگستری مرکز استان محل نشر. ماده ۲۲ ـ ورود مطبوعات به کشور و نیز خروج آن براساس موازین شرعی و قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی است ضوابط ورود و خروج آن ظرف شش ماه توسط وزارت ارشاد اسلامی تهیه و به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید.

فصل ششم ـ جرایم (ماده ۲۳ تا ۳۵)

ماده ۲۳ ـ هرگاه در مطبوعات مطالبی مشتمل بر توهین یا افترا یا خلاف واقع و یا انتقاد نسبت به شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی مشاهده شود، ذی نفع حق دارد پاسخ آن را ظرف یک ماه کتبا برای همان نشریه بفرستد و نشریه مزبور موظف است این گونه توضیحات و پاسخها را در یکی از دو شماره ای که پس از وصول پاسخ منتشر می‌شود، در همان صفحه و ستون و با همان حروف که اصل مطلب منتشر شده است مجانی به چاپ برساند، به شرط آن که جواب از دو برابر اصل تجاوز نکند و متضمن توهین و افترا به کسی نباشد. تبصره ۱ ـ اگر نشریه علاوه بر پاسخ مذکور ، مطالب یا توضیحات مجددی چاپ کند، حق پاسخگویی مجدد برای معترض باقی است درج قسمتی از پاسخ به صورتی که آن‌را ناقص یا نامفهوم سازد و همچنین افزودن مطلبی به آن در حکم عدم درج است و متن پاسخ باید در یک شماره درج شود. تبصره ۲ ـ پاسخ نامزدهای انتخاباتی در جریان انتخابات باید در اولین شماره نشریه درج گردد به شرط آن که حداقل شش ساعت پیش از زیر چاپ رفتن نشریه ، پاسخ به دفتر نشریه تسلیم و رسید دریافت شده‌باشد. تبصره ۳ ـ در صورتی‌که نشریه از درج پاسخ امتناع ورزد یا پاسخ را منتشر نسازد، شاکی می‌تواند به‌دادگستری شکایت کند و رییس دادگستری در صورت احراز صحت شکایت جهت نشر پاسخ به نشریه اخطار می‌کند و هر گاه این اخطار موثر واقع نشود ، پرونده را پس از دستور توقیف موقت نشریه که مدت آن حداکثر از ده روز تجاوز نخواهد کرد، به دادگاه ارسال می‌کند. تبصره ۴ ـ اقدامات موضوع این ماده و تبصره‌های آن نافی اختیارات شاکی در جهت شکایت به مراجع قضایی نمی‌باشد. ماده ۲۴ ـ اشخاصی که اسناد و دستورهای محرمانه نظامی و اسرار ارتش و سپاه و یا نقشه‌های قلاع و استحکامات نظامی را در زمان جنگ یا صلح به وسیله یکی از مطبوعات فاش و منتشر کنند به‌دادگاه تحویل تا برابر مقررات رسیدگی شود. ماده ۲۵ ـ هر کس به‌وسیله مطبوعات مردم را صریحا به ارتکاب جرم یا جنایتی بر ضد امنیت داخلی یا سیاست خارجی کشور که در قانون مجازات عمومی پیش بینی شده است تحریص و تشویق نماید در صورتی که اثری بر آن مترتب شود، به مجازات معاونت همان جرم محکوم و درصورتی که اثری بر آن مترتب نشود طبق نظر حاکم شرع براساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهدشد. ماده ۲۶ ـ هر کس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به‌ارتداد منجر شود حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا و اگر به ارتداد نینجامد طبق نظر حاکم شرع براساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد. ماده ۲۷ ـ هر گاه در نشریه‌ای به رهبر جمهوری اسلامی ایران و یا مراجع مسلم تقلید اهانت شود ، پروانه آن نشریه لغو و مدیر مسوول و نویسنده مطلب به محاکم صالحه معرفی و مجازات خواهندشد. تبصره ـ رسیدگی به جرایم موضوع مواد ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ تابع شکایت مدعی خصوصی‌نیست ماده ۲۸ ـ انتشار عکسها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی ممنوع و موجب تعزیر شرعی است و اصرار بر آن موجب تشدید تعزیر و لغو پروانه خواهد بود. ماده ۲۹ ـ انتشار مذاکرات غیر علنی مجلس شورای اسلامی و مذاکرات غیرعلنی

محاکم دادگستری یا تحقیقات مراجع اطلاعاتی و قضایی که طبق قانون افشای آن مجاز نیست ممنوع است و درصورت تخلف طبق نظر حاکم شرع و قانون تعزیرات با وی رفتار خواهدشد. ماده ۳۰ ـ انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افترا یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبتهای توهین آمیز و نظائر آن نسبت به اشخاص ممنوع است مدیر مسوول جهت مجازات به محاکم قضایی معرفی می‌گردد و تعقیب جرایم مذکور موکول به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت تعقیب در هر مرحله‌ای که باشد متوقف خواهد شد. تبصره ۱ ـ در موارد فوق شاکی (اعم از حقیقی یا حقوقی می‌توانند برای مطالبه خسارتی که از نشرمطالب مذکور بر او وارد آمده به دادگاه صالحه شکایت نموده و دادگاه نیز مکلف است نسبت به آن رسیدگی و حکم متناسب صادر نماید. تبصره ۲ ـ هر گاه انتشار مطالب مذکور در ماده فوق راجع به شخص متوفی بوده ولی عرفا هتاکی به بازماندگان وی به حساب آید هر یک از ورثه قانونی می‌توانند از نظر جزایی یا حقوقی طبق ماده و تبصره فوق اقامه دعوی نمایند. ماده ۳۱ ـ انتشار مطالبی که مشتمل بر تهدید به هتک شرف و یا حیثیت و یا افشای اسرار شخصی باشد ممنوع است و مدیر مسوول به محاکم قضایی معرفی و با وی طبق قانون تعزیرات رفتارخواهد شد. تبصره ـ در مورد مواد ۳۰ و ۳۱ تا زمانی که پرونده در مرحله تحقیق و رسیدگی است نشریه مورد شکایت حق ندارد نسبت به مورد رسیدگی مطلبی نشر دهد، در صورت تخلف رییس دادگاه باید قبل از ختم تحقیقات حکم توقیف نشریه را صادر کند. این توقیف شامل اولین شماره بعد از ابلاغ می‌شود و در صورت تکرار تا موقع صدور رأی دادگاه از انتشار نشریه جلوگیری می‌شود. ماده ۳۲ ـ هر کس در نشریه‌ای خود را برخلاف واقع صاحب پروانه انتشار یا مدیر مسوول معرفی کند یا بدون داشتن پروانه به انتشار نشریه مبادرت نماید، طبق نظر حاکم شرع با وی رفتار خواهدشد. مقررات این ماده شامل دارندگان پروانه و مدیران مسوولی که سمتهای مزبور را طبق قانون از دست‌داده‌اند نیز می‌شود. ماده ۳۳ ـ الف ـ هرگاه در انتشار نشریه نام یا علامت نشریه دیگری ولو با تغییرات جزیی تقلید شود به طوری که برای خواننده امکان اشتباه باشد، از انتشار آن جلوگیری و مرتکب به حبس تعزیری شصت و یک روز تا سه ماه و جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال محکوم می‌شود. تعقیب جرم و مجازات منوط به شکایت شاکی خصوصی است ب ـ پس از توقیف یک نشریه انتشار هر نوع نشریه دیگر به جای نشریه توقیف شده به نحوی که بانشریه مذکور از نظر نام ، علامت و شکل مشتبه شود ممنوع است و نشریه جدید بلافاصله توقیف می گردد. مرتکب به مجازات حبس تعزیری از سه ماه تا شش ماه و جزای نقدی از دو میلیون ریال تابیست میلیون ریال محکوم می‌شود. ماده ۳۴ ـ رسیدگی به جرایم مطبوعاتی با توجه به قوانین مربوط به صلاحیت ذاتی می‌توانند درمحاکم عمومی یا انقلاب یا سایر مراجع قضایی باشد. در هر صورت علنی بودن و حضور هیات منصفه الزامی است تبصره ـ به جرایم مطبوعاتی در محاکم صالح مراکز استانها رسیدگی می‌شود. ماده ۳۵ ـ تخلف از مقررات این قانون جرم است و چنانچه در قانون مجازات اسلامی و این قانون برای آن مجازات تعیین نشده باشد متخلف به یکی از مجازات های ذیل محکوم می‌شود: الف ـ جزای نقدی از یک میلیون تا بیست میلیون ریال ب ـ تعطیل نشریه حداکثر تا شش ماه در مورد روزنامه ها و حداکثر تا یک سال در مورد سایر نشریات تبصره ـ دادگاه می‌تواند در جرایم مطبوعاتی مجازات حبس و شلاق را به یکی از مجازاتهای ذیل تبدیل نماید: الف ـ جزای نقدی از دو میلیون تا پنجاه میلیون ریال ب ـ تعطیل نشریه حداکثر تا شش ماه در مورد روزنامه‌ها و تا یک سال در مورد سایر نشریات ج ـ محرومیت از مسوولیتهای مطبوعاتی حداکثر تا پنج سال

فصل هفتم ــ هیات منصفه مطبوعات (ماده ۳۶ تا ۴۴)

ماده ۳۶ ـ انتخاب هیات منصفه به طریق ذیل خواهد بود: هر دو سال یک بار در مهر ماه جهت تعیین اعضای هیات منصفه در تهران به دعوت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و با حضور وی و رییس کل دادگستری استان ، رییس شورای شهر ، رییس سازمان تبلیغات و نماینده شورای سیاستگذاری ائمه جمعه سراسر کشور و در مراکز استان به دعوت مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و با

حضور وی و رییس کل دادگستری استان ، رییس شورای شهرمرکز استان رییس سازمان تبلیغات و امام جمعه مرکز استان یا نماینده وی تشکیل می‌شود. هیات مذکور در تهران (۲۱) نفر و در سایر استانها (۱۴) نفر از افراد مورد اعتماد عمومی را از بین گروههای مختلف اجتماعی (روحانیون ، اساتید دانشگاه ، پزشکان ، مهندسان ، نویسندگان و روزنامه نگاران وکلای دادگستری ، دبیران و آموزگاران ، اصناف ، کارمندان ، کارگران ، کشاورزان ، هنرمندان و بسیجیان به عنوان اعضای هیات منصفه انتخاب می کند. تبصره ۱ ـ چنانچه مفاد موضوع این ماده در مهلت مقرر انجام نشود، رییس کل دادگستری مکلف می‌باشد نسبت به دعوت از افراد یاد شده و انتخاب هیات منصفه اقدام نماید. تبصره ۲ ـ چنانچه به هر دلیلی اعضای هیات منصفه به ده نفر یا کمتر برسد، هیات مذکور در این‌ماده موظف است ظرف یک ماه تشکیل جلسه داده و نسبت به تکمیل اعضای هیات منصفه اقدام نماید. ماده ۳۷ ـ اعضای هیات منصفه باید دارای شرایط زیر باشند: ۱ ـ داشتن حداقل سی سال سن و تاهل ۲ ـ نداشتن سابقه محکومیت موثر کیفری ۳ ـ اشتهار به امانت صداقت و حسن شهرت ۴ ـ صلاحیت علمی و آشنایی با مسایل فرهنگی و مطبوعاتی ماده ۳۸ ـ پس از انتخاب اعضای هیات منصفه موضوع ماده (۳۶) این قانون مراتب توسط رییس کل دادگستری استان به اعضا ابلاغ می گردد. دادگاه رسیدگی کننده به جرایم مطبوعاتی ، حداقل یک هفته قبل از زمان رسیدگی از تمامی اعضای هیات منصفه دعوت می کند تادر جلسه محاکمه حضور یابند. دادگاه با حضور حداقل هفت نفر از اعضای هیات منصفه رسمیت خواهد یافت اکثریت آرا حاضران ملاک تصمیم گیری هیات منصفه خواهد بود، اعضای هیات موظفند تا پایان جلسات دادگاه حضور داشته باشند. تبصره ۱ ـ تصمیمات هیاتهای نظارت و منصفه با اکثریت مطلق عده حاضر معتبر خواهد بود. تبصره ۲ ـ چنانچه در دو جلسه رسیدگی به یک پرونده جرم مطبوعاتی ، هیات منصفه به حدنصاب نرسد، دادگاه در جلسه سوم با حضور افراد حاضر حداقل به تعداد پنج نفر رسیدگی می‌نماید. تبصره ۳ ـ دبیرخانه هیات منصفه با بودجه و امکانات قوه قضاییه تشکیل و زیرنظر هیات منصفه انجام وظیفه می‌نماید. ماده ۳۹ ـ هریک از اعضای هیات منصفه چنانچه بدون عذر موجه در دو جلسه متوالی یا پنج جلسه متناوب دادگاه حاضر نشود یا از شرکت در اتخاذ تصمیم خودداری کند با حکم دادگاه رسیدگی کننده به دو سال محرومیت از عضویت در هیات منصفه محکوم می‌شود. رای دادگاه قطعی است تبصره ـ هریک از اعضای هیات منصفه به علت وجود عذر موجه نتواند در جلسه دادگاه حضور یابد موظف است دو روز قبل از جلسه دادرسی عذر خود را کتبا و به طور مستدل به استحضار دادگاه برساند ، در غیر این صورت عذر وی غیرموجه محسوب می گردد مگر عذرهایی که در این فاصله تا جلسه دادگاه حادث شده باشد در هر حال موظف است عذر خود را به دادگاه اعلام نماید. عذر موجه همان است که در آیین دادرسی احصا گردیده است ماده ۴۰ ـ اعضای هیات منصفه در ابتدای اولین جلسه حضور خود در دادگاه به خداوند متعال و د ربرابر قرآن کریم سوگند یاد می کنند بدون در نظر گرفتن گرایشهای شخصی یا گروهی و با رعایت صداقت ، تقوی و امانت داری در راه احقاق حق و ابطال باطل انجام وظیفه نمایند. ماده ۴۱ ـ موارد رد اعضای هیات منصفه همان است که طبق قانون در مورد رد قضات پیش بینی شده است ماده ۴۲ ـ هرگاه در حین محاکمه ، اعضای هیات منصفه سوالاتی داشته باشند ، مراتب را کتبا جهت طرح ، تسلیم رییس دادگاه می‌نمایند. ماده ۴۳ ـ پس از اعلام ختم رسیدگی بلافاصله اعضای هیات منصفه به شور پرداخته و نظر کتبی خود را در دو مورد زیر به دادگاه اعلام می‌دارند: الف ـ متهم بزهکار است یا خیر؟ ب ـ در صورت بزهکاری آیا مستحق تخفیف است یا خیر؟ تبصره ۱ ـ پس از اعلام نظر هیات منصفه دادگاه در خصوص مجرمیت یا برائت متهم اتخاذ تصمیم نموده و طبق قانون مبادرت به صدور رای می‌نماید. تبصره ۲ ـ در صورتی که تصمیم هیات منصفه بر بزهکاری باشد دادگاه می‌تواند پس از رسیدگی رای بر برائت صادر کند. تبصره ۳ ـ در صورتی که رای دادگاه مبنی بر مجرمیت باشد، رای صادره طبق مقررات قانونی قابل تجدیدنظرخواهی است در رسیدگی مرحله تجدیدنظر حضور هیات منصفه لازم نیست تبصره ۴ ـ حضور هیات منصفه در تحقیقات مقدماتی و صدور قرارهای قانونی لازم نیست ماده ۴۴ ـ هرگاه حکم دادگاه مبنی بر برائت یا محکومیتی باشد که مستلزم سلب حقوق اجتماعی نباشد، از نشریه در صورتی که قبلا توقیف

شده باشد بی درنگ رفع توقیف خواهد شد و انتشار مجدد آن بلامانع می‌باشد.

فصل هشتم ـ موارد متفرقه (ماده ۴۵ تا ۴۸)

ماده ۴۵ ـ نظارت دقیق بر عملکرد جراید و انجام رسالت مطبوعاتی آنان بر عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است این امر مانع از انجام وظایف مستقیم هیات نظارت نخواهد بود. ماده ۴۶ ـ صاحب امتیاز و مدیر مسوول موظفند کلیه کارکنان نشریه را بیمه نمایند تا در صورتی که به حکم دادگاه یا رأی هیات نظارت یا به هر دلیل دیگر نشریه تعطیل گردید، تا زمان اشتغال مجدد طبق مقررات قانون کار حقوق قانونی آنان پرداخت شود. ماده ۴۷ ـ آیین نامه اجرایی این قانون ظرف حداکثر شش ماه توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۴۸ ـ این قانون از جمله در مورد نحوه تشکیل هیات نظارت و هیات منصفه از تاریخ تصویب لازم الاجرا است و نیز از تاریخ تصویب ، کلیه قوانین مغایر با آن از جمله لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۲۵/۵/۱۳۵۸ شورای انقلاب لغو می گردد.

قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی – مصوب دیماه ۱۳۵۲ – (ماده ۱ تا ۱۲)

مصوب دیماه ۱۳۵۲ ماده ۱ ـ حق تکثیر یا تجدید چاپ و بهره برداری و نشر و پخش هر ترجمه‌ای با مترجم یا وارث قانونی او است مدت استفاده از این حقوق که به وراثت منتقل می‌شود از تاریخ مرگ مترجم سی‌سال است حقوق مذکور در این ماده قابل انتقال به غیر است و انتقال گیرنده از نظر استفاده از این حقوق قائم‌مقام انتقال دهنده برای استفاده از بقیه مدت از این حق خواهد بود. ذکر نام مترجم در تمام موارد استفاده الزامی است ماده ۲ ـ تکثیر کتب و نشریات به همان زبان و شکلی که چاپ شده به قصد فروش یا بهره برداری مادی از طریق چاپ افست یا عکسبرداری یا طرق مشابه بدون اجازه صاحب حق ممنوع است ماده ۳ ـ نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر آثار صوتی که بر روی صفحه یا نوار یا هر وسیله دیگر ضبط شده است بدون اجازه صاحبان حق یا تولیدکنندگان انحصاری یا قائم مقام قانونی آنان برای فروش ممنوع است حکم مذکور در این ماده شامل نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر از برنامه های رادیو و تلویزیون یاهرگونه پخش دیگر نیز خواهد بود. ماده ۴ ـ صفحات یا نوارهای موسیقی و صوتی در صورتی حمایت می‌شود که در روی هر نسخه یا جلد آن علامت بین المللی پ لاتین در داخل دایره و تاریخ انتشار و نام و نشانی تولیدکننده و نماینده انحصاری و علامت تجارتی ذکر شده باشد. ماده ۵ ـ تکثیر و نسخه‌برداری از کتب و نشریات و آثار صوتی موضوع مواد دو و سه این قانون به منظور استفاده در کارهای مربوط به آموزش یا تحقیقات علمی مجاز خواهد بود مشروط بر این که جنبه انتفاعی نداشته باشد و اجازه نسخه برداری از آنها قبلا به تصویب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رسیده باشد. تبصره ـ نسخه‌برداری از کتب و نشریات و آثار صوتی موضوع مواد دو و سه این قانون در صورتی که برای استفاده شخصی و خصوصی باشد، بلامانع است ماده ۶ ـ در مورد تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی حمایتهای مذکور در این قانون به شرط وجود عهدنامه یا معامله متقابل نسبت به اتباع سایر کشورها نیز جاری است ماده ۷ ـ اشخاصی که عالما و عامدا مرتکب یکی از اعمال زیر شوند علاوه بر تادیه خسارات شاکی خصوصی به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا یک سال محکوم خواهندشد: ۱ ـ کسانی که خلاف مقررات مواد یک و دو و سه این قانون عمل کنند. ۲ ـ کسانی که اشیای مذکور در ماده ۳ را که به طور غیرمجاز در خارج تهیه شده به کشور وارد یا صادرکنند. ماده ۸ ـ هرگاه متخلف از این قانون شخص حقوقی باشد علاوه بر تعقیب جزایی شخص حقیقی مسوول که جرم ناشی از تصمیم او باشد خسارات شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران‌خواهد شد. در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند مابه التفاوت از اموال شخص حقیقی مسوول جبران می‌شود. ماده ۹ ـ مراجع قضایی مکلفند ضمن رسیدگی به شکایت شاکی خصوصی به تقاضای او و نسبت به جلوگیری از نشر و پخش و عرضه کتب و نشریات و آثار صوتی

موضوع شکایت و ضبط آن تصمیم مقتضی اتخاذ کنند. ماده ۱۰ ـ احکام مذکور در این قانون موقعی جاری است که آثار موضوع این قانون مشمول حمایتهای مذکور در قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان نباشد در غیر این صورت مقررات قانون مزبور نسبت به آثار موضوع این قانون ملاک خواهد بود. ماده ۱۱ ـ مقررات این قانون در هیچ مورد حقوق اشخاص مذکور در قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان را نفی نمی‌کند و محدود نمی‌سازد. ماده۱۲ ـ تعقیب بزه‌های مذکور در این قانون منوطبه شکایت شاکی خصوصی است و با گذشت او تعقیب یا اجرای حکم موقوف می‌شود.

قانون معافیت موسسات انتشاراتی و کتاب فروشان از پرداخت مالیات (ماده واحده)

ماده واحده ـ از تاریخ ابلاغ این قانون ناشران و فروشندگان کتاب و مطبوعات اعم از اشخاص حقیقی و یا حقوقی که دارای مجوز فعالیت از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌باشند و همچنین نویسندگان ، مترجمین ویراستاران ، گرافیست‌ها و سایر پدید آورندگان آثار فرهنگی مکتوب از پرداخت مالیات بر درآمد موضوع فعالیت های مطبوعاتی و انتشاراتی معاف می‌شوند. تبصره ۱ ـ ملاک تشخیص مصادیق موارد مذکور در ماده واحده در صورتی که مشخص نباشد با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است تبصره ۲ ـ اعتبار مورد نیاز برای معافیت مالیاتی مطبوعات و سایر موارد، از محل سهم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از افزایش درآمد آگهی های اجاره تابلوهای شهری که به حساب درآمد عمومی کشور نزد خزانه داری کل واریز می‌گردد تأمین خواهد شد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و دو تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ نهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۶/۲/۱۳۸۰ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون ممنوعیت وزارتخانه ها و موسسات و شرکتهای دولتی از چاپ و انتشار نشریات غیر ضرور – مصوب ۲۹/۷/۱۳

مصوب ۲۹/۷/۱۳۶۵ ماده واحده ـ اختصاص و پرداخت هرگونه وجه از محل اعتبارات جاری و عمرانی منظور در قانون بودجه سالیانه کل کشور و اموال و ثروتهای عمومی از سوی وزارتخانه ها و موسسات و شرکتهای دولتی و موسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است و نهادهای انقلاب اسلامی و استفاده کردن از امکانات دولتی و کارکنان برای جمع آوری مطالب ، تحریر ، تنظیم ، چاپ و انتشار هرگونه کتاب ، روزنامه ، مجله ، نشریات مشابه و هرنوع اوراق و پارچه های تبلیغاتی ، جزوه ، بروشور ،تراکت ، پوستر (به استثنای پوستر و بروشورهای آموزشی) سفارش چاپ هرگونه آگهی تبریک ، تسلیت و تشکر و اطلاعیه های غیر ضروری که مستقیما با وظایف آنها ارتباط نداشته باشد در روزنامه و نشریات کشور ممنوع می‌باشد. این ممنوعیت شامل تمامی اعتبارات دستگاههای مذکور حتی اعتباراتی که مستثنی از قانون محاسبات عمومی و یا سایر مقررات عمومی دولت هستند نیز می‌باشد. تبصره ۱ ـ موارد ذیل از شمول ممنوعیت این قانون مستثنی می‌باشند: ۱ ـ وزارت ارشاد اسلامی ۲ ـ وزارت امور خارجه در کشورهایی که وزارت ارشاد اسلامی در آنها فاقد نمایندگی فرهنگی است به تشخیص و تایید وزیر امور خارجه ۳ ـ سازمان تبلیغات اسلامی ۴ ـ وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و موسسات وابسته به آن و مرکز نشر دانشگاهی در رابطه با چاپ کتاب و نشریه جزوه های علمی فنی و درسی و تحقیقاتی ۵ ـ سازمان پژوهشی و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش (در رابطه با کتب و نشریات علمی و آموزشی) ۶ ـ تبلیغات مربوط به جبهه و جنگ در چهارچوب آیین نامه آن که حداکثر ظرف دو ماه پس از ابلاغ این قانون به پیشنهاد وزارت ارشاد اسلامی و همکاری وزارتخانه‌های سپاه ـ دفاع ـ جهاد و سازمان تبلیغات اسلامی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ۷ ـ بنیاد شهید به جز در انتشار کتاب نشریه و مجله ۸ ـ بولتن های داخلی ضروری و بروشورها که در وزارتخانه ها و موسسات دولتی و شرکتهای دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی با تعیین ضوابط توسط وزارت ارشاد اسلامی در رابطه با وظایف قانونی خود منتشر می‌نمایند. ۹ ـ وزارت اطلاعات در رابطه با نشر مسایل

امنیتی تبصره ۲ ـ وزارت ارشاد اسلامی مجاز است در زمینه‌های علمی و فنی (با تایید وزارت فرهنگ و آموزش عالی و در زمینه‌های فرهنگی در صورت تشخیص اجازه انتشار یک نشریه در هر رشته و درصورت ضرورت بیش از یک نشریه از محل اعتبارات مربوط به دستگاه ذی ربط را بدهد. تبصره ۳ ـ بهای نشریات و جزوات فوق با جلب نظر وزارتخانه ها و موسسات مذکور با احتساب هزینه‌های مربوط به مواد اولیه ، دستمزد ، پرسنل شاغل و هزینه های چاپ پس از وصول به حساب درآمد عمومی کشور واریز خواهد شد. تبصره ۴ ـ وزارت ارشاد اسلامی موظف است نسبت به عملکرد وزارتخانه ها ، سازمانها ، نهادهای‌مذکور در این قانون نظارت کامل داشته با مشاهده تخلف جهت تعقیب قانونی مورد یا موارد را به مراجع صالحه قضایی احاله داده و نتیجه را از طریق کمیسیون ارشاد اسلامی مجلس به اطلاع نمایندگان مجلس برساند. تبصره ۵ ـ هرگونه هزینه و تخلف از این قانون در حکم تصرف غیر مجاز در اموال دولتی می‌باشد. تبصره ۶ ـ وزارت ارشاد اسلامی مکلف است آیین‌نامه اجرایی این قانون را ظرف ۴ ماه پس از ابلاغ تهیه و به تصویب هیات وزیران برساند.

قانون ممنوعیت به کارگیری اسامی ، عناوین و اصطلاحات بیگانه (ماده واحده

ماده واحده ـ به منظور حفظ قوت و اصالت زبان فارسی به عنوان یکی از ارکان هویت ملی ایران و زبان دوم عالم اسلام و معارف و فرهنگ اسلامی دستگاههای قانونگذاری ، اجرایی و قضایی کشورو سازمانها ، شرکتها و موسسات دولتی و کلیه شرکتهایی که شمول قوانین و مقررات عمومی بر آنها مستلزم ذکر نام است و تمامی شرکتها، سازمانها و نهادهای مذکور در بند (د) تبصره (۲۲) قانون برنامه دوم توسعه موظفند از به کاربردن کلمات و واژه های بیگانه در گزارشها و مکاتبات سخنرانی ها، مصاحبه های رسمی خودداری کنند و همچنین استفاده از این واژه‌ها بر روی کلیه تولیدات داخلی اعم از بخشهای دولتی و غیردولتی که در داخل کشور عرضه می‌شود ممنوع است تبصره ۱ ـ فرهنگستان زبان و ادب فارسی باید بر اساس اصول و ضوابط مصوب خود برای واژه های مورد نیاز با اولویت واژه هایی که کاربرد عمومی دارند رأسا یا با همکاری مراکز علمی واژه گزینی و یا واژه سازی کند و هر شش ماه یکبار گزارش فعالیتهای خود را به کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی و وسایل ارتباط جمعی و حسب مورد سایر کمیسیونهای مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید. تبصره ۲ ـ واژه هایی که فرهنگستان زبان و ادب فارسی وضع معادل فارسی را برای آنها ضروری نمی‌داند و نیز کلماتی که هنوز واژه فارسی معادل آنها از سوی فرهنگستان به تصویب نرسیده است از شمول این قانون مستثنی هستند. تبصره ۳ ـ فرهنگستانهای علوم و علوم پزشکی و دستگاه های آموزشی و پژوهشی ، دانشگاهها ودیگر سازمانهای علمی و فرهنگی مکلفند در زمینه واژه گزینی و واژه‌سازی تخصصی اقدام کنند و واژه های پیشنهادی خود را به تصویب فرهنگستان زبان و ادب فارسی برسانند. تبصره ۴ ـ در مواردی که فرهنگستان زبان و ادب فارسی در زمینه واژه گزینی و واژه سازی تخصصی خواستار همکاری دستگاهها و مراکز علمی ، آموزشی صنعتی و فرهنگی باشد، این دستگاهها و مراکز موظفند با فرهنگستان همکاری کنند. تبصره ۵ ـ کارخانه ها، کارگاه ها و اماکن تولیدی و خدماتی و تجاری موظفند ظرف مدت دو سال از تاریخ ابلاغ این قانون اسامی تولیدات و ظرف مدت یک سال نام اماکن خود را به نامها و واژه‌های غیربیگانه برگردانند. تبصره ۶ ـ چاپخانه ها، مراکز طبع و نشر، روزنامه‌ها و سایر مطبوعات مکلف به رعایت این قانون هستند و در صورت تخلف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است مطابق تبصره هشتم همین قانون با آنها رفتار کند. تبصره ۷ ـ صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران موظف است از به کارگیری واژه‌های نامانوس بیگانه خودداری کند و ضوابط دستوری زبان فارسی معیار را رعایت نماید، سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و کلیه دستگاههای مذکور در ماده واحده موظفند واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی را پس از ابلاغ در تمامی موارد به کار ببرند. تبصره ۸ ـ تولید و توزیع کنندگان کالاها و صاحبان مراکز کسب و پیشه در صورت تخلف از این قانون به ترتیب به مجازات های زیر محکوم خواهند شد: الف ـ اخطار کتبی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی ب ـ تعویض علایم و نشانه‌ها و تغییر اسامی و عناوین پس از اعلام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توسط وزارت کشور یا دستگاه های ذی ربط با هزینه متخلف ج ـ تعطیل موقت محل کار. د ـ لغو پروانه کار. تبصره ۹ ـ نیروی انتظامی موظف است از نصب و استفاده از علایم به زبان و خط بیگانه توسط مراکز تولید، توزیع و صنوف جلوگیری نماید. تبصره ۱۰ ـ آیین نامه اجرایی این قانون ظرف مدت دو ماه پس از تصویب با پیشنهاد کمیسیون فرهنگی دولت به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و ده تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ چهاردهم آذرماه یک هزار و سیصد و هفتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۸/۹/۱۳۷۵ به تایید شورای نگهبان رسیده است

لایحه قانونی مطبوعات – مصوب ۱۱/۱۱/۱۳۳۱

فصل اول تعریف و تاسیس روزنامه و مجله (ماده۱ تا ۱۲)

مصوب ۱۱/۱۱/۱۳۳۱ فصل اول تعریف و تاسیس روزنامه و مجله ماده ۱ ـ روزنامه یا مجله نشریه ایست که برای روشن ساختن افکار مردم در زمینه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی یا علمی و فنی و یا ادبی و ترقی‌دادن سطح معلومات عامه و نشر اخبار و اطلاعات و مطالب عام المنفعه و انتقاد و صلاح اندیشی در امور عمومی به طور منظم و در مواقع معین بر طبق اجازه نامه طبع و نشر گردد. ماده ۲ ـ هر کس بخواهد روزنامه یا مجله تاسیس کند باید از وزارت کشور اجازه تحصیل نماید. ماده ۳ ـ درخواست کننده اجازه باید دارای شرایط ذیل باشد: الف ـ ایرانی باشد. ب ـ سن او از ۳۰ سال کمتر نباشد. ج ـ سابقه محکومیت جنایی و یا محکومیت جنحه که موجب سلب حقوق اجتماعی باشد نداشته و محجور نباشد. د ـ سواد خواندن و نوشتن فارسی به قدر کفایت داشته باشد. تبصره ـ در صورتی‌که موسس یا مدیر روزنامه یا مجله فاقد یکی از شرایط مذکور در بند (الف یا بند (ج این ماده بشود اجازه انتشار روزنامه یا مجله او از درجه اعتبار ساقط می‌گردد. ماده ۴ ـ درخواست کننده اجازه ، علاوه بر مدارک لازمه اظهارنامه ای شامل اطلاعات ذیل در تهران به وزارت کشور و درشهرستان ها به فرماندار محل تسلیم خواهد نمود. ۱ ـ نام و نام خانوادگی موسس و همچنین نام و نام خانوادگی مدیر یا سردبیر اگر مدیر و سردبیر جداگانه داشته باشد. ۲ ـ محل اداره روزنامه یا مجله ۳ ـ نام و نشانی چاپخانه‌ای که روزنامه یا مجله در آن چاپ می‌شود. ۴ ـ نام روزنامه یا مجله و ترتیب چاپ آن که یومیه است یا هفتگی یا ماهانه ۵ ـ عده نسخه هایی که از هر شماره چاپ می‌شود. ۶ ـ روش روزنامه یا مجله تبصره ـ هرگونه تغییری که نسبت به موارد فوق پیش آید مدیر موظف است در ظرف یک هفته به اطلاع وزارت کشور و فرماندار محل برساند. ماده ۵ ـ درخواست های تاسیس روزنامه یا مجله به وسیله هیاتی مرکب از مدیر کل وزارت کشور ، رییس اداره نگارش وزارت فرهنگ و دادستان شهرستان تهران یا نماینده او رسیدگی می‌شود و نسبت به درخواست هایی که واجد شرایط قانونی باشد اجازه نامه از طرف وزارت کشور صادر خواهدگردید. تبصره ۱ ـ مدت اعتبار اجازه نامه ها برای شروع انتشار شش ماه است تبصره ۲ ـ وزارت کشور دفتری ترتیب خواهد داد که در آن نام روزنامه ها و مجلاتی که اجازه آنها صادر شده است با مشخصات هریک مرتبا ثبت می‌شود. صدور اجازه به اسامی مکرر یا نامناسب و مستهجن ممنوع است و به‌هیچ کس برای انتشار روزنامه یا مجله بیش از یک اجازه داده نخواهد شد. ماده ۶ ـ مدیر هر روزنامه یا مجله باید برای اداره خود دفاتر محاسباتی پلمپ شده برطبق قانون تجارت تهیه نماید که کلیه مخارج و درآمد اداره منظما در آن ثبت گردد و بیلان سالیانه درآمد و مخارج خود را به گواهی دادستان یا نماینده او رسانیده و در اولین شماره ماه سوم سال بعد برای اطلاع عامه انتشاردهد. دادستان شهرستان یا نماینده او موظف است لااقل شش ماه‌یک‌بار دفاتر مزبور را بازرسی و امضاء نماید. ماده ۷ ـ هر روزنامه و یا مجله ممکن‌است علاوه بر موسس ، مدیر و سردبیر جداگانه داشته باشد، در این صورت مدیر و سردبیر باید واجد شرایط مقرره در ماده سوم باشد. ماده ۸ ـ در هر شماره روزنامه و مجله باید نام و نام خانوادگی

موسس و در صورتی که مدیر و سردبیر جداگانه داشته باشد نام و نام خانوادگی مدیر و سردبیر و همچنین نام و نشانی چاپخانه ای‌که در آن به طبع می‌رسد قید شود. در مورد کتب و رسالات نیز نام مولف یا مترجم و ناشر و همچنین نام و نشانی چاپخانه ای‌که در آن به چاپ رسیده پشت کتاب یا رساله باید چاپ شود. تبصره ـ مدیر هر روزنامه یا مجله مکلف است یک نسخه از روزنامه یا مجله خود را برای دادستان شهرستانی که روزنامه یا مجله در آن حوزه چاپ می‌شود مستقیما و یا به وسیله پست سفارشی دو قبضه فرستاده و رسید بگیرد. ماده ۹ ـ وزارتخانه ها و موسسات دولتی و بنگاه‌هایی که دارای شخصیت حقوقی هستند در صورتی که بخواهند نشریه مرتبی داشته باشند باید مدیر واجد شرایط معرفی کنند. ماده ۱۰ ـ اجازه‌نامه روزنامه ها و مجلاتی که تا تاریخ تصویب‌این لایحه یک سال تمام مرتب منتشرشده باشند به قوت خود باقی هستند وزارت فرهنگ مکلف است در ظرف یک ماه از تصویب این لایحه قانونی فهرست آنها را با اطلاعات لازمه نسبت به هر یک با دقت تهیه و به وزارت کشور بفرستد. مدیران روزنامه‌ها و مجلاتی که یک سال تمام منتشر نشده اند می‌توانند در ظرف یکماه از تاریخ اجرای این لایحه قانونی درخواست خود را بر طبق مواد ۳ و ۴ به وزارت کشور تسلیم نمایند و وزارت کشور مکلف است در ظرف ۲ ماه تکلیف این درخواست‌ها را معلوم نماید. مدیران روزنامه‌ها و مجلاتی که بر طبق این ماده عمل نکنند و یا درخواست آنان با مواد ۳ و ۴ منطبق نباشد، اجازه نامه آنان برای انتشار روزنامه یا مجله از درجه اعتبار ساقط است ماده ۱۱ ـ هیچ کس نمی‌تواند اجازه نامه روزنامه یا مجله خود را به دیگری واگذار کند ، مگر این‌که آن شخص واجد شرایط مقرره بوده و انتقال به تصدیق وزارت کشور برسد. ماده ۱۲ ـ در صورت فوت موسس چنانچه در میان وراث کسی واجد شرایط باشد با موافقت کتبی سایر وراث و یا قایم مقام قانونی آنان در صورت تقاضا اجازه به نام او صادر می‌شود والا وراث می‌توانند با معرفی مدیر واجد شرایط و تصویب وزارت کشور آن روزنامه یا مجله را منتشر نمایند.

فصل دوم – حق جوابگویی آیین نامه های مطبوعاتی (ماده ۱۳ تا ۱۴)

ماده ۱۳ ـ موسسات دولتی و عمومی و همچنین افراد مردم اعم از مأمورین رسمی یا غیر آنها هرگاه در روزنامه یا مجله مطالبی مشتمل بر تهمت و افترا یا اخبار مخالف واقع نسبت به خود مشاهده کردند حق دارند جواب آن مطالب را کتبا برای روزنامه یا مجله بفرستند و آن روزنامه یا مجله مکلف است این‌گونه توضیحات و جواب ها را که بیش از میزان مطلب اصلی نباید باشد در همان صفحه و با حروفی که مطلب اصلی را چاپ کرده مجانا و بلا تاخیر به طبع برساند و نسبت به زاید بر آن میزان جواب دهنده حق الطبع معمولی را خواهدپرداخت همین تکلیف شامل روزنامه ها ومجلاتی که مطالب مشتمل بر تهمت و افترا یا با اخبار مخالف واقع از مطبوعات دیگر نقل نمایند خواهدبود. در صورتی که روزنامه یا مجله علاوه بر جواب ، مطالب و یا توضیحات مجددی چاپ نماید حق جواب های مجدد برای معترض محفوظ خواهد بود. ماده ۱۴ ـ وزارتخانه های کشور و فرهنگ و دادگستری مکلفند برای تنظیم امور چاپخانه های طبع کتب و رسالات و اعلانات وکتاب فروشی‌ها و توزیع جراید و روزنامه فروش‌ها و همچنین‌نسبت به شرایط حقوق و امتیازات خبرنگاران و مخبرین عکاس آیین نامه های لازم را تهیه و به هییت وزیران پیشنهاد نمایند در این آیین نامه ها برای توزیع و فروش روزنامه ها و مجلات و رسالاتی که‌به زبان‌های خارجی یا به زبان فارسی در خارج مملکت چاپ شده است مقررات لازم باید پیش بینی شود.

فصل سوم جرایم مطبوعاتی (ماده ۱۵ تا ۲۹)

ماده ۱۵ ـ اشخاصی که به وسیله نشر مقالات و یا جعل اخبار در مطبوعات مرتکب یکی از جرایم ذیل شوند به حبس تادیبی از ۶ ماه

تا سه سال محکوم می‌شوند: الف ـ کسانی که مردم را صریحا تحریص و تشویق به خرابکاری و آتش سوزی و قتل و غارت و سرقت نمایند. ب ـ کسانی که افسران و افراد ارتش را به نافرمانی و عدم انقیاد احکام نظامی ترغیب و تشویق کنند. در موارد مذکور در این ماده چنانچه تحریص و ترغیب موثر واقع شود و جرایم منظور اتفاق افتد اشخاص مذکور در بند (الف و (ب به مجازاتی محکوم خواهند شد که در قانون مجازات عمومی برای معاون همان جرم پیش بینی شده است ماده ۱۶ ـ اشخاصی که دستورهای محرمانه نظامی و اسرارارتش و یا نقشه قلاع و استحکامات نظامی را در زمان جنگ به وسیله مطبوعات فاش و منتشرکنند به حبس مجرد از دو تا پنج‌سال محکوم خواهندشد و چنانچه در زمان جنگ نباشد شش ماه تا دو سال محکوم می‌شوند. ماده ۱۷ ـ هرکس مقاله‌ای مضر به اساس دین حنیف اسلام انتشار دهد به سه ماه تا یک سال حبس تادیبی محکوم می‌شود. ماده ۱۸ ـ هرکس به وسیله روزنامه یا مجله یا کتاب مردم را صریحا به ارتکاب جنحه یا جنایتی بر ضد امنیت داخلی یا خارجی مملکت که در قانون مجازات عمومی پیش بینی شده است تحریص و تشویق نماید در صورتی که اثری بر آن مترتب شده باشد به مجازات معاونت همان جرایم محکوم خواهدشد و در صورتی‌که اثر بر آن مترتب نشود به یک ماه تا سه ماه حبس تادیبی یا پرداخت دو هزار تا بیست هزار ریال غرامت محکوم خواهدشد. ماده ۱۹ ـ هرکس به وسیله مطبوعات از جرایم مذکور در مواد فوق و یا مرتکبین آن اعمال به‌نحوی از انحا تقدیر و تمجید کند به جریمه نقدی از ۵ هزار تا پنجاه هزار ریال محکوم می‌شود. ماده ۲۰ ـ هرکس به وسیله روزنامه یا مجله به‌مقام سلطنت یا شخص شاه توهین کند به مجازات مندرج در بند یک ماده (۸۱) قانون مجازات عمومی محکوم می‌شود. ماده ۲۱ ـ هرکس به‌وسیله مطبوعات نسبت به رییس یا نماینده سیاسی مملکت خارجی که با ایران روابط دوستانه دارد توهین نماید طبق بند دوم ماده ۸۱ قانون مجازات عمومی محکوم می‌شود مشروط بر این‌که در آن مملکت نیز در موارد مذکوره نسبت به ایران معامله متقابله شود. ماده ۲۲ ـ در جرایمی که ذیلا ذکر می‌شود: الف ـ انتشار مقالات مضر به عفت عمومی و یا مضر به اخلاق حسنه ب ـ انتشار صور قبیحه ج ـ انتشار آگهی ها یا عکس هایی مخالف اخلاق حسنه و آداب و رسوم ملی د ـ انتشار مذاکرات سری محاکم دادگستری و یا انتشار تحقیقات و تصمیمات مراجع قضایی که قانونا انتشار آنها ممنوع است مرتکب به تادیه یک هزار تا ده هزار ریال غرامت محکوم خواهدشد. ماده ۲۳ ـ هر یک از افراد مردم اعم از مأمورین رسمی یا غیر آنها که در روزنامه یا مجله یا هر نوع نشریه دیگر مندرجاتی مشتمل برتهمت و افترا و یا فحش و الفاظ رکیکه و یا نسبتهای توهین آمیز درزندگی خصوصی و یا هتك شرف و ناموس و امثال آن نسبت به خود مشاهده نماید می‌تواند از نویسنده یا ناشر آن به دادسرا یابه‌دادگاه شکایت نماید مرتکب به دو ماه تا ۶ ماه حبس تادیبی و یااز ده هزار تا پنجاه هزار ریال جریمه نقدی محکوم خواهدشد. تبصره ـ در موارد فوق شاکی می‌تواند برای مطالبه خسارات مادی و معنوی که از نشر مطالب مزبور بر او وارد آمده به دادگاه حقوقی دادخواست تقدیم نماید و دادگاه مکلف است نسبت به آن رسیدگی و مبلغ خسارات را تعیین و مورد حکم قراردهد. تبصره ۲ ـ هرگاه انتشار مطالب مذکوره در ماده فوق راجع به اموات ولی به قصد هتاکی بازماندگان آنان باشد هر یک از ورثه قانونی می‌تواند بر طبق ماده و تبصره فوق شکایت نماید. ماده ۲۴ ـ هرکس به‌وسیله مطبوعات دیگری را تهدید به هتك شرف و حیثیت یا افشا سری نماید در صورتی‌که ثابت شود این تهدید برای استفاده مادی یا تقاضای انجام امری یا خودداری از انجام امری بوده است به حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال و به پرداخت غرامت از یک هزار ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهدشد. ماده ۲۵ ـ هرکس به وسیله مطبوعات به وزرا یا معاونین وزارتخانه ها و یا به یکی از مستخدمین دولت اعم از قضایی و اداری و لشکری و اعضا دیوان محاسبات و نمایندگان مجلس و روسا واعضا انجمن های شهرداری یا ایالتی و ولایتی یا نسبت به اعضا هیات منصفه و یا اعضا اطاق بازرگانی و یا مقامات رسمی دیگر به‌سبب انجام وظایف محوله به آنان اهانت نماید و یا آنان را در انجام وظایفشان مورد تهمت و افترا قرار دهد به حبس تادیبی از سه ماه تایک سال و پرداخت غرامت از یک هزار ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم خواه دشد. در مورد این ماده و همچنین در مورد ماده ۲۳پس از شروع تحقیقات قانونی دادستان به متهم اخطار خواهد کرد مادام که تحت تعقیب کیفری است از نشر هر

نوع مطلب مربوط به اهانت و یا افترا درباره شاکی خودداری نمایـد در صورتی که متهم به اخطار دادسـتان ترتیب اثر ندهد دادسـتان می‌تواند امر به توقیف روزنامه یا مجله صادر کند. متهم نیز می‌تواند از این دسـتور دادسـتان به دادگاه شهرستان محل‌شکایت نماید. دادسـتان موظف است فورا پرونده را به دادگاه بفرسـتد و دادگاه باید در ظرف ۳ روز پس از وصول پرونده به شـکایت رسیدگی و رای مقتضـی صادر کند. چنانچه دادگاه نظر دادستان را تایید نماید دیگر آن روزنامه یا مجله تا زمانی که متهم تحت تعقیب کیفری اسـت قابـل انتشارنخواهـدبود. تبصـره ـ افـترا و تهمـت مـذکور در ایـن مـاده بـدون شـکایت‌شاکی خصوصـی قابـل تعقیـب است در صورتی که اسـناد دهنده‌صحت امور منتسبه را در دادگاه ثابت نماید از مجازات معاف است‌متهم باید پس از تعقیب منتهی در ظرف ده روز مدارک و شـهود خودرا برای اثبات نسبت هایی که داده‌است تسـلیم و معرفی نماید در صورتی که متهم دلایل اثبات اسـناد خود را به دادسـرا بدهـد. دلایل اواخذ و ضـمیمه پرونده شده پس از صدور قرار مقتضـی به دادگاه جنایی ارسال می‌گردد تا ضـمن رسیـدگی به اتهام متهم بـدلایل تقدیمی او نیز رسـیدگی شود. ماده ۲۶ ـ هرکس به وسیله مطبوعـات به اقلیت های مـذهبی یانژادی ساکن ایران برای تولید نفاق و اختلاف و یا بغض و کینه میان سکنه مملکت اهانت نماید و یا آنان را به ایجاد دشمنی و نفاق نژادی و یا مـذهبی تحریص کنـد به یک ماه تا شـش ماه حبس تادیبی و یا پرداخت پانصد تا ۵ هزار ریال غرامت محکوم خواهدشـد. ماده ۲۷ ـ هرکس در انتشـار روزنـامه یـا مجله خود از نـام یـا کلیشه روزنامه دیگر تقلیـد نمایـد که سو اسـتفاده محسوب شود به تقاضای شاکی خصوصـی از پانصـد تا ۵ هزار ریـال جزای نقـدی و تعطیـل روزنـامه یـا مجله محکوم خواهدشـد. شاکی خصوصـی می‌تواند خسارات خود را مطالبه نمایـد دادگاه مکلف است نسبت به آن نیز رسیـدگی کنـد. ماده ۲۸ ـ در کلیه جرایم مـذکور در مـواد فوق مـدیر یا نویسـنده مورد تعقیب قرار خواهـد گرفت ولی هرگاه نویسـنده معروف و مقیم ایران باشد مدیر از تعقیب معاف است و اگر مـدیر از معرفی نویسـنده عاجز باشد یا خودداری کند و یا نویسـنده قابل تعقیب جزایی نباشدخود مدیر تعقیب و مجازات خواهدشد. ماده ۲۹ ـ در کلیه موارد مـذکور در مواد فوق آنجـا که جرم جنبه هتـک حرمت یـا توهین و یـا افترا نسـبت به اشـخاص دارد تعقیب مرتکب منوط به شکایت شاکی خصوصی یا نماینده قانونی او است‌و در صورت استرداد شکایت تعقیب موقوف خواهدشد.

فصل چهارم – تخلفات (ماده ۳۰ تا ۳۳)

ماده ۳۰ ـ هرکس بر خلاف مواد ۲ یا ۱۰ یا ۱۱ یا ۱۲ و تبصره ۱ماده پنجم این لایحه قانونی مبادرت به انتشار روزنامه یا مجله کندبه پرداخت دوهزار تا ده هزار ریال محکوم می‌شود. تبصـره ـ در موارد فوق فرماندار محل دسـتور تعطیل روزنامه ویا مجله را می‌دهد و مراتب را برای تعقیب قانونی مرتکب به‌دادستان شهرستان اعلام خواهدنمود. ماده ۳۱ ـ هرکس برخلاف ماده شش یا هشت یا سیزده این‌لایـحه قـانونی اقـدام کنـد به پرداخت یـک‌هزار تـا پنـج‌هزار ریـال یـا دوماه تا شـش ماه حبس تأدیبی محکوم می‌شود. ماده ۳۲ ـ مطبوعـاتی که در آن دسـتور مـاده ۸ مراعـات نشده‌باشـدقابل انتشـار نیسـت و در صـورت اقـدام به‌انتشـار از طرف مامورین‌انتظـامی جمع‌آوری و ضـبط خواهدشـد. در صورتی که نام چاپخانه و یا سایر نام‌های مذکور در ماده ۸برخلاف واقع چاپ شده‌باشد مرتکب به حـداکثر مجازات مـذکوره‌در ماده ۳۱ محکوم می‌شود همین مجـازات دربـاره مـدیر آن‌چاپخانه‌هـائی که ماده ۸ را رعـایت نکنند اعمال می‌شود. ماده ۳۳ ـ نشـریه‌ای که مشـمول ماده اول این لایحه قانونی‌نباشد تعریف روزنامه یا مجله بر آن صدق نمی‌کند و تابع قوانین‌عمومی است

قانون محل دفاتر روزنامه و مجله (ماده واحده)

ماده واحده ـ تاسیس دفاتر مطبوعات موضوع ماده (۱) قانون مطبوعات مصوبه ۲۲/۱۲/۱۳۶۴ و نیز فعالیت شغلی صاحبان روزنامه ها و مجله ها در واحـد مسـکونی مسـتقل و یا مجتمعی که به طورک امل در اختیار روزنامه و مجله قرار گیرد و همچنین ساختمان های

اداری و تجاری و استیجاری بلامانع است تبصره ـ آیین نامه اجرایی این قانون توسط وزارتخانه های کشور و فرهنگ و ارشاد اسلامی ظرف سه ماه تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و یک تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سیزدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۳/۲/۱۳۷۷ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره – مصوب بهمن ماه ۱۳۷۳ (ماده ۱ تا ۱۱

مصوب بهمن ماه ۱۳۷۳ ماده ۱ ـ به موجب این قانون ورود ، توزیع و استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره جز در مواردی که قانون تعیین کرده است ممنوع می‌باشد. ماده ۲ ـ وزارت کشور موظف است با استفاده از نیروهای انتظامی و یا نیروی مقاومت بسیج در اسرع وقت نسبت به جمع آوری تجهیزات دریافت از ماهواره اقدام نماید. تبصره ـ مهلت جمع آوری تجهیزات موجود دریافت از ماهواره از تاریخ تصویب این قانون یک ماه می‌باشد. بعد از انقضای مهلت مذکور استفاده کنندگان به مجازاتهای تصریح شده در این قانون محکوم خواهند شد. ماده ۳ ـ وزارت کشور موظف است با هماهنگی وزارت اطلاعات با وسایل ممکن نسبت به جلوگیری از ورود و توزیع تجهیزاتی که صرفا برای دریافت از ماهواره مورد استفاده قرار می گیرد اقدام نماید و ضمن توقیف وسایل فوق عاملین آن را با وسایل توقیفی به مراجع صالحه قضایی معرفی نماید. نحوه هماهنگی در آیین نامه اجرایی مشخص خواهد شد. تبصره ـ کلیه کالاهای ضبط و مصادره شده موضوع این قانون جهت توسعه پوشش رادیو و تلویزیونی کشور در اختیار سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران قرار می گیرد. ماده ۴ ـ کلیه دستگاههای فرهنگی کشور موظفند اثرات مخرب استفاده از برنامه های منحرف کننده را در جامعه تبیین نمایند. ماده ۵ ـ سازمان صدا و سیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (موسسه رسانه‌های تصویری می‌توانند نسبت به ضبط و پخش آن دسته از برنامه های ماهواره که مغایر با ارزشها و مبانی فرهنگ اسلامی و ملی نباشد اقدام نمایند. ماده ۶ ـ دستگاههای صدا و سیما، پست و تلگراف و تلفن و سازمانهای وابسته از شمول این قانون مستثنی می‌باشند. تبصره ـ صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به منظور واردات فرستنده ها، تجهیزات تولید و پخش و لوازم یدکی متعلق به آنها ، مواد اولیه تولید فیلم و سریال از اخذ مجوز ورود و گواهی عدم ساخت وزارتخانه ها و سازمان های دولتی نظیر وزارتخانه های پست و تلگراف و تلفن ، صنایع و بازرگانی و گواهی سازمان انرژی اتمی و ثبت سفارش وزارت بازرگانی معاف می‌باشد. ماده ۷ ـ دستگاهها و سازمانهایی که برای انجام وظایف قانونی خویش لازم است از تجهیزات دریافت از ماهواره استفاده نمایند باید مجوز لازم را از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با هماهنگی وزارتخانه های اطلاعات و پست و تلگراف و تلفن کسب نمایند. ماده ۸ ـ واردکنندگان ، تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان تجهیزات دریافت از ماهواره علاوه بر ضبط و مصادره اموال مکشوفه توسط دادگاه ها به مجازات ده تا یکصد میلیون ریال محکوم می گردند. ماده ۹ ـ استفاده‌کنندگان از تجهیزات دریافت از ماهواره علاوه بر ضبط و مصادره اموال مکشوفه به مجازات نقدی از یک میلیون تا سه میلیون ریال محکوم می گردند. الف ـ حمل ، نگهداری ، نصب و تعمیر تجهیزات دریافت از ماهواره ممنوع و مرتکبین به مجازات نقدی از یک تا پنج میلیون ریال محکوم می گردند. ب ـ وجوه دریافتی بابت مجازات مواد ۸ و ۹ این قانون به خزانه واریز و صد در صد (۱۰۰٪) آن جهت تامین هزینه های اجرای این قانون و مقابله با تهاجم فرهنگی در اختیار وزارتخانه های کشور و فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران قرار داده می‌شود تا درحدود اعتبارات مصوب بودجه سالانه کل کشور به مصرف برسد. ماده ۱۰ ـ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری وزارت پست و تلگراف و تلفن و سازمان های ذیربط موظفند با استفاده از اهرم های حقوقی و بین المللی در جهت حراست از مرزهای فرهنگی کشور و حفظ کیان خانواده علیه برنامه های مخرب و مبتذل ماهواره اقدام لازم را انجام دهند. تبصره ـ نشر آگهی های تبلیغاتی از طرق مختلف توسط مطبوعات ، صدا و سیما یا تبلیغات شهری که متضمن جواز استفاده از برنامه

های ماهواره می‌باشد ممنوع است ماده ۱۱ ـ دولت موظف است ظرف مدت یک ماه از تاریخ تصویب این قانون آیین نامه اجرایی آن‌را تهیه و تصویب نماید.

قانون هیات منصفه مصوبه دهم خردادماه ۱۳۱۰ (ماده ۱ تا ۱۴)

ماده ۱ ـ رسیدگی به جرم های سیاسی و مطبوعاتی در دیوان جنایی و با حضور هیات منصفه به‌عمل خواهدآمد. ماده ۲ ـ جرمی که به‌وسیله کتاب یا مطبوعات مرتب الانتشار واقع شود جرم مطبوعاتی است تبصره ـ مقصود از مطبوعات مرتب الانتشار جریده یا مجله یا مطبوع دیگری است که بنای آن منتشر شدن در ایام و اوقات معینه باشد از قبیل روزنامه یا مجله و امثال آن ماده ۳ ـ جرم‌های ذیل جرم مطبوعاتی نبوده و محاکم آن بدون حضور هیات منصفه به‌عمل خواهدآمد: ۱ ـ جرم‌هایی که به‌وسیله بیانیه یا هر قسم مطبوعات دیگر که به نحو مرتب منتشر نمی‌شود، به استثنای کتاب وقوع یابد. ۲ ـ جرم هایی که به‌وسیله انتشار اعلان به عمل آید ولو این که اعلان در جریده یا مجله یا سایر مطبوعات مرتب الانتشار منتشر گردد. ۳ ـ توهین به پادشاه مملکت ۴ ـ توهین به روسای ممالک خارجه یا نمایندگان سیاسی آنها در ایران ۵ ـ اسناد توهین آمیز یا افترا به فردی از نمایندگان ملت یا وزرا و معاونین آنها یا روسا و مستخدمین دربار سلطنتی نسبت به فردی از مأمورین دولتی یا ادارات ، مجلس یا مامورین بلدی و یا نسبت‌به‌اعضای انجمن‌های بلدی و یا اعضا منصفه و یا اعضا اطاق تجارت و یا اعضا انجمن‌های نظارت انتخابات و یا هیاتی از اشخاص فوق الذکر مشروط بر این‌که آن اسناد یا افترا به مقام یا شغل اشخاص مذکور ارتباطی نداشته‌باشد. ۶ ـ اسناد توهین آمیز یا افترا نسبت به افراد. ۷ ـ فحش و ناسزا نسبت به هرکس که باشد. ماده ۴ ـ اعضا هیات منصفه باید دارای شرایط ذیل باشند: ۱ ـ تابعیت ایران ۲ ـ خط و سواد فارسی باندازه کافی ۳ ـ معروفیت و سکونت در محلی که هیات منصفه باید در آنجا تشکیل شود. ۴ ـ لااقل سی سال سن ۵ ـ عدم‌استخدام‌دولتی یا بلدی یا عدم استخدام در ادارات مجلس ۶ ـ عدم محکوم بجنحه و جنایت ماده ۵ ـ در نیمه اول بهمن ماه هر سال وزیر عدلیه عده اشخاصی را که در مقر هر محکمه استیناف برای عضویت هیات منصفه در ظرف سال بعد لازم است معین و اعلان می‌نماید عده مزبور از پنجاه نفر کمتر نخواهدبود. ماده ۶ ـ اعضا هیات منصفه به طریق ذیل معین می‌شوند. در مقر هر محکمه استیناف حاکم محل و رئیس استیناف و رئیس محکمه بدایت و رییس انجمن بلدی و رییس اطاق تجارت درنقاطی که اطاق تجارت تشکیل شده‌باشد عده را که برای عضویت هیات منصفه در طرف سال لازم‌است و وزیر عدلیه مطابق ماده فوق معین نموده در اسفند ماه هر سال از میان اشخاصی که دارای شرایط مقرره در این قانون می‌باشند برای سال بعد معین می کنند. در هر موقعی که تشکیل هیات منصفه لازم باشد محکمه استیناف در جلسه علنی و با حضور مدعی العموم استیناف پنج نفررا به سمت عضو اصلی و پنج نفر را به‌سمت عضویت علی البدل ازمیان اشخاصی که به طریق فوق معین شده‌اند به‌حکم قرعه انتخاب می کند تا در حین رسیدگی به‌جرمی که هیات منصفه در مورد آن تشکیل می‌شود حضور داشته‌باشد. ماده ۷ ـ اعضا هیات منصفه باید مادام که اعلان ختم محاکمه نشده است در تمام مدت جلسه محکمه حضور داشته‌باشند و اگر یک یا چند نفر از اعضا اصلی هیات منصفه حاضر نباشند یک یا چند نفر از اعضا علی البدل به حکم قرعه قایم مقام آنها می‌شوند. ماده ۸ ـ پس از اعلام رای محکمه در صورتی که دایر به مجازات متهم باشد هیات منصفه بلافاصله به اطاق مشاوره رفته و عقیده خود را اگر مبنی بر عدم تقصیر یا بر وجود موجبات تخفیف باشد باذکر دلایل کتبا اظهار خواهند نمود. ماده ۹ ـ اظهار عقیده هیات منصفه بر بی تقصیری متهم موجب اعاده محاکمه است مگر این‌که آخرین هیات منصفه که اظهار عقیده کرده متهم را بی تقصیر ندانسته باشد. در مورد فوق اعاده محاکمه به تقاضای وزیر عدلیه به عمل خواهد آمد و وزیر عدلیه مکلف آن تقاضا است ماده ۱۰ ـ هر گاه هیات منصفه موجباتی برای تخفیف مجازات‌ذکر کرده‌باشد وزیر عدلیه در صورت قطعیت حکم محکومیت مطابق قانون استدعای تخفیف خواهدکرد، مگر این که آخرین هیات منصفه که اظهار عقیده کرده قایل به وجود موجبات تخفیف نشده‌باشد. ماده ۱۱ ـ محاکمه وزرا راجع به تقصیرات

سیاسی در محکمه منصفه که به‌طریق ذیل تشکیل می‌شود به عمل خواهدآمد. هیات منصفه دیوان تمیز عده را مساوی یا عده خود با حضور مدعی العموم کل از میان اشخاصی که به طریق مذکور در قسمت اول‌ماده ۶ این قانون تعیین شده‌اند به‌حکم قرعه برای عضویت اصلی هیات منصفه و به همان عده از اشخاص برای عضویت علی البدل معین خواهدکرد. محکمه منصفه از هیات عمومی دیوان تمیز وعده مساوی یا آن‌از اعضا هیات منصفه تشکیل شده و مطابق مقررات اصول محاکمات جزایی رسیدگی می‌نماید پس از اعلان ختم محاکمه بلافاصله مشاوره نموده ، رای خود را دایر به تبریه یا مجرمیت متهم و تشخیص جرم خواهد داد ولی صدور حکم فقط با هیات عمومی دیوان عالی تمیز خواهدبود. در صورت تساوی آرا رای بر له متهم به منزله رای اکثریت بوده‌و حکم بر طبق آن صادر می‌شود. حکم محکمه منصفه قطعی است ماده ۱۲ ـ کسی که به سمت عضویت اصلی یا علی البدل هیات منصفه معین گردید نمی‌تواند بدون عذر موجه از قبول آن استنکاف نموده و یا به‌تکلیف مقرر در ماده ۷ راجع به حضور در تمام مدت جلسه محاکمه عمل نکند. متخلف به‌حکم محکمه حاکمه به تادیه یک الی ۵ تومان محکوم خواهدشد. این حکم را محکمه رأسا و یا به تقاضای مدعی العموم صادر می کند تشخیص موجه یا غیرموجه بودن عذر با محکمه حاکمه است ماده ۱۳ ـ برای سال ۱۳۱۰ وزیر عدلیه وظیفه مقرره در ماده ۵را تا نیمه خرداد ماه و اشخاص مذکور در ماده ۶ وظیفه مقرره در آن ماده را در ظرف تیر ماه انجام خواهندداد. ماده ۱۴ ـ ماده ۹ و ۱۰ قانون محاکمه وزرا و هیات منصفه مصوب ۱۶ تیر ماه ۱۳۰۷ و تبصره های آن دو ماده فسخ و این قانون از دهم خرداد ماه ۱۳۱۰ به موقع اجرا گذارده می‌شود. نظر به‌ماده ۵ و ماده ۱۳ قانون هیات منصفه مصوب ۲۹ اردیبهشت ۱۸/۳/۱۳۱۰ مقرر می‌دارد: ماده ۱ ـ عده اشخاصی که در سال ۱۳۱۰ برای عضویت هیات منصفه لازم است به طریق ذیل معین می گردد: ۱ ـ برای ناصری ـ همدان ـ اصفهان ـ هر یک پنجاه نفر ۲ ـ برای مشهد ـ شیراز ـ کرمان هر یک ۷۵ نفر ۳ ـ برای تبریز و طهران ۱۰۰ نفر ماده ۲ ـ رییس استیناف هر یک از نقاط مذکور فوق باید درظرف پنج روز اول تیرماه ۳۱۰ برای انجام وظیفه که به موجب ماده شش قانون هیات منصفه مصوب ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۰ به عهده او می‌باشد اقدام نموده به اشخاص و یا مقامات مربوطه اطلاع دهد تا کسانی که موافق قانون مزبور واجد شرایط عضویت هیات منصفه می‌باشد و به عده که فوقا برای مقر استیناف معین شده است قبل از آخر هر ماه معین کنند و اسامی آنها اعلان گردد. داور ـ مهر وزارت عدلیه اعظم

قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت های غیر مجاز می‌نمایند – مصوب بهمن ماه ۱۳۷۲

مصوب بهمن ماه ۱۳۷۲ ماده ۱ ـ هر شخصی که مبادرت به هرگونه اعمالی برای معرفی آثار سمعی و بصری غیر مجاز به جای آثار مجاز نماید و یا موجب تضییع حقوق صاحبان اثر شود، اعم از جعل برچسب رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی الصاق شده بر روی نوار و یا تعویض نوار یا محتوای داخل کاست نوار دارای برچسب و نظایر آن برحسب مورد علاوه بر مجازات جعل و پرداخت خسارت وارده در جایی که تضییع حق موجب خسارت مالی است در صورت مطالبه به صاحبان اثر به جریمه نقدی از دو میلیون ریال تا بیست میلیون ریال محکوم می‌شود. تبصره ـ در مرحله تشخیص عمل ارتکابی دادگاه می‌تواند نظر کارشناسی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را ملاک عمل قرار دهد. ماده ۲ ـ هرگونه فعالیت تجاری در زمینه تولید، توزیع تکثیر و عرضه نوارهای صوتی و تصویری نیاز به اخذ مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دارد. متخلفین از این امر به جریمه نقدی از یک میلیون تا ده میلیون ریال محکوم خواهند شد. تبصره ۱ ـ نیروهای انتظامی موظفند ضمن ممانعت از فعالیت این گونه افراد و مراکز نسبت به پلمپ این گونه مراکز و دستگیری افراد طبق موازین قضایی اقدام نمایند. تبصره ۲ ـ در خصوص شخصیتهای حقوقی ، بالاترین مقام اجرایی تصمیم گیر مسوول خواهد بود. ماده ۳ ـ عوامل تولید ، توزیع ، تکثیر و دارندگان آثار سمعی و بصری غیر مجاز اعم از این که عوامل مذکور مجوز فعالیت از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داشته باشند و یا بدون مجوز باشند با توجه به محتوای محصول حسب مورد علاوه بر ابطال مجوز به یکی از مجازاتهای مشروحه ذیل محکوم‌خواهند شد: الف ـ عوامل اصلی تولید ، تکثیر و توزیع

عمـده آثار سـمعی و بصـری مسـتهجن در مرتبه اول به یک تا سه سال حبس و ضـبط تجهیزات مربوطه و یکصد میلیون ریال جریمه نقدی و در صورت تکرار به دو تا پنج سال حبس و ضـبط تجهیزات مربوطه و دویست میلیون ریال محکوم خواهند شد و درهر حال چنـانچه از مصـادیق افساد فی الارض شـناخته شود به مجازات آن محکوم می گردنـد. تبصـره ۱ ـ عوامل اصـلی تولید آثار سـمعی و بصـری عبارت هستند از: تهیه‌کننده (سرمایه گذار) ،کارگران ، فیلمبردار ، بازیگران نقش های اصلی تبصره ۲ ـ تعداد نوار بیش از (ده نسـخه) به عنوان (عمده) تلقی می گردد. تبصره ۳ ـ سایر عوامل تولیـد ، تکثیر و توزیع موضوع بند (الف به مجازات شـلاق تا ۷۴ ضـربه و یا جزای نقـدی از یک میلیون تا پنجاه میلیون ریال محکوم می‌شوند. تبصـره ۴ ـ تکثیر و توزیع کنندگان آثار سـمعی و بصری کمتر از ده نسخه (موضوع بند (الف) حسب مورد به جریمه نقدی از یکصد هزار ریال تا یک میلیون ریال یا ۳۰ تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد. تبصره ۵ ـ آثار سمعی و بصری (مستهجن) به آثاری گفته می‌شود که محتوای آنها نمایش برهنگی زن و مرد و یا انـدام تناسلی و یا نمایش آمیزش جنسـی باشـد. ب ـ تهیه و توزیع و تکثیرکنندگان نوارها و دیسـکتهای شو و نمایشـهای مبتـذل در مرتبه اول به سه‌ماه تـا یـک سـال حبس و یا دو میلیون ریال تا ده میلیون ریال جزای نقـدی و در مرتبه دوم به تحمل یک سـال تا سه سال حبس و یا پنـج میلیون ریال تا سـی میلیون ریال جزای نقـدی و در صورت تکراربه سه تا ده سال حبس یا ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال جزای نقـدی و ضـبط کلیه تجهیزات مربوط بنا به مراتب به عنوان تعزیر محکوم می‌شونـد. تبصـره ۱ ـ آثار سمعی و بصـری (مبتـذل) به آثـاری اطلاـق می گردد که دارای صـحنه هـا و صور قبیحه بوده و مضـمون مخالف شـریعت و اخلاق اسـلامی را تبلیغ و نتیجه‌گیری کند. تبصره ۲ ـ دارندگان نوارها و دیسـکت های مستهجن و مبتذل موضوع این قانون به جزای نقدی از پانصد هزار تا پنج میلیون ریال و نیز ضـبط تجهیزات و نوارها محکوم خواهند شد. ضـمنا لازم است نوارها و دیسـکتهای مکشوفه امحا گردد. تبصره ۳ ـ اسـتفاده از صـغار برای نگهداری ، نمایش عرضه فروش و تکثیر نوارهای غیر مجاز موضوع این قانون موجب اعمـال حـداکثر مجازات های مقرره برای عامل خواهـد بود. ماده ۴ ـ رسـیدگی به جرایم مشـروحه موضوع این قانون در صـلاحیت دادگاههـای انقلاب است ماده ۵ ـ کلیه وسایـل و تجهیزات مربـوطه که براسـاس این قـانون از محکـومین ضـبط می گردد به وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی تحویل می‌شود در خصوص وسایل و تجهیزات تحصیل شده ازسوی مراجع ذی صلاح در شهرستانها نیز به همین نحو عمل می‌شود.

لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۴

فصل اول تعریف و تاسیس روزنامه و مجله (ماده ۱ تا ۸

نقل از شماره ۳۰۷۳ـ۷/۶/۳۴ روزنامه رسـمی فصل اول تعریف و تاسـیس روزنامه و مجله ماده ۱ ـ روزنامه یا مجله نشـریه ایست که برای روشن ساختن افکار مردم در زمینه های مختلف اجتماعی و سیاسی یا علمی و فنی‌و یا ادبی و ترقی دادن سطح معلومات عامه و نشر اخبار و اطلاعات و مطالب عام المنفعه و انتقاد و صلاح اندیشی در امور عمومی به طور منظم و در مواقع معین طبع و نشر گردد. تبصـره ـ نشر فوق العاده اختصاص به روزنامه ها و مجله هایی‌دارد که به‌طور مرتب منتشر می‌شود. ماده ۲ ـ هر کس بخواهد روزنامه یا مجله تاسیس نماید از وزارت کشور اجازه بگیرد. ماده ۳ ـ درخواست‌کننده اجازه باید دارای شرایط ذیل باشد: الف ـ ایرانی باشد. ب ـ سن او از سـی سـال کمتر نباشـد. ج ـ سـابقه محکومیت جنـایی و یـا محکومیت جنحه که موجب سـلب حقوق اجتمـاعی باشـد نداشته و محجور نباشد. د ـ لااقل لیسانسیه باشد و یا از فضلا و دانشمندانی باشد که مراتب فضل و دانش آنها از نظر روزنامه نگاری از طرف شورای عـالی فرهنـگ گواهی شده‌باشـد. ه ـ معروف به درستی و امـانت و دارای حسن شـهرت و صـلاحیت اخلاـقی برای روزنامه نگاری باشـد. و ـ توانایی مالی اداره‌کردن حـداقل سه ماه نشـریه مورد تقاضا را داشـته باشـد. تشـخیص این موضوع به عهده

کمیسیون مندرج در ماده ۵ می‌باشد. تبصره ۱ ـ برای اجرای مفاد بند (ه) در تهران کمیسیونی مندرج‌در ماده (۵) مراتب را از وزارت کشور استعلام و رسیدگی می‌نماید ودر شهرستان ها کمیسیونی مرکب از استاندار یا فرماندار محل و دادستان شهرستان یا نماینده او و رییس فرهنگ محل و دو نفر از نمایندگان انجمن شهر و در صورت نبودن انجمن دو نفر از معتمدین محل (بر طبق دعوت استاندار یا فرماندار) به اطلاعات مکتسبه رسیدگی و اظهار نظر می‌نماید. تبصره ۲ ـ در صورتی‌که موسس روزنامه یا مجله فاقد یکی ازشرایط مذکور در بند (الف یا بند (ج این ماده بشود اجازه انتشار روزنامه یا مجله او از طرف وزارت کشور لغو می‌گردد و چنانچه فاقد شرط مندرج در بند این ماده بشود در تهران کمیسیون مندرج درماده (۵) و در شهرستان ها به کمیسیون مندرج در تبصره یک موضوع ارجاع و چنانچه رای کمیسیون مبنی بر لغو امتیاز باشد محکوم علیه می‌تواند به‌دادگاه استان محل شکایت نماید. حکم دادگاه استان در این مورد قطعی است تبصره ۳ ـ امتیازاتی که تا این تاریخ برای روزنامه ها و مجلات‌داده شده به قوت خود باقی است ، به‌شرط اینکه در چهار سال اخیر لااقل یک سال مرتبا منتشر شده باشد و صلاحیت اخلاقی صاحب امتیاز مورد تصویب کمیسیون مندرج در ماده ۵ این قانون واقع گردد نظر این کمیسیون در این مورد قطعی است تبصره ۴ ـ مدیر یا سر دبیر روزنامه یا مجله باید واجد شرایط مذکور در بندهای (الف ، (ب ، (ج ، (د) و (ه) باشد و در صورتی که فاقد یکی از شرایط مذکور در بند (الف یا (ج یا (ه) این ماده بشود نسبت به وی طبق تبصره ۲ همین ماده عمل خواهدشد. تبصره ۵ ـ مستخدمین دولت و بنگاه هایی که با سرمایه دولت تشکیل شده یا می‌شود و همچنین مستخدمین شهرداری ها مادامی که شاغل خدمت می‌باشند ، حق داشتن امتیاز و انتشار روزنامه یا مجله نخواهند داشت مگر مجله علمی ـ ادبی ـ فنی و هنری ماده ۴ ـ درخواست کننده امتیاز علاوه بر مدارک لازم اظهارنامه ای شامل اطلاعات ذیل در تهران به وزارت کشور و درشهرستان ها به فرمانداری محل تسلیم خواهدنمود. ۱ ـ نام و نام خانوادگی صاحب امتیاز و همچنین نام و نام‌خانوادگی مدیر و یا سردبیر اگر مدیر و سردبیر جداگانه داشته باشد با ذکر نشانی کامل منزل ۲ ـ محل اداره روزنامه یا مجله ۳ ـ نام و نشانی چاپخانه ای که‌روزنامه یا مجله‌در آن چاپ می‌شود. ۴ ـ نام روزنامه یا مجله و ترتیب چاپ آن که یومیه است یا هفتگی یا ماهانه ۵ ـ عده نسخه هایی که از هر شماره چاپ می‌شود. ۶ ـ روش روزنامه یا مجله تبصره ۱ ـ هرگونه تغییری که صاحب امتیاز بخواهد نسبت به موارد ۱ ـ ۴ و ۶ بدهد باید قبلا موافقت وزارت کشور را جلب نماید. تبصره ۲ ـ محل اداره روزنامه یا مجله از لحاظ تخلف و جرایم مطبوعاتی اقامتگاه قانونی صاحب امتیاز شناخته می‌شود و هرگونه اظهار و احضار و ابلاغ به محل مذکور قانونی است ماده ۵ ـ درخواست‌های تاسیس روزنامه یا مجله به وسیله‌کمیسیون مطبوعات رسیدگی می‌شود و اعضاء این کمیسیون به قرار ذیل است ۱ ـ نماینده عالی رتبه وزارت کشور. ۲ ـ نماینده عالی رتبه وزارت فرهنگ ۳ ـ دادستان استان ۴ ـ یکنفر استاد دانشگاه به انتخاب رییس دانشگاه برای مدت ۲ سال ۵ ـ یک نفر روزنامه نگار که لااقل پنج سال مرتب روزنامه منتشرکرده باشد، به انتخاب وزارت کشور (بعد از تشکیل انجمن روزنامه نگاران که از طرف دولت به رسمیت شناخته شده باشد انتخاب یک نفر روزنامه نویس به عهده انجمن مزبور خواهدبود) تبصره ۱ ـ درخواست های تاسیس روزنامه یا مجله به وسیله کمیسیون مزبور مورد رسیدگی واقع خواهد شد این کمیسیون پس ازتشخیص واجد بودن شرایط مذکور در ماده ۳ و تحقیق صلاحیت اخلاقی از هر طریق که مقتضی بداند، تقاضا را قبول یا رد می‌نماید نسبت به درخواست هایی که مورد موافقت واقع می‌شود وزارت‌کشور امتیاز انتشار روزنامه یا مجله را خواهدداد. کمیسیون مکلف است حداکثر در ظرف سه ماه تصمیم خود را دایر بر رد یا قبول درخواست به متقاضی اعلام نماید و در صورت رد تقاضا متقاضی می‌تواند به دادگاه استان مرکز شکایت کند و رای دادگاه استان قطعی است تبصره ۲ ـ مدت اعتبار امتیاز روزنامه یا مجله برای شروع انتشار شش ماه است و اگر بعد از انتشار تا یک سال منتشر نگردید امتیاز روزنامه و مجله ملغی است تبصره ۳ ـ وزارت کشور دفتری ترتیب خواهدداد که در آن نام روزنامه و مجلاتی که امتیاز آنها صادر شده است با مشخصات هر یک ثبت نماید. تبصره ۴ ـ کمیسیون مطبوعات اسامی مکرر و نامناسب و مستهجن را رد خواهد کرد و همچنین نسبت به‌موارد درخواست می تواند توضیحات

کاملی بخواهـد و مـدارک لازمه را مطالبه نمایـد تقاضا کننده اجازه نمی‌تواند نام روزنامه هایی که سابقا منتشـر گردیده‌برای نشـریه خود بدون موافقت صاحب امتیاز انتخاب نماید. تبصـره ۵ ـ برای انتشار روزنامه و مجله بیش از یک امتیاز به‌کسـی داده نخواهد شـد ولی صاحبـان امتیـاز روزنـامه های یومیه مرتب الانتشار می‌تواننـد مجله هفتگی و ماهانه و سالانه به همان نام منتشـر نماینـد. مجلات هفتگی نیز می‌توانـد مجله ماهـانه و سالانه بـه همـان نـام منتشـر نماینـد. مـاده ۶ ـ در هر شـماره روزنـامه و مجلـه بایـد نـام و نام‌خانوادگی‌صاحب امتیاز و سـردبیر مـدیر (در صورتی که سـردبیر و مـدیر داشـته باشد) و همچنین محل اداره نشـریه و نام و نشانی چاپخانه ای که درآن به طبع می‌رسد قید شود. تبصره ـ مدیران روزنامه ها و مجلات مکلفند از هر شماره نشریه خود اعم از روزنامه و مجله یک نسـخه به دادسـتان شهرسـتانو یک نسخه به فرماندار محل (در مرکز به اداره مطبوعات وزارت کشور) و یک نسخه به فرهنگ محل (در مرکز به اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و یک نسخه به کتابخانه ملی تهران و کتابخانه مجلسین به محض انتشار تسـلیم نماید. ماده ۷ ـ واگـذارکردن امتیـاز روزنـامه یـا مجله به دیگری به شـرط اینکه شخصـی که امتیـاز به او واگـذار می‌شود در صورتی که واجد شرایط باشد با موافقت کمیسیون منظور در ماده ۵ مانعی ندارد. ماده ۸ ـ در صورت فوت صاحب امتیاز چنانچه در میان وراث کسـی متقاضـی نشـر روزنامه یا مجله و واجد شرایط باشد با موافقت کتبی سایر وراث یا قایم مقام قانونی آنان امتیاز نامه به نـام او صـادرمی‌شود والا ـ نـام روزنـامه یـا مجله برای وراث قـانونی تـا زمـانی که واجـد شـرایط در بین آنـان پیـدا شـود محفـوظ خواهدبود. وراث قانونی می‌توانند طبق ماده (۷) عمل نمایند.

فصل دوم – حق جوابگویی ـ آیین نامه های مطبوعاتی (ماده ۹ تا ۱۰)

ماده ۹ ـ موسسـات دولتی و عمومی و همچنین افراد مردم اعم از مـأمورین رسـمی یـا غیر آنهـا هر گـاه در روزنـامه یـا مجله مطـالبی مشـتمل بر تهمت و افترا یا اخبار بر خلاف واقع نسبت به خود مشاهـده کردنـد حق دارنـد جواب آن مطالب را کتبا برای روزنامه یا مجله بفرستند و آن روزنامه یا مجله مکلف است این‌گونه توضیحات و جواب ها را در همان صفحه و با حروفی که مطالب اصلی را چـاپ کرده مجانا به طبع برسانـد، مشـروط بر اینکه جواب ازدو برابر اصل مطلب تجاوز ننمایـد و متضـمن توهین به‌کسـی نباشـد.در صورتی‌که روزنامه یا مجله علاوه بر جواب مذکور مطالب و یا توضیحات مجددی چاپ نماید حق جوابگویی مجدد به‌طریق‌مذکور در فوق برای معترض محفوظ خواهـدبود. ماده ۱۰ ـ وزارتخانه های کشور و فرهنگ و دادگستری مکلفنـد برای تنظیم امور چاپخانه ها و اعلانات و توزیع جراید و روزنامه فروشـی و همچنین نسـبت به‌شرایط حقوق و امتیازات خبرنگاران و مخبرین عکاس آیین نامه های لازم را تهیه و به هیات وزیران پیشـنهاد نمایند. در آیین نامه ها برای توزیع و فروش روزنامه و مجلاتی که به زبان های خارجی و یا به زبان فارسی در خارج مملکت چاپ شده است مقررات لازم باید پیش بینی شود.

فصل سوم – جرایم (ماده ۱۱ تا ۲۵)

ماده ۱۱ ـ کسانی‌که به‌وسـیله نشـر مقالات یا جعل اخبار درمطبوعات مرتکب به یکی از جرایم ذیل شوند به حبس تادیبی از ۶ ماه تا دو سـال محکوم می‌شونـد. الف ـ کسانی‌که مردم را صـریحا تحریص و تشویق به خرابکاری و آتش‌سوزی و قتل و غارت و سـرقت نماینـد. ب ـ کسانی که افسـران و افراد ارتش را به نافرمانی و عـدم انقیاد احکام نظامی ترغیب و تشویق کننـد. در موارد مـذکور در این ماده چنانچه تحریص و ترغیب موثر واقع شود و جرایم منظور اتفاق افتد اشخاص مذکور در بند (الف و (ب به مجازاتی محکوم خواهندشد که در قانون مجازات عمومی برای معاون جرم پیش بینی شده است ماده ۱۲ ـ اشخاصی که دستورهای محرمانه نظامی و اسـرار ارتش و یا نقشه قلاع و اسـتحکامات نظامی را در زمان جنگ به وسـیله مطبوعات فاش و منتشـر کننـد به حبس مجرد از دو تا

پنج سال محکوم خواهند شد و چنانچه در زمان جنگ نباشد به شش ماه تا دو سال محکوم می‌شوند. ماده ۱۳ ـ هر کس مقاله‌ای مضر به اساس دین حنیف اسلام انتشار دهد به یک سال تا سه سال حبس تادیبی محکوم می‌شود. ماده ۱۴ ـ هرکس به وسیله روزنامه یا مجله مردم را صریحا به‌ارتکاب جنحه یا جنایتی بر ضد امنیت داخلی و یا خارجی مملکت که در قانون مجازات عمومی پیش بینی شده است تحریص و تشویق نماید در صورتی‌ک ه اثری بر آن مترتب شده باشد به مجازات معاونت همان جرایم محکوم خواهدشد و در صورتی‌که اثری بر آن مترتب نشود به یک ماه تا سه ماه حبس تادیبی به علاوه به پرداخت دو هزار ریال تا بیست هزار ریال غرامت محکوم خواهدشد. ماده ۱۵ ـ هر کس به وسیله مطبوعات از جرایم مذکور در موارد فوق و یا مرتکبین آن اعمال به نحوی از انحا تقدیر و تمجید کند به‌جریمه نقدی از پنج هزار ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم می‌شود. ماده ۱۶ ـ هرکس به وسیله روزنامه یا مجله یا هر نوع نشریه دیگر به مقام سلطنت یا شخص شاه یا ملکه یا به ولیعهد توهین کند به مجازات از یک تا سه سال حبس تادیبی محکوم می‌شود. تبصره ـ مجازات توهین به خاندان سلطنت (پدر ـ مادر ـ اولاد ـ برادر و خواهر پادشاه از سه ماه تا یک سال حبس تادیبی خواهدبود. ماده ۱۷ ـ هر گاه در روزنامه یا مجله یا هر گونه نشریه دیگر مقالات یا مطالب توهین آمیز و یا افترا و یا برخلاف واقع و حقیقت‌خواه به نحو انشا یا به‌طور نقل نسبت به شخص اول روحانیت و مراجع مسلم تقلید درج شود، مدیر روزنامه یا نویسنده هر دو مسئول و هر یک از یک سال تا سه سال به حبس تادیبی محکوم خواهدشد و رسیدگی به این اتهام تابع شکایت مدعی خصوصی‌نیست ماده ۱۸ ـ هرکس به وسیله مطبوعات نسبت به رییس یا نماینده سیاسی مملکت خارجی که با ایران روابط دوستانه دارد توهین‌نماید طبق بند دوم ماده ۸۱ قانون مجازات عمومی محکوم می‌شود مشروط بر این‌که در آن مملکت نیز در موارد مذکور نسبت به ایران معامله متقابله شود. ماده ۱۹ ـ در جرایمی که ذیلا ذکر می‌شود. الف ـ انتشار مقالات مضر به عفت عمومی و یا مضر به‌اخلاق حسنه ب ـ انتشار صور قبیحه ج ـ انتشار آگهی ها و یا عکس هایی مخالف اخلاق حسنه و آداب و رسوم ملی د ـ انتشار مذاکرات سری محاکم دادگستری و یا انتشار تحقیقات و تصمیمات مراجع قضایی که قانونا انتشار آنها ممنوع است مرتکب به تادیه یک هزار تا ده هزار ریال غرامت محکوم خواهدشد. ماده ۲۰ ـ هر یک از افراد مردم اعم از مأمورین رسمی یا غیر آنها که در روزنامه یا مجله یا هر نوع نشریه دیگر مندرجاتی مشتمل برتهمت و افترا و یا فحش و الفاظ رکیکه و یا نسبت های توهین آمیز درزندگانی خصوصی و یا هتک شرف و ناموس و امثال آن نسبت به خود مشاهده نماید می‌تواند از نویسنده یا ناشر آن به دادسرا یا به‌دادگاه محل اقامت خود شکایت نماید مرتکب به دو ماه تا شش ماه حبس تادیبی یا از ده هزار تا پنجاه هزار ریال جریمه نقدی محکوم خواهد شد و در صورت استرداد شکایت شاکی خصوصی تعقیب موقوف خواهد شد. تبصره ۱ ـ در موارد فوق شاکی نیز می‌تواند برای مطالبه خسارات مادی و معنوی که از نشر مطالب مزبور بر او وارده آمده به دادگاه حقوقی دادخواست تقدیم نماید و دادگاه مکلف است نسبت به آن رسیدگی و مبلغ خسارت را تعیین و مورد حکم قراردهد. تبصره ۲ ـ هرگاه انتشار مطالب مذکور در ماده فوق راجع به اموات ولی به قصد هتاکی بازماندگان آنان باشد هر یک از ورثه قانونی می‌تواند بر طبق ماده و تبصره فوق شکایت نماید. ماده ۲۱ ـ هرکس به وسیله مطبوعات دیگری را تهدید به‌هتک‌شرف و حیثیت یا افشا سری نماید در صورتی که ثابت شود این تهدید برای استفاده مادی یا تقاضای انجام امری یا خودداری ازانجام امری بوده است به حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال و به پرداخت غرامت از یک هزار ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم‌خواهد شد. ماده ۲۲ ـ هرکس به وسیله روزنامه یا مجله و یا نشریه ، هیات وزرا یا هیات نمایندگان یکی از مجلسین یا هیات قضات را مورد افترا و توهین قراردهد بدون شکایت شاکی خصوصی مورد تعقیب قرار خواهد گرفت و چنانچه توهین و افترا به وزیر یا معاون یا یکی از نمایندگان مجلسین یا یکی از قضات یا یکی از مستخدمین دولت اعم از اداری لشکری و اعضا دیوان محاسبات یا افراد عادی باشد ، با شکایت شاکی خصوصی مورد تعقیب واقع خواهد شد. چنانچه اسناد دهنده در بازپرسی نتوانست دلایل و مدارک کافی برای توجه اتهام به وزیر یا معاون یا نمایندگان مجلسین یا قضات ارایه دهد متهم طبق ماده ۱۶۳ قانون مجازات عمومی مجازات خواهد شد و در مورد سایر افراد به

استناد ماده ۲۶۹ مفتری مجازات خواهد شد. مادام که متهم در مراحل بازپرسی و دادگاه مورد تعقیب است روزنامه مزبور حق ندارد نسبت به مورد رسیدگی توهین و افترا مطلبی نشر دهد. گذشت شاکی خصوصی در مورد توهین به وزیر یا معاون یا یکی از نمایندگان مجلسین یا مستخدمین دولت و اعضا دیوان محاسبات و افراد عادی موجب عدم تعقیب و مجازات متهم خواهدشد. ماده ۲۳ ـ هر کس به وسیله مطبوعات به اقلیت های مذهبی‌مصرح در قانون اساسی یا نژادی ساکن ایران برای تولید نفاق و اختلاف و یا بغض و کینه میان سکنه مملکت اهانت نماید و یا آنان را به ایجاد دشمنی و نفاق نژادی و یا مذهبی تحریص کند به یک ماه تا شش ماه حبس تادیبی و یا پرداخت پانصد تا پنج هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد. ماده ۲۴ ـ هرکس در انتشار روزنامه یا مجله خود از نام یاسرلوحه روزنامه دیگر تقلید نماید که سو استفاده محسوب شود به تقاضای شاکی خصوصی از پانصد تا پنج هزار ریال جزای نقدی و تعطیل روزنامه یا مجله محکوم خواهد شد و شاکی خصوصی می‌تواند خسارت خود را مطالبه نماید و دادگاه مکلف است نسبت به آن نیز رسیدگی کند. تبصره ـ روزنامه هایی که بر طبق مقررات این قانون توقیف بشوند نمی‌توانند به اسامی دیگر و با همان سبک و اسلوب منتشرشوند. در صورت تخلف از این ماده روزنامه یا مجله ای که به‌جای روزنامه یا مجله توقیف شده انتشار یافته است نیز به‌ترتیب فوق توقیف می‌شود و کسانی‌که روزنامه یا مجله خود را به‌جای روزنامه یا مجله توقیف شده منتشر نمایند، به حبس تادیبی از یک ماه تا ۳ ماه و جریمه نقدی از یک هزار تا ده‌هزار ریال محکوم می‌شوند و امتیاز آنان نیز باطل می گردد. ماده ۲۵ ـ در کلیه جرایم مذکوره در مواد فوق طبق اصل بیستم متمم قانون اساسی رفتار خواهد شد.

فصل چهارم تخلفات (ماده ۲۶ تا ۲۹)

ماده ۲۶ ـ هر صاحب امتیاز بر خلاف مواد ۲ یا ۶ یا ۷ یا ۸ یا ۹و یا تبصره یک ماده ۴ و تبصره ۳ ماده پنجم این قانون مبادرت به‌انتشار روزنامه یا مجله کند، به‌پرداخت ده‌هزار تا پنجاه هزار ریال محکوم می‌شود و در صورتی که قادر بپرداخت جریمه نباشد به نظردادگاه به حبس تادیبی از پانزده روز تا دو ماه محکوم خواهدشد. تبصره ـ در موارد فوق فرماندار محل دستور تعطیل روزنامه یا مجله را می‌دهد و مراتب را برای تعقیب قانونی به دادستان شهرستان اعلام خواهدنمود. ماده ۲۷ ـ مطبوعاتی که در آن دستور ماده ۶ مراعات نشده باشداز یک تا سه هزار ریال محکوم می‌شود و در صورتی که نام چاپخانه یا سایر نام‌های مذکور در ماده ۶ برخلاف واقع چاپ شده باشد مرتکب به مجازات ۲ تا ۶ ماه حبس تادیبی محکوم می‌شود. تبصره ـ دارندگان امتیاز روزنامه و مجله‌ای که به جهتی ازجهات مندرجه در این قانون امتیاز آنها لغو شده باشد حق ندارندبه هیچ عنوان خود را روزنامه نگار معرفی کنند و در صورت تخلف به حبس تادیبی از ۲ تا ۶ ماه محکوم خواهندشد. ماده ۲۸ ـ نشریه‌ای که مشمول ماده اول این قانون نباشد تعریف روزنامه یا مجله بر آن صدق نمی‌کند و تابع قوانین عمومی است ماده ۲۹ ـ به تخلفات و جرایم مندرجه در این فصل در دادگاه جنحه و خارج از نوبت رسیدگی می‌شود.

فصل پنجم – دادرسی مطبوعات ـ هیات منصفه (ماده ۳۰ تا ۴۲

ماده ۳۰ ـ جرم مطبوعاتی عبارتست از توهین و افترا به وسیله روزنامه یا مجله یا نشریه از لحاظ ارتباط با مقام و یا شغل رسمی با رویه اداری یا اجتماعی و یا سیاسی به شخص یا اشخاص ـ انتقاد ازروش سیاسی و اداری به وسیله روزنامه ـ مجله یا نشریه نسبت به مسیولین و متصدیان امور دولتی و اشخاص نامبرده در ماده ۲۲ که‌از لحاظ مصالح عمومی صورت می گیرد جرم محسوب نمی‌شود.ذکر جملات توهین آمیز و افترا و هتک حیثیت و شرف یا ناموس و فحش و ناسزا به شخص و یا بستگان شخص ، جرم مطبوعاتی محسوب نشده و بر طبق مقررات عمومی قانون جزا و این قانون قابل تعقیب خواهد بود. ماده ۳۱ ـ به جرایم مطبوعاتی و

همچنین به جرایم سیاسی غیرمطبوعاتی بر طبق اصل هفتاد و نهم متمم قانون اساسی در دادگاه جنایی دادگستری با حضور هیات منصفه رسیدگی می‌شود و جرایم غیر مطبوعاتی در دادگاه جنحه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت ماده ۳۲ ـ مرجع شکایات مطبوعاتی دادسرای شهرستان هر محل است و دادسراهای مزبور پرونده را برای رسیدگی به دادگاه جنایی ارسال خواهندداشت ماده ۳۳ ـ انتخاب هیات منصفه و ترتیب شرکت اعضا آن در رای دادگاه به طریق ذیل خواهدبود: الف ـ هر دو سال یک‌بار در بهمن ماه در تهران و در مراکزی که‌دارای دادگاه استان است هیاتی مرکب از فرماندار و رییس دادگستری و رییس انجمن شهر (و در صورتی‌که انجمن شهر وجود نداشته باشد شهردار) و نماینده فرهنگ به دعوت فرماندار تشکیل می‌شود. هیات مزبور در تهران صورتی از هفتاد و پنج نفر طبقات سه گانه‌ذیل ۱ ـ علما و دانشمندان و نویسندگان و دبیران و آموزگاران و وکلای دادگستری و سردفتران ۲ ـ بازرگانان و ملاکین و کشاورزان ۳ ـ کارگران و اصناف و پیشه وران جز از هر نقطه فهرستی مشتمل بر بیست و پنج نفر تهیه می کند اشخاص منظور در صورت ها باید علاوه بر داشتن حسن سابقه واجد شرایط انتخاب شدن برای نمایندگان مجلسین شورای ملی‌بوده و در مقر دادگاه مقیم باشند پس از تنظیم صورت ها از هر طبقه‌دوازده نفر با قرعه برای عضویت هیات منصفه انتخاب می‌شود وفرماندار مراتب را کتبا به کلیه ۳۶ نفری که برای عضویت هیات منصفه انتخاب شده‌اند ابلاغ می‌نماید که رد یا قبولی خود را درظرف سه روز اعلام دارند. عدم اعلام رد در حکم قبولی است و اگریک یا چند نفر از قبول این سمت خودداری کنند، هیات مزبور کسری هر طبقه را تا میزان ۷۵ نفر از خارج تکمیل و به جای افراد مستعفی با قرعه از میان افراد همان طبقه انتخاب می‌نماید سپس فرماندار آنان را به وسیله رییس دادگاه استان به دادگاه جنایی محل معرفی می کند. رییس دادگاه استان تا نیمه اسفند ماه همان سال صورت اعضا هیات منصفه را باید در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار اعلان نماید و برای سایر مراکز استانها عده اعضا هیات منصفه ۱۸ نفر مقرر می‌شود که به همان ترتیب مذکور در فوق (با این تفاوت که از هر یک از طبقات سه گانه در بدو امر شش نفر درفهرست منظور می‌شود) انتخاب و معرفی خواهند گشت ب ـ در مورد هر محاکمه مطبوعاتی و یا سیاسی دادگاه جنایی‌در جلسه مقدماتی خود با حضور دادستان استان یا نماینده و سه نفراز اعضا هیات منصفه را از هر طبقه یک نفر به سمت عضو اصلی وسه نفر را به همان ترتیب به سمت عضو علی البدل با قرعه انتخاب و دعوت می‌نماید. کلیه اعضا هیات منصفه اعم از اصلی و علی البدل که در جلسه دادرسی شرکت نموده‌اند باید از ابتدای دادرسی تا ختم آن در تمام جلسات حضور داشته باشند و چنانچه یک یا چند نفر ازاعضا اصلی غایب و یا قانونا از شرکت ممنوع باشند و عده اعضا علی البدل که حضور یافته‌اند زاید بر عده غایبین و یا معذورین باشد به میزان احتیاج از اعضا علی البدل با قرعه به جای کسری اعضا اصلی انتخاب خواهند شد و در هر حال با حضور سه نفر از اعضا اصلی یا علی البدل خواه ابلاغ به سایرین شده یا نشده باشد دادگاه قابل تشکیل است ماده ۳۴ ـ دادگاه جنایی برای رسیدگی به جرایم مطبوعاتی مرکب از سه نفر دادرس و با حضور هیات منصفه تشکیل می‌شود و مطابق مقررات آیین دادرسی کیفری رسیدگی می‌نماید پس از اعلام ختم دادرسی بلافاصله دادرسان دادگاه با اعضا هیات منصفه متفقا به شور پرداخته درباره دو مطلب ذیل الف ـ آیا متهم گناهکار است ب ـ در صورت تقصیر آیا مستحق تخفیف می‌باشد یا خیر؟ رای می‌دهند در صورت تساوی آرا رای رییس دادگاه با هرطرف که باشد قاطع است رییس دادگاه فورا بر طبق این رای موجها و با ذکر دلایل به انشا حکم مبادرت می‌ورزد. چنانچه حکم بر محکومیت متهم صادر گردد محکوم علیه می‌تواند در مدت دو روزاز تاریخ ابلاغ تقاضای فرجام نماید ولی اگر حکم مبنی بر برائت باشد قابل رسیدگی فرجامی نیست و نیز در صورتی‌که متهم تبریه ویا به مجازاتی محکوم شود که مستلزم سلب حقوق اجتماعی نباشد از روزنامه یا مجله در صورتی که قبلا توقیف شده باشد بلافاصله و خودبخود رفع توقیف خواهد شد. تبصره ـ هرگاه در حین محاکمه اعضا هیات منصفه سوالاتی داشته باشند سوال خود را کتبا به دادگاه خواهند داد که به وسیله رییس دادگاه مطرح گردد. ماده ۳۵ ـ موارد رد اعضا هیات منصفه و شرایط آن همان است‌که قانونا در مورد قضات پیش‌بینی شده است ماده ۳۶ ـ هرگاه جلسه رسیدگی خواه در ابتدا یا اثنا دادرسی‌به‌واسطه عدم

حضور یک یا چند نفر از اعضا هیات منصفه تشکیل نشود، رییس دادگاه جنایی در جلسه علنی از بین قضات حاضر شعب دادگاه استان در تهران و از بین کلیه قضات حاضر در مرکزاستان در خارج از تهران عده هیات منصفه را به حکم قرعه تعیین یاتکمیل نموده با شرکت آنان به موضوع رسیدگی خواهد کرد. قضاتی‌که به عنوان هیات منصفه به حکم قرعه انتخاب می‌شوندصرفا جنبه عضویت هیات منصفه را دارند و در صورت عدم حضور یا عدم شرکت در رای متخلف محسوب شده و تحت تعقیب انتظامی قرار خواهند گرفت ماده ۳۷ ـ هر یک از اعضا دیگر هیات منصفه که به‌حکم قرعه‌معین شده‌اند، چنانچه بدون عذر موجه در جلسات محاکمه حاضر نشوند و یا از شرکت در رای خودداری کنند به حکم دادگاهی که موضوع در آن مطرح است برای مرتبه اول محکوم به پرداخت مبلغی از هزار تا ده هزار ریال خواهند شد و در صورت تکرار علاوه بر پرداخت وجه از بعضی یا تمام حقوق مذکور ذیل از شش ماه تا دو سال به تشخیص همان دادگاه محروم خواهند شد. الف ـ حق استخدام در ادارات دولتی و شهرداری ها و بنگاه ها و شرکت هایی که لااقل نصف سرمایه آنها متعلق به دولت باشد. ب ـ حق انتشار روزنامه و مجله و انتخاب شدن در انجمن شهر و شرکت در انجمن های نظارت انتخابات مجلسین ماده ۳۸ ـ هیچ روزنامه و یا مجله‌ای را قبل از صدور حکم دادگاه نمی‌توان توقیف یا تعطیل کرد مگر در مواردی که در این قانون ذکر شده و موارد اتهامات زیر: ۱ ـ آنجا که مضر به اساس دین اسلام باشد. ۲ ـ آنجا که هتک احترام از مقام سلطنت شده باشد. ۳ ـ آنجا که نقشه طرح حرکت قشون یا دیگر از اسرار نظامی مکشوف شده باشد. ۴ ـ آنجا که دعوت به عصیان در مقابل قوای رسمی مملکتی وموجب هیجان کلی و اختلال امنیت عمومی شده باشد. ۵ ـ آنجا که انتشار مقالات مضر به عفت عمومی با اشاعه صور قبیحه بر ضد عفت و عمصت عمومی باشد. در موارد فوق دادستان شهرستان رأسا و یا بنابر تقاضای فرماندارمحل دستور توقیف روزنامه یا مجله و ضبط اوراق انتشار یافته راخواهد داد و در ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده امر را به دادگاه جنایی خواهد فرستاد. دادگاه جنایی در جلسه فوق العاده درمدتی که بیش از سه روز نباشد نظر خود را نسبت به رد یا قبول تقاضای دادستان اعلام خواهدکرد. در صورتی که دادگاه با توقیف روزنامه یا مجله موافقت نماید بازپرس و دادستان مکلفند در ظرف‌یک هفته نظر نهایی خود را نسبت به اصل موضوع اعلام دارند وداد‌گاه باید با تهیه مقدمات قانونی خارج از نوبت نسبت به اصل موضوع رسیدگی نماید. تبصره ـ روزنامه هایی که بر طبق این ماده توقیف می‌شوند نمی‌توانند به اسامی دیگر و با همان سبک و اسلوب منتشر شوند ودر صورت تخلف از این ماده روزنامه یا مجله‌ای که به‌جای روزنامه توقیف شده انتشار یافته است نیز به ترتیب فوق توقیف می‌شود و کسانی‌که روزنامه یا مجله خود را به جای روزنامه یا مجله توقیف شده منتشر نمایند به حبس تادیبی از یک ماه تا سه ماه و جریمه نقدی از پانصد تا پنج‌هزار ریال محکوم می‌شوند و امتیاز آنان نیز باطل می گردد. ماده ۳۹ ـ در صورتی‌که دادگاه با توقیف روزنامه موافقت نکند بلافاصله از روزنامه رفع توقیف خواهد شد. ماده ۴۰ ـ در جرایم مطبوعاتی دادگاه خارج از نوبت رسیدگی‌می‌نماید و مهلتی که برای قرائت پرونده به وکیل مدافع و خود متهم داده می‌شود بیش از سه روز نخواهد بود و این مدت با تقاضای متهم یک دفعه و برای سه روز قابل تمدید می‌باشد و از تاریخ انقضا مهلت تا تشکیل جلسه مقدماتی نیز نباید بیش از سه روزفاصله باشد و فاصله جلسه مقدماتی تا جلسه دادرسی حداکثر نباید بیش از ده روز باشد و تنفس در این محاکمات زاید بر دو از ده ساعت نخواهد بود و شاکی خصوصی و متهم هر کدام بیش از سه نفر وکیل مدافع نمی‌توانند تعیین نمایند ولی دادگاه در صورت حضور یک وکیل از هر یک طرفین دعوی رسیدگی می کند. ماده ۴۱ ـ قانون مطبوعات مصوب محرم ۱۳۲۶ و کلیه قوانین و مقرراتی که با این مواد مغایرت داشته باشد لغو می‌شوند. ماده ۴۲ ـ وزارتخانه‌های کشور ـ دادگستری مأمور اجرا این لایحه قانونی هستند. به موجب قانون تمدید تبصره قانون الغا کلیه لوایح مصوب آقای دکتر مصدق ناشیه از اختیارات لایحه قانونی مربوط به مطبوعات که در تاریخ دهم مرداد ماه یک هزار و سیصد و سی وچهار به تصویب کمیسیون‌های مشترک مجلسین رسیده موقتا قابل اجرا می‌باشد. رییس مجلس سنا ـ سیدحسن تقی‌زاده رییس مجلس شورای ملی ـ رضا حکمت اصل لایحه قانونی در دفتر نخست وزیر است از طرف نخست وزیر

لایحه قانونی مطبوعات – ۱۳۵۸ (ماده ۱ تا ۳۸)

مصوب ۲۵/۵/۵۸ ماده ۱ ـ از لحاظ این قانون مطبوعات عبارت از نشریاتی است که به طور منظم و در مواقع معین با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف چاپ منتشر می‌شود و اخبار و اطلاعات و دیدگاه های گوناگون درزمینه‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و دینی و علمی و فرهنگی و هنری را به آگاهی عمومی می‌رسانند و از این راه به روشن‌ساختن افکار عمومی و بالاـ بردن سطح دانش در رشته خاص کمک می‌کنند. ماده ۲ ـ انتشار نشریه تنها به مسیولیت اشخاص حقیقی و باسرمایه ایرانی آزاد است ، خواه وسیله نشر افکار و آرمان های گروه یاجمعیت یا حزب خاص باشد یا به نشر اخبار و عقاید عمومی بپردازد، متقاضی انتشار نشریه باید واجد شرایط زیر باشد: ۱ ـ تابعیت ایران ۲ ـ نداشتن محکومیت کیفری که موجب سلب حقوق اجتماعی‌باشد. ۳ ـ عدم حجر و ورشکستگی به تقلب و تقصیر و محروم نبودن از حقوق اجتماعی ۴ ـ دارا بودن تقوای سیاسی و صلاحیت اخلاقی ۵ ـ داشتن حداقل گواهینامه لیسانس یا صلاحیت علمی کافی به تشخیص کمیسیون مندرج در ماده ۴ این قانون تبصره ۳ ـ نخست‌وزیران ، وزیران ، استانداران ، امرای ارتش و شهربانی و ژاندارمری ، روسای سازمان‌های دولتی ، مدیران عامل و روسای هیات مدیره شرکت‌ها و بانک های دولتی و کلیه شرکت‌ها و موسساتی که شمول حکم در مورد آنها مستلزم ذکر نام است نمایندگان مجلسین (به استثنای آنهایی که به‌دستور رهبر انقلاب استعفا کرده‌اند) و سفرا و شهرداران تهران ، نمایندگان انجمن های شهر و شهرستان تهران ، اعضای ساواک ، وابستگان نزدیک رژیم سابق که در فاصله زمانی پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷در مشاغل نامبرده خدمت کرده‌اند و کسانی که در این مدت از طریق مطبوعات ، رادیو تلویزیون با سخنرانی در اجتماعات خدمتگزار تبلیغاتی رژیم گذشته بوده‌اند ، از انتشار نشریه محرومند. ماده ۳ ـ متقاضیان پروانه انتشار باید تقاضانامه ای شامل اطلاعات زیر در تهران به وزارت ارشاد ملی و در شهرستان‌ها به اداره ارشاد ملی محل تسلیم کنند و در صورتی که در شهرستان مورد نظراداره ارشاد ملی وجود نداشته‌باشد تقاضانامه به اداره ارشاد ملی مرکز استان مربوط داده می‌شود. ۱ ـ مشخصات کامل درخواست کننده ۲ ـ مشخصات کامل مدیر مسیول ۳ ـ نام نشریه و علامت (آرم) آن در صورتی که علامت‌داشته‌باشد. ۴ ـ محل اداره نشریه ۵ ـ ترتیب انتشار نشریه (روزانه ـ هفتگی ـ ماهانه و غیره ۶ ـ نوع نشریه و موضوع سیاسی و اصول فکری و اعتقادی آن ۷ ـ زبان نشریه تبصره ۱ ـ به متقاضی واجد شرایط پروانه انتشار داده می‌شود. تبصره ۲ ـ محل اداره نشریه مندرج در تقاضانامه از لحاظاجرای مقررات این قانون در حکم اقامتگاه قانونی متقاضی یا مدیرمسیول است و هرگونه ابلاغ به محل مذکور قانونی است تبصره ۳ ـ احزاب و جمعیت‌ها و موسساتی که به ثبت رسیده باشند می‌توانند درخواست پروانه انتشار کنند مشروط بر این‌که مدیر واجد شرایطی را معرفی کنند تا طبق مقررات این قانون مسیولیت های قانونی را عهده‌دار گردد. ماده ۴ ـ رسیدگی به درخواست صدور پروانه و صلاحیت متقاضی با کمیسیونی مرکب از اشخاص ذیصلاح و مومن به انقلاب اسلامی ایران به شرح زیر است ۱ ـ نماینده ای از ناشران مطبوعات ۲ ـ نماینده نویسندگان مطبوعات ۳ ـ یکی از مستشاران دیوان عالی کشور به انتخاب رییس آن دیوان ۴ ـ یکی از اساتید دانشگاه تهران به انتخاب رییس شورای دانشگاه ۵ ـ یکی از اساتید حوزه علمیه قم به معرفی هیات مدرسین این‌حوزه ۶ ـ یکی از وکلای پایه یک دادگستری به انتخاب کانون وکلا ۷ ـ معاون یا مدیر کل مطبوعاتی وزارت ارشاد ملی به عنوان دبیر کمیسیون و بدون داشتن حق رای کمیسیون پس از رسیدگی های لازم نظر خود را جهت اخذ تصمیم نهایی به وزیر ارشاد ملی اعلام می‌کند. تبصره ۱ ـ در صورت اختلاف نظر میان وزیر ارشاد ملی و کمیسیون ، متقاضی می‌تواند به دادگاه استان شکایت کند. رای دادگاه استان قطعی و غیر قابل فرجام است تبصره ۲ ـ ترتیب انتخاب نمایندگان ناشران و نویسندگان به موجب آیین نامه ای خواهد بود که به تصویب هیات وزیران می‌رسد. تبصره ۳ ـ تا زمانی‌که کمیسیون مقرر در این قانون تشکیل نشده است وظایف آن به عهده کمیسیون موقتی متشکل از وزیر ارشاد ملی ، یکی از مستشاران دیوان عالی کشور به انتخاب رییس آن دیوان ، نماینده شورای انقلاب اسلامی ایران

است ماده ۵ ـ درخواست کننده پروانه شخصی را به عنوان مدیرمسیول به وزارت ارشاد ملی معرفی می کند، مدیر مسیول باید علاوه بر داشتن شرایط مندرج در ماده ۲ حداقل دارای صلاحیت علمی و حرفه‌ای به تایید کمیسیون مقرر در ماده ۴ یا وزارت ارشاد ملی به ترتیب مندرج در تبصره ۳ ماده مذکور باشد. درخواست کننده پروانه در صورت دارا بودن شرایط فوق خود می‌تواند مدیر مسئول هم باشد. تبصره ـ در صورتی که نشریه علاوه بر مدیر مسیول دارای سردبیر جداگانه باشد، رعایت شرایط لازم برای مدیر مسئول نشریه برای سر دبیر هم الزامی است ماده ۶ ـ دارندگان پروانه انتشار نشریه می‌توانند با همان نام بیش از یک نشریه انتشار دهند. مشروط بر این‌که برای هر نشریه مدیر مسیول جداگانه ای معرفی کنند. ماده ۷ ـ وزارت ارشاد ملی مکلف است ظرف سه ماه از تاریخ دریافت تقاضا درباره صلاحیت متقاضی و مدیر مسیول و سردبیر بارعایت شرایط مقرر در این قانون ، رسیدگی های لازم را انجام دهد ومراتب رد یا قبول تقاضا را اعلام کند. نسبت به درخواست هایی که مورد موافقت واقع می‌شود وزارت ارشاد ملی با رعایت تبصره ۳ ماده ۴ ظرف یک ماه از تاریخ موافقت ، پروانه انتشار نشریه راخواهدداد. ماده ۸ ـ هر نوع تغییر و تبدیل در پروانه انتشار نشریه و همچنین انتقال آن ، موکول به موافقت وزارت ارشاد ملی با رعایت مقررات این قانون است ماده ۹ ـ در صورتی‌که مدیر مسیول نشریه شرایط موضوع‌بندهای ۱ و ۲ و ۳ و ۴ ماده ۲ این قانون را فاقد گردد یا فوت شود یا استعفا دهد، صاحب پروانه مکلف است حداکثر ظرف یک ماه شخص واجد شرایط دیگری را به وزارت ارشاد ملی معرفی کند، درغیر این‌صورت از انتشار نشریه او جلوگیری می‌شود. تا زمانی‌که صلاحیت مدیر مسیول جدید به تایید نرسیده است صاحب پروانه عهده‌دار انجام مسئولیت های مدیر مسیول نیز خواهدبود. ماده ۱۰ ـ در صورتی‌که صاحب پروانه یکی از شرایط مقرر دربندهای ۱ و ۲ و ۳ و ۴ این قانون را فاقد شود به تشخیص کمیسیون مقرر در ماده ۴ و با رعایت تبصره های آن ، پروانه نشریه لغو می‌شود. تبصره ۱ ـ در مورد مواد ۷ و ۹ و ۱۰ ذینفع می‌تواند از تصمیم وزارت ارشاد ملی بدادگاه استان شکایت کند رای دادگاه استان قطعی و غیر قابل فرجام است تبصره ۲ ـ هر گاه صاحب پروانه فوت شود با موافقت کتبی اکثریت وراث یا قایم مقام قانونی آنان پروانه به نام درخواست کننده‌ای که واجد شرایط قانونی باشد به ترتیب مقرر در این قانون صادر می‌شود. تبصره ۳ ـ حق استفاده از نام نشریه متعلق به وراث است و درصورت انتقال کسب موافقت وزارت ارشاد ملی ضروریست ماده ۱۱ ـ صاحب پروانه موظف است ظرف ۶ ماه پس از صدور پروانه نشریه مربوط را منتشر کند و در غیر این‌صورت اعتبار پروانه از بین می‌رود. عدم انتشار منظم نشریه در یک سال نیز اگر بدون عذر موجه باشد موجب لغو پروانه می‌شود. تبصره ۱ ـ امتیاز نامه‌هایی‌که بر طبق مقررات سابق براینشریات کنونی صادر شده‌است به اعتبار خود باقی است مشروط براین‌که ظرف ۳ ماه صاحب امتیاز برای تطبیق وضع خود با این قانون و گرفتن پروانه جدید اقدام کند. دارندگان امتیاز نامه هایی که در رژیم گذشته در ازای واگذاری امتیاز خود به دولت از آن رژیم پول گرفته اند به شرطی می‌توانند از مفاد این تبصره استفاده کنند که وجوه دریافتی مزبور را به بیت المال برگردانند. تبصره ۲ ـ نام و نشانی و سایر مشخصات نشریاتی که برای آنها پروانه صادر می‌شود در دفتر مخصوصی که از طرف وزارت ارشاد ملی تهیه و تنظیم می گردد با ذکر تاریخ به ترتیب ثبت خواهدشد. ماده ۱۲ ـ در هر شماره باید نام دارنده پروانه و مدیر مسیول وسردبیر و نشانی اداره و چاپخانه ای که نشریه در آن به‌چاپ می‌رسدو نیز روش نشریه (دینی ، علمی ، سیاسی ، اقتصادی ، ادبی و هنری در صفحه معین و محل ثابت اعلان شود. چاپخانه ها نیز مکلف به‌رعایت مفاد این ماده می‌باشند. تبصره ـ نشریات مکلفند همه ماهه تیراژ فروش ماهیانه خودرا کتبا به وزارت ارشاد ملی اطلاع دهند. ماده ۱۳ ـ هر روزنامه یا مجله باید دفاتر محاسباتی پلمپ شده‌بر طبق قانون تجارت تهیه و کلیه مخارج و درآمد خود را در آن ثبت‌کند و بیلان سالانه درآمد و مخارج را به وزارت ارشاد ملی بفرستد. وزارت ارشاد ملی مجاز است هر وقت لازم بداند دفاتر مالی این موسسات را بازرسی کند. ماده ۱۴ ـ مدیران مسیول مطبوعات در تهران و شهرستان ها مکلفند از هر شماره نشریه خود دو نسخه به کتابخانه ملی ، کتابخانه مجلس شورای ملی ، دادستان شهرستان و وزارت ارشاد ملی (اداره مطبوعات داخلی و مرکز جمع آوری اسناد و مدارک به طور مرتب‌ارسال دارند. ماده ۱۵ ـ هر گاه در مطبوعات

مطالبی مشتمل بر توهین یا افترا یا خلاف واقع نسبت به شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) مشاهده شود ذینفع حق دارد پاسخ آن را ظرف یک ماه کتبا برای همان نشریه بفرستد. نشریه مزبور مکلف است این گونه توضیحات و پاسخ ها را در یکی از دو شماره ای که پس از وصول پاسخ منتشرمی‌شود در همان صفحه و ستون و با همان حروف که اصل مطلب منتشر شده است ، مجانی به چاپ رساند به شرط آن‌که جواب از دو برابر اصل مطلب تجاوز نکند و نیز متضمن توهین و افترا به کسی‌نباشد. اگر نشریه علاوه بر پاسخ مذکور مطالب با توضیحات مجددی چاپ کند حق پاسخگویی مجدد برای معترضین باقی است درج قسمتی از پاسخ به صورتی که آن را ناقص یا نامفهوم سازد و همچنین افزودن مطالبی به آن در حکم درج است و متن پاسخ بایددر یک شماره درج شود. پاسخ نامزدهای انتخاباتی در جریان انتخابات باید در اولین شماره نشریه درج شود به شرط آن که حداقل شش ساعت پیش از زیر چاپ رفتن نشریه به دفتر آن تسلیم و رسید دریافت شده باشد. ماده ۱۶ ـ در صورتی‌که نشریه از درج پاسخ امتناع ورزد یا پاسخرا منتشر نسازد شاکی می‌تواند به دادستان شهرستان شکایت کند. دادستان شهرستان در صورت احراز صحت شکایت شاکی جهت نشر پاسخ به نشریه اخطار می‌کند و هر گاه این اخطار موثر واقع نشود پرونده را به دادگاه جهت صدور دستور توقیف موقت نشریه که مدت آن از یک هفته تجاوز نخواهد کرد ارسال می‌کند. ماده ۱۷ ـ مسیولیت مقالات یا مطالبی که در نشریه منتشرمی‌شود به‌عهده مدیر مسیول است در صورتی‌که مقالات یا مطالب مذکور مضر به منافع اشخاص بوده و منتهی به شکایت شود، مدیرمسیول باید نویسنده مقاله یا مطلب را معرفی کند و پاسخگوی آن باشد مگر این‌که ثابت شود مدیر مسئول به تمام وظایف ومسئولیت های متعارف عمل کرده باشد که در این صورت مسئولیت متوجه کسی است که در این باب تقصیر کرده باشد. ماده ۱۸ ـ اشخاصی که دستورهای محرمانه نظامی و اسرار ارتش و یا نقشه قلاع و استحکامات نظامی را در زمان جنگ به وسیله روزنامه یا مجله فاش و منتشر کنند به حبس از ۱ تا ۳ سال و چنانچه زمان جنگ نباشد به ۶ ماه تا یک سال محکوم خواهندشد. ماده ۱۹ ـ هر کس به وسیله روزنامه یا مجله مردم را صریحا به‌ارتکاب جنحه یا جنایتی بر ضد امنیت داخلی یا خارجی کشور که‌در قانون مجازات عمومی پیش بینی شده است تحریص و تشویق نماید در صورتی‌که اثری بر آن مترتب شده باشد به مجازات معاونت همان جرایم محکوم خواهد شد و در صورتی که اثری برآن مترتب نشود از ۳ تا ۶ ماه حبس جنحه ای یا به پرداخت مبلغ یک صد هزار ریال تا سی‌صدهزار ریال غرامت محکوم خواهدشد. ماده ۲۰ ـ هر کس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن یا سایر مذاهب رسمی کشور اهانت کند به شش ماه تا۲ سال حبس جنحه ای محکوم می‌شود. ماده ۲۱ ـ هر گاه در روزنامه یا مجله یا هر گونه نشریه دیگر مقالات یا مطالب توهین‌آمیز یا افترا و یا برخلاف واقع و حقیقت خواه به نحو انشا یا به‌طور نقل نسبت به مراجع مسلم تقلید درج‌شود مدیر روزنامه و نویسنده هر دو مسئول و هر یک از ۱ تا ۳ سال حبس جنحه ای محکوم خواهند شد. ماده ۲۲ ـ هرگاه درنشریه‌ای به رهبر انقلاب اسلامی ایران اهانت شود آن نشریه به تعطیل از یک ماه تا شش ماه محکوم می گردد. تبصره ـ رسیدگی به جرایم موضوع مواد ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ تابع شکایت مدعی خصوصی نیست ماده ۲۳ ـ انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت‌عمومی و همچنین انتشار مذاکرات سری محاکم دادگستری یاتحقیقات مراجع قضایی که طبق قانون افشا آنها مجاز نیست ممنوع است و در صورت تخلف نشریه به مدت ۱ الی ۳ ماه توقیف و مرتکب به ۳ تا ۶ ماه حبس جنحه ای یا به پرداخت مبلغ دویست هزار ریال تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود. ماده ۲۴ ـ انتشار هر نوع مطلب یا خبر مشتمل بر تهمت یا افترایا فحش و الفاظ رکیک یا نسبت های توهین آمیز و نظایر آن نسبت به‌اشخاص ممنوع است مرتکب به حبس جنحه‌ای از ۳ ماه تا ۱ سال محکوم خواهدشد و تعقیب جرایم مزبور موکول به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت تعقیب در هر مرحله موقوف خواهدشد. تبصره ۱ ـ در موارد فوق شاکی (اعم از شخص حقیقی یا حقوقی)می‌تواند خسارت مادی و معنوی ناشی از جرم را مطالبه کند. تبصره ۲ ـ هرگاه انتشار مطالب مذکور در ماده فوق راجع به شخص متوفی باشد هر یک از ورثه می‌تواند از نظر جزایی یا حقوقی اقامه دعوی کند. ماده ۲۵ ـ هرکس به‌وسیله مطبوعات دیگری را تهدید به هتک‌شرف یا حیثیت یا افشا اسرار

شخصـی کنـد به حبس جنحه ای از سه ماه تا یک سال و به پرداخت جزای نقدی از ۲۰ هزار تا یک صد هزارریال محکوم می‌شود. تبصره ـ در مورد مواد ۲۴ و ۲۵ تا زمانی که پرونده در مرحله‌تحقیق و رسیدگی است نشـریه مورد شکایت حق ندارد نسبت‌به مورد رسیدگی مطلبی نشر دهد، در صورت تخلف ، دادستان شهرستان می‌تواند قبل از ختم تحقیقات از دادگاه جنحه تقاضا کندکه حکم توقیف نشـریه را صادر کنـد ، دادگاه به‌طور خارج از نوبت وفوق العاده بـدون حضور نماینده دادسـرا به موضوع رسـیدگی نموده و حکم به توقیف سه شماره نشریه صادر می‌کند و این توقیف شامل اولین شماره نشریه بعد از ابلاغ حکم می‌شود و در صورت تکرار تا موقع صدور رای دادگاه از انتشار نشـریه جلوگیری می‌شود. ماده ۲۶ ـ هر کس در نشـریه‌ای خود را بر خلاف واقع صاحب پروانه انتشار یا مدیر مسیول یا سـردبیر معرفی کند یا بدون داشتن پروانه مبادرت به انتشار نشریه نماید ، به حبس جنحه ای از ۳ ماه تا۶ ماه محکوم می‌شود. مقررات این ماده شامل دارندگان پروانه و مدیران مسئول و خبرنگاران و سر دبیرانی که سـمت های مزبور را طبق قانون از دست داده‌انـد نیز می‌شود. ماده ۲۷ ـ هرگاه در انتشار نشـریه نام یا علامت نشـریه دیگری ولو با تغییرات جزیی تقلید شود به طوریکه برای خواننـده امکان اشـتباه باشـد از انتشار نشـریه جلوگیری و مرتکب به مجازات حبس جنحه ای از ۶۱ روز تا ۳ ماه و به جزای نقدی از یک صد هزار ریال تا سـی صد هزار ریال محکوم می‌شود. تعقیب جرم منوط به شکایت شاکی خصوصی است ماده ۲۸ ـ پس از توقیف یک نشریه ، انتشار هر نوع نشریه دیگر به نحوی که با نشریه توقیف شده از نظر نام ، علامت و شکل مشتبه شود ممنوع است و نشریه جدید بلافاصله توقیف می‌گردد. مرتکب به مجازات جنحه ای از سه ماه تا ۶ ماه محکوم می‌شود. ماده ۲۹ ـ هر مقـام دولتی که برای چـاپ مطلب یا مقاله ای درصـدد اعمال فشار بر مطبوعات برایـد و یا مبادرت به سانسور و کنترل نشـریات کند علاـوه بر انفصـال ابـد از مشاغل دولتی به حبس جنحه‌ا ی از شـش ماه تا دو سال محکوم می‌شود. مفاد این حکم شامل اعلامیه های رسـمی ، دولت یـا وزارتخانه ها نخواهـد بود. ماده ۳۰ ـ به جرایم ارتکـابی به وسـیله مطبوعـات در دادگـاه جنـایی و با حضور هیات منصـفه رسـیدگی می‌شود. توضـیح تـا قبـل از تصویب طرح اصـلاحی قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ مواد ۳۱ تا ۴۰ نسخ ضـمنی و صریـح نشـده و لازم الاجرا بود. ماده ۳۱ ـ انتخـاب هیـات منصـفه بطریق ذیل خواهـد بود: هر دو سال یک‌بار در مهرماه جهت تعیین اعضـای هیـات منصـفه‌در تهران به دعوت وزیر ارشـاد ملی هیـاتی بـا حضور رییس دادگاه های شهرسـتان و رییس انجمن شـهر (در صورتی که انجمن شـهر نباشدشـهردار) و در مرکز اسـتان هـا به دعوت اسـتاندار هیـاتی مرکب از رییس دادگستری و رییس انجمن شهر (در صورتی‌که انجمن شـهر نباشـد وزارت ارشـاد ، ۷ وزارت ارشـاد ملی تشـکیل می‌شود. هیات مـذکور مجموعا ۱۴ نفر افراد مورد اعتماد عمومی را از بین گروه‌های مختلف اجتماعی روحانیون ، اساتید دانشـگاه ها ، پزشـکان ، نویسندگان ، روزنامه نگاران ، وکلای دادگستری ، دبیران ، آموزگـاران ، سـردفتران ، اصـناف ، پیشه وران ، کـارگران و کشـاورزان)، ۷ نفر اصـلی و ۷ نفر علی البدل انتخاب می‌کند. هیات منصفه ، ۷هیات منصـفه باید دارای شـرایط زیر باشند: داشتن لااقل سی سال سن محکومیت کیفری ، ۷ محکومیت کیفری موثر معروفیت به امـانت و صـداقت و حسن شـهرت وزیر ارشـاد ، ۷ وزیر هیات منصـفه ، ۷هیات منصفه را برای رییس کل دادگاه های اسـتان ارسال می‌دارد. ماده ۳۴ ـ در هر محـاکمه مطبوعاتی ، دادگاه جنایی درجلسه دادسـتان ، ۷ دادستان یا نماینده او از ۱۴ نفر اعضا هیات منصفه ، ۷هیات منصفه دعوت می‌کند که در جلسات محاکمات حضور بهم هیات منصفه ، ۷ هیات منصـفه رسـمیت خواهـدداشت هیات منصـفه موظفند که در جلسات دادگاه تا ختم جلسات آن‌حضور یابند. هیات منصـفه ، ۷ هیات منصفه چنانچه بدون عذر موجه در جلسات محاکم‌حاضر نشود و یا از شرکت در اتخاذ تصمیم خودداری کند به حکم دادگاهی که نسبت به موضوع هیات منصفه ، ۷ هیات منصـفه محکوم می‌شود. هیات منصفه ، ۷هیات منصـفه همان است که طبق قانون در مورد رد قضات پیش‌بینی شـده است هیات منصـفه ، ۷هیات منصـفه سوالاتی داشـته باشـند سوال خود را کتبا به دادگاه خواهند داد که به وسـیله رییس دادگاه مطرح گردد. ماده ۳۸ ـ برای رسـیدگی به جرایم منـدرج در این لایحه قانونی هیات منصـفه تشـکیل می‌شود و مطابق مقررات عمومی رسـیدگی می‌کند و هیات منصفه ، ۷ هیات منصـفه به شور پرداخته درباره دو مطلب ذیل بزهکار ، ۷بزهکار

است بزهکار ، ۷ بزهکار بودن آیا مستحق تخفیف است یا خیر؟ هیات منصفه ، ۷ هیات منصفه را کتبا به دادگاه اعلام می‌نمایند و سپس دادگاه‌براساس تصمیم مذکور رای صادر بزهکار ، ۷ بزهکاری باشد تطبیق عمل انتسابی با قانون و تعیین میزان مجازات و تصمیم گیری درباره سایر جهات قانونی اتهام با دادگاه می‌باشد. هرگاه رای دادگاه بر مجرمیت باشد در حدود مقررات قانونی برائت ، ۷ برایت باشد غیرقابل فرجام می‌باشد. برائت ، ۷ برائت و یا محکومیتی باشد که مستلزم سلب حقوق اجتماعی نباشد، از نشریه در صورت توقیف ، ۷توقیف خواهد شد و انتشار مجدد آن مانعی ندارد. وزارت ارشاد، ۷ وزارت ارشاد ملی است که در آنها سعی خواهد شد جز آنچه مربوط به اعمال حاکمیت دولت است اجرای این قانون به سازمان های صنفی واگذار شود.

آیین نامه محل تاسیس دفاتر مطبوعات (ماده ۱ تا ۶

ماده ۱ ـ دفتر مطبوعات مکانی است که دارنده پروانه رسمی انتشار نشریه برای فعالیت های مطبوعاتی بر اساس تعریفی که از نشریات در قانون مطبوعات شده یا می‌شود از آن استفاده می‌نماید. تبصره ۱ ـ تشخیص محل مناسب برای استقرار دفتر مطبوعات بر عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است تبصره ۲ ـ متقاضی باید برای اخذ مجوز تاسیس ، رونوشت سند مالکیت یا اجاره نامه ملك موردنظر را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارایه نماید. ماده ۲ ـ مقصود از فعالیت شغلی مقرر در قانون ، کلیه فعالیت هایی است که قبل از مرحله چاپ هرنشریه صورت می گیرد، فعالیت بخش های مختلف مانند هیات تحریریه ، سرویس های خبر و گزارش ، آگهی و خدمات نصب و احداث سامانه‌های ارتباطی و خبررسانی ، بایگانی مطبوعات ، کتابخانه ، همچنین نصب سامانه های رایانه ای انجام عملیات فنی لیتوگرافی برای تهیه فیلم و کپی زینك ، حروفچینی و صفحه بندی از جمله مصادیق این فعالیت هاست ماده ۳ ـ تاسیس دفتر مطبوعات در واحدهای مسکونی مستقل ، اداری و تجاری مجاز است تبصره – تاسیس دفتر چند نشریه در یك واحد مسکونی مستقل یا مجتمعی که به طور کامل دراختیار مطبوعات باشد بلامانع است ماده ۴ ـ نصب تابلوهای راهنما به منظور مشخص نمودن دفتر مطبوعات الزامی است به طوری که به وسیله آن محل دفتر به سادگی قابل شناسایی باشد. ماده ۵ ـ انجام هر نوع فعالیت غیر مطبوعاتی در محل دفاتر ممنوع است تبصره ۱ ـ در استان تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و در سایر استانها ادارات کل فرهنگ وارشاد اسلامی استان در خصوص رعایت مقررات قانون یاد شده و این آیین نامه ملزم به بازرسی از دفاتر مطبوعات هستند. تبصره ۲ ـ تخلف از مقررات این ماده موجب تذکر کتبی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تهران و ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی سایر استانها به صاحب امتیاز نشریه است و در صورت تکرار تخلف ، مراتب به مراجع ذی صلاح اعلام می‌شود. ماده ۶ ـ در صورت توقف فعالیت نشریه به حکم دادگاه یا تصمیم هیات نظارت بر مطبوعات یا هر دلیل دیگر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موضوع را به مراجع ذی صلاح اعلام می کند تا نسبت به ممانعت از فعالیت مطبوعاتی در دفاتر یاد شده اقدام نمایند.

آیین نامه هیات منصفه – مصوب ۱۳۷۴

در اجرای قانون مصوب ۲۰/۵/۵۸ شورای انقلاب آیین نامه زیردر جلسه مورخ ۶/۹/۱۳۷۴ هیات منصفه به تصویب رسید: ماده ۱ ـ هیات منصفه در اولین جلسه هر دوره از میان خود یک رییس ، دو نایب رییس و دو منشی انتخاب میکند. ماده ۲ ـ هیات رییسه مسئولیت تشکیل و اداره جلسات و اعلام رای هیات منصفه را به ترتیبی که در این آیین نامه آمده بر عهده‌خواهدداشت ماده ۳ ـ شروع مذاکرات ، اخذ رای و اعلام رای نهایی و ختم جلسه توسط رییس جلسه صورت خواهد گرفت ماده ۴ ـ صورت جلسه توسط منشی تهیه و به امضا اعضاحاضر خواهد رسید. ماده ۵ ـ اعلام عمومی نظرات و نتایج مذاکرات هیات منصفه باشور قبلی توسط فردی که برای هر مورد انتخاب میشود صورت میگیرد. ماده ۶ ـ جلسات هیات هر دو هفته یك بار روزهای دوشنبه ازساعت ۱۰ صبح در

محل دادگستری تهران منعقد میگردد. تبصره ـ برگزاری جلسه اضطراری و یا در خارج از محل‌دادگستری با تصویب هیات رییسه انجام میگردد. ماده ۷ ـ هیات منصفه به‌منظور انجام امور اداری و مکاتباتیاقدام به تشکیل دبیرخانه در محل دادگستری تهران مینماید. تبصره ـ مسیول دبیرخانه توسط هیات منصفه انتخاب و باحکم رییس هیات منصوب خواهدگردید. ماده ۸ ـ دبیرخانه موظف است خلاصه پرونده هایی را که قرار است در هر جلسه مطرح شود حداقل سه روز قبل در اختیار اعضا قرار دهد. ماده ۹ ـ نگهداری و ضبط اسناد و سوابق جلسات ، دعوت از اعضا و هماهنگی آنان برای شرکت در جلسات بر عهده مسئول دبیرخانه است

آیین نامه اجرایی قانون (ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره) –(ماده ۱ تا ۱۴)

مصوب فروردین ماه ۱۳۷۴ هیات وزیران ماده ۱ ـ مجوز استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بانظرخواهی از وزارت‌خانه های پست و تلگراف و تلفن (برای صلاحیت های فنی و اطلاعات (برای صلاحیتهای امنیتی صادر خواهد شد. وزارتخانه‌های پست و تلگراف و تلفن و اطلاعات موظفندحداکثر ظرف پانزده روز از زمان تقاضا ، نسبت به درخواست های واصل شده اعلام نظر نمایند پس ازپایان مهلت تعیین شده درصورت عدم اعلام نظر دستگاه‌های فوق ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجاز به ارائه مجوز خواهد بود. ماده ۲ ـ وزارت امور خارجه مشخصات و اسامی نمایندگیهای سیاسی و کنسولی کشورهای خارجی و سازمانهای بین‌المللی را که براساس حقوق بین الملل از شمول مفاد این قانون مستثنی هستند به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام می‌کند. ماده ۳ ـ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به طور مستمر اسامی و مشخصات استفاده کنندگان مجازاز تجهیزات دریافت از ماهواره و تغییرات آنها را به وزارت کشور اعلام می‌نماید تا وزارت کشور نسبت به جمع آوری تجهیزات استفاده کنندگان غیرمجاز و معرفی آنان به مراجع قضایی اقدام کند. ماده ۴ ـ شرکتهای تولیدکننده و سازنده داخلی چنانچه حسب نیازها و سفارش سازمان صدا وسیمای جمهوری اسلامی ایران و وزارت پست و تلگراف و تلفن براساس قراردادهای منعقد شده مبادرت به تولید و ساخت تجهیزات موضوع قانون در مدت قرارداد نمایند از شمول ممنوعیت های مندرج در مواد (۸) و (۹) قانون خارج بوده و وزارت کشور متعرض آنها نخواهد شد. وزارت کشور مکلف است ضمن تدوین دستورالعمل لازم ، ترتیبی اتخاذ نماید تا مأمورین انتظامی در مقام اجرای مواد (۸) و (۹) قانون متعرض مأمورین و متصدیان حمل و نقل ، انبارها و مراکز نصب و تعمیر و نگهداری سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و وزارت پست و تلگراف و تلفن نگردند و همکاری ها و هماهنگی های لازم را معمول نمایند. ماده ۵ ـ دستگاه‌های فرهنگی کشور برای تحقق مفاد ماده (۴) قانون و به‌منظور تبیین اثرات مخرب‌استفاده از برنامه های ماهواره ای و نیز سایر دستگاه‌های اجرایی برای تحقق ماده (۱۰) قانون موظفند با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران حسب مورد همکاری نمایند. کلیه دستگاه های فرهنگی کشور مکلفند قبل از تصویب بودجه سالانه کل کشور ، طرحهای لازم پیشنهادی خود را جهت مقابله با تهاجم فرهنگی و تبیین اثرات مخرب برنامه های منحرف کننده ماهواره به سازمان برنامه و بودجه ارائه کنند تا در بودجه سالانه آنان منظور گردد. ماده ۶ ـ وزارت کشور جهت جمع آوری تجهیزات دریافت از ماهواره باتوجه به وظایف نیروی انتظامی اقدام خواهد نمود و حسب مورد می‌تواند از نیروی مقاومت بسیج استفاده نماید. ماده ۷ ـ کسانی که پس از انقضای مهلت مقرر در قانون به صورت داوطلبانه ، تجهیزات خود راتحویل دهند ، مشمول مقررات مربوط به کیفیات مخففه در مجازات ها خواهند بود. ماده ۸ ـ در اجرای ماده (۳) قانون ، وزارت اطلاعات از طریق تعیین رابط ، اخبار لازم را در اختیار وزارت کشور قرار خواهد داد. وزارت کشور با همکاری وزارت خانه های اطلاعات ، فرهنگ و ارشاد اسلامی و پست و تلگراف و تلفن و گمرک ایران باتوجه به اخبار و اطلاعات واصل شده وراهکارهای ارائه شده توسط دستگاه‌های مزبور اقدامات اجرایی لازم را معمول خواهد داشت بدین منظور ستادی متشکل از نمایندگان دستگاه‌های مزبور در وزارت کشور مستقر خواهد گردید. ماده ۹ ـ وزارت کشور مکلف است در قبال توقیف تجهیزات

موضوع قـانون صورت جلسه‌ای تنظیمو نسـخه‌ای از آن را جهت اجرای تبصـره مـاده (۳) قانون به سازمان صـدا و سـیمای جمهوری اسلامیایران ارسال نماید. ماده ۱۰ ـ تجهیزات موضوع قانون که به طور داوطلبانه به وزارت کشور تحویل داده می‌شود یاحسب مورد توسط وزارت کشور و مرجع صـلاحیت دار قضـایی ضبط و مصـادره می‌شود ، ماهـانه طی صورت جلسه‌ای بـا امضـای نماینـدگان وزارت کشور ، مرجع ذی ربط قضایی و سازمان صدا و سیمابه مراکز استانی سازمان صدا و سیما تحویل داده خواهد شد. ماده ۱۱ ـ تعریف تجهیزات مشمول قانون برعهده وزارت پست و تلگراف و تلفن است وزارت‌پست و تلگراف و تلفن موظف است ظرف یک ماه نسبت به ارائه تعاریف مربوط اقدام نماید. تبصره ـ تشـخیص تجهیزات فنی مشـمول قانون در مبادی ورودی و سایر نقاط کشور براساس قوانین و مقررات جاری کشور ، برعهده دستگاه های ذی ربط خواهد بود. ماده ۱۲ ـ در اجرای تبصره ماده (۶) قانون ، صدا و سـیمای جمهوری اسـلامی ایران به منظور واردات فرسـتنده هـا ، تجهیزات تولیـد و پخش و لوازم یـدکی متعلق به آنها ، مواد اولیه تولیـد فیلم و سـریال ازاخـذ مجوز ورود و گواهی عـدم سـاخت وزارتخـانه هـا و سازمان‌هـای دولتی نظیر وزارت‌خـانه هـای پست و تلگراف و تلفن ، صـنایع و بازرگـانی و گواهی سازمان انرژی اتمی و ثبت سـفارش وزارت بازرگانی معاف است ماده ۱۳ ـ وزارت فرهنگ و ارشـاد اسـلامی و سازمـان صـدا و سـیمای جمهوری اسـلامی ایران دراجرای تبصـره مـاده (۱۰) قانون مجازنـد به تناسـب مسئولیتهای خود دسـتورالعمل های لازم را برای تعیین آگهیهای تبلیغاتی غیرمجاز تـدوین و بنا به حوزه صـلاحیت خود ، رأسا و به طور جـداگانه به ناشـرین و مطبوعات و بنگاههای تبلیغاتی همچنین واحدهای داخلی و تابع خود ابلاغ نمایند. ماده ۱۴ ـ دستگاهها و سازمانها می‌توانند با ذکر دلایل توجیهی به امضای بالاترین مقام اجرایی‌خود برای اسـتفاده از تجهیزات گیرنده برنامه‌های تلویزیونی ماهواره ای از وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی درخواست مجوز کنند. تبصـره ـ مسئول واحد استفاده کننده از تجهیزات در برابر هر گونه اسـتفاده غیرقانونی از آن پاسـخگو خواهـد بود. وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی دوره های توجیهی مناسب را برای آموزش و آمادگی این‌مسئولان برگزار می‌کند. تایید صلاحیت مسؤولان منوط به موفقیت در این دوره ها است

آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات – مصوب اسفندماه ۱۳۶۴

فصل اول ـ تعریف و مشخصات مطبوعات – (ماده۱ تا ۱۰)

ماده ۱ ـ مطبوعـات به لحـاظ زمـان انتشار منظم می‌تواننـد با یکی از فواصل زمانی زیر منتشـر شونـد: روزی یکبار (روزنامه ـ هفته‌ای یکبـار (هفته نـامه ـ دو هفته یکبـار ـ مـاهی یکبـار (ماهنـامه ـ دو مـاه یکبـار ـ سه ماه یکبار (فصل نامه ـ شـش ماه یکبار ـ سالی یکبار (سالنامه . ماده ۲ ـ در نامگذاری نشـریه باید از کلماتی اسـتفاده شود که با نشـریات موجود و یا با نشـریاتی که به‌طور موقت یا دایم تعطیـل شده‌انـد اشـتباه نشود و موجب تـداعی نـام آنهـا نباشـد. همچنین نـام نشـریه نبایـد از کلمـات نامانوس باشـد و یا ایجاد شـبهه وابستگی به ارگان‌ها یا سازمان های دولتی بنماید. ماده ۳ ـ انتخاب روش هایی غیر از موارد ذکر شده در ماده یک قانون مطبوعات می‌بایست متناسب با رسالت مطبوعات باشد. ماده ۴ ـ انتشار فوق العاده ، ویژه‌نامه و دیگر ضـمایم با همان نام نشریه و منطبق با سایر مشـخصات منـدرج در پروانه انتشار با رعایت سایر ضوابط قانون مطبوعات مجاز می‌باشد. تبصـره ـ انتشار موارد مذکور به‌طور منظم مجاز نیست ماده ۵ ـ ترجمه تمـام یا قسـمتی از مطالب مطبوعات دارای پروانه انتشار و انتشار منظم آن به‌صورت جـداگانه با رعایت سایر مشـخصات منـدرج در پروانه انتشار از جانب صاحب نشـریه بلامانع می‌باشد. ماده ۶ ـ تکثیر مطبوعـات موجود به همـان زبان و شکلی که چاپ شـده ، از طریق چاپ افست یا عکسبرداری یا طرق مشابه بدون اجازه صاحب امتیاز ممنوع می‌باشد. ماده ۷ ـ مطالب نشـریه بایـد مطابق و متناسب با روش‌های منـدرج در پروانه انتشار باشـد و نشـریه‌مجاز به درج مطالب و مقالات خارج از روش‌های مذکور که تاثیر (در) خط مشی کلی نشریه بگذارد ، نمی‌باشد. ماده ۸ ـ روزنامه ها و هفته‌نامه های محلی موظفند ضمن رعایت ماده

۲ قانون مطبوعات و متناسب با روش درخواستی مطالبی پیرامون مسایل اجتماعی و فرهنگی محل انتشار نشریه جهت بالا بردنسطح آگاهی‌های مردم درج نمایند. ماده ۹ ـ نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروه‌های منحرف و مخالف اسلام (داخلی وخارجی به‌منظور تحقیق ، نقد و رد مطالب در صورتی‌که تبلیغ محسوب نشود بلامانع است ماده ۱۰ ـ هرگونه تغییر در مشخصات مندرج در پروانه انتشار نشریه از قبیل تغییر نام ، روش ،ترتیب و محل انتشار نشریه و یا تغییر در شکل نشریه بدون اطلاع و تصویب هیات نظارت برمطبوعات ممنوع می‌باشد.

فصل دوم ــ شرایط صدور پروانه و مجوز انتشار نشریه (ماده ۱۱ تا ۲۱

ماده ۱۱ ـ متقاضیان پروانه انتشار نشریه می‌بایست تقاضانامه خود را به‌همراه فرم تکمیل شده پرسشنامه‌ای که حاوی مشخصات فردی ، سوابق اجتماعی ـ سیاسی ـ فرهنگی و شغلی و تعهدات قانونی باشد ، به انضمام مدارک به شرح زیر در تهران به وزارت ارشاد اسلامی و در شهرستان ها به ادارات ارشاد اسلامی استان مربوطه تحویل نمایند: ۱ ـ چهار قطعه عکس ۴ * ۶ ۲ ـ دو برگ فتوکپی شناسنامه از تمام صفحات ۳ ـ یک برگ گواهی عدم سابقه محکومیت کیفری براساس موازین اسلامی که موجب سلب حقوق اجتماعی باشد ۴ ـ یک برگ فتوکپی آخرین مدرک تحصیلی که به تایید مراکز ذی صلاح رسیده‌باشد ماده ۱۲ ـ چنانچه متقاضی پروانه انتشار نشریه شخص حقوقی باشد ، تقاضای صدور پروانه همراه‌با معرفی فرد واجد شرایط به‌عنوان مدیر مسئول باید از سوی بالا‌ترین مقام مسئول باشد. درصورت موافقت پروانه انتشار به نام مرکز درخواست کننده صادر خواهد شد. ماده ۱۳ ـ احزاب ، سازمان ها ، و جمعیت های سیاسی و اقلیت های دینی در صورتی می‌توانند تقاضای صدور پروانه انتشار نشریه نمایند که اجازه فعالیت قانونی را دارا باشند. ماده ۱۴ ـ وزارت ارشاد اسلامی جهت صدور مجوز انتشار مطبوعات سازمان‌های آزادی بخش اسلامی کشورهای دیگر در چهار چوب مقررات مربوط به خارجیان مقیم ایران با استعلام نظر از مراکز ذیربط و اخذ مدارک لازم و نیز موافقت وزارت امور خارجه بررسی لازم را به عمل آورده و پس از موافقت رأسا اقدام می‌نماید. ماده ۱۵ ـ انتشار نشریه داخلی یک سازمان ، موسسه و شرکت دولتی یا خصوصی منوط به کسب مجوز از وزارت ارشاد اسلامی و با رعایت ضوابط به‌شرح زیر می‌باشد: ۱ ـ درخواست انتشار نشریه و معرفی مدیر مسوول پیشنهادی از سوی بالاترین مقام مسئول آن‌مرکز باشد. ۲ ـ مطالب و اخبار عمدتا در ارتباط با اهداف و شرح وظایف مرکز درخواست کننده و فقط برای استفاده کارکنان باشد. ۳ ـ دارای چاپ ساده و حداکثر ۲ رنگ برای جلد باشد. ۴ ـ تعداد صفحات از ۴۸ صفحه تجاوز ننماید. ۵ ـ رایگان باشد. تبصره ۱ ـ (حذف شد ۲۹/۶/۱۳۶۶) تبصره ۲ ـ صدور مجوز انتشار نشریات دولتی با رعایت سایر قوانین مربوطه خواهد بود. ماده ۱۶ ـ (حذف شد ۲۹/۶/۱۳۶۶) ماده ۱۷ ـ وزارت ارشاد اسلامی برای صاحب امتیاز ، پروانه انتشار و برای مدیر مسوول ، کارت مدیر مسوولی صادر می نماید. ماده ۱۸ ـ وزارت ارشاد اسلامی می‌تواند جهت اجرای ماده ۱۱ قانون مطبوعات ، تحقیقات لازم رابه‌عمل آورده و در اختیار هیات نظارت بر مطبوعات قرار دهد. وزارتخانه ها و ارگان های ذیربط موظفند همکاری های لازم را به‌عمل آورند. ماده ۱۹ ـ متقاضیانی که صلاحیت انتشار نشریه توسط آنان براساس بند ۴ و یا تبصره ۵ ماده ۹ قانون مطبوعات مورد تایید هیات نظارت بر مطبوعات قرار نگرفته است ، نمی‌توانند مجددا تقاضای انتشار نشریه نمایند. ماده ۲۰ ـ تاریخ رسمی ثبت تقاضای پروانه انتشار نشریه زمانی است که کلیه مدارک مورد نیاز ، ازسوی متقاضی ارایه شده باشد. ماده ۲۱ ـ (اصلاحی ۲۹/۶/۱۳۶۶) در صورت فوت صاحب امتیاز ، وراث قانونی واجد شرایط وی ، در تقاضای صدور امتیاز نشریه مورث خود حق تقدم دارند مگر این که فاقد شرایط لازم باشند. چنانچه ورثه در مهلت قانونی مذکور در ماده ۱۶ قانون مطبوعات از تقاضای انتقال امتیاز خودداری کنند و یا پس از صدور امتیاز اقدام به انتشار نشریه ننمایند ، پروانه انتشار لغو می گردد.

فصل سوم ــ مواردی که مطبوعات (صاحبان پروانه و مدیران مسئول) موظف به رعایت آن می‌باشند (ماده ۲۲ تا

ماده ۲۲ ـ مطبوعاتی که به شکل روزنامه ای منتشر می‌شوند مکلف به درج نام به طور کامل ، ترتیب و تاریخ انتشار ، شماره ردیف و مسلسل و شماره صفحه در بالای تمام صفحات و نیز قیمت درصفحه اول می‌باشند. همچنین مطبوعاتی که به شکل مجله‌ای منتشر می‌شوند موظف به درج نام به طور کامل ، ترتیب و تاریخ انتشار ، شماره ردیف مسلسل ، تعداد صفحات و قیمت بر روی جلد و نیز قید شماره هر صفحه در تمام صفحات می‌باشند. تبصره ـ اضافه کردن هرگونه کلمه و یا عبارت به نام و یا آرم نشریه به جز آنچه که در پروانه انتشار و یا مجوز چاپ نشریه ذکر شده است ممنوع می‌باشد. ماده ۲۳ ـ هر یک از مطبوعات موظف به داشتن محلی به‌عنوان دفتر نشریه می‌باشند. صاحب پروانه نشریه موظف است نشانی محل دفتر نشریه را پس از اخذ پروانه انتشار کتبا به وزارت ارشاد اسلامی اعلام نماید. تبصره ـ صاحب امتیاز نشریه موظف است در صورت تغییر نشانی محل دفتر نشریه ، مراتب راکتبا ظرف مدت ۴۸ ساعت در تهران به وزارت ارشاد اسلامی و در شهرستان ها به ادارات ارشاد اسلامی استان مربوطه اطلاع دهد. ماده ۲۴ ـ کلیه مکاتبات مطبوعات با امضا صاحب پروانه یا مدیر مسوول نشریه و شخص دیگری که قبلا از طرف مدیر مسئول کتبا معرفی شده باشد معتبر می‌باشد. مکاتبات شخص معرفی شده در مواردی که قانون مطبوعات و آیین نامه اجرایی آن را از وظایف صاحب پروانه و یا مدیر مسئول شناخته است ، اعتبار ندارد. ماده ۲۵ ـ کلیه مطبوعات باید شمارگان خود را در هر شماره نشریه درج کنند و تعداد نسخ برگشتی را هر ماه به تفکیک محل توزیع به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام نمایند. مراکز چاپ نیزموظف به درج شمارگان نشریات چاپ شده می‌باشند. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است موارد تخلف را به طور رسمی اعلام و با متخلف برطبق مقررات رفتار نماید. ماده ۲۶ ـ مدیر مسوول نشریه موظف است نام چاپخانه طرف قرارداد چاپ نشریه را کتبا به وزارت ارشاد اسلامی اعلام نماید. ماده ۲۷ ـ مدیران چاپخانه ها می‌بایست همزمان با خروج هر شماره نشریه از چاپخانه دو نسخه درتهران به وزارت ارشاد اسلامی و در شهرستان ها به ادارات ارشاد اسلامی استان مربوطه تحویل و برگه اعلام وصول دریافت دارند. تبصره ـ ناشران نشریات داخلی سازمان‌ها و موسسات نیز باید دو نسخه از نشریه خود را به محض انتشار به وزارت ارشاد اسلامی یا اداره ارشاد اسلامی استان مربوطه تحویل دهند و برگ وصول دریافت دارند. ماده ۲۸ ـ در صورت لغو پروانه انتشار نشریه با اعلام کتبی از سوی وزارت ارشاد اسلامی ، صاحب پروانه موظف است مدارک دریافتی از قبیل پروانه انتشار ، کارت مدیر مسئولی و کارت های خبرنگاری را ظرف مدت ۱۰ روز مسترد نماید. با سواستفاده کنندگان از این مدارک برابر قانون رفتارخواهد شد.

فصل چهارم ــ سایر مقررات (ماده ۲۹ تا ۳۰)

ماده۲۹ـوزارت ارشاد اسلامی در بررسی نشریات تخصصی از همکاری مراکز ذی صلاح استفاده می‌نماید. ماده ۳۰ ـ وزارت ارشاد اسلامی سه ماه قبل از اتمام دوره هیات نظارت بر مطبوعات ، ضمن درج آگهی در نشریات کثیرالانتشار ، دعوتنامه ای به منظور اعلام نامزدی به مدیران مسوول مطبوعات ارسال نموده و پس از تایید صلاحیت نامزدها توسط هیات جدید مندرج در تبصره ۴ ماده ۱۰ قانون مطبوعات ، مجددا از کلیه مدیران مسوول جهت برگزاری انتخابات دعوت می‌نماید. جلسه با حضور اکثریت مطلق مدیران مسوول رسمیت می‌یابد و اخذ رای با ورقه و به صورت مخفی‌خواهدبود و نماینده انتخابی می‌بایست اکثریت مطلق آرا حاضران را بدست آورد. تبصره ۱ ـ چنانچه در مرحله اول اکثریت حاضر نشوند جلسه پس از دو هفته تشکیل و با رای اکثریت حاضران نسبت به انتخاب نماینده مدیران مسوول اقدام می‌شود. تبصره ۲ ـ حق رای مدیر مسوول قابل تفویض نمی‌باشد. تبصره ۳ ـ هر مدیر مسوول حتی اگر مدیر مسوولی چند نشریه را به عهده داشته باشد دارای یک‌رای خواهد بود. تبصره ۴ ـ فقط مدیران مسوول نشریات در

حال انتشار حق رای خواهند داشت

آیین نامه نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران – مصوب ۱۳۵۴

فصل اول ــ تعریف نویسنده مطبوعاتی و خبرنگار (ماده ۱ تا ۳)

هیات وزیران در جلسه مورخ ۲۲/۶/۱۳۵۴ بنا به پیشنهاد شماره ۶۷۱/۲۲ مورخ ۲۶/۴/۱۳۵۴ وزارت اطلاعات و جهانگردی و به استناد ماده ۶ قانون تاسیس وزارت اطلاعات و جهانگردی آیین‌نامه نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران را به شرح زیر تصویب نمودند: فصل اول ـ تعریف نویسنده مطبوعاتی و خبرنگار ماده ۱ ـ نویسنده مطبوعاتی شخصی است که به طور حرفه‌ای ، به کار نویسندگی یا ترجمه در روزنامه ها یا مجلات مشغول و دارای پروانه از وزارت اطلاعات و جهانگردی باشد. ماده ۲ ـ خبرنگار نماینده روزنامه ، مجله ، خبرگزاری و یا موسسه‌ای است که به موجب پروانه صادره از طرف وزارت اطلاعات و جهانگردی به این سمت شناخته شده است ماده ۳ ـ خبرنگاران به سه دسته به شرح زیر تقسیم می‌شوند: الف ـ خبرنگار سیاسی ب ـ خبرنگار امور اجتماعی (اقتصادی ، قضایی ، جنایی ، هنری ، فرهنگی ، آموزشی ، ادبی ، ورزش). پ ـ خبرنگار عکاس که به کار عکسبرداری و یا فیلمبرداری اشتغال خواهد داشت تبصره ـ امور مربوط به خبرنگاران ، عکاسان ، نویسندگان و مترجمان نشریه های ارتش شاهنشاهی تابع مقررات مربوط خواهد بود.

فصل دوم ــ شرایط کار نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران (ماده ۴ تا ۶

ماده ۴ ـ نویسندگان مطبوعاتی مشمول این آیین نامه باید حایز شرایط زیر باشند: الف ـ داشتن بیست سال تمام سن ب ـ دارا بودن دانشنامه لیسانس یا صلاحیت علمی و نویسندگی مورد تایید وزارت اطلاعات وجهانگردی پ ـ داشتن حسن شهرت ت ـ نداشتن سابقه محکومیت کیفری که موجب سلب حقوق اجتماعی باشد. ث ـ ارایه معرفی نامه از طرف روزنامه یا مجله مربوط ماده ۵ ـ خبرنگاران مشمول این آیین نامه باید واجد شرایط زیر باشند: الف ـ تابعیت ایران ب ـ داشتن بیست سال تمام سن برای خبرنگاران امور اجتماعی و عکاس و بیست و پنج سال تمام‌سن برای خبرنگار سیاسی پ ـ دارا بودن دانشنامه لیسانس یا مدارک تحصیلی معادل آن برای خبرنگار سیاسی و داشتن تحصیلات دیپلم کامل دبیرستان و یا مدارک تحصیلی معادل آن برای خبرنگاران امور اجتماعی و عکاس ت ـ داشتن حسن شهرت ث ـ نداشتن سابقه محکومیت کیفری که موجب سلب حقوق اجتماعی باشد. ج ـ آشنایی به یکی از زبانهای خارجی برای خبرنگار سیاسی و همچنین خبرنگار مطبوعات داخلی‌در خارج از کشور. چ ـ ارایه معرفی نامه از طرف روزنامه ، مجله ، خبرگزاری و یا موسسه مربوط ماده ۶ ـ احراز و تایید صلاحیت نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران با وزارت اطلاعات و جهانگردی می‌باشد. تبصره ۱ ـ در صورتی که نویسنده مطبوعاتی فاقد یکی از شرایط مذکور در بندهای (پ و (ت ماده چهار بشود و یا خبرنگاری فاقد یکی از شرایط مذکور در بندهای (الف و (ت و (ث ماده پنج بشود پروانه او با رعایت ماده ۱۷ این آیین نامه از طرف وزارت اطلاعات و جهانگردی لغو می‌شود. تبصره ۲ ـ نویسندگان مطبوعاتی که سابقه کار آنان مورد تایید وزارت اطلاعات و جهانگردی باشدو همچنین خبرنگارانی که پیش از تاریخ تصویب این آیین نامه دارای پنج سال سابقه خبرنگاری باشند به ترتیب از شرایط بند (ب ماده چهار و بند (پ ماده پنج معاف خواهند بود

فصل سوم ــ مدت اعتبار پروانه‌های نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران (ماده ۷ تا ۱۲

ماده ۷ ـ مدت اعتبار پروانه نویسندگان مطبوعاتی دائمی است و نیاز به تمدید ندارد. ماده ۸ ـ مدت اعتبار پروانه خبرنگاری دو سال تمام از تاریخ صدور است و پس از انقضای مدت مذکور ، چنانچه از طرف روزنامه ، مجله ، خبرگزاری و یا موسسه مربوط تقاضای تمدید شود به‌مدت دو سال دیگر تمدید می‌شود. ماده ۹ ـ در صورتی که دارنده امتیاز یا مدیر روزنامه ، مجله و مدیر خبرگزاری و یا موسسه مربوط تقاضای لغو پروانه نویسنده یا خبرنگاری را بنماید ، وزارت اطلاعات و جهانگردی به موضوع رسیدگی و نسبت به لغو یا ابقای اعتبار پروانه شخص مورد نظر تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد. ماده ۱۰ ـ پروانه‌های موضوع این آیین نامه در هر استان یا فرمانداری کل پس از احراز صلاحیت توسط وزارت اطلاعات و جهانگردی از طریق اداره اطلاعات و جهانگردی هر استان یا فرمانداری کل صادر یا تمدید خواهد شد و مراتب ضمن ارسال رونوشت پروانه صادره به وسیله اداره مذکور به وزارت اطلاعات و جهانگردی اعلام خواهد گردید. تبصره ـ در شهرستانهایی که اداره اطلاعات و جهانگردی وجود ندارد وزارت اطلاعات وجهانگردی می‌تواند تمام یا قسمتی از وظایف مقرر در این آیین نامه را به استانداران ، فرمانداران کل یا فرمانداران محول نماید تا به نمایندگی وزارت اطلاعات و جهانگردی اقدامات لازم را معمول دارند. ماده ۱۱ ـ روزنامه ، مجله ، خبرگزاری و یا موسسه مربوط در صورت موافقت با ادامه کار هر یک ازخبرنگاران خود مکلف است دو ماه قبل از انقضای مدت اعتبار پروانه صادره ، تقاضای تمدید نماید. ماده ۱۲ ـ پروانه خبرنگارانی که به استناد آیین نامه شماره ۳۲۰۵۶ مورخ ۱۵/۱۲/۱۳۴۳ هیات وزیران صادر گردیده تا پایان مدت اعتبار به قوت خود باقی است

فصل چهارم ـ وظایف نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران (ماده ۱۳ تا ۱۶

ماده ۱۳ ـ نویسنده مطبوعاتی مکلف به رعایت قوانین و مقررات موضوعه است ماده ۱۴ ـ خبرنگار مکلف است الف ـ اطلاعات صحیح در اختیار موسسه خود قرار دهد. ب ـ هنگام شرکت در مراسم پروانه خبرنگاری خود را همراه داشته باشد. پ ـ در پیرامون رشته خود که در پروانه خبرنگاری منعکس است فعالیت کند. ماده ۱۵ ـ نقل و نشر اخبار از مقامات انتظامی و نظامی و عکسبرداری از موسسات نظامی و مکان هایی که با امنیت عمومی ارتباط دارد ، بدون تحصیل اجازه قبلی از مقامات مربوط ممنوع است ماده ۱۶ ـ خبرنگار باید در مصاحبه هایی که به عمل میاورد و نیز در نقل و قول مقامات رسمی رعایت امانت را بنماید و از تحریف مطالب ممنوع است

فصل پنجم ـ مقررات مختلف (ماده ۱۷ تا ۱۹)

ماده ۱۷ ـ وزارت اطلاعات و جهانگردی می‌تواند پروانه های نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگارانی را که مرتکب یکی از تخلفات مشروحه زیر بشوند ، پس از رسیدگی برای بار اول به مدت سه ماه وبار دوم ششماه و در صورت تکرار برای همیشه لغو نماید: الف ـ تهیه مطالب دروغ و تنظیم خبرهای نادرست با علم به نادرستی آنها و مواردی که به موجب‌قانون مجازات عمومی نشر اکاذیب تلقی شود. ب ـ افشای هر مطلبی که بر خلاف قانون مطبوعات باشد. تبصره ۱ ـ نویسنده مطبوعاتی و خبرنگاری که پروانه وی به استناد ماده لغو می‌شود از نویسندگی و خبرنگاری در کلیه روزنامه ها و مجلات ، خبرگزاری ها و موسسات یا سازمانهای کشور محروم‌خواهد بود. تبصره ۲ ـ در صورتی که نویسنده مطبوعاتی یا خبرنگاری به سبب تهیه مطالب خلاف قانون یاتنظیم خبرهای نادرست و نشر اکاذیب تحت تعقیب قرار گیرد از تاریخ صدور کیفر خواست ، پروانه او از طرف وزارت اطلاعات و جهانگردی توقیف و در صورت برائت مسترد والا ابطال خواهد شد. ماده ۱۸ ـ موسسات مطبوعاتی و خبرگزاریها مکلفند فهرست مشخصات و شرایط کار نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران خود را حسب مورد به وزارت اطلاعات و جهانگردی یا به اداره اطلاعات

وجهـانگردی محـل ارسـال دارنـد و هر گونه تغییرات بعـدی فهرست مـذکور را بلافاصله به همـان مراجع اعلاـم نماینـد. مـاده ۱۹ ـ مأموران انتظامی مکلفند حسب اعلام وزارت اطلاعات و جهانگردی محل ، از کار نویسـندگان مطبوعاتی و خبرنگاران بدون پروانه و یا کسانی که پروانه آنان لغو یا مـدت اعتبار آن منقضـی شـده است جلوگیری نمایند و پروانه های غیر مجاز را ضـبط و به وزارت اطلاعات و جهانگردی ارسال دارند.

اصلاح آیین نامه اجرایی قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن

هیـات وزیران در جلسه مورخ۱۹/۱/۱۳۸۳ بـاتوجه به نظر رییس مجلس شورای اسـلامی ، موضوع نـامه شـماره ۶۹۲۶۳/۶۰۲۵ هـ/ب مورخ ۳۰/۹/۱۳۸۲ تصویب نمود: آیین نـامه اجرایی قـانون مطبوعات، مصوب ۱۳۶۴ و اصـلاحات بعـدی آن ، موضوع تصویب نامه شماره۳۲۱۸۷/ت۲۳۰۳۷هـ مورخ ۶/۷/۱۳۸۱ به شـرح ذیل اصـلاح می شود: الف ـ عبارت (و به قصد تشویش اذهان عمومی صورت گرفته باشد) از تبصره(۱) ماده (۹) حذف می گردد. ب ـ عبارت (جز در مواردی که انتشار مطلب علیه قانون اساسی باشد) بعد از عبارت (نقـدهای علمی) در تبصـره (۲) ماده (۹) اضـافه می گردد. ج ـ عبـارت (جز در مـوارد مصـرح در قـانون و مواردی که در حوزه اختیـارات و مسـئولیت های هیئت نظارت باشـد) بعـد از عبارت (سایر موارد) در ماده(۱۰) اضـافه می گردد. د ـ عبـارت (با درخواست کتبی صاحب امتیاز و مـدیر مسـئول آن و تصویب هیئت نظارت) جایگزین عبارت (صاحب امتیاز و مـدیر مسـئول آن) در ماده (۱۱) می گردد. هـ ـ عبارت (جنبه استمرار داشته و) از متن ماده (۳۳) حذف می گردد. و ـ متن ذیل جایگزین تبصره ماده (۳۵) می گردد: تبصـره ـ درصورتی که رییس دادگاه حضور در برخی از موارد را ضـروری بدانـد با تصـمیم اکثریت اعضای هیئت منصفه رییس دادگاه صرفا برای همان موضوع در جلسه حاضر خواهدشد. معاون اول رییس جمهور ـ محمدرضا عارف

آیین‌نامه تأسیس و نحوه فعالیت خبرگزاریهای غیردولتی – مصوب ۱۳۸۴

هیئت‌وزیران در جلسه مـورخ ۲۵/۲/۱۳۸۴ بنابه پیشـنهاد شماره ۳۱۳۷۲/۱ مورخ۱۶/۱۲/۱۳۸۲ وزارت فرهنـگ و ارشاد اسـلامی و به استناد بندهای (۱۵) و (۲۲) ماده (۲) قانون اهـداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی ـ مصوب ۱۳۶۵ـ آیین‌نامه تأسیس و نحوه فعالیت خبرگزاریهای غیردولتی را به شـرح زیر تصویب نمود: آیین‌نامه تأسـیس و نحوه فعالیت خبرگزاریهای غیردولتی ماده۱ـ به منظور کمـک به توسـعه دسترسـی همگـانی به اطلاعـات، روشن سـاختن افکـار عمومی، ارتقـای سـطح معلومـات و دانش مردم، خبرگزاریهـای غیردولـتی کـه در ایـن آیین‌نـامه از این پس به اختصـار «خبـرگزاری» نامیـده می‌شونـد، می‌تواننـد براسـاس مفـاد این آیین‌نامه تأسیس گردند. ماده۲ـ خبرگزاری مؤسسه‌ای است که با سـرمایه غیردولتی به‌وسیله اشخاص حقیقی و حقوقی تأسیس شده و مجـاز است در زمینه‌هـای سیاسـی، اجتمـاعی، فرهنگی و اقتصـادی نسـبت به جمع‌آوری، پردازش و انتشار خبر، تحلیل، مصاحبه و گزارش در قالب نوشتار، صدا و تصویر در حوزه‌های داخلی و خارجی فعالیت کند. ماده۳ـ خبرگزاری در انتشار اخبار و اطلاعات به جز در مـوارد زیر آزاد است، ۱ـ اشـاعه فحشا و منکرات از طریق ارایه تصاویر یا مطالب ضـد اخلاقی و مسـتهجن. ۲ـ ترویج و اشاعه مطـالب و موضوعـات کفرامیز و الحادی. ۳ـ توهین به مقـدسات، اصول و مبـانی دین اسـلام و سـایر ادیـان. ۴ـ اهـانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسـلم تقلید. ۵ ـ هرگونه توهین و افترا به اشـخاص حقیقی و حقوقی. ۶ ـ ایجـاد اختلاف میان اقشار جامعه به‌ویژه از طریق مسائـل و اختلافـات مـذهبی، نژادی و قومی. ۷ـ اطلاعـات مربوط به حریم خصوصـی افراد. ۸ ـ ترغیب و تشویـق به اقـدام علیه امنیت ملی شامـل دعوت به شورش و آشوب علیه نظـام و تجزیه کشور و دعوت به فعالیتهـای تروریستی. ۹ـ افشای اسناد و اطلاعات طبقه‌بنـدی شده رسـمی کشور. ۱۰ـ نقـل مطـالب از کتب، مطبوعـات و پایگاههـای اطلاع‌رسـانی احزاب و گروههای ضـد انقلاب و محارب به نحوی که تبلیغ آنها باشـد. تبصـره۱ـ مقـدسات عبارتند از: ۱ـ معصومین و پیـامبران (ص). ۲ـ کتابهای آسمانی. ۳ـ احکام

ضروری دینی. تبصره۲ـ درصورت تخلف از موازین یادشده موارد توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کتباً به هیئت‌نظارت موضوع ماده(۱۳) این آیین‌نامه اعلام و در صورت تشخیص هیئت، پرونده به مرجع قضایی ارجاع می‌شود. هیئت درصورت لزوم می‌تواند نسبت به توقف فعالیت خبرگزاری تا صدور تصمیم دادگاه اقدام نماید. ماده۴ـ مصوبات شورای عالی امنیت ملی درخصوص انتشار اخبار پس از ابلاغ رسمی برای خبرگزاری لازم‌الاتباع است. ماده۵ ـ درصورت عدم رعایت موازین اخلاقی یا مذهبی به‌جز موارد مندرج در ماده (۳) این آیین‌نامه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌تواند به شرح زیر اقدام نماید. الف ـ بار اول تذکر کتبی. ب ـ بار دوم اخطار کتبی. پ ـ بار سوم ارجاع موضوع به هیئت نظارت برای اتخاذ تصمیم لازم. تبصره۱ـ هیئت‌نظارت می‌تواند فعالیتهای خبرگزاری را حداکثر تا سه‌روز متوقف نماید. تبصره۲ـ خبرگزاری درصورت تکرار تخلفات مشمول تبصره (۲) ماده(۳) می‌شود. ماده۶ ـ خبرگزاری موظف است پاسخ یا توضیح اشخاص حقیقی یا حقوقی درخصوص مطالب مندرج در ارتباط با آنها را حداکثر ظرف ۲۴ساعت پس از دریافت، منتشر نماید. ماده۷ ـ واگذاری امتیاز خبرگزاری به غیر، ممنوع است مگر با اجازه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ماده۸ ـ شرایط متقاضی (صاحب امتیاز) و مراحل صدور مجوز تأسیس خبرگزاری به شرح زیر می‌باشد: الف ـ شرایط متقاضی حقیقی عبارتست از: ۱ـ تابعیت ایرانی. ۲ـ حداقل ۳۰ سال سن. ۳ـ داشتن حُسن شهرت. ۴ـ التزام به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. ۵ ـ عدم حجر و ورشکستگی به تقلب و تقصیر. ۶ ـ عدم عضویت در گروههای غیرقانونی و عدم سابقه محکومیت کیفری که موجب سلب حقوق اجتماعی باشد. ۷ـ داشتن کارت پایان‌خدمت وظیفه یا معافیت دایم برای آقایان. ۸ ـ داشتن حداقل مدرک کارشناسی یا مدرک معادل در علوم حوزوی به تأیید مراجع ذی‌ربط. ۹ـ دارا بودن حداقل پنج سال سابقه مدیریت اطلاع‌رسانی یا مدیرمسئولی یا سردبیری نشریات به تأیید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ب ـ شرایط متقاضی حقوقی به شرح زیر می‌باشد: ۱ـ تابعیت ایرانی. ۲ـ اتمام مراحل قانونی ثبت شرکت یا مؤسسه. ۳ـ در اساسنامه مؤسسه یا شرکت فعالیت اطلاع‌رسانی به عنوان فعالیت مجاز پیش‌بینی شده باشد. ۴ـ مدیرعامل و اعضای هیئت‌مدیره مؤسسه یا شرکت باید واجد شرایط بخش (الف) این ماده باشند. ماده۹ـ درصورتی که صاحب امتیاز به تشخیص وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یکی از شرایط مقرر در این ماده را از دست بدهد، مجوز خبرگزاری لغو می‌گردد. ماده۱۰ـ صاحب امتیاز در قبال خط‌مشی کلی، فعالیتها و مطالبی که از طریق خبرگزاری انتشار می‌یابد، مسئول است. تبصره ـ درصورتی که صاحب امتیاز شخص حقوقی است مدیرعامل (یا یکی از اعضای هیئت‌مدیره) که کتباً به (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) معرفی می‌شود مسئولیت فوق را به عهده خواهد داشت. ماده۱۱ـ صاحب امتیاز موظف است خود یا شخص دیگری را به عنوان سردبیر واجدشرایط به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی نماید. تبصره ـ سردبیر معرفی شده باید دارای شرایط مندرج در بند (الف) ماده (۸) این آیین‌نامه باشد. ماده۱۲ـ درصورت فوت یا استعفای سردبیر یا از دست دادن یکی از شرایط مندرج در تبصره ماده(۱۱) این آیین‌نامه، صاحب امتیاز موظف است حداکثر ظرف دو ماه شخص واجد شرایط دیگری را به وزارت فرهنگ و ارشاداسلامی معرفی کند. چنانچه ظرف مهلت مقرر سردبیر معرفی نشود، فعالیت خبرگزاری به حالت تعلیق درامده و پس از یک سال مجوز خبرگزاری لغو می‌شود. ماده۱۳ـ رسیدگی به صلاحیت متقاضی و سردبیر پیشنهادی، صدور مجوز و نظارت بر فعالیتهای خبرگزاری برعهده هیئت‌نظارت خواهد بود. تبصره ـ هیئت‌نظارت برای تعیین صلاحیت، حسب مورد از وزارت اطلاعات، وزارت دادگستری و نیروی انتظامی استعلام می‌نماید. ماده۱۴ـ اعضای « هیئت نظارت بر خبرگزاریهای غیردولتی» عبارتند از: ۱ـ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان رییس. ۲ـ معاون ذیربط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان نایب رییس. ۳ـ مدیرعامل سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی. ۴ـ یک نفر از مدیران خبرگزاریهای غیردولتی به انتخاب خود آنان. ۵ ـ یک نفر از اساتید حقوق به انتخاب وزیر علوم، تحقیقات و فناوری. ۶ ـ دو نفر صاحب نظر در حوزه اطلاعات و ارتباطات به انتخاب شورای‌عالی اطلاع‌رسانی. تبصره۱ـ مدت مسؤولیت اعضای انتخابی دو سال بوده و انتخاب مجدد آنها بلامانع است. تبصره۲ـ دبیرخانه هیئت در حوزه معاونت ذیربط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مستقر

خواهد بود. ماده۱۵ـ صاحب امتیاز خبرگزاری موظف است حداکثر ظرف یک سال پس از اخذ مجوز فعالیت خود را آغاز کند، درغیراین صورت مجوز صادره لغو خواهد شد. ماده۱۶ـ هرگونه فعالیت تحت‌عنوان خبرگزاری به استثنای خبرگزاریهایی که به موجب قوانین خاص تأسیس شده یا می‌شوند، صرفاً در چارچوب این آیین‌نامه مجاز است. تبصره ـ خبرگزاریهایی که تا قبل از تصویب و ابلاغ این آیین‌نامه براساس قوانین مربوط فعالیت داشته‌اند، موظفند حداکثر ظرف شش ماه نسبت به تطبیق شرایط خود با مفاد این آیین‌نامه اقدام نمایند. در غیراین صورت مجوز آنها لغو خواهد شد. معاون اول رئیس جمهور ـ محمدرضا عارف

قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیتهای غیرمجاز می‌نمایند – مصوب ۲۵/۱۰/۱۳۸۶

جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران در اجراء اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیتهای غیرمجاز می‌نمایند که با عنوان طرح یک فوریتی اصلاح قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیتهای غیرمجاز می‌نمایند به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، با تصویب در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۶/۱۰/۱۳۸۶ و تأیید شورای محترم نگهبان، به پیوست ابلاغ می گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل شماره ۱۷۵۱۸۰ ۶/۱۱/۱۳۸۶ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیتهای غیرمجاز می‌نمایند که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ شانزدهم دی ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۹/۱۰/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۱۶۷۵۱۳/۶۳۶ مورخ ۲۵/۱۰/۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجرای ابلاغ می گردد. رئیس جمهور ـ محمود احمدی‌نژاد قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیتهای غیرمجاز می‌نمایند ماده۱ـ هر شخص حقیقی یا حقوقی که مبادرت به هرگونه اعمالی برای معرفی آثار سمعی و بصری غیرمجاز به جای آثار مجاز نماید و یا با تکثیر بدون مجوز آثار مجاز، موجب تضییع حقوق صاحبان اثر شود، اعم از جعل برچسب رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی الصاق شده بر روی نوار و لوحهای فشرده صوتی و تصویری (CD) و یا تعویض نوار یا محتوای داخل کاست نوار دارای برچسب و نظایر آن، برحسب مورد علاوه بر مجازات جعل و پرداخت خسارت وارده در جایی که تضییع حق موجب خسارت مالی است در صورت مطالبه صاحبان اثر خسارت وارده را جبران می کند و در هر حال به جریمه نقدی از دو میلیون (۲.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال محکوم می‌شود. تبصره ـ در مرحله تشخیص عمل ارتکابی دادگاه می‌تواند نظر کارشناسی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را ملاک عمل قرار دهد. ماده۲ـ هرگونه فعالیت تجاری در زمینه تولید، توزیع، تکثیر و عرضه آثار، نوارها و لوحهای فشرده صوتی و تصویری نیاز به اخذ مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دارد. متخلفان از این امر به جریمه نقدی از ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال محکوم می‌شوند. تبصره۱ـ نیروی انتظامی موظف است ضمن ممانعت از فعالیت این گونه اشخاص و مراکز نسبت به پلمپ این گونه مراکز و دستگیری افراد طبق موازین قضائی اقدام نماید. تبصره۲ـ درخصوص شخصیتهای حقوقی، بالاترین مقام اجرائی تصمیم‌گیرنده مسؤول خواهدبود. ماده۳ـ عوامل تولید، توزیع، تکثیر و دارندگان آثار سمعی و بصری غیرمجاز اعم از این که مجوز فعالیت از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داشته و یا بدون مجوز باشند با توجه به محتوای اثر حسب مورد علاوه بر ابطال مجوز به یکی از مجازاتهای مشروحه ذیل محکوم خواهندشد: الف ـ عوامل اصلی تکثیر و توزیع عمده آثار سمعی و بصری مستهجن در مرتبه اول به یک تا سه سال حبس و ضبط تجهیزات مربوطه و یکصد میلیون (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال جریمه نقدی و محرومیت اجتماعی به مدت هفت سال و در صورت تکرار به دو تا پنج سال حبس و ضبط تجهیزات مربوطه و دویست میلیون (۲۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال جزای نقدی و محرومیت اجتماعی به مدت ده سال محکوم می‌شوند. چنانچه عوامل فوق‌الذکر یا افراد زیر از مصادیق مفسد فی‌الارض شناخته شوند، به مجازات آن

محکوم می‌گردند. ۱ـ تولیدکنندگان آثار مستهجن با عنف و اکراه. ۲ـ تولیدکنندگان آثار مستهجن برای سوءاستفاده جنسی از دیگران. ۳ـ عوامل اصلی در تولید آثار مستهجن. تبصره۱ـ عوامل اصلی تولید آثار سمعی و بصری عبارت هستند از تهیه‌کننده (سرمایه‌گذار)، کارگران، فیلمبردار، بازیگران نقشهای اصلی. تبصره۲ـ تعداد نوار یا لوح فشرده و مانند آن بیش از « ده نسخه» به عنوان « عمده» تلقی می‌گردد. تبصره۳ـ سایر عوامل تولید، تکثیر و توزیع موضوع بند « الف» چنانچه از مصادیق افساد فی‌الارض نباشند به مجازات شلاق از سی تا هفتاد و چهار ضربه و جزای نقدی از ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال و محرومیت اجتماعی از دو تا پنج سال محکوم می‌شوند. تبصره۴ـ تکثیر و توزیع‌کنندگان آثار سمعی و بصری کمتر از ده نسخه حسب مورد به جریمه نقدی از یک میلیون (۱.۰۰۰.۰۰۰) تا ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم خواهندشد. تبصره۵ ـ آثار سمعی و بصری « مستهجن» به آثاری گفته می‌شود که محتوای آنها نمایش برهنگی زن و مرد و یا اندام تناسلی و یا نمایش آمیزش جنسی باشد. تبصره۶ ـ چنانچه تولید، تکثیر، توزیع و یا داشتن آثار مستهجن از مصادیق افسادفی‌الارض نباشد مجازات مفسدفی‌الارض ندارد. ب ـ تهیه و توزیع و تکثیرکنندگان نوارها و دیسکتها و لوحهای فشرده‌شو و نمایشهای مبتذل چنانچه از مصادیق افساد فی‌الارض نباشند در مرتبه اول به سه ماه تا یک سال حبس و یا دو میلیون (۲.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال جزای نقدی و در مرتبه دوم به تحمل یک سال تا سه سال حبس و یا پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا سی میلیون (۳۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال جزای نقدی و در صورت تکرار به سه تا ده سال حبس و یا ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال جزای نقدی و ضبط کلیه تجهیزات مربوطه بنا به مراتب به عنوان تعزیر محکوم می‌شوند. تبصره۱ـ آثار سمعی و بصری « مبتذل» به آثاری اطلاق می‌گردد که دارای صحنه‌ها و صورقبیحه بوده و مضمون مخالف شریعت و اخلاق اسلامی را تبلیغ و نتیجه‌گیری کند. تبصره۲ـ دارندگان نوارها و دیسکتها و لوحهای فشرده مستهجن و مبتذل موضوع این قانون به جزای نقدی از پانصد هزار (۵۰۰.۰۰۰) ریال تا پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال و نیز ضبط تجهیزات محکوم می‌شوند و نوارها و دیسکتها و لوحهای فشرده مکشوفه امحاء می‌گردد. تبصره۳ـ استفاده از صغار برای نگهداری، نمایش، عرضه، فروش و تکثیر نوارها و لوحهای فشرده غیرمجاز موضوع این قانون موجب اعمال حداکثر مجازاتهای مقرر برای عامل خواهدبود. ج ـ عوامل تهیه، تکثیر و توزیع نوارها و لوحهای فشرده سمعی و بصری که برابر قانون باید دارای پروانه و مجوز عرضه و فروش باشند در صورت نداشتن پروانه نمایش و مجوز عرضه و فروش ولو آنکه فاقد صحنه‌های مستهجن و مبتذل باشد، به دومیلیون (۲.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال جزای نقدی و در صورت تکرار به پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال جزای نقدی و ضبط کلیه تجهیزات مربوط به عنوان تعزیر محکوم می‌شوند. ماده۴ـ هر کس با سوء استفاده از آثار مبتذل و مستهجن تهیه شده از دیگری، وی را تهدید به افشاء و انتشار آثار مزبور نماید و از این طریق با وی زنا نماید به مجازات زنای به عنف محکوم می‌شود ولی اگر عمل ارتکابی غیر از زنا و مشمول حد باشد حد مزبور بر وی جاری می‌گردد و در صورتی که مشمول تعزیر باشد به حداکثر مجازات تعزیری محکوم خواهد شد. ماده۵ ـ مرتکبان جرائم زیر به دو تا پنج سال حبس و ده سال محرومیت از حقوق اجتماعی و هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌شوند: الف ـ وسیله تهدید قراردادن آثار مستهجن به منظور سوء استفاده جنسی، اخاذی، جلوگیری از احقاق حق یا هر منظور نامشروع و غیرقانونی دیگر. ب ـ تهیه فیلم یا عکس از محلهایی که اختصاصی بانوان بوده و آنها فاقد پوشش مناسب می‌باشند مانند حمامها و استخرها و یا تکثیر و توزیع آن. ج ـ تهیه مخفیانه فیلم یا عکس مبتذل از مراسم خانوادگی و اختصاصی دیگران و تکثیر و توزیع آن. ماده۶ ـ رابطه زوجیت مانع از اعمال مجازات مرتکب جرم تکثیر، انتشار و یا توزیع عمده اثر مستهجن نمی‌باشد. ماده۷ـ زیان دیده از جرائم مذکور در این قانون حق مطالبه ضرر و زیان را دارد. دادگاه با احراز مکره بودن بزه دیده موضوع صدر ماده (۴)، ضمن صدور حکم کیفری، مرتکب را به پرداخت ارش‌البکاره، مهرالمثل یا هر دو (حسب مورد) محکوم می‌نماید. بزه دیده می‌تواند دعوی مطالبه هزینه درمان و ضرر و

زیـان وارده را در دادگاه کیفری صالحه یا دادگاه محل اقامت خود اقامه نمایـد. ماده۸ـ مأموران صـلاحیتدار و ضابطان دادگستری، مدیران، کارکنان بخشهای دولتی، عمومی، خصوصـی و قضائی که بنا بر اقتضاء شـغلی آثار مسـتهجن در اختیار آنها قرار می‌گیرد، چنانچه با سوء نیت یا برای اسـتفاده مالی مبادرت به انتشار آنها نموده و از مصادیق مفسد فی‌الارض نباشـند، به دو تا پنج سال حبس و ده سـال محرومیـت از حقـوق اجتمـاعی و هفتـاد و چهـار ضـربه شـلاق محکـوم می‌شونـد. در صـورتی کـه مـوارد یادشـده در اثر سهل‌انگـاری افشاء گردد، مسامحه‌کننـده به مجازات تا یک سال حبس و مجازات نقـدی از ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال محکوم می‌شود. ماده۹ـ اماکن کسب، تولید و توزیع انواع آثار مستهجن (درصورت اطلاع قبلی مالک) به مـدت شـش ماه و در مورد آثار مبتـذل به مـدت سه ماه پلمپ می‌شود. در صورت برائت متهم یا صدور قرار منع تعقیب، از ملک رفع توقیف می‌شود. این دسـتور ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در مرجع قضائی ذی‌صـلاح می‌باشد. ماده۱۰ـ انتشار آثار مسـتهجن و مبتـذل از طریق ارتباطـات الکترونیکی و سایتهـای کـامپیوتری یا وسـیله و تکنیک مشابه دیگر از مصادیق تکثیر و انتشار محسوب و مرتکب حسب مورد به مجـازات مقرر در این قـانون محکوم می‌شود. مـاده۱۱ـ رسـیدگی به جرائم مشروحه موضوع این قـانون در صـلاحیت دادگاههای انقلاب است. ماده۱۲ـ کلیه وسایـل و تجهیزات مربوطه که براسـاس این قـانون از محکومـان ضـبط می‌گردد به وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی تحویل می‌شود و درخصوص وسایل و تجهیزات تحویل‌شده از سوی مراجع ذی‌صـلاح در شهرسـتانها نیز به همین نحـو عمـل می‌شود. مـاده۱۳ـ از تاریـخ تصـویب این قـانون کلیه قوانین مغـایر بـا آن از جمله قـانون نحوه مجـازات اشخاصـی که در امور سـمعی و بصـری فعالیتهای غیرمجاز می‌نماینـد مصوب ۲۴/۱۱/۱۳۷۲ ملغی‌الاثر می‌باشـد. قانون فوق مشـتمل بر سـیزده ماده و دوازده تبصـره در جلسه علنی روز یکشـنبه مورخ شانزدهم دی‌ماه یکهزار و سـیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۹/۱۰/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل

۶– هوایی، دریایی و مرزی

قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون توکیو راجع به جرایم و برخی اعمال ارتکابی دیگر در هواپیما – مصوب ۲۱/۲/۱۳۵۵

ماده واحده

مصوب ۲۱/۲/۱۳۵۵ ماده واحده ـ کنوانسـیون توکیو راجع به جرایم و برخی اعمال ارتکابی دیگر در هواپیما مورخ ۱۴سپتامبر ۱۹۶۳ (۲۳ شهریور ۱۳۴۲) مشتمل بر یک مقدمه و بیست و شش ماده تصویب و اجازه تسلیم اسناد الحاق آن داده می‌شود.

کنوانسیون راجع به جرایم و برخی اعمال ارتکابی دیگر در هواپیما

فصل اول ــ قلمرو اجرای کنوانسیون (ماده ۱ تا ۲)

دول طرفین این کنوانسـیون در موارد ذیل موافقت نمودند: فصل اول ـ قلمرو اجرای کنوانسیون ماده ۱ ـ ۱ مقررات کنوانسیون حاضر در موارد زیر مجری خواهـد بود: الف ـ در مورد جرایم موضوع قوانین جزایی . ب ـ در مورد اعمالی که متضـمن ارتکاب جرم بوده و یـا نباشـد ولی سـلامت هواپیمـا و سرنشـینان و محمولات آن را به مخاطره انـدازد و یا سـبب اختلال نظم و آرامش داخلی هواپیما گردد. ۲ ـ به اسـتثنای موارد مذکور در فصل سوم ـ مقررات کنوانسـیون حاضـر در مورد جرایم و اعمال ارتکابی توسط یک فرد در داخـل یک هواپیما ثبت شـده نزد یکی از دول متعاهـد ـ هنگامی که هواپیما در پرواز بوده یا در سـطح دریاهای آزاد و یا منطقه ای که متعلق به هیـچ یک از دول نباشـد قرار گرفته‌باشـد ــ مجری خواهـد بود. ۳ ـ از لحـاظ این کنوانسـیون یـک هواپیما از زمانی که

نیروی موتوری آن به منظور پرواز به کـار می‌افتـد تا زمانی که عمل فرود آمـدن آن پایان یابـد در حال پرواز تلقی می‌شود. ۴ ـ این کنوانسیون در مورد هواپیماهایی که به منظورهای نظامی یا گمرکی یا پلیسی به کار می‌روند مجرا نخواهد بود. ماده ۲ ـ با ملحوظ داشتن مقررات ماده ۴ و به جز مواردی که سلامت هواپیما و سرنشینان و محمولات آن ایجاب کنـد ـ هیچ یـک از مقررات این کنوانسیون به نحوی تفسیر نخواهد شد که به منزله اجازه یا تکلیف به انجام اقداماتی در مورد تخلف از قوانین جزایی ناظر بر جرایم سیاسی و یا بزه های مبتنی بر تبعیضات نژادی و یا مذهبی ـ تلقی گردد.

فصل دوم ـ صلاحیت (ماده ۳ تا ۴)

ماده ۳ ـ ۱ دولت ثبت‌کننده هواپیما ـ برای رسیدگی به جرایم و اعمال ارتکابی در هواپیما صالح‌می‌باشد. ۲ ـ هریک از دول متعاهد ـ اقدامات لازم را برای احراز صلاحیت خود به عنوان دولت ثبت کننده درمورد رسیدگی به جرایم ارتکابی در هواپیمایی که نزد او به ثبت رسیده است معمول خواهد داشت ۳ ـ این کنوانسیون به هیچ یک از صلاحیتهای جزایی که به موجب قوانین داخلی اعمال می‌گردد خللی وارد نمی‌کند. ماده ۴ ـ دولت متعاهدی که دولت ثبت کننده هواپیما نباشد نمی‌تواند به منظور اعمال صلاحیت جزایی خود در مورد جرم ارتکابی در داخل هواپیما در امر پرواز آن مداخله نماید مگر در موارد مشروحه ذیل الف ـ جرم در سرزمین آن دولت اثراتی ایجاد کند. ب ـ جرم توسط یا علیه یکی از اتباع آن دولت یا مقیمین دائمی آن ارتکاب یافته باشد. ج ـ جرم امنیت آن دولت را به مخاطره اندازد. د ـ جرم ناقض قواعد یا مقررات جاری آن دولت ناظر به پرواز و یا مانور هواپیما باشد. ه ـ اعمال صلاحیت ـ برای رعایت تعهدات ناشی از یک موافقتنامه چندجانبه بین‌المللی برای آن‌دولت ضروری

فصل سوم – اختیارات فرمانده هواپیما (ماده ۵ تا ۱۰)

ماده ۵ ـ ۱ مقررات این فصل در مورد جرایم و اعمالی که توسط شخصی در هواپیمای در حال پرواز ـ چه بر فراز فضای هوایی دولت ثبت کننده چه بر فراز دریاهای آزاد یا برفراز منطقه ای که متعلق به هیچ یک از دول نباشد ارتکاب یافته یا شروع به ارتکاب آن شده ـ جاری نخواهد بود مگر اینکه آخرین نقطه برخاست یا اولین نقطه مورد نظر برای فرود بعدی در سرزمین دولتی غیر از دولت ثبت کننده باشد و یا هواپیما متعاقبا در فضای هوایی دولتی غیر از دولت ثبت کننده پرواز کند و شخص مذکور هنوز سوار هواپیما باشد. ۲ ـ علیرغم مفاد بند ۳ ماده ۱ از لحاظ این فصل هواپیما از زمانی که کلیه درهای خارجی آن پس ازسوار شدن مسافرین بسته شد تا زمانی که مجددا به منظور پیاده شدن مسافرین باز گردد در حال پرواز تلقی می‌شود. در صورت فرود اجباری ـ مقررات این فصل همچنان در مورد جرایم و اعمال ارتکابی در هواپیما تا زمانی که مقامات صالح یک دولت مسئولیت هواپیما و سرنشینان و محمولات آن را به عهده بگیرند ـ جاری خواهد بود. ماده ۶ ـ ۱ هرگاه فرمانده هواپیما ـ با داشتن دلایل موجه معتقد گردد که شخصی در هواپیما مرتکب یکی از جرایم یا اعمال مندرج در بند ۱ ماده ۱ شده یا در شرف ارتکاب آن می‌باشد می‌تواند به‌جهات زیر در مورد این شخص تدابیر لازم از جمله تدابیر تضییقی اتخاذ نماید: الف ـ برای حفظ سلامت هواپیما یا سرنشینان و یا محمولات آن ب ـ حفظ نظم و ترتیب در هواپیما ج ـ تسلیم کردن شخص مورد نظر به مقامات صالح یا پیاده کردن او طبق مقررات این فصل ۲ ـ فرمانده هواپیما می‌تواند برای اجرای تدابیر تضییقی که مجاز به اتخاذ آن بوده در مورد هر شخص همکاری سایر خدمه هواپیما را خواستار شده یا اجازه دهد همچنین بدون الزام مسافرین همکاری آنان را خواستار شده یا اجازه دهد. هریک از خدمه هواپیما یا مسافرین همچنین می‌تواند بدون داشتن چنین اجازه ای با داشتن دلایل موجه فورا اقدامات احتیاطی معقولی را که معتقد است برای حفظ سلامت هواپیما یا سرنشینان و یا محمولات آن ضروری است معمول دارد. ماده ۷ ـ ۱ تدابیر تضییقی که به

موجب ماده ۶ درباره شخصی اتخاذ می‌گردد بعد از نقطه‌ای که هواپیما در آن فرود می‌آید ادامه نخواهد یافت مگر آنکه الف ـ این نقطه در سرزمین دولت غیر متعاهدی واقع باشد و مقامات آن دولت اجازه پیاده کردن شخص مذکور را ندهند و یا اینکه به موجب شق ج بند ۱ ماده ۶ این تدابیر برای تحویل آن شخص به مقامات صالح اتخاذ شده باشد. ب ـ هواپیما مجبور به فرود اجباری شود و فرمانده هواپیما قادر به تحویل شخص مذکور به مقامات صالحه نباشد. ج ـ شخص مذکور با ادامه مسافرت با شرایط تضییقی موافقت نماید. ۲ ـ فرمانده هواپیما مکلف است در صورتی که طبق مقررات ماده ۶ تدابیر تضییقی درباره شخصی اتخاذ نموده ـ در کمترین مدت و در صورت امکان قبل از فرود آمدن در سرزمین یک دولت مراتب و دلایل تدابیر خود را به مقامات آن دولت اعلام دارد. ماده ۸ ـ ۱ فرمانده هواپیما می‌تواند ـ تا جایی که برای اجرای مفاد شقوق الف و ب بند ۱ ماده ۶ لازم باشد در سرزمین هر دولتی که هواپیما در آن فرود می‌آید هر شخصی را که با داشتن دلایل موجه معتقد باشد در هواپیما مرتکب یک عمل پیش‌بینی شده در شق ب بند ۱ ماده ۱ را گردیده یا درشرف ارتکاب آن بوده است پیاده کند. ۲ ـ فرمانده هواپیما جریان و دلایل این پیاده کردن را به مقامات صالح دولتی که در آن شخصی را طبق مقررات این ماده پیاده می‌کند گزارش خواهد نمود. ماده ۹ ـ ۱ فرمانده هواپیما می‌تواند هر شخصی را که با داشتن دلایل موجه معتقد باشد در هواپیمامرتکب جرمی شده که به نظر او طبق قوانین جزایی دولت ثبت‌کننده هواپیما از جرایم شدید به شمار می‌رود به مقامات صالح هر دولت متعاهدی که هواپیما در سرزمین آن فرود می‌آید تحویل‌دهد. ۲ ـ فرمانده هواپیما باید در اولین فرصت ممکن در صورت امکان قبل از فرود آمدن هواپیما در سرزمین یکی از دول متعاهد این مراتب را که شخصی در هواپیما است که فرمانده قصد دارد او را به موجب بند قبلی تحویل دهد با ذکر دلایل به مقامات صالح دولت مزبور اعلام دارد. ۳ ـ فرمانده هواپیما مدارک و اطلاعاتی را که به موجب قوانین دولت ثبت‌کننده هواپیما صحیحا دراختیار دارد به مقامات صالح دولتی که شخص مظنون را به موجب مقررات این ماده تحویل می‌دهد تسلیم خواهد نمود. ماده ۱۰ ـ در مورد تدابیری که براساس این کنوانسیون اتخاذ می‌گردد در هیچ یک از مراحل رسیدگی‌به دعوای خسارت شخصی که تدابیر متخذه متوجه او بوده مسئولیتی متوجه فرمانده هواپیما یا خدمه یا مسافرین یا مالک یا بهره بردار هواپیما و یا شخصی که به حساب او پرواز انجام شده است نخواهد بود.

فصل چهارم ــ تصرف غیر قانونی هواپیما (ماده ۱۱)

ماده ۱۱ ـ ۱ هرگاه شخصی داخل هواپیما از طریق غیر قانونی و با توسل به زور یا تهدید به زور مرتکب عمل مداخله و تصرف و یا اعمال کنترل هواپیمای در حال پرواز بشود و یا هرگاه چنین‌عملی در شرف وقوع باشد دول متعاهد برای حفظ و یا بازگرداندن کنترل هواپیما به فرمانده قانونی آن کلیه تدابیر مقتضی را اتخاذ خواهند نمود. ۲ ـ در موارد مشروح در بند قبل دولت متعاهدی که هواپیما در سرزمین او فرود می‌آید به مسافرین و خدمه به محض امکان اجازه ادامه مسافرت خواهد داد و هواپیما و محمولات آن را در اختیار اشخاصی که قانونا حق تصرف آن را دارند می‌گذارد.

فصل پنجم ــ اختیارات و وظایف دول (ماده ۱۲ تا ۱۵)

ماده ۱۲ ـ هریک از دول متعاهد به فرمانده هواپیمای به ثبت رسیده نزد دولت متعاهد دیگر اجازه خواهد داد که به موجب مفاد بند ۱ ماده ۸ هر فردی را که صلاح بداند پیاده کند. ماده ۱۳ ـ ۱ طبق مقررات بند ۱ ماده ۹ هریک از دول متعاهد مکلف است شخصی را که فرمانده هواپیما تحویل می‌دهد تحویل گیرد. ۲ ـ هرگاه اوضاع و احوال را مقتضی تشخیص دهد هریک از دول متعاهد اشخاص مظنون به ارتکاب اعمال مذکور در بند ۱ ماده ۱۱ و هر شخص دیگری را که تحویل گرفته باشد به منظور تامین حضور او

بازداشت خواهد نمود یا اقدامات دیگری را معمول خواهد داشت این بازداشت یا اقدامات باید منطبق با قوانین آن دولت بوده و نمی‌تواند بیش از زمانی که برای‌شروع تعقیب جزایی یا تشریفات استرداد لازم باشد ادامه یابد. ۳ ـ هر شخصی که در اجرای مقررات بند فوق بازداشت گردد می‌تواند بلافاصله با نزدیکترین نماینده ذی صلاحیت دولت متبوع خود تماس حاصل نماید و برای این کار همه نوع تسهیلات درباره او معمول خواهد گردید. ۴ ـ هر دولت متعاهد که شخصی را به موجب بند ۱ ماده ۹ تحویل می‌گیرد یا هواپیمایی که یکی ازاعمال پیش‌بینی شده در بند ۱ ماده ۱۱ در آن واقع شده در سرزمین او فرود می‌آید بلافاصله تحقیقات مقدماتی جهت روشن شدن جریان امر انجام خواهد داد. ۵ ـ وقتی که دولتی به موجب مفاد این ماده شخصی را بازداشت نمود بلافاصله مراتب بازداشت و اوضاع و احوال موجه را به دولت ثبت کننده و به دولت متبوع بازداشت شده و در صورت لزوم به هر دولت ذی نفع دیگری اعلام خواهد کرد. دولتی که تحقیقات مقدماتی را به موجب بند ۴ این ماده به عمل می‌آورد نتیجه را به دول مذکور گزارش کرده و نظر خود را درباره اعمال صلاحیت اعلام‌خواهد نمود. ماده ۱۴ ـ ۱ ـ هرگاه شخصی که به استناد بند ۱ ماده ۸ پیاده و یا طبق بند ۱ ماده ۹ تحویل و یا پس ازارتکاب جرم موضوع بند ۱ ماده ۱۱ پیاده گردیده نتواند یا نخواهد مسافرت خود را ادامه دهد دولتی که هواپیما به سرزمین آن فرود آمده در صورتی که نخواهد به او اجازه ورود دهد و این شخص جز اتباع و یا مقیم دائمی آن دولت نباشد می‌تواند او را به سرزمین دولتی که تابع یا مقیم دائمی آن است و یا به دولتی که مسافرت هوایی از سرزمین آن آغاز شده است بازگرداند. ۲ ـ پیاده شدن یا تحویل گرفتن یا بازداشت کردن و سایر اقداماتی که در بند ۲ ماده ۱۳ پیش بینی شده و همچنین بازگردانیدن شخص مورد نظر از نظر قوانین مربوط به ورود و اقامت یک دولت متعاهد به منزله اجازه ورود یا پذیرش به سرزمین این دولت تلقی نخواهد شد و هیچ یک از مواد این کنوانسیون ناقض قوانین دول متعاهد در مورد اخراج و طرد اشخاص نخواهد بود. ماده ۱۵ ـ ۱ ـ با وجود ماده ۱۴ اشخاصی که به موجب بند ۱ ماده ۸ پیاده یا طبق بند ۱ ماده ۹ تحویل و یا پس از ارتکاب جرم پیش بینی شده در بند ۱ ماده ۱۱ پیاده گردیده‌اند می‌توانند هرگاه مایل به ادامه سفر خود باشند در اولین فرصت ممکن به جانب مقصد مورد نظر خود حرکت نمایند مگر اینکه حضور آنان طبق قوانین دولتی که هواپیما در سرزمین آن فرود آمده برای استرداد یا تعقیب جزایی ضروری باشد. ۲ ـ با وجود قوانین مربوط به ورود و پذیرش و استرداد و اخراج ، هریک از دول متعاهد که درسرزمین آن ، شخصی طبق مقررات بند ۱ ماده ۸ پیاده و یا طبق مقررات بند ۱ ماده ۹ تحویل و یا به علت ظن به ارتکاب یکی از جرایم موضوع بند ۱ ماده ۱۱ پیاده شده باشد، این شخص را از حقوقی که از حقوق اتباع خود برای تامین و حمایت در موارد مشابه کمتر نباشد برخوردار خواهد نمود.

فصل ششم ـ سایر مقررات (ماده ۱۶ تا ۱۸)

ماده ۱۶ ـ ۱ جرایم ارتکابی در هواپیمای ثبت شده نزد یک دولت متعاهد از لحاظ استرداد در حکم‌این است که این جرایم هم در محل وقوع آن و هم در سرزمین دولت ثبت کننده ارتکاب یافته‌اند. ۲ ـ هیچ یک از مقررات این کنوانسیون نباید در حکم الزامی بودن استرداد ، تعبیر و تلقی گردد. ماده ۱۷ ـ به مناسبت اقدامات تحقیقی یا بازداشت یا هنگام اعمال صلاحیت به هر نحو دیگر درمورد جرمی که در داخل هواپیما ارتکاب یافته دول متعاهد سلامت و سایر مصالح هوانوردی را ملحوظ خواهند داشت و به نحوی اقدام خواهند نمود که از تاخیر غیر ضروری برای هواپیما و مسافرین و خدمه و محمولات آن جلوگیری شود. ماده ۱۸ ـ هرگاه دول متعاهد مشترکا به برقراری سازمانهای حمل و نقل هوایی و یا نمایندگی های عملیاتی بین المللی مبادرت نمایند که هواپیماهای مورد بهره برداری آن نزد دولت مشخصی به ثبت نرسیده باشد، دول مذکور در اجرای مفاد این کنوانسیون برحسب مورد ولدی الاقتضا یکی ازدولتهای شریک را به عنوان دولت ثبت‌کننده معرفی خواهند نمود و این مورد را به اطلاع سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری خواهند رسانید و این سازمان به نوبه خود مراتب را به اطلاع کلیه دول طرف این کنوانسیون خواهد

رسانید.

فصل هفتم ــ مقررات نهایی (ماده ۱۹ تا ۲۶)

ماده ۱۹ ـ این کنوانسیون تا تاریخی که به موجب مقررات ماده ۲۱ لازم الاجرا گردد برای امضای کلیه دولی که تا آن تاریخ به عضویت سازمان ملل متحد و یا یکی از سازمانهای تخصصی در آمده‌اند مفتوح خواهد بود. ماده ۲۰ ـ ۱ ـ این کنوانسیون طبق مقررات قانون اساسی هر یک از دول امضا کننده به تصویب خواهد رسید. ۲ ـ اسناد تصویب به سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری تسلیم خواهد شد. ماده ۲۱ ـ ۱ـ پس از آنکه دوازده دولت اسناد تصویب خود را تسلیم نمودند کنوانسیون نود روز بعداز تاریخ تسلیم دوازدهمین سند تصویب بین دول مذکور به مرحله اجرا در می‌آید. از آن پس در مورد دولی که آن را تصویب می‌نماید ، کنوانسیون نود روز پس از تسلیم اسناد تصویب لازم الاجرا خواهدبود. ۲ ـ به محض لازم الاجرا شدن ـ کنوانسیون حاضر توسط سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری نزد دبیر کل سازمان ملل متحد به ثبت خواهد رسید. ماده ۲۲ ـ ۱ ـ کنوانسیون حاضر پس از لازم الاجرا شدن برای الحاق کلیه دول عضو سازمان ملل متحد یا عضو یکی از سازمان های تخصصی مفتوح خواهد بود. ۲ ـ الحاق یا تسلیم سند الحاق به سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری انجام می گیرد و نود روز پس از تاریخ تسلیم اعتبار خواهد یافت ماده ۲۳ ـ ۱ ـ هر یک از دول عضو می‌تواند فسخ این کنوانسیون را کتبا به سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری اعلام نماید. ۲ ـ فسخ شش ماه پس از وصول اعلامیه فسخ به سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری تحقق‌خواهد یافت ماده ۲۴ ـ ۱ ـ اختلافات بین دول متعاهد در مورد تفسیر و اجرای این کنوانسیون که از طریق مذاکره‌حل نشود ـ بنابر تقاضا و پیشنهاد یکی از طرفین به داوری ارجاع خواهد گردید و هر گاه ظرف شش ماه پس از تقاضای داوری طرفها نتوانند نسبت به ترتیب داوری به توافق برسند، هر یک از طرفین می‌تواند اختلاف را از طریق دادخواستی که با رعایت اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری تنظیم‌شده باشد، به دیوان مذکور ارجاع نماید. ۲ ـ هر یک از دول می‌تواند در موقع امضا یا تصویب یا الحاق به این کنوانسیون اعلام نماید که خود را نسبت به مقررات بند فوق متعهد نمی‌داند. سایر دول متعاهد نسبت به هر دولت متعاهد دیگری که چنین قید را نسبت به مفاد بند فوق نموده باشد متعهد نخواهد بود. ۳ـ هر یک از دول متعاهد که نسبت به رعایت مقررات بند فوق قید نموده باشد می‌تواند در هر موقع با ارسال اعلامیه ای به سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری قید خود را پس بگیرد. ماده ۲۵ ـ به جز آن چه در ماده ۲۴ مقرر گردیده ، قید دیگری به کنوانسیون حاضر پذیرفته نیست ماده ۲۶ ـ سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری مراتب زیر را به اطلاع عموم دول عضو سازمان ملل متحد یا هر یک از سازمان های تخصصی خواهد رسانید: الف ـ امضا کنوانسیون حاضر و تاریخ امضا . ب ـ تسلیم اسناد تصویب یا الحاق با ذکر تاریخ ج ـ تاریخ لازم الاجرا شدن کنوانسیون حاضر با توجه به مفاد بند ۱ ماده ۲۱ د ـ وصول اعلامیه فسخ با ذکر تاریخ ه ـ وصول اعلامیه ها یا اخطاریه های موضوع ماده ۲۴ با قید تاریخ بنا به مراتب فوق امضا کنندگان تام الاختیار زیر این کنوانسیون را امضا نمودند. این کنوانسیون در تاریخ چهاردهم ماه سپتامبر سال یک هزار و نهصد و شصت و سه میلادی در شهر توکیو در سه متن اصلی به زبانهای انگلیسی و فرانسه و اسپانیولی تهیه و تنظیم گردیده است این کنوانسیون در سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری تودیع گردیده و برابر ماده ۱۹ برای امضا مفتوح می‌باشد و سازمان رونوشت مصدق کنوانسیون را برای کلیه دول عضو سازمان ملل متحد و هر یک از سازمانهای تخصصی ارسال خواهد داشت کنوانسیون فوق مشتمل بر یک مقدمه و بیست و شش ماده منضم به قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون توکیو راجع به جرایم و برخی اعمال ارتکابی دیگر در هواپیما می‌باشد.

قانون گذرنامه – مصوب اسفندماه ۱۳۵۱ با اصلاحات بعدی

فصل اول ـ کلیات (ماده۱ تا ۶)

ماده ۱ ـ گذرنامه سندی است که از طرف مأموران صلاحیت دار دولت جمهوری اسلامی ایران مذکوردر این قانون برای مسافرت اتباع ایران به خارج و یا اقامت در خارج و یا مسافرت از خارج به ایران داده می‌شود. ماده ۲ ـ اتباع ایران برای خروج از کشور و یا اقامت در خارج و یا مسافرت از خارج به ایران بایدتحصیل گذرنامه نمایند. صدور گذرنامه منوط به ارایه اسنادی است که هویت و تابعیت ایرانی تقاضا کننده را ثابت نماید. اسناد مزبور به موجب آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد. ماده ۳ ـ خروج از کشور بدون ارایه گذرنامه یا مدارک مسافرت مذکور در این قانون ممنوع است ماده ۴ ـ ورود به کشور و یا خروج از آن فقط از نقاطی که بنا به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیات وزیران تعیین و آگهی خواهد شد ، مجاز است ماده ۵ ـ بازرسی گذرنامه و مدارک مسافرت و رسیدگی به آنها در مرز با شهربانی کل کشور و درنقاطی که شهربانی نباشد به عهده ژاندارمری کل کشور است مأموران مربوط مکلفند از ورود افرادی که فاقد گذرنامه یا مدارک لازم برای ورود به ایران باشند جلوگیری نمایند. تبصره ـ در مواردی که افرادی فاقد گذرنامه و یا مدارک مسافرت برای مراجعت به ایران باشند درصورتی که تابعیت ایرانی و یا ایرانی بودن آنان محرز شود با رعایت ماده ۲۰ این قانون مکلفند برگ بازگشت به ایران را از مأموریت های سیاسی و یا کنسولی جمهوری اسلامی ایران در خارجه دریافت نمایند. ضوابط تشخیص و ایرانی بودن این قبیل اشخاص به موجب آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد. ماده ۶ ـ برگ مسافرت موضوع ماده ۹ و همچنین برگ بازگشت موضوع ماده ۲۰ و پروانه‌های گذرموضوع مواد ۲۹ و ۳۰ از نظر این قانون در حکم گذرنامه است

فصل دوم ـ انواع گذرنامه (۷ تا ۹)

ماده ۷ ـ گذرنامه بر سه قسم است الف ـ گذرنامه سیاسی ب ـ گذرنامه خدمت (اعم از فردی یا جمعی) ج ـ گذرنامه عادی (اعم از فردی یا جمعی) تبصره ـ مشخصات انواع گذرنامه ها از لحاظ رنگ و شکل و قطع و تعداد اوراق و نظایر آن وهمچنین سازمان تهیه کننده آنها به موجب آیین نامه اجرایی این قانون تعیین می‌گردد. ماده ۸ ـ از تاریخ تصویب این قانون گذرنامه‌های تحصیلی به تدریج به گذرنامه های عادی تبدیل‌خواهد شد. ماده ۹ ـ وزارت امور خارجه می‌تواند در موارد لزوم با موافقت وزیر امور خارجه برای کسانی که به مأموریت های خاص اعزام می‌شوند به جای گذرنامه برگ مسافرت انفرادی و یا دسته جمعی صادرنماید. مشخصات برگهای مذکور در آیین نامه اجرایی قانون تعیین خواهد شد.

فصل سوم ـ گذرنامه‌های سیاسی و خدمت (ماده ۱۰ تا ۱۳)

ماده ۱۰ ـ برای شخصیتهای زیر گذرنامه سیاسی صادر می‌شود: ۱ ـ رهبر. ۲ ـ رییس جمهور. ۳ ـ رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام ، رییس مجلس شورای اسلامی ، رییس قوه قضاییه ، معاون اول رییس جمهور ، اعضای شورای نگهبان ، تولیت آستان قدس رضوی ، وزرای دولت جمهوری اسلامی ایران و معاونان رییس جمهور. ۴ ـ نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام ، اعضای شورای‌عالی امنیت ملی ، نمایندگان مجلس خبرگان رهبری و اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۵ ـ رییس دیوانعالی کشور ، دادستان کل کشور ، رییس دیوان عدالت اداری ، رییس و دادستان دیوان محاسبات ، معاونان رییس قوه قضاییه ، رییس سازمان بازرسی کل کشور ، رییس دفتر مقام معظم رهبری ، رییس کل بانک مرکزی و رییس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران ۶ ـ رییس ستاد کل نیروهای مسلح ، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ، رییس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران و جانشینان ایشان ، فرماندهان نیروهای سه گانه سپاه پاسداران انقلاب‌اسلامی و ارتش

جمهوری اسلامی ایران ، فرماندهی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ، فرماندهان حفاظت اطلاعات نیروهای یاد شده ۷ ـ نمایندگان مستقیم مقام معظم رهبری با معرفی رییس دفتر ایشان ، نمایندگان ویژه رییس جمهوری ا معاون اول رییس جمهور به معرفی دفتر ایشان ، نمایندگان ویژه هیات وزیران جهت مأموریت های خاص به معرفی دفتر هیات دولت و روسای دفاتر روسای قوای سه گانه و مجمع تشخیص‌مصلحت نظام ۸ ـ روسای بنیاد مستضعفان و جانبازان ، سازمان تبلیغات اسلامی ، بنیاد شهید انقلاب اسلامی ،جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران ، کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران و استانداران کشور و شهردار تهران ۹ ـ روسای جمهور سابق ، نخست وزیران سابق ، معاونان اول سابق رییس جمهور ، روسای سابق مجلس شورای اسلامی ، روسای سابق قوه قضاییه ، اعضای سابق شورای عالی قضایی با معرفی بالاترین مقام دستگاه مربوطه ۱۰ ـ مشاوران مقام معظم رهبری و معاونان دفتر معظم له با معرفی رییس دفتر ایشان ، معاونان ومشاوران رییس جمهوری ، معاونان معاون اول رییس جمهور ، دبیر شورای عالی امنیت ملی و روسا و دبیران کمیته های شورای مزبور ، معاوان وزرا ، روسای دفاتر تخصصی تحت سرپرستی بلافصل رییس جمهور. ۱۱ ـ شخصیتهای عالی مقام علمی ، دینی ، فرهنگی و روسای فرهنگستان ها با موافقت رییس جمهور. ۱۲ ـ روسای دیوان عالی کشور ، دادستان کل کشور و سایر مقامات مندرج در جز ۵ و اعضای‌شورای عالی قضایی ، وزرا و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان و معاونان ریاست جمهوری و رییس قوه قضاییه که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی عهده دار مناصب فوق بوده‌اند و روسای سابق نمایندگیهای سیاسی و کنسولی و بین المللی جمهوری اسلامی ایران درخارج از کشور با معرفی بالاترین مقام دستگاه مربوطه ۱۳ ـ سفرا ، مدیران کل و معاونان آنان و روسای ادارات وزارت امور خارجه ، مأموران ثابت سیاسی و کنسولی ۱۴ ـ مأموران رمز و مخابرات و کسانی که به نمایندگی از دولت جمهوری اسلامی ایران مقامی را درموسسات و نهادهای بین المللی عهده دار می‌شوند ، پیک های سیاسی و کسانی که به مأموریت موقت‌سیاسی و کنسولی اعزام می‌شوند با موافقت وزیر امور خارجه ۱۵ ـ رییس ، معاونان و مدیران کل منطقه‌ای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ، رایزنان ووابستگان فرهنگی که در پوشش وزارت امور خارجه به خارج از کشور اعزام می‌شوند. ۱۶ ـ مدیران کل مدارس خارج از کشور و دفتر همکاریهای علمی و بین المللی و سرپرستی‌های‌مدارس خارج از کشور به پیشنهاد وزیر آموزش و پرورش ۱۷ ـ در غیر از موارد یاد شده در بالاـ برای انجام مأموریتهای خاص سیاسی حسب ضرورت ، باتشخیص وزیر امور خارجه تبصره ۱ ـ همسران مشمولین بندهای ۱ و ۲ و ۳ این ماده می‌توانند از گذرنامه سیاسی جداگانه استفاده نمایند. تبصره ۲ ـ نام همسران افراد موصوف در بندهای ۴ تا ۱۴ این ماده در صورتی که همراه دارنده گذرنامه باشند به تقاضای دارنده گذرنامه در گذرنامه سیاسی ثبت و از همان گذرنامه استفاده خواهند نمود و تفکیک گذرنامه و صدور گذرنامه سیاسی جهت آنان با موافقت وزیر امور خارجه امکان پذیرخواهد بود. تبصره ۳ ـ نام فرزندان ذکور کمتر از ۱۸ سال مشمولین این ماده و فرزندان اناث آنان تا هنگام ازدواج در صورتی که همراه دارنده گذرنامه باشند ، به تقاضای دارنده در گذرنامه سیاسی ثبت و از همان گذرنامه استفاده خواهند نمود و در صورت نیاز به تفکیک پس از استعلام از وزارت امورخارجه و در صورت موافقت طبق مقررات این قانون برای آنها گذرنامه خدمت یا عادی صادرخواهد شد. تبصره ۴ ـ همطرازان مقامات مندرج دراین ماده (بر طبق قانون نظام هماهنگ پرداخت اعم ازشاغل و سابق با معرفی بالاترین مقام دستگاه مربوطه از گذرنامه سیاسی استفاده خواهند نمود. ماده ۱۱ ـ برای اشخاص زیر گذرنامه خدمت صادر می گردد: ۱ ـ اشخاصی که به عنوان همراه با رهبر یا یکی از اعضای شورای رهبری به خارج از کشور مسافرت می‌نمایند. ۲ ـ اشخاصی که به عنوان همراه در ارتباط با مأموریت با ریاست جمهوری یا معاون اول رییس‌جمهور به خارج از کشور مسافرت می‌نمایند با معرفی مقام مربوطه ۳ ـ اشخاصی که به موجب تصویبنامه هیات وزیران برای انجام مأموریت به خارج از کشور اعزام می‌شوند ، با معرفی دفتر هیات دولت ۴ ـ کارمندان وزارتخانه ها و سازمانها و ارگانهای وابسته به دولت و ارگانهای نظامی که به خارج ازکشور اعزام می گردند با معرفی وزیر مربوطه و ذکر علت مأموریت ۵ ـ مأموران اداری و فنی وزارت امور خارجه و همسران آنها با موافقت وزیر

امور خارجه تبصره ۱ ـ نام همسر و فرزندان کمتر از ۱۸ سال مشمولین این ماده در صورتی که همراه دارنده گذرنامه باشند به تقاضای دارنده گذرنامه خدمت در همان گذرنامه ثبت می‌شود. تبصره ۲ ـ نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران در خارج نمی‌توانند برای همسر و فرزندان همراه ،گذرنامه خدمت جداگانه صادر نمایند ولی در صورت نیاز به تفکیک پس از استعلام از وزارت امورخارجه و در صورت موافقت طبق مقررات این قانون برای آنها گذرنامه عادی صادر خواهد شد. ماده ۱۲ ـ صدور گذرنامه سیاسی و خدمت به عهده وزارت امور خارجه است ماده ۱۳ ـ مدت اعتبار گذرنامه سیاسی و خدمت یک سال است مگر در مورد مأموران ثابت دولت‌در نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور که اعتبار گذرنامه تا خاتمه مدت مأموریت آنان خواهد بود. تبصره ۱ ـ تمدید مدت گذرنامه‌های سیاسی و خدمت طبق مقررات این قانون با موافقت وزارت امور خارجه در مرکز توسط اداره گذرنامه و روادید و در خارج از کشور توسط نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران انجام خواهد شد. تبصره ۲ ـ کلیه دارندگان گذرنامه‌های سیاسی و خدمت در موقع ورود به کشور باید گذرنامه خودرا به وزارت امور خارجه تحویل دهند.

فصل چهارم ــ گذرنامه عادی (ماده ۱۴ تا ۲۰)

ماده ۱۴ ـ صدور گذرنامه عادی در ایران به عهده شهربانی کل کشور و در خارج از ایران با مأمورین کنسولی کشور جمهوری اسلامی ایران یا مأموران سیاسی عهده دار امور کنسولی خواهد بود.مقررات مربوط به ترتیب صدور و تمدید و تجدید و اصلاح گذرنامه به موجب آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد. ماده ۱۵ ـ محصلینی که برای تحصیل عازم خارج از کشور می‌باشند با رعایت قانون وظیفه عمومی در مورد تحصیلات غیر دانشگاهی از طرف وزارت آموزش و پرورش و در مورد تحصیلات دانشگاهی از طرف وزارت علوم و آموزش عالی به شهربانی کشور معرفی می‌شوند. شغل آنها در گذرنامه محصل ذکر می‌گردد و از پرداخت کلیه وجوه مربوط به صدور گذرنامه معاف می‌باشند. این معافیت شامل محصلینی که گذرنامه تحصیلی آنان تدریجا به گذرنامه عادی تبدیل‌خواهد شد نیز می‌باشد محصلینی که گذرنامه تحصیلی آنان به گذرنامه عادی تبدیل می‌شود از مقررات معافیت تحصیلی احضار به خدمت زیر پرچم استفاده خواهند کرد. ماده ۱۶ ـ به اشخاص زیر هیچ نوع گذرنامه برای خروج از کشور داده نمی‌شود: ۱ ـ کسانی که به موجب اعلام کتبی مقامات قضایی حق خروج از کشور را ندارند. ۲ ـ کسانی که در خارج از ایران به سبب تکدی و یا ولگردی و یا ارتکاب سرقت و کلاهبرداری و یا به‌هر عنوان دیگر دارای سو شهرت باشند. ۳ ـ کسانی که مسافرت آنها به خارج از کشور به تشخیص مقامات قضایی مخالف مصالح جمهوری اسلامی ایران باشد. تبصره ۱ ـ رسیدگی و تشخیص افراد مذکور در بند ۲ این ماده به عهده کمیسیونی مرکب از نمایندگان ۱ ـ وزارت امور خارجه ۲ ـ وزارت دادگستری ۳ ـ وزارت کشور. ۴ ـ شهربانی جمهوری اسلامی ایران ۵ ـ وزارت اطلاعات که به دعوت وزارت کشور تشکیل خواهد شد ، می‌باشد. تبصره ۲ ـ از تاریخ تصویب این ماده واحده ، ماده ۱۶ قانون گذرنامه مصوب ۱۳۵۱ و تبصره و بندهای آن و همچنین لایحه قانونی اصلاح ماده ۱۶ قانون گذرنامه مصوب ۴/۱۲/۱۳۵۸ شورای انقلاب نسخ می‌شود. ماده ۱۷ ـ دولت می‌تواند از صدور گذرنامه و خروج بدهکاران قطعی مالیاتی و اجرای دادگستری وثبت اسناد و متخلفین از انجام تعهدات ارزی طبق ضوابط و مقرراتی که در آیین نامه تعیین می‌شود جلوگیری نماید. ماده ۱۸ ـ برای اشخاص زیر با رعایت شرایط مندرج در این ماده گذرنامه صادر می‌شود: ۱ ـ اشخاصی که کمتر از هجده سال تمام دارند و کسانی که تحت ولایت و یا قیمومت می‌باشند با اجازه کتبی ولی یا قیم آنان الف ـ بیماران با معرفی شورای عالی پزشکی ب ـ افرادی که یکی از والدین یا قیم قانونی آنها مقیم خارج از کشور باشد. ج ـ همسر و فرزندان کارکنان دولت جمهوری اسلامی ایران با تایید بالاترین مقام وزارتخانه ، نهاد یاسازمان دولتی د ـ گروههای کارآموزی و یا گردش علمی و یا شرکت در سمینارها و مسابقات علمی و فرهنگی و تیم های ورزشی با معرفی بالاترین مقام ارگان و نهاد

مربوطه ه ـ جانبازان و مجروحین انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی با معرفی بالاترین مقام نهاد مربوطه درمرکز یا امضای مجاز معرفی شده توسط مقام مذکور برای معالجه و ـ همسر و فرزندان کسانی که برای فرصتهای مطالعاتی بیش از شش ماه اعزام شده یا می‌شوند و نیز همسر و فرزندان دانشجویان شاغل به تحصیل در خارج از کشور با تایید وزارت فرهنگ و آموزش عالی یا وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی ز ـ کسانی که با پروانه گذر زیارتی عازم مسافرت خارج از کشور می‌باشند. تبصره ۱ ـ افراد مزبور به جز موارد فوق الذکر در مواقع اضطراری با تشخیص کمیسیونی مرکب ازنمایندگان وزارت خانه های کشور ، اطلاعات ، امور خارجه و شهربانی و نماینده دادستانی کل کشور که به دعوت وزارت کشور و در محل این وزارت خانه تشکیل می گردد ، مجاز به خروج انفرادی خواهند بود. متقاضیان این تبصره مکلفند مدارک مربوط را به اداره گذرنامه تحویل و از آن طریق به کمیسیون مزبور ارسال گردد. تبصره ۲ ـ صدور گذرنامه و اجازه خروج از کشور برای افراد کمتر از هیجده سال که والدین آنها فوت شده یا به حکم دادگاه محجور تشخیص داده شوند و به اتفاق قیم یا سرپرست قانونی خود قصد خروج از کشور را دارند ، بلامانع می‌باشد. تبصره ۳ ـ صدور ، تمدید ، تفکیک و تجدید گذرنامه برای افراد کمتر از هیجده سال به وسیله‌نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور به جز در موارد استثنا در بندهای این قانون‌ممنوع می‌باشد. تبصره ۴ ـ افرادی که ولی آنها فوت شده و طبق حکم دادگاه به حد رشد رسیده و یا به ولی یا قیم‌دسترسی ندارند و دارای شرایط فوق الذکر باشند می‌توانند با ارایه موافقت دادستان شهرستان محل‌درخواست گذرنامه ، گذرنامه و اجازه خروج دریافت دارند. ۲ ـ مشمولین وظیفه عمومی با اجازه کتبی اداره وظیفه عمومی ۳ ـ زنان شوهردار ولو کمتر از ۱۸ سال تمام با موافقت کتبی شوهر و در موارد اضطراری اجازه‌دادستان شهرستان محل درخواست گذرنامه که مکلف است نظر خود را اعم از قبول درخواست یا ردآن حداکثر ظرف سه روز اعلام دارد کافی است زنانی که با شوهر خود مقیم خارج هستند و زنانی که‌شوهر خارجی اختیار کرده و به تابعیت ایرانی باقی مانده‌اند از شرط این بند مستثنی می‌باشند. ماده ۱۹ ـ در صورتی که موانع صدور گذرنامه بعد از صدور آن حادث شود یا کسانی که به موجب‌ماده ۱۸ صدور گذرنامه موکول به اجازه آنان است از اجازه خود عدول کنند از خروج دارنده گذرنامه‌جلوگیری و گذرنامه تا رفع مانع ضبط خواهد شد. ماده ۲۰ ـ به ایرانیانی که به کشور مراجعت می کنند و فاقد گذرنامه یا اسناد در حکم گذرنامه باشند ویا اینکه مدت اعتبار آن اسناد منقضی شده باشد به شرط آنکه تابعیت ایرانی آنها مسلم باشد برگ‌بازگشت که فقط برای بازگشت به ایران معتبر است داده می‌شود. تبصره ـ برگ بازگشت از طرف مقامات سیاسی و کنسولی جمهوری اسلامی ایران در خارج ازکشور به‌طور رایگان صادر می‌شود و در مرز از دارنده آن اخذ می گردد.

فصل پنجم ــ همراهان (ماده ۲۱ تا ۲۳)

ماده ۲۱ ـ نام اطفال کمتر از ۱۸ سال تمام که همراه هریک از والدین یا جد یا جده پدری یا مادری یا زن پدر یا شوهر مادر و یا خواهر و برادر خود مسافرت می‌نمایند در صورت درخواست ولی یا قیم آنها برحسب مورد در گذرنامه اشخاص مذکور ثبت خواهد گردید. ماده ۲۲ ـ نام نوزادانی که از زنان ایرانی مقیم خارج هنگام توقف مادر در ایران متولد می‌شوند درگذرنامه مادر ثبت می‌شود و در این مورد نیازی به جلب موافقت پدر نیست و همچنین در مواردی که در خارج از ایران شوهر ایرانی در کشور محل تولد نوزاد حاضر نباشد. تبصره ـ اطفال موضوع بند ۴ ماده ۹۷۶ و موضوع ماده ۹۷۸ قانون مدنی مادام که تحت ولایت یا حضانت پدر یا مادر خود هستند می‌توانند به معیت والدین خود با گذرنامه خارجی آنان به خارج ازکشور مسافرت نمایند. ماده ۲۳ ـ برای یک خانواده که باهم مسافرت می کنند در صورت تقاضا یک گذرنامه صادر می‌شود و نام زن و اولاد کمتر از ۱۸ سال در آن ثبت خواهد شد. هیچ‌یک از همراهان مستقلا حق استفاده از گذرنامه را ندارد و در صورتی که بخواهد از دارنده گذرنامه جدا شود باید گذرنامه جداگانه تحصیل نماید.

فصل ششم ـ اعتبار گذرنامه عادی (ماده ۲۴ تا ۲۷)

ماده ۲۴ ـ گذرنامه برای مسافرت به کلیه کشورها اعتبار دارد مگر به کشورهایی که دولت در مواردمقتضی مسافرت اتباع ایران را به آن کشورها ممنوع و یا محدود نموده باشد. در صورتی که بعد از صدور گذرنامه محدودیتی مقرر شود وجوه پرداختی کسانی که از مسافرت محروم شوند به آنها مسترد می گردد. نحوه اجرای مفاد این ماده ضمن آیین نامه اجرایی این قانون معین خواهد شد. ماده ۲۵ ـ مدت اعتبار گذرنامه جدید از تاریخ صدور پنج سال است و فقط برای مدت پنج سال‌دیگر قابل تمدید می‌باشد. تبصره ـ گذرنامه هایی که تا تاریخ تصویب این قانون سه سال آنها خاتمه نیافته تا پایان مدت مذکور معتبر خواهد بود. ماده ۲۶ ـ حذف گردیده است ماده ۲۷ ـ در صورتی که گذرنامه غیر قابل استفاده و یا مفقود شود پس از رسیدگی لازم که نحوه آن‌در آیین نامه تعیین خواهد شد گذرنامه دیگری با اخذ هزینه های صدور صادر می‌شود. هر گاه قابل استفاده نبودن یا مفقود شدن گذرنامه ناشی از عمل متصدیان مسئول باشد برای بقیه مدت اعتبار ، گذرنامه جدید بدون دریافت هزینه های صدور صادر خواهد شد.

فصل هفتم ـ گذرنامه جمعی (ماده ۲۸)

ماده ۲۸ ـ گذرنامه جمعی اعم از خدمت یا عادی فقط در ایران و برای گروه های زیرصادرمی‌شود: این نوع گذرنامه ها به نام رییس گروه صادر و نام و مشخصات همراهان در برگ ضمیمه آن درج خواهد گردید. ۱ ـ افسران ـ درجه‌داران ـ افراد و به طور کلی کارکنان مشمول قانون استخدام نیروهای مسلح که به طور جمعی و به منظور انجام مأموریت عازم خارج از کشور باشند. ۲ ـ گروههای ورزشی که به منظور انجام مسابقات عازم خارج از کشور هستند به معرفی سازمان تربیت بدنی ایران ۳ ـ گروه های پیشاهنگی به معرفی سازمان پیشاهنگی ۴ ـ دانشجویان و دانش‌آموزان و معلمان و استادان که برای مطالعات آموزشی و فرهنگی به معرفی وزارتخانه های مربوط به خارج می‌روند. ۵ ـ گروههای هنری که توسط وزارت فرهنگ و هنر یا وزارت اطلاعات معرفی می‌شوند. ۶ ـ گروههای معرفی شده از طرف سازمانهای دولتی و یا وابسته به دولت یا جمعیت هلال احمرایران ۷ ـ گروههای کارگری برای کارآموزی یا کسب مهارت فنی با تایید و معرفی وزارت کار و اموراجتماعی تبصره ۱ ـ هریک از اعضای گروه های فوق که هنگام مسافرت از گروه خود جدا شود باید گذرنامه جداگانه تحصیل نماید. تبصره ۲ ـ حداقل تعداد افرادی که می توانند از گذرنامه جمعی استفاده نمایند پنج نفر و حداکثر چهل نفر خواهد بود. تبصره ۳ ـ صدور گذرنامه جمعی در صورتی که به منظور انجام مأموریتی به خرج سازمانهای دولتی یا جمعیت هلال احمر ایران باشد مجانی است و در غیر این صورت علاوه بر هزینه صدور یک گذرنامه از هر نفر ده درصد هزینه صدور اخذ خواهد شد. تبصره ۴ ـ اعتبار گذرنامه جمعی یک سال است و در صورت موافقت سازمان مربوط حداکثر یک سال دیگر تمدید می‌شود.

فصل هشتم ـ پروانه گذر (ماده ۲۹ تا ۳۰)

ماده ۲۹ ـ در موارد زیر به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیات وزیران به جای گذرنامه پروانه گذر صادر می‌شود: ۱ ـ برای تشرف به مکه معظمه و عتبات مقدسه ۲ ـ برای کارکنان وسایط نقلیه آبی و هوایی و زمینی ۳ ـ برای رفت و آمد اتباع دولت جمهوری اسلامی ایران که در نقاط مرزی کشور و نقاط واقع در سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان (دریای مکران) سکونت دارند به مناطق مرزی مجاور و نواحی جنوبی خلیج فارس تبصره ۱ ـ مشخصات و ترتیب صدور و مدت اعتبار و مرجع صدور پروانه های گذر مذکور در این ماده و هزینه صدور آنها به موجب آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد. تبصره ۲ ـ

حـدود مناطق مرزی و سواحل و همچنین نقاط مرزی مجاور و نواحی جنوبی خلیج فارس به پیشـنهاد وزارت کشور و تصویب هیات وزیران تعیین خواهد شد. ماده ۳۰ ـ شـهربانی کشور برحسب اعلام وزارت امور خارجه به کسانی که ترک تابعیت ایران را نموده‌اند پروانه گذر خواهد داد و این پروانه فقط برای خروج از ایران معتبر است

فصل نهم ـ برگ گذر بیگانگان (ماده ۳۱ تا ۳۲)

ماده ۳۱ ـ شهربانی کشور می‌تواند با موافقت وزارت اطلاعات و تایید وزارت امور خارجه برای بیگانگان بدون تابعیت یا خارجیانی که به جهاتی قادر به تحصیل گـذرنامه از کشور متبوع خود نیسـتند برگ گـذر بیگانگان صادر نماید این برگ دلیل تابعیت ایرانی دارنده یا همراهان او محسوب نمی‌شود. تبصـره ۱ ـ مشـخصات برگ گذر بیگانگان از لحاظ رنگ و شـکل و قطع و غیره به موجب آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد. تبصـره ۲ ـ نام فرزندان کمتر از ۱۸ سال این قبیل افراد در برگ گـذر والدین همچنین نام زن در برگ شوهر به شـرط آنکه واجد شـرایط مذکور در این ماده باشـند ثبت می‌شود و استفاده جداگانه از این برگ به وسیله همراهان ممنوع است ماده ۳۲ ـ مدت اعتبار برگ گذر بیگانگان برای مراجعت به ایران از تاریخ صدور یک سال است و دارنده آن برای هر بار خروج از کشور باید تحصیل اجازه نماید.

فصل دهم ـ آیین نامه های اجرایی (ماده ۳۳)

ماده ۳۳ ـ آیین نـامه هـای مربوط به وجوهی که از متقاضـیان گـذرنامه و یا اسـناد در حکم گـذرنامه و یابرگ گـذر بیگانگان طبق مقررات بایـد دریـافت شود و سـایر آیین نامه های اجرایی این قانون توسط وزارتخانه های امور خارجه ، کشور و دادگستری تهیه و پس از تصویب هیات وزیران به موقع اجرا گذارده خواهد شد و تا تصویب آیین نامه‌های مزبور مقررات فعلی قابل اجرا است

فصل یازدهم ـ مجازاتها (ماده ۳۴ تا ۴۳)

ماده ۳۴ ـ هر ایرانی که بـدون گـذرنامه یـا اسـناد در حکم گـذرنامه از کشور خـارج شود ، به حبس از یـک تـا سه سال یا پرداخت جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا پانصد هزار ریال محکوم خواهد شد. ماده ۳۵ ـ هر ایرانی که از نقاط غیر مجاز وارد کشور شده یا از کشور خارج شود به دو ماه تا یک سال حبس و یا جریمه نقدی از یکصد هزار ریال تا پانصد هزار ریال محکوم می گردد. ماده ۳۵ مکرر ـ هر ایرانی که بـدون داشتن گـذرنامه یـا اسـناد در حکم گـذرنامه بخواهـد از مرز غیر مجازخـارج شود و به هنگـام عبور دسـتگیر گردد ، به یـک مـاه تـا یـک سال حبس یا پنجاه هزار ریال تا سیصدهزار ریال جزای نقـدی محکوم خواهـد شـد و چنانچه مرتکب دارای گـذرنامه و یا اسـناد در حکم گـذرنامه باشـد ، به حبس از یک ماه تا شـش ماه یا جزای نقـدی از پنجاه هزار ریال تا دویست هزار ریال‌محکوم خواهد شد. تبصره ـ کسانی که به تبع اغنام و احشام با سو نیت مرتکب عبور غیر مجاز از مرز شده باشند ، به مجازات فوق محکوم می گردند و صاحب اغنام و احشام که عبور از مرز با علم و اطلاع یا به دستور او بوده ، برای مدت پنج سال از سـکونت در نوار مرزی محروم می‌شود. مـاده ۳۶ ـ هر ایرانی به کشوری که مسـافرت به آنجـا طبق ماده ۲۴ این قـانون ممنوع و یا محـدود شـده سـفر نمایـد به حبس جنحه‌ای از یـک مـاه تـا سه ماه و یا پرداخت غرامت از یکهزار ریال تا ده هزار ریال‌و یا به هردو مجـازات محکوم می‌شود. ماده ۳۷ ـ هرکس برای دریـافت گـذرنامه یـا اسـناد در حکم گـذرنامه به نـام خود یا نام دیگری اسـناد و مـدارک خلاـف واقع یا متعلق به غیر را عالما عامـدا به مراجع مربوط تسـلیم نمایـد به حبس جنحه ای از دو ماه تا شـش ماه محکوم می‌شود و در صورتی که عمل او منجر به صـدور گذرنامه شود به حبس جنحه‌ای از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. ماده ۳۸ ـ

هرکس از گذرنامه یا اسناد در حکم گذرنامه متعلق به دیگری برای ورود به کشور یا خروجاز آن استفاده نماید به حبس جنحه ای از دو ماه تا یک سال محکوم می‌شود. ماده ۳۹ ـ هر مستخدم دولت اعم از لشگری و کشوری بدون رعایت قوانین مربوط در اجرای وظیفه خود عالما عامدا گذرنامه یا اسناد در حکم گذرنامه بدهد به حبس جنحه‌ای از دو ماه تا یک سال محکوم می‌شود. ماده ۴۰ ـ هر مستخدم و مأمور دولت اعم از کشوری و لشگری که برای عبور غیر مجاز اشخاص به خارج از کشور به نحوی از انحا مساعدت و یا تسهیل وسیله نماید به حبس جنحه ای از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. ماده ۴۱ ـ هرکس برای تحصیل گذرنامه یا اسناد در حکم گذرنامه عالما عامدا و به قصد تقلب هرگونه اطلاع مربوط به خود و همراهان را که در صدور گذرنامه موثر است برخلاف واقع در پرسشنامه ذکر نماید به شرط استفاده از گذرنامه به حبس جنحه‌ای از دو ماه تا شش ماه محکوم خواهد شد. ماده ۴۲ ـ از تاریخ اجرای این قانون ـ قانون گذرنامه مصوب سال ۱۳۱۱ و آیین نامه‌های مربوط به آن و مواد ۱۰۷ و ۱۰۸ قانون جزا و همچنین قوانین مربوط به گذرنامه تحصیلی و سایر قوانینی که بامواد این قانون مغایرت دارد در آن قسمت که مغایر است لغو می گردد.

مواد جزایی از لایحه قانونی اصلاح قانون تاسیس شرکت راه آهن شهری تهران و حومه – مصوب ۱۵/۴/۱۳۵۹ شورا

ماده ۱ ـ به دولت اجازه داده می‌شود به منظور احداث راه آهن شهری و تاسیسات مربوط و بهره برداری از آن شرکتی به نام راه آهن شهری تهران و حومه (مترو) تاسیس نماید. شرکت دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و طبق اصول بازرگانی و مقررات این قانون و اساسنامه مربوط اداره می‌شود. تبصره ۱ ـ شرکت می‌تواند به منظور اجرای طرح راه آهن شهری تهران و حومه و تامین نیازمندی های خود از زیر اراضی و املاک محدوده قانونی شهر و حومه بدون هیچ گونه پرداختی استفاده نماید و در مواردی که برای انجام امور فنی و اجرایی ورود به منازل و محلهای کسب و اماکن عمومی ضروری تشخیص داده شود با اخطار کتبی ۴۸ ساعته به محلهای مزبور وارد و در صورت ممانعت با حضور نماینده دادستان شهرستان نسبت به اجرای موارد فوق اقدام نماید. در صورتی که بر اثر عملیات اجرایی مترو خسارتی به مستحدثات اشخاص وارد شود میزان خسارت وارده (طبق‌ماده ۵۰ قانون برنامه و بودجه کشور مصوب اسفندماه ۱۳۵۱) قابل پرداخت می‌باشد. تبصره ۲ ـ مقررات مواد ۹ و ۱۰ و ۱۳ قانون ایمنی راه ها و راه آهن مصوب تیرماه ۱۳۴۹ و همچنین قانون کیفر بزه های مربوط به راه آهن مصوب سال ۱۳۲۰ و ملحقات آن در مورد راه آهن شهری تهران و حومه اجرا خواهد شد. وظایف و اختیارات وزارت راه و راه آهن دولتی ایران در قانون کیفر بزه های مربوط به راه آهن در این مورد به عهده راه آهن شهری تهران و حومه (مترو) خواهد بود.

مواد مرتبط با امور جزایی از قانون هواپیمایی کشوری – مصوب تیرماه ۱۳۲۸ (ماده ۱ تا ۳۵)

ماده ۱ ـ منظور از هواپیما که در این قانون ذکر می‌شود وسیله نقلیه ای است که بتواند در نتیجه عکس العمل هوا خود را در فضا نگاه دارد. ماده ۲ ـ این قانون مربوط به هواپیماهای کشوری است و شامل هواپیماهای نظامی نمی‌باشد. ماده ۱۴ ـ هیچ کس نمی‌تواند هواپیمایی را براند یا به سمت عضو هیات رانندگی در هواپیما به هرنوع عمل مربوط به راندن هواپیما اقدام یا کمک نماید یا تعلیم خلبانی دهد مگر این که گواهینامه فنی که مدت اعتبار آن منقضی نشده دارا باشد. ماده ۱۵ ـ مرجع صدور هرگونه اجازه نامه مربوط به امور هواپیمایی کشوری و گواهینامه مربوط به متخصصین فنی هواپیمایی کشوری و پروانه مربوط به بهره برداری هوایی اداره کل هواپیمایی کشوری می‌باشد. ماده ۱۶ ـ اداره کل هواپیمایی کشوری می‌تواند در موارد تخلف از مقررات این قانون و آیین نامه های اجرایی آن صرف نظر از تعقیبات جزایی هرگونه اجازه نامه یا گواهینامه متخلف را لغو یا موقتا توقیف نموده یا اختیارات مندرجه در آن را محدود سازد و همچنین پرواز هواپیماهای متخلف را درصورتی که محتمل خطر برای

سرنشینان هواپیما یا اشخاص یا حیوانات روی زمین یا حدوث خسارتی برای اموال اعم از منقول یا غیرمنقول باشد ممنوع سازد. ماده ۱۸ ـ در صورتی که دارنده پروانه بهره برداری هوایی یا سایر پروانه های مربوط به امور هواپیمایی کشوری شرایطی را که برای تحصیل پروانه لازم بوده فاقد شود یا از انجام تعهداتی که به موجب مندرجات پروانه به عهده گرفته تخلف نماید اداره کل هواپیمایی کشوری می‌تواند طبق نظر شورای عالی هواپیمایی کشوری برحسب درجه اهمیت تخلف و تکرار آن پروانه او را لغو یا موقتاتوقیف نموده یا اختیارات مندرجه در آن را محدود سازد. ماده ۲۱ ـ دولت می‌تواند به پیشنهاد اداره کل هواپیمایی کشوری با صدور تصویب نامه ایجاد هرگونه ساختمان یا مانع دیگری را در فاصله معینی از حدود یک فرودگاه یا تاسیسات مربوط به تامین بی خطری پرواز هواپیماها ممنوع یا محدود سازد مگر در صورتی که ساختمان یا مانع مزبور موجد خطری به پرواز هواپیماها نگردیده و مورد موافقت اداره کل هواپیمایی کشوری قرار گرفته باشد. چنانچه خسارتی مستقیما و منحصرا در نتیجه این ممنوعیت یا محدودیت به کسی وارد گردد باید از طرف اداره کل هواپیمایی کشوری جبران شود. در صورتی که ساختمان یا مانع دیگری که مطابق این ماده ممنوع یا محدود شده باشد در اطراف یک فرودگاه کشوری یا تاسیسات مربوط به تامین بی خطری پرواز هواپیماها قبل از اجرای این قانون موجود بوده دولت می‌تواند مطابق ماده ۱۹ برای برداشتن یا محدود ساختن آن اقدام نماید. ماده ۲۳ ـ هرکس به قصد ایجاد خطر برای هواپیما یا سرنشینان آن علامت هوایی تقلبی به کار برد به‌نحوی که بتوان آن را علامت حقیقی مخصوص هواپیمایی تلقی نمود یا علامت هواپیمایی موجود را غیرقابل استفاده سازد یا مانعی در مقابل هواپیما ایجاد یا اطلاع غلط دهد یا هر گونه عملی به منظور ایجاد خطر برای هواپیما یا سرنشینان آن انجام بدهد به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا سه سال‌محکوم خواهد شد و در صورتی که از عمل او قتل یا جرح واقع شود مرتکب به مجازاتی که به نفس‌جرم مقرر است نیز محکوم خواهد گردید و مجازات اشد قابل اجراست ماده ۲۴ ـ هرکس عالما هواپیمایی را که دارای علائم ثبت و تابعیت مجعول باشد براند و همچنین هر کس عالما هواپیمایی را که بدون حق ، علامت تابعیت ایران به آن نصب شده در خارج از ایران براند به حبس جنحه ای از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. ماده ۲۵ ـ هرکس عالما هواپیمایی را که فاقد علائم ثبت و تابعیت بوده براند به حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. ماده ۲۶ ـ در مواردی که پرواز هواپیما بر فراز ایران مشروط به تحصیل اجازه قبلی از دولت استهرکس عمدا بدون داشتن اجازه هواپیمایی را بر فراز ایران براند و همچنین در مواردی که مطابق مقررات این قانون پرواز هواپیما بر فراز قسمتی از خاک کشور ممنوع یا محدود یا مقید به شرایط خاصی باشد عمدا هواپیما بر فراز مناطق ممنوعه براند یا بدون رعایت محدودیت ها یا شرایط مقرره پرواز کند به جزای نقدی از دو هزار تا بیست هزار ریال یا به حبس جنحه‌ای از دو ماه تا یک سال یابه هر دو مجازات محکوم خواهد شد و اگر به موجب قوانین دیگری مجازات شدیدتری برای این عمل مقرر شده باشد مجازات اشد قابل اجراست ماده ۲۷ ـ هرکس با هواپیمای خارجی به قصد حمل و نقل بازرگانی از یک نقطه کشور به یک نقطه دیگر آن ، مسافر و بار و محمولات پستی یا یکی از آنها را حمل کند به جزای نقدی از دو هزار تابیست هزار ریال یا به حبس جنحه‌ای از دو ماه تا یک سال یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد. ماده ۲۸ ـ اشخاص زیر به جزای نقدی از یکهزار تا ده هزار ریال یا به حبس جنحه ای از دو ماه تاشش ماه یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد: الف ـ هرکس بدون داشتن پروانه بهره برداری هوایی به تصدی حمل و نقل بازرگانی هوایی اشخاص یا اشیا مبادرت ورزد. ب ـ هرکس بدون داشتن اجازه نامه از اداره کل هواپیمایی کشوری به هر نوع پرواز بازرگانی دیگر یا تاسیس و دایر نمودن آموزشگاه به منظور تعلیم و تربیت متخصصین فنی هواپیمایی عمل نماید. ج ـ هرکس بدون داشتن گواهینامه فنی هواپیمایی را براند یا با سمت عضو هیات رانندگی در هواپیمابه هر نوع عمل مربوط به راندن هواپیما اقدام یا کمک نماید یا تعلیم خلبانی دهد. د ـ هرکس هواپیمایی را براند که فاقد گواهینامه قابلیت پرواز بوده یا مدت اعتبار گواهینامه مزبور منقضی شده باشد. ماده ۳۰ ـ مقررات جزایی ایران نسبت به جرایمی که داخل یک هواپیمای ایرانی در خارج از ایران ارتکاب شود وقتی اجرا می‌شود که متهم در ایران دستگیر شده

باشـد و متهم تبعه خـارجی برای تعقیب به کشور خـارجی رد نشـده یـا در موردی که متهم به علت ارتکـاب آن جرم به ایران مسترد شده‌باشد. ماده ۳۱ ـ به جنحه و جنایـاتی که در داخـل هواپیمـای خارجی حین پرواز ارتکاب شود در صورت وجود یکی از شـرایط ذیل محاکم ایران رسـیدگی خواهنـد کرد: الف ـ جرم مخل انتظامات یا امنیت عمومی ایران باشد. ب ـ متهم یا مجنی علیه تبعه ایران باشد. ج ـ هواپیما بعد از وقوع جرم در ایران فرود آید. در هر یک از موارد بالا رسـیدگی در دادگاه محلی که هواپیما فرود آمده یا دادگاه محلی که متهم دسـتگیر شود به عمل خواهـد آمد. ماده ۳۲ ـ در مواردی که جنحه یـا جنـایتی داخـل یک هواپیما که بر فراز ایران پرواز می‌کنـد یا داخل یک هواپیمای ایرانی در خارج از ایران ارتکاب شود فرمانـده هواپیما مکلف است تا زمانی که مـداخله مامورین صـلاحیت‌دار میسر باشد طبق مقررات قانون اصول محاکمات جزایی تفتیشات و تحقیقات مقدماتی به عمل آورده دلایل و مـدارک جرم را جمع آوری و تـامین نمایـد و در صورت لزوم می‌توانـد موقتـا مظنونین به ارتکـاب جرم را توقیف کنـد مسـافرین و اعضای هیات راننـدگی را تفتیش و اشـیایی را که ممکن است دلیل جرم باشد توقیف نماید. در مورد این ماده فرمانده هواپیما برای تفتیش جرم و تحقیقـات مقـدماتی از ضـابطین دادگستری محسوب می‌شود و کلیه وظـایفی را که به موجب فصـل دوم قانون اصول محاکمات جزایی برای کمیسـرهای شـهربانی مقرر است عهده دار می‌باشد. ماده ۳۳ ـ در مورد مـاده ۳۲ پس از فرود آمـدن هواپیما فرمانـده هواپیما باید گزارش کتبی راجع به موضوع جرم و اقدامات مقدماتی که به عمل آورده است تنظیم و به اداره کل هواپیمایی کشـوری ارسـال دارد. به علاـوه در صـورتی که هواپیمـا در ایران فرود آیـد فرمانـده هواپیمـا مکلـف است فـورا وقوع جرم و نـتیجه تفتیشات و تحقیقات و اقـداماتی را که به عمل آورده به دادسـتان محل فرود آمـدن هواپیما یا قائم مقام او اطلاع داده متهم یا مظنون را با دلایل و مـدارک جرم به دادسـتان یا بازپرس تسـلیم و ازمـداخله خودداری کنـد و در موردی که هواپیمای ایرانی بعـد از وقوع جرم در خارج از ایران فرود آیـد فرمانـده هواپیما بایـد مراتب را به اطلاع کنسول ایران که در حوزه او هواپیما فرود آمده رسانیده و از اوکسب تکلیف کند. ماده ۳۴ ـ تخلف از مقررات آیین نامه های اجرای احکام این قانون موجب کیفرهایی است که حـداکثر آن نباید از ده هزار ریال جزای نقدی و دو ماه حبس جنحه ای تجاوز نماید میزان مجازات هر یک از انواع تخلفات در آیین نامه ای که به پیشنهاد وزارتین دادگستری و راه به تصویب هیات وزیران رسیده باشد تعیین خواهد شد. ماده ۳۵ ـ رسیدگی به جرایم مذکور در این قانون در مراحل کیفری و دادگاه های صلاحیت دار فورا وخارج از نوبت به عمل خواهد آمد.

قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان

فصل اول ــ دریای سرزمینی (ماده ۱ تا ۱۱)

ماده ۱ ـ حاکمیت جمهوری اسلامی ایران خارج از قلمرو خشکی و آبهای داخلی و جزایر خود درخلیج فارس ، تنگه هرمز و دریای عمـان بر منطقه‌ای از آبهـای متصل به خط مبـدا که دریای سرزمینی نامیـده می‌شود نیز حاکمیت دارد. این حاکمیت همچنین شامل فضای فوقانی ، بستر و زیر بستر دریای سـرزمینی می‌باشد. ماده ۲ ـ حد خارجی عرض دریای سرزمینی از خط مبدا ۱۲ (دوازده مایل دریایی می‌باشد. مایل دریایی برابر ۱۸۵۲ متر است جزایر متعلق به ایران اعم از اینکه داخل و یا خارج دریای سـرزمینی باشـند ، طبق این قانون دارای‌دریای سـرزمینی مخصوص به خود هستند. ماده ۳ ـ خط مبدا : محاسـبه خط مبدا دریای سـرزمینی در خلیج فارس و دریـای عمـان همـان است‌که در تصویب نـامه هیات وزیران به شـماره ۶۷ـ۲۵۰/۲ مورخ ۳۱/۴/۱۳۵۲ تعیین گردیـده است (مصـوبه مـذکور ضـمیمه این قانون می‌باشـد) در سایر مناطق و جزایر ملاک حد پست ترین جزر آب در امتداد ساحل خواهد بود. آب های واقع بین خط مبدا دریای سـرزمینی و قلمرو خشکی و همچنین آبهای واقع بین جزایر متعلقه به ایران که فاصله آنها از یکدیگر از دو برابر عرض دریای سـرزمینی تجاوز نکنـد ، جزو آبهای داخلی محسوب و تحت حاکمیت جمهوری اسـلامی ایران می‌باشد. ماده ۴ ـ

تحدید حدود: در مواردی که دریای سرزمینی ایران با دریای سرزمینی دول مجاور و یا مقابل تداخل پیدا کند مادامی که ترتیب دیگری بین طرفین توافق نشده باشد ، حد فاصل بین دریای سرزمینی ایران و آن کشور خط منصفی است که کلیه نقاط آن از نزدیک ترین نقاط خطوط مبدا طرفین به یک فاصله باشد. ماده ۵ ـ عبور بی ضرر: عبور شناورهای خارجی به استثنای موارد مندرج در ماده (۹) ، از دریای سرزمینی ایران مادامی که مخل نظم ، آرامش و امنیت کشور نباشد تابع اصل عبور بی ضرر است عبور به جز در موارد اضطراری باید با سرعت متعارف و پیوسته انجام گیرد. ماده ۶ ـ شرایط عبور بی ضرر: عبور شناورهای خارجی در صورت مبادرت به هر یک از اقدامات زیر بی‌ضرر تلقی نشده و برحسب مورد مشمول مقررات جزایی و مدنی خواهد بود. الف ـ هر گونه تهدید یا استفاده از زور علیه حاکمیت ، تمامیت ارضی و استقلال جمهوری اسلامی ایران یا اقدام به هر نحو دیگری که ناقض اصول حقوق بین‌الملل باشد. ب ـ اقدام به تمرین یا مانور با هر نوع سلاح ج ـ جمع آوری هر گونه اطلاعاتی که به زیان امنیت ملی ، امور دفاعی یا منافع اقتصادی کشور باشد. د ـ هر گونه تبلیغاتی که منظور از آن لطمه زدن به امنیت ملی ، امور دفاعی و یا منافع اقتصادی کشور باشد. ه ـ پرواز و فرود و انتقال هر نوع هواپیما و هلیکوپتر و ادوات نظامی و نیرو به واحدهای شناوردیگر و ساحل و ـ نقل و انتقال افراد ، بارگیری یا تخلیه هر نوع کالا و پول برخلاف قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران ز ـ ایجاد هر گونه آلودگی محیط زیست دریایی برخلاف مقررات جمهوری اسلامی ایران ح ـ هر گونه فعالیت صیادی و بهره برداری از منابع دریایی ط ـ انجام هر گونه پژوهش علمی ، نقشه برداری ، لرزه نگاری و نمونه برداری ی ـ ایجاد اختلال در سیستمهای ارتباطی یا سایر تاسیسات کشور. ک ـ انجام هر نوع فعالیت دیگری که لازمه عبور کشتی نباشد. ماده ۷ ـ مقررات تکمیلی ـ به‌منظور حفظ مصالح کشور و حسن اجرای عبور بی ضرر ، دولت جمهوری اسلامی ایران برحسب مورد مقررات ضروری دیگر را وضع خواهد کرد. ماده ۸ ـ تعلیق عبور بی ضرر : به‌م نظور دفاع از امنیت و بنا به مصالح عالیه کشور ، دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند عبور و توقف کلیه شناور های خارجی را در قسمت هایی از دریای سرزمینی به‌حالت تعلیق درآورد. ماده ۹ ـ مستثنیات عبور بی‌ضرر: عبور شناورهای جنگی ، زیردریایی ها ، شناورهای با سوخت هسته‌ای و هر نوع وسیله غوطه‌ور دیگر و همچنین شناورها و زیردریایی های حامل مواد اتمی یا خطرناک و یا زیان‌آور برای حفاظت محیط زیست و شناورهای تحقیقاتی خارجی از دریای سرزمینی منوط به موافقت قبلی مقامات صالحه جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. زیردریایی هاباید در سطح آب و با پرچم برافراشته عبور نمایند. ماده ۱۰ ـ صلاحیت کیفری تعقیب ، رسیدگی و مجازات جرایم ارتکابی در کشتی های در حال عبوراز دریای سرزمینی در موارد زیر در صلاحیت مراجع قضایی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد: الف ـ چنانچه اثرات و عواقب جرم متوجه جمهوری اسلامی ایران گردد. ب ـ چنانچه جرم ارتکابی مخل صلح و نظم و آرامش داخلی و یا نظم عمومی دریای سرزمینی باشد. ج ـ چنانچه فرمانده کشتی یا نماینده دیپلماتیک یا کنسولی دولت صاحب پرچم کشتی تقاضای کمک و رسیدگی نماید. د ـ چنانچه رسیدگی و تعقیب برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان ضروری باشد. ماده ۱۱ ـ صلاحیت مدنی مقامات ذی صلاح دولت جمهوری اسلامی ایران می‌توانند در موارد زیر به منظور اجرای قرار تامین و یا احکام محکومیت ، نسبت به متوقف کردن ، تغییر مسیر و یات وقیف کشتی و بازداشت سرنشینان آن اقدام نمایند: الف ـ کشتی از آبهای داخلی ایران خارج و در دریای سرزمینی در حرکت باشد. ب ـ کشتی در دریای سرزمینی ایران متوقف باشد. ج ـ کشتی در حال عبور از دریای سرزمینی باشد مشروط بر اینکه منشا قرار تامین و یا حکم محکومیت ، تعهدات و یا الزامات ناشی از مسئولیت مدنی همان کشتی باشد.

فصل دوم ـ منطقه نظارت (ماده ۱۲ تا ۱۳)

ماده ۱۲ ـ تعریف منطقه نظارت منطقه‌ای است در مجاورت دریای سرزمینی که حد خارجی آن ازخط مبدا ۲۴ مایل دریایی می‌باشد. ماده ۱۳ ـ صلاحیت مدنی و کیفری به‌منظور پیشگیری از نقض قوانین و مقررات کشور از جمله مقررات امنیتی ، گمرکی ،

دریایی ، مالی ، مهاجرتی ، بهداشتی ، زیست محیطی و تعقیب و مجازات متخلفین ، دولت جمهوری اسلامی ایران در منطقه نظارت اقدامات لازم را معمول خواهد داشت

فصل سوم ـ منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره (ماده ۱۴ تا ۲۱)

ماده ۱۴ ـ حقوق حاکمه و صلاحیت در منطقه انحصاری اقتصادی حقوق حاکمه و صلاحیت‌جمهوری اسلامی ایران در ماورای دریای سرزمینی که منطقه انحصاری اقتصادی نامیده می‌شود به شرح زیر اعمال می‌گردد: الف ـ اکتشاف و بهره‌برداری و حفاظت و اداره کلیه منابع طبیعی جانـدار و بی‌جان بستر و زیر بستردریا و آبهای روی آن و انجام سایر فعالیتهای اقتصادی مرتبط با بهره‌برداری از آب ، باد و جریانهای دریایی جهت تولید انرژی حقوق مذکور در این منطقه انحصاری است ب ـ وضع و اجرای قوانین و مقررات مناسب به ویژه در زمینه فعالیتهای زیر: ۱ ـ احداث و استفاده از جزایر مصنوعی و سایر تاسیسات و بناها و تعبیه کابل و لوله‌های زیردریایی و تعیین حریم‌های امنیتی و ایمنی مربوط ۲ ـ انجام هر گونه پژوهش ۳ ـ حفاظت و حمایت از محیط زیست دریایی ج ـ اعمال حقوق حاکمه که به موجب معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای تفویض شده است ماده ۱۵ ـ حقوق حاکمه و صلاحیت در فلات قاره حاکمیت و صلاحیت جمهوری اسلامی ایران نسبت به فلات قاره که دنباله طبیعی قلمرو خشکی و شامل بستر و زیر بستر مناطق دریایی مجاور و ماورای دریای سرزمینی ایران می‌باشد نیز طبق مفاد ماده (۱۴) برحسب مورد اعمال می‌گردد. ماده ۱۶ ـ فعالیت ها و اقدامات ممنوعه انجام فعالیتها و تمرینات نظامی بیگانه ، جمع آوری اطلاعات و هر گونه عملی که با منافع و حقوق جمهوری اسلامی ایران در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره منافات داشته باشد ممنوع است ماده ۱۷ ـ فعالیت ، کاوش و تحقیقات علمی : انجام هر گونه فعالیت جهت دستیابی به اشیای مغروق ، کاوش و تحقیقات علمی در منطقه انحصاری ـ اقتصادی و فلات قاره منوط به اجازه مقامات ذی ربط جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. ماده ۱۸ ـ حفظ محیط زیست و منابع طبیعی دولت جمهوری اسلامی ایران جهت حفاظت وحمایت از محیط زیست دریایی و استفاده مطلوب از منابع جاندار و سایر ذخایر منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره اقدامات لازم را معمول خواهد داشت ماده ۱۹ ـ تحدید حدود: حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره جمهوری اسلامی ایران مادامی که به موجب موافقت نامه های دوجانبه تعیین نشده باشد منطبق بر خطی خواهد بود که کلیه نقاط آن از نزدیکترین نقاط خطوط مبدا طرفین به یک فاصله باشد. ماده ۲۰ ـ صلاحیتهای کیفری و مدنی جمهوری اسلامی ایران صلاحیت‌های کیفری و مدنی خود را درباره متخلفین از مقررات منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره اعمال و برحسب مورد نسبت به بازرسی و یا توقیف آنها اقدام خواهد کرد. ماده ۲۱ ـ حق تعقیب فوری : دولت جمهوری اسلامی ایران حق تعقیب فوری متخلفین از مقررات مربوط به آبهای داخلی ، دریای سرزمینی ، منطقه نظارت ، منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره رادر مناطق مزبور و دریای آزاد ، برای خود محفوظ می‌دارد.

فصل چهارم ـ مواد نهایی (ماده ۲۲ تا ۲۳)

ماده ۲۲ ـ آیین نامه های اجرایی هیات وزیران حدود اختیارات و مسئولیت های وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مجری این قانون را تعیین خواهد نمود. وزارتخانه‌ها و سازمانهای مزبور مکلفند ظرف یک سال از تاریخ تصویب این قانون آیین نامه های اجرایی لازم را تهیه و به تصویب هیات وزیران برسانند. مادامی که آیین نامه های اجرایی جدید به تصویب نرسیده‌اند ، آیین نامه ها و نظامنامه های موجود معتبر خواهند بود. ماده ۲۳ ـ از تاریخ تصویب این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن لغو می‌گردد. قانون فوق مشتمل بر بیست و سه ماده در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ سی و یکم فروردین ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و دو مجلس

شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۲/۲/۱۳۷۲ به تایید شورای نگهبان رسیده است

قانون‌الحاق دولت ایران به کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیر قانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری

ماده واحده ـ کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیر قانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری مشتمل بریک مقدمه و شانزده ماده که در تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۱ (اول مهرماه ۱۳۵۰) در مونترال منعقد گردیده است تصویب و اجازه تسلیم اسناد الحاق آن داده می‌شود.

قانون اصلاح قانون ایمنی راهها و راه آهن – مصوب تیرماه ۴۹ و اصلاحیه سال ۷۹

ماده ۱ ـ متون زیر به عنوان تبصره‌های (۳) ،(۴) ، و (۵) به ماده (۶) قانون ایمنی راهها و راه آهن مصوب ۷/۴/۱۳۴۹ افزوده می‌شود: تبصره ۳ ـ دادگاه با درخواست وزارت راه و ترابری در خصوص میزان خسارت و هزینه‌ها ، خارج ازنوبت به موضوع رسیدگی و رای مقتضی صادر خواهد نمود. تبصره ۴ ـ مأموران مربوط در وزارت راه و ترابری و راه آهن و مأموران نیروی انتظامی موظفند ضمن مراقبت به محض مشاهده وقوع تجاوز به راهها و راه‌آهن و حریم آنها مراتب را به مراجع صالح جهت اقدام لازم اطلاع دهند. مأمور یا مسئول یاد شده در صورت تسامح به مجازات مربوط محکوم خواهد شد. تبصره ۵ ـ برداشت شن و ماسه از بستر رودخانه حداقل تا شعاع پانصد متر (۵۰۰ متر) از بالاـ دست و یک کیلومتر از پایین دست پل ها ممنوع است و متخلفان به مجازات مربوط محکوم خواهند شد. ماده ۲ ـ متن زیر به عنوان ماده (۷) به قانون یاد شده اضافه و شماره مواد بعدی به ترتیب به (۸) تا(۱۶) اصلاح می‌گردد. ماده ۷ ـ ریختن زباله ، نخاله ، مصالح ساختمانی ، روغن موتور و نظایر آن و یا نصب و استقرار تابلو یا هر شیی دیگر در راهها و راه آهن و حریم قانونی آنها در داخل یا خارج از محدوده قانونی شهرها و همچنین هرگونه عملیات که موجب اخلال در امر تردد وسایل نقلیه می‌شود و نیز ایجاد راه دسترسی ممنوع است تبصره ۱ ـ مرتکبان جرایم بالا علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم و چنانچه تخریبی صورت نگرفته باشد مرتکب یا مرتکبین ، حسب مورد ضمن رفع موانع و رفع تجاوز و جبران خسارت وارده به یک ماه تا شش ماه حبس و یا پرداخت جزای نقدی از پانصدهزار(۰۰۰/۵۰۰) تا پنج میلیون (۰۰۰/۰۰۰/۵) ریال محکوم خواهند شد. در مورد اخیر با جبران خسارت تعقیب موقوف خواهد شد. تبصره ۲ ـ ایجاد راه دسترسی به حریم و گذرگاه مناسب ، درختکاری و عبور دادن تاسیسات ازعرض راه و راه آهن و نصب تابلو در حریم آنها با اجازه وزارت راه و ترابری مجاز است در موارد اضطراری به منظور ترمیم تاسیسات عمومی که از عرض راه عبور نموده است دستگاه مربوط باکسب موافقت وزارت راه و ترابری و ضمن رعایت کلیه نکات ایمنی اقدام خواهد نمود. تبصره ۳ ـ وزارت راه‌وترابری مکلف است نسبت به برآورد هزینه و خسارت وارده به راهها و حریم آنها و ابنیه فنی و علایم و تاسیسات و تجهیزات ایمنی که در اثر برخورد وسایط نقلیه و یا عبور بارهای ترافیکی و لوله های آب ، گاز ، فاضلاب و کابل برق و مخابرات و غیره و هرگونه عملیاتی که منجر به بروز هزینه و خسارت گردد ، اقدام و مبالغ دریافتی را به حساب خزانه واریز و صددرصد (۱۰۰٪) آن را به منظور ایمن‌سازی راهها به مصرف برساند. ماده ۳ ـ متن زیر به عنوان تبصره (۲) به ماده (۱۲) قانون یاد شده افزوده می‌شود و تبصره ذیل آن به‌تبصره (۱) تغییر می‌یابد: تبصره ۲ ـ حسب درخواست شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران ، مرجع قضایی صالح دستورلازم را مبنی بر همکاری و نظارت مأموران نیروی انتظامی با آن شرکت جهت ایجاد نظم به منظور انسداد محلهای تردد غیرمجاز صادر می‌کند. ماده ۴ ـ ماده (۱۴) قانون یاد شده به صورت زیر اصلاح می‌شود: ماده ۱۴ ـ وزارت راه و ترابری مکلف است هنگام ایجاد راههای جدید و راه آهن ، گذرگاه های ضروری و مجاری لازم را در نظر گرفته و موجبات ارتباط دو طرف راه احداثی را به نحو مقتضی فراهم کند.وزارت پست و تلگراف و تلفن در مورد فراهم نمودن امکانات ارتباطی و وزارت نیرو در مورد تامین روشنایی راهها مکلفند حسب اعلام وزارت راه و ترابری و در چهارچوب مقررات موجود اقدام کنند. ماده ۵ ـ متن زیر و تبصره‌های آن به عنوان ماده (۱۷)

به قانون یاد شده افزوده می‌شود: ماده ۱۷ ـ ایجاد هرگونه ساختمان و دیوارکشی و تاسیسات به شعاع صد (۱۰۰) متر از انتهای حریم و راهها و حریم راه آهن های کشور و در طول کنار گذرهایی که وزارت راه و ترابری احداث نموده یا می‌نماید و یا مسئولیت نگهداری آنرا به عهده دارد بدون کسب مجوز از وزارت مذکور ممنوع می‌باشد. وزارت راه و ترابری موظف است در مورد متخلفان برابر تبصره (۱) ماده (۶) قانون ایمنی راهها و راه آهن اقدام کند. با تصویب این ماده تبصره ذیل ماده (۱۵) لغو می گردد. تبصره ۱ ـ وزارت راه و ترابری مکلف است نوع کاربری زمینهای اطراف راهها و راه آهن های کشوربه عمق صد (۱۰۰) متر را بعد از حریم قانونی آنها تهیه و به تصویب هیات وزیران برساند و از متقاضیانی که برحسب ضرورت وفق ماده (۱۵) همین قانون نیاز به احداث مستحدثاتی در حد فاصل فوق را داشته باشند وجوهی را براساس آیین نامه ای که به تایید هیات وزیران می‌رسد اخذ وبه حساب خزانه واریز و صددرصد (۱۰۰٪) آن را به منظور ایمن سازی راهها به مصرف برساند. تبصره ۲ ـ نظارت بر امر ساخت و ساز در حاشیه راهها و راه‌آهن‌ها تا شعاع صد (۱۰۰) متر از منتهی الیه حریم قانونی آنها توسط وزارت مذکور اعمال می‌شود. به وزارت یاد شده اجازه داده می‌شود به منظور ایجاد هماهنگی براساس موارد موضوع تبصره (۱)همین ماده نسبت به صدور مجوز ایجاد مستحدثات به متقاضیان اقدام نماید. بدیهی است متقاضیان باید سایر مجوزهای لازم را از مراجع مربوط اخذ نمایند. تبصره ۳ ـ ایجاد تاسیسات عمومی نظیر خطوط آب ، برق ، فاضلاب ، نفت ، گاز ، مخابرات و نظایر آنها با رعایت مسایل فنی و ایمنی مربوط به هر یک ، تابع آیین نامه ای است که ظرف سه ماه از تصویب این قانون به پیشنهاد وزیر راه و ترابری به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۶ ـ متن زیر به عنوان ماده (۱۸) به قانون ایمنی راهها و راه آهن افزوده می‌شود: ماده ۱۸ ـ وزارت جهادسازندگی همچنان عهده‌دار وظایف مربوط به برنامه‌ریزی ، احداث ، نگهداری‌و مرمت راههای روستایی بوده و با متجاوزین به حریم راههای روستایی برابر ماده (۶) همین قانون و تبصره های ذیل آن اقدام خواهد نمود. ماده ۷ ـ متن زیر به عنوان ماده (۱۹) به قانون یاد شده اضافه می‌شود: ماده ۱۹ ـ وزارتخانه‌های راه و ترابری و جهادسازندگی مکلفند علایم افقی و عمودی و تجهیزات ایمنی لازم را در طول هر یک از راههای مربوط مشخص و در محلهای موردنیاز نصب و اجرا نمایند. تبصره ـ وزارتخانه‌های مذکور مکلفند برای انجام عملیات احداث و مرمت و یا نگهداری راههای مربوط علایم ایمنی لازم را نصب نمایند چنانچه بر اثر کوتاهی در بکار بردن علائم یاد شده خسارتی‌به اشخاص (حقیقی یا حقوقی وارد شود هر یک از وزارتخانه های یاد شده حسب مورد موظف است از مطالبات پیمانکار یا اعتبارات جاری و عمرانی وزارتخانه ، خسارت وارده را پرداخت نماید و چنانچه مأموران دولت یا پیمانکاران مرتکب تقصیر شده باشند ، دولت خسارت پرداخت شده را از آنها استیفا خواهد نمود. ضمنا در کلیه مواد مربوط به قانون ایمنی راهها و راه‌آهن مصوب ۷/۴/۱۳۴۹ و اصلاحات بعدی آن عبارت ذیل جایگزین می گردد: ـ به جای کلمه (شاهراه) عبارت (آزاد راه) جایگزین می‌شود. ـ به جای عبارت (وزارت راه) عبارت (وزارت راه و ترابری) جایگزین می گردد. ـ به جای عبارت (معاونین راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای) عبارت (معاونین راهداری و حمل و نقل جاده‌ای و پایانه ها) جایگزین می‌شود. ـ به جای عبارت (کمیسیونهای راه و دارایی مجلسین) عبارت (کمیسیون مسکن و شهرسازی و راه و ترابری و کمیسیون امور اقتصادی و دارایی و تعاون مجلس شورای اسلامی) جایگزین می گردد.

قانون تشدید مجازات کبوترپرانی – خردادماه ۱۳۵۱

ماده واحده ـ به منظور تامین حفاظت پرواز هواپیماها هر کس در شعاع چهل کیلومتری فرودگاهها و همچنین در مناطقی که از طرف وزارت جنگ ممنوعه اعلام گردد مبادرت به کبوترپرانی نماید به سه سال حبس تادیبی محکوم خواهد شد. تبصره ۱ ـ وزارت جنگ محل فرودگاهها و نقاط ممنوع را وسیله یکی از روزنامه های کثیرالانتشار مرکز به اطلاع عموم می‌رساند و پس از انقضا پانزده روز از تاریخ انتشار آگهی اقدام به کبوترپرانی مستوجب مجازات مذکور در این قانون خواهد بود. تبصره ۲ ـ

نگهداری و پرورش کبوتر در حدود و مناطق مذکور در این ماده منوط به تحصیل پروانه است که در حوزه استحفاظی شهربانی از طرف شهربانی کشور و در حوزه استحفاظی ژاندارمری ازطرف ژاندارمری کشور صادر می‌شود. شرایط و ترتیب صدور پروانه به موجب آیین نامه ای که از طرف وزارت کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید تعیین می‌شود. هر کس بدون پروانه مبادرت به نگهداری و پرورش کبوتر در حدود و مناطق مزبور نماید به حبس جنحه ای تا شش ماه محکوم می‌شود. فرودگاهها و مناطق ممنوعه موضوع قانون تشدید مجازات کبوترپرانی در آگهی وزارت جنگ چون به موجب قانون تشدید مجازات کبوترپرانی مصوب پانزدهم خردادماه ۱۳۵۱ شمسی به منظور تامین حفاظت پرواز هواپیماها با انقضا پانزده روز از تاریخ اعلام محل فرودگاه ها و مناطق ممنوعه از طرف وزارت جنگ هر کس در شعاع چهل کیلومتری فرودگاهها و همچنین در مناطقی کهاز طرف وزارت جنگ ممنوعه اعلام گردد مبادرت به کبوترپرانی نماید به سه سال حبس تادیبی محکوم خواهد شد لذا در اجرای تبصره ذیل قانون مزبور مناطق و فرودگاه های مشروحه زیر به‌عنوان فرودگاه ها و مناطق ممنوعه به اطلاع عموم می‌رسد: مهرآباد ـ قلعه‌مرغی ـ دوشان‌تپه ـ شیراز ـ نوشهر ـ بوشهر ـ وحدتی ـ شاهرخی (نوژه ـ رامسر ـچالوس ـ کیش بندرعباس ـ کوشک نصرتاباد ـ (میدان تیراندازی هوابه زمین تبریز ـ جاسک ـ اهواز ـ آبادان ـ اصفهان ـ مشهد ـ قم ـ زاهدان ـ اراک ـ قزوین ـ زنجان ـ مراغه (ارومیه ـ اردبیل ـ رضاییه ـ خوی ـ شاهپور (سلماس ـ خرم‌آباد ـ کرمانشاه ـ یزد ـ سنندج ـ مهاباد ـ بیرجند ـ کرمان ـرشت ـ بابلسر ـ همدان ـ گرگان

قانون مجازات عبوردهندگان اشخاص غیرمجاز از مرزهای کشور – مصوب ۱۴/۷/۱۳۶۷

ماده ۱ ـ هرکس دیگری را به طور غیرمجاز از مرز عبور دهد و یا موجبات عبور غیرمجاز دیگران را تسهیل یا فراهم نماید، مجرم و به یکی از کیفر های ذیل محکوم خواهد شد: الف ـ در صورتی که عمل عبوردهنده مخل امنیت باشد چنانچه در حد محاربه و افساد فی الارض نباشد به حبس از دو تا ده سال محکوم خواهد شد. ب ـ چنانچه شخص عبور داده شده از افراد ممنوع الخروج یا ممنوع الورود یا قاچاقچی باشد مرتکب به دو تا هشت سال حبس و جریمه نقدی از ۲۵۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد. ج ـ چنانچه فرد عبور داده شده محکوم به کیفر یا متهم به جرمی باشد که رسیدگی آن در صلاحیت دادگاه کیفری ۱ باشد، مرتکب به مجازات دو تا چهار سال حبس محکوم خواهد شد. د ـ در صورتی که فرد عبور داده شده غیربالغ باشد ، مرتکب به حبس از سه تا پنج سال محکوم خواهد شد. ه ـ در صورتی که عمل مرتکب غیر از موارد فوق باشد، مرتکب به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد. تبصره ۱ ـ در صورتی که عبوردهنده از کارکنان دولت و موسسات وابسته به دولت باشد و باسو استفاده از سمت خود مرتکب این عمل شده باشد، علاوه بر مجازات های فوق به انفصال دائم ازخدمات دولتی محکوم می گردد. تبصره ۲ ـ علاوه بر مجازات های مقرر کلیه اموالی که از این طریق به دست آمده است طبق بند ۳ماده ۵ قانون مجازات های اسلامی و قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب مجلس شورای اسلامی عمل خواهد شد. ماده ۲ ـ قانون تشدید مجازات عبوردهندگان اشخاص غیرمجاز از مرز مصوب ۱۳۳۴ و اصلاحات بعدی و قوانین مغایر با ماده و تبصره های فوق ملغی است

قانون کیفر بزه های مربوط به راه آهن – مصوب فروردین ماه ۱۳۲۰ (ماده ۱ تا ۲۴)

ماده ۱ ـ هرکس خاک ریز ، خاک بر ، پل ، تونل ، دیوار ، سد ، ابنیه ، بالاست ، تراورس ، ریل ، پیچ و مهره‌ریل ، اتصالی ریل ، علایم خطر ، تیرهای تلفن و تلگراف و سیمهای آن و وسایل نقلیه راه آهن را خراب کند و به طور کلی عملی نماید که موجب خروج قطار از خط یا تصادم یا حادثه مهم دیگری شود به‌حبس با اعمال شاقه از پنج تا پانزده سال محکوم می‌شود و اگر در نتیجه حادثه یک یا چند نفر کشته‌شوند مرتکب محکوم به اعدام خواهد شد. هرگاه عمل منتهی به یکی از حادثه‌های مذکور نگردد در

غیر موارد خرابی پـل ، تونـل و سـد مرتکب به‌دو سال تا هفت سال حبس مجرد و در مورد پل و تونل و سـد از چهار سال تا ده سال حبس بـا اعمال‌شاقه محکوم می‌شود. ماده ۲ ـ هرکس در غیر مورد مـذکور در مـاده یـک در متعلقات راه آهن عملی نمایـد که بیم خروج قطار از خط یا تصادم یا حادثه مهم دیگر برود مرتکب به حبس مجرد از دو تا پنج سال محکوم می‌شود وهرگاه عمل مذکور برای حرکت قطار فقط ایجاد مانعی نماید و به طور کلی اسباب اختلال حرکت‌قطار را فراهم کند مرتکب به حبس تادیبی تا دو سال محکوم می‌شود. مـاده ۳ ـ هرگـاه بزههـای مـذکور در مـاده یـک و دو در اثر توطئه و تبـانی دو نفر یـا بیشتر انجام یابـد یک ثلث از کیفری که قطع نظر از تبانی برای مرتکب منظور می‌شود به کیفر مرتکب افزوده خواهـد شـدجز در مورد اعـدام که مرتکب به همان کیفر محکوم می‌شود. مـاده ۴ ـ هر گـاه برای ارتکاب بزه‌های مـذکوره در ماده یک جمعیتی از سه تن به بالا تشکیل شود ،تشـکیل دهنـدگان و محرکین فقـط برای همین عمـل به حبس تادیبی از شـش ماه تا سه سال محکوم می‌شونـد. کسـی که عضو این جمعیت شده باشد فقط برای همین عمل به حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. هرگاه از جمعیت مزبور دست کم سه تن مسلح باشـند محرکین و تشکیل دهندگان ، هر یک به حبس بااعمال شاقه از سه سال تا پنج سال محکوم می‌شوند و کسی که عضو این جمعیت شده باشد به دوسال تا سه سال حبس مجرد محکوم می گردد. ماده ۵ ـ هر یک از شرکت کنندگان که جمعیت مذکور در مواد فوق را منحل یا موجبات انحلال آن رافراهم سازند یا از جز توطئه‌کنندگان و عضویت جمعیت خارج شوند یا از وقوع بزه یا توطئه یا تشکیل جمعیت برای ارتکاب بزه مانع شوند یا وجود جمعیت و تصمیمات آن را به مأمورین دولت افشا کنند از کیفر معاف خواهنـد بود مشـروط بر اینکه پیش از تعقیب و پیش از وقوع بزه که جمعیت برای ارتکاب آن تشـکیل شـده اقدامات مزبور به عمل آمده باشد. ماده ۶ ـ هرکس اعمال مذکور در مواد ۱ و ۲ را از روی بی مبالاتی یا غفلت انجام دهـد در مواردی که‌کیفر بزه عمدی اعـدام یـا حبس بـا اعمـال شـاقه است به حبس تـادیبی از یـک سـال تا سه سال و به تادیه غرامت از دویست تا ده هزار ریال محکوم می‌شود. در مواردی که برای بزه عمـدی حبس مجرد مقرر شـده کیفر مرتکب حبس تـادیبی از سه مـاه تا دو سال و تادیه غرامت از صد تا هزار ریال می‌باشد. ماده ۷ ـ هرکس وسایل نقلیه راه آهن را ضایع یا خراب کند به طوری که از خاصیت بهره برداری بیندازد در صورتی که وسائط نقلیه از قبیل لکوموتیو یا اتوموتوریس باشـد به حبس مجرد از دو تا پنج سال محکوم می‌شود و در مورد سایر وسایط نقلیه راه آهن کیفر مرتکب حبس تادیبی از شـش ماه تا سه سال خواهد بود مگر این که عمل مشمول عنوان شدیدتری باشد که در آن صورت مرتکب به کیفر همـان بزه محکوم می گردد. مـاده ۸ ـ مسـافری که بـدون جهت علامات موجوده در واگنها را از قبیـل ترمز خطر و غیره بکـار برد و قطار بایسـتد به تادیه غرامت از دویست تا پانصـد ریال ملزم خواهـد شـد. ماده ۹ ـ مسـافری که به تجهیزات واگن از قبیـل چراغ ـ توری های پنجره ، شیشه ، پرده ـ جایگاه ـجامـدان زیانی وارد آورد به پرداخت خسارات طبق تعرفه راه آهن مصـوب وزارت راه ملزم خواهدشـد. برای خسـارتی که قابـل پیش بینی در تعرفه نبوده بـا رعـایت اینکه مقـدار خسـارت از یکصـد ریال تجاوز نکنـد طبق تشـخیص اداره راه آهن ملزم خواهـد شـد در صورتی که عمل مشـمول عناوین کیفری باشـد به کیفر مقرر برای آن عمل نیز در مراجع صالحه محکوم می‌شود. ماده ۱۰ ـ وجوه مذکور در ماده ۸ به تشخیص رییس قطار و وجوه مذکور در ماده ۹ مطـابق تعرفه یـا تشـخیص راه آهن به حسب مـورد در مقابـل قبض رسـمی اداری دریـافت می گردد. در صورتی که وارد کننـده خسارات اعتراضـی داشـته باشـد می‌توانـد پس از پرداخت وجه تا مدت شـش ماه به یکی از دادگاههای شهرسـتان خط سـیر مراجعه نمایـد. هرگاه واردکننـده خسارت از پرداخت این وجوه امتناع نماید چنانچه مالی همراه داشته باشد رییس قطار حق دارد به میزان خسـارت مورد مطـالبه از مال او بازداشت نموده و طبق آیین نامه مصوب وزارت راه و وزارت دادگستری خسارت راه آهن را از آن استیفا نمایـد. نسـبت به بازداشت مال نیز وارد کننده خسارات از تاریخ بازداشت آن به شـرح بالا حق شـکایت خواهد داشـت هرگاه دارایی ممتنع کفایت خسارت وارده را ندهد یا دارایی نداشته باشد و نتواند تضمین کافی بدهدچنانچه راه آهن مقتضی بداند می‌تواند صورتمجلس تنظیم و با خود او تحت مراقبت مأمورین به نزدیکترین دادگاه مقصد ممتنع بفرستد. دادگاه در این قبیل موارد

خارج از نوبت رسیدگی خواهدکرد. ماده ۱۱ ـ حمل مواد زود اشتعال و قابل احتراق و انفجار بدون اطلاع اداره راه آهن ممنوع است و مسافری که بدون اطلاع راه آهن مواد مزبور را در جامه دان ها و اثاثیه خود در واگنها حمل کند یا آنها را جزو اثاثیه خود به قسمت حمل و نقل (توشه بسپارد و همچنین هرکس بدون استحضار راه آهن مواد مزبور را برای حمل به وسیله واگنهای باری تحویل نماید محکوم به تادیه غرامت از دویست تا دو هزار ریال خواهد گردید. در صورتی که عمل مزبور منجر به حریق یا حادثه دیگری گردد که جرم شدیدتری شناخته شده باشد مرتکب به کیفر آن بزه محکوم خواهد شد. ماده ۱۲ ـ هرگاه کسی باعث تضییع یا تلف مالی بشود که برای حمل به راه آهن سپرده شده است درقبال بنگاه راه آهن مسئول خساراتی است که از این جهت به راه آهن وارد شده باشد. ماده ۱۳ ـ (اصلاحی ۷/۴/۱۳۴۹) هرکس در حریم راه آهن بدون اجازه کتبی بنگاه راه آهن ساختمان‌یا حفریات و به طور کلی هر دخل و تصرفی نماید علاوه بر اجبار به اعاده محل به صورت اولیه محکوم به تادیه غرامت از پانصد تا پنج هزار ریال خواهد شد آنچه پیش از اجرای این قانون داخل درحریم بوده در صورتی که راه آهن اجازه ابقای آن را ندهد مالک آن ملزم است که آن را از حریم راه آهن بردارد و اگر امتناع نماید راه آهن آن را برخواهد داشت و یا در صورت موافقت راه آهن به بهای عادلانه به راه آهن واگذار می‌شود. حریم راه آهن عبارت از ۱۷ متر فاصله به هر یک از دو طرف محور خط می‌باشد و تجاوز به محدوده ایستگاهها در حکم تجاوز به حریم خط آهن می‌باشد. ماده ۱۴ ـ نگاهداری و چراندن دام در حریم راه آهن ممنوع است و راه آهن مسئول خسارت وارده که از تلف آنها حاصل می‌شود نخواهد بود. اگر از این راه خساراتی به راه آهن وارد شود مالکین دامها در قبال راه آهن مسئول خواهند بود. ماده ۱۵ ـ تا مسافت کمتر از پنجاه متر از خط آهن ساختن بناهایی که دارای سقف پوشالی باشد وخرمن نمودن کاه و علف و انبار نمودن مواد زود احتراق و زود اشتعال ممنوع است و متخلفین محکوم به تادیه غرامت از دویست تا دو هزار ریال خواهند شد. ماده ۱۶ ـ هر یک از کارمندان راه آهن که متصدی راندن یا وظیفه دار تشکیل یا حرکت قطار می‌باشند لکوموتیو ـ واگن ـ در زین یا هرگونه وسیله نقلیه را که می‌داند معیوب است و در صورت سیرموجب مخاطره خواهند شد به راه اندازد و یا به مناسبت وظیفه مانع تشکیل قطار و حرکت آن نشود به حبس تادیبی از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود همین کیفر درباره کارمندانی که از معیوب بودن وسایل نقلیه مطلع و برحسب وظیفه مکلف به آگاه ساختن مقامات مربوطه بوده و آن مقامات را مسبوق نساخته‌اند اعمال می گردد. ماده ۱۷ ـ رییس قطار ـ راننده ـ ترمزبانان و سوزن بانان که برخلاف مقررات در موقع حرکت قطار تارسیدن آن به مقصد یا در موقع حرکت و ورود قطار به ایستگاه محل خدمت خود را ترک و یا وظیفه خود را انجام ندهند به حبس تادیبی از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شوند. ماده ۱۸ ـ متصدیان حفظ ساختمان و بناهای مربوطه به راه آهن یا آلات فنی آن که مسئول نگاهداری خط و نظارت ساختمانها و بطور کلی مأمور حفظ اموال راه آهن اعم از فنی و غیرفنی می‌باشند اگر وظیفه خود را ترک کنند محکوم به حبس تادیبی از یک ماه تا شش ماه خواهند شد. هرگاه بزه های مذکور در این ماده و دو ماده پیش منتهی به تصادم یا خروج قطار از خط و یا حادثه مهم دیگری بشود مرتکب به دو تا سه سال حبس مجرد محکوم خواهد شد و اگر در نتیجه حادثه کسی کشته شود به حبس با اعمال شاقه از سه تا ده سال محکوم می گردد. در مورد این ماده و ماده ۱۷ در قسمتی که کیفر مرتکب ، حبس تادیبی مقرر شده است تعقیب بزه منوط به درخواست بنگاه راه آهن می‌باشد. ماده ۱۹ ـ اگر مأمورین راه آهن از امر مافوق خود که برای احتراز از خطر و حادثه راه آهن صادر شده تخلف کنند به حبس تادیبی از یک ماه تا شش ماه محکوم خواهند شد و چنانچه این تخلف منجر به‌حادثه راه آهن شود مرتکب به دو تا سه سال حبس مجرد محکوم می‌شود و اگر در نتیجه حادثه کسی کشته شود کیفر مرتکب حبس با اعمال شاقه است از سه تا ده سال ماده ۲۰ ـ هرگاه کارمند راه آهن از ساختمانها ـ تجهیزات ـ کارخانجات ـ تاسیسات ثابت و وسایط نقلیه و غیر آن نقشه ـ عکس یا اطلاعاتی را که جنبه سری دارند و افشای آن برخلاف مصالح راه آهن و یا مصالح عمومی کشور باشد به کسی بدهد و یا کسی را برای به دست آوردن چنین اسناد و مدارک کمک نماید در صورتی که عمل بزه شدیدتری نباشد به حبس

مجرد از دو تا پنج سال محکوم می‌شود. ماده ۲۱ ـ چنانچه کارکنان لکوموتیو اعم از راننده یا آتشکار و همچنین سایر کارمندان راه آهن که مسئول تامین آمد و شد قطار هستند در غیر مورد مذکور در ماده ۶ مرتکب بی‌مبالاتی یا غفلت بشوند که منجر به زیان دولت بشود علاوه بر جبران خسارت به حبس تادیبی از یک ماه تا یک سال محکوم می‌شوند. تبصره (الحاقی ۷/۴/۱۳۴۹) ـ تعقیب متهم در دادگستری موکول به شکایت راه آهن خواهد بود. ماده ۲۲ ـ کدخدایان و دهبانانی که به امر مقامات مربوطه مواظبت قسمتی از راه آهن به عهده آنها واگذار شده هرگاه در انجام ماموریت خود بی مبالاتی و یا غفلتی بنمایند که موجب شود کسی به راه آهن خرابی وارد نماید به سه ماه تا سه سال حبس تادیبی محکوم می‌شوند. ماده ۲۳ ـ هرگاه اعمال مذکور در این قانون منتهی به نتایج قابل کیفری گردد که در این قانون پیش بینی نشده است مقررات سایر قوانین کیفری مجرا خواهد بود. ماده ۲۴ ـ وزارت راه می‌تواند ضمن آیین نامه ای که بموجب ماده ۴ قانون سازمان بنگاه راه آهن‌دولتی ایران مصوب ۱۲ مرداد ۱۳۱۴ اختیار تنظیم آن داده شده از نظر انتظام و انضباط کارهای راه آهن برای تخلف کارمندان راه آهن از مقررات یا دستورهای روسای مافوق در موارد لزوم از یک روز تا بیست روز حبس انضباطی پیش بینی نموده و آن آیین نامه را پس از تصویب هیات وزیران به موقع اجرا گذارد طرز رسیدگی و مرجع شایسته نیز در آیین نامه مذکور معین خواهد شد.

آیین نامه اجرایی بند ۳ ماده ۲۹ قانون گذرنامه – مصوب ۱۸/۷/۱۳۶۳ هیات وزیران (ماده ۱ تا ۱۴

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۸/۷/۶۳ بنا بر پیشنهاد شماره ۲۵۹۹۶/م وزارت کشور آیین نامه اجرایی بند ۳ ماده ۲۹ قانون گذرنامه مصوب ۱۳۵۱ را به شرح ذیل تصویب نمودند: ماده ۱ ـ پروانه گذر طبق قانون گذرنامه (بند ۳ ماده ۲۹) به سکنه مرزی اعم از خاکی و آبی که تابعیت ایرانی داشته باشند داده می‌شود. ماده ۲ ـ حدود مناطق مرزی و نواحی جنوبی خلیج‌فارس و دریای عمان به پیشنهاد وزارت کشور وتصویب هیات وزیران تعیین خواهد شد. ماده ۳ ـ پروانه گذر دارای مشخصات به نمونه پیوست صادر می‌شود. ماده ۴ ـ مدت اعتبار پروانه گذر از تاریخ صدور به مدت ۱۵ روز می‌باشد و حداکثر در سال دومرتبه صادر می‌شود. ماده ۵ ـ مدت سکونت در مرز به منظور صدور پروانه گذر باید از پنج سال کمتر نباشد در مواردضروری با تایید شورای تامین شهرستان صادر می‌شود. ماده ۶ ـ برای مرزنشینان با رعایت معاهدات بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت های همجوار پروانه گذر صادر می گردد. ماده ۷ ـ صدور پروانه گذر به عهده ژاندارمری (مرزبانی می‌باشد. ماده ۸ ـ پروانه گذر برای هر فرد جداگانه صادر می گردد. تبصره ـ همسر رسمی و فرزندانی که به سن قانونی نرسیده‌اند تابع شخص مرزنشین هستند. ماده ۹ ـ صدور پروانه گذر با رعایت مواد ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ قانون گذرنامه انجام می گیرد و فقط‌برای محلی که مسافرت به آن در پروانه گذر تصریح می‌شود معتبر است ماده ۱۰ ـ افرادی که دارای پروانه گذر می‌باشند از محلهای تعیین شده (در پروانه گذر) باید خارج واز همان محل وارد ایران شوند. تبصره ـ افرادی که دارای پروانه گذر هستند از وسیله نقلیه (شخصی ـ عمومی فقط تا محل تعیین شده می‌توانند استفاده کنند. ماده ۱۱ ـ افرادی که دارای پروانه گذر هستند می‌توانند به میزان دو هزار تومان وجه نقد و اجناس سوغات با خود حمل نمایند (اجناسی که از طرف دولت صدور آن مجاز اعلام گردیده است ماده ۱۲ ـ نیروهای مسلح ـ نظامی و انتظامی مشمول این پروانه گذر نمی‌شوند. ماده ۱۳ ـ در صورت فقدان یا غیرقابل استفاده شدن ، المثنی در همان سال صادر نخواهد شد. ماده ۱۴ ـ جعل و سواستفاده از پروانه گذر تعقیب قانونی دارد.

۷– منابع و محیط زیست

قانون شکار و صید – مصوب خردادماه ۱۳۴۶ با اصلاحات بعدی (ماده ۱ تا ۳۳)

ماده ۱ ـ برای حفظ و حمایت و تکثیر جانوران وحشی سازمان شکاربانی و نظارت بر صید تشکیل میشود. سازمان مزبور دارای شخصیت حقوقی بوده و زیر نظر شورای عالی شکاربانی و نظارت بر صید است ماده ۲ ـ لغو شده است ماده ۳ ـ شورای عالی دارای وظایف و اختیارات زیر است الف ـ تصویب بودجه و مقررات استخدامی سازمان ب ـ تعیین محدودیت ها و ممنوعیت های زمانی و مکانی شکار و صید و حدود پارکهای ملی و مناطق حفاظت شده و قرق های اختصاصی. پ ـ تعیین انواع اسلحه و وسایل ممنوع شکار و صید. ت ـ تعیین انواع جانوران وحشی و حیوانات حمایت شده و حفاظت شده و در معرض خطر انقراض و جانوران زیان کار . ث و ج ـ لغو شده است چ ـ تعیین بهای جانوران وحشی از لحاظ مطالبه ضرر و زیان ماده ۴ ـ مصوبات شورای عالی در حدود وظایف و اختیارات مذکور در این ماده بیست روز پس از درج در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار مرکز و روزنامه رسمی کشور لازم الاجراست سازمان موظف است بلافاصله مصوبات شورای عالی را به وسیله رادیو و آگهی و سایر وسایل به اطلاع اهالی برساند. ماده ۵ ـ لغو شده است ماده ۶ ـ وظایف سازمان به قرار زیر است الف ـ اجرای مصوبات شورای عالی در حدود مقررات ماده ۳ این قانون ب ـ تنظیم و اجرای مقررات شکار و صید براساس هدفهای مندرج در این قانون پ ـ حفظ و نگاهداری شکارگاه ها و فضای حیاتی جانوران وحشی و حمایت آنها در برابر گرسنگی و تشنگی و صید و شکار بی رویه و عوامل حوادث نامساعد جوی و طبیعی مانند حریق جنگل و مراتع و سیل و طغیان رودخانه ها و بیماری های واگیر و مسمومیت نباتی و امثال آن ت ـ فراهم آوردن موجبات و محیط مساعد جهت تکثیر و پرورش جانوران وحشی. ث ـ کوشش در اصلاح نژاد جانوران وحشی. ج ـ بررسی و تحقیقات علمی درباره جانوران وحشی. چ ـ ایجاد پارکهای ملی و مناطق حفاظت شده و موزه های حیوان شناسی. ح ـ تشویق اشخاص حقیقی و حقوقی به تاسیس باغات وحش و آبگیرها و حوضچه ها جهت پرورش ماهی و پرندگان شکاری از طریق راهنمایی های فنی. خ ـ تنظیم و اجرای برنامه های آموزشی به منظور برانگیختن حس حیوان دوستی و حفاظت منابع طبیعی در کشور و تجهیز و تنویر افکار عمومی در این زمینه د ـ همکاری با سازمانهای مربوط به جنگل و مرتع و خاک و آب به منظور حفظ منابع طبیعی کشور. ذ ـ همکاری با سازمان های مشابه خارجی و بین المللی به منظور حفظ و حمایت جانوران وحشی و مهاجر در حدود تعهدات متقابل ماده ۷ ـ خرید و فروش ، تکثیر و پرورش و صدور و ورود حیوانات وحشی و اجزای آنها که غیربومی ایران بوده و از خارج به کشور وارد شده و یا از قبل در کشور تکثیر و پرورش یافته اند با کسب پروانه و یا اجازه از سازمان مجاز میباشد. ورود و صدور آن دسته از جانوران وحشی و اجزای آنهاکه در فهرست کنوانسیون تجارت بین المللی گونه های در معرض خطر انقراض ثبت شده‌اند با رعایت مقررات کنوانسیون مذکور صورت میگیرد سازمان میتواند گونه هایی که برخلاف مقررات کنوانسیون به کشور وارد شده‌اند ضبط و در صورت لزوم با هزینه واردکننده به کشور مبدأ عودت دهد. ماده ۸ ـ سازمان میتواند در موارد زیر برحسب مورد پروانه و یا اجازه رایگان صادر نماید: الف ـ جمع آوری نمونه های جانوران وحشی به منظور انجام تحقیقات و مطالعات علمی و آموزشی و یا انجام فعالیت های مورد نیاز موزه تاریخ طبیعی و نمایشگاه های تندیس آرایی . ب ـ دفع آن دسته از جانوران وحشی که به مزارع و باغ ها آسیب میرسانند. ج ـ صید برخی از گونه های آبزیان توسط ساکنان مناطق محروم در مواردی که سازمان صدور پروانه رایگان در آن مناطق ضروری بداند. د ـ تقدیر از کسانی که به تشخیص رییس سازمان ، خدمات موثری در مورد حفاظت از حیات وحش و حمایت از اهداف سازمان به عمل آورده‌اند. تبصره ـ وظایف و اختیاراتی که در این قانون برای سازمان حفاظت محیط زیست منظور شده منافی با اختیارات و وظایف شرکت سهامی شیلات ایران نمیباشد. ماده ۹ ـ چنانچه مأموران سازمان و میرشکاران و یا صاحبان مزارع و باغ ها در حدود مجوزهایصادر شده نتوانند از دفع خسارت یا صدماتی که از ناحیه جانوران وحشی به افراد ، مزارع و باغها وارد میشود جلوگیری به عمل آورند جبران خسارات وارد شده از محل درآمدهای حاصل از اجرای قانون تامین خواهد شد همچنین سازمان میتواند جهت پیشگیری از این خسارت نسبت به محصور نمودن زیستگاه های حفاظت شده جانوران وحشی از محل درآمدهای مذکور اقدام نماید. ماده ۱۰ ـ هرکس مرتکب اعمال زیر

شود به جزای نقـدی از یکصد هزار (۰۰۰/۱۰۰) تا یک میلیون (۰۰۰/۰۰۰/۱) ریـال یا حبس از یک ماه تا شـش ماه محکوم میشود: الف ـ شـکار و صـید جانوران وحشـی عادی بـدون پروانه ب ـ شـکار و صـید بیش از میزان منـدرج در پروانه و یا خلاف مقررات و خارج از محلهای منـدرج در پروانه ج ـ حمل ، عرضه ، فروش و صـدور جانوران وحشـی زنـده یا کشته و اجزای آنها بدون کسـب پروانه و یـا مجوز از سازمـان د ـ از بین بردن رسـتنی هـا از جمله قطع درختـان ، خـارزنی ، بوته کنی و تعلیف غیر مجـاز در منـاطق حفاظت شده و پناهگاه های حیات وحش و تجاوز و تخریب در این مناطق ماده ۱۱ ـ هرکس مرتکب اعمال زیر شود به جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار(۰۰۰/۵۰۰/۱) ریال تا سه میلیون (۰۰۰/۰۰۰/۳) ریال یا حبس از ۹۱ روز تا ۶ ماه محکوم میشود: الف ـ شکـار و صـید در فصول و ساعات ممنوع مقرر. ب ـ مبادرت به شـکار و صـید در مناطق ممنوع و یا خلاف محـدودیتها و ممنوعیت هـایی که سازمان درحـدود اختیارات قانونی خود تعیین و آگهی کرده است و شـکار غیر مجاز در قرقهای اختصاصـی. ج ـ شـکار و صید با وسایل و از طرق غیر مجاز و یا شکار با استفاده از اسلحه دیگران د ـ تخریب چشمه ها و آبشخور حیوانات در مناطق حفاظت شـده و پناهگاههای حیات وحش ه ـ اقدام به صدور و ورود حیوانات وحشـی موضوع ماده (۷) این قـانون به صورت غیر مجاز. ماده ۱۲ ـ هرکس مرتکب اعمـال زیر شـود به مجـازات حبس از سه مـاه تـا سه سـال و یـا به جزای نقـدی از یـک میلیـون و پانصـد هزار (۰۰۰/۵۰۰/۱) ریال تا هجـده میلیون (۰۰۰/۰۰۰/۱۸) ریال محکوم میشود: الف ـ شـکار و صـید جانوران وحشـی حمایت شده بدون داشتن پروانه ویژه ب ـ شکار و صید در مناطق حفاظت شده و پناهگاه های حیات وحش بدون تحصیل پروانه ویژه و صید غیر مجاز در رودخانه‌هـای حفـاظت شـده ج ـ از بین بردن رسـتنیها و تعلیف و تخریب در پارکهـای ملی و آثار طبیعی ملی و هرگونه تجاوز و فعالیت غیر مجاز در این گونه مناطق د ـ آلوده نمودن آب رودخانه‌ها ، دریاچه‌ها و تالابهای حفاظت شـده ، چشـمه ها و آبشـخورها به موادیکه باعث آلودگی آب و از بین رفتن آبزیان شود. ماده ۱۳ ـ هرکس مرتکب اعمال زیر شود به مجازات حبس از نود و یک روز تا سه سال یا جزای نقدی از یک میلیون و هشـتصد هزار (۰۰۰/۸۰۰/۱) ریال تا بیست میلیون (۰۰۰/۰۰۰/۲۰) ریال و در صورت تکرار به هر دو مجـازات محکوم میشود: الف ـ شـکار جـانوران وحشـی کمیـاب و در معرض خطر انقراض از قبیل جبیر ، گورخر ، گوزن زردایرانی ، یوزپلنـگ ، تمسـاح (کروکودیـل) ، هوبره و میش مرغ ب ـ شـکار در پـارک هـای ملی. ج ـ شـکار ، صـید و یا کشـتار جانوران وحشـی با اسـتفاده از سموم و مواد منفجره و امثال آن و شکار به صورت تعقیب با استفاده از وسیله نقلیه موتوری و همچنین کشـتار آنان به طریق جرگه و محاصـره دسـته جمعی . د ـ مبادرت به اقداماتی که موجب آلودگی آب دریای خزر و خلیج فـارس و دریای عمان با مواد غیرنفتی را فراهم آورده و باعث مرگ و میر آبزیان یا به خطر افتادن محیط زیست آنان شود. ه ـ ایجاد یا فراهم کردن مقدمات آتش‌سوزی در پارکهای ملی و آثار طبیعی ملی و مناطق حفاظت شده یا پناهگاه های حیات وحش براثر بی مبالاـتی یـا عـدم رعـایت مقررات محیط زیست و یا تخلف‌از نظامات دولتی. تبصـره ۱ ـ در صـورت ایجـاد آتش سوزی عمـدی در پارک های ملی و آثار طبیعی ملی ، مرتکب به مجازات های مقرر در ماده (۶۷۵) قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد. تبصره ۲ ـ هرکس مبادرت به زنـده گیری ، شـکار ، خریـد ، فروش ، حمل ، نگهـداری و صدور پرندگان شـکاری از قبیل شاهین ، بحری ، بالابان و دلیجه کنـد علاوه بر محکومیت به حـداکثر مجازات حبس مقرر در این ماده به جزای نقدی از یک میلیون و هشـتصد هزار (۰۰۰/۸۰۰/۱) ریال تا بیست میلیون (۰۰۰/۰۰۰/۲۰) ریال محکوم خواهد شد. ماده ۱۴ ـ وسایل شکار و صید از قبیل تفنگ ، فشنگ ، نورافکن ، دوربین چشـمی ، تور و قلاـب مـاهیگیری و سایر ادوات ارتکاب جرم که مرتکبان اعمال یادشـده بالا به همراه دارنـد و همچنین موتورسـیکلت هایی که مرتکبان اعمال بالا به طور مسـتقیم برای شـکار مورد اسـتفاده قرار میدهنـد توسط سازمان توقیف و این وسایل تا خاتمه رسیدگی و صـدور حکم قطعی زیر نظر سازمان به صورت امانی نگهـداری شده و دادگاه پس از صدور حکم نسـبت به اموال یاد شـده تعیین تکلیف میکند. ماده ۱۵ ـ شـروع به شـکار جانوران وحشی برخلاف مقررات این قانون قابل تعقیب و مجازات میباشد و مرتکب به حداقل مجازات مقرر محکوم خواهد شد. ماده ۱۶ ـ در صورت تکرار جرایم پیش‌بینی شده در مواد ۱۱

و ۱۲ و ۱۳ این قانون مرتکب به اشد مجازات محکوم خواهد شد. ماده ۱۷ ـ وجوه حاصله از جرایم مذکور در این قانون جز درآمد دولت محسوب و به خزانه‌داری کل پرداخت میشود. حیواناتی که برخلاف مقررات این قانون شکار یا صید شده باشند متعلق به سازمان شکاربانی خواهند بود. ماده ۱۸ ـ در مورد جرایم مذکور در این قانون سازمان از حیث مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم برحسب مورد شاکی یا مدعی خصوصی شناخته میشود. ماده ۱۹ ـ مأمورین شکاربانی که از طرف سازمان شکاربانی مأمور کشف و تعقیب جرایم فوق الذکر میشوند در صورتی که وظایف ضابطین دادگستری را در کلاس مخصوص زیر نظر دادستان شهرستان تعلیم گرفته باشند از لحاظ اجرای این قانون در ردیف ضابطین دادگستری محسوب میشوند. ماده ۲۰ ـ در صورتی که گزارش مأمور سازمان برخلاف واقع باشد مأمور مزبور به دو برابر کیفر جرمی که موضوع گزارش بوده محکوم خواهد شد. در مواردی که مأمور شکاربانی با اطلاع از وقوع جرایم مذکور در این قانون از جریان امر به مقام مسوول گزارش ندهد برحسب مورد به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد. ماده ۲۱ ـ هرگاه مأمورین سازمان خود مرتکب جرایم مندرج در این قانون شوند و یا در ارتکاب جرم مشارکت یا معاونت داشته باشند برحسب مورد به حداکثر مجازات مقرر در این قانون محکوم خواهند شد. ماده ۲۲ ـ در مورد جرایم مذکور در این قانون هرگاه عمل ارتکابی طبق سایر قوانین مستلزم مجازات شدیدتری باشد مرتکب به مجازات اشد محکوم خواهد شد. ماده ۲۳ ـ سازمان برای حفظ نسل و بررسی های علمی و پیش گیری از سرایت امراض عمومی و نظایر آن در موارد اقتضا اقدام لازم به عمل خواهد آورد. ماده ۲۴ ـ در مواردی که بنابر مقتضیات حفظ نسل و حمایت جانوران وحشی قطع اشجار و رستنی ها ضرورت داشته باشد سازمان شکاربانی با موافقت سازمان جنگلبانی اقدام خواهد نمود. ماده ۲۵ ـ جنگلهایی را که تا تاریخ تصویب این قانون بهره برداری از آنها به وسیله سازمان جنگلبانی به عمل میاید و یا با انعقاد قراردادهای لازم و طبق طرح های جنگلداری بهره برداری از آنها به اشخاص حقیقی یا حقوقی واگذار شده است تا انقضای مدت اجرای طرح نمیتوان به مناطق‌حفاظت شده یا پارک ملی اختصاص داد. ماده ۲۶ ـ سازمان جنگلبانی ایران موظف است قبل از واگذاری طرحهای بهره برداری نظر سازمان رادر مورد اجرای طرحهای مزبور از لحاظ تعیین منطقه حفاظت شده یا پارک ملی خواستار شود ولی پس از اعلام نظر نمیتوان در محدوده جنگلی که طرح آن مورد توافق قرار گرفته مناطق حفاظت شده‌یا پارک ملی اعلام کرد. ماده ۲۷ ـ در مواردی که سازمان شکاربانی بخواهد جنگلهای قابل بهره برداری را به عنوان مناطق حفاظت شده و یا پارک ملی اعلام کند باید قبلاً موافقت سازمان جنگلبانی را جلب نماید. ماده ۲۸ ـ آیین نامه های اجرایی این قانون توسط سازمان تهیه و به تصویب هیات وزیران میرسد. آیین نامه های مزبور از جمله شامل موضوعات زیر خواهد بود: الف ـ تعاریف شکار و صید حیوانات حمایت شده و جانوران زیان کار و پارک ملی و منطقه حفاظت‌شده و قرق سلطنتی و قرق اختصاصی. ب ـ تعیین مقررات مربوط به پارک ملی و منطقه حفاظت شده و قرق اختصاصی. پ ـ تعیین مقررات منع یا محدودیت خرید و فروش و عرضه و نگاهداری جانوران وحشی و همچنین تکثیر و پرورش و واردات و صادرات انها با همکاری سازمانهای مربوط در حدود قوانین کشور. ت ـ تعیین نحوه همکاری وزارتخانه‌ها و سایر سازمانهای وابسته به دولت با سازمان ث ـ تعیین انواع پروانه‌های مذکور در ماده ۷ این قانون و شرایط صدور آن ماده ۲۹ ـ امور مربوط به صید در رودخانه‌هایی که به دریای خزر میریزد تا مسافتی از مصب هریک از رودخانه ها که به پیشنهاد شرکت سهامی شیلات ایران و تصویب شورای عالی حفاظت محیط زیست تعیین میگردد و همچنین امور مربوط به صید در آبهای خلیج فارس و دریای عمان و مرداب بندر انزلی از شمول این مقررات مربوط به صید آبزیان مندرج در این قانون مستثنی است شرکت سهامی شیلات ایران و شرکت سهامی شیلات جنوب وظایف مربوط را طبق قوانین و مقررات خود عهده‌دار خواهند بود. ماده ۳۰ ـ وجوه حاصل از اجرای قانون شکار و صید غیر از درآمد ناشی از بهای پروانه های شکار وصید و ضرر و زیان که به موجب بند (الف ماده (۴۵) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت هزینه خواهد شد به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل واریز میشود. سازمان برنامه و بودجه موظف است همه ساله معادل هفتاد درصد (۷۰٪) آن را به طور جداگانه در بودجه سازمان منظور

کنـد تاصـرف حفاظت از حیات وحش ، کنترل مناطق تحت نظارت سازمان و تامین هزینه‌های مربوط به‌اجرای ماده (۹) قانون شکار و صـید ـ مصوب ۱۳۴۶ ـ و اصـلاحیه بعـدی آن شود. ماده ۳۱ ـ قانون صـید و شـکار مصوب اسفند ۱۳۳۵ ملغی است مـاده ۳۲ ـ از تاریـخ تصویب این قـانون مسـتخدمین سازمان حفاظت محیط زیست از لحاظ اسـتخدامی تابع قانون اسـتخدام کشوری خواهنـد بود. تبصره ۱ ـ نحوه اجرای ضوابط قانون استخدام کشوری و تبدیل وضع اسـتخدامی مسـتخدمین فعلی سازمان حفاظت محیط زیست با قـانون اسـتخدام کشوری و ترتیب احتسـاب سوابق خـدمتانان از لحـاظ بازنشسـتگی و وظیفه و همچنین نحوه محاسـبه و واریز کسور بازنشسـتگی گذشـته آنـان طبق آیین نـامه‌ای خواهـد بود که توسـط سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و پس از تاییـد سازمان امور اداری و اسـتخدامی کشور به تصویب هیات وزیران میرسد. تبصـره ۲ ـ سازمـان بیمه های اجتماعی موظف است کلیه وجوهی را که بابت ۵/۳ درصد حق بیمه کارکنان فعلی سازمان حفاظت محیط زیست بابت اشتغال در سازمان مزبور یا سازمان شکاربانی و نظارت بر صـید سابق دریافت داشـته است به صـندوق بازنشسـتگی کشوری واریز کند. مستمری کارکنان یا وراث آنها که به وسیله سازمان بیمه های اجتماعی پرداخت میگردد کماکان توسط سازمان مذکور پرداخت خواهد شد.

قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبزی جمهوری اسلامی ایران – مصوب شهریور ماه ۷۴ (ماده ۱ تا ۲۳

ماده ۱ ـ منـابع آبزی آب هـای تحت حاکمیت و صـلاحیت جمهوری اسـلامی ایران ثروت ملی کشور بوده ، حفظ و حراست آن از وظایف دولت جمهوری اسـلامی ایران می‌باشـد. مدیریت حفاظت و بهره برداری این منابع در جهت تامین منافع ملی کشور براساس این قـانون و مقررات اجرایی آن اعمال می گردد. ماده ۲ ـ قلمرو اجرایی این قـانون و مقررات اجرایی آن ، به جز مواردی که در این قـانون تصـریح شـده‌است کلیه آبهـای تحت حـاکمیت و صـلاحیت جمهوری اسـلامی ایران اعم از آبهـای داخلی و مرزی و دریایی می‌باشد. ماده ۳ ـ شـرکت سهامی شیلات ایران به منظور افزایش کمی و کیفی تولید محصولات آبزی حمایت از اشخاص حقیقی و حقوقی فعـال در بخش شـیلات و آبزیـان و مـدیریت توسـعه و بهره برداری منـابع موجود اقـدامات زیر را انجـام می‌دهـد: ۱ ـ انجام تحقیقـات علمی و کـاربردی پیرامون موضوعات مرتبط با آبزیان از قبیل حیات ، گونه های قابل بهره برداری ، محیط زیست ، میزان منابع ، حفاظت و مدیریت ذخایر موجود در آبهای موضوع ماده ۲ این قانون ۲ ـ انجام تحقیقات و اقدامات لازم پیرامون صید و نحوه بهره برداری ، تکثیر و پرورش آبزیـان و عمـل آوری محصولات آبزی ۳ ـ انجام اقـدامات مربوط به مدیریت صـید و اعمال مقررات مربوط به آن ، حفـاظت منـابع ، بازسـازی ذخـایر موجود ، بهسـازی محیط زیست آبزیان و آبزی دار کردن اقتصادی آبهای موضوع ماده ۲ این‌قانون ۴ ـ تاسیس ، توسعه ، نگهـداری و مدیریت بنادر صـیادی با رعایت وظایف سایر ارگانها. ۵ ـ هـدایت و نظارت بر کلیه فعـالیت هـای صـیادی ، تکثیر و پرورش آبزیان ، عمل آوری ، صادرات و واردات آبزیان توسط اشـخاص حقیقی و حقوقی ۶ ـ تشویق و حمایت فعالیتهای صـید و صیادی ، تولید و پرورش آبزیان و صنایع تبدیلی آبزیان از طریق انجام مطالعات ، ارایه آموزش و ترویـج و خـدمات فنی و مشـاوره ای تبصـره ـ وظـایف و اختیـارات شـرکت سـهامی شـیلات ایران در ایـن قـانون نـافی وظـایف و اختیارات‌سازمان حفاظت محیط زیست نخواهـد بود. ماده ۴ ـ صـید و فرآورده های عمل آوری شده بر روی شـناورهای صیادی در آبهای تحت حاکمیت و صـلاحیت جمهوری اسـلامی ایران در حکم تولیـدات داخلی محسوب می گردد و صـدور آن تابع مقررات صادرات و واردات کشور می‌باشـد. ماده ۵ ـ ثبت شـناور ماهیگیری توسط سازمان بنادر و کشتیرانی منوط به موافقت کتبی شـرکت سهامی شـیلات ایران می‌باشد. ماده ۶ ـ هیـچ شـخص حقیقی یا حقوقی نمی‌توانـد بـدون کسب پروانه معتبر مبادرت به بهره برداری آبزیان در آبهای موضوع ماده ۲ این قانون نمایـد شـرایط صدور ، تعلیق ، ابطال ، مدت اعتبار ونحوه تمدید و انتقال کلی یا جزیی و میزان تعرفه پروانه صـید براسـاس آیین‌نـامه اجرایی این قانون تعیین می گردد. ماده ۷ ـ میزان تعرفه مربوط به شـناورهای خـارجی که وفق ضوابط مقرر در این قانون اقدام به فعالیت های صـیادی در آبهای تحت حاکمیت و صلاحیت جمهوری اسلامی ایران می‌نمایند

به پیشنهاد وزارت جهاد سازندگی و تصویب هیات وزیران تعیین می گردد. ماده ۸ ـ تعاونیها ، اتحادیه‌ها و شرکتهای مرتبط با صید و پرورش آبزیان با رعایت قوانین و مقرراتوزارت تعاون و با موافقت و نظارت شیلات تاسیس می‌شود. ماده ۹ ـ بنادر صیادی تحت سرپرستی و نظارت شیلات اداره خواهد شد. تبصره ۱ ـ ارایه خدمات و اداره تاسیسات بندری حسب مورد می تواند به شرکتهای تعاونی یا خصوصی واگذار شود. تبصره ۲ ـ شیلات مجاز است بابت حق ورود ، پهلوگیری و توقف شناورها در بنادر صیادی مبالغی را براساس تعرفه هایی که به تصویب هیات وزیران می‌رسد ، دریافت دارد. ماده ۱۰ ـ به منظور حمایت از صیادان ساحلی فعالیت شناورهای صید صنعتی در داخل آبهای ساحلی جمهوری اسلامی ایران ممنوع می‌باشد. ماده ۱۱ ـ به منظور حمایت از فعالیتهای صید و صیادی الف ـ شیلات می‌تواند مالکان شناورهای صید صنعتی ایرانی و خارجی را ملزم به بیمه نمودن شناورهای خود نزد بیمه گران ایرانی یا دارای نمایندگی در ایران برای جبران خسارت احتمالی وارده از جانب این شناورها در محدوده آبهای ساحلی به شناورهای صید ساحلی بنماید. ب ـ صندوق بیمه محصولات کشاورزی مکلف است نسبت به بیمه نمودن محصولات صید شده وسایر شرکتهای بیمه نسبت به بیمه نمودن ابزار و آلات صید اقدام نماید. ج ـ شرکت سهامی شیلات ایران هنگام صدور پروانه صید و صیادی برای کلیه شناورها موظف‌است قبلا بیمه نامه شناور و ابزار و ادوات را دریافت نماید. ماده ۱۲ ـ حمل و استفاده از ابزار و ادوات صیادی غیر مجاز و همچنین موادی از قبیل مواد منفجره ،سمی و یا برقی که باعث ضعف ، بیماری و یا مرگ آبزیان شوند ممنوع می‌باشد. ماده ۱۳ ـ شناورهای صیادی خارجی مجاز به صید در آبهای موضوع ماده (۲) این قانون نمی‌باشند مگر براساس شرایط مندرج در موافقتنامه های منعقده مابین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت‌صاحب پرچم صید شناورهای صیادی خارجی برای شرکتهای ایرانی که با موافقت شیلات و براساس مقررات مندرج در این قانون و سایر قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران نسبت به انعقاد قرارداد با صاحبان شناورهای صیادی خارجی اقدام نموده‌اند ، مجاز می‌باشد. ماده ۱۴ ـ طرح مدیریت ذخایر آبهای مندرج در ماده (۲) این قانون با هدف شناسایی و معرفی ذخایر قابل بهره برداری براساس مطالعات و تحقیقات علمی شیلات تهیه می گردد. این طرح باید دربرگیرنده شرایط زمانی ، مکانی ، مقداری ، روشی ، گونه‌ای و ابزاری صید آبزیان باشد به نحوی که بهره‌برداری پایدار از منابع آبزی را تضمین نماید. تبصره ـ شیلات مکلف است پروانه صید را براساس طرح فوق صادر نماید. ماده ۱۵ ـ شناورهای صیادی مجاز به فعالیت در آبهای موضوع ماده (۲) این قانون مکلفند علایم ،اسامی ، حروف و شماره هایی که طبق ضوابط مندرج در مقررات اجرایی این قانون شناسایی و تعیین هویت آنها را ممکن می‌سازد به‌طور دایم در معرض دید قرار دهند. ماده ۱۶ ـ شناورهای صیادی مجاز به فعالیت در آبهای موضوع ماده (۲) این قانون و همچنین شناورهای صیادی ایرانی فعال در خارج از آبهای موضوع ماده (۲) این قانون مکلفند داده های آمار و اطلاعات مربوط به صید انجام شده را در اوراق چاپی و در مدت‌زمان معینی که در مقررات اجرایی تعیین می‌شود به شرکت سهامی شیلات ایران انتقال دهند. ماده ۱۷ ـ انجام هرگونه فعالیت تکثیر و پرورش آبزیان با کسب مجوز از شرکت سهامی شیلات ایران توسط اشخاص حقیقی و حقوقی که دارای شرایط مندرج در این قانون و مقررات اجرایی آن‌هستند ، مجاز می‌باشد. ماده ۱۸ ـ چنانچه ایجاد مزارع و تاسیسات تکثیر و پرورش آبزیان باعث خسارت به منابع آبزی شود ، صدور مجوز تکثیر و پرورش ممنوع خواهد بود. در صورتی که تاسیسات تکثیر و پرورش درمعرض آلودگی یا بیماریهای مسری باشند ، شیلات موظف است دستور اتخاذ تدابیر حفاظتی لازم را صادر نماید. ماده ۱۹ ـ اقدامات موضوع ماده (۳) شرکت سهامی شیلات ایران در آبهای داخلی (پشت سدها یا رودخانه ها) باید با هماهنگی قبلی وزارت نیرو منطبق با برنامه های استفاده از آب صورت گیرد. آبزی دار کردن آبهای مورد استفاده برای شرب یا آبهایی که برای مصارف کشاورزی باید طبق برنامه تامین آب در زمان معین رها شده و به مصرف برسد صرفا پس از هماهنگی و کسب مجوز از وزارت نیرو میسر می‌باشد. ماده ۲۰ ـ ضوابط مربوط به ساخت تاسیسات عمل آوری و انجام هرگونه فعالیت عمل آوری و کنترل و نظارت بر فعالیتهای این موسسات توسط شرکت شیلات تعیین می گردد. ماده ۲۱ ـ بازرسی و کشف جرایم در اجرای این قانون و آیین نامه

اجرایی آن از طریق نیروی انتظامی به عنوان ضابط قوه قضاییه انجام می‌شود. تبصره ـ حدود اختیارات و شرح وظایف مأمورین نیروی انتظامی در اجرای این قانون با توجه به مقررات نیروی انتظامی تعیین خواهد شد. ماده ۲۲ ـ الف ـ هر شناور صیادی خارجی که بدون کسب پروانه لازم پیش بینی شده در این قانون اقدام به انجام فعالیت صیادی در آبهای مذکور در ماده ۲ این قانون بنماید به پرداخت جزای نقدی از دو میلیون ریال تا یکصد میلیون ریال و مصادره محصولات صیادی محکوم می گردد. علاوه بر مجازات فوق الذکر دادگاه می‌تواند شناور صیادی ، آلات و ادوات صید و سایر ابزار موجود در شناور را نیزمصادره نماید. ب ـ مرتکبین جرایم ذیل ۱ ـ انجام فعالیت صیادی اشخاص ایرانی بدون کسب پروانه لازم پیش بینی شده در این قانون ۲ ـ انتقال غیر مجاز محصولات صیادی از شناور به شناورهای غیر مجاز. ۳ ـ عرضه و انتقال آبزیان به منظور تکثیر و پرورش آنها بدون داشتن گواهی بهداشتی ۴ ـ فروش آلات و ادوات صیادی غیر مجاز. ۵ ـ تغییر مسیر ، ایجاد موانع فیزیکی و احداث هرگونه تاسیسات غیر مجاز در رودخانه هایی که به‌عنوان مسیر مهاجرت یا تکثیر طبیعی آبزیان تعیین شده‌اند. ۶ ـ ایجاد هرگونه آلودگی یا انتشار بیماریهای مسری و تخلیه فاضلابهای صنعتی و هرگونه مواد آلاینده که باعث خسارت به منابع آبزی شود. با حکم محاکم قضایی محکوم به پرداخت جزای نقدی تا سه برابر ارزش محصول (متناسب با نوع تخلف ، ظرفیت شناور ، میزان و نوع صید) برای موارد ۱ ، ۲ ، ۳ و یا یک تا پنج میلیون ریال برای سایر موارد می‌شود. به علاوه دادگاه می‌تواند محصولات صیادی و پرورشی و یا حاصل فروش آنها و آلات و ادوات صید و سایر ابزار و مواد به کار رفته در ارتکاب جرایم را مصادره نماید و واحد آلاینده را نیز تا رفع نقص از ادامه کار بازدارد. در صورت تکرار جرایم مقرر در این بند دادگاه علاوه بر مجازات مقرر ، آلات و ادوات صید و سایر ابزار و ادوات به کار رفته در ارتکاب جرایم مذکور را مصادره می‌نماید. ج ـ شرکت سهامی شیلات ایران می‌تواند صیادانی را که مرتکب یک یا تمام جرایم زیر شده باشند به دادگاه معرفی نماید. دادگاه نسبت به مراتب و درجات جرم مرتکبین را به پرداخت جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال و مصادره محصولات صیادی و ابزار و آلات صید محکوم می‌نماید: ۱ ـ صید در مناطق یا فصول ممنوعه ۲ ـ صید گونه‌هایی که صید آنها ممنوع اعلام شده است ۳ ـ صید گونه‌هایی که برای آنها اجازه لازم دریافت نشده است ۴ ـ فعالیت شناورهای صیادی صنعتی در مناطق صید ساحلی ۵ ـ صید با آلات و ادوات و مواد غیر مجاز و یا نگاهداری این گونه آلات و ادوات و مواد در شناور بدون کسب مجوز از شیلات ۶ ـ حمل و نگهداری محصولات صید شده غیر مجاز در شناور. ۷ ـ عدم ارسال اطلاعات مربوط به ماده ۱۶ این قانون و یا ارایه اطلاعات غیر واقعی مربوط به صیدو فعالیتهای تکثیر و پرورش انجام شده و به ترتیب مقرر در این قانون و مقررات اجرایی آن ۸ ـ عدم رعایت مقررات مربوط به در معرض دید قرار دادن علایم ، اسامی ، حروف و شماره هایی که شناسایی یا تعیین هویت شناور را ممکن می‌سازد. د ـ صید ، عمل آوری ، عرضه ، فروش ، حمل و نقل ، نگهداری ، واردات و صادرات انواع ماهی های خاویاری و خاویار بدون اجازه شیلات ممنوع است و مرتکب یا مرتکبین به جزای نقدی تا سه برابر ارزش محصول (متناسب با نوع و میزان صید) و حبس (از) یک تا سه ماه محکوم می‌شوند. در صورت تکرار جرایم مقرر در این بند دادگاه مرتکب یا مرتکبین را علاوه بر جزای نقدی مقرر به نود و یک روز تا شش ماه حبس تعزیری محکوم می‌نماید. ماده ۲۳ ـ آیین نامه های اجرایی مورد نیاز این قانون ظرف مدت سه ماه به پیشنهاد وزارت جهاد سازندگی با هماهنگی سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب هیات وزیران می‌رسد.

قانون حفظ و حمایت ازمنابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور – مصوب مهرماه ۱۳۷۱ (مواد ۱ تا ۳)

ماده ۱ ـ از تاریخ تصویب این قانون گونه های درختانی از قبیل شمشاد ، زربین ، سرخدار ،سورخمره ای ، سفید پلت ، حراو چندل ، ارس ، فندق ، زیتون طبیعی ، بنه (پسته وحشی) ، گون ، ششم ،گردو (جنگلی) و بادام وحشی (بادامک) در سراسر کشور جز ذخایر جنگلی محسوب و قطع آنها ممنوع میباشد. تبصره ۱ ـ وزارت جهاد سازندگی موظف است مناطق استقرار گونه های یاد شده

را مشخص وحفاظت نموده و متخلفین را به مراجع قضایی معرفی نماید. تبصره ۲ ـ در مواردی که قطع این گونه ها بر اساس طرح مصوب و بنابر ضرورت و مسایل فنی و توسعه گونه‌های دیگر لازم باشد با تایید وزارت جهاد سازندگی مجاز خواهد بود. تبصره ۳ ـ متخلفین از این قانون برای بار اول علاوه بر پرداخت خسارتی که حسب مورد توسط کارشناسان مربوطه وزارت جهاد سازندگی ارزیابی خواهد گردید به حبس از یکماه تا ششماه و پرداخت جزای نقدی برای هر اصله درخت معادل یک برابر و نیم قیمت روز آن و در صورت تکرار به اشد مجازات محکوم می‌شوند. تبصره ۴ ـ اجازه داده می‌شود که هر ساله معادل ۳۰ درصد از درآمد حاصل از دریافت جرایم و فروش مواد بازداشتی ناشی از اجرای این قانون که از متخلفین مربوطه اخذ و به حسابی که توسط خزانه به همین منظور افتتاح می گردد. واریز و جهت پرداخت حق الکشف به مأمورین کاشف سازمان جنگلها و مراتع کشور و مخبرین و مأمورین انتظامی در اختیار سازمان مزبور قرار داده شودتا برابر آیین نامه نسبت به تقسیم آن اقدام نماید. سازمان برنامه و بودجه مکلف است هر ساله ضمن لایحه بودجه اعتبار مربوط به ۳۰ درصد درآمد حاصل موضوع این تبصره را در ردیف جداگانه پیشنهاد و منظور نماید. تبصره ۵ ـ در صورت همکاری کارگزاران و مأمورین سازمان جنگلها و مراتع با متخلفین ، به تناسب جرم به اشد مجازات مقرر در قوانین و مقررات مربوطه محکوم می‌شوند. ماده ۲ ـ تشخیص منابع ملی و مستثنیات ماده ۲ قانون ملی شدن جنگلها و مراتع با رعایت تعاریف مذکور در قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع با وزارت جهاد سازندگی است که شش ماه پس از اخطار کتبی یا آگهی به وسیله روزنامه های کثیرالانتشار مرکز و یکی از روزنامه های محلی و سایر وسایل معمول و مناسب محلی ، ادارات ثبت موظفند پس از انقضای مهلت مقرر در صورت نبودن معترض حسب اعلام وزارت جهادسازندگی نسبت به صدور سند مالکیت به نام دولت جمهوری اسلام ایران اقدام نمایند. تبصره ۱ ـ معترضین می‌توانند پس از اخطار یا آگهی وزارت جهادسازندگی اعتراضات خود را با ارایه ادله مثبته جهت رسیدگی به هیأت مذکور در قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع مصوب ۲۲/۶/۱۳۶۷ مجلس شورای اسلامی تسلیم نمایند. صدور سند مالکیت به نام دولت جمهوری اسلامی ایران مانع مراجعه معترض به هیات مذکورنخواهد بود. تبصره ۲ ـ عبارت وزارت کشاورزی در ذیل ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع مصوب ۲۲/۶/۱۳۶۷ و تبصره ۶ ذیل آن به وزارت جهادسازندگی تغییر یافته و کمیسیون موضوع ماده واحده همچنان به اعتراضات رسیده به اجرای ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع رسیدگی می‌نماید. ماده ۳ ـ آیین نامه های اجرایی این قانون ظرف مدت دو ماه توسط وزارت جهاد سازندگی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست – مصوب خرداد ماه ۱۳۵۳ (ماده ۱ تا ۲۱)

ماده ۱ ـ حفاظت و بهبود سازی محیط زیست و پیشگیری و ممانعت از هر نوع آلودگی و هر اقدام مخربی که موجب بر هم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست می‌شود ، همچنین کلیه امور مربوط به جانوران وحشی و آبزیان آبهای داخلی از وظایف سازمان حفاظت محیط زیست است که در این قانون سازمان نامیده می‌شود وابسته به نخست وزیری ودارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و زیر نظر شورای عالی حفاظت محیط زیست انجام وظیفه می کند. تبصره ۱ ـ شرکت سهامی شیلات ایران و شرکت سهامی شیلات جنوب به موجب قوانین و مقررات مربوط به خود عمل خواهند کرد. ماده ۲ ـ ریاست شورای عالی حفاظت محیط زیست با رییس جمهور است و اعضای آن عبارتند از: وزرای کشاورزی ، کشور ، صنایع ، مسکن و شهرسازی ، جهاد سازندگی ، بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی ، رییس سازمان برنامه و بودجه ، رییس سازمان حفاظت محیط زیست و چهار نفر از اشخاص یا مقامات ذی صلاح که بنا به پیشنهاد رییس سازمان حفاظت محیط زیست و تصویب رییس جمهور برای مدت سه سال منصوب می‌شوند. تبصره ـ در موارد لزوم بر حسب مورد به پیشنهاد رییس سازمان حفاظت محیط زیست و تصویب

رییس جمهور از سایر وزرا برای حضور در جلسات شورای عالی دعوت به عمل می‌آید. وزرایی که بدین نحو به جلسات دعوت می‌شوند در تصمیم‌گیری شورا حق رای دارند. ماده ۳ ـ شورای عالی حفاظت محیط زیست علاوه بر وظایف و اختیاراتی که در قانون شکار و صید برای شورای عالی شکاربانی و نظارت بر صید مقرر بوده دارای وظایف و اختیارات زیر است الف ـ تعیین مناطقی تحت عنوان پارک ملی ـ آثار طبیعی ملی ـ پناهگاه حیات وحش و منطقه حفاظت شده و تصویب حدود دقیق این مناطق با رعایت نکات زیر: ۱ ـ مفاد ماده ۲۷ قانون شکار و صید مصوب خرداد ماه ۱۳۴۶ همچنین قوانین و مقررات مربوط به سازمان جنگلها و مراتع ۲ ـ کسب موافقت وزیر کشاورزی و منابع طبیعی در مورد مناطقی که با اجازه یا توسط سازمان جنگلها و مراتع کشور در آنها طرح جنگلداری یا مرتع داری به موقع عمل گذارده شده یا می‌شود. ۳ ـ کسب موافقت وزیر اقتصاد در مورد مناطقی که طرحهای اکتشاف و بهره برداری از مواد معدنی طبق قوانین مربوط اجرا می گردد. صدور هر گونه پروانه اکتشاف و بهره برداری از مواد معدنی برای مناطقی که تحت عنوان پارک ملی ـآثار طبیعی ملی ـ پناهگاه حیات وحش و منطقه حفاظت شده تعیین گردیده‌اند موکول به موافقت شورای عالی محیط زیست می‌باشد. تبصره ـ تعریف مناطق و تعیین ضوابط و مقررات مربوط به مناطق مذکور در این بند به موجب آیین نامه اجرایی این قانون خواهد بود. ب ـ تعیین انواع و مدت اعتبار و بهای پروانه‌های موضوع ماده ۸ این قانون ج ـ موافقت با اعطای جایزه به اشخاص طبق آیین نامه اجرایی این قانون ماده ۴ ـ هر نوع ممنوعیت و محدودیت و مقرراتی که برای مناطق مذکور در بند (الف ماده ۳ این قانون برقرار می گردد نباید با حق مالکیت یا حق انتفاع اشخاصی که در داخل این مناطق قانونا دارا هستند مغایر باشد. ماده ۵ ـ رییس سازمان حفاظت محیط زیست توسط رییس جمهور انتخاب و سمت دبیر شورای عالی حفاظت محیط زیست را نیز برعهده دارد. ماده ۶ ـ سازمان علاوه بر وظایف و اختیاراتی که در قانون شکار و صید برای سازمان شکاربانی و نظارت بر صید مقرر بوده دارای وظایف و اختیارات زیر است الف ـ انجام دادن تحقیقات و بررسی های علمی و اقتصادی در زمینه حفاظت و بهبود و بهسازی محیط زیست و جلوگیری از آلودگی و برهم خوردن تعادل محیط زیست از جمله موارد ذیل ۱ ـ طرق حفظ تعادل اکولوژیک طبیعتی (حفظ مناسبات محیط زیست ۲ ـ تغییراتی که تاسیسات و مستحدثات مختلف در وضع فیزیکی و شیمیایی و بیولوژیک خاک ، آب و هوا ایجاد می‌نماید و این تغییرات سبب دگرگونی وضع طبیعی می گردند. مانند تغییر و تخریب مسیر رودخانه ها ، تخریب جنگلها و مراتع دگرگونی اکولوژی دریاها به هم خوردن زهکشی طبیعی آبها و دگرگونی و انهدام تالابها. ۳ ـ استفاده از سموم کشاورزی یا مواد مصرفی زیان آور به محیط زیست ۴ ـ طرز جلوگیری از پخش و ایجاد صداهای زیان آور به محیط زیست ۵ ـ حفظ محیط زیست از نظر ظواهر طبیعت و طرق زیباسازی آن ب ـ پیشنهاد ضوابط به منظور مراقبت و جلوگیری از آلودگی آب ، هوا ، خاک ، پخش فضولات اعم اززباله و مواد زاید کارخانجات و به طور کلی عواملی که موثر بر روی محیط می‌باشند. ج ـ هرگونه اقدام مقتضی به منظور بهبود و بهسازی محیط زیست در حدود قوانین مملکتی با حفظ حقوق اشخاص دـ تنظیم واجرای برنامه های آموزشی به منظور تنویر و هدایت افکار عمومی در زمینه حفظ و بهسازی محیط زیست ه ـ ایجاد باغهای وحش و موزه تاریخ طبیعی و ـ برقراری هرگونه محدودیت و ممنوعیت موقتی زمانی ـ مکانی ـ نوعی ـ طریقی و کمی شکار و صید و اعلام آن طبق مقررات ماده ۴ قانون شکار و صید. زـ همکاری با سازمانهای مشابه خارجی و بین المللی به منظور حفظ محیط زیست در حدود تعهدات متقابل ماده ۷ ـ هرگاه اجرای هر یک از طرحهای عمرانی و یا بهره برداری از آنها به تشخیص سازمان با قانون و مقررات مربوط به حفاظت محیط زیست مغایرت داشته باشد. ماده ۸ ـ مبادرت به هرگونه شکار و صید و پرورش و تکثیر و نگاهداری و خرید و فروش جانوران وحشی و اجزا آن و استفاده و سیاحت از مناطق مذکور در بند (الف ماده ۳ این قانون مستلزم تحصیل پروانه یا اجازه از سازمان می‌باشد ، در هر یک از موارد فوق که ضرورت ایجاب نماید سازمان می‌تواند با تصویب شورای عالی حفاظت محیط زیست اجاز یا پروانه رایگان صادر نماید. تبصره ـ در مواردی که صدور پروانه های موضوع این ماده همچنین صدور پروانه صادرات و واردات جانوران وحشی و اجزا آنها به موجب قوانین

مربوط به وزارتخانه ها یا سازمانهای دیگری محول گردیده مرجع صادر کننده پروانه با جلب موافقت سازمان اقدام خواهد کرد. ماده ۹ ـ اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم نماید ممنوع است منظور از آلوده ساختن محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یاخاك یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که زیان آور به حال انسان یا سایر موجودات زنده و یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد تغییر دهد. تبصره ـ استعمال سموم به منظور مبارزه با آفات نباتی و جانوران و حشرات موذی با رعایت قوانین و مقررات وزارت کشاورزی و منابع طبیعی مشمول این ماده نخواهد بود ولی در صورتی که استفاده از سموم برای مقاصد بالا ـ مغایر با بهسازی محیط زیست باشد سازمان ضرورت تجدید نظردر مقررات مربوط و جایگزینی مواد و طرق دیگری را برای دفع آفات توصیه خواهد نمود. ماده ۱۰ ـ مقررات جلوگیری از آلودگی یا تخریب محیط زیست و جلوگیری از پخش و ایجاد صداهای زیان آور به محیط زیست و همچنین ضوابط تعیین معیار و میزان آلودگی موضوع ماده ۹ این قانون و محدودیت و ممنوعیت های مربوط به حفظ و بهبود و بهسازی محیط زیست به موجب آیین نامه هایی خواهد بود که به تصویب کمیسیون‌های کشاورزی و منابع طبیعی و بهداری و دادگستری مجلسین برسد. ماده ۱۱ ـ سازمان با توجه به مقررات و ضوابط مندرج در آیین نامه های مذکور در ماده ۱۰ کارخانجات و کارگاه هایی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم می‌نماید مشخص و مراتب را کتبا با ذکر دلایل بر حسب مورد به صاحبان یا مسوولان آنها اخطار می‌نماید که ظرف مدت معینی نسبت به رفع موجبات آلودگی مبادرت یا از کار و فعالیت خودداری کنند. درصورتی که در مهلت مقرر اقدام ننمایند به دستور سازمان از کار و فعالیت آنها ممانعت به عمل‌خواهد آمد. درصورتی که اشخاص ذی نفع نسبت به اخطار یا دستور سازمان معترض باشند می‌توانند به دادگاه شهرستان محل شکایت نمایند دادگاه فورا و خارج از نوبت به موضوع رسیدگی می‌کند و درصورتی که اعتراض را وارد تشخیص دهد رای به ابطال اخطار یا رفع ممانعت خواهد داد. رای دادگاه قطعی است تبصره ـ رییس سازمان می‌تواند در مورد منابع و عواملی که خطرات فوری در بر داشته باشند بدون اخطار قبلی دستور ممانعت از ادامه کار و فعالیت آنها را بدهد. ماده ۱۲ ـ صاحبان یا مسوولان کارخانجات و کارگاه های موضوع ماده ۱۱ مکلفند به محض ابلاغ دستور سازمان ، کار یا فعالیت ممنوع شده را متوقف و تعطیل نمایند. ادامه کار یا فعالیت مزبور منوط به اجازه سازمان یا رای دادگاه صلاحیتدار خواهد بود. در صورت تخلف به حبس جنحه ای از شصت و یک روز تا یک سال و یا پرداخت جزای نقدی از پنج هزار و یک تا پنجاه هزار ریال یا به هردو مجازات محکوم خواهند شد. ماده ۱۳ ـ کسانی که از مقررات و ضوابط مذکور در آیین نامه های موضوع ماده ۱۰ تخلف نمایند برحسب مورد که در آیین نامه های مزبور تعیین خواهد شد به جزای نقدی از پانصد ریال تا پنجاه هزارریال محکوم خواهند شد. ماده ۱۴ ـ در مورد جرایم مذکور در این قانون سازمان حسب مورد شاکی یا مدعی خصوصی شناخته می‌شود. ماده ۱۵ ـ مامورین سازمان که از طرف سازمان مأمور کشف و تعقیب جرایم فوق الذکر می‌شوند درصورتی که وظایف ضابطین دادگستری را در کلاس مخصوص زیر نظر دادستان شهرستان تعلیم گرفته باشند از لحاظ اجرای این قانون و قانون شکار و صید در ردیف ضابطین دادگستری محسوب می‌شوند. تبصره ـ در مواردی که سازمان‌های دیگر به موجب قوانین مربوط مأمور تعقیب جرایم مذکور دراین قانون باشند سازمان نظر خود را به آن سازمان ها اعلام خواهد کرد. ماده ۱۶ ـ کلیه عرصه و اعیان املاك متعلق به دولت واقع در محدوده مناطق مذکور در بند الف ماده۳ همچنین کلیه تالابهای متعلق به دولت در اختیار سازمان قرار خواهد داشت و سازمان در بهره‌برداری از تالابها (به استثنای مرداب بندر انزلی و املاك مذکور قایم مقام قانونی موسسات یا سازمانهای مربوط می‌باشد ولی حق واگذاری عین آنها را ندارد. تبصره ۱ ـ در صورتی که استفاده از منابع مذکور مستلزم قطع درخت باشد سازمان جنگلها و مراتع کشور طبق طرح سازمان رأسا عمل خواهد نمود. تبصره ۲ ـ نحوه واگذاری منافع املاك مذکور در این ماده در آیین نامه اجرایی این قانون تعیین‌خواهد شد. ماده ۱۷ ـ در صورتی که عرصه و اعیان املاك واقع در محدوده مناطق مذکور در بند (الف ماده ۳ این قانون مورد نیاز باشد سازمان می‌تواند طبق مقررات قانون خرید اراضی و

ابنیه و تاسیسات برای‌حفظ آثار تاریخی و باستانی مصوب آذرماه ۱۳۴۷ خریداری و تصرف نماید. ماده ۱۸ ـ سازمان دارای گاردی خواهد بود با لباس متحدالشکل و تجهیزات لازم ماده ۱۹ ـ مناطقی از کشور که مقررات مواد ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ این قانون در آنها اجرا خواهد شد از طرف سازمان با رعایت شرایط و ضوابطی که در آیین نامه اجرایی این قانون مقرر می گردد تعیین و پس از تصویب شورای عالی اعلام می‌شود. ماده ۲۰ ـ سازمان می‌تواند با تصویب شورای عالی حفاظت محیط زیست قسمتی از وظایف و اختیارات خود را نسبت به اجرای مواد ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ این قانون در محدوده شهرها و هر یک از مناطق کشور ضمن تعیین حدود بر حسب مورد به شهرداری های مربوط یا هر سازمان دولتی ذی ربط محول نماید ، در این صورت شهرداریها و سازمانهای مذکور مسوول اجرای آن خواهند بود. ماده ۲۱ ـ آیین نامه اجرایی این قانون به استثنای آیین نامه‌های مذکور در ماده ۱۰ پس از تایید شورای عالی حفاظت محیط زیست به تصویب هیات وزیران می‌رسد.

لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها – مصوب خرداد ماه ۱۳۵۹ شورای انقلاب (ماده ۱ تا ۸)

ماده ۱ ـ به منظور حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی رویه درختان ، قطع هر نوع درخت در معابر ، میادین ، بزرگراهها و پارک ها ، باغات و محلهایی که به صورت باغ شناخته شوند در محدوده قانونی و حریم شهرها بدون اجازه شهرداری ممنوع است ضوابط مربوط به چگونگی اجرای این ماده پس از تهیه توسط شهرداری و تصویب شورای شهر قابل اجراست ماده ۲ ـ شهرداری ها در محدوده قانونی و حریم شهرها مکلفند ظرف مدت یک سال شناسنامه ای شامل تعداد و نوع و محیط و سن تقریبی درختان محلهای مشمول این قانون را تنظیم کنند و این شناسنامه هر پنج سال یک بار قابل تجدید و سند اجرای این قانون می‌باشد. تبصره ـ شهرداریها مکلفند درختان معابر ، میادین ، بزرگراهها و پارکها را پس از تنظیم مشخصات آنان پلاک کوبی کنند. ماده ۳ ـ مأموران شهرداریها برحسب مورد می‌توانند برای تنظیم یا تطبیق برگ شناسایی درختان با در دست داشتن معرفی نامه و نمایندگی دادستانی وارد محلهای مشمول این قانون بشوند. ماده ۴ ـ از تاریخ اجرای این قانون اعم از اینکه شناسنامه موضوع ماده ۲ تنظیم و ابلاغ شده باشد یا نه قطع درختان مشمول قانون ممنوع است مگر با تحصیل اجازه از شهرداری طبق مقررات و ضوابط مربوط تبصره ۱ ـ اراضی مشجر و اماکن مسکونی و محلهای کسب و پیشه و تجارت که مساحت آن از پانصد مترمربع تجاوز نکند از شمول این قانون مستثنی است تفکیک قطعات اراضی مشجر و باغات بزرگتر از پانصدمتر مربع با رعایت مقررات شهرسازی مجاز است ولی قطع درخت در قطعات تفکیک شده به هر مساحت که باشد بدون تحصیل اجازه طبق مقررات این قانون ممنوع است تبصره ۲ ـ در پروانه های ساختمانی که براساس طرح جامع و یا هادی شهرها از طرف شهرداری ها صادر می‌شود تعداد درختی که در اثر ساختمان باید قطع شود تعیین و قید خواهد شد. در صورتی که پس از دریافت پروانه و قطع درخت ظرف مدت مندرج در پروانه بدون عذر موجه اقدام به ساختمان نشود مرتکب مشمول مجازاتهای مقرر در این قانون خواهد بود. تبصره ۳ ـ مالکین باغات و محلهایی که به صورت باغ شناخته شوند مکلفند به ازای درختهایی که اجازه قطع آنان از طرف شهرداری صادر می‌شود به تعداد دو برابر در همان محل و یا هر محلی که شهرداری تعیین خواهد کرد بر طبق ضوابط و دستورالعمل های موجود در فصل مناسب غرس‌نمایند. تبصره ۴ ـ کاشت و حفاظت و آبیاری درختان معابر ، میادین ، بزرگراه ها و پارک های عمومی از اهم وظایف شهرداریها می‌باشد. ماده ۵ ـ ضوابط مربوط به خزانه و جابه جا کردن ـ جانشین ساختن و قطع درختان که ملازمه با بهره برداری از نهالستان ها ، قلمستان ها و باغات و موارد دیگر دارد به موجب آیین نامه های اجرایی این قانون تعیین خواهد گردید. ماده ۶ ـ هرکس عالما و عامدا و برخلاف مقررات این قانون مرتکب قطع و یا موجبات از بین رفتن درختان مشمول آن قانون را فراهم سازد به حبس جنحه ای تا سه سال و پرداخت جزای نقدی برحسب نوع و محیط ، سن درخت و موقعیت آن از یک هزار ریال تا یکصد هزار ریال محکوم خواهد شد. تبصره ۱ ـ در صورتی که قطع درخت از طرف مالکین به نحوی باشد که باغی را از بین ببرد و از

زمین آن به صورت تفکیک و خانه سازی استفاده کند همه زمین به نفع شهرداری ضبط می‌شود و به مصرف خدمات عمومی شهر و محرومین می‌رسد. تبصره ۲ ـ مجازاتهای مذکور در این ماده قابل تعلیق و یا تبدیل به جزای نقدی نبوده و احکام صادره فقط قابل پژوهش خواهد بود. ماده ۷ ـ گزارش مأموران شهرداری های مامور اجرای این قانون که قبلا با وظایف ضابطین دادگستری آشنا شده‌اند به منزله گزارش ضابطین دادگستری است ماده ۸ ـ هرکس اعم از مأموران مجری این قانون و یا سایر اشخاص عالما جرایم مذکور در این قانون را به خلاف حقیقت به کسی نسبت دهد و یا گزارش خلاف واقع بدهد به مجازات حبس جنحه ای تا سه سال محکوم می‌شود مگر اینکه در قوانین جزایی مجازات شدیدتری پیش بینی شده باشد که دراین صورت به مجازات اشد محکوم خواهد شد. مقررات تبصره ذیل ماده ۶ در این مورد نیز لازم الرعایه است

قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا – مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۷۴

فصل اول ـ کلیات (ماده ۱ تا ۳)

ماده ۱ ـ جهت تحقق اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور پاک سازی و حفاظت هوا از آلودگی ها کلیه دستگاه ها و موسسات و کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی موظفند مقررات و سیاستهای مقرر در این قانون را رعایت نمایند. ماده ۲ ـ اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی هوا را فراهم نماید ممنوع است منظور از آلودگی‌هوا عبارت است از وجود و پخش یک یا چند آلوده کننده اعم از جامد ، مایع ، گاز ، تشعشع پرتوزا و غیر پرتوزا در هوای آزاد به مقدار و مدتی که کیفیت آن را به طوری که زیان‌آور برای انسان و یا سایر موجودات زنده و یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد تغییر دهد. ماده ۳ ـ منابع آلوده کننده هوا که تحت مقررات این قانون قرار دارند به سه دسته زیر طبقه بندی می‌شوند: الف ـ وسایل نقلیه موتوری ب ـ کارخانجات و کارگاه ها و نیروگاه ها ج ـ منابع تجاری و خانگی و منابع متفرقه

فصل دوم ـ وسایل نقلیه موتوری (ماده ۴ تا ۱۱)

ماده ۴ ـ استفاده از وسایل نقلیه موتوری که بیش از حد مجاز مقرر دود و آلوده کننده های دیگر واردهوای آزاد نمایند ممنوع است حد مجاز خروجی وسایل نقلیه موتوری توسط سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری وزارت صنایع تعیین و به تصویب شورای عالی حفاظت محیط زیست می‌رسد. ماده ۵ ـ هر وسیله نقلیه موتوری که به کار گرفته می‌شود باید دارای گواهینامه مخصوص مبنی بر رعایت حد مجاز خروجی آلوده کننده های هوا باشد. دارندگان وسایل نقلیه موتوری مکلفند همه ساله وسایل نقلیه خود را در مراکز مورد تایید سازمان حفاظت محیط زیست که توسط شهرداری ها ایجاد می گردد تحت آزمایش و معاینه قرار داده و گواهینامه مبنی بر رعایت حد مجاز آلودگی را دریافت نمایند. در غیر این صورت از تردد وسایل نقلیه فاقد گواهینامه مذکور به ترتیبی که درایین نامه اجرایی این قانون تعیین می‌شود جلوگیری خواهد شد. تبصره ۱ ـ هزینه انجام آزمایش و معاینه وسایل نقلیه موتوری از دارندگان وسایل نقلیه مذکور طبق تعرفه ای که توسط وزارت کشور و سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب هیات وزیران می‌رسد اخذ خواهد شد. تبصره ۲ ـ تاریخ شروع اجرای این ماده و تبصره‌های آن حداکثر یک سال پس از تصویب این قانون تعیین می‌شود و سازمان حفاظت محیط زیست و شهرداری و سایر دستگاههای ذیربط موظفند ظرف مدت مذکور امکانات لازم جهت اجرای این ماده را فراهم کنند. ماده ۶ ـ شهرداریها ، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ، وزارتخانه ها و سازمان های ذی ربط موظفند نحوه تردد وسایل نقلیه موتوری و سیستم حمل و نقل شهری را به صورتی طراحی و سامان دهند که ضمن کاهش آلودگی هوا جوابگوی سفرهای روزانه شهری باشد. تبصره ـ آیین نامه اجرایی این ماده که در برگیرنده ساعات و محدوده مجاز

تردد شهری ، پیش بینی استفاده مطلوب و بیشتر از وسایل نقلیه عمومی و امثال آن می‌باشد توسط وزارت کشور (شهرداری ها) و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و سازمان حفاظت محیط زیست و درصورت لزوم با همکاری سازمان های ذی ربط تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۷ ـ در مواقع اضطراری که به علت کیفیت خاص جوی ، آلودگی هوای شهرها به حدی برسد که به تشخیص وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی سلامت انسان و محیط زیست را شدیدا به مخاطره بیندازد ، سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری وزارت کشور (شهرداریها و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ممنوعیت ها یا محدودیت های موقت زمانی ، مکانی و نوعی را برای منابع آلوده کننده برقرار نموده و بلافاصله مراتب را از طریق رسانه های همگانی به اطلاع عموم‌خواهد رسانید. با برطرف شدن وضعیت اضطراری و کاهش آلودگی هوا ، سازمان نسبت به رفع ممنوعیت و محدودیت برقرار شده اقدام و مراتب را به نحو مقتضی به اطلاع عموم خواهد رسانید. ماده ۸ ـ ساخت و تولید و ورود وسایل نقلیه موتوری و همچنین موتور و سایر قطعات مرتبط با احتراق وسایل نقلیه از قبیل کاربوراتور و فیلتر مستلزم رعایت استانداردهای حفاظت محیط زیست می‌باشد. ماده ۹ ـ وزارت صنایع موظف است سیاست ها و برنامه های تولیدی واحدها و شرکت های تابعه تولید وسایل نقلیه موتوری خود را به نحوی تنظیم نماید که اولا تولید وسایل نقلیه با موتورها و قطعات غیراستاندارد صورت نپذیرد ثانیا در برنامه ریزی ساخت خودرو برنامه تولید وسایل نقلیه و حمل و نقل عمومی را در اولویت قرار دهد ثالثا طراحی و ساخت اتومبیل ها به نحوی صورت گیرد که حتی المقدور امکان استفاده از گاز هم وجود داشته باشد. ماده ۱۰ ـ شماره‌گذاری هر نوع وسیله نقلیه موتوری مستلزم رعایت استانداردهای موضوع ماده ۸ این قانون می‌باشد. ماده ۱۱ ـ استانداردهای موضوع مواد ۸ و ۹ این قانون توسط سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری وزارت صنایع ، وزارت نفت و موسسات تحقیقاتی ذی صلاح تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

فصل سوم ــ کارخانجات و کارگاهها و نیروگاهها (ماده ۱۲ تا ۲۱)

ماده ۱۲ ـ احداث کارخانجات و کارگاههای جدید و توسعه و تغییر محل و یا خط تولید کارخانجات و کارگاه های موجود مستلزم رعایت ضوابط و معیارهای سازمان حفاظت محیط زیست می‌باشد. ماده ۱۳ ـ وزارتخانه های صنایع ، معادن و فلزات ، کشاورزی و جهاد سازندگی هنگام صدور جواز تاسیس ، رونوشتی از جواز تاسیس مربوط را به سازمان حفاظت محیط زیست ارسال خواهندنمود. دارندگان جواز تاسیس مذکور مکلفند محل استقرار واحدهای صنعتی و یا تولیدی خود را طبق ضوابط استقرار موضوع ماده ۱۲ این قانون تعیین نمایند. صدور پروانه بهره‌برداری موکول به تایید محل استقرار با رعایت ضوابط موضوع ماده ۱۲ فوق براساس اعلام سازمان حفاظت محیط زیست می‌باشد. تبصره ۱ ـ احداث نیروگاه ها ، پالایشگاه ها ، کارخانجات پتروشیمی ، کارخانجات صنایع نظامی ، فرودگاه ها و ترمینال های بارگیری موکول به رعایت ضوابط و معیارهای سازمان حفاظت محیط زیست از لحاظ محل استقرار می‌باشد. تبصره ۲ ـ ضوابط و معیارهای موضوع مواد ۱۲ و ۱۳ توسط سازمان با مشارکت وزارتخانه های‌مذکور در این ماده تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره ۳ ـ سازمان حفاظت محیط زیست موظف است ضوابط و معیارهای زیست محیطی لازم را از طریق وزارتخانه های ذی ربط به دارندگان جواز تاسیس اعلان نماید. ماده ۱۴ ـ فعالیت کارخانجات و کارگاه های جدیدی که ضوابط و معیارهای موضوع ماده ۱۲ را رعایت ننمایند و همچنین فعالیت و بهره برداری از کارخانجات و کارگاه ها و نیروگاه هایی که بیش ازحد مجاز موجبات آلودگی هوا را فراهم آورند ممنوع است ماده ۱۵ ـ سازمان حفاظت محیط زیست کارخانجات و کارگاه ها و نیروگاه هایی که آلودگی آنها بیش از حد مجاز استانداردهای محیط زیست باشد را مشخص نموده و مراتب را با تعیین نوع و میزان آلودگی به صاحبان و یا مسوولان کارخانجات و کارگاه ها و نیروگاه ها ابلاغ خواهد کرد تا در مهلت معینی که توسط سازمان با همکاری و مشارکت دستگاههای ذی ربط تعیین می‌شود نسبت به رفع

آلودگی یا تعطیل کار و فعالیت خود تا رفع آلودگی اقدام نمایند. تبصره ۱ ـ در صورتی که صاحب یا مسوول کارخانه و کارگاهی که موجبات آلودگی هوا را فراهم می‌نمایـد با دلایل قابل قبول سازمان اثبات نمایـد که ظرف مهلت تعیین شـده رفع آلودگی عملی نمی‌باشـد سازمـان می‌توانـد برای یـک بـار مهلت اضـافی مناسب در مورد این گونه کارخانجات و کارگاهها قایل شود. تبصـره ۲ ـ سازمـان حفـاظت محیـط زیست موظف است استانداردهای هوای پاک و اسـتانداردهای الوده کننـده های حاصل از کارخانجات و کارگاهها که به هر طریق وارد هوای آزاد می‌گردند را برای هر منطقه و با توجه به کیفیت هوا و مناسـبات زیست محیطی آن مناطق تهیه نموده و در اختیـار متقاضـیان و صاحبـان کارخانجـات و کارگاهها قرار دهـد. حـد مجاز (اسـتانداردهای محیط زیست این ماده توسـط سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهـد رسـید. ماده ۱۶ ـ در صورتی که صاحبـان و مسوولان کارخانجـات و کارگاههـا و نیروگاه های آلوده کننـده ظرف مهلت تعیین شـده مبادرت به رفع آلودگی یا ممانعت از کار و فعالیت کارخانه و کارگاه مربوط ننمایند ، در پایان مهلت مقرر به درخواست سازمان حفاظت محیط زیست و دستور مرجع قضایی ذی ربط محـل که بلافاصـله توسـط مـأمورین انتظامی به مورد اجرا گذاشـته می‌شود از کار و فعالیت کارخانجات و کارگاههای آلوده‌کننـده جلوگیری به عمـل خواهـد آمـد. ادامه کـار یـا فعالیت کارخانجات و کارگاهها و نیروگاههای مزبور منوط به صـدور اجازه سازمان حفاظت محیط زیست و یا رای دادگاه صلاحیتدار خواهد بود. تبصره ـ در صورتی که صاحبان و مسوولان کارخانجات و کارگاهها و نیروگاههـای آلوده‌کننـده پس‌از ابلاغ سازمـان حفـاظت محیـط زیست از فعـالیت و ادامه کـار کارخانجات و کارگاه های مربوط ممانعت به عمل نیاورده و یا پس از تعطیل کارخانجات و کارگاههای مـذکور رأسا و بـدون کسب اجازه از سازمان یا بدون صدور رای دادگـاه صـالحه ، مبـادرت به بازگشـایی و ادامه فعـالیت آنهـا بنماینـد برحسب مـورد به مجازاتهـای مقرر در این قـانون و سـایر مقررات مربوط به عـدم رعایت دسـتورات مراجع قانونی و قضایی محکوم خواهنـد شـد و چنانچه مدیران و مسوولان مذکور اداره و تصـدی کارخانجات و کارگاههای دولتی یا وابسته به دولت را بر عهـده داشـته باشـند موضوع در هیات های رسـیدگی به تخلفات اداری وزارتخانه یا دسـتگاه متبوع مدیر یا مسوول نیز مطرح و حکم مقتضی صادر خواهد گردید. ماده ۱۷ ـ در مواقع اضطراری و یا شرایط جوی نامناسب ، رییس سازمان حفاظت محیط زیست می‌توانـد کارخانجات و کارگاه هایی را که فعالیت آنها خطرات فوری در برداشـته باشـد بـا اخطـار سـریع خواسـتار توقف فعـالیت آنهـا گردد و در صورت اسـتنکاف به حکم رییس دادگـاه محـل تا رفع موجبات خطر تعطیل نماید. ماده ۱۸ ـ در مواردی که کاهش یا از بین بردن آلودگی ناشـی از فعالیت کارخانجات و یا کارگاهها از طریق دیگر به جز انتقـال یک یا برخی از آنها به نقاط مناسب امکان پـذیر نبوده و یا فعالیت کارخانجات و کارگاه های مـذکور در مناطق مسکونی سلامت ساکنان آن مناطق را به خطر بیندازد سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری وزارتخانه ها و دیگر دستگاه های دولتی ذی ربط طرح انتقال کارخانجات و کارگاه های مذکور را به نقاط مناسب (ترجیحا شـهرک ها و قطبهای صنعتی) تهیه و به هیـات وزیران ارایه می‌نمایـد. دولت در صـورت صـلاحدید و مـوافقت حسب مـورد اقـدام خواهـدنمود. مـاده ۱۹ ـ قطـب هـا و شهرک ها و مجتمع های صنعتی و نیروگاهها و واحدهای تولیدی مکلفند حداقل ۱۰ درصد از فضای شهرک ها و یا مجموعه فضای تخصـیص داده شـده جهت احـداث واحـدهای تولیـدی و خـدماتی را به ایجـاد فضـای سبز و مشـجر و کشت درختان مناسب منطقه اختصاص دهنـد. بهره‌برداری از واحـدهای صـنعتی و تولیـدی مـذکور منوط به رعایت این ماده و ایجاد فضای سبزمناسب می‌باشـد. وزارتخـانه هـای صـنعتی موظف به نظـارت بر حسن اجرای این ماده می‌باشـند. ماده ۲۰ ـ کارخانجـات و کارگـاه هـا و نیروگاه ها و کوره هـای آجرپزی و آهک پزی موظف به اسـتفاده از سوخت و سیسـتم های احتراقی مناسب قابل دسترسـی به نحوی که موجبات کـاهش آلـودگی هوا رافراهم نمایـد هسـتند. تبصـره ـ وزارت نفت موظف است در برنـامه ریزی گازرسـانی و سوخت رسـانی خود تـامین سوخت مناطق صـنعتی و مراکز اسـتقرار کارخانجات و کارگاه ها و کور ه‌های آجرپزی مجاور شـهرهای بزرگ رادر اولویت قرار دهـد. ماده ۲۱ ـ آیین نامه اجرایی این فصل و همچنین ضوابط مربوط به محـدودیت اسـتقرار صـنایع درمجاورت شـهرها توسـط

سازمان حفاظت محیط زیست با مشارکت وزارتخانه های ذی ربط تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

فصل چهارم ــ منابع تجاری ، خانگی و منابع متفرقه (ماده ۲۲ تا ۲۷

ماده ۲۲ ـ پخش و انتشار هر نوع مواد آلوده کننده هوا بیش از حد مجاز از منابع تجاری ، خانگی ومتفرقه در هوای آزاد ممنوع است منابع تجاری ، خانگی و متفرقه از جهت نوع و میزان آلودگی توسط سازمان حفاظت محیط زیست مشخص و طبقه بندی شده و حد مجاز موضوع این ماده توسط سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۲۳ ـ کلیه منابع آلوده کننده از قبیل حمامها ، نانواییها ، هتلها و رستورانها و غیره مکلفند ضمن اتخاذ تدابیر لازم جهت جلوگیری از انتشار دود و دوده و سایر مواد آلوده کننده در هوای آزاد ، ازسوخت مناسب ترجیحا گاز شهری که موجب کاهش آلودگی هوا می‌شود استفاده نمایند. وزارت نفت موظف است در برنامه سوخت رسانی شهرهای بزرگ ، تامین سوخت مناسب و گازرسانی منابع تجاری و واحدهای خدمات عمومی را در اولویت قرار دهد. ماده ۲۴ ـ سوزاندن و انباشتن زباله های شهری و خانگی و هرگونه نخاله در معابر عمومی و فضای باز ممنوع می‌باشد. ماده ۲۵ ـ وزارتین مسکن و شهرسازی و کشور موظفند هنگام تهیه طرحهای هادی و جامع و بهسازی شهرها به نحوی برنامه ریزی نمایند که فصل جداگانه ای از مطالعات طرح را به بررسی مسایل زیست محیطی اختصاص دهند و به گونه‌ای که طراحی شهرها و شهرک ها و مجتمعهای مسکونی از نظر فضای سبز و باز ، همجواری کاربری ها ، شبکه معابر و حمل و نقل ، ضوابط تراکم ساختمانی و غیره با معیارهای زیست محیطی مورد تایید سازمان متناسب باشد. تبصره ـ نقشه های شهرها ، شهرک های مسکونی ، قطب ها و شهرک ها و مجتمعهای صنعتی ، اداری ،کشاورزی و غیره موکول به رعایت ضوابط و مقررات حفاظت محیط زیست می‌باشد. ماده ۲۶ – آیین نامه اجرایی موضوع ماده ۲۵ این قانون مشترکا توسط وزارت مسکن و شهرسازی ، وزارت کشور و سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۲۷ – ایجاد هرگونه آلودگی صوتی بیش از حد مجاز ممنوع می‌باشد. آیین نامه جلوگیری از آلودگی صوتی توسط سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

فصل پنجم ــ مجازاتها (ماده ۲۸ تا ۳۲)

ماده ۲۸ ـ افرادی که با وسایل نقلیه موتوری آلوده کننده غیر مجاز تردد می‌نمایند و همچنین کسانی که محدودیت ها و ممنوعیت های موضوع ماده ۷ این قانون را رعایت ننمایند به حکم دادگاه صالح به جزای نقدی از پنج هزار ریال تا یکصد هزار ریال بنابر تعداد سیلندر ، حجم موتور ، میزان آلودگی و دفعات تکرار جرم محکوم خواهند شد ضمنا از تردد وسایل نقلیه آلوده کننده مذکور تا رفع موجبات آلودگی جلوگیری به عمل خواهد آمد. ماده ۲۹ ـ صاحبان و مسئولین کارخانجات و کارگاه های آلوده کننده که برخلاف مواد ۱۴ و ۱۶ و ۱۷ این قانون عمل نمایند برای بار اول به جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا یک میلیون ریال و در صورت تکرار به حبس تعزیری از دو ماه تا شش ماه و جزای نقدی از هفتصد هزار ریال تا دو میلیون ریال محکوم می‌شوند. تبصره ۱ ـ صاحبان و مسوولان این گونه کارخانجات و کارگاه های آلوده کننده علاوه بر محکومیت مذکور مکلف به پرداخت ضرر و زیان وارده به محیط زیست و اشخاص حقیقی و حقوقی به حکم دادگاه صالحه می‌باشند. تبصره ۲ ـ در مورد جرائم مقرر در این قانون علاوه بر اشخاص حقیقی و حقوقی سازمان حفاظت محیط زیست بر حسب مورد شاکی یا مدعی خصوصی در زمینه خسارات وارده به محیط زیست می‌باشد. ماده ۳۰ ـ کسانی که از انجام بازرسی مأموران سازمان حفاظت محیط زیست برای نمونه برداری وتعیین میزان آلودگی ناشی از فعالیت کارخانجات و کارگاه ها ، منابع تجاری ، بهداشتی و خدمات و اماکن عمومی ممانعت به

عمل آورده و یا اسناد و مدارك و اطلاعات مورد نیاز سازمان را در اختیار ایشان نگذارند و یا اسناد و مدارك و اطلاعات خلاف واقع ارایه نمایند برحسب مورد و اهمیت موضوع به جزای نقدی از پانصدهزار ریال تا پنج میلیون ریال و در صورت تکرار به حبس تعزیری از یک ماه تا سه ماه و جزای نقدی مذکور محکوم خواهند شد. تبصره ـ در صورتی که مأموران سازمان حفاظت محیط زیست در جرایم موضوع این ماده همکاری یا مشارکت داشته یا گزارش خلاف واقع ارایه نمایند علاوه بر محکومیت در هیات های رسیدگی به تخلفات اداری به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهند شد. ماده ۳۱ ـ صاحبان و مسوولان منابع تجاری و اماکن عمومی که برخلاف ماده ۲۴ این قانون موجبات آلودگی هوا را فراهم نمایند پس از هر بار اخطار و پایان مهلت مقرر به جزای نقدی ازیکصد هزار ریال تا پانصد هزار ریال و در صورت تکرار از سیصدهزار ریال تا دو میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. ماده ۳۲ ـ مسوولین آلودگی حاصل از منابع متفرقه و منابع خانگی و همچنین عاملین آلودگی صوتی به جزای نقدی از سی هزار ریال تا سیصد هزار ریال و در صورت تکرار از یکصد هزار ریال تایک میلیون ریال محکوم خواهند شد.

فصل ششم ــ مقررات مختلف (ماده ۳۳ تا ۳۶)

ماده ۳۳ ـ سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران موظف است با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست ، برنامه‌های مناسب جهت تنویر افکار عمومی ، آموزش و قوانین و مقررات مسایل‌حفاظت محیط زیست را تنظیم و به مورد اجرا بگذارد. ماده ۳۴ ـ درآمدهای حاصل از اجرای این قانون پس از وصول بلافاصله به حساب خزانه واریزگردیده و معادل پنجاه درصد (۵۰٪) وجوه واریزی در هر سال و حداکثر تا سقف یک میلیارد ریال‌جهت اجرای این قانون به صورت ردیف جداگانه در لایحه بودجه هر سال منظور و در اختیار سازمان حفاظت محیط زیست و معادل بیست درصد (۲۰٪) تا سقف چهارصد میلیون ریال دراختیار نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد. ماده ۳۵ ـ آیین نامه های اجرایی این قانون علاوه بر مواردی که در هر یک از مواد قانون نسبت به آن تعیین تکلیف شده است حداکثر ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون توسط سازمان حفاظت محیط زیست و بر حسب مورد با مشارکت یا همکاری دستگاههای ذی ربط تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۳۶ ـ از تاریخ ابلاغ این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن در زمینه جلوگیری از آلودگی هوا لغو می گردد.

آیین نامه ممنوعیت استعمال و عرضه سیگار و سایر مواد دخانی در اماکن عمومی

ماده ۱ ـ به منظور حفظ حقوق افراد جامعه و تامین سلامت آنها در برابر زیان ها و بیماری های ناشی ازاستعمال دخانیات ، استعمال هر نوع سیگار و سایر مواد دخانی در اماکن مسقف به هر نحو ممنوع است تبصره ۱ ـ اماکن عمومی مسقف به محلهایی اطلاق می‌شود که محل استفاده و مراجعه عمومی مردم می‌باشد از قبیل اماکن متبرکه و مقدسه ، مساجد ، مصلی ها ، کارخانجات ، بیمارستان ها ، درمانگاه ها ، مطب ها ، سالنهای نمایش ، سینماها ، سالن مهمانخانه ها (هتلها) و مهمانسرا ها و میهمان پذیر ها ، خوراک سراها (رستوران ها) ، گنجینه ها (موزه ها) ، پایانه ها (ترمینال ها) ، فروشگاههای بزرگ ، اماکن فرهنگی و فرهنگسراها ، کتابخانه های عمومی ، ورزشگاه ها ، مدارس ، دانشگاه ها و مراکز آموزشی و پژوهشی ، وسایل نقلیه عمومی ، موسسات و سازمان های دولتی و عمومی ، نهادهای انقلاب اسلامی ، بانکها ، شرکتهای دولتی و شهرداری ها. تبصره ۲ ـ مسوولان اماکن عمومی موظفند تابلوی ممنوعیت مصرف دخانیات را به تعداد مناسب در محلهایی که قابل رویت باشد نصب نمایند و ممنوعیت استعمال دخانیات در اماکن عمومی را یادآور شوند. ماده ۲ ـ وزارتخانه های بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی ، فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان‌صداوسیما و سایر دستگاههای فرهنگی و شهرداریها موظفند به منظور جلوگیری از اعتیاد جوانان و تبیین زیانهای جانی ، بهداشتی ، اجتماعی و مالی ناشی از مصرف دخانیات از هرگونه اقدامی که‌موجب تبلیغ ، تشویق یا تحریک افراد به استعمال

یا مصرف بیشتر دخانیات شود ، جلوگیری نموده و نسبت به تهیه برنامه های منظم و منسجم فرهنگی و تبلیغی مناسب در زمینه تبیین مضرات و تقبیح مصرف مواد دخانی برای همگان به ویژه جوانان اقدام نمایند و همچنین برای حسن اجرای این قانون اقدامات لازم را به عمل آورند. هیات وزیران هر شش ماه یک بار گزارش چگونگی اجرای این قانون را از سازمانهای مربوط دریافت خواهد کرد. تبصره ۱ ـ شرکت دخانیات ایران موظف است هشدارهای لازم مربوط به مضرات سیگار را در روی بسته های سیگار اعلام نماید. تبصره ۲ ـ تبلیغ و هرگونه اقدامی که به ترتیب مقرر در آیین نامه اجرایی این قانون منجر به تشویق عموم به مصرف دخانیات شود ، ممنوع است ماده ۳ ـ سازمان صدا وسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، شهرداری ها و مطبوعات باید ترتیبی اتخاذ نمایند که در کارها و انتشارات خود ، فیلم ها و سریال های تولیدی ، تبلیغ دخانیات به طور مستقیم یا غیرمستقیم صورت نگیرد و شخصیت های مثبت فیلم ها استعمال دخانیات ننمایند.

قانون الحاق یک تبصره به ماده (۲) قانون حفاظت و بهربرداری از جنگلها و مراتع – مصوب ۱۳۸۴

حضرت حجتالاسلام والمسلمین جناب آقای سید محمدخاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران لایحه الحاق یک تبصره به ماده (۲) قانون حفاظت و بهربرداری از جنگلها و مراتع که از سوی دولت به شماره ۴۳۹۴۸/۲۵۰۴۶ مورخ ۷/۸/۱۳۸۲ به مجلس شورای اسلامی تقدیم و در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ۲۱/۲/۱۳۸۴ مجلس عیناً تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسید، در اجرای اصل یکصدو بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست ارسال میگردد. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حداد عادل شماره۱۴۴۳۲ ۱۹/۳/۱۳۸۴ وزارت جهاد کشاورزی قانون الحاق یک تبصره به ماده (۲) قانون حفاظت و بهربرداری از جنگلها و مراتع که در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ بیست و یکم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۴/۳/۱۳۸۴ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره۷۵۵۶۰/۱۲۶ مورخ ۹/۳/۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ میگردد. رئیس جمهور ـ سید محمدخاتمی قانون الحاق یک تبصره به ماده (۲) قانون حفاظت و بهربرداری از جنگلها و مراتع ماده واحده ـ متن ذیل به عنوان تبصره به ماده (۲) قانون حفاظت و بهربرداری از جنگلها و مراتع ـ مصوب ۲۵/۵/۱۳۴۶ و اصلاحات بعدی آن ـ الحاق میگردد. تبصره ـ جنگلهای دست کاشت و یا جنگلها و مراتعی که در اجرای وظیفه احیاء و توسعه منابع طبیعی از قبیل طرحهای جنگلداری، مرتعداری، بیابانزدائی، طرحهای مدیریت منابع طبیعی و یا طرحهائی که با مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی برای توسعه منابع جدید ایجاد میشوند و همچنین پارکهای جنگلی و خزانههای تولید نهال و بذر جنگلی و مرتعی (نهالستانهای عمومی، ایستگاههای تولید بذر و نهال) در محدوده منابع طبیعی یادشده در حکم منابع مذکور در این ماده میباشد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ بیست و یکم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ۴/۳/۱۳۸۴ به تأیید شورای نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل

اصلاح تبصره ماده(۱) آیین‌نامه ممنوعیت استعمال و عرضه سیگار و سایر مواد دخانی در اماکن عمومی – مصوب ۱

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۲/۴/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود: در تبصره ماده (۱) آیین‌نامه ممنوعیت استعمال و عرضه سیگار و سایر مواد دخانی در اماکن عمومی، موضوع تصویب‌نامه شماره ۷۵۰۲۴/ت۱۷۴۴۶هـ مورخ ۱۵/۱۰/۱۳۷۶ واژه « شامل» به عبارت « از قبیل» اصلاح می گردد. معاون اول رئیسجمهور ـ محمدرضا عارف

قانون اصلاح ماده ۳۳ اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع – مصوب ۱۳۸۶

قانون اصلاح ماده (۳۳) اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع مصوب جلسه علنی مورخ ۱/۴/۱۳۸۲ که باعنوان طرح یک فوریتی « لغو سند مالکیت و یا قرارداد واگذاری زمینهای ملی اعم از منابع طبیعی سازمان یا اراضی و زمینهایی که توسط دولت به افراد حقیقی و حقوقی و نهادها و ارگانها جهت اجرا طرحی واگذار شده و آن طرح در تاریخ مقرر در قرارداد اجرا نشده » به مجلس شورای اسلامی تقدیم و مطابق اصل یکصد و دوازدهم (۱۱۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال گردیده بود با تأیید آن مجمع جهت اجرا به دولت ابلاغ شد. شماره ۹۱۶۲۰ ۱۴/۶/۱۳۸۶ وزارت جهاد کشاورزی قانون اصلاح ماده (۳۳) اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ اول تیر ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و پس از ارجاع به مجمع تشخیص مصلحت نظام در جلسه مورخ ۹/۴/۱۳۸۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسیده و طی نامه شماره ۶۴۳۹۲ مورخ ۱/۵/۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجرا ابلاغ می گردد. رئیس‌جمهور ـ محمود احمدی‌نژاد قانون اصلاح ماده (۳۳) اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع ماده واحده ـ ماده (۳۳) اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع مصوب ۱۴/۳/۱۳۵۴ به شرح ذیل اصلاح و شش تبصره به آن الحاق می گردد: ماده۳۳ـ به منظور نظارت بر اجرا طرحهای کشاورزی و دامپروری و سایر طرحهای غیرکشاورزی مندرج در ماده (۳۱) این قانون و همچنین اراضی واگذاری برای اجرا طرحهای موضوع مواد (۳۱) و (۳۲) آئین‌نامه اجرائی لایحه قانونی اصلاح لایحه قانونی واگذاری و احیا اراضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران مصوب ۳۱/۲/۱۳۵۹ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران و تشخیص تعلل یا تخلف و عذر موجه مجریان طرحها از مفاد قرارداد و تعیین درصد عملیات انجام شده طرحهای مزبور در هر استان هیأت سه نفره نظارت با حکم وزیر جهاد کشاورزی، مرکب از رئیس سازمان جهاد کشاورزی ، مدیرکل منابع طبیعی و یک نفر کارشناس در رشته مربوط به طرح تشکیل می گردد و در موارد خلاف بین نسبت به فسخ یا تمدید و تعیین مهلت و یا استرداد زمین تصمیم‌گیری خواهد شد. تصمیمات هیأت با اکثریت آرا معتبر بوده و آرا صادره این هیأت حداکثر ظرف مدت سه ماه قابل اعتراض در مراجع قضائی ذی صلاح خواهد بود. تبصره۱ـ متن قرارداد در آئین نامه اجرائی، موضوع تبصره(۶) مشخص و پس از تصویب هیأت وزیران تمام قراردادهای فی‌مابین وزارت جهادکشاورزی و دریافت‌کنندگان اراضی از تاریخ تصویب این قانون برابر متن قرارداد مصوب منعقد خواهد شد و اقدامات بعدی وزارت جهادکشاورزی و دریافت‌کنندگان اراضی تابع مفاد این قرارداد خواهد بود. تبصره۲ـ کلیه واگذاری‌های صورت گرفته بعد از سال ۱۳۶۵ که منجر به صدور سند قطعی گردیده است و وزرا وقت با استفاده از اختیارات خود مستقیماً و بدون طی گردش کار کمیسیون‌های واگذاری در استانها دستور انتقال سند را داده‌اند و در صورتی که واگذاری بدون وجود طرح مصوب بوده و یا طرح مصوب بدون عذرموجه اجرا نشده یا اجرا طرح به میزان کمتر از چهل‌درصد (۴۰٪) بوده و یا تبدیل و تغییر کاربری غیرمجاز و غیرمتجانس با طرح مصوب بوده باشد، به موجب درخواست و اقامه دعوی از سوی وزارت جهادکشاورزی در شعبه یا شعب ویژه ای که توسط قوه قضائیه در مرکز به همین منظور تشکیل می گردد بدون اخذ هزینه دادرسی ، رسیدگی و نسبت به فسخ واگذاری و تبدیل آن به اجاره، تمدید و تعیین مهلت برای اجرا طرح یا دریافت بهای روز اراضی و واریز به حساب درآمد عمومی و یا استرداد زمین با توافق طرفین تصمیم‌گیری و رأی صادر می‌نماید. رأی صادره قطعی و غیرقابل تجدیدنظرخواهی می‌باشد. مهلت اقامه دعوی موضوع این تبصره از سوی وزارت جهادکشاورزی تا پایان شهریور ماه سال ۱۳۸۷ می‌باشد. واگذاری‌های صورت گرفته به دولت اعم از واگذاری‌های مستقیم جهت مصارف وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی و غیرمستقیم جهت مصارف شهرکهای صنعتی، شهرکهای مسکونی و اراضی واگذارشده جهت تعاونی‌های مسکن یا بخش خصوصی و غیردولتی برای امور عام‌المنفعه تا سال ۱۳۷۳، با رعایت تبصره‌های (۵۴) و (۴۶) قوانین بودجه ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۸ مشمول بررسی مجدد نمی‌باشد. تبصره۳ـ

وزارت جهادکشاورزی مکلف است رأی قاضی و تصمیم نهایی هیأت مبنی بر فسخ، واگذاری و یا استرداد زمین را به ادارات ثبت محل و یا دفتر اسناد رسمی تنظیم‌کننده سند ابلاغ نماید و دستگاههای مذکور مکلفند ظرف حداکثر یک ماه پس از اعلام مراتب نسبت به اصلاح اسناد صادره و در صورت انتقال زمین نسبت به صدور دفترچه مالکیت به نام دولت به نمایندگی سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور اقدام نمایند. تبصره۴ـ در صورتی که مجری طرح وجهی بابت خرید اراضی به حساب دولت واریز و یا هزینه‌هایی در راستای اجرا طرح نموده باشد به هنگام تقویم، بهای روز با أخذ نظر کارشناسی محاسبه خواهد شد و دولت مکلف است حداکثر تا پایان سال مالی بعد نسبت به تأمین اعتبار و استرداد آنها اقدام نماید. تبصره۵ ـ واگذاری اراضی موضوع تبصره(۴) ماده(۳۱) اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع مصوب ۱۴/۳/۱۳۵۴ در مناطق مذکور در بند (الف) ماده (۳) قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مناطق چهارگانه تحت حفاظت مصوب ۲۸/۳/۱۳۵۳ ممنوع بوده و نسبت به استرداد زمین اقدام خواهد شد. تبصره۶ ـ آئین‌نامه اجرائی این قانون توسط رئیس قوه قضائیه و وزیر جهادکشاورزی تهیه و ظرف سه‌ماه به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ اول تیرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۹/۴/۱۳۸۶ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد.

آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح ماده (۳۳) اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع کشور – مصوب ۱۳۸۷

فصل اول ــ کلیات، تعاریف و اصطلاحات (ماده ۱)

وزیران عضو کمیسیون امور زیربنایی، صنعت و محیط‌زیست در جلسه مورخ ۲۵/۱/۱۳۸۷ بنا به پیشنهادهای شماره ۳۷۲۳۱/۰۲۰ مورخ ۱۷/۱۰/۱۳۸۶ وزارت جهاد کشاورزی و شماره ۱۰۸۰۷/۸۶/۱ مورخ ۲۰/۱۰/۱۳۸۶ قوه قضاییه و به استناد تبصره (۶) الحاقی ماده (۳۳) اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع ـ مصوب ۱۳۸۶ ـ و با رعایت تصویب‌نامه شماره ۱۶۴۰۸۲/ت۳۷۳هـ مورخ ۱۰/۱۰/۱۳۸۶، آیین‌نامه اجرایی قانون یادشده را به شرح زیر تصویب نمودند: ۱۳۸۷/۲/۱۵ شماره۲۰۱۴۴/ت۳۹۰۲۸ک وزارت جهادکشاورزی ـ وزارت مسکن و شهرسازی آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح ماده (۳۳) اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع کشور فصل اول ـ کلیات، تعاریف و اصطلاحات ماده۱ـ در این آیین‌نامه غیر از اصطلاحات « اراضی دولتی، پارک جنگلی، پروانه چرا، جنگل و بیشه‌های طبیعی، جنگل دست کاشت عمومی، حریم قانونی تأسیسات دولتی، طرح مرتعداری، مرتع و نهالستان عمومی» که تعاریف آنان طبق قانون ملی شدن جنگلهای کشور ـ مصوب ۱۳۴۱ـ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع ـ مصوب۱۳۴۶ـ و اصلاحات بعدی آن، لایحه قانونی اصلاح لایحه قانونی واگذاری و احیای اراضی ـ مصوب ۱۳۵۹ـ شورای انقلاب و آیین‌نامه‌های مربوط می‌باشند، اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به‌کار می‌روند: الف ـ قانون: قانون اصلاح ماده (۳۳) اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع ـ مصوب ۱۳۸۶ ـ ب ـ هیئت‌نظارت: هیئت نظارت موضوع ماده(۳۳) اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع ـ مصوب ۱۳۸۶ـ ج ـ عوامل نظارتی: گروهی از کارشناسان منتخب اعضای هیئت‌نظارت که به منظور بازدید و تهیه گزارش لازم از اراضی واگذارشده در چارچوب وظایف محول شده انتخاب وحکم آنان توسط رییس هیئت‌نظارت صادر می‌شود. د ـ درصد عملیات انجام شده طرح: میزان پیشرفت فیزیکی انجام شده مطابق طرح مصوب در اراضی مورد واگذاری که درصد و مبنای محاسبه آن براساس زمان‌بندی طرح و تطبیق عملیاتاجرایی و بازدید از طرح تعیین می‌گردد. هـ ـ طرح مصوب: طرح مدونی که توسط اشخاص حقیقی و حقوقی تهیه و به تصویب دستگاههای متولی رسیده باشد و در زمان واگذاری، مصوبه مراجع ذیربط (کارگروه شهرسازی

و معماری استان یا کمیسیون ماده (۱۳) آیین‌نامه نحوه احداث بنا و تأسیسات در خارج از محدوده و حریم شهرها) را داشته باشد. و ـ کمیسیون‌های واگذاری: مراجعی که طبق ضوابط و مقررات، طرحهای مصوب دستگاههای متولی مربوط به اشخاص حقیقی و حقوقی را به منظور واگذاری اراضی ملی و دولتی بررسی و نظر خود را در مورد واگذاری یا عدم واگذاری اعلام می‌نمایند. ز ـ عذر موجه: وضعیت و حالتی که منجر به تعطیلی دایم یا موقت طرح مصوب گردیده و یا موجبات تأخیر در اجرای آن را فراهم نموده باشد و مجری طرح یا عوامل اجرایی وی به طور مستقیم یا غیرمستقیم در حدوث آن هیچ نقشی نداشته باشند. ح ـ تعلل: مسامحه و قصور مجری یا مجریان در اجرای تعهدات قانونی یا قراردادی در راستای اجرای به موقع طرح مصوب. ط ـ تخلف: عدم رعایت قوانین و مقررات و شرایط مندرج در قرارداد واگذاری زمین. ی ـ خلاف بین: تعلل و تخلف آشکار و عذر ناموجه مجری طرح که بنا بر تشخیص هیئت‌نظارت قابل اغماض نبوده و موجبات تمدید و تعیین مهلت برای اجرا و یا فسخ قرارداد و یا استرداد زمینرا فراهم می‌نماید. ک ـ عرصه‌های ملی و دولتی قابل‌واگذاری: اراضی منابع ملی، موات و دولتی قابل‌واگذاری و بلامعارض که دارای استعداد تولید اقتصادی و بهره‌برداری محصولات بخش‌های مختلف کشاورزی و غیرکشاورزی می‌باشد. ل ـ تبدیل و تغییر کاربری غیرمتجانس: تبدیل و تغییر کاربری‌هایی که در ماهیت، با اهداف طرح مصوب مغایرت داشته باشد. م ـ واگذاری برای امور عام‌المنفعه: واگذاریهای صورت گرفته به بخش خصوصی و مؤسسات غیردولتی که در زمان واگذاری، غیرانتفاعی بودن فعالیت آنها در اساسنامه قید شده باشد. ن ـ مناطق چهارگانه تحت حفاظت سازمان حفاظت محیط زیست: مناطق موضوع بند (الف) ماده (۳) قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست ـ مصوب ۱۳۵۳ ـ که توسط شورای عالی حفاظت محیط زیست (سابق) و مرجع جایگزین آن، به عنوان مناطق پارک ملی، آثار طبیعی ملی، پناهگاه حیات‌وحش و منطقه حفاظت‌شده با رعایت نکات مندرج در ذیل بند «الف» ماده یادشده تعیین و حدود آن تصویب شده باشد.

فصل دوم ـ نحوه نظارت (ماده ۱ تا ۱۱)

ماده۲ـ به منظور نظارت بر اجرای طرحهای کشاورزی و دامپروری و سایر طرحهای غیرکشاورزی موضوع قانون و تشخیص تعلل یا تخلف و عذر موجه مجریان طرحها و تعیین درصد عملیات انجام شده طرحهای یادشده در هر استان هیئت‌نظارت با حکم وزیر جهادکشاورزی مرکب از رییس سازمان جهادکشاورزی، مدیر کل منابع طبیعی و یک نفر کارشناس در رشته مرتبط با طرح تشکیل می‌گردد. تبصره۱ـ کارشناس در رشته مرتبط با کلیه طرحهای غیرکشاورزی و همچنین کلیه طرحهایی که در محدوده و حریم شهرها واقع شده یا می‌شوند ظرف یک ماه از تاریخ درخواست وزارتجهادکشاورزی توسط وزارت مسکن و شهرسازی برای صدور حکم معرفی می‌گردد. تبصره۲ـ وزیر جهادکشاورزی می‌تواند با حفظ مسئولیت‌خود، صدور احکام کارشناسان مرتبط با طرح را به رییس سازمان جهادکشاورزی تفویض نماید. ماده۳ـ دبیرخانه هیئت‌نظارت در سازمان جهادکشاورزی مستقر و رییس سازمان جهادکشاورزی به عنوان رییس هیئت‌نظارت و مسئول حقوقی سازمان یادشده به عنوان دبیر هیئت‌نظارت می‌باشد. انجام کلیه امور مربوط به تشکیل جلسه، دعوت از اعضا، ابلاغ آرا و سایر موارد مرتبط به عهده دبیر هیئت‌نظارت خواهد بود. تبصره ـ دبیر هیئت‌نظارت موظف است کلیه گزارشهای رسیده را ثبت و در کوتاهترین زمان ممکن پس از بررسی و تکمیل به ترتیب نوبت در دستور کار هیئت‌نظارت قرار دهد. ماده۴ـ هیئت‌نظارت موظف است توسط عوامل نظارتی به صورت مستمر از طرح‌های واگذارشده بازدید و با بررسی سوابق و طرح مصوب و مفاد قرارداد، بر نحوه اجرای طرح براساس زمان‌بندی اجرایی و کیفیت اجرای طرح و پیشرفت کار نظارت لازم را معمول نماید. تبصره۱ـ گزارش پرونده‌های مربوط به واگذاری اراضی ملی و دولتی حسب مورد توسط مدیر امور اراضی یا مدیر کل منابع طبیعی هر استان به دبیرخانه هیئت نظارت ارائه می‌گردد. تبصره۲ـ دستگاه اجرایی و واحد صادرکننده جواز تأسیس یا موافقت اصولی موظف است نظارت لازم بر اجرای طرح مصوب را تا مرحله به بهره‌برداری رسیدن طرح

معمول و گزارش پیشرفت فیزیکی طرحها را در مدت اجرا، به دبیرخانه هیئت‌نظارت منعکس نماید. تبصره۳ـ دبیر هیئت‌نظارت موظف است براساس نظر هیئت‌نظارت نسبت به‌صدور اخطاریه (از طریق پست سفارشی) در دو نوبت به فاصله پانزده روز اقدام و در صورت عدم توجه مجری یا مجریان طرحها به اخطاریه‌های صادرشده مراتب را در دستور کار هیئت‌نظارت قرار دهد. تبصره۴ـ اختیارات هیئت نظارت نافی نظارت عمومی سازمانهای جهادکشاورزی و ادارات کل منابع طبیعی نمی‌باشد و مراجع یادشده حسب مورد موظفند در چارچوب قراردادهای منعقد شده با مجریان طرحها نسبت به اعمال نظارت در قالب زمان‌بندی اجرای طرحها وظایف محول شده را پیگیری و اقدام نمایند. ماده۵ ـ هیئت‌نظارت ضمن بررسی گزارش دبیرخانه و در صورت لزوم بازدید از محل اجرای طرح، در موارد خلاف بین ظرف یک ماه رأی خود را طی صورت‌جلسه‌ای مبنی بر تمدید و تعیین مهلت، فسخ یا استرداد زمین اعلام می‌نماید. ماده۶ ـ دبیر هیئت‌نظارت موظف است پس از صدور رأی هیئت‌نظارت ظرف ده روز نسبت به ابلاغ کتبی رأی به مجری طرح به نشانی مندرج در قرارداد به نحو مقتضی اقدام نماید. آرای صادر شده هیئت‌نظارت ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در مراجع قضایی صالح می‌باشد، در صورت انقضای مدت و عدم اعتراض، رأی صادر شده قطعی و لازم‌الاجراست. تبصره ـ دعوت از طرف قرارداد و حضور وی در جلسات هیئت‌نظارت بلامانع است. ماده۷ـ با قطعیت رأی صادرشده هیئت نظارت به دلیل انقضای مدت اعتراض و یا صدور رأی قطعی از مرجع قضایی حسب‌مورد با توجه به مفاد رأی به‌شرح ذیل اقدام می‌گردد: الف ـ در صورتی که رأی صادر شده توسط هیئت‌نظارت، ناظر به فسخ و یا استرداد زمین باشد، مراتب توسط دبیر هیئت‌نظارت به دفترخانه اسناد رسمی مربوط جهت اجرا ابلاغ و از طریق دایره اجرای ثبت محل وقوع ملك نسبت به خلع ید متصرف اقدام خواهد شد. ب ـ چنانچه رأی صادر شده توسط هیئت‌نظارت، ناظر بر تمدید قرارداد اجاره و تعیین مهلت برای اجرای طرح باشد، مراتب حسب مورد توسط دبیر هیئت‌نظارت برای اجرا به مدیریت امور اراضی یا اداره کل منابع طبیعی و طرف قرارداد ابلاغ می‌گردد. ج ـ احکام صادرشده از سوی مراجع قضایی موضوع قانون پس از قطعیت به هیئت نظارت جهت اجرا ابلاغ می‌گردد. تبصره ـ در هر صورت چنانچه آرای قطعی صادرشده توسط هیئت‌نظارت و یا مرجع قضایی صالح ناظر به فسخ واگذاری و استرداد زمین باشد، مراتب از سوی دبیر هیئت‌نظارت به ادارات ثبت‌اسناد و املاك محل و یا دفاتر اسناد رسمی تنظیم‌کننده سند ابلاغ و دستگاههای مذکور مکلفند ظرف یك ماه پس از اعلام مراتب، نسبت به اصلاح اسناد صادرشده و در صورت انتقال زمین نسبت به صدور دفترچه مالکیت به نام دولت با نمایندگی سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور و در صورت وقوع زمین در محدوده و حریم شهر و شهرك با نمایندگی وزارت مسکن و شهرسازی (سازمان ملی زمین و مسکن) اقدام نمایند. ماده۸ ـ متن قرارداد اجاره موضوع تبصره یك قانون به شرح نمونه پیوست که تأییدشده به مهر پیوست تصویب‌نامه هیئت‌وزیران می‌باشد و از تاریخ تصویب قانون تمام قراردادهای موضوع قانون، بین وزارت جهادکشاورزی و دریافت‌کنندگان اراضی برابر آن منعقد خواهد شد. تمدید قراردادهای واگذاری قبلی نیز پس از پایان مدت، تابع مفاد قرارداد نمونه پیوست می‌باشد. تبصره ـ در مواردی که هیئت نظارت در چارچوب مفاد قانون رأی به تمدید قرارداد صادر نماید، مرجع واگذاری نسبت به تمدید آن برابر نمونه قرارداد پیوست اقدام می‌نماید. ماده۹ـ پس از ابلاغ رأی هیئت‌نظارت مبنی بر فسخ و یا استرداد زمین، سازمان جهادکشاورزی ظرف ده روز اقدام به تأمین دلیل از طریق دادگاه محل خواهد نمود وچنانچه مستأجر یا مجری طرح وجهی را بابت خرید اراضی به حساب دولت واریز و یا هزینه‌هایی در عرصه مورد اجاره، اعیانی، ابنیه و مستحدثاتی در راستای اجرای طرح ایجاد کرده باشد، نسبت به تقویم و ارزیابی با هزینه ایشان به شرح ذیل اقدام خواهد شد: الف ـ تقویم اعیانی، ابنیه و مستحدثات براساس قیمت کارشناسی روز بدون لحاظ ارزش افزوده ناشی از افزایش قیمت زمین توسط کارشناس رسمی دادگستری انجام گرفته و پس از کسر حقوق قانونی دولت و مطالبات بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری تسهیلات‌دهنده، از محل ردیفی که در بودجه سالانه قابل پیش‌بینی است، پرداخت می‌گردد. ب ـ در صورت اعتراض به نظریه کارشناسی وفق قانون آیین‌دادرسی مدنی عمل خواهد شد. تبصره۱ـ پس از ابلاغ رأی هیئت‌نظارت به

نشانی مندرج در قرارداد و عدم مراجعه مستأجر در مهلت مقرر، سازمان جهادکشاورزی موظف است به شرح موارد فوق نسبت به‌تأمین دلیل و تقویم اعیانی، ابنیه و مستحدثات اقدام و مبلغ مورد تقویم را به حساب سپرده سازمان یادشده واریز نماید. در صورت عدم دسترسی به مستأجر اولیه به منظور اطلاع وی برای دریافت بهای تودیع شده اعیانی، سازمان جهادکشاورزی با هزینه وی از محل وجوه یادشده نسبت به‌درج آگهی برای دو نوبت به فاصله پانزده روز در یکی از جراید کثیرالانتشار سراسری یا محلی اقدام خواهد نمود. تبصره۲ـ با فسخ و استرداد مورد واگذاری تا زمان واگذاری مجدد به مجری بعدی (مطابق قوانین و مقررات)، سازمان جهادکشاورزی استان به منظور حفاظت و نگهداری آن، قرارداد امانی یا پیمانی حفاظت و نگهداری منعقد می‌نماید. ماده۱۰ـ چنانچه محکوم‌علیه ادله خود را دائر بر عدم ابلاغ صحیح رأی تقدیم هیئت‌نظارت نماید، موضوع توسط هیئت‌نظارت بررسی و در صورت پذیرش ادعا، رأی به وی ابلاغ و آثار قانونیابلاغ از این تاریخ جاری می گردد. ماده۱۱ـ نمایندگی دولت و اعمال کلیه وظایف و اختیارات مندرج در قانون و این آئین‌نامه نسبت به واگذاریهای انجام شده که در زمان واگذاری در خارج از حریم ومحدوده شهرها و شهرک‌ها واقع و سپس در داخل محدوده و حریم‌های مذکور واقع شده یا می‌شود، به عهده وزارت مسکن و شهرسازی بوده و وزارتخانه‌های جهادکشاورزی و مسکن و شهرسازی مکلفند نحوه تعیین تکلیف این گونه واگذاریها را اعم از مواردی که طرح مصوب اجرا و به بهره‌برداری رسیده و یا به دلیل اعمال مقررات این آیین‌نامه منجر به‌فسخ و استرداد زمین می گردد، طی شیوه‌نامه‌ای تهیه و ابلاغ می‌نمایند.

فصل سوم ــ نحوه رسیدگی به پرونده‌های واگذاری اراضی موضوع تبصره (۲) قانون (ماده ۱۲ تا ۱۶)

ماده۱۲ـ در اجرای تبصره (۲) قانون، قوه قضاییه ظرف یک ماه پس از ابلاغ این آیین‌نامه نسبت به تشکیل شعبه و یا شعب ویژه مرکب از سه نفر از قضات به انتخاب رییس قوه قضاییه اقدام می‌نماید. تبصره۱ـ شعبه یا شعب مذکور در تهران مستقر و جلسات هر شعبه با حضور کلیه اعضا رسمیت یافته و نظر اکثریت مناط اعتبار آرا می‌باشد. تبصره۲ـ قضات شعبه ویژه می‌توانند در صورت اقتضا با هزینه وزارت جهادکشاورزی از نظرات کارشناسان هیئتهای کارشناسی استفاده نمایند. تبصره۳ـ رسیدگی در شعبه یادشده بدون پرداخت هزینه دادرسی است و رأی صادرشده قطعی و غیرقابل تجدیدنظر می‌باشد. ماده۱۳ـ وزارت جهادکشاورزی (سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور) موظف است تا پایان شهریورسال ۱۳۸۷ در مورد واگذاری‌های صورت گرفته بعد از سال ۱۳۶۵ که منجر به صدور سند قطعی گردیده در صورت وجود یکی از شرایط ذیل: الف ـ واگذاری‌هایی که وزرای وقت جهادسازندگی و کشاورزی با استفاده از اختیارات خود به طور مستقیم و بدون طی گردش کمیسیون های واگذاری در استانها دستور انتقال سند را داده‌اند. ب ـ واگذاری بدون وجود طرح مصوب. ج ـ عدم اجرای طرح مصوب بدون عذر موجه. دـ اجرای طرح به میزان کمتر از چهل‌درصد. هـ ـ تبدیل و تغییر کاربری غیرمجاز و غیرمتجانس با طرح مصوب. نسبت به اقامه دعوی در شعبه یا شعب ویژه اقدام نماید و شعبه رسیدگی‌کننده به‌موجب درخواست و دعوای اقامه شده نسبت به یکی از شقوق: ـ فسخ واگذاری قطعی و تبدیل آن به اجاره. ـ تمدید و تعیین مهلت برای اجرای طرح. ـ دریافت بهای روز اراضی و واریز به حساب درآمد عمومی. ـ استرداد زمین با توافق طرفین. تصمیم‌گیری و رأی قطعی صادر می‌نماید. تبصره ـ کلیه واگذاریهایی که در محدوده مناطق چهارگانه تحت حفاظت سازمان حفاظت محیط زیست موضوع تبصره (۵) قانون انجام گرفته است به خواسته ابطال اسناد صادرشده و استرداد زمین در شعب ویژه موضوع تبصره (۲) قانون بدون توجه به شرایط یادشده در تبصره یادشده رسیدگی می‌شود. ماده۱۴ـ وزارت جهادکشاورزی (سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور) موظف است درخواست موضوع تبصره (۲) قانون را در قالب فرمهای دادخواست به خواسته « تعیین تکلیف اراضی واگذارشده» از حیث اعلام فسخ واگذاری و تبدیل آن به اجاره یا تمدید قرارداد و تعیین مهلت برای اجرای طرح یا دریافت بهای روز اراضی و واریز آن به‌حساب درآمد عمومی و یا استرداد زمین در صورت توافق با مجری طرح

تقدیم نماید. تبصره۱ـ وزارت جهادکشاورزی (سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور) ضمن تعیین دقیق خواسته و تقویم آن در درخواست اولیه با توجه به جریان پرونده و مباحث طرح شده در جلساترسیدگی از حیث اعلام آمادگی و یا عدم آمادگی مجری برای اجرای طرح و یا تمدید قرارداد اجاره و یا امکان استرداد زمین و یا عدم امکان آن به دلیل تعاقب ایادی می‌تواند موضوع درخواست خود را در قالب یکی دیگر از موارد مندرج در ماده فوق تا قبل از اعلام ختم دادرسی تغییر داده و به صورت کتبی به دادگاه اعلام نماید. تبصره۲ـ درخصوص آن دسته از زمینهایی که قبل از تصویب مصوبه مجمع تشخیص مصلحت‌نظام دریافت‌کنندگان اولیه پس از انتقال سند مالکیت از سوی وزارت جهادکشاورزی به نام آنها نسبت به فروش و نقل و انتقال رسمی آن به اشخاص ثالث اقدام نموده باشند، ارزش زمین به قیمت روز زمان انتقال محاسبه و از دریافت‌کننده اولیه دریافت خواهد شد. ماده۱۵ـ در مورد اراضی واگذارشده جهت تعاونی‌های مسکن یا بخش خصوصی و غیردولتی برای امور عام‌المنفعه تا سال ۱۳۷۳ در صورتی که تبصره‌های (۵۴) و (۴۶) قوانین بودجه سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۸ نسبت به این واگذاریها اجرا نگردیده باشد، به شرح ذیل اقدام می‌گردد: الف ـ وزارت جهادکشاورزی (سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور) فهرست کلیه واگذاری‌های قسمت اخیر تبصره (۲) قانون را به وزارت مسکن و شهرسازی اعلام تا نسبت به اعمال تبصره‌های (۵۴) و (۴۶) قوانین بودجه سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۸ در مورد اراضی واگذارشده به تعاونی‌های مسکن اعم از بخش خصوصی و دولتی اقدام نماید. ب ـ واگذاریهای صورت گرفته به دولت (وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکتهای دولتی) مشمول رسیدگی مجدد نمی‌باشند. ماده۱۶ـ در عرصه‌های موضوع تبصره (۵) قانون و نیز در عرصه‌هایی که به موجب رأی قضات شعبه ویژه منجر به فسخ واگذاری توأم با استرداد زمین می‌گردد، مواد (۷)، (۹) و (۱۱) این آیین‌نامه که به نحوی با تبصره (۲) قانون نیز مرتبط می‌باشد حسب مورد متناسب با موضوع توسط شعب ویژه، قابل اعمال بوده و مورد حکم قرار خواهد گرفت.

فصل چهارم ــ سایر مقررات (ماده ۱۷ تا ۲۱)

ماده۱۷ـ وزارت جهادکشاورزی موظف است اعتبارات مورد نیاز را برای اجرای قانون، شامل بهای اراضی، اعیانی، ابنیه و مستحدثات بر روی اراضی موضوع تبصره (۴) قانون و سایر موارد، تجهیزات مورد نیاز، حق‌الزحمه هیئت‌های نظارتی و عوامل اجرایی، هزینه‌ها و دستمزد کارشناسی را در یک ردیف جداگانه در بودجه سالانه خود پیش‌بینی و به معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور پیشنهاد نماید. ماده۱۸ـ وزارت جهاد کشاورزی مکلف است به منظور تشکیل به موقع هیئت‌های نظارت، جمع‌آوری آمار و اطلاعات، ارزیابی عملکرد و برنامه‌ریزی و نظارت بر اجرای صحیح این آیین‌نامه، نسبت به ایجاد بانک اطلاعات و تهیه نرم‌افزار مربوط اقدام نماید. ماده۱۹ـ وزارت جهادکشاورزی مجاز است در چارچوب قانون و این آیین‌نامه نسبت به تنظیم و ابلاغ دستورالعمل‌های مربوط اقدام نماید.ماده۲۰ـ کلیه دستگاههای اجرایی موظف به همکاری با وزارت جهادکشاورزی در اجرای قانون و آیین‌نامه اجرایی مربوط می‌باشند. نیروی انتظامی موظف است در صورت درخواست وزارت جهادکشاورزی همکاری لازم را برای اعزام نیروی کادری خود جهت همراهی عوامل نظارتی در بازدید از اراضی واگذارشده موضوع این آئین‌نامه معمول وگزارش مرجع انتظامی دایر بر ممانعت متصرفان یا مالکان یا مستأجران از انجام وظایف عوامل نظارتی، اماره عدم اجرای طرح می‌باشد. ماده۲۱ـ کلیه آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مغایر با این آیین‌نامه اجرایی ملغی‌الاثر اعلام می‌گردد. این تصویب‌نامه در تاریخ ۱۱/۲/۱۳۸۷ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است.

پیوست

بسمه‌تعالی قرارداد اجاره این قرارداد به استناد تبصره (۱) ماده (۳۳) اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع ـ

مصوب۱۳۸۶ـ و در اجرای مـــاده (۸) آئین‌نـــامه اجرایی قـــانون برای اجرای طرح .... کـه در تـــاریخ .... مورد تصویب کمیسیون مربوط قرار گرفته با شرایط ذیل منعقد می‌گردد: ماده۱ـ موجر: وزارت جهاد کشاورزی با نمایندگی آقای / خانم .... فرزند .... شماره شناسنامه.......................... صادره ازشماره ملی.. به موجب معرفی‌نامه شماره .... مورخ .... بـه نشـانی : .... ماده۲ـ مستأجر: الف ـ شرکت یا شرکت‌ها: نام شرکت.......................... شماره ثبت .... مرکز اصلی شرکت............ با نمایندگی آقای / خانم.......................... فرزند........................... شماره شناسنامه.......................... صادره از .... شماره ملی.. که بر طبق اساسنامه شرکت حق امضای این قرارداد را دارا می‌باشد. به نشانی: ب ـ شخص یا اشخاص حقیقی: نام و نام خانوادگی .... فرزند .... شماره شناسنامه......................... صادره از.............................. متولد................................ شماره ملی............................ به نشانی:.. ماده۳ـ مورد اجاره: قطعه زمینی است به مساحت .... مترمربع شش دانگ/هکتار/قسمتی از اراضی ملی/دولتی تحت پلاک شماره.................................. فرعی از............................ اصلی واقع در روستای .... بخش................................ استان.. با حدود اربعه ذیل: شمالاً : شرقاً : جنوباً : غرباً : با ابعاد مشخص طبق نقشه پیوست که جزء لاینفک این قرارداد می‌باشد و پس از امضای این قرارداد با تنظیم صورت جلسه‌ای به تصرف قانونی مستأجر درخواهدآمد. ماده۴ـ مدت اجاره: مدت اجاره...................................... سال هجری شمسی از تاریخ امضای سند اجاره است و پس از انقضای مدت اجاره در صورت اجرای کامل طرح مصوب، چنانچه موجر قابلیت ادامه فعالیت طرح را تأیید نماید، قرارداد اجاره به مدت و با اجاره بهایی که توسط کمیسیون مربوط تعیین می‌گردد قابل تمدید خواهدبود و استمرار اجاره منوط به تنظیم قرارداد اجاره جدید می‌باشد. تبصره۱ـ اجرای کامل طرح به هیچ عنوان الزامی برای موجر دایر بر انتقال عرصه به صورت کلی یا جزیی به مستأجر ایجاد نخواهدکرد. تبصره۲ـ در صورتی که مستأجر قصد استفاده از تسهیلات مؤسسه اعتباری را برای اجرای طرح داشته باشد و مؤسسه اعتباری عامل، براساس قوانین و مقررات مربوط و ارایه گزارش توجیهی مدت اجاره را کافی ندانند، مدت قرارداد اجاره بنا به درخواست مستأجر و تأیید کمیسیون ذی‌ربط و با رعایت ضوابط و مقررات مربوط اصلاح خواهدشد. ماده۵ ـ اجاره بها: اجاره بهای سالیانه به طور مقطوع مبلغ .... (..............................به حروف) ریال می‌باشد که بنا به تشخیص کمیسیون مربوط، تعیین گردیده است و این مبلغ حداکثر هر سه /پنج سال یکبار تعدیل می‌گردد و اجاره بهای تعدیل شده توسط موجر قطعی است و براساس آن قبوض اقساطی از سوی دفترخانه عامل صادر می‌گردد. ماده۶ ـ موعد پرداخت اجاره بها: مستأجر متعهد است اجاره بهای سال اول را حداکثر تا یک سال بعد از تنظیم قرارداد به شماره حساب .... خزانه‌داری کل نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز و اصل رسید بانکی را برای دریافت قبض اقساطی مربوط به موجر تسلیم کند و اجازه بهای سالهای بعد را نیز به ترتیب مذکور در سررسید قبوض اقساطی بپردازد. ماده۷ـ شرایط ضمن عقد: ـ مستأجر یا مستأجران (اعم از شخص حقیقی و حقوقی) به هیچ نحو از انحا، بدون اخذ موافقت کتبی موجر، حق واگذاری تمام یا قسمتی از منافع عین مستأجره را به صورت جزیی یا کلی، تحت هر عنوانی اعم از قطعی، شرطی، رهنی، صلح حقوق، مشارکت، وکالت و غیره ندارد و هر قراردادی که برخلاف این ماده با هر شخص حقیقی یا حقوقی تنظیم و مبادله شود، باطل وبرای موجر حق فسخ اجاره را ایجاد می‌نماید. در فرض واگذاری زمین به چند مستأجر ممنوعیت موضوع این بند شامل انتقال قدرالسهم هر یک از

مستأجران به یکدیگر نیز خواهدبود. ـ مستأجر مکلف است اقساط اجاره بها را در سررسید قبوض اقساطی به موجر بپردازد و درصورت عدم پرداخت یا تأخیر بیش از دو ماه در پرداخت اقساط، موجر حق فسخ اجاره را خواهد داشت. تحقق و اعمال این حق منوط به صدور و ابلاغ اخطاریه از طرف موجر نخواهدبود. ـ مستأجر حق تبدیل و تغییر کاربری، تفکیک و افراز اراضی مورد اجاره را ندارد مگر با رعایت مقررات مربوط و موافقت کتبی وزارت جهاد کشاورزی، در غیر این صورت موجر حق فسخ اجاره را خواهد داشت. ـ در صورتی که مستأجر در طول مدت اجاره نسبت به انتقال عین مستأجره به هر نحو به صورت کتبی یا شفاهی و در قالب اسناد عادی و یا رسمی مبادرت نماید طبق قوانین جزایی قابل پیگرد و تعقیب کیفری می‌باشد. ـ چنانچه معادن مندرج در قوانین مربوط در مورد اجاره وجود داشته باشد و یا کشف شود و دولت استخراج آن را مجاز و لازم بداند و عمل بهره‌برداری از معادن مانع اجرای تمام یا قسمتی از طرح شود، موجر می‌تواند عقد اجاره را فسخ و یا محدوده مورد احتیاج را از مورد اجاره خارج نماید، در این صورت عقد اجاره نسبت به بقیه اراضی با تنظیم قرارداد اصلاحی استمرار می‌یابد و چنانچه در اجرای این اقدام خسارتی متوجه مستأجر شود خسارات واردشده براساس نظریه کارشناس رسمی دادگستری به انتخاب مؤجر تعیین می گردد و هزینه کارشناسی بر عهده دستگاه ذی‌ربطمی‌باشد. ـ مستأجر مکلف است در صورت کشف آثار و ابنیه باستانی در عین مستأجره مراتب را بلافاصله به موجر و مراجع ذی‌ربط اطلاع دهد و کلیه قوانین مربوط به آثار و ابنیه باستانی مکشوفه در مورد اجاره را اجرا کند و در صورتی که طبق مقررات مربوط و با تأیید موجر ادامه بهره‌برداری مستأجر از عین مستأجره به لحاظ قانونی متعذر باشد، مکلف است عین مستأجره را رفع تصرف و به موجر تحویل نماید، در این صورت حقوق مکتسبه بهره‌بردار و خسارت واردشده و دستمزد کارشناسی با رعایت قسمت آخر از بند ۵ همین ماده تعیین و از سوی دستگاه اجرایی ذی‌ربط قابل‌پرداخت می‌باشد. تخلف از این بند موجب فسخ قرارداد می گردد. ـ مستأجر مکلف است ضمن حفاظت فیزیکی و مراقبت از عین مستأجره، حریم رودخانه‌ها و مجاری سیلاب و حقوق ارتفاقی اشخاص از لحاظ عبور انهار و قنوات و راههای دسترسی و غیره را طبق قوانین موضوعه و عرف محل مراعات نماید و در صورت تخلف مسئول خسارات واردشده به دولت و اشخاص خواهدبود. ـ خسارات واردشده ناشی از تخلف مستأجر از مفاد این قرارداد از طرف موجر قابل مطالبه است. ـ مستأجر متعهد است طرح توجیه فنی و اقتصادی و طرحهای تفصیلی و برنامه اجرایی را که مورد تأیید مراجع تصویب‌کننده طرح قرار گرفته و پیوست لاینفک این قرارداد می‌باشد به نحو کامل و طبق برنامه زمان‌بندی در مواعد مندرج در طرح مصوب اجرا و گزارش اقدامات انجام شده را برای موجر ارسال نماید و در صورت استنکاف و تخلف، موجر با تعیین ضرب‌الاجل متناسب که با جلب نظر مرجع فنی ناظر بر اجرای طرح یا نظر کارشناس منتخب موجر تعیین می‌شود به مستأجر اخطار می‌نماید که به تعهدات خود عمل نماید و با انقضای مدت تعیین شده وادامه استنکاف، موجر حق فسخ قرارداد را خواهدداشت. ـ نمایندگان موجر که حکم مأموریت بازدید طرح را دارند با ارایه کارت شناسایی و حکم مربوط می‌توانند به محدوده مورد اجاره وارد شوند و مراحل مختلف عملیات اجرای طرح اعم از آماده‌سازی و بهره‌برداری از اراضی موضوع این قرارداد را نظارت نمایند و مستأجر حق ممانعت را نداشته و باید اطلاعات مرتبط با طرح را در اختیار نمایندگان موجر بگذارد. در صورتی که مستأجر مانع از ورود و بازدید مأموران مذکور شود و یا اطلاعات مرتبط با طرح را در اختیار آنان قرار ندهد، موجر با ارسال اخطاریه موعد مجددی برای بازدید و تسلیم اطلاعات مرتبط با طرح تعیین خواهدکرد و در صورت استنکاف مجدد، موجر حق فسخ اجاره را خواهد داشت. ـ مستأجر مکلف است ظرف یک ماه قبل از انقضای مدت اجاره با حضور در محل اداره موجر نسبت به تسلیم درخواست تمدید قرارداد اجاره اقدام نماید و در صورت عدم مراجعه مستأجر و یا عدم تمدید قرارداد اجاره و یا فسخ قرارداد اجاره ظرف سه ماه از تاریخ انقضای مدت اجاره یا از تاریخ فسخ، از مورد اجاره رفع‌ید نماید و با همان مساحت و حدود که در ابتدای اجاره تحویل گرفته است، به موجر مسترد نماید. در صورت تأخیر در تخلیه و تحویل عرصه ظرف مهلت مذکور، معادل دو برابر اجاره بهای مقرر به ازای هر روز به عنوان وجه التزام بر عهده مستأجر خواهدبود

و به علاوه موجر می‌تواند با صدور اجراییه نسبت به خلع‌ید از مستأجر اقدام و مطالبات خود وخسارات وارد شده را از محل تأسیسات و ماشین‌آلات و سایر اموال منقول و غیرمنقول بلامعارض مستأجر که در مورد اجاره موجود است براساس ارزیابی کارشناس منتخب خود با منظور داشتن هزینه کارشناسی که بر عهده مستأجر است، استیفا نماید که در صورت عدم پرداخت، به کل بدهی مستأجر اضافه می‌گردد. تشخیص و تعیین میزان بدهی مستأجر منحصراً با موجر است و مستأجر به موجب همین قرارداد اجاره، تشخیص مذکور را مورد قبول قرار داده و ملزم به پرداخت مبالغ مورد مطالبه گردید و حق هر گونه ایراد و اعتراض و ادعایی را از خود سلب و ساقط کرد. تبصره۱ـ در صورتی که جهت اجرای طرح‌های عمرانی ملی یا استانی مصوب نیاز به تمام یا قسمتی از عرصه موضوع این قرارداد باشد، با اعلام کتبی موجر به مستأجر طی مهلت سه ماهه نسبت به برآورد کارشناسی هزینه‌های صورت گرفته توسط کارشناس رسمی دادگستری به انتخاب موجر و پرداخت آن از سوی مجری طرح عمرانی اقدام و قرارداد اصلاح و یا فسخ می‌گردد. تبصره۲ـ مستأجر نمی‌تواند با تمسک به اجرای بخشی از طرح و بهره‌برداری از آن صدور سند مالکیت نسبت به آن بخش و یا اصلاح قرارداد و تجزیه عرصه عین مستأجره را تقاضا نماید. تبصره۳ـ با توجه به تبصره (۸) ماده (۱) قانون تسهیل اعطای تسهیلات بانکی و کاهش هزینه‌های طرح و تسریع در اجرای طرح‌های تولیدی و افزایش منابع مالی و کارایی بانکها، این قرارداد به عنوان اسناد قابل قبول نزد بانکها پذیرفته می‌شود و مؤسسه اعتباری می‌تواند با رعایت بند (۱) ماده (۷) این قرارداد معادل حقوق ناشی از این قرارداد برای مجری طرح را به عنوان وثیقه بپذیرد. موجر به موجب این قرارداد متعهد و موظف گردید در اجرای قرارداد تسهیلات اعطایی بنا به درخواست بانک و یا مؤسسه مالی، اعتباری ذی‌نفع، این مؤسسات و یا اشخاص معرفی‌شده از طرف آنها را به عنوان جانشین مجری طرح موضوع قرارداد واگذاری زمین شناخته و بپذیرد و کلیه حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد را به بانک یا مؤسسه مالی و اعتباری ذی‌نفع و یا اشخاص معرفی‌شده منتقل نماید. همچنین موجر موظف است بنا به تقاضای مؤسسه اعتباری و یا بانک عامل در صورت تغییر یا تعویض در نوع قرارداد اعطای تسهیلات با توجه به عقود مورد عمل بانک یا مؤسسه مذکور برای تفویض اختیار، موافقت خود را با تبدیل تعهد مستأجر به بانک اعلام و در اسرع وقت به دفترخانه اسناد رسمی معرفی شده مراجعه نماید. ـ در صورتی که به تشخیص موجر، مستأجر و شریک او که با رعایت بند (۱) ماده (۷) این قرارداد مشارکت وی ایجاد شده است، متفقاً یا منفرداً بر خلاف تعهدات مندرج در این قرارداد عمل نموده و یا طرح خود را در موعد مقرر اجرا نکند و از اراضی مورد اجاره بهره‌برداری ننماید، موجر می‌تواند نسبت به فسخ قرارداد و خلع‌ید و جایگزین نمودن شخص یا اشخاص دیگر اقدام نماید. در صورتی که مستأجر هزینه‌هایی در راستای اجرای طرح نموده باشد به هنگام تقویم، بهای روز براساس ماده (۹) آئین‌نامه اجرایی قانون اصلاح ماده (۳۳) اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع کشور با اخذ نظر کارشناسی محاسبه خواهدشد و موجر مکلف است پس از کسر حقوق قانونی دولت و مطالبات بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری حداکثر تا پایان سال مالی بعد نسبت به تأمین اعتبار و استرداد آنها اقدام نماید. ـ مستأجر و یا شرکای ایشان به تنهایی یا به اتفاق بدون موافقت موجر حق ندارند اعیان را تحت هر عنوان اعم از بیع یا صلح یا وکالت و یا وصیت و نظایر آن به غیر واگذار و یا حقی نسبت به آن برای دیگری قایل شوند و تغییراتی در طرح و مستحدثات به عمل آورده و یا تأسیسات غیرمتناسب با طرح ایجاد نمایند و در صورت تخلف، موجر می‌تواند قرارداد اجاره را فسخ نماید. ـ در تمامی مواردی که برای موجر به موجب این قرارداد حق فسخ ایجاد شده است، موجر می‌تواند بدون نیاز به حضور مستأجر در دفترخانه عامل ظرف دو ماه نسبت به اعمال حق فسخ اقدام نماید. تبصره ـ تجویز فسخ قرارداد توسط موجر در موارد خلاف بین موضوع ماده (۳۳) اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع کشور منوط به احراز و اعلام هیئت نظارت موضوع ماده مذکور می‌باشد. ـ در مواردی که موجر با اختیارات حاصل از این قرارداد اقدام به فسخ آن نماید و در مراجع اداری، ثبتی و دفاتر اسناد رسمی نیاز به اخذ امضای مستأجر باشد، موجر وکالت در امضا از ناحیه مشارالیه را دارد. ماده۸ ـ هر نوع اخطار یا اعلامیه‌ای که بر طبق این قرارداد لازم است از طرف موجر نسبت به مستأجر به عمل

آیـد، به وسـیله پست سفارشـی دو قبضه به نشانی مـذکور در این قرارداد ارسال خواهدشـد و تاریـخ تأییـدیه پستی آن. تاریـخ ابلاغ می‌باشـد. در صورتی که بانـک یـا مؤسـسات اعتبـاری در قرارداد مـذکور مشـارکت داشته‌باشـند، نسـخه‌ای از اخطاریه یا اعلامیه به مسـتأجر، به بانـک یامؤسـسات اعتبـاری وام‌دهنـده نیز ارسـال می گردد. در صورت فسـخ و ابطـال قرارداد واگـذاری زمین به منظور رعـایت حقوق مؤسـسه اعتبـاری و معرفی مجری جدیـد مراتب به مرجع مـذکور ابلاـغ می گردد. تبصـره ـ اقامتگاه مسـتأجر طبق این قرارداد نشانی مندرج در ماده (۱) می‌باشد و در صورت تغییر، مسـتأجر مکلف است مراتب را به طور کتبی به موجر اطلاع دهد، در غیر این صورت کلیه اخطارها، ابلاغ‌ها و مکاتبات موضوع این قرارداد به نشانی مذکور در ماده (۱) ارسال و معتبر خواهدبود. ماده۹ـ ایـن قرارداد در ۹ مـاده و ۷ تبصـره و ۱۵ بنـد در .... نسـخه تنظیم گردیـد که همگی از اعتبـار یکسـان برخوردار می‌باشـند. .... ۳ ۴ ۵ ۸ ۱۱ ۱۳ ۱۴ ۱ ۲ ۶ ۷ ۹ ۱۰ ۱۲ ۱۵ امضـای موجر امضای مسـتأجر معاون اول رییس جمهور ـ پرویز داودی

۸– زندان و عفو

آیین‌نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور

بخش یک کلیات

فصل اول ــ تعاریف (ماده ۱ تا ۱۹)

ماده ۱ ـ سازمـان زنـدانها و اقـدامات تـامینی و تربیـتی کشـور ، سازمـانی است که مسـتقیما زیر نظر رییس قـوه قضـاییه انجـام وظیفه می‌نمایـد و اختصـارا در این آیین نامه سازمان نامیـده می‌شود. ماده ۲ ـ سازمـان همه سـاله در موعـد مقرر بودجه خود را در ردیف مسـتقل پیش بینی نمـوده و پس از مـوافقت رییس قوه قضـاییه ضـمن ارسـال به سازمـان مـدیریت و برنـامه ریزی ، برای تصویب نیز پیگیری و اقـدامات لاـزم را انجام خواهـد داد. ماده ۳ـ زنـدان محلی است که در آن محکومین قطعی بـا معرفی مقامـات ذی صـلاح قضایی و قانونی برای مدت معین یا بطور دایم به منظور اصـلاح و تربیت و تحمل کیفر نگهداری می‌شوند. ماده ۴ ـ بازداشتگاه محل نگهـداری متهمینی است که با قرار کتبی مقامات صـلاحیتدار قضایی تا اتخاذ تصـمیم نهایی به آنجا معرفی می‌شونـد. تبصـره ۱ ـ تا زمانی که بازداشـتگاههای موضوع این ماده ایجاد نشده است ، در طبقه بندی داخل زندانها محل جداگانه‌ای برای نگهداری متهمین تحت قرار در نظر گرفته می‌شـود. تبصـره ۲ ـ بـا اجرای طرح سامانـدهی منطقه‌ای زنـدانهای کشور ، محکومین به حبس هـای کوتاه مـدت که از سوی سازمان تعیین و ابلاغ می‌شود در بازداشـتگاه نگهـداری خواهند شد. ماده ۵ ـ زندانها به شـرح مواد آتی به زندان بسـته ، زندان نیمه باز ،زندان باز و مجتمع‌های حرفه آموزی و کار درمانی (اردوگاه) تقسیم‌می‌شوند. ماده ۶ ـ زندان بسته ، زندانی است محصـور که بـا برجهـای دیـده بـانی در پوشـش داخلی و خـارجی دارای حفـاظت کامـل باشـد. تبصـره ـ در این نـوع زنـدان ، محکومین شـبها در خوابگاههای اختصاصـی یا گروهی نگهـداری و روزها از برنامه‌های آموزشـی وفنی حرفه‌ای و تفریحی اسـتفاده می‌نماینـد و یا در کارگاه های داخل زنـدان به کار گمارده می‌شوند. ماده ۷ ـ زندان نیمه باز ، زندانی است محصور که در پوشـش خـارجی دارای حفـاظت منـاسب باشـد و در آن زنـدانیان به طور گروهی بـا تعـداد کـافی مأمور مراقب بـدون اسـلحه به کـار اعزام می گردند و پس ازخاتمه کار مجددا به آسایشگاه های خود عودت داده می‌شوند. ماده ۸ ـ زندانیان زیر در زندان نیمه باز نگهداری می‌شونـد: الف ـ محکومین جرایم غیر عمـدی ب ـ محکومین به جزای نقـدی که به لحاظ عجز از پرداخت جزای‌نقـدی تحمل کیفر

حبس می کنند. ج ـ محکومین مالی ، موضوع ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی د ـ محکومین به حبس در جرایم عمدی با شرایط زیر: ۱ـ محکومین به حبس تعزیری تا دو سال ۲ـ محکومین به حبس بیش از دو سال تا ۱۵ سال به شرط تحمل ۱۱۰ از مدت محکومیت در زندان بسته ۳ـ محکومین به حبس بیش از ۱۵ سال و حبس ابد به شرط تحمل ۲ سال از مدت محکومیت در زندان بسته ماده ۹ ـ زندان باز ، زندانی است بدون حفاظت و مأمور مراقب که زندانی مدت محکومیت خود را در آن با اشتغال به کار یا خدمت می گذراند و حق خروج از زندان را نداشته و شبها را در نزدیکترین آسایشگاهی که به همین منظور تعیین شده است استراحت می‌نماید. ماده ۱۰ ـ زندانیان زیر در زندان باز نگهداری می‌شوند: الف ـ محکومین جرایم غیر عمدی ب ـ محکومین به جزای نقدی که به لحاظ عجز از پرداخت جزای نقدی تحمل کیفر حبس می کنند. ج ـ محکومین مالی ، موضوع ماده ۲ قانون نحوه اجری محکومیتهای مالی د ـ محکومین به حبس در جرایم عمدی با شرایط زیر: ۱ـ محکومین به حبس‌های تعزیری تا دو سال پس از گذراندن ۱۴ از مدت محکومیت در یکی از زندانهای بسته یا نیمه باز. ۲ـ محکومین به حبس بیش از دو سال تا ۱۵ سال به شرط تحمل ۱۵از مدت محکومیت در یکی از زندانهای بسته یا نیمه باز. ۳ـ محکومین به حبس بیش از ۱۵ سال و حبس ابد به شرط تحمل ۴ سال از مدت محکومیت در یکی از زندانهای بسته یا نیمه باز. ماده ۱۱ ـ رییس زندانهای باز و نیمه باز یا هر یک از موسسات‌محل کار زندانیان باید به طریق مقتضی طرز اخلاق و رفتار و نظم وترتیب کار محکومین را کنترل نمایند. ماده ۱۲ ـ روسای زندانهای باز و نیمه باز و موسسات محل کار زندانیان موظفند پس از ورود زندانیان آنان را با برنامه های خاص زندان و موسسات آشنا نمایند. ماده ۱۳ ـ زندانیان زندانهای باز و نیمه باز که در موسسات کار ، اشتغال می‌یابند در تمامی ساعات اشتغال ، حق خروج از محل کار را نداشته و پس از خروج از آسایشگاه باید مستقیما به محل کار رفته و به موقع نیز مراجعت نمایند. زمان ورود و خروج آنان در محل کار دقیقا باید ثبت شود. تبصره ۱ ـ مأموران زندان موظفند ، طرز رفتار و اخلاق و نظم و ترتیب کار زندانیان را برابر مقررات سازمان کنترل نموده و تخلفات آنان را سریعا به اطلاع رییس زندان و محل کار مربوطه برسانند. تبصره ۲ ـ در هر مورد که زندانی مقررات مربوطه را رعایت ننماید و یا صلاحیت جهت کار یا نگهداری در محلهای مذکور را نداشته باشد ، با نظر رییس زندان به زندان بسته اعزام تا حسب مورد تصمیم نهایی از سوی مراجع قضایی یا شورای طبقه بندی و انضباطی مربوطه اتخاذ گردد و مراتب به قاضی ناظر زندان جهت اطلاع اعلام خواهد شد. ماده ۱۴ـ مجتمع حرفه آموزی و کار درمانی (اردوگاه مرکزی است‌برای نگهداری متهمین و محکومین جرایم مواد مخدر و اعتیاد. ماده ۱۵ ـ زندانیان طبق تصمیم شورای طبقه بندی به منظوراشتغال به کار یا حرفه آموزی به موسسات صنعتی ، کشاورزی و خدماتی زیر اعزام می‌شوند: ۱ـ موسسات داخل زندان (این موسسات ممکن است در مالکیت‌زندان باشد یا به سایر سازمانهای دولتی یا موسسات خیریه یا تعاونی ها یا بخش خصوصی تعلق داشته و زندان مجاز به استفاده از آنان باشد) تبصره ۱ ـ موسسات صنعتی ، کشاورزی و خدماتی با توجه به وضعیت ساختمان و کیفیت حفاظت آنها به پیشنهاد رییس موسسه و تشخیص رییس سازمان می‌تواند به عنوان زندان باز و یا نیمه باز تلقی گردد. ۲ـ موسسات خارج از زندان که نوعی زندان باز می‌باشند. (این موسسات ممکن است در مالکیت زندان باشد یا به سایر سازمانهای دولتی یا موسسات خیریه یا تعاونی ها یا بخش خصوصی تعلق داشته و زندان مجاز به استفاده از آنها باشد). تبصره ۲ ـ موسسات صنعتی ، کشاورزی و خدماتی خارج از زندان باید حتی الامکان واجد محلهای کافی جهت نمازخانه ، کتابخانه ، وسایل ارتباط جمعی ، خوابگاه ، غذاخوری ، محلی جهت ملاقات زندانیان و سایر زمینه‌های تفریحات سالم باشند. ماده ۱۶ ـ مراکز اقدامات تامینی و تربیتی موسساتی هستند که درآنجا متهمین و محکومین قبل و بعد ، یا ضمن اجرای مجازات یا مستقل از آن تا رفع حالتی که آنها را در آینده در مظان ارتکاب جرم قرار می‌دهد به حکم یا قرار کتبی مراجع قضایی نگهداری می‌شوند. ماده ۱۷ ـ موسسات صنعتی ، کشاورزی ، خدماتی و نظایر آن موسساتی هستند که تحت نظارت سازمان با امکانات لازم از طریق سرمایه گذاری دولت یا مشارکت بخش خصوصی و تعاونی به منظور اشتغال و آموزش فنی حرفه ای و نیل به خودکفایی با هدف اصلاح و تربیت

زندانیان تاسیس می‌شوند. تبصره ـ دستورالعمل ویژه این بخش با نظر حوزه معاونت امور اشتغال ، خودکفایی و حرفه آموزی تهیه و پس از تایید رییس سازمان ابلاغ خواهد شد. ماده ۱۸ ـ ادارات مراقبت بعد از خروج مراکزی هستند که حمایت از زندانیان آزاد شده و واجد شرایط را بر عهده می گیرند. ماده ۱۹ ـ کانون اصلاح و تربیت مرکزی است که اطفال و نوجوانان بزهکار کمتر از ۱۸ سال تمام در آنجا برای اصلاح ، تربیت و آموزش نگهداری می‌شوند.

فصل دوم – وظایف سازمان و مسوولین زندان ، بازداشتگاه و سایر مراکز وابسته به سازمان (ماده ۲۰ تا ۴۱

ماده ۲۰ ـ وظایف سازمان به شرح زیر می‌باشد: الف ـ اجرای مجازات حبس طبق مقررات مربوطه (سازمان درخصوص اجرای سایر مجازاتها تکلیفی ندارد.) ب ـ اداره کلیه امور زندانها ، بازداشتگاهها و مراکز اقدامات تامینی وتربیتی کشور و موسسات صنعتی ، کشاورزی و خدماتی ج ـ ایجاد زندانها ، بازداشتگاه ها و موسسات صنعتی ، کشاورزی و خدماتی و سایر موسسات لازم برای نگهداری ، بازپروری ، حرفه آموزی و اشتغال به کار متهمین و محکومین د ـ انجام تحقیقات و پژوهش های علمی به منظور بهبود شیوه‌ها و خدمات زندانبانی ه ـ تعیین خط مشی ، اداره و نظارت بر اجرای کلیه امور مربوط به زندانها و موسسات و مراکز وابسته به آن و ـ تهیه پیش نویس قوانین و مقررات مورد نیاز و پیشنهاد آن به‌مراجع ذی ربط ز ـ ایجاد امکانات و تسهیلات لازم و مناسب به منظور انجام امور فرهنگی و تربیتی اعم از اصلاح ، ارشاد و آموزش زندانیان ح ـ انجام خدمات مشاوره‌ای و نیز کمک و مساعدت به منظور حل مشکلات زندانیان و خانواده آنان ط ـ جذب هر گونه کمک از قبیل کمکهای مردمی ، موسسات خیریه و... و برنامه ریزی در جهت به کارگیری صحیح این گونه کمکها باهدف بهبود امور زندانها و مساعدت به زندانیان و یا خانواده آنان ی ـ سیاستگذاری و برنامه ریزی کلیه امور مربوط به اشتغال و حرفه‌آموزی زندانیان و خودکفایی زندانها و موسسات وابسته ک ـ تهیه آمار و اطلاعات مورد نیاز جهت شناخت روشهای پیشگیری از وقوع جرایم و بررسی علل و انگیزه‌های ارتکاب آن و ارائه به روسای قوای سه گانه (ارائه آمار و اطلاعات به سایر مراجع اداری و مراکز علمی با موافقت رییس سازمان بلامانع است) ل ـ تهیه و پیشنهاد اسامی محکومین واجد شرایط آزادی مشروط و ارائه آن به قاضی ناظر زندان م ـ تهیه و پیشنهاد اسامی محکومین واجد شرایط عفو و ارائه آن به‌هیأت عفو. ن ـ برنامه ریزی برای مراقبت بعد از خروج زندانی با همکاری دستگاههای ذی ربط ماده ۲۱ ـ سازمان می‌تواند با ایجاد تشکیلات مناسب نسبت به انجام تحقیقات و مطالعات علمی لازم رأسا اقدام نماید. ماده ۲۲ ـ استانداردهای مورد نیاز در خصوص تشکیلات اعم ازتعداد کارمندان و مأموران مراقب و انتظامی و مربیان مذهبی و متخصصین در زندانها و موسسات و مراکز وابسته به سازمان به تناسب موقعیت و احتیاجات محل و آمار شناور زندانیان توسط سازمان تعیین و به تصویب سازمان مدیریت و برنامه ریزی خواهدرسید. ماده ۲۳ ـ در هر زندان ، بازداشتگاه و یا سایر مراکز وابسته به سازمان عنداللزوم واحد آمار و رایانه تشکیل می گردد تا کلیه آمار مورد نیاز را ثبت نماید. تبصره ـ مسوول آمار واحد مذکور موظف است اطلاعات جمع آوری شده را طبق دستورالعمل های صادره تهیه و به مقام مافوق ارائه نماید. ماده ۲۴ ـ تاسیس ، احداث و اداره کلیه زندانها و بازداشتگاه ها وسایر موسسات و مراکز وابسته به سازمان و نیز تغییر محل آنها منحصرا در اختیار سازمان می‌باشد. مراجع قضایی ، اجرایی ، اطلاعاتی ، انتظامی و نظامی از داشتن زندان و بازداشتگاه اختصاصی ممنوع می‌باشند. تبصره ـ بازداشتگاههای انضباطی نیروهای مسلح از شمول این آیین نامه خارج است ماده ۲۵ ـ انتظامات و حفاظت فیزیکی از زندانها و بازداشتگاه ها و سایر مراکز وابسته به عهده سازمان است که توسط یگان انتظامی و نیروهای انتظامی تحت امر اعمال خواهد شد. تبصره ـ نیروهای فوق تحت امر رییس سازمان بوده و وی‌می‌تواند اختیارات خود را رأسا یا با تفویض به معاون انتظامی سازمان ، به مدیران کل استانها و روسای زندانها واگذار نماید. ماده ۲۶ ـ وظایف روسای زندان ها ، بازداشتگاه ها و موسسات صنعتی ، کشاورزی و خدماتی و سایر

موسسات و مراکز وابسته به سازمان عبارت است از: الف ـ اجرای قوانین مربوطه و مقررات این آیین نامه در زندان ها و دیگر مراکز وابسته و نظارت بر حسن اجرای آن ب ـ اجرای تصمیمات شورای طبقه بندی با رعایت مقررات مربوطه ج ـ محافظت و مراقبت کامل از زندان و زندانی از طریق عوامل دراختیار و پیش بینی تمهیدات لازم برای جلوگیری از فرار زندانیان وهمچنین مراقبت در نحوه رفتار مأموران با زندانیان د ـ اهتمام و اقدام در جهت تهذیب ، اصلاح و تربیت زندانیان و نیز تامین بهداشت ، تغذیه ، تربیت بدنی و تفریحات سالم آنان در محیط زندان یا موسسه یا مراکز وابسته ه ـ اجرای برنامه‌های آموزش علمی ، مذهبی و فنی حرفه ای زندانیان با همکاری سازمانهای مربوط و ـ اعمال نظارت و بازرسی مداوم و کسب اطلاعات لازم از وضعیت عمومی و فردی زندانیان و رسیدگی مقدماتی به تقاضای آنان و اعلام به مقامات مسوول ز ـ همکاری و مساعدت در اجرای برنامه‌های انجمن حمایت اززندانیان ، ستاد مردمی رسیدگی به امور دیه ، مراکز مراقبت بعد ازخروج و موسسات صنعتی ، کشاورزی و خدماتی و سایر مراکز وابسته ح ـ مراقبت در اجرای برنامه روزانه و دو نوبت سرشماری از زندانیان و گزارش اتفاقات و آمار روزانه به مقامات ما فوق برابر دستورالعمل های صادره ط ـ گزارش نتایج حاصله از اجرای برنامه های محوله به مقامات بالاتر برابر دستورالعمل های صادره ی ـ تهیه برنامه و بودجه سالیانه واحد تحت سرپرستی و ارائه آن به‌مدیر کل استان ک ـ انجام سایر وظایف پیش بینی شده در این آیین نامه ماده ۲۷ ـ رییس زندان یا موسسه و مراکز وابسته شخصا و در غیاب وی مسوول مربوطه به محض اطلاع از وقوع حادثه باید در محل حاضر شده ، ضمن اتخاذ تدابیر لازم و عاجل برای برقراری نظم و آرامش در صورت لزوم ، مراتب را در اسرع وقت به مقامات بالاتر گزارش نماید. ماده ۲۸ ـ معاون زندان بر حسب وظیفه و عنوان اختصاصی (هریک از معاونت ها) و بر اساس درجه زندان در انجام تکالیف مقرر با رییس زندان همکاری و معاضدت نموده و دستورهای قانونی او رابه مورد اجرا می‌گذارد و در غیاب رییس زندان یکی از معاونین به‌پیشنهاد وی و تصویب مدیر کل استان مسئولیت امور را به عهده‌خواهد داشت ماده ۲۹ ـ وظایف فرمانده قرارگاه زندان به شرح زیر است ۱ـ نظارت بر امور حفاظت فیزیکی زندان و تایید لوحه نگهبانی ،گشت و کنترل و تایید لوحه پاسداری ۲ـ نظارت بر حضور و غیاب پرسنل انتظامی زندان و اقدام لازم دراین خصوص ۳ـ بازدید و بررسی وضع ظاهری کارکنان حاضر به خدمت در هنگام برگزاری مراسم صبحگاه و انجام وظیفه و ارائه آموزشها و تذکرات ضروری به آنها. ۴ـ نظارت در تمرین پرسنل نسبت به طرحهای دفاعی و امنیتی زندان با پرسنل ۵ـ بازدید از اماکن زندان و اسلحه و مهمات و تجهیزات و نظارت برامر نظافت و نگهداری آنها. ۶ـ نظارت بر نحوه اعزام و انتقال زندانیان به مراجع قضایی و دیگر مراجع ۷ـ نظارت ، بررسی ، هدایت و راهنمایی مسوول نگهبانی و افسر آموزش و یگان عملیات و سایر عوامل کشیک و گشت در انجام وظایف محوله ۸ـ ابلاغ دستورات مقامات مافوق و بخشنامه های اداری و انتظامی‌به مأمورین مربوط و نظارت بر حسن اجرای آنها. ۹ـ عهده دار شدن امور در غیاب مسوول امور انتظامی ۱۰ـ تدوین ، ارائه و پیشنهاد طرحها و دستورالعمل های لازم در زمینه هر یک از موارد فوق در جهت بهبود امور جاری و تسهیل و تسریع کار برابر مقررات ۱۱ـ جلوگیری از وقوع هر گونه بی نظمی و نظارت بر تحقیقاتاولیه و تشکیل پرونده و اعزام متهم یا متهمین به مراجع قضایی در وقت قانونی ۱۲ـ ارائه گزارش لازم از وقایع اتفاقیه به مقام مافوق . ۱۳ـ انجام سایر امور محوله طبق دستور. ماده ۳۰ ـ وظایف افسر نگهبان عبارت است از: ۱ـ حضور به موقع در محل خدمت و مطالعه مندرجات ۲۴ ساعت‌گذشته دفتر ثبت وقایع و خدمات روزانه به منظور پیگیری و اجرای دستورهای صادره از سوی مقام مافوق و اطلاع از وقایع مربوطه ۲ـ کنترل عوامل نگهبانی ، نظارت بر تحویل اسلحه و مهمات به آنان ، تطبیق نام آنان با لوحه نگهبانی ، اعلام پرسنل غایب به مقام مافوق و ثبت اسامی و مأمورین حاضر در دفتر ثبت وقایع و خدمات روزانه ۳ـ نظارت بر امور کمک افسر نگهبان مبنی بر اعزام به موقع عوامل نگهبانی به محل مأموریت ۴ـ تحویل و تحول امور نگهبانی با توجه به وقعات روز قبل ۵ـ تنظیم و ثبت وقعات و گزارشهای نهایی به صورت صحیح و بدون خط خوردگی و تراشیدگی و الحاق برابر دستورالعمل های صادره ۶ـ رسیدگی به پرونده های متشکله باقیمانده از نگهبانی قبل جهت تکمیل و به جریان انداختن و آماده نمودن آنها برای

ارسال به مراجع قضایی ۷ـ نظارت بر انجام وظیفه مأمورین اطلاعات درب ورودی و راهنمایی مراجعه کننـدگان و نگهداری اشـیای ممنوعه اربـاب رجوع ۸ـ بازدیـد از عوامـل نگهبانی و اماکن انتظامی در طول مـدت خـدمت ۹ـ تقدیم گزارش از وضـعیت حفاظت فیزیکی زنـدان در زمینه‌مشـکلات ، نواقص ، ایرادات و نارسایی ها به فرمانـده انتظامی در مـدت نگهبانی ۱۰ـ نظارت بر امور محوله داخلی بین پوسـته دوم زندان ماننـدنظافت کلیه اماکن انتظامی ، اطمینان از عدم وجود اشکال درساختمان و تاسیسات ۱۱ـ تعیین افراد جیره بگیر ، امور رفاهی مأمورینی که به طور شـبانه روزی در زنـدان به سر می‌برند ، وضـعیت ظاهری و شوونات اسـلامی ، رعایت موارد انضـباطی و جلوگیری از حرکـات یـا اعمـال سو مـأمورین و نظـارت بر اجرای برنامه های دسـته جمعی از جمله‌نماز جماعت ، سخنرانی و اجرای دسـتورات انضـباطی و تنبیهی درمورد هر یـک از کارکنان و ارائه گزارش نواقص ، معایب مشـهود در هرمورد به مقام بالاتر. ۱۲ـ اجرای مراسم صبحگاه و شامگاه ۱۳ـ اعمال نظارت لازم بر بازرسـی بدنی از زندانیان ، ملاقات کنندگان و بازرسی دقیق وسایط نقلیه و سایر تجهیزات در هنگام ورود و خروج از زنـدان بـدون اسـتثناء. ۱۴ـ هـدایت و نظارت کمک نگهبان در انجام وظـایف و امور محوله ۱۵ـ ارائه گزارش سوانـح و حوادث غیر مترقبه حـادث شـده به مقـام مـافوق در اسرع وقت ۱۶ـ اجرای کامل مقررات و آیین نامه‌هـای مربوطه و نظـارت کامل درحسن جریان امور انتظامی و سرکشـی و بازدیـد مرتب از اماکن مختلف پستی و ارتبـاط آنـان بـا یکـدیگر و به طور کلی برقراری نظم و آرامش در محـدوده فیزیکی تحت مسوولیت و اعمال مراقبت دایم در مورد جلوگیری از ورود هر گونه سـلاح سـرد و گرم به زنـدان ۱۷ـ آمـارگیری از کارکنـان تحت امر به منظور آگاهی بر تعـداد کارکنان موجود ، غـایب ، در حـال مرخصـی ، بیمـار ، فراری ، منتسب و غیره و تنظیم آمـار لازم و درج آن در دفتر نگهبانی ۱۸ـ انجام سایر امور محوله طبق دستور. ماده ۳۱ ـ مسوول بازدید و کنترل ورود و خروج افراد و وسایل موظف است علاوه بر امور محوله ، اقدامات زیر را انجام دهد: ۱ـ بازرسـی دقیق از وسایط نقلیه و اشـیایی که به هر نحو به زندان‌وارد و یا خارج می‌شوند و جلوگیری از ورود و خروج اشیای ممنوعه ۲ـ بازرسـی بدنی از زندانیان و مراجعین به هنگام ورود یا خروج از زندان و جلوگیری از ورود و خروج اشیای ممنوعه ۳ـ اجرای مقررات مربوط به ورود اشـخاص به زنـدان ۴ـ تنظیم و ثبت دفـتر ورود و خروج به زنـدان ۵ـ ارائه گزارش موارد تخلفـات زنـدانی و ارباب رجوع و معرفی آنان به مسوول مربوطه ۶ـ کنترل ورود و خروج خودروهـا از حیث ثبت تاریـخ و ساعت و شماره خودرو با نام راننده مربوطه و گرفتن کارت شناسایی معتبر از راننده و در مواقع ضروری گرفتن کارت ماشین ۷ـ تحویل تعرفه ملاقات (برگه ملاقات و تطبیق امضای ملاقات شونـده با برگه ملاقات قبل از ورود به سالن ملاقات ۸ـ آموزش و راهنمایی کارکنان تحت مسوولیت در مواقع ضـروری مـاده ۳۲ ـ وظـایف سـایر مسوولین و کارکنان در زنـدانها ، بازداشـتگاه ها ، موسـسات صـنعتی ، کشاورزی و خـدماتی و سایر موسـسات و مراکز وابسـته بر اساس شـرح وظایف پست سازمانی مصوب خواهـد بود. ماده ۳۳ ـ ترک نگهبانی ، صـحبت کردن در موقع نگهبانی ، خوابیدن و نشسـتن و خارج شدن از محوطه پاسگاه ، غذا خوردن ، استعمال دخانیات ، انجام حرکاتی که باعث انصـراف خاطر آنان از خـدمت ومراقبت از زنـدانیان در تکالیف مقرره آنان شود ممنوع می‌باشـد. نگهبانان بایـد طبق آیین نامه داخلی همیشه مجهز و ملبس به لباس رسـمی و تمیز و مرتب بوده ، مواقعی که در داخل زندانها مأموریت داشـته باشـند بـدون اسـلحه انجـام وظیفه نماینـد. اسـلحه ، مهمات و تجهیزات زنـدان بایـد در پوشـش خارج بنـد در جای امن و مسـتحکم نگهداری شود. هنگامی که نگهبانان زندانی را طبق دسـتور رسـمی و کتبی مقامات صـلاحیتدار قانونی برای محاکمه یا بازپرسـی یا انتقال به زندان یامحل دیگر ، از زندان خارج می‌نمایند باید مسلح باشـند و در طول راه‌حق توقف و مذاکره و حرف زدن با متهم و دیگران را ندارنـد ومکلفنـد زندانی را برابر مقررات مربوط تحت مراقبت کامل از جای‌خلوت مسـتقیما به مرجع احضار کننده بدرقه نموده پس از انجام کار او را بلافاصله و به همان نحو مستقیما به زندان عودت داده به افسر نگهبان خارج تحویل نمایند. نگهبانان به هنگام نگهبانی ، بـدرقه و حفاظت زنـدانیان از ادای احترامات معاف خواهنـد بود. اگر زنـدانی مبادرت به فرار نماید نگهبان موظف است ضـمن اسـتمداداز اطرافیان با تمام توان او را تعقیب نموده و چنانچه با به کار بردن تلاشـهای ممکن موفق به دستگیری او نشود

سه مرتبه با صدای بلندو رسا ایست داده هر گاه باز هم توقف ننمود ، با رعایت اطراف وجوانب و توجه به این که باعث قتل یا جرح کسی نگردد با استفاده ازاسلحه و خالی کردن تیر هوایی و در مقام ناچاری با نشانه گیری ساق پای زندانی از فرار او جلوگیری نماید. هر گاه نگهبان بدون اجازه رسمی و کتبی مقامات مربوط از بازداشت هر زندانی ، اطلاعی به خارج از زندان داده یا اطلاعات و پیامها و نوشته‌ها یا اجناس و اشیایی از طرف زندانیان به خارج برساند یا ازخارج برای آنان بیاورد به نسبت اهمیت تخلف تحت تعقیب قرارخواهد گرفت نگهبان در مواقعی که خلافی از یک نفر زندانی مشاهده نماید بدون این که حق داشته باشد او را مجازات یا حتی ملامت کند بایستی مراتب را با ذکر جزییات امر کتبا به افسر نگهبان گزارش دهد چنانچه در مقام رسیدگی خلاف گزارش وی ثابت شود مواخذه خواهد شد. تبصره ـ تخلف از مقررات ماده فوق علاوه بر تعقیب قانونی موجب تنبیه انضباطی خواهد بود. ماده ۳۴ ـ رییس دفتر زندان مکلف است در حسن جریان کلیه امور مربوط به دبیرخانه و یا بایگانی و تقویم و ابلاغ و اجرای‌احکام ، نظارت کامل داشته و مراقبت نماید تا کارهای جاری بدون وقفه و تاخیر و به موقع انجام شده ، پاسخ نامه های رسیده در اسرع وقت تهیه و به مقصد ارسال شود ، کلیه نامه ها و احکام و قرارهای رسیده در دفاتر مربوطه ثبت ، پس از ابلاغ به زندانیان و اجرای مفاد آن در پرونده مربوطه به هر زندانی درج و بایگانی گردد. بدیهی است نتیجه اجرای حکم را به مرجع قضایی مربوطه ارسال خواهد نمود.دفاتر داخلی هر زندان عبارتند از: دفتر نامه‌ها و احکام و قرارها ـ دفتر ثبت اسامی زندانیان ـ دفترحضور و غیاب زندانیان ـ دفتر تقویم و احتساب محکومیت ها باتعیین تاریخ دقیق آزادی زندانیان ـ دفتر ثبت اسامی زندانیان پیشینه دار ـ دفتر ثبت احضاریه ها ـ دفتر آزادی زندانیان ـ دفتر ورود و خروج زندانیان ـ دفتر ملاقات تبصره ۱ ـ نظارت کامل در اجرای محکومیت های نقدی زندانیان در زندانها از وظایف خاصه مسوول اجرای احکام هر زندان می‌باشد. تبصره ۲ ـ زندانهایی که مجهز به سیستم رایانه می‌باشند کلیه اقدامات دفتری فوق از طریق رایانه انجام می گیرد. ماده ۳۵ ـ مسوول شعبه اموال و انبار که صاحب جمع اموال زندان شناخته می‌شود مکلف است طبق مقررات آیین نامه مربوط درمحافظت و نگهداری اثاثیه و اموال دولتی و لوازم و اشیا و اسناد متعلق به زندانیان مراقبت و اهتمام شایسته به عمل آورده و وظایف مشروح زیر را انجام دهد: ـ پیش بینی و اقدام بموقع و لازم در تهیه و تدارک اثاثیه و ملزومات و مایحتاج داخلی زندان از قبیل لباس و پوشاک مأمورین و زندانیان ، تامین احتیاجات مربوط به سوخت و روشنایی و استحمام و نظافت و بهداشت زندانیان و امکنه زندان و هر گونه ضروریات دیگر. ـ جلوگیری از تفریط و تضییع و حیف و میل اموال و اثاثیه دولتی ولوازم شخصی زندانیان و اشیایی که به طور امانت می‌سپارند. ـ تهیه و تنظیم دفاتر مربوط به ثبت نامه‌های اداری ـ وصول و تحویل اموال و ملزومات و اشیای دولتی ، نوشت افزار اداری ، ملبوسات دولتی زندانیان و مأموران زندان ـ ثبت اموال و اثاثیه دولتی بر طبق نمونه رسمی و منطبق با مقرراتایین نامه اموال دولتی ـ ثبت درخواستهای مربوط به تهیه اشیای و لوازم مورد احتیاج ـ ثبت البسه و لوازم شخصی و اسناد عادی و قیمتی زندانیان و هرچیزی که زندانی موقع ورود به زندان با خود دارد ، در دفاتر مربوطه ـ تفکیک و نگهداری کیسه های محتوی لباس و اشیای زندانیان به ترتیب شماره ردیف (لباس و لوازم شخصی هر زندانی به محض‌ورود او به زندان باید به وسیله متصدی انبار تنظیف و ضد عفونی شده در کیسه مخصوص با ذکر شماره در برگ صورتجلس تنظیمی تحویل و تحول که یک نسخه آن با قبض انبار به زندانی تسلیم می‌شود لفاف شده و در حفظ و حراست آن از گزند موش و بید وآفات دیگر دقت و مراقبت کافی به عمل آید) ـ تنظیم اسناد و درخواست رسمی برای تهیه و تدارک اجناس موردلزوم به امضاء و گزارش رییس زندان و مقامات مالی مربوط ـ مراقبت در نظافت و حفاظت کامل اموال دولتی و امکانات‌زندانیان ـ دقت و مراقبت کافی در تحویل صحیح و سالم امانات زندانیان درموقع آزادی یا انتقال آنان و ارسال صورتجلس تنظیمی با امضای زندانی به دفتر زندان ماده ۳۶ ـ ادارات و دوایر و شعب مددکاری و خدمات اجتماعی درجهت شناخت شخصیت زندانیان و کشف و حل معضلات ومشکلات شخصی و خانوادگی و اجتماعی آنان تحقیقات واقدامات لازم را نموده و یک نسخه از تحقیقات را جهت ضبط درپرونده شخصیت زندانی به رییس زندان و نسخه دیگر را جهت اقدام لازم به اداره

متبوع خود تسلیم می‌نماید. مدد کاران باید با ابراز شفقت و جلب اعتماد زندانی برای بازگشت آنان به زندگی عادی و سالم اجتماعی اقدام و اهتمام لازم به عمل آورند. ماده ۳۷ ـ وظایف مسوولان فرهنگی و تربیتی زندانها (به منظورتحقق اهداف اصلاحی و تربیتی به شرح زیر می‌باشد: الف ـ ایجاد ارتباط میان مسوولان زندانها با سازمانها و دوایر دولتی و موسسات خصوصی و مراکز و شخصیتهای علمی و مذهبی واجتماعی ب ـ تنظیم برنامه بازدید از زندانها و موسسات دیگر با رعایت مقررات پیش بینی شده در این آیین نامه . ج ـ برنامه ریزی به منظور موعظه مذهبی و تعلیم مبانی عقیدتی و دینی و اخلاقی در جهت تهذیب و تزکیه نفس زندانیان د ـ اقدامات لازم در جهت حل مشکلات روحی و تسکین درونی و ایجاد امید به اصلاح و زندگی صحیح اجتماعی در زندانیان ه ـ اجرای برنامه‌های عبادی از جمله نماز ، آموزش قرآن و سایربرنامه‌های فرهنگی و مذهبی و ـ اجرای برنامه های آموزشی ، هنری ، حرفه آموزی ، ورزشی و رفتاری زندانیان ز ـ نشر فرهنگ کتابخوانی و هماهنگی های لازم به منظور ایجادکتابخانه و تامین کتب و نشریات مجاز. ح ـ جلب مشارکتهای مردمی در اجرای برنامه‌های فرهنگی و تربیتی‌و ایجاد نمایشگاه های مربوطه تبصره ـ روسای زندانها مکلفند در جهت اجرای وظایف فوق ضمن همکاری های لازم موانع احتمالی را برطرف نمایند. ماده ۳۸ ـ روانشناسان زندان موظفند با همکاری مددکاران و بخش‌معاونت امور فرهنگی و تربیتی و ملاحظه پرونده شخصیتی زندانیان ضمن بررسی ناسازگاری و ناهنجاری های روانی آنان مراتب را به شورای طبقه بندی اعلام و اقدام لازم برای ایجاد سازگاری و عنداللزوم درمان آنان به عمل آورند. ماده ۳۹ ـ مسوول بهداری زندان موظف است با همکاری‌متخصصین مربوطه از قبیل روانپزشک ، پزشک و یا روانشناس‌نسبت به بستری کردن بیماران روانی به منظور معالجه آنان اقدام نموده در صورتی که عارضه بیماری مشارالیهم منجر به جنون یا اختلال مشاعر تشخیص داده شود مراتب را در اسرع وقت از طریق‌رییس زندان به پزشکی قانونی جهت اعلام نظر و اطلاع به مقامات قضایی گزارش نموده و عند الاقتضا برای انتقال و معالجه آنان در یک موسسه درمانی و تامینی تدابیر شایسته قانونی را اتخاذ نماید. ماده ۴۰ ـ مراقبین موسسات صنعتی ، کشاورزی و خدماتی موظفندضمن اجرای دستوراتی که از طرف رییس موسسه به آنان ابلاغ می‌شود ، در روز حداقل دوبار صبح و عصر از زندانیان سرشماری وحضور و غیاب به عمل آورده و ضمن گشت ، زندانیان مشغول به کاررا تحت نظر گرفته و از هر گونه تماس آنان با افراد خارج و یا خروجشان از محوطه موسسه یا فرار آنان جلوگیری کنند و درصورت بروز حادثه یا مشاهده هر گونه تخلف فورا طبق مقررات این آیین نامه اقدام و مراتب را به رییس موسسه گزارش نمایند. ماده ۴۱ ـ محکومان در طول اقامت در زندان و یا موسسات صنعتی ، کشاورزی و خدماتی و یا اقامت در موسسات اقدامات تامینی و تربیتی از حیث تحولات حاصله در خصوصیات اخلاقی و مذهبی و تشخیص سلامت بدنی و روحی تحت مراقبت و بررسی متخصصین زندان یا موسسه مربوطه قرار خواهند داشت تبصره ـ انجام اقدامات مقرر در این ماده در بازداشتگاه ها نیزحسب مقدورات اعمال خواهد شد.

بخش دوم ـ مقررات عمومی

فصل اول ـ پذیرش تشخیص و طبقه بندی (ماده ۴۲ تا ۶۵)

ماده ۴۲ـ در هر زندان یا موسسه صنعتی ، کشاورزی و خدماتی هرماه یک بار کمیسیونی با مسئولیت رییس زندان ، موسسه و یا نماینده وی و با شرکت متخصصین روانشناسی ، مددکاری ،فرهنگی ، تربیتی و در صورت لزوم کارشناسان ذی صلاح دیگرتشکیل و خلاصه نظرات کمیسیون مزبور نسبت به زندانی در پرونده شخصیت او منعکس می‌گردد. تبصره ـ روسای زندانها و موسسات صنعتی ، کشاورزی و خدماتی مکلف هستند در صورت درخواست مقامات قضایی ذی ربط ، مستخرجه ای از پرونده شخصیت

زنـدانی را تهیه و ارسال دارند. ماده ۴۳ ـ واحد پذیرش و تشخیص محلی است برای پذیرش ، بررسـی و شناخت شخصیت زندانیان که زیر نظر مسئول مربوطه انجام وظیفه می‌نماید. تبصره ـ درصورت لزوم واحد پذیرش و تشخیص به صورت‌جداگانه خواهد بود. ماده ۴۴ـ پذیرش زندانی از زمانی آغاز می گردد که متهم یا محکوم به موجب برگ رسـمی به امضا و مهر مقام قضایی صادر کننده قرار یا حکم ، متضـمن مشـخصات کامل متهم یا محکوم (شـهرت ـ نام ـ نام پـدر ـ سن ـ شـماره شناسـنامه ـ شـغل ـ نوع جرم و اتهام یـامحکومیت ـ نوع و میزان مجازات ـ شـماره قرار یـا حکم ـ تاریخ‌شـروع بازداشت وسـیله مأمور شـناخته شـده قبلی که بایـد کارت شناسایی رسـمی ملصق به عکس خود را ارائه دهد به بازداشتگاه یازندان یا سایر مراکز وابسته تحویل می گردد. تبصره ۱ ـ عدم ذکر نام و نام خانوادگی ، نام پـدر ، نوع اتهام ، شـماره قرار و نیز عـدم مهر و امضای مقام قضایی و قانونی ، موجب عـدم پذیرش زندانی خواهـد بود مگر در مواردی که به ولگردی یا بی هویتی و امثال آن تصـریح گردد که در این صورت زندان و مرجع قضایی بایستی بـه هر نحـو ممکن مشـخصات دقیـق وی را به دسـتاورده و در سوابـق ثبت کنـد. تبصـره ۲ ـ سازمـان موظـف است فهرست مقامـات صلاحیتدار قانونی را که بر اساس سایر قوانین موضوعه مجاز به معرفی متهمین یا محکومین به زندان می‌باشند به ادارات کل زندانها اعلام نماید. ماده ۴۵ ـ از هر زندانی به محض ورود در قسـمت پذیرش و تشـخیص توسط مأمورین نیروی انتظامی انگشت نگاری و عکاسـی به عمـل میایـد و پس از تنظیم دو برگ انگشت نگـاری (یـک برگ برای زنـدان و یک برگ برای ارسال به مراکز اسـناد قانونی برای تعیین پیشـینه با ذکر شـماره عکس زندانی به انضـمام مدارک رسمی نسبت به تحویل زندانی اقدام می گردد و علاوه بر شـماره کلاسه دفـاتر ثبت کـل و ثبت قرارهـا و محکـومیت هـا ذکر شـماره عکس نیز در کلیه مکاتبـات مربـوط به بـازداشتی هـا و محکومان الزامی است تبصره ۱ ـ هر زندانی مکلف است هنگام ورود مشخصات صحیح‌و کامل خود را به واحد پذیرش اعلام نماید و در صورت ارائه‌مشخصات غلط طبق مقررات این آیین نامه تنبیه انضـباطی خواهدشد. اعلام مشـخصات صحیح به مرجع بازداشت کننده نیز الزامی است تبصره ۲ ـ زنـدانی هنگام ورود بایـد حداقل یک نفر را معرفی نمایدکه در صورت بروز هر گونه اتفاقی برای وی در اسرع وقت به فرد مذکور اطلاع داده شود. ماده ۴۶ـ در زندانها باید دفاتر ثبت کل حاوی نکات زیر ، صـفحه‌بندی و به امضا و مهر رییس زندان رسیده و مشخصات زندانی به‌محض ورود و قبل از تحویل او به زندان به شرح زیر در آن ثبت شود (ذکر هویت کامـل متهم یـا محکوم ، شامـل نام و نام خانوادگی کنونی و قبلی ، نام مسـتعار ، لقب ، نام پـدر و مادر ، وضع خانوادگی ، جنسـیت ،مذهب ، تابعیت ، شـغل ، سن ، وضـعیت تاهل ، میزان سواد ، پیشـینه کیفری ، شـماره عکس ، علایم مخصوص بدنی ، نوع اتهام یا محکومیت ، نوع قرار یا مجازات ، مـدت محکومیت ، تاریخ شـروع بازداشت ، تاریخ آزادی از زندان ، شـماره قرار یا حکم ، مرجع صدور قرار یا حکم ، نشانی دایم ، شـماره تلفن ، شـماره و محل صدور شناسـنامه) صـحت انطباق مشـخصات فوق با زندانی معرفی شده باید در ذیل معرفی نامه به وسیله مأمور مراقب و آورنده نامه زندانی تایید و پس از ثبت مراتب در دفتر ثبت کل صـحت آن به امضای‌زنـدانی معرفی شـده در سـتون آخر دفتر مـذکور گـواهی شود. مـاده ۴۷ ـ پس از ثبـت مشـخصات کامـل زنـدانی در دفـاتر (دفاترمذکور در ماده ۳۳) برای هر زندانی به ترتیب شماره دایمی عکس پرونده تشکیل می گردد و کارت شناسایی ملصق به عکس همچنین کارت بایگانی به ترتیب حروف الفبا تهیه و در ردیف مربوطه نگهـداری می گردد. ماده ۴۸ ـ شماره مکاتبات اداری درباره زندانی به این شرح خواهدبود: متهمان (شماره ردیف ، شماره عکس ، بزه مورد اتهام ، شماره مربوط به نوع بزه ، شماره ترتیب دفتر ثبت کـل ، علامـت ممیزه زنـدان) محکومـان (شـماره ردیـف ، شـماره عکس ، بزه مـورد حکم ، شـماره مربـوط به نـوع بزه مـورد محکومیت ، شـماره ترتیب دفتر ثبت کل ،علامت ممیزه زندان) ماده ۴۹ ـ کلیه پرونـده های زندانیان اعم از متهم یا محکوم بایستی ملصق به عکس و حـاوی برگ انگشت نگـاری و شـرح حـال و خلاـصه پیشـینه شخصـی ، خـانوادگی ، اجتمـاعی و کیفری آنهـا به امضای مسئول بایگانی زنـدان باشد. ماده ۵۰ ـ برای هر زنـدانی کـارت شـناسایی ملصق به عکس شامـل مشـخصات کامل به شـرح منـدرج در ماده ۴۴ تهیه و در هر گـونه نقـل وانتقـالی به عنوان معرف و مـبین مشـخصات زنـدانی مورد اسـتناد و اسـتفاده لاـزم قرار

می گیرد. ماده ۵۱ـ رییس زندان یا جانشین او مکلف است هر روز اول وقت اداری از زندانیان تازه وارد بازدید نموده و الزام اجرای مقررات ومراعات نظم و انضباط را در محیط بازداشتگاه و زندان به آنان تفهیم و دفترچه راهنمای مقررات و وظایف زندانیان را بین آنها توزیع نماید. ماده ۵۲ ـ در صورت فقدان منع قانونی ، هر زندانی می‌تواند در اسرع وقت به وسایل ممکن به یکی از نزدیکان مورد اعتماد خود اطلاع دهد که در زندان حضور یافته نسبت به تحویل اشیا و لوازم شخصی او با حضور خود زندانی اقدام نماید ، در هر نوبت صورتمجلس تحویل و تحول بایستی در دفاتر نگهبانی و انبار زندان یا بازداشتگاه و پرونده زندانی ثبت شود. ماده ۵۳ ـ هر گاه زندانی کتبا تقاضا نماید که اشیا و لوازم شخصی‌خود را به وسیله پست سفارشی یا به وسیله مطمئن دیگر برای یکباز بستگان خویش ارسال دارد نسبت به بسته بندی و لاک و مهر آن با تنظیم صورتمجلس به امضای خود زندانی و مسئول امور نگهبانی و انباردار حاوی مشخصات و جزییات و تعداد محتویات بسته اقدام می گردد. هزینه بسته بندی و حمل آن به عهده زندانی می‌باشد. ماده ۵۴ ـ در صورتی که زندانی نتواند شخص مطمئن را برای‌تحویل دادن اسناد و اشیا و لوازم شخصی و قیمتی خود معرفی نماید ، تعیین تکلیف و محل و نحوه سپردن و نگهداری آن در محلی غیر از زندان از قبیل صندوق امانات پستی یا یکی از بانکها و غیره موکول به تقاضای کتبی زندانی خواهد بود. هزینه نگهداری به عهده زندانی است ماده ۵۵ ـ هنگام انتقال زندانی به زندان دیگر باید تشریفات تحویل و تحول و بسته بندی لوازم و اشیای دیگر او با تنظیم صورتمجلس و ثبت مراتب در دفاتر نگهبانی و انبار کاملاـ انجام شده و یک نسخه از صورتمجلس به همراه زندانی به زندان مقصد ارسال شود. ماده ۵۶ ـ زندانیان مجاز هستند در زندان فقط از لوازم و اشیای شخصی زیر استفاده نمایند در غیر این صورت طبق نظر شورای انضباطی با آنها برخورد خواهد شد. کتاب و نشریات مجاز ، خمیر دندان و مسواک غیر فلزی ، جای صابون غیر فلزی ، صابون و شامپو ، ابر حمام ، شانه غیر فلزی ، دوعدد حوله کوچک ، دو جفت جوراب ، لباس زیر بنا به ضرورت بهداشتی ، نوشت افزار (کاغذ ، پاکت ، مداد ، خودکار) عینک طبی و لوازم بهداشتی دیگر با اجازه بهداری زندان ، ناخن گیر فاقد چاقو ، ماشین اصلاح دستی ، رادیو یک موج باطری دار. ماده ۵۷ ـ به استثنای لوازم مذکور در ماده فوق نگهداری و استفاده از اشیای دیگر موکول به پیشنهاد رییس زندان و تصویب مدیر کل استان می‌باشد. ماده ۵۸ ـ زندانی حق آوردن لوازم و ابزار کار از کارگاه و آموزشگاه رابه داخل زندان یا بازداشتگاه ندارد. ماده ۵۹ ـ در هر زندان قسمتی به نام تشخیص به منظور شناخت‌شخصیت زندانیان و طبقه بندی آنان با استفاده از خدمات کارشناسان متخصص تشکیل می گردد که تهیه و تنظیم و نگهداری پرونده شخصیتی زندانی به شرح مواد بعدی به عهده این قسمت است ماده ۶۰ ـ محکومان حداکثر دو ماه در قسمت پذیرش و تشخیص‌تحت آزمایشهای پزشکی ، روانپزشکی ، آزمونهای روانشناسی و شناخت شخصیت و استعداد قرار گرفته و میزان سلامت جسمی و روانی ، معلومات و اطلاعات مذهبی و علمی و فنی آنان از جهت شناخت شخصیت بررسی و تعیین می گردد. مددکاران اجتماعی طبق فرمهای تنظیمی که بر اساس موازین اسلامی از سوی سازمان تهیه می‌شود در خصوص سوابق زندگی‌تحقیقات لازم به عمل آورده گزارش کاملی از گذشته محکوم ازدوران طفولیت تا زمان تنظیم گزارش در محیط های مختلف خانوادگی ، تحصیلی ، محلی ، حرفه‌ای و غیره را با اظهار نظر خود تهیه می‌نمایند. در انقضای مدت اقامت زندانی در قسمت پذیرش و تشخیص ، کلیه گزارشهای متخصصین در پرونده او متمرکز می‌شوند تا در شورای طبقه بندی مطرح شود. ماده ۶۱ ـ در هر زندان شورایی با ترکیب زیر به نام شورای طبقه بندی زندانیان تشکیل می‌شود: مسئولین واحدهای قضایی ، فرهنگی ، انتظامی ، رییس اندرزگاه مربوطه ، یک نفر روانشناس و یک نفر مددکار که در قسمت تشخیص فعالیت می‌نماید با انتخاب رییس زندان تبصره ۱ ـ قاضی ناظر زندان می‌تواند در جلسات شورای طبقه بندی شرکت نماید. تبصره ۲ ـ شورای طبقه بندی در اتخاذ تصمیمات مربوط به زندانیان حتی الامکان نظر واحد حفاظت و اطلاعات زندان را اخذ می‌نماید. تبصره ۳ ـ انتخاب رییس شورا و تایید مصوبات آن به عهده رییس‌زندان است ماده ۶۲ ـ شورای طبقه بندی در موارد زیر اتخاذ تصمیم می‌نماید: الف ـ تعیین و تقسیم محل استقرار زندانیان ب ـ اشتغال یا عدم اشتغال به کار زندانیان در مراکز اشتغال داخل ویا

خارج زندان ج ـ اظهار نظر در زمینه احراز شرایط آزادی مشروط و عفو زندانیان بارعایت مقررات مربوطه تبصره ۱ ـ اشتغال به کار زندانیان در خارج از محوطه زندان مستلزم کسب موافقت مرجع قضایی مربوطه خواهد بود. تبصره ۲ ـ نقل و انتقال زندانی در داخل زندان در اختیار رییس‌زندان می‌باشد. ماده ۶۳ ـ شورای طبقه بندی هفته ای یک بار تشکیل و با حضور اکثریت اعضای رسمیت می‌یابد ، تصمیمات شورا با اکثریت آرا قطعی و قابل اجراست در صورت لزوم به دعوت رییس زندان جلسه فوق العاده تشکیل خواهد شد. ماده ۶۴ ـ مدیر کل استان یا رییس زندان با تصویب شورای طبقه بندی و به منظور تشویق زندانیان پیشنهاد عفو یا آزادی مشروط آنها را به مراجع مندرج در بندهای ل و م ماده ۲۰ این آیین نامه تقدیم می‌دارند. تبصره ـ اشتغال به کار زندانیان در صورت عدم ممنوعیت در حکم ، پس از تصویب شورای طبقه بندی خواهد بود. ماده ۶۵ ـ زندانیان حسب سابقه ، سن ، جنسیت ، نوع جرم ، تابعیت ،مدت مجازات ، وضع جسمانی و روانی و چگونگی شخصیت و استعداد به یکی از قسمتهای زندان یا موسسات تامینی و تربیتی معرفی می گردند. تبصره ـ زندانیان زن می‌توانند اطفال خو را تا سن دو سال تمام به همراه داشته باشند. روسای زندانها می‌توانند در هر زندان نسبت به تفکیک و جداسازی اطفال ۲ سال تا ۶ سال در محل مجزا (مهدکودک اقدام و یا نسبت به انتقال اطفال موصوف به بهزیستی یا موسسات نگهداری اطفال مبادرت نمایند.

فصل دوم ــ امور داخلی ، برنامه های روزانه ، تغذیه و بهداشت (ماده ۶۶ تا ۱۱۷)

ماده ۶۶ ـ در صورت امکان به هر زندانی یک اطاق با وسایل لازمداده می‌شود و هر گاه زندانیان به طور دسته جمعی نگهداری شوند باید منتهای کوشش و دقت را در انتخاب افراد یک گروه از حیث تناسب سن و جهات دیگر بخصوص به هنگام خواب به عمل آورده و مخصوصا در شب بازدید و نظارت بیشتری درباره آنان اعمال گردد. ماده ۶۷ ـ لوازم آسایشگاه برای هر زندانی عبارت است از: تختخواب ، تشک ، بالش ، دوتخته پتو ، ملحفه برای پتو و تشک و بالش (تغییر محل این لوازم در آسایشگاه به دلخواه زندانی ممنوع‌است ماده ۶۸ ـ زندانیان مکلفند در حفظ و نگهداری و نظافت کامل لوازم زندان مراقبتهای لازم به عمل آورند. ماده ۶۹ ـ زندانی به هیچ وجه حق روشن کردن آتش و استفاده از چراغ های خوراک پزی و نگهداری نفت و بنزین و وسایل برقی وسایر مواد محترقه را در داخل زندان یا بازداشتگاه ندارد. ماده ۷۰ ـ برنامه روزانه زندانها و بازداشتگاهها بایستی بدون تبعیض و استثنا درباره کلیه زندانیان یکسان به مورد اجرا گذاشته شود. برنامه زندانها و بازداشتگاه ها به شرح زیر است اذان صبح ، بیدار باش و تا طلوع آفتاب انجام فرایض دینی و استحمام و نظافت آسایشگاه و انجام امور شخصی ، طلوع آفتاب ورزش اجباری صبحگاهی ، صرف صبحانه و سپس شرکت در کلاس ها یا کارگاه ها ، ظهر تا ۲ بعدازظهر انجام فرایض دینی و صرف نهار و استراحت ، ۲ بعدازظهر به بعد شرکت در کلاسها یا کارگاهها ، مغرب بجای آوردن فرایض دینی شام و ساعت ۲۲ خاموشی تبصره ـ در صورتی که تلویزیون برنامه آموزشی مفیدی برای زندانیان داشته باشد ریاست زندان می‌تواند خاموشی را تا پایان برنامه تلویزیون به تاخیر اندازد. ماده ۷۱ ـ بیماران و افراد سالخورده با صدور گواهی معذوریت ازطرف پزشک زندان و تایید آن توسط مسئول بهداری برای مدتی کهدر گواهی تصریح می گردد از اجرای برنامه های روزانه معاف خواهندبود. ماده ۷۲ ـ در موقع امتحانات بنا به ضرورت ، برای مطالعه و به منظور تشویق زندانیان با کسب اجازه کتبی از مسئول زندان ، استفاده از روشنایی با رعایت سکوت کامل بدون ایجاد مزاحمت برای دیگران مجاز می‌باشد. ماده ۷۳ ـ پس از خاموشی باید در محوطه زندان سکوت کامل‌برقرار باشد. همچنین در موقع کار و تحصیل و گردش و ورزش و تفریحات سالم و انجام وظایف جاری رعایت نزاکت و ادب و احترام و متانت در گفتار و کردار و رفتار در همه جا و تمام ساعات شبانه روز الزامی است ماده ۷۴ ـ فریاد زدن ، آواز خواندن با صدای بلند ، جر و بحث وگفتگو های تند که مخل امنیت زندان گردد ، مشاجره و ارتکاب هرعمل فردی یا دسته جمعی که نظم و

آرامش داخل زندان را مختل سازد ، صحبت و اشاره کردن به هر نحوی از انحا از پنجره های زندان با خارج مطلقا ممنوع است ماده ۷۵ ـ بازدید بدنی و لوازم همراه زندانیان هنگام ورود و خروج به زندان و آسایشگاه به هر علتی ، الزامی است ماده ۷۶ ـ زندانیان باید مطابق موازین اسلامی تحت نظارت مراقبین مسئول امور تربیتی زندان بوده و از آنان حداقل روزی دو نوبت صبحها قبل از شروع ورزش و شبها موقع ورود به آسایشگاه سرشماری به عمل آید. ماده ۷۷ ـ محل کار و آسایشگاه و اشیای زندانی مطابق دستوررییس زندان یا جانشین او بازرسی می‌شود. تمرد یا مقاومت در برابر مأموران بازرسی و سرپیچی از اجرای دستور آنها موجب تنبیهات انضباطی متمرد خواهد شد. ماده ۷۸ ـ برای حفظ آرامش و امنیت داخل زندان و بازداشتگاه بایدحداقل ماهی یکبار کلیه اماکن و لوازم و اشیای زندانیان به وسیله گروهی با انتخاب رییس زندان یا جانشین او و تحت تعلیم و نظارت انان بازرسی شود و با تنظیم صورتمجلس گزارش کار به طور مرتب در پوشه مخصوص بازرسی زندان یا بازداشتگاه بایگانی شود. ماده ۷۹ ـ میخ زدن یا نوشتن روی دیوارهای زندان یا بازداشتگاه ، ترسیم و نقاشی و الصاق عکس و هر گونه نوشته ای در آسایشگاه ممنوع است مگر در موارد خاص با اجازه رییس زندان ماده ۸۰ ـ دست زدن زندانیان به سیم کشی و تغییر محل لوازم الکتریکی یا تعویض آن به وسیله زندانیان در زندان و بازداشتگاه به‌کلی ممنوع است ماده ۸۱ ـ زندانی باید هر روز صبح قبل از خروج از آسایشگاه نسبت به نظافت اطاق و لوازم آن و مرتب کردن رختخواب خود اقدام نماید. آویزان کردن لباس و لوازم شخصی در آسایشگاه ممنوع است بدین منظور اشکافهای مخصوص تهیه و در اختیار زندانیان قرار می‌گیرد. ماده ۸۲ ـ استعمال دخانیات در اماکن مسقف مطلقا ممنوع است ،مسئولین مربوطه در زندان مکلفند تمهیدات لازم جهت ترک سیگار را فراهم نمایند. ماده ۸۳ ـ زندانیان مجاز به نگهداری و همراه داشتن پول در زندان‌نمی‌باشند و جهت رفع نیازمندی ها و احتیاجاتشان مسئولین زندان مکلفند با استفاده از روشهای قابل اجرا تمهیداتی را فراهم نموده تا زندانیان بتوانند از محل موجودی خود نسبت به خرید از فروشگاهها و تهیه سایر مایحتاج خود اقدام نمایند. دستورالعمل موضوع این ماده از سوی سازمان به اداره کل زندانها ابلاغ خواهدشد. تبصره ـ در صورت کشف وجوه نقدی و اوراق بهادار چنانچه‌زندانی ، از وجه نقد استفاده های نا مشروع ، از قبیل قماربازی و دادن رشوه نماید ، وجوه مذکور توقیف و مراتب طی گزارشی به مرجع قضایی ارسال می‌گردد و چنانچه استفاده های نامشروع از آن به عمل نیامده باشد ضمن طرح موضوع در شورای انضباطی وجوه مزبور به‌حساب وی منظور گردیده و در مورد اوراق بهادار حسب مورد تصمیم قانونی اتخاذ می‌گردد. ماده ۸۴ ـ در صورت کشف اشیای ممنوعه چنانچه صرف نگهداری آنها جرم باشد ، موضوع طی گزارشی به مرجع قضایی جهت اتخاذ تصمیم ارسال می‌گردد و در غیر این صورت ضمن طرح در شورای انضباطی تا پایان مدت حبس اشیای مذکور توقیف و نگهداری و یا طی صورتجلسه تحویل خانواده زندانی می‌شود. ماده ۸۵ ـ مواد مذکور دو ماده فوق در سه نسخه صورتجلسه شده‌یک نسخه نزد مرجع قضایی مربوطه و یک نسخه در پرونده زندانی بایگانی و نسخه دیگر به زندانی تحویل می‌گردد. ماده ۸۶ ـ پوشیدن لباس مخصوص زندانی ، برای زندانیان الزامی نیست مگر به تشخیص رییس زندان تبصره ـ در مواردی که پوشیدن لباس مخصوص زندانی الزامی باشد ، رنگ و شکل لباس زندانیان در سراسر کشور متحدالشکل بوده و بر حسب فصول و مناطق مختلف و چگونگی و میزان آن ازسوی سازمان تعیین خواهد شد. در اینگونه موارد زندانیان می‌توانند با کسب اجازه از رییس زندان بر حسب ضرورت پزشکی و بهداشتی از البسه زیر شخصی و یا لباس اضافی و کرست طبی استفاده نمایند و این عمل نباید وضع شکل لباس مخصوص زندان را تغییر دهد. ماده ۸۷ ـ به تشخیص دایره مددکاری از سوی زندان سالیانه به‌زندانیان نیازمند به میزان مناسب لباس داده شده و مایحتاج بهداشتی ضروری زندانیان نسوان نیز تامین می‌شود. تبصره ـ استفاده از بند شلوار و کمربند و نظایر آن بجز (هنگام شرکت در برنامه های ورزشی که از سوی سازمان مجاز تشخیص داده می‌شود ممنوع می‌باشد. ماده ۸۸ ـ برنامه غذایی زندانیان به تناسب فصول سال به وسیله مدیر کل هر استان تصویب و به زندانها ابلاغ می‌گردد. ادارات مالی و تدارکاتی و انبارهای زندان بر طبق برنامه تنظیمی نسبت به تامین اعتبار و تهیه و تحویل مواد اولیه و دقت در مرغوبیت نوع آن اقدام می‌نمایند. تبصره ـ

مدیران کل استانها می‌بایست با توجه به شرایط و احتیاجات اقلیمی هر محل نسبت به تغییرات برنامه غذایی درمحدوده اعتبار مصوب اقدام نمایند. ماده ۸۹ ـ غذای روزانه در سه وعده به ترتیب زیر به زندانیان داده‌می‌شود: صبحانه ، نهار ، شام و اغذیه لازم که دارای کالری و ویتامین های کافی باشد طبق برنامه‌های غذایی مصوب و متناسب با شرایط آب و هوا در هر محل با چای و آب آشامیدنی سالم در اختیار زندانیان گذارده می‌شود. در تهیه وسایل ضروری برای جلوگیری از فساد مواد اولیه خواروبار و در تنظیف ظروف و محوطه آشپزخانه‌از طرف مسئولان مربوطه اهتمام کافی و مستمر به عمل آید. تبصره ۱ ـ زندانیان باید غذای خود را در صورت امکان در سالن غذاخوری زندان صرف نمایند. تبصره ۲ ـ زندانیان بیمار طبق برنامه و نظریه پزشک معالج در مدتی که برای آنان تعیین شده است از غذای مخصوص بهداری استفاده خواهند نمود. ماده ۹۰ ـ برنامه روزانه زندانیان و برنامه غذایی آنان در ماه مبارک رمضان از سوی سازمان اعلام خواهد شد. ماده ۹۱ ـ حداقل برنامه غذایی عبارت است از: نان و پنیر و چای برای صبحانه و نهار یا شام ، سبزیجات تازه یا خشک ، برنج ، سیب زمینی ، پیاز ، حبوبات ، انواع لبنیات ، تخم مرغ و میوه فصل می‌باشد و در هر هفته حداقل سه بار به زندانیان نهار یا شام با گوشت داده می‌شود. تبصره ـ نوع غذا برای کلیه زندانیان هر زندان یکسان طبخ و توزیع می گردد. ماده ۹۲ ـ لوازم غذاخوری برای هر زندانی عبارت است از: بشقاب ـ کاسه ـ لیوان و قاشق (در صورت امکان از جنس ملامین) ماده ۹۳ ـ نظافت آشپزخانه ، سالن غذاخوری ، شستشو و خشک‌کردن ظروف و لوازم آنها بدون تبعیض و استثنا طبق برنامه زندان به عهده کلیه زندانیان می‌باشد. ماده ۹۴ ـ در داخل زندانها به اندازه احتیاج با سرمایه بنگاه تعاون ،حرفه آموزی و صنایع زندانیان کشور و یا زندان ، فروشگاه های لازم تاسیس و رییس زندان از نظر حفاظت و مسئولیتی که به عهده دارد بر آنها نظارت خواهد داشت تبصره ۱ ـ تعیین اجناس و مواد مجاز برای فروش درفروشگاههای زندان با توجه به ضرورت حفظ بهداشت و امنیت داخلی زندان با رییس زندان و تعیین نرخ حسب مورد با بنگاه تعاون ، حرفه آموزی و صنایع زندانیان کشور یا زندان است تبصره ۲ ـ اجناس و لوازم فروشگاه های زندان باید به قیمت‌عادلانه روز بوده و در صورت وجود اجناس تعاونی الزاما قیمت تعاونی فروخته شود. تبصره ۳ ـ صورت ریز مواد و اجناس موجود به نرخ عادلانه به امضای مسئول فروشگاههای زندان در تابلویی که به همین منظوردر مدخل فروشگاه نصب می گردد درج و در معرض دید مشتریان گذارده می‌شود. تبصره ۴ ـ روسای زندانها مکلفند نظارت کامل بر نرخ اجناس داشته باشند و چنانچه تخلفی صورت گیرد متخلفین را به مراجع مربوطه معرفی نمایند. ماده ۹۵ ـ زندانیان و ملاقات کنندگان می‌توانند اقلام مورد نیاز خود را از فروشگاههای داخل زندان تهیه نمایند. مگر این که زندانی به علت تنبیه انضباطی یا دستور پزشک از این امر منع گردیده باشد. تبصره ـ فروش لوازم تجملی و مواد محرکه و دارو و وسایل برقی‌در فروشگاههای زندان ممنوع است ماده ۹۶ ـ وضع اماکن زندان عموما و آسایشگاه زندانیان خصوصا باید منطبق با اصول بهداشتی باشد. ماده ۹۷ ـ نظافت داخل آسایشگاه ، راهروها ، حیاط هواخوری ،سرویس ها ، سالن اجتماعات ، نمازخانه ، کتابخانه ، کارگاه ها و موسسات صنعتی ، کشاورزی و خدمات و امثال آن تحت برنامه ریزی و نظارت زندان به عهده زندانیان است اجیر کردن زندانی توسط زندانی دیگر به هر نحو ممنوع است تبصره ـ با زندانیان بیمار و سالخوردگان و کسانی که قادر به انجام‌کارهایی از قبیل موضوع ماده فوق نباشند وفق ماده ۷۱ رفتار خواهدشد. ماده ۹۸ ـ بهداری زندان مکلف است حداقل ماهی یکبار نسبت به تست پزشکی کلیه زندانیان اقدام نماید. ماده ۹۹ ـ حتی الامکان باید ترتیبی اتخاذ شود که احتیاجات درمانی و بهداشتی زندانیان بیمار در داخل زندان تامین شود تا به انتقال زندانی به خارج از زندان نیازی نباشد. معهذا در موارد ضروری خروج زندانی از زندان برای معالجه بایستی با تایید بهداری زندان واجازه رییس زندان و موافقت قاضی ناظر زندان باشد. در موارد فوری زندانی بیمار به دستور پزشک یا بهداری زندان و اجازه رییس زندان یا جانشین او به بیمارستان اعزام می گردد و مراتب باید دراسرع وقت کتبا به مرجع قضایی ذی صلاح گزارش شود. تبصره ـ مراجع قضایی و مسئولین زندانها موظفند وضع زندانیان بیمار صعب العلاج یا غیر قابل علاج را رسیدگی و حسب مورد مطابق مقررات به آنان مرخصی اعطا یا با رعایت سایر مقررات مربوطه از

طریق عفو یـا آزادی مشـروط موجبـات آزادی آنـان را فراهم نماینـد. ماده ۱۰۰ ـ هزینه درمـان عوارض و بیماریهـایی که ضـرورت یافوریت درمان ندارنـد و یا در اثر تقصـیر ناشـی شده است ، به عده زندانی و یا مقصـر می‌باشد. ماده ۱۰۱ ـ کلیه اماکن زنـدان باید حداقل ماهی یکبار ضدعفونی شود مگر این که به علت ظهور حشـرات یا بروز اپیدمی و اشاعه ویروس ، بیماریهای موسمی و محلی ایجاب نمایـد زودتر از موعـدمقرر نسبت به گنـدزدایی لوازم مربوطه و سمپاشـی اطاقها در محوطه زندان اقدام شود. ماده ۱۰۲ ـ در کارگاهها و اماکنی که زندانیان در آن به کار اشـتغال دارند پنجره‌ها باید به اندازه کافی وسیع باشد تا نور و هوای آزاد به‌قدر کافی داخـل شود و در صورت لزوم برای کـار و مطالعه آنها نور مصـنوعی فراهم گردد. مجاری فاضـلاب همیشه بایـد باز باشـد و در رفع عفونت و آلودگی در محوطه و اماکن زندانها مراقبت و اقدام لازم و دایم به عمل آید. ماده ۱۰۳ ـ در هر زندان باید وسایل استحمام زنـدانیان فراهم بوده و زندانی به محض ورود به زندان اسـتحمام نماید. ماده ۱۰۴ ـ گرمابه و مستراح و دسـتشویی زندان باید همیشه تمیز ونظیف باشـد و به اندازه کافی دوش سـرد و گرم در دسترس زندانیان گذاشـته شود تا بتوانند با توجه به فصول سال حداقل در هفته یکبار اسـتحمام نمایند. ماده ۱۰۵ ـ تراشـیدن موی سـر زنـدانی الزامی نیست ، مگر به موجب رای مرجع قضـایی و یـا در جرایم معینه ابلاغی از سـوی سازمـان مـاده ۱۰۶ ـ بهـداری زنـدان مکلـف اسـت برای پیشـگیری از سـرایت بیمـاری هـای واگیردار مـانند بیماریهای آمیزشـی و سل و غیره اقدام و با اسـتفاده از همکاری و کمکهای مالی و فنی وزارتخانه ها و موسسات و انجمنها نسبت به تهیه محل و دارو برای درمان کامل بیماران مـذکور و همچنین معتادان مواد مخـدر یا الکل اقـدام نمایـد. ماده ۱۰۷ ـ بهداری زندان موظف است از زنـدانی تـازه وارد معاینات کامل پزشـکی به عمل آورده در صورت لزوم با انجام آزمایشـهای تشـخیص طبی برنامه ریزی و حسب مورد نسبت به درمان یا معرفی وی به مراکز مربوطه اقدام و کلیه اقدامات پزشکی در پرونده زندانی درج گردد. ماده ۱۰۸ ـ هر گاه زندانی تازه وارد نسخه یا دارویی همراه داشته‌باشد اخذ و در اختیار بهداری زندان قرار می‌گیرد تا به تجویز پزشک به او داده شود و هر گـاه دارو جنبه حیـاتی برای زنـدانی دارد بایستی فورا پس از معاینه و تجویز پزشک در اختیار وی قرار گیرد. ماده ۱۰۹ ـ هر زنـدانی به محض احسـاس کسـالت جریـان را به مسـئول امور نگهبانی زنـدان اطلاع داده و با اخـذ معرفی نامه به بهـداری زنـدان اعزام و دارو و دسـتورهای لاـزم پزشـکی را دریـافت‌می‌دارد. مـاده ۱۱۰ ـ زنـدانی بایـد در حضـور پزشـک یـا پزشـکیار و یا سایرمسـئولین داروی مورد احتیاج را مصـرف نماید. نگهداری دارو درآسایشگاه ممنوع است ، مگر در مواقع ضروری و با تشخیص پزشک ماده ۱۱۱ـ با تشـخیص پزشک بهـداری زنـدان در صورت ضـرورت ،زنـدانی بیمار در بیمارسـتان زندان بستری خواهد شد. گواهی تشـخیص ضـرورت کتبا بایـد در پرونده بیمار قید گردد. ماده ۱۱۲ ـ زنـدانیان مبتلاـ به بیماریهای روانی ، واگیردار و پرخطر باید با لحاظ نظر پزشک متخصـص و نیز سیاستهای وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی به صورت مجزا نگهداری و معالجه شوند. ماده ۱۱۳ ـ سازمان می‌توانـد در صورت لزوم نسبت به بیمه درمانی زنـدانیان و یا انعقاد قرارداد با وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشـکی اقـدام نماید. ماده ۱۱۴ ـ معـاینه و عنـداللزوم معـالجه زنـدانیان بیمار به عهـده زنـدان‌است تبصـره ـ در صورت نیاز زندانیان بی بضاعت ، به زندان مصـنوعی ، عصا ، اعضای مصـنوعی ، صـندلی چرخدار و عینک ، انجمن حمایت از زندانیان مکلف به تامین آن می‌باشد. ماده ۱۱۵ ـ تمارض زندانیان به هر نحو از انحا به تشخیص پزشک‌زندان موجب تنبیه انضباطی خواهد بود. ماده ۱۱۶ ـ رییس بهـداری زنـدان موظف است همه روزه اول وقتـاز کلیه زنـدانیان بیمـار که در بیمارسـتان زنـدان بستری هسـتند عیادت نموده و پس از پرسـش از وضـعیت آنان و حصول اطمینان از حسن مراقبت پزشـکان و پرسـتاران نسبت به معالجه و تغـذیه صـحیح بیمـاران نظـارت کامل و مستمری به عمل آورد. تبصـره ـ رییس بهـداری هر زنـدان بایـد پزشک باشـد و در مراکزی که این امکان وجود نـدارد ، فرد مطلع و آشـنا به مسایل پزشـکی عهده داراین مسـئولیت خواهد بود. ماده ۱۱۷ ـ در صورت فوت زنـدانی ، رییس زنـدان مکلف است مراتب را فورا به مرجع قضایی محل و پزشک قانونی و قاضـی ناظر زنـدان اعلام و پس از صدور مجوز از سوی مرجع قضـایی مربوطه جنـازه را حسب مورد به بسـتگان او تحویـل و یا پس از تشـییع ، دفن نموده و وجوه و لوازم شخصـی او با نظر

قاضـی ناظر زنـدان بر طبق صورت مجلس و رعایت نکات لازم به ورثه قانونی وی تحویل و رسـید اخـذ گردد. هر گاه متوفی بدون وارث باشـد بایـد در اسرع وقت با نظر مقام قضایی ذی صـلاح نسبت به تعیین تکلیف لوازم شخصـی او در زنـدان اقدام شود و در صورت امکان تجهیز متوفی با اذن اولیا باشد.

فصل سوم ـ اشتغال و حرفه آموزی (ماده ۱۱۸ تا ۱۳۰)

ماده ۱۱۸ ـ سازمان با هدف فراگیر نمودن برنامه‌های اصلاحی وتربیتی و به منظور کمک به رفع مشکلات مادی و معنوی زندانیان و خانواده آنان و نیل به خودکفایی می‌تواند از محل جذب کمکهای مردمی و موسسات خیریه یا درآمد حاصل از موسسات صنعتی ، کشـاورزی ، خـدماتی و فرهنگی و بودجه مصوب اعتبـار لازم را تامین و هزینه نمایـد. ماده ۱۱۹ ـ سازمان می‌توانـد در جهت ایجاد اشـتغال برای زندانیان داوطلب کار با استفاده از امکانات سازمان و یا کمکهای دولتی و یا از طریق دریافت وام یا با مشارکت بانکها و ارگانهـای دولتی ، تعاونی ها و یا بخش خصوصـی اقـدام نمایـد. ماده ۱۲۰ـ زندانیان داوطلب پس از آزمایشـهای لازم و تشـخیص استعداد و ذوق و تخصـص آنهـا بـا کسب نظر شورای طبقه بنـدی و رعـایت مقررات این آیین نامه در کارگاههای داخل زنـدان یا موسـسات صـنعتی ، کشاورزی و خـدماتی خارج زندان به کار گمارده می‌شوند. ماده ۱۲۱ ـ زندانیان باید به حرفه هایی که مسـتلزم دیـدن دوره های تعلیماتی برای کسب مهارت و تخصـص می‌باشد و از طرف سازمان ابلاغ می‌شود به کار گمارده شوند تا در طول زمـان بتواننـد بـا طی مراحل مختلف آموزشـی به اخـذ گواهینامه مهارت فنی در رشـته مخصوص نایل گردنـد. ماده ۱۲۲ ـ زندانیان می‌توانند با موافقت رییس زندان در ساعات بیکاری و فراغت در آسایشـگاه خود به کارهای دستی اشـتغال داشـته باشـند. مواد اولیه این نوع کارها منحصرا از طریق فروشگاه زندان دراختیار آنان گذاشته می‌شود. تبصره ۱ ـ هر گاه زندانی نتواند با سرمایه خود اقدام به تهیه مواد اولیه و لوازم مربوطه نمایـد ، این مواد و لوازم از طریق زنـدان یا انجمن حمایت از زندانیان تهیه و در اختیار وی گذارده خواهد شد.در این صورت پس از کسـر هزینه تهیه لوازم اولیه یک چهارم از سود حاصله به عنوان سهم سرمایه برداشت و به حساب صنـدوق زندان یا انجمن حمایت از زندانیان واریز و بقیه به حساب زندانی منظور می‌گردد. تبصـره ۲ ـ زندانی مجاز است کاردستی خود را پس از قیمت‌گـذاری توسـط زنـدان و یـا بـا اسـتفاده از نظر خبره به هر نحو که خود می‌دانـد به زنـدان یـا به اشـخاص دیگر واگـذار یا به فروش برسانـد. در صورت فروش یا واگـذاری به غیر قیمت فروش نبایـد از قیمت تعیین شـده توسط زندان کمتر باشد. ماده ۱۲۳ ـ ساعات کار و استراحت زنـدانیان در موسـسات صـنعتی ،کشاورزی و خـدماتی داخل یا خارج زندان با توجه به موقعیت محـل و نوع و کیفیت کـار و بـا رعـایت فصـل دوم از بخش دو این آیین نامه ازطرف رییس کارگاه یا موسـسه مربوطه با هماهنگی رییس زنـدان تعیین و به مورد اجرا گذاشـته می‌شود. ماده ۱۲۴ ـ مزد روزانه زنـدانیان به تنـاسب درجه مهـارت و کاردانی‌هر یک از آنان و میزان و نوع کاری که انجام می‌دهند به وسیله مدیرکل استان تعیین می‌شود. ماده ۱۲۵ ـ مزد ماهیانه کار زندانی به شرح زیر تقسیم می‌گردد: ۱ـ پنجاه درصـد (۵۰٪) به حسـاب بـانکی سـرپرست موقت عائله تحت تکفل زنـدانی واریز گردد. ۲ـ بیسـت و پنج درصد (۲۵٪) بـه حسـاب زنـدانی واریز می‌شـود کـه در موقـع آزادی به او پرداخت گـردد. ۳ـ بیست درصـد (۲۰٪) به حسـاب خود زندانی برای مخارج ضروری پرداخت می‌شود. ۴ـ پنج درصد (۵ ٪) برای جبران خسارت و حوادث ناشی از کار براساس قرارداد فی مـابین سازمان و زنـدانیان شاغل اختصاص داده‌خواهـد شـد. تبصـره ـ در صورتی که زنـدانی فاقـد عائله تحت تکفل باشـد مبلغ ۵۰٪ دستمزد مذکور در بند (۱) نیز به حسـاب زنـدانی واریز می‌گردد. ماده ۱۲۶ ـ در موقع انتقال زنـدانی به زنـدان یا موسسه دیگر در اسـرع وقت کلیه مطالبات او پس از تسویه حساب کامل به محل زنـدان جدید حواله و منتقل می‌شود. ماده ۱۲۷ ـ موسسات صنعتی ، کشاورزی و خـدماتی مکلفنـد: الف ـ در صورت بروز حوادث ناشـی از کار هزینه خسارت وارده به زندانیان را از محل پنج درصـد

(۵٪) موضوع بند ۴ ماده ۱۲۵ پرداخت نمایند. ب ـ کلیه مقررات ایمنی ، حفاظتی ، بهداشتی را طبق ضوابط قانونی رعایت نمایند. ج ـ دفاتر رسمی زیر را در کلیه کارگاهها و موسسات صنعتی ،کشاورزی و خدماتی به هر شکل که اداره می‌شود تنظیم نمایند: ۱ـ دفتر روزانه ۲ ـ دفتر کل ۳ـ دفتر در آمد ۴ ـ دفتر اموال ۵ ـ دفترسفارشات ۶ ـ دفتر صندوق ۷ ـ دفتر دستمزد زندانیان ۸ ـ دفتر انبار ۹ـ دفتر حساب درآمد و هزینه شخصی زندانیان به منظور تعیین و اعلام موجودی هفتگی پس انداز قابل پرداخت آنان به فروشگاههای زندان تبصره ۱ ـ پرداخت موجودی حساب پس انداز هنگام آزادی به شرط آن که منع قانونی نداشته باشد پس از تسویه حساب از کلیه قسمتهای زندان بلامانع است تبصره ۲ ـ در صورت رایانه‌ای شدن واحد مربوطه مندرجات‌دفاتر مزبور به رایانه منتقل خواهد شد. ماده ۱۲۸ ـ نحوه اداره کارگاه ها و موسسات صنعتی ، کشاورزی وخدماتی به شرح ذیل خواهد بود: الف ـ مسئولیت اداره امور کارگاه ها و موسسات صنعتی ، کشاورزی و خدماتی از حیث نوع و میزان تولید ، کیفیت و کمیت کار ، خرید و فروش و معاملات و انعقاد و انجام قراردادها و مسایل فنی و تخصصی و سایر موارد از این قبیل بر عهده مدیریت کارگاه یا موسسات می‌باشد. ب ـ مسئولیت امور انتظامی و امنیتی و در اختیار قرار دادن کارگران ،نحوه و کیفیت اعزام آنان به کارگاه و نیازهای فرهنگی و بهداشتی زندانیان بر عهده رییس زندان می‌باشد. ماده ۱۲۹ ـ استفاده از زندانیان در امور نگهبانی و انتظامی و اداری زندان و دیگر دستگاهها ممنوع است ماده ۱۳۰ ـ انجام امور خدماتی داخل بندها و اندرزگاهها و موسسات صنعتی ، خدماتی و کشاورزی و همچنین کارگاه ها به طور نوبتی بدون تبعیض توسط زندانیان انجام می‌گیرد. تبصره ـ اگر زندانی بدون عذر موجه از انجام وظایف محوله درداخل زندان و موسسات وابسته خودداری نماید تخلف و به‌تشخیص شورای انضباطی موجب تنبیه انضباطی است

فصل چهارم ـ فعالیتهای آموزشی ، فرهنگی و تربیتی (ماده ۱۳۱ تا ۱۵۲

ماده ۱۳۱ ـ به منظور سواد آموزی و ارتقای سطح معلومات و جلوگیری از اتلاف وقت زندانیان و همچنین تقویت اراده و پرورش فکر و استعدادهای نهفته آنان در کلیه زندانها از طریق وزارتخانه های مربوطه و موسسات آموزشی ، علمی و فنی ، حرفه‌ای و دولتی یا وابسته به دولت و یا سازمانهای خیریه و نهضت سواد آموزی ، تحت نظر واحدهای مربوط در زندان ، آموزش فنی ، حرفه‌ای و مذهبی داده می‌شود. ماده ۱۳۲ ـ زندانیان در مدت اقامت خود در زندان با توجه به مدت محکومیت شان و کیفیت و نوع برنامه های آموزش علمی ، دینی و فنی حرفه‌ای پیش بینی شده در زندان ها به فراگیری سواد و ادامه تحصیلات علمی ، دینی و حرفه‌ای اشتغال خواهند داشت تبصره ـ شرکت افراد بیسواد کمتر از شصت سال در کلاسهای سوادآموزی اجباری است ، عدم شرکت در کلاسهای مزبور می‌تواند موجب محرومیت از امتیازات گردد. ماده ۱۳۳ ـ تدریس در آموزشگاههای علمی و فنی حرفه‌ای زندانها با همکاری وزارتخانه ها و سازمانها و موسسات آموزش علمی و فنی حرفه‌ای وسیله مربیان علمی حرفه ای و طبق برنامه تنظیمی توسط واحدهای مربوطه در زندان انجام می‌گیرد. ماده ۱۳۴ ـ آزمون سالیانه باید مطابق برنامه رسمی دستگاه های مربوط در داخل زندانها به عمل آید و به محصل هر کلاس گواهینامه رسمی بدون اشاره به زندانی بودن او با انجام تشریفات خاص که جنبه تشویق به تحصیل داشته باشد اعطا می‌گردد. ماده ۱۳۵ ـ به منظور کمک به بازسازی اجتماعی زندانیان و جذب‌کامل آنها در محیط اجتماعی ، سازمان مکلف است وسایل تحصیل ابتدایی ، راهنمایی ، متوسطه و عالی و دوره های تخصصی ، علمی و فنی ، حرفه‌ای را برای علاقه مندان به ادامه تحصیل از طرق اجرای برنامه های عادی یا مکاتبه ای با رعایت مقررات مربوط از طریق وزارتخانه ها و موسسات ذی ربط در داخل زندان فراهم نماید. ماده ۱۳۶ ـ پرداخت هزینه‌های مربوطه به تحصیلات عالی از طریق برنامه‌های عادی یا مکاتبه‌ای با خود زندانی است زندان مکلف‌است به هزینه زندانی کتب و وسایل لازم را تهیه و در اختیار او قراردهد. تبصره ـ در صورتی که زندانی به جهت عدم بضاعت قادر به پرداخت هزینه‌های مذکور در این ماده نباشد پرداخت هزینه‌ها از طریق انجمن

حمایت از زندانیان صورت می گیرد. ماده ۱۳۷ ـ امتحانات نهایی ابتدایی ، راهنمایی ، متوسطه و عالی با نظارت مستقیم وزارتخانه‌ها و موسسات مربوطه در داخل زندان انجام می‌شود. ماده ۱۳۸ ـ زندانی با موافقت رییس زندان به عنوان فعالیت های فردیو ممتاز علاوه بر اجرای برنامه های تحصیلی می‌تواند مطالعات دانشگاهی ، فنی ، حرفه‌ای و تحقیقاتی خود را شخصا در زندان انجام دهد و وسایل و لوازم مورد نیاز خود را با رعایت نظامات داخلی زندانها به هزینه شخصی خود و در صورت امکان به هزینه دولت از طریق مسئولین برنامه‌های آموزشی زندان تدارک نماید. ماده ۱۳۹ ـ در هر زندان با جلب کمک و همکاری وزارتخانه ها وسازمان ها و موسسات کتابخانه مجهزی با توجه به تعداد زندانیان تاسیس و کتب علمی مذهبی ، اخلاقی و فنی در حد نیاز برای مطالعه زندانیان تهیه می‌شود. زندانیان می‌توانند در ساعات مقرر در کتابخانه به مطالعه پرداخته و با اجازه مسئولین کتابخانه به طور امانت از کتابخانه کتاب اخذ نموده ، سپس با رعایت نظافت کامل وبدون عیب و نقص آن را عینا به کتابخانه مسترد نمایند. ماده ۱۴۰ ـ هر زندانی که نسبت به حفظ نظافت و یا اعاده به موقع کتاب به کتابخانه مسامحه نماید با نظر مسئول کتابخانه و موافقت رییس زندان از عهده غرامت مربوطه برخواهد آمد. ماده ۱۴۱ ـ استفاده از مجلات و روزنامه‌های مجاز در داخل زندان بلامانع است ماده ۱۴۲ ـ با جلب کمک و همکاری نهادهای ذی ربط در زندان وسایل آموزشی سمعی بصری لازم جهت زندانیان تدارک و تامین می گردد. ماده ۱۴۳ ـ هنگام پذیرش زندانی دین رسمی او در برگه پرسشنامه درج و به منظور تقویت و تحکیم مبانی دینی زندانیان و اجرای آداب و مراسم دینی آنان با جلب کمک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از طریق مسئولین مربوطه زندان (در زندان محل وسیله و تسهیلات لازم جهت انجام فرایض دینی آنها فراهم می گردد. ماده ۱۴۴ ـ هر زندانی که دارای یکی از ادیان رسمی کشور باشد می‌تواند در آسایشگاه عمومی یا انفرادی خود یک جلد کتاب آسمانی ، کتاب دعا ، سجاده و مهر نماز جهت اجرای فرایض دینیخود نگهداری نماید. ماده ۱۴۵ ـ هر زندانی که دارای یکی از ادیان رسمی کشور باشد درصورت لزوم می‌تواند تقاضا نماید تا پس از موافقت رییس زندان نماینده مذهبی او در زندان حضور یافته در اجرای آداب و مسایل مذهبی او را هدایت و ارشاد نماید. ماده ۱۴۶ ـ در هر زندان در صورت امکان وسایل و امکانات ورزشی و تربیت بدنی از قبیل تامین کادر مربیان ورزشی و تدارک سالن سرپوشیده و زمین و وسایل لازم برای ورزش های فردی وگروهی فراهم می گردد. ماده ۱۴۷ ـ به منظور سلامت جسم و روح زندانیان ، اجرای برنامه‌های ورزش صبحگاهی در زندانها برای زندانیانی که قادر به انجام ورزش می‌باشند ، اجباری است و طبق برنامه ای که برای آنان تنظیم می‌شود باید حداقل روزانه نیم ساعت در هوای آزاد ورزش‌نمایند. ماده ۱۴۸ ـ زندانی می‌تواند به پیشنهاد رییس زندان و موافقت مدیرکل مربوطه و مقامات قضایی با اجرای تشریفات قانونی و انتظامی در مسابقات ورزشی و فعالیت های فرهنگی و مذهبی خارج از زندان شرکت نماید. تبصره ـ شرکت در مسابقات خارج از کشور از شمول این ماده مستثنی است ماده ۱۴۹ ـ به منظور پرورش افکار و استعدادهای هنری و ارتقای سطح معلومات زندانیان به پیشنهاد معاونت امور فرهنگی و تربیتی موافقت رییس زندان و با جلب کمک و همکاریهای وزارتخانه ها و موسسات و سازمانهای ذی ربط ، در زندانها برنامه‌های نمایش ماهانه ترتیب داده می‌شود. زندانیانی در نمایشهای ماهانه‌ای شرکت خواهند کرد که رییس زندان از طرز کار و رفتار آنان رضایت داشته و صلاحیت اخلاقی آنها راشورای طبقه بندی تایید نماید. همچنین به منظور پرورش روح و جسم زندانیان با پیشنهاد رییس زندان و موافقت مدیر کل و تصویب‌شورای طبقه بندی و موافقت مقامات قضایی مربوطه ، زندانیانی که دارای حسن رفتار بوده و مقررات زندان را کاملا اجرا می‌نمایند ،حداقل ماهی یکبار به نماز جمعه یا تفریحگاههای عمومی شهر که از سوی زندان به این کار اختصاص داده شده اعزام خواهند شد. بدیهی است حفاظت از زندانیان در چنین مواردی با رعایت مفاد این آیین نامه به عهده مأمورین انتظامی زندان خواهد بود و در صورت لزوم از سایر نیروهای انتظامی محل استفاده خواهد شد. ماده ۱۵۰ ـ نمایش فیلمهای آموزنده و اخلاقی تحت نظر معاونت فرهنگی و تربیتی در زندان با جلب کمک و همکاری ادارات و سازمانهای مربوطه با رعایت ماده قبل بلامانع است ماده ۱۵۱ ـ زندانیان می‌توانند در ساعات فراغت خود با رعایت نظم و ترتیب طبق برنامه تنظیمی از

برنـامه های رادیو ، تلویزیون اسـتفاده نماینـد. ماده ۱۵۲ ـ متهمین واجـد صـلاحیت می‌توانند با صـلاحدید مسـئولین زندان از برنامه آموزشـی ، حرفه‌ای ، تفریحی و ورزشیاستفاده نمایند مگر این که به لحاظ عدم شایستگی اخلاقی و نوع و اهمیت جرم ارتکابی و یا دستور قضایی ، اجتماع آنان با سایر متهمان و محکومان به مصلحت نباشد.

فصل پنجم ـ روابط عمومی (ماده ۱۵۳ تا ۱۶۰)

ماده ۱۵۳ ـ زنـدانیان می‌تواننـد از اخبار کشور از طریق وسایل ارتباط جمعی مجاز در داخل زنـدان ماننـد رادیو ، تلویزیون و حداقل یک روزنامه کثیرالانتشار اطلاع حاصل نماینـد. ماده ۱۵۴ ـ در صورت امکان در هر زنـدان می‌بایست زیر نظر واحد فرهنگی نشـریه ماهـانه منتشر و اطلاعـات مربوط به فعالیتهـای اصـلاحی و ارشادی زنـدانیان و مقررات انتظامی زنـدان با درج مقالاتی که به وسـیله مربیان یا زنـدانیان تهیه می‌شود در آن منعکس گردد. زندانی حق ندارد در ضـمن مقالات خود کمک های مادی یا انجام خدمتی را از مردم طلب نماید و مطالب مندرج در نشـریه داخلی زندان باید صـرفا واجد جنبه های اخلاقی ، تربیتی ، علمی ، تفریحی وسر گرم کننده باشد. ماده ۱۵۵ ـ اجازه بازدیـد از زندان به دسـتور کتبی مدیر کل زندانهاعلاوه بر مقامات رسـمی کشور فقط به کسانی داده می‌شـود که در رشـته هـای مربـوط به علوم مـذهبی ، اجتمـاعی ، اخلاـقی ، تربیـتی ،جزایی و علوم اداره زنـدانها تـدریس یـا تحقیق می‌نماینـد یا آنهایی که در انجمنهای خیریه به فعالیت های مذهبی ، اجتماعی و اصـلاح زندانیان عضویت دارند. ماده ۱۵۶ ـ مقامات مجـاز برای ورود به زنـدانها و موسـسات تـامینی و تربیـتی عبارتنـد از: رییس قوه قضـاییه ، رییس دیوان عـالی کشور ، دادسـتان کل کشور ، وزیر دادگستری ، رییس سازمـان و معـاونین او ، مـدیران کـل سازمـان ،بازرسـان اعزامی رییس قوه قضـاییه ، مأموران دفاتر بازرسـی و حفـاظت اطلاعـات سازمـان ، بازرسـان سازمـان بازرسـی کـل کشور طبق‌ابلاغ صادره ، روسای دادگستری ، قضات ناظر زنـدان در حوزه قضـایی مربوطه ، روسـای دادگاهها در ارتباط با پرونـده های مطروحه نزد آنان تبصـره ۱ ـ اشـخاص زیر با اطلاع و اجـازه رییس زنـدان و رعـایت سایر مقررات این آیین نامه در حـدود وظایف و مشاغل خود و درصورت نیاز می‌تواننـد وارد زنـدان شوند: مدیر عامل و رییس هیات مدیره و کارکنان و مددکاران انجمن‌حمایت از زندانیان شهرسـتان محل ، دانشـجویان و محققین با معرفی نامه رسمی از دانشکده یا موسسه مربوطه تبصره ۲ ـ ورود و خروج عوامل اطلاعاتی وزارت اطلاعات جهت انجام امور محوله پس از معرفی و هماهنگی لازم با سازمان صـرفا در حدود قانون و مقررات تشـکیل وزارت اطلاعات خواهدبود. تبصـره ۳ ـ ورود با سلاـح گرم یا سـرد به داخل زنـدانها به طور کلی ممنوع است و تخلف از آن بر حسب مورد موجب تعقیب انتظامی یا اداری خواهد بود. ماده ۱۵۷ ـ عکسبرداری ، رد و بـدل کردن اشیا ، نـامه ، حمـل ضـبط صوت ، دوربین عکاسـی ، مواد ممنوعه و نظـایر این قبیل اعمال برای بازدید کنندگان در مواقع بازدید ممنوع می‌باشد. ماده ۱۵۸ ـ بازدید کنندگان باید قبلا اجازه مخصوص به امضای‌رییس زنـدان اخـذ و به هنگـام ورود برگ شـناسایی و اجـازه کتبی خودرا به مسـئول امـور نگهبـانی زنـدان ارائه دهنـد ، سـاعت ورود و مشخصات کامل و علت بازدید و ساعت خروج آنها باید در دفترمخصوص بازدید کنندگان ثبت گردد. هر گاه بازدیدکننده نظرات اصـلاحی یـا انتقادی داشـته باشـد نتیجه مشاهـدات و اسـتنباطات خودرا در دفتر مزبور منعکس می‌نمایـد در این صورت مراتب باید ازطریق اداره کل به سازمان گزارش شود تا از این گونه همکاری ها و راهنمایی ها در بهبود وضع زنـدانها حداکثر اسـتفاده به عمل آید. ماده ۱۵۹ ـ تهیه فیلم و خبر و انتشار شـرح احوال و عکس زندانیان به طوری که باعث شـناسایی ، هتک حیثیت و رسوایی آنان نشود و یا خود کتبا به آنها رضایت دهنـد ، با اجازه معاونت امور فرهنگی و تربیتی سازمان مجاز خواهـد بود. ماده ۱۶۰ ـ انجام عقد نکاح و طلاق و تنظیم هر گونه سند معامله وقرارداد یا تعهدی که یک طرف آن زندانی باشد بایستی با اجازه مقام قضایی مربوطه یا قاضـی ناظر زندان انجام و در صورت لزوم در زندان به وسـیله یکی از سردفتران اسناد رسمی با شرایط عادلانه تر ازسایر دفاتر اسناد

رسمی انجام پذیرد تا موجب تضییع حقوق زندانی یا اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر نشود.

فصل ششم ـ تخلفات و تنبیهات داخل زندان (ماده ۱۶۱ تا ۱۷۳

ماده ۱۶۱ ـ اعتراض ، شکایات و تقاضای ملاقات به صورت دسته‌جمعی و اعتصاب زندانیان به کلی ممنوع است اما هر زندانی می‌تواند شفاها یا کتبا تقاضای ملاقات با رییس زندان را بنماید واگر شکایت یا اعتراضی دارد آن را در صندوقهای مربوطه بیندازد وبه همین منظور صندوق هایی در محلهای مناسب نصب و حداقل هفته‌ای یک بار تخلیه خواهد شد. تبصره ـ به گزارشات غیر مربوط به زندان ، یا بدون امضا و مشخصات نویسنده ترتیب اثر داده نخواهد شد. ماده ۱۶۲ ـ هر زندانی باید به محض اطلاع از وقوع حوادث و پیشامد های سو احتمالی و اعمالی که تحقق آن مخل نظم داخلی زندان می‌گردد ، مراتب را فورا به مسئول امور نگهبانی یا به هر یک از مقامات مسئول زندان گزارش دهد. ماده ۱۶۳ ـ تند خویی ، دشنام ، ادای الفاظ رکیک یا تنبیه بدنی زندانیان و اعمال تنبیهات خشن و مشقت بار و موهن در زندانها به‌کلی ممنوع است ماده ۱۶۴ ـ استفاده از دستبند برای زندانی جهت کنترل و جلوگیری از خودزنی و ایذا و آزار دیگران یا ایراد خسارت به اموال با دستور رییس زندان و در غیاب وی بالاترین مقام مسئول در زندان مجاز می‌باشد. تبصره ـ استفاده از پابند فقط در صورتی مجاز است که به وسیله دستبند یا تمهیدات دیگر نتوان زندانی را کنترل کرد. ماده ۱۶۵ ـ در هنگام شورش زندانیان ، کارکنان زندانها نهایت سعی خود را در برقراری آرامش و جلوگیری از بروز خونریزی یا ایرادخسارت به افراد و اموال خواهند نمود و عنداللزوم از امکانات انتظامی محل استمداد نموده ، جلوی گسترش شورش را گرفته و متخلفین را حسب مورد به دستگاه قضایی و شورای انضباطی زندان معرفی خواهند کرد. ماده ۱۶۶ ـ کلیه زندانیان اعم از محکومین و متهمین مکلف به حسن رفتار و سلوک با یکدیگر و اطاعت از دستورات مأمورین زندان و رعایت کلیه مقررات داخلی زندان هستند و در صورت تخلف حسب مورد در شورای انضباطی مطرح و تصمیمات متخذه درباره آنها اجرا خواهد شد. ماده ۱۶۷ ـ هرگاه زندانیان با یکدیگر اختلافی داشته باشند بایستی موضوع را به اطلاع مأمور مراقب بند رسانده تا رییس اندرزگاه را درجریان امر قرار دهد و رییس اندرزگاه موظف است به طریق مقتضی رفع اختلاف نماید و هر گاه موفق به حل اختلاف نشود جریان را به رییس زندان گزارش خواهد کرد تا رییس زندان حسب مورد اقدام لازم به عمل آورد. تبصره ـ زد و خورد در زندان ، خود زنی ، اقدام به خودکشی یا تهدید به انجام آن و هر نوع عملی که طبق مقررات خلاف محسوب می‌شود ممنوع بوده و مختلف طبق نظر شورای انضباطی تنبیه و حسب مورد به مراجع قضایی معرفی خواهد شد. ماده ۱۶۸ ـ به منظور رسیدگی به تخلفات زندانیان ، شورای انضباطی با ترکیب اعضای ذیل تشکیل می‌گردد: مسئولین واحدهای قضایی و فرهنگی و انتظامی ، حفاظت اطلاعات ، رییس اندرزگاه مربوطه و یک نفر مددکار با انتخاب رییس زندان تصمیمات متخذه با اکثریت آرا معتبر است ماده ۱۶۹ ـ تنبیهات انضباطی عبارتند از: ۱ـ توبیخ کتبی با درج در پرونده شخصیتی زندانی ۲ ـ محرومیت از ملاقات حداکثر تا یک ماه ۳ـ محرومیت از مرخصی تا ۶ ماه ۴ـ زندان انفرادی تا یک ماه ۵ـ تغییر زندان با رعایت مقررات مربوطه ۶ـ عدم پیشنهاد عفو و آزادی مشروط حداکثر تا یک سال تبصره ـ مرجع تجدید نظر خواهی مجازاتهای مقرر در بندهای ۴ و ۵ و ۶ هیاتی مرکب از رییس و قاضی ناظر زندان و یک نفر به انتخاب مدیر کل زندانهای استان مربوطه است که بلافاصله رسیدگی نموده و نظر اکثریت لازم الاجرا خواهد بود. ماده ۱۷۰ ـ شورای انضباطی پس از اتخاذ تصمیم می‌تواند تنبیهات مقرره را به اکثریت آرا کلا یا جزئا به مدت شش ماه تعلیق نماید هرگاه در این مدت زندانی مرتکب تخلف یا جرمی نشود اجرای تنبیهات مذکور کان لم یکن می‌گردد در غیر این صورت علاوه برمجازات تخلف یا جرم ارتکابی اخیر ، تنبیهات مقرره در شورای انضباطی نیز به مورد اجرا گذارده خواهد شد. ماده ۱۷۱ ـ آرای شورای انضباطی در خصوص تنبیه زندانیان به دستور رییس زندان یا جانشین او اجرا و

صورتمجلس حاکی از ذکرنوع تنبیه و اجرای آن تنظیم و در پرونده زندانی درج و بایگانی می گردد. هر گاه زندانی متخلف از تاریخ آخرین تخلف خود به مدت یکسال مرتکب تخلف یا جرم دیگری نشود و از خود مستمرا حسن اخلاق و رفتار نشان دهد آثار تبعی تنبیه مقرر منتفی و در غیر این صورت در مواقع عفو و بخشودگی در جدول رفتار زندانی به عنوان امتیاز منفی منظور و مورد نظر قرار خواهد گرفت ماده ۱۷۲ ـ هر گاه اعمال ارتکابی زندانی علاوه بر تخلف انضباطی واجد وصف جزایی یا حقوقی باشد ، ضمن محکومیت به تنبیهات مندرج در آیین نامه مراتب به مرجع قضایی محل جهت اتخاذ تصمیم قانونی گزارش می‌شود و توسط رییس یا معاونت قضایی زندان تا حصول نتیجه پیگیری خواهد شد. ماده ۱۷۳ ـ زندانی مکلف است کلیه خساراتی را که به زندان و موسسات وابسته وارد می کند جبران نماید و در صورت عمدی بودن یا عدم جبران طبق مقررات قانونی به مراجع قضایی معرفی می گردد. همچنین در صورتی که وجه خسارت تا مبلغ پانصد هزار ریال باشد رییس زندان یا جانشین او می‌تواند وجه مذکور را ازحساب یا وجوه مربوط به زندانی برداشت نموده و موضوع را کتبا به زندانی ابلاغ نماید.

آیین نامه مراکز مراقبت بعد از خروج – مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۷۸

ماده ۱ ـ در اجرای بند ح از ماده ۲ قانون تبدیل شورای سرپرستی زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی‌کشور به سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور و در راستای اصلاح و تربیت زندانیان با هدف پیشگیری از وقوع جرم از طریق حمایت مادی و معنوی از زندانیان آزادشده واجد شرایط (که از این پس در این آیین نامه مددجو نامیده می‌شود) و فراهم نمودن زمینه مساعد جهت بازگشت آنان به یک زندگی سالم اجتماعی ، اداره مراقبت بعد از خروج در مرکز هر استان و درصورت نیاز در شهرستانها با تصویب ریاست سازمان تحت نظارت اداره کل زندانهای استان مربوطه ایجاد می گردد. ماده ۲ ـ روسای ادارات مراقبت بعد از خروج از میان افراد آشنا به مسایل زندانیان یا دارای تحصیلات عالیه مرتبط ، با پیشنهاد مدیرکل زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی استان و تایید رییس سازمان با حکم مدیرکل مربوطه منصوب می گردد. ماده ۳ ـ اهم وظایف اداره مراقبت بعد از خروج عبارتند از: الف ایجاد زمینه لازم جهت کارآموزی ، اشتغال ، ازدواج ، ادامه تحصیل ، تامین مسکن ، اعطای تسهیلات وام بانکی و نظایر آن برای مددجویان ب ارایه خدمات به مددجویان در امور آموزش ، بهداشت و درمان ، اجتماعی و حقوقی ، فرهنگی و مذهبی و ... ج نظارت بر رفتار مددجویان در مراحل اولیه آزادی و ارتقای سطح دانش و فرهنگ ، تربیت و اعتقادات مذهبی آنان از طریق برقراری اردوهای مناسب و ... د: جذب کمکهای مردمی و انجمنها و موسسات خیریه به منظور مساعدت در وضع مددجویان و خانواده آنان ه ـ استفاده از پزشکان ، مددکاران اجتماعی ، مربیان اصلاح و تربیت ، صاحبان تخصص و حرف و امثال آن ظ ـ تاسیس صندوق حمایت از مددجویان که اساسنامه آن توسط دفتر قوانین و مقررات سازمان تهیه و به تصویب رییس سازمان زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور خواهد رسید. و ـ احداث و تهیه اماکن و تاسیسات و امکانات متناسب و موردنیاز. تبصره ـ دستگاههای اجرایی کشور و سایر ارگانها و نهادها مکلفند هرگونه همکاری لازم را درجهت انجام وظایف فوق معمول دارند. ماده ۴ ـ اداره مراقبت بعد از خروج جهت انجام وظایف محوله از واحدهای زیر تشکیل می گردد: الف واحد پذیرش و تحقیقات ب واحد خدمات اجتماعی که دارای بخشهای زیر می‌باشد: ۱ ـ بخش آموزش ، حرفه آموزی و اشتغال ۲ ـ بخش ارایه تسهیلات (اعطا وام ، تامین مسکن ، ازدواج و ...) ۳ ـ بخش بهداشت و درمان ۴ ـ بخش خدمات مشاوره‌ای و ... ج واحد روابط عمومی د: واحد طرح و برنامه ه واحد بازرگانی و پشتیبانی ماده ۵ ـ به منظور انجام وظایف و ارایه خدمات مذکور در این آیین نامه ادارات زندانها و ... مکلفندبا هماهنگی قضات ناظر زندان اسامی زندانیان واجد شرایط (را) حسب تشخیص شورای طبقه بندی زندان یک ماه قبل از آزادی به همراه خلاصه پرونده های قضایی و مددکاری با شرح پیشنهاد و نیازمندیها طی فرم مخصوصی که از طرف اداره کل اقدامات تامینی تهیه و ابلاغ می گردد به اداره مراقبت بعد از خروج مربوطه اعلام نمایند. ماده ۶ ـ کلیه اقدامات اداره مراقبت بعد از

خروج بایـد در جهت اصـلاح و تربیت و فراهم آوردن زنـدگی سالم اجتماعی و بهبود وضـعیت اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی و ... مـددجویان برنامه ریزی و صورت پـذیرد. ماده ۷ ـ اداره مراقبـت بعـد از خروج در جهـت تمرکززدایی در شـهرهای بزرگ و مراکز اسـتان می‌توانـد به متقاضـیان کار در شهرسـتانهای کوچک و روسـتاها کمک ویژه و در صورت لزوم با تصویب مدیرکل زندانهای استان مربوطه کمک بلا عوض اعطا نماید. ماده ۸ ـ اداره مراقبت بعد از خروج در فرصتهای مقتضی ارزیابی لازم از وضعیت و رفتار و شخصـیت مددجو را به عمل آورده و نتیجه را جهت اتخاذ تصـمیم مقتضی و اقدام لازم در پرونده مربوطه منعکس می‌نماید. ماده ۹ ـ درصورتی که مددجو در مظان اعتیاد باشد اداره مراقبت بعد از خروج مجاز است با موافقت مددجو آزمایش لازم را جهت اقدام مقتضی به عمل آورد. ماده ۱۰ ـ ادارات مراقبت بعد از خروج می‌توانند به منظور حمایت از مددجویان و ایجاد تسـهیلات در فروش تولیدات آنان نسبت به ایجاد فروشگاه ها ، نمایشگاهها و بازاریابی و انجام سایر امور بازرگانی اقدام نمایند. ماده ۱۱ ـ اداره مراقبت بعـد از خروج موظف است در پایـان هر سـال نتایـج عملکرد خود را مکتوب و از طریق مـدیرکل اسـتان مربوطه به ریـاست سازمـان زنـدانها و اقـدامات تـامینی و تربیتی کشور ارایه نمایـد. آیین نـامه مراقبت از زنـدانیان بعـد از خروج ، در یـازده مـاده و یک تبصـره تصویب می‌شود. رییس قوه قضاییه

آیین‌نامه اجرایی کانون اصلاح و تربیت – مصوب مهرماه ۱۳۴۷

فصل اول ـ سازمان کانون اصلاح و تربیت (مواد ۱ تا ۱۰)

ماده ۱ ـ کـانون اصـلاح و تربیت مرکزی است که نگاهـداری ، تهـذیب و تربیت اطفالی را که برحسب مقررات قانون دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ به آن سپرده می‌شود برعهـده خواهـد داشت مـاده ۲ ـ کـانون اصـلاح و تربیت دارای سه قسـمت است الف ـ قسـمت نگهداری موقت ب ـ قسـمت اصـلاح و تربیت ج ـ زندان هر یک از قسـمتهای مذکور از یکدیگر مجزا بوده و در هر قسمت اطفال برحسب سن با رعایت تبصره ذیل ماده ۲۳ قـانون دادگاه اطفال و سابقه ارتکاب جرم و حتی الامکان از نظر نوع جرم و درجه تربیت پـذیری طبقه بنـدی خواهند شد. به علاوه قسـمتی که دختران در آن نگاهداری می‌شوند از پسـران مجزا خواهد بود. ماده ۳ ـ قسـمت نگهـداری موقت اختصاص به اطفالی خواهـد داشت که از طرف دادگاه هنوز درباره آنها اخذ تصـمیم به عمل نیامده است اطفـالی که طبق ماده ۲۰ قـانون دادگـاه اطفـال بزهکـار به این قسـمت از کانون اعزام خواهنـد شـد تا زمانی که اعلام رفع توقیف از طرف دادگاه به عمل نیامـده است در آنجا خواهند ماند. در مورد اطفالی که دادگاه برای جلوگیری از تبانی و یا سایر جهات قانونی نگهـداری انفرادی آنها را لازم می‌دانـد در این قسـمت تا دسـتور ثانوی دادگاه ، به طور انفرادی نگهداری خواهند شد. ماده ۴ ـ در مـدت توقیـف طفـل در قسـمت نگاهـداری مـوقت از نظر اجرای مـاده ۷ قـانون تشـکیل دادگـاه اطفال بزهکار به وسیله مـددکاران اجتماعی کانون درباره سوابق خانوادگی ، اجتماعی و خصوصـیات اخلاقی طفل تحقیقات لازم به عمل خواهـد آمـد و از نظر وضـع جسـمانی ، روانی ، میزان قوه درسـی واسـتعداد حرفه ای به وسیله متخصصین کانون مورد معاینه قرار خواهند گرفت مجموعه سوابق جمع آوری شده در شورایی با حضور مدیر کانون و متخصصـینی که از طفل معاینه به عمل آورده‌اند بررسـی خواهد شد و گزارش نهایی که متضـمن خصوصـیات واقعی شخصیت طفل و تدابیر پیشنهادی درباره وی خواهد بود در دو نسخه تنظیم می‌گردد که یک نسـخه از آن به دادگاه اطفال ارسال خواهد شد و نسـخه دیگر در پرونده وی در کانون باقی خواهد ماند. در این پرونده تصـمیمات دادگاه و گزارشـهای واصـله مربوط به طفل و نتیجه تحقیقات و معایناتی که از طرف مددکاران اجتماعی و متخصصین تهیه می‌شود نگاهـداری خواهـد شد پرونده مزبور شامل دو قسـمت قضایی و اجتماعی خواهد بود. ماده ۵ ـ در قسـمت اصلاح و تربیت ، اطفالی نگاهـداری خواهند شد که از طرف دادگاه به موجب بند۲ ماده ۱۷ و بند ۳ ماده ۱۸ اعزام شـده و یا به موجب ماده ۲۶ قانون ۱۳۳۸

دستور مجدد انتقال آنها به قسمت اصلاح و تربیت داده شده باشد. ماده ۶ ـ در قسمت زندان ، اطفالی نگاهداری می‌شوند که از طرف دادگاه طبق بند ۴ ماده ۱۸ تصمیم اعزام به آن قسمت درباره آنها اتخاذ شده باشد. ماده ۷ ـ در هر یک از قسمت های مذکور در ماده ۲ این آیین نامه اطفال برحسب استعداد ، سن ، درجه معلومات طبق برنامه‌ای که با رعایت مواد ۱۵ و ۱۶ این آیین نامه تنظیم می‌شود مورد تعلیم و تربیت قرار خواهند گرفت برنامه آموزش حرفه‌ای به نحوی باید اجرا شود که حتی الامکان خللی به تحصیلات عادی اطفال وارد نیاید. ماده ۸ ـ ترتیب نگاهداری اطفال در قسمت زندان از لحاظ صرف غذا ، خواب ، تعلیمات اخلاقی وحرفه‌ای به طوری است که در قسمت اصلاح و تربیت به عمل می‌آید ولی مدیر کانون می‌تواند برحسب روحیه اطفال و نوع بزه ارتکابی ، آنان را از لحاظ صرف غذا یا خواب یا تعلیمات اخلاقی و حرفه‌ای و اجرا تدابیر تربیتی و تهذیبی به دسته هایی تقسیم نموده و معاشرت هر دسته را با دسته دیگر ممنوع بدارد. ماده ۹ ـ روز و ساعت ورود و خروج اطفال در دفتر کانون و پرونده آنها ثبت و منعکس خواهد شد و در بدو ورود اشیایی را که اطفال همراه خواهند داشت به بایگانی که برای نگاهداری آنها اختصاص داده شده ضمن ثبت مشخصات اشیای مزبور سپرده پس از پایان دوره توقف هنگام خروج از کانون به آنها مسترد و یا در مقابل اخذ رسید به والدین آنها داده خواهد شد. ماده ۱۰ ـ اطفالی که به کانون اصلاح و تربیت اعزام می‌شوند موظف هستند که طبق برنامه کانون درهفته ۳۶ ساعت در کلاسهای درسی یا در کارگاه‌های فنی و حرفه‌ای به تحصیل یا کارآموزی اشتغال داشته باشند و روزی یک ساعت ورزش نمایند.

فصل دوم ـ وظایف مسئولین کانون اصلاح و تربیت

ماده ۱۱ ـ کانون اصلاح و تربیت در هر حوزه دارای یک نفر مدیر و برای هر یک از قسمتهای آموزش ، نگاهداری موقت و اصلاح و تربیت و زندان ، دارای یک نفر مسئول خواهد بود و تعدادکافی پزشک ، روان پزشک ، روان شناس متخصص ، مددکار اجتماعی ، مربی ، آموزگار و آموزگار تعلیمات حرفه‌ای ، کارمند دفتری ، پزشکیار و مراقب تربیتی و انتظامی در اختیار خواهد داشت تبصره ـ مدیر مسئول کانون اصلاح و تربیت در صورت نیاز می‌تواند با تصویب وزارت دادگستری تا سه نفر معاون داشته باشد. ماده ۱۲ ـ مدیر کانون عهده‌دار اداره کلیه امور مربوط به کانون بوده و موظف است تصمیمات دادگاه اطفال را به موقع اجرا گذاشته و نسبت به اجرای برنامه های ورزشی ، تربیت اخلاقی ، آموزش علمی ، تعلیم حرفه به اطفال و وضع غذا ، بهداشت و خواب آنان مراقبت به عمل آورد. ماده ۱۳ ـ مدیر کانون اصلاح و تربیت موظف است حداقل هر سه ماه یک بار گزارش کاملی از وضع رفتار و اخلاق هر طفل و پیشرفت هایی که حاصل کرده است به رییس دادگاهی که طفل را به کانون اعزام داشته است بدهد و رییس دادگاه در صورت تجدید نظر در تصمیمات قبلی اجرای تصمیمات مجدد را به کانون اعلام خواهد داشت تبصره ـ مدیر کانون می‌تواند قبل از مدت مذکور فوق هرگاه تغییرات محسوسی در وضع تربیتی طفل ایجاد شده باشد مراتب را به دادگاه اطفال اعلام نماید. ماده ۱۴ ـ در مواردی که براثر بیماری یا اختلال در وضع مزاجی یا روانی طفل نگاهداری و معالجه وی در کانون اصلاح و تربیت میسر نباشد مدیر کانون مراتب را به قاضی دادگاه اطلاع خواهد داد و با موافقت او طفل را به یکی از موسسات پزشکی یا طبی ـ تربیتی اعزام خواهد داشت مدتی که طفل در آن موسسه بستری خواهد بود جز مدت توقف وی در کانون محسوب خواهد شد. ماده ۱۵ ـ آموزگاران و مربیان عهده دار تدریس ، تعلیم ، تربیت و تهذیب اخلاقی اطفال هستند وطبق برنامه ای که از طرف مدیر کانون با جلب نظر متخصصین مربوط و تایید اداره خدمات اجتماعی و تصویب وزارت دادگستری تنظیم می‌شود عمل خواهند نمود. تبصره ـ هر مربی ، تربیت و راهنمایی یک گروه از اطفال را در کانون برعهده خواهد داشت و با معاونت و همکاری مراقبین تربیتی و انتظامی نسبت به اصلاح و تهذیب اخلاق آنان اقدام خواهد کرد و مراقبین تربیتی هر گروه موظفند هرگونه تغییر اخلاقی و یا دگرگونی در طرز رفتار اطفال را به اطلاع مربی گروه برسانند. ماده ۱۶ ـ آموزگاران تعلیمات

حرفه‌ای عهده‌دار آموختن حرفه به اطفال و اداره کارگاه های کانون بوده و طبق برنامه ای که از طرف مدیر کانون به کمک متخصصین و پس از کسب نظر اداره خدمات اجتماعی و تصمیم وزارت دادگستری تهیه می‌شود ، اقدام خواهند نمود. ماده ۱۷ ـ به منظور حفظ نظم ، اجرای اقدامات تربیتی ، مراقبت و راهنمایی اطفال در کانون اصلاح و تربیت مأمورین مخصوصی به نام مراقب تربیتی و انتظامی در هر یک از قسمتهای کانون انجام وظیفه خواهند کرد. مراقبت انتظامی داخل کانون به وسیله مراقبین تربیتی داخلی و مراقبت خارج آن به وسیله مراقبین خارجی کانون به عمل خواهد آمد. مراقبین تربیتی و انتظامی کانون اصلاح و تربیت به دو درجه تقسیم می‌شوند: ـ مراقبین تربیتی و انتظامی درجه یک که حداقل تحصیلات آنان دارا بودن گواهی نامه کامل متوسطه (یا معادل آن خواهد بود. ـ مراقبین تربیتی و انتظامی که از بین دارندگان کارنامه قبولی سوم متوسطه و ششم ابتدایی (یا معادل آنها) انتخاب خواهند شد. دارندگان کارنامه قبولی سوم متوسطه اولویت خواهند داشت سن مراقبین تربیتی در هر حال در بدو استخدام نباید از ۲۰ سال کمتر باشد به علاوه باید متاهل بوده و از نظر اخلاق و سلامتی جسمانی و روانی صلاحیت آنان محرز شده باشد. برای مراقبت خارجی و حفاظت محوطه داخلی کانون اصلاح و تربیت و بدرقه اطفال و موارد دیگری که ضروری باشد ممکن است از افراد کادر پلیس عمومی استفاده شود که از حیث مسئولیت و انجام وظیفه تابع این آیین نامه خواهند بود. کسانی که دوره اختصاصی پلیس را دیده باشند حق تقدم خواهند داشت تبصره ـ کلیه مراقبین تربیتی و انتظامی موظف هستند که قبل از شروع خدمت در کانونهای اصلاح و تربیت یک دوره آموزش تخصصی و کارآموزی عملی را که چگونگی آن از طرف وزارت دادگستری تعیین خواهد شد بگذرانند. ماده ۱۸ ـ از طرف مدیر کانون یک نفر سرپرست برای مراقبین داخلی و یک نفر برای مراقبین خارج‌کانون تعیین خواهد شد. تبصره ـ چنانچه مراقبین خارجی از افراد کادر انتظامی پلیس باشند سرپرست آنها از طرف سازمان انتظامی مربوط تعیین و در اختیار مدیر کانون قرار خواهد گرفت ماده ۱۹ ـ مراقبین تربیتی و انتظامی باید به طور کشیک در تمام شبانه روز اطفال را مورد مراقبت کامل قرار داده و در موقع تغییر پست ، گزارش اتفاقات و اطلاعات پست خود را از طریق مراقبین ارشد به مسئول قسمت انتظامات بدهند. ماده ۲۰ ـ مراقبین تربیتی و انتظامی و مراقبین تربیتی و انتظامی ارشد موظف هستند که تحت نظارت مسئول قسمت انتظامات وظایف خود را چه از نظر مراقبت قسمت‌های مختلف کانون و اجرای برنامه‌های روزانه و چه هنگام بدرقه با نهایت دقت انجام دهند. چنانچه مراقبین در امرحفاظت مسامحه کرده و یا وسایل فرار طفلی را به نحوی از انحا فراهم سازند طبق مقررات قانون کیفر همگانی تعقیب و مجازات خواهند شد. ماده ۲۱ ـ مسئولین تربیتی ، مراقبین داخلی ، آموزگاران و آموزگاران تعلیمات حرفه‌ای برحسب وظایفی که از نظر تربیت ، مراقبت و یا آموزش اطفال برعهده دارند موظفند وضع اخلاق ، رفتار ، پیشرفت های درسی و طرز کار اطفال را در کارگاه های کانون به طور مرتب یادداشت نموده و چگونگی را لااقل ماهی یک بار طی گزارشی برای مدیر کانون ارسال دارند. گزارشها هر ماه در شورای مذکور درماده ۴ مورد بررسی قرار خواهد گرفت و چنانچه از نظر اقدامات مراقبتی ، تربیتی ، علمی یا آموزش فنی و حرفه‌ای تجدیدنظر در وضع هر یک از اطفال لازم باشد نسبت به آنها اخذ تصمیم به عمل‌خواهد آمد. ماده ۲۲ ـ اطفالی که در کانون اصلاح و تربیت به تحصیل یا کارآموزی اشتغال دارند از طرف مدیرکانون ممکن است جهت شرکت در امتحانات اخذ گواهی نامه رسمی به مراجع مربوط معرفی شوند. تبصره ـ در گواهی نامه این اطفال محل آموزش یا کارآموزی قید نخواهد شد. ماده ۲۳ ـ نظارت کامل در امور کانونهای اصلاح و تربیت در کشور از وظایف اداره خدمات اجتماعی وزارت دادگستری و برعهده تشکیلات وابسته به آن خواهد بود. ماده ۲۴ ـ کانونهای اصلاح و تربیت موظفند هر شش ماه یک بار گزارش کاملی از وضع کانون و اقداماتی که ظرف این مدت به عمل آورده‌اند به اداره خدمات اجتماعی ارسال و طرقی را که برای بهبود وضع کانون در نظر دارند پیشنهاد نمایند. گزارش‌های رسیده در شورایی که از این نظر در اداره خدمات اجتماعی تشکیل خواهد گردید مطرح شده و طرقی را که موثر برای بهبود وضع هر یک ازکانونها تشخیص دهند پس از تصویب وزارت دادگستری برای اجرا ابلاغ خواهند نمود. تبصره ـ اداره خدمات اجتماعی وزارت دادگستری

در صورت اقتضا می‌تواند به درخواست والدین یا سرپرست طفل و یا مدیر کانون اصلاح و تربیت با جلب موافقت دادگاه نسبت به انتقال طفل از کانون اصلاح و تربیت یک شهرستان به کانون محل دیگر اقدام نماید.

فصل سوم ــ مقررات انضباطی ، تشویقی و پایان دوره نگاهداری اطفال (ماده ۲۵ تا ۳۱

ماده ۲۵ ـ اطفالی که مقررات کانون را نقض نمایند و یا برخلاف شرایط انضباطی آن رفتار کنند برحسب مورد از طرف مدیر کانون مشمول تصمیمات انضباطی زیر خواهند شد: ـ سرزنش و نصیحت ـ توبیخ ـ محرومیت از ملاقات تا پانزده روز. ـ محرومیت از مکاتبه ـ محرومیت از خرید از پنج روز تا یک ماه ـ محرومیت از حضور در سینما و تالار سخنرانی ـ نگاهداری انفرادی از یک تا پانزده روز. ـ تقاضای اجرای ماده ۲۶ قانون ۱۳۳۸ از دادگاه چنانچه اطفال در مدت توقف خود در کانون اصلاح و تربیت مرتکب جرمی شوند فورا مراتب ازطرف مدیر کانون به دادگاه اعلام و در پرونده شخصی وی منعکس خواهد شد. ماده ۲۶ ـ از اطفالی که به کانون اصلاح و تربیت اعزام می‌شوند فقط والدین ، خویشان نزدیک ،سرپرست قانونی و وکلای اطفال پس از ارایه مدرک شناسایی می‌توانند ملاقات نمایند. تبصره ـ مدیر کانون می‌تواند ملاقات کسانی را که از نظر تهذیب و تربیت طفل موثر بداند به طور استثنا اجازه دهد و در مواردی که ملاقات بعضی از افراد خانواده طفل را مضر به حال وی تشخیص دهد منع نماید و در هر حال مراتب در پرونده طفل درج خواهد شد. ماده ۲۷ ـ مدیر کانون اصلاح و تربیت موظف است که به محض اتمام دوره توقف طفل در کانون نسبت به آزادی وی اقدام نماید و در صورت فوت طفل مراتب را باید فورا به دادسرا و رییس دادگاهی که او را اعزام داشته است اعلام نماید. ماده ۲۸ ـ مدیر کانون اصلاح و تربیت موظف است پانزده روز قبل از تاریخ مقرر برای آزادی اطفالی که به حکم دادگاه در کانون نگاهداری می‌شوند مراتب را به اطلاع انجمن حمایت زندانیان برساند تا بخش مربوط به اطفال در انجمن مزبور طفل را تحت مراقبت قرار داده و تسهیلات لازم را از نظر وضع شغلی و تحصیلی و استقرار مجدد وی در اجتماع فراهم سازد. ماده ۲۹ ـ در مورد اطفالی که مدت توقف آنها در قسمت اصلاح و تربیت و یا زندان بیش از شش ماه باشد در آخرین ماه توقف چنانچه مدیر کانون رفتار و وضع روحی و اخلاقی طفل را مناسب تشخیص دهد می‌تواند با اطلاع و پس از تایید قاضی دادگاهی که طفل را به کانون اعزام داشته است موافقت نماید که طفل روزها در خارج نزد کارفرمای مورد اعتماد کار کرده یا در آموزشگاهی که مورد موافقت کانون باشد تحصیل نماید و شبها به کانون مراجعت نماید. تبصره ـ مدیر کانون در این باره با کارفرمای مربوط قراردادی منعقد خواهد نمود و در نحوه کار ،تحصیل و حضور و غیاب اطفال به وسیله مددکاران اجتماعی یا نمایندگانی که از این نظر تعیین می‌شوند نظارت خواهد داشت در صورت نقض مقررات این ماده به وسیله طفل مراتب فورا جهت اتخاذ تصمیم مجدد به دادگاه مربوط اعلام خواهد شد. ماده ۳۰ ـ به اطفالی که در تمام مدت توقف در کانون اصلاح و تربیت حسن رفتار نشان داده و کارآنها در کارگاهها رضایت بخش باشد به تشخیص مدیر کانون پاداش مناسبی پرداخت خواهد شد به علاوه مدیر کانون اختیار دارد در قبال خدماتی که اطفال با رعایت قانون کار از نظر سن ، داوطلبانه در کانون انجام می‌دهند حق‌الزحمه مناسبی پرداخت نماید. هرگونه پرداخت پاداش و حق الزحمه به اطفال در دفتر مخصوصی ثبت و در پرونده آنان منعکس خواهد شد. ماده ۳۱ ـ اطفالی که طبق بند ۴ ماده ۱۸ به زندان کانون اصلاح و تربیت سپرده می‌شوند تا سن ۲۰سال تمام در آنجا نگاهداری خواهند شد سپس برحسب مورد تا پایان مدت تصمیم دادگاه به قسمتی در کانون که به این دسته از نوجوانان اختصاص داده می‌شود منتقل خواهند گردید.

فصل چهارم ــ مقررات مربوط به مشاورین دادگاههای اطفال و مددکاران اجتماعی (ماده ۳۲ تا ۴۰)

ماده ۳۲ ـ حق الزحمه هر یک از مشاورین دادگاه برای هر جلسه حضور از سیصد الی پانصد ریال‌خواهد بود که به تناسب کار از طرف رییس دادگاه اطفال معین می‌شود. ماده ۳۳ ـ چنانچه مشاورین بدون عذر موجه در جلسات دادگاه حاضر نشوند و یا در انجام وظیفه قصور نمایند دادگاه می‌تواند درخواست عزل آنها را از این سمت و تعیین جانشین آنها را بنماید ـ درصورت عزل یا استعفا یا فوت مشاورین ، جانشین آنها به ترتیب و برای مدت مقرر در قانون انتخاب خواهد شد. ماده ۳۴ ـ اشخاص زیر نمی‌توانند به عنوان مشاور انتخاب شوند: ۱ ـ کسانی که مشهور به فساد اخلاق باشند. ۲ ـ متجاهرین به استعمال مسکرات و معتادین به مواد افیونی و مخدره ۳ ـ اشخاصی که دارای سابقه محکومیت به جنحه و جنایت باشند. ۴ ـ کسانی که سن آنها کمتر از ۳۵ سال باشد. ۵ ـ کسانی که مجرد باشند. ماده ۳۵ ـ تحقیقاتی که با توجه به تبصره ذیل ماده ۷ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار درباره سوابق طفل به عمل خواهد آمد ممکن است به وسیله مددکاران اجتماعی کانونهای اصلاح و تربیت یا مددکاران اجتماعی که در دادگاههای اطفال انجام وظیفه می‌نمایند انجام شود. ماده ۳۶ ـ مددکاران اجتماعی قبل از ورود به خدمت موظفند سوگند یاد کنند که در انجام وظایفی که برعهده دارند کمال صداقت و امانت را منظور داشته هنگام تحقیقات و در تهیه و تنظیم پرسشنامه ها هرگز برخلاف حقیقت و راستی چیزی ننویسند و آنچه را که در حین انجام وظیفه از زندگی خصوصی اشخاص مطلع می‌شوند جز در جهت انجام وظیفه ای که برعهده آنها محول شده است تحت هیچ عنوانی در خارج فاش نسازند. ماده ۳۷ ـ حق الزحمه مددکاران اجتماعی در صورتی که مستخدم رسمی یا پیمانی باشند طبق مقررات قانون استخدام کشوری خواهد بود و در صورتی که خدمت مددکاران مستمر نبوده و اتفاقی باشد برحسب مورد و میزان کاری که انجام می‌دهند دستمزد آنها به وسیله رییس دادگاه معین خواهدشد و برای هر مورد بیش از سه هزار ریال نخواهد بود. ماده ۳۸ ـ کارکنان و مسئولین فعلی دارالتادیب ها تا زمانی که از طرف وزارت دادگستری وسایل انتخاب و استخدام مدیران ، مسئولین ، کارمندان دفتری ، مربیان ، معلمان حرفه‌ای و مراقبین انتظامی کانونهای اصلاح و تربیت فراهم نشده تحت تعلیمات وزارت دادگستری وظایف خود را انجام خواهند داد. ماده ۳۹ ـ آیین نامه مصوب ۲۴/۷/۴۵ وزیر دادگستری در خصوص اجرای قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار از تاریخ لازم الاجرا شدن این آیین نامه ملغی است ماده ۴۰ ـ این آیین نامه ده روز پس از درج در روزنامه رسمی قابل اجرا خواهد بود.

آیین‌نامه انجمنهای حمایت زندانیان – مصوب اسفندماه ۱۳۶۰

فصل اول ــ تشکیلات (ماده ۱ تا ۳)

ماده ۱ ـ انجمن حمایت از زندانیان برای اجرای وظایفی که به موجب اساسنامه بر عهده دارد دارای دفتری خواهد بود که تحت نظر مدیر عامل انجمن انجام وظیفه خواهد کرد. ماده ۲ ـ دفتر انجمن دارای چهار قسمت به‌ترتیب زیر خواهد بود: ۱ ـ قسمت اداری ۲ ـ قسمت مالی ۳ ـ قسمت اجتماعی ۴ ـ قسمت اجرایی قسمت اداری کلیه امور اداری را مانند بایگانی ، ثبت نامه های وارده ، ارسال مراسلات ، انجام مکاتبات و سایر امور دفتری دیگر از این قبیل را بر عهده خواهد داشت قسمت مالی عهده‌دار کلیه امور حسابرسی انجمن ، تنظیم دفاتر مالی ، حوالجات ، پرداختها ، دریافتها و ثبت اموال و نگاهداری آنها ، تنظیم ترازنامه و سایر امور مالی خواهد بود. قسمت اجتماعی کلیه امور مدد کاری انجمن را در زندانها ، اقدامات حمایتی و کمکی که درباره زندانیان و خانواده آنان به عمل خواهد آمد ، اشتغال زندانیان بعد از خروج و سایر اقدامات اجتماعی را که از وظایف انجمن ناشی می‌شود بر عهده خواهد داشت قسمت اجرایی انجام کلیه اموری که جنبه اجرایی دارند بر عهده خواهد داشت مانند ایجاد کارگاههای صنعتی و کشاورزی و تاسیسات بهداشتی و آموزشی در زندان ها ، کمک به ایجاد کانونهای اصلاح و تربیت ، مراکز مراقبت بعد از خروج و سایر موسساتی که انجمن طبق اساسنامه می‌تواند نسبت به تشکیل و ایجاد آن اقدام کند. ماده ۳ ـ انجمن برای هر یک از قسمتهای فوق

می‌تواند کارمندان موظف داشته باشد که با توجه به تخصص آنان و نیاز انجمن استخدام و یا از طرف دادگستری به صورت مأمور خدمت در انجمن انجام وظیفه خواهند کرد.

فصل دوم ــ اختیارات و وظایف مدیر عامل ، مسئولین دفتری و متصدیان(ماده ۴ تا ۱۴

ماده ۴ ـ مدیر عامل مسئول اجرای تصمیمات هیات مدیره است ماده ۵ ـ صدور مجوز پرداخت در کلیه هزینه های انجمن و کمکهای نقدی و غیر نقدی به زندانیان و خانواده آنان با دو امضای رییس هیات مدیره و مدیر عامل انجمن خواهد بود. تبصره ـ در صورت غیبت رییس هیات مدیره مجوز پرداختها با مدیر عامل و یک نفر از اعضای هیات مدیره خواهد بود. ماده ۶ ـ اخذ اعانات و یا وجوه و اشیا و اموالی که از طرف افراد خیر یا موسسات عمومی و خصوصی به انجمن اهدا می‌شود به عهده مدیر عامل خواهد بود. مدیر عامل موظف است قبل از دریافت ، هیات مدیره را از چگونگی آن مطلع نماید این وجوه و اعانات بعد از دریافت با ذکر مشخصات باید در دفاتر مربوط درج و منعکس گردد. ماده ۷ ـ در اجرای ماده ۶ اساسنامه انجمن حمایت زندانیان هیات مدیره می‌تواند برای تمرکز وجوهی که از فعالیتهای اختصاصی خود و یا از طریق کمک اشخاص خیر و واقفین حاصل می‌شود حساب جاری مخصوصی نزد یکی از بانکها با امضای ریاست هیات مدیره و مدیر عامل مفتوح و وجوه مذکور را طبق نظریه هیات مدیره در موارد لازم و مخصوص هزینه نمایند. ماده ۸ ـ خرید هرگونه مواد اولیه برای موسساتی که از سرمایه انجمن ایجاد می‌شود و فروش مصنوعات و محصولات حاصله از آن و نظارت بر اداره این گونه موسسات از وظایف مدیر عامل‌خواهد بود. ماده ۹ ـ انجام کلیه وظایفی که برای مدیر عامل انجمن پیش بینی شده است در صورت غیبت مدیرعامل برعهده قائم مقام وی خواهد بود. ماده ۱۰ ـ انجمن می‌تواند برای تصدی هر یک از قسمتهای اداری ، مالی ، اجتماعی و اجرایی یک‌نفر مسئول داشته باشد. ماده ۱۱ ـ مدد کاران اجتماعی در قسمت اجتماعی انجام وظیفه خواهند کرد. امور مدد کاری به وسیله مددکاران اجتماعی یا کارمندانی که به این منظور از طرف انجمن معین می‌شود انجام خواهدشد. ماده ۱۲ ـ مددکاران اجتماعی موظف هستند که برای خانواده هر زندانی که تحت پوشش حمایتی انجمن قرار می‌گیرد و حمایت وی به آنان ارجاع می‌شود پرونده جداگانه تشکیل دهند پرونده مددکاری برای خانواده هر زندانی باید شامل خلاصه گزارشی باشد از وضع و مشخصات زندانی ، تعداد عائله تحت تکفل وی ، شرح و نتیجه بازدید منزل و اقداماتی که در جهت کمک و ارشاد زندانی وخانواده وی به‌عمل آمده است به علاوه اقدامات و کمکهایی که متدرجا انجام می‌شود باید با ذکر موضوع و تاریخ در پرونده مددجو درج گردد. ماده ۱۳ ـ زندانیانی که پس از ترخیص از نظر اشتغال و استقرار اجتماعی تحت پوشش حمایتی انجمن قرار می‌گیرند باید سرپرستی هر یک از آنان به یک نفر مدد کار اجتماعی یا داوطلب عضو انجمن سپرده شود ، مددکاران و داوطلبان موظفند نتیجه اقداماتی را که در این باره به عمل خواهند آورد در آخر هر ماه به مدیر عامل گزارش نمایند. ماده ۱۴ ـ مددکاران اجتماعی در اجرای وظایفی که به موجب اساسنامه از طرف انجمن به آنان محول می‌شود می‌توانند با زندانیانی که تحت پوشش حمایتی انجمن قرار دارند ملاقات نمایند و ازنظر هماهنگی با مددکاری اجتماعی زندانها در جلسات مشورتی که به دعوت قسمت اجتماعی انجمن و با حضور مدد کاران اجتماعی زندان تشکیل می‌شود شرکت نمایند.

موارد متفرقه (ماده ۱۵ تا ۱۹)

ماده ۱۵ ـ انجمن می‌تواند با تصویب هیات مدیره عضویت انجمنهای بین‌المللی را بپذیرد و حق عضویت بپردازد. ماده ۱۶ ـ انجمن حمایت زندانیان مرکز می‌تواند در مواقع لزوم به انجمنهای شهرستانها کمک کند. ماده ۱۷ ـ انجمن می‌تواند نسبت به ایجاد

کارگاهها و موسساتی که در اساسنامه پیش بینی شده‌است اقدام کند و به موسسات و بنگاه هایی که به منظور کمک به اشتغال زندانیان تشکیل می‌شود مساعدت نماید. ماده ۱۸ ـ اعضای انتخابی هیات مدیره و اعضایی که به سبب سمت در هیات مدیره حضور دارند مکلفند در تمامی جلسات که با دعوت قبلی اعلام می‌شود حضور پیدا نمایند. عدم حضور در سه جلسه متوالی بدون اطلاع قبلی و عذر موجه موجب اعلام اعتذار عضو به مقام انتخاب کننده خواهد بود. ماده ۱۹ ـ این آیین نامه به استناد اختیار حاصل از قانون واگذاری اداره زندانها و اصلاحیه آن در ۱۹ماده و یک تبصره در تاریخ ۱۱ اسفند ماه ۱۳۶۰ در دویست و هجدهمین اجلاس شورای عالی قضایی به تصویب رسید و طبق مقررات ماده ۲ قانون مدنی قابل اجرا می‌باشد و آیین نامه انجمن حمایت زندانیان مصوب ۲۷۹۶ ـ ۲۲/۲/۱۳۳۶ هیات وزیران ملغی است

آیین‌نامه کمیسیون عفو و بخشودگی – مصوب آذرماه ۱۳۷۳

فصل اول ـ تشکیلات و روش کار (ماده ۱ تا ۷)

ماده ۱ ـ کمیسیون عفو و بخشودگی از پنج نفر اشخاص آشنا به احکام شرع انور و قانون وتشکیلات قوه قضاییه تشکیل می گردد که توسط رییس محترم قوه قضاییه به محضر مقام معظم رهبری مد ظله العالی پیشنهاد شده و پس از تایید معظم له از سوی رییس محترم قوه قضاییه برای سه سال انتخاب می‌شوند. تبصره ۱ ـ اعضا از بین خود یک نفر را به عنوان رییس و یک نفر را به عنوان دبیر انتخاب می‌نمایند. تبصره ۲ ـ جلسات کمیسیون با حضور حداقل سه نفر از اعضا رسمیت خواهد یافت و اتخاذ تصمیم با اکثریت اعضا حاضر در جلسه خواهد بود. ماده ۲ ـ کمیسیون عفو و بخشودگی در حد نیاز و تشخیص در مراکز استانها و شهرستانها هیاتی مرکب از رییس دادگستری ، قاضی تحقیق زندان و رییس زندان را برای بررسی وضعیت متقاضیان عفو و اعلام نظر به کمیسیون تشکیل خواهد داد ریاست هیات با رییس دادگستری خواهد بود. تقاضاهای رسیده به کمیسیون عفو از ناحیه محکومین و خانواده آنان جهت بررسی و اعلام نظر به‌کمیسیون عفو ، به روسای هیاتهای مذکور در این ماده ارسال خواهد شد. ماده ۳ ـ هیاتهای مذکور پس از انجام تحقیقات لازم و اخذ نظریه اداره اطلاعات در رابطه با گروهکها و محکومین امنیتی و نظریه ستاد مواد مخدر در رابطه با محکومین مواد مخدر ، نظرسازمان قضایی نیروهای مسلح در رابطه با محکومین نظامی ، گزارش کاملی از وضعیت محکومین استان را به طور مستدل و مستند همراه با جمع بندی و پیشنهاد به کمیسیون عفو و بخشودگی ارسال‌می‌نمایند. ماده ۴ ـ کمیسیون عفو به طور مرتب تشکیل جلسه داده و پیشنهادات واصله از هیاتها را بررسی ودر صورت تصویب فهرست اسامی این قبیل محکومین توسط رییس کمیسیون عفو تقدیم ریاست محترم قوه قضاییه خواهد شد. ماده ۵ ـ ریاست قوه قضاییه در صورت تایید مصوبات کمیسیون عفو فهرست اسامی مورد تصویب کمیسیون را حداقل پانزده روز قبل از یکی از مناسبت های مقرره به محضر مقام معظم رهبری پیشنهاد و نتیجه را جهت اجرا به ریاست کمیسیون عفو اعلام می‌نمایند. ماده ۶ ـ ریاست کمیسیون عفو بلافاصله پس از دریافت فرمان عفو فهرست اسامی عفو شدگان را به اداره عفو و بخشودگی جهت ابلاغ به دادسراهای مجری حکم ارسال می‌دارد. ماده ۷ ـ کمیسیون عفو در اجرای منویات مقام معظم رهبری و رسیدگی دقیق و تامین مصالح فردیو اجتماعی محکومین و جلوگیری از سو استفاده های احتمالی و اینکه اعمال عفو ، اجرای کیفر را بی هدف جلوه ندهد و درک واقعی و عمیق مسایل مبتلی به محکومین و خانواده آنان و اطلاع از موقعیت های اجتماعی و سیاسی و بافت مناطق و احراز ضرورت یا عدم ضرورت اعمال عفو د رنقاط مختلف کشور ، موظف است در موارد لازم به شهرستانها و استانها عزیمت و با همکاری هیاتهای مذکور در ماده ۲ وضعیت محکومین را بررسی و اعلام نظر نماید. تبصره ـ هزینه های کمیسیون و فوق العاده اعضا و کارکنان و هیات ها و تهیه امکانات از قبیل اتومبیل و... از محل بودجه خارج از شمول محاسبات عمومی که ریاست محترم قوه قضاییه دراختیار ریاست

كميسيون عفو قرار خواهند داد تامين خواهد شد ، ترتيب و نحوه پرداخت طبق دستور العملى خواهد بود كه به تصويب رياست محترم قوه قضاييه مى‌رسد.

فصل دوم ـ مناسبتهاى عفو و بخشودگى (ماده ۸

ماده ۸ ـ مناسبتهاى عفو و بخشودگى به شرح زير مى‌باشد: ۱ ـ مبعث حضرت رسول اكرم (ص ۲۷ رجب ۲ ـ ولادت حضرت رسول اكرم (ص ۱۷ ربيع‌الاول ۳ ـ ولادت حضرت اميرالمومنين (ع ۱۳ رجب ۴ ـ ولادت حضرت امام حسين (ع ۳ شعبان ۵ ـ ولادت حضرت قايم (عج ۱۵ شعبان ۶ ـ عيد سعيد فطر اول شوال ۷ ـ عيد سعيد قربان ۱۰ ذيالحجه ۸ ـ عيد سعيد غدير ۱۸ ذيالحجه ۹ ـ سالروز پيروزى شكوهمند انقلاب اسلامى ۲۲ بهمن ۱۰ ـ سالروز جمهورى اسلامى ۱۲ فروردين ۱۱ ـ عيد نوروز اول فروردين تبصره ـ در صورت لزوم رياست قوه قضاييه با كسب نظر از مقام معظم رهبرى مى‌تواند دستور تشكيل كميسيون را به مناسبتهاى ديگر به رييس كميسيون بدهد.

فصل سوم ـ شرايط و سياستهاى عفو و تخفيف در مجازاتها (ماده ۹ تا ۱۵)

ماده ۹ ـ در پيشنهادات عفو و تخفيف مجازاتها ، رعايت شرايط و نكات زير براى كميسيون عفو و بخشودگى لازم الاتباع مى‌باشد: ۱ ـ اصلاح مجرم و توجه به شخصيت محكوم و خانواده وى ۲ ـ توجه به ضرورتها و مصالح اجتماعى ، سياسى ، جغرافيايى ۳ ـ مستثنى نمودن حق الناس از شمول عفو ، خصوصا قتل‌هاى عمد. ۴ ـ شمول عفو نسبت به محكومينى كه به علت عجز از پرداخت جزاى نقدى در زندان به سر مى‌برندخصوصا براى محكومينى كه تا سقف يك ميليون ريال جزاى نقدى محكوم شده و به لحاظ ناتوانى از پرداخت آن زندانى هستند. ۵ ـ توجه به سوابق اجتماعى محكوم و لحاظ نمودن سوابق كيفرى وى از جهت تكرار جرم و همچنين تعدد جرم ۶ ـ اخذ نظر صريح مسوولين و مراجع ذى ربط در خصوص محكومين از قبيل وزارت اطلاعات ، سازمان قضايى و... ۷ ـ مستثنا نمودن جرايم خاص از قبيل جاسوسى ، ارتشا ، زناى به عنف ، آدم ربايى ، سرقت مسلحانه از شمول عفو و بخشودگى ۸ ـ تنافى نداشتن عفو اعطايى با امر قضا يا كيفيتى كه احكام صادره بى مفهوم و بى معنا جلوه ننمايد. ۹ ـ سرى بودن تمام مراحل عفو. ۱۰ ـ توجه به رهنمود ها و تدابير و منويات رهبر معظم انقلاب اسلامى در مقاطع اعطاى عفو. فصل چهارم ـ موارد شمول عفو و تخفيف ماده ۱۰ ـ تقاضا و پيشنهاد عفو و تخفيف براى محكوميت هاى ذيل پذيرفته مى‌شود: ۱ ـ كليه محكوميتهاى اعدام (به استثنا قصاص نفس) حبس و جزاى نقدى و شلاق كه از ناحيه مراجع قضايى (دادگاه هاى عمومى ، انقلاب ، نظامى ، ويژه روحانيت) و قانونى صادر شده است ۲ ـ كليه محكوميت هاى محروميت از حقوق اجتماعى و يا اقامت و يا ممنوعيت از اقامت در محل‌معين ۳ ـ كليه محكوميتهاى تكميلى و تبعى صادره از مراجع قضايى و قانونى ۴ ـ كليه محكوميتهاى اضافى خدمت سربازى و يا تنزيل درجه پرسنل نيروهاى مسلح تبصره ۱ ـ در مورد احكام اعدام (به استثناى قصاص نفس چنانچه پس از صدور حكم قطعى محكوم به اعدام و يا خانواده وى درخواست عفو نمايد حسب مورد رييس هيات يا دادستان موظف به ارسال تقاضاى محكوم عليه و پرونده مربوط با اظهارنظر صريح به رياست كميسيون عفو مى‌باشند ، كميسيون عفو فورا در وقت فوق العاده و حداكثر تا دو ماه از تاريخ دريافت تقاضا درخصوص مورد رسيدگى نموده و اعلام نظر مى‌نمايد ، اجراى حكم تا اعلام نتيجه به وسيله رييس كميسيون عفو به تاخير خواهد افتاد. تبصره ۲ ـ در صورت موافقت با عفو محكوم به اعدام كميسيون حق ندارد بيش از دو درجه تخفيف براى وى منظور و مجازات را كمتر از پانزده سال حبس تعيين نمايد مگر بنا به فرمان مقام معظم رهبرى تبصره ۳ ـ براى محكومانى كه تقاضاى عفو آنان از طرف كميسيون عفو رد شده است ، پيشنهاد مجدد عفو در صورتى بلامانع است كه علت رد

منتفی شده باشد. ماده ۱۱ ـ اداره عفو و بخشودگی موظف است که پیشنهادات و تقاضاها را به ترتیب تاریخ وصول ، ثبت و به کمیسیون ارسال دارد. تبصره ـ ریاست کمیسیون می‌توانند در صورت تشخیص ضرورت پرونده‌هایی را خارج از نوبت در کمیسیون مطرح نمایند. ماده ۱۲ ـ در خصوص دستورات ریاست کمیسیون جهت تکمیل تقاضا و پیشنهادات یا هرگونه اطلاعاتی که برای اتخاذ تصمیم کمیسیون ضرورت دارد کلیه مراجع قانونی موظف به ارسال پاسخ به کمیسیون عفو می‌باشد. ماده ۱۳ ـ در پیشنهاد عفو یا تخفیف مجازات ، امور زیر درج می‌شود: ۱ ـ مشخصات محکوم علیه شامل نام و نام خانوادگی ، شهرت ، نام پدر ، سن ، تاهل ، سواد ، اولاد وتابعیت ۲ ـ تاریخ شروع به اجرای مجازات و مدتی که محکوم علیه قبل از شروع به اجرا در زندان بوده است ۳ ـ تعداد عایله محکوم علیه و وضع معیشت آنها. ۴ ـ میزان تاثیر مجازات در روحیه محکوم‌علیه ۵ ـ رونوشت کیفر خواست ، دادنامه قطعی مورد اجرا ، سوابق کیفری ۶ ـ مدارك لازم مبنی بر رضایت شاکی و یا مدعی خصوصی ۷ ـ موجبات پیشنهاد عفو به شرح ماده ۱۰. ماده ۱۴ ـ مقررات این آیین نامه نافی اختیارات قانونی ریاست قوه قضاییه نخواهد بود. ماده ۱۵ ـ این آیین نامه در ۱۵ ماده و ۸ تبصره در تاریخ ۱۹/۹/۱۳۷۳ توسط ریاست قوه قضاییه به محضر مقام معظم رهبری پیشنهاد و مورد تصویب معظم‌له قرار گرفت

قانون تبدیل شورای سرپرستی زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور به (سازمان زندانها و اقدامات تام

ماده ۱ ـ از تاریخ تصویب این قانون شورای سرپرستی زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور به سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور که در این قانون سازمان نامیده می‌شود ، تبدیل می گردد. این سازمان زیر نظر شورای عالی قضایی انجام وظیفه خواهد کرد. ماده ۲ ـ وظایف سازمان به شرح زیر است الف ـ اداره کلیه امور مربوط به زندانها ، بازداشتگاهها و مراکز اقدامات تامینی و تربیتی کشور و موسسات صنعتی و کشاورزی و خدماتی وابسته به آنها. ب ـ ایجاد امکانات و تسهیلات لازم در زمینه اصلاح و ارشاد و آموزش زندانیان و اشتغال و حرفه آموزی آنها. ج ـ کمك به رفع مشکلات مادی و معنوی خانواده زندانیان د ـ جذب کمکهای مردمی و موسسات خیریه ه ـ برنامه ریزی جهت اشتغال زندانیان داوطلب کار با استفاده از امکانات سازمان و نیز سرمایه های دولتی ، بانك ها ، تعاونی ها ، بخش خصوصی و تلاش در جهت خودکفایی زندان ها. و ـ تهیه آمار و اطلاعات لازم به منظور استفاده در مطالعات مربوط به جرم شناسی و ارایه آن به‌شورای عالی قضایی و کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی ز ـ تهیه فهرست اسامی زندانیان محکوم واجد شرایط عفو یا تخفیف مجازات و ارایه آن به دیوان عالی کشور و همچنین پیشنهاد آزادی مشروط به مقامات قضایی مربوط ح ـ برنامه‌ریزی برای مراقبت بعد از خروج با همکاری دستگاههای ذی ربط ماده ۳ ـ رییس سازمان به پیشنهاد دادستان کل کشور و با تصویب شورای عالی قضایی برای دوسال منصوب می‌شود و نصب مجدد وی بلامانع است عزل رییس سازمان با شورای عالی قضایی خواهد بود. ماده ۴ ـ بودجه سازمان در ردیف مستقل همه ساله در بودجه کل کشور منظور خواهد شد. ماده ۵ ـ کلیه دارایی ها و اموال منقول و غیرمنقول که تا تاریخ تصویب این قانون مربوط به اداره زندانها و امور زندانیان است از قبیل انبارها ، ساختمانها ، وسایل نقلیه ، ملزومات و تجهیزات و بیمارستان ها و درمانگاه ها از طرف دادستانی کل کشور ، شهربانی جمهوری اسلامی ایران ، کمیته انقلاب اسلامی ، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران و وزارت اطلاعات همراه با اعتبارات مربوط در بودجه کل کشور به این سازمان منتقل می‌شود. رییس سازمان و رییس دستگاه مربوط حسب مورد ظرف سه ماه تحویل و تحولهای مربوط به این‌ماده را انجام خواهند داد و در موارد اختلاف ، نظر دادستان کل کشور قطعی خواهد بود. تبصره ـ تا زمانی که نقل و انتقال و تفکیك اماکن مربوط به زندانها صورت نگرفته است دستگاههای مذکور در این ماده موظفند امور زندانها را کماکان با همکاری و نظارت سازمان اداره نمایند. ماده ۶ ـ انتظامات و حفاظت زندانها و بازداشتگاه ها با سازمان است سازمان موظف است نیروهای مورد نیاز خود را از بین نیروهای نظامی و انتظامی موجود باهماهنگی مسئولین مربوط گزینش نماید. نیروهای مذکور پس از گزینش با اعتبارات مربوط به‌سازمان منتقل

می‌شونـد. تبصـره ـ نیروهای نظامی و انتظامی اداری و خـدماتی کنونی که در زنـدانها اسـتقرار دارنـد تا زمانی که مورد نیاز سازمان باشـند به عنوان مأمور به خـدمت در اختیار سازمان باقی خواهند ماند. ماده ۷ ـ تشـکیلات سازمان توسط وزیر دادگستری و سازمان امور اداری و استخدامی کشور و رییس سازمان تهیه و به تصویب شورای عالی قضایی خواهد رسید. ماده ۸ ـ کلیه اختیارات شورای سرپرستی زنـدانها و اقـدامات تـامینی و تربیـتی کشور مصـرح در لا‌یحه قـانونی واگـذاری اداره امور زنـدانها به وزارت دادگستری مصوب ۱۳/۶/۵۸ شورای انقلاب اسـلامی و لایحه قانونی الحاقی به آن مصوب ۲۳/۲/۵۹ شورای انقلاب به سازمان واگذار می‌شود. ماده ۹ ـ آیین نـامه اجرایی این قـانون توسـط وزیر دادگستری و رییس سازمان تهیه و به تصویب شورای عالی قضایی می‌رسـد. ماده ۱۰ ـ از تاریخ اجرای این قانون ، کلیه قوانین و مقررات و آیین نامه های مغایر با آن لغو می گردد.

آیین نامه سجل قضایی – مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۲۱ هیات وزیران (مواد ۱ تا ۳۰)

ماده ۱ ـ در مرکز هر شهرسـتان تحت نظر دادسـتان دفتر سجل قضایی تشکیل میشود در این دفتر باید مستخرجه امور مذکور در ماده (۴) راجع به کسانی که شناسنامه آنها در آن شهرستان صادر شده جمع آوری و حفظ گردد. ماده ۲ ـ مستخرجه احکام و تصمیمات مربوط به اشـخاص زیر در اداره فنی وزارت دادگستری نگاهـداری میشود: الف ـ اشخاصـی که شناسـنامه آنهـا در کشورهـای دیگر صادر شـده ب ـ اتباع ایران که شناسـنامه آنها در کشورهای بیگانه صادر شـده است ج ـ اشخاصـی که صـدور شناسـنامه آنها معلوم نیست د ـ اتباع کشورهای بیگانه ساکن ایران ه ـ اشخاصـی که تابعیت معینی ندارنـد و در خارجه متولـد شده‌اند هر چند بعدا تابعیت ایران تحصـیل کرده باشـند. تبصره ـ احکام مقامات قضایی کشورهای بیگانه راجع به محکومیت اتباع ایران یا محکومیت کسانی که قبلا تابعیت ایران را داشته‌اند و یا بیگانگان و یا کسانی که تابعیت معینی ندارند و در خاک ایران مقیمند در صورتی در برگ سجل قضـایی قیـد میشود که موضوع محکومیت به موجب قـانون ایران نیز بزه شـناخته شـده باشـد. ماده ۳ ـ اداره فنی وزارت دادگسـتری نسبت به کلیه دفـاتر سـجل قضـایی نظارت تام داشـته و همیشه بایـد مراقب حسن جریان آنها باشـد. ماده ۴ ـ در سـجل قضـایی باید مسـخرجه امور زیر به طور خلاصه قید شود: الف ـ در امور کیفری. احکام قطعی قابل اجرا محکومیت به کیفرهای جنحه و جنایت و تاریخ شـروع کیفر و ختم آن و احکـامی که در نتیجه اعـاده دادرسـی احکـام محکومیت را الغـا نموده است تصـمیم راجع به اعـاده حیثیت و عفو عمومی یا بخشودگی و تخفیف و تبـدیل کیفر. ب ـ در امور مـدنی. احکام قطعی راجع به اعلام حجر یا الغای آن ج ـ در امور بازرگـانی. احکـامی که به موجب آن تـاجر ورشکسـته اعلاـم شـده و احکـام مربوط به قرارداد ارفـاقی و احکامی که حکم ورشکسـتگی را گسـیخته و یا به ورشکسته اعاده حیثیت میدهد. د ـ در امور اداری ۱ ـ تصمیمات قطعی اداری راجع به اخراج بیگانه از کشور و الغای آن ۲ ـ سلب تابعیت ایرانی از بیگانگانی که تابعیت ایران را تحصیل کرده‌اند. ۳ ـ محکومین قطعی به انفصال ابد از خـدمات دولتی در دادگاه عالی انتظامی و دادگاههای اداری. ماده ۵ ـ برگ سـجل قضایی پس از انقضای نود سال از تاریخ ولادت شخصـی که سـجل قضایی به نام او صادر شده یا پس از اطلاع رسمی از مرگ او از بین برده میشود. ماده ۶ ـ راجع به محکومیتهای به دو ماده حبس تادیبی یا کمتر خواه متضـمن کیفر نقـدی باشـد یا نه و نیز محکومیت های به کیفر نقدی که جز جنحه‌های مذکور در ماده ۱۹ قانون کیفر عمومی نمیباشـد برگ سـجل کیفری تنظیم نمیشود. تبصـره ـ موقعی که غرامت نقدی به حبس تبدیل میشود غیر از مواردی که در مـاده ۱۹ اصـلاحی قانون کیفر عمومی پیش بینی شـده برگ سـجل قضایی تنظیم نمیشود هر چند مدت حبس بیش از دو مـاه باشـد. ماده ۷ ـ برای اطفـالی که طبـق مواد ۳۵ و ۳۶ قـانون کیفر عمومی محکوم میشونـد برگ سـجل کیفری تنظیم نخواهد شد. ماده ۸ ـ در مورد محکومینی که مورد عفو عمومی واقع میشوند سـجل کیفری تنظیم نخواهد شد و در مورد محکومینی که طبق ماده ۵۵ قانون کیفر عمومی مورد عفو واقع میگردند طبق مواد ۵۶، ۵۷و ۵۸ کیفر عمومی رفتار خواهد شد. ماده ۹ ـ هر کس میتوانـد از برگ سـجل قضایی مربوط به خود بـدون ذکر دلیل رونوشت بخواهد. ماده ۱۰ ـ برگهای سـجل قضایی بر سه قسم اسـت

برگ شماره (۱) و برگ شماره (۲) و برگ شماره ۳) ماده ۱۱ ـ در برگ شماره (۱) باید مستخرجه احکام و تصمیمات مذکور در ماده ۴ در ظرف مدت پانزده روز از تاریخ قطعیت حکم و تصمیم قید شود. این مستخرجه شامل نکات زیر خواهد بود: الف ـ نام و نام خانوادگی محکوم و همچنین نام و نام خانوادگی پدر و مادر محکوم در صورتی که محکوم زن باشد نام خانوادگی زمان دوشیزگی و عکس محکوم در حدود امکان ب ـ شماره شناسنامه و تاریخ و محل صدور آن ج ـ تاریخ و محل تولد. خ ـ محل اقامت دایمی یا موقتی. د ـ تاهل وعده اولاد. ر ـ کار. ز ـ تابعیت ص ـ علامات مشخصه محکوم ض ـ موضوع حکم یا تصمیم ط ـ تاریخ عملی که منجر به صدور حکم یا تصمیم شده با قید روز و ماه و سال ظ ـ شماره و تاریخ حکم یا تصمیم ع ـ دادگاه یا مقام صادرکننده حکم یا تصمیم غ ـ تصریح به قطعیت حکم یا تصمیم ف ـ مواد قانونی که مستند حکم یا تصمیم واقع شده است ق ـ مدت حبس و میزان جزای نقدی و محرومیت از کلیه یا بعضی از حقوق اجتماعی. در صورت تعلیق کیفر این نکته باید قید گردد. ك ـ ذکر احتساب یا عدم احتساب مدت بازداشت در حکم محکومیت ل ـ تاریخ شروع و ختم اجرای کیفر. ماده ۱۲ ـ مدیر دفتر دادسرای استان در امور جنایی و مدیر دفتر دیوان عالی کشور در امور مربوط به محاکمه وزرا و مدیر دفتر دادسرای شهرستان در امور جنحه و مدنی و مدیر دفتر دادگاه صادر کننده حکم در امور بازرگانی و مقام صلاحیتدار در امور اداری از برگ شماره (۱) سه نسخه تهیه نموده نزد دادستان شهرستان مربوط میفرستد دادستان نیز پس از دقت و بازرسی کامل آنها را امضا نموده یک نسخه به اداره فنی و یک نسخه به دفتر دادسرای شهرستان محل صدور شناسنامه میفرستد و نسخه‌سوم در دفتر سجل قضایی دادسرا بایگانی میشود. ماده ۱۳ ـ هرگاه معلوم شود که شناسنامه از محلی که معرفی شده صادر نگردیده برگ سجل قضایی نزد دادستان شهرستان ارسال کننده اعاده میگردد تا نسبت به محل صدور شناسنامه محکوم تحقیق و بازجویی بیشتری به عمل آید و اگر تحقیقات به نتیجه نرسید برگ نامبرده باید به اداره فنی برای بایگانی فرستاده شود. ماده ۱۴ ـ متصدی دفتر سجل قضایی محل صدور شناسنامه محکوم یا اداره فنی در مواردی که محل صدور شناسنامه معلوم نگردیده موظف هستند در صورتی که محکوم دارای پیشینه محکومیت تعلیقی است و مدت قانونی منقضی نگردیده خلاصه آن را برای اطلاع دادستان شهرستان محل صدور حکم بفرستند تا حکم تعلیقی نیز اجرا گردد. ماده ۱۵ ـ برگهای سجل قضایی باید با رعایت نام محکوم به ترتیب الفبا تنظیم گردد. برای اتباع کشورهای بیگانه برگ سجل کیفری قضایی جداگانه و به ترتیب الفبا تنظیم میشود. ماده ۱۶ ـ کلیه برگ های سجل قضایی باید به ترتیب تاریخ در پرونده نگاهداری گردد. ماده ۱۷ ـ نسبت به اتباع کشورهای بیگانه درصورت وجود قرارداد تعاون قضایی دایره سجل قضایی اداره فنی باید رونوشتی از برگ شماره (۲) را تهیه نموده به وسایل مقتضی به کشور متبوع شخص محکوم ارسال دارد. ماده ۱۸ ـ برگ شماره (۲) عبارت از برگی است که شامل کلیه مندرجات برگ شماره (۱) باشد. ماده ۱۹ ـ برگ شماره (۲) به مقامات زیر درصورت تقاضای آنان داده میشود. ۱ ـ دادگاه ها و دادسراها و ادارات تصفیه ۲ ـ شهربانی ها. ۳ ـ نیروهای زمینی و دریایی و هوایی موقع احضار طبقات یا استخدام افراد. ۴ ـ بنگاه های عام المنفعه ۵ ـ مراجع صلاحیت‌دار برای رسیدگی به شکایات مربوط به انتخابات ۶ ـ ادارات دولتی در موقع تقاضای استخدام اشخاص و تعقیب انتظامی کارمندان و قبول تقاضای مزایده و مناقصه و اجازه باز کردن مدارس غیردولتی و اعطای نشان و مدال ماده ۲۰ ـ درخواست برگ شماره (۲) باید حاوی نکات زیر باشد: ۱ ـ نام و نام خانوادگی شخص مورد درخواست ۲ ـ تاریخ تولد و محل صدور شناسنامه و شماره آن ماده ۲۱ ـ برگ شماره (۳) عین برگ شماره (۲) است سوای نکات زیر که در آن قید نمیشوند: ۱ ـ محکومیت هایی که درنتیجه عفو یا اعاده حیثیت زائل شده ۲ ـ محکومیتهای تعلیقی در صورتی که محکوم در ظرف پنج سال از تاریخ قطعیت حکم محکومیت جدیدی به جنحه که موجب حبس باشد یا جنایت پیدا نکرده باشد. ۳ ـ ورشکستگانی که به موجب حکم دادگاه بی تقصیر اعلام شده یا قرارداد ارفاقی او را دادگاه تصدیق کرده باشد. ۴ ـ محکومیتی که درنتیجه اعاده دادرسی الغا شده ۵ ـ محکومیت به بزه هایی که به علت قانونی ساقط شده باشد. ماده ۲۲ ـ برگ سجل قضایی شماره (۳) فقط به شخص محکوم داده میشود. ماده ۲۳ ـ برگ شماره

(۱) کاغذ سفید و برگ شماره (۲) کاغذ زرد و برگ شماره (۳) کاغذ آبی خواهدبود. ماده ۲۴ ـ درخواست کننده در تهران به اداره فنی و در شهرستانها به دادسرای شهرستان محل صدور شناسنامه رجوع نموده و باید منتهی در ظرف (۳) روز برگ مذکور در ماده ۲۲ به او داده شود. تبصره ـ در مواردی که محل صدور شناسنامه درخواست کننده معلوم نیست باید منحصرا به اداره‌فنی مراجعه شود. ماده ۲۵ ـ کسانی که گواهی نداشتن پیشینه بد درخواست مینمایند میتوانند منحصرا از اداره فنیوزارت دادگستری یا دادسرای شهرستان محل صدور شناسنامه خود تصدیق عدم محکومیت بخواهند این تصدیق باید در اسرع اوقات به درخواست کننده داده شود. تصدیق مزبور از تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۱۸ در استان یک و دو و از تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۲۰ در سایر استانها که آیین نامه سجل قضایی قابل اجرا بوده داده میشود و تصدیقات قبل از تاریخهای مزبور را دادسرای مربوطه خواهد داد. ماده ۲۶ ـ هرگاه اشتباهی در تنظیم برگ سجل کیفری رخ دهد دادسرای تنظیم‌کننده برگ یا دادسرایمحل صدور شناسنامه باید به اداره فنی اطلاع دهد تا دایره سجل قضایی آن اداره اقدام به اصلاح آن نماید پس از اصلاح برگ اشتباه شده اداره فنی به دادسرای تنظیم کننده برگ و دادسرای محل صدور شناسنامه دستور اصلاح برگهای بایگانی شده در آنجا را خواهد داد. ماده ۲۷ ـ دادستان ارتش در تهران موظف است نسبت به محکومیتهای جنحه و جنایات دادگاه های ارتش (اعم از نظامی و کشوری و امنیه کلیه استانها و شهرستانها برگ سجل قضایی شماره یک به رنگ سفید مطابق ماده چهار (بند الف و ماده (۱۱) در سه نسخه تنظیم نموده یک نسخه را بایگانی و دو نسخه دیگر را مستقیما به اداره فنی وزارت دادگستری ارسال دارد و اداره فنی نیز یک نسخه آن را نگهداشته نسخه دیگر را به دادسرای محل صدور شناسنامه محکوم میفرستد و اگر محل صدور شناسنامه معلوم نباشد آن را نیز در اداره فنی نگاهداری خواهد نمود. ماده ۲۸ ـ کسانی که پیشینه خدمت در ارتش داشته و درخواست نداشتن پیشینه بد بنمایند میتوانند از اداره فنی وزارت دادگستری یا دادسرای شهرستان محل صدور شناسنامه خود تصدیق عدم محکومیت بخواهند و این تصدیق باید به اسرع اوقات به درخواست‌کننده داده شود و در صورتی که محل صدور شناسنامه درخواست کننده معلوم نباشد باید به اداره فنی مراجعه شود تصدیق مزبور از تاریخ اجرای این آیین نامه داده میشود و قبل از تاریخ مزبور تصدیق عدم محکومیت باید به وسیله دادرسی ارتش داده شود. ماده ۲۹ ـ مفاد ماده ۷ در مورد نظامی ها نیز قابل اجرا است ماده ۳۰ ـ آیین نامه مصوب دیماه ۱۳۱۸ ملغی است

اصلاحیه مواد ۲۰۶ و ۲۱۵ آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور مصوب ۲۶/۴/۱۳۸۰

۱ ـ در ماده ۲۰۶ آیین نامه (اصلاحی ۱۱/۴/۱۳۸۱) عبارت (رییس یا قاضی ناظر زندان به عبارت (رییس دادگستری شهرستان یا قاضی ناظر زندان و در صورت تشکیل دادسرا ، دادستان عمومی و انقلاب یا دادیار ناظر زندان و در مورد محکومین سازمان قضایی نیروهای مسلح ، دادستان نظامی) اصلاح می‌شود. ۲ ـ در ماده ۲۱۵ آیین نامه (اصلاحی ۱۱/۴/۱۳۸۱ و ۱۳/۸/۱۳۸۱) به جای عبارت (مگر با تشخیص رییس کل دادگستری استان) عبارت (مگر با موافقت رییس حوزه قضایی و در جایی که دادسرا تشکیل شده ، با دادستان شهرستان مربوط و درمورد محکومین سازمان قضایی نیروهای مسلح ، با دادستان نظامی) به کار برده شود. مدیرکل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه ـ غلامرضا شهری

بخشنامه به مراجع قضائی، انتظامی، اطلاعاتی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ضابطین دادگس

با احترام، تصویر بخشنامه شماره۷۰/۸۴/۱ مورخ ۹/۱/۱۳۸۴ ریاست محترم قوه قضائیه به منظور رعایت مفاد آن جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. مستشار دیوانعالی کشور و مدیرکل دبیرخانه قوه قضائیه ـ خسرو حکیمی بخشنامه به مراجع قضائی، انتظامی، اطلاعاتی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ضابطین دادگستری در اجرای ماده ۱۹ دستورالعمل اجرایی بند

۱۵ ماده واحده « قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی» مصوب ۱۵/۲/۱۳۸۳ مجلس شورای‌اسلامی مبنی بر: « کلیه مراجع قضائی، انتظامی، اطلاعاتی، ضابطان قوه قضائیه سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی و سایر دستگاههای ذیربط مشمول مقررات این دستورالعمل بوده و مکلف به رعایت و همکاری در اجرای آن‌اند.» اقتضاء دارد به نحو مقتضی به واحدهای تابع ابلاغ نمائید با هیأتهای نظارت بر حسن اجرای قانون و بازرسان اعزامی مربوط از مرکز و استان، همکاری لازم به عمل آورند. رئیس قوه قضائیه ـ سیدمحمود هاشمی شاهرودی

آئیننامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور – مصوب ۱۳۸۴

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور احتراماً؛ به پیوست یک نسخه تصویر آئین‌نامه اجرائی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور که در تاریخ ۲۰/۹/۱۳۸۴ به تأیید و تصویب ریاست محترم قوه قضائیه رسیده، جهت درج در روزنامه رسمی ارسال می‌گردد. رئیس حوزه ریاست قوه قضائیه ـ عبدالرضا ایزدپناه آئیننامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور در اجرای ماده ۹ قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور به سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور (مصوب ۶/۱۱/۱۳۶۴) آیین‌نامه اجرایی قانون یاد شده به شرح زیر تصویب می‌گردد: بخش نخست: امور کلی فصل نخست: تعریف‌ها و واژه‌شناسی ماده۱ـ سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور، سازمانی است مستقل که بطور مستقیم زیر نظر رییس قوه قضاییه انجام وظیفه می‌نماید و به اختصار در این آیین‌نامه سازمان نامیده می‌شود. ماده۲ـ همه ساله در موعد مقرر بودجه سازمان در ردیف مستقل پیش‌بینی می‌شود و پس از موافقت رییس قوه قضاییه برای تصویب به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ارسال می‌گردد. ماده۳ـ زندان محلی است که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقام‌های صلاحیت‌دار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به طور دایم به منظور تحمل کیفر، با هدف حرفه‌آموزی، بازپروری و بازسازگاری نگهداری می‌شوند. ماده۴ـ بازداشتگاه، محل نگهداری متهمانی است که با قرار کتبی مقام‌های صلاحیت‌دار قضایی تا اتخاذ تصمیم نهایی به آنجا معرفی می‌شوند. تبصره۱ـ تا هنگامی که بازداشتگاههای موضوع این ماده ایجاد نشده است، در زندان‌ها محل جداگانه‌ی طبقه‌بندی شده‌ای برای نگهداری متهمان تحت قرار در نظر گرفته می‌شود و نگهداری متهمان با محکومان در یک مکان ممنوع است. تبصره۲ـ با اجرای طرح ساماندهی منطقه‌ای زندان‌های کشور، که از سوی سازمان تعیین و ابلاغ می‌شود می‌توان محکومان به حبسهای کوتاه مدت تا ۶ ماه را در بازداشتگاه نگهداری کرد. ماده۵ ـ زندان‌ها به زندان بسته، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال که خود شامل مؤسسه‌های حرفه‌آموزی و کار درمانی (اردوگاه) است، تقسیم می‌شوند. تبصره ـ مؤسسه اعم از زندان، مرکز حرفه‌آموزی و اشتغال، و سایر مؤسسه‌های تخصصی یا مراکزی است که در این آیین‌نامه، نام آنها ذکر شده‌است. ماده۶ ـ زندان بسته، زندانی است محصور که با برجهای دیده‌بانی در پوشش داخلی و خارجی دارای حفاظت کامل باشد. تبصره ـ در این نوع زندان، محکومان شبها در خوابگاههای اختصاصی یا گروهی نگهداری و روزها از برنامه‌های آموزشی و فنی حرفه‌ای، و تفریحی استفاده می‌نمایند و در کارگاههای داخل زندان به کار گمارده می‌شوند. ماده۷ـ مراکز حرفه آموزی و اشتغال مکانی است که می‌تواند محصور و در پوشش خارجی دارای حفاظت مناسب یا نامحصور و بدون حفاظت و مأمور انتظامی و یا در حالتی بینابین باشد که در آن محکومان بطور گروهی بکار اعزام می‌گردند و پس از خاتمه کار دوباره به آسایشگاههای خود بازگشت داده می‌شوند. تبصره ـ سازمان می‌تواند برنامه‌های حرفه آموزی، آموزش و اصلاح را در مورد متهمان نیز اجرا نماید. ماده۸ ـ کلیه محکومان با توجه به نوع و میزان محکومیت، پیشینه کیفری، شخصیت، اخلاق و رفتار بر اساس تصمیم شورای طبقه‌بندی، حسب مورد در زندان‌های بسته یا مراکز حرفه آموزی و اشتغال نگهداری می‌شوند، مگر آنکه مقام قضایی صادر کننده حکم در رای صادره محل خاصی را برای نگهداری محکوم تعیین نموده باشد. تبصره ـ محکومانی که در مراکز حرفه آموزی و اشتغال مرتکب

تخلف گردند با نظر شورای انضباطی به زندان بسته منتقل خواهند شد. ماده۹ـ رییسان مراکز حرفه آموزی و اشتغال باید به شیوه‌های مقتضی طرز اخلاق و رفتار و نظم و ترتیب کار محکومان را کنترل نمایند. تبصره ـ کارکنان مراکز حرفه آموزی و اشتغال موظفند، طرز رفتار و اخلاق و نظم و ترتیب کار محکومان را برابر مقررات سازمان کنترل نموده و تخلف‌های آنان را به سرعت به اطلاع رییس مؤسسه مربوط برسانند. در اینصورت رییس مرکز ظرف مدت بیست و چهار ساعت مراتب را جهت اتخاذ تصمیم به شورای انضباطی منعکس خواهد کرد. ماده۱۰ـ رییسان مراکز حرفه آموزی و اشتغال موظفند پس از ورود محکومان، آنان را با برنامه‌ریزی آموزشی و حرفه آموزی مؤسسه‌ها آشنا نمایند. ماده۱۱ـ محکومانی که در مراکز حرفه آموزی، اشتغال می‌یابند در تمامی ساعت‌های کار و حرفه‌آموزی، حق خروج از محل کار را نداشته و پس از خروج از آسایشگاه باید بطور مستقیم به محل کار رفته و به موقع نیز مراجعت نمایند. زمان ورود و خروج آنان در محل کار به دقت باید ثبت شود. تبصره ـ در هر مورد که محکوم مقررات مربوط را رعایت ننماید و یا صلاحیت حرفه آموزی و کار در محلهای یاد شده را نداشته باشد با نظر رییس مرکز به زندان بسته اعزام گشته تا حسب مورد تصمیم نهایی از سوی شورای طبقه‌بندی و انضباطی مربوط اتخاذ گردیده و مراتب به قاضی ناظر زندان جهت اطلاع اعلام گردد. ماده۱۲ـ مؤسسه کاردرمانی (اردوگاه)، مرکزی است برای نگهداری متهمان و محکومان جرایم مواد مخدر و اعتیاد. ماده۱۳ـ محکومان بنابر تصمیم شورای طبقه‌بندی به منظور اشتغال به کار یا حرفه آموزی به مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی زیر اعزام می‌شوند: ۱ـ مؤسسه‌های درون زندان (این مؤسسه‌ها ممکن است در مالکیت زندان باشد یا به‌سایر سازمانهای دولتی یا مؤسسه‌های خیریه یا تعاونیها یا بخش خصوصی تعلق داشته و زندان مجاز به استفاده از آنان باشد). ۲ـ مؤسسه‌های خارج از سازمان (این مؤسسه‌ها ممکن است در مالکیت سازمان باشد یا به سایر سازمانهای دولتی یا غیردولتی یا عام‌المنفعه یا مؤسسه‌های خیریه یا تعاونیها یا بخش خصوصی تعلق داشته و زندان مجاز به استفاده از آنها باشد). تبصره۱ـ مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی با توجه به وضعیت ساختمان و کیفیت حفاظت آنها به پیشنهاد رییس مؤسسه و تشخیص رییس سازمان می‌توانند بعنوان مراکز حرفه آموزی و اشتغال تلقی گردند. تبصره۲ـ مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی خارج از سازمان باید دست کم واجد محلهای کافی، جهت نمازخانه، کتابخانه، وسایل ارتباط جمعی، خوابگاه، غذاخوری، محلی برای ملاقات محکومان و سایر زمینه‌های تفریحات سالم باشند. ماده۱۴ـ مراکز اقدامات تامینی و تربیتی مؤسسه‌هایی هستند که در آنجا متهمان و محکومان قبل و بعد، یا ضمن اجرای مجازات یا مستقل از آن تا رفع حالتی که آنها را در آینده در مظان ارتکاب جرم قرار می‌دهد، به حکم یا قرار کتبی مراجع قضایی نگهداری می‌شوند. ماده۱۵ـ مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی، خدماتی و نظایر آن مؤسسه‌هایی هستند که تحت نظارت سازمان با امکانات لازم از راه سرمایه‌گذاری دولت یا مشارکت بخش خصوصی و تعاونی به منظور اشتغال و آموزش فنی حرفه‌ای و نیل به خودکفایی با هدف بازپروری محکومان تاسیس می‌شوند. تبصره ـ دستورالعمل ویژه این بخش با نظر حوزه معاونت امور اشتغال، خودکفایی و حرفه آموزی تهیه و پس از تایید رییس سازمان ابلاغ خواهد شد. ماده۱۶ـ اداره‌های مراقبت بعد از خروج مراکزی هستند که حمایت محکومان آزاد شده و واجد شرایط را بر عهده می‌گیرند. ماده۱۷ـ کانون اصلاح و تربیت مرکزی است که اطفال و نوجوانان بزهکار کمتر از ۱۸سال تمام در آنجا برای اصلاح، تربیت و آموزش نگهداری می‌شوند. فصل دوم ـ وظایف سازمان و مسئولان اداره کننده و ناظر زندان، بازداشتگاهها، مراکز حرفه آموزی و اشتغال و سایر مراکز وابسته به سازمان ماده۱۸ـ وظایف سازمان به شرح زیر می‌باشد: الف ـ نگهداری متهمان تحت قرار و محکومان به حبس، بنا بر دستور کتبی مقام‌های قضایی و به موجب مقررات و قوانین مربوط؛ ب ـ اداره‌ی کلیه امور زندان‌ها مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال، بازداشتگاهها و مراکز اقدامات تامینی و تربیتی کشور و مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی و سایر مراکز وابسته؛ ج ـ ایجاد مراکز حرفه آموزی و اشتغال، زندان‌ها، بازداشتگاهها و مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی و سایر مؤسسه‌های لازم برای نگهداری، بازپروری، حرفه‌آموزی و اشتغال به کار متهمان و محکومان؛ د ـ انجام تحقیقات و پژوهشهای نوین کیفر شناسانه به

منظور بهبود شیوه‌ها و خدمات زندانبانی؛ هـ ـ تعیین خط مشی، اداره و نظارت بر اجرای کلیه امور مربوط به زندان‌ها و مؤسسه‌ها و مراکز وابسته به آن؛ و ـ تهیه پیش‌نویس قوانین و مقررات مورد نیاز و پیشنهاد آن به مراجع صلاحیت‌دار؛ ز ـ ایجاد امکانات و تسهیلات لازم و مناسب به منظور تصدی امور بازپروری نظیر اصلاح، ارشاد، آموزش و بازسازگاری محکومان؛ ح ـ انجام خدمات مشاوره‌ای و نیز کمک و مساعدت به منظور حل مشکلات محکومان و خانواده آنان؛ ط ـ جذب هرگونه کمک از قبیل کمکهای مردمی، مؤسسه‌های خیریه برنامه‌ریزی در جهت به‌کارگیری صحیح اینگونه کمکها با هدف بهبود امور زندان‌ها و مساعدت به‌محکومان و یا خانواده آنان؛ ی ـ سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلیه امور مربوط به، اشتغال و حرفه‌آموزی محکومان و خودکفایی مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال، زندان‌ها و مؤسسه‌های وابسته؛ ك ـ تهیه آمار و اطلاعات مورد نیاز از محکومان و متهمان تحت نظارت به‌روش‌های علمی به منظور استفاده در امور اجرایی، سیاستگزاری‌ها و مطالعات کیفرشناسانه و انتشار آنها بصورت سالنامه‌ی آماری کیفری؛ ل ـ تهیه و پیشنهاد اسامی محکومان واجد شرایط آزادی مشروط و ارایه آن به‌قاضیان ناظر زندان؛ م ـ تهیه و پیشنهاد اسامی محکومان واجد شرایط عفو و ارایه آن به هیات عفو. ن ـ برنامه‌ریزی برای مراقبت بعد از خروج محکومان با همکاری دستگاه‌های مربوط؛ ص ـ آموزش کارکنان همسو با موازین کیفرشناسی نوین و سیاست‌های توسعه قضایی قوه قضاییه. ماده۱۹ـ سازمان می‌تواند با ایجاد تشکیلات مناسب نسبت به انجام تحقیقات و مطالعات علمی کیفر شناسانه لازم راساً اقدام نماید. تبصره۱ـ کلیه پژوهش‌های سازمان باید همساز با مبانی نوین کیفرشناسی بوده، نتیجه آن برای سازمان و بهینه سازی اداره امور کاربرد عملی داشته باشد. تبصره۲ـ منظور از کیفرشناسی نوین؛ مطالعه، تحقیق، ارزیابی و بررسی روش‌های علمی اجرایی است که به فایده‌مندی فردی و اجتماعی شیوه‌های اجرای کیفرها، می‌پردازد. ماده۲۰ـ استانداردهای موردنیاز در مورد تشکیلات اعم از تعداد کارمندان، مربیان تربیتی، مأموران انتظامی و مربیان مذهبی و متخصصان در زندان‌ها و مؤسسه‌ها و مراکز وابسته به سازمان به تناسب موقعیت و احتیاجهای محل و آمار شناور محکومان توسط سازمان تعیین و به تصویب سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خواهد رسید. ماده۲۱ ـ در هر مرکز حرفه آموزی و اشتغال، زندان، بازداشتگاه و یا سایر مراکز وابسته به سازمان در صورت ضرورت، واحد آمار و رایانه تشکیل می‌گردد تا کلیه آمار موردنیاز را ثبت نماید. تبصره ـ مسئول واحد یاد شده موظف است اطلاعات جمع‌آوری شده را بنا بر دستورالعمل‌های صادر شده تهیه و به مقام مافوق ارایه نماید. ماده۲۲ـ تاسیس، احداث و اداره کلیه مراکز حرفه آموزی و اشتغال، زندان‌ها، بازداشتگاهها و سایر مؤسسه‌ها و مراکز وابسته به سازمان و نیز تغییر محل آنها بطور انحصاری در اختیار سازمان می‌باشد. مراجع قضایی، اجرایی، اطلاعاتی، نظامی و انتظامی از داشتن زندان و بازداشتگاههای اختصاصی ممنوع می‌باشند. تبصره: بازداشتگاههای انضباطی نیروهای مسلح از شمول این آیین‌نامه خارج است. ماده۲۳ـ انتظامات و حفاظت فیزیکی از مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال، زندان‌ها و بازداشتگاهها و سایر مراکز وابسته بعهده سازمان است که توسط یگان انتظامی و نیروهای انتظامی تحت امر اعمال خواهدشد. تبصره ـ نیروهای یاد شده تحت امر رییس سازمان بوده و وی می‌تواند اختیارات خود را راساً اعمال نموده یا با تفویض به معاون انتظامی سازمان، به مدیران کل استانها و رییسان زندان‌ها واگذار نماید. ماده۲۴ـ وظایف رییسان، زندان‌ها، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال، زندان‌ها، بازداشتگاهها، مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی و سایر مؤسسه‌ها و مراکز وابسته به سازمان عبارت است از: الف ـ اجرای قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌های وضع شده؛ ب ـ اجرای تصمیم‌های شورای طبقه‌بندی با رعایت مقررات مربوط؛ ج ـ محافظت و مراقبت کامل از زندان‌ها مراکز حرفه آموزی و اشتغال محکومان و متهمان بوسیله عوامل در اختیار و پیش‌بینی تمهیدهای لازم برای جلوگیری از فرار آنان و همچنین مراقبت در نحوه رفتار مأموران با محکومان و متهمان؛ د ـ آموزش توجیهی، هدایت و نظارت بر یگان حفاظت زندان و مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال؛ هـ ـ برنامه‌ریزی و اهتمام و اقدام در جهت تهذیب، اصلاح و تربیت محکومان و نیز تأمین بهداشت، تغذیه، تربیت‌بدنی و تفریح‌های سالم آنان در محیط زندان یا مراکز وابسته؛ و ـ اجرای برنامه‌های آموزش حرفه‌ای، فنی، کشاورزی، خدماتی، علمی و مذهبی با همکاری

سازمانهای مربوط؛ ز ـ اعمال نظارت و بازرسی مداوم و کسب اطلاعات لازم از وضعیت عمومی و فردی محکومان و متهمان و رسیدگی مقدماتی به تقاضای آنان و اعلام به مقام‌های مسئول؛ ح ـ همکاری و مساعدت در اجرای برنامه‌های انجمن حمایت از زندانیان، ستاد مردمی رسیدگی به امور دیه، مراکز مراقبت بعد از خروج و مؤسسه‌های صنعتی کشاورزی و خدماتی و سایر مراکز وابسته؛ ط ـ مراقبت در اجرای برنامه روزانه و دو نوبت سرشماری از محکومان و متهمان و گزارش اتفاقها و آمار روزانه به مقام‌های بالاتر برابر دستورالعمل‌های صادر شده؛ ی ـ گزارش نتایج حاصله از اجرای برنامه‌های محوله به مقام‌های بالاتر برابر دستورالعمل‌های صادر شده؛ ک ـ تهیه برنامه و بودجه سالیانه واحد تحت سرپرستی و ارایه آن به مدیر کل استان؛ ل ـ انجام سایر وظایف پیش‌بینی شده در این آیین‌نامه. ماده۲۵ـ رییس زندان یا مراکز وابسته شخصاً و در غیاب وی مسئول مربوط به محض اطلاع از وقوع حادثه باید در محل حاضر شده، ضمن اتخاذ تدابیر لازم و عاجل برای برقراری نظم و آرامش، در صورت لزوم مراتب را در اسرع وقت به مقام‌های بالاتر گزارش نماید رونوشت آن نیز برای دادستان یا قاضی ناظر زندان ارسال می‌گردد. ماده۲۶ـ حفاظت از زندانها و مراکز حرفه آموزی و اشتغال، استقرار نظم و تأمین امنیت آنها با استفاده از طرحها، عوامل و موانع حفاظت فیزیکی و برخورد مناسب و مقابله لازم با هرگونه اخلال نظم، اغتشاش، شورش و اقدام‌های مخّل امنیت مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال بوسیله‌ی یگان حفاظت تحت نظارت و هدایت رییس مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال یا زندان انجام می‌گیرد. ماده۲۷ـ مدیران و رییسان زندان‌ها و مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال موظفند فهرست متهمان تحت قرار در زندان تحت مدیریت خویش را که حداکثر یک ماه از تاریخ صدور قرار آنان سپری شده، هر ماه تهیه کرده و به منظور تعیین تکلیف نهایی در اختیار مراجع قضایی مربوط قرار دهند. ماده۲۸ـ معاون زندان برحسب وظیفه و عنوان اختصاصی (هر یک از معاونتها) و بر اساس درجه زندان یا مراکز حرفه آموزی و اشتغال در انجام تکالیف مقرر با زندان همکاری و معاضدت نموده و دستورهای قانونی او را به مورد اجرا می‌گذارد و در غیاب رییس یکی از معاونان به پیشنهاد وی و تصویب مدیر کل استان مسئولیت امور را بر عهده خواهد داشت. ماده۲۹ـ وظایف فرمانده قرارگاه زندان به شرح زیر است: ۱ـ نظارت بر امور حفاظت فیزیکی زندان و تأیید لوحه نگهبانی، گشت و کنترل و تأیید لوحه پاسداری؛ ۲ـ نظارت بر حضور و غیاب پرسنل انتظامی زندان و اقدام لازم در این خصوص؛ ۳ـ بازدید و بررسی وضع ظاهری کارکنان حاضر به خدمت در هنگام برگزاری مراسم صبحگاه و انجام وظیفه و ارائه آموزشها و تذکرات ضروری به آنها؛ ۴ـ نظارت در تمرین پرسنل نسبت به طرحهای دفاعی و امنیتی زندان با پرسنل؛ ۵ ـ بازدید از اماکن زندان و اسلحه و مهمات و تجهیزات و نظارت بر امر نظافت و نگهداری آنها؛ ۶ ـ نظارت بر نحوه اعزام و انتقال زندانیان به مراجع قضائی و دیگر مراجع؛ ۷ـ نظارت، بررسی، هدایت و راهنمایی مسئول نگهبانی و افسر آموزش و یگان عملیات و سایر عوامل کشیک و گشت در انجام وظایف محوله؛ ۸ ـ ابلاغ دستورات مقامات مافوق و بخشنامه‌های اداری و انتظامی به مأمورین مربوط و نظارت بر حُسن اجرای آنها؛ ۹ـ عهده‌دار شدن امور در غیاب مسئول امور انتظامی؛ ۱۰ـ تدوین، ارائه و پیشنهاد طرحها و دستورالعمل‌های لازم در زمینه هر یک از موارد فوق در جهت بهبود امور جاری و تسهیل و تسریع کار برابر مقررات؛ ۱۱ـ جلوگیری از وقوع هرگونه بی‌نظمی و نظارت بر تحقیقات اولیه و تشکیل پرونده و اعزام متهم یا متهمین به مراجع قضایی در وقت قانونی؛ ۱۲ـ ارائه گزارش لازم از وقایع اتفاقیه به مقام مافوق؛ ۱۳ـ انجام سایر امور محوله طبق دستور. ماده ۳۰ـ وظایف افسر نگهبان عبارت است از: ۱ـ حضور به موقع در محل خدمت و مطالعه مندرجات ۲۴ ساعت گذشته دفتر ثبت وقایع و خدمات روزانه به منظور پیگیری و اجرای دستورهای صادره از سوی مقام مافوق و اطلاع از وقایع مربوط. ۲ـ کنترل عوامل نگهبانی، نظارت بر تحویل اسلحه و مهمات به آنان، تطبیق نام آنان با لوحه نگهبانی، اعلام پرسنل غایب به مقام مافوق و ثبت اسامی و مأمورین حاضر در دفتر ثبت وقایع و خدمات روزانه؛ ۳ـ نظارت بر امور کمک افسر نگهبان مبنی بر اعزام به موقع عوامل نگهبانی به محل مأموریت؛ ۴ـ تحویل و تحول امور نگهبانی با توجه به وقعات روز قبل؛ ۵ ـ تنظیم و ثبت وقعات و گزارشهای نهایی به صورت صحیح و بدون خط خوردگی و تراشیدگی و الحاق برابر دستورالعملهای صادره؛ ۶ ـ رسیدگی به پرونده‌های

متشکله باقیمانده از نگهبانی قبل جهت تکمیل و به‌جریان انداختن و آماده نمودن آنها برای ارسال به مراجع قضایی؛ ۷ـ نظارت بر انجام وظیفه مأمورین اطلاعات درب ورودی و راهنمایی مراجعه‌کننـدگان و نگهـداری اشیاء ممنوعه ارباب رجوع؛ ۸ ـ بازدیـد از عوامل نگهبانی و اماکن انتظامی در طول مـدت خـدمت؛ ۹ـ تقدیم گزارش از وضـعیت حفاظت فیزیکی زندان در زمینه مشـکلات، نواقص، ایرادات و نارسائیها به فرمانـده انتظامی در مـدت نگهبانی؛ ۱۰ـ نظارت بر امور محوله داخلی بین پوسـته دوم زنـدان مـانند نظافت کلیه اماکن انتظامی، اطمینان از عدم وجود اشکال در ساختمان و تأسیسات؛ ۱۱ـ تعیین افراد جیره بگیر، امور رفاهی مامورینی که بطور شبانه‌روزی در زندان بسر می‌برند، وضعیت ظاهری و شئونات اسلامی، رعایت موارد انضباطی و جلوگیری از حرکات یا اعمال سوء مأمورین و نظارت بر اجرای برنامه‌های دسته‌جمعی از جمله نماز جماعت، سخنرانی و اجرای دستورات انضباطی و تنبیهی در مورد هریک از کارکنان و ارائه گزارش نواقص، معایب مشهود در هر مورد به مقام بالاتر؛ ۱۲ـ اجرای مراسم صبحگاه و شامگاه؛ ۱۳ـ اعمال نظارت لازم بر بازرسی بدنی از زندانیان، ملاقات کنندگان و بازرسی دقیق وسائط نقلیه و سایر تجهیزات در هنگام ورود و خروج از زندان بدون استثناء. ۱۴ـ هدایت و نظارت کمک نگهبان در انجام وظایف و امور محوله؛ ۱۵ـ ارائه گزارش سوانح و حوادث غیر مترقبه حادث شده به مقام مافوق در اسرع وقت؛ ۱۶ـ اجرای کامل مقررات و آئین‌نامه‌های مربوطه و نظارت کامل در حُسن جریان امور انتظامی و سرکشی و بازدید مرتب از اماکن مختلف پستی و ارتباط آنان با یکدیگر و بطور کلی برقراری نظم و آرامش در محدوده فیزیکی تحت مسئولیت و اعمال مراقب دائم در مورد جلوگیری از ورود هرگونه سلاح سرد و گرم به زندان؛ ۱۷ـ آمارگیری از کارکنان تحت امر بمنظور آگاهی بر تعداد کارکنان موجود، غائب، در حال مرخصی، بیمار، فراری، منتسب و غیره و تنظیم آمار لازم و درج آن در دفتر نگهبانی؛ ۱۸ـ انجام سایر امور محوله طبق دستور. ماده۳۱ـ مسئول بازدید و کنترل ورود و خروج افراد و وسایل موظف است علاوه بر امور محوله، اقدامات زیر را انجام دهد: ۱ـ بازرسی دقیق از وسائط نقلیه و اشیائی که به هر نحو به زندان وارد و یا خارج می‌شوند و جلوگیری از ورود و خروج اشیاء ممنوعه؛ ۲ـ بازرسی بدنی از زندانیان و مراجعین به هنگام ورود یا خروج از زندان و جلوگیری از ورود و خروج اشیاء ممنوعه؛ ۳ـ اجرای مقررات مربوط به ورود اشخاص به زندان؛ ۴ـ تنظیم و ثبت دفتر ورود و خروج به زندان؛ ۵ ـ ارائه گزارش موارد تخلفات زندانی و ارباب رجوع و معرفی آنان به مسئول مربوط؛ ۶ ـ کنترل ورود و خروج خودروها از حیث ثبت تاریخ و ساعت و شماره خودرو با نام راننده مربوط و گرفتن کارت شناسایی معتبر از راننده و در مواقع ضروری گرفتن کارت ماشین. ماده۳۲ـ وظایف سایر مسئولین و کارکنان در زندانها، بازداشتگاهها، مؤسسات صنعتی، کشاورزی و خدماتی و سایر مؤسسات و مراکز وابسته بر اساس شرح وظائف پست سازمانی مصوب خواهد بود. ماده۳۳ـ ترک نگهبانی، صحبت کردن در موقع نگهبانی، خوابیدن و نشستن و خارج شدن از محوطه پاسگاه، غذا خوردن، استعمال دخانیات، انجام حرکاتی که باعث انصراف خاطر آنان از خدمت و مراقبت از زندانیان در تکالیف مقرره آنان شود ممنوع می‌باشد. نگهبانان باید طبق آئین‌نامه داخلی همیشه مجهز و ملبس به لباس رسمی و تمیز و مرتب بوده، مواقعی که در داخل زندانها مأموریت داشته باشند بدون اسحله انجام وظیفه نمایند. اسلحه، مهمات و تجهیزات زندان باید در پوشش خارج بند در جای امن و مستحکم نگهداری شود. هنگامی که نگهبانان زندانی را طبق دستور رسمی و کتبی مقامات صلاحیتدار قانونی برای محاکمه یا بازپرسی یا انتقال به زندان یا محل دیگر از زندان خارج می‌نمایند باید مسلح باشند و در طول راه حق توقف و مذاکره و حرف زدن با متهم و دیگران را ندارند و مکلفند زندانی را برابر مقررات مربوط تحت مراقبت کامل از جای خلوت مستقیماً به مرجع احضار کننده بدرقه نموده پس از انجام کار او را بلافاصله و به‌همان نحو مستقیماً به زندان عودت داده به افسر نگهبان خارج تحویل نمایند. نگهبانان به هنگام نگهبانی، بدرقه و حفاظت زندانیان از ادای احترامات معاف خواهند بود. اگر زندانی مبادرت به فرار نماید نگهبان موظف است ضمن استمداد از اطرافیان با تمام توان او را تعقیب نموده و چنانچه با بکار بردن تلاشهای ممکن موفق به دستگیری او نشود سه مرتبه با صدای بلند و رسا ایست داده هرگاه باز هم توقف ننمود، با رعایت اطراف و جوانب و توجه به اینکه باعث قتل یا جرح

کسی نگردد با استفاده از اسلحه و خالی کردن تیر هوائی و در مقام ناچاری با نشانه‌گیری ساق پای زندانی از فرار او جلوگیری نماید. هرگاه نگهبان بدون اجازه رسمی و کتبی مقامات مربوط از بازداشت هر زندانی، اطلاعی به‌خارج از زندان داده یا اطلاعات و پیامها و نوشته‌ها یا اجناس و اشیائی از طرف زندانیان به خارج برساند یا از خارج برای آنان بیاورد به نسبت اهمیت تخلف تحت تعقیب قرار خواهد گرفت. نگهبان در مواقعی که خلافی از یکنفر زندانی مشاهده نماید بدون اینکه حق داشته باشد او را مجازات یا حتی ملامت کند بایستی مراتب را با ذکر جزئیات امر کتباً به افسر نگهبان گزارش دهد چنانچه در مقام رسیدگی خلاف گزارش وی ثابت شود مؤاخذه خواهد شد. تبصره ـ تخلف از مقررات ماده فوق علاوه بر تعقیب قانونی موجب تنبیه انضباطی خواهد بود. ماده۳۴ـ در هر زندان مرکز حرفه آموزی و اشتغال یا با توجه به نوع آن به تعداد کافی پست سازمانی جهت انجام امور مربوط در نظر گرفته خواهد شد. شرح وظایف هر یک از مشاغل توسط مسئولان مربوط در ستاد مرکزی تصویب و به مسئولان زندان‌ها مراکز حرفه آموزی و اشتغال و جهت ابلاغ به متصدیان مشاغل ابلاغ خواهد شد. تبصره ـ مسئول هر واحد موظف است شرح وظایف مشاغل تحت سرپرستی خویش را مطالعه و به متصدیان مشاغل ابلاغ نماید. افزون بر آن ضمن ارایه آموزشهای لازم به کارکنان برای اجرای شرح وظایف یک نسخه از شرح وظایف هر فرد را در محل کار وی و در جایی که توسط مراجعان به راحتی دیده می‌شود نصب نماید. ماده۳۵ـ وظایف سایر مسئولان و کارکنان سازمان و مراکز حرفه آموزی و اشتغال، بازداشتگاهها، مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی و سایر مؤسسه‌ها و مراکز وابسته بر اساس شرح وظایف پست سازمانی مصوب خواهد بود. تبصره۱ـ مسوولان پست‌های مصوب با توجه به امکانات و نیروی انسانی بر اساس تخصص‌های مربوط به پست مورد تصدی منصوب خواهند شد، رییس سازمان به منظور پیاده شدن راهبرد توسعه قضایی، اصل تخصص گرایی را در انتصاب‌ها ملاک قرار خواهد داد. تبصره۲ـ کلیه مسئوولان بازرسی سازمان خواه در ستاد و خواه در استان‌ها باید از میان حقوقدانان مسلط به حقوق زندانیان انتخاب شوند. تبصره۳ـ به منظور فراهم شدن زمینه‌های نهادینه سازی سیاست‌های نوین کیفری و فایده‌مندسازی شیوه‌های اجرای کیفر سلب آزادی، ترجیحاً رییسان مراکز آموزشی و پژوهشی سازمان و مسئولان واحدهای آموزش و پژوهش این مراکز از میان متخصصان کیفرشناسی انتخاب خواهند شد. ماده۳۶ـ رییس دفتر زندان مکلف است در حُسن جریان کلیه امور مربوط به‌دبیرخانه و یا بایگانی و تقویم و ابلاغ و اجرای احکام، نظارت کامل داشته و مراقبت نماید تا کارهای جاری بدون وقفه و تاخیر و به موقع انجام شده، پاسخ نامه‌های رسیده در اسرع وقت تهیه و به مقصد ارسال شود، کلیه نامه‌ها و احکام و قرارهای رسیده در دفاتر مربوط ثبت، پس از ابلاغ به محکومان و اجرای مفاد آن در پرونده مربوط به هر محکوم درج و بایگانی گردد. بدیهی است نتیجه اجرای حکم را به مرجع قضایی مربوط ارسال خواهد نمود. دفاتر داخلی مراکز حرفه آموزی و اشتغال یا زندان عبارتند از: دفتر نامه‌ها و احکام و قرارها، دفتر ثبت اسامی محکومان، دفتر حضور و غیاب محکومان، دفتر ثبت تقویم و احتساب محکومیت‌ها با تعیین تاریخ دقیق آزادی محکومان، دفتر ثبت اسامی محکومان پیشینه‌دار، دفتر ثبت احضاریه، دفتر آزادی محکومان، دفتر ورود و خروج محکومان، دفتر ملاقات. تبصره ـ نظارت کامل در اجرای محکومیتهای حبس بدل از جزای نقدی محکومان نیز در زندان‌ها یا مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال، از وظایف ذاتی مسئول اجرای احکام هر مؤسسه یا زندان که زیر نظر مسؤول مربوط انجام می‌شود. ماده۳۷ـ مسئول شعبه اموال و انبار که صاحب جمع اموال مؤسسه یا زندان شناخته می‌شود مکلف است طبق مقررات آیین‌نامه مربوط در محافظت و نگهداری اثاثیه و اموال دولتی و لوازم و اشیاء و اسناد متعلق به محکومان مراقبت و اهتمام شایسته بعمل آورده و وظایف مشروح زیر را انجام دهد: ـ پیش بینی و اقدام به موقع و لازم در تهیه و تدارک اثاثیه و ملزومات و مایحتاج داخل مؤسسه یا زندان از قبیل لباس و پوشاک ماموران و محکومان، تأمین احتیاج‌های مربوط به سوخت و روشنایی و استحمام و نظافت و بهداشت محکومان و مکانهای زندان و هرگونه ضرورت‌های دیگر؛ ـ جلوگیری از تفریط و تضییع و حیف و میل اموال و اثاثیه دولتی و لوازم شخصی محکومان و اشیایی که به طور امانت می‌سپارند؛ ـ تهیه و تنظیم دفاتر مربوط به ثبت نامه‌های اداری؛ ـ وصول و تحویل اموال و لوازم

و اشیاء دولتی، نوشت‌افزار اداری، البسه دولتی محکومان و ماموران مؤسسه یا زندان؛ ـ ثبت اموال و اثاثیه دولتی بنابر نمونه رسمی و منطبق با مقررات آیین‌نامه اموال دولتی؛ ـ ثبت درخواستهای مربوط به تهیه اشیاء و لوازم مورد احتیاج؛ ـ ثبت البسه و لوازم شخصی و اسناد عادی و قیمتی محکومان و هر چیزی که محکوم موقع ورود به مؤسسه یا زندان با خود دارد در دفاتر مربوط؛ ـ تفکیک و نگهداری کیسه‌های محتوی لباس و اشیاء محکومان به ترتیب شماره ردیف (لباس و لوازم شخصی هر محکوم به محض ورود او به مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال یا زندان باید بوسیله متصدی انبار تنظیف و ضد عفونی شده در کیسه مخصوص با ذکر شماره در برگ صورت مجلس تنظیمی تحویل و تحول که یک نسخه آن با قبض انبار به محکوم تسلیم می‌شود لفاف شده و در حفظ و حراست آن از گزند موش و بید و آفات دیگر دقت و مراقبت کافی بعمل می‌آید)؛ ـ تنظیم اسناد و درخواست رسمی برای تهیه و تدارک اجناس مورد لزوم و امضاء و گزارش رییس مؤسسه یا زندان و مقام‌های مالی مربوط؛ ـ مراقبت در نظافت و حفاظت کامل اموال دولتی و امکانات محکومان؛ دقت و مراقبت کافی در تحویل صحیح و سالم امانت‌های محکومان به هنگام آزادی یا انتقال آنان و ارسال صورت مجلس تنظیمی با امضاء محکوم به دفتر مراکز حرفه آموزی و اشتغال یا زندان. ماده۳۸ـ اداره‌ها و واحدهای مددکاری و خدمات اجتماعی در جهت شناخت شخصیت محکومان و کشف و حل معضلات و مشکلات شخصی و خانوادگی و اجتماعی آنان با کسب نظر روان شناس، تحقیقات و اقدام لازم را نموده، یک نسخه از تحقیقات را جهت ضبط در پرونده شخصیت محکوم به رییس زندان و نسخه دیگر را جهت اقدام لازم به اداره متبوع خود تسلیم می‌نماید. مددکاران باید با ابراز شفقت و جلب اعتماد محکوم برای بازگشت آنان به زندگی عادی و سالم اجتماعی اقدام و اهتمام لازم بعمل آورند. تبصره ـ مدیران کل استان‌ها مکلفند هر سال بودجه‌ای را ترجیحاً با جلب کمکهای مردمی و مؤسسه‌های خیریه به منظور زندان زدایی و بصورت تنخواه در اختیار واحدهای مددکاری هر ندامتگاه قرار دهند؛ واحدهای مددکاری، ضمن تلاش برای جلب رضایت شاکی، بدهی‌های مالی تا سقف دو میلیون ریال را از بودجه در اختیار پرداخت نموده؛ تا بدینوسیله موجبات جلب رضایت شاکیان و آزادی محکومان مالی یا بهره‌مندی آنان از آزادی مشروط را فراهم کنند. ماده۳۹ـ از تاریخ تصویب این آیین‌نامه واحدهای فرهنگی ـ تربیتی زندان‌ها و مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال به « واحد بازپروری» تغییر نام می‌یابند. مسؤولان واحدهای بازپروری مکلفند کلیه‌ی اقدام‌ها، فعالیت‌ها، برنامه‌ها و امکانات مادی و معنوی واحد خود را به سوی بازپروری و بازسازگاری محکومان هدفمند سازند به نحوی که نتیجه اقدام‌های آنان کاهش ماهانه و سالانه میزان تکرار بزه و افزایش میزان خروجی محکومان باشد. افزون بر وظایف مقرر در پست‌های مصوب، مسؤولان واحدهای بازپروری موظفند: ۱ـ برای کلیه فعالیت‌های خود به منظور بازپروری برنامه‌ریزی نموده؛ ضمن تعریف و تعیین اهداف عینی و اختصاصی خود؛ هم سو با بازپروری نسبت به مافی که موثر دراصلاح، بازپروری و بازسازگاری محکومان با جامعه و نیز کاهش میزان بازگشت محکومان به زندان است اقدام نمایند. ۲ـ کلیه برنامه‌ها و اقدامهای بازپرورانه واحدهای خود را با محیط زندان یا مراکز محل خدمت، شرایط اقلیمی، فرهنگی و بومی و ویژگی‌های مردم شناسانه‌ی محکومان همساز و همگرا گردانند. ۳ـ آثار برنامه‌ها و فعالیت‌های اجرا شده واحد خود بر محکومان و تأثیر پیشرفت آن بر کاهش میزان تکرار بزه را مورد ارزیابی ماهانه و سالانه قرار دهند و ضمن اصلاح، تعدیل یا حذف برنامه‌های نامناسب؛ برنامه‌های نوین بازپرورانه جایگزین آن نموده،گزارش‌های ماهانه و سالانه خود را به رییس زندان یا مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال محل خدمت و شورای طبقه‌بندی به منظور اتخاذ تصمیم‌های بهتر و مناسب‌تر ارسال نمایند. تبصره ـ گزارش‌های سالانه یاد شده هر سال توسط مدیران کل استان‌های مربوط به منظور بهینه‌سازی تصمیم گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها به معاونت بازپروری سازمان تسلیم خواهند شد. معاونت یاد شده مکلف به مطالعه کارشناسانه، برنامه‌ریزی و ابلاغ برنامه‌های بهینه ساخته به واحدهای بازپروری می‌باشد. ماده۴۰ـ روانشناسان زندان و مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال موظفند با همکاری مددکاران و بخش معاونت بازپروری و ملاحظه پرونده شخصیتی محکومان ضمن بررسی ناسازگاری و ناهنجاریهای روانی آنان مراتب را به شورای طبقه‌بندی اعلام و اقدام لازم را برای ایجاد سازگاری و در صورت لزوم

درمان آنان بعمل آورند. ماده۴۱ـ مسئول بهداری مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال یا زندان موظف است با همکاری متخصصان مربوط چون روانپزشک، پزشک و یا روانشناس نسبت به بستری کردن بیماران روانی به منظور معالجه آنان اقدام نموده در صورتیکه بیماری افراد یاد شده منجر به جنون یا اختلال مشاعر تشخیص داده شود مراتب را در اسرع وقت بوسیله رییس مؤسسه یا زندان به پزشکی قانونی جهت اعلام نظر و اطلاع به مقام‌های قضایی گزارش نموده و در صورت نیاز برای انتقال و معالجه آنان در یک مؤسسه درمانی و تامینی تدابیر شایسته قانونی را اتخاذ نماید. ماده۴۲ـ مربیان زندان‌ها، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال، صنعتی، کشاورزی و خدماتی موظفند ضمن اجرای دستورهایی که از طرف رییس مؤسسه به آنان ابلاغ می‌شود، در روز دست کم دو بار صبح و عصر از محکومان و متهمان سرشماری و حضور و غیاب بعمل آورده و ضمن گشت، افراد مشغول بکار را تحت نظر گرفته و از هرگونه تماس آنان با افراد خارج و یا خروجشان از محوطه مؤسسه یا فرار آنان جلوگیری کنند و در صورت بروز حادثه یا مشاهده هرگونه تخلف فوری بنا بر مقررات این آیین‌نامه اقدام نموده، مراتب را به رییس زندان یا مراکز مربوط گزارش نمایند. تبصره۱ـ شرح وظایف مربیان بر اساس ویژگی‌های مؤسسه یا زندان محل خدمت و متناسب با آن، متفاوت خواهد بود و شورای برنامه‌ریزی سازمان مکلف است در تعریف شرح وظایف مربیان تفاوت‌های مؤسسه‌ای را رعایت کند. تبصره۲ـ اعزام و بدرقه محکومان و متهمان بوسیله نیروهای مربی ممنوع است. در موارد اضطراری یا در مورد محکومان و متهمان زن؛ این امر به همراهی دیگر ضابطان انجام خواهد شد. ماده۴۳ـ متهمان و محکومان در طول اقامت در مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال یا زندان و یا مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی و یا اقامت در مؤسسه‌های اقدامات تامینی و تربیتی از حیث تحولات حاصله در ویژگی‌های اخلاقی و مذهبی و تشخیص سلامت بدنی و روحی تحت مراقبت و بررسی متخصصان زندان یا مؤسسه مربوط قرار خواهند داشت. تبصره ـ اقدام‌های مقرر در این ماده در بازداشتگاهها نیز اعمال خواهد شد. ماده۴۴ـ به منظور توسعه و ترویج مبانی و موازین حقوق شهروندی در زندان‌ها، بازداشتگاهها و مؤسسه‌های تحت نظر سازمان، رعایت موازین حقوق اسلامی و انسانی، تسهیل روند زندان‌زدایی و بازسازگاری محکومان با جامعه دفتری به نام « دفتر حمایت از حقوق شهروندی زندانیان» زیر نظر پرسی سازمان و با تعداد لازم کارشناس، تشکیل می‌شود. وظایف این دفتر به شرح زیر است: ۱ـ مطالعه، بررسی و پیگیری موارد نقض حقوق شهروندی در زندانها، بازداشتگاهها و مراکزحرفهآموزی و اشتغال و اعلام آن به رئیس سازمان؛ ۲ـ مطالعه پرونده‌های قضایی افراد تحت قرار و تذکر گذشت موعدهای قانونی به قاضیان ناظر و مقامهای قضایی مربوط؛ ۳ـ تهیه کتابچه‌های در مورد حقوق و تکالیف قانونی محکومان و متهمان و تفهیم ماهانه این حقوق و تکالیف به افراد تازه وارد؛ ۴ـ همکاری مستمر و نظاممند با هیأت نظارت براجرای قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، ستاد حقوق بشر قوهقضاییه و سایر نهادهای حقوق بشری پس از هماهنگی بازرس سازمان؛ ۵ـ نظارت برحُسن اجرای این آییننامه و سایر اموری که به این دفتر به موجب قانون ارجاع میشود. تبصره۱ـ مسؤول دفتر، از میان حقوقدانان آگاه به موازین حقوق شهروندی توسط رئیس سازمان انتخاب میشود. تبصره۲ـ مسئول دفتر موظف است از وضعیت حقوق شهروندی مراکز حرفهآموزی و اشتغال و زندانها بطور ماهیانه به رییس سازمان گزارش دهد. تبصره۳ـ گزارش سالیانه حقوق شهروندی سازمان بوسیله مسئول دفتر تهیه گشته ازطریق رییس سازمان تسلیم رییس قوهقضاییه خواهدشد. تبصره۴ـ در کلیه ادارههای کل استانی واحد حمایت از حقوق شهروندی زندانیان تأسیس خواهدشد. ماده۴۵ـ افزون بر نظارت بر حُسن اجرای قوانین و مقررات مربوط به زندان‌ها و مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و سایر وظایفی که به موجب دیگر مقررات بر عهده قاضیان ناظر زندان گذارده شده است، وظایف آنان با رعایت مقررات این آیین‌نامه عبارت است از: ۱ـ اعمال نظارت بر امور محکومان از حیث پیشبرد اهداف بازپرورانه و اتخاذ تدابیر مناسب به منظور فردی‌سازی هر چه بیشتر کیفرها؛ ۲ـ شرکت در شورای طبقه‌بندی، ملاحظه پرونده شخصیت محکوم و اتخاذ تصمیم در مورد شیوه اعمال کیفر؛ ۳ـ اعلام تخلف‌های آیین‌نامه‌ای و قانونی محکومان و متهمان به مراجع قضایی مربوط؛ در مواردی که متضمن جرم باشد؛ ۴ـ صدور

مجوز به منظور ملاقات نمایندگان سیاسی و کنسولی اتباع خارجی که در حال تحمل کیفر یا بازداشت‌اند؛ ۵ ـ اعطای مرخصی به محکومان با ملاحظه پیشرفت‌های بازپرورانه و مقررات آیین‌نامه؛ ۶ ـ مطالعه پرونده افراد تحت قرار بازداشت موقت یا کسب اطلاع از پرونده آنان بوسیله دفتر حمایت از حقوق شهروندی سازمان یا طرق دیگر و اعلام مراتب گذشت مدت‌های قانونی موضوع بند ط ماده۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب (مصوب ۲۸/۷/۱۳۸۱) صرفاً جهت اطلاع به مراجع یاد شده؛ ۷ـ صدور مجوز قانونی به منظور ملاقات وکیلان و مشاوران حقوقی با موکلان خود؛ ۸ ـ برگزاری جلسه‌های هفتگی پرسش و پاسخ با محکومان یا متهمان به منظور حل مشکلات قانونی بر آمده از نحوه اجرای کیفرها و پاسخ‌گویی به مشکلات حقوقی آنان؛ ماده۴۶ـ درهر زندان، مرکز حرفه‌آموزی و اشتغال، یا مؤسسه صنعتی، کشاورزی و خدماتی هر یک ماه یک بار کمیسیونی با مسئولیت رییس زندان، مؤسسه و یا نماینده وی و با شرکت متخصصان روانشناسی، مددکاری، فرهنگی، تربیتی و در صورت لزوم کارشناس صلاحیت‌دار دیگر تشکیل و خلاصه دیدگاههای کمیسیون یاد شده نسبت به محکوم در پرونده شخصیت او منعکس و رونوشت نظر کمیسیون برای قاضی ناظر زندان ارسال می‌گردد. بخش دوم: مقررات عمومی فصل نخست ـ پذیرش، تشخیص و طبقه‌بندی ماده۴۷ـ واحد پذیرش و تشخیص محلی است برای پذیرش، بررسی و شناخت شخصیت محکومان و متهمان که زیر نظر مسئول مربوط انجام وظیفه می‌نماید. ماده۴۸ـ پذیرش از هنگامی آغاز می‌گردد که متهم یا محکوم به موجب برگ رسمی به امضاء و مهر مقام قضایی صادر کننده قرار یا حکم، متضمن مشخصات کامل متهم یا محکوم (شهرت ـ نام ـ نام پدر ـ سن ـ شماره شناسنامه ـ شماره ملی ـ کدپستی ـ شغل ـ نوع جرم و اتهام یا محکومیت ـ نوع و میزان مجازات ـ شماره قرار یا حکم ـ تاریخ شروع بازداشت) وسیله مأمور شناخته شده قبلی که باید کارت شناسایی رسمی ملصق به عکس خود را ارایه دهد به مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال، بازداشتگاه، زندان یا سایر مراکز وابسته تحویل می‌گردد. تبصره۱ـ عدم ذکر نام و نام خانوادگی، نام پدر، نوع اتهام، شماره قرار و نیز عدم مهر و امضای مقام قضایی و قانونی موجب عدم پذیرش فرد خواهد بود مگر در مواردیکه به ولگردی یا بی هویتی و امثال آن تصریح گردد که در این صورت زندان و مرجع قضایی بایستی به هر نحو ممکن مشخصات دقیق وی را به دست آورده و در سوابق ثبت کند. تبصره۲ـ سازمان موظف است فهرست مقام‌های صلاحیتدار قانونی را که بر اساس سایر قوانین موضوعه مجاز به معرفی متهمان یا محکومان به زندان می‌باشند به اداره‌های کل زندان‌ها اعلام نماید. ماده۴۹ـ از هر محکوم به محض ورود در قسمت پذیرش و تشخیص توسط ماموران نیروی انتظامی انگشت نگاری و عکاسی به عمل می‌آید و پس از تنظیم دو برگ انگشت‌نگاری (یک برگ برای زندان و یک برگ برای ارسال به مراکز اسناد قانونی) برای تعیین پیشینه با ذکر شماره عکس محکوم به انضمام مدارک رسمی نسبت به تحویل زندانی اقدام می‌گردد و افزون بر شماره کلاسه دفاتر ثبت کل و ثبت قرارها و محکومیت‌ها ذکر شماره عکس نیز در کلیه مکاتبه‌های مربوط بازداشتی‌ها و محکومان الزامی است. تبصره۱ـ هر محکوم یا متهم مکلف است هنگام ورود مشخصات صحیح و کامل، کدپستی و کد ملی خود را به واحد پذیرش اعلام نماید و در صورت ارایه مشخصات غلط بنابر مقررات این آیین‌نامه تنبیه انضباطی خواهد شد، مسوولان زندان‌ها یا مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال مکلف‌اند پس از احراز هویت واقعی مراتب را به مراجع قضایی مربوط اعلام نمایند. تبصره۲ـ محکوم یا متهم هنگام ورود باید دست کم یک نفر را معرفی نماید که در صورت بروز هرگونه اتفاقی برای وی در اسرع وقت به فرد یاد شده اطلاع داده شود. ماده۵۰ ـ در زندان‌ها مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و باید دفاتر ثبت کل حاوی نکات زیر، صفحه‌بندی و به امضاء و مهر رییس زندان رسیده و مشخصات محکوم و متهم به محض ورود و پیش از تحویل او به زندان بشرح زیر در آن ثبت شود (ذکر هویت کامل متهم یا محکوم، شامل: نام و نام خانوادگی کنونی و پیشین، نام مستعار، لقب، نام پدر و مادر، وضع شرایط و ویژگی‌های خانوادگی، جنسیت، مذهب، تابعیت، شغل، سن، وضعیت تاهل، میزان سواد، پیشینه کیفری، شماره عکس، علایم مخصوص بدنی، نوع اتهام یا محکومیت، نوع قرار یا مجازات، مدت محکومیت، تاریخ شروع بازداشت، تاریخ آزادی از زندان، شماره قرار یا حکم، مرجع

صدور قرار یا حکم، نشانی دائم، شماره تلفن و شماره و محل صدور شناسنامه) صحت انطباق مشخصات یاد شده با محکوم معرفی شده باید در زیر معرفی‌نامه بوسیله مامور و آورنده نامه محکوم یا متهم تایید و پس از ثبت مراتب در دفتر ثبت کل صحت آن به امضاء محکوم معرفی شده در ستون آخر دفتر یاد شده گواهی شود. ماده۵۱ ـ پس از ثبت مشخصات کامل محکوم یا متهم در دفاتر (دفاتر ذکر شده درماده ۳۷) برای هر فرد به ترتیب شماره دایمی عکس پرونده تشکیل می‌گردد و کارت شناسایی ملصق به عکس همچنین کارت بایگانی به ترتیب حروف الفبا تهیه و در ردیف مربوط نگهداری می‌گردد. ماده۵۲ ـ شماره مکاتبه‌های اداری درباره محکوم یا متهم به این شرح خواهد بود: متهم: (شماره ردیف، شماره عکس، بزه مورد اتهام، شماره مربوط به نوع بزه مورد اتهام در مورد محکومیت، شماره ترتیب دفتر ثبت کل، علامت ممیزه زندان). محکوم: (شماره ردیف، شماره عکس، بزه مورد اتهام، شماره مربوط به نوع بزه مورد اتهام در مورد محکومیت، شماره ترتیب دفتر ثبت کل، علامت ممیزه زندان). ماده۵۳ ـ کلیه پرونده‌های محکومان و متهمان، بایستی ملصق به عکس و حاوی برگ انگشت نگاری و شرح حال و خلاصه پیشینه شخصی، خانوادگی، اجتماعی و کیفری آنها به امضاء مسئول بایگانی زندان باشد. ماده۵۴ ـ برای هر محکوم کارت شناسایی ملصق به عکس شامل مشخصات کامل به شرح مندرج در ماده ۴۹ تهیه و در هرگونه نقل و انتقالی به عنوان معرف و مبین مشخصات محکوم مورد استناد و استفاده لازم قرار می‌گیرد. ماده۵۵ ـ رییس زندان مراکز حرفه آموزی و اشتغال، یا جانشین آنها مکلف است هر روز اول وقت اداری از محکومان و متهمان تازه وارد بازدید نموده و الزام اجرای مقررات و مراعات نظم و انضباط را در محیط بازداشتگاه، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و زندان به آنان تفهیم نموده و دفترچه راهنمای مقررات و حقوق وظایف آنان را میان آنها توزیع نماید. ماده۵۶ ـ در صورت فقدان منع قانونی، هر محکوم می‌تواند در اسرع وقت به وسایل ممکن به یکی از نزدیکان مورد اعتماد خود اطلاع دهد که در زندان حضور یافته، نسبت به تحویل اشیاء و لوازم شخصی او با حضور خود محکوم اقدام نماید، در هر نوبت صورتمجلس تحویل و تحول بایستی در دفاتر نگهبانی و انبار زندان یا بازداشتگاه و پرونده محکوم ثبت شود. ماده۵۷ ـ هرگاه محکوم بطور کتبی تقاضا نماید که اشیاء و لوازم شخصی خود را به وسیله پست سفارشی یا به وسیله مطمئن دیگر برای یکی از بستگان خویش ارسال دارد نسبت به بسته‌بندی و لاک و مهر آن با تنظیم صورتمجلس به امضای خود محکوم و مسئول امور نگهبانی و انباردار حاوی مشخصات و جزئیات و تعداد محتویات بسته اقدام می‌گردد. هزینه بسته‌بندی و حمل آن بعهده محکوم می‌باشد. ماده۵۸ ـ در صورتیکه محکوم یا متهم نتواند شخص مطمئن را برای تحویل دادن اسناد و اشیاء و لوازم شخصی و قیمتی خود معرفی نماید، تعیین تکلیف و محل و نحوه سپردن و نگهداری آن در محلی غیر از مؤسسه یا زندان از قبیل صندوق امانات پستی یا یکی از بانکها و غیره موکول به تقاضای کتبی وی خواهد بود. هزینه نگهداری به عهده محکوم یا متهم است. ماده۵۹ ـ هنگام انتقال محکوم یا متهم به زندان دیگر باید تشریفات تحویل و تحول و بسته‌بندی لوازم و اشیاء دیگر او با تنظیم صورتمجلس و ثبت مراتب در دفاتر نگهبانی و انبار به طور کامل انجام شده و یک نسخه از صورتمجلس به همراه وی به مؤسسه یا زندان مقصد ارسال شود. ماده ۶۰ ـ محکومان یا متهمان مجازند در مؤسسه یا زندان تنها از لوازم و اشیاء شخصی زیر استفاده نمایند در غیر اینصورت بنا بر نظر شورای انضباطی با آنها برخورد خواهد شد. کتاب و نشریات مجاز، خمیر دندان و مسواک غیر فلزی، جای صابون غیرفلزی، صابون و شامپو، ابر حمام، شانه غیر فلزی، دو عدد حوله کوچک، دو جفت جوراب، لباس زیر بنا به ضرورت بهداشتی، نوشت افزار (کاغذ، پاکت، مداد، خودکار) عینک طبی و لوازم بهداشتی دیگر با اجازه بهداری، زندان، ناخن گیر فاقد چاقو، ماشین اصلاح دستی، رادیو یک موج باطری‌دار. ماده۶۱ ـ به استثناء لوازم ذکر شده در ماده یاد شده نگهداری و استفاده از اشیاء دیگر موکول به پیشنهاد رییس مؤسسه یا زندان و تصویب مدیرکل استان می‌باشد. (این اشیاء در هنگام ورود با ذکر مشخصات کامل در دو نسخه صورتجلسه شده که یک نسخه در اختیار آورنده و نسخه دیگر در پرونده محکوم یا متهم ضبط می‌گردد). ماده۶۲ ـ محکوم یا متهم حق آوردن لوازم و ابزار کار از کارگاه و آموزشگاه را به داخل مؤسسه یا زندان یا

بازداشتگاه ندارد. ماده۶۳ ـ در هر مرکز حرفه آموزی و اشتغال یا زندان قسمتی به نام تشخیص به منظور شناخت شخصیت محکومان و متهمان و طبقه بندی آنان با استفاده از خدمات کارشناسان متخصص تشکیل می گردد که تهیه و تنظیم و نگهداری پرونده شخصیتی آنان به شرح مواد بعدی بعهده این قسمت است. ماده۶۴ ـ محکومان حداکثر دو ماه در قسمت پذیرش و تشخیص تحت آزمایشگاههای پزشکی، روانپزشکی،آزمونهای روانشناسی و شناخت شخصیت و استعداد قرار گرفته و میزان سلامت جسمی و روانی معلومات و اطلاعات مذهبی و علمی و فنی آنان را در جهت شناخت شخصیت بررسی و تعیین می گردد. مددکاران اجتماعی طبق فرمهای تنظیمی که براساس موازین اسلامی از سوی سازمان تهیه می‌شود در مورد پیشینه زندگی تحقیقات لازم به عمل آورده گزارش کاملی از گذشته محکوم یا متهم از دوران طفولیت تا زمان تنظیم گزارش در محیط‌های مختلف خانوادگی، تحصیلی، محلی، حرفه‌ای و غیره را با اظهارنظر خود تهیه می‌نماید. در انقضاء مدت اقامت آنان در قسمت پذیرش و تشخیص کلیه گزارشهای متخصصان در پرونده او متمرکز می‌شوند تا در شورای طبقه بندی مطرح شود. ماده۶۵ ـ در هر زندان، مرکز حرفه‌آموزی و اشتغال یا، شورایی با ترکیب زیر به نام شورای طبقه بندی تشکیل می‌شود: قاضی ناظر زندان به عنوان رئیس شورا؛ رییس زندان یا مرکز مربوط به عنوان دبیر شورا مسئولان واحدهای قضایی، بازپروری، انتظامی، رییس اندرزگاه مربوط، یک نفر روانشناس و یک نفر مددکار که در قسمت تشخیص فعالیت می‌نمایند با انتخاب رییس مرکز یا زندان. تبصره۱ـ شورای طبقه بندی در اتخاذ تصمیم‌های مربوط به محکومان یا متهمان در صورت نیاز نظر واحد حفاظت و اطلاعات را اخذ می‌نماید. تبصره۲ـ در زندان یا مراکزی که دارای قاضیان ناظر متعدد باشد، انتخاب قاضی ناظر رییس شورا بر عهده‌ی دادستان است. تبصره۳ـ در صورت عدم حضور سایر قاضیان ناظر در جلسات شورا؛ مصوبات شورای طبقه بندی بایستی به استحضار آنان برسد. ماده۶۶ ـ شورای طبقه‌بندی در موارد زیر اتخاذ تصمیم می‌نماید: الف ـ تعیین و تقسیم محل استقرار محکومان و متهمان؛ ب ـ اشتغال یا عدم اشتغال به کار محکومان درمراکز اشتغال داخل و خارج از مؤسسه یا زندان؛ ج ـ اظهارنظر در زمینه احراز شرایط آزادی مشروط و عفو محکومان با رعایت مقررات مربوط. تبصره ـ نقل و انتقال محکوم یا متهم در داخل در اختیار رییس مؤسسه یا زندان می‌باشد. ماده۶۷ ـ شورای طبقه بندی دست کم هفته‌ای یک بار تشکیل و با حضور اکثریت اعضا رسمیت می‌یابد، تصمیم‌های شورا با اکثریت آراء قطعی قابل اجرا است در صورت لزوم به دعوت رییس مؤسسه یا زندان جلسه فوق‌العاده تشکیل خواهد شد. ماده۶۸ ـ مدیرکل استان یا رییس زندان یا مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال با تصویب شورای طبقه بندی و به منظور تشویق محکومان، پیشنهاد عفو یا آزادی مشروط آنها را با توجه به علاقه‌ی محکومان و پیشرفت آنان در اشتغال و رعایت مواد مربوط در این آیین‌نامه تقدیم می‌دارند. تبصره ـ اشتغال به کار کلیه محکومان در صورت عدم ممنوعیت در حکم، با تصویب شورای طبقه بندی و در صورت نیاز پس از گذارندن یک دوره حرفه آموزی و آموزش، بلامانع است. ماده۶۹ ـ محکومان حسب پیشینه، سن، جنس، تابعیت، نوع جرم، مدت مجازات وضع جسمانی و روانی، چگونگی شخصیت و استعداد و میزان تحصیلات و تخصص به یکی از قسمتهای مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال، زندان یا مؤسسه‌های تامینی و تربیتی معرفی می گردند. تبصره۱ـ محکومان و متهمان زن می‌توانند اطفال خود را تا سن دو سال تمام به همراه داشته باشند. رییسان و مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال می‌توانند در هر مؤسسه یا زندان نسبت به تفکیک و جداسازی اطفال ۲ تا ۶ سال در محل مجزا (مهد کودک) اقدام و یا نسبت به انتقال اطفال موصوف به بهزیستی یا مؤسسه‌های نگهداری اطفال مبادرت نمایند. تبصره۲ـ محکومان معرفی شده به زندان یا مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال که وضعیت ظاهری آنها حکایت از بیماریهای روانی و جسمانی دارد، باید پیش از پذیرش توسط پزشک معتمد مورد معاینه قرار گرفته و در صورت نیاز به مراقبت‌های پزشکی و بیمارستانی، مراتب به قاضی مربوط اعلام گردد. فصل دوم ـ امور داخلی، برنامه‌ریزی روزانه، تغذیه و بهداشت ماده۷۰ـ در صورت امکان به محکوم یک اتاق با وسایل لازم داده می‌شود و هرگاه محکومان بطور دسته جمعی نگهداری شوند باید منتهای کوشش و دقت را در انتخاب افراد یک گروه از حیث تناسب سن و جهات دیگر بویژه به هنگام خواب

به عمل آورده و در شب بازدید و نظارت بیشتری درباره آنان اعمال گردد. برای محکومانی که حسب دستور مقام‌های قضایی صلاحیت‌دار می‌بایست بطور جداگانه نگهداری شوند باید اتاقی با امکانات لازم در نظر گرفته شود. ماده۷۱ـ لوازم آسایشگاه برای هر محکوم عبارت است از: تختخواب، تشک، بالش، دوتخته پتو، ملحفه برای پتو، تشک و بالش (تغییر محل این لوازم در آسایشگاه به دلخواه محکوم ممنوع است). ماده۷۲ـ محکومان مکلفند در حفظ و نگهداری و نظافت کامل لوازم مؤسسه یا زندان مراقبتهای لازم را به عمل آورند. ماده۷۳ـ محکومان به هیچ وجه حق روشن کردن آتش و استفاده از چراغهای خوراک‌پزی و نگهداری نفت و بنزین و وسایل برقی و سایر مواد محترقه را در داخل مؤسسه، زندان یا بازداشتگاه ندارد. ماده۷۴ـ برنامه روزانه مؤسسه‌ها، زندان‌ها و بازداشتگاهها بایستی بدون تبعیض و استثناء درباره کلیه محکومان یکسان به مورد اجرا گذارده شود. برنامه مؤسسه‌ها، زندان‌ها و بازداشتگاهها به شرح زیر است: اذان صبح، بیدارباش و تا طلوع آفتاب، انجام امور واجب مذهبی، استحمام، نظافت آسایشگاه، امور شخصی، طلوع آفتاب، ورزش صبحگاهی، صرف صبحانه و سپس شرکت در کلاسها یا کارگاهها، از ظهر تا ۲بعد از ظهر انجام امور واجب مذهبی، صرف نهار و استراحت، ۲بعداز ظهر و پس از آن شرکت در کلاسها و کارگاهها، مغرب بجای آوردن امور واجب مذهبی، شام و ساعت خاموشی. تبصره ـ در صورتی که تلویزیون برنامه آموزشی مفیدی برای محکومان داشته باشد ریاست مؤسسه یا زندان می‌تواند خاموشی را تا پایان برنامه تلویزیون به تاخیر اندازد. ماده۷۵ـ بیماران و افراد سالخورده با صدور گواهی معذوریت از طرف پزشک زندان و تایید آن توسط مسئول بهداری برای مدتی که در گواهی تصریح می‌گردد از اجرای برنامه‌های روزانه معاف خواهند بود. ماده۷۶ـ در موقع امتحانها و بنا به ضرورت، برای مطالعه و به منظور تشویق محکومان با کسب اجازه کتبی از مسئول مؤسسه یا زندان، استفاد از روشنایی با رعایت سکوت کامل بدون ایجاد مزاحمت برای دیگران مجاز می‌باشد. ماده۷۷ـ پس از خاموشی باید در محوطه مؤسسه یا زندان سکوت کامل برقرار باشد. همچنین در موقع کار، تحصیل، گردش، ورزش، تفریحات سالم و انجام وظایف جاری رعایت نزاکت، ادب، احترام و متانت در گفتار، کردار و رفتار در همه جا و تمام ساعت‌های شبانه‌روز الزامی است. ماده۷۸ـ فریاد زدن، آواز خواندن با صدای بلند، جر و بحث و گفتگوهای تند که مخل امنیت مؤسسه یا زندان گردد، مشاجره و ارتکاب هر عمل فردی یا دسته‌جمعی که نظم و آرامش داخل مؤسسه یا زندان را مختل سازد، صحبت و اشاره کردن به هر نحوی از انحاء از پنجره‌های زندان با خارج بطور مطلق ممنوع است. ماده۷۹ـ بازدید بدنی و لوازم همراه محکومان هنگام ورود و خروج به مؤسسه یا زندان و آسایشگاه به هر علتی الزامی است. ماده ۸۰ ـ متهمان و محکومان باید بر اساس موازین اسلامی تحت نظارت مربیان مسئول امور تربیتی زندان بوده و از آنان دست کم روزی دو نوبت صبحها پیش از شروع ورزش و شبها هنگام ورود به آسایشگاه سرشماری به عمل آید. ماده ۸۱ ـ محل کار و آسایشگاه و اشیاء محکوم یا متهم بر اساس دستور رییس زندان یا جانشین او بازرسی می‌شود. تمرد یا مقاومت در برابر ماموران بازرسی و سرپیچی از اجرای دستورهای آنها موجب تنبیه‌های انضباطی متمرد خواهد شد. ماده۸۲ ـ برای حفظ آرامش و امنیت داخل مؤسسه یا زندان و بازداشتگاه باید دست کم ماهی یکبار کلیه اماکن و لوازم و اشیاء محکومان بوسیله گروهی با انتخاب رییس مؤسسه یا زندان یا جانشین او و تحت تعلیم و نظارت آنان بازرسی شود و با تنظیم صورتمجلس گزارش کار بطور مرتب در پوشه مخصوص بازرسی مؤسسه یا زندان یا بازداشتگاه بایگانی شود. ماده۸۳ ـ میخ زدن یا نوشتن روی دیوارهای مؤسسه یا زندان یا بازداشتگاه، ترسیم و نقاشی و الصاق عکس و هرگونه نوشته‌ای در آسایشگاه ممنوع است مگر در موارد خاص با اجازه رییس مؤسسه یا زندان. ماده۸۴ ـ دست زدن متهمان یا محکومان به سیم‌کشی و تغییر محل لوازم الکتریکی یا تعویض آن به وسیله آنان در مؤسسه یا زندان و بازداشتگاه به کلی ممنوع است. ماده۸۵ ـ متهم یا محکوم باید هر روز صبح پیش از خروج از آسایشگاه نسبت به‌نظافت اتاق و لوازم آن و مرتب کردن رختخواب خود اقدام نماید. آویزان کردن لباس و لوازم شخصی در آسایشگاه ممنوع است بدین منظور اشکافهایی مخصوص تهیه و در اختیار محکومان قرار می‌گیرد. ماده۸۶ ـ استعمال دخانیات در مکانهای سقف‌دار بطور مطلق ممنوع است، مسئولان مربوط در

مؤسسه یا زندان مکلفند تمهیدهای لازم به منظور ترک سیگار را فراهم نمایند. ماده۸۷ ـ متهمان و محکومان مجاز به نگهداری و همراه داشتن پول در زندان نمی‌باشند و به منظور رفع نیازمندیها و احتیاجهایشان، مسئولان زندان مکلفند با استفاده از روشهای قابل اجرا تمهیدهایی را فراهم نموده تا محکومان بتوانند از محل موجودی خود نسبت به خرید از فروشگاهها و تهیه سایر کالاهای موردنیاز خود اقدام نمایند. دستورالعمل موضوع این ماده از سوی سازمان به اداره‌های کل زندان‌ها ابلاغ خواهد شد. تبصره: در صورت کشف وجوه نقدی و اوراق بهادار چنانچه محکوم، از وجه نقد استفاده‌های نامشروع از قبیل قماربازی و دادن رشوه نماید، وجوه یادشده توقیف و مراتب طی گزارشی به قاضی ناظر زندان ارسال می‌گردد و چنانچه استفاده‌های نامشروع از آن بعمل نیامده باشد ضمن طرح موضوع در شورای انضباطی وجوه یاد شده به حساب وی منظور گردیده و در مورد اوراق بهادار حسب مورد تصمیم قانونی اتخاذ می‌گردد. ماده۸۸ ـ در صورت کشف اشیاء ممنوعه چنانچه صرف نگهداری آنها جرم باشد، موضوع طی گزارشی به قاضی ناظر به منظور اتخاذ تصمیم ارسال می‌گردد و در غیر اینصورت ضمن طرح در شورای انضباطی تا پایان مدت حبس اشیاء یاد شده توقیف و نگهداری و یا طی صورتجلسه تحویل خانواده محکوم می‌شود. ماده۸۹ ـ مواد ذکر شده در دو ماده پیش در سه نسخه صورتجلسه شده یک نسخه نزد قاضی ناظر و یک نسخه در پرونده محکوم بایگانی و نسخه دیگر به محکوم تحویل می‌گردد. ماده۹۰ـ پوشیدن لباس ویژه‌ی محکوم، برای محکومان الزامی نیست مگر به تشخیص سازمان زندان‌ها. ماده۹۱ ـ به تشخیص دایره مددکاری از سوی زندان سالیانه به متهمان و محکومان نیازمند به میزان مناسب لباس داده شده و نیازمندی‌های بهداشتی ضروری متهمان و محکومان زن نیز تأمین می‌شود. تبصره ـ استفاده از بند شلوار و کمربند و نظایر آن بجز شرکت در برنامه‌های ورزشی که از سوی سازمان مجاز تشخیص داده می‌شود ممنوع می‌باشد. ماده۹۲ـ برنامه غذایی متهمان و محکومان به تناسب فصل‌های سال به وسیله مدیرکل هر استان تصویب و به زندان‌ها ابلاغ می‌گردد. اداره‌های مالی و تدارکاتی و انبارهای زندان بر اساس برنامه تنظیمی نسبت به تأمین اعتبار و تهیه و تحویل مواد اولیه و دقت در مرغوبیت نوع آن اقدام می‌نمایند. تبصره ـ مدیران کل استانها می‌بایست با توجه به شرایط و احتیاجهای اقلیمی هر محل نسبت به تغییرات برنامه غذایی در محدوده اعتبار مصوب اقدام نمایند. ماده۹۳ـ غذای روزانه در سه وعده به ترتیب زیر به متهمان و محکومان داده می‌شود. صبحانه، نهار، شام و اغذیه لازم که دارای کالری و ویتامینهای کافی باشد براساس برنامه‌های غذایی مصوب و متناسب با شرایط آب و هوا در هر محل با چای یا آب آشامیدنی سالم در اختیار محکومان گذارده می‌شود. در تهیه وسایل ضروری برای جلوگیری از فساد اولیه خواروبار و در تنظیف ظروف و محوطه آشپزخانه از طرف مسئولان مربوطه اهتمام کافی و مستمر به عمل آید. تبصره۱ـ متهمان و محکومان باید غذای خود را در صورت امکان در سالن غذاخوری زندان صرف نمایند. تبصره۲ـ متهمان و محکومان بیمار طبق برنامه و نظریه پزشک معالج در مدتی که برای آنان تعیین شده است از غذای مخصوص بهداری استفاده خواهند نمود. ماده۹۴ـ برنامه روزانه متهمان و محکومان و برنامه غذایی آنان در ماه مبارک رمضان از سوی سازمان اعلام خواهد شد. ماده۹۵ـ حداقل برنامه غذایی عبارت است از: نان و پنیر و چای برای صبحانه و نهار یا شام، سبزیجات تازه یا خشک، برنج، سیب‌زمینی، پیاز، حبوبات، انواع لبنیات، تخم‌مرغ و میوه فصل می‌باشد و در هر هفته حداقل سه بار به محکومان نهار و شام با گوشت داده می‌شود. تبصره ـ نوع غذا برای کلیه محکومان هر زندان یکسان طبخ و توزیع می‌گردد. ماده۹۶ـ لوازم غذاخوری برای هر محکوم عبارت است از: بشقاب ـ کاسه ـ لیوان و قاشق (در صورت امکان از جنس ملامین). ماده۹۷ـ نظافت آشپزخانه، سالن غذاخوری، شستشو و خشک کردن ظروف و لوازم آنها بدون تبعیض و استثناء بر اساس برنامه مؤسسه یا زندان به عهده کلیه محکومان می‌باشد. ماده۹۸ـ در داخل مؤسسه یا زندان‌ها به اندازه احتیاج با سرمایه بنگاه تعاون، حرفه‌آموزی و صنایع زندانیان کشور و یا زندان، فروشگاههای لازم تاسیس و رییس مؤسسه یا زندان از نظر حفاظت و مسئولیتی که به عهده دارد بر آنها نظارت خواهد داشت. تبصره۱ـ تعیین اجناس و مواد مجاز برای فروش در فروشگاههای زندان با توجه به ضرورت حفظ بهداشت و امنیت داخلی با رییس زندان و نرخ آنها بر اساس قیمت عادلانه‌ی روز

خواهد بود. تبصره۲ـ اجناس و لوازم فروشگاههای زندان نباید بیش از قیمت عادلانه روز بوده و در صورت وجود اجناس تعاونی الزاماً با قیمت تعاونی فروخته می‌شود. تبصره۳ـ صورت ریز مواد و اجناس موجود به نرخ عادلانه به امضای مسئول فروشگاههای مؤسسه یا زندان در تابلویی که به همین منظور در مدخل فروشگاه نصب می گردد درج و در معرض دید مشتریان گذارده می‌شود. تبصره۴ـ رییسان زندان‌ها مکلفند نظارت کامل بر نرخ اجناس داشته باشند و چنانچه تخلفی صورت گیرد متخلفان را به مراجع مربوط معرفی می‌نمایند. ماده۹۹ـ محکومان و ملاقات‌کنندگان می‌توانند اقلام موردنیاز خود را از فروشگاههای داخل مؤسسه یا زندان تهیه نمایند؛ مگراینکه محکوم به علت تنبیه انضباطی یا دستور پزشک از این امر منع گردیده باشد. تبصره ـ فروش لوازم تجملی و مواد محرکه و دارو و وسایل برقی در فروشگاههای مؤسسه یا زندان ممنوع است. ماده۱۰۰ـ وضع اماکن مؤسسه یا زندان عموماً و آسایشگاه محکومان بویژه باید بر اساس اصول بهداشتی باشد. ماده۱۰۱ـ نظافت داخل آسایشگاه، راهروها، حیاط هواخوری، سرویسها، سالن اجتماعات، نمازخانه، کتابخانه، کارگاهها و مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی و امثال آن تحت برنامه‌ریزی و نظارت به عهده محکومان است. اجیر کردن محکوم توسط محکومی دیگر به هر نحو ممنوع است. تبصره ـ با محکومان بیمار و سالخوردگان و کسانی که قادر به انجام کارهائی چون موضوع ماده پیش نباشند بر اساس ماده ۷۶ رفتار خواهد شد. ماده ۱۰۲ـ بهداری مؤسسه یا زندان مکلف است دست کم ماهی یکبار نسبت به‌تست پزشکی کلیه محکومان اقدام نماید. ماده۱۰۳ـ تا جایی که امکانپذیر است باید ترتیبی اتخاذ شود که احتیاج‌های درمانی و بهداشتی محکومان بیمار در داخل مؤسسه یا زندان تأمین شود تا به انتقال محکوم به خارج از مؤسسه یا زندان نیازی نباشد. با این همه در موارد ضروری خروج محکوم از زندان برای معالجه بایستی با تأیید بهداری زندان و اجازه رییس مؤسسه یا زندان و موافقت قاضی ناظر باشد. در موارد فوری محکومی بیمار به دستور پزشک یا بهداری زندان و اجازه رییس مؤسسه یا زندان یا جانشین او به بیمارستان اعزام می گردد و مراتب باید در اسرع وقت به صورت کتبی به قاضی ناظر گزارش شود. تبصره ـ قاضی ناظر و مسئولان مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و زندان‌ها موظفند وضع محکومان بیمار صعب‌العلاج یا غیرقابل علاج را رسیدگی کرده، حسب مورد بر اساس مقررات قانون آئین دادرسی کیفری اقدام کنند. ماده۱۰۴ـ هزینه درمان عوارض و بیماریهایی که ضرورت یا فوریت درمان ندارند و یا در اثر تقصیر ناشی شده است به عهده محکوم و یا مقصر است. ماده۱۰۵ـ کلیه اماکن زندان‌ها و اماکن وابسته باید دست‌کم ماهی یکبار ضدعفونی شود مگراینکه به علت ظهور حشره‌ها یا بروز اپیدمی و اشاعه ویروس، بیماریهای موسمی و محلی ایجاب نماید زودتر از موعد مقرر نسبت به گندزدائی لوازم مربوط و سمپاشی اتاقها در محوطه زندان اقدام شود. ماده۱۰۶ـ در کارگاهها و اماکنی که محکومان در آن اشتغال به کار دارند پنجره‌ها باید به اندازه کافی وسیع باشد تا نور و هوای آزاد به مقدار کافی داخل شود و در صورت لزوم برای کار و مطالعه آنها نور مصنوعی فراهم گردد. مجاری فاضلاب همیشه باید باز باشد و در رفع عفونت و آلودگی در محوطه و مکانهای زندان‌ها مراقبت و اقدام لازم و دائم به عمل آید. ماده۱۰۷ـ در هر مؤسسه یا زندان باید وسایل استحمام محکومان فراهم بوده، محکوم به محض ورود به مؤسسه یا زندان استحمام نماید. ماده۱۰۸ـ گرمابه و مستراح و دستشوئی زندان باید همیشه تمیز و نظیف باشد و به اندازه کافی دوش سرد و گرم در دسترس محکومان گذاشته شود تا بتوانند با توجه به‌فصل‌های سال در هفته یکبار استحمام نمایند. ماده۱۰۹ـ تراشیدن موی سر محکوم الزامی نیست، ولی به لحاظ رعایت مسائل بهداشتی کوتاه کردن موی سر آنان در حد متعارف الزامی است. ماده۱۱۰ـ بهداری مؤسسه یا زندان مکلف است برای پیشگیری از سرایت بیماریهای واگیر مانند بیماریهای آمیزشی، سل و نظایر آن وارد عمل شده، با استفاده از همکاری و کمکهای مالی و فنی وزارتخانه‌ها و مؤسسه‌ها و انجمنها نسبت به تهیه محل و دارو برای درمان کامل بیماران یاد شده و همچنین معتادان مواد مخدر یا الکل اقدام نماید. ماده۱۱۱ـ بهداری مؤسسه یا زندان موظف است از محکوم تازه وارد معاینه‌های کامل پزشکی به عمل آورده، در صورت لزوم با انجام آزمایشهای تشخیص طبی برنامه‌ریزی و حسب مورد نسبت به درمان یا معرفی وی به مراکز مربوط اقدام نماید کلیه اقدام‌های

پزشکی باید در پرونده محکوم درج گردد. ماده۱۱۲ـ هرگاه محکومی تازه وارد نسخه یا داروئی همراه داشته باشد اخذ و در اختیار بهداری زندان قرار می‌گیرد تا به تجویز پزشک به او داده شود و هرگاه دارو جنبه حیاتی برای وی دارد بایستی فورا پس از معاینه و تجویز پزشک در اختیار وی قرار گیرد. ماده۱۱۳ـ محکوم به محض احساس کسالت جریان را به مسئول امور نگهبانی زندان اطلاع داده و با اخذ معرفی‌نامه به بهداری مؤسسه یا زندان اعزام و دارو و دستورهای لازم پزشکی را دریافت می‌دارد. ماده۱۱۴ـ محکوم باید در حضور پزشک یا پزشکیار و یا سایر مسئولان داروی مورداحتیاج را مصرف نماید. نگهداری دارو در آسایشگاه جز به هنگام ضرورت، ممنوع است. تبصره ـ تشخیص هنگام ضرورت به عهده پزشک زندان یا مؤسسه‌ی محل گذران محکومیت می‌باشد. ماده۱۱۵ـ با تشخیص پزشک بهداری مؤسسه یا زندان در صورت ضرورت، محکوم بیمار در بیمارستان زندان بستری خواهد شد گواهی تشخیص ضرورت باید بطور کتبی در پرونده بیمار قید گردد. ماده۱۱۶ـ محکومان مبتلا به بیماریهای روانی، واگیر و پرخطر باید با لحاظ نظر پزشک متخصص و نیز سیاستهای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به صورت مجزا نگهداری و معالجه شوند. تبصره ـ افزون بر بیماری‌های روانی؛ در صورتی که بیماری شخص جزء بیماری‌های خاص باشد؛ رییس زندان مکلف است پیشنهاد عفو او را با رعایت سایر قوانین با قاضی ناظر، یا کمیسیون عفو و بخشودگی تسلیم نماید. ماده۱۱۷ـ سازمان می‌تواند در صورت لزوم نسبت به بیمه درمانی محکومان و یا انعقاد قرارداد با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اقدام نماید. ماده۱۱۸ـ معاینه و در صورت نیاز معالجه محکومان بیمار به عهده اداره زندان یا مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال است. تبصره ـ در صورت نیاز محکومان بی‌بضاعت، به دندان مصنوعی، عصا، اعضای مصنوعی، صندلی چرخدار و عینک انجمن حمایت از زندانیان مکلف به تأمین آن می‌باشد. ماده۱۱۹ـ تمارض محکومان به تشخیص پزشک زندان موجب تنبیه انضباطی خواهد بود. ماده۱۲۰ـ رییس بهداری زندان موظف است همه روزه اول وقت از کلیه محکومان بیمار که در بیمارستان زندان بستری هستند عیادت نماید و پس از پرسش از وضعیت آنان و حصول اطمینان از حُسن مراقبت پزشکان و پرستاران نسبت به معالجه و تغذیه صحیح بیماران نظارت کامل و مستمری بعمل آورد. تبصره: رییس بهداری هر زندان باید پزشک باشد و در مراکزی که این امکان وجود ندارد، فرد مطلع و آشنا به مسائل پزشکی عهده‌دار این مسئولیت خواهد بود. ماده۱۲۱ـ در صورت فوت محکوم، رییس زندان مکلف است مراتب را فوری به پزشک قانونی، قاضی ناظر و مرجع قضایی محل اعلام داشته، پس از صدور مجوز از سوی مرجع قضایی مربوط جنازه را حسب مورد به بستگان او تحویل داده یا پس از تشییع، دفن نموده و وجوه و لوازم شخصی او با نظر قاضی ناظر براساس صورتمجلس و رعایت نکات لازم به ورثه قانونی وی تحویل و رسید اخذ گردد. هرگاه متوفی بدون وارث باشد باید در اسرع وقت با نظر مقام قضایی صلاحیت‌دار نسبت به تعیین تکلیف لوازم شخصی او در زندان اقدام شود و در صورت امکان تجهیز متوفی با اذن اولیاء باشد. فصل سوم ـ اشتغال و حرفه‌آموزی ماده۱۲۲ـ سازمان به منظور توسعه برنامه‌های بازپرورانه، کاهش آسیب‌ها و نارسایی‌های نظام زندان، کمک به رفع مشکلات مادی و معنوی محکومان و خانواده آنان و نیل به خودکفایی باید از محل درامدهای بنگاه تعاون و حرفه‌آموزی، جذب کمکهای مردمی و مؤسسه‌های خیریه یا درامد حاصل از مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی، خدماتی و فرهنگی تحت نظارت و بودجه مصوب اعتبار لازم را به منظور حرفه‌آموزی و اشتغال محکومان تأمین و هزینه نماید. ماده۱۲۳ـ سازمان می‌تواند در جهت ایجاد اشتغال برای محکومان داوطلب کار با استفاده از امکانات سازمان و یا کمکهای دولتی و یا از رهگذر دریافت وام یا با مشارکت بانکها و نهادهای دولتی، تعاونیها و یا بخش خصوصی اقدام نماید. ماده۱۲۴ـ محکومان و متهمان داوطلب پس از آزمایشهای لازم و تشخیص استعداد و ذوق و تخصص آنها با کسب نظر شورای طبقه‌بندی و رعایت مقررات این آئین‌نامه در کارگاههای داخل زندان، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال یا مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی خارج از زندان بکار گمارده می‌شوند. تبصره۱ـ اعزام محکومان داوطلب کار به محیطهای اشتغال داخل یا خارج از زندان از اختیارات ذاتی رئیسان زندان‌ها و سایر مراکز وابسته به سازمان بوده و آنان می‌توانند راساً بدان اقدام نمایند. این اقدام نیاز به اخذ

تأمین نـدارد. تبصـره۲ـ شـورای طبقه‌بنـدی یـا مقامـات قضـایی صالـح می‌تواننـد بـه منظـور بـازگشت زنـدانیانی کـه برای اشـتغال، حرفه‌آموزی یا مرخصـی به مکان‌های خارج از زندان اعزام می‌شوند وثیقه و یا تعهد مناسبی در قالب قراردادهای مدنی یا تأمین‌های مذکور در مقررات آئین دادرسـی کیفری را از محکومان، متهمان و یا اشـخاص ثالث معرفی شده از سوی ایشان اخذ نمایند. در این صورت ادارات ثبت محل مکلفنـد نسبت به بازداشت وثیقه مدنی ارسالی از شورای طبقه‌بندی اقدام لازم را معمول دارند. ماده۱۲۵ـ تقاضاهای مرخصـی واصـله به این شورا بایـد حـداکثر ظرف مدت سه روز رسـیدگی شوند. ماده ۱۲۶ـ محکومان و متهمان بایـد به حرفه‌هـایی که مستلزم دیـدن دوره‌هـای تعلیمـاتی برای کسب مهـارت و تخصـص می‌باشـد و از طرف سازمـان ابلاـغ می‌شود بکار گمارده شوند تا در طول زمان بتوانند با طی مراحل مختلف آموزشـی به اخذ گواهینامه مهارت فنی در رشته مخصوص نائل گردند. تبصـره ـ سازمـان مکلف است این قبیـل حرفه‌آموزان را نزد شـرکت‌های بیمه در قبـال حوادث ناشـی از کـار، بیمه نمایـد. ماده۱۲۷ـ محکومان و متهمان می‌تواننـد با موافقت رییس زندان در ساعت‌های بیکاری و فراغت در آسایشـگاه خود به کارهای دستی اشـتغال داشـته باشـند. مواد اولیه این نوع کارهـا بطور انحصاری بوسـیله فروشـگاه مرکز یا زنـدان در اختیار آنان گذاشـته می‌شود. تبصـره۱ـ هرگاه محکوم نتوانـد با سـرمایه خود اقدام به تهیه مواد اولیه و لوازم مربوطه نماید، این مواد و لوازم بوسـیله زندان یا انجمن حمایت زنـدانیان تهیه و در اختیار وی گذارده خواهد شد. در این صورت پس از کسـر هزینه تهیه لوازم اولیه یک چهارم از سود حاصـله به عنوان سـهم سرمایه برداشت و به حساب صندوق مرکز یا زندان یا انجمن حمایت از محکومان واریز و بقیه به حساب محکوم منظور می‌گردد. تبصره۲ـ محکوم مجـاز است کار دستی خود را پس از قیمت‌گـذاری توسط زنـدان و با اسـتفاده از نظر خبره به هرنحو که خود می‌داند به مؤسـسه یا زندان یا به اشـخاص دیگر واگذار یا به فروش برساند. در صورت فروش یا واگذاری به غیر قیمت فروش نبایـد از قیمت تعیین شـده توسـط زنـدان کمـتر باشـد. مـاده۱۲۸ـ ساعت‌هـای کـار و اسـتراحت محکومـان در موسسه‌های صـنعتی، کشـاورزی و خـدماتی داخـل و خارج از زنـدان با توجه به موقعیت محل و نوع و کیفیت کار و با رعایت فصل دوم از بخش دو این آیین‌نـامه از طرف رییس کارگـاه یا مؤسـسه مربوط با هماهنگی رییس زنـدان تعیین و به مورد اجرا گذاشـته می‌شود. ماده۱۲۹ـ مزد روزانه محکومـان به تنـاسب درجه مهـارت و کـاردانی هریـک از آنـان و میزان و نوع کـاری که انجام می‌دهنـد بصورت کارمزدی بوسـیله مـدیرکل اسـتان تعیین می‌شود. ماده۱۳۰ـ مزد ماهیـانه کـار محکـوم به شـرح زیر تقسـیم می‌گردد: ۱ـ پنجاه‌درصـد (۵۰٪) به حسـاب بـانکی سـرپرست موقت عـائله تحت تکفل محکوم واریز می‌گردد. ۲ـ بیست و پنـج درصـد (۲۵٪) به حسـاب محکـوم واریز می‌شـود کـه در موقـع آزادی به او پرداخت گـردد. ۳ـ بیست درصـد (۲۰٪) به حسـاب خود محکوم برای مخارج ضـروری پرداخت می‌شود. ۴ـ پنج درصد(۵٪) برای جبران خسارت و حوادث ناشـی از کار بر اساس قرارداد میان سازمان و محکومان شاغل اختصاص داده خواهـد شـد. تبصـره: در صورتی که محکوم فاقـد عائله تحت تکفل باشد مبلغ ۵۰٪ دسـتمزد ذکر شده در بند(۱) نیز به حساب خود وی واریز می‌گردد. مـاده۱۳۱ـ به هنگام انتقال محکوم به زنـدان یا موسسه دیگر در اسـرع وقت کلیه مطالبات او پس از تسویه حساب کامل به محل مؤسـسه یا زنـدان جدید حواله و منتقل می‌شود. ماده۱۳۲ـ مؤسـسه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی مکلفند: الف ـ در صورت بروز حوادث ناشـی از کار هزینه خسارت وارده به محکومان را از محل پنـج درصـد(۵٪) موضوع بند ۴ ماده ۱۳۰ پرداخت نمایند؛ ب ـ کلیه مقررات ایمنی، حفاظتی، بهداشتی را بر اساس ضوابط قانونی رعایت نمایند؛ ج ـ دفاتر رسمی قانونی مالی متناسب با اصول سیسـتم حسابـداری اسـتاندارد و پـذیرفته شده جامعه حسابداران رسـمی تنظیم نمایند؛ تبصـره۱: پرداخت موجودی حسـاب پس‌انـداز هنگـام آزادی به شـرط آنکه منع قـانونی نداشـته باشـد پس از تسویه حساب کلیه قسـمتهای زنـدان بلامانع است. تبصره۲: در صورت رایانه‌ای شـدن واحد مربوط مندرجات دفاتر یاد شده به رایانه منتقل خواهد شد. ماده۱۳۳ـ نحوه اداره کارگاهها و مؤسـسه‌های صـنعتی، کشاورزی و خدماتی به شـرح زیر خواهد بود: الف ـ مسـئولیت اداره امور کارگاهها و مؤسـسه‌های صنعتی، کشـاورزی و خـدماتی از حیث نوع و میزان تولیـد، کیفیت و کمیت کـار، خریـد و فروش و معاملات و انعقـاد و انجـام قراردادها و

مسایل فنی و تخصصی و سایر موارد از این قبیل برعهده مدیریت کارگاه یا مؤسسه‌ها می‌باشد. ب ـ مسئولیت امور انتظامی و امنیتی و در اختیار قرار دادن کارگران، نحوه و کیفیت اعزام آنان به کارگاه و نیازهای فرهنگی، بهداشتی محکومان بر عهده سازمان می‌باشد. ماده ۱۳۴ـ استفاده از محکومان در امور نگهبانی و انتظامی و اداری مؤسسه یا زندان و دیگر دستگاهها ممنوع است. ماده۱۳۵ـ انجام امور خدماتی داخل بندها و اندرزگاهها و مؤسسه‌های صنعتی، خدماتی و کشاورزی و همچنین کارگاهها بطور نوبتی بدون تبعیض توسط محکومان انجام می‌گیرد. تبصره ـ اگر محکوم بدون عذر موجه از انجام وظایف محوله در داخل زندان و مؤسسه‌های وابسته خودداری نماید کوتاهی وی تخلف به‌شماره آمده، به تشخیص شورای انضباطی تنبیه خواهد شد. فصل چهارم ـ برنامه‌های بازپرورانه ماده۱۳۶ـ به منظور سوادآموزی، ارتقاء سطح معلومات و جلوگیری از اتلاف وقت محکومان و همچنین تقویت اراده و پرورش فکر و استعدادهای نهفته آنان در کلیه مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و زندان‌ها از رهگذر وزارتخانه‌های مربوط و مؤسسه‌های آموزشی، علمی و فنی، حرفه‌ای و دولتی یا وابسته به دولت و یا سازمانهای خیریه و نهضت سوادآموزی و با همکاری آنان، تحت نظر واحدهای مربوط در مؤسسه یا زندان، آموزش فنی، حرفه‌ای و مذهبی داده می‌شود. ماده۱۳۷ـ محکومان در مدت اقامت خود در مؤسسه یا زندان باتوجه به مدت محکومیتشان و کیفیت و نوع برنامه‌های آموزش علمی، دینی و فنی، حرفه‌ای پیش‌بینی شده در زندانها به فراگیری سواد و ادامه تحصیلات علمی، دینی و حرفه‌ای اشتغال خواهند داشت. تبصره: شرکت افراد بی‌سواد کمتر از شصت سال در کلاسهای سوادآموزی اجباری است، عدم شرکت در کلاسهای یاد شده می‌تواند موجب محرومیت از امتیازها گردد. ماده۱۳۸ـ تدریس در آموزشگاههای علمی و فنی حرفه‌ای زندانها با همکاری وزارتخانه‌ها و سازمانها و مؤسسه‌های آموزش عالی و فنی حرفه‌ای به وسیله مربیان علمی و فنی حرفه‌ای و بر اساس برنامه تنظیمی توسط واحدهای مربوط در مؤسسه یا زندان انجام می‌گردد. ماده۱۳۹ـ آزمون سالیانه باید بر اساس برنامه رسمی دستگاههای مربوط در داخل زندانها بعمل آید و به محصل هر کلاس گواهینامه رسمی بدون اشاره به محکوم بودن او با انجام تشریفات خاص که جنبه تشویق به تحصیل داشته باشد اعطاء می‌گردد. ماده ۱۴۰ـ به منظور کمک به بازسازگاری اجتماعی محکومان و جذب کامل آنها در محیط اجتماعی، سازمان مکلف است وسایل تحصیلی ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و عالی و دوره‌های تخصصی، علمی و فنی حرفه‌ای را برای علاقه‌مندان به ادامه تحصیل با اجرای برنامه‌های عادی یا مکاتبه‌ای و رعایت مقررات مربوط بوسیله وزارتخانه‌ها و مؤسسه‌های مربوط و با همکاری آنان در داخل مؤسسه یا زندان فراهم نماید. ماده۱۴۱ـ پرداخت هزینه‌های مربوط به تحصیلات عالی از رهگذر برنامه‌های عادی یا مکاتبه‌ای با خود محکوم است سازمان مکلف است به هزینه محکوم کتابها و وسایل لازم را تهیه کرده، در اختیار او قرار دهد. تبصره: در صورتی که محکوم به جهت عدم بضاعت قادر به پرداخت هزینه‌های ذکر شده در این ماده نباشد پرداخت هزینه‌ها بوسیله انجمن حمایت از زندانیان صورت می‌گیرد. ماده۱۴۲ـ امتحانهای نهایی ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و عالی با نظارت مستقیم وزارتخانه‌ها و مؤسسه های مربوط در داخل مؤسسه یا زندان انجام می‌شود. ماده۱۴۳ـ محکوم با موافقت رییس زندان

آیین‌نامه سجل قضایی – مصوب ۱۳۸۴

احتراما: به پیوست یک نسخه آئین‌نامه سجل قضائی که در تاریخ ۲/۱۱/۱۳۸۴ به تصویب ریاست محترم قوه قضائیه رسیده است جهت اجرا و ابلاغ به کلیه واحدهای تابعه آن استان ارسال می‌گردد. رئیس حوزه ریاست قوه قضائیه ـ عبدالرضا ایزدپناه آیین‌نامه سجل قضایی – مصوب ۱۳۸۴ ماده۱ـ در دادسرای هر شهرستان دفتر سجل قضائی تشکیل و مستقر می‌شود. مسؤول این دفتر از میان قضات دادسرای عمومی و انقلاب به انتخاب دادستان و با تأیید و پیشنهاد مدیرکل عفو و بخشودگی و سجل قضایی از سوی رییس قوه قضائیه، منصوب خواهدشد. این دفتر در انجام تکالیف خود به شرح مواد آتی تابع اداره کل عفو و بخشودگی و سجل قضایی

است و دادستان بر نحوه انجام وظیفه آن نظارت دارد. تبصره۱ـ این دفتر مستخرجه امور ذکر شده در ماده۳ را در مورد کسانی که شناسنامه آنان در آن شهرستان صادر شده جمع‌آوری و حفظ خواهدنمود. تبصره۲ـ در دادگاههای عمومی بخش، ورقه‌های سجل قضائی به وسیله رئیس یا دادرس علی‌البدل تنظیم و به دفتر سجل قضائی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستانی که بخش مذکور تابع آنست ارسال می‌شود. ماده۲ـ مستخرجه احکام و تصمیمات مربوط به اشخاص زیر در اداره کل عفو و بخشودگی و سجل قضایی واقع در تهران نگاهداری می‌شود: ۱ـ اشخاصی که شناسنامه آنها در کشور ایران صادرشده باشد؛ ۲ـ اتباع ایرانی که شناسنامه آنان در کشورهای بیگانه صادر شده است؛ ۳ـ اشخاصی که صدور شناسنامه آنها معلوم نیست؛ ۴ـ اتباع کشورهای بیگانه ساکن ایران؛ ۵ ـ اشخاصی که تابعیت معینی ندارند و در خارج از ایران متولد شده‌اند، هر چند که پس از آن تابعیت ایران را تحصیل کرده باشند. تبصره ـ احکام مقامات قضائی کشورهای بیگانه راجع به محکومیت اتباع ایرانی یا محکومیت کسانی که پیش از این تابعیت ایران را داشته‌اند و یا بیگانگان و یا کسانی که تابعیت معینی ندارند و در خاک ایران مقیم هستند، در صورتی در برگ سجل قضائی قید می‌شود که موضوع محکومیت، به موجب قانون ایران، بزه شناخته شده باشد. ماده۳ـ سجل قضائی چهار نوع است: کیفری، مدنی، بازرگانی و اداری که موارد زیر بطور اختصار در آن درج می‌شود: الف ـ در امور کیفری: ۱ـ محکومیت‌های کیفری قطعی و قابل اجراء و تاریخ شروع و ختم آن‌ها و احکامی که در نتیجه اعاده دادرسی، آزادی مشروط یا تعلیق اجرای مجازات به ترتیب، احکام محکومیت را الغاء یا منتفی کرده است؛ ۲ـ حکم لغو تعلیق اجرای مجازات و حکم اجرای بقیه محکومیت بلحاظ تخلف از ترتیبات و شرایط آزادی مشروط؛ (موضوع تبصره ماده ۲۹ و تبصره۳ ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰). ۳ـ تصمیم مربوط به اعاده حیثیت و عفو عمومی یا بخشودگی و تخفیف و تبدیل کیفر. ب ـ در امور مدنی: احکام قطعی راجع به اعلام حجر یا رفع حجر. ج ـ در امور بازرگانی: احکام ورشکستگی تاجر و احکام مربوط به قرارداد ارفاقی و احکامی که حکم ورشکستگی را گسیخته و یا به ورشکسته اعاده حیثیت می‌دهد. د ـ در امور اداری: ۱ـ تصمیمات قطعی اداری راجع به اخراج بیگانه از کشور و الغاء آن؛ ۲ـ سلب تابعیت ایرانی از بیگانگانی که تابعیت ایران را تحصیل کرده‌اند و کسانی که ایرانی‌الاصل هستند؛ ۳ـ محکومیت به انفصال دایم از خدمات دولتی و دستگاههای مشمول قانون رسیدگی به تخلفات اداری، در دادگاههای عمومی و انقلاب، نظامی، ویژه روحانیت، تجدیدنظر، دادگاه و محکمه عالی انتظامی قضات، دیوان عالی کشور و هیأتهای رسیدگی به تخلفات اداری و محرومیت از تصدی سمتهای خاص و مدیریتی و محکومیت به اخراج از دستگاه متبوع. ماده۴ـ برگ سجل قضائی پس از انقضاء ۷۰ سال از تاریخ ولادت شخصی که سجل قضائی به نام او صادر شده یا پس از اطلاع رسمی از مرگ او از میان برده می‌شود و مراتب در دفتر سجل قضائی مربوط نیز قید می‌گردد. ماده۵ ـ برای افراد کمتر از ۱۸ سال که محکومیت کیفری پیدا می‌کنند برگ سجل قضایی تنظیم نخواهدشد. ماده۶ ـ محکومیت محکومانی که مورد عفو و بخشودگی قرار می‌گیرند در صورتی که زوال آثار محکومیت به مجازات در عفو تصریح شده باشد، از سجل قضایی آنان محو می‌شود. ماده۷ ـ هر کس می‌تواند از برگ سجل قضائی مربوط به خود بدون ذکر دلیل رونوشت بخواهد. ماده۸ ـ برگهای سجل قضائی بر دو قسم است. برگ شماره ۱ و برگ شماره۲. ماده۹ ـ در برگ شماره ۱ باید مستخرجه احکام و تصمیم‌های ذکرشده در ماده۳ در ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ قطعیت حکم و تصمیم قید شود این مستخرجه شامل نکات زیر خواهدبود: ۱ـ نام و نام خانوادگی محکوم و همچنین نام و نام خانوادگی پدر و مادر او؛ در صورتی که محکوم زن و از نام خانوادگی همسر خود استفاده کرده باشد نام خانوادگی زمان دوشیزگی و در صورت امکان عکس وی؛ ۲ـ کد ملی و شماره شناسنامه و تاریخ و محل صدور آن و شماره گذرنامه و هویت غیرواقعی یا اسم مستعار شخص محکوم. ۳ـ تاریخ و محل تولد محکوم. ۴ـ محل اقامت دائمی یا موقتی او. ۵ ـ تأهل و تعداد اولاد او. ۶ ـ شغل محکوم. ۷ ـ تابعیت او. ۸ ـ علامات مشخصه محکوم؛ ۹ ـ موضوع حکم یا تصمیم؛ ۱۰ـ تاریخ عملی که منجر به صدور حکم یا تصمیم شده با قید روز، ماه و سال؛ ۱۱ـ شماره و تاریخ حکم یا تصمیم؛ ۱۲ـ دادگاه یا مقام صادرکننده حکم یا تصمیم؛ ۱۳ـ

تصریح به قطعیت حکم یا تصمیم؛ ۱۴ـ مواد قانونی که مستند حکم یا تصمیم واقع شده است؛ ۱۵ـ مدت حبس و میزان جزای نقدی و محرومیت از تمام یا برخی از حقوق اجتماعی و در صورت تعلیق کیفر این نکته نیز باید قید شود؛ ۱۶ـ ذکر احتساب یا عدم احتساب مدت بازداشت در حکم محکومیت؛ ۱۷ـ تاریخ شروع و ختم اجرای کیفر؛ ۱۸ـ تغییراتی که در شناسنامه ذکر شده است؛ تبصره ـ چنانچه به هر طریق احکام قطعیت یافته موجب تبرئه متهم گردد از سجل قضایی متهم حذف می گردد. ماده ۱۰ـ مدیران دفاتر دادگاهها در امور کیفری، مدنی، بازرگانی و مسؤول هماهنگی هیأتهای بدوی رسیدگی به تخلفات اداری مکلفند از برگ شماره۱ چهار نسخه تهیه نمایند و به دفتر سجل قضائی مربوط ارسال دارند که یک نسخه در همان محل بایگانی و یک نسخه به دفتر سجل قضائی محل صدور شناسنامه محکوم و یک نسخه به اداره کل عفو و بخشودگی و سجل قضایی در تهران و یک نسخه به اداره تشخیص هویت مرکز استان محل صدور شناسنامه محکوم ارسال گردد. ماده۱۱ـ هرگاه معلوم شود که شناسنامه از محلی که اعلام شده، صادر نشده است، برگ سجل قضائی، به دفتر سجل قضائی ارسال‌کننده اعاده می گردد تا نسبت به تعیین محل صدور شناسنامه محکوم، تحقیق و بررسی بیشتری بعمل آید، در صورت حصول نتیجه، برگ سجل قضائی به دفتر سجل قضائی مربوط ارسال و اگر تحقیقات به نتیجه نرسیده برگ ذکر شده به اداره کل عفو و بخشودگی و سجل قضایی در تهران فرستاده می‌شود و صدور گواهی عدم سوءپیشینه برای این گونه افراد، منوط به احراز هویت واقعی آنان خواهدبود، تحقیق و بررسی در این خصوص به عهده اداره کل عفو و بخشودگی و سجل قضایی است. ماده۱۲ـ در مواردی که محکوم دارای پیشینه محکومیت تعلیقی است و مدت تعلیق مجازات منقضی نگردیده است، متصدی دفتر سجل قضائی محل صدور شناسنامه و در صورتی که محل صدور شناسنامه معلوم نباشد، اداره کل عفو و بخشودگی و سجل قضایی مکلف است مراتب را به دادستان مجری حکم اطلاع دهد تا در صورت لزوم نسبت به لغو حکم تعلیق مجازات اقدام نماید. ماده۱۳ـ به منظور اجرای مقررات این آئین‌نامه و حفظ و نگهداری پیشینه و اطلاعات مربوط به محکومان دادگاهها و تنظیم سجل قضائی و فهرست اسامی و مشخصات مشمولان عفو و تخفیف مجازات و سهولت انجام امور قضائی و اداری، اداره کل عفو و بخشودگی و سجل قضایی و دفاتر سجل قضائی مراکز استانها و شهرستانها، به تدریج به سیستم رایانه‌ای مجهز خواهندشد. تبصره ـ برگهای سجل قضائی به ترتیب حروف الفبا و براساس حرف اول نام‌خانوادگی محکوم تنظیم می‌شود. برای اتباع کشورهای بیگانه برگ سجل قضائی جداگانه به ترتیب یادشده تنظیم می گردد. ماده۱۴ـ تمامی برگهای سجل قضائی باید به ترتیب تاریخ در پرونده نگاهداری گردد. ماده۱۵ـ نسبت به اتباع کشورهای بیگانه در صورت وجود قرارداد معاضدت قضایی، اداره کل عفو و بخشودگی و سجل قضایی باید رونوشتی از برگ شماره ۱ را تهیه نموده و از طریق اداره کل امور حقوقی و اسناد و امور مترجمان قوه قضائیه و وزارت امور خارجه به کشور متبوع شخص محکوم ارسال دارد. ماده۱۶ـ درخواست تقاضاکننده برگ شماره۱ باید حاوی نکات زیر باشد: ۱ـ نام و نام خانوادگی، نام پدر شخص مورد درخواست؛ ۲ـ تاریخ تولد، محل صدور شناسنامه و شماره آن و کدملی؛ ۳ـ شماره گذرنامه برای اتباع بیگانه؛ ماده۱۷ـ برگ شماره ۱ به مقامات زیر در صورت تقاضای آنان داده می‌شود: ۱ـ شخص محکوم؛ ۲ـ دادگاهها، دادسراها، اداره‌های تصفیه و بخشهای ستادی قوه قضائیه؛ ۳ـ نیروی انتظامی؛ ۴ـ نیروی مسلح جمهوری اسلامی ایران؛ ۵ ـ مراجع صلاحیتدار برای تعیین صلاحیت و رسیدگی به شکایات مربوط به انتخابات؛ ۶ ـ بنگاههای عام‌المنفعه؛ ۷ ـ اداره‌های دولتی به هنگام تقاضای استخدام اشخاص و تعقیب انضباطی و انتظامی کارمندان و قبول تقاضای مزایده و مناقصه و اجازه بازکردن مدارس غیردولتی و اعطای نشان و مدال؛ ۸ ـ تمامی مراجعی که براساس قانون مجاز به استعلام از پیشینه افراد می‌باشند. ماده۱۸ـ برگ شماره ۲ همانند برگ شماره ۱ است به جز نکات زیرکه در آن قید نمی‌شود: ۱ـ محکومیت‌هائی که در نتیجه عفو یا اعاده حیثیت زائل شده است؛ ۲ـ محکومیت‌های تعلیقی قطعیت یافته در صورتی که محکوم در ظرف مدت تعلیق حکم، محکومیت قطعی جدیدی پیدا نکرده باشد؛ ۳ـ ورشکستگانی که به موجب حکم دادگاه بی‌تقصیر اعلام شده یا قرارداد ارفاقی آنان را دادگاه تصدیق کرده باشد؛ ۴ـ محکومیت به بزه‌هائی که به علت

قانونی ساقط شده باشد. ماده۱۹ـ درخواست‌کننده برگ سجل قضائی شماره۲ می‌تواند به دفاتر سجل قضائی مستقر در محل سکونت یا محل صدور شناسنامه مراجعه نماید. تبصره۱ـ در مواردی که محل صدور شناسنامه درخواست‌کننده معلوم نیست باید بطور انحصاری به اداره کل عفو و بخشودگی و سجل قضایی مراجعه شود. تبصره۲ـ درخواست‌کنندگان خارج از کشور از طریق نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران در کشور محل اقامت مراجعه می‌نمایند. ماده۲۰ـ متقاضیان اخذ گواهی عدم سوءپیشینه در داخل کشور و متقاضیان خارج از کشور، به ترتیب می‌توانند به اداره کل عفو و بخشودگی و سجل قضایی، یا دفتر سجل قضایی محل صدور شناسنامه خود و نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران مراجعه نمایند. ماده۲۱ـ رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح یا یکی از معاونان او موظف است نسبت به احکام محکومیت دادگاههای نظامی تمامی استانها و شهرستانها برگ سجل قضایی شماره۱ را مطابق بند الف ماده۳ و ماده۹ در چهار نسخه تنظیم و یک نسخه را بایگانی نماید و سه نسخه دیگر را بطور مستقیم به اداره کل عفو و بخشودگی و سجل قضایی ارسال دارد. این اداره نیز نسخه اول آن را نگهداشته و نسخه دوم را به دفتر سجل قضائی محل صدور شناسنامه محکوم و نسخه سوم را به اداره کل تشخیص هویت ناجا ارسال می‌دارد. اگر محل صدور شناسنامه معلوم نباشد نسخه دوم نیز در اداره کل عفو و بخشودگی و سجل قضایی نگهداری خواهدشد. ماده۲۲ـ چنانچه متقاضی صدور گواهی عدم سوءپیشینه، محکومیت مؤثر کیفری نداشته باشد گواهی عدم سوءپیشینه صادر می‌شود. چنانچه مراجع ذکرشده در ماده ۱۷ برگ شماره۱ را درخواست نمایند در اینصورت تمامی محکومیت‌ها صرفنظر از نوع آنها اعلام خواهدشد. ماده۲۳ـ به منظور بهره‌برداری از اطلاعات جمع‌آوری و ذخیره شده در اداره کل عفو و بخشودگی و سجل قضایی و دفاتر وابسته به آن در شهرستانها، این اداره کل مکلف است ضمن رعایت اسرار محکومان پس از تصویب رئیس قوه قضائیه و همکاری دانشکده‌های حقوق و مؤسسه‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی و سازمانهای وابسته به قوه قضائیه و سایر نهادهای مربوط با بررسی و مطالعه مستخرجه‌ها و پرسش‌نامه‌های ارسالی از واحدهای اجرای احکام دادسراها نسبت به طبقه‌بندی جرائم ارتکابی از حیث نوع جرم، علل ارتکاب جرم، سن و جنسیت مجرمان، وضعیت خانوادگی و اقتصادی و تحصیلی آنان و نظایر آن، اقدام نموده و اطلاعات حاصل شده را به منظور اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و مبارزه با علل یا عوامل ارتکاب جرم و تهیه و تدوین قوانین متناسب در اختیار قوه قضائیه و نهادهای دولتی و مؤسسه‌های مربوط بگذارد. ماده۲۴ـ هرگاه اشتباهی در تنظیم برگ سجل قضایی رخ دهد دادسرای تنظیم‌کننده برگ یا دادسرای محل صدور شناسنامه باید به اداره کل عفو و بخشودگی و سجل قضایی اطلاع دهد تا دایره سجل قضایی آن اداره اقدام به اصلاح آن نماید پس از اصلاح برگ اشتباه شده اداره کل عفو و بخشودگی و سجل قضایی به دادسرای تنظیم‌کننده برگ و دادسرای محل صدور شناسنامه دستور اصلاح برگهای بایگانی شده در آنجا را خواهد داد. ماده۲۵ـ این آئین‌نامه در ۲۵ ماده و ۷ تبصره در تاریخ ۲/۱۱/۱۳۸۴ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسیده است و مقررات پیشین از جمله آیین‌نامه مصوب ۱۹/۲/۱۳۲۱ ملغی است.

اصلاحیه آئین‌نامه سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور – مصوب ۱۳۸۴

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور احتراما: پیرو نامه شماره ۱۲۴۴۰/۸۴/۱ ـ ۲۳/۹/۱۳۸۴ بدینوسیله اصلاحات حروفچینی انجام شده درخصوص آئین‌نامه سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. رئیس حوزه ریاست قوه قضائیه ـ عبدالرضا ایزدپناه اصلاحیه آئین‌نامه سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ۱ـ در ابتدای تبصره ماده ۵ « مؤسسه» به « مؤسسه ی کیفری» تبدیل شود. ۲ـ در صدر ماده ۲۴ پس از واژه رییسان، واژه « زندان‌ها» و ویرگول‌های قبل و بعد این واژه حذف شوند. ۳ـ در جمله آخر بند ۱۶ ماده ۳۰ واژه « مراقب» به « مراقبت» تبدیل شود. ۴ـ در بند نخست ماده ۳۹ واژه « مافی» به « تدابیری» تبدیل شود. ۵ ـ در جمله‌ی آخر صدر ماده ۴۴ واژه « پرسی» به « رییس» تبدیل شود. ۶ ـ

در بند ۴ ماده ۴۴، واژه « بازرس» به « با رییس» تبدیل شود. ۷ ـ در صدر ماده ۵۰ پس از واژه زندان‌ها حرف « واو» اضافه و پس از واژه اشتغال حرف « واو» حذف شود. ۸ ـ در جمله دوم تبصره ماده۱۱۶ پیش از قاضی ناظر، واژه « با» به « به» تبدیل گردد. ۹ ـ در متن ماده ۲۱۳ شماره ماده ذکر شده در متن از ۱۲۵ به ۱۲۴ تغییر یابد. ۱۰ ـ در متن ماده ۲۱۴ عدد « ۲۱۴» به « ۲۱۳» تبدیل شود. ۱۱ـ در متن ماده ۲۲۲، پیش از واژه ۲۲۱ ویرگول حذف گشته و « واو» اضافه شود. ۱۲ـ در متن ماده ۲۲۲ عدد « ۲۲۲» اخیر حذف شود. ۱۳ـ در صدر ماده‌ی ۲۳۲ پس از واژه « رییسان» واژه « زندان‌ها» اضافه شود. ۱۴ـ در یک جمله مانده به آخرین جمله تبصره۲ ماده ۲۳۵ واژه « آیین‌نامه» به « ماده» تبدیل شود. ۱۵ـ در ذیل تبصره۲ ماده ۲۳۵، پس از عبارت « فرم مربوط به ماده۲۲۸» عدد «۲۲۸» به «۲۳۵» تغییر یابد. ۱۶ـ در عنوان بخش چهارم پس از عبارت « آماده‌سازی برای خروج از زندان» « واو» اضافه شود.

بخشنامه به واحدهای قضایی و سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور – مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۱۰

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور تصویر بخشنامه شماره ۱۱۴۲۵/۸۶/۱ ـ ۱۰/۱۱/۱۳۸۶ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. بخشنامه به واحدهای قضایی و سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به منظور تسهیل اجرای وظایف هیأت قضایی ویژه اعزامی به استانها برای بازرسی محاکم و زندانها و نیز تعیین تکلیف زندانیانی که واجد شرایط آزادی بوده و رفع مشکلات احتمالی سایرین مقرر می‌دارد: ۱ـ نمونه تنظیمی پیوست تکثیر و در اختیار زندان قرار گیرد تا بین متقاضیان توزیع و پس از تکمیل بخشهای مرتبط با زندان و زندانی و صدور دستور هیأت، در مرجع‌قضایی مربوط مورد اقدام مناسب قرار گیرد و نتیجه به صورت ماهیانه به حوزه ریاست قوه قضاییه ارسال شود. ۲ـ در زندانهایی که تا کنون شورای حل اختلاف ایجاد نشده است حداکثر تا پایان ماه جاری با تمهیدات لازم نسبت به تشکیل شورا و فراهم کردن موجبات فعالیت و ارائه آمار عملکرد آن به هیأت مزبور اقدام شود. ۳ـ پس از صدور قرار تأمین و اعزام متهم به زندان، در صورت ارسال پرونده به دادگاه یا مراجع قضایی دیگر، مراتب در هر مرحله به زندان اعلام شود. مدیران زندانها نیز علاوه بر انعکاس تغییر محل نگهداری زندانی به مرجع قضایی مربوط در موارد احضار زندانیان، آنان را در زمان مقرر و بدون تعلل و تأخیر به مراجع قضایی احضارکننده اعزام و معرفی نمایند. ۴ـ علاوه بر تأکید در اخذ تأمین‌های متناسب و از جمله استفاده از قرارهای التزام به حضور با قول شرف و التزام به حضور با تعیین وجه التزام به ویژه درخصوص کارکنان دولت و مدیران شرکتها و کارخانجات و اشخاص معروف به صلاح و اعتبار در میان مردم و پرهیز از رویه‌های سخت‌گیرانه و غیرمتعارف، در اجرای بخشنامه‌های شماره ۴۷/۸۰/۱ ـ ۷/۱/۱۳۸۰ و ۶۹۳۳/۷۸/۱ ـ ۱۹/۷/۱۳۷۸ از حیث اعمال تعلیق اجرای مجازاتها در محکومیت‌های تعزیری و بازدارنده و همچنین صدور حکم آزادی‌های مشروط در موارد پیشنهادی و با وجود شرایط برخورداری از آنها، اهتمام بیشتری به عمل آید. ۵ ـ رؤسای کل دادگستری‌ها با بررسی عملکرد قضات دادسراها در صدر قرارهای تأمین در صورت مشاهده رویه‌های سخت‌گیرانه و عدم پذیرش کفیل و وثیقه مراتب را به حوزه ریاست قوه قضاییه جهت بررسی اعلام نمایند. رؤسای واحدهای قضایی و سازمان زندانها در قسمت‌های مرتبط بر حُسن اجرای بخشنامه و همکاری‌های مؤثر با هیأت مذکور نظارت و مساعی لازم معمول دارند. رئیس قوه قضائیه ـ سیدمحمود هاشمی‌شاهرودی

۹– مقررات مختلفه

ماده واحده مربوط به تغییر و اصلاح مجازاتهای خلافی – مصوب ۱۳۵۳

نظر به حکم مقرر در ماده ۱۲ قانون مجازات عمومی مصوب خرداد ۱۳۵۲ با اختیار حاصل از ماده ۲۷۶ قانون مزبور وزارت

دادگستری و وزارت کشور ماده واحده زیر را تصویب می‌نمایند: ماده واحده ـ برای کلیه جرایم خلافی موضوع آیین نامه هایی که به استناد ماده ۲۷۶ قانون مجازات عمومی تصویب شده است به ترتیب زیر تعیین مجازات می‌شود: ۱ ـ در مواردی که مجازات جرم خلافی فقط حبس تکدیری است به جای هر روز حبس تکدیری از یکصد ریال تا پانصد ریال جزای نقدی تعیین می‌شود. ۲ ـ در مواردی که مجازات جرم خلافی فقط جزای نقدی (غرامت یا جریمه نقدی است به ترتیب زیر عمل خواهد شد: الف ـ در صورتی که حداکثر جزای نقدی بیشتر از پنجاه ریال نباشد جزای نقدی از دویست ریال تا پانصد ریال تعیین می‌شود. ب ـ در صورتی که حداکثر جزای نقدی کمتر از پنجاه و یک ریال و بیشتر از یکصد ریال نباشد جزای نقدی از دویست ریال تا یکهزار ریال تعیین می‌شود. ج ـ در صورتی که حداکثر جزای نقدی کمتر از یکصد و یک ریال نباشد جزای نقدی از دویست ریال تا دو هزار ریال تعیین می‌شود. ۳ ـ در مواردی که مجازات حبس تکدیری توام با جزای نقدی باشد به جای هریک از آنها به ترتیب مذکور در بندهای ۱ و ۲ این ماده جزای نقدی تعیین و با هم جمع خواهد شد و مجموع آن در هرحال نباید از پنج هزار ریال تجاوز کند.

قانون مبارزه با قاچاق انسان

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سیدمحمد خاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران لایحه مبارزه با قاچاق انسان که از سوی دولت به شماره ۴۷۸/۲۶۸۶۲ مورخ ۱۱/۱/۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی تقدیم و دو فوریت آن در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۲۷/۲/۱۳۸۳ تصویب شده بود در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۲۸/۴/۱۳۸۳ مجلس با اصلاحاتی به تصویب رسید به لحاظ انقضای مهلت مقرر موضوع اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و عدم وصول پاسخ شورای نگهبان ، در اجرای اصل یکصدوبیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست ارسال می گردد. رییس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حداد عادل شماره ۳۰۲۸۸ ۴/۶/۱۳۸۳ وزارت دادگستری قانون مبارزه با قاچاق انسان که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و هشتم تیرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و بدون ارایه نظر از سوی شورای نگهبان در مهلت مقرر در اصل نود و چهارم قانون اساسی طی نامه شماره ۴۲۳۹۹/۴۵ مورخ ۲۵/۵/۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجرا ابلاغ می گردد. رییس جمهور ـ سیدمحمد خاتمی قانون مبارزه با قاچاق انسان ماده ۱ـ قاچاق انسان عبارتست از: الف ـ خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سو استفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سو استفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده، به قصد فحشا یا برداشت اعضا و جوارح ، بردگی و ازدواج. ب ـ تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفا فرد یا افراد موضوع بند (الف) این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود. ماده ۲ـ اعمال زیر در حکم (قاچاق انسان) محسوب می شود: الف ـ تشکیل یا اداره دسته یا گروه که هدف آن انجام امور موضوع ماده (۱) این قانون باشد. ب ـ عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت) ، حمل یا انتقال مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد به طور سازمان یافته برای فحشا یا سایر مقاصد موضوع ماده (۱) این قانون هر چند با رضایت آنان باشد. ج ـ عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت)، حمل یا انتقال غیرمجاز افراد به قصد فحشا هرچند با رضایت آنان باشد. ماده ۳ـ چنانچه عمل مرتکب (قاچاق انسان) از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی باشد مطابق مجازات های مقرر در قانون یادشده و در غیراین صورت به حبس از دو تا ده سال و پرداخت جزای نقدی معادل دوبرابر وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است ، محکوم می شود. تبصره ۱ـ چنانچه فرد قاچاق شده کمتر از هجده سال تمام داشته باشد و عمل ارتکابی از مصادیق محاربه و افساد فی الارض نباشد ، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم می شود. تبصره ۲ـ کسی که شروع به ارتکاب جرایم موضوع این قانون نماید لیکن نتیجه منظور بدون اراده وی محقق نگردد، به شش ماه تا دو سال حبس

محکوم می گردد. تبصره۳ـ مجازات معاونت در جرم (قاچاق انسان) به میزان دو تا پنج سال حبس حسب مورد و نیز جزای نقدی معادل وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است ، خواهد بود. ماده ۴ـ هرگاه کارکنان دولت یا موسسات، شرکتها و سازمانهای وابسته به دولت و نیروهای مسلح یا موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی یا نهادهای انقلاب اسلامی یا به طور کلی کارکنان قوای سه گانه به نحوی از انحا در جرایم موضوع این قانون دخالت داشته باشند ، علاوه بر مجازات های مقرر در این قانون، باتوجه به نقش مجرم به انفصال موقت یا دایم از خدمات محکوم خواهند شد. ماده ۵ ـ چنانچه موسسات و شرکتهای خصوصی به قصد ارتکاب جرایم موضوع این قانون ، ولو بانام و عنوان دیگری تشکیل شده باشند، علاوه بر اعمال مجازات های مقرر ، پروانه فعالیت یا مجوز مربوط ابطال و موسسه و شرکت به دستور مقام قضایی تعطیل خواهد گردید. ماده۶ـ چنانچه (قاچاق انسان) توام با ارتکاب جرایم دیگری تحقق یابد، مرتکب یا مرتکبان علاوه بر مجازات مقرر در این قانون ، به مجازات های مربوط به آن عناوین نیز محکوم خواهند شد. ماده ۷ـ هر تبعه ایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرایم موضوع این قانون گردد، مشمول مقررات این قانون خواهد بود. ماده ۸ ـ تمامی اشیا ، اسباب و وسایط نقلیه ای که عالما و عامدا به امر (قاچاق انسان) اختصاص داده شده اند به نفع دولت ضبط خواهد شد. قانون فوق مشتمل بر هشت ماده و سه تبصره درجلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و هشتم تیرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و نظر شورای نگهبان در مهلت مقرر موضوع اصل نود وچهارم (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران واصل نگردید. رییس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حداد عادل

قانون راجع به حفظ آثار ملی – مصوب آبان ماه ۱۳۰۹ (ماده ۱ تا ۲۰)

ماده ۱ ـ کلیه آثار صنعتی و ابنیه و اماکنی را که تا اختتام دوره سلسله زندیه در مملکت ایران احداث شده اعم از منقول و غیرمنقول با رعایت ماده ۱۳ این قانون می‌توان جز آثار ملی ایران محسوب داشت و در تحت حفاظت و نظارت دولت می‌باشد. ماده ۲ ـ دولت مکلف است از کلیه آثار ملی ایران که فعلا معلوم و مشخص است و حیثیت تاریخی یا علمی یا صنعتی خاصی دارد فهرستی ترتیب داده و بعدها هم هر چه از این آثار مکشوف شود ضمیمه فهرست مزبور بنماید. فهرست مزبور بعد از تنظیم طبع شده و به اطلاع عامه خواهد رسید. ماده ۳ ـ ثبت مال در فهرست آثار ملی پس از تشخیص و اجازه کتبی وزارت معارف خواهد بود ولکن ثبت مالی که مالک خاصی داشته باشد باید قبلا به مالک اخطار شود و قطعی نمی‌شود مگر پس از آن که به مالک اخطار و به اعتراض او اگر داشته باشد رسیدگی شود و وظایف مقرره در این قانون راجع به آثار ملی فقط پس از قطعی شدن ثبت بر عهده مالک تعلق خواهد گرفت ماده ۴ ـ مالک مال غیرمنقولی که مطابق این قانون از آثار ملی می‌توان محسوب داشت و همچنین هر کسی که بر وجود چنین مالی پی ببرد باید به نزدیکترین اداره مربوطه از ادارات دولتی اطلاع بدهد تا در صورتی که مقامات صالحه مقرره در نظامنامه اجرایی این قانون تصدیق نمودند که از آثار ملی است در فهرست آثار ملی ثبت بشود. ماده ۵ ـ اشخاصی که مالک یا متصرف مالی باشند که در فهرست آثار ملی ثبت شده باشد می‌توانند حق مالکیت یا تصرف خود را حفظ کنند ولکن نباید دولت را از اقداماتی که برای حفاظت آثار ملی لازم می‌داند ممانعت نمایند. در صورتی که عملیات دولت برای حفاظت مستلزم مخارجی شود دولت از مالک مطالبه عوض نخواهد نمود و اقدامات مزبور مالکیت مالک را متزلزل نخواهد کرد. ماده ۶ ـ عملیات مفصله ذیل ممنوع و مرتکبین آن به موجب حکم محکمه قضایی به ادای پنجاه تومان الی هزار تومان جزای نقدی محکوم خواهند شد و به علاوه معادل خسارتی که به واسطه عمل خود بر آثار ملی وارد ساخته‌اند می‌توان از ایشان اخذ نمود: الف ـ منهدم کردن یا خرابی وارد آوردن به آثار ملی و مستور ساختن روی آنها به اندود و یا رنگ و رسم کردن نقوش و خطوط بر آنها. ب ـ اقدام به عملیاتی در مجاورت آثار ملی که سبب تزلزل بنیان یا به تغییر صورت آنها شود. ج ـ تملک و معامله بدون اجازه دولت نسبت به مصالح و

مواد متعلق به ابنیه مذکوره در فهرست آثارملی اقدام به مرمت و تجدید بنایی از آثار ملی که در تصرف اشخاص باشد باید با اجازه و تحت نظر دولت واقع شود و الا مجازات های سابق الذکر ممکن است به مرتکب تعلق گیرد. ماده ۷ ـ اموال منقوله که از آثار ملی محسوب و مالک خصوصی داشته باشد باید در فهرست جداگانه به ترتیبی که در ماده ۳ مقرر است ثبت شود. ماده ۸ ـ برای هر مال منقولی که در فهرست آثار ملی ثبت شده باید یک معرفی نامه در دو نسخه‌تنظیم شود که وصف اصل و منشا و کیفیت اکتشاف آن را معلوم کند و به یک یا چندین عکس از آن‌منضم باشد. یک نسخه از این معرفی‌نامه در دفتر آثار ملی دولت مضبوط و یک نسخه دیگر مجانا به مالک مال داده می‌شود و در هر قسم نقل و انتقال آن مال باید آن نسخه معرفی نامه همراه باشد و آثاری که برثبت مال در فهرست آثار ملی مترتب می گردد در تغییر ایادی نسبت به آن مال منفک نخواهد شد. ماده ۹ ـ با توجه به قانون مجازات اسلامی نسخ شده است ماده ۱۰ ـ هرکس اموال منقوله که مطابق این قانون از آثار ملی محسوب تواند شد برحسب تصادف‌و اتفاق به دست آورد اگرچه در ملک خود او باشد باید هر چه زودتر به وزارت معارف یا نمایندگان او اطلاع بدهد. هرگاه مقامات مربوطه دولتی اموال مزبوره را قابل ثبت در فهرست آثار ملی دانستند نصف آن اموال به کاشف واگذار یا قیمت عادله آن به تصدیق اهل خبره به او داده می‌شود و نسبت به نصف دیگر دولت اختیار دارد که ضبط یا بلاعوض به کاشف واگذار کند. ماده ۱۱ ـ حفر اراضی و کاوش برای استخراج آثار ملی منحصرا حق دولت است و دولت مختار است که به این حق مستقیما عمل کند یا به موسسات علمی یا به اشخاص یا شرکتها واگذار نماید ـ واگذاری این حق از طرف دولت به موجب اجازه نامه مخصوص باید باشد که محل کاوش و حدود و مدت آن را تعیین نماید و نیز دولت حق دارد در هر مکان که آثار و علایمی ببیند و مقتضی بداند برای کشف و تعیین نوع و کیفیت آثار ملی اقدامات اکتشافیه بنماید. ماده ۱۲ ـ حفاری اگر فقط برای کشف آثار ملی و تحقیقات علمی باشد، حفاری علمی و اگر برای خرید و فروش اشیای عتیقه باشد حفاری تجارتی است اجازه حفاری علمی فقط به موسسات علمی داده می‌شود. در ابنیه و اموال غیرمنقوله که در فهرست آثار ملی ثبت شده حفاری تجارتی ممنوع است ماده ۱۳ ـ حفاری در اراضی که مالک خصوصی دارد گذشته از اجازه دولت استرضای مالک را نیزلازم دارد. در محلهایی که در فهرست آثار ملی ثبت شده یا دولت پس از اقدامات اکتشافیه آنها را در فهرست ثبت کند مالک حق امتناع از اجازه حفاری ندارد و فقط می‌تواند حقی مطالبه کند و ماخذ تعیین این حق ضعف اجرت‌المثل زمینی است که مالک به واسطه حفر از استفاده آن محروم می گردد به علاوه خسارتی که به مالک وارد می‌شود و مخارجی که بعد از حفاری برای اعاده زمین به حالت اولیه باید نمود. ماده ۱۴ ـ در ضمن عملیات حفاری علمی یا تجارتی آنچه در یک محل و یک موسم کشف شود اگر مستقیما توسط دولت کشف شده تماما متعلق به دولت است و اگر دیگری کشف کرده باشد دولت تا ده فقره از اشیایی که حیثیت تاریخی و صنعتی دارد می‌تواند انتخاب و تملک و از بقیه نصف را مجانا به کاشف واگذار و نصف دیگر را ضبط کند، هرگاه کلیه اشیا زاید بر ده فقره نبوده و دولت همه را ضبط کند مخارجی را که حفرکننده متحمل شده است به او می‌پردازد. ابنیه و اجزای ابنیه از تقسیم فوق مستثنی است و دولت می‌تواند تمام را متصرف شود. تبصره ـ مقصود از یک موسم یک دوره عملی است که مدت آن از یک سال بیشتر نباشد. ماده ۱۵ ـ اشیایی که در نتیجه حفاری علمی کشف شود آنچه سهم دولت باشد باید در مجموعه ها و موزه های دولتی ضبط شود و فروش آنها جایز نیست و آنچه سهم کاشف باشد متعلق به خود اوست اشیایی که از حفاری تجارتی حاصل شده باشد دولت از قسمتی که به خود او تعلق می گیرد هرچه قابل موزه باشد ضبط و بقیه را به هر نحو مقتضی بداند نقل و انتقال می‌دهد فروش این اموال ازطرف دولت به مزایده خواهد بود. ماده ۱۶ ـ متخلفین از ماده ۱۰ و همچنین کسانی که بدون اجازه و اطلاع دولت حفاری کنند ولو درملک خودشان باشد و کسانی که اموال آثار ملی را به طور قاچاق از مملکت خارج کنند محکوم به بیست تومان الی دو هزار تومان جزای نقدی خواهند شد و اشیای مکتشفه هم برای دولت ضبط می‌شود. حفر اراضی و عملیات نظیر آن در صورتی که به قصد کشف آثار عتیقه واقع نشده باشد مستوجب مجازات سابق الذکر نخواهد بود. ماده ۱۷ ـ کسانی که بخواهند تجارت

اشیای عتیقه را کسب خود قرار دهند باید از دولت تحصیل اجازه کرده باشند و همچنین خارج کردن آنها از مملکت به اجازه دولت باید باشد و اگر کسی بدون اجازه دولت درصدد خارج کردن اشیایی که در فهرست آثار ملی ثبت شده برآید اشیای مزبور ضبط دولت می‌شود. نسبت به اشیایی که بر طبق ماده ۱۰ و ۱۴ این قانون سهم کاشف شده اگر در فهرست آثار ملی ثبت نشده ، دولت از دادن جواز صدور امتناع نخواهد نمود و اگر در فهرست مزبور ثبت شده مشمول مقررات ماده هیجدهم خواهد بود. ماده ۱۸ ـ اشیایی که از آثار ملی محسوب است هرگاه بخواهند تقاضای جواز صدور نمایند دولت حق دارد از اجازه صدور امتناع نموده و به قیمتی که صادرکننده برای صدور جواز در تقاضانامه خوداظهار کرده ابتیاع نماید و اگر مالک از فروش به قیمت اظهار شده امتناع نمود جواز صدور داده نخواهد شد و هرگاه اجازه صدور داده شد معادل صدی پنج از قیمت عادله آن به تقویم مقوم دولتی حق صدور اخذ می‌شود. اگر بین صاحب مال و مقوم اختلاف شود کمیسیون مخصوصی که تشکیل‌آن در نظامنامه اجرایی این قانون پیش بینی می‌شود رفع اختلاف خواهد نمود. حق صدور مذکور در این ماده غیر از حقوق گمرکی است که بر طبق تعرفه گمرکی از این اشیا ماخوذ می‌گردد. صدور اشیایی که از حفاری علمی با اجازه دولت حاصل شده و سهم کاشف باشد در هر حال جایز و از پرداخت هرگونه حقوق و عوارض معاف است ماده ۱۹ ـ برای تعیین شرایط تجارت اشیای عتیقه و همچنین اجرای کلیه مقررات این قانون نظامنامه مخصوصی تهیه شده و به تصویب هیات وزرا خواهد رسید. ماده ۲۰ ـ اجازه هایی که تاکنون برای حفاری داده شده در صورت عدم موافقت با این قانون از درجه اعتبار ساقط است

لایحه قانونی مجازات اخلال در امر کشاورزی و دامداری – مصوب آذرماه ۱۳۵۸ (ماده ۱ تا ۵

به منظور حفظ نظم و نسق زراعت و جلوگیری از اخلال در کاشت و داشت و برداشت محصولات کشاورزی و دامی و درنتیجه ممانعت از تعطیل یا توقف کشاورزی کشور لایحه قانونی مجازات اخلال کنندگان در نظم و امنیت در امر کشاورزی و دامداری مشتمل بر پنج ماده به شرح زیر تصویب می‌گردد: ماده ۱ ـ هرکس بدون مجوز قانونی اقدام به تصرف اراضی مزروعی و باغات و قلمستان ها و اراضی و مراتع ملی شده و جنگلهای ملی و امثال آنها و منابع آب و موسسات کشاورزی و تاسیسات دامداری و واحدهای کشت و صنعت واقع در محدوده و یا خارج از محدوده شهرها و روستاها بنماید اعم از اینکه اراضی مزبور زراعت شده و یا در حال آیش باشد و نیز هرکس با صحنه سازی ازقبیل پی کنی ـ دیوارکشی ـ کرت بندی ـ نهرکشی ـ غرس اشجار ـ زراعت و امثال آنها به تهیه آثار تصرف در اراضی متصرفی دیگری به منظور متصرف و ذی حق معرفی کردن خود اقدام نماید به حبس جنحه ای از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود و به علاوه دادگاه می‌تواند مرتکب را به اقامت‌اجباری از سه ماه تا یک سال در یکی از نقاطی که وزارت دادگستری تعیین خواهد نمود محکوم نماید. تبصره ـ هرگاه شاکی خصوصی نسبت به جرم متهم یا محکوم گذشت نماید تعقیب در هر حال متوقف و مجازات معلق می‌گردد. ماده ۲ ـ هرگاه جرم در روستا به‌وسیله غیر ساکنان آن روستا صورت گیرد و مرتکبین از دو نفر بیشتر باشند مجازات مرتکبین از سه ماه تا سه سال حبس جنحه ای به علاوه اقامت اجباری از یک تا سه سال در یکی از نقاطی که وزارت دادگستری تعیین می‌کند خواهد بود. ماده ۳ ـ رسیدگی به جرایم فوق در دادسراهای عمومی و خارج از نوبت به عمل خواهد آمد و درصورت وجود دلایل کافی بر توجه اتهام قرار بازداشت موقت متهم صادر خواهد شد. ماده ۴ ـ هرگاه اعمال مذکور قبل از تصویب این قانون واقع شده باشد و موضوع در هیاتهای مندرج در قوانین مصوب ۱۴/۱ و ۲/۵/۵۸ مطرح شده باشد اعم از اینکه به صدور حکم منتهی شده یا نشده باشد هرگاه مرتکب ظرف ده روز از تاریخ اجرای این قانون ملک را به متصرف قبلی تحویل ننمایدمشمول مقررات این قانون خواهد بود. ماده ۵ ـ در مورد مواد ۱ و ۴ تعقیب کیفری منوط به شکایت متضرر از جرم است و در صورت گذشت حسب مورد تعقیب یا اجرای مجازات موقوف می‌گردد.

قانون راجع به مجازات اخلالگران در صنایع نفت ایران – مصوب مهر ماه ۱۳۳۶ (ماده ۱ تا ۱۸

ماده ۱ ـ هر کس عمدا و به قصد سو هریک از واحدهای عمده صنعت نفت را از قبیل چاهها یا مراکز جدا کردن نفت از گاز یا مراکز جمع آوری نفت یا دستگاههای تصفیه یا مخازن نفت یا مراکز بارگیری یا اسکله های عمده یا تلمبه خانه ها یا کشتیهای حامل نفت یا مراکز تولید نیرو یا ادارات یا انبارهای صنایع نفت را آتش بزند و یا به هر وسیله دیگر منهدم کند به مجازات اعدام‌محکوم‌می‌شود. ماده ۲ ـ هرکس عمدا و به قصد سوعملی کند که منجر به سوختن یا انهدام تمام یا قسمتی از هریک از ماشینها یا آلات و ادوات مربوط به اکتشاف یا تولید یا تصفیه یا باربری یا توزیع نفت خام و فرآورده‌های نفتی یا ابنیه یا وسایط نقلیه یا وسایل بندری و ارتباطات و مخابرات متعلق به صنایع نفت بشود به حبس موقت با اعمال شاقه از سه سال تا پانزده سال محکوم خواهد شد. ماده ۳ ـ هرکس به منظور خرابکاری (سابوتاژ) عملی کند که بدون آنکه منتهی به انهدام یکی ازواحدهای مذکور در ماده ۱ گردد و موجب تعطیل تمام یا قسمتی از آنها بشود به حبس مجرد از دوسال تا ده سال محکوم خواهد شد. تبصره ـ چنانچه عمل مذکور در این ماده موجب از کار افتادن ماشین و غیر آن نشود ولیکن باعث تعطیل کار گردد مرتکب به حبس تادیبی از سه ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. ماده ۴ ـ هرگاه هر یک از اعمال مذکور در مواد ۲ و ۳ موجب هلاک نفس شود مرتکب محکوم به اعدام خواهد گردید. ماده ۵ ـ هرکس نقشه‌ها یا دفاتر یا اسنادی را که تخریب و یا از بین بردن آنها ممکن است موجب اختلال صنایع نفت گردد به هر نحو تخریب کند و یا از بین ببرد محکوم به حبس تادیبی از سه ماه تادو سال خواهد شد. ماده ۶ ـ هرکس موانعی برای اجرای وظایف تاسیسات آتش نشانی صنایع نفت ایجاد نماید و یا به منظور جلوگیری از خاموش کردن آتش وسایل آتش نشانی را از محل حریق و یا از ادارات آتش نشانی دور کرده یا به هر نحو از کار بیندازد محکوم به حبس تادیبی از شش ماه تا سه سال خواهد شد. ماده ۷ ـ هرکس به قصد سو مواد منفجره در هر قسمت از ابنیه یا معابر یا دستگاهها و یا تاسیسات صنایع نفت بگذارد به حبس مجرد از دو سال تا ده سال محکوم خواهد شد. ماده ۸ ـ هرکس یکی از اعمال مذکور در مواد ۱ و ۲ را بدون سوقصد ولی بر اثر بی مبالاتی یاغفلت مرتکب شود چنانچه عمل ارتکابی موجب هلاک نفس شود محکوم به یک سال الی سه سال حبس تادیبی و در صورتی که موجب تخریب یا تعطیل قسمتی از مراکز عملیات صنایع نفت شود محکوم به شش ماه تا دو سال حبس تادیبی خواهد شد چنانچه بی مبالاتی یا غفلت موجب خرابی هرگونه اشیا و آلات و ادوات متعلق به صنایع نفت بشود مرتکب محکوم به حبس تادیبی از یک ماه تا شش ماه و نیز جبران خسارتی که از عمل او ناشی شده خواهد گردید. تبصره ـ منظور از بی‌مبالاتی اقدام به امری است که مرتکب نمی‌بایست به آن مبادرت نموده باشدو منظور از غفلت خودداری از امری است که مرتکب می‌بایست به آن اقدام نموده باشد اعم از اینکه منشا بی مبالاتی یا غفلت عدم اطلاع و عدم مهارت یا عدم تجربه یا عدم رعایت قانون یا مقررات یا اوامر یا نظامات یا عرف و عادت باشد. ماده ۹ ـ هرکس مواد محترقه یا منفجره یا اشیای دیگری را که خطرناک بودن آن اعلام شده باشد به داخل محوطه های ممنوع ببرد برای همین عمل محکوم به پرداخت جریمه از یکهزار ریال الی ده هزار ریال خواهد گردید. ماده ۱۰ ـ هرکس عمدا یا به منظور ایجاد وحشت یا اخلال در کار صنایع نفت علایم مخصوص‌اعلام خطر را بدون وجود خطر به کار بیندازد و یا اکاذیبی به منظور فوق اشاعه دهد به حبس تادیبی‌از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. ماده ۱۱ ـ هر یک از کارکنان صنایع نفت که متصدی حفظ ساختمانها یا تاسیسات یا مراقبت دستگاهها و ماشینهای حساس باشد چنانچه پست خود را ترک کند به حبس تادیبی از سه ماه تاشش ماه محکوم خواهد شد و چنانچه ترک پست موجب بروز یکی از حوادث مندرج در مواد ۱ و ۲ گردد و مرتکب واقف بر وجود این خطر بوده باشد به حبس مجرد از دو سال تا ده سال محکوم خواهد شد. ماده ۱۲ ـ هریک از مهندسین و کارکنان صنایع نفت که مسئول تعیین و سفارش لوازم و مصالح فنی‌باشد چنانچه مشخصات مواد و مصالح را عمدا در پیشنهادها و سفارش‌ها ذکر نکند و یا به طرز ناقص و غلط ذکر کند یا با فروشنده یا تهیه کننده مصالح مواضعه ای کند که بالنتیجه مصالح نامناسب یا ناقص یا معیوب تحویل شود به حبس تادیبی از سه ماه

تا شش ماه محکوم خواهد شد چنانچه درنتیجه ناقص بودن مصالح یکی از حوادث مندرج در ماده ۱ و ۲ رخ دهد مرتکب به حبس مجرد از دوسال تا ده سال محکوم خواهد شد. ماده ۱۳ ـ حکم موارد شروع به جرم و شرکا و معاونین جرم بر طبق مقررات قانون مجازات عمومی خواهد بود. ماده ۱۴ ـ هرگاه جرایم مذکور در این قانون به وسیله تبانی انجام گرفته و عمل منجر به یکی ازحوادث مذکور در این قانون شود روسا و آمرین جمعیت به حداکثر مجازات های مقرر در این قانون محکوم خواهند شد. ماده ۱۵ ـ هرگاه به منظور ارتکاب جرایم مذکور در مواد ۱ و ۲ جمعیتی از سه نفر به بالا تشکیل شود ولی جرمی واقع نگردد تشکیل دهندگان و محرکین برای همین عمل به حبس تادیبی از شش ماه تا دو سال و اعضای جمعیت به حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهند شد و چنانچه یکی یا بیشتر از آنها برای اجرای توطئه حامل اسلحه باشند مجازات تشکیل دهنده و محرک حبس مجرد از دو تا چهار سال و مجازات اعضای جمعیت حبس تادیبی از یک سال تا سه سال‌خواهد بود. هر یک از اعضای این قبیل دسته‌ها که قبل از وقوع جرم مقامات صلاحیت دار را ازجریان توطئه آگاه سازد از مجازات معاف خواهد بود. ماده ۱۶ ـ نسبت به جرایم مذکور در این قانون چنانچه عمل مرتکب بر طبق قوانین دیگر مشمول مجازات بیشتری باشد حکم مجازات اشد به موقع اجرا گذاشته خواهد شد. ماده ۱۷ ـ با توجه به قانون دادرسی نیروهای مسلح و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح منسوخ است ماده ۱۸ ـ هرگاه کارکنان صنایع نفت مرتکب اعمال مذکور در این قانون شوند (جز در مواردی که حکم خاص دارد) به حداکثر مجازات مقرر در این قانون مجازات خواهند شد.

قانون مجازات افشای سوالات امتحانی – مصوب خردادماه ۱۳۴۹

ماده واحده هرکس سوالات امتحانات نهایی و یا سوالات امتحانات مسابقه ورودی موسسات آموزشی را افشا کند اعم از اینکه مورد استفاده قرار گرفته یا نگرفته باشد به حبس تادیبی از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود و در صورتی که مرتکب از کارکنان دولت باشد علاوه بر مجازات مذکور به انفصال ابد از خدمات دولتی محکوم می گردد

تصویب نامه راجع به ماده (۸) قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی – مصوب ۱۳۵۳– مصوب۱

هیات وزیران در جلسه مورخ ۲۸/۳/۱۳۸۲ بنا به پیشنهاد شماره ۱۲۰۹۸ مورخ ۱۱/۳/۱۳۸۲ معاونت حقوقی و امور مجلس رییس جمهور و به استناد ماده (۸) قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی - مصوب ۱۳۵۳- تصویب نمود: ماده (۴) آیین نامه طرز نگاهداری اسناد سری و محرمانه دولتی و طبقه بندی ونحوه مشخص نمودن نوع اسناد و اطلاعات مصوب ۱/۱۰/۱۳۵۴ هییت وزیران به شرح زیر اصلاح می شود: «ماده ۴- برای تغییر طبقه یک سند یا خروج آن از طبقات چهارگانه، هر یک از سازمان ها به مقتضای وظایف و طبع کار خود دستورالعملی تهیه خواهد کرد. اگر تغییر طبقه یا خروج از طبقات به سندی مربوط باشد که از سازمانی به سازمان دیگر فرستاده شده است، اتخاذ تصمیم بر عهده سازمان ارسال کننده سند خواهد بود.» معاون اول رییس جمهور - محمدرضا عارف

قانون رسیدگی به تخلفات و جرایم در آزمونهای سراسری – مصوب ۱۳۸۴

جناب آقای دکتر محموداحمدی‌نژاد ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران لایحه رسیدگی به تخلفات و جرایم در آزمونهای سراسری که با عنوان لایحه نحوه رسیدگی به موارد تخلف در آزمونهای ورودی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور از سوی دولت به شماره ۲۵۲۷/۲۷۷۱۳ مورخ ۲۴/۱/۱۳۸۲ به مجلس شورای اسلامی تقدیم و در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ۶/۷/۱۳۸۴ مجلس با اصلاحاتی تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسید، در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون

اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست ارسال می گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حداد عادل شماره۴۴۲۷۹ ۱۶/۸/۱۳۸۴ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری قانون رسیدگی به تخلفات وجرایم در آزمونهای سراسری که در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ششم مهرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۰/۷/۱۳۸۴ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۱۴۸۴۹۴/۱۱۹ مورخ ۲۷/۷/۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می گردد. رئیس جمهور ـ محمود احمدی‌نژاد قانون رسیدگی به تخلفات و جرایم در آزمونهای سراسری ماده۱ـ منظور از « آزمون سراسری» در این قانون عبارت است از کلیه آزمون‌هایی که جنبه ملی و همگانی دارد و توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری یا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی یا وزارت آموزش و پرورش یا دانشگاه آزاد اسلامی برگزار می گردد از قبیل آزمون ورودی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور. ماده۲ـ هیأت‌های بدوی و هیأت تجدیدنظر برابر ضوابط این قانون رسیدگی به تخلفات در آزمون‌ها را بر عهده دارند. ماده۳ ـ هیأت‌های بدوی رسیدگی به تخلفات در آزمون‌ها با حکم و مسؤولیت بالاترین مقام اجرایی دستگاه برگزارکننده آزمون و با ترکیب زیر تشکیل می گردد: ۱ـ معاون ذی‌ربط دستگاه (رئیس هیأت بدوی). ۲ـ مسؤول اجرایی آزمون‌های دستگاه ذی‌ربط. ۳ـ مدیرکل حقوقی دستگاه ذی‌ربط. ۴ـ دو نفر حقوقدان به انتخاب بالاترین مقام اجرایی دستگاه برگزارکننده آزمون. ماده۴ـ هیأت تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات در آزمون‌ها با ترکیب زیر تشکیل می گردد: ۱ـ رئیس سازمان سنجش آموزش کشور به عنوان رئیس هیأت. ۲ـ یکی از معاونین یا مدیران کل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با معرفی وزیر. ۳ـ یکی از معاونین یا مدیران کل وزارت آموزش و پرورش با معرفی وزیر. ۴ـ یکی از معاونین یا مدیران کل دانشگاه آزاد اسلامی با معرفی رئیس دانشگاه. ۵ـ یک نفر حقوقدان با معرفی قوه قضائیه. ماده۵ ـ تخلفات و جرایم در این قانون مشتمل بر موارد زیر است: الف ـ ارتکاب هرگونه عملی که موجب بی‌نظمی در برگزاری آزمون گردد یا همراه داشتن هرگونه وسیله غیرمجاز از قبیل وسایل ارتباط الکترونیکی و دستگاههای حافظه‌دار. ب ـ ارتکاب هرگونه عمل خلاف مقررات که آزمون داوطلب را از نظر علمی خدشه‌دار سازد از قبیل: ۱ـ ارائه مدرک یا گواهی مجعول یا تصویر گواهی مجعول برای شرکت در آزمون. ۲ـ تبانی با داوطلبان یا افراد خارج از حوزه امتحانی یا دست‌اندرکاران آزمون از قبیل عوامل اجرایی و طراحان سؤال برای تخلف در آزمون. ۳ـ ثبت نام در آزمون با هویت مجعول یا شرکت در جلسه آزمون به جای داوطلب اصلی. ج ـ استفاده از هرگونه وسیله غیرمجاز از قبیل وسایل ارتباط الکترونیکی و دستگاههای حافظه‌دار. د ـ کمک به داوطلب خارج از ضوابط برگزاری آزمون جهت پاسخ به سؤالات. هـ ـ دسترسی غیرمجاز به اطلاعات مربوط به داوطلبان یا استفاده غیرمجاز از آنها. و ـ هرگونه تغییر غیرمجاز سؤالات، اوراق و پاسخنامه‌های داوطلبان یا سایر مدارک و دفاتر مربوط به آزمون. ز ـ افشای سؤالات آزمون یا تلاش در جهت دستیابی و افشای آن یا شرکت یا معاونت در این امر قبل یا حین برگزاری آزمون به هر نحو. ح ـ خرید یا فروش سؤالات آزمون یا پاسخ آنها یا شرکت یا معاونت در این امر قبل یا حین برگزاری آزمون اعم از اینکه سؤالات یا پاسخ آنها واقعی یا غیرواقعی باشد. ماده۶ ـ هیأت‌های رسیدگی به تخلفات، صلاحیت صدور حکم به مجازاتهای زیر را درباره متخلفان دارند: الف ـ در مورد مشمولان بند (الف) ماده (۵): اخطار کتبی با درج در پرونده داوطلب و اعلام به مراجع ذی‌ربط یا محرومیت از گزینش در آزمون همان سال. ب ـ در مورد مشمولان بند (ب) یا بند (ج) ماده (۵): محرومیت از گزینش علمی در آزمون همان سال و ابطال قبولی داوطلب در همان سال و محرومیت از شرکت در آزمون از یک تا ده سال بعد. تبصره ـ آراء هیأت‌های بدوی جز در مورد مشمولان بند (الف) ماده (۶) این قانون قابل تجدیدنظرخواهی در هیأت تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات در آزمونها می‌باشد. ماده۷ـ در مورد مشمولان بندهای (د)، (ه)، (و)، (ز) و (ح) ماده (۵) هیأت‌های رسیدگی متهم را برای رسیدگی و اعمال جزای نقدی از ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال تا یک میلیارد (۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال یا حبس از یک تا پنج سال یا هر دو مجازات به‌محاکم دادگستری معرفی می‌نمایند. ماده۸ ـ ارتکاب هر یک از اعمال موضوع ماده (۵) چنانچه در قالب عضویت در یک گروه یا

شبکه باشد موجب تشدید مجازات می‌شود و تشکیل دهنده و سرکرده گروه یا شبکه به حداکثر مجازات محکوم می گردد. مجازات هریـک از اعضاء که در ارتکاب تخلفات و جرایم فوق دخالتی نداشته باشند حسب مورد حداقل مجازات ذکر شده برای مرتکب می‌باشد. ماده۹ـ رسیدگی در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات در آزمون‌ها مانع از رسیدگی برابر سایر قوانین جزائی یا رسیدگی در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری یا هیأت‌های انتظامی اعضای هیأت علمی یا کمیته‌های انضباطی دانشجویان نیست و مرتکب علاوه بر مجازات مندرج در مواد (۶) و (۷) این قانون به مجازات مقرر در سایر قوانین و مقررات محکوم می گردد. ماده۱۰ـ در صورت محکومیت قطعی فردی به یکی از مجازاتهای مندرج در این قانون، به استثنای مجازات مندرج در بند (الف) ماده (۶)، هیأت رسیدگی به تخلفات در آزمون‌ها، قبولی وی در آزمون را ابطال می‌نماید. در این صورت مؤسسه آموزشی مربوط از صدور و اعطای هرگونه گواهی یا مدرک به وی خودداری خواهد نمود و چنانچه گواهی فارغ‌التحصیلی به وی اعطاء شده باشد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری یا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی یا وزارت آموزش و پرورش یا دانشگاه آزاد اسلامی ملزم به ابطال آن گواهی می‌باشند. ماده۱۱ـ چنانچه با بررسی‌های فنی و علمی، بین نمرات و رتبه اکتسابی داوطلبی و سوابق تحصیلی وی مغایرتهای غیر متعارف مشهود و اساسی از قبیل عدم تطابق معدل دیپلم و دوره پیش‌دانشگاهی با رتبه و نمره اکتسابی در آزمون وجود داشته‌باشد، با تأیید هیأت‌های بدوی رسیدگی به تخلفات در آزمون‌ها از داوطلب در یک یا چند درس عمومی و اختصاصی امتحان مجدد به عمل می‌آید. تعیین وضعیت نهایی آزمون این داوطلب، براساس نتایج حاصل از امتحان مجدد بر عهده هیأت‌های بدوی می‌باشد. ماده۱۲ـ هر مؤسسه یا آموزشگاه علمی و آموزشی که برای افزایش آمادگی داوطلبان شرکت در آزمون‌های مورد بحث این قانون فعالیت می کند چنانچه در تخلفات ماده (۵) مشارکت داشته باشد مجوز تأسیس آن لغو می‌شود و مدیران مسؤول آنها علاوه بر محرومیت دائمی از تأسیس و اداره این گونه مراکز به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این قانون و سایر قوانین محکوم می‌شوند و چنانچه مؤسسه یا آموزشگاه فاقد مجوز باشد مجازات مدیران مسؤول آنها حداکثر مجازات مندرج در ماده (۶) می‌باشد. تبصره ـ در مورد آموزشگاههایی که فاقد مجوز باشند علاوه بر اقدام مراجع قانونی ذی‌ربط مدعی‌العموم نیز می‌تواند راساً نسبت به اعلام جرم و پیگیری تخلفات آنان اقدام نماید. ماده۱۳ـ آئین‌نامه اجرایی این قانون ظرف دو ماه با پیشنهاد وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آموزش و پرورش و دانشگاه آزاد اسلامی تهیه شده و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. تبصره ـ ابلاغ رای در مراحل بدوی و تجدیدنظر و نیز موارد رسیدگی در محل تجدیدنظر تابع قانون آئین دادرسی مدنی می‌باشد. قانون فوق مشتمل بر سیزده ماده و سه تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ششم مهرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۰/۷/۱۳۸۴ به تأیید شورای نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل

قانون مبارزه با پولشویی – مصوب ۲۴/۱۱/۱۳۸۶

عطف به نامه شماره۳۲۱۵۶/۲۷۱۴۹ مورخ ۶/۷/۱۳۸۱ در اجراء اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون مبارزه با پولشویی که با عنوان لایحه مبارزه با جرم پولشویی به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، با تصویب در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ۲/۱۱/۱۳۸۶ و تأیید شورای محترم نگهبان، به‌پیوست ابلاغ می گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل شماره۱۹۲۷۸۸ ۷/۱۲/۱۳۸۶ وزارت امور اقتصادی و دارایی قانون مبارزه با پولشویی که در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ دوم بهمن ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۷/۱۱/۱۳۸۶ به‌تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۱۸۳۴۹۷/۲۵۸ مورخ ۲۴/۱۱/۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می گردد. رئیس جمهور ـ محمود احمدی‌نژاد قانون مبارزه با پولشویی ماده۱ـ اصل بر صحت و اصالت معاملات

تجاری موضوع ماده (۲) قانون تجارت است، مگر آن که براساس مفاد این قانون خلاف آن به اثبات برسد. استیلای اشخاص بر اموال و دارایی اگر توأم با ادعای مالکیت شود، دال بر ملکیت است. ماده۲ـ جرم پولشویی عبارت است از: الف ـ تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی با علم به این که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه ارتکاب جرم به دست آمده باشد. ب ـ تبدیل، مبادله یا انتقال عوایدی به منظور پنهان کردن منشأ غیرقانونی آن با علم به این که به طور مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از ارتکاب جرم بوده یا کمک به مرتکب به‌نحوی که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نگردد. ج ـ اخفاء یا پنهان یا کتمان‌کردن ماهیت واقعی، منشأ، منبع، محل، نقل و انتقال، جابه‌جایی یا مالکیت عوایدی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه جرم تحصیل شده باشد. ماده۳ـ عواید حاصل از جرم به معنای هر نوع مالی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از فعالیتهای مجرمانه به دست آمده باشد. ماده۴ـ به منظور هماهنگ‌کردن دستگاههای ذی‌ربط در امر جمع‌آوری، پردازش و تحلیل اخبار، اسناد و مدارک، اطلاعات و گزارشهای واصله، تهیه سیستمهای اطلاعاتی هوشمند، شناسایی معاملات مشکوک و به منظور مقابله با جرم پولشویی شورای عالی مبارزه با پولشویی به ریاست و مسؤولیت وزیر امور اقتصادی و دارایی و با عضویت وزراء بازرگانی، اطلاعات، کشور و رئیس بانک مرکزی با وظایف ذیل تشکیل می‌گردد: ۱ـ جمع‌آوری و کسب اخبار و اطلاعات مرتبط و تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی فنی وتخصصی آنها در مواردی که قرینه‌ای بر تخلف وجود دارد طبق مقررات. ۲ـ تهیه و پیشنهاد آئین‌نامه‌های لازم درخصوص اجراء قانون به هیأت‌وزیران. ۳ـ هماهنگ‌کردن دستگاههای ذی‌ربط و پیگیری اجراء کامل قانون در کشور. ۴ـ ارزیابی گزارشهای دریافتی و ارسال به قوه قضائیه در مواردی که به احتمال قوی صحت دارد و یا محتمل آن از اهمیت برخوردار است. ۵ ـ تبادل تجارب و اطلاعات با سازمانهای مشابه در سایر کشورها در چهارچوب مفاد ماده (۱۱). تبصره۱ـ دبیرخانه شورای‌عالی در وزارت امور اقتصادی و دارایی خواهد بود. تبصره۲ـ ساختار و تشکیلات اجرائی شورا متناسب با وظایف قانونی آن با پیشنهاد شورا به تصویب هیأت‌وزیران خواهد رسید. تبصره۳ـ کلیه آئین‌نامه‌های اجرائی شورای فوق‌الذکر پس از تصویب هیأت‌وزیران برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی ذی‌ربط لازم‌الاجراء خواهد بود. متخلف از این امر به تشخیص مراجع اداری و قضائی حسب مورد به دو تا پنج سال انفصال از خدمت مربوط محکوم خواهد شد. ماده۵ ـ کلیه اشخاص حقوقی از جمله بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانکها، مؤسسات مالی و اعتباری، بیمه‌ها، بیمه مرکزی، صندوقهای قرض‌الحسنه، بنیادها و مؤسسات خیریه و شهرداریها مکلفند آئین‌نامه‌های مصوب هیأت‌وزیران در اجراء این قانون را به مورد اجراء گذارند. ماده۶ ـ دفاتر اسناد رسمی، وکلای دادگستری، حسابرسان، حسابداران، کارشناسان رسمی دادگستری و بازرسان قانونی مکلفند اطلاعات مورد نیاز در اجراء این قانون را که هیأت‌وزیران مصوب می‌کند، حسب درخواست شورای عالی مبارزه با پولشویی، ارائه نمایند. ماده۷ـ اشخاص، نهادها و دستگاههای مشمول این قانون (موضوع مواد ۵ و ۶) برحسب نوع فعالیت و ساختار سازمانی خود مکلف به رعایت موارد زیر هستند: الف ـ احراز هویت ارباب رجوع و در صورت اقدام توسط نماینده یا وکیل، احراز سمت و هویت نماینده و وکیل و اصیل در مواردی که قرینه‌ای بر تخلف وجود دارد. تبصره ـ تصویب این قانون ناقض مواردی که در سایر قوانین و مقررات احراز هویت الزامی شده است، نمی‌باشد. ب ـ ارائه اطلاعات، گزارشها، اسناد و مدارک مربوط به موضوع این قانون به شورای عالی مبارزه با پولشویی در چهارچوب آئین‌نامه مصوب هیأت‌وزیران. ج ـ گزارش معاملات و عملیات مشکوک به مرجع ذی‌صلاحی که شورای‌عالی مبارزه با پولشویی تعیین می‌کند. د ـ نگهداری سوابق مربوط به شناسایی ارباب رجوع، سوابق حسابها، عملیات و معاملات به مدتی که در آئین‌نامه اجرائی تعیین می‌شود. هـ ـ تدوین معیارهای کنترل داخلی و آموزش مدیران و کارکنان به منظور رعایت مفاد این قانون و آئین‌نامه‌های اجرائی آن. ماده۸ ـ اطلاعات و اسناد گردآوری شده در اجراء این قانون، صرفاً در جهت اهداف تعیین شده در قانون مبارزه با پولشویی و جرائم منشأ آن مورد استفاده قرار خواهد گرفت، افشاء اطلاعات یا استفاده از آن به نفع خود یا دیگری به طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط مأموران دولتی یا سایر اشخاص مقرر در این قانون ممنوع بوده و

متخلف به مجازات مندرج در قانون مجازات انتشار و افشاء اسناد محرمانه و سری دولتی مصوب ۲۹/۱۱/۱۳۵۳، محکوم خواهد شد. ماده۹ـ مرتکبین جرم پولشویی علاوه بر استرداد درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم مشتمل بر اصل و منافع حاصل (و اگر موجود نباشد، مثل یا قیمت آن) به جزای نقدی به میزان یک‌چهارم عواید حاصل از جرم محکوم می‌شوند که باید به حساب درآمد عمومی نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز گردد. تبصره۱ـ چنانچه عواید حاصل به اموال دیگری تبدیل یا تغییریافته باشد، همان اموال ضبط خواهد شد. تبصره۲ـ صدور و اجراء حکم ضبط دارایی و منافع حاصل از آن در صورتی است که متهم به لحاظ جرم منشأ، مشمول این حکم قرار نگرفته باشد. تبصره۳ـ مرتکبین جرم منشأ، در صورت ارتکاب جرم پولشویی، علاوه بر مجازاتهای مقرر مربوط به جرم ارتکابی، به مجازاتهای پیش‌بینی شده در این قانون نیز محکوم خواهندشد. ماده۱۰ـ کلیه اموری که در اجراء این قانون نیاز به اقدام یا مجوز قضائی دارد باید طبق مقررات انجام پذیرد. قوه قضائیه موظف است طبق مقررات همکاری نماید. ماده۱۱ـ شعبی از دادگاههای عمومی در تهران و در صورت نیاز در مراکز استانها بهامر رسیدگی به جرم پولشویی و جرائم مرتبط اختصاص می‌یابد. اختصاصی بودن شعبه مانع رسیدگی به سایر جرائم نمی‌باشد. ماده۱۲ـ در مواردی که بین دولت جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها قانون معاضدت قضایی و اطلاعاتی در امر مبارزه با پولشویی تصویب شده باشد، همکاری طبق شرایط مندرج در توافقنامه صورت خواهد گرفت. قانون فوق مشتمل بر دوازده ماده و هفت تبصره در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ دوم بهمن ماه یکهزارو سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۷/۱۱/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی ـ غلامعلی حدادعادل

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبِیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار–ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با

برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹